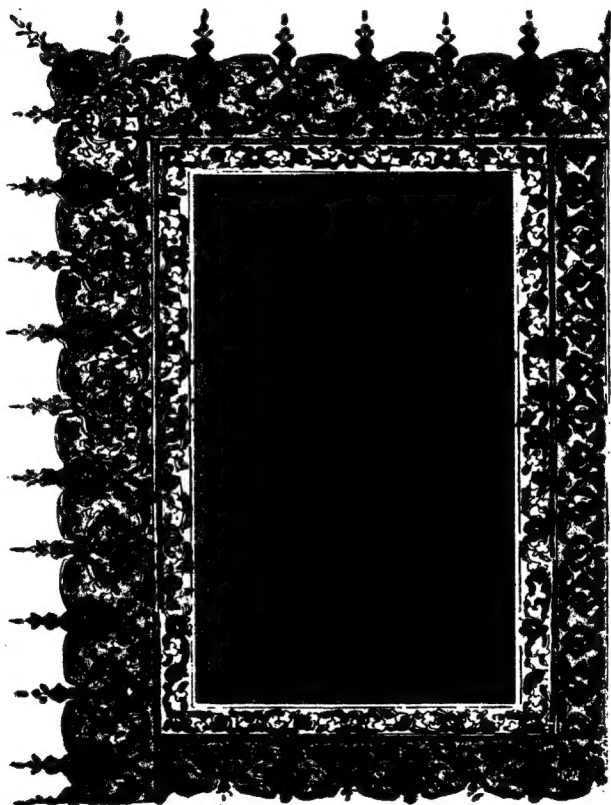


شماره داخل ✓ ۲۱۵۵
مخالف
بزرگ ب ۹



A0176

سُورَةُ الْفَاتِحَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ①
إِنَّا نَعْبُدُكَ وَإِنَّا
نَسْتَعِينُ ②
إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ③
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ
الْمَغضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الْفُتَّانِينَ ④

مَكِّيَّةٌ بِأَنَّهُ تِلْكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدای بخشنده مهربان
بنایش خدای را که پروردگار
جهانی است (۱) (آفریننده جهان است)
(۲) بخشنده و مهربان است (۳)
پادشاه روز حراست (روز کیمر نیک
و بدخلق) (۴) پروردگار! تو را می
پرستیم و از تو یاری می جوئیم و بس (۵)
تو ما را یزاد راست هدایت فرما (۶)
را آنان که بآنها اندام فرمودی (۷)
به راه آنانکه پرایشان حشم فرمودی
(مانند جهود) به راه گمراهان عالم

مَآئِنَ رَبِّكَ

سُورَةُ الْفَاتِحَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَى
لِلْفَتْحِ ۝ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ يُضْمِرُونَ
الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ۝
وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ
مِنْ قَبْلِكَ وَيَا آخِرَةَ هُمْ يُوقِنُونَ ۝

تَكْبَرُ يَا أَيُّهَا الْمَلِكُ

سورة الفرقان

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم خدای بخشنده مهربان
الم (از روز قرآن است) این کتاب
بر هیچ یک از انبیای پرمهر کلان
است آن کتابی که معیان
نیب ایمان آرند و نمازهای دادند و
از هر چه روزیشان کردند انان کنند
و آنانی که ایمان آرند با بجه خدای
تعالی بشو و بر پیغمبران پیش از تو
فرستاد و آنها خود بنام آخرت یقین
دارند

ما انزلنا و نزلنا

وَأُولَٰئِكَ عَلَىٰ مِدْيَنٍ رَّحِيمٌ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِكُونَ ۚ إِنَّ
 الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَشَدُّ زُحْمًا وَأَمْ لَمْ تُنْدِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
 ٥ ثُمَّ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ بَصَرِهِمْ غَاشِقَةٌ ۖ وَ
 لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ٦ وَمِنَ الثَّانِي مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيَا أَيُّهَا
 الْإِسْلَامُ وَمَا هُمْ بِعُتَمِينَ ٨ فَخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا
 يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ٩ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ۖ فَزَادَهُمُ
 اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۖ يُمَّا كَانُوا يَكْفُرُونَ ١٠ وَإِذْ أَفِيلَ
 لَهُمْ لَا تَقْدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا هُمْ مُضِلُونَ ١١ أَلَا أَمْرٌ
 لَهُمُ الْقَيْدُ وَلَٰكِن لَّا تَشْعُرُونَ ١٢ وَإِذْ أَفِيلَ لَهُمْ إِنِّي وَكَأ
 مِّنَ الثَّانِي قَالُوا اتَّوَيْنَا مِنَ الشَّقَاءِ ۖ أَلَا إِنَّمَا هُمْ فِي الشَّقَاءِ
 وَلَٰكِن لَّا يَعْلَمُونَ ١٣ وَإِذْ الْفَوَّالَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا
 خَلَوْا إِلَىٰ شِبَاطِنِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤْنَ ١٤ اللَّهُ
 يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ بِغَمْهُونَ ١٥ وَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ
 اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدْيِ قَنَارِجٍ يُخَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا يَهْتَدُونَ
 ١٦ مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدْنَا ۖ نَادَا فُلَانًا آصًا نَّتْمَلِكُ مَا هَؤُلَاءِ نَجَبٌ
 اللَّهُ يَبْذُرُهُمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ١٧ مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ غَنَىٰ قَوْمٍ
 لَا يَرْجِعُونَ ١٨ وَكَتَبْنَا مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَ

آمان از لطف پروردگار خویش برآه دانستند: آنها بحقیقت خود در ستکاران
 عالمند ۵ کافران را یکسانست بترسائی ایمان نخواهند آورد
 ۶. قهر خدا بر دلها و گوشهای ایشان مهر نهاده و بر دیده عاقلان
 پرده افکنده که فهم حقایق و معارف الهی را نمیکند و ایشان راست
 عذابین است ۷ و گریه می از مردم منافق گویند که ما ایمان آورده ایم
 بخدا و روز قیامت و حال آنکه ایمان نیاورده اند ۸: خواهند تاخدای
 و اهل ایمان را فریت دهنده و حال آنکه فریب ندهند مگر خود را و این
 را از سقاقت نمی دانند ۹. دلهای آنها مریض است پس خدا بر مرض
 (جهل و عناد) ایشان بیفزاید (این جمله نفیرین است بر منافقین از خدا)
 و آنها راست عذاب دردناک بدین سبب که دروغ می گویند (و با اهل ایمان
 دو رنگی و دبا و نفاق می کنند) ۱۰: و چون آنها را (مؤمنان) گویند
 که در زمین فساد میکنید پاسخ دهند که تنها ما بصلاح کارکنیم (۱۱)
 آگاه باشید که ایشان سخت مفسدند ولی خود نمیدانند (۱۲) و چون گویند
 به آنها ایمان آورید چنانکه دیگران ایمان آوردند پاسخ دهند که
 چگونه ما ایمان بیاوریم بمانند بی خردان آگاه باشید که ایشان خود
 سخت بی خردند ولی نمیدانند ۱۳: چون با اهل ایمان برخوردند گویند
 ما ایمان آورده ایم و چون حلولت با شیطانهای خود کنند گویند ما باطناً
 با شمایم حز اینکه مؤمنان را استهزاء می کنیم ۱۴: حدایه آنها استهزا
 کند (در قیامت چون ایشان را در دوزخ برند در روز از بهشت بروی ایشان
 گسایند) و آنها را در گمراهی رها کند که (دو بیابان جهل و گمراهی)
 حیران و سرگردان باشند ۱۵: ایستند که خریدند گمراهی را بجای
 راه راست پس تجارت آنها سود نکرد و راه هدایت نیافتند ۱۶: مثل
 ایشان مثل کسی است که آتش بیفزورد پس نا روشن کند اطراف خود را
 خدا آن روشنی را ببرد و ایشان را در تاریکی رها کند که (راه حق و طریق
 سعادت را) هیچ نبینند ۱۷: آمان کر و گنگ و کورند و از ضلالت خود
 بر نمیگردند ۱۸: یا مثل ایشان است که گفته شد که آتش برای روشنائی
 برافروزند پس بی نور مانند یا مثل آنان در گمراهی چون کسانیت که در
 بیابان باران تند در تادیکی رعد بر آنها ببارد و در تادیکی ورعد و

رَزَقَ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حُدُودَ الْمَوْتِ ۚ
 وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ۝ يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ
 لَهُمْ مِشْوَابٌ عَلَيْهِ وَآذَانَهُمْ عَلَيْهِمْ سَمَواً وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِهِنَّ
 وَأَبْصَارَهُمْ إِنَّا لِلَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا
 رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ الَّذِي
 جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
 فَخَرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنْتُمْ
 تَعْلَمُونَ ۝ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِوَدْعَةٍ
 مِثْلِهِ وَادْعُوا هَٰذَا أَنْكُرُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
 فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَأْزَنُوا النَّارَ الَّتِي قُودُهَا النَّاسُ
 وَالْجِبَارَةُ أَعِدَتْ لِلْكَافِرِينَ ۝ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ
 رَزَقُوا قَالُوا هَٰذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِمْ مِثْلَهَا وَلَهُمْ
 فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدِينَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ
 يَضْرِبُ مِثْلًا مِمَّا بَعُوضَةٌ فَمَّا قَوْضَتْهَا فَإِنَّمَا الَّذِينَ آمَنُوا بَعِثُوا
 اللَّهُ الْحَيِّينَ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ
 بِهَٰذَا مِثْلًا بَضِصِلْ بِهِ كَثِيرًا وَبَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا بَضِصِلْ بِهِ إِلَّا

برق آنان سرانگشت خود را از بیم مرگ در گوشها گذارند و عذاب خدا
 کافران را فرا گیرد (۱۹) نزدیک باشد که برق روشنی چشمهایشان ببرد
 آنها هرگاه روشنی بینند در آن روشنی قدم برداشته و هر وقت تاریک شد
 (حیرت زده) می ایستند و اگر خدا خواستی گوش آنها را (بیایستد)
 کرو چشم آنها را (پتایش برق) کور می ساخت که خداوند بر همه چیز قادر
 است (۲۰) ای مردم خدایی را پرستید که آفریننده شماست و آنانکه پیش
 از شما بودند باشند که (بطاعت و معرفت او) پارسا و منزّه شوید
 آن خدا یکی که برای شما زمین را گستر و آسمان را برافراشت و از آسمان
 آبی که بیرون آورد بسبب آب میوه های کوناگون تا روزی شما گردد
 پس کسی را مثل و مانند او قرار ندهید در صورتیکه می دانید خدایی مانند
 است (۲۱) و اگر شما را شکی است در قرآنی که ما بر محمد (ص) بنده
 خود فرستادیم پس بیاورید یک سوره بشکل آن و بخوانید گواهان خود را
 (و از بزرگان و فصحاء هر که را کمک خواهید) بجز خدا اگر راست
 می گوئید که این کلام مخلوق است نه وحی خدا (۲۲) و اگر این کار نکردید
 و هرگز نتوانید کرد پس طعن بقرآن مزید و بترسید از آتشی که میز مش
 مردم بدکار و سنگهای خارا است که مهیا شده برای کافران از قهر الهی
 (۲۳) بومزده ای پیغمبر کسانی را که ایمان آوردند و نیکو کار شدند یقین
 آنها راست بافتائی که جاری است در آنها نهرهای آب چون دوزی دهند
 آنها را از میوه های بهشت و روزی آماده گویند مومنین این مانند آن
 میوه هائی است که دادند ما را پیش از این (در دنیا) و هر میوه و خوردنی بر
 آنان بیاورند یکدیگر مانند است و ایشان را در بهشت جفت های پاک و
 پاکیزه است و در آن بهشت همیشه جای دید خواهند زیست بدرستی
 که خدا را شرم و ملاحظه نیست در اینکه مثل زندگی به پیشه و بزرگتر از آن
 (که مگس و عنکبوت است) پس هر مثل که آورد آفتائی که بخدا ایمان آورده اند
 میدادند که آن مثل است (از جانب پروردگار ایشان آمده و اما
 آن کسانی که کافر شدند میگویند چه مقصود خداست از این مثل بلی
 گمراه می کند به آن مثل بسیاری را و هدایت می کند بسیاری را و گمراه

نمی کند به آن مگر

الْفَاسِقِينَ ۝ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ
 يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۚ إِنَّكَ
 لَهُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ آمَوًا فَاجِبَاءً لَكَ
 مِنْهُ يَبْسُطُ كُرْسِيَّكَ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا
 فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَتَوَهَّجَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ
 هُوَ يَكْنِى عَنَّا عِلْمَهُ ۖ هُوَ الَّذِي قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ
 خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ ۚ وَ
 نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۖ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ
 وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي
 بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا
 بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۝ قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ
 بِأَسْمَاءَهُمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۖ هُوَ الَّذِي
 قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ
 وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۖ وَفَلَمَّا يَأْتِ آدَمَ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ
 وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ
 الظَّالِمِينَ ۖ هَذَا زُجُمًا الْقِطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ

فاسقانرا از آن کسانی که می‌سختند عهددار پس از آنکه محکم بستند و می‌پرداختند آنچه را که خدا امر به پیوند آن کرده است که رحم است و (خدا امر نموده بصله رحم و ایشان قلع کنند) و در زمین و میان اهل آن فساد میکنند بحقیقت ریاکاران عالم هستند (۲۷) چگونه کافر می‌شوید بخدا و حال آنکه مرده بودید و زنده کرد شما را و دیگر بار بمیراند و باز زنده کند و عاقبت بسوی او باز خواهد گشت (۲۸) وست خدائی که خلق کرد برای شما همه موجودات که در روی زمین است پس از آن قتل گماشت بحلق آسمان و هفت آسمانرا بر فراز یکدیگر پراشت و او هر چیز (و همه نظام آفرینش) دانست (۲۹) بیاد آر آنگاه که پروردگار تو ملائکه فرمود من در زمین خلیفه برگمارم ملائکه گفتند پروردگارا می‌خواهی کسانی را بگذاری که فساد کنند در زمین و چونها بریزند و حال آنکه ما خود را تسبیح و تقدیس می‌کنیم خداوند فرمود من میدانم چیزی (از اسرار حق بر) که شما نمیدانید (۳۰) و خدای عالم همه اسماء را به آدم تعلیم فرمود آنگاه فرمود آنکه احقاقیق آن اسماء را در نظر فرشتگان پدید آورد و فرمود شبر دهید مرا با اسماء ایشان اگر در آنچه دعوی شماست راست می‌گویند (۳۱) فرشتگان عرسه داشتند ایراد تو پاک و منزه می‌مانید انیم چیزی جز آنچه بخود بما تعلیم فرمودی توئی دانا و حکیم (۳۲) خداوند فرمود ای آدم ملائکه را بحقاقیق این اسماء آگاه ساز پس چون آدم ملائکه را بدان آگاه ساخت خدا بملائکه فرمود نگفتم شما من میدانم غیب اسماءها و زمین را و میدانم هر آنچه را که آشکار و پنهان دارید (۳۳) و چون گفتیم فرشتگان را که سجده کنید بر آدم همه سجده کردند مگر شیطان که باو تکبر کرد و از فرقه کافران گردید (۳۴) گفتیم که ای آدم تو با جفت خود در بهشت را بگن و می‌زحمت حایگزین و بخورید از اطعمه بهشت از هر چه میخواهید و نزدیک نشوید باین درخت (کدم یاسیب) که اگر نزدیک این درخت شوید از حمله ستمکاران خواهید بود (۳۵) پس شیطان آدم و حوا را بلعز غراف کند و حورند از آن درخت (گندم) و بدین عسیان هر دو را از آن بهشت بر نعمت بیرون کردیم و گفتیم به آدم و حوا فرود آئید از بهشت

[illegible]

که برخی از شما برخی را دشمنید و شما را در زمین آرامگاه و آسایش
 خواهد بود تا روز مرگ (۳۶) پس آدم از خدای خود کلماتی آموخت (آن
 کلمات سبب پذیرفتن توبه او گردید) (اسماء پنج تن) که خداوند توبه
 پذیر و مهربان است (۳۷) گفتیم فرود آئید از بهشت همه شما را (آدم حوا
 و شیطان) تا آنکه از جانب من را نعمائی بسوی شما آید پس هر کس پیروی کند
 را نعمای مرا هرگز (در دنیا و آخرت) بیهناک و اندوهگین نخواهد گشت
 (۳۸) و آنها ای که کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را آنها البته اهل
 دوزخند و در آتش آن همیشه معذب خواهند بود (۳۹) ای بنی اسرائیل
 یاد آرید از نعمتهائی که بشما عطا کردم و وفا کنید بهید من تا به بعد شما
 و فاکم و از (شکستن پیمان) من بربخیزد (۴۰) و ایمان آورید
 به قرآن که فرستادم در حالتی که آن قرآن توریة شما را تصدیق می کند
 و نباشید اول کافر بآن قرآن و نفروشد آیات مرا بی هائی اندک و از هر
 من بپرهیزید (۴۱) و حقرا بیاطل مشبه نکنید تا حقیقت را پنهان سازید
 رسولی که بحقیقت آن واقفید (۴۲) و نماز بپای دارید و زکوة بدهید
 و با خدا پرستان حق را پرستش کنید (۴۳) چگونه شما که مردم را بنیکوکاری
 دستور می دهید خود فراموش می کنید در صورتی که شما کائنات خدای
 را می خوانید حرا تمقله و اندیشه در آن نمیکنید (تا گفتار نیک در در را)
 بمقام کردار آرد (۴۴) از خدا بجز و نماز یاری جوید

چه آنکه امر نماز در دین سخت مهم و برتر است خواهد
 بود و کاری دشوار است مگر برخدا پرستان (۴۵) آن کسانی که میدانند
 که در پیشگاه حضرت پروردگار حاضر خواهند شد و بدرگاه عزتش
 رجوع خواهند کرد (۴۶) ای بنی اسرائیل یاد کنید از نعمتهائی که بشما
 عطا کردم و اینکه تفضل دادم (ب نعمت کتاب و رسول) شما را بر تمام اهل عالم
 (۴۷) و پی رسید از روزی که هیچ جزا داده نشود شخصی بجای شخص
 دیگر و هیچ پذیرفته نشود شفاعت کسی درباره دیگری و فدائی عوض
 شخص نخواهند گرفت و هیچ یاری کننده و فریادری در آن روز نخواهد
 بود (۴۸) و ییاد آورید هنگامی که نجات دادم شما را از ستم فرعونیان

سورة العذاب يذيقون أبناءكم وبنتكم وذالك
بلاء من ربكم عظيم ﴿١﴾ وإذ فرغنا بكم البصر فاجتبناكم وأفرقنا
الفرعون وأنتم تنظرون ﴿٢﴾ وإذ أوعدنا موسى ربعين ليلة
ثم اتخذنا العجل من بعده وأنتم ظالمون ﴿٣﴾ ثم عفوًا عنكم من
بعد ذلك لعلكم تشكرون ﴿٤﴾ وإذ أتينا موسى الكتاب و
الفرقان لعلكم تهتدون ﴿٥﴾ وإذ قال موسى لقومه يا قوم انكروا
ظلمتكم أنفسكم يا أيها الذكور العجل فتوبوا إلى بارئكم فاقبلوا انفسكم
ذالك خير لكم عند بارئكم فتاب عليكم إنه هو التواب الرحيم ﴿٦﴾
وإذ قلتم يا موسى لن نؤمن لك حتى تروى لنا جهره فآخذ نكروا
الصاعقة وأنتم تنظرون ﴿٧﴾ ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم
تشكرون ﴿٨﴾ وظللنا عليكم الغمام وأنزلنا عليكم المني والتلوي
كلوا من طيبات ما رزقناكم وما ظلمونا ولكن كانوا أنفسهم
يظلمون ﴿٩﴾ وإذ قلنا ادخلوا هذه القرية فكلوا منها حيث
شئتم رغداً وادخلوا الباب سجداً وقولوا حطة نغفر لكم
خطاياكم وسنزيد المحسنين ﴿١٠﴾ فبدل الذين ظلموا قولا غير
الذي قيل لهم فانزلنا على الذين ظلموا من السماء ماء فكانوا
يفسقون ﴿١١﴾ وإذ استغنى موسى لقومه فقلنا اضرب بعصاك

که از آنها در شکنجه سخت بودید تا بآن حد که پسرهای شما را میکشند و زنانتان را برای کنیزی می گذاشتند و این سختی بلا و امتحانی بزرگ بود که خدا شما را بدان می آزمود (۴۹) بباد آرید وقتی که برای نجات شما از ستم فرعونیان دریا را شکافتیم و فرعونیان را در آن غرق کردیم و شما حال غرق و هلاکت آنها مشاهده می کردید (۵۰) و باد آر وقتی را که بموسی (برای نزول توریه) حمل شب و عده دادیم پس (در غیبت او) شما گوساله پرستی اختیار کردید و دستم کار و بیداد گردید (۵۱) پس بختیدیم شما را و گذشتیم از گناه شما بعد از چنین کار زشت که شاید از این بیعدسیا و شکر نعمت عدا بجای آرید (۵۲) و باد آرید وقتی که برای هدایت یافتن شما بموسی کتاب و فرقان عطا کردیم باشد که براه حق هدایت یابید (۵۳) و باد کنید وقتی را که موسی ب قوم خود گفت ای قوم من شما محققا ظلم بنفس خود کردید که گوساله پرستی اختیار نمودید پس توبه کنید بسوی خدا و بکفر حیالت خود بکشتن یکدیگر تیغ کشید این در پیشگاه خدا بهتر کناره عمل شما است و توبه شما را پذیرفت که خدا توبه پذیر و مهربان است (۵۴) و بخاطر آرید وقتی را که گفتید ای موسی ما بتو ایمان نمی آوریم تا اینکه خدا را آشکارا به بینیم پس شما را صاعقه آتش در گرفت و آنحال را بچشم خود مشاهده نمودید (۵۵) پس برانگیختیم شما را بعد از مرگ که شاید خدا را شکر گذارید (۵۶) و قرار دادیم برای شما ابرار را بیان و فرستادیم (من و سلوی) را (گفتند مرغ بریان و ترنجبین مراد است) و گفتیم بخورید از این روزیهای پاک و پاکیزه که بشما دادیم و (شکر این نعمت را که بجا نیاوردند) نه بمایلکه بنفس خود ستم کردند (۵۷) و بباد آرید وقتی که گفتیم داخل شوید باین قریه (بیت المقدس) و از آن هر چه میل دارید بخورید که فراوان و بی زحمت برای شما مهیا است و از آن درسجده کنان داخل گردید و بگوئید خدایا بیخشما را تا از عطا ی شما در گذریم و بن ثواب نیکو کاران بیفزائیم (۵۸) پس از آن ستمکاران حکم خدا را تبدیل بغیر آن نمودند ما نیز عذایی سخت از آسمان فرستادیم بکفر بدکاری و نافرمانی ایشان (۵۹) و باد آرید وقتی را که موسی برای قوم خود بجهتجوی آب برآمد و ما باو دستور دادیم که صای خود را بر سنگ زن

الْحَجَرُ مَا نَحْمَرُهُ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَمْتًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ شَرَّهُمْ
 كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ
 وَإِذْ قُلْنَا لِمُوسَى أَنْ قَصِّرْ عَلَى طَهَارٍ وَإِذْ قَالَ لَنَا رَبِّكَ
 تَجْزِئُ لَنَا مَا تُلْقِي الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَاقِهَا وَفُومِهَا وَ
 عَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ
 خَيْرٌ أَمْ بَلْ لَا تُفْقَهُونَ إِذْ قُلْنَا سَلِّمْ وَعَافِيَّتُكَ عَلَيْهِمْ الذِّلَّةُ
 وَالْمَسْكَنَةُ وَبَآؤَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ
 بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا
 يَعْتَدُونَ ﴿١٠﴾ إِنَّ الدِّينَ أَمْرٌ أَلِيمٌ هَادُوا وَالتَّصَادَى وَ
 الصَّابِئِينَ مِنَ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ
 عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١١﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ
 وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ
 لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٢﴾ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ قَلْوٌ لَأَفْضَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 وَرَحْمَتُهُ لَكُمْ مِنْ الْخَاسِرِينَ ﴿١٣﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الدِّينَ اعْتَدُوا
 مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٤﴾ فَجَعَلْنَا مَا
 تَكَلَّأْتُمْ بِهِمْ يَدَيْهَا وَمَآخِلُهَا وَمُوعِظَةً لِلتَّقِيِّينَ ﴿١٥﴾ وَإِذْ قَالَ
 مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَجِدُ مَا

پس دوازده چشمه آب از آن سنگ بیرون آمد و هر سبطی را آب بخوردی
معلوم گردید و گفتیم که بخورید و بباشامید از آنچه خداوند روزی شما
کرد و در روی زمین بنا بکاری و فساد کردن بر نخیزید (۹۰) و یاد آرید
وقتی را که به موسی اعتراض کردید که مایک نوع طعام صبر نخواهیم کرد
بخواب از خدای خود که بیرون بیاورد از برای ما نباتاتی که از زمین بر
می آید مانند (خیار و سبزو عدس و پیاز) موسی گفت چرا تقاضای چیز پست
می کنید بجای چیزهای نیکو؟ و آید بشهر مصر که از برای شما هر
چه خواهید مهیا است (و مقدر و حتم شد بر یهود چون چنین رفتار کردند
ذلت و خواری و مسکنت و گرفتاری و بر خود گرفتند یهود غضب و خشمی
از خداوند) چون باز خود سری کردند بر آنها خواری و مذلّت ضرر و مقدر
گردید و بخش خدا دوباره گرفتار شدند چون به آیات خدا کافر گشتند
و انبیا را بناحق کشتند و راه نافرمانی و ستمکاری پیش گرفتند (۹۱)
محققا هر مسلمان و یهود و نصاری و ستاره پرست که از روی حقیقت ایمان
بخدا و روز قیامت آورد و عمل خوب کرد آنها از جانب پروردگار با جبر و
توابع دست و هیچگاه (در دنیا و عقبی) بینناک و اندوهگین نخواهند بود
(۹۲) و یاد آرید وقتی را که از شما نبی اسرائیلیان پیمان گرفتیم و بلند
کردیم بالای سر شما کوه طور را (که سخت تر از آن شدید) و دستور دادیم
که احکام توریّه را با قوت ایمان یاد گیرید و بخاطر سپارید احکام و
اوامر آن کتاب را باشد که پاکیزه و پارسا گردید (۹۳) بعد از آن عهد
و میثاق از حق روی گردانیدید و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما
نمی بود که مهلت داد شما را تا توبه کنید هر آینه سخت از جمله زیانکاران
بودید (۹۴) این واقعه را محققا دانسته اید که آن گروه را که در حکم روز
شنبه عیان و تمّدی کردند مسخ کردیم و گفتیم بوزینه ای خود را نده از
درگاه (قرب و مقام انسانیت) و این عقوبت مسخ را عذاب آنها و عبرت
افسوس آنها گردانیدیم و پند برای پرهیزکاران (۹۵) و یاد آرید وقتی
را که موسی قوم خود گفت هر آینه خدا امر میکند شما را باین که بکشید
گاوهای را قوم او پاسخ دادند او را که ما را

مُرُوا قَالُوا اَعُوذُ بِاللّٰهِ اَنْ اَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِيّينَ قَالُوا اِنَّمَا اَدْعٰى لَكَ
 رَبَّكَ يَبْنَونَ لَنَا مَا مَحِيٌّ قَالُوا اِنَّهُ يَقُولُ اِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا
 يَكْرَهَوْنَ بَيْنَ ذَلِكَ فَاَفْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ قَالُوا اِنَّمَا اَدْعٰى لَكَ رَبَّكَ
 يَبْنَونَ لَنَا مَا لَوْ هِيَ اِنَّهُ يَقُولُ اِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِيعٌ لَوْ هِيَ
 تَشْرٰى النَّاطِرِينَ قَالُوا اِنَّمَا اَدْعٰى لَكَ رَبَّكَ يَبْنَونَ لَنَا مَا مَحِيٌّ اِنْ اَبْعَثَ
 رَبَّنَا بِهٖ عَلَيْنَا وَآتَانَا اِنْ شَاءَ اللّٰهُ لَمُهْذِبُوْنَ قَالُوا اِنَّهُ يَقُولُ اِنَّهَا
 بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْاَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيْهَا
 قَالُوا اَلَا اِنَّ جَنَّتْ بِأَيْحٰى قَدْ هَوَمَآ وَمَا كَادُوْا يَفْعَلُوْنَ وَاِذَا
 قُلْتُمْ نَفْسًا قَادَرًا فَرَفِئَهَا وَاللّٰهُ غَرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ فَلَمَّا
 اٰخِرُ يَوْمٍ يَبْعَثُهَا كَذٰلِكَ يَجْجِي اللّٰهُ الْمَوْتَ وَبُرِيْكَرًا بِلَآلِهٖ لَعَلَّكُمْ
 تَعْلَمُوْنَ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوْبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ فَاَنتُمْ كَآفِرَةٌ اَوَّ
 اَسَدٌ قُوَّةً وَاِنْ مِنْ اِيْجَارَةٍ لِّمَآ يَشْفَعُ مِنْهُ الْاَلَهَآءُ وَاِنْ مِنْهَا
 لِمَآ يَشْفَقُ فَنُخْرَجُ مِنْهُ الْمَآءُ وَاِنْ مِنْهَا لِمَآ يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ
 مَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْلَمُوْنَ اَفَلَمْ تَعْمَلُوْا اَنْ يُؤْمِنُوْا بِالْكَرَةِ وَقَدْ
 فَرَّقَ مِنْهُمْ لِيَمْعَمُوْنَ كَلَامَ اللّٰهِ لِيُخْرِجُوْهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوْهُ وَهُمْ
 يَحْلَمُوْنَ وَاِذَا الْقَوَّالُوْنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَلَمَّا وَاِذَا حُلَا بَعْضُهُمْ اِلَى
 بَعْضٍ قَالُوْا اَتَّخَذَ ثَوْنَهُمْ مِّمَّا فَعَّ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ لِيُخَاجَزُوْهُ بِهِ عَنْ رَبِّكُمْ

استهزایمکنی (بدست آوردن قائل با گفتن گاوجه تناسب دارد) موسی گفت پناه میبرم بخدا که سخن بشنوی و استهزا گویم چه این کار مردم نادان است (۶۷) قوم موسی گفتند از خدا بخواه که معین فرماید چگونگی و خصوصیات گاوها موسی گفت خدا میفرماید گاوی باشد نه پیر از کار افتاده و نه جوان کار نکرده بلکه میانه این دو حال باشد اکنون که تعیین شد آنچه مامورید بجا آرید (۶۸) باز قوم بموسی گفتند از خدا بخواه که رنگ آن گاو را نیز معین فرماید موسی جواب داد خدا میفرماید گاو زرد زردی باشد که رنگ آن بینندگان را فرح بخش است (۶۹) باز گفتند از خداوند بخواه چگونگی آن گاو را برای ما خوب روشن گرداند که آن هنوز بر ما مشبه است چون دفع اشتباه ما شود البته اطاعت کرده) بخواست خدا راه هدایت پیش گیریم (۷۰) موسی گفت خدا میفرماید آن گاو هم آنقدر رام نباشد که زیر شیار کند و آب بکفتزار دهد و هم بی عیب و پیکر نیک باشد قوم گفتند اکنون حقیقت را روشن ساختی و گاوی بدان اوصاف گفتند لیکن نزدیک بود در این امر باز نافرمانی کنند (۷۱) بیاد آرید وقتی که نفسی را کشید و یکدیگر را در موضوع آن قتل متهم کرده و کشمکش برپا کردید و خداوند دازی که پنهان میداشتید آشکار فرمود (۷۲) پس (دستور داده شد که) پاره از اعضای آن گاو را بر بدن کشته زید آنگاه بنگرید که اینگونه خداوند مردگان را زنده خواهد فرمود و بر شما آیات قدرت خویش را نمودار گرداند (که قدرتش با سیلاب عادی منوط نیست) (۷۳) پس با اینهمه سخت دل کشید که دلها تان چون سنگ با سخت تر از آن شد چه آنکه پاره از سنگهاست که نهرهای آب از آن میجوشد برخی دیگر سنگها بشکافد و هم آب از آن بیرون آید و پاره دیگر از ترس خدا فرود آیند و ای نگهبانان بروج برسی که خدا غافل از کردار شما نیست (۷۴) آیا طمع دارید که یهودان بدین شما بگروند در صورتیکه گروهی از آنان کلام خدا را شنیدند و بدلتخواه خود تعریف میکنند با آنکه در کلام خدا متقل کرده و مبنی آنها کاملاً دریافتند (۷۵) و هر وقت با اهل ایمان ملاقات کنند گویند ما تشنگیم نیز ایمان آورده ایم چون خلوت کنند با یکدیگر گویند چرا دین که از علوم خدا برای شما گشوده بروی مسلمانان باز کنید تا کمک همان علوم (و ادله رسالت پیغمبر خاتم) با شما مواجه و خصومت کنند

أَقْلًا يَعْقِلُونَ ٧٧ أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ
 ٧٧ وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنَّهُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ
 ٧٨ قَوْلُ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ يُرِيدُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ
 اللَّهِ لِيُشْرُوا بِهِ ثُمَّ لَا يُحْلِلُونَ لَهُمْ أَنْ يَكْتُمَ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ لَهُمْ بِمَا كَتَبَ أَفْهَمُوا وَوَيْلٌ
 لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ ٧٩ وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً
 قُلْ أَتَأْخُذُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا أَفَلَنْ يَخْلُفَ اللَّهُ عَهْدَهُمْ فَيَنْقُضُوا عَهْدَهُمْ فَيَكُونُوا مِنَ الْمَفْضُولِينَ ٨٠
 اللَّهُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٨١ كُلٌّ مِنْكُمْ شَيْعَةٌ وَآخِطَةٌ بَيْنَهُمْ لِيُبَلِّغَنَّكُمْ
 قَوْلَ إِلَهِكُمْ مَا جَاءَ لَكُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٨٢ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ٨٣ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ
 لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٨٤ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٨٥ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٨٦ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٨٧ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٨٨ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٨٩ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٩٠ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٩١ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٩٢ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٩٣ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٩٤ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٩٥ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٩٦ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٩٧ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٩٨ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ٩٩ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْبَيْعَ لِيُتْلَىٰ مِنْكُمْ
 هَؤُلَاءِ عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ ١٠٠

چرا راه عقل و اندیشه نمی‌پوید ۷۶: آیا نمی‌دانند که خدا می‌داند
 هر چه را پنهان داشته و هر چه را آشکار سازد ۷۷: و بعضی عوام یهود
 که چیزی نپاموخته و نوفتن نتوانند و توریه را جز آمال و آرزوی باطل
 خود نه پندارند و تنها پایست خیالات خام و پندار یهوده خویشند (۷۸)
 پس وای بر آن کسانی که چیزی بنام کتاب توریه از پیش خود نوشته‌اند نگاه
 بعدای مثال نسبت می‌دهند تا آنرا بهای اندک (و متاع ناچیز دنیا)
 بهروشنی وای بر آنها از آنچه نوشته و عمر به حصول بدان کسب میکنند
 (۷۹) و یهود گفتند که مبعوقت خدا ما را در آتش عذاب نکند جز چند
 روزی محدود (هفت روز یا چهل روز) بگو با آنان آیا بر آنچه دعوی
 میکنید عهد و پیمانی از خدا گرفته‌اید که آن عهد مسلم بیاید و هرگز
 تعلف نکند یا چیزی بخیال جاهلان خود بخدا نسبت میدهند (۸۰)
 آری هر کس اعمالی زشت اندوخت و کردار بد باو احاطه نمود چنین
 کس اهل دوزخ است و در آن آتش عذاب جاوید گرفتار باشد (۸۱) و
 آنهایی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند آنان اهل بهشتند
 و در بهشت جاوید همیشه منتهم خواهند بود ۸۲: و یاد آید هنگامی را
 که از بنی اسرائیل عهد گرفتیم که بجز عداوت زان بر ستید و نیکی کنید در
 پانصد و ماد و سی و شان و پشیمان و فقیران و بزرگان خوش بامردم تکلم کنید
 و نماز بپای دارید و زکوة مال خود بدهید پس شما (عاینه یهود) عهد
 شکسته و روی گردانیدید بجز چند نفری و شما فید که از حکم و عهد خدا
 بر گفتید (۸۳) و بیاد آرید هنگامی که عهد گرفتیم از شما که خون
 یکدیگر نریزید و یکدیگر را از غایبه و دپار خود نرانید پس بر آن عهد
 اقرار کردید و گردن نهادید و شما خود بر آن گواهی می‌بخشید (۸۴) پس باین عهد
 و اقرار باز شما بهمان عوی زشت اسلاف خود می‌باشید که خون یکدیگر
 می‌ریزید و گروه ضعیف را از دپار خود بیرون می‌کنید و دپار کرداری
 وستم بر ضعیفان کشت و بهشتیان یکدیگر هستند و هرگاه اسرائیلی بگوید
 برای آزادی آنها فدیة می‌طلبید در صورتی که بحکم توریه (اعراج
 کردن آنها تا چه رسد بقتل آنها) محبتاً شما را حرام خواهند بود چرا
 بهر کسی از احکام کتاب توریه (که بفتح شما است) ایمان آورده و به
 بعضی دیگر کافر می‌شوید پس جزای چنین مردم

مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ اخْرَجْنَاهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَوْمَ الْقِيَامَةِ
يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١﴾ وَالَّذِينَ
الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَصْفَقْنَهَا عَنْهُمْ الْعَذَابُ
وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٢﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ يَدَيْهِ
بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْنَاتِ وَأَتَيْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ
أَمْ كُنَّا جَاكِرًا رَسُولُنَا لَمْ يَكُنْ لَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا فَفَقَرْنَا لَهُمْ
وَقَرِيبًا نَقْتُلُونَ ﴿٣﴾ كَذَلِكَ نَقُولُ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ
فَقَلِيلًا مِمَّا يَوْمِنُونَ ﴿٤﴾ كَذَلِكَ نَقُولُ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ
لِمَا سَأَلُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يَسْتَفِيقُوا عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ
مَا عَرَفُوا كُفْرًا يُغْنِيهِمْ عَنِ الْكَافِرِينَ ﴿٥﴾ يَلْتَمِسُ مَا اشْتَرُوا بِهٖ
أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ بَعَثْنَا أَنْ نُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ قُدْسِهِ
عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادٍ وَبَاقٍ يُغَضِبُ عَلَى الْغَضَبِ لِلْكَافِرِينَ
عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿٦﴾ كَذَلِكَ نَقُولُ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ
أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَبَكْفُرُونَ بِمَا وَدَّاهُمْ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا
مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمُ اللَّهُ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيْنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمْ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ
أَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٨﴾ كَذَلِكَ نَقُولُ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ وَتَقَفْنَا فَوْقَهُمُ الْظُورُ

بد کردار چیست بجز ذلت و خواری در زندگی این جهان و سخت ترین عذاب در روز قیامت و خدا غافل از کردار شما نیست: (۸۵) ایمان همان کسانیست که متاع دو روز دنیا را خریده و ملک ابدی آخرت را فروختند پس در آخرت عذاب آنها اندک تخفیفی نیابد و هیچکس بآنها یاری نخواهد کرد (۸۶) و هر آینه بوسی کتاب توره را عطا نمودیم و از پی او پیغمبران دیگر فرستادیم و عیسی پسر مریم را بمعجزات و ادله روشن حجت ما دادیم و او را به روح القدس قوت و توانائی بخشیدیم آیا هر پیغمبری که از طرف خداستوری برخلاف هوای نفس شما آرد از راه حسد گروهی را تکذیب نموده و جمعی را بقتل میرسانید (۸۷) آن گروه (گمراه به تمسخر) با پیغمبران گفتند دلهای مادر پرده غفلت است چیزی از سخنان شما در نمی یابد چنين نیست بلکه خدا بر آنها لعن و غضب فرمود زیرا کفر و عناد ورزیدند و در میان آنها اهل ایمان بسیار اندک بود (۸۸) و چون کتاب آسمانی قرآن از نزد خدا بسوی آنها آمد که تصدیق (توره) کتاب آنها را میکرد و با آنکه پیش از بعثت پیغمبر (ص) و نزول قرآن آنان خود بنظر او امید فتح و نصرت داشتند بر آن کسانی که کافر به آمدن پیغمبر آخر الزمان بودند پس چون آمد پیغمبر و شناختند که این همان پیغمبر موعود است بکفر از نعمت وجود او ناسپاسی کردند که خشم خدا بر کافران باد: (۸۹) بد معامله با خود کردند که بنعمت قرآن که از لطف خدا بر آنها نازل شد کافر شدند و از روی حسد راه شتمگری پیش گرفتند که چرا خداوند بفضل خویش بعضی از پندگاران خود را مخصوص گرداند و خشمی تازه علاوه بر خشم سابق از جانب خدا برای خود درخواستند و مر کافران راست عذابی حواری و زار کنند (۹۰) و چون بقوم یهود گفتند ایمان آورید بقرآنیکه حدای فرستاده پاسخ دادند که ما یثوراتیکه بجهت ما نازل شده ایمان آوردیم و بنیر توره کافر میشوند در صورتیکه قرآن حق است و تصدیق میکند کتاب آنها را بگوای پیغمبر (ص) اگر شما در دعوی ایمان بتوره راست گو بودید چرا میکشید پیغمبران گذشته را (۹۱) و هر آینه موسی برای شما معجزاتی آورد آشکار آنگاه شما گوساله پرستی اختیار کردید که سخت بآبکار و شتمگر مردمید (۹۲) و بیاد آرید وقتی را که از شما عهد گرفتیم و کوه طور را بر فراز شما بداشتیم

خذُوا مَا آتَيْنَاكَ بِقُوَّةٍ وَاسْمِعُوا آلَاؤَاسِمِعْنَا وَعَصِبْنَا وَأَشْرِبْنَا
 فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ يَسْمَأُ بِأَمْرِكُمْ يَا إِيْمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
 مُؤْمِنِينَ ١١ قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ آذَانُ السَّمْعِ فَإِنَّكُمْ لَسَمِعْتُمْ ١٢ وَلَنْ يَكْتُمُوهُ
 أَبْدًا إِيْمَانُكُمْ مَتَّ أَبْدِيَّتُهُمُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ١٣ وَلَقَدْ تَمَنَّاهُمْ
 أَنْ يَمُوتَ الْفَسَادُ عَلَى جُودِهِمْ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ أَنْ يُعْرَضَ
 الْفَسَادُ وَمَا يُعْرَضُونَ مِنْ الْعَذَابِ إِنْ يُعْرَضُوا لِلَّهِ بِصِيرٍ
 يَمَا يَعْمَلُونَ ١٤ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلْجِبْرِيلِ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ
 بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ١٥
 مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ
 اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ١٦ وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا
 يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ١٧ أَوْ كَلِمَاتٍ عَامِدَةً وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ
 مِمَّا تَنَاهَى عَنْكُمُ أَلْسِنَتُهُمْ لَا يَبُوءُونَ ١٨ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ
 مُصَدِّقًا لِمَا سَمِعُوا نَبَذَهُمْ قَوْمٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ
 وَرَأَوْا ظُهُورَهُمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ١٩ وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ
 عَلَى مُلْكٍ سَلِيمٍ ٢٠ وَمَا كَفَرْنَا بِكُمْ بَلْ لَكُمْ عُذْرٌ ٢١ كَفَرُوا
 بِعَلَمُونَ النَّاسِ النَّصْرَ وَمَا أَغْرَلْ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ مَرْسُوتٌ ٢٢

که باید آنچه فرستادیم بقوت ایمان بپذیرید و سخن حق بپذیرید. بزبان
گفتید بعلوم و بعمل ایمان کردید و از آن رودهایی شما فرشته گوساله
شد که بعدا کافر بودید بگو ای پیغمبر ایمان شما سخت شما را بکارد
و کردار زشت میگذارد اگر ایمان داشته باشید (۹۴) بگو ای پیغمبر
که اگر سرای آخرت با آن ناز و نعمت را خداوند بهما اختصاص داده
دون سایر مردم بایست بمرگ مفتی و آرزومند باشید اگر در این دعوی
دست میگوئید (۹۵) و هرگز آرزوی مرگ نکنند زیرا عذاب سخت بسبب
کردار بد و آخرت برای خود مهیا کرده اندو خدا داناست بهمشتکران
(۹۵) و بر همه کس بخوبی پیداست که طایفه یهود بعبودۀ مادی حریص تر
از مشرکند حتی از گروه مشرکان باینجهت هر یهودی آرزوی جزا رسال
میر میکند و اگر هم آرزویش بحصول پیوند مبرمز ارسال نیز او را از عذاب
خدا نرساند و خدا از کردار ناپسند آنها آگاهست (۹۶) بگو ای پیغمبر
(طایفه یهود که با جبرئیل اظهار دشمنی میکنند) هر که با جبرئیل دشمن
است با خدا دشمن است زیرا او فرمان خدا قرآن را بقلب پاک تورا نید
دز صورتیکه آن قرآن گواه راستی سایر کتب آسمانی است و هدایت
و بقارت برای اهل ایمان (۹۷) هر که با خدا و فرشتگان و پیغمبران
او و جبرئیل و میکائیل دشمن است (چنین کس محققا کافر خواهد بود)
و خداوند هم دشمن کافراست (۹۸) و ما برای اثبات پیغمبری تو آیات
و دلائل روشن فرستادیم و بجز کافران و اهل عناد کسی انکار آن دلائل
نخواهد کرد. (۹۹) چرا هر چه و بیانی که بر بستند گروهی میکنند (نه
تنها همه میکنند بلکه اکثر آنها اسلام را نخواهند آورد) (۱۰۰) و چون
پیغمبری از جانب خدا بر آنان فرستاده شد که پرستی کتاب آنها گواهی
میداد گروهی کتاب خدا را بقت سرانداختند گویی از آن کتاب هیچ
نپنداندند (۱۰۱) و پیروی کردند سخنانی را که دیوان دوقلوس سلیمان
میخواندند و هرگز سلیمان بعدا کافر نگشت لیکن دیوان همه کافر
شدند و سحر پرورد می آموزند و آنچه بر دو ملک ماروت و ماروت بیا بل
نازل گردید (پس از نوح که سحر در بین مردم زیاد بود این دو ملک
مامور شدند بزمن آیند و مردم را از حقیقت سحر آگاه نمایند و از سحر
بهران باز دارند و شیاطین آن سحر را بر مردم می آموزند که عمل کنند

مَا رُودٌ وَمَا بَعْلَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَ إِنَّمَا كُنْتُ فِتْنَةً لِمَنْ أَكْثَرُ
 فَتَبْعَلُونَ مِنْهُمَا مَا يَفْعَرُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ
 بِضَآرِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّوْنَ مَا بَصُرْتُمْ وَلَا تَنْفَعُكُمْ
 وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَائٍ وَلَيْسَ لِلشَّيْطَانِ
 فِي آفْسِهِمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَآتَقُوا لِلْمُؤْمِنَةِ
 مِنْ عِنْدِ اللَّهِ حَبْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا
 وَالْعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَانصبرُوا لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ مَا
 يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أَنْ يَتَوَلَّوْا إِلَيْكُمْ
 مِنْ خَيْرٍ مِنْ ذِكْرٍ وَاللَّهُ يُخَفِّضُ رَحْمَتَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ
 الْعَظِيمِ ۝ مَا تَنْفَعُ مِنَ آيَةِ أَوْ نَذْرٍ أَتَىٰ يَخْفَىٰ مِنْهَا الْوَيْلُ لَهَا الْوَيْلُ
 أَنْ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝ أَمْ زُيِّنَ
 أَنْ تُقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَكْفُلُ الْوُجُوهَ مِنْ قَبْلِ وَمَنْ يَبْدِلِ الْكَفْرَ
 بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝ وَكَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
 لَوِ رُذِّقُوا مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِمْ كُفْرًا وَأَحَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ
 بَعْدِ مَا بَيَّنَّ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتُوا وَاصْطَوْا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ فَإِنَّ
 اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا

یادمی‌اند و بهیچکس چیزی نمی‌آموختند مگر آنکه بدو می‌گفتند که ما ترا آزمایش می‌کنیم مبادا کافر شوی پس می‌آموختند بر دم چیز یک‌بدان میان دو شوهر جدا می‌افکند و یکی زیان نمی‌رسانیدند مگر آنکه خدا می‌خواست و چیزی نمی‌آموختند که بهیچ زیان می‌رسانید و سود نمی‌بخشد و هر آینه می‌دانستند که هر که این معامله کند در آخرت اسلایه‌ی پرده نیاید و بهیچ‌بوی خود را فروخته‌اند اگر بداند (۱۰۴) و اگر آنها ایمان آورند و پرهیزگار شوند محتقاً بهره‌ی که از خداوند نصیب آنها شود بهتر از هر چیز خواهد بود (۱۰۵) ای اهل ایمان (متکلم تکلم با پیغمبر) بکلمه (دانا) تمییز نکنید (مگوئید از ما زمایت کن) بلکه بگوئید ما را در نظر دار (لفظ دانا بزبان یهود ناسزا بود) این سخن را بشنوی (که هر کس سخن خدا را از راه عداوت نفوذ کافر شود) و بداند که کافران بمذاب سخت گرفتار خواهند شد (۱۰۶) کافران (اهل کتاب و مضرکین) هرگز مایل نیستند که شما (اهل ایمان) از رحمت خدا بهره‌مند شوید (لیکن خدا هر که را خواهد بخش و رحمت خویش مخصوص گرداند) و خدا صاحب فضل و عظمت است (۱۰۷) هر چه از آیات قرآن سخن بگوئید یا حکم آن را متروک سازیم بهتر از آن پادشاه آن پادشاهان است یا مردم نمیدانند که خدا بر هر چیز قادر است (۱۰۸) آیه می‌دانند که پادشاهی آسمانها و زمین مخصوص خداوند است شما را چیز خدا پادشاهی و پادشاهی خواهد بود (۱۰۹) آیه اراده آن دارید که شما نیز از پیغمبر خود درخواست کنید آن تقاضای بی‌جانی که بتی اسرا اهل از موسی داشتند و دشمنان گذشته و هر که ایمان را میل بکفر گرداند بر عتق او است تا گم کرده است و پناه بکفر برد (۱۱۰) پیوسته از اهل کتاب آنروزو میل دارند که ایمان شما را بکفر برگردانند (بعد از اینکه ایمان آوردید) بسبب رشک و حسدیکه بر ایمان شما برنده در طبیعت خود پس از آنکه حق را آنها آشکار گردید پس اگر از آنها بشما (سلیمان) سنی رسید متوجه کنید و در کفر و عداوت اکتفا نکنید تا جایی که فرمان خدا (چونکه اسلم) برسد (که بر حسب سلطنت وقت حاضر شود پیغمبر که سلطان امر جهان دهد و با ایشان کار زار نماید) بدستی که خدا بر هر چیز قادر و تواناست (۱۱۱) و نمازها و زکوة و صدقه و

تَقْدِرُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ غَيْرِ تَحْدِيدٍ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
 ١١ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى
 تِلْكَ آيَاتُهُمْ قُلْ مَا تَوَابَرُوا بِهَا تَكْذِبُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ١٢ بَلَى مَنْ
 أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ
 عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ١٣ وَقَالَتِ الْيَهُودُ لِنَسِيبِ النَّصَارَى عَلَى
 شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لِنَسِيبِ الْيَهُودِ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ
 كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ
 الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ١٤ وَمَنْ أَظْلَرُ مِنْ مَنْعِ مَسَاجِدِ
 اللَّهِ أَنْ يَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسِعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانُوا لَمْ
 أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي
 الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٥ وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَاقْصَمَ
 وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ١٦ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا بَشَاطَنَهُ
 بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانُونَ ١٧ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ إِذَا أَقْبَضَ عَمْرًا فَآتَمَا يَقُولُ لَهُ لَمْ يَكُنْ فَيَكُونُ ١٨ وَقَالَ
 الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ
 الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ
 لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ١٩ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ

بدانید که آنهم برای خود پیش می فرستید پاداش نیکوتر از عذاب خواهد یافت
 و بدستی که خداوند بهر کارش آگاه است (۹۹۰) و یهود گفتند هرگز
 بهیئت نرو و جز طایفه یهود و نصارا گفتند جز طایفه نصارا بگو ای پیغمبر
 که این شما را پس آرد و بی است بگو بر این دعوی برهان آورید اگر راست
 میگوئید (۹۹۱) آری کسیکه از هر جهت تسلیم حکم خدا گردد و نیکو کار
 گفت مسلم اگرش نزد خدا بزرگ خواهد بود و او را هیچ خوفی اندید و
 هیچ حزنی و اندوهی در دنیا و آخرت نخواهد بود (۹۹۲) یهود بر این دعویند
 که نصارا را از حق چیزی در دست نیست و نصارا بر این دعوی که یهود را در
 سود یکمزد و گروه در خواندن کتاب آسمانی یکسانند (یعنی هر دو طایفه
 اهل کتابند و تنها بخواهند از آن بهره مندند) اینگونه دعوایا نظیر گفتار
 و مجادلات مردمی است که از کتاب آسمانی بهره اند و خداوند در این
 اختلافات روز قیامت حکم خواهد فرمود (۹۹۳) و کست شکستگراز
 آنکه مردم را اذکر نام خدا در مساجد منع کند و در غرای آن اقسام
 و کوشش نماید چنین گروه را نشاید که در مساجد مسلمین در آیند جز
 آنکه ترسناک و بیستاک باشند این گروه را در دنیا ذلت و خواری نصیب
 است و در آخرت عذاب بسیار سخت (۹۹۴) مشرق و مغرب هر دو ملک خدا
 است پس هر طرف روی کنید بسوی خدا روی آورده اید خدا به همه جا محیط
 و هر چیز داناست (۹۹۵) گروهی بدو ع گفتند که خدا دارای فرزند است
 (حق تعالی رد گفتار ناهنجار ایشان نمود) او پاک و منزّه از آنست بلکه هر
 چه در آسمانها و زمین است ملک او است و همه فرمانبردار اویند (۹۹۶) او
 آفریننده آسمانها و زمین است و چون اراده آفرینش چیزی کند بعضی آنکه
 گوید موجود باشی بنور موجود می شود (۹۹۷) این مردم نادان افراط
 کردند که چرا خداوند با ما سخن نگوید یا اینکه چرا نمی آورد برای ما آیتی
 از آیات و معجزه های نامعجزات که موافق میل ما و مطابق درخواست ما
 باشد همینطور گفتند آنکسانیکه قبل از ایشان بودند و بت تحقیق ظاهر گردید
 ما آیات خود را بر اهل یقین (۹۹۸) ای پیغمبر ما تو را بحق فرستادیم که
 مردم را به هدایت بهیئت بفرستی و از عذاب جهنم بترسانی و تو مسئول

عَنْ أَصْحَابِ الْجَبِينِ ۚ لَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى
 حَتَّى تُلَاقِيَهُمْ فِي لِقَاءٍ مُّهِينٍ ۚ قُلْ إِنَّ مَدِيَّنِي اللَّهُ هُوَ الْهَدَىٰ وَلَئِنْ ابْتِغَيْتَ
 آمْنًا ثَمَّ بِعَدَالَتِي جَاءْتُكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ
 لَا قَصِيرٍ ۚ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ الْكِتَابِ يَسْلُوْنَ مَا كَانَ لِلْيَهُودِ وَلَا النَّصَارَىٰ
 مِنْ مُّؤْمِنِينَ يَهُودِيٍّ وَمَنْ يُكْفُرْ بِهِ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۚ يَا أَيُّهَا
 إِسْرَآئِيلُ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي آتَيْتُكُمْ عَلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ قَسَصْتُمْ عَلَيْهَا
 الْعَالَمِينَ ۚ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْعَلُ فِي قُلُوبِكُمْ نَصْرًا لِلْغَالِبِينَ
 يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنِفَعُهَا شِفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۚ وَادْعُوا
 ابْنِي إِزْرَآئِيلَ إِلَىٰ عَهْدِي بِكَلِمَاتٍ مَّا تَمَنَّوْنَ قَالَ ابْنُ جَارِءٍ لِلنَّاسِ
 إِنَّمَا مَا قَالَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَبَالُ عَهْدِي لِلَّذِينَ لَا يَدْعُونَ
 جِهَنَّمَ بِالْبَهْتِ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ آمَنُوا وَاتَّقُوا يَوْمًا مِنْ مَقَامِ إِزْرَآئِيلَ
 مَصْلَىٰ وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِزْرَآئِيلَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ تَطْعَمُوا مِنِّي لَطْفًا لِّلنَّاسِ
 وَالْعَاطِقِينَ وَالرَّكْعَ السَّجْدِ ۚ وَادْعُوا إِلَىٰ إِزْرَآئِيلَ رَبِّ اجْعَلْ
 هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ فَلَهُمْ
 وَابُورٌ لَّا يَحْزَنُونَ ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ
 عَذَابِ النَّارِ وَيُسْـَرُّ الْمَصِيرَ ۚ وَادْعُ رَفْعَ إِزْرَآئِيلَ الْوَاعِدِينَ الْبَيْتَ
 وَاجْعَلْ رَبَّنَا اقْبَلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۚ رَبَّنَا

کافران که برآه جهنم رفتند نیستی (۱۱۹) هرگز یهود و نصاری از تو
 راضی و خوشنود نخواهند مگر آنکه پیروی از این آنها کنی چنانچه بنو
 اظهار آن کنند بگوای پیغمبر را هیچ خدا بنماید یقین را بحق تنها هاست
 و ابتدا گز از عمل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آنکه طریق حق را
 یقین مدیاقی دیگر املا خدا یا مویا و تو نخواهد بود (۱۲۰) کسانی که
 کتاب بر آنها فرستادیم آنکه کتاب خوانده و حق خواندند را در مقام عمل
 نیز بجای آوردند آنان به حقیقت اهل ایمانند و آنها که بکتاب خدا کافر شدند
 نسبت بان حقیقتی نکرده اند و زیانکاران عالمند (۱۲۱) ای بنی اسرائیل
 پیاد آید نمتی که بعضا عطا کردیم و اینک شما را فضیلت و برتری دادیم
 بر همه مردم (۱۲۲) و برترید از روزیک هر کس جزای عمل خود ببیند
 کسی را بجای دیگری مجازات نکنند و از هیچ کس فدائی پذیرفته نمود
 و فداست کسی سودمند نبود و کسی را یاوری نباشد (۱۲۳) پیاد آر
 هنگامیکه خداوند ابراهیم را یاوری چند امتحان فرمود و او همه را
 بجای آورد خدا بدو گفت من ترا به پیشوائی خلق برگزینم ابراهیم
 مرض کرد این پیشوائی را بفرزندان من نیز عطا فرمائی فرمود (آری
 اگر صالح و فایسته آن باشند) که عهد من هرگز بر مردم شکنان نخواهد
 رسید (۱۲۴) و پیاد آر هنگامی که قراردادیم خانه کعبه را محل امن و مرجع امر
 دین خلق و دستور دادیم که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهیم
 از ابراهیم و فرزندش اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را از بت
 پر دازیه و از هر پلیمی پاکیزه دایم برای اینکه اهل ایمان بطواف
 و اشکاف حرم بیایند و در آن نماز و طاعت خدا بجای آورند (۱۲۵) و
 چون ابراهیم مرض کرد پروردگارا این شهر را محل امن و آسایش
 قرار ده و روزی اعلی را که بعضا و روز قیامت ایمان آوردند فراوان
 گردان (خداوند خواهش ابراهیم را اجابت کرد) و فرمود هر که با
 وجود این نعمت سیاس نگذاشت و راه کفر پیمود گرچه او را در دنیا
 اند کنی بفرمندی کنم لیکن در آخرت ناچارش مغفب باقی دوزخ گردانم
 که مکن سخت ناگوار است (۱۲۶) و وقتی که ابراهیم و اسماعیل دیوار
 حای خانه کعبه را برافراشتند و مرض کردند پروردگارا این نعمت از
 ما قبول فرمائی که دعای خلق را اجابت کنی و بپسران همه دانی (۱۲۷)

وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمَنْ ذُرِّيَّتَنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا
 مَنَاسِكَا وَنُبِّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٠﴾ رَبَّنَا وَابْنِ
 فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
 وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٠١﴾ وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِّلَّةِ
 إِبْرَاهِيمَ الْأَمْنِ سَفَىٰ نَفْسُهُ وَغَدَا ضَلْفَنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 فِي الْأَخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠٢﴾ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ
 لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٣﴾ وَوَضِعُ يَدَاكَ عَلَيْهِمْ ذِيئِهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِي إِدْنَ
 اللَّهُ اصْطَفَىٰ لَكَ الَّذِينَ فَلَا تَمُوتُونَ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٤﴾ أَمْ كُنْتُمْ
 شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن
 بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَاللَّهُ أَبَانَاكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَ
 إِسْحَاقَ الْهَادِئًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٥﴾ ذَلِكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا
 مَا كَسَبَتْ وَلَكِنْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُنْشَئُونَ عَنْكَ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿١٠٦﴾ وَ
 قَالُوا كُونُوا هَودًا أَوْ نَصَارَىٰ تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا
 وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٧﴾ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَ
 مَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَنْبِيَاءِ
 وَمَا أَوْفَىٰ مُوسَىٰ عِيسَىٰ مَا أَوْفَىٰ النَّبِيُّونَ مِن نَّبِيِّيٍّ لَا تَفَرَّقْ
 بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٨﴾ فَإِنِ امْتَوَاعِيلَ مَا اسْتَمْتُمْ بِهِ

ابراهیم و اسماعیل عرض کردند پروردگارا اول ما را تسلیم فرمان خود گردان و فرزندان ما را هم به تسلیم و رضای خود بهار و راه پرستش و طاعت را بما بنما و بر ما (وظیفه بندگی را) سهل و آسان گیر که تنها تویی بخشنده و مهربان (۱۲۸) پروردگارا فرزندان ما را شایسته آن گردان که بر انگیزی از میان آنان رسولی که بر مردم تلاوت آیات تو کنند و آنانرا علم کتاب و حکمت بیاموزند و روانشانرا از هر نادانی و زشتی پاک و منزّه ساز تنها تویی که در عالم هر کار خواهی بر آن قدرت و علم کامل داری (۱۲۹) هیچکس از آئین پاک ابراهیم روی نگرداند بجز تا کس و مردم بیخرد زیرا ما ابراهیم را در دنیا بفرف رسالت برگزیدیم و البته در آخرت هم از شایسته گان است (۱۳۰) آنگاه گرامی گردید که خداوند با و فرمود ای ابراهیم سر فرمان خدا فرود آور عرض کرد مطیع فرمانم (۱۳۱) ابراهیم و یعقوب فرزندان خود را جمع به تسلیم بودن در فرمان خدا سفارش و توصیه نمودند بدینگونه که ای فرزندان ما خدا شما را بآئین پاک برگزید پیوسته از آن آئین پیروی کنید و تا گاه جان سپردن الّا تسلیم رضای خدا نباشید (۱۳۲) شما کی و کجا بودید هنگامیکه یعقوب را مرگ در رسید و فرزندان خود گفت که شما پس از مرگ من کرا می پرسید گفتند خدای ترا و خدای پدران تو ابراهیم و اسماعیل و اسحق را که معبود یگانه است و ما مطیع فرمان اویم (۱۳۳) آن گروه که در گذشتند هر کار نیک بود کردند برای خود کردند و شما هم هر چه کنید برای خویش خواهید کرد و شما مسئول کار آنها نخواهید بود (۱۳۴) پیوسته نصاری به مسلمانان گفتند که به آئین مادر آئید تا راه درست یا قیاسی و طریق حق یابید بگوای پیغمبر در جواب آنها که ما دین اسلام را که آئین ستوده ابراهیم است پیروی میکنیم که پاک و منزّه از شرک است (۱۳۵) بگوئید که ما مسلمین ایمان به خدا آورده ایم و به آنکسای که بر پیغمبر ما فرستاده و به آنچه بر پیغمبران گذشته چون ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان او و موسی و عیسی فرستادند و به آنچه پیغمبران از جانب خدا آوردند همه عقیده مندیم و میان هیچ یک از پیغمبران تفریق نداریم و بهر چه از جانب خداست گرویده و تسلیم فرمان او هستیم (۱۳۶) پس اگر به آنچه خدا ایمان آوردی

فَعِدَا مَعْدَا وَانْ قُولُوا اِنَّمَا نُمِ فِي شِقَايْنِ فَيَسْكُنِيكُمْ اللَّهُ
وَهُوَ التَّحْيِي الْعَلِيمُ ۝ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً
وَمَنْ لَهُ عَازِدُونَ ۝ قُلْ أَنَا جُؤْتَانِي فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ
وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ۝ قُولُوا
إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا
هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَتَأْتُمُ اللَّهَ وَتُؤْتُونَ اللَّهَ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ
شَيْءٌ عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ ذَلِكَ
أَمْرٌ فَطَنْتُ لَهَا مَا كُتِبَتْ وَلَكُمْ مَا كُتِبْتُمْ وَلَا تَسْتَلُون عَمَّا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ۝ سَبِّحُوا الثَّغَمَاءِ مِنَ الثَّالِثِ مَا وَلِيَهُمْ عَنْ قِبَلِهِمْ
الْبُكَانُوا عَلَيْهِمْ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ وَالْمُحَرَّبِ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا كَرَامَةً وَسَطًا لِيَكُونُوا مِنْهَا
عَلَى الثَّالِثِ يَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ۝ وَمَا جَعَلْنَا الْبَيْتَ
الْبَقِي كُنْتُ عَلَيْهَا إِلَّا لِيَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِنْ مَنفَعَةٍ عَلَى
عَقِبِهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا
كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالثَّالِثِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ ۝ قَدْ
فَرَى تَقَلَّبَ وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ فَتَلَوْنَا نَسْكَ قَبْلَهُ وَتَضَعُهَا قَوْلَ
وَحَسْبُكَ نَظَرُ الْبَيْتِ الْخَرَابِ وَجَبَتْ مَا كُنْتُمْ قُولُوا وَهُوَ مَعَكُمْ فَانظُرُوا

یهود و نصاری نیز ایمان آورند راه حق یافته اند و اگر از حق روی بگردانند و آئین شما نپذیرند شك نیست كه آنها بخلاف حق یعنی بر باطل خواهند بود شما دل قوی دارید كه خداوند از شر و آسیب آنها شما را نگاه میدارد چه او دعای اهل ایمان میشوند (۱۲۷) شك آمیزی خداست كه بما مسلمانان شك ظلمات ایمان و سیرت توخید بخشیده هیچ رنگی خوشتر از ایمان بخدای یكتا نیست و ما او را بی هیچ شائبه شرك پرستی میکنیم (۱۲۸) بگوای پیغمبر باهل كتاب كه شما را بامدوموضوع خدا چه جای بحث و جدال است در صورتیکه او پروردگار ما و شماست و ما مسئول کار خود و شما مسئول کردار خویش هستید نیز یک عست ما ئیم تنها ملتى كه خدا را بیکتائى شناخته و او را از روی خلوص پرستش میکنیم (۱۲۹) یا اگر شما اهل كتاب در موضوع انبیا با مسلمین بمجدل برخاسته و گوئید كه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان او بر آئین یهودیت بودند یا نصرا نیت خدا مرا می فرماید كه در جواب بگو كه شما بهتر میدانید یا خدا و كیست متمكتر از آنكه شهادت خدا را در باره اولین انبیا كتمان كند و خدا غافل از آنچه میکنید نیست (۱۳۰) آنكره پیش از پیغمبران و امتان همه در گذشتند هر چه كردند برای خود كردند و شما نیز هر چه كنید بسود خود كنید و شما مسئول كار آنان نخواهید بود (۱۴۱) مردم سفیه پیغمبر خواهند گفت چموجب آن شد كه مسلمین از قبله ای كه بر آن بودند (بيت المقدس) روی بكمبه آورند بگوای پیغمبر مشرق و مغرب خدا راست و هر كه را خواهد او برادر است هدایت كند (۱۴۲) ما هم چنان شما مسلمین را به آئین اسلام هدایت كردیم و نیز بیاراستیم باخلاق معتدلو سیرت نيكو تا گواه مردم باشید تانكى و درستى را سایر ملل عالم از شما بیاموزند چنانچه پیغمبر (ص) را گواه شما كردیم تا شما از وی بیاموزید (۱۴۳) وای پیغمبر ما قبله ای كه بر آن بودى نگردانیدیم مگر بر اینکه بیازمائیم و جدا سازیم گروهى را كه از پیغمبر خدا پیروى كنند از آنانكه بمخالفت او برخیزند و این تغییر قبله بسی گران بود جز در نظر هدایت یافتگان بخدا و خداوند اجر پایداری شما را در راه ایمان تباه نگرداند كه خدا بخلق معشوق و مهر باست (۱۴۴) ما توجه را بر آسمان باشتافا و وحى و تنبیه قبله بنكریم و البته دوى تر اقبله ایكه بدان عشتند شوى بگردانیم پس دوى كن بطرف مسجد الحرام و شما مسلمین نیز هر كجا باشید مد نماز دوى بدان جانب كنید .

وَرَأَى الَّذِينَ آتَوْا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ
بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ۝ لَكُنْ أَتَقْتِ الَّذِينَ آتَوْا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ
مَا يَتَّبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَالِيٍّ فِيهَا ۝ وَمَا بَعْضُهُمْ فِي شَايِعِ قِبْلَةٍ
بَعْضٍ ۝ لَكُنْ أَتَقْتِ أَمْوَالَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا
لَمِنَ الظَّالِمِينَ ۝ الَّذِينَ اتَّبَعْنَا لَهُمُ الْكِتَابَ بِعَرَفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ
أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ كَحَقِّ
مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُنْزِفِينَ ۝ وَلِكُلِّ وُجْهٍ مَوْمِلُهَا
فَاتَّبِعُوا الْخَيْرَاتِ أَيْمَانًا تَكُونُوا يَابِ يَكْرُ اللَّهُ جَمِيعًا ۝ إِنَّ اللَّهَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ قَوْلٍ وَهَكَ شَطْرَ
الْمُنْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ ۝ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝
وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ قَوْلٍ وَهَكَ شَطْرَ الْمُنْجِدِ الْحَرَامِ وَجِثُّ مَا
كُنْتُمْ قَوْلُوا أَوْ جُوهَكُمْ شَطْرَهُ ۝ لَيْتَ لَا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ
إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَقْصُومُهُمْ وَاحْشَوْهُمْ وَلَا تَزِغْهُمْ عَلَيْكُمْ
وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكَ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو آيَاتِنَا
إِلَّا بِنَاوِرِكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمُ مَا لَمْ
تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ۝ هَذَا ذِكْرُ نَبِيِّ ذِكْرُكُمْ وَأَشْكُرُ إِلَى لَا تَكْفُرُونَ
۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ

و گروه اهل کتاب بخوبی می دانند که این تغییر قبله بحق و راستی از جانب خداست نه بدخواه کسی و خداوند از کردار ناپسند آنها غافل نیست (۱۳۵) و توای پیغمبر (ص) محققا بدان که اگر هر قسم مجبزه برای اهل کتاب بیاوری پیرو قبله تو نبوند و تو نیز تبعیت از قبله آنان نخواهی کرد و بنشی ملل تابع قبله برخی دیگر نبوند و اگر تو (یعنی پیروان) تابع دلقو و هوسهای جاهلانه آنها شوی پیداز آنکه از جانب خدا علم و دانش یافتی در چنین صورت البته از گروه ستمکاران خواهی بود (۱۳۶) گروهی که ما بر آنها کتاب فرستادیم (یهود و نصاری) محمد (ص) و حقایق او را بخوبی میفهمند بدانگونه که فرزندان خود را ولیکن گروهی از آنان از راه عناد حق را کتمان میکنند در سورتیکه علم بان دارند (۱۳۷) حق همانست که از طرف خدا بسوی تو آمد و دیگران بر باطلند همچو شبهه بدل راه مده (۱۳۸) هر کسی را راهی است بسوی حق (یا قبله ایست در دین خود) که بدان راه یا بدو بان قبله روی آورد پس بقتایید بغیرات و مبادات که هر کجا باشید همه شما را خداوند بر سر معسر خواهد آورد و محققا خدا بر هر چیز قادر و تواناست (۱۳۹) و او از هر کجا و بسوی هر دیار پیرونشده (ای پیغمبر) روی بطرف کعبه آور چون این دستور قبله بر وجه ثواب و پامر خدا است و خداوند از کار شما غافل نیست (۱۴۰) وای رسول از هر جا و هر دیار پیرونشده روی بجنب کعبه کن و شما مسلمین هم بهر کجا بودید روی بدان جانب کنید تا مردم بصحت و مجادله بر شما زبان نکشایند جز گروه ستمکار و مماند با اسلام و از جدلو گفتگوی آنان هم اسلا نندیدید و از تائفرمانی من بترسید و فرمان من باشید تا نیست و رستم را برای شما بعد کمال دسانم و باشد که بطریق حق و ثواب راه یابید (۱۴۱) چنانکه رسول گرامی خود را فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت کند و نفوس شما را از پلیدی و آلودگی چهل و شش ساله و منزه گرداند و شما تسلیم شریعت و حکمت دهد و از او بپارزد هر چه را نمیدانید (۱۴۲) پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم پس فکر نکن من برای آید و کفران نمست نمکنید (۱۴۳) ای اهل ایمان در پی هر رفت کار خود صبر و مقاومت پیشه کنید و بذر خدا و نماز و صلوات بدهد که خدا

مَعَ الضَّالِّينَ ۖ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوَيْلَ الْمُقْبِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتُمْ أَعْلَمُ
 أَخْبَارًا وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ ۚ وَاتَّبِعُوا لِمَا يُوقِنُ مِنَ الْحُكْمِ وَاجْمَعُوا
 نَفْسَكُمْ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالْقُرَىٰ وَبَشِّرِ الضَّالِّينَ ۚ الَّذِينَ
 إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ ۚ أُولَٰئِكَ
 عَلَيْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ۚ
 إِنَّ الصَّغَا وَالْمَرْؤَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَبَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْمَرَ فَلْيَفْعَلْ
 عَلَيْهِ أَنْ يَطُوعَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرٌ أَفَانَ اللَّهُ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ۚ
 إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مَا أَتَوْا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْمُنْذِرَاتِ بَعْدِهَا
 يَتَّبِعُوا لِلثَّائِرِ مِنَ الْكُتُبِ وَاللَّكِبِ بِلَعْنَتِهِمْ اللَّهُ وَبِلَعْنَتِهِمُ اللَّاحِقُونَ ۚ
 إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّوْا أَنَّهُمْ كَانُوا لِلَّهِ أَقْرَبَ عَلَيْهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ
 الرَّحِيمِ ۚ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ
 لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ۚ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَجِدُ
 عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَلَا هُمْ يُنْقَرُونَ ۚ وَالْمُكْرَهُ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ
 إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۚ إِنَّ فِي عُلَانِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ
 اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْغُلَّابِ الَّتِي تُعْرَفُ فِي الْأَرْضِ عَلَىٰ تَفَتُّحِ
 النَّاسِ مَا أَتَىٰ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَخَسَّبَ بِهِ الْأَرْضَ وَهَدَىٰ
 مَوْجَهَا وَبَقِيَ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَفَضْرِيْفِ الرِّيحِ وَالْخَبَابِ

یاد را برانست (۱۵۴) و آن کسی را که در راه خدا کشته شده مرده نهند اید بلکه او زنده اید و لیکن همه شما این حقیقت را در نخواهید یافت (۱۵۵) و البته شمارا بسخنهای (چون ترس و گرسنگی و تشنگی و آموال و نفوس و آفات و زراعت) بیازمایم و بشارت و مژده آسایش از آن سخنهای ما بران راست (۱۵۶) آنرا که چون بحدیث سخت و ناگوار و دچار شوند سیوری پیش گرفته و گویند ما بفرمان خدا آمده و بسوی او رجوع خواهیم کرد (۱۵۷) آن گروهند که پایمان در دود عاست از جانب پروردگار و رحمت خاص و آنرا خود هدایت یافتگانند (۱۵۸) ستمی صفا و مرده از شامی دین خداست پس هر کسی حج خانه کعبه با اعمال مخصوص عمره بجای آورد با کسی نیست بر او کسی صفا و مرده نیز بجای آرد (چون قبل از اسلام مفر کین روی کوه صفا و مرده پناه را میگذاشتند مسلمانان گمان کردند ستمی در آنجا گناه است این آیه آمد) و هر کسی پناه غیر و نیکی شتاب خدا پاداشی وی خواهد داد که او بیمه امور خلق عالم است (۱۵۹) آن گروه از (علماء) اهل کتاب که آیات و ادله و احادیث را که برای هدایت خلق فرستادیم کتمان نموده و پنهان داشتند پس از آنکه برای مردم در کتاب آسمانی بیان کردیم آنها را خدا لمن میکند و جن و انس و ملائکه نیز لمن میکنند (۱۶۰) مگر آنها نیکه توبه کردند مغایر اعمال خود را و بیان کردند برای مردم آنچه را که کتمان میکردند پس توبه پذیرند و دامن پذیریم که حتم پذیرند توبه گناهکاران و نهیران بخلق آن کسانی که کافر شدند و به عقیده کفر مردند البته بر آن گروه است لعنت خدا و ملائکه و تمام مردمان (۱۶۱) همیشه در جهنم پشیمان و شکنجه اند و بر آنان تعذیب و عذاب دهند و نه بنظر رحمت بنظرند (۱۶۲) و خدا می شناسد هدای پیکاست نیست خدای مگر او که بپشتایند و مهر پاست (۱۶۳) مستحقا در عتق آسمانها و زمین و در قیامت و شیور و کشتیها که بروی آب برای انتفاع خلق به حرکت اندوآب بارانی را که خدا از بالا فرستاد تا بآن آب زمین را بسازد و در آن (و تا بود شدن گیاه آن) بگذشت کرد و نیز و غرم گردانید و در آن گیاهشن انواع حیوانات و زمین و در زمین پاشا بر هر طرف و در عتق است

الْمَحْرُومِينَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا بَأْسَ لَكُمْ بِفَعُولٍ ۝ وَمِنَ النَّاسِ
 مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ
 حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ رَىٰ لَدِينِ ظُلْمًا أَذْرَوْا الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ
 جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ۝ وَلَا تَبْرَأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِن
 الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ۝ وَ
 قَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كُوَّةً فَمَتَّعُوا بِهِمْ كَأَنزِلِ فِي أُمِّ الْكَذِبِ
 بِرُءُوسِهِمْ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِظَارِعِينَ مِنَ النَّارِ
 ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِن ثَمَرِ الْأَرْضِ حَلَالًا لَّطِيبًا وَلَا تَتَّبِعُوا
 خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُرْهُدٌ وَبُصِيرٌ ۝ وَإِنَّمَا يُأْمُرُ بِالنَّارِ
 وَالْفَحْشَاءِ وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْمَلُونَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ
 اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَنزَلَ عَلَيْهِ آبَاؤُنَا أَوَلَوْ
 كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْمَلُونَ فَنِينَ لَا يَهْتَدُونَ ۝ وَمَثَلُ الَّذِينَ
 كَفَرُوا كَمَثَلِ الذِّبْذِبِ إِذَا دُعِيَ إِلَىٰ الْإِيمَانِ لِيَلْزِمَهُ الْوَعْدَ وَيَنَازِعْكُمْ
 عَنْهُ قَالُوا لَنَبْغِيَنَّكَ وَيُنَازِعُكَ فَإِنْ رَأَوْا إِلَيْكَ صُلْحًا حَقَّهُمْ
 عَلَيْهِمْ وَاللَّبْسَةُ أَلْيَسُ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ لِيُغَيِّرَ اللَّهُ بِرَأْسِهِ
 أَصْطَفَرَ غَيْرَ بَالِغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝

که فیما بین زمین و آسمان مسخر است ادله واضح بر علم و قدرت آفریننده است در همه این امور برای عاقلان (۱۶۵) برخی از مردم نادان غیر خدا را همانند خدا گیرند و چنانکه خدا را با پست دوست داشت بآن بتان دوستی و بپزند لیکن آنها که اهل ایمانند کمال محبت و دوستی را فقط به خدا مخصوص دادند و اگر بدانند مشرکان سنگار آن هنگام که عذاب خدا را مشاهده کنند که قدرت و توانائی خاص خداست (از شر خود سخت پشیمان شوند) و عذاب خدا مشرکان را بسیار سخت است (۱۶۶) هنگامیکه بیزاری جویند رؤسا و پیشوایان باطل از پیروان خود و عذاب خدا را مشاهده کنند و هر گونه وسیله و اسباب از آنها قطع شده و هیچ رواج باطل بجا نماند (۱۶۷) آنگاه پیروان آن پیشوایان باطل از روی پشیمانی و حسرت گویند کاش دیگر باریدنیا باز میگشتیم و از اطاعت اینان بیزاری می جستیم چنانکه اینها گریه از کار ما نگشوده و از ما بیزاری جستند اینگونه خدا کردار زشت جاهلانه آنها را مایه حسرت و پشیمانی آنان کند و آنها را از عذاب آتش جهنم نجات نباشد (۱۶۸) ای مردم بخورید از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را و پیروی نکنید و سوسنهای شیطان را بدرستی که شیطان از برای شما دشمن آشکار است (۱۶۹) این دشمن است که شما دستور بدکاری و زشتی میدهد و بر آن میگمارد کسب خانی از روی جهل و نادانی بخدا نسبت دهید (۱۷۰) و چون کفار را گویند پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود و هرگز به حق و راستی راه نیافته اند (۱۷۱) و مثل کفار دوشیندن سخن انبیاء و درنگ نکردن منای آن چون مثل حیوانی است که آنرا آواز کنند از آن آواز منافی درنگ نکرده و جز صدائی نفنود کفار هم از شنیدن و گفتن و دیدن آیات حق کرونگ و کورند زیر اقل خود را کار نمی بندند (۱۷۲) ای اهل ایمان روزی حلال و پاکیزه ای که ما نصیب شما کرده ایم بخورید و شکر خدا را بجای آرید و تنها سبب او گویند اگر شما خالصی خدا را میپرسید (۱۷۳) به تحقیق حرام گردانید خدا پر شما مردار و خون و گوشت خور و هر چه را که باسم غیر خدا گفته باشند پس هر کس بخوردن آنها مستحاج شود در صورتیکه به آن تمایل نداشته و از اندازه سفرمق نیز تجاوز نکند گناهی بر او نخواهد بود که بقدر احتیاج بخورد بدرستی که خدا آمرزنده و مهربان است (۱۷۴)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا
 قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يَبْكُلُهُمُ اللَّهُ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
 اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابُ مَا أَصْبَرُ لَهُمْ
 عَلَىٰ النَّارِ ذَلِكَ بِأَنَّهُ تَوَلَّى الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ
 اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٧٦﴾ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا بُطُونَكُمْ
 وَبِلَ الْمُسْرِينَ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
 الْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ النَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي
 الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي
 الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا
 عَاهَدُوا وَآوَى الْضَّالِّينَ فِي لُبْسَاءٍ وَالصَّادِقِينَ وَحِينَ الْبَائِلِينَ أُولَٰئِكَ
 الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ
 وَالْأَنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ
 وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ مِّنْ عِزِّ
 رَبِّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٨﴾ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حُكْمٌ يَا أُولِي
 الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٧٩﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا احْتَرَأَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتَ

آنانی که (از علماء و یهود و غیره) پنهان داشتند آیاتی از کتاب آسمانی را که
 خدا در بسمت محمد (س) فرستاده بود و آنرا بهایانند فروختند جز آتش
 جهنم نصیب آنها نباشد و در قیامت خدا از خشم با آنها سخن نگوید و از
 پلیدی مسیان پاک نگرداند و هم آنانرا در قیامت عذاب دردناک خواهد بود
 (۱۷۵) آنها همان گروهند که اختیار کردند ضلالت و گمراهی را بجای
 لطف و هدایت و عذاب خدا را بجای آمرزش و رحمت چقدر بر آتش جهنم
 سخت جان و پرمطاقتند حق اینست که خداوند کتاب آسمانی را بر آستی فرستاد
 و گروهیکه در آن اختلاف و مکابره کردند در خلافتی دور از حق غولعند
 بود (۱۷۶) نیکوکاری بدان نیست که روی بجانب مشرق یا مغرب کنی چه
 این چیز بی اثری است (این آیه در پیریهود و نصاری است) لیکن نیکوکار
 کسی است که بعبادهای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران
 ایمان آورد و امانی خود را دوراء دوستی خدا بهوشاوندان و پشیمان و
 فقیران و رعکذران و گدایان بدهد و هم خود را در آزاد کردن بندگان
 صرف کند و نماز بیای دارد و زکوة مال به مستحق برساند و با هر که عهد
 بسته بموقع خود وفا کند و در کارزار و سخنی حاسم و دشمنی باشد و بوقت
 رنج و تنب سبر پیشه کند گمانیکه بدین اوصاف آراسته اند آنها به حقیقت
 راستگویان عالم و آنها پرهیزکارانند (۱۷۷) ای اهل ایمان برای شما
 حکم قصاص چنین معین گفت که مرد آزاد را در مقابل آزاد
 و بنده را بجای بنده و زن را بزن قصاص کنید و چون صاحب خون از
 قاتل که برادر دینی او است بخواهد در گذرد بدون دیه یا بگرفتن دیه
 کارست نیکو پس دیه را قاتل در کمال رضا و خوشنودی ادا کند در این حکم
 تخفیف و آسانی امر قصاص و رحمت خداوندی است پس از این دستور هر
 که از آن سرکشی کند و بقاتل ظلم و تعدی روا دارد او را عذاب سخت
 خواهد بود (۱۷۸) و قصاص برای حفظ حیوة شما است ای مردمندان تا
 مگر از قتل یکدیگر بهره ریزید (۱۷۹) دستور داده شد که چون یکی از شما
 را مردک فرارسد

إِنَّ تَرْكَ خَيْرِ الْأَوْصِيَّةِ لِلْوَالدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقٌّ عَلَى
 الْمُتَّقِينَ ۝ مَن بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأَثَمًا أَنَّهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ
 إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ مَن خَافَ مِنْ مَوْصٍ نَقًا وَآثِمًا قَاطِعٌ يَتَخَفُ
 فَلَا أَثَمَ عَلَيْهِ ۝ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ
 ۝ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ مَن كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ
 مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ مَن فَرَغَ
 تَطَوُّعًا خَيْرٌ أَوْ فَرَغَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكَ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
 شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ بَيِّنَاتٍ
 مِنَ الْهُدَى الْقُرْآنُ مَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ
 مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا
 يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ
 وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ
 أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِلِقَائِي
 يُرْسِدُونَ ۝ أَحِيلُ لَكُمْ الصِّيَامَ الرِّقَّتَ إِلَى نِيسَانٍ ثُمَّ لَكُمْ
 لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ عَلَى اللَّهِ أَنْتُمْ تَحْتَانُونَ
 أَنْتُمْ قَتَابٌ عَلَيْكُمْ وَعَقَاغُنْكُمْ قَالَانَ بِأَشْرُوهُنَّ وَابْتَغُوا

اگر دارای متاع دنیاست وصیت کند برای پدر و مادر و خویشان بقدر متعارف اینکار سزاوار مقام پرهیز کاران است (۱۸۰) پس هرگاه کسی پس از شنیدن وصیت آنرا تغییر دهد و برخلاف حقیقت رفتار کند گناه این کار بر آنهاست که عمل بخلاف وصیت کنند نه بر موسی و خداوند بهر چیز شنوا و داناست (۱۸۱) و هر کس چنین پندارد که از وصیت موسی بوارث او جفا و ستمی رفته و باصلاح آن پردازد بر او گناهی نیست بلکه ثواب کرده اگر چه باشتباه و خطا رفته باشد (چه آنکه نیک اندیشی و عدالت منظور داشته) زیرا خداوند آمرزنده گناه خلق و در حق همه مهربان است (۱۸۲) ای اهل ایمان بر شما هر روزه داشتن فرض گردید چنانکه ما هم گذشتیم نیز فرض شده و این دستور برای آنست که شما پرهیز کار شوید (۱۸۳) روزهای بشماره معین روزه دارید (تمام ماه رمضان) و هر کس از شما مریض باشد یا مسافر بشماره آن از روزهای غیر ماه رمضان روزه دارد و کسانی که نتوانند روزه داشت بزرگوار و محقق عوض هر روز غذا دهند آنقدر که فقیر گرسنه سیر شود و هر کس بر نیکی بیفزاید این بسی بهتر است برای او و بی عمل روزی داشتن شمارا بهتر خواهد بود اگر فرائد بی شمار این عمل را بدانید (۱۸۴) ماه رمضان ماهی است که نازل شده است در آن قرآن برای هدایت مردم و پادله روشن برای راهنمایی و امتیاز حق از باطل پس هر کس در پادله ماه رمضان را باید روزه بدارد و هر کس ناخوش یا در سفر باشد بشماره آن چهار روزه غوره است از ماههای دیگر روزه دارد که خداوند برای شما حکم را آسان خواسته و تکلیف را مشکل نگرفته تا اینکه عدد روز را تکمیل کرده و خدا را بظلمت یاد کنید که شمارا بدین اسلام هدایت فرموده باشد که از این نعمت بزرگ سپاسگزار گردید (۱۸۵) و چون بندگان من از دور و نزدیک من از تو پرسند بدانند که من بپای آنها نزدیک خواهم بود و هر که مرا خواند دعای او را اجابت کنم پس باید دعوت مرا (و پیغمبران مرا) بپذیرند و بمن بگویند باشد تا بمادته راه یابند (۱۸۶) حلال شد برای شما در شبهای ماه رمضان مباشرت با زنان خود که آنها جامه سترو عفاف شما و شما نیز لباس عفت آنهاستید و خدا چون دانست که شما در کار مباشرت زنان بنا فرمائی نفس خود را در ورطه گناه می افکنید لذا از حکم حرمت (مواقع در شبهای رمضان) در گذشته گناه شمارا بپذیرد از اکنون در شب رمضان رواست که با زنانها بحلال مباشرت کنید

مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَسْبَغَ لَكُمْ الْخَطُّ الْأَيْمَنُ
 مِنَ الْخَطِّ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَازِجُوا
 وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ
 يُبَيِّنُ اللَّهُ لِبَآئِهِ لِلنَّاسِ أَعْلَامَهُمْ يَقَعُونَ ۝ وَلَا تَكُلُوا أَمْوَالَكُمْ
 بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِنَا كُلُوا وَاتَّقِ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
 تُفْلِحُونَ ۝ أَنْتُمْ ثَمَلُونَ ۝ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَمْوَالِ الَّتِي
 هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ الْحُجَّ وَلِبَاسُ الْبِرِّ يَأْنِ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ
 ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مِمَّنْ اتَّقَى وَاتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ
 اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَقَالُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفْقَهُوْنَ
 وَلَا تَقْنَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْغَافِلِينَ ۝ وَقَالُوا هُمْ
 يَقْنَطُوهُمْ وَأَخْرَجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوهُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ
 الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُفَاتِلُوكُمْ فِيهِ
 فَإِنْ فَاتَلُوكُمْ فَأَقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ۝ فَإِنْ أَتَوْا
 فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَقَالُوا هُمْ حَتَّى لَا تُكُونَ فَتْنَةً وَ
 يَكُونَ الَّذِينَ لِلَّهِ فَإِنْ أَتَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ۝
 الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتِ قِصَاصٌ مِمَّنْ اغْتَدَى
 عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِمْ مِثْلَ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ

واذ خداوند آنچه مقدر فرموده بخراید و رواست که بخورید و بیاشامید تا آنگاه که غصه‌فیدی روز از سپاهی شب در سینه دم پدیدار گردد پس از آن روزه را بپایان رسانید تا اول شب و با زنان هنگام اعتکاف و مساجد مباشرت نمکنید این احکام حدود دین خداست زنهار در آن راه مخالفت مپوشید خدا اینگونه آیات خود را برای مردم بیان فرماید تا باشد که پرهیز کار شوند (۱۸۸۷) مال یکدیگر را پناحق نخورید و کار را به محاکمه قاضیان نیفکنید که بوسیله رشوه و زور پاره مال مردم را بخورید با اینکه شما پلانی دعوی خود می‌دانید (۱۸۸۸) ای پیغمبر (ص) از تو سؤال کنند که سب بد و هلاک ماه چیست جواب ده که در آن تعیین اوقات عبادات حج و معاملات مردم است و نیکی کاری بدان نیست که از پشت دیوار بخانه در آید جدا بنکار ناشایسته است (قبل از اسلام چون کسی برای حج معمر می‌شد از درب خانه اش وارد نمی‌شد تا حش تمام شود این آیه آمد) نیکی آنست که پارسا باشید و پیرکار از راه آن داخل شوید و تقوی پیشه کنید باشد که دست‌نگار شوید (۱۸۸۹) در راه خدا با آنکه بجنگ و دشمنی شما برخیزند جهاد کنید ولی ستمکار نباشید که خدا ستمگر را دوست ندارد (۱۹۰۰) با کفار و مشرکین کارزار کنید و آنان را بقتل رسانید هر کجا آنان را ببینید و از شهرشان برانید چنانکه شمار از وطن آواره گردند و قتل گری که آنها کنند سخت‌تر از جنگ است و فسادش بیشتر است و در مسجد الحرام با آنها بجنگ بر نمیزید مگر آنکه پیش دستی کنند در این صورت رواست که در حرم آنها را بقتل رسانید اینست کیفر کافران (۱۹۱۱) اگر دست از شرك و ستم بردارند از آنها در گذرید که خدا آمرزند و مهربانست (۱۹۱۲) و با کافران جهاد کنید تا قتل و فساد از روی زمین برطرف شود و همه را آمین دین خدا باشد و اگر از قتل و جنگ دست کشیدند (با آنها عدالت کنید) که ستم‌جز بر ستمکاران روا نیست (۱۹۱۳) ماه‌های حرام را در مقابل ماه‌های حرام قرار دهید و اگر حرمت آن ماه نگاه نداشته باشید و با شما قتال کنند شما نیز قصاص کنید پس هر که بجور و ستمکاری شهادت دراز کند او را بمقاومت از پای در آورید بقدر ستمی که بشمارانیده (یعنی بدل با ظلم کافران مقاومت کنید) و از خدا بترسید

وَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ۝ وَانْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا
بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَأَتِمُّوا
الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا
تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرْضِيًّا
أَوْ بَدَأَ مِنْ رَأْسِهِ فَعِذَّةٌ مِنْ صِبَاٍ أَوْ صَدَقَةٌ أَوْ تِلْكَ
فَإِذَا آتَيْتُمُوهَا فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ
فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ
فَإِنَّ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرٍ الْمُحْجِدِ
الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ الْحَجُّ
أَتَمُّهُ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَ
لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ
الزَّادِ الْقَوَى وَالْعُقُودَ بِأُولَى الْأَبَابِ ۝ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
أَنْ تَبْتَغُوا أَفْضَلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا
اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ
لَمَنِ الضَّالِّينَ ۝ ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا
اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْهَا بِكُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ
كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا

و بدانید که خدا با پر عزیز کارناست (۱۹۴) اعمال خود در راه خدا افشا
 کنید ایکن نه بعد اسراف و خود را بمهلکه خطر و بیچارگی نیفتد و
 نیکویی کنید زیرا خدا نیکوکاران را دوست می دارد (۱۹۵) همه اعمال صح
 و هر در برای خدا بی پایان رسانید و اگر ترس و شرم پیش آید فرستادن قربانی
 که کاری سهل است بجا آرید و سر متراشید تا آنگاه که قربانی شما بمحل
 ذبح برسد و هر کس بیمار باشد یا درد سز بر او عارض شود سر بتراند و از
 آن فدا کند به روزه داشتن یا سقه دادن یا کشتن گوسفند پس از آنکه ترس
 و منع بر طرف شود و هر کس از صمره تمتع به حج باز آید قربانی کند یا نه
 مقدور نیست از شتر و گاو و گوسفند و هر کس قربانی تمکن نیافت سه روز
 در حج روزه بدارد و مضرت روز هنگام مراجعت که ده روز تمام شود این
 عمل بر آن کسی است که اهل شهر مکه نباشد ای بند گیان باین احکام عمل
 کنید و از نا فرمانی خدا بترسید و بدانید که عذاب خدا سخت است (۱۹۶)
 حج در ماه های معین است (شوال ذیقعد و ده روز اول ذی حجه) پس هر که
 راجع واجب شود بایست آنچه میان زن و شوهر رواست ترک کند و کارزار و
 (مانند دروغ و مجادله و بدگویی و گفتن لا اله الا الله و بی و الله) را ترک کند و
 شما هرگز نیک کنید خدا بر آن آگاهست و توفه تقوی برای راه آخرت
 برگزید که بهترین توفه این راه تقوی است و از من بهره یزد و خدا
 ترس شوی ای صاحبان عقل و ادراک (۱۹۷) باکی نیست که شما در هنگام
 حج کسب معاش کرده و از فضل خدا روزی طلبید پس آنگاه که از عرفات
 باز گشتید در معشر الحرام ذکر خدا کنید و بیاد خدا باشید که خدا شما را
 پس از آنکه بتلاوت کفر بودید براه هدایت آورد (۱۹۸) سپس بطریقی
 که همه مسلمین باز گردند رجوع کنید بمرفات (خطاب باغنیاه قریش
 است در میان امت که به معشر الحرام نمی رفتند و از معشره منی نمی آمدند
 مانند سایر مردم) و از خدا طلب آموزش کنید که خداوند آمرزنده و
 مهربانست (۱۹۹) آنگاه که اصال حج بجا آوردید پس مانند پندان خود
 بلکه پیش از پندان خدا را یاد کنید (و هر حاجت دنیا و آخرت را از خدا
 بخواهید) یعنی مردم کوتاه نظر از خدا تمنای متاع

فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ۚ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا
 آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۚ
 أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا ۚ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۚ وَادْكُرُوا
 اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ ۚ فَمَنْ تَجَلَّىٰ لَهُ يَوْمَئِذٍ فَلَا آلَٰهُ عَلَيْهِ ۚ وَ
 مَنْ تَأَمَّرَ فَلَا أَلَّٰهُ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ
 إِلَيْهِ تُقْرُونَ ۚ وَمِنَ الثَّانِيَةِ مَنْ يُعْجِبُ قَوْلَهُ فِي الْحَمْدِ
 الدُّنْيَا وَلِيُهِدِ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قُلُوبِهِ ۚ وَهُوَ الَّذِي يُخَصِّصُ ۚ وَإِذَا
 تَوَلَّىٰ سَاحِلَ الْأَرْضِ لِيُفِيدَ فِيهَا وَبُهِلِكَ الْحَرْتُ وَالنَّسْلُ ۚ
 اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَاسَادَ ۚ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِصْرَةُ
 بِالْأُذُنِ ۚ فَتَحَبَّهَ جَهَنَّمَ ۚ وَلَيْسَ الْمَهْدِيُّ ۚ وَمِنَ الثَّانِيَةِ مَنْ يَسْتَرْجِي
 نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۚ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ ۚ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلَاقَةِ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ
 إِنَّهُ لَكَرُءٌ عَذُوبٌ ۚ فَإِنْ رَأَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ
 فَاغْلُوبُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ رَحِيمٌ ۚ فَاسْتَظْهِرُوا ۚ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ
 فِي ظُلُمٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ ۚ وَاللَّهُ مُرْجِعُ
 الْأُمُورِ ۚ فَاسْتَظْهِرُوا ۚ كَذَلِكَ آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَاتِهِ بَيِّنَاتٍ ۚ وَمَنْ
 يَبْدُلْ نَفْسَهُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۚ

دنیوی تنها کنند و آنان از نعمت آخرت نصیبی نیست. (۴۰۰) بعضی دیگر گویند بارخدا یا مارا از نعمتهای دنیا و آخرت هر دو بهره مند گردان و از شکنت. آتش دوزخ نگاهدار (۴۰۱) هر يك از این دو فرقه از نتیجه اعمال خود بهره مند خواهند گشت و خدا بحساب همه زود رسیدگی کند. (۴۰۲) خدا را یاد کنید بذکر تکبیر به دوازده نماز (خصوص) در چند روزی همین (یعنی ایام تشریق) و باکی نیست که در روز حرکت از صحرا منارا مقدم یا مؤخر دارد آنکس که از هر گناه پرهیز کار بوده و از خدا بترسید و بداند که بسوی خدا باز خواهد گشت (۴۰۳) بعضی مردم مانند (اخس بن شریق که یکی از منافقان بود) از گفتار دلفریب خود تورای شکفت آرند که از چرب زبانی و دروغ بیجا دنیایمند و از نادوستی و نفاق خدا را بر راستی خود گواه گیرند و این یکی بدترین دشمن اسلام است (۴۰۴) چون از حضور تو دور شود کارش افساد است بکوشد تا اصل خلق بیاد فساد هدوئل پسر رافلع کند و خداوند مفسدان را دوست ندارد و هرگز در مشیت ازلی نخواست که فساد کنند (۴۰۵) چون او را باند زرو نصیحت گویند از خدا بترس و ترک فساد کن فرور و حیرد پسندی او را بر بدکاری برانگیزاند که نصیحت نشنود جهنم او را کنایات کند که بسیار آرامگاه بدیست (۴۰۶) بعضی مردانند (مراد علی (ع) است) که از جان خود در راه رضای خدا در گذرند (مانند شبی که علی (ع) بجای پیغمبر (ص) رستخوابید) و خدا دوستدار چنین بندگانست (۴۰۷) ای اهل ایمان همه متفقا نسبت باو امر خدا در مقام تسلیم در آئید و از سوا سب فرقه آور شیطان پیروی مکنید که او همانا شما را دشمنی آشکار است (۴۰۸) پس اگر باز براه خطارتقتید با وجود آنکه ادله روشن از جانب خدا بر اید اعمنائی شما آمد در این صورت بدانید که خدا بر انتقام خطاکاران توانا و بی‌مروت است (۴۰۹) آیا کافران که با این ادله روشن ایمان نمی آورند انتظار چنین محالی دارند که خدا یا ملامت در پرده های پر بر آنها نازل شود و حکم (تقریر خدا) بکفر کافران (روزی فرارسد و کارها همه بسوی خدا باز گردد (۴۱۰) ای پیغمبر از بنی اسرائیل سؤال کن که ما چقدر با خدا و ادله روشن بر آنها آوردیم هر کس پس از آنکه نعمت هدایاتی که خداوند باو داد آنرا بکفر مبدل کند (بداند که) عذاب خدا بر کافران بسیار سخت است (۴۱۱)

رُبَّنَ لِلدِّينِ كَهْرُوَالْحَيَوَةِ الدُّنْيَا وَلَيُخْرُجَنَّ مِنَ الدِّينِ امْتَوَا
 الدِّينِ الْقَوَاغِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ^(١٢)
 كَانَ الثَّاسِيَةُ وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ
 وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ الثَّاسِيَةِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ
 وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُفَوَّهَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ
 بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ
 بِأُذُنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ^(١٣) آمَحْسَبُكُمْ
 أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَكِنَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِثْلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ
 مَسْتَكْمِلُنَّ الْبَاسَاءَ وَالضَّرَاءَ وَرَزَقُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَاللَّهُ
 آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصَرَ اللَّهُ الْإِسْلَامَ نَصْرًا قَرِيبًا ^(١٤) يَسْأَلُونَكَ
 مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدِّينُ وَالْآقِرِينَ وَ
 الْبَنَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا نَفَعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ
 بِهِ عِلْمٌ ^(١٥) كَيْبَ عَلَيْكُمُ الضَّالُّانَ وَمُؤَكَّرَهُ لَكَرُّهُ وَعَلَى أَنْ تَكْرَهُوا
 شَيْئًا وَمُؤَخَّرَهُ لَكَرُّهُ وَعَلَى أَنْ يَحْبُوا شَيْئًا وَمُؤَسَّرَهُ لَكَرُّهُ وَاللَّهُ
 يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ^(١٦) يَسْأَلُونَكَ عَنِ الثَّمَنِ الْحَرَامِ فَقُلْ فِيهِ
 فُلٌ قِيلَ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ
 الَّذِي فِيهِ أَمَلَتْكُمْ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالشَّيْءُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَبْلِ وَ

حیوة عاریت و متاع دنیوی در نظر کافران جلوه نموده که اهل ایمان را فوس و مسخره میکنند ولی مقام تقوی پیشگان روز قیامت بسی برتر از کافران است و خدا بپیر که خواهد روزی بی حساب پخش (۲۹۳) مردم یک گروه بودند خدا رسولان را فرستاد که نیکو کاران را بشارت دهند بر حمت و غفران و بدان را بپشیمانی و انداز غذاب نیراخی و بایستمبران کتاب پرستی فرستاد تا تنها دین خدا بمذالت در موارد فزاع و خلاف مردم حکم فرما باشد سپس همان گروه که بر آنان کتاب آسانی آمد (نه غیر آنها) برای تمدی بحقوق یکدیگر در کتاب حق شبهه و اختلاف افکندند (و اختلاف ایشان بجهت حسد و ظلمی بود که در میان ایشان بود) پس خدا بطرف خود اهل ایمان را از ظلمت شبهات بنور حق هدایت فرمود (و این راهنمایی خدا سبب لطف اوست بر پندگان) و خداوند هر کس را بخواهد راه راست بنماید (۳۱۳) گمان کردید که همیشه داخل شوید بدون امتحاناتی که پیش از شما برگزشتگان آمد که بر آنان رنج و سختی ها رسید و همواره پریشان خاطر و هراسان بودند تا آنگاه که رسول گردندگان پاواز شدت اندوه از خدا مددخواست و عرض کردند بار خدا یا کی باشد که ما را یاری کنی (و از سختیها نجات بخشی) در آن حال رسول خطاب شد همان بشارت ده که ما را یاری خدا نزدیک خواهد بود (۳۱۴) ای پیغمبر از تو استوال کنند در راه خدا چه انفاق کنیم بگوهر آنچه از مال خود انفاق کنید درباره پدر و مادر و خویشان و فقیران و راه گردان و راست و هر نیکویی کنید خدا بر آن آگاه است (۳۱۵) حکم جهاد برای شما مقرر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار و مکروه است لیکن چه بسیار شود که چیزی را شما ناگوار شایید ولی بحقیقت بخیر و صلاح شما در آن بوده و چه بسیار شود که دوستدار چیزی هستید و در واقع شرف و فساد شما در آن است و خداوند بمصالح امور دانا است و شما نادان (۳۱۶) پیغمبر مردم از تو راجع به جنگ در راه حرا استوال کنند بگو گناهی است بزرگ ولی باز داشتن خلق از راه خدا و کفر بعد از ایمال کردن حرمت حرم خدا و بیرون کردن اهل حرم (که مفرکان مرتکب شدند) بسیار گناه بزرگ تری است و قتلگری فساد انگیزتر از قتل است

لَا يَزَالُونَ يَقَالُونَ تَسْمَعُونَ دَعْوَةَ رَبِّكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمُ عَنِ دِينِكُمْ إِن لَّمْ تَسْلُطْ عَلَيْنَا
وَمَنْ يَرُدِّدْكُمُ عَنِ دِينِكُمْ فَلَا مَرَدَ لَهُ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ سَاءَ مَا يَكْسِبُونَ
أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ ﴿٣٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَآبَا مَدِينَةٍ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٩﴾
يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْمِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ
وَأَثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْغَفْوُ
كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكَ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٤٠﴾ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ
تَحَالَطَوْهُ فَإِنَّهُمْ كَالَّذِينَ لَا يَدْرُونَ الْبِلَاقِ وَالضُّلُوعُ وَلَوْ شَاءَ
اللَّهُ لَأَعْتَبَتْكُمْ إِنْ اللَّهَ عَنِ رَبِّكُمْ حَكِيمٌ ﴿٤١﴾ وَلَا تَتَّبِعُوا الشُّرَكَاءَ حَتَّىٰ
يُؤْمِنُوا وَلَا أَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَا مُؤْمِنَةٌ وَلَا تَتَّبِعُوا
الشُّرَكَاءَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَا تَتَّبِعُوا
أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْغَفْرِ
يَا ذِينَ دِينِهِ وَبَيْنَ أَيْدِيهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّاهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾ وَيَسْأَلُونَكَ
عَنِ الْمَحْضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْرِضُوا لِلنِّسَاءِ فِي الْحَيْضِ وَلَا تَمْسُرْنَ
حَتَّىٰ يَظْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ

کافران پیوسته با شما مسلمین کارزار کنند تا آنکه اگر بتوانند شما را از دین خود برگردانند و هر کسی از شما از دین خود برگردد و بحال کفر باشد تا بمیرد چنین کسان اعمالشان در دنیا و آخرت خاییم و باطل گردیده و آنان اهل جهنمند و در آن همیشه معذب خواهند بود (۲۱۷) آنانکه بدین اسلام گرویدند و از وطن خود هجرت نموده و در راه خدا جهاد کردند اینان امیدوار و منتظر رحمت خدا باشند که خدا بر آنها پشیمانده و مهربان است (۲۱۸) ای پیغمبر از تو از حکم شراب و قمار میپرسند بگو در این دو کار گناه بزرگی است و سودهایی ولی زیان گناه آن بیش از منفعت آنست و نیز سؤال کنند تو را که چه در راه خدا انفاق کنند جواب ده آنچه زاهد بر ضروری زندگانی است خدا بدین روشنی آیات خود را برای شما بیان کند باشد که تفکر کنید و عقل بکار بندید (۲۱۹) برای آسایش دنیا و آخرت خود انفاق کنید ولی نه همه مال انفاق کنید تا در دنیا برنج افتد و نه بعل و زبید (تا از ثواب آخرت بی بهره مانید) و نیز سؤال کنند ترا که با یتیمان چگونه رفتار کنند جواب ده که با صلاح حال و مصلحت مال آنها کوشید بهتر است تا آنها را بی سرپرست گذارید و اگر با آن ها آموزش کنید در و است که بر ابدان دینی هستید و (خدا آگاهست از آنکس که در کار آنان افساد و نادرستی کند و آنکه صلاح و درستی نماید) خدا برای شما در امر یتیمان آسان گرفت و اگر میخواست کار را بر شما سخت میکرد چه آنکه خدا بهر کار توانا و دانا است (۲۲۰) بازنان مشرک از دواج میکنند مگر آنکه ایمان آورند و همانا کنیز کی با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است هر چند از حسن او بیگفت آید وزن بمشکران بدهید مگر آنکه ایمان آورند و همانا بنده مؤمن بسی بهتر از آزاد مشرک است هر چند از مال و جمالش بیگفت آید مشرکان شما را با تش جهنم خوانند از راه جهل و ضلالت و خداوند بیبخت و منفرت خود خواند از راه لطف و عنایت و خداوند برای مردم آیات خویش را بیان فرماید باشد که هشیار و متذکر گردند (۲۲۱) سؤال کنند تو را از عادت شدن زنان یگو آن دینی است برای زنان دو آن حال از مباشرت آنان دوری کنید تا آنگاه که پاک شوند چون طهارت یافتند از آنجا که خدا دستور داده با آنها نزدیک نشوید که همانا خدا

يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَذَكَّرُوا لَكُمْ فَاوْزِعُوا
 إِلَىٰ سِتْمِمْ وَقَدْ مَوَّالَ أَنْفُسِكُمْ وَأَتَقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاوَمَةٌ
 وَبِئْسَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٠﴾ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا
 وَتَقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣١﴾ لَا يُوَاحِدُكُمْ اللَّهُ
 بِاللَّعْنَةِ إِنَّمَا يَكُونُ لَكُمْ يَوْمَ الْيَوْمِ الْيَوْمِ الْيَوْمِ الْيَوْمِ الْيَوْمِ الْيَوْمِ
 حَلِيمٌ ﴿٣٢﴾ الَّذِينَ يُولُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَفُّصًا أَرَبَعًا أَشْهُرًا فَإِنْ طَلَّ
 فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٣﴾ وَإِنْ عَرَّوْا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
 ﴿٣٤﴾ وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَفَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَ قُرُونٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ
 أَنْ يَكُنَّ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ فِي أَزْوَاجٍ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
 الْآخِرِ وَبُؤْلَهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا
 وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ
 وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ ﴿٣٥﴾ الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِنْ تَرَكَهُمَا فِي أَوْ
 تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا أَنْتُمْ مَعَهُ مِنْ شَيْءٍ
 إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُعْطَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُعْطَا حُدُودَ
 اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ ذَلِكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا
 تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٣٦﴾
 فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا حِلَّ لَهَا مِنْ بَعْدِ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ

آنانرا که پیوسته بدرگاش توبه و انابه کنند و هم پاکیزگان دور از هر
آلایش را دوست می دارد (۲۴۳) زنان شما کشتزار شمایند پس برای کشت
بدانها نزدیک شوید هر گاهه بشارت آنان خواهید و برای ثواب ابدی
چیزی (برای ذخیره آخرت) پیش فرستید و خدا ترس باشید و بدانید که
محققا نزد خدا خواهید رفت و ای رسول تو (به نعمتهای بهشت) بشارت ده
اهل ایمان را (۲۴۴) و زنان نام خدا را هدف سوگند خود مکنید تا آنکه
باین غرض از حقوقی که مرد مرا بر شماست برائت جوئید و خود را پر هیز
کار قلم دهید و مصلح میان مردم شوید که خدا را ست و دروغ مردم را میفونود
و تیکه بید خلق می داند (۲۴۵) خدا از سوگندهای لغو و بیهوده شما را
مؤاخذه نکند ولیکن بآنچه در دل دارید مؤاخذه خواهد کرد و خدا
آمرزنده و بر دبار است (۲۴۶) آنانکه با زنان خود ایلاه کنند (یعنی
سوگند خوردن بر ترک بشارت با آنها) چهار ماه انتظار کنند اگر باز
گشتند (از قسم خود) خداوند آمرزنده و مهربانست (۲۴۷) و اگر عزم
طلاق نمودند خداوند بگفتار و کردارشان شنوا و داناست (۲۴۸) زن
هاییکه طلاق داده شدند از شوهر نمودن خود داری کنند تا سه پاکبازی بر آنان
بگذرد و حیض یا حملی که در رحم آنها آفریده گمان نکنند اگر بعدا
و روز قیامت ایمان دارند و شوهران آنها در زمان حه حق دارند که
آنها را بزنی خود باز رجوع دهند اگر که نیت خیر و سازش دارند (نه آزار
و ناسازگاری) و زنان را نیز حقوقی است بر شوهران چنانچه شوهران را
بر آنها حقوقی مشروع است لیکن مردان را بر زنان افزونی و برتری
خواهد بود و خدا بر هر چیز توانا و بی همه امور عالم داناست (۲۴۹) طلاقیکه
شوهر رجوع در آن تواند کرد دومر تیه است پس چون طلاق داد یا رجوع
نکرد داری زن کند بغوش و سازگاری یارها کند بپنکی و خیر اندیشی و
حلال نیست که چیزی از مهر آنان بجور بگیری مگر آنکه بترسید که
حدود دین خدا را راجع با حکام ازدواج نگاه ندارند در چنین صورت زن
هر چه از مهر خود بشوهر ببخشد روا باشد این احکام حدود دین خداست
از آن سرکشی مکنید کسانی که از احکام خدا سرپیچند آنها حقیقت
خود ستمکارانند (۲۵۰) پس اگر زن را طلاق سوم داد روا نیست که آن زن
و شوهر دیگر بار رجوع کنند تا اینکه زن بدیگری شوهر نکند اگر

طَلَقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاحَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ
 وَذَلِكَ حُدُودُ اللَّهِ الَّتِي لَا يَمْلِكُ الْقَوْمُ تَحْوِيلًا ۝ وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ
 فَلَمْ تَكُنْ أَجَلَهُنَّ فَامْسِكُوهُنَّ بِعُرْفٍ أَوْ سِتْرٍ مِمَّنْ يَعْرِفُونَهُ
 لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِنَفْسِكُمْ إِذَا دُمْنَ فَعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمْتُمْ
 وَلَا تَتَّخِذُوا بَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ مُرُءٍ وَآذِكُمْ وَيَعْلَمُ مَا عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ
 عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ إِلَيْكُمْ فَاسْطَرَكُمُ اللَّهُ وَأَغْلَوْا ۝ أَنْ
 اللَّهُ يَكِلُ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۝ وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَكُنْ
 أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ
 ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ
 أَنْزَلْنَاهُ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَالْوَالِدَانِ
 إِذَا بَعْضُهُمَا أَوْ لَدُنْهُمَا وَلَدٌ فَلِلَّذِينَ كَانُوا ابْنَيْنِ إِذَا دَانَ بَيْنَهُمُ
 وَالْوَلَدُ لِلْأَبِ ذُو الْقُرْبَىٰ وَلَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِوْنُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ
 إِلَّا وُسْعَهَا لِأَنْصَارٍ وَالْأَبْدَانُ يُولَدُهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ يُولَدُهَا
 عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ
 تَشَارُفًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا
 جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَأَلْتُمْ مَا أَنْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۝ وَالْوَالِدَانِ وَالْوَالِدَاتُ
 أَنْ اللَّهُ يَمَّا تَعْلَمُونَ بَصِيرًا ۝ وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَكُمْ مِنْكُمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ

آن شوهر دوم زنا طلاق داد زن یا شوهر اول که سطلاق داده توانند
 بزوجیت بازگردند اگر گمان برند که از این پس احکم خدا را واجب
 بر امر ازدواج نگاه خواهند داشت این است احکم خدا که برای مردم
 داده بیان می کند (۴۳۰) هرگاه زنان را طلاق دادید بایستی تا نزدیک
 پایان زمان عده یا آنها را بپوشش و سازگاری نگاهدارید و بایستی که درها
 کنید و روانست که آنان را باز از نگاه داشته تا بر آنها ستم کنید (یعنی
 ستمی بحتوی و کاین آنها کنید) هر کس چنین کند همانا ستم بر خود
 کرده و آیات خدا را فسوس و مغریده نگیرد و بیاد آورد نعمت خدا را
 که بشما عطا فرمود خصوص نعمت بزرگ کتاب آسمانی و حکم الهی
 را که بشما فرستاد تا شما را به پند و اندرز آن بهره مند گردانید و خدا
 ترس باشید و بدانید که خدا همه چیز آگاهست (۴۳۱) و چون زنان را
 طلاق دادید و زمان عده آنان پایان رسید نباید که آنها را از شوهر
 کردن منع کنید هر گاه بطریق مشروع باز دواج با مردی تراضی کنند بدین
 سخن پند گیر در کسی ایسان بعد از و روز باز پسین آورده این دستور برای
 تزکیه نفس شما بهتر و نیکوتر است چه آنکه خدا بمصلحت شما داناست
 و شما عبرت و صلاح خود نمی دانید (۴۳۲) و مادران بایست دوسال کامل
 فرزندان خود را شیر دهند آنکس که خواهد فرزند را شیر تمام دهد و
 بمهره صاحب فرزند (یعنی پدر) است که عوراک و لباس مادر را بعد
 منصرف بمهره هیچکس را تکلیف جز باندازه طاقت نکند نباید مادر
 دو ننگه بانی فرزند بزبان و زحمت الله و نه پندیش از حمت متعارف برای
 کودک منفر شود و اگر کودک را پند نبود و ارت باید درنگه داری او
 بشمارف قیام کند که شرد بظلمت نرسانده و هرگاه زن و شوهر بر خایت
 خاطر یکدیگر و مصلحت دید هم طفل را جدائی اختیار کنند این مرد و را
 رواست و اگر خواهند که مادران فرزندان را شیر دهند آن هم روا
 باشد در صورتیکه مادر را حقوقی بشمارف بمهره و از خدا بترسند بدانند
 که خدا از کردار پندوبه (۴۳۳) شما آگاهست (۴۳۳) مردانیکه پسرنده
 و زنان زننده مانده

أَرْوَاجًا يَرْقَضْنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ
 فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيهَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ يَمَا تَعْمَلُونَ
 خَبِيرٌ ۝ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيهَا أَنْ تَخَرُضَ بِهِنَّ يَدُكُمْ مِنْ تَحِيَّةِ النِّسَاءِ أَوْ
 أَكْتُمُنَّ فِي أَنْفُسِكُمْ ۖ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ تَسْتَكْذِرُونَ هُنَّ وَلَكِنَّ الْأَوَّلَ أُعْذِرُ
 سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا أَقُولُ لَا مَعْرُوفًا وَلَا تَقْرَبُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ
 حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ
 فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ۝ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ
 طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ
 عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُفْرِقِ قَدَرُهُ مَنَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى
 الْمُحْسِنِينَ ۝ وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ
 لَهُنَّ فَرِيضَةً فَيَصِفْ مَا قَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي
 بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ
 بَيْنَكُمْ إِنْ اللَّهُ يَمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ الصَّلَاةِ
 الْوُسْطَىٰ وَهُوَ مَوْلَى اللَّهِ فَاذْنَبِينَ ۝ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجًا لَا أَوْ رُكْبَانًا
 فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْمَلُونَ ۝ وَ
 الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَرْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَرْوَاجِهِمْ مَنَاعًا
 إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَشِنَ الْأَجْنَحُ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْتُمْ فِي

آن زنان باید از شوهر گردن خودداری کنند تا مدت چهار ماه و ده روز بگذرد پس از انقضاء این مدت بر شما گناهی نیست که آنان در حق خویش کاری شایسته نمایند (از زینت کردن و شوهر نمودن اگر کردارشان بخوبی و قانون شرع باشد) (یعنی بادیگری ازدواج کنند) و خداوند از کفر دارشان آگاهست (۲۳۴) باکی نیست برای شما که بخواستگاری آن زنان بر آید پانیت ازدواج را در دل پنهان دارید بدون هیچ اظهارتها خداوند که از این پس از دل بزیان خواهید آورد لیکن با آنها پنهان قرار و پیمانی نگذارید مگر آنکه سخنی بمیزان شرع گوئید ولی عزم عقد و ازدواج نکنید تا زمان عدل آنها منقضی شود و بدانید که خداوند از نیات درونی شما آگاهست از او بترسید و بدانید که خدا آمرزنده و بردبار است (۲۳۵) باکی برای شما نیست اگر طلاق دهید زنانی را که با آنان مباشرت نکرده و مهری مقرر نداشته اید ولی آنها را به چیزی بهره مند سازید دارا بقدر خود و نادار بقدر خویش بهره ای شایسته او (این بخشش بهره که بزنان دهید به نیکویی و خوبی باشد) که سزاوار مقام نیکوکاران است (۲۳۶) و اگر زنهارا طلاق دهید پیش از آنکه با آنها مباشرت کرده باشید در صورتیکه بر آنان مهر مقرر داشته اید بایستی نصف مهری را که مبین نموده اید با آنها بدهید مگر آنکه آنها خود گذشته کنند یا کسیکه امر نکاح بدست اوست یعنی (پدر و جد) و اگر در گذرند بتقوی و خدا پرستی نزدیک تر است و فضیلت مائیکه در نیکویی بیکدیگر است فراموش نکنید و بدانید که خداوند بهر کار نیک و بد شما آگاهست (۲۳۷) در هر نماز باید توجه و مواظبت کامل داشته باشید خصوص نماز وسطی (بنظر اکثر مفسرین نماز صبح است) و باطاعت خدا قیام کنید (۲۳۸) اگر شما را بیم خطری از دشمن باشد بهر حال که میسر است پیاده و یا سواره نماز بجای آرید آنگاه که ایمنی یا قنید (با آداب و شرائط) خدا را یاد کنید پذیرا اوشمارا پیاموخت آنچه را که نمیدانستید (۲۳۹) مردانیکه بمیرند و زنانشان باقی مانده و وصیت کنند که آنها را تا یکسال نفقه دهند و از خانه نشوهر بیرون نکنند پس اگر زنهارا خارج شوند شمارا گناهی نیست از آنچه آنها درباره

أَنفُسِهِمْ مِنْ مَغْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ وَالطَّالِفَاتِ مُنَاجٍ ۝
 حَقَّ عَلَى الْمُتَّقِينَ ۝ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكَ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ ۝
 أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَرَجَّوْا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أَلُوفٌ حَذَرُ اللَّوْثِ فَحَالٌ
 لَمْ يَأْتِ اللَّهُ مُوَفِّوهُمْ أَخْيَافَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَئِنْ
 أَكْثَرَ النَّاسُ لَا يَشْكُرُونَ ۝ وَقَالُوا لَوْ أَنَّا سَبِيلُ اللَّهِ دَاعُوا لَوْ أَنَّا
 سَمِعْنَا عَلَيْهِمْ ۝ مِنْ ذَا الدِّينِ لَفَرَضَ اللَّهُ قَرْنًا فَضَاعِفَهُ لَهُ
 أَضْعَافًا كَثِيرَةً ۝ وَاللَّهُ يَفْضِلُ وَيَنْظُرُ ۝ وَالْبَاقُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى
 الْمَلَائِكَةِ إِذْ نَزَّلُوا مِنْ بَعْدِ نُوحٍ ۝ وَقَالُوا لَوْ أَنَّا نَبِيٌّ لَمْ يَأْتِ
 مَلَائِكَنَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالُوا لَمْ يَكُنْ عَلَيْكُمْ أَلْوَانٌ
 إِلَّا تَقَالُيْلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا إِلَّا تَقَالِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ
 دِيَارِنَا وَأَبْنَاؤُنَا فَلَنَا كُتُبٌ عَلَيْهِمُ الْيَقِينُ قَالُوا إِلَّا ظُلُمٌ لَنَا مِنْهُمْ
 اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ
 طَالُوتَ ۝ مَلَائِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ ذَلِكَ عَلَيْنَا وَهَمَّ نَحْوُ بِاللَّهِ
 مِنْهُمْ وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ إِلَّا نَالٍ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى خَلْقًا لَهُمْ
 زَادَهُ بُعْثَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَنْ يَشَاءُ ۝ وَاللَّهُ
 وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَن يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ
 فِيهِ سَبْعَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ

خود در حدود شرع بگزینند (یعنی از کسب و کار حلال و یا اختیار شوهر متعشان میکنند) و خدا بر هر کار توانا و بمصالح امور خلق داناست (۳۳۰) مردان کمزبان را طلاق دهند و چیزی بهره مند کنند این کار سزاوار مردم پرهیزگار است (۳۳۱) خدا آیات خود را برای شما بدین گونه روشن بآن میکند باشد که خردمند شوید (۳۳۲) آیا ندیدید آنها را که از ترس مرگ از دیار خود بیرون رفتند که هزارها تن بودند خدا فرمود بمیرید همه مردن پس (بخواهی پیغمبری از پیغمبران) زنده کرد ایشان را زیرا خدا در حق بنده گان فضل و کرم بسیار است لیکن بیشتر مردم سپاسگذار حق نیستند (۳۳۳) جهاد کنید در راه خدا و بدانید که خدا بکفایت و کردار خلق شنوا و داناست (۳۳۴) کیست که خدا را وام (یعنی قرض الحسنه) دهد تا خدا بر او بچندین برابر بیفزاید و خداست که میگیرد و میدهد و بسوی او همه باز میگردند (۳۳۵) ندیدی آن گروه بنی اسرائیل را که پس از وفات موسی از پیغمبر وقت خود (یوشع یا شمعون یا شوتیل) تقاضا کردند که پادشاهی برای ما برانگیز تا بر کردگی او در راه خدا جهاد کنیم پیغمبر آنها گفت اگر جهاد فرض شود میباید بجنگ قیام نکرده و نافرمانی کنید پاسخ دادند که این چگونه شود که ما بجنگ نرویم در صورتیکه دشمنان ما فرزندان ما را بستم از دیارمان بیرون کردند (البته همه جنگ خواهیم کرد) پس چون حکم جهاد بر آنها مقرر گشت بجزاند کی همه روی از جهاد گردانیدند و خدای بگرداوستم کران آگاه است (۳۳۶) پیغمبر آنها گفت شما تا خداوند طالوت را بیادشاهی شما برانگیخت گفتند که از کجا او را بر ما شاهی رواست در صورتیکه ما بیادشاهی شایسته تر از او نمیدیم بگر آنکه طالوت را مال فراوان نیست و دل در جواب آنها گفت که او از این دو بخواهی شایسته تر خواهد بود که خداوندش برگزیده و در دانی و توانایی و خوش اندامی و قوت جسم او را فزونی بخشد و خدا ملک خود را بهر که خواهد بخشد که او بحقیقت توانگر و داناست (۳۳۷) پیغمبرشان بدان گروه گفت که نفاقا شاهی او این است که میآورد برای شما تا یوتی را که در آن سکنه خدا و الواح پانزده از خانواده موسی و هرونست

تَحِيلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكَرَّ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾ عَلَّمْنَا
 فَصْلَ الْطَلُوتِ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ
 فَلَيْسَ مِنِّي مَنْ لَمْ يَمْسَسْهُ فَاثَرُهُ إِلَّا مَنْ غَرَسَ غَرَقَةً فَذَرَاهَا
 مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ هُمْ فَذَرَاهَا وَهُوَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا
 طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِالْأَلْوَتِ وَالْجُنُودِ قَالَ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ أَنَّهُمْ مَلَاؤُوا
 اللَّهَ كَرَمًا فَثَرَّ قَلِيلًا فَذَرَاهَا وَكَثِيرٌ يَأْذِنُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ
 الصَّابِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ لَؤُا رَتَّبْنَا آخِرُخَ
 عَلَيْنَا صَبْرًا وَذَلِكُمْ أَقْدَامُنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٣٣﴾
 فَهَمَزُوهُم بِأَذْنِ اللَّهِ وَقَتْلَ دَاوُدَ جَالُوتَ وَآيَاهُ اللَّهُ الْمَلَكُ
 وَالْحِكْمَةُ وَعَلَيْهِ إِيمَانُهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ
 لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٤﴾ يٰٓأَيُّهَا
 اللَّهُ تَنَالُوا مَا عَلَيْكَ بِأَحْسَنِ وَآتَاكَ لِيْنُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٥﴾ يٰٓأَيُّهَا
 الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّمَنَّهُمْ مِنْ كَلَمِ اللَّهِ وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ
 دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَا نَارَ يُرْجِ الْعَذَابِ
 لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَنَّا الَّذِينَ يَنْتَحِلُونَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ تَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ
 وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فِيهَا مِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا
 أَفْتَنَّاوَا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٣٦﴾ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا

و فرشتگانش بدوش برند برای شما خواهد آورد که در آن حجتی است روشن برای شما اگر اهل ایمان باشید (۳۳۸) پس هنگامیکه طالوت لشکر کشید سپاه خود را گفت همانا خدا اختار را بنهر آبی آزمایش کند هر آنکه از آن بسیار بپاشد نه به آئین من است و هر آنکه هیچ نپاشد یا کفی بیش برنگیرد از من و هم آئین من خواهد بود پس همه سپاه آه امیدند بعضی عده قلیلی از آنها بدین سبب که مصیبت حق کردند چون طالوت و سپاهی مواجه با دشمن شدند لشکر بیستاک گشته و گفتند ما را تاب مقاومت جالوت و سپاه او نخواهد بود آنانند که بقاء و رحمت خدا و ثواب آخرت منقذ بودند (یعنی آن عده قلیل پاک عقیده که اطاعت کرده و از آن نهر نپاشیدند) ثابت قدم ماندند و گفتند چه بسیار شده که گروهی اندک پیاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده و بخدایار و معین سابران است (۳۳۹) چون آنها در میدان مبارزه جالوت و جنود او آمدند از خدا خواستند که بار پروردگار با ما صبر و استواری بخش و ما را ثابت قدم دار و ما را بر شکست کافران یاری فرما (۳۴۰) پس پیاری خدا کافران را شکست داد و نوداد (ع) امیر آنها جالوت را بکشت و خدایش پادشاهی و فرزادگی عطا فرمود و از آنچه میخواست بدو پیاموخت و اگر خدا برخی مردم را در مقابل بعضی دیگر بر نمی انگیخت فساد روی زمین را فرامیگرفت و لیکن خدای متعال خداوند فضل و کرم بر همه اهل عالم است (۳۴۱) این آیات خداست که بر راستی برای تو میخوانیم و همانا تو از جمله پیغمبران مرسل خواهی بود (۳۴۲) این پیغمبران را برخی بر بعضی برتری و فضیلت دادیم بعضی با خدا سخن گفته و بعضی رفعت مقام یافته و عیسی پسر مریم را معجزات آشکار دادیم و او را بروح القدس نیرو بخشیدیم و اگر خدا میخواست پس از فرستادن پیغمبران و معجزات آشکار مردم (امم و ملل) بایکدیگر در مقام خصومت و خونریزی بر نمی آمدند لیکن آنان برخلاف یکدیگر برخواستند که برخی ایمان آورده و بعضی کافر شدند و اگر خدا میخواست باهم بر سر جنگ و نزاع نبودند ولیکن خدا بمصلحتی که داند هر چه میشتش تمایز گیرد خواهد کرد (۳۴۳) ای اهل ایمان از آنچه در روزی شما کردیم اتفاق کنید

يُنَادُوا زُنَاجِرِينَ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمُ لَابِسٍ فِيهِ وَلَا خَلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ
وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا
تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا
الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَ
لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ۝ الْأَكْرَادُ
فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالظَّالِمِينَ فَبُؤْسُ
بِاللهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللهُ
سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى
النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الظَّالِمُونَ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ
إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ أَلَمْ
تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللهُ الْمَلَكَ إِذْ قَالَ
إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ
فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالْحَمِيرِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِي بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ
الَّذِي كَفَرَ وَاللهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ وَكَالَّذِي تَرَى
عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللهُ بَعْدَ
مَوْتِهَا قَالُوا اللَّهُ يَأْتِي بِلَاةٍ غَايِبَةٍ مُزْبَنَةٍ قَالَ كَذَبْتَ قَالَ لَيْسَ

پیش از آن که بیاید روزی که کسی برای اسایش خود چیزی تواند خرید
 و نودوستی و شفاعتی بکارد آید و کافران (آنروز در زیارتی که بروذگار)
 خود پس بستم کرده اند (۲۵۴) عذای یکتاست که جز او عذای نیست
 زنده و پاینده است مرکز او را کسالت خواب فرا گیرد تا چهره که
 بخواب رود اوست مالت آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است کرا این
 جرأت است که در پیشگاه او بغضات بر خیزد مگر بفرمان او، علم او محیط
 است بآنچه پیش نظر خلق آمده است و آنچه پس خواهد آمد و خلق بهوج
 مرتی علم او احاطه تواند کرد مگر به آنچه او خواهد، قلمر و علمش از آسمانها
 و زمین فراتر و ننگه بانی زمین و آسمان بر او آسان و بی زحمت است چه او
 دانای بزرگوار و توانای با عظمت است (۲۵۵) کار دین با حباد نیست
 (بلکه دین آنست که با اختیار قلب باشد پس دین با اکراه دین نیست چنانکه
 کفر با اکراه کفر نیست) راه هدایت و ضلالت بر همه کسی روشن گردید
 پس هر که از راه کفر سرگسی بر گردد و بر آید ایمان و پرستش خدا گراید
 برشته محکم و استواری چنگ زده که مرکز نخواهد گشت و خداوند
 بهر چه خلق گویند و کنند شتوا و داناست (۲۵۶) عذابدار اهل ایمان است
 آثار ازا تا ریکیهای جهان بیرون آورد و بمالم نود بر دو آنان را که راه
 کفر گزیدند یا را ایمان شیطان و دودوزن است آنها را از عالم نور بتاریکیهای
 گمراهی در افکند این گروه اهل دوزخ و در آن محبط خواهند بود
 (۲۵۷) آیا ندیدی (در تواریخ امم نمیشگرد) که پادشاه زمان ابراهیم
 درباره یکتائی خدا با ابراهیم بجدل و احتجاج برخاست چون ابراهیم
 گفت خداست آنکه زنده گرداند و بمیراند او گفت من نیز چنین توانم کرد
 (که دوزنده را یکی گفت و یکی را آزاد کرد) ابراهیم باز گفت که
 خداوند خورشید را از طرف مشرق بر آورد تو اگر توانی از مغرب بیرون
 آر آن نادان کافر در جواب عاجز ماند که خدا را دعای شمشادان
 نخواهد بود (۲۵۸) یا مانتد آنکه (بر خیز از مفسرین گفتند مراد از پر
 بوده) چمکده گذر کرد که غراب و ویران شده بود گفت بچیر تم که
 شما چکوته یاز این مردگان را زنده خواهد کرد پس خداوند او را مسمال
 میراند سپس زنده اش بر انگیزد و بدو فرمود که

يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَل لَّيْسَ بِمَاءٍ عَامٍ فَأَنْظِرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ
شَرَابِكَ لَأَنْتَ شَاةٌ وَأَنْظِرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِتَجْعَلَ آيَةً لِلنَّاسِ وَ
أَنْظِرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهُمَا إِنَّا نَبِّئُكَ لَمَّا قَالَ
اعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢٥ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْبُحْ
كَيْفَ نَجِّي الْمَوْثِقَ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَلَكِنْ لِيَطْلُبُنَّ قَبْلِي
فَخَذَ آوَةَ مِنَ الْقَهْرِ فَصَرَ مِنْ إِلَيْكَ ٢٦ فَاجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ
مِنْهُنَّ جُوزًا ٢٧ إِذْ دَعَوْهُ بِأَيْدِكَ سَجًّا ٢٨ وَاعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ جِبْتٍ ٢٩ أَنْبَتَ
سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبْلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ ٣٠ وَاللَّهُ يضاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ
وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ٣١ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ
لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفقُوا مَتًّا وَلَا آذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ٣٢
لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ٣٣ قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ ٣٤
مَنْ صَدَقَ بِتَبَعِهَا أَذْنَى اللَّهِ تَحِيَّ حَلِيمٌ ٣٥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ
وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَسَلَهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ ثَرَاتٌ
فَأَصَابَهُ وَايِلٌ ٣٦ فَتَرَكَهُ صَدَلًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ يُمْسِكُونَهُ
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ٣٧ وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ

چند مدت در يك نمودی جواب داد یك روز یا پاره از پشور خدایند
فرمود نه چنین است بلکه صد سال است (که بخواب مرگ افتادی) نظر در
طعام و شراب خود بنما (مفسرین گفتند طعامش انگور و انجیر و شرابش
آب انگور یا شیر بود) که هنوز تغییر نتموده و الاغ خود را نیز بنگر تا
احوال پر تو معلوم شود و ما تو را حجت برای خلق قرار دهیم که امر بمشت
و انکار نکنند و بنگر در استخوانهای آن که چگونه دوش پیوسته
گوشته بر آن پوشانیم چون اینکار بر او روشن و آشکار گردید گفت همانا
اکنون بحقیقت یقین می دانم که خداوند بر هر چیز تواناست (۲۵۹)
و چون گفت ابراهیم بار پروردگارا بمن بنما که چگونه مردگان را زنده
خواهی کرد خداوند فرمود پاورنداری گفت آری پاوردارم لیکن خواهم
تا بمشاهده آن دلم آرام گیرد خداوند فرمود چهار مرغ بگیر و گوشت
آنها را در آمیز نزد خود آنگاه هر قسمتی بر سر کوهی بگذار سپس آن
مرغان را بخوان تا سویی بخفتایان پرواز کنند و آنگاه بدانکه همانا
خداوند بر همه چیز توانا و بحتایان امور عالم قادر است (۳۶۰) مثل آنانکه
مالقان را در راه خدا اتفاق کنند بدانند دانه ایست که از یکدانه هفت خوشه
پرورد در هر خوشه صد دانه باشد (که یکدانه هفتصد شود) و خدا از این مقدار
نیز بر هر که خواهد بیفزاید چه خدا را رحمت بی منتها است و بهمین
احاطه کامل دارد (۳۶۱) آنان که مالقان را در راه خدا اتفاق کنند و
در پی اتفاق (بمستحقان) منتی نگذارند و آزاری نکنند آنها را پاداش
نیکی نزد خدا خواهد بود و از همه پیش آمده بیمنتاکی باشند و هرگز (در دنیا
و آخرت) اندوهناک نخواهند بود (۳۶۲) بزبان خوش و طلب آمرزش تقیر
سالم را رد کردن بهتر است تا آنکه سده دهند و از پی آن آزار کنند
خداوند از (اطاعت و سده) خلق بی نیاز و بر (عیان و بخل) آنان بر دیار
است (۳۶۳) ای اهل ایمان صدقات خود را بسپار به مستحقان و آزار ندها سازید به آنها
آنکس که مال خود را از روی ریا اتفاق کند (تا خود نمایی و جلب توجه مردم
بشود کند) و ایمان بخدا و روز قیامت نیاورده مثل چنین مردی را کفر بدان
ماند که دانه را بر روی سنگ سخت درزد و تنه باریکی بر آن نیز بگوید
که نتواند هیچ از او حاصلی بدست آرد و خدا گروه کافران را از اسماحت
ننماید (۳۶۴) و مثل آنانکه مالقان را در راه خدا خفندی خدا اتفاق کنند

اَمْوَالَهُمْ اٰتَيْنَا مَرۡثٰتٍ ۝ وَتَسۡبِيۡحًا مِّنۡ اٰفۡسِدۡتُمْ كَسٰلًا ۝ فَتۡ
 يَّرۡبُوۡهُ اَصۡاٰبُهَا وَاٰبِلٌ ۝ فَاتۡنَ اٰكُلَهَا ضَعۡفٰنِ ۝ فَاِنۡ لَّزُجۡجِيۡنَهَا
 وَاٰبِلٌ ۝ فَطَلَّ ۝ وَاللّٰهُ يَمَّا تَعۡمَلُوۡنَ بَصِيۡرٌ ۝ ٢٩٠ ۝ اَوْ ذَا اٰحَدُكَ اَنۡ يَّكُوۡ
 لَہٗ جَنۡةٌ مِّنۡ تَحِيۡلٍ وَّاَعۡنَابٍ ۝ فَيَمۡرِيۡ مِنْ تَحِيۡتِهَا اَلۡاَنْهَارُ ۝ لَہٗ فِيۡهَا
 مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ ۝ وَاَصَابَہُ الْيَڪۡرَ ۝ وَلَہٗ ذُرِّيۡةٌ ضَعۡفًا ۝ فَاَصۡلٰہَا
 اِغۡصَارٌ ۝ فِيۡہِ نَارٌ ۝ فَلاۡ تُخۡرِجۡتُ كَذٰلِكَ يَبۡیۡنُ اللّٰهُ لَكَرَ الْاَبَابِ
 لَعَلَّكَ تَتَفَكَّرُ ۝ ٢٩١ ۝ اٰیٰتِہَا الَّذِیۡنَ اٰمَنُوۡا اَتَقَوۡمًا مِّنۡ طٰیۡبٰتِ مَا
 کَتَبۡتُمْ ۝ وَمَا اَعۡرَجۡنَا لَکَۤیۡنَ الْاَرۡضَ ۝ لَا یَسۡتَمُوۡا الْحَبِیۡثَ مِنْہَا
 لَیۡتَقُوۡنَ ۝ وَلَکُمۡ بِاٰخِیۡدِہٖ اِلَّا اَنۡ تَفۡضُوۡا بِہِ ۝ وَاعۡلَمُوۡا اَنَّ اللّٰہَ
 یَعۡلَمُ حَیۡثُ ۝ ٢٩٢ ۝ اَلۡیَظۡطٰنَ یَعۡدُکَ ۝ الْقَفۡرَ ۝ وَبَاۡمُرَکُنَا اَلۡفَیۡءَ ۝
 اللّٰہُ یَعۡدُکَ ۝ سَعۡیَۃً مِّنۡہَا ۝ وَفَضۡلًا ۝ وَاللّٰہُ وَاَسۡعٰی ۝ عَلِیۡمٌ ۝ ٢٩٣ ۝
 اَلۡحِکۡمَۃُ مِّنۡ رِّسَالِہٖ ۝ وَمَنْ یُّؤۡتِ الْحِکۡمَۃَ فَقَدۡ اَوْفٰی کَثِیۡرًا ۝
 مَا یَذۡکُرُ ۝ اِلَّا اَوَّلُوۡا الْاَلۡبَابِ ۝ ٢٩٤ ۝ وَمَا اَنۡفَعۡتُمۡ مِنْ نَّفَقَۃٍ اَوْ نَدۡ
 مِنْ نَّدٰرٍ ۝ فَاِنَّ اللّٰہَ یَعۡلَمُ ۝ وَمَا لِلظَّالِمِیۡنَ مِنْ اَنْصَارٍ ۝ ٢٩٥ ۝ اِنْ
 تُبۡدُوۡا الصَّدَقٰتِ فَنِعۡمٰی ۝ وَاِنْ تَخۡشَوۡہَا وَتَوۡفَوۡہَا ۝ فَاَلۡفَقۡرَۃُ
 فَہُوۡ خَیۡرٌ ۝ لَّکُمۡ ۝ وَیَکۡفِیۡ بِعَمَلِکُمۡ ۝ سَیِّئًا ۝ یَکۡرُ ۝ وَاللّٰہُ یَمَّا تَعۡمَلُوۡنَ خَبِیۡرٌ
 ۝ ٢٩٦ ۝ اَلۡبَسَ عَلَیۡکَ قَدۡہَہُمۡ ۝ وَلَکِنۡ اللّٰہُ یَهۡدِیۡ مَنْ یَّشَآءُ ۝ وَلاَ تَسۡتَعِیۡزُ

و با کمال اطمینان خاطر دل پلطف خدا شاد دارند مثل دانه است که در
 زمین شایسته بریزند بر آن باران زیادی بموقع بهار و کمره و حاصلی دو
 چندان که منتظرند همچو اگر باران بسیار نیاید اندک اندک باران تا باز
 بشرد و سموعداوند بکار نیکان بسپرد و آگاهست (۳۵) آیا میخواهید
 که یکی از شما را بانی باشد از درخت خرما و انگور زیر آن درختان چوبهای
 روان و در آن هر گونه میوه موجود باشد تا گاه خشک و پیری بدو فرارسد
 (که میبکارت تواند کرد) و او را فرزندان خرد و ناتوان باشند و باغ او
 بادی آتش بارانند همرا بسوزاند (حال کسیکه اضاغ بر یاویا بشت و اذیت
 کند بدین مانند) عداوند آیات خود را برای شما روشن بیان کند باشد که
 در مال کارها و حقیقت احوال فکر کنید (۳۶) ای اهل ایمان اضاغ
 کنید از بهترین آنچه اندوختهاید (بکس و تجارت) و از آنچه برای شما
 از زمین میر و انبیا و پندهارا برای اضاغ همین نکنید در صورتیکه شما خود
 شناید مگر آنکه از بهی آن شما خود چشم پوشی کنید و بدانید که خدا
 بی نیاز بذات و ستودنی صفات است (۳۷) شیطان بوعده قیوت ترس بی چیزی
 شما را بکارهای زشت و پخیلی وادار کند و عداوند (برای رخت بپوش
 واحسان) بشما وعده آموزش واحسان دهد و عداود رحمت بی منتهاست
 و همه امور جهان دانست (۳۸) خدا غیث حکمت و دانش را بهر که
 خواهد عطا کند و هر که را بپسندد و دانش میدهد دوباره او را رحمت بسیار
 فرموده و این حقیقت را جز خردمندان عالمه کر نفوند (۳۹) هر چه
 اضاغ کنید پاچه نذر صدقه دهید عا تا عداوند میداند (ولی اگر در
 حق میکنانستم کنید) متکبران را در دو جهان پادشاهی نبراه
 بود (۴۰) اگر پسندتان اضاغ صدقات آشکارا کنید کاری نیکوست
 ولی اگر در پنهانی بقتیران (آبرومند) بدهید نیکوتر است و عداود اضاغ
 آن گناهان شما مستور دارد و عداود آشکار و نهان شما آگاه است (۴۱)
 اهد رسول بر تو دعوت خلق است (نه دعایت خلق لیکن عدا هر که را خواهد
 هدایت کند و شما را اضاغ واحسان کند و در پاره خویش گردا بدو نیاید است
 اضاغ کند جز در راه رضای عدا

مِنْ خَيْرٍ وَلَا تَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُونَ خَيْرٌ
 لَكُمْ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَنْظُرُونَ ﴿٣٧﴾ لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْسَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يُمْسِكُوا
 ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ
 بِسَمَائِهِمْ لَا بِأَسْمَائِهِمُ النَّاسُ الْأَخْفَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ
 بِهِ عَلِيمٌ ﴿٣٨﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَ
 عَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
 يَحْزَنُونَ ﴿٣٩﴾ الَّذِينَ يَبْكَوْنَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِينَ
 يَتَّخِذُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسْتَضِئِينَ بَأْأَنَّهُمْ مَا لَوْ آتَاهُمُ الْبَيْعُ مِثْلَ آبِ
 وَأَحْلَ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى
 فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ
 هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٤٠﴾ تَحَى اللَّهُ الرِّبَا وَرَبِّي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا
 يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٤١﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَتَانُوا
 الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
 هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٤٢﴾ بَأْأَنَّهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ
 مِنَ الرِّبَا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٤٣﴾ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِمَحْزَبٍ
 مِنَ اللَّهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَإِنْ تُبْنِمْ فَلَكُمْ زُرُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَنْظُرُونَ وَلَا
 تَنْظُرُونَ ﴿٤٤﴾ وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَإِنْ

و هر نیکی کنیده از خداوند پاداش تمام پشیا می رسد و هر گز بهماست
 نخواهد رسید (۴۷۳) صدقات مخصوص فقیرانی است که در راه خدا ناتوان
 و بیچاره اند و توانائی آن که کاری پیش گیرند ندارند و از فرط عفاف
 چنانکه که هر کسی از حال آنها آگاه نیست پند او دغنی وی نیاز دشما باید
 بفقیر آن ها از سپایمان پی برید که از عزت نفس هرگز آنها چیزی از
 کسی ستوال نکنند و هر چه اتفاق کنيد خدا بر آن آگاه است و بهما در دو عالم پاداش میدهد
 کسانی که مال خود را اتفاق کنند در شب و روز نهان و آشکار آنان را پاداش نیکو

پروردگارشان خواهد بود هر گز از حادثه آينده بیمناک و از امور گذشته
 اندوهگین نخواهد گشت (این آیه در باره علی (ع) نازل شد که چهار
 درهم داشت یکی را در روزی یکی را در شب یکی را آشکاری یکی را پنهان به فقیران
 عطا فرمود (۴۷۴) آن کسانی که ربا بخورند (از قبرها در قیامت) برنجیزند
 جز بهمانند آن که بوسه و فریب شیطان مضطرب و دیوانه شده و آنان که
 بدین سبب در این عمل دشت (ربا خوردن) افتند که گویند هیچ فرقی میان
 معامله تجارت و ربانیست حال آنکه خداوند تجارت را حلال کرده و ربا
 را حرام هر کسی پس از آنکه پند و اندرز کتاب خدا بدو رسید از این عمل
 (ربا خوردن) دست کشد خدا از گذشته او درگذرد و عاقبت کار او بها
 خدای مهربان باشد کسانی که از این کار دست نکشند آنان اهل جهنم اند
 و در آن جا ویدم مضطرب خواهند بود (۴۷۵) خداوند سود ربا را ناپسند
 گرداند و صدقات را افزونی بخشد و خدا دوست ندارد مردم سخت
 بی ایمان گنه پیشه را (که ربا خوار و حریس و بیخیلند) (۴۷۶) همانا
 آنان که اهل ایمان و نیکوکارند و نماز بپا دارند و زکات بدهند آنان را
 نزد پروردگار پاداش نیکو خواهد بود و هر گز ترس از آينده و اندوه از
 گذشته نخواهند داشت (۴۷۷) ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید
 و زیادی ربا مگیرید اگر بر راستی اهل ایمانید (۴۷۸) پس اگر ترك ربا
 نکردید آگاه باشید که بچنگ خدا و رسول او برخاسته اید و اگر از این کار
 پشیمان گفید اصل مال شما بر ای شماست بکسی ستمی نکرده اید ستمی
 نکنید بهما (۴۷۹) اگر از کسی که طلب کار هستید تنگست شود بدو
 مهلت دهید تا بتواند بگریزد

تَصَدَّقُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ١٨ وَأَتُوا يَوْمَ الْجُمُعَةِ
فِيهِ إِلَى اللَّهِ فَذَرُوا كُلَّ بَيْعٍ وَأَكْبَسُوا ١٩ يَا
أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا دُعِيتُمْ إِلَى الْجُمُعَةِ فَكُتِبُوهُ وَ
لِكُلِّ بَيْنِكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا
عَلَّمَ اللَّهُ فَلِكُلِّ كَاتِبٌ لَدَى اللَّهِ عِلْمٌ بِمَا كَتَبَ ٢٠ وَلَيَقْبَلَنَّ اللَّهُ
وَلَا يَجْزِي عَنْهُ شَيْءٌ قَدْ كَانَ الدِّينُ عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلَيَقْبَلَنَّ اللَّهُ رِزْقَهُ
ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلِلْمَلِئِ وَلِيَهُ بِالْعَدْلِ وَ
اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ
وَأَمْرٌ آتَانِ مِنْ تَرْفُوعٍ مِنَ الشَّهَادَةِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ
إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشَّهَادَةُ إِذَا دُعُوا وَلَا تَتَمَوَّأُوا
أَنْ تَكُتِبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى آخِرِهِ ذَلِكُمْ أَقْضَى عِنْدَ اللَّهِ وَ
أَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ بِنَاءً خَاصِرًا
تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكُتِبُوهَا وَاسْتَشْهِدُوا
إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا بَضًا وَكَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَضَلُّوا فَاتَّعِ
مُوقٌ يَدِكُمْ وَأَتُوا اللَّهَ وَبِعِلِّكُمْ اللَّهُ وَاللَّهُ يَكِلُ لِمَنْ يَشَاءُ ٢١
وَأَنْ كُنتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ فَإِنْ
أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي فِي أَثْقَنِ أَمَانَتَهُ وَلْيَقْبَلَنَّ اللَّهُ رِزْقَهُ

و اگر در هنگام تنگدستی بر سر مدقه ببخشید که عوض در آخرت یابید
 برای شما بهتر است اگر بمصلحت خود دانا باشید (۲۸۰) بترسید از آن
 روزی که در آن روز یازگشت بسوی خدا نمائید پس هر کس کاملاً پاداش
 عمل خویش یابد و هیچ کس نمی نکند (۲۸۱) ای اهل ایمان چون بقرض
 و سبیه معامله کنید تا زمانی معین شده و نوشته در میان باشد و بایست
 نویسنده درست کاردی معامله میان شما را بنویسد و از نوشتن ابا نکند که
 خدای بوی نوشتن آموخته پس باید بنویسد و مدیون امضاء کند و از خدا
 بترسد از آنچه مقرّر شده چیزی نگاهد (و نیز اید) و اگر مدیون سفیه و یا
 صغیر است و صلاحیت امضاء ندارد ولی او بمحل و درستی امضاء کند یا بتواند
 اقرار کند و تن از مردان گواه آید و اگر در مورد نیاید یک تن مرد و دو زن
 هر که را طرفین راضی شوند گواه گیرند که اگر یک نفر آنها فراموش کند
 دیگری را در خاطر باشد و هر گاه شود (بمجلس و یا بمعکه بخواهند)
 امتناع از رفتن نکند و در نوشتن آن تاریخ معین معامله نکند چه معامله
 کوچک و چه بزرگ باشد این درست تر است نزد خدا و محکمتر برای شهادت
 و نزدیک تر باین که شک و دویی در معامله پیش نیاید که موجب نزاع شود
 مگر آنکه معامله نقد حاضر باشد که دست بدست میان شما پرود در این
 صورت باکی نیست که بنویسد و هر گاه معامله کنید در آن گواه گیرید
 و بایست بنویسنده گواه (در حال و کارشان) ضرری رسد و بی اجر مانند
 اگر چنین کنید تا فرمانی کرده اید از خدا بترسید) تا فرمانی حکم او نکند
 خداوند بهما تعلیم مصالح امور کند و خدا بهما چیز دانا است (۲۸۲) و
 اگر در سفر باشید و نویسنده (برای ستم قرض و معامله نبه) نیاید برای
 وثیقه دین گروی گرفته شود و اگر برخی برخی را امین داند بآن کسی که
 امین شناخته امانت بسپارد (پس باید ادا کند آن امین آنچه که به
 امانت گرفته است از دیگری) و از خدا بترسد

وَلَا تَكْفُرُوا بِالْهَادَةِ وَمَنْ يَكْفُرْهَا فَإِنَّهُ ذُو قَلْبٍ مُّسْرِئٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ
تَعْمَلُونَ عَلَيْهِمُ اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ أَنْ
يُنْذِرَ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَنْ تُخْشَوْهُ يَخَافُكُمْ بِبُيُوتِهِ اللَّهُ فَتُخْشَرُونَ
يَسَاءَ وَيَعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَمِنْ الزُّمَلِ
عَمَّا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَأَتْ لَهُ
وَكُتُبُهُ وَرُسُلُهُ لَا تَفْرِقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَمَا لُوْا بِمُعَانَا
أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ لَا يَكْفُلُ اللَّهُ
نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لِمَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا
تُؤْخِذْنَا إِنْ لَسْنَا بِنَبِيٍّ أَوْ أَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا أَثْرَ كَمَا
حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُغْنِ كُنَا مَا لَمْ يَكُنْ لَنَا فِي
أَغْنٍ عَنَّا وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا إِنَّكَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ يَكُنْ لِلَّهِ الْإِلَهَ الْأَمُّ وَالْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ
بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلِ
هُدًى لِلنَّاسِ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثُمَّ
عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو نِقَامٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغْنِي عَنْكَ

و پادشاهان خیانت نکند و کتمان شهادت ننماید کفر کسی کتمان شهادت کند البته بدست گناهکار است و خدا از همه کار پندارندها آگاهست (۲۸۳) آنچه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست و اگر آنچه (از افراش غیر و شر) در دل دارید آشکارا و یا پنهان کنید همه را خدا در محاسبه شما بیاورد آنگاه هر که را خواهد ببخشد و هر که را خواهد عذاب کند و خداوند بر هر چیز تواناست (۲۸۴) بول بآئینه خدا بر او نازل کرد ایمان آورده و مؤمنان نیز همه بخدا و فرشتگان خدا و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند (گفتند) ما ایمان هیچیک از پیغمبران خدا فرقی نگذاریم و همه یک زبان و یک دل (در قول و عمل) فرمان خدا را شنیده و اطاعت کردیم هر روز گارا ما آمدنش تو را میخواستیم و میدانیم که باز گفت همه بسوی تو است (۲۸۵) خدا هیچکس را تکلیف نکند مگر بقدر توانایی او (و روز جزا) نیکیهای هر شخص بسود خود او و بدیهایش نیز بزیان خود او است بادرورد گارا ما را بر آنچه بفراموشی یا بغفلت کرده ایم و اخذ میکنیم بادرورد گارا تکلیف گران و طاقت فرسا چنانکه بر پیغمبران نهادهای بر ما مگذار بادرورد گارا بادر تکلیفی فوق طاقت ما را بدوش منته و ببارزد و پیش گناه ما را و بر ما رحمت فرما تنها سلطان ما و پادشاه ما و مأمور ما را (مغلوب کردن) گروه کافران باری فرما (۲۸۶)

سورة آل عمران در مدينه نازل شده و

مقتل بر دوست آیمي باشد

(بنام خدای بخشنده مهربان)

(الم) از حرف مقطعه اسرار قرآنست و هر کس بان اطلاع ندارد (۱) خدای جهان نیست جز آنکه زنده و پاینده ابدی است (۲) آن خدایی که قرآن بسوی تو پرستی فرستاد که دلیل راستی کتب آسمانی پیش از او باشد و پیش از قرآن کتاب تو را پدید آورد فرستاد (۳) برای هدایت مردم و کتاب کامل جدا کننده میان حق و باطل (قرآن) را فرستاد همانا آنکه آیات خدا بآیات همه این کتب آسمانی باز کافر شدند بر آنها عذاب سخت است و خدا قوی و تواناست و انتقامشتمکاران باوست (۴) ما را چیزی در آسمان و زمین

ثُمَّ فِي الْأَرْضِ لَآئِي لِّلْمَلَكِ ۖ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ ۚ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ هُوَ الَّذِي أَنزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ
 فِيهِ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ ۖ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ
 فِي غُلُوبٍ مِّن رَّيْعٍ فَيَجْعَلُونَ مِثْلَ آيَاتِهِ آيَاتٍ ۚ أَتَسْتَأْذِنُ الْبُيُوتَ
 وَأَبْوَابَهُ ۚ وَمَا يَحْكُمُونَ إِلَّا اللَّهُ ۚ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ
 آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِندِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ۝ رَبَّنَا
 لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رِزْقًا ۚ إِنَّكَ
 أَنَّكَ الْوَثَّابُ ۝ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ يَوْمَ يُؤْمَرُ الْآرِبُ فَيُؤَنِّ
 اللَّهُ لَا يَخْلِفُ الْوَعْدَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن يَغْفِرَ عَنْهُمْ أَنُورَالْهُم
 وَلَا آوَادُ هُمْ مِّنَ اللَّهِ مُشْتَبِهَاتٌ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ وَقُودُ النَّارِ ۝ كَذَّابِ
 الْفَرِحُونَ ۚ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ
 وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ قُلِ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْيُوكُمْ وَتُفْسِدُونَ
 إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَيُفْسِلُ الْوَهَادُ ۝ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا
 فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۚ وَالْآخَرُ كَافِرَةٌ ۚ وَهُنَّ مِثْلَهُمْ دَايِ
 الْعَيْنِ ۚ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بَصِيرَتَهُ ۚ إِنَّ فِي لِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي
 الْأَبْصَارِ ۝ تَرَىٰ لِلنَّاسِ حُبَّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَ
 الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ الْفُضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُنَوَّمَةِ وَالْأَنْثَىٰ

از خدا پنهان نیست (۵) خداست آنکه مینگارد صورت شما را در رحم مادران هر گونه اراده کند (زشت و زیبا تر و ماده) خدا هر چه از آن ذات پکنا نیست که بهر کار خواهد توانا و بهر چه چیز داناست (۶) اوست خدا آنکه قرآنرا به تو فرستاد که برخی از آن کتاب آیات محکمات که احتمال و اشتباهی در او راه نیابد که آنها اصل و مرجع سایر آیات کتاب خدا خواهد بود و برخی دیگر آیاتی متشابه است که به سبب اولت در کلمات معنی و فهم مقصود از او نفوذ تا آنکه گروهی که در دلهاشان میل به باطل است از پی متشابه رفته تا بتأویل کردن آن در این راه شبهه و فتنه گری پدید آرند در صورتیکه تاویل آن کسی جز خدا نداند و اهل دانش گویند ما بهمه آن کتاب گروهیم که همه محکم و متشابه قرآن از جانب پروردگار ما آمده و باین دانش پی نبرند بهر خردمند (۷) بادر پروردگار ما را بیاطل میل عده پس از آنکه بحق هدایت فرمودی و بما از لطف خویش رحمتی عطا فرما که همانا تویی بخشنده بی عوض و منت (۸) بادر پروردگار ما محققا توهمه خلق را جمع آوری در روزی (یعنی روز قیامت که به خلق وعده دادی) که هیچ شبهه در آن نیست و هر گز خدا نفس وعده خویش نخواهد کرد (۹) کافران را هرگز مال و فرزندان از عذاب خدا نرساند و آنان خود برافروزند آتش جهنم (۱۰) این گروه هم بمانند سیرت زشت فرعونیان و خوی بد پیشینیان آیات خدا را تکذیب کردند که خدا آنها را پکیفر گناهان شان مجازات کرد و خدا بدکاران هراست راست پکیفر رساند (۱۱) بگو ای پیغمبر (ص) به آنکه کافر شدند که بزودی مغلوب شویند و بهنم محفور گردید که بسیار بد جای پیکاهمی است (۱۲) نشانه و آیتی از لطف خدا با شما مؤمنان این است که چون دو گروه (مؤمن و کافر) با یکدیگر در بر و رودند گروه مؤمن را که در راه خدا جهاد می کنند گروه کافر دو برابر چشم خود نکند (بدین جهت کفار از اهل ایمان ترسان و گریزان شوند) و خداوند توانائی و یاری دهد بهر که خواهد و البته بدین آیت الهی اهل سیرت اعتبار جویند (۱۳) مردم (ظاهر بین دنیا پرست کوته نظر را) آدایش حب شهوات نفسانی که عبارت از میل بزنها و فرزندان و معیانیهای زرد و سیم و اسبهای پاننان نیکو و چهار پایان

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنشَأَ الْجَبُودَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاكِ
 وَتَنَزَّلُكَ بِغَيْرِ مَن ذَلِكُ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ فِيهَا أَرْزَاقٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ
 وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ۝ الْكَافِرِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا
 ذُنُوبَنَا وَفِنَا عِلَالَي النَّارِ ۝ الْأَصَابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْمُتَّقِينَ
 وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَمْثَارِ ۝ هَٰذَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
 هُوَ الْمَلَكُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْوَلِيُّ الْعَلِيُّ فَأَمَّا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ ۝ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأَسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْفُوا
 الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا عَلِمُوا أَنَّ بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرُ بِالْآيَاتِ
 اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ إِنْ كَانَ حَاجُكَ فَهَلْ أَتَيْتَ دُحَى
 اللَّهِ وَمَنِ اتَّبَعْنِي وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيَّةِينَ ؕ أَسْلَمْنَا مَا
 أَسْلَمُوا فَقَدِ اسْتَمْتَدُوا وَإِنْ قَوْلُوا أَنَا عَالِمُونَ بِالْبَلَاغِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ
 بِالْعِبَادِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِالْآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ وَيَكْفُرُونَ
 بِحَقِّهِ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ بَايَعُوا بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ
 بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَلِلَّهِ الَّذِينَ هَمَزَ الْأَعْمَالُ فِي الدُّنْيَا وَ
 الْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرٍ ۝ ۝ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
 مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَتَّخِذُوا مِنْ بَيْنِ

ومزارع است جلوه گرفته. لیکن اینها همه منافع زندگانی فانی دنیوی است و نزد خداست همان منزل بازگشت نیکو (که بهجت لقای الهی و نعمت باقی ابدی است). (۱۴) و ای پیغمبر میخوایید شما را آگاه گردانم بهتر از اینها که محبوب شما مردم دنیا است بر آنانکه تقوی پیشه کنند نزد خدا باقهای بهشتی است که برزید درختان آن نهرها جاریست و در آن جاوید متنعم هستند و زنان پاکیزه و آراستهای و (از همه خوشتر) خوشنودی خدا و خداوند بحال بندگان بیناست. (۱۵) آنکه بدو گامه عزای الهی عرضه دارند پروردگار را بکرم خود گناهان ما پیش و ما را از عذاب آتش جهنم نگاهدار. (۱۶) آن مابریان و راستگویان و فرمان برداران و اتفاق کنندگان و استغفار کنندگان در سحرگاهانند. (۱۷) به یکتائی خود گواهی دهید که جز ذات اقدس او خدائی نیست و فرشتگان و داناانندان نیز به یکتائی او گواهند و انکه میان عدل و درستی است نیست خدائی جز او که بر کار عالم توانا و بهر چیز دانا است. (۱۸) همانا دین پسندیده نزد خدا آیین اسلام است و اهل کتاب در آن راه مخالفت نه پیمودند مگر پس از آن که به حقانیت آن آگاه شدند و این خلاف را از راه رشک و حسد در میان آوردند و هر کس به آیات خداوند کافر شود پشرد که محاسبه عذاب و دوزخ خواهد بود. (۱۹) پس اگر برای مخالفت با دین حق به باطل احتجاج کنند بگویند خود و پیروان را تسلیم امر خدا نموده ام و بگو با اهل کتاب و با امیان (آنها که دارای علم کتاب آسمانی نیستند) آیا چون حق پدیدار شود ایمان آرید اگر ایمان آورده اید یا قه اندوا اگر از حق روی گردانده بر تو چیزی جز تبلیغ دین خدا و اتمام حجت بر آنها نیست و خداوند بحال بندگان بیناست. (۲۰) همانا کسانی که به آیات خدا کافر شوند و انبیاء را بی جرم و بی ناحق بکشند و یا آن مردمی که خلق را به عدل و درستی خوانند نیز دشمن شده و بقتل رسانند ای پیغمبر آنها را به عذاب سخت در دنا و به عذابت ده. (۲۱) آنها هستند که اصنافان در دنیا و آخرت تباه و ضایع گردیده و هیچکس برای نجات از عذاب باری آنها نخواهد کرد. (۲۲) آیا نشکرید که چون آنها را (یعنی غلبه یهود) که بهر از کتاب یافته اند دمرت شوند تا کتاب خدا بر آنها حکم کند گروهی از آنان (بهروزی است) باطل و دوزخ و دنیا از حکم حق روی گردانند

سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ يَا أَيُّهَا الْمَلِكُ الْكَافِرِينَ ۝ فَاذْكُرْنَاهُ مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ۝ فَكَفَيْتَ إِذَا
 جَعَلْنَاهُمْ لَوْمِيًّا ۝ لَارْتَبَ فِيهِ ۝ وَوَقَيْتَ كُلَّ فَنٍ ۝ مَا كُنْتَ وَهُمْ
 لَا يَبْظَلُونَ ۝ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمَلِكِ ۝ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ ۝ وَ
 تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِنْ مَنْ تَشَاءُ ۝ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ ۝ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ ۝ يُبْدِيكَ
 الْغَيْبَ ۝ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ تَوَجَّعَ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ ۝ وَتَوَجَّعَ النَّهَارُ
 فِي اللَّيْلِ ۝ وَتَخَرَّجَ الْحَيُّ مِنَ الْمَيِّتِ ۝ وَتَخَرَّجَ الْمَيِّتُ مِنَ الْحَيِّ ۝ وَتَزَوَّدَ
 مَنْ تَشَاءُ ۝ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ لَا يَخْجِدُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ ۝ أَوْلِيَاءُ مِنْ
 دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ ۝ إِلَّا أَنْ
 تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتِيَةً ۝ وَبِحَدِّ ذِكْرِ اللَّهِ نَفْسٌ ۝ وَآلِ اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝
 قُلِ إِنْ تَحْضُرُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ ۝ أَوْ تُبْذَرُوه ۝ يَعْلَمُهُ اللَّهُ ۝ وَيَعْلَمُ مَا فِي
 السَّمَوَاتِ ۝ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۝ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يَوْمَ يَقْدِرُ كُلُّ
 نَفْسٍ ۝ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ ۝ فَخَصْرًا ۝ وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ ۝ فَوَدُؤًا ۝ أَنْ يَبَيَّنَهَا
 وَيَبَيِّنَ أَمْدًا ۝ بِمَعْدَا ۝ وَبِحَدِّ ذِكْرِ اللَّهِ نَفْسٌ ۝ وَآلِ اللَّهِ وَذُو الْبَالِغِ
 ۝ قُلِ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ ۝ فَاتَّبِعُونِي ۝ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ ۝ وَيَغْفِرْ لَكُمْ
 ذُنُوبَكُمْ ۝ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ قُلِ أَطِيعُوا اللَّهَ ۝ وَالرَّسُولَ ۝ فَإِنْ تَوَلَّوْا
 فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ۝ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ

و از آن دوری گزینند (۴۲) بدین سبب (مطیع حکم خدا نشوند) که با خیال باطل خود گویند که ما را هرگز در آتش جز اندک زمان (عفت روز یا چهل روز که زمان گوساله پرستی آنها است) عذاب نکند و این سخنان باطل آنها را در دین مفرور گردانیده که بدروغ برخود پست (۴۳) پس چگونه خواهد بود حال آنها هنگامیکه جمع آوریم آنان را در روزی که هیچ شك و ریبی در آن روز نیست که روز قیامت است و داده شود بهر کسی آنچه اندوخته است برای خود و هیچ يك از مردم ستم کرده نمی شوند جزای عملشان بی کم و کاست داده خواهد شد (۴۴) بگوای پیغمبر (ص) با خدا یا ای پادشاه ملك عشی تو هر که را خواهی عزت ملك و سلطنت بخشی و از هر که خواهی بگیری و بهر که خواهی عرت و اقتدار بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی هر خیر و نیکویی بدست تو است و تنها تو بر هر چیز توانائی (۴۵) بگوای در روز نهان سازی و روز را در شب ناپدید گردانی و بیرون می آوری زنده را از مرده مثل انسان از منی و بیرون می آوری مرده را از زنده مثل تخم را از مرغ و روزی میدهی هر که را خواهی بدون حساب (۴۶) نباید اهل ایمان مؤمنان را وا گذاشته کافران را دوست گیرند و هر که چنین کند را چله او با خدا مقلوع است مگر برای دحذر بودن از شر آنها و خدا شما را از عقاب خود می ترساند و بدانند که باز گشت همه بسوی خدا خواهد بود (۴۷) بگوای پیغمبر (ص) هر چه را در دل پنهان داشته و یا آشکار کنید خدا بهمه آگاه است و هر چه در آسمانها و زمین است دانست و بر همه چیز تواناست (۴۸) و زی که هر شخصی را کار نیکو کرده همه را در پیش روی خود حاضر بیند و آنچه بد کرده آرزو کند که ای کاش میان او و کار بدش بماساتی دور جدائی بود و خداوند شما را از عقاب خود می ترساند که او در حق بندگان پی مهربانست (۴۹) بگوای پیغمبر (ص) اگر خدا وادوست می داری مرا پیروی کن که خدا شما را دوست دارد و گناه شما ببخشد که خداوند آمرزنده و مهربانست (۵۰) بگوای فرمان خدا و رسول را اطاعت کنید و اگر از آنان روی گردانید (و کافر شوید) همانا خدا کافران را هرگز دوست نخواهد داشت (۵۱) بحقیقت خدا برگزید آدم و نوح و خانواده

اِذْ يَصِيحُّمُ وَالْعِمْرَانُ عَلَى الْعَالَمِينَ هَؤُلَاءِ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ
 سَمِيعٌ عَلِيمٌ هُوَ الَّذِي اَمْرًا عِمْرَانُ رَبِّ اِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي
 بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ هَلَلْنَا وَنَضَعْنَهَا
 فَالَتْ رَبِّ اِنِّي وَضَعْتُهَا اُنْثَىٰ وَاللَّهُ اَعْلَمُ رِيًّا وَضَعْتُ وَلَيْسَ
 الذَّكَرُ كَالْاُنْثَىٰ وَاِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَاِنِّي اُحِبُّهَا مَالِكٌ بِرَبِّي
 مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَتَقَبَّلْنَاهَا رِجَالًا يَقُولُ حَسَنٌ وَاَنْهَبْنَاهُنَّ اَنَّا
 حَسَنًا وَكَلَّمْنَاهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْحَرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا
 رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ اَنْتِ لَكِ مَلَأُ فَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ اِنَّ اللَّهَ
 يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ هَلَلْنَا لَكَ نَعَاذُكَ رَبُّنَا قَالَ رَبِّ
 هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ هَلَلْنَا لَكَ
 اَللَّا اِنَّكَ هُوَ فَالَتْ وَبَصَلِي فِي الْحَرَابِ اِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِيٰحْسَنٍ مَعْدًا
 بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ هَلَلَا
 قَبِي اَنْ يَكُونَ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَاَتِي عَاقِرٌ هَلَلَا
 لَدُنْكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ هَلَلَا رَبِّ اجْعَلْ لِي اٰيَةً قَالَ اِنَّكَ
 اَلَا كَذِبٌ النَّاسُ ثَلَاثَةٌ اَبَايَا اَلَا مَرْءًا وَاَذْكُرْتُكَ كَثِيرًا وَسَمِعُ
 اَلَا عِشْقِي خَالَا بَنَارٌ هَلَا اِذَا قَالَ اَلَا لَكَ يَا مَرْيَمُ اِنَّ اللَّهَ اصْطَفٰكِ
 وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفٰكِ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ هَلَا مَرْيَمُ افْتَنِي لَوْلَا

ابراهیم و خانواده عمران را بر جهانیان (۳۳) فرزندان میستند برخی از
 نسل برخی دیگر و خدا با اقوال و احوال همه شنوا و داناست (۳۴) یاد کن
 آنگاه که زن عمران گفت پروردگار من عهد کردم فرزندی که دور جد ام
 از فرزندی خود دوراه خدمت تو آزاد گردانم این عهد من پذیر که تو
 دعای بندگان یقینوی و باحوال و اسرار غایب آگاه (۳۵) چون اولاد پزاد
 از روی حسرت عرض کرد پروردگار از فرزندی که داده ام دختر است و پزدا
 تو بر آن داناتری (که چرا مرا فرزندی که دور جدی و پسر و دختر (در
 کار خدمت حرم) برابر نخواهد بود من او را مریم نام نهادم و او فرزندان
 را از شر شیطان رانده شده در پناه تو آورده (۳۶) پس خداوند او را به
 نیکویی پذیرفت (که از مقبولان در گاهش نمود) و او را پسر پش نیکو پرورش
 داد و زکریا را برای کفالت و نگهداری او برگزاشت و هر وقت که با صومعه
 عبادت مریم میآمد و روزی شکفت آوری میبافت میگفت که ای مریم این روزی
 از کجا برای تو می رسد پاسخ میداد که این از جانب خداست که همانا پسر
 که خواهد روزی بی حساب ده (۳۷) در آن هنگام که زکریا را که امت مریم
 معاهد نمود عرض کرد بپروردگارا مرا بطلب خویش فرزندان یافتم و سرشت
 صاف فرما که همانا تو می مستجاب کننده ده (۳۸) پس زکریا را فرشتگان
 ندا کردند هنگامیکه در معراب عبادت نماز ایستاده که همانا خداوند
 تو را بولادت یحیی بشارت میدهد در حالتی که او بنیوت یحیی گفته خدا
 گواهی دهد و او خود در راه خدا پیوای و پارسا و پیغمبری از شایسته گاست
 (۳۹) زکریا عرض کرد پروردگارا چگونه مرا پسری تواند بود در حالتی
 که مرا سن پیری فرا رسیده و اهل من نیز هموزی نازا باشد گفت چنین
 است کار خدا (مرگز نیازمند باسباب نیست) هر چه بخواهد میکند (پس
 آن که به برایط و اسباب نیازمند باسباب نیست) هر چه بخواهد میکند
 (پس آن که به برایط و اسباب نیازمند باشد (۴۰) عرض کرد پروردگارا
 برای من بفرما این نعمت آیت و عبادتی مقرب فرما فرمود تو را آیت
 این باشد که تاسه روز با مردم سخن جز بر مزنگویی و پیوسته پیام خدا
 باشی و او را همانگاه و صبحگاه تسبیح گوئی (۴۱) و چون فرشتگان گفتند
 ای مریم خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر تری یحیی بر
 زنان جهانیان (۴۲) ای مریم فرمان بردار خدا باش

وَاجْعِدْ فِي أَرْحَمِي مَعَ الزَّالِمِينَ ۝ ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقَبْرِ نُجُوهِ
 إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَتَاهُمْ بِكُلِّ مَرْبُودٍ
 مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ۝ إِذْ قَالُوا لِلَّهِ كِبَرًا مِمَّا سَمِعْنَا مِنْ
 اللَّهِ يَنْبَغِي لَهُ مِنْهُ أَنْهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِهًا فِي
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمَقَرَّمِينَ ۝ وَبِكُلِّ نَسَمَةٍ الْأَخْسَرُ وَالْأَعْدَى
 كَذَّابًا وَمِنَ الضَّالِّينَ ۝ قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ
 يَمْسَسْ بِي شَرٌّ قَالَ كَذَٰلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا
 يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ وَبَعَلُّهُ الْكَتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالنُّورَ
 وَالْإِنجِيلَ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنِّي قَدْ أَرْسَلْتُكَ بِآيَاتِي مِنْ رَبِّكَ
 أَنِّي أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ مَكِينًا فِي الظُّلُمَاتِ فَتَكُونُ ظُهُورًا
 بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَبْرَأَ الْأَكْثَرُ وَالْأَبْرَصَ وَأَخْبَىٰ الْمَوْتِ بِإِذْنِ اللَّهِ
 وَأَتَيْنَاكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْعُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنْ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةٌ
 لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَمَصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ النُّورِ
 وَلِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَرْجُونَ عَلَيْكُمْ وَنِعْمَتُكُمْ بِآيَاتِي مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا
 اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۝ إِنْ اللَّهُ رَبِّي وَدُّ بَعْدَ مَا عِبُدْتُمْهُ مَا يُصَالِحْ
 مُسْتَفِيدٌ ۝ فَلَمَّا أَحْسَسَ عِيسَىٰ بِهَاجِهِمْ الْكَفَرُ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ
 قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَهُدًى بِنَا سَلِمُونَ ۝

و نماز را با اهل طاعت بجای آر (۴۴) این از اخبار غیب است که وحی
 میکنیم مایسوی توای پیغمبر حاضر نبودی و قتی که می انداختند قلمهای
 قرعه خود را میان جوی آب که تافره بنام کدام یک شود برای کفالت
 هریم و نبودی نزد ایمان و قتی که بایکدیگر در باب کفالت مریم نزاع
 میکردند (۴۵) چون فرشتگان مریم را گفتند که خدا ترا بکلمه که
 نامش مسیح (عیسی) پسر مریم است بشارت می دهد که او در دنیا و آخرت
 آبرو مند و از مقربان درگاه خداست (۴۵) و با خلق در گهواره سخن گوید
 بدانگونه که در بزرگی و او از جمله نیکویان جهان است (۴۶) مریم عرض
 کرد پروردگار مرا چگونه فرزندی تواند بود و حال آن که بامن مردی
 نزدیک نشده گفت چنین است کار خدا بی نیاز از هر گونه سببی است هر
 چه بخواهد بدون اسباب می آفریند چون مشیت او بخلقت چیزی قرار
 گیرد بعضی اینکه گوید موجود باش همان دم موجود شود (۴۷) و خداوند
 همی تعلیم کتاب و حکمت کند و توری و انجیل آموزد (۴۸) و او را بمرسالت
 پسوی بی اسرا بفرستد که به آنان گوید من از طرف خدا مسجری آورده ام
 و آن معجزه این است که از گل مجسمه مرغی ساخت و بر آن نفس قفسی
 بدم تا بامر خدا مرغی گردد و کور مادر زاد و مبتلای به پستی را (کعبه
 طیب از علاج آن عاجز است) بامر خدا شفا دهم و مرد گاف را بامر خدا
 زنده کنم و بهما از غیب خبر دهم که در خانه عاتان چمنی خورید و چه ذخیره
 می کنید این معجزات برای شما حجت و نفعان حقایق من است اگر اهل
 ایمان هستید (۴۹) آمده ام من در حالتیکه تصدیق میکنم توراتی را که پیش
 از من بهما آمده و در زمان من هست و آمده ام برای اینکه حلال کنم از
 برای شما بعضی از آن چیزهایی که پیش از من حرام شده بود بر شما و از
 طرف خداوند برای شما مجوز و نفعان (نبوت) آوردم که از خدا بترسید
 و مرا اطاعت کنید (۵۰) همانا خدا پروردگار من و شماست او را بپرسند
 که همین خدا پرستی است را و راست (۵۱) پس چون عیسی بیستین دریافت
 که قوم ایمان نخواهند آورد گفت کیست که بامن دین خدا را پاری کند
 حواریون (خواص را گردان عیسی) گفتند ما پاری کنندگان دین خدا ایم
 و ایمان بهما آورده ایم گواهی ده کما تسلیم فرمان اولیم (۵۲)

وَبَيْنَا أَمْعَامًا أَتَوْكَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَالْتَبْنَا مَعَ النَّاصِيَةِ
وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَكُونُونَ ۖ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ
مَرْيَمَ وَادْخُلْ فِيكَ وَمُطَهِّرًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاجْعَلْ
الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ إِنَّكَ مَعَهُمْ
فَالْمُكَرِّمِينَ ۖ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۚ قَالَتِ الَّذِينَ كَفَرُوا لَعْنَةُ اللَّهِ
عَلَىٰ شَاقِئِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ ۚ وَأَمَّا
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَبُوْغِيهِمْ أَجْرُهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ ۚ ذَٰلِكَ نَتْلُو عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ۚ إِنَّ
مَثَلِ عِيسَىٰ عِندَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
۝ أَلَمْ يَكُن مِّن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُنْزِفِينَ ۚ مَن جَاءَكَ مِن
بَنِي آدَمَ يُلَاقِيكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَ كُرْدُ وَ
بَنَاتَنَا وَبَنَاتِ كُرْدُ وَافْسِنَا وَافْسِكُمْ ثُمَّ يَنْتَهِلُ فَيَقْتُلُ لَعْنَةُ اللَّهِ
عَلَى الْكَافِرِينَ ۚ إِنَّ هَٰذَا هُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِن دَالٍ وَلَا
اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۚ فَلَن تَقُولُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ
بِالْمُنْفِيذِينَ ۚ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا
وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّبِعَنَّا مِن بَيْنِنَا
بَعْضًا آيَاتِنَا مِن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَهُوَ شَهْدٌ عَلَيْكُم بِمَا شَاءَ

پروردگار اما بکنایه که فرستادی ایمان آورده و از رسول تو پیروی کردیم
 نام ما را در صحیفه اهل یقین ثبت فرما (۵۴) یهود با خدا مکر کردند و خدا
 هم در مقابل با آنها مکر کرد و از همه کس خدا بهتر مکر تواند کرد (۵۴)
 بیاد آروفتیکه خداوند فرمود ای عیسی همان من روح تو را قبض نمود و
 بر آسمان (قرب خود) بالا برد و تو را پاک و منزله از معاشرت و آلاش کافران
 گردانم و پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری دهم پس آنگاه باز گشت
 شما پسوی من خواهد بود که بحق حکم کنم در آنچه که بر سر آن پایکدیگر
 بخلاف و نزاع بر میخواستید (۵۵) پس گروهیکه کافر شدند بمذابی سخت
 در دنیا و آخرت مغضوب گردانم (و برای نجاتشان) هیچکس به آنها مدد و
 پاری نخواهد کرد (۵۶) اما آنان که ایمان آورده و نیکو کار شدند خدا اجر
 تمام با آنها عطا کند و خدا هرگز ستمگران را دوست نمیدارد (۵۷) این
 سخنان که بر تو میخوانیم از آیات الهی و ذکر حکمت های خدای حکیم
 است (۵۸) ما نا مثل خلقت عیسی (در خارق العاده بودن) از جانب خدا
 مانند خلقت آدم و ابوالبراست که خدا او را از خاک بساخت سپس بدان خاک
 گفت بشری بعد کمال باش چنان گفت (۵۹) سخن حق همانست که از جانب
 خدا بتو رسید مبادا هیچگاه در آن شک و ریب کنی (۶۰) پس هر کس با تو در
 مقام مجادله بر آید در باره عیسی بپدا از آن که بوحی خدا باحوال او آگاه
 یافتی با او بگو بیایند ما و شما با فرزندان و زنان خود بمباهله بر خیزیم
 و در دعا و التجاء بدرگاه خدا اصرار کنیم تا دروغگو و کافران را بلمن و
 عذاب خدا گرفتار سازیم (این آیه در میاهله بانصارای نجران آمد چون
 پیغمبر با مر خدا با علی (ع) و فاطمه و حسنین (ع) برای نفرین بیرون
 آمدند هنوز لب نگشوده آثار غضب خدا ظاهر شد نصاری ترسیدند و جزیه
 قبول کردند (۶۱) این داستان بحقیقت سخن حق است و جز آن خدای
 یکتا خدائی نیست و خداست که بر همه کار توانا و به همه حقایق داناست (۶۲)
 اگر روی از حق بگردانند بترسند که خدا از کردار مفسدان آگاهست (۶۳)
 ای اهل کتاب بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است
 پیروی کنیم (و آن کلمه این است) که بجز خدای یکتا را نه پرستیم و چیزی
 را باو شریک قرار نهمیم و برخی برخی را بجای خدا بر بویت تنظیم
 نکنیم (یعنی رؤسای مذهب را بر تپه پرستش و اختصاصات الهیت نرسانیم)
 پس اگر از حق روی گردانند بگوئید شما گوا. باشید که ما

مُسْلِمُونَ ﴿٦٠﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَحْجُونَ فِي بَرَاهِمٍ وَمَا أُنزِلَتْ
 التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا لِمَنْ يَعْلَمُ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦١﴾ مَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجِمِينَ
 فِيهَا لَكُمْ بِرُءُوسُهُمْ فَهَلْ تَحْجُونَ فِيهَا لِمَنْ يَعْلَمُ بِرُءُوسِهِمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ
 لَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ
 حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٣﴾ إِنَّ أَوَّلِي النَّاسِ بِرُءُوسِهِمْ
 لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ
 ﴿٦٤﴾ وَذَرَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ
 إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٥﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ
 اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٦٦﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَقُولُونَ الْحَقَّ بِآيَاتِ اللَّهِ
 وَتَكْفُرُونَ بِالْحَقِّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
 آمِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجِئَتْكُمْ السَّاعَةُ وَالْكُفْرُ وَالْإِنْفِرُ
 لَعَلَّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿٦٨﴾ وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا بِالَّذِي نَبَّيْتُكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَى
 هُدَى اللَّهِ أَنْ يُؤْتَى أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُوتِينَا أَوْ يَخَاجُوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ
 قُلْ إِنْ الْفَضْلُ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٦٩﴾
 يَخْتَصِرُ رَحْمَةً مِنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٧٠﴾ وَمِنْ أَهْلِ
 الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَّا بِقِنْطَارٍ يُؤَدُّ إِلَيْنَا الْبَيْتَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَّا
 بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّ إِلَيْنَا الْبَيْتَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ ثَمَانًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ

تسلیم فرمان خداوندیم (۶۴) ای اهل کتاب چرا در آئین ابراهیم بایک دیگر مجادله میکنید که هر یک بخود نسبت میدهند او را و حال اینکه فرستاده نشد توری و انجیل مگر بعد از ابراهیم بقرنها فاصله آیتمقل نمی کنید (۶۵) کبرم در آنچه میدانید شما را مجادله روا باشد چرا در آنچه عالم نیستید باز جدل و گفتگو بمیان آورید و خدا همه چیز میداند و شما نمیدانید (باید از کتاب پیغمبر او بیاموزید) (۶۶) ابراهیم به آئین یهود و نصاری نبود لیکن بدین حنیف توحید و اسلام بود و نبوده رگز از آنانکه بعد از ک آورند (۶۷) نزدیکترین مردم با ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی کنند و این پیغمبر و امتش که اهل ایمانند و خدا دوستدار مؤمنان است (۶۸) گروهی از اهل کتاب انتظار و آرزوی آن دارند که شما را گمراه کنند و جز آنکه خود را گمراه کنند باز روی نمیرسند و اینرا نمیفهمند (۶۹) ای اهل کتاب چرا به آیات خدا کافر شوید و حال آنکه شما بسوق آن گواهی میدهند (۷۰) ای اهل کتاب چرا حق را باطل مشتبه سازید تا چراغ حق را بپاد شبهات خاموش کنید در صورتیکه به حقانیت آن آگاهید (۷۱) و گروهی از اهل کتاب گفتند که بدین و کتابی که برای مسلمانان نازل شده اول روز (بخنده) ایمان آرید و آخر روز کافر شوید شاید بدین حيله آنها نیز از دین اسلام بر گردند (۷۲) و ایمان نیاورید مگر به آنکس که متابعت کنند دین شما را (که راه سادت و دین حق منحصر بماست) بگو ای پیغمبر (س) بایهود و نصاری که راه سادت راهی است که خدا بپسندید و بامتی دیگر نیز مانند شریعت و کتاب شما صلا میکند تا آنکه باشما نزد پروردگار احتجاج کنند بگو ای پیغمبر فضل و رحمت بدست خداست بهر که خواهد صلا کند و خدا را رحمت بی منتهاست و بهمة امور عالم داناست (۷۳) هر که را مشیت او تعلق گیرد مخصوص بفضل و رحمت خود گرداند که خدای را فضل و رحمت بی منتهاست (۷۴) بعضی اهل کتاب (از نصاری) تا به آن حد درست کردند که اگر مال بسیاری به آنها امانت بسپاری رد امانت کنند و برخی دیگر اهل کتاب (یهود) تا آن اندازه نادرستند که اگر یک دینار بآنها امانت دهی رد نکنند جز آن که بر مصالحه آن سختگیری کنی از این رو که گویند برای ما پیروان کتاب توری

قَالُوا النَّبِيُّ فِي الْأَنْبِيَاءِ سَيِّئٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ وَ
 هُمْ يَعْلَمُونَ ٥٦ بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُبْطِلُ الْمُفْسِدِينَ ٥٧
 إِنَّ الدِّينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا
 خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْأَعْرَافِ وَلَا يَنْكَلِمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْعِقَابِ
 وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٥٨ وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ
 أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ مَاهُومِينَ ٥٩ الْكِتَابُ يَقُولُونَ
 مُؤْمِنِينَ عِنْدَ اللَّهِ وَمَاهُومُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ
 وَهُمْ يَعْلَمُونَ ٦٠ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ
 وَالنَّبُوءَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ
 كُونُوا رَئِيسِينَ عِبَادِكُمْ تَعْلَمُونَ ٦١ الْكِتَابُ وَمَاهُومُونَ تَذَرُونَ
 ٦٢ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُتَّخَذَ الْوَلَدُ الْمَلَائِكَةُ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا إِنَّكُمْ
 بِالْكَفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ٦٣ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ
 لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابِي حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا
 مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ
 إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا فَأْتُوا بِشَهِيدٍ وَآتَا مَعَكُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ
 ٦٤ قُلْ قَوْلِي بَعْدَ ذَٰلِكَ قَاوُلْتُ هُمْ الْغَايِبُونَ ٦٥ أَفَغَيَّبَ
 دِينَ اللَّهِ يَتَّبِعُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طُغُوًا وَ

بهر وسیله خوردن مال غیر اهل توریة گناه ندارد و این سخن را به (کتاب توریة) خدا نسبت دهند در صورتیکه میدانند که بعدها نسبت دروغ میدهند (۷۵) آری هر که وفا کند بمهد خود و به پرهیز از سخط پروردگار پس البته خدا دوست دارد پرهیزکاران را (۷۶) همانا آنانکه عهد خدا سوگند خود را بیهائی اندک بشروند اینان را در دار آخرت (از بهشت حق) بهره نیست و خدا از غشم با آنها سخن نکوید و بنظر رحمت در قیامت بد آنها ننکود و از پلیدی گناه پاکیزه نگرداند و آنها را (در جهنم) عذاب دردناک خواهد بود (۷۷) همانا برخی از اهل کتاب قرائت کتاب آسمانی را تغییر و تبدل میدهند تا آنچه از پیش خود خوانده اند از کتاب خدا محسوب دارند و هرگز آن تحریف شده از کتاب خدا نخواهد بود و گویند این آیات از جانب خدا نازل شده در صورتی که هرگز از جانب خدا نیست و با آن که میدانند (تدریف خود آنها است) بعدها دروغ می‌پندند (۷۸) هیچ بشری که خدا او را بر سالت برگزیند و به او کتاب و حکمت نبوت بخشد او را نرسد که بمردم گوید مرا بجای خدا پرستید بلکه پیغمبران بر حسب وظیفه خود بمردم گویند خدا شناس و خدا پرست باشید چنانچه از کتاب بدیگران این حقیقت را می‌آموزید و خود نیز میخوانید (۷۹) هرگز خدا بشما امر نکند که فرشتگان و پیغمبران را خدایان خود گیرید چگونه شمارا بکفر خواند پس از آن که بخدای یگانه اسلام آورده باشید (۸۰) و چون خداوند از پیغمبران پیمان تبلیغ گرفت آن گاه که بشما کتاب و حکمت بخشید پس برای هدایت شما اهل کتاب رسولی از جانب خدا آمد که گواهی بر راستی کتاب و شریعت شما میداد تا ایمان آورده و از او یاری کنید خداوند فرمود آیا (بر سولمن پیروی خواهید کرد همه گفتند آری و خداوند فرمود شما (بر خویش و امم خود) گواه باشید من هم باشم (بر آنان) گواه خواهم بود (۸۱) پس کسانیکه روی از حق بگردانند بعد از آمدن چنین رسولان (و این پیغمبر خاتم (س) محقق آنان بخصوص گروه ناستان خواهند بود (۸۲) آیا کافران دینی غیر دین خدا را میطلبند و حال آن که هر که در آسمان و زمین است خواه و ناخواه مطیع فرمان خداست

كَرَّمَاهُ وَابْدُءُ بِجَبُونِ ۝ عَلَّ امْتَابَا لِلَّهِ وَمَا اُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا
 اُنْزِلَ عَلَيَّ اِيْزَاهِيْمَ وَاِسْمَعِيْلَ وَانْحَقَ وَيَعْقُوْبَ وَالْاَسْبَاطِ
 وَمَا اَوْفَى مُوسَى وَعِيسَى النَّبِيُّونَ مِنْ رَحْمَةٍ لَّا تَفْرُقُ بَيْنَ
 اَحَدٍ مِنْهُمْ وَتَكُنْ لَهُ مُسْلِمُونَ ۝ وَمَنْ يَنْتَفِعْ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِيْنًا
 فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰصِرِيْنَ ۝ كَذَّبَ بِهٰذَا
 اللّٰهُ قَوْمًا كَفَرُوا اَبْعَدَ اِيْمَانِهِمْ وَشَهِدُوْا اَنَّ الرُّسُوْلَ حَقٌّ وَ
 جَاءَهُمُ الْبَيِّنٰتُ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ۝ اُولٰٓئِكَ
 جَزَاؤُهُمْ اَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللّٰهِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ وَالنَّٰسِ اَجْمَعِيْنَ ۝
 خَالِدِيْنَ فِيْهَا لَا يَخْتَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُوْنَ ۝ اِلَّا
 الَّذِيْنَ تَابَوْا مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ وَاسْلَمُوْا اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝
 اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوا اَبْعَدَ اِيْمَانِهِمْ ثُمَّ اِذَا ذُو الْكُرْ اَلَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ
 وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الضّٰلُّوْنَ ۝ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوا وَاَمَاتُوْهُمْ ثُمَّ اِذَا
 فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ اَحَدِهِمْ مِّلْؤُ الْاَرْضِ مِنْ مَّاءٍ وَلَوْ اَسْتَدْبَرْتَهُ اُولٰٓئِكَ
 لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نّٰصِرِيْنَ ۝ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتّٰى
 تُنْفِقُوْا اِمَّا تُحِبُّوْنَ وَمَا تُحِبُّوْا مِنْ شَيْءٍ فَاِنَّ اللّٰهَ بِمَا يَعْمَلُ ۝ كُلُّ
 الظّٰلِمِ كَانَ جَلًا لِّيَّ سُرَ اٰثِيْلٍ اِلَّا مَا نَرٰهُ اِسْرَ اٰثِيْلٍ عَلٰى
 مِنْ قَبْلِ اَنْ تَنْزِلَ التّوْرَةُ قُلْ قَا نُوْبَا لِتُوْرَتِهِ قَا نُوْمَا اِنْ كُنْتُمْ

همه بسوی او رجوع خواهند کرد (۸۳) بگوای پیغمبر (ص) ما ایمان آورده ایم بخدای عالم و شریعت و کتابیکه پمانازل شده و آن چه پرایم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و فرزنداناش نازل شد و آنچه بموسی و عیسی و پیمبران دیگر از جانب پروردگار آمد همه ایمان آورده ایم فرقی میان هیچیک از پیمبران خدا نگذاریم زیرا ما مطیع فرمان خدا هستیم (۸۴) هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است (۸۵) چگونه خداوند راه سعادت بنماید بکوهی که کافر شدند بعد از ایمان بخدا و گواهی دادن بپاداشی رسول او و بعد از ادله روشن خدا هرگز گروه ستمکارانرا (پراست سادات) رهبری نخواهد کرد (۸۶) کیفر آن گروه کافر اینست که خدا و فرشتگان و همه مردمان بر آنان لعنت کنند (۸۷) جاوید در جایگاه لعنت که جهنم است بمانند و بر آنها عذاب خدا تخفیف نیاید و هرگز نظر رحمت پدایا ننگند (۸۸) مگر آنها یک توبه کردند بعد از اینکه کفر آوردند و اصلاح کردند سیئات اعمال خود و اول خود پاک نمودند از بدیها و عزم کردند در ایمان ثابت بمانند پس البته خدا بر آنها آمرزنده و مهربانست (۸۹) و همانا آنانکه بعد از ایمان کافر شدند و برگشتن خویش افزودند هرگز توبه آنها پذیرفته نشود و بحقیقت کمر امان هم آنان خواهند بود (۹۰) و البته آنان که بعد از ایمان کافر شدند و بکفر مردند اگر برای آزادی خود از عذاب خدا برابر همه زمین طلا بپردازند هرگز از ایشان پذیرفته نشود و آنها و است عذاب دردناک در دوزخ و یارانی که دفع عذاب از آنان کنند نخواهند داشت (۹۱) شاهرگز بمقام نیکوکاران و خاسان خدا (یا درجات عالیه بهشت) نخواهید رسید مگر آن که از آنچه دوست می دارید در راه خدا اتفاق کنید که همانا خدا بر آن چه اتفاق می کنید آگاهست و پاداشی در دو عالم بنسب میدهد (طعامها برای بنی اسرائیل حلال بود مگر آنرا که یعقوب پیش از نزول توریه بر خود حرام کرد) که گوشت شتر و شیر آن است (مگر ای پیغمبر (ص) بعد از آنکه چنانچه می گوئید توریه حلالی بر شما حرام کرده) توریه را بیاورید و بخوانید اگر

صَادِقِينَ ۝ فَمَنْ أَفَرَّقَ عَلَى اللَّهِ الذِّكْرَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ
 هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ عَلِمَ مَدَقَ اللَّهِ فَأَتَوْا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا
 كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ إِنْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ
 مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ ۝ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ
 وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ
 إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ۝ عَلِمَ أَهْلُ
 الْكِتَابِ لِرُكُوعِ يَاسِينَ اللَّهُ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ ۝
 قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا
 حِيحًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ ۚ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَطِيعُوا أَمْرَ بَقِيٍّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرْزُقُوكُمْ
 بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ۝ كَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُنْفِلُ عَلَيْهِمْ
 آيَاتِ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى
 صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا
 تَمُوتُوا إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا
 تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً قَالَتْ بَيْنَ
 قُلُوبِكُمْ فَاصْصِمُوا بَيْنَهُمْ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى فُطْرَةٍ مِنَ النَّارِ
 فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

راست می گوئید (۹۳) پس کسانی که بعد از این حجت بر خدا دپو غ بندند
 آئینه آنها خوراک کافران و مستکبرانند (۹۴) یگوا ی پیغمبر (ص) راست سخن
 خدا است (نمدعی شما) باید پیروی از آئین ابراهیم کنید که دینی پاک
 و بی آلاشی است و ابراهیم از آنان نیست که بعدا شرک آوردند (۹۵)
 بدانید اول خانه که برای مکان عبادت خلق پنا شده همان خانه یکه است
 (یکه نام زمین کیمه مطواف گاه است چون محل ازدحام مردم است و مکه
 نام شهر است) آن خانه را خبر بسیار است برای مردم و سبب هدایت است
 عالمیان را (۹۶) در آن خانه آیات ربوبیت هویدا است مقام ابراهیم خلیل
 است هر که در آنجا داخل شود ایمن شود و مردم راجع و زیارت آن خانه
 واجب است بر هر کسی که توانائی یافته و بر آن راه باید و هر که (سبب
 انکار و جوب حج) کافر شود تنها بخود زیان رسانیده که خداوند از طاعت
 خلق بی نیاز است (۹۷) یگوا ی اهل کتاب چرا به آیات خدا (راجع
 بنیوت پیغمبر خاتم) (ص) کافر شده و باعمال زشت میگردانید بترسید که
 خدا گواه اعمال شماست (۹۸) یگوا ی اهل کتاب چرا راه خدا را می بندید
 (یعنی رسالت محمد (ص) را انکار می کنید) و اهل ایمان را براه باطل
 میخوانید در صورتیکه بزشتن این عمل آگاهید بترسید که خدا بی خبر از
 کردار شما نخواهد بود (۹۹) ای کسانی که بدین اسلام گرویده اید اگر
 پیروی بسیاری از اهل کتاب را کنید شما را بعد از ایمان بکفر بر میگردانند
 (۱۰۰) و چگونه کافر خواهید شد در صورتی که برای شما آیات خدا
 تلاوت میشود و پیغمبر خدا میان شما (به هدایت و دعوت مفعول) است و
 هر کسی بدین خدا (که اسلام است) متمسک شود محققا براه مستقیم
 هدایت یافته (۱۰۱) ای اهل ایمان از خدا بترسید چنانکه شایسته خدا
 ترس بودن است (پیوسته پیساد او باشید و شکر نعمتی بجا آردید) تا
 نمرید جز بدین مبین اسلام (۱۰۳) همگی به رشته دین خدا چنگ زده
 و بر راههای متفرق (مذہبان دین ساز) فروید و بیاد آرید این نعمت بزرگ
 خدا را که شما با هم دشمن بودید خدا در دلای شما الفت و مهر بانی
 انداخت و بلطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید و در پرنگاه
 آتش بودید خدا شما را نجات داد چنین خداوند آیاتش را بر ایه راه نمائی
 شما بیان میکند باشد که بتمام سعادت هدایت شوید (۱۰۴)

وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ
عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ١١٥ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَقَرَّبُوا
وَاخْتَلَعُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ
عَظِيمٌ ١١٥ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ
وُجُوهُهُمْ أَكْثَرُ نَرُ بَعْدَ إِيْمَانِهِمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
١١٦ وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ
١١٦ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ يَا حَبِيبُ وَمَا اللَّهُ بِرِيدٍ ظَلِمَ
لِلْعَالَمِينَ ١١٧ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ
الْأُمُورُ ١١٧ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكُنَّا
خَيْرَ أَلَمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَآلُكُمْ أَهْلُ الْفَاسِقُونَ ١١٨ لَنْ يَضُرَّكُمْ
إِلَّا أَذًى وَلَنْ يَفْعَلُ لَكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَرِهَ الْآذِنَارُ ١١٨ لَا تَبْصُرُونَ ١١٨
ضَرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ أَتَنْ مَاتُوا فَمَا يُفْعَلُ إِلَّا بِحِيلٍ مِنَ اللَّهِ وَحِيلٌ مِنَ
النَّاسِ يَا ذَا يُعْظَبُ مِنَ اللَّهِ وَضَرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ
كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ
بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ١١٩ لَسَوْأَ مَا نَسُوا آيَاتِ الْكِتَابِ وَمَا
فَانَّمَا يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْتَخْذُونَ ١٢٠ يُؤْمِنُونَ

و باید از شما مسلمانان برخی (که دانا و باتقوی ترند خلق را بپذیر و صلاح دعوت کنند و مردم را بنیکوکاری امروز بدکاری نمی کنند و اینان که به حقیقت واسطه هدایت خلق هستند در دعوایم در کمال نیروی بختی و رستگاری خواهند بود (۹۰۳) و شما مسلمانان مانند مجلس نباشید که راه تفرقه و اختلاف پیمودند پس از آنکه آیات و ادله روشن (از جانب خدا) برای هدایت آنها آمد و چنین گروه گرفته از عذاب سخت خواهند بود (۹۰۵) روزی بیاید که گروهی (یعنی مؤمنان) رؤسید و گروهی (یعنی کافران) روسیاه باشند اما سیه رویان را نکوهش کنند که چرا کافر شدید بعد از ایمان پس اکنون به عقید عذاب خدا را بپذیر کفر و صیانت (۹۰۶) اما سفید رویان (یعنی مؤمنان) در بهشت که محل رحمت خداست در آیند و در آن جاوید منتقم باشند (۹۰۷) اینها آیات الهی است که برای تو برآستی میخوانیم و خداوند هرگز اراده ستم بهیچکس نکند (۹۰۸) هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است همه ملک خداست و بازگشت همه موجودات بسوی اوست (۹۰۹) شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که بر آن قیام کردید که (برای اصلاح بشر) مردم را بنیکوکاری و ادار کنند و از بدکاری بازدارند و ایمان بخدا آورند و اگر از اهل کتاب همه ایمان می آوردند بر آنان در عالم چیزی بهتر از آن نبود لیکن برخی از آنها با ایمان و بیشتر فاسق و بدکارند (۹۱۰) هرگز (جهودان دشمنان اسلام) آسیب و ریان سخت به شما نتوانند رسانند مگر آنکه از نکوهش و یأوه سرائی شما را اندکی بیازارند و اگر بکار زار شما آیند از جنگ هراسند گریخت و از این پس هیچوقت منصور نخواهند بود (۹۱۱) آنها محکوم بذلت و خواریند بهر کجا متوسل شوند مگر بدین خدا و عهد مسلمین در آیند و آنان پیوسته اسیر بدبختی و ذلت شدند ازین رو که با نایات خدا کافر شده و پیمبران حق را بتاحق گفتند که این یا فرمائی و ستمگری کار همیشه آنها بود (۹۱۲) همه اهل کتاب یکسان نیستند باینکه از آنها در دل شب تلاوت آیات خدا و نماز و طاعت حق مشغولند (۹۱۳) ایمان

بِإِلَهِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبِأَمْرٍ بِالْمَعْرِفِ وَبِغَيْرِهِمْ عَنِ الْكَفْرِ
يُتَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٣﴾ وَمَا يَقُولُوا
مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوا بِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿١١٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
لَنْ يُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ
أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١٥﴾ مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صَاعٍ أُصَابَتْ مَرَّتَ قَوْمٌ فَلَمَّا أَتَوْهُمُ
قَالُوا هَلْ كُنْتُمْ بِآيَاتِنَا مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْتِيكُمْ خَبْرٌ لَّاءٍ وَلَا مَأْتِي
عَيْتُمْ قَدْ بَدَأَ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَقْوَاسِهِمْ وَمَا تَحْفَظُونَ مِنْ دِينِكُمْ
قَدْ بَدَأَ لَكُمْ الْآيَاتُ إِنْ كُنْتُمْ تُعْقِلُونَ ﴿١١٦﴾ هَآأَنْتُمْ أَوْلَىٰ بِخُبْرِكُمْ
وَلَا يَحْجُبُ عَنْكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَعُوكُمْ قَالُوا أَسْمَاءُ
رَدَاخِلُوا أَحْصُوا عَلَيْكُمْ الْآيَاتِ إِلَّا نَاسِلٌ مِنَ الْغَبِطِ قُلْ تَمَوَّاتُ يُعْطِيكُمْ أَنَّ
اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١١٧﴾ إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِحَبْلِ اللَّهِ تَوَكَّلْكُمْ وَإِنْ
تُصْبِحُوا نَسِيَةً يُفْرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصْبِحُوا كَاذِبِينَ تَلْعَنُوا أَلِابُصْرُكُمْ
كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَمَّا يَعْلَمُونَ خَبِيرٌ ﴿١١٨﴾ وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ
أَهْلِكَ نَبْوَى الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقَائِلِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١١٩﴾
إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللَّهِ

بخدا و روز قیامت می آورند و امر به نیکوئی و نهی از بد کاری می کنند و در نیکو کاری می شانند و آنها خود مردمی نیکو کارند (۱۱۳) هر کار نیک کنید البته از ثواب آن محروم نشوید و خدا دانا به حال پرهیز کاران است (۱۱۵) همانا کافران را بسیاری اموال و اولاد از عذاب خدا نگاه نتواند داشت و آنها اهل جهنم و جاوید در آن معذب خواهند بود (۱۱۶) داستان کافران در مالیکه برای پیشرفت مفاسد دنیوی خود صرف کنند و از آن هیچ بهره نیابند بدان ماند که باد سرد شدیدی بکشت قوم مستکاری برسد و همه را نابود گرداند که حاصلی از آن بدست نیاید و خدا ستمی بر آنها نکرده لیکن آنان بنفس خود ستم میکنند (۱۱۷) ای اهل ایمان از غیر محمد بنیان خود دوست سمیمی هر از نگیرد چه آنکه آنها که بنیر دین اسلامند از خلل و فساد در کار شما ذره ای کوتاهی نکنند که همی خواهند شما در رنج و سختی باشید دشمنی شما را بر زبان هم آشکار سازند در صورتیکه محققا آنچه در دل پنهان می دارند پیش از آنست که بر زبان نشان آشکار می شود ما آیات خود را برای شما بخوبی بیان کردیم اگر عقل و اندیشه کار بتدبیر (۱۱۸) آگاه باشید چنانکه شما آنها را (یهود) مرادند و منافقانی که در ظاهر مسلمان بودند) دوست می دارند آنان شما را دوست ندارند در صورتیکه شما چون بهمه کتب آسمانی ایمان دارید با آنها محبت میکنید اما آنها با شما نفاق میکنند دزد مجامع شما اظهار ایمان کرده و چون تنها شوند از شدت کینه سر انگشت خشم بدندان گیرند بگو بدین خشم بمیزید خدا از درون دلها کاملاً آگاهست (۱۱۹) و اگر شما مسلمین را خوشحالی پیش آید از آن بد حال و غمگین شوند و اگر بشما حادثه ناگواری رسد بدان خوشحال گردند اما اگر شما سبب پیشه کنید و پرهیز کار باشید از محروم عداوت آنان بشما هیچ آسیبی نرسد که همانا خداوند بر آنچه می کنند محیط و آگاه است (۱۲۰) بیاد آر ای پیغمبر (ص) سبکاهی را که از خانه خود بجهت صف آرایی مؤمنان برای جنگ بیرون شدی و خدا بهمه گفتار و کردار تو شنوا و دانا بود (۱۲۱) و آنگاه که دو طایفه از شما بددل و ترسناک و در اندیشه فرار از جنگ بودند و خدا یار آنها بود آنان را دلدار باید اهل ایمان بخدا

قَالَتَوْكَلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٦﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَيْدٍ وَأَنْتُمْ أَزِلَّةٌ
 قَالَتَوْا لِلَّهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِذْ يَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ
 أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ ﴿١٢٨﴾ بَلَى
 إِنْ نَضْرِبُوا لِلْعُقَاةِ أَبْوَابًا فَتَكْرِمِينَ فَوَرَّعْهُمْ مَذْهَبًا مِمَّا ذُكِّرُوا بِكُمْ
 فَعَسَىٰ أَلَّا يَكُونَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مِثْقَالِينَ ﴿١٢٩﴾ وَمَا جَعَلَ اللَّهُ إِلَّا
 بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلَسَطَنَ فَلُو بِكُرْبِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ
 الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١٣٠﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتَسِبُ
 قِسْفًا مِّنْ آخَرِينَ ﴿١٣١﴾ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ
 أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٣٢﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي
 الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٣٣﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا
 اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٣٤﴾ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿١٣٥﴾
 وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٣٦﴾ وَمَا رِعْوَالِي غُفْرٍ
 مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّتْ عَرْشُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٧﴾
 الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِبِينَ الْقَهْطَ وَالْ
 الْغَائِبِينَ مِمَّنِ النَّاسِ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٨﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا
 فَاجِسَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ

تو کل کنند تا دل دارو نیرومند باشند (۹۴۳) و خداوند شمارا به حقیقت بدر
 جنگ بدریاری کرد و غلبه بر دشمن داد با آنکه شما از هر جهت در مقابل دشمن
 ضعیف بودید پس راه خدا پرستی و تقوی پیش گیرید باشد که شکر نعمتهای
 او بجای آرید (۹۴۴) ای رسول پیاد آنگاه که مؤمنین گفتی آیا خداوند
 بشما مدد نفرمود که سه هزار فرشته بیاری شما فرستاد (۹۴۵) بلی اگر
 شما صبر و ایستارگی در جهاد پیشه کنید و پرهیز کار باشید چون کافران بر
 سر شما شتابان و خشمگین بیایند خداوند پنج هزار فرشته را با پرچمی که
 نشان مخصوص سپاه اسلام است بمدد شما فرستد (۹۴۵) خدا آن فرشتگان را
 نفرستاد مگر برای آن که مژده فتح بشما دهند و دل شمارا بنصرت خدا مطمئن
 کنند و فتح و فیروزی نصیب شما نگشت مگر از جانب خداوند توانای دانا
 (۹۴۶) تا گروهی از کافران را هلاک گرداند با ذلیل و خوار کند که از مقصود
 خود (که از میان بردن اسلام و مسلمین است) ناامید باز گردند (۹۴۷) ای
 پیغمبر کار بدست تو نیست خدا اگر بخواهد بطف خود از آن کافران در
 گذرد و اگر بخواهد (چون مردمی ستمکارند) آنان را عذاب کند (۹۴۸)
 هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است همه ملک خدا است هر که را خواهد
 ببخشد و هر که را خواهد عذاب کند و خدا بسیار بر خلق آمرزنده و مهربان
 است (۹۴۹) ای کسانی که بدین اسلام گرویده اید (ربا) بخورید که ما هم
 سود بر سرمایه افزایید تا چند برابر شود و از خدا بترسید و تورات این عمل
 زشت کنید باشد که سعادت و رستگاری پایید (۹۵۰) و پرهیزید از آتش
 عذابی که برای کفر کافران اندوخته اند (۹۵۱) از حکم خدا و رسول او
 فرمان برید باشد که مشمول رحمت و لطف خدا شوید (۹۵۲) بشتابید بسوی
 مغفرت پروردگار خود بسوی بهشتی که پهنای آن همه آسمانها و زمین و اقرا
 گرفته و همایا برای پرهیز کاران است (۹۵۳) آنهایی که از مال خود بفرار و
 حال وسعت و تنگدستی افزای کنند و خشم و غضب فرو نهند و از بدی مردم
 در گذرند (چنین مردمی نیکو کارند) و خدا دوست دار نیکو کاران است (۹۵۴)
 تیکان آنها هستند که هرگاه کار ناخایسته از ایشان سرزند یا ظلمی بنفس
 خویش کنند خدا را یاد آرند و از گناه خود بگریزند و از گناه خود بگریزند

مَنْ يَغْفِرِ الذَّنْبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ عَلَى مَا فَعَلُوا وَاصْبِرْ
 يَسْمَعُونَ ﴿١٨٠﴾ أُولَئِكَ جَزَاءُ الْغَافِلِينَ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّكَ فَهَرَسُوا
 مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْذَرُ الْخَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿١٨١﴾ فَذَلِكُنَّ
 مِنَ قَبْلِكُنَّ نِسَاءً فَتَبَرُّوا فِي الْأَرْضِ مَا تَطَرُّوا كُنْتُمْ
 غَائِبَةً الْمَكِيدِينَ ﴿١٨٢﴾ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ
 لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٨٣﴾ وَلَا تَقْنَبُوا وَلَا تَقْرَبُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ
 مُؤْمِنِينَ ﴿١٨٤﴾ إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ
 ذَلِكَ الْأَمْرُ مُنْذَرٌ لِلنَّاسِ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيُخَوِّفَهُ
 مِنْكُمْ شُهَدَاءُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٨٥﴾ وَلِيُخَوِّفَ اللَّهُ الَّذِينَ
 آمَنُوا وَيُخَوِّفَ الْكَافِرِينَ ﴿١٨٦﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمْ يَعْلَمِ
 اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿١٨٧﴾ وَلَقَدْ كُنْتُمْ
 تَمُوتُونَ الْمَوْتِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَاسَيْتُمْ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ
 ﴿١٨٨﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ
 مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبِهِ
 فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسِعَ فِي اللَّهِ الشَّاكِرِينَ ﴿١٨٩﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ
 أَنْ يَمُوتَ إِلَّا يُبَايِنَ اللَّهُ كَمَا بَايَعُوا أَنْ يَكُونُوا رِجَالًا أَوْ قُتِلُوا
 أُولَئِكَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ ثَوَابَ الْآخِرَةِ فَوُتِّيَهُ مِنْهَا وَأَسْبَغَ فِي الشَّاكِرِينَ ﴿١٩٠﴾

(که میداند) جز خدا هیچکس نمیداند گناه خلق را پیامرزد و آنها هستند که اصرار در کار زشت نکنند چون بزشتی مصیبت آگاهند (۱۴۵) آنها هستند که پادشاه سلطان آمرزش پروردگار است و باغهایی که اذیر درختان آن نهرها جاریست جاوید در آن بهشتها منتعم خواهند بود و چه نیکوست پادشاه نیکوکاران عالم (۱۴۶) پیش از شما مللی بودند و رفتند پس در اطراف زمین گردش کنید تا به بیند چگونه عاقبت هلاک شدند آنانکه وعدههای خدا را تکذیب کردند (۱۴۷) این (کتاب خدا و آیات مذکوره) حجت و بیا نیست برای عموم مردم و راهتا و پندی برای پرهیز کاران (۱۴۸) شما مسلمانان نه هرگز در کار دین سستی کنید و نه از فوت غنیمت و منافع دنیا اندوهناک شوید زیرا شما فاتح و فیروز مندرترین مردم و بلندمرتبهترین ملل دنیا هستید اگر در ایمان ثابت قدم باشید (۱۴۹) اگر بشما (در جنگ احد) آسیبی رسید بهشتیان شما نیز (در بدر) شکست و آسیب سخت رسید چنانکه آنها مقاومت کردند شما نیز باید مقاومت کنید این روزگار را باختلاف ایمان اخلاق میگردانیم که مقام اهل ایمان با متعان معلوم شود تا هر شما مؤمنان هر که ثابت در دین است (ما نندعلی) م گواه دیگران کند و خداوند شماکاران را دوست ندارد (۱۵۰) و تا آنکه اهل ایمان را از هر عیب و نقی پاک و کامل کند و کافران را بکفر ستکاری مسمو و نابود گرداند (۱۵۱) گمان نکنید بهشت داخل خواهید شد بدون آنکه خدا امتحان کند و آنانکه جهاد در راه دین کرده و آنها که در سختیها سیر و مقاومت کنند مقاشان را بر عالمی معلوم گرداند (۱۵۲) شما کنید که با کمال شوق آرزوی کشته شدن در راه دین می کردید پیش از آنکه دستور جهاد برای مسلمین بیاید پس چگونه امروز به جهاد مأمور شدید سخت از مرك نگران میشوید (۱۵۳) (و محمد (ص) نیست مگر پیغمبری از طرف خدا که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند و از این جهان در گذشتند اگر او نیز بمرگ پاشهداد در گذشت باز شما بدین جاهلیت خود رجوع خواهید کرد پس هر که مرتد شود بعد از خریدی نخواهد رسانید خود را بر زبان انداخته و هر کسی شکر نعمت دین گذارد و در اسلام پایدار ماند البته خداوند جزای نیک اعمال بیکر گذاران صلاح خواهد کرد (۱۵۴) هیچکس جز بفرمان خدا نخواهد مرد که اجل هر کس در لوح قضای الهی بوقت معین ثابت است و هر که برای یافتن منافع دنیا کوشش کند از دنیا بهره مند نشدیم و هر که برای ثواب ابدی آخرت سعی نماید از نعمت آخرت برخوردار نشد گردانیم و البته خداوند سپاس گذاران را جزای نیک خواهد داد (۱۵۵)

وَكَايْنِ مِنْ نَفِي غَائِلٍ مَعَهُ رِيَّتُونَ كَثِيرٌ قَمَا وَهَوَالِيَا أَصَابَهُمْ فِي
 سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿١٢٦﴾
 وَمَا كَانَ قَوْلُكُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا
 فِي أَمْرِنَا وَابْتَلِْنَا أَفْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٢٧﴾ قَالَهُمْ
 اللَّهُ ثَوَابَ الْبِرِّ تَابًا وَحَسَنَ ثَوَابٍ لِآخِرِهِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢٨﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا بِرُذُوكُمْ عَلَى
 أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ﴿١٢٩﴾ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ الْمَوْلَى
 سَنُفِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ عَمَّا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُغَيِّرْ
 بِهِ سُلْطَانًا وَمَا بِهِمْ ثَارٌ وَلَيْسَ مَوْتَى الظَّالِمِينَ ﴿١٣٠﴾ وَلَقَدْ صَدَّقَ
 اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَخَسُّوهُم بِأَذْيَالِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّاعْتُمْ بِالْأَذْرِ
 وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تَحْبُونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدِ الدِّينَ وَاسْتِمْ
 مَنْ يُرِيدِ الْآخِرَةَ لَمْ نُصَرِّحْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَ
 اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣١﴾ إِذْ تَضَوُّعِدُونَ وَلَا تُؤْمِنُونَ عَلَى
 أَحَدٍ مِنَ الرِّسَالِ يَدْعُوكُمْ فِي الْأَرْضِ قَالًا بِكُمْ عَمَّا يَفْعَمُ لِكُلِّ أَفْرَقٍ
 عَلَى مَا فَانَكَرُوا وَلَا لِمَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ جَبِيرٌ عَمَّا تَعْلَمُونَ ﴿١٣٢﴾ ثُمَّ أَرْسَلَ
 عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نَاعَسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ
 قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ

چه بسیار رخ داده که پیغمبری جمعیت زیادی از پیروانش در جنگ کشته شده و با اینحال اهل ایمان با سختی‌هایی که در راه خدا با آنها رسیده مقاومت کردند و هرگز پیمناک و زبون نشدند و سر زیر بار دشمن فرو نیاوردند و راه صبر پیش گرفتند که خداوند شما پران را درست می‌دارد (۱۴۶) آنها در هیچ سختی جز بخدا پناهنده نشده و جز این نمی‌گفتند که بار پروردگارا بجزم خود از گناه و ستمی که مادر باره خود کردیم در گذر و ما را ثابت قدم بدار و ما را بر مسو کافران مظلوم منصور گردان (۱۴۷) پس خداوند فتح و فیروزی در دنیا و ثواب در آخرت نصیبشان گردانید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد (۱۴۸) ای اهل ایمان اگر پیروی کافران کنید شما را از دین اسلام باز بکفر برمی‌گردانند آنگاه شما هم از زبان کاران خواهد گفت (۱۴۹) (ای مسلمین) از کافران پاری میجوید که خدا یار شماست و او بهترین یاری کننده‌گان است (۱۵۰) دل کافران را پیمناک و هراسان کنیم زیرا که چیزی را برای خدا شریک قرار دادند که اسلا بر آن حقیقتی و دلیلی نبود و منزلگاه آنها آتش دوزخ است و خدا بارامگاه ستمگران (۱۵۱) و بحقیقت ستمی و وعده خدا را که شما را بر دشمنان غالب گردانند آنگاه دریافتید که غالب شدید و پسرمان خدا کافران را بپناک حلاک افکندید و همیشه بر دشمن غالب بودید تا وقتی که در کار جنگ احد سستی کرده و اختلافی انگیختید و نافرمانی حکم پیغمبر (ص) نمودید پس آنکه هر چه آرزوی شما بود (افزاح مکه و غلبه بر کفار و غنیمت بردن) پان رسیدید منتها برخی برای دنیا و برخی برای آخرت می‌کوشیدند و سپس از پیسرفت و غلبه شما را باز داشت تا شما را بیازماید و خدا از تقصیر شما (که نافرمانی پیغمبر (ص) خود کردید) در گذشت زیرا ایزد را با اهل ایمان عنایت و رحمت است (۱۵۲) بیاد آرید هنگامی که روی بهزیمت گذاشته و چنان بدعت می‌گرفتید که توجه با احدی نداشتید تا آنجا که به پیغمبر هم که شما را ییاری دیگران در صف کارزار میخواند توجه نکردید تا بیاداش این بی‌ثباتی غمی بر غم شما افزود تا از این پس برای از دست رفتن یا بدست آوردن چیزی اندوهناک نشوید و خدا بهر چه کنید آگاه خواهد بود (۱۵۳) پس از آن غم و اندیشه خداوند شما را ایمنی بخشد که خواب آسایش گروهی از شما را فرا گرفت و گروهی که وعده نرسد خدا را از بوی جهل و نادانی راست نمی‌پنداشتند هنوز در غم جان خود بودند و از روی انکار می‌گفتند:

مَلْنَا مِنَ الْآخِرِينَ نُبَيِّنُ قُلُوبَنَا إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ
 مَا لَا يَبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ نَبِيٌّ مَا قُتِلْنَا
 مِنْهُمَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى
 مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ
 وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٥٥ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا قَوْمٌ لَا تَعْلَمُ
 الْجُمُعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا
 اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٥٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا
 كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا الْإِخْوَانُ أَعْدَاؤُنَا إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوَ كَانُوا
 غُرْبَىٰ لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْزِيَ اللَّهُ ذَلِكَ تَخَسَّرَ
 فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُخَيِّجُ مِمَّنْ شَاءَ وَاللَّهُ يَتَعَلَّوْنَ بَصِيرَةً وَلَئِنْ
 قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمَعْفُورَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِثَةٌ مِّمَّنْ مِمَّا
 يَجْعَلُونَ ٥٧ وَلَئِنْ مِتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَا إِلَى اللَّهِ تَخَسَّرُونَ ٥٨ قِيمَا رَحِمَ
 مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ وَلَوْ كُنْتَ قَفْطًا غَلِيظًا لَقَلْبًا أَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِهِ
 فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ
 فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ٥٩ إِنَّ يَنْصُرَكَ اللَّهُ فَلَا
 غَالِبَ لَكَ وَإِنْ يَخْذُ لَكَ مِنَ الدِّينِ يَنْصُرَكَ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى
 اللَّهِ قَلْبُتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ٦٠ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَشُلَّ رِجْلًا مِنْ عَمَلِهِ

آیا ممکن است ما را قدرت و فرمانی بدست آید بگو ای پیغمبر (ص) هر چه هست همه بفرمان خداست (این گروه سست ایمان) خیالات باطل خود را با تواظها را نمی دارند. با خود می گویند اگر کار ما بوحی خدا و آئین حق بود شکست نمی خوردیم و گرو می در اینجا کشته نمی شدیم بگو ای پیغمبر (ص) اگر در خانه های خود هم بودید با آنان که سرنوشت آنان در قضای الهی کشته شدن است از خانه بپشتگاه پپای خود البته بیرون می آمدند تا خدا آنچه در سینه پنهان دارند بیازماید و هر چه در دل دارند پاک و خالص گرداند و خدا از راز درون ها آگاهست (۹۵۴) همانا آنان که از شما در جنگ احد بپشت پست کرده و مغرور شدند شیطان آنها را بسبب بعضی نافرمانی و بدکاری ها شان بلغزش افکند و خدا از آنها در گذشت که خدا آمرزنده و بردبار است (۹۵۵) ای گروهیدگان بدین اسلام شما مانند آنان که راه کفر و نفاق پیمودند نباشید که گفتند اگر برادران و خویشان ما بسفر فرسته و یا بپشت حاضر نمی شدند بپشت مری نمی افتادند این آرزوهای باطل را خدا حسرت دلهای آنان خواهد کرد و خداست که حیات بخشد و بپیراند و بپیر چه کنید آگاه است (۹۵۶) اگر در راه خدا بپیرید یا کشته شوید در آن جهان به آمرزش و رحمت خداوند نائل شوید و آن بهتر از هر چیزی است که در حیات دنیا برای خود فراهم توان آورد (۹۵۷) اگر در راه خدا بپیرید یا کشته شوید (فهمدارید) که بر رحمت ایزدی در پیوسته بسوی خدا معشور خواهید (۹۵۸) مرحمت خدا تورا با خاق مهربان و خود بخوی گردانید و اگر تند خو و سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق می شدند پس چون امت پناذاری در پاره تو بد کنند از آنان در گذر و از خدا بر آنها طلب آمرزش کن و برای دلجویی آنها در کار جنگ مشورت نما لیکن آنچه خود تصمیم گرفتی با توکل بخدا انجام ده که خدا آنان که بر او اعتماد کنند دوست دارد و یاری کند (۹۵۹) اگر خدا شما را یاری کند محال است کسی بر شما غالب آید و اگر بخواری و اگذارد آن کیست که بتواند از آن پس شما را یاری کند و اهل ایمان تنها بخدا و قدرت و رحمت او) باید اعتماد کنند (۹۶۰) ای پیغمبر (ص) در غنیمت هایی که در جنگ بدست افتد (غنای

نخواهد کرد و هر کس

بِمَا غُلِبُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٥١﴾
 أَفَمَن يَبْعَثِ رِضْوَانُ اللَّهِ كَمَن بَاءَ بِخَطِيئَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَا وَبَا بِجَهَنَّمَ فَمَا تَصِيرُ
 الْمَصِيرُ ﴿١٥٢﴾ هُمْ دَرَجَاتٌ عِندَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٥٣﴾ لَقَدْ
 مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا
 عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَزَيَّجَهُمْ وَبَعَثَ لَهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا لَمِنَ
 قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١٥٤﴾ وَلَمَّا أَصَابَكُم مَّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ
 مِثْلَهُنَّ مَا ظَنَّمْتُمْ أَنَّ هَذَا أَفْلٌ مِّنْ عِندِ أَنفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٥٥﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَيَا ذِينَ اللَّهِ وَبَعَثَ
 الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥٦﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَاقَوْهُ أَوْ قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا فَاكْلُوهَا فِي
 سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ أَذِقُوا مَا لَوْ تَعْلَمُونَ أَنَّا لَا نَبْعَثُكُمْ فِيهِ لَكَفَرْتُمْ فَعَنَيْدُ
 أَقْرَبَ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ يَا أُهْلَاهُمْ مَا لَهُمْ بِفُلُوَيْدِهِمْ وَاللَّهُ
 أَعْلَمُ بِمَا يَكْمُؤُنَ ﴿١٥٧﴾ الَّذِينَ قَالُوا لِأَخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُوا
 مَا قِيلُوا أَفَلْ قَادِرُونَ عَلَى أَنْ يُعِيدُوا الْوَيْدَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٨﴾
 وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قِيلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَانًا أَهْلًا عِندَ
 رَبِّهِمْ يُرَدُّونَ ﴿١٥٩﴾ فَرِحِينَ بِمَا أَنبَأَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ
 بِالَّذِينَ لَمْ يَلْمُزُوا عَمْدًا مِنْ خَلْقِهِمُ الْأَخَافُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
 ﴿١٦٠﴾ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ

در چیزی غیبت کند روز قیامت بکفر آن غیبت خواهد رسید و بطور کلی هر کس هر عمل نیک و بد در دنیا بجا آورد در قیامت تمام و کامل بجزای آن برسد و هیچکس ستمی نخواهد شد (۱۹۶۱) آسازای کسی که با ایمان در راه رضای خدا قدم بردارد مانند کسی است که یکفر راه غضب خدا پیماید که منزلگاه او جهنم است و بسیار بدجا یگامی است (۱۹۶۳) این دو گروه مؤمن و کافر را بر اثر ایمان و کفر نزد خدا درجات مختلفه است و خداوند بهر چه می‌کند آگاه است (۱۹۶۴) خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خود آنها در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات خدا را تلاوت کند و نفوس آنان را از هر نفس و آوایش پاک گرداند و به آنها احکام شریعت و حقایق حکمت بیاموزد هر چند از آن پیش گمراهی آنان آشکار بود (۱۹۶۴) آنها هر گاه بشما مصیبتی رسد (در جنگ احد) در صورتیکه در برابر آن آسیب بدشمنان رسید (در جنگ بدر) باز از روی تمجید گوئید چرا شما که اهل ایمانیم رنج رسد بگو ای پیغمبر (ص) این مصیبت از دست خود کشیدید که نافرمانی کردید نه آنکه خدا قادر بر نصرت شما نبود که این دشمنان بر هر چیز تواناست (۱۹۶۵) آنکه در روز احد هنگام مقابله در صف کارزار شما رسید بقضای خدا و مصیبت نافتد او بود تا آنکه بیازماید اهل ایمان را تا معلوم شود که ثابت قدم در ایمان است (۱۹۶۶) و تا نیز معلوم شود حال آنها نکدر دین نفاق و دورویی کردند و چون بآنها گفته شد بیایید در راه خدا جهاد و یا دفاع کنید عذر آوردند که اگر ما بشنون جنگی دانا بودیم از شما تبعیت نموده و بکارزار می‌آمدیم اینان با آنکه دعوی مسلمانان دادند بکفر نزدیک ترند تا ایمان بزبان چیزی اظهار کنند که در دل خلاف آن پنهان داشته‌اند و خدا بر آنچه پنهان می‌دارند آگاه تر است (۱۹۶۷) آن کسانی که گفتند اگر خوبان و پیران ما نیز سخنان ما را شنیده و جنگ احد نرفته بودند گفته نمی‌شدند ای پیغمبر (ص) بهترین منافق مردم بگو پس شما که برای حفظ حیات دیگران چاره توانید کرد مرا از جان خود دور کنید اگر راست می‌گوئید (۱۹۶۸) البته نپندارید که شهیدان راه خدا مردند بلکه زنده بحیات ابدی شدند و در نزد خدا محترم خواهند بود (۱۹۶۹) آنان بفضل و رحمتی که خداوند نصیب آنها گردانیده شادمانند و شارت و مژده دهند بآن مؤمنان که هنوز بآنها نه پیوسته‌اند و بعداً در پی آنها بسرای آخرت خواهند شتافت که از مردن هیچ ترسند و از فوت متاع دنیا هیچ مضورند (۱۹۷۰) و آنها را بشارت بهشت و فضل خدا دهند و اینکه خداوند اجر

الْمُؤْمِنِينَ ۝ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ
 الْقَرْحُ ۚ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ الَّذِينَ قَالُوا
 الثَّاسِثُ أَنْ النَّاسُ قَدْ جَعَلُوا الْكُرْئَالَ خُشُوعًا قَدْ أَفْلَحُوا ۚ قَالُوا
 حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ۝ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ آلِهِمْ
 لِيَسْأَلَهُمْ تَوْبَهُمْ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ۝
 إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ ۚ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا رَبَّكَ
 كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَلَا يَحْزَنْكَ الَّذِينَ يَنَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ ۚ إِنَّ
 رَبَّنَا اللَّهُ شَهِيدٌ بِمَا تَكْفُرُونَ ۚ لَمْ يَحْطَأْ فِي الْإِيمَانِ لَنْ
 لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ
 يَضُرَّوْا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَلَا يَحْزَنْكَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا ۚ إِنَّمَا يَحْزَنُ لَكُمْ أَنْ تُحِبُّوهُمْ ۚ إِنَّمَا يُحِبُّ لَكُمْ لِسَانُ الْإِيمَانِ
 وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا
 أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ ۚ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُظِلَّ بَكَ
 عَلَى النَّبِيِّ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُجَنِّبُكَ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ فَأَمِينُوا بِاللَّهِ وَ
 رُسُلِهِ ۚ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ وَلَقَدْ أَفْكَرْتُ أَكْثَرَ أَفْكَرْتُ ۚ لَا يَجِبُ بَيْنَ اللَّهِ
 يَخْلُوكُمْ بِمَا أَتَاهُمْ ۚ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ مُوَحِّدٌ ۚ لَمْ يَلْهُوْا شَيْئًا
 سَبْطَوْا فَوْقَ مَا يَخْلُوكُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ

(۱۷۱) آنانکه دعوت خدا و رسول را اجابت کردند پس از آنکه با آنها رنج و آلم رسید از آنها هر که نیکوکار و پرهیزگار شد اجر عظیم خواهد یافت (۱۷۲) آن مؤمنانیکه چون مردمی (منافق) با آنها گفتند لشکر بسیاری (که تمام مشرکین مکه و یبروان ابوسفیان باشند) بر علیه شما متفق شده اند از آنان در اندیشه و بر حذر باشید برایمان نشان یبفزود گفتند در مقابل همه دشمنان تنها خدا ما را کفایت است و نیکو یآوری خواهد بود (۱۷۳) پس آن گروه مؤمنان بنعمت و فضل خدا روی آوردند و بر آنان هیچ آلم و رنجی پیش نیامد و پیرو رضای خدا شدند و خداوند صاحب فضل و رحمت بی منتهاست (۱۷۴) این سخنان شیطان است که می ترساند بدان دوستارانش را شما مسلمانان از آن بیم و اندیشه مکنید و از من بترسید اگر اهل ایمان هستید (۱۷۵) ای پیغمبر (ص) تواند و هناك مباش که گروهی براه کفر میشتابند آنها بخداوند هرگز زیان نرسانند (بلکه خود زیان کنند و خدا می خواهد که آنان را هیچ نصیبی در عالم آخرت نباشد و نصیبشان عذاب سخت دوزخ خواهد بود (۱۷۶) آنانکه خریدار کفر شدند به موضو ایمان هرگز زیانی بخدا نمی رسانند و مرآت آن راست عذاب دردناک (۱۷۷) و البته گمان نکنند آنانکه براه کفر رفتند که مهلت دادن ما ایشان را بحال آنها بهتر خواهد بود بلکه مهلت میدهم برای امتحان تا بر سر کشی و طغیان خرد یبفزایند و آنان را عذابی رسد که بآن سخت غوار و ذلیل شوند (۱۷۸) خداوند هر گروهی را و انکار او انگذارد بدین حال کنونی که (مؤمن و منافق بیکدیگر مشتبهند) تا آنکه به آزمایش بنرسند را از پاک گوهر جدا کند و خدا همه شمارا از سر قیاب آگاه سازد ولیکن برای این مقام از پیغمبران خود هر که را مشیت او تعلق گرفت بر گزیند پس شما بخدا و پیغمبرانش بگروید که هر گاه ایمان آید و پرهیز کار شوید شما را اجر عظیم خواهد بود (۱۷۹) گمان نکنند آنکه بخل نموده و حقوق فقیران را از مالی که خدا بفضل خویش به آنها داده ادا نمیکنند این بخل بمنفعت آنها خواهد بود بلکه بضرر آنهاست چه آنکه در روز قیامت آن مالی که در آن بخل ورزیده اند زنجیر گردن آنها باشد (که آن روز هیچ کس مالک چیزی نیست) و تنها خدا وارث آسمانها و

الْأَرْضِ وَاللَّهُ يَتَعَلَّقُونَ خَيْرٌ ۖ لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا
 إِنَّ اللَّهَ خَفِيضٌ وَمَنْ أَخْيَانًا ۖ كُتِبَ مَا قَالُوا وَقَالَهُمُ الْأَنْبِيَاءُ
 يَغْتَبِرْ حَتَّى تَقُولُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِّ ۖ (١٨٦) ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ آيَاتِكُمْ
 وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَالِمٍ لِّلْعَبِيدِ ۖ (١٨٧) الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَمِيدُ الْبَنَاتِ
 الْأَوَّلِينَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنَا بَقَرَانِ ۖ مَا كَلُمَا النَّارَ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ
 رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ ۖ وَإِلَّا لَدَى فَلْتُمْ فَيَلْقَاكُمْ مَوْمِنٌ ۖ إِنْ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ۖ (١٨٨) فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا
 بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ ۖ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ۖ (١٨٩) كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۖ وَ
 إِنَّمَا تَحْسَبُونَ أَجْرَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۖ فَمَن زُجِرَ عَنِ النَّارِ
 أُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَبْوَةُ الذَّنْبُ إِلَّا لِمَن لَّا يَمْلَأُ الْعُرُوسَ (١٩٠)
 لِنَبْلُوهُ فِي أَمْوَالِهِ ۖ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَنفَعَنَّ مِنَ الدِّينِ ۖ وَتَقُولُوا الْكِتَابِ
 مِّن قَبْلِكُمْ ۖ وَمِنَ الدِّينِ أَشْرَكُوا ۖ أَدْمَى كَثِيرًا ۖ وَإِنْ قَصُرْتُمْ ۖ وَلَتَقُولُوا
 فَإِنَّ ذَلِكَ مِّنْ عِزِّ الْأُمُورِ ۖ (١٩١) وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ
 الْكِتَابِ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ ۖ لَئِيْلَ كُفْرًا ۖ فَنَبَذْنَاهُ ۖ وَذَآءُ ظُلْمِهِمْ
 وَأَشْرَوْا بِهِ ۖ جَمِئًا قَلِيلًا ۖ فَيَسْأَلُ مَا يَشْرُونَ ۖ (١٩٢) لَآتَتْ بَنُو الدِّينِ
 يَفْرَحُونَ ۖ عَمَّا آتَوْا بِهِ ۖ يُحْسِنُونَ ۖ أَنْ يُحْمَدُوا ۖ وَإِلَّا لَرَبُّهُمْ ۖ قَالُوا
 بِمَا نَزَّلُوا مِنَ الْعَذَابِ ۖ لَيْسَ لَهُمْ عَذَابٌ إِلَّا هُوَ ۖ (١٩٣) وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

زمین خواهد بود و خدا بکر دار همه شما آگاهست (۱۸۰) هر آینه خدا شنید
 سخن جاهلانه آنکس را که چون دستور آمد که بخدا قرض الحسنه
 بدهد (آنها به تمسخر گفتند پس خدا فقیر است و ما دارا البته ما
 گفتارشان را ثبت خواهیم کرد با این گناه بزرگ که انبیارا بناحق گفتند
 و (در روز کفر) گوئیم بجهنم عذاب آتش سوزانرا (۱۸۱) این عذاب را
 بدست خود پیش فرستادند و خداوند هرگز در حق پندگان خود ستم
 نخواهد کرد (۱۸۲) آنکسانی که گفتند خدا از ما پیمان گرفته که هیچ
 پیغمبری ایمان نیاوریم تا آنکه او قربانی آورد که در آتش بسوزد بگوای
 پیغمبر (س) که پیش از من پیغمبرانی آمده و برای شما هر گونه معجزه
 آورده و این را هم که خواستید نیز آوردند پس اگر راست میگوئید و این
 شرط ایمان می آورید برای چه آن پیغمبرانرا بکشید (۱۸۳) پس ای
 پیغمبر اگر تو را تکذیب کردند غمگین مباش که پیغمبران پیش از تو را هم
 که معجزات و زبورها و کتاب آسمانی روشن بر آنها آوردند نیز تکذیب
 کردند (۱۸۴) هر نفسی شربت مرگ را خواهد چشید و محققاً روز قیامت
 همه شما بمزد اعمال خود کاملاً خواهید رسید پس هر کسی خود را از آتش
 جهنم دور داشت و بیهوش آیدی در آمد چنین کسی فروزی و سعادت آید
 یافت و (بدانند) که زندگانی دنیا بجز متاعی فریبنده نخواهد بود (۱۸۵)
 هر آینه شمارا بهال و جان آزمایش خواهند کرد و بر شما از زخم زبان
 آنها که پیش از شما کتاب آسمانی بآنها نازل شد آزار بسیار خواهد رسید
 و اگر سبر پیشه کرده و پرهیز کار شوید (البته ظفر یابید) که ثبات و تقوی
 سبب نیرومندی و قوت اراده در کارهاست (۱۸۶) و چون خدا پیمان گرفت
 از آنکه کتاب به آنها داده شد که حقایق کتاب آسمانی را برای مردم
 بیان کنند و گمان نکنید پس آنها عهد خدا را پشت سر انداخته آیات
 الهی را بهیائی اندک فروختند و چه بد معامله کردند (۱۸۷) ای پیغمبر
 (س) مهندار آنکه بکر دار زشت خود شادمانند و دوست دارند که مردم
 باوصاف پسندیده ای که هیچ درستی وجود ندارد آنها را ستایش کنند
 البته گمان مدار که از عذاب خدا رهایی دارند که آنها را بدوزخ عذاب
 در دناک خواهد بود (۱۸۸) خدا مالک ملک آسمان

(که سبیل زشت خود افروخته آید.)

وَالْأَرْضِ مِنْ اللَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝١٨ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَالْخَلْقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۝١٩ الَّذِينَ
يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَتَذَكَّرْنَ أَنَّ مَا خَلَقَهُمْ هَٰذَا بَاطِلٌ أَنتَهَانِكَ فَيَقُولُ
عَذَابُ النَّارِ ۝٢٠ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا
لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَفْصَاحٍ ۝٢١ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَثَلًا لِّبَنَادِي الْأَيَّامِ
أَنَّا آمَنَّا بِكَ رَبَّنَا فَمَا غَفَرْنَا وَهُمْ قُلُوبُنَا كَقُرْصِ الشَّمْسِ أَلْهَى
وَقَوْفُنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ۝٢٢ رَبَّنَا وَآيِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَ
لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝٢٣ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ
أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُم مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنسِي بَعْضَكُمْ مِنْ بَعْضٍ
فَالَّذِينَ مَا جَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِينِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي قَالُوا
وَقِيلُوا لَا كُفْرُوكَ عَنْهُمْ سَبِيلًا لَهُمْ وَلَا دُخْلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ قُلُوبًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثََّوَابِ ۝٢٤
لَا يَصْرُفُكَ قَلْبُكَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ وَالْمَنَاقِبِ قَلِيلٌ مِّمَّا لَهُمْ
جَهَنَّمَ وَمِنْ أَلْسِنَتِهِمْ ۝٢٥ لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا قَالُوا لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا تِلْكَ الْأَمْثِلُ لِمَنْ يُعَذِّبُ اللَّهُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ
خَيْرٌ لِّلْآبَرَارِ ۝٢٦ إِنَّ مِنْ أَمْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ

وزمین خواهد بود و خدا بر هر چیز تواناست (۱۸۹) محققاً در خلقت آسمان و زمین و رفت و آمدش و روز روشن و دلاکلی است خردمندان را (۱۹۰) آنهاست که در هر حالت ایستاده و نشسته و خفتن خدا را یاد کنند و دایم فکر در خلقت آسمان و زمین کرده و گویند پروردگارا این دستگاه با عظمت و بیهوده نیافریده‌ای پاک و منزه‌ای ما را بطف خود از عذاب آتش و دوزخ نگاه دار (۱۹۱) ای پروردگار ما هر که را تو در آتش افکندی او را سخت خوار کرده و او را ستمکار بوده و ستمگران را هیچکس یاری نخواهد کرد (۱۹۲) پروردگار ما چون نصدا می‌نماید که خلقت را با ایمان می‌خواند شنیدیم اجابت کردیم و ایمان آوردیم پروردگارا از گناهان مادر گذر و زشتی کردار ما ببوشان و هنگام جان سپردن ما را با نیکان معشور گردان (۱۹۳) پروردگارا ما را از آنچه بر سولان خود وعده دادی نصیب فرما و محروم مگردان که وعده تو هرگز تخلف نخواهد کرد (۱۹۴) پس خدایا دعاهای ایشان را اجابت کرد که البته من که پروردگارم عمل هیچ کس از مرد و زن را بی‌مزد نگذارد (چه آنکه همه در نظر خدا یکسانند بعضی مردم از بعضی دیگر برتری ندارد مگر بطاعت و معرفت) پس آنانکه از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون شده و در راه خدا رنج کشیدند و جهاد کرده و گفته شدند همانا بدیهای آنان را (در پرده لطف خود) ببوشانیم و آنها را ببهشت‌هایی در آوریم که زیر درختانش نهرها جاریست این پاداشی است از طرف خدا و نزد خداست پاداش نیکو (یعنی بهشت لقای الهی) (۱۹۵) ترادنیام فروز نکند (و نمی‌گین نشوی) چون ببینی کافران شهرها در تصرف آرند (۱۹۶) دنیا متاعی اندک است و پس از این جهان منزل نگاه آنان جهنم است و چه بد آرامگاه است (۱۹۷) لیکن آنانکه خدا ترس و پیا تقوی شدند منزل نگاهشان بهشت‌هایی است که در زیر درختانش نهرها جاریست و بهشت منزل جاودانی آنهاست در حالتیکه خدا بر آنها خوان احسان خود بگسترده و آنچه نزد خداست برای نیکان از هر چیز بهتر است (۱۹۸) همانا برخی از اهل کتاب کسانی هستند که بخدا و کتاب آسمانی شواهم کتاب آسمانی خودشان ایمان آوردند در حالتی که ملایم فرمان خدا بوده

الْبَكْرَةِ وَمَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَكْفُرُونَ بِمَا يَدَّيْنَاهُ اللَّهُ تَعَالَى
 قَلِيلًا أَلَمْ تَكُنْ لَهُمْ آيَةً أَنْ يَكُونَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٦٩
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ١٧٠
 سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ١٧١

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ فِيهِمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ نَقِيبًا ١
 وَاتَّقُوا اللَّهَ تَعَالَى
 آمَنُوا لَهُمْ وَلَا تَجِدُوا لَوَ الْجَنَّةَ بِالْقُرْبَى لَأَنَّا كَلَلْنَا آمَنُوا لَهُمْ إِلَى
 آمَنُوا إِلَهُكَ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا ٢ وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْبَنَاءِ
 فَانْكُحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّا فِي ذَلِكُمْ وَرَبَّاعٌ فَإِنْ خِفْتُمْ
 أَلَّا تَعْدُوا أَوْ أَحَدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ آدَى الْأَنْعَامِ ٣
 وَاتَّقُوا اللَّهَ تَعَالَى صَدَقَاتُهُمْ فِي حُلَّةٍ فَإِنْ طَبَنَ لَكُمْ عَنْ بَعْضِ مَنَّهُ
 نَفْسًا فَكُلُوهُ مِنْ نَيْتَامٍ بَيِّنًا ٤ وَلَا تَقْرَبُوا الشُّهَاءِ أَمْوَالَكُمْ إِلَى
 جَسَلٍ اللَّهِ لَكُمْ قَبَالًا وَازْدَرَوْهُمْ فِيهَا وَكُفُّوا قَوْلَهُمْ قَوْلًا
 مَعْرُوفًا وَابْتَلُوا الْبَنَاءَ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ
 رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ

و آیات خدا را بهائی اندک نفروشدند آنها را نزد خدا پاداش نیکو است
و البته خدا حساب خلق را سریع و آسان خواهد کرد (۱۹۹) ای اهل ایمان
در کار دین سهو و پاشیدویک دیگر را بهیچ مقاومت سفارش نکنید و همیاد
مراقب کار دشمن بوده و خدا ترس باشید که فیروز و رستگار گردید

سورة مبارکه نساء در مدینه نازل شده و صد و

هفتاد و شش آیه است

(بنام خداوند بخشنده مهربان)

ای مردم بترسید از پروردگار خود آن خدا ای که همه شمارا از یکتن بیافرید
و هم از آن جفت او را خلق کرد و از آن دو تن خلقی بسیار از مرد و زن
در اطراف عالم برانگیخت و بترسید از آن خدا ای که بنام او از یک دیگر
مسئلت و درخواست می کنید (خدا را در نظر آرید) و درباره ارحام کوتاهی
مکنید که همانا خدا مراقب اصالت شماست (۱) و به یتیمان (بعد از بلوغ)
اموالشان را بدهید و مال بدو نامرغوب خود را بخوب و مرغوب آنها
تبدیل مکنید و اموال آنها را بضمیمه مال خود مغفورید که این گناهی پس
بزرگ است (۲) اگر بترسید که مبادا درباره یتیمان مراعات عدل و داد
نکنید پس آنکس از زنان را بنکاح خود آرید که مر شما را نیکو و مناسب
باشد االت است دویا سه یا چهار (نه بیشتر) و اگر بترسید که چون زنان
متعدد گیرید راه عدالت نه پیموده و بآنها ستم کنید پس تنها یک زن اختیار
کرده و یا چنانچه گنیزی دارید بآن اکتفا کنید که این نزدیکتر به عدالت
و ترک ستمکاری است (۳) و مهر زنان را در کمال رضایت و طیب خاطر بآنها
بپردازید پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خوشنودی ب شما
بخشیدند بر خود دار شوید که آن شما را حلال و گوارا خواهد بود (۴)
اموالی که خدا اقوام زندگانی شمارا بآن مقرر داشته سفیهان را بشمارف
بدهید و از مالشان (بقدر لزوم و احتیاج) نفقه و لباس بآنها بدهید (و برای
آنکه از سفاقت آنها آزار نیبند) بگفتار خوش آنها را خرسند کنید (۵)
یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامیکه بالغ شده و تمایل بنکاح پیدا کنند
آنکاه اگر آنها را دانا بدید مصالح زندگانی خود یا قنید اموالشان را
بآنها باز بدهید و باسراف و مجله مال آنها را حقیقتمیل مکنید بدین اندیشه

يَكْبُرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْعُفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ
 فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ٥
 لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا
 تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ٦
 وَإِذَا حَضَرَ الْقِيَمَةُ أُولُو الْفَرْقِ وَالنِّسَاءُ وَالسَّائِمُونَ فَادْعُوهُمْ
 مِنْهُنَّ وَقُولُوا لَهُنَّ قَوْلًا مَعْرُوفًا ٧ وَلَيَحْسَبَنَّ الَّذِينَ تَوَكَّلُوا مِنْ قُلُوبِهِمْ
 ذُرِّيَّتًا خِفَافًا لَا حَافِظًا لَهُمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَعْلَمُوا أَنَّهُ لَا سُدُودٌ ٨
 إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْإِنْسَانِ الْإِثْمًا يَأْكُلُونَ فِي ظُلُومٍ يَكُونُونَ
 لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٩ يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي ذِلَّةٍ لِّلَّذِينَ كُفِرُوا مِنْكُمْ
 لَوْ أَنَّهُمْ لَمْ يَكُن لَّهُمْ نِسَاءٌ فَوَقَّعَ لَفُتِنَ فِيهِمْ لَمَّا تَرَكَ الْوَدَّ
 إِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلَوْ كَانَ ثَلَاثًا فَلِلَّامَةِ النِّصْفُ
 وَمِمَّا تَرَكَ الْوَدَّ فَإِن لَّوْكَانَ لَهَا وَلَدٌ فَلِلَّذِي تَرَكَ الْوَدَّ
 النِّصْفُ وَإِن كَانَتْ لَهَا إِخْوَةٌ فَلِلَّذِي تَرَكَ الْوَدَّ النِّصْفُ
 يُوصِي بِهَا أَوْ دِينُ الْآبَاءِ وَذُرِّيَّتُهُمْ وَإِن لَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْكُمْ فَلَآئِكُمُ
 نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَدَّ فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لهنَّ وَلَدٌ فَلِلَّذِي
 تَرَكَ الْوَدَّ النِّصْفُ وَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لهنَّ وَلَدٌ فَلِلَّذِي
 تَرَكَ الْوَدَّ النِّصْفُ وَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لهنَّ وَلَدٌ فَلِلَّذِي

که مبادا کبیر شود و (اموال الفانرا از شما بگیرند) و هر کس از اولیای یتیم داراست بکلی از هر قسم تصرف در مال یتیم خودداری کند و هر که فقیر است در مقابل نگهداری او از مال یتیم بقدر متعارف ارتزاق کند پس آنگاه که یتیمان بالغ شدند و مال الفانرا رد کردند بر در مال به آنها باید گواه گیرید برای حکم ظاهر ولی در باطن علم حق و گواهی خدا برای محاسبه خلق کافیست (۶) برای اولادان ذکور سهمی از ترکه ابرین و خویشان است و برای فرزندان اثنا نیز سهمی از ترکه چهل اندک باشد یا که بسیار نصیب هر کس از آن (در کتاب حق) مبین گردیده است (۷) و چون در تقسیم ترکه میت از خویشان و یتیمان و فقیران اشخاصی حاضر آیند چیزی از آن مال آنها را روزی دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گوئید (۸) و باید بندگان از مکافات عمل خود بترسند (و با یتیمان مردم نیک رفتار باشند) کسانی که می ترسند کودکان ناتوان از آنها باقی ماند و زیر دست مردم شوند پس باید از خدا بترسند و سخن باصلاح و درستی گویند (و راه عدالت پویند) (۹) آنانکه اموال یتیمان را بستمگرمی میخورند در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم فرو می برند و بزودی بدوزخ در آتش فروزان خواهند افتاد (۱۰) حکم خدا در حق فرزندان شما این است که پسران دو برابر دختران ارث ببرند پس اگر دختران بیش از دو نفر باشند فرض همه و ثلث ترکه است و اگر یک نفر باشد نصف و فرض هر یک از پدر و مادر یک سهمی ترکه است در صورتیکه میت را فرزند باشد و اگر فرزند نباشد و وارث منحصر بپدر و مادر باشد در این صورت مادر یک ثلث میبرد (و باقی بپدر رسد) و اگر میت را برادر باشد در این فرض مادر سدس خواهد برد پس از آنکه حق وصیت و دین که بمال تعلق گرفته است ثنا شود شما این را که پدران یا فرزندان و خویشان کدام یک بغیر و صلاح و بارش بردن بمشایر دیگرند نمی دانید (تا در حکم ارث مراعات کنید) (این احکام) فرضیه است که خدا باید ممین فرماید و پیرا خداوند بهر چیز دانا و بهمه مصالح خلق آگاه است (۱۱) سهم ارث شما مردان از ترکه زنان نصف است در صورتیکه آنها را فرزند نباشد و اگر فرزند باشد ربع خواهد بود پس از خارج کردن حق وصیت و دینی که بدارائی آنها تعلق گرفته سهم ارث زنان ربع

ترکها مردانست اگر دارای فرزند نباشد و چنانچه فرزند داشته باشد ثمن خواهد بود پس از اداء حق وصیت و دین شما و اگر مردی بمیرد که وارثش کلاله او باشند (برادر و خواهر ارمی یا هر خواهر و برادری) یا زنی بمیرد که وارثش يك برادر یا خواهر او باشد در این فرض سهم ارث یک نفر از آنها سدس خواهد بود و اگر بیش از یک نفر باشند همه آنها ثلث ترک را با شترک او سه پرند بعد از خارج کردن دین و حق وصیت میت در صورتیکه وصیت بحال ورثه بسیار زیان آور نباشد (یعنی زاید بر ثلث نباشد) این حکمی است که خدا سفارش فرموده و خدا همه احوال بندگان دانا و بهره کننده بردبار است (۱۲) آنچه مذکور شد احکام و اوامر خداست و هر کس پیرو امر خدا و رسول اوست او را بی عثائی در آورند که در زیر درختانش نهرا جاری است و آنها منزل ابدی مطمین خواهند بود و اینست سعادت و فیروزی بزرگ (۱۳) و هر که نافرمانی خدا و رسول کند و تجاوز از حدود احکام الهی نماید او را به آتشی در افکند که همیشه در آن معذب است و همواره در عذاب خواری و ذلت خواهد بود (۱۴) زنانی که عمل ناشایسته کنند چهار شاهد مسلمان بر آنها بخواهند چنانچه شهادت دادند و این صورت آنها را در خانه نگه دارند تا زمان عمرشان بپایان رسد یا خدا برای آنها راهی پدید آرد (یعنی توبه یا حد مقرر شود) (۱۵) هر کس از مسلمانان عملی ناشایسته مرتکب شود چنانچه وجه مرد آنها را به سر زنی و توبیخ یا از اید چنانچه توبه کردند دیگر مقیم بر آنها نشوید که خدا توبه خلق می پذیرد و نسبت به آنها مهربانست (۱۶) محققا خدا توبه آتیه را می پذیرد که عمل ناشایسته را از بدی نادانی مرتکب شوند پس از آنکه زشتی آن عمل دانستند بزدی توبه کنند پس خدا او را آمرزید و خدا (یا مومنان) دانا و بمصالح خلق آگاهست (۱۷) کسی که با عیال زشت تمام عمر اشتغال ورزد تا آنگاه که مقاصد بزرگ کند در آن ساعت پشیمان شود و گوید اکنون توبه کردم توبه اش پذیرفته نخواهد شد چنانکه هر کس بحال کفر بمیرد نیز توبه اش قبول نشود بر این گروه مهیا ساختیم عذابی

أَيْمَانَهُمْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِأَجْلِ لَكُمْ أَنْ تَرَوْا النِّسَاءَ كَرَمًا
 وَلَا تَتَضَلَوْهُنَّ لِئَنْ هُنَّ بَعْضُ مَا أَنْتُمْ مَوْحُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ
 بِغَاحِشٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ مِنْ
 أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَبَرًا كَثِيرًا ⑩ وَإِنْ أَذْنُو
 اسْتِبْدَالٍ رَفِيعٍ مَكَانٍ رَفِيعٍ وَاللَّهُمَّ احْدِثْ مِنْ قِطَارٍ أَقْلًا لَمْ
 مِنْهُ شَيْئًا آتَاخُذُوهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مَيْتَانَا ⑪ وَكَفَتْ تَأْخُذُوهُ
 وَقَدْ أَضْفَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ آخِذِينَ مِنْكُمْ مَيْتَانَا عَلِيًّا ⑫
 وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ
 فُلُوحٌ وَتَفْشًا وَنَسَاءً سَبِيلًا ⑬ لَمْ تَنْتَ عَلَيْهِمْ أَمَهَا تَكْرُ
 بَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ
 الْأَخِ وَأُمَّهَاتُكُمْ وَاللَّاتِي أَنْصَحْتُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرِّضَاةِ
 وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَّاتُكُمْ اللَّاتِي فِي جُودِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمْ
 اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
 وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْعُوا بَيْنَ الْأَخْفَى
 إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ⑭ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ
 النِّسَاءِ إِلَّا مَا سَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَدَّ
 ذَلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُخْصِينَ عَنْ عَمَلِكُمْ فَمَا اسْتَفْتَمْتُ

بس در دناك (۱۸) ای اهل ایمان برای شما حلال نیست که زنان را با کراه
و جبر بمرات گیرید و بر زنان سختگیری و بهانه جوئی مکنید که قسمتی
از آنچه مهر آنها کردهاید بهجور بگیریید مگر آنکه صلح داشته و مخالفتی
از آنها آشکار شود و با آنها در زندگانی با انصاف و خوش رفتار باشید
و چنانکه دلپسند شما نباشد (اظهار کراهت مکنید) که بسا چیزها ناپسند
شما است و حال آنکه خدا در آن غیر بسیاری برای شما مقدر فرموده (۱۹)
اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر بجای او اختیار کنید و مال
بسیاری همراه او کردهاید البته نباید چیزی از مهر او باز گیرید آیا پوسیده
تهمت زدن بزن مهر او را میکیرید و این گناهی فاش و زشتی این کار
آشکار است (۲۰) و چگونه مهر آنان را خواهید گرفت در صورتیکه هر کس
بعق خود رسیده (مرد ب لذت و آسایش وزن به نفقه و مهر خود رسیده)
و در صورتیکه آن زنان مهر را از شما در مقابل عقد زوجیت و عهد محکم حق
از شما گرفته اند (۲۱) زن پدر را نباید به نکاح در آورید بعد از نزول این
حکم الا آنچه از این پیش (در زمان جاهلیت) کردهاید که خدا از آن
در گذشت زیرا این کاریست زشت و مبغوض خدا و اصلی بس قبیح است (۲۲)
حرام شد برای شما ازدواج با مادرو دختر و خواهر و عاله و دختر
برادر و دختر خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادر زن و دختران
زن که در دامن شما تربیت شده اند اگر با زن مباشرت کرده باشید و اگر
دخول با زن نکرده طلاق دهید با کسی نیست که با دختران او ازدواج کنید و
نیز حرام شدن فرزندان سلمی (نه زن پسر خوانده شما) و نیز حرام شد
جمع میان دو خواهر (یعنی که در یک وقت هر دو را بزنی گیرند) مگر آنچه
پیش از نزول این حکم (در عصر جاهلیت) کرده اند که خدا از آن در گذشت
زیرا خداوند در حق پندگان پهنشده و مهر بانیست (۲۳) و نکاح زنان محسنه
(شوهر دار) نیز برای شما حرام شد مگر آن زنان که (در جنگهای با
کفار بحکم خدا) متصرف و مالک شده اند (باز نهائیکه به حرمت باشد نکاح
مکنید) بر شما است که پیرو کتاب خدا باشید و هر زنی غیر آنکه ذکر شد
شما را حلال است که به مال خود بطریق زناشویی بگیریید نه آنکه زنا
کنید پس چنانکه شما از آنها بهره مند

بِرَبِّهِمْ مَنْ قَاتُوا مِنْ أَجْرِ مَنْ قَرِيبَةٍ وَلَا جَنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا زَعَمْتُمْ
 بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيقَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ١٠ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ
 مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْجِيَ الْمُحْسَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْ مَاطِلِكُمْ إِنَّمَا تَذَكُّرُ
 مِنْ قَتْلَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَغْلَى بِأَيِّكُمْ يَتَذَكَّرُ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ
 فَاتَّقُوا مَنْ يَأْذِنُ أَهْلَهُمْ وَاتَّقُوا مَنْ أَجْرُ مَنْ بِالْمَعْرُوفِ
 الْمُحْسَنَاتِ غَيْرِ مَسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَعَدِّاتٍ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُخْصِتْ
 فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْسَنَاتِ مِنْ
 الْعَذَابِ لِلَّذِينَ هُمْ عَنْ غَيْرِ اللَّهِ يُشِيرُونَ ١١ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ
 وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ١٢ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ
 الدِّينِ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١٣ وَاللَّهُ يُرِيدُ
 أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ لَا تَقْبَلُوا
 تَبِيلًا ١٤ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ
 ضَعِيفًا ١٥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ
 بِالْباطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا
 أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ١٦ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدَّ غَدَابًا
 وَظَلْنَا قُرُوفًا نَصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ١٧
 إِنْ تَجِدُوا كَثِيرًا مِمَّنْ هُمْ عَنْهُ نَكْفَرُوا عَنْكُمْ سَتَأْتِيَ كَثِيرًا وَتَذَكَّرُ

شود آن مهر معین که مزد آنهاست بآنان بپردازید و پاکى نیست بر شما که بعد از تعیین مهرم به چیزی با هم پراضی کنید و (بدانید که) البته خدا دانا و بهقایق امور عالم آگاه است (۳۳) و هر که راوست و توانائی آن نباشد که زنان پارسای با ایمان (و آزاد) گیرد پس کنیزان مؤمنه که مالک آن شدید بزنى اختیار کنید خدا آگاه تر است بر ائب ایمان شما که شما اهل ایمان همه (از زن و مرد) بعضی از جنس بعضی دیگر (یعنی همه مؤمن) و در رتبه یکسانید پس با کنیزکان مؤمنه با اذن مالکش (بى هیچ کبر و نخوت ازدواج کنید و مهر آنها بدان چه معین شده بدهید کنیزکائی که عقیق باشند نه زناکارونه رفیق و دوست دار پس چون شوهر کردند چنانچه عمل زشتی از آنها سرزند بر آنها نصف عذاب زنان پارسای آزاد است این حکم (کنیز را بزنى گرفتن) در باره کسی است که مترسد مبادا بر نبح افتد (یعنی بر حمت عزوبت یا گناه زناکاری افتد) و اگر سبر کنید (تا اوست یافته و زنى آزاد بگیرید) برای شما بهتر است و خدا بخشنده و مهربان است (۳۵) خدا میخواهد راه سعادت را برای شما بیان کند و شما را با آداب (و با اخلاق ستوده) آنانکه پیش از شما بودند (یعنی پیغمبران و نیکان امم سابقه) رهبر گردد و بر شما بیخفايد و خدا باحوال خلق دانا و بهقایق امور آگاه است (۳۶) و خدا میخواهد بر شما باز گشت بر حمت و مغفرت فرماید و مردم هوسناک پیر و شنوات میخواهند که شما مسلمین از راه حق و از رحمت الهی بسیار دور و منحرف گردید (۳۷) خدا میخواهد کار بر شما آسان کند که انسان ضعیف خلق شده است (۳۸) ای اهل ایمان مال یکدیگر را پناحق نخورید مگر آنکه تجارتی از روی رضا و رغبت کرده (و سودی برید) و یکدیگر را نکشید که البته خدا بسیار بر شما مهربان است (۳۹) و هر کس چنین کند (یعنی بمال و جان مردم دست ظلم دراز کند) از روی دشمنی و ستمگری پس او را بزودی در آتش دوزخ در آوریم و این کار (یعنی انتقام کشیدن از ظالمان) برای خدا آسان است (۴۰) چنان چه از گناهان بزرگی که شما را از آن نهی کرده اند دوری گزینید (یعنی گناهان کبیره) ما از گناهان دیگر شما در گذریم و شما را در دو عالم بمقامی

مِنْ خَلَاكِرِيًّا ١٣ وَلَا تَقْتُلُوا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ
 لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَ
 اسْتَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ يُكَلِّمُ بَنِي عَالِمًا ١٤ وَلِكُلِّ
 جَعَلْنَا مَوَالِيَكُمْ تَرَكُوا الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ
 أَيْمَانُكُمْ فَامُومٌ نَصِيبُهُمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ١٥
 الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ وَمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ
 مِمَّا اكْتَسَبُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالضَّالِّاتُ فَائِزَاتٌ حَافِظَاتُ لِنَفْسِهِ
 عَافِظَاتُ اللَّهِ وَاللَّائِي تَخَافُونَ نُشُورَ مَنْ فَيُظْهِرُنَّ وَأَهْرُقُنَّ
 فِي الْمَصَاحِبِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا
 إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا ١٦ وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا
 حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ هُودِيَ إِلَّا بِوَقْفِ اللَّهِ
 بَيْنَهُمَا إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ١٧ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا
 بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْبَنَاتِ وَالْأَسْكَانِ
 وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ أَيْنَ
 السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُهْدِي مَنْ كَانَ مُخْتَلًا
 قُورًا ١٨ الَّذِينَ يَخْلُقُونَ وَبِأَمْوَالِ النَّاسِ بِالْخُلِّ وَبِكُمُومًا
 أَتَاهُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ١٩

بمقامی بلند و نیکو برسانیم (۴۱) و زود و توقع بیجا در فضیلت و مزیتی که خدا
 بآن بعضی را بر بعضی برتری داده مکنید (یعنی در اموریکه موهبت خداست
 و اکتسابی نیست مانند نعمت نبوت و ولایت هوش حسن جمال و نطق فصیح
 و غیره مطیع نکنید و بر صاحبانش حسد موزید) که هر که از مرد و زن از
 آنچه اکتساب کنند بهره مند شوند و هر چه خواهید از فضل خدا در خواست
 کنید نه از خلق (تا بشما احسان کند) که خدا بهمه چیز دانا است (۴۲) اما
 برای هر کسی از ازل برها از قبیل پدر و مادر و خویشان حتی قراداده ایم
 (و بر تریب مقدم و مؤخر ارث و مقدار حق و وراثت را بیان کردیم بآن عمل
 کنید) و با هر که عهد و پیمان حق و قی بسته اید (بهره آنان را بدهید و نقض
 عهد نکنید) که خدا بر هر چیز گواه است (۴۳) مردان را بر زنان تسلط و حق
 نگهبانی است بواسطه آنکه مردان از مال خود باید بزن نفقه دهند پس
 زمان شایسته و مطیع در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران باشند و آنچه
 که خدا بحفظ آن امر فرموده نگهدارند و زنانیکه از مخالفت و تافه مانی
 آنان بیم ناکید باید نصحت آنها را موضعه نکنید اگر مطیع نشدند از
 خواب گاه آنها دوری گزینید باز مطیع نشدند آنها را بزدن تنبیه کنید
 چنانچه اطاعت کردند دیگر بر آنها حق هیچگونه ستم ندارید که همانا
 خدا بر رگوار و عظیم الشان است (۴۴) چنانچه بیم آن دارید که نزاع و خلاف
 سخت بین آنها (یعنی میان زن و شوهر) پدید آید از طرف کسان مرد و کسان
 زن داوری بر گزینید که اگر مقصود اصلاح داشته باشند خدا ایشان را
 بر آن موافقت بپسندد که خدا بهمه چیز دانا و از همه سزاوارتر آگاه است (۴۵)
 خدای یکتا را پرستید و هیچ چیزی را شریکوی نگیرید و نسبت بپدر و
 مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و همسایه که بیگانه لخت و دوستان
 موافق و همگندریان و پندگان و پرستاران که زیر دست تصرف نمایند در
 حق همه نیکی و مهر بانی کنید که خدا مردم خود پسند متکبر را دوست
 ندارد (۴۶) آن گروه (از یهود و نصاری) که بغل میوزند و مرد مرابه
 بغل و اوار می کنند و آنچه را خدا از فضل خود بآنها بخشیده از آیات و
 احکام آسمانی کتمان میکنند (البته بکیفر خود خواهند رسید) و خدا بر
 کافران عذابی خوار کننده مهیا داشته است (۴۷)

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ
 الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا وَمَا ذَا عَلَيْكُمْ لَوْ
 اسْتَوَىٰ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ
 عَلِيمًا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ شَيْئًا لِّدَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً فَيضَاعِفْهَا
 وَهُوَ غَنِيٌّ مِنْ دُونِهَا أَعْرَضَكُمْ عَنْهَا فَلَمَّا كَفَتْ إِذَا جُنَّانٍ مِنْ كُلِّ أَتَرَفٍ يَتَّبِعُونَ
 وَخِشْيَاكُمْ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدٌ ۚ يَوْمَ تَدْعُو الدِّينَ كُفْرًا وَعَصَوْا
 الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ لَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا ۚ بَأْسَآئِهِمَا
 الَّذِينَ اسْتَوَىٰ لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ
 وَلَا جُنْبًا لِغَيْرِ سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ
 سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا
 مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ
 كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ۚ أَلَمْ تَرَ إِلَى الدِّينِ أَوْ قَوَّاصِبًا مِنَ الْكِتَابِ
 يَتَرَوْنَ الصَّلَاةَ وَزَيْدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ ۚ وَاللَّهُ
 أَعْلَمُ بِأَعْدَاكُمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا ۚ مِنَ الَّذِينَ
 هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا
 وَاسْمِعْ غَيْرَ سَمْعٍ وَادْعِنَا بِنِيبَاتٍ إِلَيْهِمْ وَطَعْنُوا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنْتُمْ
 قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمِعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ تَجْرِبًا لَهُمْ وَأَعْوَمٌ وَلَكِنْ

آنانکه اموال خود را بقصد ریا و خود نمائی می بخشند و بخدا و روز قیامت
 نمیگردند (ایشان یاران شیطانند) و هر که را شیطان یار است بسیار بد
 یاری خواهد داشت (۳۸) و چه زیان به آنها میرسد اگر بخدا و روز
 قیامت ایمان آورده و از بهرهای که خدا به آنان داده چیزی انفاق می کردند
 و خداوند باحوال و نیات آنان داناست (۳۹) خداوند مقدار ذره بکسی
 ستم نکند و هر عمل نیکی را زیاده گرداند (به نیکن) از جانب خود مژدی
 بزرگ عطا کند (۴۰) چگونه است حال (در روز محشر) چه اندازه نیکن
 سرفراز و بدان شرمند باشد (آنگاه که از مرطافه ای گواهی آریم و تو
 را (ای پیغمبر خانم) بر این است بگوای خواهیم (۴۱) در آنروز
 آرزو کنند آنانکه برای کفر رفته و نافرمانی رسول کردند از سختی عذاب
 که ای تاثیر باخدا زمین یکسان بودند (و خضر بر آنها نبود) و از خدا
 چیزی (از اعمالشان را) پنهان نتوانند کرد (۴۲) ای اهل ایمان هرگز
 در حال مستی بنماز نیفتید تا بدانید چه می گوئید (و چه می کنید) و نه در حال
 جنایت مگر آنکه مسافر باشید تا وقتی که غسل کنید و اگر بیمار بودید
 (که غسل کردن نتوانید) یا آنکه در سفر باشید یا قضاء حاجتی دست داده
 باشید یا با زنان مباشرت کرده اید و آب برای تطهیر و غسل نیافتید در این
 صورت بغسل پاک تیمم کنید (کف بر خاک زده) آنگاه صورت و دستهارا
 مسح کنید که خدا آمرزنده و بخشنده است (۴۳) ندیدی حال آنانکه اندک
 بهره ای از علم کتاب یافتند (یعنی علماء یهود و نصاری) که خریدار ضلالت
 هستند و همی خواهند که شما اهل ایمان را بگمراهی اندازند (۴۴) خدا
 داناتر است بدشمنان شما و دوستی خداواری او شمارا (از شر آنها)
 کفایت خواهد کرد (۴۵) گروهی از یهود کلمات خدا را از جای خود
 تغییر داده (که آنچه دوباره خطاب پیغمبر در توبه نوشته بر غیر معنی آن
 تاویل می کنند) و گویند فرمان خدا را شنیده و از آن سر پیچیم و (بزیان
 جسارت با تو خطاب کنند) گویند بشنو که کاش ناشنوا باشی و گویند ما را
 رعایت کن و گفتارشان زبان بازی و طعنه و تمسخر بدین است و اگر با احترام
 گفتند که ما فرمان حق را شنیده و ترا اطاعت کنیم و توسل ما بشنو
 بحال ما بنگر آینه آنرا نیکوتر بود و بسواب نزدیکتر ولیکن

لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ٤٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
الْكِتَابَ آمِنُوا بِنُورِنَا وَمُصَدِّقَاتِنَا مِن قَبْلِ أَن نَقْطِصَنَّ مِنْكُمْ
ثَمَرَهُمَا عَلَى آذَانٍ مُّسْمَعِينَ كَلَّا لَعَنَّا أَصْحَابَ النَّبِيِّ وَكَانَ
أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ٤٧ إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْوِيَنَّ فِيهِ يَتَّبِعُونَهُمْ مَا دَرَسُوا
ذَلِكَ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنِ ابْتَنَىٰ عَلَيْهِ فَنَدَىٰ فَأَنفَرُوا ٤٨ أَلَمْ تَرَ
إِلَى الَّذِينَ يَتَوَكَّلُونَ عَلَى اللَّهِ بَلَّ اللَّهُ بِهِمْ فِي مَوَاقِفٍ مِّنَ الْأَشْجَارِ
فَقِيلَ لَا يَنْفَعُكُمْ تَوَكُّلُهُمْ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنتُمْ مَعَهُمْ فَكَفَرُوا
بِهَا ٤٩ أَفَلَا تَنْظُرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا
مُبِينًا ٥٠ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ
بِالْغَيْبِ وَالظَّالِمِ غَوِيًّا وَبِأَنفُسِهِمْ كَفِرُوا هُمُ الْأَعْدَى
مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا ٥١ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْمِزْ
هُمُ اللَّهُ فَلَنَنجِدَنَّ لَهُمْ نَقِيرًا ٥٢ أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمَالِ فَإِذَا
لَاؤُوا النَّاسَ تَفِيرًا ٥٣ فَتَعَسَّىٰ أُولَٰئِكَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ عَلٰى مَا يَفْعَلُونَ
فَقَدْ أَتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ٥٤
فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّقَهُ وَكَفَىٰ بِهِمْ سَبْعِينَ ٥٥
إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كَلْبًا فَيَجْعَلُ جُلُودُهُمْ
بَدَنًا لَهُمْ جُلُودًا غَيْرَ هَٰئِلَةٍ وَقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا
حَكِيمًا ٥٦ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ

خدا آنها را لعنت کرد چون کافر شدند پس ایمان نمی آوردند مگر اندکی (۴۸) ای کسانی که برای شما کتاب آسمانی فرستاده شده ایمان آورید بقرآنی که فرو فرستادیم (برای پیغمبر اسلام) که مصدق مود و انجیل شماست پیش از آنکه پرویشان از اثر خلالت خط محو و غلظان کفیم یا گونما را و از گون کنیم یا آن که بر شما بمانند اصحاب سبت لعنت و عذاب فرستیم (پرسید که) قضای خدا البتة واقع شدنی است (۴۹) محقق است که خدا هر کس را که باو شرک آورد نخواهد بخشید و سواى شرک هر که را خواهد می بخشد و آن کس که شرک بخدا آورد بدو غیبه یافته است گناهی بزرگ مرتکب شده است (۴۸) نمی بینی آنان که دعوی پاکدلی و نیک نفسی کنند (در موقع عمل چندنا پاکند) خداست که هر که را بخواد از دلائل پاک و منزه دارد و بشود قتلی (یعنی رشته خرمائی در قضای الهی) بکسی ستم ننهد (۴۹) بنگر چگونه بر خدا دروغ می باند و همین اقتراه بخدا گناه فاش (بر پلیدی نفس و ملاک و عقوبت آنان) پس است (۵۰) ندیدی و صیب نداشتی از حال آنان که بهره ای از کتاب آسمانی هم داشتند (یعنی جهودان) باز چگونه بیتان جبت و طاغوت گرویند (و با مفرکین همه بد و منفق شدند) و کافران مفرک میگویند که راه شما بسوای نزدیکتر از طریق ما اهل ایمان است (۵۱) این گروهند که خدا آنها را لعنت کرد و هر کس را خدا لعنت کند و از رحمت خود دور سازد دیگر هرگز کسی مدد و یاری او نتواند کرد (۵۲) آیا آنانکه از احسان به خلق بهشتی خرمائی بخل میورزند بهره ای از ملک و سلطنت نخواهند یافت (۵۳) آیا حسمی و زنند (یهود) یا مردم (یعنی با مسلمین) چون آنها را خدا بفضل خود پر بخورد و ارنود که البته ما بر آل ابراهیم (حضرت محمد) (ص) کتاب و حکمت فرستادیم و با آنها ملک و سلطنتی بزرگ عطا کردیم (۵۴) آنگاه برخی گمان بدو گرویند و برخی گمان را از دین و مانع ایمان پاوشهند و آتش افروخته دوزخ کثیر کثر آنان پس است (۵۵) آنانکه به آیات ما کافر شدند بزودی به آتش دوزخ عیان در افتیم که هر چه پوست تن آنها بسوزد پوست دیگرش مبدل سازیم تا به هفتاد و نهمی عذاب را که ما خدا مقتدر و کارش از روی حکمت است (۵۶) آنانکه ایمان آوردند و نیکوکار شدند بزودی در بهشتی در آوریم

قَمَرٍ مِّنْ تَحْتِهَا الْآلُفُ نَادٍ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَّهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ
 وَهُمْ فِيهَا شَارِبُونَ مِنْ مَّاءٍ غَيْرٍ مُّلُوحٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُوْذِيَ الْآلِفَاتِ
 إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذْ أَحْكَمْتَ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَقْضُوا بِالْعَدْلِ ۚ إِنَّ اللَّهَ
 نِعِمَّا يَعِظُكُم بِذَٰلِكَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ
 فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
 الْآخِرِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۝
 أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ
 أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ هُمْ يُرِيدُونَ أَنْ
 يُخَالِفُوا بِمَا كُتِبَ عَلَيْهِمْ وَقَدْ أَمَرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الْقَائِلُ
 أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝
 وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ
 اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ رَأَيْتُ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُورًا
 ۝
 فَكَفَتْ إِذَا صَاحَبْتَهُمْ مُّصِيبَتْهُم مَّا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَرَجَّأَوْكَ
 بِخِلْفَةٍ بِاللَّهِ ۚ إِنَّ أَرْدْنَاكَ لَأَخْسَنًا وَتَوْفِيقًا ۝
 أَوَلَيْكَ الدِّينُ
 يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ
 سَلَامٌ ۚ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِبَطَإٍ بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ
 وَإِنَّهُمْ إِذَا ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ
 الرَّسُولُ لَوْ جَدَّ اللَّهُ تَوَابًا رَّحِيمًا ۝
 فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ

که نهراً از پرده غنائش جاری است و در آن زندگانی جاوید کنند و هر آنها در بهشت جفتهای پاکیزه است و آنرا بپایه رحمت ابدی خود در آوریم (۵۷) خدا بشما امر میکند که امانت را البته با صاحبانی باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید داوری بعدالت کنید همانا خدا شما را پنهان نیکو میدهد که خدا بهر چیز آگاه و پیر است (۵۸) ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول را اطاعت کنید) و چون در چیزی کارتان بگفتگو و نزاع کشد بحکم خدا و رسول باز گردید اگر بعد از روز قیامت ایمان دارید این کار (رجوع بحکم خدا و رسول) برای شما بهتر و خوش عاقبت تر خواهد بود (۵۹) آیا تنگری و عصب نداری از حال آنان که بکفر و دعوی خود ایمان بقرآن تو و کتبی که پیش از تو فرستاده شده آورده اند چگونه باز میخوانند طاغوت (شیطان دیو و مردم پلید) را حاکم خود گمارند در سورتی که مأمور بودند که بطاغوت کافر شوند (حسرت باقر و صادق (ع) فرمودند مراد از طاغوت آنکس است که برخلاف حق حکومت کند و سزاوار آن مقام نباشد) و شیطان خواهد که آنان را گمراه کند آنگونه گمراهی که از هر سادت و آسایش دور باشند (۶۰) چون با آنها گفته شد که بحکم خدا و رسول باز آید گروه منافق را بینی که سخت مردم را از گروه بدین بپوشانند (۶۱) پس چگونه خواهد بود حال آنها چون رنج و مصیبتی از گردار زشت خود با آنها رسد آنکاه نزد تو آیند و بعد از آنکه خوردند که مادر کار خود قسمی جز نیکویی و موافقت با مسلمین نداشتیم (۶۲) اینان هستند (آن گروه منافق) که خدا از قلب (نا پاک) آنها آگاه است پس تو ای رسول از آنان روی بگردان ولی به آنها نصیحت کن و بگفتار دلنشین و مؤثر با ایشان سخنگو (۶۳) با رسول نفرستادیم مگر بر این مقصود که خلق با امر خدا اطاعت او کنند (و عداوت شوند) و اگر هنگامیکه گروه منافق بر خود یگنایتم کردند از کردار خود بعدا توبه نموده و بتوبه رجوع می کردند که بر آنها استغفار کنی و از عداوت امزش خواهی البته در این حال خدا را پذیرنده توبه و مهربان می یافتند (۶۴) همچنین است قسم بعدای تو که اینان بصحقت اهل ایمان نمیگویند مگر

يَحْكُمُ فِيهَا شُجْرَتُهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِيهَا أُنْفُسَهُمْ فَجَاثِمًا قَضَيْتُ وَ
يَسْلُوا السَّالِمِينَ ٥٠ وَلَوْ أَنَّا كُنَّا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَخْرَجُوا
مِنْ دياركم مَا فَعَلُوا إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَتَلُوا مَا بُوْعَظُونَ
بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَسَدَ تُتْشِيتًا ٥١ وَإِذَا لَا تَأْتِنَا لَهُمْ مِنْ لَدُنَّا بَرًا
عَظِيمًا وَلَمَّا دِينَا لَهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ٥٢ وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ
قَالَ لَكَ مَعَ الَّذِينَ اتَّخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَ
الْمُهْتَدِينَ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا ٥٣ ذَلِكَ الْفَضْلُ
مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عِلْمًا ٥٤ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اخذُوا مِنْكُمْ
فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ تَنْفِرُوا جَمِيعًا ٥٥ وَإِنْ مِنْكُمْ لَمَنْ لَبَّيْطَانٌ قَالَ
أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا قَدْ أَتَيْتُمْ اللَّهَ عَلَىٰ أَعْيُنِنَا إِنْ كُنْتُمْ مَعَهُمْ شُهَدَاءَ
٥٦ وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولُنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ
مَوَدَّةٌ بِالْبَقِيَّةِ كُنْتُمْ مَعَهُمْ فَأَوْرَظُوا لَهُمْ ٥٧ فَلْيُنَادِلْ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
فَيُقْتَلْ أَوْ يَمُوتْ نَرْسُلْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ٥٨ وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ
يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمُ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا
لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ٥٩ الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ

آنکه در خصومت و نزاعشان تنها تو را حاکم کنند و آنگاه بهر حکمی که
 (بسر و زبان آنها کنی هیچگونه اعتراضی در دل نداشته و کاملاً اذ دل و جان
 تسلیم فرمان تو باشند) (۶۵) و اگر ما به آنها حکم میکردیم که خود را
 بکشند یا ازدیار خود (برای جهاد) بیرون بروند اطاعت نمیکردند مگر
 اندکی (مؤمنان کامل) و اگر مردم بحکم حق و به آنچه نصیحت و پندشان
 میدهند عمل میکردند البته نیکوتر و کاری محکم اساس تر (در امر دین و
 دنیای آنها) بود (۶۶) و در آن صورت محققاً ما آنها را مزدی بزرگ پیاداش
 طاعت مصلای کردیم (۶۷) و آنان را براه راست هدایت مینمودیم (۶۸) و
 آنانکه خدا و رسول را اطاعت کنند البته با کسانی که خدا به آنها لطف
 و عنایت کامل فرموده یعنی با پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران
 محصور خواهند شد و اینان (در بهشت) چه قدر نیکو رقیبانی هستند (۶۹)
 این است فضل و بخشش خدا و علم ازلی خدا (با احوال و حاجات خلق کفایت
 کند) (۷۰) ای اهل ایمان سلاح جنگ برگیرید و آنگاه دسته دسته یا همه
 یک بار دمشق برای جهاد بیرون روید (۷۱) و همانا گروهی از شما (یعنی منافقان)
 به بصرهای معمول حول انگیز شمارا بترس از جهاد باز میدارند و اگر
 حادثه ناگواری روی آورد آن منافق مردم بطریق شامت گویند خدا ما
 را مورد لطف خود قرار داد و از این حادثه که آنها را بکشتن داد محفوظ
 داشت (۷۲) و اگر فضل خدا شامل حال شما گردد گویی میان شما و آنان
 ایضا دوستی نیست (تا نفع شمارا نفع خود دانند) و با تأسف گویند ای کاش ما
 نیز با آنها بجهاد رفته بودیم تا بنعمت فتح و غنیمت بسیاری که نصیب
 آنها شده بهره فراوان میبردیم (۷۳) مؤمنان باید در راه خدا با آنانکه
 حیوة مادی دنیار را بر آخرت گزیدند جهاد کنند و هر کس در جهاد براه
 خدا کشته شد یا فاتح گردید زود باشد که او را (در بهشت ابدی) اجر عظیم دهیم
 ۷۴ چرا در راه خدا جهاد نمیکند در صورتیکه جمعی تا توان از مرد و زن و
 کودک و شما که در محله اسیر ظلم کفارند آنها را ایمنی گویند یا خدا یا ما را از این
 شهری که سر دشمنان است بیرون آرواز جان خود برای ما بیچارگان نگهدار
 و باوری فرست (۷۵) اهل ایمان در راه خدا و کافران در راه

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِإِيمَانِهِمْ فِي سَبِيلِ الظَّالِمِينَ فَتَالُوا
 أُولَئِكَ الشَّيْطَانُ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ۝٧٠ أَلَمْ تَرَ إِلَى
 الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا
 كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَقْعُونَ ۝٧١ النَّاسُ كَتِبَتْ إِلَهُهُ
 أَنْتَ حَسْبُكُمْ وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا
 إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ مَلْنَاغَ الذُّنُوبِ أَفَلَا تُخْبِرُونَ ۝٧٢ أَتَىٰ مَا تَكُونُوا يَدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ
 فِي رُوحٍ مُّسْتَدِيرَةٍ ۝٧٣ وَإِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ
 تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاُ الْقَوَائِدِ وَكَافَّةٌ لَهُمْ ۝٧٤ وَاللَّهُ يَدْعُ
 إِلَى حَسَنَةٍ وَلَئِنْ لَّمْ يَدْعُ لَهَا صَاحِبٌ مِّنْ سَيِّئَةٍ لَّيْسَ لَهُ تَفَكُّ ۝٧٥
 أَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ۝٧٦ مَن يُطِيعِ الرَّسُولَ
 فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَن تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا ۝٧٧
 يَعُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ
 غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ
 عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝٧٨ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ ۝٧٩ الْقُرْآنُ وَلَوْ كَانَ
 مِن عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ۝٨٠ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ

پس شما مؤمنان بادوستان شیطان بچنگیدو (از آنها هیچ بیم و اندیشه
 نمکنید) که مکر و سیاست شیطان بسیارست و ضعیف است (۶۸) آیا
 نمینگری و عجب نداری از حال آن مردمی که میگفتند بما اجازه جنگت دهو
 بد آنها گفته می شد اکنون از جنگ خود داری کرده و بوظیفه نماز و زکوة
 قیام کنیدی (که هنوز مامور به جنگ نیستیم) دیدی آنگاه که بر آنها (در جنگ
 بدر) حکم جهاد آمد در آن هنگام پیش از آن اندازه که باید از غذا
 ترسند از مردم (دشمنان خود) ترسیدند و گفتند ای خدا چرا بر ما حکم
 جنگ را فرض کردی که صرما را تا بهنگام اجل مهلت ندهی (ای رسول
 ما به آنان که این اعتراض کنند) بگو که زندگانی دنیا متاعی اندک
 است و جهان آخرت ابدی برای هر که خدا ترس باشد بسیار بهتر از دنیاست
 و آنجا کمترین ستم درباره کسی نخواهد شد (۶۷) هر کجا باشید اگر
 چه در کاخ های بسیار محکم مرک شمارا فرارسد (و از مرک هیچ چاره ای
 رهائی نیابد) و از آنرا (یعنی گروه منافقان را) اگر خوشی و نسی می فرا
 رسد گویند این از جانب خداست و اگر زحمتی پیش آید بتو نسبت دهند
 (ای رسول به آن گروه منافق نادان) (بگو) (هر چه در جهان پدید آید و
 هر چه از نیک و بد پدید رسد) همه از جانب خداست چرا این قوم جاهل
 از فهم هر سخن دورند (۶۸) هر چه از انواع نیکوئی بتو رسد از جانب
 خداست و هر بدی رسد از نفسیست (ای پیغمبر) (س) ما تو را بر مسالت برای
 (راهنمایی) مردم فرستادیم و (برای مسالت تو تنها گواهی خدا گواهیست
 (۶۹) هر که رسول را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر که مخالفت
 کند (بیشتر مخالفتش با خداست) و ما ترا بنگهبانی آنها فرستادیم
 (۸۰) (منافقان روز) نزد تو بربان اظهار ایمان کنند و شب چون از حضور
 تو دور شوند گروهی خلاف گفته تو را در دل گیرند و خدا اندیشه شبانه
 آنها را خواهد نوشت پس تو ای پیغمبر (س) از آن منافق مردم بوی بگردان
 و بعدا اعتماد کن که تنها خدا ترا یار و نگهبان کافی است (۸۱) آیا در
 قرآن از روی فکر و تأمل نمینگری (تا بر آنان ثابت شود که وحی
 خداست) و اگر از جانب غیر خدا بود در آن (از جهت لفظ و معنی) بسیار
 اختلاف می یافتند (۸۲) (چرا منافقان اگر مسلمانند اسرار جنگی اسلام
 را فاش می کنند و چون امری

مِنَ الْأَمْنِ وَإِذَا خَوْفٌ آذَانُكُمْ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي
 الْأَرْحَامِ مِنْهُمْ لَعَلَّ الَّذِينَ يَسْتَفْهِتُونَ مِنْهُمْ وَلَوْ أَقْضَى اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 وَرَحْمَتُهُ لَا تَقْبَلُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا قَلِيلًا ٤٣ عَمَّا يُدْرِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 لَكُمْ لَافْتِنَاكَ وَخَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَكْفَى بَأْسَ
 الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا ٤٤ مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً
 حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ
 كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْبِلًا ٤٥ وَإِذَا حُجِّبْتُمْ فَتَعَبُّوا
 فَجُودًا يَأْخُذُ مِنْهَا أَوْ رُدُّهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا
 ٤٦ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَعْلَمَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَرَبُّ فِيهِمْ
 مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ٤٧ قَالُوا لَكَ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٌ وَ
 اللَّهُ أَرْكَمُكُمْ عَلَيْهِمْ بَاكِبُوا أُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ
 مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ٤٨ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا
 فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَعْنِدُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ فَإِنْ قَالُوا نَتَّخِذُهُمْ وَأَقْبَلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا
 مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ٤٩ إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ
 بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُغَافِلُوكُمْ أَوْ
 يُغَافِلُوكُمْ قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَاطَمَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوا كُفْرَهُمْ

که باعث ایمنی یا ترس مسلمان است و باید پنهان داشت منتشر می سازند (تا دشمنان آگاه شوند) در صورتیکه اگر پر رسول و صاحبان حکم رجوع می کردند همانا (تدبیر کار را) آنان که اهل بصیرتند می دانستند و در آن واقعه سلاح اندیشی می کردند) و اگر نه این بود که قتل و رحمت خدا شامل حال شماست همانا بجز اندکی همه شیطان را پیروی می کردید (۸۳) پس (ای پیغمبر) ای تو خود تنها در راه خدا بکار زار بر خیز که جز شخص تو بر آن مکلف نیست و مؤمنان را نیز ترغیب کن باشد که خدا آسیب کافران را از شما باز دارد که قدرت خدا (از کم مردم) بیشتر و عذاب و انتقامش سخت تر خواهد بود (۸۴) هر که واسطه و منفاع کاری نیکو شود هم او نصیبی کامل از آن بر دو هر که وسیله کاری زشت و قبیح گردد از آن سهمی پسزا خواهد یافت و خدا بر هر چیز (نیک و بد) اعمال مراقب است (۸۵) هر گاه کسی شما را ستایش کند شما نیز باید در مقابل ستایشی بهتر از آن یا مانند آن پاسخ دهید که خدا بحساب هر نیک و بد کاملاً خواهد رسید (۸۶) خدای یگانه که هیچ خدائی جز او نیست محققاً همه را در روز قیامت که هیچ شک در آن نیست جمع آورد (این وعده خداست) و کیست که راست تر از خدا سخن گوید (۸۷) چرا شما در باره منافقان دوفرقه شدید (گروهی باسلام و گروهی بکفرشان قائل گشتید آنها در باطن کافرنند) و خدا آنها را بکفر اعمال زشتشان باز گرداند آیا شما میخواهید کسی را که خدا گمراه کرده هدایت کنید در صورتیکه هر گمراه خدا گمراه کرد (یعنی هدایت خدا را نپذیرفت) هرگز تو بر (هدایت) او راهی نخواهی یافت (۸۸) منافقان و کافران (از رشک و حسد) آرزو کنند که شما مسلمان نیز مانند آنها کافر شوید تا (شما را) بر آنها امتیازی نباشد) همه بر ابر و مساوی در کفر باشید پس آنان را تا در راه خدا مهاجرت نکنند دوست نگهید و اگر مخالفت کردند آنها را هر گما یافتید گرفته و بقتل رسانید و از آنها دوستی و یاوری نباید اختیار کنید (۸۹) امگر آنانکه بقومی که میان شما با آنها عهد و پیمانی است در پیوسته باشند یا که بر این عهد نزد شما آیند که از جنگ با شما و با قوم خودشان هر دو خود داری کنند با این دو طایفه از کافران که در حقیقت شما پناهنده اند نباید قتال کنید و اگر خدا میخواست آنها را بر شما مسلمان مسلط میکرد تا با شما قتال میکردند

فَاِنْ اَعْتَزَلُوْكُمْ فَلَا تُفْلِحُوْا وَلَوْ كَرِهَ الْغَوَا الْاَكْثَرُ ۝ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ
 رَبِّكَ ۚ عَلَيْنَا سَبِيْلٌ ۙ سَيُجِدُوْنَ الْعَرِيْنَ يُرِيدُوْنَ اَنْ يَّامُوكُوْكُمْ
 يَّامُؤَا قِيْنُ ثُمَّ كُنَّا زُرْقًا ۙ اِلَى الْفِتْنَةِ ۙ اَوْ كُنُوْا مِنْهَا ۙ اِنْ لَّا تَعْلَمُوْا لَوْ كَرِهَ
 رَبُّنَا ۙ اِلَّا الْاَكْثَرُ ۙ وَبَكُوْا اَيْدِيَكُمْ تَحْتُكُمْ ۚ وَاقْلُوْا لَهُمْ جَهَنَّمَ
 نَقِصْتُمْ ۙ وَاَوَّلَكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ ۙ عَلَيْنَا سُلْطٰنًا مُّبِيْنًا ۝ وَمَا كَانَ
 لِيُؤْمِنَ اَنْ يَّقْتُلَ مُؤْمِنًا اِلَّا خَطَا ۙ وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَا فَتَحْرِيرُ
 رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ ۙ وَرِيْءٌ مِّنْكَ اِلَى اَهْلِيْهِ ۙ اِلَّا اَنْ يَّصَدَّقَ ۙ فَاِذَا
 كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٌّ لَّكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ مُّحْتَرِمٌ رَّقَبَةٌ مُّؤْمِنَةٌ
 وَاِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيثَاقٌ فَلْيَبْسُطْهُ ۙ اِلَى
 اَهْلِيْهِ ۙ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ ۙ فَمَنْ لَّا يَجِدْ فَيَسْأَلْهُمْ عَنْهُ
 مُّتَنَابِعًا مِّنْ تَوْبَةٍ ۙ مِنَ اللّٰهِ ۙ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ۝ وَمَنْ يَقْتُلْ
 مُّؤْمِنًا مُّتَعَدًّا فَحَزَّ اَرْوَاهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيْهَا ۙ وَهُوَ غَضَبُ اللّٰهِ عَلَيْهِ ۙ
 لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَيْهِ ۙ وَعَدَا لَهُ عَذَابًا عَظِيْمًا ۝ اِنَّهَا الَّذِيْنَ اَمْوَالُهُمْ
 فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَتَبَيَّنَتْ ۙ وَلَا تَقُولُوْا لِمَنْ اَلْفَى اِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَنْتَ
 مُّؤْمِنًا ۙ تَبْتَغُوْنَ عَرَضَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۙ فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغَازٍ ۙ كَثِيْرَةٌ
 كَذٰلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ ۙ فَمَنْ اَلَّ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنَتْ ۙ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ
 بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا ۝ لَا يَسْتَوِ الْفَاعِدُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ نَجْمٌ

پس هرگاه از جنگ با شما کناره گرفتند و تسلیم شما شدند در این صورت
 خدا برای شما راهی بر علیه آنها نكشود (یعنی مال و جانشان را بر شما
 مباح) نکرده (۹۰) گروهی دیگر را خواهید یافت که میخواهند از شما
 (باظهار اسلام) و از قوم خود (باظهار کفر) ایمنی یابند و هرگاه که راه
 فتنه گری و شرک بر آنها باز شود بکفر خود بازگردند پس اگر از
 (فتنه انگیزی و نفاق با شما) کناره نکرشته و تسلیم شما ننهند و از آزاد
 شما دست نکشیدند در این صورت آنها را هر جا یافتید گرفته و بقتل
 رسانید مالمشما را بر جان و مال این گروه تسلی کامل بخشیدیم (۹۱) هیچ
 مؤمنی را نرسد که مؤمنی را بقتل رساند مگر آن که با شنیاه و خطا مرتکب
 آن شود و در صورتیکه بمصلحت مؤمنی را مقتول ساخت باید بکفاره این
 خطا بنده مؤمنی آزاد کند و غوینهای آن را بصاحب خون تسلیم نماید
 مگر آنکه دپه را ورته بقاتل ببخشند و اگر این مقتول با آن که مؤمن
 است از قومی است که با شما دشمن و محاربت در این صورت قاتل
 (دپه نهد) لیکن بر اوست که بنده مؤمنی را آزاد کند و اگر
 مقتول از قومی است که با شما و آن قوم عهد و پیمان برقرار بوده
 پس خونبها را بصاحب خون پرداخته و بنده مؤمنی بکفاره نیز آزاد
 کنید و اگر بنده ای نیابید بایستی دوماه متوالی روزه دارید این توبه ایست
 که از طرف خدا پذیرفته است و خدا (با اعمال خلق و جزاه آن) آگاه و بسپرو
 همه امور حکیم است (۹۲) هر کس مؤمنی را بمدیکه بمجازات او آتش جهنم
 است که در آن جا ویدمذنب خواهد بود خدا پراو عفو و لطف کند و عذاب بسیار
 شدید مهیا سازد (۹۳) ای اهل ایمان چون در راه خدا (برای جهاد کفار)
 بیرون روید (در کار دشمن درست) تحقیق و جستجو کنید و به آن کس که
 اظهار اسلام کند و شما سر تسلیم فرود آورد نسبت کفر میدید تا (بیانهای)
 مال و جانش را بر خود حلال کنید و از متاع ناچیز دنیا چیزی غنیمت برید
 که غنایم بی شمار نزد خداست اسلام شما هم اول امر همچنین اظهار و
 تسلیمی پیش نبود تا وقتی که خدا بر شما (بطاه نور ایمان) منت
 گذاشت پس اکنون شما باید تحقیق کنید (و بهوس و طمع در جان و مال
 مردم کسی را بکفر نسبت مدهید) که خدا بهر چه کنید کاملاً آگاه است
 (۹۴) هرگز مؤمنانی که بی هیچ عذری

أُولَى الْقَرَرِ وَالْجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ قَضَلًا
 اللَّهُ الْجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْفَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكَلَامًا
 وَعَدَّ اللَّهُ الْحَسَنَى وَقَضَلَّ اللَّهُ الْجَاهِدِينَ عَلَى الْفَاعِدِينَ أَجْرًا
 عَظِيمًا ⑤ دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا
 ⑥ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْنَاهُمْ مَلَائِكَةً ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا
 كُنَّا مُسْتَعْصِفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً
 قَالُوا بَلَى وَفِيهَا قَالُوا لَكَ مَا وَهُمْ مِنْهُمْ جَهَنَّمَ وَمَا أَنتَ بِمُصِيرٌ ⑦ لَا
 الْمُسْتَعْصِفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ
 حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ⑧ قَالُوا لَكَ عَنَى اللَّهُ أَنْ يَغْفُوَ
 عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ⑨ وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 يَجِدْ فِي الْأَرْضِ رِغًا أَكْثَرَ أَوْ سَعَةً وَمَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَهَاجِرْ
 إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْإِثْمُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ
 وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ⑩ وَإِذَا ضَرَيْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ
 جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْشَاكُمْ الَّذِينَ
 كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا أَعْدَاؤُكُمْ وَأَعْدَاؤُكُمْ ⑪ وَإِذَا كُنْتُمْ فِيهِمْ
 فَأَمِّتْ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْيَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا
 أَسْلِحَهُمْ فَلِذَا اتَّجِدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ دَرَكِكُمْ وَلْيَأْخُذُوا طَائِفَةٌ

مانند نایبانی مرض فقر و غیره از کار جهاد باز نشینند با آنکه بمال و جان
 کوشش کنند (در مراتب ایمان) یکسان نخواهند بود خدا مجاهدان فداکار
 بمال و جان را پربازنندگان بلندی و برتری بخشیده و همه اهل ایمان
 را وعده نیکوتر (که دخول بهشت است) فرموده و مجاهدان را بر
 بازنندگان پاجرو ثوابی بزرگ برتری داده است (۹۵) این (درجات و
 برتری رتبهها از نظر عدل) و بخشایش و رحمت اوست و خدا (درباره خلق)
 آمرزنده و مهربان است (۹۶) آنانکه (هنگام مرگ) و قبض روح (ظالم و
 ستمگر بمیرند) فرشتگان از آنها باز پرسند که در چه کار بودید پاسخ
 دهند که مادر روی زمین مردمی ضعیف و ناتوان بودیم فرشتگان گویند
 آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن سفر کنید (و از محیط جهل و کفر بر سر
 زمین علم و ایمان شتایید از آنها عذر نپذیرند) و ماوای ایشان جهنم است
 و باز کشت آنها بجایگاه بسیار بدی است (۹۷) مگر آن گروه از مردان و
 زنان و کودکان که بر راستی ناتوان بودند (فقیر و یا عاجز یا مریض و غیره
 بودند) که گریز و چاره‌ای برایشان میسر نبود و راهی بنجات خود (از آن
 کفر) نمی یافتند (۹۸) آنها امیدوار بمفو و بخشش خدا باشند که خدا
 گناهشان میبخشد که خداوند بخشنده و آمرزنده بندگانست (۹۹) و هر
 کس در راه خدا از وطن خویش هجرت کند (از آوارگی و غربت نیندیشد)
 در زمین (پهناور خدا) برای آسایش و گشایش امورش جایگاه بسیار
 خواهد یافت و هر گاه کسی از خانه خویش (و شهر خود) برای هجرت
 بسوی خدا و رسول (و حفظ مقام ایمان) بیرون آید و در سفر مرگ وی را فرا
 رسد اجر و ثواب چنین کسی پر خداست (یعنی یقین خدا بر او رحمت و
 تفضل خواهد کرد) و خدا پیوسته بر خلق آمرزنده و مهربان است (۱۰۰)
 و هنگامیکه در سفر باشید پاکی برای شما نیست که نماز را کوتاه بجای
 آرید (چهار رکعت را دو رکعت کنید هر گاه بیم آن داشته باشید که کافران
 شما را برنج و هلاکت اندازند و از کافران هیچگاه غافل نشینید که
 دشمنی کفار نسبت بشما (مسلمین) کاملاً آشکار است (۱۰۱) و هر گاه
 (در سفرهای جهاد) شخصی تو یا یارمانداران از طرف تو) در میان سپاه
 اسلام باشی و نماز بر آنان بپای داری باید سپاهی یا تو مسلح بنماز ایستند
 و چون سجده نماز بجای آورند

اٰخَرِي لَمْ يَصْلُوا اَفَلَا يَصْلُوْا مَعَكَ وَلْيَاْخُذْ وَاِحْذَرْهُمْ وَاَسْلِمْتُمْ
 وَدَّ الدِّينَ كَثُرُوا وَلَوْ تَغْفُلُوْنَ عَنْ اَسْلِمْتُمْ وَاَمْسِكُمْ فَيَقْبِلُوْنَ
 عَلَيْكُمْ مَبِيْلَةً وَّاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِنْ كَانَ بِكُمْ اَذًى مِنْ سَبْرِ
 اَوْ كُنْتُمْ مَرْضًى اَنْ تَصُمُوْا اَسْلِمْتُمْ كُمْ وَخُذْ وَاِحْذَرْ اِنَّ اللهَ
 اَعَدَّ لِلْكَافِرِيْنَ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿١﴾ فَاِذَا قَسَبْتُمْ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوْا اللهَ
 فِيْهَا مَا وَفَّوْا وَاَعْلَىٰ جُؤْبَرَ فَاِذَا اطَاعْتُمْ فَاَقْبِلُوْا الصَّلَاةَ اِنَّ
 الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ كَمَا بِمَا مَوْقُوْتًا ﴿٢﴾ وَلَا تَهْوِ اِلَىٰ بَيْتِهِ
 الْقَوْمُ اِنْ تَكُوْنُوْا اَلْمَلُوْنَ فَاَيُّهُمْ بِالْمَلُوْنَ كَمَا اَلْمَلُوْنَ وَتَرْجُوْنَ مِنْ
 اللّٰهِ مَا لَا يَرْجُوْنَ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا عَجِيْمًا ﴿٣﴾ اِنَّا اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ الْكِتَابَ
 بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ عَمَّا اَرْسَلَ اللّٰهُ وَلَا تَكُنْ لِلظَّالِمِيْنَ حَٰشِمًا
 ﴿٤﴾ وَاَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٥﴾ وَلَا تَجَادِلْ عَنِ
 الدِّينِ بِمَا نُوْنُ اَنْفُسُهُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ اِنَّا اِنَّمَا
 يَسْتَحْفُوْنَ مِنَ النَّاسِ لَا يَسْتَحْفُوْنَ مِنَ اللّٰهِ وَهُوَ مَعَهُمْ اِيْضًا يَتَوْنُ
 مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللّٰهُ عَمَّا يَعْمَلُوْنَ مُجِيْطًا ﴿٦﴾ مَا اَنْتُمْ
 بِمُوْلَاهُ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِيْ اَسْجُوْدِ الدُّنْيَا مَن يُّجَادِلِ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ
 الْقِيٰمَةِ اَمْ مَن يَكُوْنُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿٧﴾ وَمَنْ يَّعْلَمْ نَوِيًّا اَوْ يَطْلُمُ
 نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ يَجِدِ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٨﴾ وَمَنْ يَكُيْبْ اِنَّمَا

این سپاه برای حفاظت رفته و گروهی که نماز نخوانده اند بنماز آیند و البته بالباس جنگ و با اسلحه زیر اکافران آرزو و انتظار آن دارند که شما از اسلحه و اسباب خود غفلت کنید که ناگهان یکباره بشما حمله آورند و چنانکه بارانی یا مرضی شما را از برگرفتن سلاح بر نماند از دبا کی نیست اسلحه را فرو گذارید ولی البته از دشمن در حذر باشید (لیکن بوجه خدا بر قنح خود مطمئن باشید) که خدا برای کافران عذابی سخت خوار کننده مهیا ساخته (۱۰۴) پس آنگاه که از نماز فراغت یافتید خصوص در حال جنگ که از نماز کامل باز ماندید) باز در همه احوال ایستاده نشسته و بر پهلو و هر حال که توانید خدا را یاد کنید سپس که از آسیب دشمن ایمن شدید در این حال نماز (کامل) بجای آرید که نماز برای اهل ایمان حکمی واجب و لازمت (۱۰۴) و نباید از تمقیب کردن (در کار دشمنان سستی و کاهلی کنید که اگر شما از آنان برنج و زحمت می افتید آنها نیز از دست شما رنج میکشند جز این که شما بملطف خدا امیدوارید آنها (چون بی ایمانند بخدا) آمیدی ندارند و خدا دانا و حکیم است) امیدواران را) محروم نیسازد (۱۰۴) (ای پیغمبر) مابوسی توقران را بحق فرستادیم تا بآنچه خدا بوحی خود بر تو پدید آرد میان مردم حکم کنی و نباید بفتح خیانتکاران با (مؤمنان و بی تقصیران) بخصوص بر غیبتی (۱۰۵) و از خدا آمرزش طلب که خداوند البته آمرزنده و مهربانست (۱۰۶) و هرگز برای خاطر مردمی که بانفوس خود خیانت می کنند (با اهل ایمان و مردم بی تقصیر جدال) مکن که همانا خدا آنرا که خیانتکار بدصل است دوست نمیدارد (۱۰۷) مردم خیانتکار دو کار خیانت از خلق شرم میکنند و از خدا شرم نمیکنند و شبانگاه در اندیشه سخن ناپسند (برای متهم ساختن مردمند) که خدا همه گاه با آنهاست و بهر چه کنند آگاهست (۱۰۸) بفرض که شما خود از طرف آنها (خیانتکاران) برای زندگی دنیا دفاع بخواهید کرد کدام کس طرفداری آنها را روز قیامت خواهد نمود و که آنها را از عتاب خدا نجات تواند داد و یا چه کس بکفالت و وکالت آنها تواند برخاست (۱۰۹) امر که عمل زشتی از او سرزند یا بخوبی بظلم کند سپس از خدا طلب آمرزش و عفو کند خدا را بخشد و مهربان خواهد یافت (۱۱۰) هر که گناهی کند

فَاتِمَّا يَكِبُّهُ عَلَى تَعِيبِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ١١٠ وَمَنْ يَكِبْ
تَحِيَّةً أَوْ آثِمًا غُورًا مَرِيئًا فَعَدَا أَخْمَلًا نُهًا نَأْوًا وَاثِمًا مَبِينًا ١١١
لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضْلَوْا
وَمَا يُضْلُونَ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ وَمَا يَضُرُّوكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ
الْكِتَابَ الْحَكِيمَ وَعَلَيْكَ مَائِمَةٌ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ
عَظِيمًا ١١٢ لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ
أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتَغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ
نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ١١٣ وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ
الْهُدَىٰ يَصْلِحْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَفُضِّلَ لَهُ جَهَنَّمُ
وَمَا أَنتَ بِمُصِيرٍ ١١٤ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونََ
ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ١١٥ إِنْ
يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِيَّاْنَا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا ١١٦
لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَا يُخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَفْسِيًّا مَفْرُوضًا ١١٧ وَ
لَا ضَلَامًا لَهُمْ وَلَا أَمِينًا لَهُمْ وَلَا أُمْرِيًّا لَهُمْ فَلْيَبْتَكَنْ إِذَا نَالُوا الْفِتَارَ
لَا مَرْمِيًّا لَهُمْ فَلْيَغْفِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَغْفِرِ الشَّيْطَانُ وَلِيًّا مِنْ دُونِ
اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خَسْرًا مُبِينًا ١١٨ يَعِدُهُمْ وَيُعْثِبُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ
الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ١١٩ أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُجِدُونَ

بمخود زبان رسانیده و خدا دانا (باعمال خلق) و کارش از روی حکمت است (۱۹۱) و هر کس خطایا گناهی از او سرزند و تهمت بد دیگری بپندد مرتکب بهتان و گناه بزرگ آشکاری شده است (۱۹۲) و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نمی بود گروهی از آنان (یعنی دشمنان اسلام) همت بر آن گماشته بودند که تو را از راه صواب دور سازند (ولی بطف خدا) آنها خود را از راه حق و صواب دور ساخته و بهتو هیچ زیانی نتوانند رسانید و خدا بهتو این کتاب (قرآن مجید) و مقام حکمت و نبوت را اعطا کرد و آنچه را که نمی دانستی تو را پیاموخت که خدا را با تو لطفی نهایت است (۱۹۳) هیچ فایده و خیریری در سخنان سری آنها نیست مگر آن که کسی در صدقه دادن و نیکوئی کردن و اصلاح میان مردم سخن سری گوید (و هر که بر این کار در طلب رضای خدا چنین کند) بزدی خدا با او اجر عظیم کرامت فرماید (۱۹۴) و هر که با رسول خدا بمخالفت برخیزد پس از روشن بودن راه حق بر او و راهی غیر طریق اهل ایمان پیش گیرد وی را بهمان طریق باطل و راه ضلالت که برگزیده و گذاریم و او را به جهنم در افکنیم که آن مکان بر او بسیار بد منزلگاهی است (۱۹۵) خدا هر کرا باو شرک آورد نخواهد بخشید و مادون شرک گناهان دیگر را (هر کرا مشیتش قرار گیرد می بخشد و هر که بخدا شرک آورد سخت بگمراهی است و) از راه نجات و سعادت دور افتاده است (۱۹۶) مشرکان غیر خدای عالم هر چه را خدا بخوانند یا جمادی است (مانند پنهان لات منات عزی) یا شیطان سرکش و (فریبنده) است (۱۹۷) خدا آن شیطان را از درگاه رحمت خود دور کرده و شیطان گفت با خدا که من از بندگان تو قسمتی را زیر بار طاعت خود خواهم کشید (۱۹۸) و سخت گمراه کنم و به آرزوهای باطل دور و دراز در افکنم و به آنها دستور دهم تا گوش حیوانات ببرند (تا علامت باشد که این حیوان نصیب بهتاست) و امر کنم تا خلقت خدا تغییر دهند (کتاب و احکام خدا را بدلتواء خود تاویل و تبدیل کنند) و هر کس شیطان را دوست دارد نه خدای خود را سخت زیان کرده زبانی که (بر هر مقلی کامل) آشکار است (۱۹۹) شیطان انسان را بسیار وعده دهد و آرزو مند و امیدوار کند ولی وعده و نوید شیطان بجز غرور و فریب خلق نیست (۲۰۰) ایشان را (یعنی شیطان و پیروانش را) منزلگاه جهنم است و از آن مفرو گریز گاهی نخواهند یافت

عَنْهَا نَحْمَدُهَا ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ
 تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ
 أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ۝ لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ
 مَنْ يَعْمَلْ سُوًّا يُخْزِئْهُ وَلَا يَهْدِلُهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيَا وَلَا نَصِيرًا ۝
 وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ
 يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَبْرًا ۝ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَمَلَ
 وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ
 خَلِيلًا ۝ وَلَقَدْ سَمِيَ فِي السَّمَاءِ وَمَا فِي الْأَرْضِ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
 مُخِطًا ۝ وَكَتَبْنَا نَوْمَكَ فِي النَّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِمْ وَمَا يُسْئَلُ
 عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي بِنَائِ الْمَسَاجِدِ الْأَلْبَانِ لَا تُؤْتَوْهُنَّ مَا كُتِبَ لَكُمْ
 وَتَقْبَلُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُولُوا
 لِلنِّسَاءِ بِالْأَوْسَطِ وَمَا تَعْمَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ۝
 وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا ثَوْرًا وَاعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا
 أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ
 وَإِنْ تُخْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَمَّا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ وَلَنْ
 نَسْطِيلَهُمُ الْآبَاءَ نَقِيدًا لَوِ ابْنِ الْمَرْءِ وَالنِّسَاءِ وَلَوْ عَصَيْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ
 الْمِيلِ أَنْتُمْ رُؤُوسُكُمْ فَلَا تُعْلَمُوا وَإِنْ تَصْلَحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ

(۱۴۱) آنان را که بعد از گردیدن و کارها بسلاح (خود و خلق) کردند
 بزودی آنها را بهشتی در آوریم که زیر درختانش نهرا جاریست تا
 منزلگاه ابدی آنها باشد و عده خدا حق است و کیست که در گفتار
 راستگوتر از خدا است (۱۴۲) کار به آمال و آرزوی شما و آرزوی یهود
 و نصاری درستی نفوذ هر آن که کارید کنند (هر کس باشد) کثیر آن را خواهد
 دید و هیچ احدی را جز خدا یا رب پاور خود نتواند یافت (۱۴۳) و هر که از
 زن و مرد کاری شایسته کند با ایمان بخدا آن کس بهشت اندر آید و بهتر
 قهری (پرده هسته غرمائی) بوی ستم نکنند (۱۴۴) (در عالم) کدام دین بهتر
 از آن است که مردم خود را تسلیم حکم خدا نموده و سر زیر بار فرمان حق
 آورند و هم نیکوکار باشند و پیروی از آئین ابراهیم حنیف کنند آن ابراهیمی
 که خدا او را بمقام دوستی خود برگزیده (۱۴۵) هر چه در آسمان و زمین
 است مملک خداست و او همه چیز احاطه و آگاهی دارد (۱۴۶) ای پیغمبر
 (ص) در باره زنان از تو فتوی خواهند بگو خدا و آنچه از آیات کتاب
 خدا برای شما تلاوت شود فتوی خواهد داد هم در حق زنان و دختران
 پتمشان که مهر و حقوق لازم آنها را نداده خواهد بشکاف خود در آورید
 و هم در حق فرزندان ناتوان و دستور می دهد که در باره پتمشان عدالت پیشه
 گیرید و در نیکی کوشید که هر کار خوب بجا آید خدا بر آن آگاه است
 (۱۴۷) و اگر زنی از شوهرش بهم آن داشت که با وی راه مخالفت و بدسلوکی
 پیش گیرد یا از او دوری گزیند یا کی نیست که هر دو طریق مسالحت و
 سازگاری بنمایند صلحی بر شاء طرفین که صلح بهتر حال بهتر (از نزاع
 و کشمکش) است و نفوس را بخل و حرص فرا گرفته که با دار هم میگوشتند
 و اگر در باره یکدیگر نیکوئی کرده و پرهیزگار باشند (با جرنیکی خود
 برسند که) خدا هر چه کند آگاه است (۱۴۸) شما هر گز نتوانید میان زنان
 بعد از رفتار کنند و هر چند راغب و حرصی بر عدل و درستی باشید (زیرا
 حسب قلبی بیش از آن دین دیگری در انحراف و جوانی و غیر آن خارج از اختیار
 شماست) پس بشمام میل خود (حتی در نفقه و کسوه دادن که اختیار است)
 یکی را بپرهمند و آن دیگری را محروم نکنید تا او مطلق و بلا تکلیف ماند
 (نه بظن شوهر دار و نه بحکم بی شوهر باشد) و اگر سازش کنید و پرهیزگار
 باشید همان خدا

كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَإِنْ يَنْفَرُوا مِنْكُمْ فَإِنِغْنِ اللَّهُ كُلَّامِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ
 اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ۝ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَقَدْ
 وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ
 وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ
 غَنِيًّا حَسِيدًا ۝ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ كَيْفَ يُلْقِيهِ
 وَكَيْلًا ۝ إِنْ يَشَاءْ يُنْزِلْ مِنْكُمُ الْآيَةَ النَّاسُ بِآيَاتِ بَاطِرٍ وَكَانَ
 اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا ۝ مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ
 ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَقْوَامِينَ يَلْقِضُ شَهَادَةَ اللَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ
 أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا
 فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلُمُوا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ
 كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
 وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ مِنْ قَبْلُ
 مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ
 ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا
 كَفَرُوا أَلَمْ يَكُنِ اللَّهُ يَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا إِلَهُ مَعَهُ سُبُلًا ۝ بَشِيرًا نَذِيرًا
 بَأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ الَّذِينَ يَتَخَذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ

بهخشنده و مهربان است (۱۲۹) و اگر از یکدیگر (طلاق) جدا شوید باز خدا هر یک را از دیگری برحمت و واسع خود بی نیاز خواهد نمود که خدا را رحمت بی منتهاست و بحق و حقیقت هر چیز دانا است (۱۳۰) هر چه در آسمان و زمین است ملك خداست و ما هم با آنان که پیش از شما بر آنها کتاب فرستاده شدوم بشما سفارش اکید کردیم که پرهیز کار و خدا ترس باشید و اگر همه کافر شوید خدا که ملك آسمان و زمین او راست (طاعت شما محتاج نیست) که خدا بی نیاز و بنوده منافق (۱۳۱) هر چه در آسمانها است و آنچه در زمین است همه ملك خداست و خدا به نگهبانی خلق کافی است (۱۳۲) ای مردم خدا اگر بخواهد همه شما را (که ملك دنیا خود را میپندارید) میبرد و قومی دیگر می آورد و البته خدا بر این کار مقتدر و توانا است (۱۳۳) هر که ثواب و نعمت دنیا را طالب است (از خدا بخواهد) که ثواب دنیا و آخرت نزد خداست و خدا (بدعاء خلق) شنوا (و باحوالشان) بیناست (۱۳۴) ای اهل ایمان نگهدار عدالت باشید و گواهان خدا (یعنی موافق بحکم خدا) گواهی دهید هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد و چه به حال غنا یا فقر باشید که خدا ساز و ادا تر است از شما بر این دو حال (یعنی خدا اولی است که حال فقر را بپشتا مبدل کند یا بپس) پس شما در حکم و شهادت پیروی هوای نفس نمکنید تا عدالت نگاه دارد و اگر زبان را در شهادت بگردانید (که سخن بر رفع شما مبهم و مجمل شود) و با اذ بیان حق خود داری گنید خدا هر چه گنید آگاه است (۱۳۵) ای کسانی که (بزیان) ایمان آورده اید (ب حقیقت و انظلم) ایمان آورید بعدها و رسول او و کتابی که بر رسول خود فرستاد (یعنی قرآن) و کتابی که پیش از این فرستاد شد (توریت و انجیل و غیره) و هر که بعد از فرشتگان و کتابهای آسمانی و رسولان و روز قیامت کافر شود سخت پگرمای فروماند و از راه (نجات و سعادت) دور افتاده است (۱۳۶) آنرا که تحت ایمان آوردند سپس کافر شدند باز ایمان آورده و دیگر بار کافر شدند پس بر کفر خود افزودند اینان را خدا نخواهد بخشید و برای حمایت نخواهد فرمود (۱۳۷) منافقان را بشارت ده که بر آنان سخت عذاب دردت آید که خواهد بود (۱۳۸) آن گروه که کافران را دوست گرفته اند مؤمنان را

آیا نزد کافران عزت میطلبند (عظامی روند) که عزت همه نزد خدا است
 (۱۳۹) آیا در کتاب الهی این حکم بر شما منافقان فرستاده شد که چون
 آیات خدا را شنیدید بدان کافر شده استنزا کنید پس (شما مؤمنان) با این
 گروه منافق مجالست نکنید تا از سخن استنزاء قرآن در حدیثی دیگر
 داخل شوند) که (اگر هنگامیکه قرآن و مسلمانی را استنزا کنند با
 آنها هم نشین شوید) شما هم بعقیقت مانند آن منافقان خواهید بود و خدا
 منافقان را با کافران در جهنم جمع خواهد کرد (۱۴۰) منافقان آن کسانی
 که نگران و مراقب حال شما هستند که اگر برای شما فتح و ظفری پیش
 آید برای اخذ غنیمت گویند نه آخر ما باشما بودیم و اگر کافران را فاتح
 و بهره مند بینند به آنها گویند نه ما شما را با سر زور و احوال مسلمانان
 آگاه کردیم و شما را از آسیب مؤمنان نگهداری نمودیم پس خدا فردای
 قیامت میان شما مؤمنان و آن گروه منافق حکم کند و خدا هرگز برای
 کافران نسبت باهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود (۱۴۱) همانا منافقان
 با خدا مکر و حیله میکنند و خدا نیز با آنها مکر میکند (یعنی مکرشان
 را باطل میسازد و بر آن مکر و نفاق مجازاتشان هم خواهد کرد و چون
 به نماز آیند از روی بی میلی و بهال کسالت نماز کنند برای رباکاری و
 ذکر خدا را جز اندک (آن هم بقصد ریا) نکنند (۱۴۲) دودل و مردد باشند
 نه بسوی مؤمنان یکدل میروند و نه بجانب کافران و هر که را خدا گمراه
 کند (یعنی پس از اتمام حجت و نمودن راه هدایت) با اختیار باز راه ضلالت
 پوید بخود و اگذازد تا گمراه شود پس هرگز او را براه هدایت نخواهی
 یافت (۱۴۳) ای اهل ایمان مبادا کافران را بدوستی گرفته و مؤمنان را
 رها کنید آیا میخواهید خدا را بر (عقاب کفر و عیسان) خود حجتی آشکار
 گردانید (۱۴۴) همانا منافقان را در جهنم پست ترین درجه است و بر آنان
 هرگز پادویی نخواهی یافت (۱۴۵) مگر آنها که توبه نموده و تپا هکاری
 خود را اصلاح کردند و بپیدا (و بدین خدا) در آویختند و بکتاب حق متوسل
 شدند و بدین خود را برای خدا خالص گردانیدند پس این گروه با مؤمنان
 باشند و بزرودی خدا مؤمنان را اجر و ثواب بزرگ صلا خواهد فرمود (۱۴۶)
 اگر شما از لطف خدا شکر گذار باشید و باو ایمان آرید چه فرض دارد
 که شما را عذاب کند که خدا در مقابل نعمت شکر شما را می پذیرد
 (که شما را بهشت و آفراد دوزخ فرستد)

شَاكِرًا عَلَيْهِمَا ۝ لَا يَجْنِبُ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالنُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ
 وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ۝ إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوهُ أَوْ تُعْفَوْا عَنْ
 سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ۝ إِنْ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ
 وَرُبُّدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُوا نُؤْمِنُ
 بِبَعْضِ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ۝
 أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ۝
 وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ
 سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرُهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ يَسْأَلُ
 أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا
 مُوسَى أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الضَّاعِيَةُ
 بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا آلِهَتَهُمْ مِنَ الْعِجَلِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَعَفَوْنَا
 عَنْ ذَلِكَ وَإِنَّا بِمَا نُمِيشُنَا سُلْطَانًا مُبِينًا ۝ وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ
 عِيشًا قَاهِمًا وَفَلَنَالَهُمُ ادْخَالُ الْبَابِ مُجْتَدًا وَفَلَنَأْمُرُهُمْ
 فِي النَّسَبِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمُ مِيثَاقًا غَلِيظًا ۝ وَمِمَّا نَقُصُّهُمْ مِنْهَا قَاهِمُهُمْ
 كُفْرُهُمْ بِلَايَاتِ اللَّهِ وَقِيلِهِمْ أَلَّا يُنْبِئَهُمْ بِغَيْرِهِمْ وَقِيلِهِمْ قُلُوبُنَا
 غُلْفٌ بَلْ طَمَعُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بِكَفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ وَ
 بِكَفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ أَمْزِهِمْ بُهْنَانًا عَظِيمًا ۝ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا

و علمش بصلاح خلق محیط است. (۱۴۲) خدا دوست نمیدارد که کسی بکفتار زشت بمیب خلق سدا بلند کند مگر آنکه ظلمی بدور رسیده باشد (که هرگاه از دست ظالم فریاد و داد خواهی کند و زشتی عمل او را فاش گوید رواست) که خدا شنونده (دعای مظلومان) و دانای باحوال خلقت است (۱۴۸) اگر نیکی در باره خلق باشکار یا پنهان کنی یا از پندی دیگران در گذری (بسیار محبوب خداست) که خدا همیشه از پدیدهایی درمی گذرد با آن که بر انتقام پدان توانا است (۱۴۹) آنانکه بخدا و رسولان او کافر شوند و خواهند که میان خدا و پیغمبرانش جدائی اندازند (یعنی گویند که اینان فرستاده خدا نیستند و ارتباطی با خدا ندارند) و گویند که ما پیروی از گفتار انبیا ایمان آورده و پیاده ایمان نیاوریم و خواهند که میان کفر و ایمان راهی (بهوس) اختیار کنند (۱۵۰) بحقیقت کافریم اینها پند و ما برای کافران غذا بی خوار کننده مهیا ساخته ایم و آنان که ایمان بخدا و رسولانش آوردند و تفرقه میان خدا و هیچ يك از پیمران نیفکندند اینها را خدا پزودی اجرا کند و خدا پیوسته در حق بندگان بخشنده و مهربان است (۱۵۱) پیغمبر از تواله کتاب (یهودان) درخواست کنند از آسمان کتابی (یکدفه) بر آنان فرود آرد (از تقاضای بیجا و عادت جاهلان آنها دلتنگ مباش) از موسی نیز درخواستی بالاتر از این کردند که گفتند خدا را بدیده ما آشکار بنما پس آنها را بسبب تقاضایشان ساقطه سوزان در گرفت آنگاه گوساله پرستی اختیار کردند پس از آن همه آیات خدا و معجزات موسی برای هدایت آنها باز ما (بملطف ذاتی خود) از این کار زشت آنان نیز در گذشتیم و موسی حجت و پرهانی آشکار بخشدیم (۱۵۲) و کوه طور را بر فراز سر آنها بلند گردانیدیم بجهت اتمام حجت و اخذ پیمان و آنها را گفتیم بحال سجده پدین درگاه در آید و نیز گفتیم از حکم روز شنبه تمذی مکیند و از آنها پیمانی سخت گرفتیم (۱۵۳) پس چون پیمان شکستند و آیات خدا کافر شدند و بتحاق پیمران را کشتند پدین مضر که گفتند دل‌های مادر پرده است بلکه خدا بسبب کفر آنها را مهر بردل نهاد که بجز اندکی ایمان نیاوردند (۱۵۴) و هم بواسطه کفرشان و هم بهتان بزرگشان بر مریم (یا کومزله) (۱۵۵) و هم از این دو که (بدروغ) گفتند ما مسیح عیسی بن مریم رسول خدا را کشتیم

الْمَسِيحَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَالُوا وَمَا صَلَّوْهُ وَلَكِنْ شَيْئًا
 لَّهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا
 اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَالُوا بِحَقٍّ ۚ بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ
 عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِمْ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ۚ فَيُظْلَمُونَ الَّذِينَ هَادُوا وَآخَرَتَنَا
 عَلَيْهِمْ طَبَائِفٌ أُولَتْ لَهُمْ وَيَصْدِرُ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَيْفَ ۚ وَ
 أَخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلَهُمْ أَمْوَالُ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ
 وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ لَكِنَّ الرَّاغِبِينَ فِي الْإِجْلِ
 مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ
 وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
 الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَلَامًا
 أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ
 إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى آيُوبَ وَيُونُسَ
 وَهَارُونَ وَسَلْمَانَ وَابْتَدَأُودَ وَدَاوُدَ وَزَبُورًا ۚ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَا
 عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى
 تَكْلِيمًا ۝ رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ
 حِجَابٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ

در صورتیکه او را نکشند و نه بدار کشیدند بلکه بر آنها امر مشتبه شود
 همانا آنکه درباره اوصاف مختلف اظهار داشتند از روی شك و تردید
 بود و عالم باو نبودند جز آن که از بی گمان خود میرفتند و بطور یقین
 (شما مؤمنین بدانید که) مسیح را نکشند (۱۵۷) بلکه خدا او را بسوی
 خود بالا برد و پیوسته خدا (بر همه ملک وجود) مقتدر و کارش همه از روی
 حکمت است (۱۵۸) هیچکس از اهل کتاب نیست جز آن که پیش از مرگ
 بوی (یعنی بمعنی روح الهی) ایمان خواهد آورد و روز قیامت او بر نیک و بد
 آنان گواه خواهد بود (۱۵۹) پس بسبب ظلمی که یهود (درباره پیغمبران
 و عیسی و در حق نفس خود) کردند و هم بدین جهت که بسیاری مردم را از
 راه خدا منع نمودند مانعتهای پاکیزه خود را که حلال بود بر آنان
 حرام کردند (۱۶۰) و هم بدین جهت که دین می گرفتند در صورتی که از دین
 خوردن نهی شده بودند و هم از آن رو که اموال مردم را بیاطل (مانند رشوه
 و خیانت و سرقت) می خوردند و ما برای کافران آنها مهیا داشته ایم عذابی
 دردناک (۱۶۱) لیکن کسانی از آنها که در علم قدمی ثابت (نظری صبیق)
 دارند و با ایمانند به آنچه بتو بر پیغمبران پیش از تو نازل شده می گردند
 و آنانکه نماز بپا دارند و زکوة میدهند و خدا و روز قیامت ایمان می آرند
 بزودی خدا آنان را اجر و ثواب عظیم عطا خواهد کرد (۱۶۲) ما پند
 وحی کردیم چنانکه بنوح و پیغمبران بعد از او و نیز وحی کردیم با ابراهیم
 و اسحق و یعقوب و اسباط (فرزندان یعقوب که دوازده سبط بودند) و عیسی
 و ایوب و یونس و هرون و سلیمان و پدا و هم زبور را عطا کردیم (۱۶۳) و
 رسولانیم که شرح حال آنان را از پیش بر تو حکایت کردیم و آنها که
 حکایت ننمودیم (همه خدا وحی فرستاد) و خدا با موسی بطور آشکار و روشن
 سخن گفت (پس وحی تو امر بی سابقه ای نیست که قریش یا اهل کتاب یا
 هیچ امتی انکار تواند کرد) (۱۶۴) و رسولان را فرستاد که نیکان را (بر رحمت
 ابدی خدا) بشارت دهند و بدانرا (از قهر و عذاب حق) بترسانند تا آن
 که پس از فرستادن این همه رسولان مردم را بر خدا حجتی نباشد و خدا
 همیشه مقتدر و کارش همه بروفق حکمت است (۱۶۵) لیکن خدا با آنچه
 برای تو فرستاد گواهی دهد

أَنْزَلَ إِلَيْكَ آيَاتِهِ وَلَمَّا لَمْ تَكُنْ بِتَعْمِدُونَ وَكُنِيَ بِاللهِ
 شُهيدًا إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللهِ قَدْ ضَلُّوا
 ضَلَالًا لَا يُعِيدُهُمْ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللهُ لِيَغْفِرْ
 لَهُمْ مَوْلَاً لَهُمْ بِمَا كَفَرُوا إِلَّا أَنْ يُطِيعُوا حَاكِمًا خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
 وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللهِ يَسِيرًا ۝١٠١ بَايَأُهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ
 بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝١٠٢ لَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي
 دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ
 رَسُولُ اللهِ وَكَلَّمْتُهُ الْقَبْضَاءُ إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَأَمِنُوا بِاللهِ
 وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا أَمْثَلُ أَنْتُمْ وَأَنْتُمْ خَيْرُ الْكُرُيَاتِ إِنَّمَا اللهُ إِلَهُ وَاحِدٌ
 سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ
 كُنِيَ بِاللهِ وَكِيلًا ۝١٠٣ لَنْ يَسْتَنْفِكَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا
 الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْفِكَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ
 فَسَخَرْنَاهُ لِلنَّاسِ جَمِيعًا ۝١٠٤ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا
 وَاسْتَكْبَرُوا فَمَعَذَاتُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ
 اللهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝١٠٥ بَايَأُهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ

که بعلم ازلی خود فرستاده و فرشتگان نیز گواهی دهند و گواهی خدا
 ترا کنایت است (۱۶۹) آنانکه کافر شده و مردم را از راه خدا بازداشتند
 هماناست بگمراهی فرو رفته و از راه سعادت و نجات دور افتادند (۱۶۷)
 آنان را که کافر و ستمگر شدند هیچگاه خدا نخواهد آمرزید و پراغ از عجز و
 سادت نماند (۱۶۸) مگر براه دوزخ که در آن جاورد، معذب خواهند بود و خدا
 را این کار (یعنی انتقام کشیدن از ستمکاران) آسان است (۱۶۹) ای مردم
 همانا آن پیغمبر حق برای (هدایت شما) از جانب خدا آمد چنانچه ایمان
 آرید (درد نیا و عقی) برای شما بهتر است و اگر کافر شوید پس (بدانید که
 از این کفر) بخود زیان رسانید، اید و خدا از طاعت شما بی نیاز است زیرا
 هر چه در آسمان و زمین است همه ملک خداست و خدا (با احوال هر مؤمن و
 کافر) دانا (و در ثواب و عقاب آنان) درستکار است (۱۷۰) ای اهل کتاب
 (ای علماء نصاری) در دین خود اندازه نگذارید و درباره خدا جاد برآستی
 سخن مگوئید و در حق عیسی ابن مریم جز این ننشاید گفت که او رسول
 خداست و کلمه الهی و روحی از عالم الوهیت است که بمریم فرستاده
 پس بعدا و همه فرستادگانش ایمان آرید و بتثلیث قائل نشوید (آبجوابین
 و روح القدس را خدا نخواهید) از این گفتار شرف باز ایستید بهتر است
 که جز خدای یکتا خدائی نیست خدا منزّه و برتر از آن است
 که او را فرزندی باشد هر چه در آسمان و زمین است همه ملک اوست و خدا
 تنها بنگهبانی همه موجودات عالم کافی است (۱۷۱) هرگز مسیح از بنده
 خدا بودن ابا و استغاث ندارد و فرشتگان مقرب نیز (ببندگی او معترفند)
 و هر کس از بندگی خدا سرپیچد و دعوی برتری کند زود باشد که خدا
 همه را پسوی خود مدحشور سازد (۱۷۲) پس هر که ایمان آورد و نیکو کار
 شده اجر و ثواب او را تمام و کامل میدهد و بفضل خود بر آن میافزاید
 هر کس (از بندگی خدا) سرپیچی و سرکشی کرده او را به عذاب دردناک
 معذب خواهد فرمود و خلقی بر (نجات) خود جز خدا هیچکس را یارو
 یاور نخواهند یافت (۱۷۳) ای مردم برای هدایت
 شما از جانب خدا پرهانی محکم آمد (رسولی
 با آیات و معجزات فرستاده شد)

وَأَوَلَيْكُمْ قُورَانُكُمْ فَمَا تَالِذِينَ أَمْوَالِ اللَّهِ وَأَعْتَصَمُوا بِهِ
 فَسَبِّحُوا لَهُمْ فِي رَحْمَةِ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَبِهِدِيمِ الْبِسْ صِرَاطِ
 مُسْتَقِيمًا ١٧٠ يَنْتَفُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْشِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أَمَرُوا
 مَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا مِنْهُ شَرْعٌ مِمَّا تَرَكَ وَهُوَ بِرُثْهَا
 إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الشُّلْهُانِ مِمَّا تَرَكَ وَ
 إِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِنْهُمْ حَقٌّ مِمَّا لِّلنِّسَاءِ مِنْ
 بَيْنِ أَهْلِ الْبَيْتِ لِلَّهِ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ١٧١

سُورَةُ الْاَنْعَامِ مَكِّيَّةٌ مِنْ ثَمَانِ وَخَمْسِينَ اَلْآيَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُم بَيْعُ الْأَنْفُسِ لَا
 مَا يَبِئْسَ عَلَيْهِمْ لَمَمٌ غَيْرَ مُجْلِ الْقَيْدِ وَأَنْتُمْ حُرٌّ إِنْ أَلَّ اللَّهُ بِكُمْ مَا يَرِيدُ
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا أَشْهُمَ الْحَرَامِ وَلَا أَلْفَاكًا
 وَلَا أَفْكَاحًا وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَ
 رِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمُكُمْ ذُنُوبُكُمْ أَنْ
 صَدَّقْتُمْ عَنْ النَّبِيِّ الْحَرَامِ إِنْ تَقْتَدُوا وَاتَّقُوا عَلَى الْبِرِّ وَالْقَوَّةِ
 وَلَا تَخْلُوا عَلَى الْآثَرِ وَالْعُذْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
 الْعِقَابِ ١٧٢ خَرَجَتْ عَلَيْكُمْ الْبَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَتَحْمُ الْخَيْزُرُ وَمَا أُحِلَّ

و نوری تابان بهما فرستادیم (۲۶۴) پس آنانکه بخدا گرویدند و باو متوسل شدند بزودی بهایکگاه رحمت و فضل خود (یعنی بهبهت ابدی) آنها را درآورده و پیراه راست (رامعات و کمال) رهبری نمایند (۲۶۵) ای پیغمبر از تو درباره کلاله (یعنی برادر و خواهر پدری و مادری) فتوی خواهند بگو خدا چنین فتوی میدهد که هرگاه کسی بمیرد فرزند نداشته وادرا خواهری باشدوی را نصف ترکه است وادو نیز ازخواهر ارث برد اگرخواهر را فرزند نباشد و اگر میت را دوخواهر باشد آنها را دواکله ترکه است و اگر میت را چندین برادر و خواهر است در این صورت مذکور دوبرابر اثاث ارث برده خدا احکام را (برای هدایت شما) بیان کند که مبادا گمراه شوید و خدا بهما مصالح خلق داناست (۲۶۶)

سوره مائده در مدینه نازل شده و مشتمل

برصد و بیست آیه است

(بنام خدای بهیمنند و میزبان)

ای اهل ایمان (هرمود که با خدا و خلق بستید) البته بهمدو پیمان خود وفا کنید (و بدانید که) بهام پسته زبان (یعنی حیوانات مفلحوار) برای شما حلال گردید جز آن چه بهدا برایتان تلاوت خواهد شد و جز آن سیدی که بر شما در حال احرام حلال نیست همانا خدا بهر چه خواهد (و صلاح داند) حکم کند (۱) ای اهل ایمان حرمت شما را خدا (یعنی مناسک حج) و ماه حرام را نگاه دارد و نیز متعرض هدی و قلاله (یعنی قربانیهای حاجیان چه معاملات قربانی بگردن آن باشد یا نباشد) نشوید و نیز تعرض زواران خانه محترم کعبه را کدر طلب فضل خدا و خشنودی او آمدند حلال شمارید و چون از احرام بیرون شدید سید کنید و عداوت گروهمی که از مسجد حرام منتان کردند شما را بر ظلم و بی عدالتی وادار نکنند و باید شما بیکدیگر در نیوکاری و تقوی کمک کنید نه برگناه و ستمکاری واز خدا بترسید که ضایع خدا بسیار سخت است (۲) برای شما مؤمنان گروشت مردار و خون و خوک و آن ذییمه ای را که بنام

لِقَبْرِ اللَّهِ بِيَدِ الْخَيْفَةِ وَالْمَوْقُودَةِ وَالْمَرْزُوقَةِ وَالطَّلْحَةِ وَمَا أَكَلُ
 السَّبْعُ إِلَّا مَا ذُكِّرْتُمْ وَمَا ذُجِّعَ عَلَى النَّصِيِّ أَنْ تَسْفِيَهُوا بِالْأَلْزَامِ
 ذَلِكَ فِسْقُ الْيَوْمِ بِلِسِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْ
 الْيَوْمَ أَكَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ
 الْإِسْلَامَ دِينًا قَمِنْ اضْطَرَّ فِي مَخَصَّةٍ غَيْرِ مَجَانِفٍ لِأَيِّ قَانِ اللَّهُ
 غَفُورٌ رَحِيمٌ ١٥ يَسْتَلُونَكَ مَاذَا أُولِئِكَ لَمْ يَكُنْ لَكَ الْقُتْبَانُ
 وَمَا عَلَنَتْكُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّقُونَهُنَّ مَا عَلَمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا
 مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَيْهِمْ وَأَقْوُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
 سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١٦ الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الْقُتْبَانُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا
 الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ
 الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ
 مُحْصَيْنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ
 فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ١٧ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ
 وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنَّاءَ فَأَطْفِئُوا
 وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْفُوقًا وَعَلَى سَعِيرٍ أَجَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ
 لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ

غیر خدا گفتند همه حرام شد و نیز حرام است هر حیوانی که بخفه کردن یا بچوب زدن یا از بلندی افکندن یا بشاخ زدن بهم بمیرند و نیز نیم خورده درندگان جز آنرا که قبلاً تذکیر کرده باشید حرام است و نیز آنرا که برای پشان میکشید و آنرا که به تیرها قمت میکنید (رسمی بود در جاهلیت که چون در امری مردد میشدند به تیری مینوشند) خدا امر کرد و به تیری دیگر مینوشند (خدا نهی کرد) آنکاه تیرها در هم ریخته و یکی بقرعه بیرون آورده مطابق آن رفتار میکردند که این کار فسق است امر و زکافران از اینکه بدین شما دستبرد زنند و اختلالی رسانند طمع بریدند پس شما از آنان بیمناک نگشته و از من پش رسید امروز (بقیة امامیه و برخی اهل سنت روز غدیر خم و خلافت علی مراد است) دین شما را بعد کمال رسانیدم و بر شما نعمت را تمام کردم * بهترین آئین را که اسلام است برایتان برگزیدم پس (هرگاه کسی در ایام مجاعت و سختی از روی اضطرار نه بقصد گناه چیزی از آنچه حرام است، مرتکب شود حق بر او سخت نگیرد که) خدا بسیار بخشنده و مهربانست (۳) ای پیغمبر از تو سؤال خواهند کرد که بر آنها چه چیز حلال گردیده بگو برای شما هر چه پاکیزه است حلال شده سید که بندگان شکاری آموخته اید که با آنها آنچه خدا بشما یاد داده می آموزید پس از سیدی که برای شما نگاهدارند بخواهید و نام خدا را بر آن سید یاد کنید (هنگام سید بسم الله بگوئید) و از خدا بپرسید که خدا فرود بحساب خلق میرسد (۴) امروز هر چه پاکیزه است شما را حلال شد و طعام اهل کتاب برای شما و طعام شما برای آنها حلالست و نیز جلال شد بکافران پارسای مؤمنه و زنان پارسای اهل کتاب در صورتیکه شما اجرت و مهر آنان را بدهید و آنها هم از کار نباشند و رفیق و دوست نگیرند و هر کسی بدین اسلام کافر شود عمل خود را تپاه کرده و در آخرت از زبان کاران خواهد بود (۵) اهل ایمان چون خواهید برای نماز برخیزید صورت و دستها را تا مرقق (آرنج) بشوئید و سروپاها را تا برآمدگی پامسح کنید و اگر جنب هستید پاکیزه شوید (غسل کنید) و اگر بیماریا مسافر باشید و یا یکی از شما را قضاء حاجتی دست داد و یا با زنان مباشرت کرده اید و آب نیابید در اینصورت

وَأَبْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ
الْإِسْلَامَ كَمَا نَحْنُ نَحِبُهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَارِهٌ لِلْمُشْرِكِينَ وَالْكَافِرِينَ ۝ وَادْكُرُوا نِعْمَةَ
اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِثْقَالَ الذَّنْبِ وَأَنْتُمْ مُسْمِعُونَ ۝ وَأَطِيعُوا أَمْرًا
وَأَقِمْوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ
عَلَىٰ أَنْ تَعْدُوا لُوَاغِدُوا أَعْدَاءَهُمْ قُرْبًا لِلتَّقْوَىٰ ۝ وَأَقِمْوا لِلَّهِ إِنَّ
اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّجِيمِ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ
عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ يَبْطُلُونَ إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ
عَنْكُمْ وَأَقَامُوا لِلَّهِ وَالْعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ وَلَقَدْ أَخَذَ
اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَبِيًّا وَقَالَ اللَّهُ
إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي
وَعَزَّزْتُمْ قُرْبَانَكُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ
وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ
مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝ فِيمَا أَنْصَحْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَانَهُمْ
وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا

بهاک پاکیزه بپیم کنید به آن خاک صورت و دستها را مسح کنید
 خدا (در دین) هیچگونه سختی برای شما قرار نخواهد داد ولیکن میخواهد
 که شما را پاکیزه گرداند و نعمت را بر شما تمام کند باشد شکر او
 بجای آورده (۶۱) و یاد کنید نعمت خدا را که شما ارزانی داشت و عهد او
 را که شما استوار کرد (که اطاعت امر او کنید) آنگاه که گفتید امر تو را
 شنیدیم و اطاعت تو پیش گرفتیم پس از خدا بترسید که خدا به نیت قلبی
 و اندیشه‌های درونی شما آگاهست (۶۲) ای اهل ایمان در راه خدا پایدار
 و استوار بوده و (بر سایر ملل عالم) شما گواه عدالت و راستی و درستی
 باشید و البته شما را نباید عداوت گروهی بر آن بنهاد که از طریق عدل
 بیرون روید عدالت کنید که عدل بتقوی نزدیکتر از هر عمل است و از
 خدا بترسید که خدا البته بهتر چه میکنید آگاهست (۸) خدا با آنکه
 ایمان آورده و کار نیکو کردن و عهده آمزش و اجر عظیم فرموده است (۹)
 آنرا که کافر شدند و آیات خدا را تکذیب کردند آنها اهل جهنم خواهند
 بود (۱۰) ای اهل ایمان یاد آورید نعمت خدا را بر خود آنگاه که گروهی
 همت گماشتند که بر شما دست یابند و خدا دست شما آنها از شما کوتاه نمود
 پس از خدا بترسید (نه از خلق) و باید اهل ایمان (تقریباً خلق نداشته) و تنها
 بر خدا توکل کنند (۱۱) و همانا خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و دوازده
 بزرگ میان آنها برانگیختیم (که پیشوای هر سبطی باشند) و خدا بنی اسرائیل
 را گنجه (در هر حال) با شما هر گاه نماز بپا دارید زکوة بدهید و به
 فرستادگان من ایمان آورید و از آنها اعزاز و پاری کنید و خدا را قرض
 نیکو دهید (یعنی به بندگان خدا بی منت قرض بدون ربا ضعیف بدان
 صورت گناهان شما بپایم و شما را در بهشتی داخل گردانم که زیر درختانی
 نهرا جاریست پس هر کس از شما پس از عهد خدا یعنی آمدن کتاب و
 رسولان و حجت‌های آسمانی) کافر شد سخت از راه راست دور افتاده
 است (۱۲) پس چون (بنی اسرائیل) پیمان شکستند آنرا لعنت کردیم
 و دلهاشان سخت گردانیدیم (که مواظبه و داناتی آنها اثر نکرد)

حَطَّامًا ذَكَرُوا بِهِ وَلَا تَرَا لَهُ تَقْلُيعًا عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا فَذَرْنُهُمْ
 فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ١٣ وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا
 إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ الْقِسْمَ الْمُتَنَبِّهِينَ ١٤ فَذَرْنَاهُمْ وَمَا نُنَاقِشُ
 الْعَادَةَ وَالْبَعْثَاءَ إِلَى يَوْمِ الْوَعْدِ وَهُمْ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا
 كَانُوا يَصْنَعُونَ ١٥ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ
 كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ يَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ
 اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ١٦ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانًا مَجْزِلًا
 إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ ١٧ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ
 ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْكَ
 ابْنٌ مَرْيَمَ وَمَتَّعَهُمْ فِي الْأَرْضِ حِينًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِي
 الْأَرْضِ مَا بَيْنَهُمَا خَلْقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٨ وَ
 قَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ
 بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ
 يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِمَا وَلِلَّهِ الْمَصِيرُ ١٩
 يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى قُرْآنٍ مِنَ الرُّسُلِ
 أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ

کلمات خدا را از جای خود تغییر میدادند و از پیره آن کلمات که بپا آنها
پنداده شد (در توبه) نصیب بزرگی را از دست دادند و ما هم بر خیا تنگداری
و نادانستی آن قوم مطلع میشوی جز قلیلی از آنها که مردمی با ایمان و نیکو
کارند پس تو از آنها در گذر و کار بدشان عنو کن که ما نا خدا نیکو کاران
را دوست میدارد (۱۳) برخی از آنان که گفتند ما بکیش عیسی هستیم از
آنها عهد گرفتیم که پیرو (کتاب) و رسول خدا باشند آنان نیز از آنها (در
انجیل) پند داده شدند نصیب بزرگی را از دست دادند ما هم بکیش و سلطان
آتش جنگ و دشمنی را تا قیامت میان آنها بر افروختیم و بزودی خدا آنها
را بر عاقبت پد آنجه میکنند آگاه خواهد ساخت (این آیه از اخبار غیب
است) (۱۴) ای اهل کتاب رسول ما آمد تا حقایق و احکام بسیاری از آنچه
از کتاب آسمانی (توریه و انجیل) را پنهان میدارید برای شما بیان کند
و از سر بسیاری (از خطاهای شما) در گذر ده ما نا از جانب خدا برای هدایت
شما نوری عظیم و کتابی بحقانیت آشکار آمد (۱۵) خدا پادان کتاب مر کس
را که از پی دشو و عنودی او راه سلامت و پوید هدایت کند و او را از تاریکی
جهل و گناه بیرون آورد و به عالم نور داخل گرداند و براه راست و هدایت
کند (۱۶) ما نا آنان که گفتند خدا محققا همان مسیح ابن مریم است کافر
شدند بگو (ای پیغمبر) کدام قدرت میتواند کسی را از قهر و قدرت خدا
نکه دارد اگر خدا بخواهد عیسی مریم و مریم و هر که در روی زمین است
همرا ه او گرداند که آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست هم ملک خداست
هر چه را بخواهد خلق میکند و او بر (ایجاد و اهلاك) همه چیز تواناست
(۱۷) یهود و نصاری گفتند ما پسران خدا و دوستان اویم بگو (ای پیغمبر)
اگر چنین است پس او چرا شما را بکنهاتان عذاب میکند بلکه شما از
آنچه خدا خلق کرده بغری پیش نیستید هر که را بخواهد عذاب میکند
که آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست هم ملک خداست و باز گشت هم در
قیامت پیروی است (۱۸) ای اهل کتاب رسول ما آمد تا برای شما حقایق
دین را بیان کند در روز گاریک پیغمبری نبود تا نگویید بما رسولیک
بشارت و پیوسته و ثواب و عذاب بدهند (ما آمد که ما هدایت با بیم) پس آن رسول بشارت
و بیم آورد پس شما آمد

وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٥ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ
 اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا رَزَقْتُمْ
 يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ١٦ يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي
 كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتُدُّوا عَلَى آذَانِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ١٧ خَالُوا
 يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَدْخُلُهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا
 فَإِنَّ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ ١٨ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخْفَوْنَ
 أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَانْقَلِبْكُمْ
 غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلُوا إِنَّكُمْ مُؤْمِنِينَ ١٩ خَالُوا يَا مُوسَى
 إِنَّا لَنَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَايِلَا
 إِنَّا هَاهُنَا قَائِدُونَ ٢٠ قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي
 فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ٢١ قَالَ فَإِنَّهَا مُخِزَّةٌ
 عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيمُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا نَاسَ عَلَى الْقَوْمِ
 الْفَاسِقِينَ ٢٢ وَأَنْتَ عَلَيْهِمْ تَبَا أُنْثَىٰ أَدَمَ بِالْخَيْزِ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا
 فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا
 يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ٢٣ لَكِن بَطَلْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا
 أَنَا بِسَاطِئِ يَدَيْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ٢٤ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوًّا بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

و خدا بر هر چیز (از فرستادن رسل و غیره) توانا خواهد بود (۱۹) یاد کن
آن هنگام را که موسی بقوم خود گفت ای قوم! نعمت خدا را بشمار آری به
آنگاه که در میان شما پیغمبران فرستاد و شمارا پادشاهی داد و بهما آنچه
را که به هیچیک از اهل عالم نداد عطا کرد (۲۰) ای قوم! سرزمین
مقدس که خدا سر نوشت شما مقرر گردانید داخل گردید و پشت بهکم
خدا میکنند که زیانکار شوید (۲۱) قوم موسی گفتند در آن سرزمین مقدس
گروهی مقتدر و قاهر و مستکبر هستند هرگز تا آنها از آنها بیرون نشو ندما
داخل نخواهیم شد هرگاه آنان بیرون شدند ما داخل شویم (۲۲) دوشتر
مرد خدا ترس (یوشع و کالب) که مورد لطف خدا بودند گفتند شما بر آنها
از این در (که خدا فرمود) در آید چون در آمدید آنگاه
محققاً بر آنها غالب خواهید شد و ترسید و بر خدا توکل کنید اگر بدو
گرویده اید (۲۳) باز قوم گفتند ای موسی هرگز ما در آنجا مادامیکه
آنها باشند ابداً در نیائیم پس تو برو یا اتفاقی پروردگارت با آنها قتال
کنید ما اینجا خواهیم نشست (۲۴) موسی گفت خدا یامن جز بر خود و
برادر خود مالک و فرمان روا نیستم تو میان ما و این قوم فاسق که (فرمان
نمیبرند) جدائی انداز (۲۵) خدا گفت چون مخالفت امر کردند شهر
را بر آنان حرام کرده و چهل سال بایستی در بیابان سرگردان باشند
پس تو بر این گروه فاسق متأسف مباش (۲۶) و بخوان بر آنها بحقیقت و
دستی حکایت دو پسر آدم (قابیل و هابیل) را که تقرب بقربانی جستند از
یکی پذیرفته شد و از آن دیگری پذیرفته نشد (قابیل برادرش هابیل
که قربانی قبول شد گفت من تو را البته خواهم کشت (هابیل) گفت
(مرا گناهی نیست) که خدا قربانی متقیان را خواهد پذیرفت (۲۷) اگر
تو بکشتن من دست بر آوری من هرگز بکشتن تو دست دراز نخواهم کرد
من از خدای جهانیان میترسم (۲۸) من خواهم که گناه کشتن من و گناه
مخالفت تو هر دو بپویاز گردد تا تو اهل آتش جهنم شوی

وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ
فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٧﴾ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْعَثُ فِي الْأَرْضِ
لِبُرْيِهِ كَيْفَ يُؤَادِي سَوَاءَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعْمَىٰ أَن أَكُونَ
مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَادِي سَوَاءَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ﴿٨٨﴾
مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ
نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا
فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ
إِن كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَاسِرُّونَ ﴿٨٩﴾ إِنَّمَا جَزَاءُ
الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا
أَن يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ جُلَاثٍ
أَوْ يُنْقَلُوا مِنْ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ عِزٌّ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ
عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٩٠﴾ إِلَّا الَّذِينَ جَاءُوا مِنْ قَبْلِ أَن تُقَدِّمُوا عَلَيْهِمْ
فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
وَابْتَغُوا الْآلَةَ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٩٢﴾
إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ
مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبِلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٣﴾ يُرِيدُونَ أَن يُخْرِجُوكَ مِنَ النَّارِ وَمَا لَهُمْ فِيهَا حَاجَتٌ

که آن آتش جزای ستمکارانست (۴۹) آنگاه پس از این گفتگوهای نفس
 او را بر کشتن برادرش ترغیب نمود تا او را بقتل رساند و بدین سبب از
 زیانکاران عالم گردید (۳۰) آنگاه خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را
 بهنگال گردانید تا پا و بنماید که چگونه بدن مرده برادر را زهر خاک
 پنهان سازد (قایل) با خود گفت ایوای بر من آیا من از آن عاجز ترم که
 مانند این کلاغ باشم قاجسد برادر را زهر خاک پنهان کنم پس (برادر را
 به خاک سپرد) و از اینکار سخت پشیمان گردید (۴۱) بدین سبب بر بنی
 اسرائیل چنین حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق قصاص و یا بی
 آن که فساد و فتنه‌ای در روی زمین کند بقتل رساند مثل آن باشد که همه
 مردم را کشته و هر که نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل
 آنست که همه مردم را حیات بخشد (که یکن منشاء حیات خلقی تواند شد)
 و هر آینه رسولان مابسی خلق با اوله و معجزات آمدند سپس بسیاری از
 مردم بعد از فرستادن رسول باز روی زمین بنای فساد و سرکشی را گذاشتند
 (۴۲) همانا تا کفر آنانکه با خدا و رسول او جنگ برخیزند و در زمین فساد
 گویند جز این نباشد که آنها را بقتل رسانده یا بدار کنند و یادست و
 پایشان بخلاف ببرند (یعنی دست راست را با پای چپ و یا بالعکس) یا با نسی
 و تمیید از سر زمین سالکان دور کنند این ذلت و غواری عذاب دنیوی آنها
 است و اما در آخرت باز (در دوزخ) بهذابی بزرگ معذب خواهند بود (۴۳)
 مگر آنانکه پیش از آن که بر آنها دست یابید توبه کنند پس بدانید که
 خدا بخشد و مهربان است (و تابان را هرگز عذاب نخواهد کرد) (۴۴)
 ای اهل ایمان از خدا بترسید و (بوسیله ایمان و پیروی اولیاء حق بخدا
 توسل جوئید و در راه او جهاد کنید باشد که مستکار شوید) (۴۵) آنانکه کافر
 شدند اگر دو برابر آنچه در روی زمین است فدا آرد تا بدان خود
 را از عذاب روز قیامت باز رها کنند هرگز از آنها قبول نفوذ و آثار را
 (بدوزخ) عذاب دوزخ نخواهد رسید (۴۶) و آنها دایم آرزوی آن کنند
 که (ایمان) از آتش دوزخ بیرون شوند و هرگز بدر

مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ وَالشَّارِقُ وَالشَّارِقَةُ فَاقْطَعُوهُ ۝
 أَيَّدِيهِمَا جُرُودًا مَّا كُنَّا لَآئِمِينَ اللَّهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ فَمَنْ
 ثَابِتٌ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُوفٌ
 رَحِيمٌ ۝ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِعَازِبٍ
 مِّنْ يَّنَاءٍ وَبَغْفِرٍ لِّمَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يَا أَيُّهَا
 الرَّسُولُ لَا يَحْزَنْكَ الَّذِينَ يُنَاصِرُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا
 آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا وَاسْتَمَاعُوا
 لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ بِخَيْرٍ فَوَن الْكَلِمَ مِنْ بَيْنِ
 مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخَذُّوْهُ وَإِنْ لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ
 فَاقْهَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا
 أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا نَارُ
 وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ
 لِلشَّعْبِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ
 عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرَّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ
 إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝ وَكَيْفَ يَحْكُمُ لَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ
 فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَقُولُونَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُتَّبِعِينَ
 إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يُخَدِّمُهَا الَّذِينَ

نخواستند که مذهب آنان دائم و پایدار است (۴۷) است مرد دزدو زن دزد را بکیفر صلفان بپريد اين عقوبت است که خدا بر آنان مقرر داشته و خدا (بر هر کار) مقتدو (بمصلح خلق) داناست (۴۸) پس هر که بعد از تسمی که کرده توبه نمود کار خود را اصلاح کرد از آن پس خدا او را خواهد بخشید که خدا بخشنده و مهربان است (۴۹) آیا ندانستی که ملک آسمان و زمین خدا را است هر که را خواهد مذهب کند و از هر که خواهد درگذرد و او بر هر چیز تواناست (۵۰) ای پیغمبر غمگین از آن مباحث که گروهی از آنان که بزبان اظهار ایمان کنند و بعد ایمان نیاورند براه کفر می‌شایند و نیز اندوهناک مباحث از آن یهودانیکه جاسوسی کنند سخنان فتنه‌خیز بجای کلمات حق تو بآن قومی که از کبر نزد تو نیامدند میرسانند (مانند ایمان یهود غیبر) (آنها از دشمنی و عناد با اسلام) کلمات حق را بعد از آنکه بجای خود مقرر گشت (بمیل خویش) تغییر دهند (و بدروغ و هوای نفس حرام را حلال و حلال را حرام کنند) و گویند اگر حکم قرآن این گونه (که ما خواهیم از خدا) آورده شد بپذیرید و الا دوری گزینید (و حکم پیغمبر را ابدانپذیرید) و هر کسی را خدا بازمایش و رسائی افکند هرگز تو او را از قهر خدا نتوانی رها نید آنها کسانی هستند که خدا نخواسته دلها شان را (از پلیدی کفر و جهل) پاک گرداند آنان را درد نیا ذلت و خواری نصیب است و در آخرت عذاب بزرگ مهیا است (۵۱) آنها جاسوسان دروغ زن و غورند گان مال حرامند اگر بنزد تو آمدند خواهی میان آنها حکم کن یا روی از آنان بگردان و چنانچه دوری از آنها بگردانی هرگز کوچکترین زیان به تو نتواند رسانید و اگر حکم کردی میان آنها بمذالت حکم کن که خدا دوست میدارد آنان را که حکم بمذلت میکنند (۵۲) و چگونه آنها (یعنی یهود) بحکم تو سر فرود آرند در صورتیکه توبه نزد آنهاست و در آن حکم خدا (راجع بر جم و غیر آن) مذکور است و از آن روی گردانیده اند پس چنانچه تو نیر از توبه حکمی کنی بدان راضی نشوند چه آنکه ایشان بخدا ایمان نیاورده اند (۵۳) ما توبه را که در آن هدایت و روشنائی (دلها) است فرستادیم تا پیغمبرانیکه

أَسْمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّيَّانِينَ وَالْأَخْبَارِيَّاسْتَخَفُوا مِنْ
 كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِمْ يَهْدَاءَ فَلَا فَتَنُوا النَّاسَ اخْتُونِ وَلَا
 تَشْرُوا بِمَا يَأْتِي مِمَّا قَلِيلًا وَمَنْ لَوْ يَحْكُمُوا أُنْزِلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ
 الْكَافِرُونَ ﴿١٥﴾ وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ
 وَالْأَنفَ بِالْأَنفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ
 قِصَاصٌ مَن قَتَلَ مَن يَدْعُوهُ كِفَارًا لَهُ وَمَنْ لَوْ يَحْكُمُوا أُنْزِلَ اللَّهُ
 فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١٦﴾ وَقَفَّيْنَا عَلَى النَّارِ مَن يَعْبُدُ بَنِي مَرْيَمَ
 مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَابْتِئَاءَ الْأَنْجِيلِ فِيهِ هُدًى
 وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ
 لِلنَّاسِينَ ﴿١٧﴾ وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْأَنْجِيلِ بِمَا أُنْزِلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَوْ
 يَحْكُمُوا أُنْزِلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١٨﴾ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ
 الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ مَهْمًا عَلَيْهِ
 فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنْ الْحَقِّ
 لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ فِرْعَوْنَ وَمِنْهَا جَاءَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً
 وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَيْتُكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ
 مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٩﴾ وَإِنْ أَحْكَمُ
 بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحِدٌ مِنْهُمْ أَنْ يَشْتُرَكَ

تسلیم امر خدا هستند بدان کتاب بریهودان حکم کنند و نیز خدا شناسان
و اما اینکه مأمور نگهبانی احکام کتاب خدا هستند و بر صدق آن گواهی
دادند (تبلیغ کنند و هرگز در اجرای احکام خدا) از هیچکس نترسند و
از انتقام من (که خدای قادر مطلق) بترسند و آیات مرا ببهای اندک
نفرشید (برشو و اغراض شخصی برخلاف حکم حق و عدالت نروید) که
هر کس برخلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از کافران خواهد
بود (۴۴) و در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس
قصاص کنند و چشم را مقابل چشم و بینی را به بینی و گوش را بگوش و دندان
را بدندان و هر زخمی را قصاص خواهد بود پس هر گاه کسی بجای قصاص
بصدق (ودیه) دانی شود نیکی کرده و کفاره گناه او خواهد شد و هر کس
خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند (و از حد قصاص یادیه تعدی و ظلم کند)
چنین کس از مستکبران خواهد بود (۴۵) و از بنی آن رسولان باز عیسی پسر
مریم را فرستادیم که تصدیق درستی توراتی که در دست او بود داشت و انجیل
را نیز بر او فرستادیم که در آن هدایت و روشنی دلها و تصدیق بدرستی
توریه و راه نمایی خلق و اندرز برای پرهیز کاران بود (۴۶) و اهل انجیل
باید بر آنچه خدا در آن کتاب فرستاد حکم کنند و هر کس برخلاف آنچه
خدا فرستاده حکم کند چنین کس از فاسقان خواهد بود (۴۷) و ما این
کتاب (قرآن عظیم) را بحق بر تو فرستادیم که تصدیق بدرستی و راستی
همه کتب که در برابر اوست نموده و هر حقیقت کتب آسمانی پیشین گواهی
میدهد پس حکم کن میان آنها با آنچه خدا فرستاد و دوائر پیروی از
خواستههای ایقان حکم حق که بتو نازل آمده و امکنذار ما بر هر قومی
شریعت و طریقه‌ای مقرر داشتیم و اگر خدا (بعثت ازلی) میخواست همه
رایک امت میگرددانید ولیکن این نکرد تا شمارا با حکامی که در کتاب
خود فرستاده بیازماید پس بکارهای نیک سبقت گیرید که باز گشت همه
شما بسوی خداست و در آنچه اختلاف مینماید شما را بجزای آن آگاه
خواهد ساخت (۴۸) و تو (ای پیغمبر) بدانچه خدا بتو فرستاده میان
مردم حکم کن و پیرو خواستههای آنان مباش و بیندیش که مبدا تو را

عَنْ بَعْضِ مَا أُنْزِلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ
 يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ نُؤَيْبِهِمْ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ النَّاسِ لَفَيَسِقُونَ ﴿٢٥﴾
 أَفَلَا تَحْكُمُ الْجَاهِلِيَّةُ يَنْبَغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٢٦﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ
 أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ مَنِ بَوَّأَهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي
 الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٧﴾ قَرَأَ الَّذِينَ فِي غُلُوْبِهِمْ مَرَضٍ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ
 يَقُولُونَ نَحْنُ تَحْتَى أَنْ نَصِيبًا دَاخِرَةٌ فَوَسَّيَ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْقَمْعِ أَوْ أَمْرٍ
 مِنْ عِنْدِهِ فَيَضْحَكُوا عَلَى مَا اسْتَرْوَأُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ ﴿٢٨﴾ وَيَقُولُ
 الَّذِينَ آمَنُوا أَتُؤَلَّوْنَ الَّذِينَ أَقْبَمُوا يَا اللَّهُ جَهْدَ آيْمَانِنَا بِهِمْ إِنْهُمْ
 لَمَعَكُمُ حَيْطَتُ أَعْمَالِهِمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ ﴿٢٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 مَنْ بَرَّتْ مِنْكُمْ دِينَهُ فَسَوَّيْتُ يَأْتِيَ اللَّهُ بِقَوْمٍ يُقِيمُونَ حُكْمَهُمْ وَيُجِيزُونَ
 آيَاتِهِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ آيَةً عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ
 وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٠﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ ذَاكِرُونَ ﴿٣١﴾ وَمَنْ
 يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حَرْبَ اللَّهِ هُمْ الْعَالِيُونَ
 ﴿٣٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ مُزَافًا

و در بعضی احکام که خدا بپس فرستاده تقاضای تغییر کنند پس هرگاه از حکم خدا روی گردانیدند (یا کفمدار) بدان که خدا می خواهد آنها را بمقتضای بعضی گناهانشان گرفتار سازد و همانا بسیاری از مردم فاسق و بدکارند (۴۹) آیا (یا وجود این دین کامل و قوانین محکم آسمانی) باز تقاضای تجدید حکم زمان جاهلیت را دارند و کدام حکم از حکم خدا برای اهل بقی نیکوتر خواهد بود (۵۰) ای اهل ایمان یهود و نصاری (که دشمن اسلامند) بدوستی مگیرید آنان بعضی دوست دار بعضی دیگرند و هر که از شما مؤمنان با آنها دوستی کند (در کفر و ستمگری) بحقیقت از آنها خواهد بود و همانا خدا ستمکاران را هدایت نخواهد نمود (۵۱) گروهی منافق (مسلمان ظاهری) که دلهاشان ناپاک و ناحوش است خواهی دید که در راه دوستی ایشان می شتابند و میگویند ما از آن میترسیم که در گردش روزگار آسیبی از آنها بر ما رسد باشد که خدا برای مسلمین فتنی پیش آورد و یا امری دیگر از طرف خود تا منافقان از آنچه بنفاق دردل نهان کردند سخت پشیمان شوند (۵۲) و اهل ایمان گویند آیا اینان هستند که با جدیت و مبالغه بسیار بخدا سوگند یاد می کردند که ما از شما هستیم (اکنون چگونه ریاکاری آنها پدیدار شد) و اصالتشان باطل گردید و سخت زیانکار شدند (۵۳) ای گروهیکه ایمان آورده اید هر که از شما از دین خود مرتد شود بزودی خدا قومی که (بسیار) دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارد و نسبت به مؤمنان سرافکنده و فروتن و بکافران سرافراز مقتدرند (مانند علی علیه السلام (شعیانی) بصرت اسلام بر میانگیرد که در راه خدا جهاد کنند و در راه دین از تگوش و ملامت احدی پاک ندارند این است فضل خدا هر که را عطا کند و خدا رحمت و وسیع نامتها است و باحوال هر که استحقاق آنها دارد داناست (۵۴) ولی امروز یاور شما تنها خدا و رسول و آن مومنانی هستند که نماز پیاداشته و فقیران در حال کوع زکوة میدهند (بافتنای مفسرین عامه و خاصه مراد از این آیه علی (ع) است (۵۵) و هر کسی که ولی و فرمانبرمای او خدا و رسول و اهل ایمانند (غیر و زاست) که تنها لشکر خدا (در دو عالم) فاتح و غالب خواهند بود (۵۶) ای اهل ایمان با آن گروه از اهل کتاب و کافران که دین شما را بنسوس و بازیهه گرفتند دوستی مکنید

لِعِبَادِنَ الَّذِينَ آتَوُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ وَالكُفَّارَ أُولِيَاءُ وَآهَتُوا
اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾ وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا تُهْمًا
وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَسُبُّونَ
مِنَّا إِلَّا أَنْ اسْتَبَايَا اللَّهَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ وَأَنْتَ
أَكْثَرُ كَذَابٍ يَقُولُونَ ﴿٥٩﴾ قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِنْ ذَلِكَ شُرُوبَةٍ عِنْدَ اللَّهِ
مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرْدَوْسَ وَالتَّخَازِيرَ
وَعَبَدَ الظَّالِمِينَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ
وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكَفَرِ وَهُمْ قَدْ جَرَّوْا بِهِ وَاللَّهُ
أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ ﴿٦٠﴾ وَرَأَى كَثِيرٌ مِنْهُمْ يَسِيرُ عَوْنًا فِي الْأَرْضِ
وَالْعُدُوَّانِ وَآكِلِهِمُ الثَّمْتَ لَيْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦١﴾ لَوْلَا نِعْمَتُ
الرَّبِّانِيَّةِ وَالْأَخْبَارِ عَنْ قَوْلِهِمُ الْأَثَمَ وَآكِلِهِمُ الثَّمْتَ لَيْسَ
مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿٦٢﴾ وَقَالَ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ
أَيْدِيهِمْ وَلِعُوا بِمَا فَالُوا أَيْلَ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ
لَيَرِيدَنَّ كَثِيرٌ مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا
أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا
نَارًا لِلْقَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْمُفْسِدِينَ ﴿٦٣﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ سَمُوا وَآتَمُوا الْكُفْرَ تَأَمَّنْهُمْ

واذ خدا پترسید اگر پاو ایمان آورده اید (۵۷) و چون شما ندای نماز بلند کنید آنرا منصرف و بازی فرض کنند زیرا آن قوم مردمی بیخرد و نادانند (۵۸) بگوای اهل کتاب آیا جز آنکه مامولین بغداد و کتاب خودمان و کتاب شما ایمان آوردیم و شما ایمان نیاورده و اکثر فاسقید چیز دیگری موجب کینه و انکار شما بر ما هست (البته نیست) (۵۹) بگوای پیغمبر آیا شما را آن گسارم که کدام قوم را نزد خدای (منتقم) بدترین پاداش است کسانی را که خدا بر آنها لعن و غضب کرد و آنرا بیوزینه و خوک مسخ نمود (مانند کفار یهود که با حرمت حکم روز شنبه مخالفت خدا کردند و مسخ بیوزینه شدند و است عیسی که پس از نزول مائده آسمانی و مشاهده اعجاز مسیح باز کافر شدند مسخ به خوک گردیدند) و آنکس که (عبادت خدا را گذاشت و) بندگی شیطان کرد این گروه را نزد خدا بدترین مردم و گمراه ترین خلق از راه راستند (۶۰) و چون آنان در نزد شما مؤمنان آیند اظهار کنند که ما ایمان آورده ایم و حال آنکه آنها با همان کفر و انکار که در آمدند باز بیرون شدند و خدا بنفاقیکه در درون دل پنهان میدارند اناظر است (۶۱) بسیاری از آنها را پنگری که در گناه و شتمکاری و خوردن حرام می شتابند بسیار بدکاری را پیشه خود نمودند (۶۲) اگر علما و روحانیون آنها را از گفتار زشت و خوردن حرام باز ندارند کاری بسیار زشت میکنند (۶۳) یهود گفتند دست خدا بسته است (و دیگر تنبیری در خلقت نمیدهد و چیزی از عدم بوجود نخواهد آمد) بواسطه این گفتار دروغ دست آنها بسته شده بلمن خدا اگر فشار گردید بدید بلکه دوست خدا (دست قدرت و رحمت او) گشاده است و هر گونه بخواهد اتفاق میکند و همانا قرآنیکه بتواند گفت بر کفر و ملنیان بسیاری از اهل کتاب بیفزود و ما بکفر آن تا قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم (این آیه خبر غیب است) هر گاه برای جنگ با مسلمانان آتشی برافروزند خدا آن آتش را خاموش سازد و آنها در روی زمین بفسادکاری میگویند (ستم در باره ضیمان و حقوق ناتوانان و اطاعت شهوت و غضب می کنند) و خدا هرگز مردم شتمکار فاسد را دوست نمیدارد (۶۴) و چنانچه اهل کتاب ایمان آرند و تقوی پیشه کنند ما گناهان آنها را مستور میسازیم

سَيُنَايِمُهُمْ وَلَا دَخَلْنَا لَهُمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ۝ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْبَةَ
وَالْإِحْسَانَ ۝ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَلُوا مِنْ قُورِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ
أَرْجُلِهِمْ مِثْلُهُمْ أَمَّا مُقْتَصِدُهُ وَكَثِيرُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۝ يَا
أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا لَكَ
بِإِلَهِكَ ۝ وَاللَّهُ يَصْطَلِكُ مِنَ النَّاسِ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ الْقَوْمَ
الْكَافِرِينَ ۝ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ كُنْمْ عَلَى نَفْسِكُمْ وَحَتَّى تَقْبَلُوا التَّوْبَةَ وَ
الْإِحْسَانَ ۝ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَكَثُرَ يُدِينُ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ
إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا أَفَلَا تَأْسَرُونَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝
إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِقُونَ وَالنَّصَارَى مِنْ أَمْرِ
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝
لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا قُلْنَا
جَاءَتْكُمْ رَسُولٌ مِمَّا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ
وَحَسِبُوا أَنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا فِتْنَةً فَجَعَلُوا وَصَهُوا إِيَّانَا اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَعْنُومُ
وَصَهُوا كَثِيرًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ عَمَّا يُعْمَلُونَ ۝ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا
إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَءِيلَ اعْبُدُوا
اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ
وَمَا فِيهَا النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ۝ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا

و محققاً آنها را در بهشت پرنعمت داخل میگرددانیم (۹۵) و چنانچه آنها بدستور توریة و انجیل خودشان و قرآنی که بتو نازل شد قیام میکردند البته بهر گونه نعمت از بالا و زیر (نمتهای آسمان و زمین) برخوردار میشدند برخی از آنان مردمی معتدل و میانه رو و بسیاری از آنها بدعملند (۹۶) ای پیغمبر آنچه از خدا بر تو نازل شد بغلق برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و ادا وظیفه نکرده ای و خدا تو را از او آزار مردمان محفوظ خواهد داشت بیم مکن و دل قوی دار که خدا گروه کافران را بهیچ راه موفقیتی را عنایتی نخواهد کرد (آیه راجع بندیر و خلافت علی (ع) است) (۹۷) ای پیغمبر با اهل کتاب بگو که ای یهود و نصاری شما ارزشی ندارید تا آنکه بدستور توریة و انجیل و قرآنی که بشما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید و همانا قرآنی که بشما مسلمین نازل شده (بجای آنکه باو ایمان آرند) برگزیده و سرکش بسیاری از آنان خواهد افتاد و در اینصورت توای پیغمبر بر حال گروه کافران نباید تأسف خوری (۹۸) البته هر کس از گروهیدگان باسلام و فرقه یهودان و ستاره پرستان و نصاری که بخدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکو کار شود هرگز (در جهان) او را ترسی و اندوهی بر آنچه از او فوت شود نخواهد بود (۹۹) بما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که خدا را اطاعت کنند و پیغمبرانی بر آنها فرستادیم که احکام خدا بیاموزند) هر رسولی آمد چون برخلاف هوای نفس آنها سخن گفت گروهی را تکذیب کرده و گروهی را بقتل رسانیدند (۷۰) و گمان کردند که بر آنها فتنه و امتحانی نخواهد بود پس از (دیدن آیات حق و شنیدن) امر خدا کور و کر شدند (و از امتحان خدا غافل گشتند) پس از آنهمه اعمال زشت باز خدا توبه آنها را پذیرفت باز هم بسیاری دیگر کور و کر شدند و خدا بهر چه میکنند آگاه است (۷۱) آنان که قائل بخدائی مسیح پسر مریم شدند محققاً کافر گشتند در صورتی که ضحیح خود به بنی اسرائیل گفت خدائی را که آفریننده من و شماست بپرستید که هر کس باو شرک آورد خدا بهشت را بر او حرام گرداند و جایگاهش آتش دوزخ باشد و ستمکاران عالم را هیچکس یاری نخواهد کرد (۷۲) البته آنکسانیکه به خدا قائل شدند (اب و ابن و روح القدس را خدا گفتند) کافر گردیدند

إِنَّ اللَّهَ تَالِكٌ تَمَكُّنٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا
 يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٦﴾ أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى
 اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللَّهُ شَفِيعٌ ذَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ مَا أَسْمِعُ بْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُوهُ
 قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأَمْنُهُ صَدِيقَةٌ كَأَنَّا بِكُلَّانِ الظُّلُمِ
 أَنْظَرُ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظَرُ أَن يُوَفَّقُوا ﴿٧٨﴾ كُلُّ أَتَّعْبِدُ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
 الْعَلِيمُ ﴿٧٩﴾ خُلِ بِأَهْلِ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا
 أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَصْلُوا أَكْثَرَ وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ
 السَّبِيلِ ﴿٨٠﴾ لَيْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ
 وَعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٨١﴾ كَانُوا لَا
 يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٨٢﴾ تَرَى كَثِيرًا
 مِنْهُمْ يَقُولُونَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلَيْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَنْ يَخْلُ
 اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ لَهُمْ خَالِدُونَ ﴿٨٣﴾ وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
 النَّبِيِّ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوا آلَ إِبْرَاهِيمَ وَلَكِنْ كَثِيرًا مِنْهُمْ
 فَاسِقُونَ ﴿٨٤﴾ لَقَدْ دَانَ أَشَدَّ الثَّالِثِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ
 الَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَقَدْ دَانَ أَفْرِيحَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا
 إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَتَلُوا قَتِيلِينَ وَذُفِّعَ عَنْهُمْ

و حال آن که جز خدای یگانه خدائی نخواهد بود و اگر از این گفتار (تثلیث و قول با قانیم ثلاث) زبان نیندند البته آن کافران را عذابی دردناک خواهد رسید (۷۶) آیا نیایستی (از این شر و کفر خود) پسوی خدا باز گفته و توبه کنند و از او طلب آمرزش نمایند (تا از کثافتان درگذرد) که خدا بخشنده و مهربان است (۷۷) مسیح پسر مریم پیغمبری پیش نبود که پیش از او نیز پیغمبرانی آمده اند و مادرش هم زنی راستگو و با ایمان بود و هر دو به حکم بشریت غذا تناول میکردند (پس آنها خدا نیده دند و گر نه بنذا در زندگانی خود محتاج نمی شدند) بنگر چگونه ما آیات خود را روشن بیان میکنیم و آنگاه بنگر که آنان چگونه بعد از دروغ می بندند (و مسیح را خدا میخوانند) (۷۸) بگوای پیغمبر شما کسی را غیر خدای پرستد که مالک هیچ سود و زبانی نسبت بشما نخواهد بود خداست که (هر کس او را بخواند) میشوند و با احوال همه داناست (۷۹) ای اهل کتاب در دین خود بناحق غلو نکنید و از پی خواهشهای آن قوم که خود گمراه شدند و بسیاری را نیز گمراه کردند و از راه راست دور افتادند نروید (۷۷) کافران بنی اسرائیل بزبان داود و عیسی و مریم از آن لعنت کرده شدند که نافرمانی خدا نمودند و از حکم حق سرکشی کردند (۷۸) آنها هیچگاه از کار زشت خود دست برنداشتند و چه قدر آنچه میکنند قبیح و ناشایسته است (۷۹) و با آنکه اهل کتاب و مدعی ایمانند باز بسیاری از آنها را خواهی دید که با کافران (بت پرست و منکران خدا) دوستی میکنند و ذخیره ای که برای خود پیش میبرستند و آنست که خداست بسیار بد ذخیره است و آنها را بدو ذخ عذاب جاوید خواهد بود (۸۰) و اگر بعد از او پیغمبر و کتابیکه بر او نازل شده ایمان آورده بودند البته کافران را دوست خود نمیگرفتند ولیکن بسیاری از آنها فاسق و بد کردارند (۸۱) با آنها دوستی و مساعدت میکنند (۸۱) همانا محقق است که دشمن ترین مردم نسبت بمسلمانان یهود و مشرکان را خواهی یافت و با محبت تر از همه کسی با اهل ایمان آنها را که گویند ما نصرانی هستیم این دوستی نصاری نسبت بمسلمین بدین سبب است که برخی از آنها دانستند و پارسا هستند و آنها

يَسْتَكْبِرُونَ ۚ وَإِذَا سَأِلُوا مَا أُفْعِلَ لَكَ إِلَى الرَّسُولِ فَرَأَى عَصَمَتَهُمْ تَقْبِضُ
مِنَ الدَّانِعِ يَمَازِغَ فَوَاقٍ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَفْمَنَّا فَاكْبِتْنَا مَعَ السَّامِيَّةِ
۝ وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِإِلَهِهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَقْطَعُ أَنْ يُدْعِيَنَا
رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ ۝ فَأَتَيْنَاهُمُ اللَّهُ بِمَا نَالُوا فَأَجَابَ بِتَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْحَسْبِينَ ۝ وَالَّذِينَ
كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
لَا تَتَّبِعُوا طَائِفًا مَّا أَهْلَ اللَّهُ لَكَ وَلَا تَتَّبِعُوا إِنْ اللَّهُ لَا يُحِبُّ
الْمُتَعَدِّينَ ۝ وَكُلُوا مِن مَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي
أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ۝ لَا بُدَ أَخَذَكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ إِيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ
يُؤْخَذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْإِيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ
مِّنْ أَوْسَطِ مَا فَطَعْتُمْ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۚ فَمَن لَّمْ
يَجِدْ فَصِيَامَ ثَلَاثِ أَيَّامٍ ۚ ذَٰلِكَ كَفَّارَةُ إِيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَلِتَحْظُرُوا
أَيْْمَانَكُمْ ۚ ذَٰلِكَ يَتَّبِعُ اللَّهُ لَكُمْ إِيْمَانَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُشْكِرُونَ ۝ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُحْرَمُونَ الْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ يُحْسِنُ مِنَ
عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ
أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْغُرَى وَالْمُبِيرِ بِصَدْرِكُمْ
عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ۝ وَأَطِيعُوا اللَّهَ

تکبر و گردنکشی بر حکم خدا نمیکند (۸۴) و چون آیاتی را که بر رسول فرستاده شده استماع کنند اشک از دیده آنها جاری میشود زیرا حقانیت آنرا شناخته و گویند بارالها ما بر رسول تو (محمد) و کتاب آسمانی او قرآن ایمان آوردیم ناگهان ما را در زمرة گمراهان صفق او بنویس (۸۵) و گویند چرا ما ایمان به خدا و کتاب حق نیاوریم در صورتیکه امید آن داریم که در قیامت خدا ما را داخل در زمرة صالحان گرداند (۸۶) پس خدا بر آنچه گفتند پا. اش نیکو به آنها داد و آن پادشاه پستی است که از زیر درختانش نهرها جاریست که در آن بهشت زندگانی جاوید خواهند داشتین پادشاه نیست ایندیکو کار است (۸۷) آنانکه کافر شدند و تکذیب آیات خدا نمودند ایشان اهل بهنم خواهند بود (۸۸) ای اهل ایمان حرام نمکنید طعامهای پاکیزه. ای که خدا برای شما حلال نموده و ستم نمکنید که خدا ستمکاران را دوست نمیدارد (۸۹) و هر چیز حلال و پاکیزه. ای که خدا روزی شما کرده از آن بهخورید و بهرمزید از آن خدا. ای که باو گرویده. ای که (۹۰) خدا به قسمهای لغوی پیوده (که بزبانست نه بدل) شما را مؤاخذه نخواهد کرد ولیکن بر آن قسمی که از روی عقیده قلبی یاد کنید مؤاخذه خواهد نمود و کفار و آن قسم طعام دادن ده فقیر است از انعام متوسط که بر اهل خود غالبانیه میکنند و یا جامه بر آنها بپوشانید و یا یک بنده آزاد کنید و هر کس توانائی آن ندارد سه روز روزه بدارد این است کفار و سگند. ای که یاد میکنند و باید (باداه کفار حرمت) سوگند های خود را نگاه دارید خدا بدینگونه روشن آیات خود را برای شما بیان میکند شاید که شکر او بجای آرید (۹۱) ای اهل ایمان شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گرو پندی (که رسمی بود در جاهلیت) همه اینها پلید و از عمل شیطان است از آن البته دوری کنید تا رستگار شوید (۹۲) شیطان قصد آن دارد بوسیله شراب و قمار میان شما عداوت و کینه بر انگیزد (و شما را از ذکر خدا و نماز بازدارد پس شما آیا از آن دست بر میدارید؟) بخت شیطان مبتلا نمیشود (۹۳) و خدا و رسول خدا را

وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَوُا تَعْلَاءَ رُسُلِكُمْ
 الْبَلَاعُ الْمُبِينُ ﴿٩٥﴾ لَكُمْ عَلَى الدِّينِ امْتُوا وَعْمَلُوا الصَّالِحَاتِ يُجْنَحُ
 فِيهَا طَعْمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَامْتُوا وَعْمَلُوا الصَّالِحَاتِ تَرْتَقُوا وَامْتُوا
 ثُمَّ اتَّقُوا وَاحْسِنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 لَبَّيْكُمْ وَاللَّهُ يَتَّبِعُ مِنَ الضَّيْدِ تَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَا حَكْرُ لِبَعْلَةٍ
 اللَّهُ مِنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنْ اغْتَدَى بِكَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ
 ﴿٩٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الضَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ
 مِنْكُمْ مُتَعَدِّيًا فَمَنْ قَتَلَ مِنَ النَّعِيمِ يُفَكِّرْ بِهِ ذُو عَدَلٍ
 مِنْكُمْ هَذَا يَأْتِيهِ الْكُتُبُ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينٍ أَوْ عَدَلٌ
 ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِ مُعَقِّفًا اللَّهُ تَعَالَى وَمَنْ عَادَ
 فَتَنْقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو نِقَامٍ ﴿٩٨﴾ أُولَئِكَ ضَرْبٌ مِنَ الضَّيْدِ
 طَعَامُهُ مَتَاعًا لَكَ وَلِلنَّاسِ أُولَئِكَ ضَرْبٌ مِنَ الضَّيْدِ أُولَئِكَ ضَرْبٌ مِنَ الضَّيْدِ
 حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩٩﴾ جَعَلَ اللَّهُ الْكُتُبَ
 الْيَتَّحِرَ أَمْرًا مِمَّا لِلنَّاسِ وَالْكَهَرُ أَمْرًا مِمَّا لِلْهَدَى وَالْقَلَامُ
 ذَلِكَ لِيَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ
 بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٠٠﴾ اْعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
 رَحِيمٌ ﴿١٠١﴾ اْعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَبْدُونَ وَمَا

اطاعت کنید و بترسید که هرگاه روی از طاعت خدا بگردانید پس بر رسول
جز آنکه با شکار حکم خدا را ابلاغ کند تکلیفی نخواهد بود (۹۳) بر
آنان که ایمان آوردند و نیکو کار شدند با کسی نیست (و مؤاخذه نشوند) در
آنچه از ماکولات خوردند هرگاه تقوی پیشه گرفته و ایمان (ثابت) آرند
و کارهای نیک کنند (و اگر پدیده و گناهی افتادند) باز پرهیزگار شوند
و ایمان آورند (و اگر دیگر باولتزش کردند) باز پرهیزگار و نیکو کار شوند
که خدا نیکو کاران را دوست میدارد (۹۴) ای اهل ایمان خدا شما را بچیزی
از سیدمی آزماید که در دسترس شما و تیرهای شما آیند تا بدانند (یعنی تاملین
و معلوم گرداند) که چه کسی از خدا در باطن میترسد پس هر که از این بعد
از حدود الهی تجاوز کند او را سخت عذاب دردناک خواهد بود (۹۵) ای
گروه مؤمنان در حال احرام سید را نکشید و هر کسی آنرا عمداً کشت مثل
آن سید را که بمنشیت آن دو مؤمن عادل حکم کند. بمنوان هدی بکمی
رساند یا چند مسکین را طعام دهد یا مادل آن روزه بدارد (یعنی آن هدی
را بقیست طعام در آورده و بهر یک فقیر نیم ساع دهد تا بچند فقره بتم مخالفتش
را خدا از گذشته (یعنی سید دقه اول یا آنچه در عصر جاهلیت گردید)
در گذشت دلی هر که دیگر با بد مخالفت باز گردد خدا از وی انتقام تواند
کشید (۹۵) بر شما سید دریا و طعام آن حلال گردید تا شما و کاروانان به
آن بهره مند شوید ولی سید بیابان تا زمانی که محرم هستید حرام است
و بترسید از آن خدا ای که باز گفت شما بسوی او ست (و بحساب نیک و بد خلق
خواهد رسید) (۹۶) خدا کعبه را خانه احرام قرار داد برای نیکبانی
و نیز ماه حرام را حرمت داد (برای آسایش از جنگ و ترک کارزار) و نیز
هدی و قلاب را قرار داد تا بدانید که خدا بهره در آسمان و زمین است
آگاه است و خدا همه چیز دانا است (۹۷) (ای مردم) بدانید که هم عذاب
خدا بسیار سخت و دشوار است و هم خدا بسیار بخشنده و مهربانست
(۹۸) بر پیغمبر جز تبلیغ احکام الهی و وظیفه‌ای نیست و خدا هر چه
آشکار داشته

تَكْمُونَ هَلْ لَيْسَ مِنِّي الْخَبِيثُ وَالظَّالِمُ وَلَوْ أَجْمَعُونَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ
فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
لَا تَسْأَلُوا عَن أَشْيَاءَ إِن بُدِّ لَكُمْ تَسْأَلُوهَا وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ
يُنزَلُ الْقُرْآنُ بُدِّ لَكُمْ عَمَّا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢﴾ قَدْ
سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكَ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ﴿٣﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ
بَحِيرَةٍ وَلَا سَافِرَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَايَةٍ وَلَكِنِ الَّذِينَ كَفَرُوا
يَقْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَثُرُوا لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾ وَإِذَا قِيلَ
لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا
وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءُنَا وَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا
يَحْكُمُونَ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَصْرَفُكُمْ مِّنْهَا
إِذَا ائْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ فَرَجِعْكُمْ جَمِيعًا قَبْلَ تَبَيُّنِكُمْ أَيْمَانُكُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ حِينَ
الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ إِخْوَانٌ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ
ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَاصَبْتُمْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ
الْصَّلَاةِ فَيُقِيمَانِ بِاللَّوْنِ الْاِزْهَقِ لَا تَكُفَّ يَدَايِهِمَا وَلَا يَمْنَعُ الْإِيمَانُ
ذَا فَرْطٍ وَلَا تَكُنْ لَهُمَا شَهَادَةُ اللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْإِيمَانِ ﴿٧﴾ فَإِنْ خِفْتُمْ
عَلَىٰ أَيْمَانِهِمَا اسْتَحْفَا إِثْمًا فَاتَّخِذَا بَيْنَهُمَا نِكَاحًا يُقِيمَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الدِّينِ

و با پنهان دارند همه را میداند (۹۹) یگو ای پیشبر هرگز مردم پاکو
 ناپاک یکسان نخواهند بود هر چند درجهان بسیاری پلیدان شمارا بشکفت
 آرد پس ای خردمندان از خدا پترسید باشد که دستگار شوید (۱۰۰)
 ای اهل ایمان هرگز از چیزهایی مهترسید که اگر فائز گرد شمارا بد
 میآید و غمناک میشود و اگر پرش آنرا بهنگام نزوآیات قرآن و اگزارید
 قرآن برای شما هر چه مصلحت است بیان میسازد خدا از عقاب سئوالات
 بیجای شما درگذشت که خدا بخشنده و پردهار است (۱۰۱) قومی پیش
 از شما همسؤال از آن امور نمودند آنگاه که بزیایشان بیان شد بدان کافر
 شدند (۱۰۲) خدا برای بحیره (۱) و ساتبه (۲) و وسیله (۳) و حام (۴) و (۱) یعنی
 شتر را گوش شگفته و آزاد کنند (۲) شتر را بنذر مطلق العنان آزاد کنند
 (۳) بچه هفتم گو سفند را که تر باشد نذر بتها کنند (۴) شتر را که ده شکم
 بزیاید بر آن سوار نغورند حکمی مقرر فرمود ولیکن کافران بر خدا
 دروغ بستند چه آنکه بیشتر آن عقل را کار نمی بندند (۱۰۳) و چون بآنها
 گفته شد بپایند از حکم کتابی که خدا فرستاد و از دستور رسول او پیروی
 کنید گفتند آن دینی که پدران خود را بر آن یافتیم ما را کفایت است آیا
 باید از پدران خود در صورتیکه آنها مردم جاهلی بوده و به حق راه نیافته
 باشند باز پیروی کنند (۱۰۴) ای اهل ایمان شما ایمان خود را محکم نگاه
 دارید که اگر همه عالم گمراه شوند و شما براه هدایت باشید یانی از کفر
 آنها بشما نخواهد رسید باز گشت همه خلق بسوی خداست و همه شمارا
 در قیامت بدانچه کرده آید آگاه میسازد (۱۰۵) ای اهل ایمان چون یکی
 از شما را هنگام مرگ فرا رسید برای وصیت خود دوشاهد عادل را گواه
 گیرید از خودتان باشد یا از غیر خودتان که اگر در سفر بشما مصیبت مرگ
 درسد آن دوشاهد را نگاه دارند اگر از آنها بد گمانید تا بداند از نماز آنها
 را سوگند دهند که ما برای شهادت خود هرگز بهائی نمیخواهیم هر چند
 شهادت بر غویبشان باشد و گواهی خود را برای خدا بکنان نخواهیم
 کرد که اگر بکنان شهادت کنیم البته از گنهکاران خواهیم بود (۱۰۶)
 اگر بر اجوائ آن دوشاهد اطلاعی حاصل شد که مستوجب گناهی شده اند
 و دوشاهد دیگر که حق باشند بجای آنها قیام کنند

اسْتَحْيَ عَلَيْهِمُ الْآذِلَّانِ فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَنَمَادِنَا أَحَدُكُمَا مَنَّمَا دَعَا
 وَمَا اغْتَدَيْنَا إِنَّا إِذِ الْمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٩٧﴾ ذَلِكَ أَذَىٰ أَن يَأْتُوا بِآفَتِهِمْ
 عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنَّ تَزْدَ آيْمَانُ بَعْدَ آيْمَانِهِمْ وَاللَّهُ وَاللَّهُ
 السَّمْعُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٩٨﴾ يَوْمَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرُّسُلَ
 قَبَقُولٍ مَاذَا أَجَبْتُمْ قَالَُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿٩٩﴾
 إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدِكَ
 إِذْ أَيْدَيْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ نَكِلَ النَّاسُ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ
 عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ
 تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي
 وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ
 كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَنْكَ إِذْ جَعَلْتَهُمْ بَآلِ بَيْتَاتٍ فَقَالَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْفَرُ مُبِينٌ ﴿١٠٠﴾ وَإِذْ أُوحِيَتْ إِلَىٰ
 الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرُسُولِي فَمَا لَوْ آمَنُوا وَاشْهَدُوا بِأَنَّنَا
 مُسْلِمُونَ ﴿١٠١﴾ إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَىٰ بْنُ مَرْيَمَ هَلْ نَسْتَطِيعُ
 رَبَّنَا أَنْ نَقْرَأَ عَلَيْكُمَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اللَّهُ إِنَّكُمْ
 مُؤْمِنِينَ ﴿١٠٢﴾ قَالُوا نَزِيدُكَ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَقْطَعُ قُلُوبُنَا وَنَعْمَلْ
 أَنْ قَدْ صَدَقْنَا وَتَكُونُ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاكِكِينَ ﴿١٠٣﴾ قَالَ عِيسَى

بعدها سوگند یاد کنند که شهادت ما راست تر از شهادت آن دوشاهد
 پیغمبر است و ما اصلا از حق خود تجاوز نکردیم تا شما را باشیم (۱۰۷)
 اینگونه که بیان شد نزدیکتر بآن است که هم شهادت را بوجه خود ادا
 کنند و هم از اینکه باز (اوصیاء پرورده) قسم را رد کنند پیماناکی باشند و از
 خدا بترسند و سخن حق را بگویند که خدا مردم بدکار را هدایت نخواهد
 کرد (۱۰۸) و روزیکه خدا همه پیغمبران را جمع گرداند و آنگاه آنان را
 گوید چگونه امت از دعوت شما اجابت کردند (ایمان آوردند یا عیان
 کردند) پیغمبران گویند خدا یا ما نمیدانیم توئی که بیاطن همه موجودات
 کاملاً دانائی (۱۰۹) ای پیغمبر مردم را مژدگرنان که خدا عیسی را
 را گشت بطاعت را نعمتی را که بنو و مادر در عطا کردیم آنگاه کور را بیناید
 روح قدسی توانا ساختیم که در گهواره با مردم سخن گفتی و آنگاه تورا
 تعلیم کتاب و حکمت کردیم و بنو علم توریه و انجیل آموختیم و هنگامیکه
 از گل شکل مرغی با مرمن ساخته و در آن دمیدی تا با مرمن مرغی گردید
 و آنگاه که کور مادر زاد و پیر را با مرمن شفا دادی و مرد گار را با مرمن
 از قبر بیرون آوردی و آنگاه که دست من بنی اسرائیل را از سرتو کوتاه
 کردم و قتی که تو با معجزات روشن بهدایت آنها آمدی و کافران بنی اسرائیل
 باز (بانتظار تو) گفتند این معجزات عجیبه هجرت انگیز او جز سحری
 آشکار نخواهد بود (۱۱۰) و یاد کن هنگامیکه به حواریین وحی کردیم
 که بمن و رسول من ایمان آرید گفتند ایمان آوردیم خدا یا گواه باش که ما
 تسلیم امر توایم (۱۱۱) یاد آر هنگامیکه حواریین گفتند ای عیسی
 مریم آیا خدای تو تواند که برای ما از آسمان مأله فرستد عیسی در
 جواب گفت اگر ایمان آورده اید از خدا بترسید (و هرگز شك در قدرت
 خدا یا شك در اجابت دعای پیغمبر خدا نکنید) (۱۱۲) حواریان گفتند
 (ما شك نکرده ایم لیکن) میخواهیم که از آن مأله آسانی تناول
 کنیم تا دلهای ما مطمئن شود (و بریقین ما بیفزاید) و تا پراستی عهد
 های تو پی بریم و بر آن گواه باشیم (۱۱۳) عیسی مریم گفت

ابن مَرْزُوقٍ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَتَوَلَّ عَلَيْنَا مَا نَدْرِي مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا
 عَيْدًا لِأَوْلَادِنَا وَإِخْوَانِنَا وَأَبَائِنَا مِنْكَ وَأَزْوَغُنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ
 (١١٦) قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَنَعْتُ لَهَا عَلَيْكَ مَنْ يَكْفُرُ بَعْدَ مَنَعِكَ فَأَبْقَى أَغْيَبَهُ
 عَنَّا يَا لَا أَغْيَبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ (١١٧) وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ
 مَرْزُوقٍ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَإِخْوَةَ امْرَأَتِي مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ
 سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ فُلَانًا مَقْتَدًا
 عَلَيْكَ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ
 الْغُيُوبِ (١١٨) مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ
 رَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَتَى
 الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (١١٩) إِنْ تَعَدَّ بَنُو إِسْرَءِيلَ
 عِبَادَكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ قَاتَلَتْكَ أَتَمُّ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (١٢٠) قَالَ اللَّهُ مَلَأْتُ
 يَوْمَ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ
 اللَّهُ مَالِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَوْعِدُ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (١٢١)

سورة الانعام مكية ثمانون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَّمَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ

بارالها ای پروردگار تو بر ما از آسمان مائده ای فرست تا این روز برای ما و کسانی که پس از ما آیند روز عید مبارکی گردد و آیت و حجتی از جانب تو برای ما باشد که توبه‌ترین روزی دهند گانی (۱۹۳) خدا فرمود من آن مائده را برای شما می‌فرستم ولی هر که بعد از نزول مائده کافر شود ویرا عذابی کنم که هیچک از جهانیان را نکرده باشم (۱۹۵) یاد کن آنگاه که خدای بپسی مریم گفت آیا تو مردم را گفتی که من و مادام را دو خدای دیگر سوی خدای عالم اختیار کنید عیسی گفت خدایا تو (از شبهه مثل و شریک) منزهی هرگز مرا فرستد که چنین سخنی بنا حق گویم چنانچه من این گفته بودمی تو میدانستی که توا سر افرم آن گاهی و من از سر تو آگاه نیستم همانا تویی که بهمه اسرار غیب جهانیان کاملاً آگاهی (۱۹۶) من بآنها هرگز چیزی نکفتم جز آنچه تو مرا بدان امر کردی که خدای یکتا را پرستید که پروردگار من و شمس و من خود بر آن مردم گواه و ناظر اعمال بودمی مادامیکه من در میان آنها بودم و چون روح مرا بقبضه تصرف گرفتی باز تو خود نگهبان و ناظر احوال آنان بودی و تو بر همه خلق عالم گواهی (۱۹۷) اگر آنها را عذاب کنی بار خدا یا همه بندگان تواند و اگر از گناه آنها در گذری باز توانا و درست کرداری (هیچکس را قدرت مخالفت تو و حق اعتراض بر حکمت و علم تو نیست) (۱۹۸) خدا گفت که این (یعنی این روز قیامت) روزی است که صادقان از راستی خود بهره‌مند میشوند برای آنها بهشتها گیس که از زیر درختانش نهرها جاریست که در آن بنمست ابدی مشتمند خدا از آنها غشود و آنها هم از خدا خشنودند اینست فیروزی و سعادت بزرگ (۱۹۹) ای اهل عالم بدانید که آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست همه ملک خداست و او بر هر چیز تواناست (که جهان و جهانیان ملک او و محکوم قدرت اوست) (۲۰۰)

سوره انعام در مکه نازل شده و مشتمل بر یکصد

و شصت و پنج آیه میباشد

(بنام خدای بخشنده مهربان)

ستایش خدا پر است که آسمان و زمین را آفرید روشنی و تاریکی را

قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ النَّارِ ۖ فَسَخَّرَ اللَّهُ أَعْيُنَ قَوْمِكَ وَلَوْ أَنَّ قَوْمَكَ يَعْقِلُونَ ۝
 طِينٍ ثُمَّ نَضَعُ بِاصْصَدْرِكَ صَرْصَرًا مِمَّا تَبْنِي ۚ وَنُفِثَ فِي السَّمَوَاتِ الْمُهَيَّاتِ ۚ وَفِي الْأَرْضِ نُفِثَ مِمَّا تَبْنِي ۚ وَنُفِثَ فِي السَّمَوَاتِ الْمُهَيَّاتِ ۚ وَفِي الْأَرْضِ نُفِثَ مِمَّا تَبْنِي ۚ وَنُفِثَ فِي السَّمَوَاتِ الْمُهَيَّاتِ ۚ
 تَكْسِبُونَ ۝ وَمَا أَنَا بِهِمْ مِنَ الْإِذِينَ يُلْقُونَ أَعْيُنَهُمْ تَحْتَ الْأَفْئِدَةِ ۚ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّهِمْ يُكَذِّبُونَ ۝
 فَتَقَدَّرَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ
 مَا كُنَّا فِي الْأَرْضِ إِلَّا بَعْدَ عِلْمٍ مُبِينٍ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ
 وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ جُرَيِّمَ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ
 مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ۝ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ قَوْمٍ آخَرِينَ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ
 بِأَيِّدِيهِمْ لَعَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا حُرُوفٌ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ
 لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ
 يُنْظَرُونَ ۚ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ
 ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ فَخَافَ بِالدِّينِ يَخِرُّ مِنْهَا مَنْ يَخِرُّ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ وَتَبَيَّنَ لَهُمُ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ ۚ
 يَدْبُرُ مَكْرَهُمْ ۚ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ۝ قُلْ لَنْ مَآ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ قُلْ لِلَّهِ كُتُبُ الْقُدْرَةِ ۚ
 الزَّحَاةُ يَجْمَعُهُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۚ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ ۚ قُلْ لَنْ مَآ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ قُلْ لِلَّهِ كُتُبُ الْقُدْرَةِ ۚ
 قُلْ لَنْ مَآ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ قُلْ لِلَّهِ كُتُبُ الْقُدْرَةِ ۚ قُلْ لَنْ مَآ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ قُلْ لِلَّهِ كُتُبُ الْقُدْرَةِ ۚ

و با آنکه ظلم آسمان و زمین دلیل یکتائی افریننده است) باز کافران
 بعدای خود شرک میآورند (۱۱) اوست خدائی که شمار از خاک (بیجان
 پست بلجان دانا و توانا) بیافرید پس فرمان اجل و مرگ را بر همه کس
 مسلط کرد و اجلی که معین و معلوم است بنزد او ست پس باز شک در آیات
 او خواهید کرد (۱۲) و اوست خدا در همه آسمانها و زمین که از نهان و آشکار
 شما باخبر است و بداند چه میکنید آگاهست (۱۳) هیچ آیتی از آیتهای الهی
 بر ایشان نیامد جز آنکه (از جهل و عناد) از آن روی گردانیدند (۱۴) حق را
 که بر آنها آمد جدا تکذیب کردند پس بزودی خبر آنانکه حق را بفسوس
 و سخریه گرفتند پشما می رسد (۱۵) آیا ندیدید پیش از ایشان چه بسیار
 گروهی را هلاک نمودیم و حال آنکه در زمین با آنها قدرت و تمکینی داد،
 بودند که شمارا ندادیم و از آسمان بر آنها باران رحمت ظاهر پیوسته
 فرستادیم و نه را در زمین بر آنان جاری ساختیم پس با آنکه با انواع نعمتهای
 ظاهر و باطن بهره مند شدند چون نافرمانی کردند آنها را هلاک نمودیم
 و گروهی دیگر را بعد از آنها برانگیختیم (۱۶) و اگر ما کتابی بر تو فرستیم
 در کافذی که آنرا بدست خود لمس کنند باز کافران گویند این نیست
 مگر سحری آشکار (۱۷) و گفتند چرا (اگر محمد (ص) رسول است) بر او
 فرشته نازل نمیشود و چنانچه فرشته بفرستیم کار تمام شود و دیگر لحظه ای
 آنها مهلت نخواهند یافت (یعنی کار آزمایش یاخر رسد و ما ندانم سالئه
 بدون مهلت هلاک شوند) (۱۸) و چنانچه فرشته ای نیز بر سالت فرستیم هم
 او را بصورت بشری در آوریم و بر آنان همان لباس کمر دمان پوشند
 پیوشانیم (۱۹) ای پیغمبر پیش از تو هم امم گذشته پیغمبران خود را سخت فسوس و
 استهزا میکردند پس آنان را و بال و کفر این عمل دامنگیر شد (۲۰) بگو ای
 پیغمبر که در روی زمین بگردید (و از حال امم گذشته جویا شوید) تا ما قیامت
 سخت آنها که تکذیب (آیات خدا و رسولان او) کردند مشاهده کنید (۲۱)
 ای پیغمبر (از این مفرگان) بهر س که هر چه در آسمانها و زمین موجود است بجز
 ملک خداست که بر خویش رحمت و بغضش را فرض و لازم کرده و البته شما
 را در روز قیامت که بی هیچ شک خواهد آمد جمع میکند و ولی کسانی
 که خود را (بفریب دنیا) دزدیان افکنند ایمان (با نروژ) نمیآورند
 (۲۲) هر چه در شب و روز آرامش یافته همه ملک خداست و او شنوا و

دانای همه امور است (۲۳)

قُلْ أَغْفِرُ اللَّهُ أَغْفِرُ لَنَا فَاغْفِرْ لَنَا يَا اللَّهُ وَابِ وَأَلَاَرْضِ هُوَ عَظِيمٌ وَلَا يُطْعَمُ
 قُلْ إِنِّي أَمِيرٌ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ١٠٠
 قُلْ إِنِّي خَافُ أَنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ١٠١ مَنْ يُصْرِفْ
 عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْقَوْمُ الْمُبِينُ ١٠٢ وَإِنْ يَمَسَّكَ
 اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسَّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ ١٠٣ وَهُوَ الْغَايُ مُرْقٍ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ١٠٤ قُلْ إِنِّي
 نَبِيٌّ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلْ اللَّهُ شَهِيدُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذِهِ
 الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَتَيْتُكُمْ لَتُنذِرُنَّ أَنْ مَعَ اللَّهِ
 إِلَهٌ آخَرُ غَلَّ عَلَى آفَاهُمْ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ الْوَاحِدُ وَإِنِّي بَرٌّ بِمَا
 تُشْرِكُونَ ١٠٥ الَّذِينَ اتَّبَعْنَا هُمُ الْكَاتِبُ بَعْرِفُونَهُ كَمَا بَعْرِفُونُ آبَنَاءَنَا هُمُ
 الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ قَالُوا لَا يُؤْمِنُونَ ١٠٦ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى
 اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْعِلُ الظَّالِمُونَ ١٠٧ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ
 جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا آيِنُ شُرَكَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُرَكَاءُ
 قُلُوبُهُمْ فَفَتَنَّا هُمُ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَوَّاهُ اللَّهُ رَبَّنَا مَا كَانُوا مُشْرِكِينَ ١٠٨
 أَنْظَرُ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ١٠٩ وَ
 مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْنَا وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ
 فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلِمَةً لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ

بگوای پیغمبر آیا غیر خدا را بیاری و دوستی بر میگزینی آفریننده
 آسمان و زمین خداست او بیخلق طعام و روزی میبخشد و خود از طعام بی
 نیاز است بگوای رسول من مأموم که اول شخصی که تسلیم حکم خداست
 باشم و نیز مرا گفته اند که البته از گروهی که بعد از من آوند نباشم (۱۴)
 بگو من اگر نافرمانی خدای خود کنم از عذاب آن روز بزرگ سخت میترسم
 (۱۵) کهر کسی در آن روز از عذاب بر عدما تا بر حمت خدا نائل گردد و این
 فیروزی و سعادت آشکار است (۱۶) و اگر از خدا بخواهی رسیده چنانکه جز
 خدا نتواند تو را از آن ضرر بر هاند و هم اگر از او بنویسی رسد (میچکس تواند
 آرا منع نماید) که او بر هر چیز تواناست (۱۷) بگوای پیغمبر خدا کمال
 اقتدار و توانائی را بر بندگان دارد و همیشه او در ستار و همه امور عالم
 آگاهست (۱۸) بگوای پیغمبر چه گواهی بزرگتر است (از گواهی خدا) بگو
 خدا مینماید و شما گواه است و وحی می کند بمن آیات این قرآن را تا به آن
 شما و هر کس از افراد بشر که خبر این قرآن پلو رسد پشاند آید شما
 گواهی دهید که با خدای یکتا خدا یان دیگر وجود دارد بگو من باین
 گواهی ندم بگو محققا جز خدای یکتا هیچ خدائی نیست و من از آنچه
 شما شریک خدا قرار میدید بیزارم (۱۹) آنا که ما کتاب توبه و انجیل
 را بآنها فرستادیم یا آنکه او را (یعنی محمدا) بمانند فرزندان خود می
 شناسند هم آنها هستند که خود را بزیان انداختند و ایمان نمی آوردند
 (۲۰) کیست متمکار تر از آنکس که بر خیدا دروغ بست یا آیات خدا را
 تکذیب کرد هرگز متمکاران را در دو عالم فلاح و رستگاری نخواهد بود
 (۲۱) روزیکه همه آنها را جمع آوردیم پس به آنها که بخدا شرک آوردند
 گوئیم بکجا شدند آنها که بکمان شما شریک خدا بودند (۲۲) پس از
 آن همه فریفتگی به بتان در پیشگاه حق مندری نیابند جز آنکه از بتان
 بیزاری جسته و بدروغ گویند ما هرگز شرک بخدا نیاوردیم (۲۳) بشکر
 که چگونه خود را تکذیب کردند و آنچه بدروغ بر خدا بسته و شریک
 حق قرار دادند همه محو و نابود شد (۲۴) بعضی از آنان بسخن تو گوش
 فرا دارند ولی برده بردلهاشان نهاده ایم که فهم آن نتواند کرد و گوشهای
 آنها از شنیدن حق سنگین است که اگر همه آیات الهی را مشاهده کنند
 باز بدان ایمان نمی آورند تا آنجا که چون نزد تو آیند

يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ
وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ
مَا يَشْعُرُونَ ٥ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ ذُقُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا
رُتِدْ وَلَا نُمْكِنَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ٦ بَلْ مَا لَهُمْ
مَأْكَلُوا يَخْفُونَ مِنْ قَبْلِ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ
لَكَاذِبُونَ ٧ وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ٨
وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ ذُقُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِأَحْسَنَ مِمَّا كُنَّا عَلَىٰ
وَرَبِّنَا قَالُوا قَدْ نَعْلَمُ الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ٩ قَدْ نَعْلَمُ
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا اللَّهُ أَحْسَنُ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَعْدَ مَا ظَنُّوا
بِالْحُسْنَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْدَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ
إِلَّا أَسَاءَ مَا يَرْثُونَ ١٠ وَمَا نَجْحُوهُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ١١ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَمَنْزِلُكَ
الَّذِي يَقُولُونَ فَاتَمِّمْ لَآيِكَ بِرُءُوسِكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ
يَجْحَدُونَ ١٢ وَلَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبْرُ أَعْيُنَا عَلَىٰ كَذِبِهِمْ
وَإِذْ ذُوحَاتٍ أَتَتْهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مَسْجِدَ إِلَّا كَيْلَانِ اللَّهُ وَلَقَدْ جَاءَكَ
مِنْ نَبَأِ الْمُرْسَلِينَ ١٣ وَإِنْ كَانَ كِبَارُكَ إِغْرَاضَهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
أَنْ يَنْتَقِي نَفَقَاتِ الْأَرْضِ وَرُسُلُنَا فِي السَّمَاءِ فَتَاتِهِمْ بِآيَاتِنَا وَلَوْ

در مقام مجادله برآمده گویند این آیات چیزی جز افسانه‌های پیغمبریان نیست (۴۵) حق سبحانه و تعالی که هم مردم را از فیض آیات خدا منع میکند و هم خود را از آن محروم میدارند و قائل از آنند که تنها خود را بهلاکت میافکنند (۴۶) و اگر حال آنها را هنگامیکه بر آتش و دوزخشان بازدارند مشاهده کنی که در آن حال با نهایت حسرت میگویند ای کاش ما را بدینا باز میکردانیدند تا دیگر آیات عداای خود را تکذیب نکرده و بدان ایمان میآوردیم (۴۷) آری احوال قیامت که پیش از برآنها مستور بود آشکار شود و اگر بار دیگر بدینا برگردند باز همان احوال ذشتی که از آن نهی شدند اعاده خواهند کرد و دوزخ میگویند که دیگر کار بد نخواهیم کرد (۴۸) و کافران گفتند جز زنده گانی دنیا زندگی دیگر نخواهد بود و ما هرگز بعد از مرگ زنده نخواهیم شد (۴۹) اگر سختی حال آنها را آنگاه که در پیشگاه عدل خدا بازداشته شوند مشاهده کنی که خدا با آنها خطاب کند: یا عذاب قیامت حق نبود جواب دهند پروردگارا قسم بذات تو که بعد حق بود پس خدا متاب کند که اینک عذاب را بکثیرتر چه عید (۵۰) آنانکه لقاء خدا را تکذیب کردند البته زیانکار شدند پس آنگاه که ساعت قیامت ناگهان آنها را فرا برسد گویند وای بر ما که آسایش و مساحت این روز خود را از دست بدادیم پس بارگناهان خویش را بر پشت گیرند آری بدکارگرانی بدوش میگیرند (۵۱) دنیا جز بازیچه کودکان و هوسرانی پیگردان هیچ نیست و صافا سرای دیگر اهل تقوی را نیکوتر است آیا تغفل و اندیشه در این نمیکند (۵۲) ما میدانیم که کافران در تکذیب تو سخنانی میگویند که ترا افسرده و غمگین میسازد که آن متمسکاران نه تنها ترا بلکه همه آیات و مولان خدا را انکار میکنند (۵۳) چه قدر پیغمبران پیش از تو را هم تکذیب کردند که آنها با همه لذت‌های متکبران سیر و تحصیل کردند تا آنکه کم‌تفاوت و پاری ما شامل حال آنها شد هیچکس کلمات خدا را تغییر نتواند داد و اخبار پیغمبران پیش بنویسد (۵۴) ای پیغمبر چنانچه ما تکرار و تشرافش آنها نمودا مستحسنا به اگر توانی شبی خدمتین بساز یا فردایی بر آسمان بر فراز آتانی بر آنها آوری و اگر

سَاءَ اللَّهُ يَجْمَعُهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونُ مِنَ الْغَالِيِينَ ۝ اِنَّمَا
 يَجْعِلُ لِلَّذِينَ يَهْتَمُونَ وَالْمُؤْمِنِينَ بِعَمَلِهِمْ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ
 ۝ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ اِنَّ اللَّهَ فَادٍ عَلَى
 اَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي
 الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا اَتَيْنَاهُ مِنْ اَمْرٍ اَمْسَا لَكُمْ مَا فَرَّطْنَا
 فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ يُعْشَرُونَ ۝ وَالَّذِينَ كَذَبُوا
 يَا بَايَا نَاصِهِمْ وَبُكُوا فِي الظُّلُمَاتِ مِنْ يَسَاءِ اللَّهُ يُضِلُّهُ وَمَنْ يَبْطِ
 يَجْعَلُهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ قُلْ اَرَأَيْتُمْ اِنْ اَتَيْكُمْ عَذَابُ اللَّهِ اَوَ الْكُفْرُ
 السَّاعَةِ اَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ بَلْ اِنَاءُ تَدْعُو
 فَيَكْفُرُ مَا تَدْعُونَ اِلَيْهِ اِنْ سَاءَ وَتَسْؤُنَ مَا تُشِيرُونَ ۝
 وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلَى اِيْمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَاَخَذْنَا مِنْهُ بِالْبَاسِ اَوْ
 الضَّرَرِ اَلْعَلَمُ يَنْتَصِرُونَ ۝ قُلُوْا لَا اُذْجِبُكُمْ بِمَا نُنَاصِرُكُمْ
 وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوْبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوْا يَعْلَمُونَ ۝
 فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ ابْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ فَحَتَّى اِذَا فُرِجُوا
 مِنْهَا اَوْ تَوَاخَذَ نَافَهُمْ بَغْتَةً فَاِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ۝ فَطُغِيَ ذُلُّ الْقَوْمِ
 الَّذِينَ قَالُوْا اَوَلَمْ نَحْمَدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ۝ قُلْ اَرَأَيْتُمْ اِنْ اَخَذَ
 اللَّهُ تَمَتُّعَكُمْ وَاَبْصَارَكُمْ وَجَعَلَ قُلُوْبَكُمْ زُجْجًا مِّنْ اِلَهٍ غَيْرِ اللَّهِ

خدا میخواست همراهِ مجتمع بر هدایت میگردید پس نو البتہ از آنجا ملائ
 میباش (۳۸) (ای رسول) دعوت ترا تنها زنده دلان عالم که گوش شنوا
 دارند اجابت کنند (ومرده دلان کفر را حق و روح ایمان تواند داد)
 که خدا مردگان را برانگیزد تا بسوی او بازگردند (۳۹) کافران
 گفتند چرا بر او معجزه و حجتی از خدا فرود نیامد بگوای پیغمبر خدا
 بر اینکه آیتی فرستاده است ولیکن بیشتر مردم از قدرت کامل حق پیغمبرند (۴۰) محتسبا
 بدانید که هر جنبنده در زمین و هر پرندۀ که بدو بال در هوا پرواز میکند
 همگی طایفهای مابین شما نوع پسر هستند مادر کتاب آفرینش بیان هیچ
 چیز را فروگذار نکردیم آنگاه همه بسوی پروردگار خود محصور میشوند
 (۴۱) و آنانکه آیات خدا را تکذیب کردند و گنگه در ظلمات جهل
 پسر پرند و مشیت الهی هر کس را خواهد گمراه سازد (یعنی پس از اتمام
 حجت او را بخود واگذار تا گمراه شود) و هر که را خواهد پراه
 راست هدایت کند (۴۲) بگوای پیغمبر که اگر عذاب خدا یا ساعت
 مرگ شما فرا رسد چه خواهید کرد آیا در آن ساعت سخت غیر خدا را
 میخوانید اگر راست میگوئید (۴۳) بلکه در آن هنگام تنها خدا را
 میخوانید تا اگر مشیت او قرار گرفت شما را از سختی برهاند و آنچه را
 که با خدا شریک قرار میدادید بکلی فراموش میکنید (۴۴) و ما
 پیغمبرانی بسوی امتان از تو فرستادیم بیلا و ممیبتها گرفتارشان ساختیم
 شاید که بدرگاه خدا گریه و زاری کنند (۴۵) چرا و قتیکه بلامباه آنها
 میرسد توبه و تضرع و زاری نکردند بدین سبب نکردند که دلهایشان را
 قساوت فرا گرفت و شیطان کردار زشت آنها را در نظرشان زیبا نمود (۴۶)
 پس چون آنچه (از نعم الهی) بآنها تذکر داده شد همراهِ فراموش نمودند
 ما هم (برای اتمام حجت) ابواب هر نعمت را بر روی آنها گشودیم تا بنمی
 که بآنها داده شد شادمان و مغرور شدند پس تا گاه آنها را بکیفر اصنافان
 گرفتار کردیم که آن هنگام غوار و نا امید گردیدند (۴۷) پس بکیفر
 ستمگری ریشه گروہ ظالمان کنده شد و ستایش خدا پرست که پروردگار
 جهانیاست (۴۸) بگوای پیغمبر اگر خدا گوش و چشمهای شما گرفت
 و مهر بر دل شما نهاد آیا خدایی غیر خدا هست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا انظُرُوا إِلَى آيَاتِ اللَّهِ ثُمَّ اصْنَعُوا فِئَتًا مِّنَ الْأُمَمِ
 أَتَنكُرُونَ عَذَابَ اللَّهِ بَشَاءٌ لَّكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا لَعْنَةٌ وَلَكُمْ فِيهَا آيَاتٌ لِّلَّذِينَ يَنظُرُونَ
 وَمَا يُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا هُمُ الْمُكَذِّبُونَ
 يَكَاذِبُونَ يُضْعِفُونَ كُلَّ آيَةٍ لَّا تَأْتِيهِمْ إِلَّا لَعْنَةُ اللَّهِ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
 الْغَيْبَ وَلَا آيَاتِ اللَّهِ قُلْ إِنِّي أَنبِئُكُمْ بِمَا هُوَ حَقٌّ قُلْ أَصْلَحْ
 بِسَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تَتَّبِعُوا سَبِيلَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَلَكُمْ فِيهَا لَعْنَةٌ وَلَكُمْ فِيهَا آيَاتٌ لِّلَّذِينَ يَنظُرُونَ
 أَن يُبَشِّرُوا إِلَى نَجَاتٍ لِّبَشَرٍ مِّن دُونِهِ وَلِيٍّ وَلَا تَتَّبِعُوا سَبِيلَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 وَلَا تَطُورُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدْوِّ وَالْعَيْشِ يُرِيدُونَ
 وَجْهَهُمَا عَلَيْهِمْ مِنْ جَنَّةٍ مِّن دُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا آيَاتٌ لِّلَّذِينَ يَنظُرُونَ
 لِيَقُولُوا أَمْثَلُ أَمْثَلُ أَمْثَلُ أَمْثَلُ أَمْثَلُ أَمْثَلُ أَمْثَلُ أَمْثَلُ أَمْثَلُ أَمْثَلُ أَمْثَلُ
 وَإِذَا جَاءتِ الْآيَاتِ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا قُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَذَّبْتُمْ
 رَبُّكُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمُ الرِّجْزَةَ أَنَّهُمْ عَمِلُوا بِكُذُوبٍ وَجْهًا لِّلَّذِينَ
 نَابُوا مِنْ بَعْدِهِمْ وَأَصْلَحَ فَأَمَّا غَفُورٌ دَمِيمٌ وَكَذَلِكَ نَقُصِّلُ
 الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُفَسِّحُونَ قُلْ إِنِّي خَشِيتُ أَن آتِيَهُمُ
 الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا آتِيَهُمْ أَمْوَالُهُمْ قَدْ ضَلَّتْ

که این نعمتها بشما بازدهد بنگر که ما چگونه آیات را (با انواع بیان) روشن می گردانیم باز آنها چگونه (بنادانی) اهراس میکنند (۳۸) بگوای پیغمبر چه خواهید کرد اگر عذاب خدا شما را بنگاه پنهان یا آشکار درسد آیا کسی بهتر گروه ستمکاران را خواهد شد (۳۹) ما پیغمبر انرا جز بر آنکه خوبان را (مژده دهند) بدان را (پرساتند) نفرستادیم سپس هر کس ایمان آورد و کارشایسته کرد هرگز پراویم نیست و ابد اندوختن نخواهد بود (۴۰) و هر که آیات ما را تکذیب کرد یا نماند در اثر فسق و زشتکاری عذاب خواهد رسید (۴۱) بگوای پیغمبر من شمارا نمیگویم که گنجهای خدا نزد من است و نه آنکه از غیب (الهی) آگاهم و نمیگویم که من فرشته ام من پیروی نمیکنم جز آنچه را که بمن وحی میرسد بگوای (ا) کور و بینا) برای ندای فاکر و اندیشه نمیکنند (۴۲) و آنرا که از حضور در پیشگاه عدل خدا ترسان و هراسانند آیات قرآن متنبس از و بترسان که جز خدا آنها را پآوری و شفیعی نیست باشد که پر هیز کار شوند (۴۳) آنرا که صبح و شام خدا را میخوانند و مراد و مقصد ایشان فقط خداست آنها را از خود مران که نه چیزی از حساب آنها بر توره چیزی از حساب تو بر آنهاست پس تو اگر آن خدا پرستار از خود برای استمکران خواهی بود (۴۴) و همچنین ما برخی را به برخی دیگر بیامودیم تا آنکه گویند آیا این فقیرانرا خدا در میان ما برتری (به نسبت اسلام) داد یا اعدا از این منکران باحوال سیاسی گزاردان دانای نیست (۴۵) و هرگاه آنکه آیات ما میگردند نزد تو آیند بگو سلام بر شما باد خدا بر خود رحمت و مهربانی و افرض نمود که هر کس از شما کار زشتی بنادانی کرد و بعد از آن باز توبه کند و اصلاح نماید البته خدا

بخشنده و مهربانست (۴۶) همچنین ما آیات را متصل بیان کنیم تا کلام را راه گدازان (و طریق نیکان) مبین و آشکار شو (۴۷) بگوای پیغمبر که خدا مرا از

خدا مرا از پرستش آن نعمایان باطل که شما میپرستید منع فرموده بگو من پیروی هوسهای شما نکنم تا مبادا گمراه شده

اِنَّا وَمَا آتَاكُم مِّنَ الْمُهَيِّدِينَ ﴿١﴾ هَلْ اِنِّى عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّى وَكَذَّبْتُمْ بِهِ
 مَا عِندِى مَّا تَسْتَعْجِلُوْنَ بِهٖ اِنْ اِلَّاهُ يَفْضُلُ الْحَقَّ وَ
 هُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ﴿٢﴾ قُلْ لَّوْ اَنَّ عِندِى مَّا تَسْتَعْجِلُوْنَ بِهٖ لَفِى
 الْاٰخِرَةِ نَبِيٌّ وَبَيِّنَةٌ وَّاَللّٰهُ اَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ﴿٣﴾ وَعِندَهُ مَقَاتِلُ
 الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِى الْبُرْجِ وَالْخَمْرِ مَّا تَعْطُمْنَ مِنْهُ
 اِلَّا بِعِلْمِهَا وَلَا اجْتِهَادٍ فِى ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ اِلَّا فِى
 كِتَابٍ بَيْنِ يَدَيْهِ هُوَ الَّذِى يُوقِدُكُمْ بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَرْتَحِمْنَ بِالنَّهَارِ
 ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ اَجَلٌ مُّثْنِى زُرْ اِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُبَيِّنُكُمْ
 عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٤﴾ هُوَ الْعَالِمُ بِرُوحِ عِبَادِهِ وَرُسُلِ عَلَيْهِ
 حَفَظَةٌ حَتّٰى اِذَا جَاءَ اَحَدُكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّقُوْنَ
 ثُمَّ رُدُّوْا اِلَىٰ اللّٰهِ مُوَلَّدُهُمْ لِنَحْيِ الْاِلٰهَ الْحَكْمَ وَهُوَ سَرِيعُ الْحَاسِبِ
 هَلْ مِّنْ يَّجْبِيْكُمْ مِّنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ نَدْعُوْهُ فَتَضَرَّعًا وَ
 خُفْيَةً لَّنْ اُجِبْنَابُنْ هٰذِهِ لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ ﴿٥﴾ هَلْ اِلٰهُ
 يَجْبِيْكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ اَنْتُمْ تُشْرِكُوْنَ ﴿٦﴾ هَلْ هُوَ الْغَادِيْ طَا
 اَنْ يَّبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ قَوْفِكُمْ اَوْ مِّنْ نَّحْيِ اَرْجُلِكُمْ اَوْ يَلْبِسَكُمْ
 شِيْعًا وَيُبَدِّلَ بَعْضَكُمْ مِّنْ اَنفُسِكُمْ كَيْفَ تَعْرِفُ الْاٰيَاتِ لَعَلَّكُمْ
 تَتَّقُوْنَ ﴿٧﴾ هُوَ كَذَّبَ بِرُوحِ قَوْمِكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَّكَ عَلَيْهِمْ كُفْرُكُمْ

وراء هدایت نیایم (۵۶) بگو من هر چه از خدا میگویم با بینه و برهان است و شما از جهالت تکذیب آن میکنید عذایی که شما تمجیل میکنید امر آن بدست من نیست فرمان جز خدا را نخواهد بود او بحق دستور دهد و او بهترین حکم فرمایان است (۵۷) بگو ای پیغمبر اگر بدست من بود عذایی که بتمجیل میطلبید گرمیان من و شما خاتمه مییافت و خدا باحوال ظالمان آگاه تر است (۵۸) و کلید خزائن غیب نزد خداست کسی جز خدا بر آن آگاه نیست و نیز آنچه در خشکی و دریاست همه را میداند و هیچ برگی از درخت نیست مگر آنکه او آگاهست و هیچ دانه در زیر تاریکیهای زمین و هیچ ترو خشکی نیست جز آنکه در کتابم بین (و قرآن عظیم) مسطور است (۵۹) و اوست خدائیکه چون شب به خواب میرود بجان شمارا نزد خود برده و شما را میسر اندو کرد در شمارا در روز میداند و پس از آن مرگ و موقت خواب شمارا بر میانگیزاند تا باجلی که در قضا و قدر او معین است برسید سپس هنگام مرگ بسوی او باز میگردد تا به نتیجه آنچه کرده اید شما را آگاه گرداند (۶۰) و اوست خدائیکه قهر و اقتدارش مافوق بندگان است و برای حفظ شما فرشتگان را به نگهبانی میفرستد تا آنگاه که هنگام مرگ یکی از شما فرا رسد رسولان ما او را میبرانند و در قبض روح شما هیچ تغییری نخواهند کرد (۶۱) سپس بسوی عذای عالم که به حقیقت مولای بندگانت باز میگرددند آگاه باشید که حکم خلق با خداست و او زودتر از هر محاسبی بحساب خلق رسیدگی تواند کرد (۶۲) بگو ای پیغمبر آن کس که شمارا از تاریکیها و سختیهای بیابان و دریا نجات میدهد که او را بنضرع و زاری و از باطن قلب میخوایند که اگر ما را از این مهلکه نجات داد پیوسته شکر گذار او هستیم (۶۳) بگو خداست که شمارا از آن سختیها نجات میدهد و از اندوه میرهاند باز هم باو شکر میآورد (۶۴) بگو او تواناست که بر شما عذاب و پلائی از آسمان یا زمین (فرستد) یا شما را با اختلاف کلمه و پراکنندگی و مخالفت در افکند و بسنی را به عذاب بخشی گرفتار کند بنگر چگونه ما آیات خود را بطریق مختلف بیان میکنیم باشد که مردم چیزی بشنوند (۶۵) و قوم تو آنرا (یعنی آیات خدا و قرآنرا) تکذیب کردند در صورتیکه حق محض هم آن بود بگو ای پیغمبر من نگهبان شما نیستم

يُؤَيِّدُ كُلَّ بَيِّنَةٍ تَقْرَأُ وَتُؤَيِّدُ تَعْلَمُونَ ۝ وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ
يَخْرُصُونَ فِي آيَاتِنَا فَلَعْنَةُ عَمَّا نَمُوتُ حَتَّى يَخْرُصُوا فِي حَدِيثِ
عَجْرَةٍ وَإِنَّا لَبَلَّسْنَاكَ الشَّيْطَانَ فَلَا تَقْعُدَ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝
وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حُلَايِمٍ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذَكَرْنَاهُمْ لَعَلَّهُمْ
يَتَّقُونَ ۝ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَوَالُ
الدُّنْيَا وَذَكَرْنَاهُ أَنْ يَنْسَلِفُوا كَمَا كُتِبَ لِقَوْمِهِمْ فِي دُونِ اللَّهِ
وَلَيْسَ لَهُمْ شَيْءٌ وَلَا تَنْفَعُهُمْ وَإِنْ تُعَدِّلْ كُلَّ عَدْلٍ لَأَخُونَهُمْ فِيهَا أُولَئِكَ
الَّذِينَ أَسْلَمُوا بِمَا كُتِبَ لَهُمْ مِنْ حَبِيمٍ وَعَذَابُ آيِمٍ بِمَا
كَانُوا يَكْفُرُونَ ۝ قُلْ أَدْعُوا إِلَى دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا
يَضُرُّنَا وَتَرُدُّ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا اللَّهُ كَالَّذِينَ هَتَمُوا
الْكِتَابَ طِينَ فِي الْأَرْضِ خَبْرًا إِنَّ لَهُ أَصْحَابًا يَدْعُونَهُ إِلَى الْهَدْيِ لَنُشِيرَ
قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ فَمَا هُوَ الْهُدَى وَأَمَّا الْبُلُغُ لِلْعَالَمِينَ ۝ وَإِنْ
أَعْيَبُوا الصَّلَاةَ وَآتَقُوا وَهُوَ الذِّكْرُ الْبَلَّاسُ ۝ وَهُوَ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَالْحَيَّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلَهُ لَمَنْ
قَالَ الْمَلِكُ يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ الْقَهَادَةُ وَهُوَ الْحَكِيمُ
الْجَبَّارُ وَإِذْ قَالَ لِلْأَنْبِيَاءِ إِسْمِي إِذْ رَأَيْتُمْ أَصْنَامَكُمْ إِتَى
أَرْبَكَ وَتَوَسَّلَ فِي ضَلَالٍ بُيُوتٍ ۝ وَكَذَلِكَ نُرِي الْإِنْسَانَ

(۹۶) برای هر خبری که پیغمبران بهما دادند وقت مبینی است و بزودی بر ساق آن آگاه میشوید چون گروهی را دیدی که برای خورده گیری وطن زدن در آیات ما گفتگو میکنند از آنان دوری گزین تا در سخنی دیگر وارد شوند و چنانچه شیطان البته فراموش ساخت بعد از آن که مستذکر کلام خدا شدی دیگر با گروه ستیگران مجالست مکن (۹۷) هر کسانیکه پرهیز کارند عقوبت حساب بدکاران نخواهد بود لیکن قطر بر آهناست که بدانرا منذر سازند شاید از کار خود پرهیز کنند (۹۸) ای رسول آنان را که دین خود را بازیچه و وسرانی گرفتند و زندگانی دنیا آنها را فریب داد بحال خود را گذار و مینقدر با آنها تذر کرده که هر کس بعمل خود عاقبت گرفتار میشود و هیچکس را جز خدا داد درس و شفعی نیست و هر چه برای آسایش خود از عذاب (قیامت) فضا دهد از او نپذیرند آنها همان کسانی هستند که عاقبت بهلاکت میرسند و یکفر کفرشان بهرایی از حیم چون عذابی دردناک گرفتار میشوند (۹۹) بگوای پیغمبر که ما چرا خدا را رها کرده و چیزی را مانند بتان که هیچ قادر بر شمع و ضرر ما نباشد بهمانی بهوانیم و باز بهوی جاهلیت بعد از آنکه خدا ما را هدایت نمود بر گردیم تا مانند کسیکه فریب و اغوای شیطان او را در زمین سرگردان ساخته است شویم آن شیطان را یار نیست که شخص را پسوی خود هدایت میکند بگو هدایت خدا بحقیقت هدایت است و ما ما مورم که تسلیم فرمان خدای جهان باشیم (۱۰۰) و نماز بپا دارید و از خدا بترسید که پسوی او محسور میشود (۱۰۱) و اوست خدائیکه آسمان ها و زمین را بحق آفرید و روزیک خطاب کند که موجود باش آن چیز بیدار که موجود خواهد شد سخن او حق است و پادشاهی عالم روزی که در سور بدمند تنها با اوست و ذاتی نهان و آشکار خلق اوست و هم او پدید خلق دانا و پر همه چیز عالم آگاه است (۱۰۲) یاد کن وقتی را که ابراهیم بیدار آذر گفت آیا پنهانها بخدای اختیار کرده ای و من راستی تو و پیروانت را در گرامی آشکار می بینم (۱۰۳) و همچنین ما با ابراهیم

مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لِيَكُونَ مِنَ الْمُؤْتِقِينَ ﴿١﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ
 اللَّيْلُ دَامِيَ كُوكِبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُجِبُ الْإِنسَانَ ﴿٢﴾
 فَلَمَّا رَأَى الْقُرْآنَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَنْدِئْهُ
 رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ ﴿٣﴾ فَلَمَّا رَأَى النَّهْرَ بَازِغَةً قَالَ
 هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِحْتُ مِمَّا تَشْكُرُونَ
 ﴿٤﴾ وَإِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَ
 مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٥﴾ وَخَاطَبَهُ قَوْمُهُ قَالَ اتَّخَذْتُمْ لِي شُرَكَاءَ
 هَؤُلَاءِ وَلَا خَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَن يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ
 رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٦﴾ هَكَيفَ خَافَ مَا أُشْرِكُكُمْ
 وَلَا تَخَافُونَ أَتَكْبَرُ أَشْرَكُمْ بِاللهِ مَا يَنْزِلُ بِهِ عَلَيْهِ كُودٌ مُلْطَانًا
 فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٧﴾ أَلَدِينِ امْتُوا
 وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٨﴾
 وَلِلَّهِ جَنَّاتُ انبثًا مَّا يُزْهِيمُ عَلَى قَوْمِهِ يَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن يَشَاءُ
 إِنَّ ذَٰلِكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٩﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا
 وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ
 وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٠﴾ وَذَكَرْنَا
 وَجْهَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَجَّهًا لِلْعَالَمِينَ ﴿١١﴾ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢﴾

ملکوت و باطن آسمانها و زمین را اراکه دادیم تا بشما هدایت یمن رسد (۷۵)
 پس چون شب تاریک نمود ارشد ستاره رخسانی دید گفت این پروردگار
 من است پس چون آن ستاره غروب کرد و تا بود شد گفت من چیزیکه تا بود
 گردد بخدائی نخواهم گرفت (۷۶) پس چون ماه تابان را دید باز برای
 هدایت قوم گفت این خدای من است و قتی که آن هم تا بود شد ماه پرستان
 را متذکر ساخت که آن نیز خدا نباشد و گفت اگر خدای من مرا هدایت
 نکند معنائی که من از گروه گمراهان عالم خواهم بود (۷۷) پس چون
 خورشید در رخسان درآمد باز برای ارشاد قوم گفت اینست خدای من این
 از آن ستاره و ماه با عظمت تر و روشن تر است چون آن نیز تا بود گردید گفت
 ای گروه مفرکان از آنچه شما شریک خدا قرار میدید از همه بیزارم (۷۸)
 من با ایمان خالص روی بسوی خدائی آوردم که آفریننده آسمانها و زمین
 است و من هرگز با مشرکان موافق نخواهم بود (۷۹) قوم ابراهیم با او
 در مقام خصومت و احتجاج برآمدند گفت آیا با من در خدا محاجه میکنید
 و حال آنکه حقیقتاً خدا مرا هدایت کرد و هیچ از آنچه شما شریک خدا
 میخوانید بیمی ندارم مگر آنکه خدا بر من چیزی بیمنانک نخواهد پروردگار
 من همه موجودات علمش محیط است شما آیا متذکر این حقیقت
 نمیشوید (۸۰) و من چگونه از آنچه شما شریک خدا قرار میدید برترسم
 در صورتیکه شما از شرک بخدا آوردن نمی ترسید با آنکه هیچ برهان و حجتی
 بر آن شرک ندارید آیا کدامیک از ما یا یعنی سزاوار تریم از خدایان بی اثر
 باطل باید ترسند یا از خدای دانای مقتدر اگر شما فهم بعضی می کنید
 (۸۱) تا آنکه ایمان بخدا آورده و ایمان خود را بظلمتست نیاوردند ایمانی
 آنها راست و من آنها بحتیقت هدایت یافته اند (۸۲) اینست حجتی که
 ابراهیم را بر قومش دادیم ما مقام هر که را نخواهیم رفیع می گردانیم
 خدای تو بنظام و صلاح عالمیان پیرو دانا است (۸۳) و ما با ابراهیم
 اسحق و یعقوب را احسان کردیم و صمد را پسر راست بداشتیم و نوح را نیز پیش
 از ابراهیم و فرزندانش داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون
 هدایت نمودیم و همچنین نیکوکاران را پاداش نیک خواهم داد (۸۴) و هم
 زکریا و یحیی و عیسی و الیاس همه از نیکوکارانند (۸۵) و نیز اسمعیل و یسح

وَيُؤْتِ لَوْطًا وَكَرَّاهَتَنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَمِنَ الْبَاقِينَ وَ
 ذُرِّيَّائِهِمْ وَأَخَوَانَهُمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝
 ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِرَّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا
 لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ
 وَالْحِكْمَ وَالنَّبُوءَةَ لَوْنُ يَكْفُرُ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا
 لَئِيْ يَكْفُرُوا بِهَا ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فِيمَهُمْ أَمْنًا
 فَلَا آسَاسَ لَهُ عَلَيْهِمْ أَجْرٌ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝ وَمَا
 قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى نَبِيٍِّّ قَدَرًا
 مِنْ أَنْزَلِ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ
 فَنَسُوا نُبَا قُرْآنِهِمْ فَبَدُّوا قَتْلَهُ وَتَقَفُوا كَكَيْرًا وَعَلِمَتْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا
 أَنْهُمْ وَلَا آبَاؤُكَ قَالُوا قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ۝ وَ
 هَذَا الْكِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكًا مُّصَدِّقًا لِلَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ
 أُمَّةً لَّعْنَةً وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ
 عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَأَعَادَ
 أُوحِيَ إِلَيْكَ وَلَمْ يُوْحِ إِلَيْهِ نَبِيٌّ وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلَ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ
 اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا
 أَيْدِيَهُمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ

و یونس و لوط از شایسته گانند و ماهمه آن پیغمبران را بر عالیشان برتری دادیم (۸۶) و نیز برخی از پدران و فرزندان و برادران آنها را فضیلت داده و بر دیگران آنان را برگزیدیم و براه راست هدایت نمودیم (۸۷) این است رهنمائی خدا که بآن هر يك از بندگانش رامیخواهد هدایت میکند و اگر بعد از شرك آورند اعمال آنها را ناپود میسازد (۸۸) آنها کسانی بودند که ما آنها را کتاب و فرمان و نبوت عطا کردیم پس اگر این قوم بآن کافر شوند ما قومی را که هرگز کافر نبودند (و همیشه از دل و جان مانند علی (ع) و شعیبان و ایمان دارند) برگماریم (۸۹) آنها یعنی (پیغمبران) کسانی بودند که خدا خود آنها را هدایت نمود تو نیز از راه آنها پیروی نما و استرا بگو که من مزد رسالت از شما نمیخواهم جز آنکه میخواهم اهل عالم بیاد خدا منذر شوند (۹۰) آنها که گفتند خدا بر همه یکس از بشر کتابی فرستاده خدا را نشناختند ای پیغمبر با آنها پاسخده که کتاب تو راتی را که موسی آورد و در آن نور و علم و هدایت خلق بود که (غیر حق) بر او فرستاد که شما آیات آن را در اوراق نگاشته بستی را آشکار نمودید و بسیاری را پنهان داشتید و آنچه را شما و پدرتان نمی دانستید از آن پیاموختید (که رسول و کتاب فرستد) بگو آن خداست آنگاه آنها را بگذار باز پیچ خود فرو روند (۹۱) و این (قرآن) کتابی است که ما فرستادیم با هر کس بسیار تا گواه صدق سایر کتب آسمانی که در مقابل اوست باشد و بخلق را از اهل محک و هر که با طراف اوست همرا با ندوز و پندهای خود متنبه سازد و البته آنان که بمال آخرت ایمان آوردند باین کتاب نیز ایمان خواهند آورد و آنها نمازشان را محافظت خواهند نمود (۹۲) و کیست شکرگزار از آن کس که بر خدا دروغ بپند و پاوسی یا و نه پیچیده گوید بمن و حی می رسد و نیز گوید من هم محققا مانند آن کتاب که خدا فرستاده خواهم آورد و اگر فصاحت و معنی حال متمسکین را به بینی آنگاه که در سکران صوت گرفتار آیند و فرشتگان برای قهقری روح آنهاست قهر و قدرت بر آورند و گویند که جان از تن جدا گشته ام و ز کيفر عذاب خواری می کشم چنین

بر خدا سخن بنام حق می‌گفتید و از حکم آیات او گردن کشی و تکبر می نمودید (۹۳) و محققا شما یکایک (برای حساب) بسوی ما باز آید بدان گونه که اول شما را بیا فریدیم و آنچه را که از مال و جاه به شما داده بودیم همه را پشت سر افکنید و آن شفیمان که بغیال باطل بنبع خود می پنداشتید همه نابود شوند میان شما با آنها جدائی افتد (۹۴) خداست که در جوف زمین و انوشتر امیشکا قدوزنده و از مرده و مرده را از زنده پدید آورد (زنده را مانند بدن انسان بمیراند و مرده را مانند نطفه حیوة بهشد) آنکه چنین تواند کرد خداست چرا بدروغ نسبت خدائیرا بآنان که این کار نتوانند دهید (۹۵) خداست که شکافنده پرده صبحگاهان و شبدا برای آسایش خلق او مقرر داشته و غور شد و ما را بنظمی معین او بگردش آورده ابن خدای مقتدر داناست (۹۶) و نیز اوست که چراغ ستارگان در ابرای رهنمایی شما در تار و پیکهای بیابان و در یاروشن داشته همانا آیات خود را برای اهل فهم بتفصیل بیان کردیم (۹۷) هم اوست خدائی که همه شما را از یک تن در آرمگاه (رحم) و ودیعت گاه (صلب) بیا فریدمانیکو آیات خود را برای اهل بصیرت مفصل بیان نمودیم (۹۸) و هم اوست خدائی که از آسمان باران فرو بارد تا هر نبات بدان پرویانیم و سبزه هارا از زمین برون آریم و در آن سبزه ها دانهای که بروی هم چیده شده پدید آریم و از نعل خرما خوشمعی پیوسته بهم برانگیزیم و باغهای انگور و زیتون و انار که برخی شبیه و برخی نامشابه بهم است خلق کنیم شما در آن باغها هنگامی که میوه پدید آید و برسد بچشم تمقل بنگرید که در آن آیات و نشانههای قدرت خدا برای اهل ایمان هوسداست (۹۹) و کافران گروهی (مانند مجوس) اهریمنان را شریک خدا شمرند در صورتیکه آنها آفریده خدا هستند و گروهی (چون اهل کتاب و مشرکین قریش) (مزیر و مسیح و فرشتگان را) پسران و دختران خدا پنداشتند در صورتی که خدا از همه این نسبتها که بر او وصف کنند برتر و منزّه است (۱۰۰) اوست پدید آورنده آسمان و زمین و چگونگی ویرانگری و توفیق و بدو صورتی که او را جفتی نیست

وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ يَكِلُ شَيْءٌ عَلَيْهِمْ ۝ وَلَئِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا
 هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاَعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝ لَا تَحْزَنْ
 الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُبْصِرُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۝ قَدْ
 جَاءَكَ بُصَايْرُ مَن رَّبُّكَ ۝ مَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۝ وَمَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا ۝
 مَا أَنَا عَلَيْكَ بِحَفِيظٍ ۝ وَكَذَلِكَ نَصْرِفُ الْأَيَّامَ وَلَيَقُولُوا كَذِبٌ
 وَلَيَنْتَبِهَنَّ الْقَوْمُ بِعَمَلُونِ ۝ إِنِّي جَاءُ أَوْحِي إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ لَا
 إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ۝ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا
 جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝ وَلَا تَسْتَوِ الْأَنْبِيَاءُ
 يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسْتَوِ اللَّهُ السَّعْدَ وَيُغْيِرْ عَلَيْهِ كَذَلِكَ رَدْنَا
 لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
 ۝ وَأَقْبَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَمَّا جَاءَهُمْ آيَةُ الْبُيُوتِ ۝ وَمَا
 قُلْنَا إِلَّا بِالْبَيِّنَاتِ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا نَشِيرُكُمْ أَفَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
 ۝ وَتَقْلِبَ فَمَنْهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ كَلَامَ الْبُيُوتِ ۝ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ
 ثَلَاثًا فِي ظُلُمَاتٍ يَمْسُحُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّا نَرَىٰ إِلَهُنَّ الْمَلَائِكَةَ
 وَكَلَّمَهُم بِالْمَوْفَىٰ وَخَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا إِلَّا يَوْمُونَ ۝
 أَن يَشَاءَ اللَّهُ ۝ الْكَيْفَ أَكْتُمُ بِمَعْمَلُونَ ۝ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ قَوْمٍ
 عَذَابًا مُّهِينًا ۝ وَاللَّيْلِ لَمِنْ مَوْجٍ وَيَقْتَضِيهِمْ إِلَىٰ تَحْتِهَا خُفَّتْ

و همه چیز را آفریده و همهٔ امور عالم دانا است (۱۰۹) این است وصف پروردگار یکتای شما که جز او هیچ خدائی نیست و آفرینندهٔ هر چیز است پس او را پرستش کنید که نگهبان همه موجودات است (۱۰۴) او را هیچ چشمی درک ننماید و حال آنکه بینندگان را مشاهده می کند و او لطیف و نامرئی و همه چیز خلق آگاه است (۱۰۴) آیات الهی و کتب آسمانی کسب بصیرت شماس الیه از طرف خدا آمد پس هر کس بصیرت یافت خود بسمادت رسید و هر کس کور بماند خود در زیان افتاد و من نگهبان شما از عذاب خدا نیستم (۱۰۴) و همچنین مادر آیات قرآن تصرف کنیم تا وسیله هدایت شود باز کافران نادان ایمان (بوحی خدا) نیاورده و گویند (اینها را) تو بدرس آموخته ای و ما آیات را برای آنها نکه اهل دانشند بیان می کنیم (۱۰۵) ای محمد (ص) هر چه از خدای تو بگو و وحی شد از آن پیروی کن که خدائی جز آن ذات یکتا نیست و از مشرکان روی بگردان (۱۰۶) و اگر خدا میخواست آنها را از شرک بازمی داشت و ما تو را نگهبان ایشان نکردیم و تو وکیل آنها نخواهی بود (۱۰۷) شما مؤمنان دشنام بآنکه غیر خدا را میخوانند مدهید تا مباد آنها نیز از روی دشمنی و جهالت خدا را دشنام دهند همچنین ما عمل هر قوم را در نظرشان زینت داده ایم پس باز گشت آنها بسوی خداست و خدا آنان را بگردان آگاه می گرداند (۱۰۸) و بخدا سخت ترین سوگند قسم یاد کردند که البته اگر آیتی بیاید ایمان آرند بگو ای پیغمبر آیات از طرف خداست و چگونه شما مؤمنان بگفته این کافران مطمئن می شوید آنها همان مردم همانندند که اگر آیتی آید هرگز بدان ایمان نمی آورند (۱۰۹) و متادل و دیده اینان را چون اول بار ایمان نیاوردند اکنون از ایمان بگردانیم و آنها را با تحالطیان و سرکشی و اذگاری تا بمرطه ضلالت فرومانند (۱۱۰) و چنان در کفر ثابتند که اگر فرشتگان دایر آنها فرستیم و مردگان را بر آنها پراکنیزیم باز ایمان نخواهند آورد مگر بهشت خدا ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۱۱۱) و همچنین (که تویی) دشمن مبتلا ما هر پیغمبری را از شیطانهای انس و جن دشمنی مقابلت را نیکو خیم که آنها با برخی دیگر سخنان آراسته متجاوز برای افتاد

الْقَوْلِ غَرُّوا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذُرْهُمْ وَمَا يَفْعُرُونَ ﴿١١٠﴾
 وَلْيَضْحَكُوا بَإِثْمِهِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلْيَرْضَوْهُ وَ
 لِيَفْعَرُوا مَا لَهُمْ مَغْفِرُونَ ﴿١١١﴾ أَفَعَبَّرَ اللَّهُ بِتَبَعِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي
 أَنْزَلَ الْبُكْرَ الْكِبَرَ الْكَافَّةً فَصَلَّى وَالَّذِينَ اتَّبَعْنَا لَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ
 مُنْقَرِعُ لِمَنْ رَبُّكَ بِأَحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُسْتَعْتَرِينَ ﴿١١٢﴾ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ
 رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدًا لَا لِمُبَدِّلٍ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١١٣﴾
 وَإِنْ طُغِيَ الْكَثْرُ مِنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ
 إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿١١٤﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ
 عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ﴿١١٥﴾ تَكَلَّوْا إِنَّمَا ذَكَرْنَاكُمْ اللَّهُ
 عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا
 ذَكَرْنَاكُمْ اللَّهُ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا
 اضْطُرُّوا إِلَيْهِ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنَ الْبَاطِلُونَ بِأَمْوَالِهِمْ يُغْفِرُ لَهُمْ إِنْ
 رَبُّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ﴿١١٧﴾ تَوَدُّوْا ظَاهِرَ الْأَيِّ وَبَاطِنَهُ إِنْ
 الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْأَلْثَمَ سَجَرُونَ وَمَا كَانُوا يَفْعَرُونَ ﴿١١٨﴾ وَلَا
 تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ أَلْثَمَ عَلَيْكُمْ وَإِيَّاهُ تَلْفِسُ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ
 لَبُوءُونَ إِلَىٰ آلِي بَابِئِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ أَفْعَدُوا
 لَكُمْ كُرْهُنَّ ﴿١١٩﴾ وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ فَاجِحًا جَنَانًا وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَهْدِي

فریفته اظهار کنند و اگر خدا میخواست چنین نبود پس اینها را یاد و رفعا
 و اگذار (۱۱۴) (تا بگفتار فریفته آن امریمان) آنانکه با آخرت ایمان
 نیاوردند دل سپرده و بدان عفتود باشند و تا اینان نیز در آن عاقبت بد که
 امریمان راست در افتنده (۱۱۳) آیا من غیر خدا حاکم و داری پیرو و حال
 آنکه او خدا نیست که کتابی که همه چیز در آن بیان شده بهما فرستاد و آنانکه
 به آنها کتاب فرستادیم میدانند که این قرآن از خدای تو بر تو بحق
 فرستاده شده پس در آن البتة هیچ شک و تردید راه مده (۱۱۴) کلام خدای تو
 از روی راستی و عدالت بعد کمال رسید و هیچکس تبدیل و تغییر آن کلمات
 تواند کرد و او خدای شنو او دانا بگفتار و کردار و خلق است و اگر
 پیروی کنی از اکثر مردم زمین تو را از راه خدا گمراه خواهند کرد که اینان
 جز از پی گمائی نمیروند و جز از بدیه باطل و دروغ چیزی جدیست ندارند
 (۱۱۶) محققاً خدای تو خود داناتر است بحال آنکه از راه او گمراه است
 و آنکه برای او هدایت یافته (۱۱۷) پرشما مؤمنان چنانکه به آیات خدا
 ایمان دارید از آنچه نام خدا بر آن ذکر شده تناول کنید (۱۱۸) چرا از آنچه
 نام خدا بر آن ذکر شده نمیخورید و بر خود حرام میکنید و دستوریکه آنچه
 خدا پرشما حرام کرده متسلل بیان نمود که از آنها هم هر چه ناچار شوند
 باز حلالست و بسیاری پیروی نفس خود از روی جهل و نادانی بگمراهی
 روند همانا خدا بجاور کنندگان از حدود او داناتر است (۱۱۹) هر گناه
 و صلشت را در ظاهر و باطن ترک کنید که محققاً هر کس کسب گناه کند
 بزدی بکفر آن خواهد رسید (۱۲۰) و از آنچه نام خدا بر آن ذکر نمده
 مسوزید که آنش حق و تبه کاریست امریمان سخت بدوستان خود و سوسه کنند
 تا پاشا بجل و متازده بر خیزند و اگر شمام از آنان پیروی کنید ساخته
 آنها مغرور خواهید شد (۱۲۱) آیا کسیکه مرده (جهل و خلالت بود)
 ما او را زنده کردیم و باو روشنی علم و دیانت دادیم که با آن روشنی

فِي الثَّانِي كَمَنْ سَلَّهَ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ نُفِثَ
 لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٠﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَّارًا
 مُجْرِمِينَ يَا أَيُّهَا الْمَكْرُوهُ وَمَا يَمْكُرُونَ ﴿١٠١﴾ وَالْأَبْيَاضُ مِنْهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ
 ﴿١٠٢﴾ وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا إِنَّا أَنُؤْمِنُ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ
 اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ خَيْبَ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَجِيدٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا
 صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ لِّمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ﴿١٠٣﴾ فَمَنْ
 يُرِيدَ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ بَشَرًا حَتَّىٰ يَضْرِبَ لَهُ سُلُوكًا مِنَ الْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِيدَ أَنْ
 يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ
 كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٤﴾ وَمَتَّعُوا صِرَاطَ
 رَبِّكَ مُتَعَمِّقًا قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٠٥﴾ لَهُمْ دَارُ
 السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُمْ وَلَهُمْ مَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٦﴾ وَيَوْمَ يُخْرَجُ
 جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْآيَاتِ قَالِ أُولَئِكَ أَهْمُ
 مِنَ الْآيَاتِ رَبَّنَا اسْتَمْنِعْ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ بَلَّغْنَا آجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ
 لَنَا قَالِ الثَّانِي مَثُوبَكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ
 عَلِيمٌ ﴿١٠٧﴾ وَكَذَلِكَ نُؤَلِّيُ بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا لِّمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٠٨﴾
 يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِّي تُبَايَعُكُمْ رُسُلُكُمْ بِيُؤْمِنُوا عَلَيْكُمْ
 آيَاتِي وَيُزِيدُوا بُرْهَانِي فَقَدْ أَفْلَحَ يَوْمَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا أَهَذَا عَلَىٰ آثَانَا

میان مردم سرافراز بود مثل او مانند کسی است که در تادیکیها فرو شده و از آن بدتر تواند گفت آری کردار بد کافران در قطران چنین جلوه گر شده است (۱۴۳) و همچنین ما قرار دادیم که در مرد پادوی روسای بد کار سنگر با مردم آنجا مکر انداخته و در حقیقت مکر جز با غیبتن نمیکند و باین هم آگاه نیستند (۱۴۴) و چون آیتی برای هدایت آنها نازل شد گفتند ما ایمان نیاوریم تا مانند آنکه بر سولان خدا نازل شده بها نیز نازل شود خدا بهتر میداند که در کجا رسالت خود را مقرر دارد بزودی مجرمان را خدا خوار سازد و عذابی سخت بواسطه مکاری که می انداختند بر آنان فرو فرستد (۱۴۵) پس هر که با خدا عداوت دارد خواهد قلبش را بنور اسلام روشن و متفصح گرداند و هر کس را خواهد گمراه نماید (یعنی بحال گمراهی را گذارد) خدا او را از پذیرفتن ایمان تشنه سخت تنگ گرداند که گویی میخواهد از زمین بر فراز آسمان رود این است که خدا آنان را که بحق نمیکروند مردود و هلبید میگردد (۱۴۶) این راه خدایست که مستقیم است ما آیات خود را برای گروهی از بندگان شایسته ای که بدان بند میگردند بخوبی روشن ساختیم (۱۴۷) آنها را از خدا دار سلامت و خانه آسایش است و خدا دوستدار آنها است برای آنکه نیکوکار بودند (۱۴۸) و باد آرزو بیکه همه خلق محصور میشوند و به طایفین خطاب شود که ای گروه جن شما پرانسان فزونی یافتید و در آن حال دوستداران طایفین از جنس پسر گویند پروردگارا ما بعضی از احوال بعضی دیگر برمند گردیدیم و باجلی که تو معین نموده ای رسیدیم گوید که اکنون آتش منزلکاشماست و هیچ در آن عوامید بود مگر آن که با خدا پیوسته اند (پیرون آید) که البته پروردگار تو دهمه کار درست گردانیده و همه چیز دانا است (۱۴۹) و همچنین ما برخی سنگران را مقابل پسر دیگر بر گماردیم بسبب آنچه کسب می کنند (۱۵۰) ای گروه جن و انس آیا برای هدایت شما از جنس خود شما رسولانی نماند که آیات مرا برایشما بخوانند و شما را از مواجه شدن با این دوزخ سخت بترسانند آنها با نهایت پشیمانی جواب دهند که ما به حالت ویدی پر خود گواهی میدهم

وَعَرَّضْنَاهُمْ لِجَهَنَّمَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿١١٣﴾ تِلْكَ أَمْثِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّكَ هُنَالِكَ الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ وَأَمْثِلُهُمْ غَائِلُونَ ﴿١١٤﴾ وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ عَمَلُهُمْ وَفِي غِيَاثِ تَعَالَى كَانُوا ﴿١١٥﴾ وَالَّذِينَ ذُوقُوا وَعَذَابُ اللَّهِ أَلِيمٌ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنتَ كَارِهُونَ ذُوقُوا قَوْمًا تَخْرُجُونَ ﴿١١٦﴾ إِنْ مَا تُوعَدُونَ لَآئِلٌ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿١١٧﴾ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَايِلٌ فَتُوفَّيْكُمْ تَعْمَلُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ غَافِقَةُ الذَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿١١٨﴾ وَاعْمَلُوا لِلَّهِ عَمَلًا دَرَجَاتٍ وَالْحَرِثُ وَالْأَنْعَامُ نَصِيبًا فَعَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرَّيْحَهُمْ وَهَذَا لِلنَّاسِ مَا كَانُوا لِيُشْرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ مَا كَانُوا لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿١١٩﴾ وَكَذَلِكَ ذُوقُوا لِكَبِيرٍ مِنَ الْمَشْرُوبِينَ قُلْ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لَيْسَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنْهُمْ وَلَا يَحْكُمُونَ ﴿١٢٠﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوا قَدْ زُفِرَ وَمَا يَنْفَرُونَ ﴿١٢١﴾ قَالُوا هَذِهِ أَنْعَامُ وَحَرِثٌ حَرْثُ آبَائِنَا لَنَا بَرَئِينَ وَأَنْعَامُ مَرُومَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتَزَّاءَ عَلَيْهِمْ سَجَنُومٌ بِمَا كَانُوا يَفْرُونَ ﴿١٢٢﴾ قَالُوا مَا فِي بَطُونِ هَذِهِ إِلَّا أَنْعَامٌ خَالِصَةٌ لَدُنَّا وَحَرَمٌ عَلَىٰ آزِلِنَا وَإِنْ يَكُن مَبْتَدَأُ فَمَا فِيهِ شُرَكَاءُ سَجَنُومٌ وَصَنَمَاتُهَا أَنَا حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٢٣﴾

وزندگانی دنیا آنها را فرو رهاخت و در آن حال میفهمید و بر خود گواهی
 میداد که براه کفر میرفتند (۱۳۰) این (فرستادن) رسل برای اینست که خدا
 اهل دیناری را تا (اتمام حجت نکرده) آنها غافل و جاهل باشند پس ملامت
 نکرداند (۱۳۱) هر کس از پندگان بسطی که کرده (نزد حق) رتبه خواهد
 یافت و خدا از عمل هیچ کس غافل نخواهد بود (۱۳۲) و عداوتی که تو از خلق
 بینا و بیوه مهر بانیست و اگر بشواید شمارا از روی زمین ببرد و همه را فانی گرداند
 آنگاه هر کس را خواهد جانفشما کند چنانکه شمارا از ذریه گروهی دیگر
 پدید آورد (۱۳۳) هر چه بشواید دادند مستحقاً خواهد آمد و شما بر قدرت
 خدا غالب نخواهید شد (۱۳۴) بگو ای گروه شمارا هر چه درخواست و بر
 آن توانائی دارید عمل کنید من نیز در غور و غیوش عمل نیک نمیکنم آنگاه البته
 شما بزودی آگاه خواهید شد که آنکس که ما قیامت را از روی خود دارد چیست
 و مستحقاً ستیگار آنرا رستگاری نیست (۱۳۵) و برای خدا از روگردنیا و
 حیوانات که آفریده نسبی معین گردند و بگمان خودشان گفتند این سهم
 برای خدا و این سهم دیگر شریکان و پتان ما را پس آن سهمی که شریکان ما را بود
 بخدا نرسید و آنکه برای خدا بود بشریکان میرسد و حکمی سخت جاهلان
 و نادانانست میگردند (۱۳۶) همچنین در نظر بسیاری از مشرکان عمل کشتن
 فرزندان را پشای اهلان نیکو نموده تا آنکه آنان را باین کار دشت ملامت
 سازد و اگر خدا میخواست چنین نمیکرد پس آنها را به آنچه از خرافات
 میبافند اگزار (۱۳۷) و گفتند این چهار پایان و ذراتها بر همه ممنوع و
 مخصوص پتان است نباید از آن بخورد مگر آنکس که معین کنیم و سواری
 بشی چهار پایان بر آنها حرام بود و چهار پایان را نیز بدون ذکر نام
 خدا ذبح نمیکردند و چون در این احکام بخدا دروغ بستند بزودی خدا
 پتان دروغ آنان را مجازات خواهد کرد (۱۳۸) گفتند آنچه در حکم این
 چهار پایانست مخصوص پسران و پسران ما حرام خواهد بود و اگر
 مرده باشد همه زنان و مردان بدان شریک باشند آنها مجازات این گفتار
 زشت و توصیفات باطل بزودی میرسد که خدا بیکطرف خلق درست کرد و او

و انما است (۱۳۹) البت

خَيْرَ الدِّينِ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَمُوا مَا وَدَّ اللَّهُ
أَفْرِئْ عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۝ وَهُوَ الَّذِي
أَتَا جَبْنَئِيلَ مَعْرُوثًا وَغَيْرَ مَعْرُوثًا فِي الْفَلِّ وَالزَّرْعِ مُخْتَلِفًا
أَكْلُهُ وَالرَّيْبُوتُونَ وَالرُّثْمَانُ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ
إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
السُّرْفِينَ ۝ وَ مِنَ الْأَنْعَامِ حَوْلَةٌ وَقَرْنًا كُلُوا مِنْهَا وَذَكَرَ اللَّهُ
وَلَا تَتَّبِعُوا لَهَا الْبَاطِلَ إِنَّهُ لَكُرْهُدٌ وَمُبِينٌ ۝ هَٰؤُلَاءِ
أَرْطَاجٌ مِنَ الْفَنَائِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْمَعْرَاضِ اثْنَيْنِ قُلْ آلَذْكَرَيْنِ حَرَّمَ
أَمِيرُ الْأَنْثَيْنِ أَمَّا اسْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْطَاجُ الْأَنْثَيْنِ تَبْوَئِي يَعْلَمُ
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ وَ مِنَ الْأَيْلِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ
آلَذْكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِيرُ الْأَنْثَيْنِ أَمَّا اسْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْطَاجُ الْأَنْثَيْنِ
أَمَرَكُنَّ شُهَدَاءُ إِذْ وَضَعَكَ اللَّهُ فِي هَذَا أَمْنٍ أَظَلَمَ مِنْ أَفْطَرِي عَلَى
اللَّهِ كَيْدًا بِالْبُضْلِ النَّاسُ يَفْهَمُونَ عَلَى أَنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
۝ قُلْ لَا آيِدُ فِيهِمَا أَوْحِي إِلَى غَرَضٍ مَا عَلَى طَائِعٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ
يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ نَحْمَ خَيْرٍ مِنْ قَوْلِهِ رَجُلٌ أَوْ فَيْسَةً
أَمِيلُ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطَرَّ غَيْرُ رَاغٍ وَلَا عَادِي فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ
رَحِيمٌ ۝ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا كُلَّ ذِي طَيْرٍ وَ مِنَ الْبَقَرِ

آنها که فرزندان خود را بفحشاء و فسادانی گفتند یا نکرند و بی بهره از آنچه خدا نصیبان کرد و چون اقربا همداستند سخت گمراه شده و هدایت نیافتند (۱۴۰) و آن عداوتیست که برای شما پستانها از درختان داربستی (و درختان آزاد) چون سایر درختان و درختان خرما و زراعتها که میوه و دانه‌های گوناگون آرند و زیتون و انار و میوه‌های مفایه یکدیگر و نامفایه بیافرید شما هم از آن میوه هر گاه بردست تناول کنید و حق زکوة فقیران را بروز درو کردن بدهید و اسراف نکنید که خدا سرفان را دوست نمیدارد (۱۴۱) و از بعض حیوانات استفاده بادی و سواری کنید و از آنچه رزی شما کرده بخورید و از پی اغوای شیطان مروید که او شما را دشمن آشکار نیست (۱۴۲) هفت جفت از جنس بره هر دو سنف (نر و ماده) از جنس نر برای مردم حلال است بگو آ یا از این دو جنس نر یا ماده یا بچه‌ای که در شکم مادرهاست کدامیک (بملم خدا) حرام شده اگر راست میگوئید شما بمن مدد قسطی اراکه دهید (۱۴۳) و نیز از جنس شتر دو سنف نر و ماده و از جنس گاو هم نر و ماده هر دو حلال شده با آنها بگو که آ یا از این دو جنس نر یا ماده یا بچه‌ای که در شکم ماده است کدام حرام است یا شما خاشع هستید که خدا بر این حرمت توصیه نموده باری کیست شنگارتر از آن کسی که بعد از دروغ بندگان را بجهل خود مردمان را گمراه کند البته خدا ستمکاران را هدایت نخواهد کرد (۱۴۴) بگو ای پیغمبر در احکمی که بمن وحی شده من چیزی را که برای خوردن گان طعام حرام باشد نمی‌بایم جز آنکه میته باشد یا خون ریخته یا گوشت خوک که پلید است و یا حیوانی که بدون ذکر نام خدا از روی فسق ذبح کنند و در همین جا که حرام است نیز هر گاه کسی بخورد و آنها منظر گردید در صورتی که از روی ستم و از راه تعدی و تجاوز از فرمان خدا نباشد و بقدر ضرورت صرف کند باز خدا خواهد بخشید که شما را بخدای تو بخشیده و مهربان است (۱۴۵) بر جهودان هر حیوان ناخن دار (مانند طیور و غیره) و از جنس گاو و گوسفند نیز پیه را حرام کردیم

الْعَمَّ حَرَّمَ عَلَيْهِمْ شَيْئًا مِمَّا آثَرُوا إِلَّا مَا حَلَلْتَ لَهُمْ أَوْ مَا آثَرُوا
 مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَعْضِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿١١٤﴾
 كَذَّبُواكَ فَقُلْ رَبِّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُ عَنِ
 الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١١٥﴾ سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْلَا إِذْ سَأَلْتَهُمْ
 لَآ آثَارُ نَارٍ وَلَا آثَرُ نَارٍ سَيُقِي كَذِّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ خَتَمَ
 ذَا قُبَابًا سَأَلَ مَنْ عِنْدَ كُزِّ مِنْ عَلَيْهِمْ جُودَهُ لَنَسَا إِنْ تَنبِيحُونَ إِلَّا
 الْقَلَنْ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُعْرِضُونَ ﴿١١٦﴾ قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ
 لَمَسِّدِكُمُ الْجَمْعِينَ ﴿١١٧﴾ قُلْ مَلَأْتُ شَهَادَاتُكَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ أَنَّ
 اللَّهُ حَرَّمَ هَذَا إِنْ شَهِدُوا قَلِيلًا لَمْ يَنْفَعْهُمْ وَلَا نَنْفَعُ أَمْوَاءَ اللَّهِ
 كَذَّبُوا بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ يَرِيعُونَ بَعْدَ لَوْنٍ
 ﴿١١٨﴾ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ عَلَى كُفْرٍ كَوَافٍ ثَبَاتًا
 وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ أَمْلَاقٍ نَحْرُ
 تَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنٌ وَلَا
 تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّيْتُكُمْ بِهَا لَعَلَّكُمْ
 تَتَّقُونَ ﴿١١٩﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ
 أَشَدَّهُ وَآَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّا الْعَقْدُ لَا نَكْفِي نَفْسًا أَوْ ذَمًّا
 وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ

مگر آنچه در پشت آنها است یا به پیش زوده یا باستخوانها آمیخته است
و آنها چون ستم کردند ما بدین حکم آنها را مجازات کردیم و البته همه سخنان
ما راست خواهد بود (۱۴۶) پس اگر ترا ای پیغمبر تکذیب کنند بگو
خدای شما با آنکه دارای رحمت بی منتها است عذایش را از فرقه بدکاران
باز نخواهد داشت (۱۴۷) آنانکه شرک آوردند خواهند گفت که اگر خدا
میخواست ما و پدرانمان مشرک نمیشدیم و چیزی را حرام نمیکردیم بدین
گفتار پیشینیان ایشان نیز تکذیب دسل میکردند تا آنکه طعم عذاب ما را
چشیدند بگوی پیغمبر آیا شما بر این سخن مددک قطعی دارید تا ادا نه
دهید (و گرنه) شما پیروی جز از خیالات باطل خویش نمیکنید و جز بگزاره
و دروغ سخن نمیکوید (۱۴۸) بگوی پیغمبر برای خدا حجت باله
است پس اگر مشیتش قرار میگرفت همشما را هدایت میکرد (۱۴۹)
بگوی پیغمبر گواهان خود را بر اینکه خدا این و آنرا (که میگوید)
حرام کرده بیاورید پس هر گاه گواهی دادند تو با آنها گواهی بده و پیروی
از هر ای نفسی آنها ممکن که آنها آیات خدا را تکذیب کرده و بقیامت ایمان
نیاورند و از خدای خود بسوی بتان بر میگردند (۱۵۰) بگوی پیغمبر
بیاید تا آنچه خدا بر شما حرام کرده و همه را بر اوستی بیان کنم در مرتبه
اول این که مشرک به شما بهیچ وجه نیاورد و بدو یگر اینکه در باره پدر و مادر
احسان کنید دیگر اولاد خود را از بیم فقر نکشید ما شما و آنها را روزی
میدهم دیگر بکارهای دشت آشکار و نهان نزدیک ننوید و نفسی را که حرام
کرده جز بحق بقتل نزناید شما را خدا بدان سفارش نموده باشد که
نقل کنید (تا از روی عقل و فهم کار بندید و سادت بایید) (۱۵۱) هرگز به مال
یتیم نزدیک ننوید تا آنکه بعد شد و کمال رسد و بر اوستی کیل و وزن انعام
بدهید و بدانید که مایهی کسی را جز بقدر توانائی تکلیف نکرده ایم و هر
گاه سخنی گوئید بعدالت گرانید و هر چند در باره غریبان بدان باشد و
بمهد خدا وفا کنید (اوامر و نواهی خدا را اطاعت کنید) اینست

وَصَبَّحُوا بِرَحْمَةِ رَبِّهِمْ فَتَوَصَّوْا لِنُفْسِكُمْ إِذَا خَلَا بِكُمْ مِنَ الْيَوْمِ النَّفْسُ الْمُتَكَلِّمَةُ إِنَّهَا تُوَضِّعُ لَكُمُ الْمَوَاقِدَ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرًا مُتَقَرَّنًا
 وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّيْتُكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ١١٥
 وَإِنَّا أَنزَلْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَىٰ الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّعَالَمٍ يُطِيعُ ١١٦
 وَأَنزَلْنَا مُوسَىٰ ذِكْرًا فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ١١٧
 فَتَوَلَّوْا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن كُنَّا لَنَظُنُّ
 بِدَارِهِمُ لَغَافِلِينَ ١١٨ وَتَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْهِ الْكِتَابُ لَنُحْكُمَ
 آمَنًا بِهِ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ فَيُقَرِّبُهُمُ إِلَىٰ رَبِّهِمْ فَهُمْ يُخْلَعُونَ ١١٩
 وَمَن أَظْلَمُ مِمَّن كَذَبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَّقَ بِهَا بِسُجُورِ الَّذِينَ
 يُضِلُّونَ عَنِ الْبَابِ إِنَّ آسَاءَ الْعَذَابِ لَمَّا كَانُوا يُضِلُّونَ ١٢٠
 يَنْظُرُونَ إِلَّا أَن يَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ الْآيَاتِ
 رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا إِذْ تَكُنْ
 آمِنَةً مِّن قَبْلٍ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انظُرُوا أَنَا مُنظِرٌ ١٢١
 هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ قَرَأُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا سِيعَاءَ لِّسَانٍ فِيهِمْ فِي يَوْمِ إِتْمَانٍ
 أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُرَبِّتُهُمْ جَمْعًا فَكَانُوا يُفْعَلُونَ ١٢٢
 فَلَمَّا جَاءَ بِالْحُسْنَىٰ فَاسْمَعُهَا فَاسْتَغْوَىٰ فَلَا يُجْزَىٰ لَهُ مِن شَأْنِهَا وَهُمْ
 لَا يَبْظُلُونَ ١٢٣ قُلِ إِنِّي مَدَّانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا

سفارش خدا بشما باشد که متذکر و هوشمند شوید (۱۵۴) و اینست راه راست پیروی آن کنید و از راه های دیگر که موجب تفرقه و پریشانی شما است جز از راه خدا متابعت نکنید این است سفارش خدا بشما باشد که پرهیز کار شوید (۱۵۴) پس آنگاه بموسی کتاب کامل دادیم برای تکمیل نفوس هر نیکوکار و برای تفصیل و بیان حکم هر چیز و برای هدایت و رحمت بر خلق باشد که مردم بقاء خدا ایمان آورند (۱۵۴) و این قرآن کتابی است که ما با برکت و غیر بسیار فرستادیم از آن پیروی کنید و پرهیز کار شوید باشد که مشغول مرحمت و لطف ایزد گردید (۱۵۵) قرآن را برای این فرستادیم که تا نگویید که کتاب توریة و انجیل بس برود و طایفه یهود و نصاری را فرستاده شد و ما از تعلیم درس آن کتاب الهی ناغل و بی بهره ماندیم (۱۵۶) یا گوید اگر کتاب بر ما فرستاده میشد ما بهتر از آنان براه هدایت می شناختیم پس شما هم از طرف پروردگاران حجت آشکار و هدایت و رحمت در رسید اکنون کیست ستمکار تر آنکه آیات را زنا الهی را تکذیب کند و از احاطت حق روی گرداند بزودی آنان را که از آیات ما روی گردانیده و مخالفت کرده اند بمذاب سخت مجازات کنیم چه کثیر آنکه بناد و لجاج از آیات ما امر را نمی کنند (۱۵۷) آیات منکران انتظاری دارند جز آنکه فرشتگان قهر بر آنها در آیند و یا امر خدا و قضای الهی بر آنان رسد و همه هلاک شوند یا برخی دلائل و آیات خدا آشکار شود روزی که بعضی آیات قهر و غضب خدای تو بر آنها برسد آن روز هیچکس را ایمان نفع نباشد اگر از آن پیش ایمان نیاورده و پاد را ایمان کسی و غیر و سعادت نکرده باشد بگوشا در انتظار نتیجه اعمال زشت خود باشد ما هم در انتظار نتیجه اعمال صالح خویش هستیم (۱۵۸) آنان که دین را پراکنده و در آن فرقه فرقه شدند چشم از آنها پوثر که چنین کسان بکار تو نیایند از دست آنها نیز شبکین مباش که مجازات کار آنها باعد است پس از این بستان آنچه می گنند سخت آگاهشان میگرداند (۱۵۹) هر کسی کار نیکو کند او را ده برابر آن خواهد بود و هر کسی کار زشت کند جز بقدر آن کار زشت مجازات نغود و بر آنها اصلاً ستم نخواهد شد (۱۶۰) بگوی پندبر محققاً مرا خدا براه راست هدایت کرده است چنین استوار و آئین

یا ابراهیم که وجودش از لوث شرک و عقاید باطل مفرکین منزّه بود (۱۶۱) بگرای پیغمبر همانا نماز و طاعت و کلیه اعمال من و حیات و ممات من همه برای خداست که پروردگار جهاناست (۱۶۲) او را شرک نیست و بهمین اخلاص کامل مرا فرمان داده اند و من اولین کسی هستم که مطیع و تسلیم امر خدا میباشم (۱۶۳) بگرای پیغمبر آیا من کسی غیر خدا را پر ویت گزینم و دوستی که خدا رب همه موجودات است و هیچکس چیزی ننهد و خست مگر بر خود و هیچ نفسی یار دیگری را بر دوش نگردد و باز گفت همه شما پیروی خداست او شما را بآنچه خلاف در آن کردید آگاه خواهد ساخت (۱۶۴) و خداست که شما را جانشین گذشتگان اهل زمین مقرر داشت و رتبه پستی را از بعضی بالاتر قرار داد تا شما را در این تفاوت رتبهها پیازماید که همانا خداست و خود کفر و بسیار بپوشیده و مهربان است (۱۶۵)

سوره اعراف درصکه نازل شده و مشتمل بر نوبست و شش آیه است

(بنام خدای بخشنده مهربان)

السن (یعنی در تفسیر آن گفته اند خدای مهربان صاحب اقتدار پر دبار)
 اعمد سول کتابی بزرگه برای تو نازل شد پس تو دلنگشو رفقه خاطر
 (اذ انکر مردم) میباش تا مردمان را بآیات عذابش پترسانی و اهل ایمان
 را ببشارتش یادآور شوی (۱) (ای اهل ایمان) اذ آنچه خدا پیوسته شما
 فرستاد پیروی کنید و پیرو دستورهای نیرا و نباشید و جز خدا را دوستی
 مگیرید اما اندک مردمی بدین پند متذکر میگرددند (۲) چه بسیار احوالی
 شهرها که بر هلاک آنها عذاب فرستادیم آنکاه که در آسایش شب با پهلواب
 راحت مینگهاده بودند (۳) پس در هنگامی که عذاب ما بآنان رسید جز این
 دعوی نکردند که ما عود ستیگار و مستحق عذاب بودیم (۴) البته ما هم از
 اصنام ام و هم از پیغمبران آنها پرشی خواهم کرد پس بر آنان
 حکایت حال آنها را بپلم و دانش بیان کنیم تا بدانند که ما از کردار آنان
 غافل نیستیم (۵) روز محشر حقاً روز سنجیدن اصنام است پس آنان بگوید
 آن میزان حق و وزن و نیکوکار بودند البته ستیگار خواهند بود (۶) و
 آنانکه در آن میزان سبکوزن بودند آن کسانی هستند که چون بآیات و
 و سل خدا ستم کرده اند بر خود بجهتیت

عَلَا نَوَابِيَا بَابِنَا يَظْلُمُونَ ۝ وَلَقَدْ مَكَرُوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا كُرْ
 فِيهَا مَعَالِي ۝ قَلِيلًا مَا أَتَفَكَّرُونَ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا كُرْ وَصَوَّرْنَا كُرْ
 قُلْنَا لِلنَّاسِ إِنَّكُمْ أَعْبَادٌ لِلْإِلَهِ ۝ فَجَعَلْنَا الْإِلَهِ ۝ أَلَيْسَ لَكُمْ مِنْ
 الشَّاهِدِينَ ۝ قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَجْعِدُ إِذَا أَمَرْتُكَ ۝ قَالَ أَنَا خَيْرُ
 مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ۝ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا
 يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ۝ قَالَ
 أَظْهَرَنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ۝ قَالَ فِيمَا
 أُغْوِيَنِي لِأَفْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ۝ ثُمَّ لَا يَخْلُقُهُمْ مِنْ
 بَيْنِ أَيْدِيهِمْ خَلْقَهُمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا يَجِدُ
 أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ۝ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْذُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ يَبْعَثْكَ
 مِنْهَا ۝ لَا تَمْلِكُنَّ لَهُمْ مِنْكَ آصَابَةً ۝ وَبَا أَدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ
 زَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا
 مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ فَوَسَّوَسَ لِلْمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ
 عَنْهُمَا مِنْ سَوَائِهِمَا وَقَالَ مَا مَهْجُورٌ بَعُكَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ ۝ إِنْ
 تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ۝ فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الْيَ ۝ لَكُمَا مِنَ
 النَّاصِحِينَ ۝ فَدَلَّهُمَا بِعُرْوَتَيْ قُلْنَا إِذَا مَا الشَّجَرَةَ بِذُنُوبِكُمَا
 سَوَّاهُمَا وَطَفِقَا مَخْصَصَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا

زبان رسانیدم همچون پایات و دسل عداستم کردند و عداا ماها
 را در زمین تمکین و اقتدار بخشیدیم و در آن پرشا ممال و دوزی
 از هر گونه نعمت مقرر کردیم لیکن آنده کی از شما شکر نمائیدای عداای بها
 مبارک و عداا شما آدمیان را بیا فریدیم و آنگاه که بدین صورت
 کلیل آراستیم فرشتگان را پس سجده آدم مأمور کردیم همه سجده کردند جز
 شیطان که از جمله سجده کننده گان نبود (۹۱) عداای بدو فرمود چه
 چیز تو را مانع از سجده آدم شد که چون ترا امر کردم نافرمانی کردی
 پاسخ داد که من از او بهترم که مرا از آتش و او را از عذاب آفریدم ای
 (۹۲) عداای به شیطان فرمود از این مقام فرود آ که تو را رسد که بزرگی
 و نفوذ تو دوی بیرون شو که تو از ذره فرو ما بگانی (۹۳) شیطان گفت پس
 مرا تا بروی که خلائق برانگیخته شوند مهلت ده (۹۴) عدا فرمود البته
 مهلت خواهم داشت (۹۵) شیطان گفت که چون تو مرا گمراه کردی من نیز
 بند گانم را از راه راست که مشرعو آیین تست گمراه گردانم آنگاه از
 پیروی و از بهت سرو طرف راست و چپ آنان دمیایم تا بهتر آنان
 شکر نعمت بهای نباورند (۹۷) عدا شیطان را گفت بیرون شو که تو را ندانم
 در گامائی هر که از فرزندان آدم تو را پیروی کند جهنم را از تو و آنان
 بهین بر میگردانم (۹۸) وای آدم تو با جفتت در بهشت منزل گزینید و از
 هر چه بخواهید تناول کنید ولیک نزدیک این درخت نروید که بعد از شمه
 و هر خویش شتم خواهد کرد (۹۹) آنگاه شیطان آدم و حوا را دورا پیوسته
 فریب داد تا از شتهای پوشیده آنان پدیدار شود و بدو غ گفت عدا شما را
 از این درخت نمی نکرده جز برای اینکه مبادا دو پادشاه شوید با صبر
 جاودان پای (۱۰۰) و بر آن سو گنبد پاد کرد که من خبر عوا شماستم
 شما را بهیر (و ملاح) دلالت می کند (۱۰۱) پس دامنای بر ریب و
 دوزخ کرد تا چون از آن درخت تناول کردند زشتهای پان آشکار گردید
 و بر آن شد که از هر درختان بهشت خود را بهر شادند و عدا ندا
 کرد که

رَبُّهُمَا أَمَّا أَتَمَّكَ عَنْ بَلَاغِكُمَا الشَّجَرَةَ وَأَقْلَ لَكُمْ أَنَّ الشَّيْطَانَ
 لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ٥ فَا لَا تَبْنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا لَنَا فِي
 تَرْعَانَا لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ٥ قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ
 وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُتَقَرُّ وَمَنَاعٌ إِلَى حِينٍ ٥ قَالَ فِيهَا تَحْبَوْنَ وَ
 فِيهَا عَمَوْتُونَ وَمِنْهَا تُخْرِجُونَ ٥ يَا بَنِي آدَمَ قَدْ آتَيْنَا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا
 بِوَارِي سَوَآتِكُمْ وَرِثَآءَ لِبَاسٍ لِّتَعْلَمُوا أَنَّ الشَّجَرَةَ ذَلِكُمْ مِنْ
 آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ يَتَذَكَّرُونَ ٥ يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْضِنَا لَكُمْ الشَّيْطَانُ
 كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا
 إِنَّهُ يَرْبِكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَحْتَسِبُونَ ٥ إِنَّا جَعَلْنَا النَّبَا طَلَبًا
 أَوْ لِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ٥ وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا
 عَلَيْهَا آيَاتِنَا وَاللَّهُ أَمَرٌ نَايِبُهُمْ أَقْلَرَنَّ اللَّهُ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ فَتَوَلَّوْا
 عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٥ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ
 عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ٥
 فَرِيقًا مَدَى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ
 أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُنْتَهَدُونَ ٥ يَا بَنِي آدَمَ
 خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ
 لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ٥ قُلْ مَنْ حَزَنَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ

آیا من شمارا از ایندخست منع نکردم و نگفتم که شیطان سخت دشمن شماست (۲۴) گفتند خدا یا مادر پدر وی شیطان بر خویش ستم کردیم و اگر تو ما را نبی می دانی رحمت و دافعت شرمانی سخت از زبان کاران شده ایم (۲۴) خدا گفت (از بهشت) فرود آید که برخی با برخی دیگر مخالف و دشمنی و زمین تا هنگامی همین جایگاه شماست (۲۴) خدا گفت در این زمین زندگی کنید و در آن پیروی و اطاعت از آن باز برانگیخته گردید (۲۵) ای فرزندان آدم مال لباسی که ستم و عداوت شما کشته و با هم عداوت و پادشاهی شما فرستادیم و بر شما باد لباس تنوی که این نیکوترین جامه شماست این سخنان همه از آیات خداست که شاید خدا را یاد آرید (۲۶) ای فرزندان آدم میاد شیطان شما را فریب دهد چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد جامه عزت از تن آنان بر کند و قیاح آنان را در قتلستان پدید آورد همانا آن شیطان و پستگارش شمارا می بیند در صورتیکه شما آنها را نمی بینید ما و شیطان را دوستدار آنان که ایمان نیاورند قرار داده ایم (۲۷) آنها که چون کار دشتی کنند گویند ما پدران خود را بدین کار یافتیم و عداوت را بر آن امر نمود بگوای پیغمبر هرگز خدا امر باصل دشت نکند جز آنکه آنها را از جهل و نادانی شما خود میکند بعضی می پندید (۲۸) بگوای رسول ما پروردگار من شما را بدل و دوستی امر کرده و نیز فرموده که در عبادت دوی حضرت او آرید و خدا را از سر اعلای بخوانید که چنانچه شما را در اول بیافرید دیگر بار بپوش باز آید (۲۹) گروهی می نمودند عداوت و گرومی (شیطان) را بدستی اختیار کرده و دو گمان میکردند که براه راست عبادت یافته اند (۳۰) ای فرزندان آدم زهرهای خود در مقام عبادت بخور و برگزید و هم از نشتای خدا بخورید و بیافامید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نپسند (۳۱) بگو ای پیغمبر چه کسی دینتهای خدا را که برای پندگان خود آفریده حرام کردند

الطَّبَابِ مِنَ الرِّزْقِ كُلِّهِ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْأَبَاءَ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١١٩﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ
 رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْأُفْرَاجَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ
 تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا أَنْ يَنْزِلَ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا يَصْلُحُ
 وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْذِنُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَعِذُّونَ
 ﴿١٢٠﴾ يَا بَنِي آدَمَ إِنَّمَا يَنْتَهِكَ رُسُلُنَا مِنْكُمْ لِيَقْضُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِي مِمَّنْ
 اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٢١﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 يَا بَنِي آدَمَ اسْكُبُوا عَلَيْهَا أَوَلَيْكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ
 مِمَّنْ أَظْلَمُ عَمَّا يُفْرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَمِيزُ اللَّهُ
 فَصِيحَتَهُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَدْعُوهُمْ قَالُوا إِنَّمَا
 كُنَّا نَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا أَصَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ
 أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿١٢٢﴾ قَالَ ادْخُلُوا فِي أِيْمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ أَيْمَنِ
 وَالْأَنْبِيَاءِ النَّارُ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ آخِثَهَا حَتَّى إِذَا دَارَكُوا
 فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أَذْهَبَتْ أَهْلُهَا وَلَهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَصَلُّوا فَاذْهَبْهُمْ عَلَيْنَا
 ضَعُفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضَعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَسْمَعُونَ ﴿١٢٣﴾ وَقَالَتْ
 أُولَهُمْ لِأَخْرَجْنَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا
 كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿١٢٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا

از صرف دلی حلال و پاکیزه منع کرده بگویند نعمتها در دنیا برای اهل ایمانست و غایب اینها و نیکوتر از اینها در آخرت بر آنان خواهد بود ما آیات خود را برای اهل دانش چنین روشن بیان میکنیم (۳۳) بگوی پیغمبر که خدای من هر گونه اعمال زشت را چه در آشکارا و چه در پنهان و گناهکاری و ظلم بناحق و شرک بعد از آنکه بر آن شرک هیچ دلیلی ندارد و اینکه چیزی را که نمیدانید از جهالت بعد از نسبت دهید همه را حرام کرده است (۳۴) هر قوم را دوره ای واجب میباشد است که چون فرا رسد لعنهای مقدم و موخر توانند کرد (۳۵) ای فرزندان آدم چون پیغمبرانی از جنس شما بیایند و آیات مرا برای شما بیان کنند پس هر که تقوی پیشه کرد و بکار شایسته شتافت هیچ ترس و اندوهی بر آنها نخواهد بود (۳۶) و آنانکه آیات خدا را تکذیب کرده و از اطاعت او سر کشی و تکبر نمودند آنها اهل دوزخند و در آن جاوید معذب خواهند بود (۳۷) پس کیست مشکوتر از آن کسی که بر خدای دوزخ بندد با آیات خدا را تکذیب کند (بدوزخ نیست بعد) آنان از کتاب (قنا) و قدر الهی با از نامه اعمال) بکفر خویش خواهند رسید تا هنگامیکه فرستادگان ما (ملك الموت و فرشتگان قبض روح) بر او رسند گویند چه شدند آنهایی که بجای خدا بر پرویت میخواندند پاسخ دهند که آنها همه از نظر ما ناپدید و نابود شدند و آنها بر زبان خویش گواهی دهند که کافر بوده و راه هدایت نپیموده اند (۳۸) خداوند گوید شما بعد از آن گروه از جن و انس که پیش از شما بدوزخ شدند داخل شوید در آنوقت هر قومی که از آنان بعد دوزخ شوند قوم دیگر را (ازم کیشان) خود لمن کنند تا آنگاه که همه در آتش دوزخ فرا گیرند آنگاه زمره آخرین با فرقه اول گویند که خدا یا ایمان ما را گمراه کرده پس خدا باینها در آتش افزون و شدیدتر گردانید ما را گوید بعد از عذاب با مستحقان و بقدر گناه خود استولیکن شما بر آن آگاه نیستید (۳۹) و گروه مقدم بظایف موخر پاسخ دهند که شما را بر ما برتری نباشد (ما و شما در گناه یکسانیم) پس با آنها خطاب شود که چه عید عذاب را بکفر آنچه از اعمال نشانیست مرتکب شده اید (۴۰) همانا آنانکه آیات خدا را تکذیب کنند و از کبر و نفعت سر بر آن فرو

نیاورند هرگز

فَنُفِخَ لَهُمْ آتُوبَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَذَرُ خَلْقًا أَجْمَعًا حَتَّى يَلْجَأَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ
 الْيَحْيَا وَكَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ لَقِيْرَيْنِ ۖ لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ تَوْقِيْعِهِمْ
 نَعْوَاتٌ ۚ كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ الظَّالِمِينَ ۖ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 لَا كُفْلَيفَ تَفْصِيلًا ۖ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ
 ۞ وَتَرَىٰ غَنَامًا فِي مَدْيَنَ ۖ وَهُمْ مِنْ عِلَاقِ قَبْرِ بْنِ يَحْيَىٰ ۖ أَلَا تَنهَاؤُنَّ قَوْمًا
 أَنْ يَبْسُطُوا يَدَيْهِمْ عَلَىٰ مَحَلِّ مَسْكِنَتِي ۚ لَوْ لَا أَنْ هَدَيْتَنَا
 اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ مِنَّا بِالْحَقِّ ۖ وَفُودُوا أَنْ يَتَذَكَّرُ أَجْمَعُونَ ۖ وَثُمَّ
 يَمَّا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۖ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ
 وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا ۖ قُلْ وَجَدْتُمُوهُ ۖ فَكُونُوا صَادِقِينَ
 تَعْلَمُونَ ۖ فَآذَنُوا مَوَدِّينَ بَيْنَهُمْ أَنْ لَقِيَ اللَّهُ عَلَى الظَّالِمِينَ ۖ الَّذِينَ
 يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا ۖ وَهُمْ بِالْآيَةِ كَافِرُونَ
 وَبَيْنَهُمْ صَاحِبٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمِهِمْ ۖ
 وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ۖ لَرَبِّكُمْ خُلُوعًا ۖ وَهُمْ يَطْمَعُونَ
 وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ ۖ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا
 مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۖ وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا لَا يَفْقَهُونَ
 سِيمَهُمْ ۖ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَهَنَّمُ وَمَا كُنْتُمْ تُنْذِرُونَ ۖ ۞
 أَمْوَالَهُ الَّذِينَ أَقْبَضْتُمْ لَنَا ۖ اللَّهُ يَرْجِعُهَا إِلَيْنَا ۖ أَذْخَلُوا الْجَنَّةَ لَا

دعای آسمان بروی آنان باز نمود و بیعت در نیابت آنیکه شتر در چشمه
سوزن در آید و این گونه گنهگاران (متکبر) را عجازات سخت خواهم
کرد (۳۰) بر آنان در دوزخ پشما گسترده و سرا پرده ها افراشته اند
و این است جزای سنگران (۴۹) و آنانکه ایمان آوردند و (بهدروغ)
در کار نیکو فایسته کوشیدند زیرا کسی را پیش از وسع تکلیف نکنیم
آنها اهل بهشت و جاودان در آن متضمنند (۳۳) و زنگار کینه (وحسد و مر
غوبذشت) بر آزار آینه دل بهشتیان بزداییم و در بهشت بر زهر قمرهایشان
نهر جاری شود (و چون آنهم نعمت های بهشتی مشاهده کنند) گویند
ستایش خدای را که ما را بر این مقام رفیائی کرد که اگر هدایت و لطف
الهی نبود ما بهر درد این مقام راه نمی یافتیم همانا رسولان خدا ما را
به حق رهبری کردند آنگاه بر اهل بهشت نما کنند که این است بهشتی که
از اصال صالح خود به ارث یافتند (۴۳) و آنگاه بهشتیان دوزخیان را
نما کنند که آنچه (پیغمبران) به ما وعده دادند (از عذاب دوزخ) بحقیقت
رسید (گویند بلی ما هم بسزای خود رسیدیم) آنگاه میان آنها ماندلی
نما کنند که لعنت خدا بر سنگران عالم باد (۳۳) آنهایی که بندگان خدا
و از راه خدا باز میدارند و راه کج را میطلبند (و یا بهیبه راه راست مردم
را کج میکنند) و آنها بقیامت ایمان ندارند (۴۵) و میان این دو گروه
(بهشتیان و دوزخیان) حجاب پرده ایست و بر اعراف (یعنی جایگاهی میان
دوزخ و بهشت) مردانی هستند که همه بسیمایان شناخته شوند (برخی
از مسرین گفتند اهل اعراف گنهگاران هستند که بهر بخش خدا
امیدوارند و با انتظار آرزوی آن هستند) (۳۹) و چون نظر آنها (یعنی اعرافیان)
بر اهل دوزخ افتد گویند پروردگار ما منزل ما را با این سنگران بیک جای قرار
مده (۳۷) و اهل اعراف مردانی را که بسیمایان می شناسند آواز دهند
و گویند (دیدید که) جمیع مال و جاه و آنچه بر آن فخر و تکبر میکردید
بحال شما اسلوسدند نبود (۳۸) آیا آنهایی از مؤمنان که سوگند یاد
می کردند که خدا آنان را مشمول عتاب و رحمت خود نمیگرداند اکنون
مقامشان را می بینید) همانها امروز عتاب شود که (در بهشت

حَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ ۝ وَنَادَىٰ أَعْصَابُ الْمُنَافِقِ خُذُوا
 أَنْتُمْ وَأَنْفُسُكُمْ إِلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَنْ يُنَادِيَ الْمَاءُ أَوْ يَتَذَكَّرُ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ
 اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ عَلَىٰ الْكَافِرِينَ ۝ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَ
 غَرَّهمُ الْجَنَّةُ ۖ ذُكِّرُوا وَلَمْ يَتُوبُوا ۖ فَكَانُوا لَهَا أَهْلًا بِيَعْلَمُهُمْ مُنَادٍ
 مِنْ رَبِّهِمْ ۖ فَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ
 عِلْمٍ مُدِيِّ وَرَحْمَةٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ
 يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَكُمُ الرُّسُلُ
 بِالْحَقِّ ۖ هَلْ لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ أَنْ تَقْبَلُوا أَنْتُمْ وَكُنْتُمْ أَهْلًا لَهَا
 فَتَقْبَلُوهَا فَمِنْ غَيْرِكُمْ ۖ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ
 تَكُونَ اللَّهُمَّ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ
 عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُ أَلْهَامًا وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۖ وَالْقَمَرَ
 وَالْجُودَ مَسْطَرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ
 الْعَالَمِينَ ۝ هَادُوا ذِكْرًا فَتَضَرَّعُوا وَخُفِيَ أَنَّهُ لَا يَجِبُ الْمُعْتَدِينَ ۝
 وَلَا تُفِيدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ نَوْفًا وَطَعْنًا ۖ
 وَنَعَتُ اللَّهُ قُرَيْبًا مِنَ الْحُسَيْنِ ۖ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ تَبَارَكَ
 بِهِ يَدْفِي رَحْمَةً حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَتْ حَبَابًا ثِقًا لَا سُمْفَاءَ لِبَلَدٍ مَيْتٍ
 فَأَنْزَلْنَاهُ الْمَاءَ فَانْزَعْنَاهُ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۖ كَذَلِكَ نُفْرِجُ الْغُومَ

بی هیچ خوف و اندیشه وی هیچگونه حزن و اندوه داخل شود (۱۳۰)
 اهل دوزخ بهشتیان را آواز کنند که ما را از آبهای گوارا و از نیمی بهشتی
 که خدا روزی شما کرده بهره‌مند کنید آنها پاسخ دهند که خدا این آب
 و طعام را بر کافران حرام گردانیده است. (۱۳۱) آنهایی که دین خدا را
 فحشو و بازیچه گرفته و متاع حیوه دنیا آنها را مغرور و غافل کرد امروز ما
 هر آنها را بر رحمت در نظر نمی آوریم چنانکه آنان چنین روزشان را به خاطر
 نیاوردند و آیات ما را انکار کردند (راجع بنو اب و عتاب قیامت) (۱۳۲) بوما بر مرده
 شما می‌فرستادیم که در آن هر چیز را بر اساس علم و دانش تفصیل دادیم برای هدایت آن کرد

که ایمان می‌آورند (۱۳۳) کافران که با آیات خدا و قیامت ایمان نیاوردند
 آنها در انتظار چیستند مگر آنکه تاویل آیات و اعمال آنها به آنان
 برسد و آن روز که تاویل آیات و عاقبت کار را مشاهده کنند کسانی که
 این روز را فراموش کرده بودند خواهند گفت افسوس که رسولان خدا حق را
 برای ما بیان کردند کاش (مخالفت نمیکردیم) امروز کسی بشقات ما
 بر میخواست پایدار دیگر بدنیا باز می‌گفتم کفیر از این اعمال زشت
 با اعمال صالحی میبرد اکتیم در آن هنگام آن کافران خود را در زبان سخت
 بینند و آنچه (در دنیا) می‌یافتند (بنگرند که) همه نابود شد (۱۳۴) پروردگار
 شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز خلق کرد آنگاه به خلقت
 عرش پرداخت روز را به پرده شب در پوشاند که باشتاب در پی آن پدید و
 غروبید و ماه و ستارگان با مراد مسخر گردید (ای بنندگان) آگاه باشید
 که ملک آفرینش خاص خداست و حکم نافذ فرمان اوست که منزله و بلند
 مرتبه و آفریننده عالمیان است (۱۳۵) خدای خود را بتشرع و زاری و بعدای
 آهسته بخوانید (و بر خلق ستم نکنید) که خدا هرگز ستمکاران را دوست
 نمی‌دارد (۱۳۶) هرگز در زمین پس از آنکه کار آن بامرحل شلم صلاح یافت
 بنساخت و ثواب کاری بر تبحر و پادشاه را هم از راه ترس هم از روی امید بخوانید
 که البته رحمت او به نیکوکاران نردیگ است (۱۳۷) او خداییست که پادها
 را به بهارت پادان رحمت خویش در پیش فرستد تا چون بارها می‌سنگین
 را بردارند ما آنها را به هرودیاری که (از پی آید) مرده است برانیم و
 بدان سبب پادان فرو فرستیم تا هر گونه ثمر و حاصل از آن بر آوریم هم این
 گونه (که گیاه را از زمین مرده میرویانیم) مردگان را هم از خاک
 برانگیزیم باشد

لَعَلَّكُمْ تَتَذَكَّرُونَ ۝ وَالْبَلَدِ الْقَلْبُ يَخْرُجُ بَنَاتُهُ يُزَيِّنُ رَيْتَهُ وَالَّذِي
 خَبَتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نِكَاحًا ۚ كَذَلِكَ نَصْرِفُ الْأَيَّامَ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ۝
 لَعَلَّكُمْ تَتَذَكَّرُونَ ۝ فَأَمَّا الْيَوْمِ الْآخِرُ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ
 إِلَهِ غَيْرُهُ ۚ إِنِّي خَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ
 إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلَكِنَّي رَسُولٌ
 مِنْ رَبِّي الْعَالَمِينَ ۝ أَبْلِغْكُمْ رِسَالَاتِي رَبِّي وَأَقِصُّ لَكُمْ وَأَعْلُو مِنْ
 اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ أَوْحَيْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ
 مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ أَوْ تُنْفِقُوا ۚ وَلَعَلَّكُمْ تَرْجِعُونَ ۝ فَكَذَّبُوهُ فَأَخْتَبَاهُ
 وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِ وَأَعْرَضْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا أَنْهَاهُمْ فَاسْتَوُوا
 قَوْمًا عَيْنٌ ۚ ثُمَّ إِنِّي أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ
 مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ ۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا
 لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ ۚ وَإِنَّا لَنُفِثُكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ
 بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنَّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّي الْعَالَمِينَ ۝ أَبْلِغْكُمْ رِسَالَاتِي رَبِّي
 وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ۝ أَوْحَيْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ
 عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ أَوْ تُذَكَّرُوا ۚ فَالْتَفَتْتُ خَلْفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ
 نُوحٍ وَذَكَرْتُ فِي الْخَلْقِ بَصِطَةً ۚ فَادْكُرُوا الْآلَاءَ ۚ اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝
 فَأَلَوُا آيَاتِنَا لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنَذِّنَ مَا كَانَ يَعْتَذِرُ آبَاؤُكُمْ أَنْفُسَهُمُ

که (بر احوال قیامت) متذکر گردید (۵۷) زمین پاک نیکو گیاهش باذن خدا نیکو بر آید و زمین خشن ناپاک بیرون نیاورد جز گیاه اندک و کم ثمر این گونه ما آیات قدرت را میگردانیم برای قومی که شکر خدا بجای آرند (۵۸) نوح را که برای بیان توحید بقومش فرستادیم گفت ای قوم خدای یکتا را پرستید که جز او شما را خدائی نیست من بر شما سخت از عذاب بزرگ قیامت میترسم (۵۹) گروهی از قومش گفتند که ما تو را سخت در گمراهی می بینیم (۶۰) نوح (در پاسخ آنان) گفت ای قوم من اصلا در گمراهی نیستیم شما به خدا میروید لیکن من رسول رب العالمینم (۶۱) پیغام خدا را بشما میرسانم و بشما نصیحت و اندرز میکند و از خدا وحی الهی باموری آگام (مانند قیامت و حساب و کیفر اعمال) که شما آگاه نیستید (۶۲) آیا تمجب کرده و در نظر شما شگفت انگیز است که مردی از جانب خدا بیاد آوری شما فرستاده شده تا مگر شما را بترساند تا پرهیز کار شوید باشد که مورد لطف خدا گردید (۶۳) او را تکذیب کردند و ملامت او و پیروانش را در گفتنی نجات دادیم و آنانکه آیات الهی را تکذیب کردند (پس بدای ملامت) غری گردانیدیم که مردمی بسیار نادان و کور دل بودند (۶۴) و قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم بدانها گفت ای قوم خدای را پرستید که جز او شما را خدائی نیست آیا اندرز مرا گوش نکرد و پرهیز کار نمی شوید (۶۵) گروهی از قومش که کافر شدند گفتند ما تو را سفیه و بی خرد می یابیم و گمان میکنیم که تو سخت از دروغگویان باشی (۶۶) پاسخ داد که ای قوم مرا سفاهتی نیست لیکن من رسول رب العالمینم (۶۷) پیغام خدا را بشما میرسانم و من برای شما ناصح و غیر خواهی مطلق و امینم (۶۸) آیا تمجب کرده اید که مردی از جانب خدا بیاد آوری شما فرستاده شده تا شما را (از هول و عذاب قیامت) بترساند و ای مردم متذکر باشید که خدا شما را پس از ملامت قوم نوح جان نشین آن گروه کرد و در عاقبت نعمت شما بیفزود پس ای قوم انواع نعمتهای خدا را بیاد آرید شاید که دستکار شوید (۶۹) قوم خود گفتند آیا تو بر آن پسوی ما آمده ای که خدا را به یکتائی پرستیم و از بتهاییکه پدران ما می پرستیدند اعراض کنیم اینکار نخواهیم

کرد تو اگر راست میگوئی هر عذای که بیا بر بت پرستی وعده میدی
 زود بانجام رسد (۷۰) خود پاسخ داد که در اینصورت پلیدی (و خیانت و
 غضب خدا بر شما حتم گردیده) آیا با من که شما را بعهده ای یکتا میخوانم
 مجادله می کنید و با الفاظ بی معنی و اسامی سمائی گشما و پندارتان بر
 آن بتان نهاده اید با حق بیصوت بر میخیزید و حال آنکه خدا در آن
 بتان هیچ صفت و بر خانی نهاده پس بایستی در انتظار عذاب خدا باشید
 کمن نیز بر شما انتظار عذاب دارم (۷۱) هود و پیروانش را بر حمت خود
 از عذاب مایندیم و آنانکه آیات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند
 همراهمان گردانیدیم (۷۲) و بر قوم نمود صالح برادرشان را فرستادیم
 گشت خدا بر اپرستید که جز او شمارا خدائی نیست اکنون معجزی واضح
 و آشکار از طرف خدا آمده این ناه خدا شمارا آیت و معجزیت بزرگ او
 را وا گذارید تا در زمین خدا چرا کند و قصد سوئی در باره او نکنید که
 بعهده ای در دنیا گرفتار خواهید شد (۷۳) تذکر باشید و فراموش نکنید
 که شمارا پس از هلاک قوم عاد خدا جان شین اقوام سلف نمود و در زمین منزل داد تا
 اراضی مهله (عاک نرم) قصرهای عالی و از کوه پتر اشدین سنگ سبزهای محکم
 بنا کنید پس نعمتهای خدا را یاد کنید و در زمین بشارت و تبه کاری بر نهیزید
 (۷۴) رؤسا و گردن گمان قوم صالح با ضما و قبیرائی که با او ایمان آوردند
 به تسخر گفتند آیا شما اعتقاد دارید که صالح را خدا بر سالت فرستاده
 مؤمنان جواب دادند بلی ما بر این عالم و مطمئنیم ما بهیچ شک به آئینی که
 از طرف خدا بر او فرستاده شده ایمان داریم (۷۵) متکبران بی ایمان گفتند ما
 هم بهیچ شک به آنچه شما ایمان دارید کافریم (۷۶) آنکاه ناه صالح را
 پی کردند و از امر خدا سر باز زدند و با پیغمبرشان صالح از روی تحکم و
 تسخر گفتند که ای صالح اگر تو از رسولان خدائی اکنون عذای که بر
 تا فرمانی خدا ما را وعده کردی بیا (۷۷) پس زلزله ای بر آنها آغاز گردید
 تا آنکه همه در خانه خود از پای درآمدند (۷۸) چون علام عذاب رسید
 صالح از آنان روی گردانید و از ایمان آنها تا امید شد و گفت ای قوم من
 ابلاغ رسالت از خدای خود نمود و شمارا نصیحت کردم لیکن شما از
 جهل و غرور تا صحن را دوست نمی دارید (۷۹) و لوط را فرستادیم که
 بقوم خود گفت آیا عمل

الْفَاحِشَةُ مَا سَبَقَ مَكْرُهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ۝ نَكَرَ لَنَا قَوْمٌ
 الرِّجَالُ شَهْوَةٌ مِنْ دُونِ النِّسَاءِ ۝ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ۝ هُوَ مَا كَانَ
 جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِنَا ۝ أَمْ لَهُمْ آتَانُ أَنْ يَنْظُرُوا
 ۝ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ۝ وَأَمْطَرْنَا
 عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَأَنْظَرُوا ۝ كَيْفَ كَانَ غَافِبَةُ الْعَجْرِيِّينَ ۝ وَإِلَى مَدْيَنَ
 أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۝ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۝ قَدْ جَاءَكُمُ
 بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ ۝ فَارْزُقُوا الْبَكْلَ وَالْمَيْتَانَ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَكُمْ
 وَلَا تَتَّبِعُوا فِي الْأَرْضِ عَدُوًّا لَّكُمْ ۝ اصْلَحُوا لَكُمْ ۝ وَاعْبُدُوا اللَّهَ ۝ لَكُمْ ۝ أَنْ تَكُونَ
 مُؤْمِنِينَ ۝ وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ ۝ وَتُقْسِدُونَ ۝ وَتُصَدِّقُونَ
 عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۝ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبَعُوا ۝ عِوَجًا ۝ وَادْكُرُوا ۝ إِلَٰهَكُمْ ۝ قِيلَ
 فَكَمْ كُذِّبُوا ۝ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ غَافِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَإِنْ كَانَتْ
 ظُلُمَاتٌ مِنْكُمْ ۝ آمَنُوا بِاللَّهِ ۝ زَيْلٌ بِهِ وَظُلُمَاتٌ ۝ لَّزُومَتُوا
 فَاصْبِرُوا ۝ هَٰذَا بِحُكْمِ اللَّهِ ۝ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ۝ قَالَ الْمَلَأُ
 الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا ۝ مَعَكَ
 مِنْ قَرْيَتِنَا ۝ أَوْ لَتَعُولُنَّ فِي مَلَأْنَا قُلُوبَهُمْ ۝ فَاسْتَوَيْنَا
 عَلَى اللَّهِ ۝ كَذِبًا ۝ أَنْ عُدْنَا فِي مِلِّكُمْ ۝ بَعْدَ ۝ أَنْجَيْنَا اللَّهُ مِنْهَا ۝ وَمَا
 يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۝ وَبَيْنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ

دشتی که پیش از شما هیچکس بدان مبادرت نکرده بهیامی آوردید (۸۰)
 شازنانرا ترک کرده و پامردان سخت شهوت میرانید آری که شما قومی
 فاسد و ناپاکید (۸۱) آن قوم پیغمبر خود لوط را پاسخی ندادند جز آن
 که گفتند او را از شهر بیرون کنید که او و پیروانش مردمی هستند که این
 کار را پلید دانسته و از آن تنزیم میجویند (۸۲) مأم او و اهل بیتش همدا
 نجات دادیم مگر زن او که آن زن از بازماندگان (در عذاب) بود (۸۳) و بر
 آن قوم بادانی از سنگ ریزه فرو باریدیم بنگر که مال کار بدکاران چیست
 (۸۴) و باهل مدین برادر آنها شعیب را فرستادیم گفت ای قوم خدا پرا
 پیرستید که شمارا جز او خدائی نیست اکنون که از جانب پروردگار بر
 شما برهانی روشن آمد کم ندهید و در سنجش کیل و وزن پامردم عدل و درستی
 پیغه کنید کم نرود و در زمین پس از آنکه قوانین آسمانی بنظم و اصلاح
 آن آمد بنساز بر نهیزید اینکار برای سعادت شما بسیار بهتر است اگر
 (بعد از روز قیامت) ایمان دارید (۸۵) و بهر طریق در کمین گمراه کردن
 خلق و ترسانیدن و بازداشتن مردم از راه خدا بر نیاید تا هر کسی بعد از ایمان
 آورده براه کج و ضلالت اندازد و ای مسلمانان شما هم بیاد آرید زمانی را که
 عده قلیلی بود و دودشتمان بسیار خدا بر عده شما افزود و بنگرید عاقبت
 حال مفسدان چگونه بود (که مصلحت شدند) تا شما از عمل آنها پرهیزید
 (۸۶) و شعیب بمؤمنان گفت اگر به آنچه من از طرف خدا مأمور بپیشانی آن
 شده ام گروهی ایمان آوردند و گروهی ایمان نیاورده و به خصوصت برخاستند
 شما مؤمنان که ایمان آورده اید مسیر پیغه کنید تا خدا میان ما و آنها داوری
 کند که او بهترین دادخواهانست (۸۷) گروهی از قوم شعیب که از حکم خدا
 سرکشی کردند به پیغمبر خود شعیب گفتند ما تو و پیروانت را از شهر خوش
 بیرون میکنیم مگر آنانی که بکیش ما برگردند شعیب گفت یا این نفرت که
 ما از این شادانید بد جوع ماه آن محال است (۸۸) اگر ما بدین شایر-
 گردیم با وجود آنکه خدا ما را از آن نجات داده همانا بعد از افتراء و
 دروغ پستما بدوهر گز نفوذ کما به آئین جاهلانه باطل شما رجوع کنیم
 مگر آنکه سعیت خدا قرار گیرد که او پروردگار ماست و بمسالما

عَلَّمَ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا وَتَنَا افْعَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا إِنِّى وَآنَتْ
 نَحْمُرُ الْفَاعِلِينَ ۝ وَقَالَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنْ أَتَيْتُمْ
 شُعْبًا لَئِنْ كُنَّا إِذَا الْخَالِيسُونَ ۝ فَأَخَذَ لَهُمُ الرِّيحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ
 جَاثِمِينَ ۝ الَّذِينَ كَذَبُوا شُعْبًا كَانُوا يَمْتَرُونَ ۝ الَّذِينَ كَذَبُوا
 شُعْبًا كَانُوا أَهْلُ الْخَالِيسِينَ ۝ قَوْلَىٰ عَمَّاسٍ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَتَيْتُمْكُمْ
 رِسَالًا مِنْ رَبِّي وَفَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَأْتُمْ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ ۝ وَمَا
 أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ
 لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ۝ ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ الشَّيْءِ وَخَسِفُوا الْفُلُوكَ
 وَقَالُوا أَفَدَمَّنَا آبَاؤُنَا الضَّرَّاءِ وَالشَّرَّاءُ فَأَخَذْنَا هُمْ بِغَتَّةٍ وَهُمْ لَا
 يَتُحَرَّنُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ لَمَتُّوا وَأَتَقُوا الْعَصَا عَلَبَرِهِمْ رُكَا
 مِنْ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَكِنَّ كَذَبُوا فَأَخَذْنَا هُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
 أَقَامُوا أَهْلَ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيِّنًا وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَأَمَّا
 أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضَعْفٍ فَهُمْ لَا يُمْنُونَ ۝ أَفَأَمَّا مَكْرَهٌ
 فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَالِيسُونَ ۝ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرْتُونَ
 الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ لَنَّا أَصْبَنَّا هُمْ يَدُ قَوْمِهِمْ وَتَطْبَعُ
 عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَهْتَمُونَ ۝ ذَلِكَ الْقُرَىٰ تُفَضِّلُ عَلَيْكَ مِنْ نَبِيِّنَا
 وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِنَّمَا كَذَبُوا

آگاهست و ما را تو کل کتب و از او فتح و فیروزی طلبیم پروردگارا تو در
نزاع بین ما و امت بحق ما را فاتح گردان که تو بهترین فیروزی دهنده ای
(۸۹) گروهی از کافران امتش مردم را تهدید کرده و گفتند ای مردم اگر
پیروی شعیب کنید البته دوزیان خواهید افتاد (۹۰) پس دلزله بر آنها
آغاز گردید شب را صبح کردند در حالیکه در خانه های خود به حال غفلت افتاده
(۹۱) آنانکه شعیب را تکذیب کردند عذاب شد و اثری از آنها باقی نماند
(و بجای آنکه پیروان شعیب را زیان کار میخواندند) خود زیان کار شدند
(۹۲) شعیب از آن مردم بی ایمان روی گردانید و گفت ای قوم من شما ابلاغ
رسالت های خدا کردم و برای اتمام حجت شمارا اندرز و نصیحت نمودم
(اکنون که کافر شدید) من چرا بر عذاب کافران غمگین باشم (۹۳) ما هیچ
پیشگیری به هیچ شهر و دیاری نداشتیم مگر آنکه اهلیش را بقداد
معین مبتلا ساختیم تا مگر توبه کرده و بدرگاه خدا تضرع و زاری کنند
(۹۴) پس آن سختبهارا به آسایش و خوشی مبدل کردیم تا بکلی حال خود
را فراموش کرده و گفتند آن درنج و معین بیدران ما رسیده ام بناگاه آنان را
بکفر افعالشان عذاب کردیم در حالیکه از توجه بان عقاب غافل بودند
(۹۵) و چنانچه مردم شهر و دیار خدا یمن آورده و برهیز کفر می شدند همانا
مادرهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنها می گفودیم ولیکن چون آیات
و پیغمبران ما را تکذیب کردند ما هم آنان را بکفر کردار زشت رسانیدیم
(۹۶) آیا اهل شهر و دیار (که بنا فرمائی خدا و اعمال نکوهیده معنولند)
از آن ایمنند که شبانگاه که در خوابند عذاب ما آنها را فرا گیرد (۹۷) آیا
اهل شهر و دیار (که از یاد خدا و طاعت او غافلند) از آن ایمنند که پرورد
گس گرگم باز بجه دنیا هستند عذاب ما آنان را فرا رسد (۹۸) آیا از مکر
خدا (یعنی آزمایش و معجزات خدا) غافل و ایمن گردیدند که از آن تنگنا حق غافل
نمودند مگر مردم زیانکار (۹۹) آیا این مردم را که بعد از اقوامیکه همه
مردند و اورت زمین شدند خدا آگاه نرفته که اگر ما بجوایم بکفر
گناها نشان میرسانیم و بر دلها یمن می نهیم و بگوئیم دل چیزیه (از آیات
خدا) نشونمو از آن پند نگیرند (۱۰۰) ایست شهرهایی که بر تو اخبار
اهلیش بیان کردند پس در ابد و مولانی با ادلشون آمد چون از پیش آنها را
تکذیب کرده بودند

قَبْلَ ذَلِكَ بَطَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ﴿١٠١﴾ وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ
مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ﴿١٠٢﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ
مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَأَنظَرْنَاهُ كَيْفَ كَانَ
عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٠٣﴾ وَقَالَ مُوسَى لِأَفْرَعُونَ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾ فَصَبِّحْ عَلَى أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ
بِبَيِّنَاتٍ مِنْ رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَءِيلَ فَهَلْ لَكَ أَنْ كُنْتَ جُنُودَ اللَّهِ
فَأَنْتَ بِهَا أَنْ كُنْتَ مِنَ الضَّالِّينَ ﴿١٠٥﴾ فَأَتَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثَبَاطِثٌ
لَهَا مِنْ مِثْلِهَا قَدْ جَاءَتْهُ بِأَيِّهَا يُنْصَأُ لِلشَّاطِرِ لَعْنَةُ اللَّهِ الْإِيمَانِ ﴿١٠٦﴾
فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٧﴾ يُرِيدُ أَنْ يُفْرِكَ مِنْ آيَاتِنَا فَذَاهِبْ
نَا مُرُونَ ﴿١٠٨﴾ لَوْ أَنَّ رُجُوعَ وَآخَاءَ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ خَاسِرِينَ ﴿١٠٩﴾ أَقُولُ
يَكُلُّ سَرِيرٍ عَلَيْهِمْ ﴿١١٠﴾ هَاجَاءَ الثَّغَرُ فِرْعَوْنَ فَأَلْوَاهُ لَنَا الْأَجْرُ إِنْ كُنَّا
مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١١١﴾ هَلْ نَعْمُ وَإِنَّا لَكُلِّ الْمَقْتُولِينَ ﴿١١٢﴾ هَلْ لَوْ أَنَّ مُوسَى
إِنَّمَا أَنْتَ مُلْكِي وَإِنَّمَا أَنْ تَكُونَ مَعَهُ الْمَلَكِينَ هَلْ أَلْهَوْنَا أَتَقَرُّ
تَعَرُّوْا عَنْهُ الثَّانِي اسْتَرْفَعُوا وَجَاهُ وَبُخْرٍ عَظِيمٍ ﴿١١٣﴾ وَوَجَّهْنَا
إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٤﴾ هُوَ مَعَ
الْحَقِّ وَبَطْلُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٥﴾ فَطَلَوْا هَذَا لَكَ وَالْقُلُوبُ مُلَوَّنَةٌ
﴿١١٦﴾ فَالْقَى الثَّغَرُ سَاحِدِينَ ﴿١١٧﴾ لَوْ أَنَّ مَثَارَ رَبِّ الْعَالَمِينَ هَبَّتْ

با نمان ایسان نیاوردند همچنین خدام (بشقاوت کفر) دلهای کافر را مرا
خواهد کرد (۱۰۹). کثر مردمان را در عهد استوار ندیدیم بلکه پیشتر را
مهدشکن وید کار یافتیم (۱۰۴). بعد از آن رسولان باز ماموس را با آیات
و ادله (روشن) بسوی فرعون و قومش فرستادیم آنها هم با آن آیات مخالفت
و سرکشی کردند بشکر تا عاقبت پرورگار آن تبه کاران چه رسید (۱۰۳)
و موسی خطاب کرد که ای فرعون محققا (بدان) که منم فرستاده خدای
عالیمان (۱۰۴) - ز او آرد آن که از طرف خدا چیزی جز حق بخلق نگویم
دلیلی بی روشن از جانب پروردگار عالم برای شما آوردم پس (تو ای
فرعون) بنی اسرائیل را با من بفرست (۱۰۵) فرعی پاسخ داد که ای موسی
اگر دلیلی برای صدق خود در (دعوت رسالت) داری بیار (۱۰۶) موسی هم
مضای خود را بیفکند بناگاه آن صاعقه آمد و پدیدار گردید (۱۰۷) و دست
از جیب خود بر آورد که ناگاه بینند گان را آفتابی تابان بود (۱۰۸) اگر موسی
از قوم فرعون، فرعون را گفتند که این شخص ساحری سخت ماهر و داناست
(۱۰۹) راده آن دارد که شمارا از سر زمین خود بیرون کند اکنون در کار او
چه دستور میدید (۱۱۰) پس از مشاوره قوم بفرعون چنین گفتند که موسی و
برادرش (هارون را) زمانی بازدار و اشخاصی بشهر هافرست (۱۱۱)
تا ساحران زبردست دانرا بحضور تو جمع آورند (۱۱۲) (فرعون در این
رای پسند افتاد و برای جمع آوری ساحران شهرها کس فرستاد) بعد
بسیاری ساحران بحضور فرعون گرد آمده فرعون را گفتند اگر بر موسی
غالب آئیم بر ایما اجر و مزد شاهان خواهد بود (۱۱۳) فرعون پاسخ داد
بلی و علاوه بر آن نزد من از قربان خواهی گشت (۱۱۴) ساحران بموسی
گفتند اکنون مختاری خواه نیستی موسی خود بیفکن با ما بساط سحر
خوش بیندازیم (۱۱۵) موسی گفت شما اول اسباب خود بیفکنید چون
بساط خود انداختند چجادوگری چشم خلق بستند که مردم سخت مرابان
شدند و سحری پس خفیم و هول انگیز برانگیختند (۱۱۶) و بموسی وحی
نمودیم که صای خود را بیفکن (چون صاعقه آمد و سخت مجزه او) هر چه ساحران
پا افتاده بودند همه را بیلیمید (۱۱۷) پس (بظهور آن مجزه) حق ثابت شد و
اصال ساحران منه باطل گردید (۱۱۸) تا قیامت ساحران با وجود آن سحر
بزرگ از آنجا مملوب و غور باز گشتند (۱۱۹) و در مقابل قدرت خدا
سجده افتادند (۱۲۰) و گفتند ما ایسان آوردم بهمای عالمیان
(۱۲۱) خدای

مَوْلَى فِرْعَوْنَ ۖ قَالَ فِرْعَوْنُ اسْتَنْتِمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ
 هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرُومٌ ۖ فِي الْمَدِينَةِ الْفَرِيقَ وَآمَنَّا بِهَا فَأَمَّوْا
 تَعْمَلُونَ ۖ لَا تَقْطَعْنَ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ جِلْدِكُمْ لَا تَصْلِحْ لَكُمْ
 أَعْيُنٌ ۖ قَالَوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ۖ كَمَا تَقِمْ يَمِينًا إِلَّا أَنْ
 آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا اتَّبَعْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنا
 مُسْلِمِينَ ۖ قَوْلَ الْمَلَكِ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرِبُونَ قَوْمَهُ
 لِيُعَذِّبُوا الْأَرْضَ بِدَرِكِكُمْ وَالْجَنَّةُ قَالَ سَتَقْبِلُ آيَاتُنَا نَهْمُ
 وَتَقْبَلُ نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ فَاهِرُونَ ۖ قَالَ نُونِي أُفْرِغْ عَيْنَا
 بِاللَّهِ وَاصْبِرْ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ
 الْعَاقِبَةُ لِلنَّاعِمِينَ ۖ قَالُوا أَوْ دِينًا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ
 جِئْنَا قَالَ عَنِّي بَلَدٌ ۖ إِنَّ هَذَا بَلَدٌ عَذْرٌ ۖ وَبِخَطْفِكُمْ فِي الْأَرْضِ
 تَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ۖ وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ
 نَقِصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ ۖ قَالُوا جَاءَكُمُ الْحَسَنَةُ
 قَالُوا النَّاسُ هَذِهِ وَإِنْ نَصَبْنَاهُمْ سِنِينَ يَنْظُرُوا بِعُيُونِنَا مَنْ مَعَهُ إِلَّا
 لِنَمُاطُوا عَنْهُمْ عَنِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۖ قَالُوا لَوْ كُنَّا
 نَأْتِيهِ مِنْ آيَاتِهِ لَتَنَصَرَّنَا بِهَا لَأَمْنُنَّكَ يَهُودِيِينَ ۖ قَالُوا سَلْنَا
 عَلَيْهِمُ الظُّلُمَانَ وَالْجُبْنَ وَالْقَتْلَ وَالظُّغْرَانِ وَالْدَّمَ الْهَابَ

موسی و هرون (۱۳۳) (فرعون سخت برآشت) و گفت چگونه پیش از دستور
 و اجازه من با و ایمان آوردید شما تا (در اینکار) مکاری اندیشیده که مردم این
 شهر را از شهر بیرون کنید پس بزودی خواهید دانست (که شما را چه کیفر
 دهم) (۱۳۴) دست و پای شما را بریده و همه را بدار خواهم آورد (۱۳۵)
 گفتند ما از مرگ نمی ترسیم (زیرا) بسوی خدای خود باز میگردیم (۱۳۶)
 کیسه و انتقام تراز ما بچرم آنست که ما بآیات خدا (و رسول او) چون آمد
 ایمان آوردیم بار خدا یا بپاسبر و شکیبائی ده و ما را با این اسلام بمیران
 (یعنی با تسلیم و رضای بحکم خدا) (۱۳۷) جمعی از سران قوم بفرعون
 گفتند آیا موسی و قومش را واگذاری تا در این سرزمین فساد کنند و تو و
 خدایان تر را بکشد و فرعون گفت بزودی (بیاداش و کیفر آنها) پسران شان
 را بکشد و زنان را زنده گذارده (و در رنج و عذاب خدمت و اسارت نگاهدارم)
 ما بر آنها غالب (و بر هلاک ایشان) مقتدریم (۱۳۸) موسی ب قوم خود گفت
 از خدا یاری خواهید و صبر کنید که زمین ملک خداست و او بهر کس از
 بندگان خواهد داد گذارد و حسن عاقبت و فیروزی مخصوص اهل تقوی است
 (۱۳۹) قوم موسی با و گفتند که ما هم پیش از آمدن تو (برسالت) و هم بعد
 از آن (در هر دو زمان) برنج و شکنجه (دشمن) بوده ایم موسی گفت (غم
 مغرورید) امید است که خدا دشمن شما را هلاک نماید و شما را در زمین
 جانفشان او کند (آنگاه در مقام امتحان) بنگرد تا شما چه خواهید کرد
 (۱۴۰) و فرعون بنیان را سخت بقط و تنگی معاش و نقی و آفت بر کشت و زرع
 مبتلا کردیم تا شاید متذکر شوند (دست از ظلم بخلق و مخالفت با حق
 بردارند) (۱۴۱) پس آنگاه که نیکوئی (و پیش آمد خوشی) بد آنها میرسد
 بپایستگی خود نسبت داده و هر کار بدی (و پیش آمد ناگواری) مانند بقط
 و سختی بر آنها می آمد غالب بد میبوس و همراهانش میزدند (یعنی ظهور
 موسی و امتش را بغال بد بر خود میگردانند) آگاه باشند که غالب بد آنها
 نزد خداست (یعنی دفع و سختی که بر آنان پیش آید از جانب خداست) لیکن
 اکثر آنها بر این آگاه نیستند (۱۴۲) (و فرعون بنام موسی) گفتند اگر تو
 آیات و معجزاتی آورده ای که ما را بدان سحر کنی بدانکه هرگز ما ایمان
 نخواهیم آورد (۱۴۳) (پس آن گاه یک نفر کفرشان) بر آنها طوفان و ملخ
 شهاب و زو و خون (خون شدن آب) آن نشانهای آشکار (قهر و غضب را) فرستادیم

مَفْضَلَانِ فَاسْتَكْبَرَا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿١٢٨﴾ لَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ
الرَّيْحُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا نَعُدُّكَ عِنْدَكَ لَكُنْ كَسَفَتِ
عَنَّا الرِّيحُ لَتُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلْتُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿١٢٩﴾ هَلُمَّ
كَسَفْنَا عَنْهُمْ الرِّيحَ وَالْمَآءَ جَمِيعًا لَمَّا أَجَلَ لَهُمْ بِالْعَوْدِ إِذَا هُمْ يَنْتَكِبُونَ ﴿١٣٠﴾ فَاذْكُرْنَاهَا
مِنْهُمْ فَأَعْرَضْنَا لَهُمْ فِي النَّارِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّا بَأْسُنَا لَخَافِيَةٌ
وَأَوْزُنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُبْتَغَفُونَ عَنْ سَائِرِ الْأَرْضِ وَ
مَنَادِيهَا إِلَهِي بَارِكْنَا فِيهَا وَتَمَنَّى كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي
إِسْرَءِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَعَرْنَا مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ فَرَعَوْنَ وَقَوْمَهُ وَمَا
كَانُوا يَعْرِشُونَ ﴿١٣١﴾ وَجَاءَ ذُنَابُنَا بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْفَرَاقَ قَالُوا عَلَى قَوْمٍ يَنْتَكِبُونَ
عَلَى أَصْنَانِهِمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا آلِهَةً كَالَّذِينَ كَانُوا
يَعْبُدُونَ ﴿١٣٢﴾ قَالَ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ وَإِلَّاهُ جَمِيعُهُمْ
يَعْلَمُونَ ﴿١٣٣﴾ قَالَ أَغْبَرُ اللَّهُ أَبْصِيرُكُمْ لَهَا وَهُوَ فَضْلُكَ عَلَى الْعَالَمِينَ
﴿١٣٤﴾ وَإِذْ أَجَبْنَا آدَمَ إِلَى رَفِيعُونَ بِمُؤْمِنِكُمْ أَسْوَأَ الْعِدَّةِ يَبْتَغِي لَكُمْ
أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْشِرُونَ لِكُلِّ أُنْثَىٰ وَفِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكَ عَظِيمٌ ﴿١٣٥﴾
وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَا مَا عَصَيْتُمْ قَوْمَ سَمِيعَاتٍ رَبِّكَ
أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي فَأَسْلَحْ
وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٣٦﴾ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ بِأَيُّهَا إِنَّا وَكَلَّمْنَاهُ

باز طریق کبر و گردنکشی پیش گرفتند و قومی نابکار شدند (۱۳۳) و چون
 بلا بر آنها واقع شد بموسی گفتند که از خدا بپسندید که تراست بپسندید تا
 این عذاب و بلا را از ما دور کنند بر این پیمان اگر دفع بلا کردی البته
 ایمان بتومی آوریم و بنی اسرائیل را بهما راهی (و متابعت) تو میفرستیم
 (۱۳۴) پس چون بلا را از سر آنها رفع کردیم تا مدتی که متعهد شدند ایمان
 آورند مدت که بپایان رسید باز پیمان را شکستند (۱۳۵) ما هم از آنان
 انتقام کشیدیم و آنها را بدریا غرق کردیم بکیفر آن که آیات ما را تکذیب
 کرده و از آن غفلت (و اعراض) نمودند (۱۳۶) و ما (پس از زوال فرعون)
 طایفه ای را که فرعونیان ذلیل و ناتوان میدانستند و اوست مشرق و مغرب زمین
 با برکت (مصر و شامات) گردانیدیم و احسان خدا بر بنی اسرائیل بعد
 کمال رسید بیادش صبری که در مصائب کردند و فرعون و قومش را با آن
 صنایع و صادرات و کاخ عظمت نابود و عذاب نمودیم (۱۳۷) و بنی اسرائیل
 را از دریا با ساحل (سلامت) رسانیدیم پس بقومی که به پرستش بنان خود
 متوقف بودند بر خورده (و به آئین بت پرستی نایل شدند) و گفتند ای موسی
 برای ما خدائی مثل خدا یا نیرا که این بت پرستان راست (دیندنی و محسوس)
 مقرر کن موسی در جواب (تقاضای جاهلانه قوم) گفت شما سبعت مردم
 نادانی هستید (۱۳۸) خدایانی که این جماعت بت پرستان راست فانی
 و عقاید و آئینشان باطل است (۱۳۹) موسی گفت آیا غیر خدا را بخدائی
 میطلبید در صورتیکه خداست که شما را بر عالمیان برتری و فضیلت بخشید
 (۱۴۰) یاد آید هنگامی را که فرعونیان شمارا سخت عذاب و شکنجه
 میداشتند پس ارشاد را گفته و زنان رازنده با سار و خدمتکاری میخواستند
 و این شمارا از جانب خدا امتحان و تنبیه بزرگی بود (۱۴۱) و با موسی
 سی شب بوعده و قرار نهادیم چون پایان یافتند بپس دیگر بر آن افزودیم
 تا آنکه زمان وعده چهل شب تکمیل شد به برادر خود هرون گفت تو
 اکنون پیشوای قوم و جانمین من باش و راه صلاح پیش گیر و پیرو اهل
 فساد مباش (۱۴۲) و چون موسی با اقتدار نفریزرگان قومش که انتخاب
 شده بودند وقت معین بوعده گاه ما آمد

رَبِّهِ قَالَ رَبِّ أَرَأَيْتَ أَنْظُرُ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرِيَّ وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَىٰ الْجَبَلِ
فَإِنْ اسْتَغْفَرَ مَكَانَهُ فَنُفِثَ وَنَرِيَّ فَلَنَاجِيَنَّ رَبَّنَا لِيُجِبَلَ رُبُّهُ لِيَجْعَلَ دَعَا
وَحْرَ مُوسَىٰ صِغْفُورًا فَأَنَّىٰ قَالَ بُنِيَانَكَ تَبْتَثُ إِلَيْكَ وَآنَا وَآوَلِ
الْمُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَىٰ النَّاسِ بِرِسَالَتِي
وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِنَ الشَّاكِرِينَ ۝ وَكُنَّا لَهُ فِي
الْأَوَّلِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْ مَا يُقْوَىٰ
وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَا حُذَيْفَةُ يَا حَسْبُهَا سَارِيكُهُ إِذَا رَأَىٰ الْفَارِيسِيَّ ۝
سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِ الدِّينِ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ
بَرَأ كُلُّ أُمَّةٍ لِّأَبْنَائِهِمْ مِثْلَ قُرُونٍ وَرَوَّاسِيْلُ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ
سَبِيلًا وَإِنْ بَرَّ وَاسْتَبِيلَ الْفَقِي يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ۝ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ وَاتَّخَذَ قَوْمُ
مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا آلِهَةً خَاوُوا إِلَيْهِ زُرْعَاتُهَا لَا
يَكْلِمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ۝ وَلَمَّا
سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَوْلَا رَبُّنَا
وَيَغْفِرُ لَنَا لَكُنَّا مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ
غَضِبَانَ إِيفَاقًا قَالَ إِنَّكُمْ عَافَيْتُمُوهُ مِنْ بَعْدِ أَنْ عَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ

و خدا با وی سخن گفت موسی (بتقاضای قوم خود) عرض کرد که خدا یا خود را بمن آشکار بنما که تورا مشاهده کنم خدا در پاسخ او فرمود که مرا تا ابد نخواهی دید ولیکن در کوه پنگر اگر کوه بجای خود بر قرار تواند ماند تو نیز مرا خواهی دید پس آنگاه که نور تجلی خدا بر کوه تابش کرد کوه را هندک و متلاشی ساخت و مرسی بیهوش افتاد پس که بیهوش آمد عرض کرد خدا یا تو منزله و برتری بدرگاه تو توبه کردم و من (از قوم خود) اول کسی هستم که ایمان دارم (۱۳۳) خدا فرمود ای موسی من ترا برای اینکه پیغامهای مرا بخلق برسانی برگزیدم و بر کلام انتخاب کردم پس آنچه را که بتو فرستادم کاملا فراگیر و شکر و سپاس الهی را بجای آور (۱۳۴) و درالواح (تذریه آسمانی) از هر موضوع برای مباحث و پند و هم تحقیق هر چیز بموسی نوشتیم و دستور دادیم (حقایق و احکام آنرا) بقوت عقل و ایمان (فراگیر و قوم را دستور ده که نیکوتر مطالب آنرا اخذ کنند که پستی مقام و منزلت فاسقانرا بزودی بشمانشان خواهیم داد) (۱۳۵) من آنانرا که در زمین پناهی و از روی کبر دعوی بزرگی کنند از آیات رحمت و گردان و معرض گردانم که مرا آیتی بینند بآن ایمان نیاورند و اگر راه رشد و هدایت یابند آنرا نپیموده و بمسکس اگر راه جهل و گمراهی یابند پیش گیرند این (ضالالت آنها) بدین جهت بود که آیات خدا را تکذیب کرد و از فهم آن غافل و معرض شدند (۱۳۶) و آنکه آیات آسمانی ما و لقا عالم آخرت را تکذیب کردند اعمالشان تباه و باطل شده آیا در محکمه عدل خدا جز آنچه کردند کیفر آنها خواهد بود (۱۳۷) قوم موسی بعد از رفتن موسی بکوه طور) آنها مجسمه گوساله ای که صدائی میکرد از طلا و زیورهای خود ساخته و پرستیدند آیا ندیدند که آن مجسمه بیروح بآنها سخنی نمیگوید و برای آنها راه هدایت نمیکند (آری دیدند و از جهل و عناد) باز پی آن گوساله گرفتند و مردمی (سخت دل) و ستمکار بودند (۱۳۸) و چون از آن عمل (پرستش گوساله از پشیمانی پشت دست بدندان گرفتند و) دیدند که درست گمراهند با خود گفتند اگر خدا ما را نبخشد و از ما نگذرد سخت از زیانکاران عالم خواهیم بود (۱۳۹) و چون موسی بسوی قوم خود باز گشت بحال خشم و تأسف بقوم گفت شما پس از من بسیار بد حفظ التیب من کردید آیا دوام خدای خود حمله کردید

وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَآخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنُ أُمَرَ أَنَّ
الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشِيمُ بِي الْأَعْدَاءُ وَ
لَا تَجْنِلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٠﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي لِأَخِي وَأَدْخِلْنَا
فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٠١﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْجُلُ
سَآءَ الْهُمُ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْأَعْيُنِ وَكَذَلِكَ
نَجْزِي الْمُفْسِدِينَ ﴿١٠٢﴾ وَالَّذِينَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَوْ أَبَوَاءُ مِنْ بَعْدِهَا
وَأَمْوَالٌ إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَنُوهُمْ رِجْمُهُمْ وَلَنَا سَكَنٌ مِمَّنْ مَوَى
الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ وَفِي شَجَرِهَا هُمْدًى وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ هُمْ لِزِينَتِهِمْ
يُرَاهُونَ ﴿١٠٣﴾ وَلَوْ أَنَّ رُءُوسَ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَفْلَافًا أَفْطَمُوا
الرَّحْمَةَ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلِ وَإِنِّي أَهْلِكُكُمْ إِنَّمَا
فَعَلَ الشَّعْيَاءُ فِيمَنَآ إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي
مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ جَبُّرٌ عَلَافٍ ﴿١٠٤﴾
اكتب لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هَذَا إِلَهكَ قَالِ
عَدَائِي صِيبٌ مِنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي سِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ فَكُتِبَ فِي الدُّنْيَا
يَتَّبِعُونَ وَوَقُوتُنَ الرِّكَوَةِ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٥﴾ الَّذِينَ
يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوءًا عِنْدَهُمْ
فِي الْوَرْدِ وَالْأَنْجِيلَ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ

و الواح را بر زمین انداخت و از فرط غضب سر بر آدرش (هرود) را بسوی خود کشید (هرود) گفت (ای جان برادر ای فرزندانم) بر من خشمگین مباش که (من) با نهایت کوشش و فداکاری هدایت قوم کردم (آنها مرا خوار و زبون داشتند تا آنجا که بس با قوم خصومت و مقاومت کردم نزدیک بود مرا بقتل رسانند پس تو) بخشم خرد) دشمنان را بر من شاد مگردان و مرا در هدادمردم شتمکار شمار (۱۲۰) موسی شفت کرد و گفت پروردگارا من و برادر مرا پیامر زود در رحمت خود داخل گردان که تو مهر بان ترین مهر با نانی (۱۲۱) آنانکه گوساله را به پرستش گرفتند آتش غضب خدا در آخرت و خواری در حیوة دنیا محققاً با آنها خواهد رسید و همچنان ما دروغگویان را کیفر خراشید کرد (۱۲۲) آنانکه مرتکب عمل زشت شده پس از آن عمل بدتوبه کردند و با احلامی ایمان آوردند خدای تو بر آنها بعد از توبه بیقین بخشیده و مهربان است (۱۲۳) و چون غضب موسی فرو نشست الواح تورات را بر گرفت که در صحیفه آن تورتبه هدایت و رحمت بود بر آن گروهی که از خدای خود میترسند (۱۲۴) موسی عفتاد مرد از قوم خود برای وعده گاه رسیده تفتاح فتلله املوا (پشیمانی من بعد از توبه) بخت با خدا است (در آن حال) گفت پروردگارا اگر مشیت نافذت تعلق گرفته بود که همه آنها و مرا نیز ملامت کنی (کاش) پیش تر از (وعد) میکردی آیا ما را بنعل سنبهان ما (که درخواست جامه لانه کردند) ملامت خواهی کرد این کار جز فتن و امتحان توییست که در این امتحان هر که را خواهی گمراه و هر که را خواهی هدایت میکنی توئی مولای ما پس (بحکم ربوبیت) بر ما ببخش و ترحم کن که توئی بهترین آمرزنده گان (۱۲۵) او سر نوشت ما را هم در این دنیا و هم در عالم آخرت نیکویی و ثواب مقدر فرما که ما بسوی تو هدایت یافته ایم (بتو گردیده ایم) خدا (در پاسخ درخواست موسی) فرمود (ای موسی بدان) که عذاب من بر هر که خواهد رسد ولیکن رحمت من هم موجودات را فرا گرفته و البته برای آنکه راه تویی پیش گیرند زکوة (مال خود بفقریان) میدهند و بآیات خدا میگردند آن رحمت را مخصوص بر آنها حتم و لازم خواهیم کرد (۱۲۶) آنانکه پیروی کنند از رسول (ختمی) و پیغمبرانی که در تورتبه و انجیلی که در دست آنهاست (نام و صفاتی و اوصافش را) نگاشته مییابند (که آن رسول) آنها را امر به نیکویی و نهی از زشتی

نَحِيلَ لَهُمُ الطَّيَّاتِ وَنُخَيِّرُ عَنْهُمْ الْغَائِثِ وَيَضَعُ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ
 أَلا غَلَا لَ الْبَقَى كَانَتْ عَلَيْهِمْ قَالِدِينَ امْتَوَابِهِ وَعَزَّ وَرَوْهُ وَنَصَرُوهُ
 وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾ قُلْ يَا
 أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمَّا بِيَاكُمُ اللَّهُ وَرَسُولِهِ إِنِّي
 أُلَاكِي الَّذِي يُوْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾
 وَمِنْ قَوْمٍ مُّؤْمِنُونَ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنْ ثَمَرَاتِهِمْ وَلَئِنْ
 أَشَاءَ لَنُغْنِيَنَّهُمْ مِنْ ثَمَرِ الْغُلَامِ وَأَزْوَاجَهُمْ مِنَ النَّسَاءِ وَنُفُلًا
 مِمَّا يَدْرِكُونَ وَلَئِنْ أَشَاءَ لَنُغْنِيَنَّهُمْ مِنْ ثَمَرِ الْغُلَامِ وَأَزْوَاجَهُمْ مِنَ
 النَّسَاءِ وَنُفُلًا مِمَّا يَدْرِكُونَ وَلَئِنْ أَشَاءَ لَنُغْنِيَنَّهُمْ مِنْ ثَمَرِ
 الْغُلَامِ وَأَزْوَاجَهُمْ مِنَ النَّسَاءِ وَنُفُلًا مِمَّا يَدْرِكُونَ وَلَئِنْ
 أَشَاءَ لَنُغْنِيَنَّهُمْ مِنْ ثَمَرِ الْغُلَامِ وَأَزْوَاجَهُمْ مِنَ النَّسَاءِ وَنُفُلًا
 مِمَّا يَدْرِكُونَ وَلَئِنْ أَشَاءَ لَنُغْنِيَنَّهُمْ مِنْ ثَمَرِ الْغُلَامِ وَأَزْوَاجَهُمْ
 مِنَ النَّسَاءِ وَنُفُلًا مِمَّا يَدْرِكُونَ وَلَئِنْ أَشَاءَ لَنُغْنِيَنَّهُمْ مِنْ
 ثَمَرِ الْغُلَامِ وَأَزْوَاجَهُمْ مِنَ النَّسَاءِ وَنُفُلًا مِمَّا يَدْرِكُونَ

خواهد کرد و بر آنن عرطام پاکیزه و ملبوع را حلال و هر پلید منقورا حرام میکردند و احکام پر رنج و مشقت را که (از جهل و هوا) چون زنجیر بگردن خود نهاده اند همه را بر میدارد پس آنانکه با و گرویدند و از او حرمت و عزت نگاهداشتند و یاری او کردند و نویدی را که با و نازل شد پیروی نمودند آن گروه بحقیقت رستگاران عالمند (۱۵۷) (ای رسول ما) بخلق بگو که من بدون استثنا بر همه شما جنس بشر رسول خدایم آن خدائی که آسمان و زمین همه ملک اوست هیچ خدائی جز او نیست که او زنده میکند و میمیراند پس ای مردم بخدا باید ایمان آید و بر رسول او پیغمبر امی (که از هیچکس جز خدا تعلیم نگرفته) آن پیغمبری که بس بخدا و سخنان خدا گروود شما باید پیرو او شوید تا هدایت یابید (۱۵۸) جماعتی از قوم موسی (بدین) حق هدایت جسته و بآن دین باز میگردند یعنی مردم را هم بدین اسلام و قرآن دعوت میکنند (۱۵۹) (قوم موسی را) به دوازده سبط منقسم کردیم که هر سبطی طایفه باشند و چون است موسی در آن بیابان بی آب از آب طلبیدند که از غشش نجات یابند بموسی وحی کردیم که عسای خود را بر سنگ زن (چون زد) دوازده چشمه آب از آن جاری شد و هر قبیله آبشخور خود را دانستند (این معجزه بود که بموسی کرامت شد و یکی دیگر آنکه) ما بواسطه ایر بر سر آنها سایه افکندیم و نیز برای قوت و روزی آنها من وسلوی (مرغ و ترنجبین) فرستادیم تا تغذیه کنند و از لذت و پاکیزه قوتی که روزیشان کردیم گفتیم (تتاویل کنید) و از حکم خدا تجاوز نکنید و بخلق ظلم و ستم روا مدارید نشنیدند و ستمگر شدند و آنها نه بر ما بلکه بر خویش ستم کردند (۱۶۰) و چون بقوم موسی امر شد که در این شهر (بیت المقدس) مسکن کنید و از هر چه خواستید از طعامهای این شهر تتاویل کنید و بر این در بتواضع و سجده در آید و در دعا بگوئید که پروردگارا گناهان ما را بریز تا از ظلم و خطاهای شما در گذریم که ما نیکو کاران را افزون احسان میکنیم (۱۶۱) آنگاه ستمکاران برخلاف آنچه پد آنها دستور داده شد رفتار کردند ما هم بکیفر مخالفت و ستمکاری بر آنها از آسمان عذابی سخت فرود آوردیم (۱۶۲) ای رسول بنی اسرائیل را از آن قریه که در ساحل دریا بود (ده ایله و مدین) باز پرس که از حکم تعطیل شنبه چرا تجاوز کردند

يَوْمَ لَا يَنْسَبُونَ لِأَنْفُسِهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝
وَإِذْ قَالَتْ أُمَةٌ مِنْهُمْ لِرَبِّعُطُون قَوْمًا لِلَّهِ هُمُ الْكَافِرُونَ أَوْ مَعَنَا قَوْمٌ
عَدَا بِلَادِهِمْ أَلَا مَعِدَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ فَلَمَّا
لَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ انْجَبَتِ الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ التَّوْبَةِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ
ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَلِيْسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ فَلَمَّا عَنَوْا عَنْ مَا هُوَ
عَنْهُمْ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ۝ وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ لِبَعْضِ عِبَادِهِ
إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَوْمُكُمْ سُوءُ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعَمَلِ
وَإِنَّهُ لَعَزِيزٌ ذَرِيعٌ ۝ وَقَطَعْنَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِمَّا مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ
وَمِنْهُمْ ذُوْنَ ذَلِكِ وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسِّيَّئَاتِ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ ۝ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ بِأَخْذٍ وَنَ عَمِنَ
مِنَ الْأَذَىٰ وَيَقُولُونَ سَبَقُوا رَبَّنَا وَإِنَّهُمْ غَرَضٌ مُّشْتَبِهٌ
يَأْخُذُوهُ الرَّجُوعُ عَنْهُمْ مِثْقَالُ الْكَتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ
إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَاللَّارِ الْأُولَىٰ خَبَرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ
أَفَلَا يَعْمَلُونَ ۝ وَالَّذِينَ يُمْتَكِنُونَ بِالْكِتَابِ أَتَا مَوَا الصَّلَاةِ إِنَّا
لَا نَضْمِعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ۝ وَإِذْ تَتَقْنَا أَجْمَلٌ قَوْمُهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ
وَقَطُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُنْ وَأَمَّا آتِنَا كَرِهُوَّةً وَإِذْ كَرِهُوا مَا فِيهِ
لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذْنَا مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

آنگاه که (برای امتحان) بروز شنبه ماهیان در مشارع پیرامون دریا
 پدیدار شده و در غیر آن روز اسلام بدین دنیا آمدند بدین گونه ما آنان را بعمل
 فسق و نافرمانی آزمایش کردیم (۱۶۳) چون جمعی از آن گروه گفتند چرا
 قومیرا که از جانب خدا بهلاک و یا بعذاب سخت محکومند و عظمی می کنید
 ناسحان گفتند پسند ما معذرت (و اتمام حجت است) از جانب پروردگار
 دیگر آنکه شاید اثر کند و تقوی پیشه کنند (۱۶۴) و چون هر چه با آنها
 تذکر داده شد در آن غفلت ورزیدند ما هم آن جماعت که نصیحت می کردند
 و خلق را از کار بد منع می نمودند نجات بخشیدیم و آنانکه ظلم و ستمکاری
 کردند بیکفر فسقان بدترین عذاب گرفتار کردیم (۱۶۵) آنگاه که
 سر کشی و تکبر کرده و آنچه ممنوع بود مرتکب شدند گفتیم بشکل بوزینه
 شوید که بی دور و بازمانده از رحمت ^{و محرم} خدا باشید (۱۶۶) و آن هنگام امر
 نافذ خدای تو بر این قرار گرفت که تا روز قیامت کسیرا بتوبه و عذاب
 سخت بر آنها برانگیزد که پروردگار توهما نا زود کفر کنند (ستمکاران) و به خلق
 بسیار بخشیده و مهربانست (۱۶۷) و بنی اسرائیل را در روی زمین بعضی
 متفرق ساختیم بعضی از آنها سالم و در ستکرو برخی به خلاف آن و آنها را
 به یوپیها و بدیها بیازمودیم باشد که (به حکم حق) باز گردند (۱۶۸) پس از
 آنکه پیشینان در گذشته اخلاف و بازماندگان نشان که وارث کتاب
 آسمانی شدند و متاع پست دنیا را گردیدند (و هر گناه که کردند) گفتند
 ما بخشیده خواهیم شد و چنانچه مثل آن مال از امتناع دنیا که یافتند باز
 بپایند (بحر ص و آ) برگیرند آیا از آنان پیمان کتاب آسمانی گرفته نقد
 که بعدها جز حرف حق و سخن راست نیست نهند و آنچه در کتابست درس
 گیرند (عمل کنند) (و بداند که) منزل ابدی آخرت و نعمتهای بهشتی برای
 مردم پر هیز کاریسی بهتر (از متاع فانی) دنیا است آیا تعقل نمی کنید (۱۶۹)
 آنانکه متوسل بکتاب آسمانی شدند و نماز پیاداشتند که ما اجر درستکاران
 را جامع نخواهیم گذاشت (۱۷۰) پیاد آرند یهودان آنگاه که بر اسلافشان
 کوه طور را مانند قطعه ابرها بر فراز آنها برانگیختیم که پنداشتند فرو خواهد
 افتاد و امر کردیم که دستور توراتیکه بشما آمد با قوت ایمان و عقیده
 محکم اخذ کنید و آنچه در آن مذکور است متذکر باشید که پر هیز کار
 شویید (۱۷۱) (ای رسولما) پیاد آر (و خلق را متذکر ساز) هنگامیکه خدای
 توانا بهت فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت

وَاشْهَدْهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمُ الْكُفْرَ بِكَذِّبُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن نَقُولُوا
 بَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿٧٧﴾ أَوْ قُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ
 آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْأَبْلَاغُ
 وَكَذَلِكَ نَقْصِلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٧٨﴾ وَارْأَوْا لِلَّهِ نَبَأَ الَّذِي
 آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَخَ مِنْهَا مَا تَبِعُهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿٧٩﴾
 وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ
 فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحِيلَ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ
 مِثْلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ
 سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنفُسُهُمْ كَانُوا بِظُلْمٍ ﴿٨٠﴾
 مَنْ هَذَا اللَّهُ فَهُوَ الْمُهَنْدِي مَنْ يَضِلُّ فَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْخَاسِرُونَ ﴿٨١﴾
 وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كُفْرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ
 بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أُنْوَاقٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا
 أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿٨٢﴾ وَلِلَّهِ
 الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ
 سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٣﴾ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ
 وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿٨٤﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ
 لَا يَعْلَمُونَ ﴿٨٥﴾ وَارْأَوْا لِيَوْمٍ أَمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٨٦﴾ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا لَمَّا

و آنها را بر خود گواه ساخت که من پروردگار شما نیستم همه گفتند بلی ما بخدائی تو گواهی دهیم که دیگر در روز قیامت نگوئیدما از این واقعه غافل بودیم (۱۷۳) یا آنکه نگویید که چون منحصراً پدران ما بدین شرک بودند و ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم پس پیروی پدران خود کردیم آیا بعمل زشت اهل باطل ما را بهلاکت خواهی رسانید (۱۷۳) و آیات خود را تفصیل میدهم باشد که از غفلت و جهالت وراء باطل بخدا پرستی و معرفت طاعت حق باز گردند (۱۷۴) و (ای رسول ما) بپخوان برای مردم حکایت آن کسی را (بمعلم باو و را) که ما آیات خود را باو عطا کردیم از آن آیات بمسیان سر پیچید چنانچه شیطان او را تعقیب کرد و از گمراهان عالم گردید (۱۷۵) و اگر ما بمشیت نافذ خود میخواستیم با آن آیات او را رفت مقام می بخشیدیم لیکن او بزمین (تن) فرو ماند و پیرو هوای نفس گردید در اینصورت مثل او و حکایت او بسگی ماند که اگر از او تعقیب کنی و یا او را بحال خود او گذاری بموعود زبان کشد ای رسول ما اینست مثل مردمی که آیات خدا را بعد از علم به آن تکذیب کردند این حکایات بغافل بگو باشد بفکر آیند (۱۷۶) مثل حال گروهی که بنماد و تکبر آیات ما را تکذیب کردند بسیار بوضع بدی متمثل شود و آنها بخوشی ستم میکنند (۱۷۷) هر که را خدا هدایت فرمود هم اوست که هدایت یافته و آتیهائی که او گمراه کند هم آن کسان زیانکاران عالمند (۱۷۸) و محققاً بسیاری از جن و انس را برای جهنم واگذاریم چه آنکه آنها را دلهائست بی ادراک و معرفت و دیده هائی بی نور بصیرت و گوش هائی ناشنوی حقیقت آنها مانند چهار پایانند بلکه بسی گمراه ترند زیرا قوه ادراک مصلحت و مفسده داشتند و باز عمل نکردند آنها همان مردمی هستند که غافل شدند (۱۷۹) خدا راست نامهای نیکو بدانها خدا را بخوانید و آنانکه در نامهای او کفر و عناد میورزند بخود واگذارید که بزودی به کردار بدشان مجازات خواهند شد (۱۸۰) و از خلقی که آفریده ایم فرقه ای بحق هدایت مییابند و از باطل همیشه بحق باز میگردند (۱۸۱) و آنانکه آیات ما را تکذیب کردند بزودی آنها را بمذابحه و هلاکت می افکنیم از جایی که فهم آن نمیکنند (۱۸۲) روزی چند به آنها مهلت دهیم که همانا مکر و عتاب ما بس شدید به آنها فرا رسد (۱۸۳) اما این صحت بگمراهی واگذار کرد (مردم فکر نکردند

بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جَنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لِمُؤْمِنِينَ ۝ أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ
 السَّمَوَاتِ الْأَرْضِ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِهِ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ
 اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ۝ مَنْ يُضِلَّ اللَّهُ فَلَا
 هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ يَسْأَلُونَكَ عَنِ
 الشَّاعِرِ آيَاتِنَا مُرْسِلًا قُلْ إِنَّمَا عَلَّمَتْنِي رُبِّي لَا أُخْبِرُهَا وَلَوْ ظَنَنَّا
 إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ الْأَرْضِ لَا نَأْتِيكُمُ إِلَّا بَعَثَ يَسْأَلُونَكَ
 كَأَنْتَ خَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عَلَّمَتْنِي عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا
 يَعْلَمُونَ ۝ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ
 وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْفَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ التَّوَهُُّ
 إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَيَسْأَلُ الْقَوْمُ يُؤْمِنُونَ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ
 نَفْسٍ أَحَدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّيَا
 حَمَلٌ خَلَفَ بَيْنَهُمَا فَزَعَّ يَدَ الْأُنثَىٰ فَاثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ
 آتَيْتَنَا صَاحِبًا فَتَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۝ فَلَمَّا أَتَاهُمَا صَاحِبًا جَاءَهُمَا
 لَهُ شُرَكَاءُ فِيمَا أُتِيهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ أُنَبِّئُكُمْ مَا
 لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلِقُونَ ۝ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرٌ وَلَا
 أَنْفُسُهُمْ يَنْصُرُونَ ۝ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ
 عَلَيْكُمْ أَدْعَوْهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ ۝ إِنْ الَّذِينَ تَدْعُونَ

که صاحب آنها را (یعنی رسولی که خدا بر هبیری آنان فرستاد در کمال عقل و دانائی است و) جنوبی اصلا در اون نیست او ترسانده خلق است به بیانی روشن (۱۸۳) یا فکر و نظر در ملکوت و قوای آسمانها و زمین نمی کنند و در هر چه خدا آفریده نمینگرند چون اجل و مرگ آنها با باشد که بآنان بسیار نزدیک شود آنگاه بچه حدیثی بعد از این (کتاب آسمانی) ایمان خواهند آورد (۱۸۵) هر که را خدا گمراه خواست هیچکس رهنمای او نباشد و چنین گمراه را خدا واکذار دارد تا در طغیان و سرکشی به عبرت و ضلالت بماند (۱۸۶) ای رسول! از تو! احوال و ساعت قیامت را سؤال خواهند کرد که چه وقت فرا خواهد رسید پاسخ ده که علم آن نزد بسم و خدای من است کسی به جز او آن ساعت را ظاهر و روشن نتواند کرد آن ساعت (شا نش) در آسمانها و زمین بسی سنگین و عظیم است نباید شما و امگر ناگهانی از تو می پرسند که گوئی تو کاملاً بدان آگاهی بگو علم آن ساعت محققاً نزد خداست لیکن اکثر مردم برای این حقیقت آگاه نیستند (۱۸۷) ای رسول! ما بمردم (بگو که من مالک نفع و ضرر خویش نیستم مگر آنچه خدا) بر من خواسته و اگر من از قیاب جز آنچه بوحی میدانم آگاه بودم بر خیز و نفع خود همیشه میافزودم و هیچگاه زیان و رنج نمیدیدم من نیستم مگر رسولی ترساننده (بدان) و بشارت دهنده گروهی که اهل ایمانند (۱۸۸) اوست خدائی که همه شمارا از یکتن بیافرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت تا باو انس و آرام گیرد و چون با و خلوت کرد باری سبک برداشت پس آن بار حمل چندی (در رحم) بزیست تا سنگین شد که آنگاه هر دو خدای را خواندند که ای پروردگار ما اگر پیمافرزندی صالح صلا کردی بر این نعمت البتة از شکر گذاران تو خواهیم بود (۱۸۹) پس چون بآن پدر و مادر فرزندی صالح عطا شد او را شریکان خود در آنچه با آنها صلا گردید قرار دادند (۱۹۰) پس هر که از فرزندان آدم بخدا نسبت فرزند دهد چون نصاری و یهود یا کنافه قریش (چنین کسی مشرک است) و خدای تعالی بر تر است از آنچه براو مشرکان گویند (۱۹۱) آیا آن چیز که هیچ موجود را خلق نتواند کرد و خود مخلوق خداست شریک خدا قرار میدهند (۱۹۲) و اگر آنها را (یعنی بت پرستان را) براه هدایت بخوانید پیروی شما و فرمان نخواهند کرد پس خواندن و نخواندن آنها براه خدا شمارا یکسان است (۱۹۳) غیر خدا هر آنکس را شما (مشرکان بخدای) می خوانید

دُونَ اللَّهِ عِبَادُ أَمْثَلُ الْكَافِرِينَ فَإِذَا دُعُوا فَلْيَجِيبُوا الْكَافِرِينَ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ﴿١٣٥﴾ أَلَمْ يَأْجُلْ يَمْشُونَ بِهَا آمُرُ لَهُمْ أَنْ يَدْبُطُوا بِهَا
 أَمْ لَهُمْ آعَابٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَمْ يَأْذَنَ لِيَمْعُونِ بِهَا أَفَأَنْتُمْ
 شُرَكَاءُ تَكُونُونَ كَيْدُ دُونَ فَلَا تَنْظُرُونَ ﴿١٣٦﴾ إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي
 نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿١٣٧﴾ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ
 لَا يَسْتَجِيبُونَ نَضْرِكُ وَلَا نَنْصُرُهُمْ يُبْصِرُونَ ﴿١٣٨﴾ وَإِنْ
 تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا وَتَرْهَبُهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا
 يُبْصِرُونَ ﴿١٣٩﴾ جُذِيَ الْعَقُودُ أَمْرًا بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿١٤٠﴾
 وَإِنَّمَا يَرْغَبُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ تَزْعُجُ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ
 عَلِيمٌ ﴿١٤١﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ
 تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿١٤٢﴾ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغِي
 ثِ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٤٣﴾ وَإِذَا لَمْ تَأْتِيَهُمْ بَابُهَا قَالُوا لَا أَجِبْ بِهَا قُلْ
 إِنَّمَا اتَّبَعْتُ مَا بُوْحِيَ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَافُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهَدَى
 وَحْيَهُ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٤٤﴾ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا
 لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٤٥﴾ وَإِذْ كُنَّا فِي نَفْسِكَ نَضْرِكُهَا وَخِيفَةُ دُونَ
 الْجَهَنَّمَ مِنَ الْقَوْلِ بِالْعُدُوِّ وَالْأَكْصَالِ لَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ﴿١٤٦﴾ إِنَّ اللَّهَ
 عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُ عَنْ عِبَادِهِ وَلِيُسْمِعَهُ وَلَهُ يُجَدُّونَ ﴿١٤٧﴾

(مانند بتان وعیسی و عزیر و غیره) بحقیقت همه مثل شما (بندگان فانی و فقیر و محتاج) هستند اگر در دعوی خود راستگوئید از آنها بخواهید تا مشکلات و حوائج شمارا کنند (۱۹۶) در صورتیکه آنها از شما عاجز ترند (برای) آن بتان را نه پائی است که راهی پیمایند نه دستی که از آستین قدرت بیرون آرند نه چشم و گوش که به آن ببینند و بشنوند (ای رسول ما بمشرکان) بگوشریکان باطل خود را بخواهید و هر حیل که بامن میثابت بکار برید (تا مرا مغلوب کنید) بی آنکه هیچ مرا هیلت بدهید (۱۹۵) مراد دوست و یاور بحقیقت خدائی است که این کتاب (قرآن) را فرستاده و الهیته او یار و یاور نیکو کاران است (۱۹۶) آنهائی را که شما میخواهید بجهنم بخدا قدرت بریاری شما بلکه بریاری خود ندارند (۱۹۷) و اگر آنها را بر اهتدایت خوانید نخواهند شنید (یعنی بتان) چون گوش و بت پرستان چون هوش ندارند دعوت اسلام را نپذیرند (ای رسول ما یا ای اهل عقل و بینش) تومی بینی که آنها (یعنی بتان یا بت پرستان) در تو مینگرند و (حق را) نمی بینند (۱۹۸) ای رسول ما باطل طریق غلو و بخشش بیش گریز و به نیکوکاری امر کن و چنانچه نپذیرند از مردم بآدان روی بگردان (که بر تو حرج دعوت و اتمام حجت نیست) (۲۹۹) و چنانچه بخواهد امار ملوک شیطان (لش و جن) در تو وسوسه و جنبشی پدید آید بخدا پناه ببر که او بحقیقت شنوا و داناست (۳۰۰) چون اهل تقوی را از شیطان وسوسه و خیالی بدل فرارسد همانند خدا را بیاد آرند و همان لحظه بصیرت و بینائی پیدا کنند (۳۰۱) و (شیاطین انس و جن) برادران نشان را (یعنی مردم فاسق عواپرستان) بر اهتدالات و گمراهی میکنند و هیچ در گمراه کردن بداران تقصیر نمیکندند (۳۰۲) هر زمان که تو ای رسول آیتی بر آنها (بر مخالفان دین) نیازوری بر تو اعتراض کنند که چرا آیتی فراهم نساختی (در پاسخ) بگو من پیروی غیر آنچه از خدا میبویم رسد نخواهم کرد این است (این آیات قرآنست مایه) بصیرتها از جانب پروردگار شما و هدایت و رحمت برای گروهی که ایمان آوردند (۳۰۳) و چون قرآن قرائت شود همه گوش بدان فرادعید و سبوت کنید (تاحقایق و نصایح قرآن را فهم کنید) باشد که مورد لطف و رحمت حق شوید (۳۰۴) خدای خود را با تضرع و پنهانی و بی آنکه آواز بر کشی بر دل خود در صبح و شام یاد کن و از غافلان مباش (یکدم از یاد خدا غافل مشو) (۳۰۵) ارواح و فرشتگانی که در حضور پروردگار تواند معین بکار از بندگی خدا سر کشی نکنند و پیوسته به تسبیح و تنزیه ذات احدیت و سجده او مشغول اند (۳۰۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ
 وَأَطِيعُوا أَمْرًا بَيْنَكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
 إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ مُلُوكُهُمْ وَإِذَا تَلِيتْ
 عَلَيْهِمُ الْبَاهُتَةُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رِقَابِهِمْ تَهَوَّلُوا فِي الدِّينِ
 يُؤْتُونَ الصَّلَاةَ وَيَمَارُتُهَا هُمْ يُنْفِقُونَ ۝ أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ
 حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝ كَمَا أَخْبَكَ
 رَبُّكَ مِنْ بَيْنِكَ بِالْحَقِّ وَإِنْ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ ۝
 يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ
 يَنْظُرُونَ ۝ وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ أَحَدًا لَظَافَةً لَكُمْ أَهَآ لَكَرُؤُودٌ
 أَنْ غَرَبَتِ السُّورَةُ تَكُونُ لَكُمْ وَرَبُّكَ اللَّهُ أَنْ يُحْيِيَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ
 وَيَقْطَعَ دَائِرَ الْكَافِرِينَ ۝ يُحْيِي الْحَقَّ وَيَبْطِلُ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْغَافِرُونَ
 ۝ إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِالْفِئْتِ
 الْمَلَايِكَةِ مُرْدِفِينَ ۝ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى وَلِقَدْ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ
 وَمَا نَحْنُ بِالْأَوَّلِينَ ۝ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ ۝ إِذْ تَفْسِيحُكُمُ النَّفَا
 أَمْتًا قَيْنَهُ وَيُزِيلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُظْهِرَ كَرِيمَهُ وَيَذْهَبَ

سورة انفال مردمینه نازل شده و مشتمل بر هفتاد و پنج آیه می باشد

بنام خدا ای بخشنده مهر بان

(ای رسول) چون امت از تو حکم انفال را سؤال کنند جواب ده که انفال مخصوص خدا و رسول است در این صورت شما مؤمنان باید از خدا بترسید بلکه در رضایت و مسالمت و اتحاد بین خودتان بپردازید و خدا و رسول را اطاعت کنید اگر اهل ایمان ^(۱) مؤمنان آنها هستند که چون ذکر می شود (از عظمت و جلال خدا) دلهاشان ترسان و لرزان شود و چون آیات خدا را بر آنها تلاوت کنند بر مقام ایمان نشان بیفزاید بخدای خود در هر کار توکل میکنند ^(۲) و نماز را با حضور قلب پیامدارند و از هر چه روزی آنها کردیم فقرا اتفاق میکنند ^(۳) آنها پراستی و حقیقت اهل ایمانند و نزد خدا امراتب بلند و آمرزش و روزی نیکو مخصوص آنها است ^(۴) چنانچه خدا ترا از خانه خود بحق (و برای اعلاء دین حق) بیرون آورد و گروهی از مؤمنان سخت رای خلاف و کراهت اظهار کردند (و تو بغایت آنها از حکم حق بازگشتی و هجرت گزیدی) در امر اتفاق و غیر آنها بهم بخواهش مردم توجه مکن پیرو خدا باش و از خلق ایستاده بپشیمندار ^(۵) (مردم نادان) در حکم حق با آنکه حق آشکار و روشن گردد بد با تو جد و نزاع خواهند کرد (و چنان حکم حق و طاعت خدا بر آنها دشوار و سخت است که گویی بچشم میگرد که آنها را بجانب مرگ میکنند) ^(۶) (ای رسول ما) بیاد آر هنگامی که خدا بشما وعده فتح بر یکی از دو طایفه را داد و شما مسلمین مایل بودید که آن طایفه که شوکت و سلاحی همراه ندارند (بر نیو جهاد) اموالشان نصیب شما شود و خدا میخواست که صدق سخنان حق را ثابت گرداند و از بیخ و بن ریشه کافران را بر کند ^(۷) تاحق دین اسلام را محقق و پایدار کند و باطل را محو و نابود سازد هر چند بدکاران را خوش نیاید ^(۸) و بیاد آرید هنگامی که استغاثه و زاری به پروردگار خود میکردید پس دعای شما را اجابت کرد (و وعده داد) که من سپاهی منظم از هر طرف فرشته بپسند شما میفرستد ^(۹) و این مدد فرشتگان را خدا فرستاد مگر آنکه بشارت و مژده فتح باشد و تادلهای شما را (و وعده خدا) مطمئن سازد و بدانید که نصرت و فیروزی نیست مگر از جانب خدا که خدا را کمال قدرت و حکمت است ^(۱۰) یاد آرید هنگامی را که خواب راحت شما را گرفت برای اینکه از جانب خدا ایمنی یافتید و از آسمان رحمت خود آبی فرستاد که شما را به آب پاک گرداند

عَنْكَ رِجَالُ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ۝
 إِذْ يُوجِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَأَيْنِكَ أَتَى مَعَكَ قُتَيْبَةُ بْنُ الْدِّينِ أَمْوَأُ السَّالِ
 فِي قُلُوبِ الدِّينِ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاصْرِفْ
 مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ۝ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِ
 اللَّهَ وَرَسُولَهُ قَاتَنَ اللَّهُ شَدِيدَ الْعِقَابِ ۝ ذَلِكُمْ فَذَوْقُوهُ وَإِنَّ
 لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ ۝ بَلَا أَهْلَهَا الدِّينِ أَمْوَأُ إِذَا لَقِيَهُمُ الدِّينِ
 كَفَرُوا وَخَفُوا فَلَاقُوا قُلُوبَهُمْ الْأَذْيَارَ ۝ وَمَنْ يُؤْلَمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرَهُ
 الْأَمْخِرَ فَالْيُنَالِ أَوْ يَخْجِرَ إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ
 مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَيَسَّرَ الْمَصِيرَ ۝ قُلْ تَقَالُوبُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَلِيلٌ
 وَمَارِئَةٌ إِذْ دُمِيتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيَسْلَى الْوُفِينَ مِنْهُ
 بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَرِيمٌ
 الْكَافِرِينَ ۝ إِنْ تَسْتَفِهُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا
 فَمَا يَخْبِرُ لَكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا
 وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ بَلَا أَهْلَهَا الدِّينِ أَمْوَأُ السَّالِ
 اللَّهُ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عُنَاهُ وَانْتُمْ تَتَمَحَوْنَ ۝ وَلَا تَكُونُوا
 كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۝ إِنْ شَرَّ الذَّوَابِ عِنْدَ
 اللَّهِ الْعَظَمُ الْبَكَرُ الدِّينِ لَا يَعْمَلُونَ ۝ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا

وسوسه و کید شیطان را از شما دور سازد و دلهای شما را پراخه ایمان با هم متحد گرداند تا در کار دین ثابت قدم و استوار باشید (یعنی از آسمان رحمت بارانی فرستاد که جسم شما را از هر حدت و نا پاکی پاک سازد و جان شما را از هر وسوسه و خیال شیطانی ایمن گرداند) (۱۶۱) و یاد آور ابروسل آنگاه که پروردگار تو بفرشتگان وحی کرد که من باشم ایم مؤمنان را ثابت قدم بدارید که عماران من ترس در دل کافران میافکنم تا گردن هایشان بزنند و همه انگشتان (و دست آویزهایشان) قطع کنید (۱۶۲) این کینه کافران را برای آنست که با خدا و رسول او سخت خدیت و مخالفت کردند و هر کس با خدا و رسول او راه شقای و مخالفت پیماید (بترسد که) عقاب خدا بسیار سخت است (۱۶۳) این عذاب مختصر قتل و اسارت را در دنیا به عید و بداند که برای کافران در قیامت عذاب آتش دوزخ مهیاست (۱۶۴) ای اهل ایمان هر گاه با آنها جم و تعرض کافران در میدان کارزار و پرو شود مبدا از بیم آنها پشت بدشمن کرده و از حنک بگریزید (۱۶۵) هر که در روز جنگ با آنها پشت نبرد و فرار کرد بطرف عقب و خشم خدا روی آورده و جایگاهش دوزخ که بدترین منزل است خواهد بود مگر آنکه از میانه همسر و یا از قلب به نواح برای مصالح جنگی رود یا از فرقه بیاری فرقه دیگر شتابد (۱۶۶) ای مؤمنان) نه شما بلکه خدا کافران را کشت و (ای رسول) چون تو تیر افکندهی نه تو بلکه خدا افکنده که مؤمنان را بدیش آمد خوشی بپا ز ماید که شما شنوای دعای خلق و دانا (مصلح امور عالم) است (۱۶۷) این فتح و غلبه در جنگ بخواست خدا) شما را نصیب شد و (بدانید که) محققا خدا است کننده مکر کفار است (یعنی شما مؤمنان از مکر کافران نیندیشید که خدا بنیان مکرشان را ویران خواهد کرد) (۱۶۸) ای کافران اگر شما از خدا فتح و نصرت میطلبید اینک فتح کامل شما را رسید اکنون اگر از کفر و عناد با حق دست بردارید شما را بهتر است و اگر دیگر بار (یعنی دشمنی اهل ایمان) باز آید ما هم شما را باز کفر و عذاب کنیم و هرگز جمعیت و سپاه شما هر چند بسیار باشد شما را نجات نتواند داد که خدا البته با اهل ایمان است (۱۶۹) ای کسانی که ایمان آورده اید خدا و رسول را اطاعت کنید و از فرمان او سر نه پیچید که شما سخنان حق و آیات خدا را از او می شنوید (۴۰) و شما مؤمنان چون منافقان نباشید که گفتند) شنیدیم و به حقیقت نشنیدند (۲۱) بدترین جانوران نزد خدا کسانی هستند که (از شنیدن و گفتن حرف حق کبر و ولاند و اصلا تعقل نمیکند (۲۲) اگر خدا بپلم ازلی در آنها غیرو صلاحی میدید

لَا تَنْفَعُهُمْ وَلَوْ اٰمَنَ بِهِمْ لَوْلَا اَوْفُؤْهُمْ مَعْرُضُونَ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ
 بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَهُ الْغُثْرِ وَالنُّعْرُونَ ﴿٢﴾ قَالُوا فَاِنِ لَّمْ يَأْتِ
 فَصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
 الْعِقَابِ ﴿٣﴾ وَادْكُرُوا إِذْ أَنتُمْ قَلِيلٌ مُّتَضَعِفُونَ فِي الْأَرْضِ
 تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُم بِنَصْرِهِ وَذَرَأَكُمْ
 مِنَ الظُّلُمَاتِ لِنُجَاكُمْ فَتُكْرَرُونَ ﴿٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا
 اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَقُولُوا مَآ نَا نَكُرُ وَآنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ وَاعْلَمُوا
 أَنَّمَا آمَنَوْا بِالْكَرِّ وَأَوَّلَ ذِكْرٍ قَدْ فُتِنَ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٦﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّبِعُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ
 سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٧﴾ وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ
 الَّذِينَ كَفَرُوا الْيَهُودُ أَوْ يَتَّبِعُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ
 اللَّهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ الْمَآكِرِينَ ﴿٨﴾ وَإِذْ أَنْتَ عَلَىٰ عِلِّيِّهِمُ الْإِنشَاءُ فَالَوْ أَفْلَحَ مِثْلُ
 لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٩﴾ وَإِنْ
 قَالُوا اللَّهُ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا
 جَارًا مِنَ السَّمَاءِ أَجْأْنَا بِعَذَابٍ إِلَيْهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ
 وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿١٠﴾ وَمَا لَهُمْ

آنها را شنوا بکلام حق میکرد اگر هم بحق شنوا کنند باز از آن دو گردانند و امر اض کنند (۳۳) ای اهل ایمان چون خدا و رسول شما را بایمان دعوت کنند اجابت کنید تا بحیات ابد رسید و بدانید که خدا در میان شخص و قلب او حایل است و همه بسوی او محشور خواهند شد (۳۴) و بترسید از بلائیکه چون آمد تنها مخصوص ستمگران شما نباشد (بلکه ظالمان و مظلومان همه را فرا گیرد و ظالمان را بکیفر ظلم و مظلومان را بکیفر ترک امر به معروف و نهی از منکر (تفسیر دیگر آیه) بترسید و بپرهیزید از بلا و فتنه تا بستمگران از شما نرسیده است یعنی ستمگران و ظالمان بترسند و بپرهیزند که بلا بکیفر ظلم تنها بآنها خواهد رسید نه بغير آنها و بدانید که عقاب خدا بسیار سخت است (۳۵) و ای مؤمنان بیاد آرید زمانی را که عده قلیلی در میان دشمنان بسیار بودند که شمار اضمحیف و خوار در زمین مکه میفرمودند و از هجوم مردم مشرک بر خود ترسان بودند بمذاق آن خدا شما را در پناه خود آورد و بیاری خود نیرومندی و نصرت بشما عطا کرد و از بهترین غنائم و طعامها روزی شما فرمود باشد که شکر نعمت بیجاى آرید (۳۶) ای کسانی که ایمان آوردید بنهار در کار دین با خدا و رسول خیانت نکنید و در کار دنیا بایکدیگر در صورتی که شما میدانید (۳۷) و محققا بدانید که شمارا اموال و فرزندان فتن و ابتلائی بیش نیست و در حقیقت اجر ظلم نزد خداست (۳۸) ای اهل ایمان اگر خدا ترس و پرهیزکار شوید خدا بشما فرغان بدهد و گناهاى شما را ببوشاند و شمارا بپامرد که خدا دارای فضل و رحمت بی منتهاست (۳۹) ای رسول ما بیاد آر و وقتی را که کافران با تو مکر می کردند تا تو را از مصد خود که تبلیغ دین خداست بازدارند یا به قتل رسانند یا از شهر بیرون کنند (تو کار خود را بخدا و اگذار که اگر آنها با تو مکر کنند خدام با آنها مکر میکنند و خدا بهتر از هر کسی مکر تواند کرد (۴۰) و چون بر آنان آیات ما تلاوت شود گویند ما این سخنان را شنیدیم اگر ما هم میخواستیم مانند آن میگفتیم که چیزی از سخنان افسانه پشیمان نیست و چون باز بجماعت گفتند خدا یا اکر این قرآن بر امانی بر حق وارد آید کتب پس با این حال یا بر سرمان سنگی از آسمان بیارد یا ما را بپای برد تا که گرفتار سازد (۴۱) ولی خدام با آنکه مستحق عذابند تا تو در میان آنها هستی آنانرا عذاب نخواهد کرد و نیز تا مادامی که از نافرمانی خدا پشیمان شوند بدو گاه خدا توبه و استغفار بکنند باز آنها را عذاب نکند (۴۲) و آنها چه کردند (هر چند مستحق عذاب شدند)

أَلَا يَعْلَمُ بِهِنَّ اللَّهُ وَمُحَمَّدٌ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَ
 إِنْ أَرَادُوا هَؤُلَاءِ الْفَاسِقُونَ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَمَا كَانَ
 صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مَكَاءً وَقَصِيدَةً فَنَدَوْا الْعَذَابَ بِمَا
 كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا
 عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيَفْشِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ
 الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ۝ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ
 وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكَبُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ
 أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ
 مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنةُ الْأَوَّلِينَ ۝ وَ
 فَأَيُّ لَوْمَةٍ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا
 فَإِنَّ اللَّهَ يَمَّا يَعْلَمُونَ بِصِيرَةٍ ۝ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاغْلَبُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَكُمْ
 يُعِمُّ الْمَوْتَى وَيُعِمُّ النَّصِيرَ ۝ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ
 خُمَةَ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالسَّائِلِينَ وَابْنِ
 السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ فَأَقْبِرُوا لِلَّهِ
 يَوْمَ النَّفْيِ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَإِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدَّةِ
 الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدَّةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ
 تَوَاعَدْتُمْ لِخِمَارِكُمْ فِي الْمِيَادِ وَلَكِنْ لِيَبْغِضَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ

که خدا عذابشان نکند و چگونگی عذاب خدا نباشند) در صورتیکه راه
مسجد الحرام را بروی بندگان خدا میبندند (و اگر دعوی دوستی خدا
میکنند کذب است) آنها را هیچ رابطه دوستی با خدا نیست که دوستان خدا
بجز اهل تقوی نباشند لیکن اکثر مردم از این مطلب آگاه نیستند (۳۷)
(اگر بنماز خود دعوی محبت خدا کنند) نماز آنها در خانه‌ی کعبه جز
سفیر و کف زدن^۱ که خلق را از خانه خدا منع میکند چیزی دیگر نیست
(و چنین نماز نه موجب حب بلکه سب قهر خدا است) پس بچشید طعم عذاب
خدا را بیکفر آنکه کافر شد به (۳۸) کافران اموالشان را افاق میکنند برای
این مقصود که راه خدا را (بروی بندگانش) به پندند پس بزودی مالهاشان
بر سر این خیال باطل پرود و حسرتش بر دل آنها بماند و آنگاه مغلوب
نیز خواهند شد آن کافران بسوی جهنم جمعا رهبار میدهند (۳۹) تا
آنکه خدا پلیدها از پاکیزه جدا سازد و پلیدها را با بعضی دیگر در
آمیزد و با هم گرد آورد آنگاه همه را در آتش دوزخ افکند که آنها باز ناچاران
عالمند (۴۰) ای رسول ما کافران را بگو که اگر از کفر خود دست کشیده و
براه ایمان باز آید هر چه از پیش کرده اید بخشیده شود و اگر بکفر و عسیان
روی آرید سبب الهی در گذشته است (۴۱) ای مؤمنان با کافران جهاد کنید
که در زمین فتنه و فساد دیگر نماند و آئین همه دین خدا گردد و چنانچه
دست از کفر کشیدند خدا با اعمالشان بسیر و آگاه است (۴۲) و اگر آن کافران
بدین خدا پشت کردند پس شما مؤمنان فهمدارید و بدانید که البته
خدا یار شماست که بهترین یار و بهترین یاور است (۴۳) و ای مؤمنان
بدانید که هر چه بشما غنیمت و فائده رسد خمس آن خاص خدا و رسول و
خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه سفر ماندگان است به آنها بدهید
اگر بخدا و به آنچه برینده خود (محمد) در روز قان روزیکه دوسپاه رو برو
شدند خدا نازل فرمود ایمان آورده اید و بدانید که خدا بر هر چیز قادری
تواناست (۴۴) بیاد آرید زمان را که سپاه شما در وادی نزدیک دشمن بمکانی
دور (از شهر مدینه) واقع شد (که موقعیت و اتفاق خوشی خدا نصیب شما کرد)
و اگر این کارزار بوعده و قرار شما با دشمن مقرر میشد و وعده گاه از خوف
واندیشه در جنگ اختلاف میکردید لیکن برای آنکه حکم ازلی و قضای حتمی را

مَفْعُولًا ﴿١٤٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَتَحِيَّ مِنْ حَيْ عَنْ بَيْتِهِ
 وَلَئِنَّ اللَّهَ لَمَتِّعٌ عَلَيْكُمْ ﴿١٤١﴾ ذُرِّيَّتَكُمْ اللَّهُ فِي مَنَائِكَ قَلِيلًا وَلَوْ
 آدَبَكُمْ كَثِيرًا الْقِسْلَمُ وَلَنَسَاوُغُهُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَامٌ إِنَّهُ
 عَلِيمٌ بِذُنُوبِ الصُّدُورِ ﴿١٤٢﴾ وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذَا التَّفَعُّتُمْ فِي آعْيُنِكُمْ
 قَلِيلًا وَيَقَالُ لَكَ فِي آعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَلِئَلَّا
 اللَّهُ يُزَيِّجَ الْأُمُورَ ﴿١٤٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا الْقِيَمَةُ نَزَتْ فَانْبُذُوا
 وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٤٤﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 وَلَا تَنَازَعُوا عَاقِبَتُكُمُوهَا وَأَتَدَّبُّ رِجْلَكُمْ وَأَضْرِبُوا إِنْ اللَّهَ مَعَ
 الصَّابِرِينَ ﴿١٤٥﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَ
 رِيَاءً النَّاسِ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ عَمَّا يُعْمَلُونَ مُخَالِفًا
 ﴿١٤٦﴾ وَإِذْ قَرَّبْنَا بِلَاهُوتِ الْكِبْرِيَاءِ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَاحَالِبَ لَكُمْ الْبَلَاءُ
 مِنَ النَّاسِ إِنْ جَارُوا لَكُمْ فَمَا تَرَائِينَ الْفِتْنَانَ تَكَهَّنُوا عَلَى حَيْثُ
 وَقَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّي مِنْكُمْ إِنْ أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنْ أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ
 شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٤٧﴾ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ
 مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ
 وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَكَّلُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى الْمَلَائِكَةِ يَضْطَرُّونَ وَجُوهَهُمْ
 وَأَنبَارُهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِّ بِئِنَّكَ لَآتِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

که خدا مقدر فرموده اجر سازد (شمارا غلبه داد) تا هر که هلاک شدنی است
 بمدد از اتمام حجت هلاک شود و هر که لایق حیات ابدی است با تمام حجت
 به حیات ابد رسد و همانا خدا شنوای دعا و دانای بمصالح بندگانش (۴۳)
 و یاد آر پیروسل ما آنگاه که دشمنان را در چشم تو اندک نشان دادیم و اگر
 سپاه دشمن را بسیار چشم شما نشان دادیم بدویم کاملاً هر اسان و بدو بدل شده و در
 امر ما مخالفت میکردید لیکن خدا شما را سلامت داشت که او دانا و
 منصرف در اندیشه های درونی دلهای خلق است (۴۴) یاد آر زمانیکه خدا
 دشمنان را هنگامی که مقابل شدید در چشم شما کم نمودار کرد و شمارا نیز در
 چشم دشمن کم بنمود تا خداوند آنرا که در قنای حتمی خود مقدر نموده
 اجر افرماید و بسوی او ست باز گفت امور (۴۵) ای کسانی که ایمان آورده اید
 هرگاه با فرجی از دشمن مقابل شدید پایداری کنید و خدا را پیوسته یاد آرید
 باشد که پیروزمند و فاتح گردید (۴۶) همه با روح وحدت ایمانی پیرو
 فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اعتلاف و تنازع نپوئید که در اثر
 تفرقه ترسناک و ضعیف شد و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد بلکه باید
 یکدل پایدار و سبور باشید که خدا همیشه با صابران است (۴۷) شما مؤمنان
 مانند منافقان نباشید که آنها (نه برای جهاد در راه خدا) یا برای هوس و غرور
 و یا برای ریا و تظاهر خارج شدند و از راه خدا خلق را منع میکنند و پترسند
 که عمل خدا بهر چه کنند محیط است (۴۸) یاد آر وقتی که شیطان کردار
 رشت آنرا در نظرشان زیبا نمود گفت امروز احدی بر شما غالب نخواهد
 گفت من هنگام سخت یار و فریادرس شما خواهم بود تا آنگاه که دو سپاه
 اسلام و کفر روبرو شدند شیطان پا پیزار گذاشت و پاسخ داد که من از شما
 بیزارم من قوائی می بینم که شما نمی بینید و من از خدا میترسم که عتاب
 خداوند بسیار سخت است (۴۹) یاد آر وقتی که منافقان با هم میگفتند که
 این مسلمان بدین خود متروکند و حال آنکه هر کس بر خدا توکل کند خدا
 غالب و مقتدر و بر هر چه خواهد توانست (۵۰) و اگر پشگری سختی حال
 کافران را هنگامیکه فرشتگان جان آنها را میگیرند و با تیغ بر روی و
 پشت آنها میزنند و میگویند چه عید طمع مذاب سوزنده را (۵۱) این مقبوت
 افعال زشتی است که بنصت خود پیش فرستادید

وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَالِمٍ لِّلْعَبِيدِ ۝ كَذَّبَ آيَاتِ الْفِرْعَوْنَ وَالدِّينَ مِنْ
 قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ
 شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ ذَلِكَ يَأْتِيَنَّ اللَّهُ لِرَبِّكَ مُغِيرَةً أَنْعَمَهَا
 عَلَى قَوْمِهِمْ يَغِيرُ أَمَّا يَا نَعِيمٌ ۝ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ كَذَّبَ
 آيَاتِ الْفِرْعَوْنَ وَالدِّينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَآخَذَهُمُ
 اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا الْفِرْعَوْنَ وَكُلَّ كَاذِبِينَ ۝ إِنَّ قَسْرَ
 الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ عَاهَدُوا
 مِنَّهُمْ ثُمَّ يَتَفَتَحُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرْجَةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ۝ فَأَمَّا
 تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرِّ بِقِسْرٍ ذَرِبْهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ۝ وَإِنَّمَا
 تَخَافُ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٍ فَاثْبُدْ إِلَيْهِمْ عَلَى مَوَآذٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
 الْخَائِنِينَ ۝ وَلَا يَحْضَبُنَّ الدِّينَ كَفَرُوا وَسَبَقُوا إِلَهُهُمْ لَا يَخْشَوْنَ
 ۝ وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِصُونَ
 بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ
 يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا
 تُظْلَمُونَ ۝ وَإِنْ كُنْتُمْ لِّلشَّلَةِ قَاجِحٍ لِّهَآؤُكُمْ كُلٌّ عَلَى اللَّهِ إِنَّا هُوَ
 السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ
 هُوَ الَّذِي يَدْلُكَ بِتَضَرُّعِهِ بِالْمُؤْمِنِينَ وَآلَتِ بَنِي قُلُوبِهِمْ لَوْ

و خدا بهیچیک از بندگان هرگز کمترین ستم نخواهد کرد (۵۱) ای رسول
 ما کافران امت تو نیز) مانند فرعونیان و کافران پیش از زمان آنها با آیات خدا
 کافر شدند خدا هم آنان را بکیفر گناها نشان بگرفت که هم با خدا توانا و سخت
 کیفر است (۵۲) (حکم ازلی خدا) اینست که خدا نعمتی که بقومی عطا کرد
 تغییر نمیدهد تا وقتی که آن قوم حال خود را تغییر دهند که خدا شنوا و دانا
 است (۵۳) همانطور که خوی فرعونیان و پیش از آنان برای این شد که آیات
 خدای خود را تکذیب کردند ما هم آنها را بکیفر گناها نشان هلاک کردیم و
 فرعونیان را پدراغری کردیم و همه آنانکه هلاک نمودیم ظالم و ستمکار
 بودند (۵۴) بدترین جانوران نزد خدا آنان هستند که کافر شدند و ایمان هم
 نخواهند آورد (۵۵) چنانکه چند بار با تو عهد صلح و مسالمت بستند
 آنگاه عهد ترا در مرتبه شکستند و در حفظ عهد تورا نقض نمودند
 پس چون با آنان بکارزار مشغول شوی بتهدید و مجازات و اندرز
 آنان و پیروانشان را پراکنده ساز باشد که متذکر شوند (۵۶) و یا چنانچه
 از خیانت کاری گروهی از مهادین خود سخت (میان دیشی) در این صورت
 تو نیز با حفظ عدل و درستی عهد آنها را نقض کن که خدا خیانت کاران را
 دوست نمیدارد (۵۸) کافران هرگز نیندازند که بکفر خود پیش افتادند (که
 آنها پیوسته زیورند) و هرگز خدا را زیور نتوانند کرد (۵۹) و شما
 ای مؤمنان در مقام مبارزه با آنها خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از
 آذوقه و آلات جنگی و اسباب سواری برای تهدید دشمنان خداوند و دشمنان
 خودتان فراهم بآزید و بر قوم دیگری که شما بردشمنی آنان مطلع نیستید
 و خدا با آنها آگاهست نیز مهیا باشید و آنچه در راه خدا صرف میکنید
 خدا تمام بشمارعوض خواهد داد و هرگز شما ستم نخواهد شد (۶۰)
 و اگر دشمنان بصاح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل بصلح خلق باش
 و بر خدا توکل کن و کار خود بخدا واگذار خدا شنوا و دانا بصلاح
 خلق است (۶۱) و اگر دشمنان بفکر فریب دادن تو باشند البته مطمئن
 باش که خدا ترا کفایت خواهد کرد اوست که بنصرت خود و یاری مؤمنان
 ترا مؤید و منصور گردانید (۶۲) و الفت داد دل‌های مؤمنان
 را دل‌هایی که

اتَّفَقْتُ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَا
 بَيْنَهُمْ إِنَّهُمْ عِنْدَ حَكِيمٍ ﴿١٥٠﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ
 مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥١﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضْ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ
 بَكَ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَارُونَ بِغُلُوبِ أَيْتَانِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ
 مِائَةٌ يُغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿١٥٢﴾
 أَلَا نَحْفَظُكَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ
 مِائَةٌ صَارُوا بِغُلُوبِ أَيْتَانِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يُغْلِبُوا أَلْفًا
 بِأُذُنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٣﴾ مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ
 آسَرٌ حَتَّى يَتَخَيَّرَ فِي الْأَرْضِ يُرِيدَ مِنْ عِزِّ اللَّهِ نَبَأُ اللَّهِ يُرِيدُ
 الْأَمْرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿١٥٤﴾ تَوَلَّاهُ مِنْ اللَّهِ سَبَقَ لَكُمْ فِيهَا
 آخِذٌ وَعَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٥٥﴾ كُلُّوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ
 إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٥٦﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ
 الْأَمْثَرِ إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا هُوَ يَكْرِهَهُ أَمَّا آخِذَةٌ
 مِنْكُمْ وَبَغِيرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٥٧﴾ وَإِنْ يُرِيدُوا خِيفَتَكَ
 فَقَدْ خَافُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٥٨﴾
 الَّذِينَ آمَنُوا وَهَابُوا وَجَاهِ هَذَا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَاقْتَرَوْا وَلَكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ

اگر تا با تمام ثروت روی زمین میخواستی الفت دهی نتوانستی لیکن خدا
تالیف قلوب آنها کرد که او بر هر کار مقتدر و پادشاه امور دانست
(۶۳) رسول ما خدا ترا کفایت است و مؤمنانیکه پیروان تواند (۶۴)
ای رسول مؤمنان را بر جنگ ترغیب کن که اگر بیست نفر از شما صبور و
پایدار باشید بر دوست نفر از دشمنان غالب خواهید شد و اگر صد نفر بوده
بر دوهزار نفر کافران غلبه خواهید کرد زیرا آنها گروهی پیدا نهند (۶۵)
اکنون خدا بر شما تخفیف داد (و در حکم جهاد آسان گرفت) و دانست که
در شما ضعف ایمان راه یافته پس اگر صد نفر باشید صبور و پایدار بر دوست
نفر و اگر هزار بر دوهزار باذن خدا غالب خواهید شد و خدا با شما بران
است (۶۶) هیچ پند میری را در آن نباشد که از اسیران جنگ فدا گرفته و آنرا
رها کند تا خون ناپاک آنرا بسیار بریزد شما متاع فانی ناچیز دنیا را
میخواهید و خدا برای شما (سرای پدی و نعمت جاودانی) آخرت را و خدا
مقتدر و کارش همه از روی حکمت است (۶۷) اگر نبود حکم (ازلی) سابق از
امر نافذ خدا همانا در آنچه گرفتید بشما عذاب سخت رسیده بود (۶۸)
پس اکنون از هر چه غنیمت پیاپیید بخورید حلال و گوارای شما باد ولیکن
خدا ترس و پرهیز کار باشد که خدا آمرزنده خطاها و مهربان بخلق است
(۶۹) ای رسول با سیرانی که در دست شما مسلمینند بگو که اگر خدای
دردل شما خیر و هدایتی مشاهده کند در مقابل آنچه از شما گرفته شد بهتر
از آن را عطا میکند و از گناهان شما درمیگذرد که خدا آمرزنده گناه و
مهربان در حق خلق است (۷۰) و اگر قصد خیانت باتو دارند که از این
پیش با خدایم خیانت کردند خدا (ترا بر آنها) تمکین و تسلط دهد و خدا
دانا (بصلاح خلق) و درستکار (در حق بندگان) است (۷۱) آنانکه بپسند ایمان
آوردند و از وطن خود هجرت نمودند و در راه خدا با مال و جان نشان کوشش
و فداکاری کردند و بم آنانکه به مهاجرین منزل دادند و از آنها یاری کردند
(یعنی انصار مدینه) آنها دوستدار یکدیگرند و آنها همیکه

آمَنُوا وَلَمْ يَأْجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَا يَتَّبِعُهُمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُجَاهِرُوا وَإِنْ
اسْتَصْرَوْكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ الذُّخْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ يَبْتَغُونَ بَيْنَهُمْ
مِثْقَالَ وَشَاةٍ وَاللَّهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ٥٧ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِعَهْدِهِمْ
أُولَئِكَ بَعْضُ الْأَنْفَعِلُوا تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ فَنَادَى كَبِيرٌ ٥٨ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
وَمَا جَرُوا وَأَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَانصَرَوْا أُولَئِكَ
هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ٥٩ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ
بَعْدِ مَا جَرُوا وَأَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ
بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ٦٠

بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ٦١ فَجَاهِدُوا
فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ عِلْوَ الْكَرَّةِ غَيْرِ مُغِيرِي اللَّهِ وَآَنَّ اللَّهَ
غَيْرِي الْكَافِرِينَ ٦٢ وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِ
الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَمَا جَبَرَكُم
وَأَنْ تَقُولُوا لَكُمْ عَمَلُ الْكَرَّةِ غَيْرِ مُغِيرِي اللَّهِ وَبَشِيرِ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِعَذَابِ آلِهِمْ ٦٣ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنصُرُوا
مَعَكُمْ فَمَا تَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ٦٤ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
الْعِقَابِ ٦٥

بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ٦١ فَجَاهِدُوا
فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ عِلْوَ الْكَرَّةِ غَيْرِ مُغِيرِي اللَّهِ وَآَنَّ اللَّهَ
غَيْرِي الْكَافِرِينَ ٦٢ وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِ
الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَمَا جَبَرَكُم
وَأَنْ تَقُولُوا لَكُمْ عَمَلُ الْكَرَّةِ غَيْرِ مُغِيرِي اللَّهِ وَبَشِيرِ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِعَذَابِ آلِهِمْ ٦٣ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنصُرُوا
مَعَكُمْ فَمَا تَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ٦٤ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
الْعِقَابِ ٦٥

ایمان آورده اند لیکن مهاجرت نکرده اند هیچ شما دوستدار و طرفدار آنها نباشید تا وقتی که هجرت گزینند ولی اگر از شما مدد خواستند بر شماست که آنها را یاری کنید مگر آنکه با قومی که پاشامهد و پیمان بسته اند به صورت بر خیزند (بدانید) که خدا بهر چه ازید و نیک میکنید آگاهست (۱۳۲) آنانکه کافر شدند نیز بعضی دوستدار و مددکار یکدیگرند و شما مسلمین اگر آنرا که خدا دستور داده کار ننیدید همانا فتنه و فساد بزرگ روی زمین را فرا خواهد گرفت (۱۳۳) و آنانکه ایمان آوردند و هجرت گزیدند و در راه خدا کوشش و جانتفانی کردند و هم آنانکه مهاجران را منزل دادند و از آنها یاری کردند آنها به حقیقت اهل ایمانند و هم آمرزش خدا و روزی نیکوی بهشتی مخصوص آنهاست (۱۳۴) و آنانکه ایمان آورده اند و بعد از شما هجرت گزیدند و با اتفاق شما در راه دین جهاد کردند آنها نیز از شما مؤمنان هستند و ارث شما را به خودشان و ندان در کتاب خدا بعضی مقدم بر بعضی دیگر مقرر شده که خدا بهر چه جزو همه مصالح خلق دانست (۱۳۵)

سورة توبه در مدینه طیبه نازل و مشتمل بر صد و بیست و نه آیه میباشد

از این پس خدا و رسولش از عهد مشرکانی که پاشما مسلمین عهد بسته و شکستند بیزاری جست (۱) پس شما مشرکان تاج چهار ماه دیگر همت داده میشوید که در زمین (مکه) گردش و آسایش کنید و بدانید که شما بر قدرت خدا غالب نخواهید شد و همانا خدا کافران را خوار و ذلیل خواهد کرد (۲) و در بزرگترین روز حج خدا و رسولش به مردم اعلام میدارند که بعد از این از عهد بشر کین خدا و رسول بیزارند پس هرگاه شما مشرکان از شرک توبه کرده برایتان درد نیاور عقیبی پس بهتر خواهد بود اگر رو بگردانید بدانید که شما بر قدرت خدا غالب نیافتید و چنانچه ایمان نیاوردند مژده عذاب دردناک بان کافران پارسان (۳) مگر آن گروه از مشرکان که با آنها عهد کرده اید و هیچ عهد شما نشکستند و هیچیک از دشمنان شما را یاری نکرده باشند پس با آنها عهد را تا مدتی که مقرر داشته نگاه دارید که خدا متقیان را (که به عهد خود وفا میکنند دوست میدارد) (۴) پس از آنکه ماههای حرام (ذیقعد ذیحجه محرم و رجب) که مدت امانست در گذشت

الْمُشْرِكِينَ جَنَّتْ وَجَدَتْهُمْ وَخَذَتْهُمْ وَاخْصَرَتْهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ
 كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ
 إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ⑤ وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ
 حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ
 ⑥ كَذَبَ الَّذِينَ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ
 عَاهَدُوا عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مَا اسْتَفَا مَوَالِكُمْ فَاسْتَفِيهِمْ أَلَيْسَ لَكَ
 اللَّهُ بِحَسْبِ الْعُقُودِينَ ⑦ كَذَبَ الَّذِينَ بَطَّحُوا عَنكُمُ الْأَعْيُنُ وَأَنفُسُكُمْ
 وَلَا يَرْجِعُ بَرُّهُنَّ لَكُمْ وَلَا يَرْجِعُ بَرُّهُنَّ لَكُمْ وَلَا يَرْجِعُ بَرُّهُنَّ لَكُمْ
 وَلَا يَرْجِعُ بَرُّهُنَّ لَكُمْ وَلَا يَرْجِعُ بَرُّهُنَّ لَكُمْ وَلَا يَرْجِعُ بَرُّهُنَّ لَكُمْ
 ⑧ لَا تَسْعَى الْيَا بَابُ اللَّهِ مِمَّا قَلِيلًا فَوَسَدُوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ
 مَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ⑨ لَا يَرْجِعُونَ فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا وَلَا يَرْجِعُونَ وَلَا يَرْجِعُونَ
 الْمُعْتَدُونَ ⑩ كَانُوا تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ
 فِي الَّذِينَ لَكُمْ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ⑪ وَإِنْ تَكُونُوا تَأْمَنُونَ
 مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَلِيَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا
 أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّكُمْ يُفْهَمُونَ ⑫ أَلَا تَتَذَكَّرُونَ قَوْمًا تَكُونُوا أَيْمَانَهُمْ
 هُمْ أَوْ يَأْخُذُوا الرِّسَالَ وَهُمْ يَدُّكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ
 لَعَنَ أَنْ تَخْشَوْهُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ⑬ فَاتْلُوهُمْ بَعْدَ مَا نَزَّلَ اللَّهُ
 مَا يَدَّبُرُهُمْ وَنَصُرْهُمْ عَلَيْهِمْ وَيُفِضْ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ ⑭

آنگاه مشرکان را هر بنا یا بید بقتل برسانید و آنها را دستگیر و محاصره کنید و هر سودگمین آنها باشید چنانچه از شرک توبه کرده و نماز اسلام بپاداشند و زکوة دادند پس از آنها دست بدارید که خدا آمرزنده و مهربانست (۵) و هرگاه یکی از مشرکان بتو پناه آورد که از دین آگاه شود بدو پناه ده تا کلام خدا بشنود و پس از شنیدن سخن خدا او را بی هیچ خوف بمامن و منزلش برسان زیرا که این مشرکان مردم نادانند (۶) چگونه با مشرکان که عهد خدا و رسول شکستند خدا و رسولش عهد آنها نگاه دارد لیکن با آن مشرکان که در مسجد الحرام عهد بسته‌اید تا زمانی که آنها بر عهد خود پایدارند شما هم عهد آنها بپایید که خدا متقبان را دوست میدارد (۷) چگونه با مشرکان عهد شکن وفای به عهد توان کرد و در صورتیکه آنها اگر بر شما مسلمی ظفر بیاوند مراعات هیچ علاقه خویشی و عهد و پیمان را نخواهند کرد و باز بان بازی و سخنان فریبنده شما را خواهند میسازند در صورتی که در دل جز کینه شما ندارند و بیشتر آنان قاسق و نابکارند (۸) فاستان آیات کتاب خدا را به بی‌بائی اندک گرفتند تا آنکه راه خدا را بروی خلق بستند همانا بسیار بدمی کنند (۹) آنان در حق اهل ایمان هیچ مراعات حق خویشی یا عهد و پیمان را نخواهند کرد دوم آنها بسیار متعذی و ستمکارند (۱۰) پس هرگاه توبه کرده و نماز بپاداشند و زکوة مال دادند در این صورت برادر دینی شما بپند و آیات خود را برای اهل الله و معرفت مفصل بیان خواهیم کرد (۱۱) و هرگاه آنها سوگند و عهدی که بسته‌اند بشکنند و در دین شما تسمخر و طعن زنند در این صورت با آن پیشوایان کفر و ضلالت کارزار کنید که آنها را عهد و سوگند استواری نیست (۱۲) آیا با قومی که عهد و پیمان خود را شکستند و اهتمام کردند که رسول خدا را از شهر و وطن خود بیرون کنند قتال و کارزار نمی‌کنند در صورتیکه آنها اول بار بدشمنی و قتال شما برخاستند از آنها بیم و اندیشه دارید و حال آنکه سزاوارتر آنست که از خدا بترسید (و بس) اگر اهل ایمانید (۱۳) شما (ای اهل ایمان با آن کافران) بقتل و کارزار برخیزید تا خدا آنرا بپست شما عذاب کند و خوار گرداند و شما را بر آنها منصور و غالب نماید و دل‌های اهل ایمان را (بفتح و ظفر بر کافران) شفا بخشد (۱۴)

وَيَذِہِبْ غَیْظَ قُلُوبِہُمْ وَیُؤْتِ اللّٰہُ عَلٰی مَن یَّشَآءُ وَاللّٰہُ عَلِیْمٌ حَکِیْمٌ
۱۵ اَمْحَسِبْتُمْ اَنْ تُخْرَکُوْا اَوْ لَآ یَعْلَمَ اللّٰہُ الَّذِیْنَ جَآہَدُوْا مِنْکُمْ وَ
لَمْ یُحِیْذُوا مِنْ دُوْنِ اللّٰہِ وَلَا رُسُلِہِ وَلَا الْمُؤْمِنِیْنَ وَلِیَجۡتَ وَ
اللّٰہُ حَسِیْبٌ عِمَّا تَعْمَلُوْنَ ۱۶ مَا کَانَ لِلشِّرْکِیْنَ اَنْ یَّعْبُرُوْا مَسَاجِدَ اللّٰہِ
شَآہِدِیْنَ عَلٰی اَنفُسِہِمۡ بِالْکُفْرِ اُولَئِکَ جَبَّطَ اَعْمَالُہُمْ وَفِی النَّارِ
ہُمْ خَالِدُوْنَ ۱۷ اَلَمْ یَا یَعْمُرْ مَسَاجِدَ اللّٰہِ مِنْ اَمْنٍ بِاللّٰہِ وَالْیَوْمِ الْاٰخِرِ
وَاَقَامَ الصَّلٰوۃَ وَآتٰی الزَّکٰوۃَ وَلَمْ یَمۡشِ اِلَّا اللّٰہَ فَعَلٰی اُولَئِکَ
اَنْ یَّکُوْنُوْا مِنْ الْمُهْتَدِیْنَ ۱۸ جَعَلْتُمْ سَفَاۤیۡةَ الْحَآجِّ وَعِمَارَۃَ النَّبِیِّ
الْحَرَامِ کُنَّ اَمْنًا بِاللّٰہِ وَالْیَوْمِ الْاٰخِرِ وَجَآہِدِیْ سَبِیْلِ اللّٰہِ لَا
یَسْتَوِیَنَّ عِنۡدَ اللّٰہِ وَاللّٰہُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِیْنَ ۱۹ الَّذِیْنَ آمَنُوْا
وَعَمِلُوا صَالِحًا فِی سَبِیْلِ اللّٰہِ بِأَمْوَالِہِمۡ وَانفُسِہِمۡ لَعَلَّہُمْ
دَرَجَۃٌ عِنۡدَ اللّٰہِ وَاُولَئِکَ ہُمُ الْفَاعِلُوْنَ ۲۰ یُنۡدِیۡرُہُمْ رَبُّہُمْ رَجَۃً
مِنْہٗ وَرِضْوَانٍ وَجَنَابٍ لَّہُمْ فِیہَا نِعَمٌ مُّقِیۡمٌ ۲۱ خَالِدِیۡنَ فِیہَا
اَبَدًا اِنَّ اللّٰہَ عِنۡدَہٗ اَجْرٌ عَظِیۡمٌ ۲۲ اَلَا اِنَّہَا الَّذِیۡنَ اٰمَنُوا لَا یُخۡشَوْنَ
اَبَآئَکُمْ وَاِخۡوَآئَکُمْ اَوْ لِبَآءَ اِنْ اسۡتَجَبُوا الْکُفْرَ عَلٰی الْاِیۡمَانِ وَ
مَنْ یَّهۡتُلِ لَّہُمْ مِنْکُمْ فَقَاوِلَکَ ہُمُ الظَّالِمُوْنَ ۲۳ قُلْ اِنْ کَانَ اَبَآؤُکُمْ
وَاَبْنَاؤُکُمْ وَاِخۡوَآئُکُمْ وَاَزۡوَاجُکُمْ وَغَیۡرُکُمْ وَاَمۡوَالُکُمْ فَتَرۡفُؤُہَا

و خدا بظفر و نری که نمیبشما میگرداند از ظلمی که کافران در حق شما کردند، ایستقام کند و تشفی خاطر دهد (تا خشم دلهای شما فرو نشاند و خدا را هر که میخواهد بطف و رحمت باز میکرد که خداوند انانی و در ستکار است (۱۵) چنین می پندارند که شما را بدون آزمایش بحال خود را میبندد در صورتیکه منور خدا در مقام طاعت و مجاهده معلوم نکر دانیده که از شما چه کسی به حقیقت مؤمن است که جز خدا و رسول و مؤمنان را هرگز دوست خود و همراه خویش نخواهد گردید و خدا از همه کردار شما آگاه است (۱۶) مشرکان را نرسد که مساجد خدا را تعمیر کنند در صورتیکه بکفر خود شهادت میدهند خدا اعمال آنها را ناپدید خواهد گردانید و در آتش دوزخ آنها جاوید معذب خواهند بود (۱۷) منحصراً تعمیر مساجد خدا بدست کسانیست که بخدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز (پنجگانه) بپادارند و زکوة مال خود بدهند و از غیر خدا ترستند آنها امیدوار باشند که از هدایت یافتگان هستند (۱۸) آیا رتبه سقایت و آب دادن به حاجیان و تعمیر کردن مسجد الحرام را که رتبه عیسی است با مقام آنکس که بخدا و بروز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده (چون علی (ع)) یکسان شمرید هر گز آن نزد خدا با این یکسان نخواهد بود که خدا ظالمات را هرگز پناه بهشت هدایت نخواهد کرد (۱۹) آنانکه ایمان آوردند و از وطن هجرت کردند و در راه خدا بمال و جان نشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندی است و آنان با خصوصی رستگاران و سعادتمندان دعوایمند (۲۰) هر روز گانه شان بر رحمت بی منتهای خود بشارت دهد بمقام رضا و عشق و خویشتن به بهشتی که در آنجا آنها را نعمت جاودانی است (۲۱) و آن بهشت ابدی همیشه متنعم خواهند بود کمال طاعت را نزد خدا پاداش بزرگست (۲۲) اهل ایمان شما پدران و برادران خود را نباید دوست بدارید اگر که آنها کفر را بر ایمان بگزینند و هر کسی از شما آنها را دوست بدارد بی شک ستمکار است (۲۳) ای رسول ما بگو امتدا که ای مردم اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشان و ندان خود را و اموالیکه جمع آورده اید

وَيَا دَاوُدَ تَخَوَّنَ كَادَ مَا وَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ اللَّهِ
وَرَسُولِهِ وَجَاهِي فِي سَبِيلِهِ فَتَرَضَوْا حَتَّى بَايَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٤٦﴾ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي وَاطِنَ كَثِيرٍ وَ
يَوْمَ خِزْنٍ إِذْ أَجْجَبْنَاكَ مِنَ الْكُفْرُوتِ كُفْرُكُمْ فَلَمْ تَغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ
عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَدَجَتْ لَكُمْ وَلَيْتُمْ مُدْبِرِينَ ﴿١٤٧﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ
سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ الْجُودَ لَكُمْ وَهَذَا
عَذَابُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٨﴾ ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ
بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٤٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
إِنَّمَا الْمَسْرُوكُونَ فَجَسٌ فَلَا يَقْرَأُوا الْحَدَّ الْحَرَامَ بَعْدَ عِلْمِهِمْ هَذَا
إِنْ خِفْتُمْ عَجَلَةً فَتَوَقَّعُوا نَفْسَكُمْ وَاللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ
عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٥٠﴾ غَالِبُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا يَوْمِ الْآخِرِ وَلَا
يُحْزِنُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدْعُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ
أَوْفُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿١٥١﴾ وَ
قَالَتِ الْيَهُودُ عِزِّي أَيْمَنُ اللَّهِ وَقَالَتِ الْنَصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ
قَوْلُهُمْ يَا قَوْمِ هُمْ بَضَائِمُ قَوْلِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَالَتْ لَهُمُ
اللَّهُ أَتَى بِمُفَكِّكٍ ﴿١٥٢﴾ فَتَقَدَّرَ وَانْجَارَ لَهُمْ وَرُفِعَتْ أَرْبَابُهُمْ
دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَمَا أَمْرُ الْإِلَهِ لِيُعَذِّبَ الْهَامَ وَاحِدًا

و مال التجاره که از کسادى آن بيمنا کيد و منازل (عالى) که به آن دلخوش داشته ايد پيش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست ميداريد منتظر باشيد تا امر نافذ (وقضای حتمى) خدا چارى گردد و خدا شاق و بد کاران را عذابت نخواست و کرد (۲۴) خدا شما مسلمين را در مواقعى بسيار يارى کرد و نيز در جنگ حنين که فريشته و مفرور بسيارى لشکر اسلام شديد و آن لشکر زياد اسلام بکار شما نيامد و زمين بدان فراخى بر شما تنگ شد دشمن بر شما چيره و قزى پنجه گرديد) تا آن که عهده و بفرانهاديد (۲۵) آنگاه خداى قادر مطلق و قادر و سکنه خرد را بر رسول خود و بر مؤمنان نازل فرمود و لشکرمائى از فرشتگان که شما نميديد پديد شد شما فرستاد و کافران را بمذاب و ذلت افکند و اينست کيفر کافران (۲۶) سپس خدا بعد از آن واقعه جنگ حنين از سر تقصير هر که ميخواهد (از مؤمنانيکه فرار کرده هر که توبه نمود و از کافران هر که ايمان آورد) درميگذرد که خداوند آمرزنده و (بر همه بندگان) مهربانست (۲۷) اى کسانیکه ايمان آورده ايد محققاً بدانيد که مشرکان نجس و پليدند و بعد از اين سال (که عهدشان پايان ميرسد) نبايد قدم بمسجد الحرام گذارند و اگر در اثر دور شدن تجارت و ثروت آنها از شما از فقر ميرسيد (توسيد) که خدا شمارا بفضل و رحمت خود از خلق و از مشرکان بى نياز خواهد کرد که او (بحوايج شما) داناست و در کمال عنايت و حکمت است (۲۸) (اى اهل ايمان) بآيه که از اهل کتاب (يهود و نصارى) ايمان بخدا و روز قيامت نياورده و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده حرام نميدانند و بدین حق نميگروند قتال و کارزار کنيد تا آنگاه که باذلت و تواضع باسلام جزيه دهند (۲۹) و يهود گفتند (عزيز و نصارا) گفتند (مسيح) پس خداست اين سخنان را که اينها يريزبان ميراث خود را به کيش کافران مشرک پيشين (که اصلاً به نبى و کتب آسمانى معتقد نبودند) نزد يك و مشايه ميکنند خدا آنها را هلاک و نابود کند چراغ آنها باز بخدا نسبت دروغ بستند (۳۰) علماء و راهبان خود را بمقام ربوبيت شناخته و خدا را شناختند و نيز مسيح پسر مريم را بالوحيت گرفتند در سورتى که مأمور نبودند جز آن که خداى يکتاى را پرستش کنند

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سَخَانُهُ عَنَّا يَشِيرُ كُونَ ﴿١٤٧﴾ يُرِيدُونَ أَن يُظْفِقُوا أَمْوَالَهُمْ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَيَنَافِقُوا اللَّهَ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ تَوْرَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿١٤٨﴾
 هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى دِينَ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَ عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
 وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿١٤٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَ
 الرُّمُحَانِ لَبَاءُ كُلُّونَ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ
 اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿١٥٠﴾ يَوْمَ يُخَوِّضُ عَنْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَيَكْوَى بِهَا
 جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ تَرَى لَا تَنْفِكُوا قَدْ وَقَعُوا
 كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٥١﴾ إِنَّ عَذَابَ النَّهْرِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَرًّا فِي كُلِّ
 اللَّهُ يَوْمَ يَخْلُقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُوفٌ ذَلِكَ الَّذِينَ
 أَلْقِمُوا فَلَا تَنْظِلُوا فِيهِمْ أَنْفُسَكُمْ وَفَالُوا الْمُشْرِكِينَ كَأَنَّهُمْ كَمَا
 يُفَالُوا لَوْ تَكْفُرُوا كَأَنَّهُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٥٢﴾ إِنَّمَا السُّبْحُ بِلَا
 فِي الْكُفْرِ يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُجْلَوْهُ غَامًا وَيُخْرِجُوهُ غَامًا لِيُجْلَوْهُ
 عَذَابَ مَا عَزَمَ اللَّهُ فَيُجْلَوْهُ مَا عَزَمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سَوْءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا
 يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿١٥٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ
 انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنَا قُلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ رَضِينَا بِهَا حُجُورَةً النَّبِيُّ
 الْأَخْرَجَ قَمَا سَاعَ الْحُجُورَةِ النَّبِيُّ فِي الْأَخْرَجَ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿١٥٤﴾ لَا تَنْفِرُوا

که منز و برتر از آنست که با او شریک قرار میدهند (۳۱) کافران میخواهند که نور خدا را بنفش تیره و گرفتار جاهلان نمود و خاموش کنند و خدا نکارد تا آنکه نور خود را در منتهای ظهور و حد اعلامه کمال برساند هر چند کافران ناراضی و مخالف او باشند (۳۲) اوست خدائی که رسول خود (محمد مصطفی) را بآیین حق بهدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند (۳۳) ای اهل ایمان بسیای از علماء و راهبان اموال مردم را بیاطل طعمه خود میکنند و خلق را از راه خدا و اطاعت امر خدا منع میکنند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره میکنند و در راه خدا انفاق نمیکند آنها را پنداب دردناک بهسارت دهد (۳۴) روزی که در آتش دوزخ گداخته شوند و پیهانی و پشته و پهلوی آنها را بان داغ کنند (فرشتگان عذاب بآنها گویند) اینست نتیجه آنچه از زر و سیم بر خود ذخیره کردید اکنون بهشید هاب سیم و زری که اندوخته می کردید (۳۵) همانا عدد ماهها نزد خدا در کتاب خدا دوازده ماه است از آنروزی که خدا آسمان و زمین را بیافرید و از آن دوازده ماه چهار ماه ماههای حرام خواهد بود اینست دستور دین استوار و محکم پس در آن ماهها ظلم و ستم در حق خود و یکدیگر نکنید و متفقاً همه با مشرکان قتال و کارزار کنید چنانکه مشرکان نیز همه متفقاً با شما بجهنم و خصومت برمیخیزند و بدانید که خدا با اهل تقوی است (۳۶) نشی افزایش در کفر است که تا کافران را بجهل و گمراهی کشند سالی ماه حرام را حلال میگردانند و سالی دیگر حرام را بدین وسیله عده ماههایی که خدا حرام کرده پایمال کنند و حرام خدا را حلال گردانند اصلاً ذلت آنها در نظرشان زیبا ننمود و خدا هرگز کافران را هدایت نخواهد کرد (۳۷) ای کسانی که ایمان آورید حجه چیست که چون شما امر شود که برای جهاد در راه دین بیدرتان خارج شوید بپاگاه زمین دل بسته اید یا راضی بزندگانی دنیا عوض حیات ابدی آخرت شدید متاع دنیا در پیش عالم آخرت اندک و ناچیز است (۳۸) بدانید که اگر

يَعَذِّبُكَ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّهُ شَيْئًا
 وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ لَا تَضُرُّهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذَا هَلَكَ جُحَدٌ
 الَّذِينَ كَفَرُوا ثَلَاثِينَ أَثْنِينَ إِذَا هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا
 تَمْرِن إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ۝ نَزَلَ اللَّهُ سَكِينَةً عَلَيْهِ وَأَيْدِيَهُمْ يَوْمَ ذَلِكَ
 تَرَوْهَا وَجَمَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى ۝ وَكَلَّمَ اللَّهُ فِي الْغُلَا
 وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ فَانْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ هَلْ وَكُلَّانِ
 عَصَا قَاهِرِيًّا وَسَفَرًا مِّمَّا لَا تَبْعُونَ ۝ وَلَئِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ السُّفْلَى
 وَبَخِلْفَتُهُمْ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا مَعَكُمْ فَهَلْ كُنَّا بِأَنفُسِهِمْ وَ
 اللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّمَا لَكُمْ دِينُ اللَّهِ ۝ هَٰذَا اللَّهُ عَمَّا يُرِيدُ لَكُمْ حَقٌّ
 يَتَّبِعُونَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَاعْلَمُوا بِالنَّازِغِينَ ۝ لَا يَسْتَأْذِنُكَ
 الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَن يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ
 وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ۝ إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
 وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّهُ
 الْخُرُوجُ لَعَدُوًّا لَهُ عَدُوٌّ وَلَٰكِنْ كَرِهَ اللَّهُ لِيُعَٰثِرَهُمْ فَيَضْطَرُّهُمْ وَقِيلَ
 الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقِتَالِ ۝ فَاسْعَوْا بِكُمْ مَا زَادَكُمْ إِلَّا خَبَالًا ۝ وَلَا
 تَضَعُوا حِلَالَكُمْ يَبْغُوا كَذِبًا ۝ وَفِيكُمْ سَاعُونَ لَكُمْ وَاللَّهُ

در راه دین خدا برای جهاد بیرون نشوید خدا شمارا پندایی در دنیا که معذب خواهد کرد و قومی دیگر برای جهاد بجای شما بر میگمارد و شما بخدا زیانی نرسانیده اید و خدا بزره چیز تواناست (۴۹) اگر شما اورا یاری نکنید البته هنگامی که کافران پیغمبر را از مکه بیرون کردند خدا یاریش کرد آنگاه که یکی از آن دو تن که در غار بودند (یعنی رسول) بر رفیق و همسر خود گفت مژس که خدا با ماست آن زمان خدا وقار و آرامش خاطر بر او فرستاد و اورا بسپاه و لشکرهای غیبی خود که شنای آنان را ندیده اید مدد فرمود و ندای کافران را (بست گردانید) و ندای خدا را مقام بلند داد که خدا را بزره چیز کمال قدرت و دانا ئست (۵۰) برای جنگ با کافران سبک بار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا پمال و جان جهاد کنید این کار شمارا بسی بهتر خواهد بود اگر مردمی با فکر و دانش باشند... (۵۱)

ای رسول اگر این مردم را برای منفعت آنی و فوری - غر کو تا - یعنی دعوت کنی، البته ترا پیروی خواهد کرد لیکن از سفر نه معقتی دارد میپرهیزند و بزودی بخدا سوگند میخورند که اگر توانائی داشتی همما نا برای سفر آماده میشدیم اینان که خود را بدست هلاکت میسپارند و خدا! میداند که آنها به حقیقت دروغ میگویند (۵۲) ای رسول خدا ترا بیخشاید چرا پیش از آنکه دروغ گو از راستگو بر تو معلوم شود با آنها اجازه دادی (۵۳) بهتر آن بود که رخصت در ترک جهاد نخواهند تا پمال و جان خود در راه خدا جهاد کنند و خدا باحوال متقیان آگاهست (۵۴) تنها آنهایی که ایمان نیاورده و دلهایشان در شک و ریب است از تو اجازه معافی از جهاد میخواهند و آن منافقان پیوسته در تیرگی شک و تردید خواهند ماند (۵۵)

اگر آنان قصد سفر جهاد داشتند درست مهای آن میشدند لیکن خدام از توفیق دادن و برانگیختن آنها برای جهاد کراهت داشت آنها را بازداشت و حکم شد شما هم بامذوران عاجز در خانه خود بنشینید (۵۶) اگر این منافق مردم باشما مؤمنان برای جهاد بیرون میآمدند جز خیانت و مکر در سپاه شما چیزی نیافزودند و هر چه میشد استند در کار شما اغلال و غرابی میکردند و از هرسو در جستجوی فتنه بر میآمدند و هم در میان لشکر شما از آنان جاسوسهایی وجود دارد و خدا

عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿١٠٩﴾ لَقَدْ أَسْتَوَى الْوَيْتُ مِمَّنْ قَبِلَ وَقَلَبُوا إِلَكَ الْأُمُورَ
 جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿١١٠﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ ائْتِدْن
 إِلَيَّ لَا تَقْنِيْ إِلَّا فِي الْوَيْتِ سَقَطُوا وَإِنْ جَهَنَّمُ لَمُخِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ
 ﴿١١١﴾ إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ فَعُودُهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ
 أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فِي رُجُومٍ ﴿١١٢﴾ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا
 إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْتَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١١٣﴾ قُلْ
 هَلْ تَرْتَضُونَ إِنَّا إِلَّا أَحَدٌ الْحَسْبَيْنِ وَنَحْنُ فَتَرْتَضُونَ بِكُمْ أَنْ
 يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ يَأْتِيَنَّكُمْ فَرَقُّوا إِنَّا مَعَكُمْ
 مُتَرَبِّصُونَ ﴿١١٤﴾ قُلْ أَتَقْوُطُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ أَنْ تَكْفُرُوا
 قَوْمًا فَايَسِقِينَ ﴿١١٥﴾ وَمَا مَسَّكُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ
 كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا
 يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿١١٦﴾ فَلَا تُحِبَّكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ
 إِنَّمَا رِزْقُ اللَّهِ يُعَدُّ بِهَافِي الْحَبْوَةِ الذُّنْبَاءُ وَرَهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَ
 هُمْ كَاْفِرُونَ ﴿١١٧﴾ وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِيَّاهُمْ يُنْكِرُ وَمَا مِنْكُمْ وَلِيَّةٌ
 قَوْمٌ يَقْرَءُونَ ﴿١١٨﴾ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأًا أَوْ مَخْرَجًا أَوْ مَدَنًا خَلَا لَوْ لَوْ
 إِلَهُهُمْ وَهُمْ يَجْحَدُونَ ﴿١١٩﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَلْعَنُكَ فِي الصُّدُوفِ فَإِنْ لَطَمُوا
 فِيهَا رَضُوا وَإِنْ لَزُبَعُطُوا فِيهَا إِذَا هُمْ يَمْخِطُونَ ﴿١٢٠﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ

باحوال غلامان داناسند (۴۷) ذاین پیش هم آنان در صدقته گری و انهدام
 اسلام بودند و کارها را بنو (ایرسلما) برعکس می نمودند تا آنگاه که حق
 روی آورد و امر خدا آشکار گردید در سورتیکه آنها (از قنوحات اسلام) کمال
 گراحت داداشتند (۴۸) و برخی از آن منافقان گویند از آن مردم منافق که بمادرجهاد
 اجازه معافی ده و ما را در آتش می بین آگاه باش که آنها خود به قنعه در
 افتادند و دوزخ همانا بآن کافران احاطه خواهد داشت (۴۹) اگر ترا حادثه
 خوش نصیب شود سخت بر آنها ناگوار آید و اگر تو را از جهاد زحمتی و
 رنجی پیش آید گویند مادر کار خود نیک پیش بینی کردیم و آنها از دین
 رو گردانند در حالی که شاد مانند (۵۰) بگوهر گز آنچه خدا خواسته
 به ما خواهد رسید اوست ولای ما و البته اهل ایمان در هر حال بر خدا توکل
 خواهند کرد (۵۱) بگو (ای پیغمبر) که شما منافقان نیز یکی از دنیوی کوی
 چیزی می توانید بر ما انتظار برید نمیتوانید ولی مادر پاره شما منتظریم که
 از جانب خدا بمذاب سخت گرفتار شوید یا بدست ماملاک شوید بنا بر این
 شما در انتظار باشید که ما هم مترصد و منتظر کار شما هستیم (۵۲) بگو (بان
 منافقین) که شما هر چه اغاق کنید چهار روزی میل چهار روزی گراحت هرگز
 از شما پذیرفته نخواهد شد شما مردمی بوده (و ستید) که سخت بفسق خوی
 گرفته اید (۵۳) و هیچ مانی از قبول نفقات آنها نبود جز آنکه بخدا و
 رسول او کافر بودند و بنماز نیایند جز بحال اکرام و کسالت و انفاق نکنند
 جز آنکه سخت گراحت دارند (۵۴) مبدا تواز کثرت اموال و اولاد آنها
 در شگفت آیی خدا می خواهد آنها را بهمان مال و فرزندان در زندگانی دنیا
 بمذاب افکند و ساعت مرگ نیز جان آنها را بگیرد در حالتیکه کافر جان
 سپارند (۵۵) آنها دایم بخدا قسم یاد میکنند که ما هم بر استی از شما مؤمنانیم
 و حال آنکه باطن از شما و هم عقیده شما نیستند و لیکن این قوم می ترسند (۵۶)
 اگر پناه گاهی یاستنری در منار کوهها یا هر گریز گاهی بیابند البته
 بدانجا با کمال تمجیل میگریزند (۵۷) و بعضی از آن مردم منافق در
 تقسیم صدقات بر تو اعراض و خورده گیری کنند اگر با آنها مال بسیار
 علانی از تو رضایت داشته و الا سخت خشمگین شوند (۵۸) و چقدر بهتر بود

رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ ﴿١﴾ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ
 وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَ
 الْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
 حَكِيمٌ ﴿٢﴾ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ ذُنُوبٌ قُلُوبُهُ
 أَذُنُ خَيْرٍ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَرَمَعَا لَ الَّذِينَ لَمْ يُؤْمِنُوا
 مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٣﴾ يَحْلِفُونَ
 بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ
 أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا
 فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ﴿٤﴾ يَخَذِرُ الْمُتَافِقُونَ أَنْ تُنْزَلَ عَلَيْهِمْ
 سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَخِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَرِجٌ مَخْرُجٌ ذُو
 الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٥﴾ وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ آيَاتُ اللَّهِ
 أَبَايَاكُمْ وَرَسُولُهُ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ﴿٦﴾ لَا تَسْتَكْبِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ
 إِيمَانِكُمْ أَنْ تَعْفَ عَنْ ظُلْمَتِكُمْ مَيْكَةً نَعَذِّبُ ظَالِمًا فِي أَيَّامٍ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ
 غَيْرُهَا ﴿٧﴾ الْمُتَافِقُونَ وَالْمُتَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ
 بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ أُولَئِكَ
 قَسَبَ اللَّهُ إِلَيْنَا الْغَائِقِينَ هُمْ الْغَائِقُونَ ﴿٨﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ

اگر آنها به آنچه خدا و رسول بآنها مقرر کرده بودند و می گفتند که
 خدای ما را کفایت است او و هر رسولی از لطف مهربانانه چیز مقرر خواهد
 کرد ما تنها به خدا مفتاحیم (۵۹) صرف صدقات منصرفاً به بخشش باین هفت
 طایفه است (فقیران و عاجزان و متصدیان ادارات و قریب باین طایفه قلوب
 (یعنی برای مشابه کردن بیگانگان بدین اسلام) و آزادی بندگان و قرض
 داران و دربار خدا و پیرامودان گان این مصارف مفتکانه فرض و حکم
 خداست که خدا بر ما حکم مصلح امور آگاه است (۶۰) و بعضی (از مناققان)
 آنان هستند که دائم پیغمبر را می آزارند میگویند او خوب شخص ساده
 و زود باوری است بگوی پیغمبر زود باوری من لطفی بنفع شماست رسول
 به خدا ایمان آورده و پیغمبران اطمینان دارد و برای مؤمنان حقیقی شما رحمت
 کامل الهی است و برای آنها که رسول را آزار میدهند عذاب دردناک مهیاست
 (۶۱) مناققان برای افساد و عنفوت کردن شما مؤمنان بنام خدا سوگند
 می نمودند در صورتیکه اگر ایمان داشتند و او را تر این بود که خدا و رسول
 را از خود عنفوت کنند (۶۲) آنها می دانند که هر کس با خدا و رسولی به عداوت
 بر غیزد آتش دوزخ کفر دانی اوست و این به حقیقت ذلت و غواری بزرگ
 است (۶۳) مناققان از آن روز پشیمانند که خدا سوره ای پشیمانند که آنچه
 بدون (ناپاک) آنهاست بر آنها آشکار سازد ای رسول بگو اکنون تسخیر
 کنید خدا از آنچه می ترسید پسر شما خواهد آورد (۶۴) و اگر از آنها
 پشیمانند که چرا تسخیر و استعزاز میکنند پاسخ دهند که ما به مزاح و مطایبه
 سخن رانده ایم رسول بگو به آنها آیا با خدا و آیات خدا و رسول خدا
 تسخیر میکنند (۶۵) عذر نیاوردند که عذر آنان بکلی پذیرفته نیست که
 شما به عداوت ایمان کافر شده اگر از برخی نادان و ساده لوحان شما در
 گفتم گروهی را نیز عذاب خواهیم کرد که مردمی بسیار زشت کارید
 (۶۶) مردان و زنان منافق از هم دیگر و طرفدار یکدیگرند دست از
 نیکی کشیده و مردم را بیکدیگر بد وادارند و از کار نیکی منع میکنند و چون
 خدا را فراموش کردند خدا نیز آنها را فراموش کرد که در حقیقت
 بدترین دشمنان عالم همان مناققانند (۶۷) بعد از روزی از مناققان

الْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَاتِ زَوَّجَهُنَّ خَالِدِينَ فِيهَا هُنَّ حِسْمُهُنَّ وَلَهُنَّ اللَّهُ
 وَلَهُنَّ عَذَابٌ مُقِيمٌ ٥ كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ نِكَاحًا وَقُوَّةً وَأَلَذَّ
 أَمْوَالُهَا وَأَوْلَادُهَا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخُلُقِهِمْ كَمَا
 اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضِعْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ
 حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي لَذَنبِهِمْ وَالْآخِرَةُ وَالْأُولَى هُمْ الْخَاسِرُونَ ٦
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قِيلَ لَكُمْ قَوْمٌ نَوْحٌ وَغَايَةٌ وَتَمُودٌ وَقَوْمٌ زَاهِقُونَ وَأَصْحَابُ
 مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاثِ أَتَلَهُمْ رَسُولُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ
 وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ٧ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ
 أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ
 وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ
 إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ٨ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي
 مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَ
 رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ٩ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ
 جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا بِهِمْ جَهَنَّمَ وَيُشْرَ
 الْمَصْبُورِينَ يَخْلَفُونَ بِاللَّهِ مَآثِلًا وَلَقَدْ خَالُوا كَالْبُكْمَةِ الْكُفْرَ وَكَفَرُوا
 بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهُوَ عِمَارٌ رَبَّنَا لَوْ أَمَانَتُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ
 وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا بَكَ خَيْرَ الْهَمِّ وَإِنْ يَتُوبُوا بَعْدَ ذَلِكَ

و کافرانرا همه آتش دوزخ و خلود در آن داده همان دوزخ کفر آنها کافی است و خدا آنها را الم کرده و بمذاب ایدمیا فیکند (۶۸) شام بمانند آنهایی که پیش از شما بودند دنیا پرستند در مسوولیکه پیشینان از شما قویتر و مال و اولادشان بیشتر بود بمناح فانی دنیا دو روزی بمانند شما متع بودند اکنون هم که نوبت شما رسیده از هلاک آنها فراموش کرده به متع دنیا بسهم خورد مانند آنها سرگرم شدید شام در شهوات دنیا بمانند آنها فرو رفتید آنان مردمی هستند که اعمالشان درد دنیا و آخرت نابود و باطل گشت و هم آنان بحقیقت زیا نگران عالمند (۶۹) آیا اخبار پیشینیا نشان مانند قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدین و موفقات (یعنی قوم شعب و لوط) با آنها نرسید که رسولان الهی آیات و معجزات آشکار بر آنها آوردند (آنها نپذیرفتند و هلاک شدند آری خدا هیچ ستمی بر آنها نکرد بلکه آنها خود در حق خویش ستم کردند) (۷۰) مردان و زنان مؤمن همه یار و دوستدار یکدیگرند خلق را بکار نیکو وادار و از کار بد منع می کنند نمازیها میدارند و زکوة میدهند و حکم خدا و رسول را اطاعت میکنند آنانرا البته خدا مشغول رحمت خود خواهد گردانید که خدا صاحب اقتدار و دوست کردار است (و بیگان را البته بنعمت و رحمت اید می رساند) (۷۱) خدا اهل ایمانرا از مرد و زن و عده فرموده که در بهشت خلده ابدی که زیر درختانش نهرها جاری است در آورده و در عمارات نیکوی بهشت سخن منزل دهد و برتر و بزرگتر از هر نعمت مقام رضا و عفت و دی خدا را بآنان کرامت فرماید و آن بحقیقت فیروزی بزرگ است (۷۲) پیغمبر با کافران و منافقان جهاد و مبارزه کن بر آنها بسیار سخت گیر (بیش از این با آن منافسانرا فد و بلیط محلم و مدارا مکن) مسکن آنها دوزخ است که بسیار بد منزلگاهی خواهد بود (۷۳) منافقان قسم بعدا یاد میکنند که حرف کفر بر زبان نیاورده اند چنین نیست البته سخن کفر گفته و پس از اظهار اسلام کافر شدند و صفت بر آنچه موفق بر آن نداشتند گماشتند آنها بجای آنکه از آن بی نیازی که بفضل خدا و رسول نسب آنها شد شکر گویند در مقام انتقام و دشمنی بر آمده اکنون هم اگر باز توبه کنند بر آنها بهتر است و اگر روی از خدا بگردانند آنها را

اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَ
 لَا نَصِيرٍ ﴿١﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَنْ لَا يَنْفِرُوا مِنْ فُضْلِهِ لَنْفَذَ قَوْلٍ
 وَلَمْ يَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢﴾ فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فُضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَقَالُوا
 وَهْمٌ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَ عَذَابًا
 أَخْلَقُوا اللَّهُ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٤﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
 يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿٥﴾ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ
 الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا
 جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦﴾ اسْتَغْفِرُ
 لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ
 لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِإِذْنِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا هِدَى الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٧﴾
 ﴿٨﴾ فَرَجَ الْمُخَلَّفُونَ وَعَقْدَهُمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا
 بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ
 جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿٩﴾ فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا
 كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٠﴾ فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ
 مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تُخْرَجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُفَالِلُوا
 مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ
 وَلَا تَقْصِلْ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقْعُدْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا

(قتل درد دنیا و دوزخ در آخرت)

بمذاب دردناک معذب خواهد فرمود و دیگر در همه روی زمین یک نفر دوست دار و پیروی پر خود نخواهند یافت (۷۴) یعنی از آنها اینگونه با خدا عهد بستند که اگر نعمت و رحمتی نصیب ما باشد البته پیغمبر را تصدیق کرده و از ایشان میگوییم (۷۵) و با این عهد باز چون فطری نعمت خدا نصیب آنها گشت بر آن بغل ورزیدند و از زمین روی گردانیده و از حق اعراض کردند (۷۶) در نتیجه این تکذیب و (تقصیر) خدا هم دل آنها را غلظت کند نفایز گردانید تا روزی که بکثیر بغل و اعمال زشت خود برسند (۷۷) آیان میدادند که خدا از باطن آنها و سخنان سری ایشان آگاهست البته خدا دانای قیب و عالم با سرار پنهان است (۷۸) آن کسانی که از فرط بغل و بد نفسی عیب جوئی می کنند بر آن مؤمنانی که از فرط سخاوت علاوه بر واجبات صدقات مستحب نیز فقیران را دستگیری می کنند همچین مسخره میکنند مؤمنانی را که از اندک چیزی که مقدور آنهاست هم در راه خدا مشابه نمی کنند خدا هم آنها را در مقابل تسخیر بمؤمنان البته مجازات میکند و آنها عذاب دردناک خواهد رسید (۷۹) ای پیغمبر تو بر آن مردم خواهی طلب عفو و رحمت یا نکن هفتاد مرتبه هم بر آنها از خدا آمرزش طلبی خدا هرگز آنان را نخواهد بخشید زیرا آنها از راه فسق و سرکشی بخدا و رسول او کافر شدند و خدا افغانان را هرگز هدایا نخواهد کرد (۸۰) آنها ای که خوشحالند که از حکم جهاد در رکاب رسول خدا تعلق ورزیدند و مجاهده پهل و جانفشان در راه خدا بر آنان سخت ناگوار بود و مؤمنان را هم از جهاد منع کرده و با آنها میکنند شما در این هوای سوزان از وطن خود بیرون نروید آنان را بگو آتش دوزخ بسیار سوزان تر از این هواست اگر می فهمید (۸۱) اکنون آنها باید خنده کم و گریه بسیار کنند که به مجازات سخت اعمال خود خواهند رسید (۸۲) پس اگر خدا ترا بسوی گروهی از آن متعلقان بدین راه برگرداند و آنها ملاقات تو آمده و اجازه جهاد خواهند با آنها بخواه اجازه نپذیرم ادا شما با من چیست نخواهد آمد و با هیچکس از دشمنان من جهاد نخواهد کرد شما هستید که اولیای پست متعلقان از سفر جهاد اظهار مسرت میکردید اکنون هم بجای خود پشیمان (۸۳) دیگر هرگز بنماز مهت آن منافقان حاضر نشده و بر جنازه آنها پندامایست که آنها بخدا و رسولش کافر شدند

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَا تَوْأَمَهُمْ فَايْقُنُوا سُبْحَانَ اللَّهِ لَا تَعْجَبُكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ
 إِنَّمَا هِيَ دُنْيَا اللَّهِ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ فِيهَا فِي الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ
 كَافِرُونَ ﴿١٧﴾ وَهَذَا آيَةُ نَزَلَتْ سُورَةُ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ
 اسْتَأْذِنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا لَكُمْ مَعَ الْفَاعِيزِينَ ﴿١٨﴾ لَكُمْ
 يَأْنَ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ طَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ قَهْمٌ لَا يُفْقَهُونَ ﴿١٩﴾ لَكِنِ
 الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ سَجَاءٌ بَأْسًا إِلَى أَيْمِهِمْ وَأَنْفُسُهُمْ وَ
 أَوْلِيَاءُ لَكُمْ لَكُمْ الْخِزْيَاءُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِكُونَ ﴿٢٠﴾ عَدَا اللَّهُ لَهُمْ
 جَنَابٌ تَجَرَّيْنِ مِنْ تَحْتِهَا أَلَا نَهَا نَحَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٢١﴾
 وَجَاءَ الْمُعَذِّبُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا
 اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَبُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابُ آلِيمٍ ﴿٢٢﴾ لَبَسَ
 عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ
 حَرَجٌ إِذَا اقْتَصَرَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مَا عَلَى الْحَشِينِ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ
 غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَقَوْكَ لِتَمَلِكَهُمْ قُلْتَ لَا أَبْجُودُ
 مَا أَعْلَمُكَ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَاعْبُدُوهُمْ تَفْضِيضٌ مِنَ الذَّنَجِ حَرْنَا الْأَيْدِي
 مَا يَنْفِقُونَ ﴿٢٤﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَنْتَازُونَكَ وَهُمْ أَغْنَاءُ
 رِضْوَانًا يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ قَهْمٌ لَا يُفْقَهُونَ
 ﴿٢٥﴾ يَخْتَنِدُونَ نَبْعًا إِذَا رَجَعْتَ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْنِدُنِي أَرْوَاقُكُمْ

و در حال فسخ و بدکاری مردند (۸۴) ای رسول از بسیاری اموال و اولاد آن منافقان تمجب مکن که خدا خواهد بآن مال و اولاد آنها را در دنیا معذب گرداند و جانان را بحال کفر بستاند (۸۵) و هر گاه سوره ای نازل شد که امر بایمان به خدا و جهاد با رسول در راه دین خدا کرد (ثروتمندان آن منافقان) از حقیر تو تقاضای معافی از جهاد کرده و گفتند ما را از معاف شدن گمان محسوب دار (۸۶) بدان راضی بودند که با زنان و کودکان و عجزه در خانه بنشینند دلای آنها نشی کفر و ظلمت گرفت تا دیگر هیچ درک حقایق ننمودند (۸۷) اما رسول و مؤمنان اسبابی که بمال و جانان در راه جهاد کردند همه خیرات و نیکوئیها مخصوص آنهاست و هم آنان سعادتمندان عالمند (۸۸) خدا پر آنها باضائی که بزیرد خنثائی نهرها جاری است مهربان فرموده که در آن تا باید منتهم باشند و این بحقیقت سعادتمند و فیروزی بزرگست (۸۹) بزخی از اعراب بادیده که نزد تو آمده و عذر میاوردند که اجازه معافی از جهاد یابند و گروهی که تکذیب خدا و رسول را کرده و از جهاد باز نشتند کافران از این دو طایفه بزرودی بحداب در دنیا خواهند رسید (۹۰) بر ناتوانان و بیماران و فقیران که خرج سفر و عیال خود را بدارند تکلیف جهاد نیست هر گاه آنها هم براه رضای خدا و رسول خلق را نصیحت و هدایت کنند بر نیکوکاران از هیچ راه حرج و زحمتی نیست و خدا آمرزنده و مهربانست (۹۱) همچنین بر آن مؤمنانی که مهربانی جهاد شده و نزد تو آیند که زاد و لوازم سفر آنها را مهربان سازی و تو پاسخ دهی که من مالی که بشما مساعدت کنم ندارم و آنها بر میگردند در حالیکه از شدت حزن اشک از چشمانشان جاریست که چرا نمیتوانند مخارج سفر خود را فراهم سازند بر آنها هم حرج و گناهی بر ترک جهاد نیست (۹۲) متعصرا گناه و عقوبت آنها را است که با وجود تمکین و دارائی از تو رخصت معافیت از جنگ میطلبند و خوشی دارند که با زنان و کودکان در دل آنها نشی کفر و ظلمت زده که هیچ از حقایق درک نکنند (۹۳) وقتی که شما بسوی آنها بر میگردید و بمهرهای بیجا میپردازید

لَكَرَّ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكَ وَسَبَّحَ عَلَى اللَّهِ عَمَلُكَ وَرَسُولُهُ ثُمَّ
تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ الشَّهَادَةِ فَبَيِّنْ لَكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾
سَخِّطُوا عَلَى اللَّهِ لَكُمْ إِذْ أُنْقِلْتُمْ إِلَيْهِمْ لَعْنَتُهُمْ لَغَرَضُوعُهُمْ فَأَغْرَضُوا
عَنْهُمْ أَنْهُمْ رَجَعُوا وَمَا مِنْهُمْ جَهَنَّمُ مِنْ أَهْلِهَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾
يَخْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى
الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٥﴾ الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَبَغَاءً وَأَجْدَرُ أَنْ لَا يَدْخُلُوا
حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٦﴾ وَمِنَ الْأَعْرَابِ
مَنْ يَتَّبِعُ مَا يَنْفِقُ مَغْرَمًا وَمَتْرَقًا يَكِيدُ الدَّارَ وَنَفْسَهُ دَارُ التَّوْبَةِ
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
يَتَّبِعُ مَا يَنْفِقُ قُرْبَانٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَاةِ الرَّسُولِ إِلَّا أَنَّهُمْ خُفِرَ
لَهُمْ سَبْدٌ خَلَّاهُمْ اللَّهُ فِي دَعْوَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٨﴾ وَالنَّاسِ فَوْقَ
الْأُولَى مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٩﴾ وَمِنَ حَوْلِكَ
مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُّوا عَلَى الْيَتَابِ
لَا تَعْلَمُهُمْ تَحْنُ تَعْلَمُهُمْ سَعَدَ بِهِمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ بُرِدُوا إِلَى عَذَابِهِ
عَظِيمٍ ﴿٢٠﴾ وَالْعَرُونَ إِعْرَافُ يُدْفَعُونَ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ

با آنها پاسخ ده که گفتار کوتاه کنید که ما هرگز باین عذر ترا شیما تصدیق
 شما نکنیم خدا حقیقت حال شما را بر ما روشن گردانید و بزودی خدا و
 رسولش کردار و نفاق شما را بدیده ما آشکار میسازد آنگاه بسوی خدائی
 که دانای قیب و شهود است باز میگردید که شما را بکفر گردانان
 برسانند (۹۹) چون شما بسوی آنها باز گردید قسم های مؤکد بخدا برای
 شما یاد کنند که از تعلل آنها چشم پوشی کنید (غریب آنها را مضمودید) و از
 آنها امر اض کنید که مردمی پلیدند و بموجب کردار زشت خود با آتش دوزخ
 ماوی خواهند یافت (۱۰۰) آن مردم منافق برای اینکه شما از آنها راضی
 شوید آنها را میبندند پس اگر شما از آنها راضی شوید خدا هرگز از آن
 گروه فاسق راضی نخواهد شد (۱۰۱) اعراب (بادیه نشینان) در کفر و نفاق
 از دیگران سخت تر و بجهل و نادانی احکام خدا ساز اوار ترند و خدا با احوال
 خلق دانا و بمصالح هر حکمی کند (۱۰۲) و برخی از اعراب مردمی
 منافقت که بسیار چری را که در راه جهاد دین میکنند بر خود خر و زبانی
 می بندارند و برای شما مسلمین مترسد حوادث و عواقب ناگوارند و حال آن
 که عواقب و حوادث بد بر آنها خواهد بود و خدا (بسخن زشت آنها) شنوا
 و به نیات پلید آنها آگاه است (۱۰۳) و برخی دیگر از همان اعراب بادیه نشین
 ایمان واقعی بخدا و قیامت آورده و آنچه در راه خدا اتفاق میکنند بموجب
 تقرب نزد خدا و دعای غیر رسول دانند آری آگاه شوید که اتفاق آنها
 بموجب قرب خداست و البته خدا آنها را در سرای رحمت خود (بجستاید)
 داخل میگرداند که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۰۴) آنانکه در مسدود
 اسلام سبقت با ایمان گرفتند از مهاجر و انصار و آنانکه بطاعت خدا پیروی
 آنان کردند از سایر است خدا از آنها خشنود است و خدا بر آنها پهنی که
 از پردرختانشی نه را جاریست مهیا ساخته که در آن تا ابد منتقم باشند و
 این بحقیقت سعادت بزرگ است (۱۰۵) بعضی از اعراب اطراف مدینه
 منافقتند بعضی اهل شهر مدینه هم منافق و بر نفاق ماهر و ثابتنند و شما از
 نفاق آن آگاه نیستید ما بر سر یرت ناپاک آنها آگاهیم و آثار او با مرداب
 میکنیم (یعنی قبل از مرگ و بعد از مرگ) و عاقبت هم به مذاب سستی دوزخ
 باز میگردانند (۱۰۶) و بعضی دیگر آنها بگناه نفاق خود اعتراف کردند که
 صلح صالح و قتل قبیله جردو

سَيَأْتِي عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٢٧﴾ خُذْ مِنْ
أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ
سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٢٨﴾ لَرَبْعِلْوًا أَنْ اللَّهُ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ
عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْوَّابِلُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٩﴾
وَقُلِ اعْمَلُوا فَتَعْبَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسِرُّونَ
إِلَى عَالِي الْعَرْشِ الْقَهَادَةِ فَبَيِّنَتُكُمْ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٣٠﴾ وَآخِرُونَ
مُزْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ ﴿١٣١﴾ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ
وَالضَّرَارِ مِنَ الْإِسْلَامِ حَارَبَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَادْنَا
إِلَّا الْخُسْفَىٰ قَالَ اللَّهُ بَلْهَذَا أَعْمَالُ الْكَافِرِينَ ﴿١٣٢﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَلْمَسْجِدِ
أَيْسَرُ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ إِحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ
يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهِّرِينَ ﴿١٣٣﴾ فَمَنْ آتَسَرَ بِبَنَائِهِ
عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ آتَسَرَ بِبَنَائِهِ عَلَى شِقَا
جُوفٍ هَارٍ فَانْهَارٍ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
﴿١٣٤﴾ لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقْطَعَ
قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٣٥﴾ إِنْ اللَّهُ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ
وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَيْسَ لَهُمْ الْبُخْتَةُ يُفَالِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ

بجای آوردند امید باشد که خدا توبه آنان بپذیرد که البته خدا آمرزنده و مهربانست (۱۰۴) ی رسول ماتو از مؤمنان صدقات را دریافت دار تا پدیدان صدقات نفوس آنها را پاک و پاکیزه سازی و آنها را بدعای غیر یاد کن که دعای تودر حق آنان موجب تسلی خاطر آنها شود و خدا (بدعای مخلصان) داناست (۱۰۴) آیا مؤمنان ندانسته اند که محققا خدا توبه بندگان را می پذیرد و خدا صدقه آنها را قبول میفرماید و البته خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است (۱۰۴) و (ای رسول ما) بگو بخلق که هر عمل کنید خدا آن عمل را پشما میثاید و هم رسول و مؤمنان بر آن آگاه میشوند آنگاه بسوی خدائی که دانای عوالم غیب و شهود است بازخواهید گفت تا شما را به جزاه نیکو و بد اصالتان برساند (۱۰۵) برخی دیگر از گناهکاران آنهایی هستند که کارشان بر مشیت خدا موقوفست یا بعمل آنانرا عذاب دند و باطل و کرم از گناهشان درگذرد و خدا دانا و به حکمت نظام آفرینش آگاه است (۱۰۶) آن مردم ناقص که مسجدی برای زیان باسلام برپا نرند و مقصودشان کفر و عناد و تفرقه کلمه بین مسلمین و مساعدت با دشمنان دیرینه خدا و رسول بود و یا این همه قسمهای موکد یاد میکنند که ما جز قصد خیر و توسعه اسلام نداریم خدا گواهی میدهد که محققا دروغ میگویند (۱۰۷) انوار رسول ماهر گز در مسجد آنها قدیم بگذار که همان مسجد (قبا) که بنیانش از اول بر پایه تقوای محکم بنا گردیده بر اینکه در آن اقامه نماز کنی که در آن مسجد مردان پاکی که مشتاق تهذیب نفوس خودند در آیند و خدا مردان پاک و مذهب را دوست میدارد (۱۰۸) آیا کسیکه مسجدی بمرض تقوی و خدا پرستی تأسیس کرده و رضای حق را طالب است مانند کسی است که بنایی سازد بر پایه سستی در کنار سیل که زود بپویرانی کفشد و عاقبت آن بنا از پایه به آتش دوزخ افتد ندلم و نفاست و خدا هر گز ستمکاران را هدایت نخواهد فرمود (۱۰۹) بنیانی که آنها بر کثرت و شقاق بنا کردند دلای ایمان را همیشه بهیتر و و بیافکنند تا آنکه از آن پا بمرگ یا بتوبه دل ببر کنند و خدا به اسرار خلق دانا و بدقایق امور عالم آگاهست (۱۱۰) خدا جان و مال اهل ایمانرا بپهای بهشت خریداری کرده آنها ذر راه خدا جهاد میکنند که دشمنان دین را بقتل رسانند

يَقْتُلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْبَةِ وَالْإِنجِيلِ وَالْفُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى
 بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ الَّتِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَقَدْ لَكُمُ
 الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ١٥٩ أَلَمْ تَأْتُوا الْبَايِعُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّاجِدُونَ
 الرَّاكِعُونَ السَّائِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ
 وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ١٦٠ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالنَّبِيِّاتِ أَنْ
 يَسْتَغْفِرَ لِلشَّيْكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ
 أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ١٦١ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ
 مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ
 إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ ١٦٢ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ
 حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنَ لَهُمْ مَا يَفْعَلُونَ إِنَّ اللَّهَ يَكُلُّ شَيْءًا عَالِمٌ ١٦٣ إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ
 وَلَا نَصِيرٍ ١٦٤ لَقَدْ نَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ الْمُهَاجِرِينَ الْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ
 اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْمُنَادَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَانَتْ رُبُوعُ قُلُوبِ قَوْمٍ مِنِّي مِنْهُمْ
 فُتِنَ نَابَ عَلَيْهِمْ أَنَّهُ بِمَن رُّؤُوفٌ رَّحِيمٌ ١٦٥ وَ عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَقُوا
 حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ
 أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ فَتُوبَ نَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبَ
 إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ١٦٦ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا

و یا خود گشته شوند این وعده قطعی است بر خدا و عهده است که در توبه
و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا با وفا تر به عهد کیست ای اهل ایمان
شما بخود در این معامله بشارت دهید که این معاهده با خدا بحقیقت سعادت
و فیروزی بزرگی است (۱۱۹) بدانید که از گناه پشیمانان خدا پرستان
حمد و شکر نعمت گذاران روزه داران نماز باخضوع گذاران امر بمعروف
و نهی از منکر کنندگان و نگهبانان حدود الهی و مؤمنان را (ای رسول ما
بهر ثواب و سعادت) بشارت ده (۱۲۴) پیغمبر و گروه دکان باو نباید
برای مشرکان هر چند خویشان آنها باشند از خدا آمرزش طلبند بعد از آنکه
آنها را اهل دوزخ شناختند (۱۲۴) ابراهیم هم که برای پدرش (یعنی
عش) از خدا آمرزش خواست (این نبود مگر) بموجب عهده که با او
کرده بود (که ایمان آورد) چون بر او محقق شد که دشمن خدا است از او
بیزار می‌گشت که ابراهیم شخصی بسیار بردبار و خدا نرس بود (۱۲۴)
خدا بعد از آنکه قومی را هدایت کرد دیگر گمراه نکند تا بر آنها آنچه
باید بپرهیزند (از موجبات ضلالت) معین کند که خدا محققاً همه چیز
داناست (۱۲۵) منحصراً خدا مالک آسمانها و زمین است و او زنده
کند و بمیراند و شما (بندگان همه جهانیان) را جز خدا نگهدار و
یاوری نخواهد بود (۱۲۶) خدا بر پیغمبر و اصحابش از مهاجر و انصار
که در باطن می‌بختی که نزدیک بود دل‌های بسیاری از آنها بلفزدو (در سختی
های جنگ نبوی) از رسولش پیروی کردند باز لطف فرمود و از لفظش حاشان
در گذشت که او درباره رسول و مؤمنان بی‌یقین مشفق و مهربانست (۱۲۷)
و بر آن ستم (مرار و حلال و کمب) که تعالی و زیدند تا آنکه زمین با همه
پناهوری بر آنها تنگ شد و بلکه از غم دل‌تنگ شدند و دانستند که از غضب
خدا جز بطلب اوجلاء و پناهی نیست پس خدا بر آنها باز لطف فرمود
(توفیق توبه داد) تا توبه کنند که خداوند بسیار توبه پذیر و در حق
خلق مشفق و مهربان است (۱۲۸) ای اهل ایمان خدا ترس باشید (از
مردم دروغگوی منافق دوری کنید و) با

مَعَ الضَّادِّينَ ۝ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ
 أَنْ يَخْلُقُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ
 بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظُلْمٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخَصَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا
 يَبْطُونَ مَوَاطِئَ عِطْرِ الْكُفَّارِ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّهِمْ إِلَّا كَيْفَ
 لَهُمْ يَهْدِي عَمَلُ صَالِحٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَلَا يَقْتُلُونَ
 نَفْسَهُمْ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كَيْفَ لَهُمْ يَهْدِي
 اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً
 فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا
 قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 فَأَمِلُوا الدِّينَ بَلْوَةً لَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَأَعْلَمُوا
 أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ۝ وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ
 أَتَكْذِبُ أَوَإِنَّهُ هَذِهِ آيَاتُنَا فَأَمَّا الدِّينُ أَمْوَالُهُمْ إِنَّمَا آوَاهُمْ
 يَسْتَبِشِرُونَ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى
 رِجْسِهِمْ وَمَا تَوَّاهُمْ كَافِرُونَ ۝ وَلَا يَرْزُقُ أَنفُسَهُمْ يَفْسُقُونَ فِي كُلِّ
 عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَهْتَبُونَ وَلَا هُمْ يَذْكُرُونَ ۝ وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ
 سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مِنْ آيَاتِهِ فَانصَرَفُوا وَرَفَعُوا
 اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ۝ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ

مردان راستگوی با ایمان پدید آمدند (۱۱۹) اهل مدینه و یادیه نشینان اطرافش نباید هرگز از فرمان پیغمبر تخلف کنند و نه هرگز بر خلاف میل او میلی از خود اظهار کنند تا آنکه به مرض اطاعتشان هیچ رنج تشنگی و گرسنگی و خشکی در راه خدا نکشند و هیچ قدمی که کفار را خشمگین کند بر ندارند و هیچ دستبندی بدشمنان دین نرسانند جز آنکه در مقابل هر یک از این رنج و آلام عمل صالحی در نامه اعمالشان نوشته شود که خدا هرگز نیکوکاران را ضایع نخواهد گذاشت (۱۲۰) و هیچ مالی که یا زیاد اتفاق ننگند و هیچ وادی ندیمایند جز آن که در نامه عمل آنها نوشته شود تا خداوند بسیار بهتر از آنچه کردند اجربا آنها فرماید (۱۲۱) نباید مؤمنان همگی برون رفته و رسول را تنها گذارند بلکه چرا از هر طایفه ای جمعی برای حث و کرمی نزد رسول برای آموختن علم مهیا نباشند؟ تا آن عالمی که آموخته اند بقوم خود بیاموزند که قومشان هم شاید خدا ترس شده و از نافرمانی خضر کنند (۱۲۲) ای اهل ایمان با کافران از هر که باشا نزدیکتر است شروع بجهاد کنید و باید کفار در شاد درستی و نیرومندی و قوت و پایداری حس کنند و بدانید که خدا همیشه یار پرهیز کاران است (۱۲۳) هر گاه سوره ای نازل شود برخی (از همین منافقان) اشخاصی هستند که از روی انکار بد بگران میگویند این سوره برایمان کدامیک از شما افزود؟ بلی آنانکه بحقیقت اهل ایمانند همه را برایمان بیفزود و بشارت و سرور بخشید (۱۲۴) و اما آنانکه دلپاشان به مرض مبتلاست هم برخیز ذاتی آنها عباتی افزود تا بجهاد کفر جان دادند (۱۲۵) آیا نمی بینند که آنها در هر سالی یکبار یاد و پارالیت امتحان میشوند باز هم از کردار زشت خود پشیمان نشده و خدا را یاد نمیکند (۱۲۶) و هر گاه سوره نازل شود بعضی از آنها بیعضی دیگر از راه تسخر و انکار اشاره کرده و گویند آیا شما را کسی از مؤمنان دیده و شناخته پانده آنگاه همه بر میگردند خدا دلپاشان را برگرداند که مردمی بسیار بی شعور و نادانند (۱۲۷) همانا رسولی از جنس شما برای هدایت خلق آمد

عَزَّ وَجَلَّ مَا عَنَّمْ تَرْيِضُ عَلَيْكُمْ يَا مُؤْمِنِينَ رَوْفٌ رَحِيمٌ ۝ فَإِنْ قِيلُوا
فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۝ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ ۝ يَا أَيُّهَا الْكِتَابُ الْحَكِيمُ ۝ ١ ۝ كَانَ لِلنَّاسِ عِجَابٌ أَنْ آوَجِنَا
إِلَى دَرْجَةٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَتَيْنَا النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٌ
عِندَ رَبِّهِمْ ۝ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ مُّبِينٌ ۝ ٢ ۝ إِنَّ رَبَّكَ اللَّهُ
الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ
يُبْدِئُ الْأَمْرَ ثُمَّ يَنْتَهِی ۝ ذَلِكُمْ إِلَهُكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ فَاعْبُدُوهُ
أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ ٣ ۝ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ
الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْعِلَّةِ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ عَمَّا كَانُوا يَكْفُرُونَ
۝ ٤ ۝ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ سُبُلَ الْفَرَسِ وَبِأَوَّلِهِ مُنَازِلَ الْعُقُلِ
عَدَدَ الْيَسِينِ ۝ وَالْحَسَابُ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِإِذْنِ بَقِصَلِ الْأَنْبِيَاءِ
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ ٥ ۝ إِنَّ فِي الْخِلَافِ لِلنَّهْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ ٦ ۝ إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ
إِفْئَاتِنَا وَهُمْ ذَوَا الْحِمَى الَّذِينَ ابْتَوَاهُمُ الْيَهُودُ وَالنَّسَارَ وَالَّذِينَ هُمُ عَنْ

که از فرط محبت و نوع پروری و شریفات و جمل و فلاکت شما بر او سخت
مبارک و آسایش و نجات شما بسیار حریص و بمؤمنان و کوفه و مهر بانست
(۱۴۸) پس ابرو هر گاه مردم از تو رو گردانیدند بگو خدا مرا کفایت
است که جز او خدائی نیست من بر او توکل کرده ام که (خدای جهان) و رب
عرش بزرگ اوست (۱۴۹)

سوره یونس در مکه معظمه نازل شد و مشتمل بر صیغه های است
(بنام خدای بخشنده مهربان)

(آل) از اسرار و وحی الهی است اینست آیات کتاب محکم الهی که بحق و
راستی گویند است (۱) آیا مردم تمجب کردند از اینکه ما یکی از افراد
آنها را بوحی و رسالت خود برگزیده و (گفتیم) که برو و خلق را از مذاب
قیامت بترسان و مؤمنان را بر رحمت خدا بغارت ده که بر اوستی مقامان نزد
خدا رفیع است (چون رسول خدا محمد بوحی خدا سخن گفت) کافران در
مقام ناکر بر آمده گفتند این شخص ساحر توانا نیست (۲) خالق و پروردگار
شما بحقیقت خداست که ملحق صلاح و نظام خلقت جهان را از آسمانها و زمین
درش روز خلق فرمود آنگاه ذات مقدسش بر عرش توجیه کامل فرمود
و امر آفرینش را بیکو ترتیب داد هیچکس شایسته و واسطه جز بر عرش او
نخواهد بود چنین دانا خدائی بحقیقت پروردگار شاست او را بیگانگی
پرستید چرا متذکر اوصاف الهی نمی شوید (۳) باز گفت شاهجه پسوی او
خواهد بود این بحقیقت و عده خداست که او در اول خلق را بیافریده و
آنگاه پسوی خود بر میگردد تا آنکه ایمان آورده و عمل صالح کردند
بعد از احسان ثواب و جزا میگردند و آنکه کافر شدند بکفرشان پشیمانی از
حمیم و دوزخ و عذاب دردناک مشبب گرداند (۴) اوست (خداییکه) آفتاب را در افغان
و ماه را تابان فرمود و سپر ماه را در منازل زمین گرد تا بدین واسطه شماره
سنوات و حساب ایام را (برای امر مباد و قلمشاش خود) بداند اینها را
خدا جز بحق و مصلحت نظام خلق نیافریده خدا آیات خود را برای اهل
علوم و معرفت مفصل بیان خواهد کرد (۵) بحقیقت در وقت آمدن مشهور و روز بلکه
در هر چیزیکه خدا در آسمانها و زمین خلق فرموده برای اهل تقوی
علامت و نفعهای قدرت خدا پدیدار است (۶) البته آنها بیکه بقاء
مادد نیست و امیدوار نیستند و بزنگی حیوانی هست دنیا دلی و قوی و دل
مستمانند و آنها بیک از

أَيَا إِنَّا غَافِلُونَ ١٥ وَلَئِكَ مَا فِيهِمُ النَّارُ يَمَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ١٦
 الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ
 تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ١٧ دَعْوُهُمْ فِيهَا سَمْعُهَا تَكُنْ
 تَحْتَهُمْ فِيهَا سُلَاسٍ وَأُخْرُ دَعْوُهُمْ أَيْنَ الْحُجَّةُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٨
 وَلَوْ يَعْلَمُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتَجَابَ لَهُمْ بِالْخَيْرِ لَغُضِي لَهُمْ أَعْيُنُهُمْ
 فَفَدَّرَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ١٩ وَإِذْ اسْتَسْقَى
 الْإِنْسَانُ الضَّرْعَ عَنَّا الْيَجْبِيَةَ أَزْوَاجًا لَمَّا قَلَّمَا كُنَّا نَقْتَضِعُهُ
 ضَرْعًا مَرَّكَانَ لَمْ يَسْأَلْنَا إِلَى خَيْرَتِهِ كَذَلِكَ زَيْنٌ لِلسَّافِينَ مَا
 كَانُوا يَعْلَمُونَ ٢٠ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكَ لَمَّا ظَلَمُوا وَجْهَهُمْ
 رُسُلَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ تَجْرِي الْقُورُ وَالْجُرُيْمُ ٢١
 ثُمَّ جَعَلْنَاكَ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَقُولُونَ ٢٢
 وَإِذْ اسْتُلِيَ عَلَيْهِمُ الْإِنْسَانِ بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا إِنَّا
 بُرْهَانٌ غَيْرُ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَبَدَّ لَهُ مِنْ لِقَائِهِ شَيْئًا
 إِنْ اتَّبَعَ إِلَّا مَا يَوْحِي إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابُ يَوْمٍ
 عَظِيمٍ ٢٣ قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْنَاهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَذْكُرُ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ
 فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٢٤ مِمَّنْ أَظْلَمُ مِنْ أَقْرَبِي عَلَى اللَّهِ
 كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْجَحْرُمُونَ ٢٥ وَيَتَّبِعُونَ مِنْ دُونِ

آیات و نشانه‌های ما فافلند (۷) هم اینان هستند که عاقبت بگردار زشت خود در آتش دوزخ ماوی گیرند (۸) آنانکه ایمان بخدا آورده و نیکوکار شدند خدا پاسب همان ایمان آنها را براه سعادت و طریق بهشت رهبری کند تا بنمتهای پستی بهشتی که نهرها از زیر درختانش جاریست منتهم گردند (۹) و در آن بهشت زبان شوق به تسبیح و تقدیس خدا گشایند که بارالها تو از هر نفس و آوایش پاک و منزه می و ثنای آنها در بهشت سلامت ابدی می بخشد و آخرین سخن شان حمد پروردگار عالمیان است (۱۰) و اگر خدا بقتوبت عمل زشت مردم و دعای شری که در حق خود می کنند بممانند غیرات مجیل میفرمود مردم همه محکوم مرگ و ملاق می شدند ولیکن ما آنان را که بملقای ما امیدوار نیستند بهمان حال کفر و طغیان مهلت می دهیم (۱۱) و هرگاه آدمی بر پنج وزیانی در افند همان لحظه بهر حالت باشد از نشت و خفت و ایستاده فوراً ما را بدعا میخواند آنگاه که رنج و زیانی بر طرف شود باز به حال غفلت و غرور چنان باز میگردد که کوئی هیچ ما را برای دفع ضرر و رنج خود نخواند همین کفران و غفلت است که اعمال زشت تبه کاران را در نظرشان زیبا نموده است (۱۲) و ما اقوام و مللی را پیش از شما بکفر ظلمشان سخت بدست ملاق سپردیم و با آنکه پیغمبرانی با آیات و معجزات بر آنها آمد باز هیچ ایمان نیاوردند ما هم اینگونه مردم زشت بد عمل را بکفر می رسانیم (۱۳) سپس ما بعد از ملاق آنها شما را در زمین جانشین کردیم تا بباز ما ایم و بنگریم که تاجه عمل خواهید کرد (۱۴) و هرگاه آیات روشن ما بر خلق تلاوت شود منکران ملاق که امیدوار ببقاء ما نیستند بر رسول ما اعتراض کرده و گفتند که قرآنی غیر از این هم میاور یا همین را بقرآن دیگر مبدل ساز ای رسول ما در پاسخ آنها بگو مرا نرسد که از پیش خود قرآن را تبدیل کنم من اگر عیان پروردگار کنم از عذاب روز بزرگ قیامت سخت میترسم (۱۵) (بگو ای رسول) اگر خدا نمیخواستی مرکز بر شما تلاوت این قرآن نمی کردم و شما را با حکم و حقایق آن آگاه نمیاختیم من عمری از این پیش میان شما زیستم آیا عقل و فکرت کار نمی بندید (۱۶) پس کست مگر از آنکه بخدا نسبت دروغ دهد و آیات خدا را تکذیب کند هیچکس نیست و البته مستکبرا را هرگز فلاح و رستگاری نخواهد بود (۱۷) بت هائی را بدین

اللَّهُ مَا لَابْصُرُهُمْ وَلَا يَنْصَرُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ
 قُلِ الَّذِينَ يَشْفَعُونَ عِنْدَ اللَّهِ هُمْ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ بِخِطَابِهِ وَ
 تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ١٠ وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا
 وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُتِقَ بِهِمْ فِيهَا فَتَقَالِفُونَ ١١
 وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغِيبُ لِلَّهِ
 فَانْظُرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الشَّيْطَانِ ١٢ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ حَمَةً
 مِنْ بَعْدِ غَيْرِهَا أَمْسَهُمْ إِذَا لَمْ يَمْكُرُوا فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا
 إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا نَمْكُرُونَ ١٣ هُوَ الَّذِي يُسَوِّرُكَ فِي الْبَرْقِ
 الْبَرَقِ حَتَّى إِذَا كُنْتَ فِي الْعَلَاكِ وَهَرَ بِرِيحٍ طَيْبَةٍ وَقَرَجُوا مِنْهَا
 جَاءَتْهَا رِيحٌ غَاصِفٌ وَجَاءَتْهُمْ الْمَوُجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَلُّوا أَعْمَى أُخِيطَ
 بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَكِنْ أَجَبْنَاهُمْ مِنْ هَؤُلَاءِ لَنْتَكُونَ مِنَ
 الْكَافِرِينَ ١٤ قُلْنَا أَتَنْجِيهِمْ إِذَا هُمْ يَدْعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ حِثٍّ بِأَنَّهُمَا
 النَّاسُ إِنَّمَا يَتَّبِعُونَكَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لَكُمْ الْإِنْسَانُ
 سَرَّحَكُمْ فَتَتَّبِعُكُمْ يَحْكُمُكُمْ تَعْمَلُونَ ١٥ إِنَّمَا سَأَلَ الْجَنُودَ الدُّنْيَا كَمَا
 أُنْزِلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ
 الْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَطَلَّ أَهْلُهَا
 أَنَّهُمْ قَائِدُونَ عَلَيْهَا أَنبَاهَا آمُرُهَا بِالنَّارِ وَأَوْفَاهَا وَاجْتَمَعْنَا مَا حَبِصْنَا

خدا پرستش میکنند که بآنها هیچ ضرر و نفعی نمی‌رسانند و میگویند که این بندگان شفیع ما نزد خدا هستند (ای رسول ما) باینان بگو شما بدهوی شفاعت بآنها می‌خواهید بعدها چیزهایی که در همه آسمانها و زمین علم بآن ندارد یاد دهید خدا از آنچه شریک او قرار دهد منزّه و برتر است (۱۸) مردم يك طایفه پیش نبودند پس از آن فرقه فرقه شدند و اگر کلمه‌ای که در ازل نبود البته اختلافان خاتمه یافت و حکم بهلاکت کافران داده میشد (۱۹) (منکران رسول) گویند چرا بر او آیت و معجزی از جانب خدا نیامد (که قهراً مردم مطیع شوند) پاسخ ده که دانای غیب خداست

(کافران) منتظر عذاب خدا باشید منم باشما منتظر نرسد او می‌باشد (۲۰) ماهرگاه بر آدمی بعد از آنکه او را رنج و زیانی رسید رحمتی فرستیم آیا در این صورت برای محو آفات و رسولان حق مکر و سیاست بکار برند (ای رسول ما) بگو مکر و سیاست الهی کاملتر و سیرمتر است که رسولان ما (فرشتگان قوای عالم) مکرهای شما را (بر زبان شما) خواهند نوشت (۲۱) (خدا را یاد کنید که) اوست آنکه شما را در بر و بحر سیر میدهد تا آنگاه که در کشتی نشینید و باد ملایمی کشتی را به حرکت آورد و شما شادمان و خوشوقت باشید که ناگاه باد تندى بوزد و کشتی از هر جانب با موج خطر در افتد و خود را در ورطه هلاکت پدیدیند آن زمان خدا را با غلاص و دین فطرت بخوانید که بار آلهای ما را از این خطر نجات بخشد دیگر همیشه شکر و سپاس تو خواهیم کرد (۲۲) پس از آنکه ما نجاتشان دادیم باز در زمین بناتق ستمگری آغاز کنند ای مردم (بدانید) شما هر ظلم و ستم کنید منحصراً بنفس خویش کنید در پی متاع فانی دنیا آنکا در آخرت که بسوی ما باز میگردید شما را به آنچه (از نیک و بد) کرده‌اید آگاه میسازیم (و هر کس را بکفر خود می‌رسانیم) (۲۳) محققاً در مثل زندگانی دنیا به آبی ماند که از آسمانها فرو فرستادیم تا بآن باران انواع مختلف گیاه زمین از آنچه آدمیان و حیوانات تغذیه کنند برآید تا آنکه زمین از گرمی و سبزی به خود زیور بسته و آرایش کرده و مردمش خود را بر آن قادر و متصرف پندارند که ناگهان فرمان ما بشب یا روز درسد و آن همه زیور زمین را درو کند

كَانَ لَرَفْعَنَ يَا لَأَمْسِي كَذَلِكَ تَفْصِلُ الْآبَاءَ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٥٠﴾
 وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
 ﴿١٥١﴾ الَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا
 ذِلَّةٌ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٥٢﴾ وَالَّذِينَ كَسَبُوا
 السَّيِّئَاتِ مِنْ آدَمَ إِلَى نُوحٍ عَلَيْهِمُ السَّيِّئَاتُ وَرَفَعَهُمْ ذِلَّةً مَا لَهُمْ مِنْ اللَّهِ مِنْ
 غَاصِبٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ
 النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٥٣﴾ وَتَوْمٌ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ
 أَشْرَكُوا امْكُتُوا نَحْنُ كُنْزُكُمْ وَشُرَكَائِكُمْ أَذْكَرٌ بِلَنَانِ الْيَتِيمِ وَقَالَ شُرَكَائِهِمْ
 مَا كُنْتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ ﴿١٥٤﴾ فَكُنِيَ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا
 عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ ﴿١٥٥﴾ هُنَالِكَ تَبْلَوْا كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا
 إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٥٦﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ
 مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْ يَمْلِكُ التَّمَعُّ وَالْأَبْصَارُ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ
 مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدِيرُ الْأَمْرَ فَسَبِّحُوا اللَّهَ
 قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٥٧﴾ قَدْ لَكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ قَمَادًا أَبْعَدُ الْحَقِّ
 إِلَّا الضَّلَالُ فَإِنِّي تُصَرِّفُونَ ﴿١٥٨﴾ كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى
 الَّذِينَ فَتَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٩﴾ قُلْ مِلَّ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدُو
 الْخَلْقَ ثُمَّ يَعْبُدُهِ قُلِ اللَّهُ يَبْدُو الْخَلْقَ ثُمَّ يَعْبُدُ فَإِنِّي تُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾

و چنان خفت شود که گویی دیروز در آن هیچ نبوده اینگونه خدا آیتش را روشن برای اهل فکر ت بیان میکند (۳۳) و خدا همه خلق را بر منزل سعادت و سلامت میخواهد و هر که را میخواهد (باطل غاس) بر او مستقیم هدایت میکند (۳۵) مردم نیکوکار به نیکوترین پاداش عمل خود و ریادت لطف خدا نائل شوند و هرگز بر در خسار پاکشان گردد خلعت و ذلت ننهند و آنان هم اهل بهشت و در آنجا تا ابد منتهمند (۳۶) و کسانی که مرتکب اعمال بد شدند بشتر همان اعمال مجازات شوند و بخوادی و رسوائی در افتند و نکمبانی از عذاب خدا نیابند گویی روی سبأ آنها قطعه ای از شب ظلم نیست آنان اهل آتش دوزخ و در آن همیشه مذبذبند (۳۷) و ما روزی همه خلق را در قیامت جمع آریم آنگاه بمشركان با قهر و عتاب گوئیم شما و پنهانان در مکان خود بایستید سپس میانشان جدائی افکنیم و بتان و سایر مرده بودان باطل زبان گشوده و گویند شما مشركان هرگز ما را پرستش نکردید (۳۸) پس در این ادها شهادت و حکم خدا میان ما و شما (مشركان) کفایت کند که ما از پرستش (بتان) شما غافل بودیم (۳۹) در آن روز (قیامت) هر شخصی جزای اعمال نیک و بدی که پیش از این کرده خواهد دید و همه بسوی مبدء و مولای حقیقی خود باز میگردند و خدا پان باطل که بدو غ می بستند همه نابود شود (۴۰) (ای رسولها) مشركان را بگو کیست از آسمان و زمین بشمار روزی میدهد و کیست بشما چشم و گوش صفا میکند و کیست از مردمزنده و از زنده مرده بر میانگیزد و کیست که فرماتش عالم آفریش را معظم میدارد تا همه مشركان معترف شده و گویند قادر بر این امور تنها خدای یکتاست پس به آنها بگو چرا خدا ترس نمی شوید (۴۱) چنین خدای قادر یکتائی بر استی پروردگار شماست و بعد از بیان این اراء حق و خدا شناسی چه باشد غیر گمراهی پس بگویم (۴۲) همچنین حکم تفاوت و کله عذاب را فاسقان استحقاق یافته اند که باز ایمان ننمایانند (۴۳) (ای رسول) بگو که آیا هیچیک از بتان و خدا پان باطل شما بر این قادر است که در آغاز خلق را بیافریند و سرانجام هرگز داند بگو تنها خدای یکتاست که در اول خلاق را خلق کرده آنگاه همه را بسوی خود بر میگردداند پس بر این خدای قادر چرا بشارت بدو غ مینهند (۴۴)

قُلْ مَنِ مِمَّنْ شَرَكَا كَذَرَ مَنْ يُهْدَى إِلَى الْحَقِّ قُلْ اللَّهُ يَهْدِي لِمَنْ يَشَاءُ أَمَّنْ يَهْدِ
 إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُبْلَغَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ مَا لَكَ كَيْفَ
 تَحْكُمُونَ ۝ وَمَا يَبْلُغُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظُلْمًا إِنَّ الظَّنَّ لَا يَعْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا
 إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ۝ وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ
 دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ
 فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ مَرَّيْقُولُونَ أَفْتَرَا لَهُ قُلُوبًا وَإِسْوَارَ مِثْلِهِ
 وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ قُلْ كَذَبُوا
 عَالِمًا يُحْطُوا بِإِعْلَالِهِ وَلَكِنَّا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ
 قَبْلِهِمْ فَاظْهَرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ
 وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ۝ وَإِنْ كَذَّبُوكَ
 فَقُلْ لِيَ عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيءُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ
 ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَهَكَ أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الصَّهْمَ وَلَوْ كَانُوا لَا
 يَعْلَمُونَ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَهَكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْى وَلَوْ كَانُوا
 لَا يَبْصُرُونَ ۝ وَلَنْ اللَّهُ لَا يَظْلِمَ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ
 يَظْلِمُونَ ۝ هَرَبُومَ يَحْشُرُهُمْ كَأَنْ لَيْسُوا إِلَّا السَّاعَةُ مِنَ النَّهَارِ يَعْلَمُونَ
 بَيْنَهُمْ فَانْصَرُوا لَدُنْكَ كَذَّبُوا بِإِلْقَاءِ اللَّهِ وَكَانُوا مُهْتَدِينَ ۝ وَإِنَّا
 نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّعُكَ فَإِنَّا مَرْجِعُهُمْ فَرَأَاهُ اللَّهُ

باز بگو آیهی يك از شما كه شما مشركان كسرا براه حق هدایت تواند
 كرد بگو تنها خداست كه خلق را براه حق و طریق سعادت هدایت میکند
 آيا آنكه خلق را براه حق رهبری میکند سزاوارتر به پیروی است يا
 آنكه نمیکند مگر آنكه خود هدایت شود پس شما مشركان را چه شده و
 چگونه چنین قضاوت باطل برای شما میکنید (۳۵) و اکثر این مردم الا
 از خیال و گمان باطل خود از چیزی پیروی نمیکنند در صورتی که گمان
 و خیالات موهوم کسی را بی نیاز از حق نمیکرداند و بی علم یقین نمی‌رسانند
 و خدا بهر چه (این کافران) میکنند آگاهست (۳۶) و این قرآن عظیم نه بدان
 پایه از فصاحت و جامعیت است که کسی جز بوحی خدا تواند یافت لیکن
 سایر کتب آسمانی را نیز تصدیق میکند و آیات کتاب الهی را مفصل و روشن
 میکند که بی هیچ شك نازل از جانب خدای عالمست (۳۷) یا کافران
 میگویند (قرآن را محمد بافته است) بگو اگر راست میگویند شما خود و
 هم از هر کسی نیز میتواند کمک طلبید و یکسوره مانند قرآن بیاورید
 (۳۸) این منکران انکار چیز را میکنند که علمشان باو احاطه نیافته و
 حقیقت و باطن آنرا دریغ نکرده اند پیشینیان هم که رسل و آیات خدا را
 تکذیب میکردند مردمی ستمگر و بی علم مانند اینها بودند ابروین پسر
 عاقبت کار ستمگران یکجا کشید و چگونه همه هلاک شدند (۳۹) برخی از
 مردم بقرآن ایمان می‌آوردند و برخی نمی‌آوردند خدای تو حال بداند ایشان
 و جزاه آنها را بهتر میداند (۴۰) اگر تو را تکذیب کردند بگو عمل من
 برای من و عمل شما از شما (هر کسی جزای خود را خواهد یافت) شما بری
 از کردار نیک من هستید و من بیزار از کردار زشت شما (۴۱) برخی از
 این منکران چون قرائت قرآن کنی بظاهر گوش کنند ولی بعضی
 نمی‌شنوند آیا تو گمان را که هیچ عقل و ادراکی هم ندارند توانی چیزی
 یا آنها شنوایند (۴۲) برخی از منکران هنگام تلاوت قرآن به چشم ظاهر
 در تو می‌نگرند آیا تو گمان را که بیاطن هیچ نمی‌بینند هدایت توانی کرد
 (۴۳) خدا هر گز بهیچ کسی ستم نخواهد کرد ولی مردم خود در حق خویش
 ستم میکنند (۴۴) روزی که همه خلائق بر سر معشر جمع آیند گو یا (درد دنیا)
 ما حتی از روز پیش در شك نکرده‌اند در آنروز یکدیگر را کاملاً میشناسند
 آنروز آنانکه لغای خدا را انکار کردند بسیار زیانکارند و هر گز بر منزل
 سعادت راه نمی‌یابند (۴۵) و ما بعضی از عذاب آن منکران را که وعده
 کردیم در حیات دنیا پنهان داریم یا تأخیر افکنده و بیشتر عذاب آنها قبض
 روح تو کنیم باز مرجم آنان در قیامت پسوی ماست

شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ﴿١٠٠﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قَضَاهُمْ
 بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يَظْلُمُونَ ﴿١٠١﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ﴿١٠٢﴾ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي عَذَابًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ
 أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْذِنُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَعِينُونَ ﴿١٠٣﴾
 قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَّانًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ
 الْمُجْرِمُونَ ﴿١٠٤﴾ أَمْ إِذَا مَا وَقَعَ امْنَحْمٌ بِهِ الْآنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٠٥﴾
 ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا
 كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿١٠٦﴾ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ أَخِي هُوَ قَوْلُ إِيَّ رَبِّي إِنَّهُ تَحْتَىٰ وَ
 مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿١٠٧﴾ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ ظِلْمٌ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ
 بِهِمْ وَاسْتُرُوا أَلْتَدَامَةُ لَمَنَارٍ أَوَّالِ الْعَذَابِ وَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ
 هُمْ لَا يَظْلُمُونَ ﴿١٠٨﴾ إِلَّا الْآنَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْآنَ وَعَدُ
 إِلَهِكُمْ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٩﴾ هُوَ يُخَوِّضُ يُمَيِّتُ وَيُحْيِي ۚ
 وَيُرْجِعُ إِلَيْكُمْ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِدُكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَشِيرٌ
 لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى رَّحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٠﴾ قُلْ يُفَضِّلُ اللَّهُ وَ
 رَحْمَتُهُ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١١١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا
 أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْنَاهُ حَرَامًا وَحَلَالًا ۚ قُلْ اللَّهُ إِنَّ
 لَكُمْ أَمْرًا عَلَىٰ اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿١١٢﴾ وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَىٰ اللَّهِ الْكَذِبَ

در آن روز هم خدا با اعمال و (جزاء) آنها آگاه است (۴۶) و برای هر
امتی رسولی است که هرگاه رسول آنها آمد و حجت تمام شد حکم پمحل
شود و هر یکس ستم نخواهد شد (۴۷) و (کافران) میگویند ای رسول
و ای مؤمنان پس این وعده قیامت کی خواهد بود اگر شما راست میگویند
(۴۸) ای رسول پاسخده که من مالک نعم و ضرر خود نیستم مگر هر چه خدا
بخواهد برای هر ایمنی اجل مبینی است که چون فرارسد ساعتی دیر و
زود نکرده (۴۹) بگو مرا خبر دهید که اگر شب کدر خوابید یا روز
که بکسب و کارید عذاب خدا فرارسد چرا گناهکاران عذاب را پتمجیل
میطلبند (۵۰) آیا آنگاه که عذاب واقع شد با و ایمان میآوردید؛ و گفته
شود الان ایمان آوردید و بجزع و توبه پرخواستید و حال آنکه قبل از راه
تسخر عذاب پتمجیل میخواستید (۵۱) آنگاه به تگاران گویند چه عید
عذاب بدید آیا این عذاب جز نتیجه اعمال زشت شماست (۵۲) ای رسول
ما از تو کافران میپرسند که آیا این (قرآن) بر حق است بگو آری قسم بخدای
من که البته همه و همه حق است و شما از آن هیچ منفری ندارید (۵۳) و
اگر مردم ستمکار مالک روی زمین باشند همه دارائی خود را فدا دهند
تا مگر خویشتن از عذاب برهاتند و چون عذاب را مشاهده کنند حسرت
و پشیمانی خود را پنهان دارند و در حق آنها حکم پمحل شود و در کفرشان
هیچ ستمی نشود (۵۴) مردم آگاه باشید که هر چه در آسمانها و زمین است
ملک خداست و هم آگاه باشید که وعده خدا همه حق محض است ولی اکثر
(ثواب و عقاب بهشت و دوزخ) خلق از آن آگاه نیستند (۵۵) خداست که
مرد را زنده میکند و زنده را میمیراند و باز همه پسوی او بر میگردد
(۵۶) ای مردم عالم نامه ای که همه پند و اندرزهای دلهای شما و هدایت
و رحمت پر مؤمنان است از جانب خدا برای نجات شما آمد (۵۷) ای رسول
بخلق بگو که شما باید منحصر ایتل و رحمت خدا شادمان شوید که آن بهتر
و مفیدتر از ثروتی است که بر خود اندوخته میکنید (۵۸) یاد بگو (به
مشرکان حرب) که آیا وزقی که خدا برای شما فرستاده و حلال فرموده
شما از پیش خود بعضی را حرام و بعضی را حلال میکنید؟ یا من بگویند
آیا این بدستور خداست یا بحق اقترا میبندید (متعود بحیره و ساقیه و وسیله
و حام) است که مشرکان بر خود حرام کرده اند (۵۹) آیا آنکه بر خدا دروغ

يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ
⑤ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْلَمُونَ مِنْ عَمَلٍ
إِلَّا نَكْمًا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُخْفَضُونَ فِيهِ وَمَا يَنْصُرُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ
مُشَاةٍ ذَرَّةً فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْعَقُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا
أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ⑥ إِلَّا أَنْ أُولِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
هُمْ يَحْزَنُونَ ⑦ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْخَلْقِ
الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا يَتَدَبَّلُ الْكَلِمَاتُ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ
⑧ وَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
⑨ إِلَّا أَنْ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ مَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ
يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَدْعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ
إِلَّا يَخْرُصُونَ ⑩ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ
مُبْصِرًا إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ⑪ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ
وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ عِنْدَهُ
مِنْ سُلْطَانٍ مُبِينٍ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ⑫ قُلْ إِنْ لِلَّهِ
يَفْقَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يَفْلَحُونَ ⑬ مَنَاعٌ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّ آيَاتِنَا
مِنْ دُونِهَا لَكُنَّ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ⑭ وَنَذِيقُهُمُ الْعَذَابَ أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ⑮
وَأَنْزَلَ عَلَيْهِمُ تِبْنَ نَوْحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ

مگر چه گمان دارند پروذقیامت البته خدا را با پندگان فضل و احسان
است ولی اکثر مردم شکر احسان حق نمیکنند (۹۰) ای رسول ما (بدان
که تو) در هیچ حال نیازی و هیچ آیه از قرآن تلاوت نکنی و هیچ عملی
با امتت وارد نفویذ جز آنکه ما احسان لحظه شمارا مساعد میکنیم و هیچ
ذره ای در همه زمین و آسمان از غذای تو پنهان نیست و کوچکتر از ذره
و بزرگتر از آن هر چه هست محمد کتابیسین حق (و لوح علم الهی) مسطور
است (۹۱) آگاه باشید که دوستان خدا هرگز هیچ ترس (از حوادث آتی) نه
حالم و هیچ اندوهی (از وقایع گذشته جهان) در دل آنها نیست (۹۲) آنها
اهل ایمان و خدا ترند (۹۳) آنها را از خدا پیوسته بهارت است و هر
حیوه دنیا (بشکافات در عالم خواب) و هر در آخرت بنیستهای بهشت سخندان
خدا را تدبیر و تدبیلی نیست که این فیروزی بزرگ نصیب دوستان خداست
(۹۴) ای رسول ما من مغرور و مغن و وطن منکران خاطرت را غش کن
نارزد هر عزت و اقتداری مخصوص خداست او همه گفتار خلق شنوا و
همه احوال داناست (۹۵) آگاه باشی که هر چه در همه آسمانها و زمین است
ملک خداست و آنچه را مفرکان از غیر خدا پیروی میکنند گمان باطلی پیش
نیست و جز آنکه در دوزخ با فند کاری ندارند (۹۶) او خداوندیست که شب و روز
را برای آسایش و روز روشن را (برای امر مباحث) مقرر فرمود که در آن
نعمتهای قدرت خدا برای مردمی که سخن حق را بشنوند پدیدار است (۹۷)
کافران قائل شدند که خدا فرزندی اتخاذ کرده (چنین نیست) او منزله است
و همین نیاز که هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک خدا است و شما
کافران و مفرکان بر قول خود هیچ دلیلی ندارید آیهایی دلیلی و از روی جهالت
نسبت بخدا چنین سخن میگویند (۹۸) بگو ای رسول ما که هرگز آنانکه
بخدا چنین نسبت دروغی دهند در سنگاری ندارند (۹۹) (این گفتار باطل)
همه برای طمع متاع دنیا است سپس مرجعشان بسوی ما خواهد بود تا
آنها را عذابی سخت بکفر کفرشان بهشانیم (۱۰۰) ای رسول حکایت نوح
را بر اینان بازگو که با متشی گفت ای قوم اگر شما بر مقام سالسو اندوز
من بآیات خدا بکبر و انکودارید (و در مقام حسد و آزار من بر میآید)

مَفَاحٍ تَذَكَّرِي يَا بَابَ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجِيعُوا أَمْرُكُمْ وَ
 شَرُّكُمْ ثُمَّ لَا بَكْيَ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غَمَةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُوا
 ٧١ فَإِنْ قُلْتُمْ قِمَاتُ آلِكُمْ مِنْ آجُرِ أَنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأَمِيرٌ
 أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ٧٢ فَكَذَّبُوهُ فَجَبْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ
 وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَعْرَضْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا أَنْظُرْ كيفَ
 كَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَكَبِّرِينَ ٧٣ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ سُلَاحًا إِلَى قَوْمِهِمْ
 نَحْنُ أَوْ هُمْ بِالْبَيْتَاتِ فَمَا كَانُوا يُوْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ
 نَقْلِعُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ٧٤ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى هَارُونَ
 إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ يَا بَابِئِنَّا فَمَنْتَ كَبُرُوا وَكَانُوا أَقْوَمًا فَهَرَبَ مِنْ ٧٥
 فَلَمَّا جَاءَهُمْ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا الْيَهُودِيُّ بَشَرٌ أَلْهَى
 مُوسَى أَنْ يَقُولَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَيْضَ هَذَا وَلَا يَفْعَلُ الشَّارُونَ
 ٧٦ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِلْعِلْمِ أَمْ جِئْتَنَا لِنَعْبُدَ أَبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمُ
 الْكِبَرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ قُلْنَا نَعْنُ لَكُمْ أَعْمُو مِينَ ٧٧ وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُؤْمِنُ
 بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ٧٨ فَلَمَّا جَاءَ النَّحْرُ قَالَ لَهُمْ مُوسَى الْقَوَامَا أَنْتُمْ
 مُلْفُونَ ٧٩ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ سَبَّطَهُ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ٨٠ وَيُخَيِّقُ اللَّهُ الْحَقَّ يَكْلِيهِ الْيَهُودُ
 لَوْ كَرِهَ الْغَافِرُونَ ٨١ فَمَا أَمَّنْ لِمُوسَى إِلَّا ذَرِيَّتُهُ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ

من تنها بچدا تو کل میکنم شما هم با نفاق پتان و عدا پتان باطل خود هر
مکرو تدبیری دارید انجام دهید تا امر بر شما پوشیده نباشد و در بار من
هر اندیشه باطل دارید بنگار برید (۷۱) پس هر گام شما از حق روی
گردانیده و نصیحت مرا نپذیرفتید من از شما اجری نخواستم بلکه همه
اجر رسالت من بر خداست و من خود از جانب حق مأیومم که از اهل
اسلام و تسلیم حکم او باشم (۷۲) قوم نوح باز نوح را تکذیب کردند مآوا
و پیروانش را در کشتی نجات آورد و غلغله روی زمین قرار دادیم و
آنانکه آیات ما را تکذیب کردند همرا بطوفان عاصف فری کردیم بنگر تا
ما قمت افکار شدگان بکجا کشید (۷۳) آنگاه پند از نوح پیغمبرانی را
با آیات و معجزات با تان نفعان فرستادیم آنها هم همان آیاتی را که پیغمبرانیان
را دیدند و سخنان ایشان را شنیدند و باز
تکذیب کردند تکذیب کرده و ایمان نیاوردند و چنین مامم بر دلها
تاریکتر گفان مهر بر نهیم (۷۴) آنگاه پند از آن رسولان (موسی و هارون)
را بسوی فرعون و اشراف مملکت او فرستادیم آنها هم تکبر کردند و
مردمی تبه کار بودند (۷۵) و چون رسول حق با معجزات و آیات از جانبها
مر آنها آمد آیات و معجزات او را تکذیب کرده گفتند این سحری آشکار
است (۷۶) موسی با آنان گفت آیا بر رسول و آیات حق که برای عبادت شما
آمد نسبت سحر می دهید و حال آنکه ساحران را هرگز قلاخ و غیر روزی نخواهد
بود (۷۷) باز موسی پاسخ دادند که آیات و آمدهای که ما را از عقاید و
آدابی که پدران ما بر آن بودند باز داری تا خود و برادرت هرون (سلطنت
پایید) ما هرگز بهما ایمان نخواهیم آورد (۷۸) و فرعون با تپاش گفت
تقصیر کنی سحر کجاست سحری ما هر دو دانستیم ما نزد ما حاضر کنید (۷۹)
آنگاه که ساحران همه حاضر شدند موسی با ساحران گفت که شما اول
بساط سحر خود را پهن سازید (۸۰) آنگاه که ساحران جادو انداخته و
همه تدبیر و شبهه ها کلا بستند موسی گفت خدا البته سحر شما را باطل
خواهد کرد که خدا هرگز صلحشدهان (دردین دنیا) را اصلاح نکند
(۸۱) و خدا با آیات و کلمات خود حق را تاپاید پایدار گرداند هر چند
بدکاران عالم را می نباشند (۸۲) پس از آن همه ظهور معجزات موسی
و ابطال سحر ساحران

مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَنْصِفَهُمْ ۚ إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ
 وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ۝١٧ وَقَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ
 تَوَكَّلُوا ۖ إِنَّ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ ۝١٨ فَهَلْ أَوْلَا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا
 فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝١٩ وَنَحْنُ بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝٢٠
 وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَخِيهِ أَنْ تَبَوِّأَ الْقَوْمَ كُلًّا عِصْرَ بِنَاتٍ ۚ وَاجْعَلُوا
 بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً ۚ وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ ۚ وَكَثِيرٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝٢١ وَقَالَ مُوسَىٰ
 رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 رَبَّنَا الْيُسْلُوعَيْنِ سَبِيلُكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَىٰ
 قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝٢٢ قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ
 دَعْوَانَا فَاتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۝٢٣ وَ
 جَاءُوكُم بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبُغْرَاءِ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ تَبْعًا وَعَدُّوا
 حَتَّىٰ إِذَا ذُكِرَ الْقُرْآنُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ
 بِهِ ۚ يَبْنَؤُا سُرَءِيلَ ۚ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝٢٤ أَلَا نَ وَقد عَصَيْتَ قَبْلَ
 كُنْتَ مِنَ الْغَافِقِينَ ۝٢٥ قَالُوا لَوْ نَفَعْتُكَ بِبَدَنِكَ لَنُكَونَ لَكَ خَلْقًا
 آيَةً ۚ وَإِنْ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ ۝٢٦ وَلَقَدْ بَوَّأْنَا
 بَنِي إِسْرَءِيلَ مَبُوءَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَعُوا
 حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْعِلْمُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ فَمَا كَانُوا

باز آن مردم باطل پرست کسی بنوسی ایمان نیاورد جز فرزندان قبیلای
 آنها با حال خوف و تشنه از فرعون و اتباعش که مبادا دزد شده قتلشان بر
 آید که فرعون (آفرن) دوزمین بسیار غلو و سرکشی داشت و سخت متندی
 و سنگین بود (۸۳) و موسی بتوهم خود گفت که شما اگر بحققت ایمان پیدا
 آورده و اگر بر راستی تسلیم فرمان او هستید پر خدا تو کل کنید (۸۴) پیروان
 موسی نیز همه گفتند ما پر خدا تو کل کردیم بار الهامارا دستخوش گفتند ما را
 و قوم سنگین گردان (۸۵) و ما مؤمنان را بر حسن و لطف خود از شر کافران
 نجات دهد (۸۶) و بنوسی و برادرش (هرون) وحی کردیم که شما پیروان
 در شهر مصر منزل گیرید و خانه ها تا آن را قبضه کنید خود قرار دهید و نماز
 بپا دارید و توهم این رسول مؤمنان را بفرات ده (۸۷) و موسی به پیروان
 خود عرض کرد بار الهاتو پیروان و فرعونیان در حیات دنیا ملک و اموال
 و زیورهای بسیار بخشیدی که بدین وسیله بندگان را از راه تو گمراه
 کنند بار خدا یا اموال آنها را نابود گردان و دنیاشان را سخت بربند که
 ایمان ایمان نیاورند تا هنگامیکه عذاب دردناک را مقادیر کنند (۸۸)
 خداوند بنوسی و هارون فرمودهای شامرا مستجاب کرد پس هر دو بر
 مستقیم باشند و از راه مردم جاهل پیروی نکنید (۸۹) ز ما بنی اسرائیل
 را از دریا گذرانیدیم پس آنکه فرعون و سپاهش بظلم و تعدی از آنها تمقّب
 کردند تا چون هنگام غرق او فراسید گفت اینک من ایمان آوردم و شهادت
 میدهم که حجاج آن کسی که بنی اسرائیل با و ایمان دارند خدائی نیست و من هم
 تسلیم فرمان او هستم (۹۰) با و (در آن حال غرق) خطاب شد که اکنون باید
 ایمان بیاوری در صورتیکه از این پیش مروری بکنی و نافرمانی زبانی و از
 مردم بد کار بودی (۹۱) پس ما امروز بدنت را برای عبرت خلق و پلاند گات
 با ساحل نجات میرسانیم باز آنکه بسیاری از مردم از آیات قدرت ماسعت
 غافل هستند (۹۲) ما بنی اسرائیل را پس از هلاک دشمنان به تمام صدق مسکن
 دادیم و نستهای پاکیزه روزی آنها کردیم و عیبه بنی اسرائیل در ایمان
 بر رسول خاتم انبیا داشتند تا زمانی که آن رسول با قرآن آسمانی برای هدایت
 آنها آمد نگاه آغاز اختلاف کردند و از لجاج و عناد منکر شکام این رسول ما

فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۖ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ
 الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا
 تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا يَاسَافَافَ اللَّهِ
 فَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۖ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا
 يُؤْمِنُونَ ۖ وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ فَلَا
 كَانَتْ قَرْبَةً ۖ آمَنْتَ فَتَوَعَّاهَا ۖ يَمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَكَ آمَنُوا كُنَّا
 عَنْهُمْ عَذَابَ الْخَيْرِ ۖ فِي الْحَبْوَةِ الذَّنْبِ وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ أَحَدِينَ ۖ وَلَوْ نَافَىٰ
 رَبُّكَ لَأَمْسَ مِنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا ۖ أَفَأَنْتَ تَكْفُرُ النَّاسَ حَتَّىٰ
 يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۖ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ يَجْمَلُ
 الرُّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ۖ قُلْ أَنْظِرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ فِي
 الْأَرْضِ مَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ۖ فَهَلْ
 يَنْظُرُونَ إِلَّا مِثْلَ آيَاتِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانظُرُوا إِلَيْ
 مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۖ وَمَنْ تَتَّبِعُوا تَبِعُوا سُلْطَانًا وَلَدِينِ آمَنُوا أَكْذَابُكُمْ حَقًّا
 عَلَيْنَا نَحْمِلُ الْمُؤْمِنِينَ ۖ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ
 دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ
 اللَّهَ الَّذِي تَخَافُونَ زَعْمًا أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَأَنْ آتِمِ
 قَسَمَكَ لِلَّذِينَ هَفَوْا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۖ وَلَا تَتَّبِعْ

خدای تو روز قیامت میان آنها در آنچه اختلاف کردند حکم خواهد کرد
 (۹۳) پس هرگاه شك و ریبی از آنچه بشو و ستادیم در دل داری از پیشینیان
 خود علماء اهل کتاب پیرس که همانا این کتاب از جانب خدای تو آمد و ابداً
 در حقانیت آن نیايد شك و در دل راه دهی (۹۴) نیايد هرگز از آنان که تکذیب
 آیات خدا کنند باشی که از زبان نگاران عالم خواهی شد. (۹۵) البته آنانکه
 حکم عذاب خدا بر آنها حتم است ایمان نیاورند (۹۶) و اگر هر گونه
 معجزه و آیتی از جانب خدا بر آنان بیاید (باز ایمان نیاورند) تا وقتی که عذاب
 در دناکرا به چشم مشاهده کنند (۹۷) چرا باید از هیچ شهر و قوم هیچ پیغمبری
 جز یونس در وقتیکه ایمان نشان سودمی بخشد ایمان نیاورند و تنها بین اقوام و
 ملل قوم یونس باشند که چون ایمان بخدا آوردند عذاب بزلت را در دنیا
 و عقبی از آنها برداشتیم و تا زمانی معین آنها را امتنع و بهره مند گردانید
 (۹۸) پس رسول ما اگر خدای تو در مشیت ازلی میخواست اهل زمین
 یکسر ایمان می آوردند تو کی توانی تا بپروا اگر اهل همه را مؤمن و
 پرست گردانی (۹۹) هیچیک از نفوس بشر را تا خدا رخصت ندهد ایه
 نیاورد و پلیدی را خدا بر ای مردم پیخرد که عقل را کار نیند و مقرر مید
 (۱۰۰) و آسمان ما و زمین به چشم عقل نظر کنیند و بنگرید تا چه بسیار آی
 حق و دلائل توحید را مشاهده میکنید گرچه هرگز مرد میرا که بدیده
 و ایمان ننگرند دلائل و آیات الهی بی نیاز نخواهد کرد (۱۰۱) پس هر
 منتظر چیستند جز آنکه روزگار علاکت و عذابی که پیشینیان دیدند به
 ببینند (ای رسول ما) بگو یافیان امت که شما منتظر باشید که منم منت
 (نزول فتح و نصرت خدا) باشما میباشم (۱۰۲) و ما رسولان خود و مؤمنان را نه
 میدهم چنانکه ما بر خود فرض کردیم که اهل ایمان را نجات بخشیم (۱۰۳)
 ای رسول ما مشرکان را بگو که اگر شما از آئین من مشکوکید پس (بق
 دارید که) من هرگز خدایان باطلی که شما می پرستید چیزی نگیرم و ج
 خدای یکتائی که مرکب و زندگانی همه شما خلاق با مراست کسیرا بخدا
 نمی پرستم و ما مردم که خود از اهل ایمان باشم (۱۰۴) و خدا مرا امر کرده
 که روی بجان بدین حنیف اسلام و آئین پاک توحید آورم و هرگز لعنهای
 هم آئین مشرکان میباشم (۱۰۵) نیز مرا فرموده

دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ لَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مَنِ
 الظَّالِمِينَ ۝ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ يَضْرِبْ فَلَا تُكَادِيهِ لَهُ إِلَّا هُوَ وَلَهُ
 يُرْذَلُكَ خَبِيرٌ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ
 الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ امْتَدَّ
 فَأَتَمَّا يَنْفَعُكَ لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَأَتَمَّا يَضِلَّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ
 وَاتَّبِعْ مَا بَوَّاهُ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ۝

سُوْرَةُ مَكِّيَّةٌ فِي ثَلَاثِينَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ كِتَابٌ أُخْبِكَ ابْنَانَهُ ثُمَّ فَضَّلْتَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ۝ لَا
 تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ أَنْتُمْ لَكَرُمِينَ تَنْذِرُ وَبَشِيرٌ ۝ تَوَّانِ اسْتَغْفِرُوا
 رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ يَتَعَفَّكُمْ مِنَّا عَافَا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى وَتُؤْتِ
 كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ
 كَبِيرٍ ۝ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُشَوِّنُ
 صُدُورَهُمْ لِيَسْتَغْفِرُوا مِنْهُ ۝ الْآخِثِينَ يَسْتَعْفِفُونَ ثِيَابًا بِأَعْيُنِهِمْ يَعْلَمُونَ
 مَا لَا يُبْصَرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ أَنَّهُ عَلَيْهِمُ الْبُذُرُ ۝ الصُّدُورُ ۝ تَوَّانِ تَابَةً
 فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعُهَا
 كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۝ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ

که غیر از غذای یکتاهمچک از این خدا یان باطل که بحال توفیق و ضرری ندارند بخدائی معوان و گر نه (مشرک شده) و از متمکران خواهی بود (۱۰۶) و اگر خدا بر تو ضرری خواهد هیچکس دفع آن نتواند و اگر غیر و رحمتی خواهد باز احدی رد آن نتواند که فضل و رحمت حق بهر کس را از بندگان بخواهد البته میرسد و اوست غذای آمرزنده مهر بان ۱۰۷ ای رسول ما یگوائی مردم (کتاب و رسول) حق از جانب خدا برای هدایت شما آمد پس از این هر کس هدایت یافت نفش بر خود اوست و هر کس پراهِ گمراهی شتافت زیانش بر خود اوست و من نگهبان شما نیستم (۱۰۸) و ای رسول تو خود از وحیِ غذای که بر تو میرسد پیروی کن و راه صبر پیش گیر تا وقتیکه خدا (میان تو و مخالفان) حکم کند که از بهترین حکم فرمایانست (۱۰۹)

سورة هود در مکه نازل شده مشتمل بر یکصد و

بیست و سه آیه میباشد

(بنامِ غذای بخشنده مهر بان)

الر (اسرار این حروف نزد خدا و رسول است) (این قرآن) کتابی است (بآلای) محکم که از جانبِ غذای حکیم و آگاه بر حقایق عالم بسیار روشن بیان گردیده است (۱) تا تذکر دهد بخلق که جز غذای یکتا هیچکس را نپرستند و من حقارِ رسولِ اویم که برای اندوز و بشارت امت آمده‌ام (۲) تا بخلق یگویم که از گناهانِشان آمرزش از خدا طلبید و بدرگاه او توبه و انا به کنید که شمارا تا اجلِ معین و هنگامِ مرگ لذت و بهره نیکو بخشد و در حقِ هر مستحقِ رحمتی تفضل فرماید و اگر روی از او بگردانید سخت از عذابِ روزِ بزرگ قیامت بر شما میترسم (۳) رجوع شما بسوی خدا است و او بر همه چیز تواناست (۴) آگه باشید که آنان (یعنی منافقانِ امت) روی دلها میگردانند تا خود را از او پنهان دارند آگه باش که هر کس در جامه‌ی خود بپوشد خدای هر چه پنهان یا آشکار کند همه را میداند که او بر درون دلها محقق آگاهست (۵) هیچ جنینده در زمین نیست جز آنکه روزیش بر خداست و خدا اقرارگاه (منزل دائمی) و آرامشگاه (جای موقت) او را میداند و همه احوال خلق در دفتر علمِ ازلِ خدا ثبت است (۶) و او غذائی است که آسمان و زمین را در فاصله شش روز آفرید

أَيَّامِهِ وَكَانَ عَرَبٌ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكَ آبِكُمْ أَخْسَنُ عَمَلًا وَلَنْ
 قُلْتُ أَكْثَرُ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولُنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا
 إِلَّا مَقْرُونٌ وَلَنْ أَخْرَجَنَّهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ
 لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِبُهُ إِلَّا أَيُّومًا بِأَنَّهُمْ لَيْسَ بَصُرُوا بِعَمَلِهِمْ وَخَافُوا بِأَنَّهُمْ
 مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ٨ وَلَنْ أَذِقُوا إِلَّا النَّاسَ مِثْلَ مَا رَجَعُوا ثُمَّ
 نَزَعْنَا مَا فِيهِمْ إِنَّهُ لَكِبُوسٌ كَفُورٌ ٩ وَلَنْ أَذِقُوا نِعْمَاءَ بَعْدَ عَذَابٍ
 مِثْلِهِ لَيَقُولُنَّ ذَهَبَ النَّبِيُّ أَتَى الْكُفْرَ فَخَوَّذُوا ١٠ وَاللَّهِ
 صَبْرًا وَتَحَلُّوا الصَّاحِبِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ١١
 فَلَعَلَّكَ نَارُكَ بَعْضُ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ ضَالٌّ بِإِصْدَاقِكَ أَنْ
 يَقُولُوا أَلَا نَزَّلَ عَلَيْهِ كُتُبًا أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنْ كُنَّا نَدِيرُ
 وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ١٢ لَيَقُولُنَّ أَفَرَأَيْنَا قُلُوبًا نَسْرِ رُيُوسَ
 مِثْلِهِ مَقَرَّبَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ مُضِلِّينَ
 ١٣ فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
 هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ١٤ مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْجَهَنَّمََ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا
 ثَوْبًا لَمْ يَحْمِلْهُمُ اللَّهُ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُنْقِضُونَ ١٥ وَلَئِكَ الَّذِينَ
 لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحِطَّ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا
 يَعْلَمُونَ ١٦ فَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتٍ مِنْ رِيبَةٍ يَقُولُ شَاهِدْ مَعِيَ وَ

و مرش با عظمت او: بر آب قرار یافت (شاید مراد علم باشد) تا شما را
 بیازماید که عمل کدام یک از شما نیکوتر است وای رسول محققا اگر باین
 مردم برگویی که پس از مرگ زنده خواهید شد همانا کافران خواهند
 گفت که ما باین سخن راهی که حقیقتی جز بصر و خیال موهوم نیست (۷) و
 اگر ما عذاب او از آن منکران معاد تا وقت معین (هنگام مرگ) بشوئیم
 اندازیم آنها گویند چه موجب تاجب عذاب شده آگه باشند که چون هنگام
 عذاب برسد دیگر از آن هرگز رمائی نایند و با آنچه تمسخر میکردند
 سخت گرفتار شوند (۸) و اگر ما یثروا در دنیا (نعمت و رحمتی بر خود دار
 کردیم (تا شکر کنند) سپس آن نعمت از دوا باز گرفتیم سخت بخوی نومیدی
 و کفران درآفند (۹) و اگر آدمی را بنعمتی پس از محنتی رسانیم مفرود و
 غافل شود که دیگر روز گار زحمت ورنجمن سر آمده سرگرم شادمانی
 و مغافرت گردد (۱۰) این خوی بشر بی صبر کم ظرف ضعیف است (مگر
 آنانکه دارای ملکه صبر و عمل صالحند بر آنها آمرزش حق و اجر بزرگ (نعمت
 ابدی) است (۱۱) ای رسول ما مباد بعضی آیاتی را که بتو وحی شد تبلیغ
 نکنی و از قول مخالفان که میگویند اگر این مرد پیغمبر است چرا گنج
 و مالی ندارد و بافرشته آسمان همراه او نیست دلتنگ شوی که وظیفه تو تنها
 نصیحت و اندرز خلق است اما حاکم و نگهبان هر چیز خدا است (۱۲) آیا
 کافران میگویند این قرآن وحی الهی نیست خود او بهم پست و بعبدا نسبت
 میدهد بگو اگر راست میگویند شامم با کجک همه فحای جرب بدون
 وحی خداده سوره مانند این قرآن بیاورید (۱۳) پس هرگاه کافران جواب
 ندادند در این صورت شما و مؤمنان یقین بدانید که این کتاب بلم ازلی
 خدا نازل شده (دعوتهی اینست) که هیچ خدائی جز آن ذات یکتای الهی
 نیست آیا شما مردم تسلیم حکم خدا خواهید شد (۱۴) کسانی که طالب
 تمیض مادی و زینت شهوت دنیوی هستند ما خود سعی آنها را در کار دنیا
 کاملا میدیم و هیچ از اجر عملشان کم نخواهد شد (۱۵) (ولی) هم
 اینان هستند که دیگر در آخرت نصیبی جز آتش دوزخ ندارند و همه
 افکار و اعمالشان در راه دنیا ضایع و باطل میگردد: (۱۶) آیا پیغمبری که از
 جانب خدا دلیلی روشن (مانند قرآن) دارد بیا گوای صادق (مانند علی
 (ع) که بشما پشتون وجودی گواهی صادق رسانست)

مِنْ قَبْلِهِ كِتَابٌ مُوسَىٰ مَآمُورًا وَأُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ
 بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَقُلْنَا وَمَوْعِدُهُ فَلَأَنك فِي مِرْهَا بِأَمِينَةٍ إِنَّهُ الْحَقُّ
 مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ١٧٠ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ
 عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَأُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ
 الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَمْ تَكُنْ عَلَى الظَّالِمِينَ ١٧١ الَّذِينَ يَصْنَعُونَ
 عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ١٧٢ وَأُولَٰئِكَ
 لَنْ يَكُونُوا مُجْرِبِينَ فِي الْأَرْضِ مَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ
 يُضَاعِفُ لَهُمْ هَٰذَا الْعَذَابَ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ
 ١٧٣ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْرُقُونَ
 ١٧٤ الْآخِرَةُ أَهْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْآخِرُونَ ١٧٥ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ
 عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَاتَّبَعُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ
 فِيهَا خَالِدُونَ ١٧٦ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَغْصَىٰ الْأَخْضَىٰ وَالْبَصِيرَةِ
 السَّمِيعَةِ مَثَلُ الْيَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَقْلَامُهُ كَرْدُونَ ١٧٧ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا
 إِلَىٰ قَوْمِهِ إِذِ الْكَافِرِينَ مُبِينٌ ١٧٨ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي
 أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
 قَوْمِهِ مَا تَرَبُّكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا تَرَبُّكَ إِلَّا نَبِيٌّ كَمَا
 آوَيْنَا بَادِي الرَّاغِبِينَ وَمَا تَرَبُّكَ إِلَّا نَبِيٌّ كَمَا تَرَبُّكَ

و علاوه کتاب توریة موسی هم که پیس از او پیشوا و رحمت حق بود و بان
ایمان آوردند باو بشارت داد اینان از اهل کتاب باو ایمان می آوردند با
کافر میشوند و هر کس از طرایف بفر باو کافر شود وعده گاهش البته آتش
دوزخ است که در آن هیچ شک مدار که این وعده قطعی پروردگار است و
لیکن اکثر مردم به آن ایمان نمی آورند (۱۶) در جهان از آنها تیکه به خدا
نسبت دروغ داده و سنگتراش تر کبیت آنان بر خدا عرضه داشته شوند و گواهان
محشر گردند اینان هستند بر خدا دروغ بستند آگه باشید که لمن خدا
بر سنگتراشان عالم است (۱۸) آن سنگتراشان که راه خدا را بروی بندگان
بسته و سعی کنند که راه حق را کج کرده و خلق را براه باطل کشند و هم
آنها (مرکز به آخرت ایمان نیاورده و) منکر قیامتند (۱۹) اینها هیچ
قدرت و راه مفری دوزخین از قهر خدا ندارند و جز خدا که او هم بر خدا پشان
خواهد افزود از هیچ کسی حتی از اعضاء و قوای خود یار و مددکاری نخواهند
یافت که هرگز گوششان هم در شنوائی و چشمشان در بینائی به آنها مدد تواند
کرد (۲۰) همین مردم (دنیا طلب) هستند که نفوس خود را سخت در زبان
افکندند و هر دروغ بسته و هر تدبیری در راه دنیا کردند همه محو ناپود
شود (۲۱) تا گزیرد عالم آخرت ز یا نگرترین مردم آنها هستند (۲۲) آنان که
بعدا ایمان آورده و با اعمال صالح پرداختند و بدرگاه خدای خود خاص
و خاص گردیدند آنها البته اهل بهشت جاویدند و در آن منتقم بادی خواهند
بود (۲۳) حال این دو گروه کفر و ایمان در مثل شخص کور و کر و شخص
شنا و بینا مانند است آیا حال این هر دو شخص یکسانست پس چرا متذکر
نمی گرد (۲۴) و ما نوح را برای هدایت قومی پر سالق فرستادیم او قومی
را گفت که من بایمان روشن برای نصیحت و اندرز شما آمدم (۲۵) تا شما
را بگویم که غیر خدای یکتا کسی را نپرستید که اگر بجز خدا کسی را
پرستش کنید من از عذاب روز سخت قیامت بر شما می ترسم (۲۶) نوح را
سران کافران قومی پاسخ دادند که ما تو را مانند خود بفری بهر
نمیدانیم و در بادی نظر آنکه پیر و تواند اشعاعی مستوی بقدر بیش نیستند
و ما هیچگونه مزیتی بر شما نسبت به خود نمی بینیم که تو را پیشبر خدا و
پیروی خلق شناسیم بلکه شمارا

كَاذِبِينَ هَلْ يَأْقُومُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمْ رُسُلُهُمْ يَنْصَحُونَ
 وَخَصَّ مِنْ عِنْدِ قَوْمِي عَلَيْهِمْ أَنْزِلْنَاهُمْ عَلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ
 وَيَا قَوْمِ لَا تَسْأَلُوا عَنْهُمْ مَا لَا إِنْ آخَرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا
 بِظَارٍ بِالدِّينِ أَمْوَالُهُمْ مُلَاوَاظِرُهُمْ وَلَكِنِّي أَرْبُكُمْ قَوْمًا يَجْهَلُونَ
 ١٧١ وَيَا قَوْمِ مَنْ يَضُرُّنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَفْتُمْ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ
 وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَغْلَزُ الْغَيْبَ وَلَا أَتُولِي
 الْإِنْفَ وَلَا أَتُولِي الدِّينَ تَزِدُّنِي عُيُوبًا لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خِزْيًا
 اللَّهُ أَغْلَزُ غَيْبِي أَنفُسُهُمْ إِنِّي إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ هَلْ أُولَايَا نُوحٍ
 قَدْ جَاءَ لَنَا فَاكْزَرْتُ وَجَدَلْنَا فَأَيْنَمَا نَعِدُ مَا لَنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ
 هَلْ أَلَمَّا يَأْتِيَكُمُ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ لَا يَنْفَعُكُمْ
 ضُحًى أَنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْفَعَكُمْ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ
 وَمَنْ يَزِيدُكُمْ زُبُونًا ١٧٢ لَمْ يَقُولُوا قَوْلًا إِنْ أَفْسَدْنَاهُ لَقَدْ أَفْسَدْنَا
 إِجْرَاءِي أَنَا رَبِّي فَمَا يَعْجِرُكُمْ ١٧٣ وَأَوْحَى إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ
 قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ قَلِيلًا يُبَلِّسُ عِمَاكَ نُوايَعْلَمُونَ ١٧٤ وَأَمْسَحْ
 الْعِلْمَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا وَلَا تَحْطِيطْ فِي الدِّينِ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُخْرَجُونَ
 ١٧٥ وَيَضَعُ الْعِلْمَ وَكَلَّمَ امْرَأَتَهُ عَلَيْهِ سَلَامٌ مِنْ قَوْمِهِ يَقُولُونَ
 قَالَ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ آيَاتِنَا فَاتَّبِعُوا أَمْرَكُمْ كَمَا نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكُمْ

دروغگو میبنداریم (۳۷) نوح قومش را پاسخ داد که شما چه میگوئید هر گاه به بینید که مرا دلیل روشن و رحمت مخصوص از جانب پروردگار مشاهده بآید حقیت حال بر شما پوشیده نخواهد ماند آیا من بر رحمت و سعادت شما را اجبار کنم و شما تنفر اظهار کنید (۳۸) باز گفت (بدانید که) من از شما ملک و مالی نمیخواهم اجر من بر خداست و من هرگز آن مردم با ایمان را هر چند (بنظر شما) فقیر و بیقدر باشد از خود دور نمیکنم که آنها بر فضیلت و ملاقات خدا میروند ولی بنظر من شما خود مردم نادانی هستید (۳۹) باز گفت ای قوم اگر من آن مردم پاک خدا پرست را از خود برانم (و خدا از من برنجند) بسدد که از (خشم) خدا نجات یابم آیا از این سخنان پند نمیگیرید (۴۰) باز گفت که ای قوم من نمیگویم که خزائن خدا نزد من است و نمیدانم که از علم و فیض حق آگاهم و ندمی که فرشته آسمان و هرگز مؤمنان پاک را که از شوق حق اشک و چشمشان غبارند و از دیدن میبارند نخواهم گفت که آنها از جانب خدا هیچ فضیلت بر دیگران ندارند که خدا بر آنها داناتر از من است که اگر من آنها را خواؤم شمارم از مستکاران عالم بهمار باشم (۴۱) باز قوم گفتند ای نوح تو باما جمل و گفتگوی بسیار کردی اکنون اگر راست میگوئی و پر ما وعده عذابی که دادی بیا (۴۲) نوح گفت آن وعده را اگر خدا خواهد البته بهما میرسد و هیچ از آن مفری ندارد (۴۳) و دیگری پند و نصایح من سود نکند و اگر خدا خواهد که شما را گمراه کند من میل آنکه باز بهما نصیحت کنم ندارم او خدای شاست و بسوی او باز میگردید (۴۴) یا باز خواهند گفت که تو از پیش خود سخنانی فرا باقتوا از دروغ بوسی خدا نصیحت میدهی بگو اگر چنین باشد عقوبت آن گناه بر من است و من از کفر و گناه شامی زارم (۴۵) و بنوح وحی شد که جزمین مده که ایمان آورده اند دیگران بدانند که ای کس از قوم ایمان نخواهد آورد و تو بر کفر و صیانت این مردم (لجوج) محزون مباش (۴۶) و با سخن گفتی در حضور ما و بدستور ما مشغول شو و در بار مستکاران که البته باید فرق شوند سخن مگوی (۴۷) و نوح با سخن گفتی پرداخت و (گفتی میساخت) هر کس از قومش بر او میگفت و ترا مسخره و استهزاء میکرد نوح در جواب آنها میگفت اگر امروز شما ما را مسخره میکنید و ما هم در روزی شما را پاسخی بدهیم که بعد از این بدانید (۴۸) و معلوم شما شود که ما و شما

مِّنْ بَآئِيهِ عَذَابٌ يُغْرِبُهُ وَيَكِلُ آلَآءَهُ عَذَابٌ مُّعَقِّمٌ ۝١٧ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ
 أَمْرُنَا وَفَارَ التُّورُ قُلْنَا ائْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَمَّا ك
 لَّا مِّنْ سَبْقِ عَذَابِ الْقَوْلِ وَمَنْ أَمِنَ وَمَا أَمِنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ۝١٨
 وَقَالَ اذْكُوا مِنْهَا يَسِرَّ اللَّهُ خَيْرَهَا وَمَرْبُهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ
 رَّحِيمٌ ۝١٩ وَيَحْيِ بَقَرِيٍّ يَدْرِي فِي تَوْجِجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ
 فِي مَقْعَرٍ يَابِثٍ اذْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ۝٢٠ قَالَ سَآخٍ
 لِّی الْجِبِلُّ يَعْصِيَنِی مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ
 رَّحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرِبِينَ ۝٢١ وَقِيلَ يَا أَرْضُ
 ابْلَعِي مَاءَكَ وَبِأَسْمَاءٍ أَقْلَعِي غَيْضَ الْمَاءِ وَضُحُوا لَأَمْرٍ وَاسْتَوَتْ
 عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝٢٢ وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ
 فَقَالَ رَبِّ ارْنِ ابْنِي مِنَ أَهْلِ وَارْنِ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَخْلَصُ
 الظَّالِمِينَ قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَبَسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ
 فَلَا تَسْتَلِمْ مَا لَبَسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ وَإِنِّي أُعْطِكَ أَنْ تَكُونَ مِنْ
 الْجَاهِلِينَ ۝٢٣ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَبَسَ لِي
 بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَرَحْمَتِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝٢٤ قِيلَ يَا نُوحُ
 اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَأُمَمٌ
 سَنَسْتَبَسُّهُمْ ثُمَّ نَبْتَلِيهِمْ فَاذْكَبْ آلِيكَ ۝٢٥ هَٰذَاكَ مِنْ آتِيَاءِ الْغَيْبِ

کدام بمذاب ذلت و خواری گرفتار و عذاب دایم خدا را مستوجب خواهیم شد (۴۹) تا وقتیکه فرمان (قهر) ما فرارسید و از تنور آتش آب بجوشید و در آن هنگام بنوح خطاب کردیم که تو با خود از هر جفتی دو فرد (نرواده) با جمیع زن و فرزندان جز آن که وندعه ملاکشی در علم ازلی گذشته همرا در کشتی همراه بر (که از غرقاب برهند) و گرویدگان بنوح در عالم ونده قلبی بیش نبودند (۴۰) و دستور داد که شام و نمان بکشتی در آید تا بنام خدا کشتی مردوان شود و هم بساحل نجات رسد که خدای من البته صاحب مغفرت و رحمت است (۴۱) و آن کشتی بدریا با موجی مانند کوه در گردش بود که در آن حال نوح از راه شفقت فرزندش را ندا کرد که ای پسر تو هم بدین کشتی در آی (که نجات یابی) و با کافران همراه میباش (که هلاک خواهند شد) (۴۲) آن پسر نادان نا اهل پدر را پاسخ داد که من بزودی بر فراز کوه رو به که از خطر هلاکم نگاهدارد نوح گفت ای پسر امروز هیچکس را از قهر خدا جز بطف او نجات نیست این بگفت و موج میان آنها جدائی افکند و پسر با کافران چون از جنس آنها بود بدریا غرق شد (۴۳) و بزمین خطا شد که فوراً بر افرو برد و با سمان امر شد که باران را قطع کرد و آب بیک لحظه خشک شد و حکم (قهر الهی) انجام یافت و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و فرمان ملاک شمشکاران در رسید (۴۴) و نوح بدو گاه خدا عرض کرد بار پرورد گارا فرزندانم اهل بیت من است و وندعه عذاب تو هم حتمی است که قادرترین حکم فرمایانی (۴۵) خدا بنوح خطاب کرد که فرزند تو هرگز با تو اعلیت ندارد زیرا او را عملی بسیار ناشایسته است پس تو از من تقاضای امریکه هیچ از حال آن آگاه نیستی ممکن من ترا بدم میدم نصیحت بشنو و از مردم جاهل میباش (۴۶) نوح عرض کرد بارالها من پناه میبرم بنو که دیگر چیزی که گفیدانم از تو هیچگاه تقاضا کنم و اگر گنا مرا نبخشی و ترحم نفرمایی من از زیا نکلارام (۴۷) بنوح خطاب شد که از کشتی فرود آی که سلام ما و برکات و رحمت ما بر تو و بر آن ام و قبیایلی که همیشه با تو و تابع تو) اند اختتام یافتند امتیاهی که ما پس از آنکه با آنها بهره ای از دنیا دهیم آنها را بمذاب سخت (قیامت) کبیر خواهیم کرد (۴۸) این از اخبار غیب است که پیش از آنکه ما بتو وحی کنیم

إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّا نَكْفُرُ بِكَ وَلَا قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ مَظْهَرِ مَا
 الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ۖ وَآلِ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا
 اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ۖ يَا قَوْمِ لَا تَسْأَلُكُمْ
 عَلَيْهِ أَمْثَلُ أَنْ أَجْزَىٰ إِلَّا عَلَىٰ الَّذِي ظَلِمْتُمْ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ۖ وَبِأَن
 قَوْمًا تَغْفِرُ لَهُمْ ذُنُوبَهُمْ ثُمَّ يَكْفُرُونَ ۖ ثُمَّ نَزَّلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدَادًا
 وَبَزْدًا كَرَّ فَوَقَّعْتُمْ إِلَىٰ قُورَيْكِهِمْ وَلَا تَتْلُوا تَجْوِيدًا ۖ قَالُوا يَا هُودُ مَا
 جِئْتَنَا بِبَيِّنَاتٍ وَمَا تَنْهَىٰ بِنَا رَبَّكَ إِلَهُنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ
 بِمُؤْمِنِينَ ۖ إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْمُرْكَ بِبَعْضِ آلِهَتِنَا لِيسُوهُ قَالُوا إِنْ
 أَشْهَدُ اللَّهَ وَآشْهَدُ أَنَّ رَبِّي مِمَّا تَشْرِكُونَ ۖ هُنَّ ذُرِّيَّةٌ مِّمَّنْ فُكِّدُوا
 جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنْظَرُونَ ۖ وَلَقَدْ قَوْلَكَ عَلَىٰ آلِهِ رَبِّي وَرَبُّكُمْ مَا مِنْ
 دَابَّةٍ إِلَّا هِيَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنْ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۖ قَالُوا
 قَوْلُوا فَقَدْ أَخَذْنَا بِمَا أُرْسِلْتُ بِهِ الْيَنْكُرُ وَيَسْخَرُفُ رَبِّي قَوْمًا
 غَيْرَكَ وَلَا تَضُرُّهُمْ شَيْئًا إِنْ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَظِيمٌ ۖ وَلَقَدْ جَاءَنَا
 أَمْرٌ بِالْحَقِّ هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ رِجَالٌ مِّنَّا وَتَجَنَّبْنَا هُمْ مِنْ عَدَا
 غِلَظٍ ۖ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا
 أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ۖ وَاتَّبَعُوا فِي مَقْصِدِ اللَّهِ غُلَظًا ۖ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ
 إِلَّا إِنْ عَادَ الْكَافِرُونَ ۖ فَهُمْ لَا يَبْعُدُ الْعَادَ قَوْمِ هُودٍ ۖ وَآلِ

نو و قومت هیچ از آن آگاه نبودید پس تو در طاعت حق را مصبر پیش گیر که
 عاقبت اهل تنوی نیکوست (۴۹) و ما برای هدایت قوم عاد برادرشان هود را
 فرستادیم هود نیز برای ادا رسالت بقوم خود گفت که ای مردم خدای یکتائی
 را پرستش کنید که جز او شما را خدائی نخواهد بود (و گفتاری که از پتان
 و خدایان باطل بمان آورده اید بدانید که اقتراء و دروغی بیش نیست)
 (۵۰) باز گفت ای قوم من از شما در رسالت نمیخواهم اجر من جز بر خدا
 که مرا آفریده است نیست آیا (در امر من) فکر و عقل کار نمی بیندید (۵۱)
 ای قوم از خدا آمرزش طلبید و بدرگاه او توبه کنید تا از آسمان بر شما
 رحمت فراوان نازل گرداند و بر قوت و توانائی شما بیفزاید و زنها را
 بنا بکاری و عسبان روی از خدای رحمان مگردانید (۵۲) قوم هود ویرا
 پاسخ دادند که تو برای ما دلیلی روشن بر دعوی رسالت خود نیاوردی و ما
 هرگز از خدایان خود بمحرد حرف تو دست نمیکشیم و ما هرگز بتو ایمان
 نخواهیم آورد (۵۳) تنها چیزی که درباره (تو میگوئیم اینست که برخی از
 خدایان ما ترا آسیب رسانیده هود بآنها گفت من خدا را گواه میگیرم و
 شما هم گواهی دهید که از این پس من از شما و خدایانیکه غیر خدای یکتا
 میپرستید بیزارم (۵۴) شما هم هر فکر و تدبیری در کار من دارید بی هیچ
 مهلت انجام دهید (۵۵) (من) بر خدا که پروردگار من و شماست توکل
 کرده ام که زمام اختیار هر چند بنده بدست محفیت اوست و البته (هدایت)
 پروردگار من براه راست خواهد بود (۵۶) پس هرگاه شماروی از حق
 بگردانید من بوظیفه خود که ابلاغ رسالت و اتمام حجت بر شماست قیام
 کردم و خدای من پس از ملاک شما قومی دیگر را جانشین شما خواهد
 کرد و بهودم (چون در حفظ و امان خداست) هیچ ضرری نتوانید رسانید که
 پروردگار من بر هر چیز نگهبان است (۵۷) چون فرمان قهر ما بهلاکت قوم
 در رسید بهقتل و رحمت خود هود را و هر کس با او ایمان آورد نجات
 بخشیدیم و از عذاب بسیار سختی آنها را ایمن ساختیم (۵۸) و همین قوم
 عادتند (امت هود) که آیات خدا را انکار و پیغمبران را آزار و نافرمانی
 کردند و پر و امر هر شخص متکبر جبار شدند (۹۵) و آنها بلعن خدا هم
 در حیات دنیا و هم در قیامت گرفتار گردیدند (ای اهل ایمان) آگاه باشید
 که قوم عاد بخدای خود کافرو از رحمت او دور شدند بدانید (ای مؤمنان)
 که قوم عاد امت هود از رحمت خدا دورند (۹۰)

ثمود آتاهم صالحاً قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من الاله غيره هو
 انما اكرم من الارض انتم تركت فيها ما تستغفرون له فاقبلوا الب
 ان ربي قريب مجيب قالوا يا صالح قد كنت فينا ممنوعا قبل
 هذا اتيتهم ان تعبد ما يعبد اباؤنا وانا لفي شك مما تدعونا
 اليه مريب قال يا قوم ان اتيهم ان كنت على بينة من ربي وبالله
 منه رحمة فمن ينصروني من الله ان عصيتهم فماتت من ربي عنهم
 نصيب ويا قوم هذو ناقة الله لكم آية فذروها تاكل في ارض
 ولا تمسوها بسوا فبالحذر عذاب قريب فتعقرها فقالوا نعموا
 في اركبوا فلما نزلت عليه العذاب غمرهم مكذوب فلما جاء امرنا
 بجهننا صالحا والذين امنوا معه رجاء ميتا ومن كذبوا به يومئذ
 ان ربك هو القوي العزيز واخذ الذين ظلموا الصيحة فاصبحوا
 في ديارهم جامعين وكان لستغوا فيها الا لان ثمود كفروا فلما
 الابعث اليك الموت ولقد جئت رسولنا ابراهيم بالبشرى قالوا
 سلاما قال سلام قاليت ان جاء يعجل حبيد فملكنا اريدهم
 لا نصلي اليه نكرمهم واوجس منهم خيفة قالوا لا تخف انا ارسلا
 الي قوم لوط وامر الله فاسمى فقصصك فبشرنا ما ياتحق ومن
 وراه اسحق يعقوب فالت با ولبى الة وانا عجز وهذا بعلي

و باز صالح پنهان را بسوی قوم نمود بر سالت فرستادیم صالح بقوم خود گفت ای مردم خدای یگانه را که جز او خدائی نیست پرستش کنید او خدائی است که شما را از خاک بیافرید و برای عمارت و آبادی ساختن زمین برگماشت پس شما از خدای خود آمرزش طلبید و بدرگاه او پناه برد و از لغزش و گناهان توبه کنید که البته خدا همه نزدیکست و دعای خلق را می شنود و اجابت میکند (۹۹) قوم گفتند ای صالح تو بیش از آنکه دعوت نبوت کنی در میان ما مورد عقیده و امیدواری بودی آیا می خواهی ما را از پرستش خدایان پدران مانع کنی ما بدعوی تو سخت بدگمان و بی عقیده خواهیم بود (۱۰۰) صالح باز گفت آیارای شما چیست اگر من بدعوی خود معجز و دللیلی از طرف خدا در دست دارم که او مرا بنیوت بلطف و مرحمت بیار بر گزیده است اگر باز هم فرمان او نبرم در اینصورت مرا از عذاب خدا که امان تواند داد که شما بر من جز ضرر و زیان چیزی نخواهید افزود (۱۰۱) صالح باز گفت ای قوم این نافع آیت خداست و معجز برای تمام حجت الهی بر شما است او را پحال خود آزاد گذارید تا در زمین خدا چرا کند و قصد آزار او نکنید و گرنه خدا شما را بزودی بمذاب گرفتار سازد (۱۰۲) قوم بنده صالح را نشنید و ناقد را می کردند صالح هم با آنها وعده عذاب داد که بعد از این عمل تا سه روز دیگر در منازل خود از زندگی تمتع مریدان وعده البته دروغ نیست (۱۰۳) چون وقت فرمان قهر ما فرا رسید تنها صالح و مؤمنان او را بر رحمت خاص خود از بالای آتروز نجات دادیم که خدا بر هر چه خواهد مقدر و تواناست (۱۰۴) و آنگاه شمشک را نراشب صیحه عذاب آسمانی بگرفت که صیحه گاه در ديارشان می خس و خاموش ابدی شدند (۱۰۵) گوئی آنها در آن دیار هرگز زنده نبودند آگاه شوید که قوم نمود چون بخدای خود کافر شدند دور از رحمت ابدی خدا گردیدند (۱۰۶) و آنگاه فرستاد گارسا بر ابراهیم خلیل سلامتی بشارت آوردند و او را سلام گفته و از او پاسخ سلام شنیدند آنگاه ابراهیم بر آنها از گوشت گوساله کبابی مهیا کرد (۱۰۷) چون ابراهیم دید که آنان بطعام دست دراز نمیکنند در حال از آنها دلش متوخش و بیسناک گردید آنان حس کرده و گفتند متری که ما فرستاده خدا بقوم لوط میباشد (۱۰۸) (در آنحال) زن ابراهیم ساره ایستاده بود که متبسم گردید پس ما آن زن را پسر زندی بنام اسحق و سپس یعقوب بشارت دادیم (۱۰۹) زن چون مژده فرزند شنید گفت که آیا میگوید از من بآنکه پسرالغوبدم و شوهرم نیز مردی پیر و قزوت است فرزندی پیدا آید

شَيْخَانِ هَذَا الْبَنَى عَجِيبٌ هَذَا لَوْ أَتَجَبَّيْنِ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَ اللَّهُ
 بِرِكَالِهِ عَلَيْكَ أَمَلُ الْبَيْتِ إِنَّا مُعِيدٌ عَجِيبٌ هَذَا ذَهَبٌ عَنْ بَرَاهِيمَ
 الرُّوْعَ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى بِجَارِلِنَا فِي عَمْرِئِ لَوْطٍ هَذَا إِبْرَاهِيمَ حَلِيمٌ
 آوَاهُ مَيْمٌ هَذَا إِبْرَاهِيمَ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا إِيَّاهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ
 وَإِنَّهُمْ إِيَّاهُمْ عَذَابٌ غَمُزٌ هَذَا لَوْطٌ وَجَاءَتْهُ رُسُلُنَا لَوْطَانِي
 يَوْمَ رَضَا قَوْمٌ دُرْعَا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ هَذَا يَوْمٌ قَوْمُهُ
 بُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمَنْ قَبْلَ كَانُوا يَعْلَمُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ مَوَلَا
 بَنَانِي مَنْ أَظْهَرَ لَكُمْ فِتْنَتَهُ أَفَقُوتُوا اللَّهَ وَلَا تَهْزُبُوا فِي سُبْحَى الْبَيْتِ مِنْكُمْ
 رَجُلٌ رَشِيدٌ هَذَا لَوْ الْقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَانِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ
 لَفَعْلَمٌ مَا نُرِيدُ هَذَا لَوْ أَنَّا بِيَدِكَ قُوَّةٌ آوَاوِيَ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ
 هَذَا لَوْ يَا لَوْطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِمَا لِلَكَ
 يَخْتَرِقُ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يُلْفَيْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرًا نَكْرًا إِنَّا مُصِيبُهَا
 مَا أَصَابَهُمْ إِنْ مَوْعِدُهُمُ الصُّبْحُ الْبَيْتِ الصُّبْحُ يَقْرَهُ هَذَا لَوْ جَاءَ أَتْرَابُ
 جَعَلْنَا عَلَيْهِمُ سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَابًا مِنْ يَجِبُ أَنْ تَصُودَ
 مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ هَذَا إِلَىٰ مَدِينَةٍ
 أَخَاهُمْ ثَعْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ وَلَا تَتَّبِعُوا
 الْمِكَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَدَّبْتُكُمْ بِحُجْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ

این چیزی بسیار شگفت انگیز است (۷۴) فرشتگان با او گفتند آیا از کار خدا عجب داری (عجب مدار که) رحمت و برکات خدا مخصوص شما اهل بیت رسالت است زیرا خدا بسیار ستوده صفات (و مقتدر) و بزرگوار است (۷۴) چون ابراهیم را وحشت از دل برقت و بشارت فرزند پیامد در آتعال برای خلاص قوم لوط با ما بگفتگو و التماس در آمد یعنی از فرشتگان که وعده هلاک قوم لوط شنیده استمدای نجات بر آنها کرد (۷۴) که ما ابراهیم بسیار خلیل و معروف بود و بسیار بدرگاه خدا دعا و تضرع داشت و بسیار از حق مغفرت و آمرزش در حق خود و خلق میطلبید (۷۵) خطاب شدای ابراهیم از این خواهی در گذر که هنگام حکم قهر الهی؟ بر این قوم فرا رسیده و برای آنها عذابی که حتمی است و باز گشت ندارد خواهد رسید (۷۶) و چون فرستادگان ما به لوط وارد شدند (بر قوم خود) پریشان خاطر بودند و گفتند گفت این روز بسیار سختی است (۷۷) قوم لوط (آگاه شده) و قصد عمل زشتی که در آن سابقه داشتند بسزاحت بدرگاه او وارد شدند لوط با آنها گفت این دختران من برای شما پاکیزه و نیکوترند از عدا بترسید و مرا نزد همنان بعمل زشت خود بخوار و سر شکسته تمکنید آیا در میان شما یک مرد غیر خواه رشید خدا پرست نیست (۷۸) قوم لوط گفتند ما را رقت و میلی با آن دختران نیست و تو به خوبی میدانی که مطلب ما چیست (۷۹) گفت ایشان مرا بر منع شما اقتداری بود یا آنکه چون قدرت ندارم از شر شما بر کن محکم پناه خواهم برد (۸۰) فرشتگان به لوط گفتند (تو اندیشه مدار که) ما رسولان پروردگاریم و هرگز دست از آزار قوم بپوشانده و اهل بیت خود شبانه از این دیار بیرون شو از اهل خود هیچکس جز آن زن کافرت که آنها هم با تو همکار شود یکی را او امگذار که وعده عذاب صبحگاه است و تا صبح وقت بسیار نیست (۸۱) چون صبح شد فرمان قهر مادیار انقوم نا بکار راویران و زیر و بر ساخت و بر سر آنها مرتب از آسمان سنگ هلاک فروریختیم (۸۲) که آن سنگهای پلایر سرستگاران از امر خدا نفاذدار و معین بود و البته چنین هلاکی از ظالمان عالم دور نخواهد بود (۸۳) و ما پیوسته اهل مدین برادرشان شعیب را بر سالست فرستادیم آن رسول گفت ای مردم عدا ی پکتا را که جز او عدا یی نیست پرستش کنید و در کمال روزن که فروش می کنید من غیر شما را در آن می بینم و (اگر ظلم کنید) من میترسم از روزیکه عذاب صبح شما را

مُجِيطٌ ۝ وَبِقَوْمٍ أَوْفُوا إِلَيْكَ أَلَمْ يَرَوْا بِالْفُطَيْطِ وَالْأَشْجَارِ
 أَشْبَاهَهُمْ وَلَا تَقْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفِيدِينَ ۝ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّكَ إِنَّا
 كُنَّا مُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا أَنَا عَلَيْكَ بِمُحْفِيطٍ ۝ قَالُوا يَا شُعْبُ أَصَلَوْنَاكَ
 نَبَأُكَ أَنْ تَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَأَنْ تَفْعَلَ فَمِ أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ
 إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَكِيمُ الرَّشِيدُ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيْنِكُمْ
 مِنْ رَبِّي وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَخَالِفَكُمْ إِلَى مَا
 أَهْبَكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي
 إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۝ وَبِقَوْمٍ لَا يَعْرِفُونَ كُنْ
 شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكَ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ فُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمِ
 صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ ۝ وَاسْتَخْفِرْ أَرْبَكَ ثُمَّ تَوَبَّ
 إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ۝ قَالُوا يَا شُعْبُ مَا نَفَقَ كَثِيرًا مِمَّا
 قَوْلُ وَإِنَّا لَنَرِيكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا دَهْطُكَ لَرَجَعْنَاكَ وَمَا
 أَنْتَ عَلَيْنَا بَعِيرٌ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ
 اتَّخَذْتُمْ مِثْلَهُ مَثَلًا إِنْ رَبِّي عَمَّا تَعْلَمُونَ ۝ مُجِيطٌ ۝ وَيَا قَوْمِ
 اعْمَلُوا عَلَى مَكَاتِكُمْ إِنْ عَمِلْتُمْ تَوْفَقًا تَعْمَلُوا مِنْ يَدَيْهِ عَزَا
 يُعْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ رَقِيبٌ ۝ وَلَمَّا حَاجَّ
 أَمْرُنَا بَيْنَنَا شُعْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ رَجَعْهُمِنَا وَاحْتَدَيْنَا

فراگیرد (۸۴) یقوم در سنجش وزن و کیل اجناس عدالت کنند و بر مردم کم (و گران) نفروشید و در زمین بخیانت و فساد بر نخیزید (۸۵) (بدانید) که آنچه خدا بر شما باقی گذارد و (برکت بخشد) بهتر است اگر واقعا بعدا ایمان دارید (این نصیحت وظیفه من است ولی اگر عیان کردید دیگر) من نکهبان (از عذاب خدا) نیستم (۸۶) قوم بمسخره گفتند ای شعیب آیا این نماز تو را مأثور میکند که (دعوی رسالت کرده) و ما را از پرستش خدا یان پدرانمان و از تصرف در اموال بدلتخواه خودمان منع کنی (آفرین) تو بسیار مرد پر دبار در ستکاری هستی (۸۷) شعیب گفت ای قوم رای و نظریه شما چیست آیا اگر مرا از جانب پروردگار حجت روشن و دلیل قاطع باشد و از او بر من رزق حلال و پاکیزه برسد (باز اطاعت او نکنم؟) و (بدانید) غرض من از آنچه شما را نهی میکنم ضدیت و مخالفت با شما نیست بلکه تا بتوانم تنها مقصودم اصلاح امر شماست و از خدا (در هر کار) توفیق میطلبم و بر او توکل کرده و بدرگاه او (از شربدان) پناه میبرم (۸۸) شعیب باز بنصیحت لب گشود که ای قوم ضدیت با من شمارا بر آن وادار نکند که بر شما هم بلائی مانند قوم نوح و قوم هود و صالح از جانب خدا نازل شود بخصوص از قوم لوط که دورانشان دور از شما نیست عبرت گیرید (۸۹) و از خدای خود آمرزش طلبید و بدرگاهش توبه و ایا به کنید که او بسیار مشفق و مهربانست (۹۰) قوم پاسخ دادند که ما بسیاری از آنچه میگوئی نمیفهمیم (یعنی سخنان بی معنی و بدون نتیجه است و ما هیچ نمیپذیریم) و تو در میان ما شخصی بی ارزش و ناتوانی و اگر ملاحظه طایفه تو نبود سنک سارت میکردیم که ترا نزد ما عزت و احترامی نیست (۹۱) شعیب باز گفت ای قوم آیا طایفه من عزتش نزد شما بیش از عداست و خدا را پکلی فراموش کردید (پرسید که) خدای من بهره چه شما میکنید آگاهست (۹۲) باز گفت ای قوم شما هر کار که میتوانید انجام دهید من هم هر چه موظفم خواهم کرد بزدی شما خواهم دید دانست که عذاب ذلت و غواری بر کدام یک از من و شما می آید و دروغی ما کیست پس شما منتظر (نزول عذاب خدا) باشید که منم منتظر لطف اویم (۹۳) که هنگامیکه حکم قهرما فرامید ما شعیب و کسانی که باز ایمان آوردند بلفظ و مرحمت خود نجات دادیم و شما گران

ظَلُّوا الصَّبَاةَ فَاصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَائِعِينَ ۝ كَانَ لَزَيْعُوا فِيهَا
 الْأَبْعَدَ لَيْدِينَ كَأَبْعَدُ ثُمُودَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا
 وَمُسْلَطَانٍ مُبِينٍ ۝ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ
 وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ۝ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْاِفْتِمَاءِ فَأَوَدَّ لَهُمْ
 النَّارَ وَيَسَّ الْيُورُودَ الْمُرُودَ ۝ وَاتَّبَعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَهُمْ الْفِتْيَةُ
 يَسَّ الرِّفْدَ الْمُرُودَ ۝ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْهَا
 قَلِيلًا وَحَصِيدًا ۝ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ
 عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ
 رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ۝ كَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ
 الْغُرَى بِحِلْمٍ أَنْ آخِذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ۝ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً
 لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرِ ۝ ذَلِكَ يَوْمُ تَجْمُوعُ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمُ
 مَشْهُودٍ ۝ وَمَا تُوعَدُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُعَدَّدٍ ۝ يَوْمَ تَبَايَ لَا تَكَلَّمُ
 نَفْسٌ إِلَّا بِذِيهِ فَيُنْفِقُ فِيهِمْ سَفِيٌّ وَسَعِيدٌ ۝ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَيُفْقَى
 النَّارَ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ۝ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ
 وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ۝ وَأَمَّا
 الَّذِينَ سَعَدُوا فَيُفْقَى الْجَنَّةَ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ
 إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَظَاءٌ غَيْرُ مُجْدُوذٍ ۝ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا

است اورا سبب عذاب فرا گرفت که سبب گناه همه در دیار خود هلاک شدند (۹۴) چنان هلاک شدند که گویی هرگز در آن دیار نبوده اند (ای مردم شما) آگاه باشید که اهل مدین هم مانند کافران قوم ثمود از رحمت خدا دور شدند (۹۵) آنگاه موسی عمران را آیات وحجت روشن برای رسالت فرستادیم (۹۶) بسوی فرعون و اشراف قومش مردم (موسی را گذاشته) و پیرو امر فرعون شدند بآنکه (میدانستند که) هیچ هدایت و رشدی در امر فرعون نخواهد بود (۹۷) فرعون پیروان خود را در قیامت با خود با آتش دوزخ در افکند که وارد آنرا بسیار منزلت گاه بدست (۹۸) و فرعونیان در این جهان بر خود دلالتی گذاشتند و برای روز قیامت بدست او ذخیره ای فرستادند (۹۹) ای رسول ما این بعضی از اخبار دیار استمکاران است که بر تو حکایت کردیم که برخی از آن دیار (گرچه خلقش مردند شهرهاشان هنوز معمور است و برخی دیگر شهرها هم بکلی ویران گشت و هم دایم اهلش را درو کرد (۱۰۰) و آنها که بهلاکت رسیدند نما بر آنها بلکه خود بر خویشانشان ستم کردند و غیر خدا همه خدا یان باطلی که میپرستیدند هیچ دفع هلاکت از آنها ننمودند و هنگامی که امر قهر خدا بر غلامان در رسید (آن پستان که پرستیدند چیزی) جز بر حسرت آنها نیفزودند (۱۰۱) این گونه است سخت گیری پروردگار هرگاه بخواهد دیار استمکاران را ویران کند که انتقام و مواخذة خدا بسیار دردناک و شدید است (۱۰۲) همانا این هلاک بدکاران آیت و عبرتی بر آن کس که از عذاب روز محضر بترسد که روز محضر روزیست که همه خلق در آن جمع شوند و جزای اعمال خود را ببینند (۱۰۳) و ما آن روز را پناخیز نیفتکنیم جز بوقتیکه در علم ما مین است (۱۰۴) در آن روز هیچ کس جز بفرمان خدا سخن نگوید پس خلق بر دو فرقه شوند برخی شقی و بدروز گارند و بعضی سعادتمند و خوشوقت (۱۰۵) اما اهل شقاوت همه را در آتش دوزخ در حالیکه آه و ناله حسرت میکنند در افکند (۱۰۶) آنها در آتش دوزخ تا آسمان و زمین باقی است مخلدند مگر آنکه سعادت خدا بخواهد نجاتشان دهد که البته خدا (بقدرت و حکمت خویش) هر چه خواهد می کند (۱۰۷) اما اهل سعادت هم تمام در بهشت بابت آسمان و زمین باقی است مخلدند مگر آنکه سعادت پروردگار باشد که مصاپش ابدی و نامنتطوع است (۱۰۸) پس تو ای رسول ما می شک بدان

يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا
لَمُوقِفُهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْفُوعٍ^(١) وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَكَتَبَ فِيهِ
فِيهِ وَلَوْلَا كِتَابُ سِبْطٍ مِنْ رَبِّكَ لَفَقِقَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّمَا أَنْشَأَ
مِنْهُ مُهَيْبٌ^(٢) وَإِنْ كَلَّمَا لَنَا لَوْ قُبِيتُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ يَعْلَمُ
خَيْرٌ فَاسْتَعِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ نَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^(٣) وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا أَقْسَمْتُمْ لَا تُنَادُوا
لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَائِهِمْ لَا تُنْصَرُونَ^(٤) وَلَوْ أَمَرِ الصَّلَاةَ
طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَاهِ مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُ مِنَ السَّيِّئَاتِ
ذَلِكَ ذِكْرٌ لِلذَّاكِرِينَ^(٥) وَأَصْرَفَ اللَّهُ لَا يَضِيعُ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ
^(٦) قَالُوا لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةً يَسْهَوْنَ عَنِ
الْعَصَا فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا
مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ^(٧) وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى
بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ^(٨) وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً
وَاحِدَةً وَلَا رَيْبَ لَئِنْ تَخَلَّفُوا عَنْ خَلْفِهِمْ^(٩) إِلَّا مَنْ رِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ
خَلَقْتُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ يَوْمَ يَأْتِي الشَّامِ
اجْمَعِينَ^(١٠) وَلَا تَنْفُضْ عَنْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ قَوْمًا
وَجَاءَتْكَ فِي هَذِهِ أَوْحَى وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ^(١١) وَقَالَ الَّذِينَ

که آنجه اینان به پیروی و تقلید پدرانشان پرستند باطل است و ما آنجه سهم
 غضاب این مشرکان است بعد کامل خوانیم داد (۱۰۹) و ما کتاب تورات را
 برای موسی فرستادیم آنگاه در آن اختلاف کردند و اگر کلمه سابقه الهی
 و مشیت ازلی خدا نبود همانا میان آنها حکم (بغضاب) میشد و این مردم از
 این (گروه و عود و عیدها) میبشقه در شکند و بر خود و پیشوایان میبکنند (۱۱۰)
 و (تو آسوده خاطر باش) محققاً خدای تو همه خلق را بجز ای نیکو و پندار آسان
 میرساند که او بر همه کردار خلق آگاهست (۱۱۱) پس ای رسول ما تو
 چنانکه ما موری: سقاست و پایداری کن و کسیکه با همراهی تو بعد از جوع
 کرد (نیز پایدار باشد) و هیچ از حدود الهی تجاوز نکند که خدا بهر چه شما
 میکنید بمیرود و اناست (۱۱۲) و شما مؤمنان هرگز نباید با ظالمان هم دست
 و دوست باشید و گر نه آتش کفر آنان در شما هم خواهد گرفت و در آن حال جز
 جز خدا هیچ دوستی نخواهید یافت و هرگز کسی یاری شما نخواهد کرد
 (۱۱۳) و نماز را در دو طرف (اول و آخر) روز بپا دارید و نیز در ساعت
 تاریکی شب که البته خوبی و نیکوکاریهای شما ششتی و بدکاریهایتان را نابود
 میسازد این (نماز یا این سخن که حسنات شما سیئات را محو میکند) یادآوری
 است برای اهل ذکر (و پندی مردم آگاه راست) (۱۱۴) ای رسول ما تو صبر
 کن که خدا هرگز اجر نیکوکاران را ضایع نگذارد (۱۱۵) چرا در ام
 گذشته مردمی با عقل و ایمان وجود نداشت که خلق را از فساد و اعمال زشت
 نهی کنند تا ما مثل آن عده قلیل مؤمنان که نجات دادیم همه را نجات دهیم
 و مشرکان از پی تمیش به نستهای دنیوی رفتند که مردمی بدکار و کافره
 آخرت بودند (۱۱۶) خدا هیچ قومی و هیچ اهل دیاری را در سورتیکه آنها
 صلح و نیکوکار باشند بظلم ملائکه نکند (۱۱۷) و اگر خدا میخواست همه ملل
 و مذاهب خلق را یکسانت میکرد و ایندولیکن دایم اقوام و ملل دنیا با هم در
 اختلاف خواهند بود (۱۱۸) مگر آن کسی که خدا بر حس و لطف خاص هدایت
 کند (و حق تعالی را بپندارند) اگر چه دهند و کلمه قهر خدا بپشتن و لزوم پیوست که از
 کاران جن و انس دوزخ را پر سازد (۱۱۹) و ما همه این حکایات اخبار انبیا
 را بر تو بیان میکنیم تا قلب ترا بان قوی و استوار گردانیم و در این
 (شرح الحال رسولان) طریق حق و راه صواب بر تو روشن شود و اهل ایمان
 پند و عبرت و تذکر باشد (۱۲۰) و تو ای رسول ما با آنکه

لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ ﴿١٢٨﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ يَوْمَ تُرْجَعُ الْأَمْثَلُ كُلُّهَا عِبْدُ
 وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٩﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكَ الْكَاتِبِينَ ﴿١٢٨﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا
 لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٢٩﴾ لَمْ يَكُنْ لَكَ قُصَّةٌ مِّنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ ﴿١٣٠﴾ إِذْ
 قَالَ يُونُسُ لَأَبِيدَ بِأَبْنِي إِنْ رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالْثَمَرَ
 وَالْقَصْرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ﴿١٣١﴾ قَالَ يَابُنَيَّ لَا تَتَّبِعْ لَكَ قُصَّةٌ مِّنْ قَبْلِكَ عَلَىٰ
 إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٣٢﴾
 وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ
 نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ
 إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٣٣﴾ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَ
 إِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلَّذَّالِينَ ﴿١٣٤﴾ إِذْ قَالَُوا لِيُوسُفَ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا
 أَمِينًا وَمَخُنْ غَضَبُهُ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١٣٥﴾ أَقْتُلُوا
 يُوسُفَ وَأَظْهَرُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِن بَعْدِهِ

ایمان نمیآوردند بگو که شما هر چه بتوانید بزشنگاری و معصیت خدا
بپردازید ما هم بکارطاعت مشغول خواهیم بود (۱۴۹) و شما جزای کردار
خود را منتظر باشید ما هم پاداش عمل خود را از حق منتظریم (۱۴۴) و هر
چند در آسمانها و زمینها پنهانست همه برای خدا آشکار است و امور عالم همه
راجع بقدست او را برستید و بر او توکل کنید که پروردگار تو از آنچه
بندگان میکنند غافل نیست (۱۴۳)

**سوره یوسف در مکه معظمه نازل شده و مشعشع برسد و یازده
میباشد**

بنام خدای بخشنده مهربان

الحم (این حروف مقطعه در موزن خدا و رسول است) اینست آیات کتاب الهی که
حقایق را آشکار میسازد (۱) این قرآن جدید را ما بهر بی (صبح) فرستادیم باشد که
شما بتسلیمات او عقل و هوش یابید (۲) ما بهترین حکایات را بوحی اینقرآن
بر تو میگوئیم و هر چند پیش از اینوحی از آن آگاه نبودی (۳) اکنون متذکر
شو (خواب) یوسف را که گفت ای پدر در عالم رؤیا دیدم که یازده ستاره
و خورشید و ماه مرا سجده میکردند (۴) یعقوب گفت ای فرزند عزیز زنها
خواب خود را بر پرادران حکایت مکن که بر تو مگر وحید خواهند برد
زیرا دشمنی شیطان بر آدمیان آشکار است (۵) و این تعبیر خواب تست که
خدائرا برگزیند و علم تاویل خوابها بیاورد و نعمت و لطفش را در حق تو
و آل یعقوب مانتد و بدانت ابراهیم و اسحق تمام گرداند (۶) همانا در حکایت
یوسف و پرادرانش برای دانش طلبان و اهل تحقیق عبرت و حکمت بسیار
مندرج است (مانند تذکر قلبه عواست خدا پراراده خلق و تاثیر و حقیقت
خواب که جزئی از نبوت است و غافل از حد حدودان نبودن که حتی
فرزندان پیغمبر پر ارام تا بدترین عمل که قصد قتل و هلاکت پرادر است
و امیدارد و ترغیب نفوس بپا که امنی و صحت و آفتاب زشت عقی مجازی و توجه
بعدا از شر آن و کیفیت مملکت داری و عمل و رعیت پروری و احتیاج ملک
و وزارت خوار بار و دارائی و زراعت و تجارت و مکافات صل نیک و بد پر دو عالم
و ظهور و بروز حقایق پنهانی و بسیار حکمتهای دیگر که در این سوره
مبارک که مندرج است (۷) تکامل می که برادران یوسف گفتند ما با آنکه چندین
برادریم پدر چنان دل بسته یوسف است که او را تنها بیش از همه ما دوست میدارد
و خلالت او در حب یوسف نیک پدر را است (۸) یا پدر یوسف را یا بکنند یا در پادشاهی
دور از پدر بپیش کنند و روی پدر را بکجهت چهره خود کنند آنگاه همه از این
عمل (کشتن یا دور کردن یوسف توبه کرده) و

قَوْمًا صَالِحِينَ ۖ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَصْلُوا هُوسَ وَالْقَوْمُ فِي بَلَدٍ
 أَنْجَبَ يَلْبُوطُهُ بَعْضُ الشَّجَرِ وَإِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ۝ قَالُوا يَا أَبَانَا
 مَا لَكَ لَا تَأْمُرُنَا بِهَدْيِ هُوسَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ ۝ أَرْسِلْهُ مَعَنَا
 غَدًا رَاحَ وَنَكَلِبَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۝ قَالَ إِنِّي أَخَفُّ مِنْ أَنْ
 تَذَهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ۝
 قَالُوا لَنْ آكُلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَخَالِصُونَ ۝
 فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْتَمَعُوا أَنْ يُجْعَلُوهُ فِي غِيَابِ أَبِيهِ أَنْجَبَ أَوْصِيَاءُ
 أَبِيهِ لِلَّذِينَ تَحْتَمُونَ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ وَجَاءُوا أَبَاهُمْ
 عِشَاءً يَبْكُونَ ۝ قَالُوا يَا أَبَانَا نَاذَرْنَا كَذِبًا سَيُورِكَ هُوسَ
 عِنْدَ مَنَا عِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ
 ۝ وَجَاءُوا عَلَى قَيْصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ لَبِئْسَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ
 فَصْبَرُ جِيلٍ وَاللَّهُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ
 فَارَسَلُوا أَرْبَعَهُمْ قَائِلِينَ دَلُّوهُ قَالَ يَا بَشْرُ هَذَا غُلَامٌ وَأَسَرُّهُ
 بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ۝ وَشَرُّهُ بِبَيْنٍ يَخْفَى مِنْ دَهِيمٍ مُعَذِّبٍ
 وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الرَّاغِبِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِي لَبَّى شَرَفَهُ مِنْ مِصْرَ
 لَا مَرَأِيَهُ أَكْرَمِي ثَوَاهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ
 مَكَارِهِ يُوسُفَ فِي الْأَرْضِ لِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ

مردمی صالح و درستکار شوید (۹) این رای که مطرح شد یکی از برادران یوسف رویل همین برادر او اظهار داشت که اگر ناچار سوء قصدی دارید البته باید از گفتن وی صرف نظر کنید ولی او را بر سر راه کاروانان بجایم در افکنید که کاروانی او را نیابد (۱۰) گفتند ای پدر چرا تو بر یوسف از ما ایمن نیستی در صورتیکه ما برادران همه غیر خواه یوسفیم (۱۱) ای پدر فردا او را با ما بسحر افرست که در جمن و مرا تع بگردیم و بازی کنیم و البته ما همه از هر خطری نگرمان او قیم (۱۲) یعقوب گفت ای فرزندان من از آن ترسان و پریشان خاطریم که از او در میان فطنت کنید و طعمه گرگان شود (۱۳) برادران گفتند اگر با آنکه ما چند مرد نیرومند به همراه او قیم باز گرد قصد او کنند پس ما بسیار مردم ضعیف زیانکاری خواهیم بود (۱۴) همینکه او را بسحرا بردند و بر این عزم متفق شدند که یوسف را بجایم در افکنند ما (در آن حال که بقرچاق افتاد) پادشاهی نمودیم که البته تو روزی برادران را بکار به شان آگاه میسازی که آنها (تو را) افتخار خسته و در گذر مقام تو) نمیکنند (۱۵) و برادران شبانه با چشم گریان بنزد پدر باز گفتند (۱۶) پدر چون آنرا گریان دید و یوسف را ندید حال پرسید گفتند قسمه این است که مادر بسحرا برای ما پند گرفته و یوسف را بر سر ستاع خود گذاردیم (چون باز گفتیم) یوسف را گرفت طعمه خود ما خسته بود و هر چند ما راست بگوئیم تو باز از ما باور نخواهی کرد (۱۷) و پیراهن یوسف را آلوده بخون دروغ نزد پدر آوردند یعقوب گفت بلکه این امر زشت قبیح را نفسی در نظر شما زیبا جلوه داده در این مصیبت سبب جلیل کنیم که برقع این پلید که شما اظهار میدارید پس خداست که مرا یاری تواند کرد کاروانی آنجا رسید و ستای قافله را برای آب فرستادند دلوراکه از آن چاه بر آورد گفت به به اذان بشارت و خوشبختی که با رخ داده و او را پنهان داشتند که سرمایه تجارت کنند و غذا بهر چه خلق میکنند آگاست (۱۹) و به آن قافله بهیائی اندک و درمی ناچیز فروختند و در او زهد و اعراض نمودند (و از یوسف به گوئی کردند تا کاروان نیز درباره او بی علاقه و بد گمان شد) (۲۰) عزیز مصر که او را سرپرستی کرد بزن خویشی سفارش غلام را کرد که مقامش را بسیار گرامی دار که این غلام امید است به ماضع بسیار بخشد یا او را به فرزندی برگزیند ما این چنین یوسف را به تمکین و اقتدار رسانیدیم و برای آنکه او را علم خواجها بیاموزیم که خدا

غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٠﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ
 ابْتَدَأَ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٨١﴾ وَدَاوُدَ إِذْ
 هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ
 مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَوْلَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿١٨٢﴾
 لَقَدْ هَمَمْتُ بِهِ وَهَمَمْتُ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ
 عَنْهُ السُّوءَ وَالْفِتْنَةَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ﴿١٨٣﴾ وَاتَّبَعَ
 الْبَابَ وَقَدَّتْ قَيْصُةٌ مِنْ دُورِ الْقَبَائِسِ ذَا لَيْلٍ الْبَابُ
 قَالَتْ مَا جِئْتُكَ مِنْ أَرَادِي بِكَ سَوْءَ إِلَّا أَنْ يَنْجُو أَوْ عَذَابُ
 آلِيمٍ ﴿١٨٤﴾ قَالَ هِيَ دَاوُدُ نَبِيٌّ عَنْ نَفْسِي مَهْدِيٌّ شَامِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ
 كَانَ قَيْصُةٌ فَذَرْنِي فَبَلِّ صَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿١٨٥﴾ وَإِنْ
 كَانَ قَيْصُةٌ فَلَنْ مِنْ دُورِ قَدَّحَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٨٦﴾ فَلَمَّا
 رَأَى قَيْصُةٌ قَدَرِينَ دُورِ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَبِدٍ كُنْ إِنْ كَبِدٌ كُنْ عَظِيمٍ
 ﴿١٨٧﴾ يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ
 الْخَاطِئِينَ ﴿١٨٨﴾ وَقَالَ يَسُوءُ فِي الْمَدِينَةِ أَمْرَاتُ الْعَبْرَةِ رَأَوْ قَبِيلَهَا
 عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿١٨٩﴾ فَلَمَّا تَبَيَّنَ
 عَمَلُهَا مِنْ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ
 مِنْهُنَّ بِكَبْشَاتٍ فَأَلْكَاهُنَّ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَتْهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ

هر کار خود غالب است ولی بسیاری مردم بر این حقیقت آگهی نیستند (۴۱)
 و چون یوسف بن رشد و کمال رسیدن او را مستحق کفر مانی و مقام دانش
 صلا کردیم و همچنین ما نکوکاران عالم را پاداش می بخشیم (۴۲) یوسف
 آن خانه ای که بود بدون آنکه ظن بدو خیانت کند با نوبی خانه بعل نفس
 خود با او بنای مراد و گذاشت روزی در هارا بست و یوسف را بخود دعوت
 کرد و اشاره کرد که من برای تو آمده ام یوسف جواب داد بعدا پناه میبرم
 خدا مرا مقامی منزله و نیکو صلا کرده که خدا هرگز ستمکاران را رستگار
 نسازد (۴۳) آن زن از فرط میل با آنکه از یوسف جواب رد و امتناع شنید باز
 در وصل او اصرار و اهتمام کرد و اگر لطف خاص خدا و برهان روشن حق
 نگهبان یوسف نبود او هم بعل طبیعی اهتمام کردی ولی ما میل او را از قصد
 بدو صعل زشت بگردانیدیم که همانا او از پندگان مسموم و پا کیزه ماست
 (۴۴) و مرد و بجهاب در شناختند پیراهن یوسف از پشت پدید آمد که آن
 حال شوهر آن زن را بر در منزل یافتند و زن گفت جزای آنکه با اهل تو قصد
 بد کند جز آنکه با زن ندان بر ند یا بقوت سخت کفر کنند چه خواهد بود
 (۴۵) یوسف جواب داد ای زن خود با من قصد مراد و کرد و بر صفتی
 دهوی شامدی از بستگان زن گواهی داد گفت اگر پیراهن یوسف از پیش
 دریده زن راستگو و یوسف از دروغگویان است (۴۶) اگر پیراهن او از
 پشت سر دریده زن دروغگو و یوسف از راستگویان است (۴۷) چون شوهر
 دید که پیراهن از پشت سر دریده است گفت این از مکر شماست که مکر و حيله
 شما زنان بسیار بر زلف و حیرت انگیز است (۴۸) یوسف را گفت ای پسر از این
 در گذر (یعنی قصدا از همه پنهان دار) و زن را گفت از گناه خود توبه کن
 توسطت از خطاکاران گردیدی (۴۹) زن آن مسر آگاه شد ندو زبان بسلامت
 زلیخا گشودند که زن عزیز مسر قصد مراد و با غلام خویش داشته حب یوسف
 و پرا شفته و فریفته خود ساخته و ما او را از فرط محبت کاملاً در خلاصی پیونیم
 (۴۰) چون زلیخا بسلامت زن مصری را در باره خود شنید فرستاد و از
 آنها دعوت کرد و مجلسی بپاراست و با احترام بزرگ باقی و تکیه گامی
 بگسترده و دست هر یک کاردی (و ترجمی) داد و (از یوسف) تقاضا نمود که
 مجلسی این زن در آ چون یوسف را زن مصری دیدند زبان بتکیه گشودند
 و دستها (بجای ترجم) بردند

اَيُّدِيَهُمْ وَقُلْنَ حَاشَ لِلّٰهِ مَا هَذَا بَشَرًا اِنْ هَذَا اِلَّا مَلَكٌ كَرِيْمٌ ﴿١٢﴾
 فَالْتَفَتْنَا لَكِنَّا الَّذِي لَمْ يَلْتَفِتْ فِيْهِ وَاَقْدَرْنَا وَدُنُوْهُ عَنْ نَّفْسِكُمْ لَسْتُمْ
 وَلٰكِنْ لَرَبِّعِلْآيَا امْرِءٍ لِّتَجَازَنَ وَلِتُكُوْنَا مِنْ الصّٰغِرِيْنَ ﴿١٣﴾ قَالَ رَبِّ
 الْيَتِيْمِ احْبَبْ اِلَيَّ يَمَانًا يَدْعُوْنِيْ اِلَيْهِ وَاِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ
 اَصْبَحَ الْيَتِيْمَ وَاَكُنْ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿١٤﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ
 عَنْهُ كَيْدَهُنَّ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿١٥﴾ ثُمَّ بَدَا لَهُمْ مِنْ بَعْدِ اِذَا رَاوُا
 الْاٰيٰتِ لَيَجْعِلُنَّهٗ خَفِيًّا ﴿١٦﴾ ثُمَّ دَخَلَ مَعَهُ الْيَتِيْمُ قَبِيْلًا قَالَ
 اَحَدُهَا اِنِّيْ اَرِبْنِيْ غَصْرًا وَاَوَقَالَ الْاُخْرٰى اِنِّيْ اَرِبْنِيْ اَجْلًا قَوِيًّا ﴿١٧﴾
 خُبِّرْنَا كُلَّ الطَّغْيٰنَةِ نَنصُبْآ يَدَاوِيْلَهُ اِنَّا نَرٰكَ مِنَ الْخٰفِيْنَ ﴿١٨﴾ قَالَ
 لَا يٰۤاَيُّهَا الطَّعَامُ رُوْفَايْهِ اَلَا نُنَآئِكُمْ اِيَّآوِيْلَهُ قَبْلَ اَنْ يَّۤاَيُّهَا كَاذِبًا
 يَمْنَعَكُنِيْ رَبِّيْ اِنْ تَرَكْتُ وِلْدَةً قَوْمٍ لَا يُوْمِنُوْنَ بِاللهِ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ
 كٰفِرُوْنَ ﴿١٩﴾ وَاتَّبَعَتْ وِلْدَةُ اِبْرٰهِيْمَ اِلٰى رَبِّهٖمْ وَارْتَضَوْا وَيَعْقُوْبُ مَا كَانَ
 لَنَا اَنْ نُّشْرِكَ بِاللهِ مِنْ شَيْءٍ ذٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ
 لَكِنَّا اَكْثَرُ النَّٰسِ لَا يَشْكُرُوْنَ ﴿٢٠﴾ يٰۤاَصْحٰبِي التَّجْنِۢمِ اَرَايْتُمْ تَقْفِرُوْنَ
 خُبِّرْآ اللهَ الْوَاحِدَ الْقَهَّارَ ﴿٢١﴾ لَمَّا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِہٖ اِلَّا اَنْۢمَاءً
 تَتَّبِعُوْهَا اَنْتُمْ وَاَبَاؤُكُمْ مَا اَنْزَلَ اللهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ اِنْ اَنْتُمْ
 اِلَّا لِهٖ اَعْمٰرٌ لَا تَعْبُدُوْا اِلَّا اِيَّاهُ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ وَلٰكِنَّا اَكْثَرُ

و گفتند تبارک الله که این پسر نه آدمیت بلکه فرشته بزرگ حسن و زیباییست (۳۹) گفت اینست غلامی که مرا در محبتش ملامت میکردید آری من خود از وی تقاضای مراوده کردم و او صفت و وزید و اگر از این پس هم خواهش مراد کنه البته زندانی شود و خوار و ذلیل گردد (۴۰) یوسف گفت ای خدا مرا رنج زندان خوشتر از این کار زشتی است که زنان از من تقاضا دارند با داراها اگر توحیه اینان بلفظ و عنایت خود از من دفع نفرمائی با آنها میل کرده و از اهل جهل و شقاوت کردم (۴۱) عدا دای او را مستجاب کرده و مکر و دسایس آنانرا از او بگردانید که خداوند دهای بندگان مخلص را میفکند و باحوال خلق آگاهست (۴۲) و با آنکه دلائل روشن پاکدامنی و صفت یوسف را دیدند باز چنین صلاح دانستند که یوسف را چندی زندانی کنند و یحیی فرستادند (۴۳) و با یوسف دو جوان دیگر هم (از ندیمان و خاصان شاه) زندانی شدند یکی از آنها گفتم در خواب دیدم که بر بالای سر خود طبق ثانی میبرم و مرغان هوا از آن بمنقار میخورند یوسفا ما را توار تمیز آن آگاه کن که تو را از نیکوکاران و دانایان جهان میبینیم (۴۴) یوسف در پاسخ آنها گفت من شمارا از آن پیش که طعام آید و تناول کنید بشمیر خواہتان آگاه میازم که این مله را خدای من پس آموخته است زیرا که من آئین گروهی که بخدای ایمان و با آخرت کافرند ترک گفتم (۴۵) و از آئین پدرانم ابراهیم خلیل و اسحق و یعقوب پیروی کردم در آئین ماهر گز نباید چیزی با خدا شریک گردانیم این توحید و ایمان بیگانگی خدا فضل و عطای خداست بر ما و بر همه مردم لیکن اکثر مردم شکر این عطا را بجان میآورند (۴۶) اید و رفیق زندان من (از شما میپرسم) آیا خدایان مشرق بی حقیقت بهتر و در مقام خلقت مؤثر ترند یا خدای یکتای قادر (۴۷) و بداند که آنچه غیر از خدا میپرستید اسما بی حقیقت و الفاظ بی معنی است کشتا خودتان و پندارتان ساختاید خدای هیچ نفاذ الهیت و کمترین اثر غایت در آن خدایان باطل ننهاد و تنها حکمفرمای عالم وجود خداست و (بعما بندگان) امر فرموده که جز آن ذات پاک و یکتا کسرا نپرستید این آئین محکم است لیکن اکثر مردم از جهالت بر این

الثَّانِي لَا يَعْلَمُونَ يَا صَاحِبِي التَّجِينِ أَنَا أَحَدُ مَا قَبَضْتَنِي بِهَا نَحْنُ
 وَأَنَا الْآخَرُ فَصَلِّبْ مَا كُلُّ الطَّعَامِ مِنَ رَأْيِي خُضْوَ الْأَمْرَ الَّذِي
 فِيهِ تَسْتَفِيدَانِ ① وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْ فِي عِندَ
 رَبِّكَ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَاطِطَانُ ذَكَرَ رَبَّهُ فَلَيْتَ فِي التَّجِينِ بَضْعَ سِنِينَ
 ② وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ
 وَسَبْعٌ سُبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِيسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ أَمُوتُوا فِي
 دُؤْبَائِي إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبِرُونَ ③ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا
 نَحْنُ بِبَاوِلٍ وَلَا أَخْلَامٍ بِعَالَمِينَ ④ وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ
 بَعْدَ أَمْسٍ أَنَا نَذِيرٌ بِأُورُشَلِيمَ قَارِئُونَ ⑤ يَوْسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ
 أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُبُلَاتٍ
 خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِيسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى الثَّانِي لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ⑥ قَالَ
 تَزَوَّجُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابَّا قَدْ أَحْصَيْتُمْ قَدْرَهُ فِي سُبُلِهِ إِلَّا
 قَلِيلًا لَمَّا أَنَا كُؤُونٌ ⑦ ثُمَّ بَأْسًا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا
 قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْضَرُونَ ⑧ ثُمَّ بَأْسًا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ
 فِيهِ يُغَاثُ الثَّانِي فِيهِ يَعْصِرُونَ ⑨ وَقَالَ الْمَلِكُ انْتَوَيْتُمْ مِنِّي فَلَمَّا
 جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ الَّتِي لَمْ
 تَخْلَعْنَ أَعْيُنَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ⑩ قَالُوا مَا خَطْبُكِ إِنَّ

حقیقت آگاه نیستند (۴۰) و گفت ای دورفیق زندان من اما یکی از شما
 سابق شراب شاه خواهد شد و اما آن دیگری بدار آویخته شود تا مرغان
 مغز سر او را بخورند این مرد که تعبیر خواب خود را چنین شنیده برای
 رحائی از خطر خواب را بدو غمنگر شد یوسف گفت که در قضای الهی راجع
 بامریکه سؤال کردید چنین حکم شده است (۴۱) آنگاه یوسف از رفیقی
 که اهل نجاشی یافت درخواست کرد که مرا نزد پادشاه یاد کن (باشد که
 چون بی تقصیر پیوند از زندانم برهاند) در آن حال شیطان یاد خدا را از
 نظرش بردیدین سبب در زندان چند سال محبوس بماند (۴۲) و پادشاه
 مصر گفت من (خواهی) دیدم که هفت گاو فریه راهفت گاو لافر خوردند و
 هفت خوشه سبزه را هفت خوشه خشک نابود کردند ای بزرگان ملک مرا
 بتعبیر آن اگر علم خواب می دانید آگاه گردانید آنها گفتند این
 خواب پریشانست و ما تعبیر خواب پریشان نمی دانیم (۴۳) در آن حال آن
 رفیق زندانی یوسف که نجات یافته بود بعد از چند سال یاد یوسف افتاد و
 گفت من شاه را بتعبیر این خواب آگاه می سازم مرا نزد یوسف (زندانی
 فرستید) که از او بازجویم (۴۵) (دور زندان رفت و گفت) ای یوسفی که هر
 چه گویی همه راست گویی ما را بتعبیر این خواب که هفت گاو فریه راهفت گاو
 لافر خوردند و هفت خوشه سبزه را هفت خوشه خشک نابود ساختند آگاه گردان
 که شاید از پیش تو نزد مردم بازگردم (شاه و دیگران) همه بدانند (۴۶)
 یوسف (در تعبیر خواب گفت) باید هفت سال متوالی زراعت کنید و هر
 خرمن را که درو کنید جز کمی که قوت خود میسازید همه را خوشه در
 انبار ذخیره کنید (۴۷) که چون این هفت سال بگذرد هفت سال قحطی پیش
 آید که ذخیره شما بمصرف قوت مردم برسد جز آن کمی که باید (برای تخم
 کاشتن) در انبار نگه دارید (۴۸) آنگاه بعد از سنوات قحط و شدت بازسالی
 آید که مردم در آن به آسایش و وسعت و فراوانی نعمت تحریرند (۴۹) شاه گفت
 زود او را نزد من بیاورید چون فرستاده شاه نزد یوسف آمد یوسف باو
 گفت باز گرد و شاه را از (قول) من بپرس چه شد که زنان مصری همه
 دست خود پریدند آری خدا بمکر آنان آگاهست (۵۰) شاه زنان مصری را گفت

رَاوْدُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ
 سُوَّةٍ فَلْيَمْرَأُ الْعَذْرَاءُ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوْدُنَاهُ عَنْ نَفْسِهِ
 وَإِنَّهُ لَمِنَ الضَّالِّينَ ۝ ذَلِكَ لِبَعْلَةٍ آتَى زَوْجُهُ بِالْغَيْبِ أَنَّ اللَّهَ
 لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْخَافِينَ ۝ وَمَا أَجْرِي نَفْسِي أَنَّ النَّفْسَ لَمَارًا لِلنُّفُوسِ
 إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَقَالَ الْمَلِكُ لِنُفُسِهِ بِرِجَالٍ
 لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَتْهُ قَالَ إِنَّكَ الْبُورَاءُ بِمَا تَمَكِّنُ آمِينَ ۝ قَالَ جَبَلَنِي
 عَلَى إِعْرَافِي الْأَرْضِ لِي خَاطِبٌ عَلَيْهِمْ ۝ وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي
 الْأَرْضِ يَبْقَىٰ مِنْهُمْ هَاجِثٌ يَأْتِيهِ نَصِيبٌ مِمَّا رَحِمْنَا مِنْ ثَمَرٍ وَلَا ضَلْعٌ
 أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَلَا تَجْرُ الْأَجْرَ وَخَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۝
 وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَلَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَصَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُسْكِرُونَ
 ۝ وَلَمَّا جَهَرُوا لَهُمْ جَوَّازِهِمْ قَالَ أُوذِيَ بَأْسَ لَكَ مِنْ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ
 أَبِي أَوْفِي الْكَيْلِ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ۝ فَإِنْ زِلْنَا نُوذِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكَ
 عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ ۝ قَالُوا اسْرِءْ دُعَاةَ آبَائِهِ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ
 ۝ وَقَالَ لِنُفْسَانِهِ اجْعَلُوا بَيْنَنَا عَهْدًا فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّكُمْ تَعْرِفُونَنَا
 إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّكُمْ يَرْجِعُونَ ۝ فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ آبَائِهِمْ
 قَالُوا إِنَّا نَمْنَعُ مِمَّا الْكَيْلَ قَارِئِينَ مَعَنَا أَخَانَانَا نَكْتَلُ وَإِنَّا لَهُ لَنَافِلُونَ
 ۝ قَالُوا مَلِ آمِنُكُمْ عَلَيْهِ وَالْأَكَا آمِنُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلِ اللَّهِ

حقیقت حال خود را که پاپوسف مر او ده داشتند بگوئیم همه گفتند حاشا که
 کهما از یوسف هیچ بدی ندیدیم در این حال زلیخا زن عزیز مصر اظهار
 کرد که الان حقیقت آشکار شد من بغواش نفس خود با یوسف هم مر او ده
 داشتم و او البته راستگوست (۵۱) یوسف گفت من این کشف حال نه برای
 خود نمائی بلکه برای آن خواستم تا عزیز مصر بداند که من هرگز در
 نهائی با او خیانت نکردم و بداند که خدا هرگز خیانتکاران را بمکر و خدعه
 بمقتود نمیرساند (۵۲) و من خود ستائی نکردم و نفس خویش را از عیب و
 تقصیر مبرانیدانم زیرا نفس اماره انسان را پکارهای زشت و ناروا ساخت و
 میدارد جز آنکه خدا بلفظ خاص خود آدمیرا نگهدارد که خدای من
 بسیار آمرزنده و مهربانست (۵۳) شاه گفت یوسف را نزد من آید که او را
 از زندان خلاص و از خاصان خود گردانم چون او را ملاقات کرد و با او
 هر گونه سخن بمیان آورد باو گفت تو امروز که مقام معلوم شد نزد
 ما امین و صاحب منزلت خواهی بود (۵۴) یوسف بشاه گفت در این صورت
 مرا بخیرینه داری مملکت و ضبط دارائی کشور منصوب دار که من در حفظ
 دارائی و مصارف آن دانا و پیرم (۵۵) و مادر حقیقت یوسف را در زمین بدین
 منزلت که هر جا خواهد فرمانروا باشد رسانیدیم که هر کسی را ما بغوا هم
 بلفظ خاص خود مخصوص بمکر دانیم و اگر هیچکس از نیکوکاران را در
 دنیا ضایع نمی گذاریم (۵۶) و حال آنکه اجر عالم آخرت برای اهل ایمان
 و مردم پرهیزگار بسیار بهتر است (۵۷) برادران یوسف بمصر نزد یوسف
 آمدند در حالی که او برادران را شناخت ولی آنها یوسف را نشناختند (۵۸)
 و یوسف چون بار غله آنها را بست از آنها پرسید شما برادر دیگری نیز
 دارید گفتند یک برادر پدری هم داریم گفت میخواهم برادر پدری را نزد
 من سفر دیگر بیاورید نمی بینید که من مقدار زیادی از غله بار شما
 صلا کردم و بهترین میزبان شما بودم (۵۹) و اگر آن برادر را همراه
 بیاورید دیگر بکشور من نیاید و از من تقاضای مساعدت نکنید (۶۰)
 برادران گفتند تا بتوانیم میکوشیم که پدرش را راضی کرده و برادر را همراه
 بیاوریم (۶۱) آنگاه یوسف بنیامانش گفت که متاع کنمایان را در میان
 بارهاشان بگذارید که چون بشهر خود رفته و متاع خود را دیدند بدانند
 که غله بی عوض یا نهاده باز مراجعت کنند (۶۲) چون برادران نزد
 پدر باز گفتند گفتند ای پدر غله بسیار بها صلا نشد و عدم داد که اگر
 برادر خود را همراه آوردید بشما کنیم فراوان خواهیم داد و البته ما کاملاً نگهبان
 او خواهیم بود (۶۳) یعقوب گفت آیا من همانقدر درباره این برادر شما
 مطمئن و ایمن باشم که درباره یوسف بودم خدا

خَيْرٌ مَّا ظَنُّوا وَمَا أَرَادَ الْمُرَاهِقِينَ ﴿١٨٤﴾ وَلَمَّا فَتَحُوا مَنَافِعَهُمْ وَجَدُوا
 بِضَاعَتَهُمْ زَيْتًا لَّهُمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبُغِي مِنْ بَضَاعَتِنَا زَيْتًا
 الْبِشَاءُ وَغَيْرَ أَهْلُنَا وَتَحْفَظُ أَخَانَا وَتَزِدُ دَاخِلَ بَيْتِنَا لَكَ كَيْلًا
 يَسِيرٌ ﴿١٨٥﴾ قَالَ لَنْ أُرِيدَ أَنْ مَعَكُمْ حَتَّى تُتَوَفَّوْا مَوْثِقًا مِنْ اللَّهِ لَأُنَقِي
 بِهٖ إِلَآ أَنْ يُخَاطِبَكُمْ فَلَمَّا أَتَوْهُ مَوْثِقَتَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ
 ﴿١٨٦﴾ وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ حَدِيدٍ وَأَدْخُلُوا مِنْ آبْوَابٍ يُصَفِّرُ
 وَهَآءُ غَنِيٌّ عَنْكُمْ مِنْ اللَّهِ مِنْ بَنِي إِدْرِيسَ الْحَكِيمِ ﴿١٨٧﴾ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
 عَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿١٨٨﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ
 مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي قُلُوبِهِمْ أَنْ يُصَافَوْا
 لَأَنَّهُ لَدُوٌّ غَلِيظٌ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَئِنْ أَكْثَرَ النَّاسُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٩﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا
 عَلَى يُوسُفَ أَوَّلَ بَيْتٍ أَهَآءَ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئَسْ بِمَا كَانُوا
 يَفْعَلُونَ ﴿١٩٠﴾ فَلَمَّا جَاؤُهُمْ بِمَا فِي بَيْتِهِمْ جَمَلَ السَّجَابَةُ فِي خَلِيبِهِمْ ثُمَّ
 أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَيْنَاهَا أَلَيْسَ لَكَ بِرِجُونٍ ﴿١٩١﴾ قَالُوا وَآفَلَا يَعْلَمُ عَلَيْهِمْ
 مَاذَا أَتَفْعِدُونَ ﴿١٩٢﴾ قَالُوا أَتَفْعِدُ صَوَاعِ الْمَالِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ خَلِيلٌ
 بِعِيرٍ أَنَا يَدُ رَبِّعِيمٌ ﴿١٩٣﴾ قَالُوا نَالَهُ لَفَدَحِلُّهُمْ مَا لَكُمْ لِنَفْسِكُمْ فِي الْأَرْضِ
 وَمَا لَكُمْ بِرِجُونٍ ﴿١٩٤﴾ قَالُوا لَمَّا جَاءَ آوَةُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ ﴿١٩٥﴾ قَالُوا
 جَاءَ آوَةُ مِنْ قِبَدِي وَدَخِلَ قَهْوَرًا وَكَذَلِكَ نُخْرِجُ الظَّالِمِينَ ﴿١٩٦﴾

خدا بهترین نگهبان و مهر باترین مهر با نان است (۹۴) چون برادران بارها را گفوده و متاعشان را بخود روده یافتند پدر را گفتند که مادیر چه میخوایم (با همین مال التجاره یا زبصر میریم) و غله برای اهل بیت خود تهیه کرده و برادر را هم در کمال مراقبت حفظ می کنیم و بار شتری بر این قوت کم که اکنون آورده ایم میافزایم (۹۵) یعقوب گفت تا شما برای من بخدا عهد و قسم یاد نکنید که او را برگردانید تا بقر خدا هلاک شوید من هرگز بنیامین را همراه شما نخواهم فرستاد پس چون برادران عهد و قسم یاد کردند یعقوب گفت خدا بر قول ما وکیل و گواهاست (و او را فرستاد) (۹۶) و گفت ای پسران من (سفارش میکنم که چون بصر برسید) همه از یک در وارد نشوید بلکه از درهای مختلف در آیدید و بدانید که از خدا چیزی شما را بی نیاز تواند کرد که هیچکس فرمانفرمای عالم جز خدا نیست من بر او توکل میکنم و باید ساحتیان مقام توکل هم بر او اعتماد کنند (۹۷) چون آنها بملک مصر بطریقیکه پدر دستور داده بود وارد شدند البته چیزی از خدا آنان را بی نیاز نکرد جز آنکه در دل یعقوب (که گفت از درهای متفرق در آید) غرضی بود (که از چشم بد گذر ندی نه بینند) ادا گردید و او بسیار دانشمند بود زیرا او را (بوسی خود) علم آموختیم ولیکن اکثر مردم نمیدانند (۹۸) و چون برادران بر یوسف وارد شدند او برادر خود (بنیامین را مفتاقانه) بحضور خواند و در کنار خویش جای داد و با او اظهار داشت که صانا براده تو (یوسف که از فراقش مسوختی) من همانم (اکنون شاد شو و دیگر) بر آنچه برادران بر یوسف کرده اند معزون میباشد (۹۹) چون باز آن قافله را مهیا ساختند جام زهرین را شاه در محل برادر نهاد آنگاه از غلامان منادی ندا کرد که ای اهل قافله شما بی شك دزدید (۷۰) آنها رو بفرمان کرده کمر چه چیز از شما مفتوق شده است (۷۱) غلامان گفتند جام شاه ناپیدا است و من یکبار شتر طماضمانت کنم بر آن کسی که جام را پیدا کرده بیاورد (۷۲) برادران گفتند بعدا سوگند که صا بهیوی حال ما را دانسته و شناخته اید که برای فساد دزدان سر زمین نیامده و دزد نبوده ایم (۷۳) غلامان گفتند اگر کشف شد که شما دروغ میگوئید کیفر آن دزد چیست (۷۴) گفتند جز آن کسی که این جام در محل او یافت شود آنست که هم او را به بندگی برگیرند که ما دزد و شکار را چنین بکفر می دانیم (۷۵)

قَبْلَ يَأْتِيهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ آخِرَةٍ اسْتَغْفِرَ هَاهُنَا وَعَاءِ آخِرَةٍ
 كَذَلِكَ يَكْذِبُ الْيُوسُفُ مَا كَانَ لِيَاخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ
 يَشَاءَ اللَّهُ تَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ تَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ مَخَالُوا
 أَنْ يَسِيرَ فِي فَقْدِ سَرِّ أَخٍ لَهُ مِنْ قَبْلِ مَا سَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ
 وَلَمْ يُبَيِّدْ مَا لَهُمْ قَالَ أَنَا لَمْ نَسْرُهَا وَأَلَّاهُ أَغْلَرِهَا قَصِصُونَ ١٧
 قَالُوا يَا أَيُّهَا السَّخِرُ إِنَّ لَهُ أَبًا نَجَّاحًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدًا مِمَّا مَكَانَهُ إِنَّا
 نَرَاكَ مِنَ الْمُحْضِينَ ١٨ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَن نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا
 مَنَّاعًا عِنْدَهُ إِنَّا إِذَا الظَّالِمُونَ ١٩ فَلَمَّا اسْتَبَسَّ سَوَاءً وَبَيْنَهُمْ خَلَصُوا
 نَجَّى قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكَ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ
 دَمِنْ قَبْلِ مَا فَعَرَّطُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَرْجِعَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْتِيَ إِلَى أَبِي
 أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي هُوَ خَبِيرُ الْحَاكِمِينَ ٢٠ ارْجِعُوا إِلَى آبَائِكُمْ فَصُولُوا لَهَا
 أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقٌ وَمَا نَشْهَدُ نَالَا لَهَا عَمَلُنَا وَمَا كُنَّا لِلْقَبْرِ
 حَافِظِينَ ٢١ وَاسْتَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِمْرَةَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا
 وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ٢٢ قَالَ بَلْ يَمُنُّ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْ أَرَأَيْتُمْ يَوْمَ يَأْتِيهِمْ
 عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي يَوْمٌ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ٢٣ وَقَوْلِي عَنَّا هُمْ
 وَقَالَ يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ ابْنُكَ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ هُوَ كَاطِمٌ ٢٤
 قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ تَقَوُّونَ ذَكَرُوا يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ

(یوسف یا مأمور او) شروع در تحقیق از بارهای ایشان کرد آخر آن
مهره را از بار برادر خود (بنیامین) بیرون آورد این تدبیر ما یوسف
آموختیم که در آئین ملک این نبود که بتوان آن برادر را بگرو بگیرد جز آنکه
خدا بخواهد و ما که خدای جهانیم هر کس را بخواهیم بمراتب بلند و پست
که (تا مردم بدانند) فوق مراد انشمنی دانشمند تری وجود دارد (۷۶)
برادران گفتند که اگر این دزدی کند برادرش (یوسف) نیز از این پیش
دزدی کرد یوسف چون اتهام دزدی را بخود شنید و باز ضحیه را در دل پنهان
کرد و به آنها اظهار نکرد و گفت شما بسیار مردم بدی هستید و خدا بر آنچه
نسبت میدهد بحقیقت آن آگاه تر است (۷۷) برادران گفتند ای عزیز
مصر تو بچشم ما از نیکان عالمی ما را پدر پیری است لطیف کن و یکی از ما
را بجای او نگاهدار (۷۸) یوسف گفت معاذ الله که ما در شرع خویش جز
آنکه متاع خود را نزد او یافته ایم دیگری را بگیریم که اگر چنین کنیم
بسیار مردم سنگاری هستیم (۷۹) چون برادران از پذیرفتن خواهش خود
مأیوس شدند با خود خلوت کرده و در سخن سر خود پیمان آوردند برادر
بزرگ گفت آیا نه این است که پدر از ما عهد و سوگند بنام خدا گرفته است
و از این پیش هم درباره یوسف مقصر بودیم من که هرگز از این سرزمین
بر نمی‌زم تا پدرم اجازه دهد یا خدای عالم حکمی در بار من فرماید که او
بهترین حکم فرمایاند (۸۰) شما نزد پدر باز شوید و بگوئید که فرزندان
سرفرت کرد و ما جز بر آنچه دانستیم گواهی ندادیم و ما حافظ اسرار غیب
نیستیم (۸۱) و از آن شهر و از آن قافله که ما در آن بودیم حقیقتدا جواب شو
تاسدی دمی ما کاملا بر تو معلوم گردد (۸۲) بمقوب گفت بلکه چیزی از
او عالم نفس بر شما جلوه نموده پس من یازم راه صبر نیکو پیش گیرم
که امید است خدا ایشانرا بمن باز رساند که او خدائی دانا و درستگراست
(۸۳) آنگاه بمقوب روی از آنها بگردانید و گفت وای اسفا بر فراق
یوسف عزیزم و از گریه غم چشمانش (در انتظار یوسف) سفید شد و سوز
صحران و داغ دل پنهان (۸۴) فرزندان بنیامین گفتند بعد از این که
که تو آشوب داریم یوسف یوسف کنی تا از غم فراقش مرخص شوی و با
خود را بدست ملک سپاری (۸۵)

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَاعْلَمَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ١٠
 يَا بَنِيَّ أَذْهَبُوا فَتَسْتَوُوا مِنْ يُوسُفَ أَخِيهِ وَلَا تَبْأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ
 إِنَّهُ لَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ ١١ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ
 قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَتَنَّا وَأَهْلْنَا الصَّرَّ وَجِئْنَا بِضَافِرٍ جَائِفٍ
 فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ١٢
 ١٣ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ ١٤
 قَالُوا لَا بَلَى لَآتَىكَ يَوسُفَ قَالَ آتَانَا يُوسُفَ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ
 عَلَيْنَا إِنَّهُ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَيَصْبِرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْحَسَنِينَ ١٥
 قَالُوا أَنَا اللَّهُ لَقَدْ انْتَرَكْنَا اللَّهَ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ ١٦ قَالَ لَا تَحْزَبْ
 عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ١٧ إِذْ هَبُوا دُحُبَهُمْ
 مَلَأًا فَأَلْقَوْهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي بَاسٍ بَصِيرًا وَأَنفُسُهُمْ يَاسِفُونَ لِمَا فَعَلُوا ١٨
 وَلَمَّا فَصَلَ الْعَبْرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رُوحَ يُوسُفَ لَوْ لَا أَن
 نَفْتَدُونَ ١٩ قَالُوا أَنَا اللَّهُ إِنَّا كُنَّا بِكَ لَدُنَّا لَكَ أَقْدِيمٌ ٢٠ فَلَمَّا أَنْ
 جَاءَ الْبَصِيرُ أَلْفَهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَانْتَزَعَتْهُ بَصِيرًا قَالَ أَرَأَيْتُمْ لَوْ
 لَكَ رَبِّي أَعْلَمَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٢١ قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا
 ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ٢٢ قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ
 الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ٢٣ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبَوَاهُ ٢٤

یعقوب پسر زندان گفت من با خدا عهد و دل خود گویم و از لطف بی حساب
 خدا چیزی دانم که شما نمیدانید (۸۶) ای فرزندان بروید و از حال یوسف
 و برادرش تحقیق کرده و جویا شوید (۸۷) برادران با سر پدرباز بسر آمده
 و پسر شاه وارد شدند و گفتند ای عزیز مصر ما با همه اهل بیت خود بفقرو قسلی
 و بیچارگی گرفتار شدیم و با منافع ناچیز و بیقد و حضور تو آمدیم محبت
 فرما و بر قدر احسانت نسبت بما بیفز و از ما بسدقه دستگیری کن که خدا
 سدقه بخشدگان را نیکو پاداش میدهد (۸۸) در این حال (که یوسف نیازمندی
 و دل شکستگی برادران دید و چشم آمد و پرده از روی کار برداشت گفت شما
 برادران یوسف در دوران جهل و نادانی فهمیدید که با یوسف چه کردید)
 (۸۹) آنان گفتند آیا همان یوسف توهستی پاسخ داد آری من همان یوسفم
 و این برادر من است خدا بر رحمت بی حساب خود بر ما منت نهاده و ما را بدیدار
 هم پس از چهل سال رسانید که البته هر کسی در حوادث تقوی و صبر پیغمبر
 کند چنین کسی نیکوست و خدا اجر نیکو یا نرا حاجت نیکو آرد (۹۰) (برادران)
 با یوسف گفتند به خدا که خدا ترا بر ما برگزید و ما مفسر و غلام کاریم (۹۱)
 یوسف گفت امروز هیچ عجل و متاعی نباشد که من عفو کردم خدا هم گناه
 شما به بخشد که او مهر باترین مهر با تانست (۹۲) اکنون پیراهن مرا نزد
 پدرم یعقوب برده و بروی او افکنید که تادید گاش پازینا شود آنگاه او
 را با همه اهل بیت و خویشان از کتمان بسر آرد (۹۳) و چون کاروان از
 مصر بیرون آمد یعقوب گفت اگر مرا نصیب نکند من بوی یوسف را می شنوم
 (۹۴) شنوندگان زبان ملامت گشوده گفتند قسم به خدا که تو از قدم الايام
 تا کنون حواس پریشان و سست نشوئی است (۹۵) پس از آن که بغیر بغارت
 یوسف آورد و پیراهن او را بر عشارش افکند دیدند انتظارش بوسل و روشن
 شد و گفت به ما نگوئیم که از لطف خدا چیزی آگام که شما آگاه نیستید (۹۶)
 در آن حال برادران یوسف یا تشرعوا لیسر عرجه و افشندای پدر بر تفسیر
 ایمان از خدا آرزوی طلب که مادر باره یوسف خطای بزرگتر تکبیر شد ایم
 (۹۷) پدر گفت یزودی از درگاه خدا برای شما آرزوش منظم که او
 بسیار آمرزنده و مهربانست (۹۸) پس بر یوسف وارد شدند یوسف
 پدر مادر خود را

قَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ اِنْ شَاءَ اللهُ اَمِينٌ ۝ وَرَفَعَ اَبُو بَكْرٍ عَلَى الرِّسِّ
 وَتَرَا لَهٗ نَجْدًا وَقَالَ يَا اَبِي هَذَا نَاقِلٌ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلِ قَدْ
 جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ اَحْسَنَ لِي ذَا خُرُجِي مِنَ الْيَمِينِ وَجَاءَ بِكَ
 مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ اَنْ تَزَعَ الشُّبَّانُ بَيْنِي قَبِيْلَ اِخُوْتِي اِنْ رُبَّمَا
 لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ ۝ اِنَّهُ هُوَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ۝ رُبَّمَا قَدْ اَتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ
 وَعَلَّمْتَنِي مِنْ نَّاقِلِ الْاَحَادِيثِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ اَنْتَ وَلِيٌّ
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّقِيْ سَلًا وَآخِجْنِي بِالصَّالِحِيْنَ ۝ ذَٰلِكَ
 مِنْ اَتْبَاءِ الْقَبِيْلِ فَوَجِدْ اِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذَا جَعَلُوا اَمْرًا
 وَهُمْ يَمْكُرُوْنَ ۝ وَمَا اَكْثَرَ النَّاسَ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝ وَمَا
 تَسْلُمُ عَلَيْهِمْ مِنْ اَمْرٍ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِيْنَ ۝ وَكَانَ مِنْ
 اَيَّامِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ يَمْزُوْنَ عَلَيْهِمْ وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُوْنَ
 وَمَا فُؤُومِنْ اَكْثَرُهُمْ بِاللهِ اِلَّا وَهُمْ مُّشْرِكُوْنَ ۝ اَفَاَمِنُوْا اِنْ تَأْتِيَهُمْ
 غَاشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ اللهِ اَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ
 ۝ هَلْ هِيَ سَبِيلُ اَنْدَعُوْا اِلَى اللهِ عَلَى صِيْرَةٍ اَنَا وَمَنْ اَتَّبَعْنِيْ سُبْحًا
 اللهُ وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ۝ وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ اِلَّا رِجَالًا
 فَوْجًا لَّهُمْ مِنْ اَهْلِ الْقُرَى فَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ فِي الْاَرْضِ قِسْطٌ فَاَكْبَفْتِ
 كَانَ غَاقِبَةُ الدِّيْنِ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ اتَّقَوْا

در آغوش آورد و گفت بشهر مسرعه آید که انعام الله بعد از این ایمن خواهد بود (۹۹) آنگاه پدر و مادر را بر تخت بنشاند و آنها بفرمانند (دیدار او) عذرا سجده کردند و یوسف حد آنحال پدر را گفت که این بود تمبیر خواهری که ازین پیش دیدم که خدای من آن خواب را واقع و محقق گردانید و در باره من اسنان فراوان فرمود که مرا از تاریکی زندان نجات داد و شما را از آن بیابان دور باینجا آورد پس از آنکه شیطان میان من و برادران فساد کرد و مدتی جدائی افکند که خدای من لطف و کرمش با منجه مشیتش تعلق گیر شامل و هم او را تا بحقیقت امور و محکم کار در تدبیر آفرینش است بارالها تو مرا جامه سلطنت و عزت پوشیدی و علم و دایا و تمبیر خواهرها بیا و ختی توئی آفریننده زمین و آسمان توئی ولی نعمت و محبوب من در دنیا و آخرت مرا بتسلیم و رضای خود بمیران و با سالمان محصور فرما (۱۰۱) (ای رسول ما) این حکایت از اخبار غیب بود که ما بر تو بوحی رسانیدیم و گفته تو آنجا که (برادران یوسف) بر مکر و حیله تصمیم گرفتند حاضر نبود (۱۰۲) تو هر چند جهد و ترغیب در ایمان مردم کنی باز اکثر آنان ایمان نخواهند آورد (۱۰۳) و تو ای رسول ما از است خود اجر رسالت نخواهی و این کتاب غرضی جز آنکه اهل عالم متذکر (و پیدار) سازد ندارد (۱۰۴) و این مردم بیخرد چه بسیار بر آیت و نشانان قدرت حق در آسمانها و زمین میگذرند و از آن روی میگردانند (۱۰۵) و اکثر خلق بعد از این نمیآوردند مگر آنکه مشرک شوند (۱۰۶) آیا مردم کافر ایمن از آنند که عذایی از قهر خدا بر آنها اجاطه کند یا آنکه ساعت مرگشان ناگهان فرارسد که در آن حال غافل باشند (۱۰۷) ای رسول ما است در آن بگو طریقت من و پیروان من همین است که خلق را بعد از باینائی و بصیرت دعوت کنم و خدا را از شرک و شریک منزه دانم و هرگز بعد از آنک نیاروم (۱۰۸) و با هر چکی را پیش از تو بر رسالت فرستادیم جز آنکه رسولان همه (مانند تو) مردانی بودند از اهل شهرهای دنیا که بوحی مامور میشدند آیا در روی زمین سیر نکرده تا حاقبت پیشینیا نشان بنگرند و شما مؤمنان اگر تعقل کنید بخوبی خواهید فهمید که سرای آخرت بر اهل تنوی

أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ هَلْ أَتَاكَ نَبِيُّ الرُّسُلِ وَقُلُوبُكُمْ فَكْرٌ فَقُلُوبُكُمْ لَمْ
تَصْرَفْ عَنْهَا مِنْ تِلْكَ الْأَمْثَلِ ۝ لَا جُرُءَ بِأَسْمَاعِ الْقَوْمِ الْخَاسِرِينَ ۝ لَقَدْ كَانَ فِي
قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۖ كَانَ حَدِيثًا مُمْتَرًا ۖ لِّكُنْ تَصَدَّقَ
الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَفَصَّيْلُ مَثْنٍ ۖ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝

سُورَةُ الرَّعْدِ مَكِّيَّةٌ وَفِيهَا ثَلَاثُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْمُرْسَلَاتُ أَلْبَابُ الْكَتَابِ ۖ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَ
لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي فِيهِ السَّمَاوَاتُ وَبِحَمْدِهِ
تَرَوْهَا ۖ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۖ وَسِعَ السَّمْعُ وَالْبَصَرُ ۖ كُلُّ شَيْءٍ
لَّيًّا ۖ لِّمَن مَّتَىٰ يَدِيرُ الْأَمْرَ ۖ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بَلِّغُوا ۖ وَبِكُمْ
تُؤْمِنُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَادًا
وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۖ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ اثْنَيْنِ يُغْشَىٰ اللَّيْلُ الْأَثْوَىٰ
ۖ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَفِي الْأَرْضِ قَطْعُ مَخَارِجٍ
وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَرُزْقٌ وَخَيْلٌ مُّسَوَّانٌ وَغَيْرُ حِينٍ ۖ يُسْقَىٰ مِنْ
وَأَحَدٍ وَفَضْلٍ يُصْعَقُ عَلَىٰ بَعْضِهَا الْأَكْلُ ۖ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يَعْقِلُونَ ۝ وَإِنْ تَبَيَّنَ قَبْحُ قَوْلِهِمْ إِذَا كُفِّرُوا ۖ إِنَّا لَنَبِيٌّ مُّجِيدٌ
۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ الْأَغْلَالُ ۖ فِي غَنَاقِهِمْ

بسیار نیکوتر است (۱۰۹) تا آنجا که رسولان مایوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد در آنحال وقت یاری ما فرا رسید تا (بالحق خود) هر که را بخواهیم نجات بخشیم و نیز قهر و انتقام ما از پادگان عالم باز نخواهد گردید (۱۱۰) همانا در حکایات آنان برای صاحب عقل عبرت کامل خواهد بود این (قرآن) نه سخنی است که فراتوان یافت لیکن کتب آسمانی مانند خود را تصدیق کرده و هر چیزی را مفصل بیان میکنند و برای اهل ایمان هدایت و رحمت خواهد بود (۱۱۱)

سوره زهد در مکه معظمه نازل شد و مشتمل بر چهل و سه آیه است

(بنام خدای بخشنده مهربان)

المر اینست آیات کتاب خدا و قرآنیکه بحق و راستی بر تو از جانب پروردگار نازل گردید و لیکن اکثر مردمان بآن ایمان نمیآورند (۱) خداست آن ذات پاک که آسمانها را حنائی که می نگرید بیستون برافراشت آنگاه با کمال قدرت عرش را در حلقه بیار است و خورشید و ماه را مسخر اراده خود ساخت که هر کدام در وقت خاص (و مدار مبین) بگردش آیند امر عالم را با نظامی محکم و آیات قدرت را با دلائل مفصل بنظم ساخت باشد که شما بندگان بر سر اصلی خلقت خود که عالم بقاء است پی برید و بملاقات پروردگار خود پیشین کنید (۲) و اوست خدائی که بساط زمین را بگسترده و آن کوهها برافراشت و نهرها جاری ساخت هر گونه میوهها بگسترده و در آن کوهها برافراشت و نهرها جاری ساخت هر گونه میوهها پدید آورد همه چیز را جفت بیافرید و شب تار را پر از روشن بپوشانید همانا در این امور متفکرانرا دلائل روشنی بر قدرت آفریدگار است (۳) و در زمین قطعاتی مجاور و متصل است زمینی برای تا کستان و باغ انگور قابل است و یکجا برای زراعت غلات و زمینی برای نخلستان آنهم نخلهای گوناگون و با آنکه همه با یک آب مشروب میشوند ما بعضی را برای خوردن بر بعضی برتری دادیم و این امور را قلنا ادله واضحی بر حکمت ما نیست (یعنی هر کسی فکر و عقل کار بندد خواهد فهمید که این نظم و ترتیب در آسمان و زمین با این خواص مذکور بدست طبیعت نیست بلکه با امر خدائی یا علم و قدرت و حکمت است (۴) و اگر ترا جای تعجب بکار منکران است عجب قول منکران معاد است که میگویند یا ما چون خاک شدیم باز از نو خلق خواهیم شد اینان هستند که مصلحتی خود کافر شدند و ما اینان را زنجیرهای قهر و عذاب بر گردن خود نهاده اند

وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ هَكَذَا نَقِصُوا بِالنَّبِيِّ
 قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلَاتُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ
 لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ وَيَقُولُ الَّذِينَ
 كَفَرُوا لَا تَزِلَّ عَلَيْهِ أَمِينٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ
 مَا فِي اللَّهِ بَعْدَ مَا نَحْمِلُ كُلُّ أُمَّةٍ وَمَا تَعْبُذُ الْآدَامُ وَمَا تَزِدُّوا
 وَكُلُّ نَفْسٍ عِنْدَ عِيقِهَا بِالْعِزِّ الْكَبِيرِ الْكِبَرِ الْتَعَالِ ①
 سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَعَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ
 وَسَارِبٍ بِالنَّهَارِ ② لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ
 مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغْيِرُ مَا يُقِيمُ حَتَّى يَغْيِرَ مَا يَأْتِيهِمْ وَ
 إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءَ فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ دَالٍ
 ③ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوَافًا وَطَعْمًا وَيَنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ
 وَيَسْجُرُ الرِّعْدُ يَحْدُوهُ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ
 فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْحِجَالِ
 ④ لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْمِعُونَ لَهُمْ
 شَيْئًا إِلَّا كَلِيبٌ لَهْجَتُهُ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِأَلِيعَةٍ وَمَا
 دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ⑤ وَلِلَّهِ يَخُذُونَ فِي الثَّمَرَاتِ وَ
 الْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْعُدْوِ وَالْأَصَالِ ⑥ قُلْ مَنْ رَبِّي

و هم اینان اصحاب دوزخ و در آن همیشه معذینند (۵) ایرسول ما کافران
 بجای آمرزش و احسان به تفسیر از تو تقاضای تعجیل در عذاب میکنند
 در صورتیکه چه عقوبتها بر امتان کافر گذشته رسیده که خدا بر ظلم خلق
 هم بسیار صاحب عنو و مغفرت است و هم صاحب قهر و انتقام سخت (۶) و باز
 بطعنه میگویند که چرا خدا بر او آیت و معجزه ای نفرستاد تنها وظیفه تو
 نذر و ترسانیدن خلق از نافرمانی حق است و هر قومیر از طرف خدا در نما نیست (۷) تنه
 خدا میداند که بار حمل آستان عالم چیست و رحمتا چه نقصان و چه زیادت
 خواهد یافت و مقدار همه چیز در علم ازلی خدا معین است (۸) اوست
 عالم به عالم فیض و شهود و بزرگ خدای شمال (۹) در پیشگاه علم ازلی
 اینکه شما سخن بپر گوئید یا آشکار و آنکه در ظلمت شب است یا روشنی
 روز همه یکسانست (۱۰) برای هر چیز پاسبانها از پیش رو و پشت سر
 برگذاشته که با هر خدا او را نگهبانی کنند (و خدا با آنهمه مهربانی بخلق)
 حال هیچ قومی را در گرون نخواهد کرد تا زمانیکه خود آقوم حالشان
 را تغییر دهند و هرگاه خدا اراده کند که قومیرا بپدی اعمالشان عقاب
 کند هیچ راه دفاعی نداشته و هیچکس را جز خدا یارای آنکه آن بلا بگرداند
 نیست (۱۱) اوست که برای بیم از قهر و امید بر رحمت خود برقرار بشما
 مینماید و ابرهای سنگین را هر جانب بر میا نگیزد (۱۲) و رعد و جمنع فرشتگان
 همه از بیم قهر خدا به تسبیح و ستایش او مشغولند و ساعقهها را بر سر هر قومی
 بخواند میفرستد باز هم کافران در قدرت خدای سخت انتقام جد میکنند
 (۱۳) دعوی خدا و رسولان خدا بحق و حقیقت است ولی دعوی غیر خدا
 (و خدای پرستان) همه دروغ است هیچ حاجتی را از خلق بر نیاورند مانند
 آنکس که بر (چاه) آبی دست فرو برد که بیاشامد و دستش به آب نرسد و
 کافران جز بهرمان و ضلالت دعوت نمیکند (۱۴) هر که در آسمانها و
 زمین است یا همه آثار و خودیش بر غیبت و اشتیاق و پیغمبر و الزام شب و روز
 بطاعت خدا مشغولست (۱۵) ایرسول ما از این مشرکان

السموات والأرض قبل الله قل أما اتخذوا من دونه أولياء لا يملكون
لأنفسهم نفعا ولا ضرا قل من استوى الأعرى البصير أم من استوى
الظلمات والنور أم يقولوا لله شركاء خلقوا كخلقه ففتننا بما يخلو
علمهم قل الله خالق كل شيء وهو الواحد القهار ﴿١٥﴾ قل من السماء
ماء فسالك أدوية يقدرها فاحمل السبل زبدًا رايًا وميثا
يوقدون عليه في النار ابتغاء حلية أو متاع زبد مثله كذلك
يضرب الله الحق والباطل فأما الزبد فذهب جفاً وأما ما
ينفع الناس فمك في الأرض كذلك يضرب الله الأمثال للذين
استجابوا للدين الحق الذين لم يسميوا له لوان لهم ما في
الأرض جميعاً ومثله معه لا تجد دابة أولئك لهم نورا يحيا
ومنا وبهم جهنم وبئس المهاد ﴿١٦﴾ من يعمل أثماً أنزل الله من
ربك الحق كمن هو أعمى عما بينده كراولوا الألباب ﴿١٧﴾ للذين
هوون بعهد الله ولا يتقون الميثاق والذين يصلون ما
أمر الله به أن يوصل ويحشون رقابهم ويخافون سوء الحساب ﴿١٨﴾
والذين صبروا ابتغاء وجهه وهم أقاموا الصلوة وأنفقوا مما
رزقنا هم سراً وعلانية ويدرؤن بالحسنة السيئة أولئك
لهم عقبى الدار ﴿١٩﴾ كثات عذب يدخلونها ومن صلح من آبائهم

باز پرس که آفریننده آسمانها و زمین کیست بگو خداست آفریننده عالم پس
 بگو شما خدا را گذاردم و غیر خدا را برای نگهداری و یاری خود بر گزیدید
 در صورتیکه آنها بر سوه و زیان خود هم قادر نیستند آنکه بگو آیا چشم
 نابینای جاهل و دیده بینای ماریف بکسانست یا ظلمات شر و کوبت پرستی با
 نور معرفت و خدا پرستی مساویست یا آنکه این مشرکان شریکانی برای خدا
 یافتند که آنها هم مانند خدا چیزی خلق کردند و مشرکان خلقی خدا و خلقی
 شریکان خدا مشتبه گردید بلکه تنها خدا خالق هر چیز است و او «خدای یکتا کیست
 که همه عالم مقهور دارد» او است (۱۸) خدا از آسمان آبی نازل کرد که در
 هر رودی بقدر وسعت و ظرفیتش سیل آب جاری شود و بر وی سیل کنی بر آمد چنانچه
 فلزاتی را نیز که برای تجمل و زینت (مانند طلا و نقره) یا برای اثاث و
 ظروف در آتش ذوب گشته مثل آب کنی بر آورد خدا بشل این برای حق و
 باطل میزند که آن کف بزودی نابود می شود و اما آن آب و فلز که به غیر و منقمت
 مردم است در زمین باقی میماند خدا مثل آنها را برای فهم بدین روشنی
 بیان میکند (۱۷) آنانکه دعوت حق را اجابت کردند و بعد ایمان آوردند
 بر آنها بهترین پاداش و خوشترین زندگی است و آنان که اجابت نکردند
 اگر مالک و دوبرابر آنچه در روی زمین است باشند آنها فدای آسایش خود
 کنند (مگر از عذاب برهند) و آنها را حساب سخت و جایگاه دوزخ باشد که
 بسیار بدتر از آگاهی است (۱۸) آیا مسلمانیکه یقین می دانند که این قرآن
 بحق از جانب خدا بر تو نازل شده است مقامش نزد حق با کافر نابینای جاهل
 یکسانست و تنها عاقلان متذکر این حقیقتند (۱۹) تنها عاقلانند که هم بعد
 خدا وفا می کنند و هم پیمان حق را نمی شکنند (۲۰) و هم آنچه را خدا امریه
 پیوند آن کرده اطاعت می کنند و از خدا میترسند و از سختی هنگام حساب
 می اندیشند (۲۱) و هم در طلب رضای خدا راه صبر پیش میگیرند نماز بها
 میدارند و از آنچه نصیبشان کردیم بفقرا پنهان و آشکارا انفاق میکنند و در معرض
 بدی های مردم نیکی میکنند اینان هستند که عاقبت منزلتگاه نیکو یافتند (۲۲)
 که آن منزلت بهشتی است که در آن بهشت خود همه پدران و

وَأَرْوَاهُمْ وَذَرْنَاهُمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ۖ
 سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بَعَثْنَا نوحًا فَقَتَلَ نَحْسَهُ النَّارَ ۖ وَالَّذِينَ يُتَفَضَّلُونَ
 مِنْكُمْ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ مِثْلِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ ۖ
 يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۚ وَلَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۖ ۝
 اللَّهُ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ وَفِرْعَوْنُ يَأْتِي بِجُودِ الدُّنْيَا ۚ وَآ
 جُودِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ لَا مَتَاعَ ۖ ۝ لَوْ يَقُولُ الْبَنُونَ كَذَبُوا وَلَوْلَا
 نُزُلُ عَلَيْهِ آيَاتٍ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنْ اللَّهُ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي
 ۖ لَيْسَ مِنْ أَتَابٍ ۖ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَقَطَعُوا فُلُوكُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ الْآ
 يَاتِ كَرِهَ اللَّهُ قَطْعُ الْفُلُوكِ ۖ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 طُوبَىٰ لَهُمْ وَخَيْرُ مَأْوٍ ۖ ۝ كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ
 مِنْ قَبْلِهِمَا أُمَمٌ لِنَتْلُو عَلَيْهِمْ الذِّكْرَ ۖ وَجَنَّا إِلَيْكَ ۖ وَهُمْ يَكْفُرُونَ
 ۖ ۝ الرِّحْمَنُ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ
 ۖ ۝ لَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ ۖ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ ۖ أَوْ
 كَلِمَةٌ مِنْهُ لَمُوتَىٰ بَلْ لَشَيْءٌ الْأَمْرُ جَمِيعًا ۖ ۝ أَفَلَمْ يَنبَأِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَوْ
 يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَىٰ لِلنَّاسِ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا نُصِيبُهُمْ
 بِمَا صَنَعُوا فَاغْرُغْ أَوْ تَحُلْ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ ۖ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ أَلْعَادَ ۖ ۝ لَوْ قَدِ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ

زنان و فرزندان شایسته خویش داخل میشوند در حالی که فرشتگان بر آنها از هر در وارد میگردند: (۴۳) و میگویند سلام و تحنیت بر شما باد که صبر پیشه کردید تا عاقبت نیکو منزلگاهی یاقیند (۴۴) آنانکه پس از پیمان بستن عهد خدا شکستند، هم آنچه خدا امر به پیوند آن کرده (مانند صلح رحم و دوستی علی (ع) و مؤمنان و اولیاء خدا) پاک بگسستند و در روی زمین فساد و فتنه برانگیختند اینان را لمن خدا و منزلگاه عذاب دوزخ نصیب است (۴۵) خدا هر که را خواهد فراخ روزی و هر که را خواهد تنگ روزی میگرداند و (این مردم کافر) بزندگانی و متاع دنیا دلدادند و در صورتیکه دنیا در قبال آخرت متاع ناقابلی بیش نیست (۴۶) کافران (مکه) میگویند چرا آیت وحجت قاطعی از خدا بر او نازل نشد (ای رسول ما) تو با آنها بگو که (حجت قاطعی دارند قرآن و معجزات دیگر آمد اکنون) خدا هر که را خواهد گمراه و هر که را بدرگاه او تضرع و انابه کند هدایت می کند (۴۷) آن ما که بخدا ایمان آورده و دلهایشان بیاد خدا آزاد میگیرد (مردم) آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام بخش دلهاست (۴۸) نانکه بخدا ایمان آورده و بگانه نیکو پرداختند خوشا بر احوال آنها و مقام نیکوی آنها (۴۹) ای محمد (ص) ما ترا میان خلقی بر سالت فرستادیم که پیش از این هم پیغمبران و امت های دیگر بجایشاده بوده و در گذشتند تا بر امت آنچه از ما یوحی بر تو رسد تلاوت کنی و مردم بخدای مهربان کافر می شوند بگو او خدای منست و جز آن خدائی نیست و من بر او توکل کرده ام و روی امیدم همه بسوی اوست (۵۰) و اگر کنایه یا اعجاز بیان کو همارا بر رفتار و مردگان را بگفتار آرد و زمین را از هم بشکافد و زمین قرآن با عظمت است آری فرمان همه عالم با خداست (هر چه خواهد بفرستد ازلی میکند) آیا مؤمنان هنوز ندانسته اند که خدا اگر بخواهد همه مردم را بجبر و الزام هدایت میکند (این نصیحت است زیرا) کافران باید پیوسته از کردار زشتشان بکیفر و سرکوبی رستند یا مصیبتی بر دیار آن ما زود فرود آید تا آنگاه که در محضر و وعده خدا فرا رسد که خدا خلاف وعده نخواهد ای رسول ما مردم بر سولان پیش از تو هم استمراء بسیار کردند از آزار و شکنجه

مَا مَنَّبَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الزَّادَ أَخَذْتُمُوهُمُ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِي أَقْبَنَ لَهُمْ
 مَا زَادَ عَلَى كُلِّ قَوْمٍ عَذَابِي كَثَبْتُ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ
 عَمَّا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ يَظَاهِرُونَ الْقَوْلَ بَلْ ذُنُوبُ الَّذِينَ كَفَرُوا
 مُتَكْرِمَةٌ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ①
 لَهُمْ عَذَابٌ فِي النَّجْمِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُمْ مِنَ
 اللَّهِ مِنْ وَاقٍ مَثَلُ الْيَتِيمِ الَّذِي تُعَذِّبُ الْمُتَّقُونَ خَجَرٍ مِنْ تَحْتِ الْأَكْثَامِ
 أَكَلُوا دَارَهُ وَظَلَمُوا إِلَيْكَ غَفَى الَّذِينَ أَتَوْا وَعَفَى الْكَافِرِينَ
 النَّارُ ② وَالَّذِينَ آمَنُوا هُمْ أَكْبَرُ بِمَا أُزِيلَ إِلَيْكَ وَ
 مِنَ الْآخِرَةِ ابْنٌ يُبْكَرُ بَعْضُهُ قُلُومًا أَمِيرٌ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ
 لَا أَشْرَكَ بِهِ إِلَهُ أَدْعُوا إِلَهُ عَابِي ③ وَكَذَلِكَ أُنْزِلُ إِلَيْكُمْ
 الْحُكْمَ عَرَبِيًّا وَلَنْ تَجِدُوا مِنْهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَتْكُمْ مِنَ الْعِلْمِ مَا
 لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ ④ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا مِنْ قَبْلِكَ
 وَقَعَلْنَا لَهُمْ آذَانًا وَقُرْبَةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا
 بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ آيَةٍ كِتَابٌ ⑤ بِحُجُومِ اللَّهِ مَا يَأْتِي وَبَشِيرٌ وَعِنْدَهُ
 أُمُّ الْكِتَابِ ⑥ وَلَنْ مَانِعَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ نِعْدَهُمْ أَوْ تَوَقُّعَتَكَ
 فَأَتَمَّا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ⑦ أَوْ لَرَبُّوْنَا أَنَا نَافِي
 الْأَرْضِ نَقْضُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ بِحُكْمِكَ لَامَعُوقٌ بِحُكْمِكَ

ما هم با آنها فرصت دادیم تا آنگاه که ایشانرا بمقوت گرفته و با چاه مقاب
 سخت بکفر رسانیدیم (۴۳) آیا خدائی را که نگهبان همه نفوس عالم با
 آثارشان است (فراموش کردند) و برای خدا شریکانی از پیش خود جعل
 کردند بگو که نام خدایان خود برگزیدند یا اینکه شما میخواهید خدا را
 بجای که در زمین از آن آگاه نیست آگاه سازید؟ یا آنکه بظاهر سخنی
 میگویید بلکه کافران را مکر و فسوق در نظر پیا آمده و از راه خدا باز
 ماندند و هر کس را خدا گمراه کند (یعنی پس از اتمام حجت بگمراهی
 واگذارند) دیگر هیچکس وی را هدایت نتواند کرد (۴۴)

بسخت ترین عذاب گرفتار و از بهر خدا ابدان نگهداری ندارند (۴۵) بهشتی که
 متقیان را وعده دادید چنانست که نه را بر زیر درختانش جاری است و
 ما کولاش عیشگی و سایه آن برقرار است این هشت سر انجام اهل تقوی و آتش
 دوزخ سر انجام کافران است (۴۵) آنانکه ما بر آن ها کتاب فرستادیم بر
 این (قرآن) که بر تو نازل شد بسیار خوشوقتند و جماعتی از آنها برخی
 آیات را انکار می کنند آنها را بگو من مأمورم که خدای بکتارا پرستم
 و هرگز با او شرک نیاورم خلق را پسوی او دعوت کنم و باز گشت ما پسوی
 اوست (۴۶) و همچنین ما قرآن را کتابی با حکمت و فصاحت عربی فرستادیم
 و اگر با این کتاب بزرگ علم و دانش که بر تو از جانب خدا آمد باز پیرو
 میل جاهلانه آنها شدی دیگر مدد و نگهداری از خدا نخواهی داشت (۴۷)

و ما رسولانی پیش از تو بخلق فرستادیم و بر همه زنان و فرزندان مقرر
 نمودیم و هیچ پیمبری نبود که بی اذن خدا آیت و معجزی آورد که هر
 امری را وقتی معین مرقوم است (۴۸) خدا هر چه خواهد محو و مقرر
 خواهد اثبات می کند و اصل کتاب مشیت اوست (۴۹) و هرگاه ما در حیات
 تو بر توان و معدنهایی که بر کافران دادیم برخی را پدیدار کنیم یا آنکه پیش از
 وقت گمراهدار آخرت بریم بهر حال بر تو تبلیغ حکم خدا و بر ما حساب
 خلق است (۵۰) آیا مردم ندیدند که ما عزیم سرزمین (کافران) کرده و
 از هر طرف میکاهیم و تنها خداست که در جهان فرمان دهد و هیچ
 کس برود حکمش قادر نیست و

هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ
مَا كَتَبَ كُلُّ نَفْسٍ سَعَلَ الْكُفَّارِينَ لِمَقْعِدِ النَّارِ وَيَقُولُ الَّذِينَ
كَفَرُوا أَتَنْزَلُ أَهْلُ السَّمَاءِ إِلَيْنَا فَيَكُونُونَ مِنْكُمْ وَمَنْ عِنْدَ اللَّهِ الْكُفْرُ
أَكْبَرُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّسُوبُ أَتَزَالُ تُدْعَى إِلَى الْوَيْدِ النَّاسِ مِنَ الظَّالِمِينَ إِلَى الْوَيْدِ
تَوَدُّ إِلَى عَوْرَاتِ الْغُرُفِ الْحَمِيدِ اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا
فِي الْأَرْضِ وَقِيلَ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ الَّذِينَ يَسْتَحْسِنُونَ
الْجَهَنَّمَ الدُّنْيَا عَلَى الْأَرْضِ وَبَصْدُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَتَّبِعُونَ
عِوَابَ الْأَوَّلِينَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ كَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُلِنَا
بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ
مِنَ الظَّالِمِينَ إِلَى الْوَيْدِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا الْفَضْلَ اللَّهِ
عَلَيْكُمْ إِذْ أَخْرَجَكُمْ مِنْ الْغُرُفِ تَبَوُّوا تَكْرُوهَ الْعَذَابِ وَ
يَذْكُرُونَ أَنْبَاءَكُمْ وَيَسْتَحْسِنُونَ ذِكْرًا فِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكَ
عَظِيمٌ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَتَسْمَعُنَّ لِلَّهِ تَكْرُوهً وَلَتَكْفُرُنَّ

اوست که در يك لحظه حساب همه خلق را میکند (۴۱) پیش از ایمان هم بسیاری کافران مکرها کردند پس همه مکروه تدبیرها نزد خداست و او میداند هر کس بچه کار و اندیشه است و کافران بزودی خواهند یافت که عاقبت خوش و منزل سعادت برای کیست (۴۲) کافران بر تو اعتراض کنند که تو رسول خدا نیستی بگو تنها گواه بین من و شما خدا و عالمان حقیقی بکتاب و خدا کافی خواهد بود (۴۳)

سورة ابراهيم درمکه نازل شده و مشتمل بر

پنجاه و دو آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

الر (حروف مقطعه اسرار الهی است) این قرآن کتابی است که ما بتو فرستادیم تا مردم را بامر خدا از ظلمات (جهل و کفر) بیرون آوری و به عالم نور رسانی و براه خدای مقتدوستود صفات و سپارگردانی (۱) بخداییکه هر چه در آسمانها و زمین است همه ملك اوست و اوای بر کافران از آتش قهر و عذاب سخت خدا (۲) کافران یعنی آنانکه زندگانی دنیا را بر آخرت مقدم و محبوب تر دارند و خلق را از راه خدا بر گردانند و آن راه است را بشك و شبهات گج کنند آنان در گمراهی بسیار دورند (۳) و ما هیچ رسولی در میان قومی نفرستادیم مگر بزبان آن قوم تا بر آنها (معارف و احکام الهی را) بیان کند آنگاه خدا هر که را خواهد بظلمات و هر که را خواهد بمقام هدایت میرساند و او خدای مقتدر داناست (۴) ما موسی عمران را با آیات خود فرستادیم و باو دستور دادیم که قومت را از ظلمات جهل و گمراهی بیرون آوری و به عالم نور رسان و روزهای خدا را بپاد آنها آورد که این یادآوری بر هر شخصی که بصورت و شکر گذار است دلالت روشنی خواهد بود (۵) ای رسول ما یاد کن وقتی را که موسی بشوم خود گفت بشما آمد آوردید این نعمت بزرگ خدا را که شما را از پیداد فرعونیان نجات داد که آنها شما را بظلم و شکنجه مستحق میافکنند پس ائتان را کشته دختر ائتان را بقتل میگرداند و این ابتلا و امتحان بزرگی از جانب خدا بر شما بود (۶) باز بخاطر آمدن وقتی که خدا اعلام فرمود که شما بندگان اگر شکر نعمت بجای آورید بر نعمت شما میافزاید و اگر کفران کنید

اِنْ عَنَّا بِكَ لَشَدِيدٌ ⑩ وَقَالَ مُوسَى اَنْ تَكْفُرُوا اَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ
 جَمِيعًا قَالَ اللهُ لَتَقِيَنَّكَ عَذَابِي ⑪ اَلَا يَأْتِيكَ بُرْهَانُ الدِّينِ مِنْ قِبَلِكُمْ قَوْمِ
 نُوْحٍ وَعَادٍ وَثَمُوْدَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ اِلَّا اللهُ جَاءَتْهُمْ
 رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا اَيْدِيَهُمْ فِي اَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا اِنَّا كَفَرْنَا لَكُمْ
 اَرْسُلْتُمْ بِهِ وَاِنَّا لَبِقِيْلُكَ ⑫ اِمَّا تَدْعُونَا اِلٰهَ مُرْسِلٍ ⑬ قَالَتْ رُسُلُهُمْ
 اِنَّا لَمُرْسِلُونَ فَاطْرُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يَذْحِكُكَ لِبَغْيِكُمْ كَذِبٌ
 ذُو يَدٍ وَيَجْعَلُكَ اِلٰهًا جَلِيسًا قَالُوا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَرَدُّوا
 اَنْ تَقْدُرُوْنَ اَعْمٰلَكُمْ اَنْ يَبْعَثَ اٰبَاؤُنَا قَوْمًا يَسْلُطُوْنَ عَلَيْهِمْ ⑭ لَكُمْ
 رُسُلُهُمْ اِنْ كُنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلٰكِنَّ اِلٰهَكُمْ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ
 مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا اَنْ نَأْتِيَنَّكَ يٰ سُلْطٰنُ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَعَلَى
 اللّٰهِ قَلْبُكُمْ كُلُّ الْمُؤْمِنُوْنَ ⑮ وَمَا لَنَا اَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللّٰهِ وَقَدْ هَدٰىنَا
 سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا اَنْزَلْتُمْ عَلٰى اللّٰهِ قَلْبُكُمْ كُلُّ الْمُتَوَكِّلِيْنَ ⑯
 وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلرُّسُلِ لَمْ يَنْزِلْكُمْ مِنْ اَرْضٍ اَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي
 مِلَإِنَا قَاوِمًا اَلَيْسَ لَكُم مَّلٰكُتٌ اَتَالِئِينَ ⑰ وَلَوْلَا كِتٰبُكَ لَتَضَلَّ
 مِنْ بَعْدِهِمْ ذٰلِكَ لَعَلَّنَا خَافَ مَقَامِيْ خَافَ وَعَبَدَ ⑱ وَاسْتَغْنَوْا وَخَافَ
 كُلُّ جَبَّارٍ عَصِيْبٍ ⑲ مِنْ ذٰلِكَ وَآلِهَهُمْ وَبَنِيَّ مِنْ مَّاءٍ صَدِيْدٍ ⑳ بَعْرَعُهُ
 وَلَا يَكْدُرُ عَلَيْهِ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُمْ بِمُعِيْدِيْنَ

بمذاب شدید گرفتار میکنیم (۷) و باز موسی گفت اگر شما و همه اهل زمین یکمرتبه کافر شوید خدا از همه بی نیاز است (۸) آیا اخبار پیمبران شما مانند قوم عاد و ثمود و قوم بحد از اینها که همه در گذشتند و جز خدا کسی بر احوالشان آگاه نیست شما نرسیده که پیغمبران نشان آیات و معجزات دوش بر آنها آوردند و آنها نخواست بدهان فرو برده میگفتند که ما بهر چه شما پیغمبران ما مورد آن هستید کافریم و هم بآنچه شما دعوت میکنید (از خدا و قیامت و بهشت و دوزخ و سایر گفتار تان) در همه شک داریم (۹) رسولان در جواب آنها گفتند آیا در خدا هم که آفریننده آسمانها و زمین است شک توانید کرد (ای بیچارگان گمراه) خدا شما را به مغفرت و آمرزش از گناهان نشان میخواند و میخواهد از تمجیل عقوبت عصیان برهاند و باجل مبین برساند باز کافران گفتند ما شما پیغمبران را مثل خود بگری بیشتر نمیدانیم که بدعوی نبوت میخوانید ما را از آنچه پدران ما میپرسیدند منع کنید (و اگر برستی پیغمبر حجتی) برای ما حجت و معجزی بیاورید (۱۰) رسولان باز یکفران پاسخ دادند که آری ما هم مانند شما بگری بیش نیستیم لیکن خدا هر کسی از بندگان را بخواهد بنعمت نبوت منت میگذارد و ما را نزد که آیت و معجزی الا باذن و دستور خدا بیاوریم مؤمنان باید بخدا در هر حال توکل کنند (۱۱) چرا ما بر خدا توکل نکنیم در صورتی که خدا ما را براه راست هدایت فرموده و الهیته بازار و ستمهای شما صبر خواهیم کرد که او بآپ توکل باید همیشه در همه حال بر خدا توکل کنند (۱۲) باز کافران بر رسولان پاسخ دادند که (دست از این دعوای بدارید و) بائن ما بر گردید و الا ما الهیته شمارا از شهر و دیار خود بیرون میکنیم خدا بآنها وحی فرمود که الهیته ما ستمکاران را ملامت خواهیم کرد محققاً ما شما رسولان (و پیر و اتان) داد در زمین کافران پس از ملامت آنها (در کمال آسایش و آیینی ساکن میگرددانیم و این آسایش نصیب کسی است که خوف خدا در دل دارد و از وضع فقر و مشاقب خدا میترسد (۱۳) و الهیته شح و بیروزی نصیب رسولان الهی است و نصیب هر ستمگر چهار ملاکت و حرمانست از عقب هر گردن کشی ملود آتش دوزخ خواهد بود و آبی کسی آشنای دوزخ آب پلید چرکین است (۱۴) که آن آب پلید را پیوستنی آساید و هیچ گوارای (هی) ندارد و از جانب مکه بر روی آورده و در نرسد تا دار

وَذَاقُوا عَذَابَ غِيظِ اللَّهِ سَلَّ اللَّهُ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ سُلْطَانٍ مُبِينٍ
 أَشَدَّ مِنْ دَافِعِ الرِّيحِ فِي يَوْمٍ عَلَيْكَ غَاصِقُونَ بِمَا كُفَرُوا عَلَى تَحْقِيقِ
 ذَلِكَ مُوَاسَّلَانِ أَلْبَسْنَا لَهُمُ الْآثَانَ اللَّهُ عَلَى السَّمَوَاتِ وَ
 الْأَرْضِ يَا حَيُّونَ إِنَّا بَدَّلْنَاكُمْ وَبَدَّلْنَا بِكُمْ جَدِيدًا وَمَا نَدَّكَ
 عَلَى شَرِّ عَمَلِكُمْ وَكَرَّرْنَا لَكُمْ فِيهِ مَثَلًا لَلَّذِينَ كَفَرُوا
 إِنَّا كُنَّا لَكَ رَبًّا أَهْلَ أَنْتُمْ مَشْفُوعُونَ عَذَابُ شَرِّينَ يَنْفِي الْغُلُوفَ
 لَوْ هَدَيْنَاكُمَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرُنَا أَمْ صَبْرُنَا مَا نَنَازِعُكَ
 مِنْ حَيْثُ شِئْتَ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَنَا قُوَّةٌ أَلَمْ نَكُنْ بِكُمْ وَوَعَدُكَ وَعَدُكَ
 الْحَقُّ وَوَعَدُكَ نَكْرًا فَاعْلَمْ أَنَّكَ لَنْ تَغْلِبَنَا وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكَ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا
 أَنْ دَعَوْتُكَ فَاسْتَجَبْتَ لِي فَلَا تُلْزِمُونِي وَلَوْ مَوَّاهُكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِحِكُمْ
 وَمَا أَنَا بِمُضْمِرٍ عَلَيْكُمْ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلِ
 إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَأَنْزِلِ الَّذِينَ أَسَؤُوا وَاعْمَلُوا
 الصَّالِحَاتِ بِحَبَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ فِيهَا يَدُورُ
 فِيهِمْ يُحِبُّونَ فِيهَا سَلَامٌ ۖ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَّفَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً
 طَبِيبَةً كَجَعَلَهَا طَبِيبَةً أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي
 الْأَعْمَالُ كُلَّ حَيْثُ يَأْتِي رِيقُهَا وَيَصْرِفُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلثَّائِلِينَ لَهَا
 بِنَدَى كَرُونِ ۖ وَمِثْلُ كُلِّ حَبِيبَةٍ كَجَعَلَهَا حَبِيبَةً وَاجْتَلَتْ

در عذاب سخت معذب باشد (۱۵) مثل افعال گناهان که بعد از کافر شدند
 بهر گشتی میماند که در روزتند یاد شدید همه پناه فنا رود و از همه
 کوشش خود هیچ نتیجه نبرند این همان منزلت دور از طریق نجات
 است (۱۶) (ای یقر) ندانستی که خدا آسمانها و زمین را بحق آفریده (و
 برای مقصود بزرگی خلق کرده است) و اگر بخواند شما جنس بهر همه
 را در زمین نابود میسازد و خلقتی دیگر از نومی آفریند (۱۷) و اینکار اسلا
 بر خدا دشوار نیست (۱۸) در روزیکه مردم از قبرها برانگیخته و بهرگاه
 خدا حاضر شوند در آن روز زمینان بگردنکشان گویند ما در دنیا تابع رای
 شما بودیم آیا امروز شما هم از عذاب خدا مارا کفایت خواهد کرد ؟
 جواب دهند که اگر مارا از خدا سادت هدایت بود ما هم شما را هدایت
 میکردیم اکنون هر چه جزع و التماس کنیم یا سبر و تحمل یکسانست
 هیچ از عذاب گریز گاهی نداریم (۱۹) و چون حکم بیایان رسد در آنحال
 شیطان گوید خدا بهما بحق و راستی وعده داد و من به خلاف حقیقت و بر شما
 (برای وعده دروغ خود) هیچ حجت و دلیل قاطعی نیاوردم (و آنها شمارا
 بوعده های دروغی قریبتم) پس امروز شما اهلان که سخن بی دلیل مرا
 پذیرفتید مرا ملاحت میکنید بلکه نفس پر طمع خود را ملاحت کنید که
 امروزه شما فریاد رس من توانید بود و نه من فریاد رس شما من بفرکی
 که شما باغوا می آوردم منتقد نیستم آری در این روز بندگان ماله را
 عذاب خواهد بود (۲۰) و آنان را که بعد ایمان آورده و صلح کرده
 در بهشت هائی برند که از در درختانش نهرها جاریست و همیشه فرمان خدا
 با تعیت و سلام و احترام در آن بهشت میگذرد (۲۱) پر سول ما ندانستی
 که چگونه خدا کلمه پاکیزه را بدرخت زیبایی مثل زده که اصل سابق آن
 بر قرار باشد و شاخه آن با سمان (رفت و سافت) بر شود (۲۲) و آن درخت
 زیبا باذن خدا همه اوقات میوه های ما کول و خوش دهد (مثل جان پاک
 پاداش و معرفت و آثار و کردار نیکو در منتقام برای خود و دیگران
 بدان درخت زیبایی پرثمر ماند) خدا اینگونه مثلهای واضح برای تذکر
 مردم می آورد (۲۳) و مثل کلمه کفر (و روح پلید) ما نتواند درخت پلیدیست که
 ریخته اش بقلب زمین ترو و پلک

مِنْ قُوَى الْأَرْضِ وَالْمَآئِينَ قَرَأَ ۖ ثَلَاثِينَ اللَّهُ الدِّينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ
 الثَّانِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَبُضِلَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ
 تَفَعَّلَ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۝ لَمْ تَر إِلَى الدِّينِ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كَفَرُوا
 أَطْلَقُوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ۝ تَجَهَّمُ يَضْلُونَهَا وَيُفْسِدُونَ أَفْئَادَهُمْ
 جَعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا لِيُضِلُّوهُ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِن مَّصِيرُكُمْ
 إِلَىَّ لَنَارٍ ۝ قُلْ لِحَيَاتِي الَّذِينَ آمَنُوا يُعْطُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا
 رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمُهُمْ لَابِغٌ فِيهِ وَلَا
 خِلَافَ ۝ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَتَزُولُ مِنْ تَحْتِهِ
 مَا تَخْرُجُ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لِّكُمْ وَتَحْتَ لُكُمُ الثَّلَاجُ لِقَرَى
 فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَتَحْتَ لُكُمُ الْأَنْهَارُ وَتَحْتَ لُكُمُ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ
 دَآئِبِينَ وَتَحْتَ لُكُمُ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ ۝ أَلَيْسَ لَكُمْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ
 رِزْقٌ قَدْ دَاوَيْتَ اللَّهُ لَكُمْ لِيُخْصُوا إِنَّ الْأَنَانَ لَظُلُومٌ كَفَادٌ
 ۝ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ لِي الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ
 أَن نَّعْبُدَ الْأَصْنَامَ ۝ رَبِّ إِنِّي أَضَلُّنَ كَثِيرًا مِنَ الثَّانِيْنَ
 بَعِثْ لِي فِيَّ رَسُولًا فَاَتْلُ مَا تُكَلِّمُ ۝ رَبَّنَا إِنِّي أَتُكَلِّمُ
 مِنْ ذُرِّيَّتِي وَإِيَّاهُ غَيْرِي رِزْقٌ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ رَبَّنَا لِيُطِيعُوا
 الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْنَاهُمْ مِنَ

ی زمین افتد (وزود عطف شد) و هیچ نبات و حیوانی نخواهد ماند (۲۴) خدا اهل ایمان را با عقیقه ثابت در دنیا و آخرت پایدار میدارد و ستمکاران را گمراه میگرداند و خدا هر چه بخواهد به اختیار مطلق میکند (۲۵) هیچ نندیدی حال مردمی را که نعمت خدا را بکفر مبذول ساختند (خود) قوم خود را به یار خود بسیار کردند (۲۶) و بدو رخ که بدترین جایگاه است در افتادند (۲۷) و در مقابل خدا امثال و اعدای (مانند فرعونان و بنان) جعل کردند که خود و خلق را از راه خدا گمراه کنند بگو که ای بد بختان این دو روز در دنیا بگذشت دنیوی مغفول باشید که باز گفت شما با نسی بدو رخ خواهد بود (۲۸) و (ای رسول ما) بان بندگان من که ایمان آوردند بگو نماز بدارند و از آنچه روزی آنها کردیم در نهان و آشکار انفاق کنند پیش از آنکه بپاید روزی که نه چیزی توان خرید و نه دوستی کسی (جز به خدا) بکار آید (۲۹) خداست آنکه آسمانها و زمین را آفرید و باران را از آسمان فرو بارید تا انواع ثمرات و حیوانات را برای روزی شما بر آورد و کفنیها را بامر خود بروی دریا و نهرا را بروی زمین با اختیار شما جاری گردانید (۳۰) و خوب و بد و ماه (شب و روز) را برای شما مسخر کرد (۳۱) و از انواع نعمتهایی که از او درخواست کردید بهما عطا فرمود که اگر نعمتهایی انتهای خدا را بخواهید بشماره آورید هرگز (حساب آن نتوانید کرد (با این همه لطف و رحمت خدا با بنی) انسان سخت کفر گش و ستمگراست (۳۲) یاد آروقتی که ابراهیم عرض کرد پروردگارا این شهر (مکه) را مکان امن و امان قرارداد و من و فرزندانم را از پرستی بتان دور دار (۳۳) پروردگارا این بتان (و بت تراشان) بسیاری از مردم را گمراه کردند پس هر کسی (دردا) توحید و خدا پرستی پیرو من است و از من است و هر که مخالفت من کند (و را مشرک و صیان پوید اعتبارش با نیست که) خدای بخشنده و مهربانی (۳۴) پروردگارا من ذریه و فرزندان خود را بپادی می گفتم و درمی نزد بیت العرام تو برای بیاد داشتن نیاز مسکن دادم بهار خدایا تودلهای مردمان را بسوی آنها مایل گردان و

الْكَرَامِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿١٠﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نَعْتَلِي وَمَا
يُخْفِي عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿١١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَى
لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعٌ الدُّعَاءِ ﴿١٢﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي
مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ذُنُوبَنَا وَنُقَلِّدُكَ عِلْمًا ﴿١٣﴾ رَبَّنَا الْخَيْرُ لِي
فِي الْوَالِدَيْنِ وَالْيَتَامَى يَوْمَ الْيَقِينِ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٤﴾ وَلَا تُخَسِّبْ اللَّهُ
غَايِلًا غَمًّا بِجَلِّ الظَّالِمِينَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿١٥﴾
فُطِعَ عَلَيْهِمْ بُغْيُهُمْ فِي سَمْعِهِمْ لَا يَسْمَعُونَ لَهَا وَتَرْجَأُ لَهُمْ أَفْئُدُهُمْ كُلًّا
﴿١٦﴾ وَأُتِيَ النَّاسُ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا
آخِرْنَا إِلَى آجَلٍ قَرِيبٍ يُجِيبُ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعُ الرُّسُلَ أُولَئِكَ كَانُوا
أَقْبَمَهُمْ مِنْ قَبْلِ مَا كَانُوا مِنْ دُورٍ ﴿١٧﴾ وَسَكَنُكُمْ فِي سَاكِنِ الَّذِينَ
ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْكَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْآلَمَاتِ
﴿١٨﴾ وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ
لَيُرْوَلُ مِنْهُ إِنْ كَانَ إِحْسَالًا ﴿١٩﴾ فَلَا تَقْبَلَنَّ اللَّهُ تَخْلِيفَ عَيْدٍ مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذُو الْفَيْفَاءِ ﴿٢٠﴾ يَوْمَ يُبْدَلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءُ
وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿٢١﴾ وَتَرَى الْجِبِينَ يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ فِي
الْأَصْفَادِ ﴿٢٢﴾ سَرَّابِلُهُمْ مِنْ قَطَرٍ أَوْ تَغْشَى وَجُوهَهُمُ النَّارُ ﴿٢٣﴾ لِيَجْزِيَ
اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٤﴾ هَذَا بَالِغُ الْأَمْرِ لِلنَّاسِ

با نواع ثمرات آنها را روزی ده باشد که شکر تو بجای آرند (۳۵) پروردگارا
 تو بهر چمنای پنهان و آشکار کنیم بر همه آگاهی (که تو خدایی) و بر خدا البته
 هیچ چیز در آسمان و زمین پنهان نیست (۳۶) ستایش خدای را که بمن
 در زمان پیری دو فرزندم اسمعیل و اسحاق را عطا فرمود که پروردگار
 من البته دهای پندگان را خواهد شنید (۳۷) پروردگارا من و ذریه
 مرا نمازگذار گردان و بارالها دعای ما را اجابت فرما (۳۸) بارالها
 روزی که حساب بپایا می شود تو در آن روز سخت بر من و والدین من و همه
 مؤمنان از کرم ببخشا (۳۹) و هرگز مپندار که خدا از کردار مستکاران
 قائل است بلکه کثیر ظالمان را بتأخیر می افکند تا آن روزیکه چشم
 هایشان در آن روز غیبه و حیرانست (۴۰) در آن روز سخت آن مستکاران
 همه شتابان سر بیلا کرده و چشمها واله مانده و دلهاشان از شدت عذاب
 بهشت و اضطرابست (۴۱) ای رسول ما مردم را از روزی که هنگام عذاب
 و کثیر اعمالشان فرامیرسد بترسان و آگاهشان ساز که مستکاران خلق
 خواهند گفت پروردگار عذاب ما را بتأخیر افکن تا دعوت ترا اجابت
 کنیم و پیرو رسولان توشویم یا آنها پاسخ آید که آیشما بارها پیش ازین
 سوگند یاد نمی کردید که ما را ابد از دوزخ و عذاب بخواهد بود (۴۲) مستکاران
 مستکاران بودند که در منازل مستکران پیش از خود مسکن گزیدید و
 حال آنکه مشاهده کردید که عاقبت ما بر پنجه قهرمرا که چه بر سر آنها
 آوردیم (۴۳) و آن مستکاران بزرگترین مکر و مهمترین سیاست خویش را
 بکار بردند ولی چسود که پیش خدا مکر آنها (میچ) است هر چند بیکر
 خود کرمها را از جای برکنند (۴۴) پس هرگز مپندار که خدا و عده
 رسولان را خلاف کند که البته خدا بر هر کار مقتدر است و از مستکاران
 انتقام خواهد کشید (۴۵) روزی که زمین را بپیرایین زمین میل کنند و هم
 آسمانها را (دگرگون سازند) و تمام خلق در پیشگاه حکم خدای یکتای
 قادر قاهر حاضر شوند (۴۶) و در آن روز بدکاران و گردنکشان را زیر
 زنجیر قهر خدا مشاهده خواهی کرد (۴۷) و بینی که پیراهنهای از می
 گداخته آتشین بر تن دارند و در شعله آتش چهره آنها پنهانست (۴۸)
 (اینگونه عذاب) بر آنست تا خدا هر شخص را بیکفر کردارش برساند که
 خدا یک لحظه ب حساب خلق خواهد رسید (۴۹) این (قرآن عظیم) حجت
 بالغ برای جمیع مردم است

يَسْتَدْرِكُوهُ وَلَعَلَّهُمْ آثِمُونَ ١٩٩
 وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِئِمَّةِ الْمَلَأِئِمَّةِ الْمَلَأِئِمَّةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنُ يَلِكُ آيَاتِ الْكِتَابِ قُرْآنٍ مُبِينٍ ١
 رُبَّمَا هُوَ الَّذِي كَفَرُوا
 لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ ٢ وَرُبَّمَا يَكُلُوا وَيَمْتَعُوا بِطَوْلِ رَبِّهِمْ الْأَمَلِ فَتَأْتِي
 يَعْلَمُونَ ٣ كَوْمًا مَّهْلَكًا مِنْ قَرِينِهِمْ ٤ وَلَهَا كِتَابٌ مَكْلُومٌ ٥ فَاتَّبَعُوا
 مِنْ أَمْرِهِمْ أَجْلًا هُمْ وَمَا يَسْتَأْذِنُونَ ٦ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ
 عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَجَاهِلٌ بِالْحَقِّ ٧ لَوْ مَا تَأْنِيْنَا بِاللَّعَنَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ
 الضَّالِّينَ ٨ مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا امْتَنَرْنَا
 ٩ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ١٠ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ
 قَبْلِكَ فِي شَيْعِ الْأَوَّلِينَ ١١ كَوْمًا بَابِئِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ
 يَسْتَهْزِئُونَ ١٢ كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْغَافِرِينَ ١٣ لَا يُوَسْوِسُونَ بِهِ
 وَقَدْ خَلَقْنَا سِرَ الْأَوَّلِينَ ١٤ وَلَوْ فَتَنَّا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا
 فِيهِ يَسْعُرُونَ ١٥ كَقَالُوا إِنَّمَا سَكِرْنَا بَصِيرًا فَبُذِلَ لَكُمْ قَوْمٌ مَمْنُونٌ ١٦
 وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ١٧ لِكَيْ لَا تَرَوُوهَا
 مِنْ كُلِّ شَبَاطَانٍ رَجِيمٍ ١٨ إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ يَشْهَدُ فِيهَا بِشَاطِينٍ
 ١٩ وَالْأَرْضُ مَدَدُ نَارٍ هَامٍ وَالْقَبْاطِيفُ هَامٍ وَابِئْسَ مَا تَشْتَكُونَ ٢٠

تا خلائق اذن پند گرفته و خدا ترس شوند و تا صوم بهر خدا را بیگانگی
پنهانند و تا صاحبان عقل متذکر و هوشیار گردند. (۵۰)

**سوره حجر در مکه معظمه نازل شد و مشتمل بر نود و نه آیه
میباشد**

بنام خدای بخشنده مهربان

الھ (اسرار این حروف نزد خدا و رسول است) اینست آیات کتاب خدا
قرآنیکه راه حق و باطل را روشن و آشکار میگرداند (۱) کافران ای بسا
آرزو کنند که کاش مسلم و خدا پرست بودند (۲) رسول ما این کافران
را بطور دو خواب طبیعت و لذات حیوانی و گذار تا آمال و اطمینانی
آنانرا غافل گرداند تا نتیجه این کامرانی بیهوده را بزودی ببینند (۳)
و ما هیچ ملک و ملتی را هلاک نکردیم جز به ننگی مبین (۴) اهل بیج قومی
از آنچه در علم حق مبین است يك لحظه مقدم و مؤخر نخواهد شد (۵)
کافران گویند ای کسی که مدعی آنی که قرآن از جانب خدا بر من نازل
شده تو بشیده ما محققاً دیوانه‌ای (۶) اگر راست میگوئی چرا فرشتگان
بر ما نازل نمیشوند (۷) ما فرشتگان را جز برای حق و حکمت و مصلحت
نخواهیم فرستاد و آنگاه که بفرستیم دیگر کافران لحظه‌ای بر عذاب و
هلاکتشان مهلتی نخواهند یافت (۸) البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم
و مامور او را محققاً محفوظ خواهیم داشت (۹) و ما پیش از تو هم رسولانی
بر اسم سالفه فرستادیم (۱۰) ولی هیچ رسولی بر این مردم ندادن نمی‌آید
جز آنکه باستخفاف او می‌پردازند (۱۱) ینگونه ما قرآن را در دل زشتکاران
(و کافران) داخل سازیم (۱۲) که کافران بآن ایمان نمی‌آورند و نسبت
بر رسولان و کتب آسمانی عادت امم سابقه هم مانند امت تو بر همین انکار
و استهزاء گذشت (۱۳) اگر ما بر این کافران امت دردی از آسمان بکشاییم
تا دایم بر آسمانها روج کنند (۱۴) باز هم بر انکار تو خواهند گفت چشمان
ما را (محد) فرو بسته و در ما سحر و جادویی بکار برده است (۱۵) ما در
آسمان آگاه‌های بلند بر افراشتیم و بر چشم بینایان عالم آن کاخ‌ها را بزیب
و زیور بیاراستیم (۱۶) و آنرا از دستبرد شیطان مردود محفوظ داشتیم
(۱۷) لیکن هر شیطان برای سرقت سمع با آسمان نزدیک شد تیر شهاب شعله
آسمانی او را تعقیب کرد (۱۸) و زمین را هم ما بگستر دیم و در آن
کوهای عظیم بر نهادیم و از آن هر گیاه و هر نبات

كُلُّ نَفْسٍ مَوْزُونٌ ① وَجَعَلْنَا لَكَ فِيهَا مَعَاشٍ وَمَنْ لَمْ يَلِمْ لَهَا بِرَأْفَةً
 ② وَإِنْ مِنْ نَفْسٍ إِلَّا عِنْدَ خِزَانَتِهِ وَمَا نَشْرُهُ إِلَّا يُعَذِّبُ مَعْلُومٌ
 ③ وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاحٍ قَانُوتٍ لِنَأْتِيَ السَّمَاءَ مَاءً فَانْقُتِبْنَا كُوهٌ
 وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ④ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ نُجُي وَنُجِيبُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ⑤
 وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكَ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ⑥
 إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْكُمُ إِنَّهُ هَكِيمٌ عَلِيمٌ ⑦ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ
 مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ⑧ وَالْإِنْسَانَ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ
 السُّمُومِ ⑨ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ
 مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ⑩ فَإِذَا سَوَّيْنَاهُ وَفَضَّيْنَاهُ مِنْ رَوْحٍ فَعَمَلْنَا
 لَاجِدِينَ ⑪ فَسَجَدَ الْمَلَأِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ⑫ إِلَّا إِبْلِيسَ ابْنِ
 بَكُورٍ مَعَ السَّاجِدِينَ ⑬ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ
 السَّاجِدِينَ ⑭ قَالَ لَأَكُونَ لِلْإِنْسَانِ عَلِيًّا خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ
 مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ⑮ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ⑯ وَإِنْ عَلَيْكَ
 اللَّعْنَةُ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ⑰ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ⑱
 قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ⑲ إِلَى يَوْمِ الْوَقْدِ الْمَعْلُومِ ⑳ قَالَ رَبِّ بِمَا
 أَغْوَيْتَنِي لَأَآتِيَنَّكَ فِي الْأَرْضِ لَأَغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ㉑ إِلَّا
 عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْخَالِصِينَ ㉒ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ㉓

مناسب و موافق حکمت و عنایت پرویا نیدیم (۱۹) و در آئین هم لوازم
مماش و زندگانی شایع بهر را میا کردیم و هم بر سایر حیوانات از طیور
و دواب و سباع و غیره که شما با آنها روزی نمیدید قوت و غذا فراهم ساختیم
(۲۰) هیچ چیز در عالم نیست جز آنکه منبع و خزینة آن نزد ما خواهد
بود ولی از آن بر عالم خلق الا بقدر معنی که مصلحت است نپسرسیم (۲۱)
و ما پادشاهای آیین کن رحم طبیعت را فرستادیم و هم باران را از آسمان
فرود آوردیم تا بآن آب شایات و حیوانات و حیوانات شاد را سیراب گردانیدیم
(و گردید) شما نمیتوانستید منبع ساخته و جاری سازید (۲۲) و ما ای که بخلاق
را زنده میکنیم و میبیرانیم و وارث همه خلق که فانی میشوند ما هستیم (۲۳)
و البته علم ما همه گذشتگان و آیندگان شما احاطه کامل دارد (۲۴) و البته
خدای توحه خلاق را معشور خواهد کرد که کار او از روی علم و حکمت
است (۲۵) و ما انسانی را از گل ولای سالخورده تغییر یافته بیافریدیم
(۲۶) و طایفه دیوان را پیشتر از آتش گذاشته خلق کردیم (۲۷) و آنگاه
که پروردگار بارشنگان عالم اظهار فرمود که من بشری از ماده گل ولای
که نه تغییر خلق خواهم کرد (۲۸) پس چون آن عنصر را منتقل بپارایم و
در آن از روح خویش بدم همه بر او سجد کنند (۲۹) همه فرشتگان عالم
سجده کردند (۳۰) مگر ابلیس که از سجده آدم امتناع ورزید (۳۱) خدا
بشیطان فرمود که ای شیطان برای چه تو با ساجدان آدم سر فرود نیاوردی
(۳۲) شیطان پاسخ داد که من هرگز به بشری که از گل ولای کهنه
خلقت کرده ای سجده نخواهم کرد (۳۳) خدا هم با او با قهر و
عتاب فرمود که پس چون سجده نمیکنی از صف ساجدان خارج شو که بر
را نده در گاه ماضی (۳۴) بولست ما تا روز جزا بر تو محقق و حتمی گردید
(۳۵) شیطان از خدا درخواست کرد که پروردگارا پس مرا تا روز قیامت
که خلق مبعوث میشوند مهلت و طول عمر عطا فرما (۳۶) خدا فرمود آری
ترا مهلت خواهد بود (۳۷) تا بوقت تعیین و روز معلوم (۳۸) شیطان گفت
خدا یا چنانکه مرا اگر آه کردی من نیز دوزمین (همه چیز را در نظر فرزندان
آدم جلوه میدهم و همه آنها را گمراه خواهم کرد (۳۹) بجز پندگان پاک و
خالص تو را (۴۰) خدا فرمود همین اخلاص و پاکی سریرت را مستقیم بدار که
رضای منست (۴۱)

إِنَّ عِبَادِي لَنَرَىٰ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ
 وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٢٠٢﴾ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ
 مِنْهُمْ بُزْءٌ مَّقْصُومٌ ﴿٢٠٣﴾ هَؤُلَاءِ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ؕ دُخُلُوهَا
 بِسَلَامٍ أَمِينٍ ﴿٢٠٤﴾ وَتَرَعْنَاهَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَا
 سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٢٠٥﴾ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿٢٠٦﴾
 نَتَقَىٰ عِبَادِي فِي آثَارِ الْغُفُورِ الرَّحِيمِ ﴿٢٠٧﴾ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ
 الْأَلِيمُ ﴿٢٠٨﴾ وَنِدَعُهُمْ عَنْ صُرُفِهِمْ ﴿٢٠٩﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا
 سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنكُمْ وَجِلُونَ ﴿٢١٠﴾ فَقَالُوا لَا تَنْبِرُكَ يَعْزَلِيمُ
 عَلَيْهِمْ هَٰذَا آبَتْ ثَمُودُ عَلَىٰ أَنْ مَسَّيْنَا الْكَرْفِيمَ فَتَنَبَّرُونَ ﴿٢١١﴾ فَقَالُوا
 بَشِّرْنَاكَ يَا حُجَيُّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْفَانِطِينَ ﴿٢١٢﴾ هَٰذَا وَمَنْ يُفْطَنُ مِنْكُمْ
 رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٢١٣﴾ هَٰذَا مَا خَطَبُكُمَا إِلَيْهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٢١٤﴾ فَقَالُوا
 إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ هَٰجِرِينَ ﴿٢١٥﴾ وَلَا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمَكْرُومٌ أَجْمَعِينَ ﴿٢١٦﴾
 وَلَا أَمْرًا قَدْ زَنَانَا إِلَيْنَا مِنَ الْغَايِرِينَ ﴿٢١٧﴾ فَقُلْنَا جَاءَ آلَ لُوطٍ
 الْمُرْسَلُونَ ﴿٢١٨﴾ فَقَالَ لَكَ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٢١٩﴾ فَقَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا
 فَعِدَّةً يَسْتَرْوْنَ ﴿٢٢٠﴾ هَٰذَا لَبَنَّاكَ يَا حُجَيُّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٢٢١﴾ فَتَأْسِرْ
 بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ الْبَلِّ وَأَتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْقَئُكَ مِنْهُمْ أَحَدٌ
 وَامْضُوا حَتَّىٰ تُؤْمَرُوا ؕ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ

و هرگز ترا بر بندگان (با خلوص من تسلط و غلبه نخواهد بود لیکن اقتدار و سلطه تو بر مردم نادان گمراهی است که پیرو تو شوند (۴۲) و البته تو همه گناه جمیع آن مردم گمراه نیز آتش دوزخ خواهی بود (۴۳) که آتش دوزخ را هفت دراست مردی برای ورود دسته از گمراهان معین گردیده است (۴۴) اهل تقوی را البته با آنها و نه برای جای خواهی بود (۴۵) که شما با درود و سلام و با کمال ایمنی و احترام بهشت ابد وارد شوید (۴۶) ما آئینه‌های پاک آنها را از کدورت کینه و حسد و هر خلق ناپسند بکلی پاک و پاکیزه سازیم تا همه با هم برادر و دوستدار میشوند و روپوشی یکدیگر بر تخت عزت بنشینند (۴۷) در صورتیکه هیچ رنج و زحمت در آنها نباشد و هرگز از آن بهشت ابد بیرونشان نکنند (۴۸) پسندگان مرا آگاه ساز و مژده‌بر که من بسیار آمرزنده و مهربانم (۴۹) عذاب من بسیار سخت و دردناک است (۵۰) هر چند گناه را از حکایت فرشتگان میمانان ابراهیم آگاه ساز (۵۱) بگو که چون آن همه نان بر ابراهیم وارد شدند و بر او سلام دادند ابراهیم گفت من از اینکه شما بدون اذن و بیسوق بر من درآمدید بیسناکم (۵۲) گفتند هیچ متوسل که ما آمده‌ایم تو را بفرزندی دانا از جانب خدا بشارت دهیم (۵۳) ابراهیم گفت مرا در این سن پیری مژده فرزند میدهی نشان این مژده چیست (۵۴) گفتند ما تو را بحق بشارت دادیم و تو هرگز از لطف خدا نومیذ میباش (۵۵) ابراهیم گفت آری هرگز هیچ مردم نادان کسی از لطف خدا نومیذ نیست (۵۶) نگاه ابراهیم بر سق کرد که ای رسولان حق باز گوید پرچه کار بموت شده‌اید (۵۷) فرشتگان پاسخ دادند که ما را هر علق قومی زشتکار فرستاده‌اند (۵۸) مگر اهل بیت لوط و خانواده نبوت که آنها را همه از بلا نجات خواهد داد (۵۹) زدن لوط که آنها چنین مقرر داشتیم که باز زشتکاران علق شود (۶۰) نگاه فرشتگان فرستاده حق بر لوط و خانواده او وارد شدند (۶۱) لوط با فرشتگان گفت شما اشخاص نا آشناید من هیچ شمارا نمی‌شناسم (۶۲) پاسخ دادند که ما برانجام وعده عذاب که قومت در آن بعلت و انکار بودند فرستاده‌ایم (۶۳) بحق و راستی بسوی تو آمده‌ایم و آنچه گوئیم صدق محض است (۶۴) پس تو ای لوط با خانواده ات شبانه از این دیار بیرون شو و همه اهل بیت پوچا پیش خود از بی آنان بروید و هیچک باز پس ننگرید بلکه بدانو که مامورید بفرست روان شوید (۶۵) و بر او این فرمان را که قومت تا آخرین افراد صبحگاه

نَايِرَ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُضْحِكِينَ ﴿٦٥﴾ وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ لِيُتَشَكَّرَ
 لَهُ ﴿٦٦﴾ قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفُكَ لَا تَقْضُونَهُ ﴿٦٧﴾ وَأَتَوْا اللَّهَ وَلَا تَحْزَنُونَ
 ﴿٦٨﴾ قَالُوا أَوَلَمْ نَكُنْ مِنْ الْعَالَمِينَ ﴿٦٩﴾ قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتُكُمْ كُنْتُمْ
 فَأَعْلَيْنَ ﴿٧٠﴾ لَعَنُوا أَهْلَهُمْ لَبَّى تَكَرَّرُ يُعْمَهُونَ ﴿٧١﴾ فَأَخَذَ قَوْمُ الْقَبْضَةِ
 مُشْرِفِينَ ﴿٧٢﴾ فَجَعَلْنَا عَلَيْهِمْ سَافِلًا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مِحَالًا مِنْ
 يَجِيلُ ﴿٧٣﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٤﴾ وَإِنَّهَا لَإَيَّاسِيلٌ
 مُقِيمٌ ﴿٧٥﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٦﴾ وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَنْبِيَاءِ
 لَظَالِمِينَ ﴿٧٧﴾ فَانْزَعْنَاهُمْ مِنْهُمْ وَإِنَّهُمْ لِبَالِيَاءٌ مَرْمِيُونَ ﴿٧٨﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ
 أَصْحَابُ الْأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٩﴾ وَاتَّبَعْنَاهُمْ إِلَّا بَنِي إِسْرَءِيلَ فَكَانُوا عَمَلًا مَعْرُوفِينَ ﴿٨٠﴾
 وَكَانُوا يَتَنَبَّؤُنَ مِنَ الْجِبَالِ يَبُوءُونَ بِأَمِينٍ ﴿٨١﴾ فَلَمَّحْنَاهُمْ لِنُصَبِّحَهُمْ
 مُضْحِكِينَ ﴿٨٢﴾ ثُمَّ أَخَذْنَاهُمْ مِمَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٣﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا آيَاتٍ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآيَةٌ فَاصِحَةٌ
 الصَّغِيرُ الْجَبِيلُ ﴿٨٤﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨٥﴾ وَلَقَدْ أَتَيْنَاكَ
 سَبْعًا مِنْ الْأَنْبِيَاءِ الْفُرَّانِ الْعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ لَا تَمْدَدُنْ عَيْنَكَ إِلَى مَا
 مَتَعْنَاهُ أَرْوَاهُ جَانِبُهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ مِنْ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٧﴾
 وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿٨٨﴾ كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿٨٩﴾
 الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿٩٠﴾ قُورَتْكَ لَنَسَلْنَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩١﴾

ملائک می شوند و حی کردیم (۹۶) و قوم لوط آگاه شده خوشحال بغیال
 کامرانی بغانه اوشدند (۹۷) لوط بقوم خود گفت این جوانان در منزل
 من مهمانند مرا بازردن ایشان شرمارمکنید (۹۸) از خدا بترسید و در
 کار مهمان غریب مرا خجل مگردانید (۹۹) قوم گفتند آیات ما ترا از حمایت
 عالمیان منع نکردیم چرا (حمایت) کردی (۷۰) لوط بقوم خود گفت من این
 دخترانم را بنگاشتم امیدم تا اگر خیال علی داری بدانجام دهید (۷۱) ای
 محمد بجان تو قسم که این مردم نیا همیشه مست شهوات نفسانی و بصیرت
 و غفلت و گمراهی خواهند بود (۷۲) باری قوم لوط هنگام طلوع آفتاب همیشه
 آسمانی ملائکه شدند (۷۳) و شهر و دیار آنها را زیر ویر ساخته و آتوم را
 سنگباران عذاب کردیم (۷۴) و در این عذاب هوشمندانی را عبرت و بصیرت
 بخیار است (۷۵) و این ویرانه برقرار و طریقی برای عبرت صاحبان افکار است
 (۷۶) ایها نادانان این عقوبت بدکاران اهل ایمان را آیت و عبرت است (۷۷) و اهل شهریکه
 هم بسیار مردم بشکارتی بودند (۷۸) آنها را نیز بکشت و ساقط کردیم و این
 مرد و شهر برای اهل اعتبار راهی روشن و آشکار است (۷۹) و اصحاب حجر
 هم رسولان ما را بکلی تکذیب کردند (۸۰) و از آیاتی که ما بر آنان
 فرستادیم روگردانیدند (۸۱) و در کوهها منزل میساختند تا از خطر این
 باشند (۸۲) سبکگاهی میساختند و آنها را نابود کرد (۸۳) و بفراز کوه
 هم با همه ذخایر و ثرویات ملائکه را نبردند (۸۴) و ما آنها را زمین
 و هر چه در بین آنهاست بجز برای مقصودی صحیح و حکمتی بزرگ خلق
 نکرده ایم و البته ساعت قیامت آن حقیقت است و خواهد آمد اما اکنون تو ای رسول ما از این
 منکران نیکو گرد (۸۵) محققا پروردگار تو آفریننده دانایمست (۸۶)
 ای محمد همانا ما هفت آیه را (در سوره حمد) و این قرآن با عظمت را بر تو
 فرستادیم (۸۷) چشم از این فتنه ناقابل دنیوی که پلایه ای از مردم کافر
 برای امتحان دادیم البته بیوش و پراپانانند و مغرور و اهل ایمان را زیر پر
 و بال علو حکمت خود گیر و با کمال حسن خلق پیروان (۸۸) و بگو من
 رسولم که برای اندرز و ترسانیدن خلق از عذاب قهر خدا یاد دلیلی روشن
 آمده ام (۸۹) آنکه نهاده ای که برگسانی که آیات خدا را قسمت کردند
 نازل نمودیم (۹۰) آنانکه قرآن را جزء جزه و پاره پاره کردند (۹۱)
 قسم بخدا ای تو که از همه آنها سخت مؤاخذه خواهیم کرد (۹۲)

عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٩٤﴾ مَا صَدَّعُنَا تَوْفِيرًا وَعَرَّضْنَاكَ لِلْمُشْكِرِينَ ﴿٩٥﴾ هَٰذَا
 كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿٩٦﴾ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُتَوَفَّ
 يَعْلَمُونَ ﴿٩٧﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ تَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٨﴾ فَاصْبِرْ
 بِحُجَّتِكَ لِمَنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٩﴾ وَاعْبُدْ بَنِيكَ الَّتِي بَانِيكَ الْبَعِيثُ ﴿١٠٠﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 أَنَّى أَمَرَ اللَّهُ فَلَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٠١﴾
 يُزِيلُ الْمَلَكُ الْكَلْبَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَأَنْ
 أَنْذَرُوا اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ﴿١٠٢﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٠٣﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ
 خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿١٠٤﴾ وَالْأَنفَامُ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا
 تَأْكُلُونَ ﴿١٠٥﴾ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرْجَعُونَ وَحِينَ تُسْرَحُونَ ﴿١٠٦﴾
 وَقِيلَ لَنَا لَكَ إِلَىٰ بَلَدٍ تَكُونُوا بِالْعِيشِ إِلَّا يَشُقُّ الْأَنْفُسُ
 رَبُّكُمْ لَرُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٠٧﴾ وَالْجِبَلُ وَالْيَغَالُ وَالْحِمَىٰ لَتَرْكَبُنَّهَا
 زِينَةً وَتَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٠٨﴾ وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا
 جَاوِزٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٠٩﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
 لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ يُخْرِجُ فِيهِ شَجَرٌ لَّهُبُكٌ لَكُمْ فِيهِ

(روزی) از آنچه میکنند بازخواست میشوند (۹۲) پس تو پندای بلند آنچه مأموری بخلق برسان و از مشرکان روی بگردان (۹۳) همانا ما ترا از شر تمسخر و استهزا کنندگان مشرک محفوظ میداریم (۹۴) آنانکه با خدای یکتا خدائی دیگر گرفتند بزودی خواهند دانست (۹۵) ما میدانیم که تو از آنچه امت در طعنه و تکذیب تو میگویند سخت دلننگ میشوی (۹۶) غم مخور و بذكر اوصاف کمال پروردگار ت بسبب گو و از نماز گذاریان باش (۹۸) و دایم پیوستش خدای خود مشغول باش تا ساعت یقین بر تو فرا رسد (۹۹)

سوره نحل در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۱۲۸ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

فرمان خدا بزودی فراموش پس سخنانی تمجیل آن مکنید خدای یکتا متعالی و منزله از شرک شرکانت (۱) خدا فرشتگان و روح را بر خود برهر که از بندگان خواهد میفرستد تا او خلق را اندزداند و از ضلالت شرک بعدا پشیمان و پشیمانان بندگان بنهاند که عالم را خدائی جز من نیست تا تنها از من و عتاب من بترسند (۲) خدا آسمانها و زمین را برای فرضی محقق و حکمتی بزرگ آفرید و از آنچه مشرکان شرک آورند متعالی و منزله است (۳) آنرا انسان را از آب نطفه بیافرید آنگاه بصوت شهادت بر خاست (۴) و چهار پایا را برای امتناع شایع بر خلق کرد تا از خود بوی و بوی آنها دفع مردی و گری کرد و فوائدهای دیگر برید و از شر و گوشتان غذای ما کول سازید (۵) و گوسفانها را نگاه برگرداند تا مباحگاه بهر بیرون روند و بیواقتضای شما باشند یا از کوفت و بوی آنها بفرمانده انواع لباسهای فاخر کنید (۶) و بارهای سنگین شما را که جز بخت بسیار نتوانید بر دواز شهری بفرید دیگر برند که خدا در بار شما و فرموده مهربان است (۷) و آب و استرواح را برای سواری و تحمل مسخر شما گردانید چیز دیگری هم که شما هنوز نمیدانید برای شما خواهد آفرید (۸) از هر خدایت بیان عدل و راستی و پستی را حیا راه چور و ناراستی است و اگر خدا میخواست بهر شما را همگی براه هدایت و جنت میکشید (۹) اوست خدائی که آب را از آسمان فرو فرستاد که از آن بیافامید و درختان پرورانی دهد (۱۰) و هم در امتحانهای شما

الرِّزْقَ وَالرَّيْنُونَ وَالنَّجِيلَ وَالْأَغْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي
 ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ١١ وَنَحْنُ لَكَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَ
 النَّفْسَ وَالْعَصَى وَالْجُومَ مُصَوِّرَاتٌ بِأَمْرِ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
 لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ١٢ وَمَا ذَرَأْنَا لَكَ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي
 ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ١٣ وَهُوَ الَّذِي يَخْرِجُ النُّجُومَ لِيَأْكُلُوا
 مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْفِهُوا مِنْهُ خِلَابَةً تَلْبِسُونَهَا وَتَرَى الْفَلَكَ
 مُوَافِقِيهِ وَلِيَبْتَلُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكَ تَشْكُرُونَ ١٤ وَاللَّهُ فِي
 الْأَرْضِ وَابِئْسَ أَنْ تَمِيدَ بِكَ وَأَنْهَا زَاوِسُهَا لَعَلَّكَ تَهْتَدُونَ
 ١٥ وَعَلَامَاتٌ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ١٦ أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ
 أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ١٧ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ
 لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ١٨ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ١٩ وَالَّذِينَ
 يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ٢٠ مَوَاتٌ
 غَيْرَ أَحْيَاءَ وَمَا يَشْعُرُونَ أَتَانُ يَسْجُدُونَ ٢١ لِمَكَرِ إِلَهِ وَاحِدٌ
 قَالَتِ الْيَهُودُ لَا يَأْمُرُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرًا وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ٢٢
 لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُغِيبُ
 الْمُسْتَكْبِرِينَ ٢٣ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أُنْزِلَ رَبُّكُمْ قَالُوا آسَاطِيرُ
 الْأَوَّلِينَ ٢٤ لِيُحِيلُوا آوَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَمِنْ أَوَّلِهَا

از آن آب باران برویانند و رختان زیتون و غرما و انگور و از هر گونه میوه
 بیورده در این کار آیت و نشانه قدرت الهی برای اهل فکر پدیدار است (۱۹)
 و هم شب و روز و خوردن و خواب را برای زندگانی شما در گردون مسخر
 ساعت و ستارگان آسمان را بفرمان خویش مسخر کرد در این کار آیت و
 نشانه قدرت خدا برای اهل خرد پدیدار است (۲۰) و در زمین آنچه
 را برای شما آفرید با انواع گوناگون و اشکال رنگارنگ در آورده (در این
 کار هم آیت و نشانه الهیت بر مردم هشیار پدیدار است) (۲۱) و هم او خداست
 که دریا را برای شما مسخر کرد تا از گوشت (ماهیان حلال) آن تغذیه
 کنید و از زیورهای آن استخراج کرده و تن را بپاراید و کشتی‌ها در آن
 برانند تا از فضل خدا روزی طلبید باشد که شکر خدا بجای آورده (۲۲) و
 نیز کوه‌های بزرگ را در زمین بنهاد تا از حیرانی و اضطراب برهید و
 نه‌ها جاری کرده و راه‌ها بپدیدار ساخت تا مگر هدایت شوید (۲۳) و
 نشانه‌های زمین و ستارگان آسمان را مقرر داشت تا با آنها هدایت یابید (۲۴)
 آیا خدایی که خلق کرده مانند آنکس است که خلق نکرده آیا متذکر و
 هشیار نمی‌شود (۲۵) اگر بخواهید که نعمتهای بی‌حد و حصر خدا را
 شماره کنید هرگز نتوانید که خدا بسیار غفور و مهربان است (۲۶) و خدا هر
 چه را پنهان و آشکار دارد همه آگاه است (۲۷) و بدانید که آنچه را غیر از
 خدا (چون بتها و فراتنه‌های خدایی) میخوانید او چیزی خلق نکرده و خود
 نیز مخلوق است (۲۸) اینها مرده و از حیات بی‌بهره اند و هیچ حس و شعور
 ندارند که در چه هنگام بمیرند می‌شوند (۲۹) خدای شما یکتاست
 و آنانکه به عالم آخرت ایمان ندارند (اگر هم بزبان گویند) بدل منکر
 مبداء متبانی و از اطاعت حکم خدا تکبر و سرپیچی می‌کنند (۳۰) محققا
 خدا بر باطن و ظاهر آن‌ها آگاه است (بکفر اهل ایمان می‌رساند) او هرگز
 متکبران را دوست نمی‌دارد (۳۱) و هرگاه باین مردم متکبر گفته شود که
 خدا چه بزرگ آیتی بوحی ۲۰ برای هدایت خلق از آسان‌ها خود فرستاده
 پیشین است (۳۲) تا آنکه آنان در نتیجه انکار روز قیامت پارسنگین گناه
 خود را با بارگناه

الَّذِينَ يُحْسِنُونَ أَخْلَاقَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ أُسَاءَ مَا يَزِيدُونَ ۚ قَدْ كُفِرَ الَّذِينَ
 مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ قَاتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ الْخَبْثُ مِنَ
 قُوفِهِمْ وَأَتَتْهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ۚ فَمَنْ قَوْمُ الْقِيَامَةِ
 يُحْزِنُهُمْ وَيَقُولُ بَنُو آدَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ كُنْتُمْ شَاقُونَ فِيهِمْ ۚ قَالَ الَّذِينَ
 أُوتُوا الْكِتَابَ إِنَّ الْخِزْيَ لِلْيَوْمِ وَالنَّوْءِ عَلَى الْكَافِرِينَ ۚ الَّذِينَ يَتْلُمُونَ
 الْمَلَائِكَةَ ظُلُمًا لِي أَنْفُسِهِمْ ۚ قَالُوا سَلَامًا ۚ مَا كَانُوا لَعَلَّ مِنْ سُوءِ بَلَى ۚ إِنَّ
 اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ فَاذْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا
 ۚ خَالِسُ مَثْوًى لِمُتَكَبِّرِينَ ۚ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ ۚ
 قَالُوا اخْبِرُوا الَّذِينَ اخْتَوَيْنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً ۚ وَكَذَلِكَ الْأُخْرَى
 جَهَنَّمَ وَلَنُعَذِّبَنَّهُمْ ۚ وَارْتَقِبْ عَذَابَ الَّذِينَ يَدْخُلُونَهَا ۚ جَهَنَّمَ مِنْ
 حَيْثُهَا الْأَنْفَارُ ۚ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ ۚ كَذَلِكَ يُخْرِجُ اللَّهُ الْمُنْتَفِينَ
 الَّذِينَ تَتَوَقَّعُهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ ۚ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
 ۚ اذْخُلُوا الْجَمْعَ ۚ يَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
 الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ ۚ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنَ الْقَبْلِهِمْ ۚ وَمَا
 عَلَّمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۚ فَاصْبِرْ صَبْرًا شَدِيدًا
 ۚ عَمَلُوا وَخَافُوا ۚ مَا كَانُوا يَشْعُرُونَ ۚ وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا
 لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا

کسانیکه از جهل گمراهان کردند بدوش نهند ما فلان آگاه باشید که آن بار و زور گناه بسیار بدها قیامت است (۲۵) آن کافرانیکه پیش از اینان بودند نیز مانند اینها مکرها برای پامال کردن حق اندیشیدند لیکن خدا ستف بنای آنها را از پایه ویران کرد و پریشان فرو ریخت و عذاب خدا از جاییکه نمی فهمیدند آنها را فرا رسد (۲۶) آن گاه روز قیامت هم آنها را خار و ذلیل خواهد کرد و آن روز خواهد گشت کجا بنده شریکان من که برای طر فداری آنها با مؤمنان عصمت و جنگ بیا میکردید اهل علم و دانش اظهار کنند که امروز ذلت و خاری و عذاب به کافران اختصاص دارد (۲۷) آنها را فرشتگان جانشانرا میگیرند در حالتیکه در دنیا بنفس خود ستم کرده و آنها مجبوراً سر تسلیم پیش دارند و گویند ما کار بد نکردیم آری خدا بهر چه کرده آید آگاه است (۲۸) پس از هر در که بدو رخ داخل شود که در آنها همیشه منصب خواهد بود و حاکم متکبران که دوزخ است بسیار بدمنز لکاه است (۲۹) و چون اهل تقوی گفته شود که خدا چه آیتی فرستاد گویند نیکو آیتی فرستاد در آیات قرآن پروردگار ما فرستاد بر خلاف متکبران که گفتند آنا که نیکو کارند هم در حیوة دنیا نیکی و خوشی ببینند و هم دار آخرت آنها را بهترین منزل است و البته بسیار خانه اهل تقوی مجلل و نیکو خواهد بود (۳۰) که با فهای بهشت عدن باشد که در زیر درختانش از لطف خدا نهرها جاریست متقیان در آن داخل شوند در حالتی که هر چه بخواهند و میل کنند در آنجا برایشان حاضر است باری ایست اجر و جزای که خدا بahl تقوی عطا خواهد کرد (۳۱) آنا که چون فرشتگان پاکیزه از شرک قبض روحشان کنند با آنها گویند که شما بموجب اعمال نیکویی که در دنیا بجا آوردید اکنون ببهشت ابدی در آید (۳۲) این کافران منکر جز آنکه یا فرشتگان غضب خدا بر سر آنها بیایند یا بهلاک آنان حکم خدا در رسد دیگر چه انتظار میبرند منکران پیشین همانند ایشان بودند و خدا که هلاکشان فرمود اصلاً با آنها ستم نکرد بلکه آنها خود بنفس خویش ستم کردند (۳۳) تا آنکه بکفر اعمال زشت خود رسیدند و آن عذاب که بر آن تسخیر میکردند با آنها احاطه کرد (۳۴) و مشرکان گویند اگر خدا میخواست (هر گز نه ما و نه پدرانمان چیزی جز آن خدای یکتا نمی پرستیدیم)

وَمَنْ مِّنْهُمْ مَّنْ دَعَا إِلَى كَيْدٍ أَوْ إِلَى قَتْلِ النَّاسِ أَوْ إِلَى قَتْلِ النَّاسِ أَوْ إِلَى قَتْلِ النَّاسِ
 الرَّسُولِ إِلَّا السَّبَاحُ الْمُبِينُ ۝ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ
 اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ
 مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَمِنْهُمْ مَّنْ ظَلَمَ نَفْسَهُ فَأَنظَرُوا كَيْفَ كَانَ
 عَاقِبَةُ الْمُتَكَبِّرِينَ ۝ إِنَّ مَخْرُجَهُمْ عَلَىٰ هُدًى مِّنْ قِبَلِ اللَّهِ لَا يُهْلِكُهُمْ
 يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۝ وَأَقْبَمُوا بِاللَّهِ يَحْصِدُ آيَاتِهِمْ لِإِبْنِ
 اللَّهِ مَن يَمُوتُ بَطْلًا وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنِ الْآخِرُ النَّاسُ لَا يَعْلَمُونَ
 ۝ الْبَيْتَيْنِ لَمْ يَمْسَسْهُمُ شَيْءٌ وَلَوْلَا الَّذِي نَقَرُوا لَهُمُ الْثَمَرِ
 كَانُوا كَالْفِطْرِ ۝ إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَن نَعْمَلَ لَهُ شَيْئًا
 أَن يَقُولَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ يَدْعُونَ يَدْعُونَ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَهُمْ فِي
 الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جِزَاءَ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ وَالَّذِينَ
 صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا
 رِجَالًا نُّوْحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝
 يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ وَأَكْلُوا وَشَرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ يَحْبِبُ
 السَّرْفَ ۝ وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ الْقُرْآنَ وَإِن كُنْتُمْ لَتَافِكِينَ ۝ أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ
 أَن يَخِفَّتْ لَهُمْ أَثْقَالُ أَلْأَرْضِ وَأَثْقَالُ مَا فِيهَا مِنَ الْعَذَابِ مِنْ حَبْطِ الشَّجَرِ
 ۝ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلِيدِهِمْ مَا لَهُمْ عِشْرِينَ ۝ أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَىٰ تَخَوُّهِ

محران پیش از اینان هم کردار (و گفتار) شان عین بود پس در این صورت
 برای رسولان ماجر تبلیغ رسالت و اتمام حجت تکلیفی نیست (۳۵) و
 همانا مادر میان مراش پیغمبری فرستادیم تا بخلقی ابلاغ کند که خدای
 یکتا را پرستید و از بتان و فرعونان دوری کنید پس بعضی مردم را خدا
 هدایت کرد و بعضی دیگر در ضلالت و گمراهی ثابت ماندند اکنون شما
 ماقبلان در روی زمین گردش کنید تا بنگرید عاقبت آنانکه انبیا را تکذیب
 کردند یکجا رسید (۳۶) ای رسول ما تو اگر چه بسیار حریص و مشتاق
 هدایت خلق هستی بدان که خدا گمراهان را هدایت نکند و آنها را دوری
 نبرد (۳۷) و کافران با ما ناله و تاختید کامل قسم یاد میکنند که هرگز
 کسی که مرد خدا زنده نخواهد کرد بلی البته قیامت وعده حتمی خداست
 ولیکن اکثر مردم از آن آگاه نیستند (۳۸) که در آنچه خلاف میگردند
 آشکار و مبین گردد و تا کافران کاملاً بدروغ و اندیشه غلط خود آگاه شوند
 (۳۹) ما با امر نافذ خود هر چه را اراده کنیم و گوئیم موجود باش همان
 لفظ موجود خواهد شد (۴۰) آنانکه در راه خدا مهاجرت کردند پس از
 آنکه شما در وطن خود از کافران کشیدند ما در دنیا به آنها جایگاه
 نیکو میدهم در صورتیکه اگر بدانند اجریکه در آخرت به آنها عطا
 خواهیم کرد بسیار بهتر و نیکوتر است (۴۱) این اجر بزرگ در دنیا و
 عقبی به آن کسانی عطا میشود که در راه دین صبر کردند و بر خدای خود
 در کارها توکل نمودند (۴۲) و ما پیش از تو ای محمد (بر هیچ امت) غیر رجال
 مؤید و یحیی خود کسی را بر رسالت نفرستادیم بر وید و از اهل ذکر اگر
 (تا بدانند که در حق حق چه بفرمودند)
 نیما نید سوال کنید (۴۳) چه رسولی معجزات و کتب و آیات وحی
 فرستادیم بر تو قرآن را (که جامع و کاملترین کتاب الهی است) نازل کردیم
 تا بر امت آنچه فرستاده عید بیان کنی باشد که عقل و فکرت کار بندند
 (۴۴) آنانکه بر کرم داشتند خود مکرما میاندیشند آیا از این بپایستند
 که خدا صبرا بر زمین فرو برد یا از جانی که بی نیرند عذابی فرستد (۴۵)
 یا آنانکه مدعیان سرگرم رفت و آمدند ناگاه پیوسته سخت بگیرد و
 آنان بر قدرت حق غالب خواهند شد (۴۶) یا آنها را بحال تر و اضطرار ببرد

قَالَ رَبُّكَ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ رُخْصًا وَلَئِنْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ نَجِيبًا
ظِلَالَةً عَنِ الْبَاسِ وَالْكَافِرِينَ وَالْكَافِرِينَ وَالْكَافِرِينَ وَالْكَافِرِينَ
مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةِ وَهُمْ لَا
يَشْكُرُونَ ۝ يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ وَبِغُفْرَانٍ مَا يَوْمُئِذٍ
۝ وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا لِلْكَافِرِينَ ائِمَّةً مَثَلًا فِي الْغُرُفِ
فَارْهَبُون ۝ وَلَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَهُ الدِّينُ وَاصْبِرْ
أَفْخِرْ اللَّهُ تَعَالَى ۝ وَمَا يَكُنْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَنَّكَ
الضَّرُّ فَلْيَرْجُئْ ۝ ثُمَّ إِذَا كَفَّ الضَّرُّ عَنْكَ إِذَا فَرِحَ
مِنْكَ وَيَعْلَمُ بِشَيْءٍ كَوْنٍ ۝ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَهُمْ يَخْشَوْنَ
وَيَحْسَبُونَ لَنَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا دَفَعْنَا لَهُمْ تَاللَّهِ لَئِنْ
عَمَّا كُنْتُمْ تَعْتَرُونَ ۝ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا
يَشْتَهُونَ ۝ وَإِذَا الْبُزُرُ أَحْدَهُمْ بِالْأُنثَى ظَلَّ وَجْهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ
كَظِيمٌ ۝ يَوَارِي مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَى هُونٍ
أَمْ يَدُسُّ فِي السُّرَابِ لَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۝ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرِ وَمِثْلَ التَّوَهُ وَالْكَافِرِينَ الْأَعْلَى ۝ وَالْعَرَبُ الْحَكِيمُ ۝
وَلَوْ بُوَاخِدَ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهِمْ دَابَّةً وَلَكِنْ
يُوَفِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْذِنُونَ سَاعَةً

که پروردگار. تو بسیار بخلق مشفق و مهربانست (۵۷) آیا چشم نگشودند که به بینند هر موجودی چگونه آثار و اظله خود را بهر جانب میفرستد و از او است و چپ همه بسجده خا با کمال فروتنی مشغولند (۵۸) هر چه در آسمانها و زمین است از جنبندگان همه بی هیچ تکبر و با کمال تذلل بمبادت خدا مشغولند (۵۹) و تمام موجودات از خدا که فوق همه آنهاست میترسند و هر چه مأمورند اطاعت میکنند (۶۰) خدای یکتا فرموده که براه شرک و دوتائی نروید که خدا یکی است از من بترسید (۶۱) هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست و دین و اطاعت همیشه مخصوص اوست آیا شما بندگان باید از کسی از غیر از خدای مقتدر بترسید (۶۲) و شما بندگان با آنکه هر نعمت که دارد همه از خداست و چون بلائی رسد بدرگاه او پناه جسته و با او در رفیع بلا استغاثه میکنید (۶۳) باز و قنیه بپایا از سر شما رفع کرد گرومی از شما بخدای خود شرک می آورید (۶۴) و با وجود آن همه نعمت که به آنها دادیم باز براه کفر و کفران میروند باری بکمرانی حیوانی پیردازید که بزودی خواهید دانست (۶۵) و این مشرکان برای بتان از روی جهل نسیمی از رزقیکه ملایه آنها دادیم قرار میدهند سرگند بخدای یکتا که البته از آنها از این دروغ و عقاید باطل بازخواست خواهد شد (۶۶) و این مشرکان فرشتگان را با آنکه خدا منزله از فرزند است دختران خدا دانسته و حال آنکه برخود پسران را آرزو میکنند (۶۷) و چون یکی از آنها را پسرزند دختری مژده آید از شدت غم و حسرت و عیاشی سیاه شده و سخت دلتنگ میشود (۶۸) و از این عار روی از قوم خود پنهان میدارد و بفکر افتد که آیا آن دختر را با ذلت و غواری نکند دارد یا زنده بپاک گرد کند (عاقلان) آگاه باشید که آنها بسیار بد میکنند (۶۹) اوصاف کسانی که (ببخدا) بقیامت ایمان ندارند زشت است. اما خدا را و خدا شناسان را پسندیده و عالیترین اوصاف کمال است و خدا پر هر کار مقتدر و هر چه زدانست و اگر خدا از ظلمت و ستم نظریهای خلق انتقام کسد جنبه ای در زمین نخواهد گذاشت ولیکن از راه لطف تأخیر می افکند تا وقتی معین ولی آنگاه که اجل آنها در رسید دیگر یک لحظه

وَلَا يَسْتَفِيدُونَ ۚ وَيَعْبُلُونَ يَلْهُوْا بِكُرْهُونَ وَيَصِفُّوْنَ أَلْسِنَهُمْ
الْكِبَابَ إِنَّ لَهُمُ الْحَسَنَى لَا يَرْمَوْنَ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ ۝
فَأَطِيعُوا أَمْرًا مِّن قِبَلِكُمْ فَهَرَبَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ
أَعْمَالَهُمْ هَوَتْ وَلَهُمْ فِي يَوْمٍ ذُو عَذَابٍ آَلِيمٍ ۝ وَمَا أَزَلْنَاهُ عِلَّاكَ
الْكِتَابَ إِلَّا لِيُثَبِّتَ لَهُمُ الَّذِي خَلَقُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ وَاللَّهُ أَزَلَّ مِنَ الْمَاءِ فَاجْهَابِيهِ الْأَرْضُ
بَعْدَ مَوْنِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَإِنَّ لَكُم فِي
الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لِّتُعَلِّمُوا فِي طُغْيَانِهِم مِّن بَيْنِ قُرْبٍ وَبَعْدٍ لِّبَنَاتِنَا
خَالِصَاتٍ مَّا لَالِئَاتٍ بِهِنَّ وَالْمَنَارِبُ الْمُحِيلُ وَالْأَغْنَابُ
تَتَخَدَّوْنَ مِنْهُ سُكْرًا وَرِذًا فَاحْسِنُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ
يَعْقِلُونَ ۝ وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ
يَبُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ۝ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي
سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ
فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَاللَّهُ
خَلَقَكُمْ ثُمَّ يُعَوِّدُكُمْ وَيُنْفِخُكُم مِّن بَرْدٍ إِلَىٰ أَذْدَلِ الْعُصْرِ لَئِنْ لَّا
يَعْلَمَ بَعْدَ عَلِيمٍ مُّشِينًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ۝ وَاللَّهُ فَضْلُكُمْ
عَلَىٰ بَعْضِ الرِّزْقِ مِمَّا الدِّينَ فَضَّلُوا بَرَأْدِي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا

مقدم ومؤخر نخواستند (۹۹) و این مشرکان آنچه را که بر خود می پسندند از دروغ بعدها نسبت میدهند و تصور میکنند که باز عاقبت نیکو دارند در صورتیکه محققا کثیر آنها آتش دوزخ است و زودتر از دیگران هم بدوزخ میروند. (۱۰۰) بعدها سوگند که ما رسولانی پیش از تو بر امم سابقه فرستادیم تا مگر سادات یابند ولی شیطان اعمال زشت آنها را در نظرشان زیبا جلوه داد پس امروز (یعنی روز محشر) شیطان یار آنهاست و بمذاب دردناک گرفتار خواهند بود (۱۰۱) و ما این قرآن بزرگوار بر تو فرستادیم مگر برای اینکه حقیقت را در آنچه مردم اختلاف میکنند روشن کنی و برای اهل ایمان هدایت و رحمت باشی (۱۰۲) و خدا از آسمان باران را فرستاد تا زمین را پس از مرگ زنده کرد البته در این کار آیت و قدرت و حکمت الهی بر آنانکه سخن شنوند پدیدار است (۱۰۳) و البته برای شما هوشندان ملاحظه حال چهار پایان همه بر تو حکمت است که با از میان سرگین و غوغ شریاک شمارا می نواشانیم که در طبع همه نوشندگان گواراست (۱۰۴) و هم از میوه های درخت خرما و انگور که از آن نوشا بهای شیرین و زرق حلال نیکو بدست آرند در این کار نیز آیت قدرت حق برای خردمندان پدیدار است (۱۰۵) و خدا بزرگوار و عسل و حی کرد که از کوهها و درختان و سقفهای رفیع منزل گیرند (۱۰۶) و سپس از میوه های شیرین تغذیه کنند و راه پروردگارتان را با طاعت پیوید آنگاه از درون آنها شربت شیرینی برنگهای مختلف بیرون آید که در آن شفاء مردمانست در این کار نیز آیت قدرت خدا برای متفکران پیداست (۱۰۷) و خدا شما پندگان را آفریده پس را بسن انحطاط پیری میرساند که هر چه دانسته اید همه را فراموش میکنید همانا خداست که همیشه دانا و تواناست (۱۰۸) و خدا رزق پس از شما را بر پسندی دیگر فروزی داد آنگاه رزق افزون شده بر زیر دستان و قلامان زیاده راه نمیدهد تا با او مساوی شود (لیکن مقام خدائی ما را به بتی یا بشری میدهد تا با خدا شریک و مساوی دانند زهی جهل و نا سیاسی)

مَلَكَ أَمَّا نَمُوتُ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ۝ وَاللَّهُ
 جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْفُسَ كَذَاتٍ جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْفُسَ كَذَاتٍ جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْفُسَ كَذَاتٍ
 وَخَصَدَهُ وَرَزَقَكُمُ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِالْعَدْرِ
 اللَّهُ يُكْفِرُونَ ۝ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ
 رِزْقًا مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۝ قُلِ اللَّهُ يَخْلُقُ
 مَا يَشَاءُ لَنُفِثَنَّ أَفَّا تَعْلَمُونَ ۝ ضَرَبَ اللَّهُ
 مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَن رَّزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا
 حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ ۝ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 أَكْثَرُ ۝ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ
 لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوَالِيهِ أَيُّهَا بُرْجُهُ لَا بَابَ
 يَخْرِجُ مِنْهُ لَيْسَ لَهُ مَوْلًى وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
 ۝ وَلِلَّهِ غَسْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ الشَّاعِرِ ۝ لَا كَلِمَ
 الْبَصَرِ أَوْ هَوَا فَرَبِّ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم
 مِنْ بَطُونِ أَمْهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ قَبْلَهَا وَجَعَلَ لَكُمُ الْفِتْنَةَ وَالْأَنْفُسَ
 وَالْأَفْعَادَةَ لَعَلَّكُمْ تَتَذَكَّرُونَ ۝ أَلَمْ يَرْوِ إِلَى الطَّيْرِ مَخْرَاجَ
 فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
 يُؤْمِنُونَ ۝ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْيَوْمَ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمُ

آیا نعمت ایمان بخدادار (بصیان و شرک) باید انکار کنند (۷۱) و خدازا جنس خودتان برای شما حقت آفرید (یعنی زنان را برای آبایی و آرامش مردان آفرید) و از آن جفتها پسران و دختران و دامادان و نوادگان بر شما خلق فرمود و از نعمتهای پاکیزه لذت روزی داد آیا مردم (با وجود این همه نعمتهای خدا) باز بیاطل میگردند و نعمت خدا کافر میشوند (۷۲) و پسرستان از جهل خدادار که نعمتهای بیشمار با نهاده نمیدهند و بجای او پنهانی را پرستش میکنند که در آسمان و زمین مالک چیزی که روزی بهمشرکان دهند اصلا نیستند و توانائی بر هیچ کار ندارند (۷۳) پس (شما مشرکان از جهل و نادانی) بتهارا برای خدا مثل و مانند شمارید (و بخدای یکتا بگروید) که خدا بهمهمجیر دانست و شما نادانید (۷۴) خدا مثل زده (بشنوید) آیا بنده مملو کی که قادر بر هیچ (حتی بر نفس خود) نیست با مردی آزاد که با او رزق نیکو عطا کردیم که پنهان و آشکار هر چه خواهد اطاق میکند این دو یکمانند هرگز یکسان نیستند ستایش مخصوص خداست ولیکن اکثر مردم آگاه نیستند (۷۵) خدا مثلی زده (بشنوید) دو نفر مرد یکی بنده ای باشد گنگ و از هر جهت عاجز و کل بر مولای خود و از هیچ راه خیری بمالک خویش نرساند و دیگری مردی آزاد و مقتدر که بر خلق بمذالت فرمان دهد و خود هم براه مستقیم باشد آیا این دو نفر یکسان هستند (۷۶) تنها خدا بر قیاب آسمانها و زمین آگاهست و پس و کار ساعت قیامت (در سرعت و آسانی) مانند چشم بر هم زدن یا نزدیک تر بیش نیست که خدا البته بر هر چیز تواناست (۷۷) و خداشما را از بطن مادران بیرون آورد در حالیکه هیچ نمی دانستید و شما چشم و گوش و قلب (بتدریج) عطا کرد تا مگر شکر (این نعمتها) بجای آرید (۷۸) آیا در مرغان هوا نمیگردند که جو آسمان مسخر آنهاست و بجز خدا کسی نگهبان آنها نیست در این امر برای اهل ایمان نغانی از قدرت حق پدیدار است (۷۹) و خدا برای سکونت دائم شما منزلهای پتان را و برای سکونت موقت سفر

جَلُّوْا لَا تَعَارِ يَوْمًا تَخِفُوْنَ مَا يَوْمَ ظَلَمْنَكُمْ وَهُوَ أَمَرٌ مِّنْكُمْ وَكُنْ
 أَضْوَاءُهَا وَأَوْبَارُهَا وَأَشْعَارُهَا أَثَانًا وَمِنَافَا إِلَىٰ جِهِيْنَ مَعَ اللَّهِ
 جَعَلَ لَكُم مَّا خَلَقَ ظُلَالًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْجِبَالِ أَكْطَانًا وَجَعَلَ
 لَكُم سُرَابِيلَ تَقِيْكُمْ الْحَرَّ وَسُرَابِيلَ تَقِيْكُمْ بَرْدًا كَذَلِكَ يُمِيتُ نَفْسَهُ
 عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاءُ الْيَوْمُ
 يُبْعَثُونَ ۝ نَفَسَ اللَّهُ ثُمَّ يَنْفِخُ فِيْهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ ۝ وَ
 يَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ
 يُسْتَعْتَبُونَ ۝ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يَخَفَتُ عَنْهُمْ
 وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ۝ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَشْرَكُوا بِهَمُ فَاذْكُرُوا أَنَّمَا
 هُوَ إِلَّا شَرِكَاؤُنَا الَّذِينَ كَانُوا مِن دُونِكَ فَأَلْقَوْا إِلَهُيْمُ الْقُلُوبِ
 إِلَهُكَ لَكَادِ يُبْذَنَ ۝ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ فَضَّلَهُمْ بَعْضُهَا
 عَلَىٰ بَعْضٍ ۝ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكَ
 عَذَابُهُمْ أَفْوَاقُ الْعَذَابِ يَمَّا كَانُوا يُفْسِدُونَ ۝ يَوْمَ يُبْعَثُ فِي
 كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدٌ عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ
 وَتَرَىٰ عَلَىٰ عِلْقَابِكَ الْكِتَابَ تِثَابًا لِلْكَافِرِ وَمُدَىٰ وَرَحْمَةً وَ
 بُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ۝ إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِ الْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ أَيْتَنُّهُ
 ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَسَادِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يُطِيعُكَ لَعَلَّكُمْ

از پوست چهارپایان خیمه‌ها را برای شما قرارداد تا وقت حرکت و سکون
سبک وزن و قابل انتقال باشد و از پشم و کرک و موی (گوسفند و شتر) اثاثیه
منزل و متاع و اسباب زندگانی و لباسهای فاخر برای شما خلق فرمود
تا در حربه دنیا از آن استفاده کنید (۸۰) و خدا برای آسایش شما از گرما
سایبانها از درختان و سفوف و دیوار و کوره‌ها مهیا ساخت و از غارهای
کوه پوشش و اطاقها برایتان قرارداد تا از سرما و گرما پناهی گیرید و
نیز لباس که شمارا از گرمای آفتاب و سرمای زمستان بیوفزاند خلق کرد
و نیز برای آنکه در جهنم محفوظ مانید لباس آهن مقرر گردانید چنین
نعمتهای خود را بر شما تمام و کامل کرد تا مگر مطیع و تسلیم امر او باشید
(۸۱) پس اگر باز روی از خدا بگردانند ای رسول ما بر تو تبلیغ و رسالت و
اتمام حاجتی بیش نیست (۸۲) نعمت خدا را دانسته و شناخته باز انکار
می کنند و اکثر اینان کافر میباشند (۸۳) و بیاد خلق آورد آن روزی را که
در قیامت ما از امرائی رسول و شاعری برانگیزیم آنگاه نه بکافران اجازه
سخن و اعتذار داده شود و نه توبه و انابه و معذری از آنان پذیرند (۸۴) و
روزی که مشرکان عذاب خدا را به چشم به بینند دیگر هیچ نه تخفیف
عذاب و نه مهلت آسایش خواهند یافت (۸۵) و چون مشرکان شریکان خود را
در قیامت ببینند از آنها پناه خواهند (۸۶) جواب دهند که ای مشرکان
شما البته دروغ میگوئید ما هرگز شمارا پرستش خود ننهادیم (۸۷)
و در آنروز همه کنار و مشرکین تسلیم فرمان خدا شوند و هر چه غیر از خدا
جمله کرده و میپرستیدند همه از نظرشان محو و نابود شود (۸۸) آنانکه خود
کافر شدند و راه خدا را نیز بروی خلق بستند ما آنها را بکفر افساد و
اخلال در خلق عذابی فوق عذاب (کافران دیگر) بیفزاییم (۸۹) و روزیکه
ما بر امرائی از (رسولان) خودشان گواهی برانگیزیم و تو را (ای محمد)
بر این امت گواه آدمی ما بر تو این قرآن عظیم را فرستادیم تا حقیقت هر
چیز را روشن کند (و راه دین حق را از راههای باطل بنماید) و برای
مسلمین هدایت و رحمت و هفارت باشد (۹۰) ما نا خدا (خلق را) فرمان
بمدل و احسان می دهیم و پندل و عذاب و عفو و نماند امر میکند و از افعال
زشت و منکر و ظلم نهی میکند و شما از روی هربانی پند می دهد باشد

تَذَكَّرُونَ ۝ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ
 بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا
 تَفْعَلُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ عُثْمَانُ بَعْدَ بُعْثِهِمْ أَنْكَارًا
 يَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ
 إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مَا كُنْتُمْ تَفْعَلُونَ
 وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَفَعَلْنَا
 مِنْ بَيْنِ أُمَّةٍ وَنَسْنَسُنَّ عَنْكُمْ أَنْ تَعْلَمُوا ۝ وَلَا تَقْعُدُوا أَيْمَانَكُمْ
 دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمُ بَعْدِ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا الشَّوْءَ بِمَا صَدَقْتُمْ
 عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ وَلَا تَتَّبِعُوا بِعَهْدِ اللَّهِ فِيمَا
 قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ مَا عِنْدَكُمْ
 يَنْفَعُكُمْ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَئِنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرُهُمْ يَأْخُسُهُمْ
 كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْشِئَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلْيُضْرِبْهُ
 حَبْرَةَ طَيْبَةٍ وَلَئِنْ نَبَّاهُمْ أَجْرُهُمْ يَأْخُسُهُمْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ وَأَذِّنْ
 الْقُرْآنَ فَاسْمِعُوا لِلَّهِ مِنَ السُّبْحَانِ الرَّحِيمِ ۝ إِنَّهُ لَنَبِّئُكَ سُلْطَانًا
 عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۝ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ
 يَتَوَكَّلُونَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ يَشِيرُونَ ۝ وَآتَاكَ اللَّهُ الْبَقَاةَ مَكَانَ آيَةِ
 وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنْزِلُ فَالْوَالِئَا أَنتَ مُفْتِيٌّ بِأَكْثَرِهِمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝

که موافقه خدا را بپذیرید (۹۰) چون عهدی بستید بدان عهد وفا کنید و هرگز سوگند و پیمان را که مؤکد و استوار گردید مشکنید چرا که خدا را بر خود ناشر و گناه گرفته اید و خدا بهر چه میکنید آگاهست (۹۱) و در مثل مانند زنیکه رشته خود را پس از تائیدن محکم و اتائید ناپسند که عهد و قسمهای استوار و محکم خود را برای فریب یکدیگر و فساد کاری بکار برید تا آنکه قومی بر قوم دیگر تفوق یابید زیرا خدا شما بندگان را باین عهد و قسمها می آزماید و در روز قیامت همه تقابلها و اختلافات شما را بر شما آشکار خواهد ساخت (۹۲) و اگر خدا میخواست بهمشیت ازلی همه بشر را يك امت قرار میداد ولیکن هر کد را بخواهد گمراه گذارد و هر کد را بخواهد هدایت می کند و البته آنچه از نیک و بد کرده اید از همه سؤال خواهد شد (۹۳) و عهد و سوگندهای خود را برای فریب بین خود بکار میرید تا آن که ثابت قدم است نیز (بفریب و سوگند دروغ) بلغزد و از اینکه راه خدا را بستید همه بسختی مبتلا شوید و بهذاب سخت گرفتار گردید (۹۴) و عهد خدا را بپهلوانی اندک نفروشید که آنچه نزد خداست اگر بفهمید بسیار شمارا بهتر است (۹۵) آنچه نزد شماست همه نابود خواهد شد و آنچه نزد خداست ناپد باقی خواهد بود و البته اجری که بسا بران بدیم اجریست بسیار بهتر از عملی که بجا آوردند (۹۶) ما او را در زندگانی خوش و با سعادتمند زنده (ابد) میگردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیک که کرده با و صلا میکنیم (۹۷) (ای رسول ما) چون خواهی تلاوت قرآن کنی اول از شروسوبه شیطان مردود بخدا پناه بر (۹۸) که البته شیطان را هرگز بر کسی که بخدا ایمان آورده ویر او تو کلمه اعتماد کرده تسلط نخواهد بود (۹۹) تنها تسلط شیطان بر آن نفوس است که او را دوست گرفته اند و باغواهی او بخدا شرک آورده اند (۱۰۰) و ما هر گاه آیتی را از راه مصلحت نسخ کرده و بجای آن آیتی دیگر آوریم در صورتیکه خدا بهتر داند تا چه چیز نازل کند میگویند تو بهر خدا همیشه اقرا می بندی چنین نیست بلکه اکثر اینها نمی فهمند (۱۰۱)

قُلْ قَوْلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لَبِئْسَتِ الَّذِينَ اسْتَوَوْا
 وَبَشَرِ الْإِنْسَانِ ۝ وَلَقَدْ فَتَنَّا آدَمَ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعِطِيهِ بَشَرٌ
 لِنَاسٍ أَلَدَىٰ بَلَدِنَ الْإِبْدَةِ أَجْعَلِيْ وَمَظَالِيسَ عَرَبِيَّيْنِ ۝
 إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ يَا بَايَا اللَّهُ لَا جُدِيهِمْ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ
 أَلِيمٌ ۝ إِنَّمَا يُغْفِرُ الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ يَا بَايَا اللَّهُ وَأُولَئِكَ
 لَهُمُ الْكَافِرُونَ ۝ مَنْ كَفَرُوا اللَّهُ مِنْ بَعْدِ إِيْمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقِيلَ
 مُطِئُوا بِالْإِيْمَانِ وَلَكِنْ مَنْ فَسَحَ بِالْكَفْرِ صَدَقَ أَصْلَابُهُمْ خَسِبَ
 مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْبُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
 عَلَى الْآخِرَةِ وَإِنَّ اللَّهَ لَا يُهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ
 طَعِيَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَبَصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ
 الْغَافِلُونَ ۝ لَا جُرْأَتَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْخَاسِرُونَ ۝ ثُمَّ رَأَتْ
 رَبَّكَ الَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فَتَنُوا ثُمَّ جَاءُوا هَذَا وَصَبَرُوا
 إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِ مَا الْقَوْمُ رَجِعُوا ۝ يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَانَتْ
 عَنْ نَفْسِهَا وَتُوقَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَانَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ وَفَرَّغَ
 اللَّهُ مَسَلَاتِهِ كَأَنَّهُ آيَةٌ مُنْطَلِقَةٌ بِأَنِّي هَارِزُهَا رَعْدًا
 مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَّرْتُ بِأَعْيُنِ اللَّهِ مَا ذَاقَهَا اللَّهُ لِيَأْسَ الْجَمْعُ وَ
 لِيُخَوِّفَ عَمَّا كَانُوا يَصْنَعُونَ ۝ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ

تو بگو که این آیات را روح القدس از جانب پروردگار من بحقیقت و راستی نازل کرد تا اهل ایمان را در راه خدا ثابت قدم گردانند و برای مسلمین هدایت و بشارت باشد (۹۰۴) و ما کاملاً گاهیم که (کافران) میگویند آن کس که مطالب این قرآن را بر رسول میآموزد بشری است اعجمی غیر فصیح و این قرآن را خود بزبان عربی فصیح درآورد (۹۰۴) البته آنانکه بآیات خدا ایمان نمیآورند خدا هرگز هدایت نخواهد کرد و آنها را عذاب دردناک خواهد رسید (۹۰۴) دروغ را آنکس بخدا میبندد که ایمان به آیات خدا نیاورد و این کافران البته خود مردمی دروغگویند (۹۰۵) هر آنکس بعد از آنکه بخدا ایمان آورده باز کافر شد نه آنکه بزبان از روی اجبار کافر شود دلش در ایمان ثابت باشد (مانند عمار یاسر) یا با اختیار و هوای نفس دلش آکنده بظلمت کفر گشت بر آنها عقم و غضب خدا و عذاب سخت دوزخ خواهد بود (۹۰۶) این غضب و عذاب بر آنها بدین سبب است که حیوة فانی دنیا را بر حیوة ابدی آخرت برگزیدند (آخرت را فدای دنیا کردند) و بکلی کافر به آخرت شدند و خدا هرگز کافران را هدایت نخواهد کرد (۹۰۷) عینها هستند که خدا بر دلها و گوش و چشمهایشان مهر قهر زده است و اینها همان مردم غافلند (۹۰۸) بدین جهت است که آنان در عالم آخرت بسیار (محروم) و زیانکارند (۹۰۹) آنگاه محققان بدان که خدا بامؤمنانی که از شهر و دیار خود چون بهشروفتنه کفار مبتلا شدند ناگزیر هجرت کردند و در راه دین کوشش و صبر بسیار نمودند خدا با آن مؤمنان یار و یاور است و از این پس بر آنها بسیار غنور و مهربان خواهد بود (۹۱۰) یاد کن آن روزی که هر نفسی بر ای رفیع عذاب از خود بپندل و دفاع بر غیز دهر کس را بجز اعمال نیک و بد) او کاملاً میرسانند و بر آنها ستم نمیکند (۹۱۱) و خدا بر شما مثل آورد مثل شهری را (چون شهر مکه) که در آن امنیت کامل حکم فرما بود و اهلی در آسایش و اطمینان زندگی میکردند و از هر جانب روزی فراوان به آنها میرسید تا آنکه اهل آن شهر نعمت خدا را کفران کردند خدا هم بموجب آن کفران و مصیبت طعم گرسنگی و بیمناسکی را با آنها چشانید (۹۱۲) و رسولی از خود آنها را بر آنها آمد و او را تکذیب کردند

فَاتَّخَذَ لَهُمُ الْعَذَابَ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٠﴾ تَكَلَّوْا بِمَا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا
 طَيِّبًا وَاشْكُرُوا لِعِنَتِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿١١﴾ إِنَّمَا عَرَفَ
 عَلَيْهِمُ الْمُنَّةَ وَالْذَّمَّ وَكُحْمَ الْحَنْظَرِ وَمَا أَوْلَىٰ لِغَيْرِ اللَّهِ مِنْ
 اضْطِرَّ غَيْرِ بَالٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٢﴾ وَلَا تَقُولُوا لِمَا
 قُصِّىَ لَكُمْ كَذِبًا هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِلْفَرْقِ بَيْنَ
 أَهْلِ الْكِتَابِ إِنْ الَّذِينَ يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿١٣﴾
 مَنَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٤﴾ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَامًا
 قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
 يَظْلِمُونَ ﴿١٥﴾ إِنْ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا الشُّوْءَ بِعَذَابٍ لَوْ نَابُوا
 مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنْ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٦﴾
 إِنْ أَزْمَيْهِمْ كَانَ آتِيًا فَانِنًا لِلْخَيْفِ وَأَرْسَلَ مِنَ الْمُتَكِينِ ﴿١٧﴾
 شَاكِرًا لِأَنْعُمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٨﴾ وَ
 اتَّبَعْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَآتَيْنَاهُ فِي الْآخِرَةِ وَلَمَّا ضَلَّ الْبَحْرَ
 أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٩﴾
 إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَكْتُمُ
 بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٢٠﴾ أَدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ
 رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

و چون ظلم کردند عذاب بر آنها فرا رسید (۱۹۴) پس شما مؤمنان از آن چه خدا روزی حلال و طیب شما قرار داده تناول کنید و شکر نمائش بجای آرید اگر حقیقتاً خدا را می پرستید (۱۹۵) خدا بر شما بندگان تنها مردار و خون و گوشت خوگ و آنچه را بنام غیر خدا ذبح کنند حرام گردانید و باز از همین حرامها نیز اگر کسی مضطرب و ناچار شود بی آنکه قصد تجاوز و تعدی از حکم خدا نماید بقدر ضرورت تناول کند خدا البته مغفور و مهربانست (۱۹۵) و شما نباید از پیش خود بدو غیبه را حرام کرده و بعدها نسبت دهید تا بر خدا دروغ بندید که آنانکه بر خدای خود دروغ بستند هرگز روی رستگاری نخواهند دید (۱۹۶) منافع قلیل فانی دنیا ناپود شود و بر آنها عذاب الیم (آخرت) خواهد ماند (۱۹۷) و ما همان چیزها که بر تو از پیش شرح کردیم بر یهودان حرام کردیم و بر آنان ستم نکردیم لیکن آنها خود بر نفس خویش ستم کردند (۱۹۸) باز هم خدا بر آنان که از روی جهالت و نادانی عمل زشتی انجام داده و سپس بدگام خدا توبه کرده و اصلاح کنند پند از توبه خدا آمرزنده و مهربانست (و تا بیا ترا مریب بعد) (۱۹۹) همانا ابراهیم (خلیل) تنها شخصی موحدی بود ^{بجای} امنی که مطیع و فرمانبردار خدا بود و هرگز بخدای بگشمارد نیاورد (۲۰۰) همیشه شکر گذار نعمتهای خدا بود که خدا او را (برسالت) برگزید و بر او مستقیم هدایت فرمود (۲۰۱) و او را در دنیا نیکوئی (و سعادت) عطا کردیم و در آخرت از صالحان و نیکان قرار دادیم (۲۰۲) آنگاه بر تو وحی کردیم از آئین پاک ابراهیم تنبیه کن که او هرگز بخدای بگشمارد نیاورد (۲۰۳) روز شنبه بر یهود محترم مقرر گردید که در آن راه اختلاف پیوندند و خدای توابانه روز قیامت در آنچه (خلق) در آن اختلاف و نزاع بر پامیکنند حکم خواهد کرد (۲۰۴) (ای رسول خدا) خلق را بحکم تو برهان و موعظه بگو براه خدا دعوت کن و با بهترین طریق مناظره کن

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَغْلَزَ بَيْنَ ضَلِّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَغْلَزَ بِالْمُتَدَبِّرِينَ
وَلَنْ عَاقِبَتُهُمْ قَطًّا فَوَلَّوْا عِشْلًا مَا عَوْفِيَتْهُمْ يَدُ وَلَمْ تَنْ صَبْرُهُ وَهُوَ حَبْرُ
لِلصَّابِرِينَ ① وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَهْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا كَلُ
فَضِيحِي بِمَا يَمْكُرُونَ ② إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ يُحْسِنُونَ

إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْبَرَّ وَالْكَافِرِينَ ③ وَالَّذِينَ هُمْ يُحْسِنُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ
الْأَقْصَى الَّذِي بَنَاهُ لِنَفْسِهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْبَاقِيَاتِ ① وَالَّذِينَ هُمْ يُحْسِنُونَ
تَتَجَنَّدُ مِنْ دُونِهِ وَيَكِلَ ② ذُرِّيَّةً مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ
عَبْدًا شَكُورًا ③ وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لَقَدْ كُنَّا
فِي الْأَرْضِ مَرْتَبِينَ وَلَنُغْلِقَنَّ عَنْكَ أَبْوَابُ السَّمَاءِ ④ وَغُلَّوْا لَهَا
بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ ⑤
كَانَ وَعْدًا مَقْضُورًا ⑥ لَمْ يَرَوْا كَلَّا الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَا كَرَّةً
بِأَمْوَالِهِمْ مِنْ بَيْنِ يَدَيْنَا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ⑦ إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ
لِنَفْسِكُمْ وَلَئِنْ أَسَؤُا فَعَلْنَا مَاذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرِ وَلَيْسُوا بِأَعْيُنِهِمْ
وَلَيْدُ خُلُوعِ الْمَسْجِدِ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلَئِنْ تَبَرَّأْنَا لَهُمْ أَفْوَاجًا ⑧

که البته خدا (عاقبت حال) کسی که از راه او گمراه شده و آنکه مدایت یافته بهتر میداند (۱۴۵) و اگر بعضا مسلمانان کسی عقوبت و ستمی رسانید شما باید بقدر آن در مقابل انتقام کشید و اگر صیوری کنید البته برای ما بران اجری بهتر (از انتقام) خواهد بود (۱۴۶) و (تو ای رسول) برای رضای خدا برنج تربیت امت صبر و تحمل پیشه کن و بر آنها غصه کن مشو و از مکر و حيله آنان دل نلنگش باش (که خدا از مکر خلق تو و دین تو را محفوظ میدارد) (۱۴۷) همانا خدا یار و پاور متقیان و نیکوکاران عالم است (۱۴۸)

سوره اسری در مکمل معظمه نازل شده و مشتمل بر آیات میباشد بنام خدای بخشنده مهربان

ياك و منزله است خدائی که (در مبارک) شبی بنده خود (محمد) را از مسجد حرام (مکه منظمه) بمسجد اقصای که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساخت سیر داد تا آیات خود را با او بنماید که خدا بحقیقت شنوا بیناست (۱) و موسی کتاب توریة را فرستادیم و آنرا وسیله هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم تا غیر من هیچکس را حافظ و نگهدارنده نگیرند (۲) ای فرزندان کسانی که بکشتی نوحان بردیم چنانکه نوح بسیار بنده شکر گذاری بود شامهم مانند او شا کر باشید (۳) و در کتاب خبر دادیم که شما بنی اسرائیل دوبار حتما در زمین فساد و خونریزی میکنید و تسلط و سرکشی سختظالمانه میبایید (۴) پس چون وقت انتقام اول فرا رسد بندگان سخت جنگجو و نیرومند خود را بر شما (چون بخت النصر) برانگیزیم تا آنجا که درون خانهای شما نیز جستجو کنند و این وعده انتقام حتمی خواهد بود (۵) آنگاه شمارا بروی آنها برگردانیم و بر آنها غلبه دهیم و پسران و فرزندان نیرومند مدد بخشیم و عده (جنگجویان) شما را بسیار گردانیم (۶) و شما بنی اسرائیل اگر نیکی و احسان کردید و اگر بدی و ستم کردید باز بخود کرده اید و آنگاه که وقت انتقام ظلم دیگر شما فرا رسد تا اثر بیچارگی و خوف و اندوه بر رخسار شما ظاهر شود و بمسجد بیت المقدس مانند بار اول در آیند و بهره رهند تا بود ساخته و بهره رکنی تسلط یابند
سخنی ملائکه گردانند (۷)

عَنْوَ بَكَرَ أَنْ يَرْجِعَ وَإِنْ عُدُّوا عُدَّتْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ
 حَصِيرًا إِنَّ مَثَلَ الْفَرَّانِ بِمَثَلِ الْبَاقِي هِيَ أَوْفَى وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ
 الَّذِينَ يَعْلَمُونَ الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا وَإِنَّ الَّذِينَ
 لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ
 بِالتَّكْوِينِ فَكَيْفَ يُخْلَقُ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ
 وَالنَّهَارَ آيَاتٍ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَتَى اللَّيْلُ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً
 لِيَتَّبِعُوا الْفَضْلَ مِنْ رَبِّكَ وَلِيَعْلَمُوا أَعْدَالَ تِسْنِينَ وَأَيُّهَا
 كُلُّ شَيْءٍ فَضْلَنَا تَفْصِيلًا وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِفَةً فِي
 عَهْدِهِ وَنُخْرِجُهُ لَهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشْهُورًا إِفْرَاقًا
 كَفَى بِتَفْهِمِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا مَنْ أَمْنَدَى فَإِنَّمَا يَمْنَدُ
 لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى
 وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى تَبْعَثَ رَسُولًا وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ
 قَرْيَةً أَمَرْنَا مُنْقَرِفَهَا فاصْطَوْفِهَا فِي لَيْلٍ وَنَهْلِكَ
 تَذْمِيرًا وَكَذَلِكَ نَكْشِفُ الْفَرْنَ مِنْ بَعْدِ نُوْحٍ وَكَفَى بِرَبِّكَ
 بِذُنُوبٍ عِمَارٍ وَخَيْرٌ أَبْصِيرًا مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ
 فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لِمَجْهُدِهِمْ يَصْلَاهَا مَنْ مَوَّاهُ
 وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَلَامُ

امید است خدا بشما باز مهربان گردد و اگر پشیمان و ستمگری بر گردید ماهم بمقوت و مجازات شما باز می گردیم و جهنم را زندان کافران قرار داده ایم (۸) همانا این قرآن خلق را بر است تر و استوار ترین طریق هدایت میکند و اهل ایمان را که نیکوکار باشند با حروث و ثواب عظیم پاداش میدهد (۹) و بر آنان که به عالم آخرت ایمان نمی آورند البته عذاب دردناک مهیا ساخته ایم (۱۰) انسان با شوق و رغبتی که غیر و منفعت خود را میجوید چه بسا بنادانی با همان شوق و رغبت شروزیان خود را می طلبد و انسان بسیار بی سبب و شتاب کار است (۱۱) و ما شب و روز را دو آیت و نشانه (قدرت خود) قرار دادیم آنگاه از آیت شب (و روشنی ماه آن) گاستیم و غور شد (و آیت روز را همیشه تا بان ساختیم تا شما در روز از فضل خدا طلب کنید و تا آنکه شما رساله و حساب اوقات را بدانید و هر چیزی را فصل بیان کردیم (۱۲) و ما مقدرات و نتیجه اعمال نیک و بد هر انسانی را طوق کردن اوساختیم و روز قیامت کتابی بر او بیرون آریم در حالی که آن نامه چنان باز باشد که همه اوراق آنرا یکمرتبه ملاحظه کند (۱۳) تو خود کتاب اعمال ترا بخوان که تو خود تنها برای رسیدگی بحساب خویش کافی هستی (۱۴) هر کسی راه هدایت یافت تنها بفتح و سعادت خود راه یافته هر که بگمراهی شافت آن هم بزبان و شقاوت خود شافته و هیچکس با عمل دیگری را بدوش نگیرد و ما تارسل و فرستیم هر گز کسی را عذاب نخواهیم کرد (۱۵) و ما چون اهل دیاری را بخوایم ملامت سازیم پیشوایان و متعلمان آن شهر الامر (با طاعت) کنیم ولی آنها را فسق و تبه کاری و ظلم در آن دیار پیش گیرند و آنجا تنبیه و عتاب لزوم خواهد یافت آنگاه همه را ملامت میسازیم چه بسیاری از ملل و اقوامی را بعد از نوح حلاک کردیم و تنها خدای تو که بر گناهان پنه گناش آگاه و باخبر است گناهی میکند (۱۶) هر کس بسمی و کوشش خود متاع عاجل را طالب است متاع دنیا را باو میدهم (لیکن باز) بهر که خواهیم و هر چه مغیث ازلی ما پادشاه سپی در عالم آخرت دوزخ را نصیب او کنیم که بانکوشی مردودی به جهنم در آید (۱۸) و کسانی که طالب حیوة آخرت باشند و برای آن بقدر طاقت بگوشند البته بشرط ایمان بخدا

سَبِّهِمْ شُكْرًا ۝ كَلَّا نُمِدُّ مَوْلَاهُ وَمَوْلَاهُ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا
كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ۝ أَنْظِرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ
وَالْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ۝ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ
إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مِنْهُ مَوْمًا عَدُوًّا ۝ وَقَضَىٰ بِكَ الْاِتِّبَادُ
إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِنَّمَا بَيْنُكُمْ عِنْدَكَ الْكِبَرُ أَحْتِمَانًا
أَوْ كَلَامًا فَلَا أَفْعَلْ لَهَا أَفٍ وَلَا شَهْرٌ لَهَا وَقُلْ لَهَا قَوْلًا كَرِيمًا ۝
وَاخْضَعْ لَهَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّهِمَا كَاتِبًا
صَغِيرًا ۝ وَبُكَرًا أَغْلَرِ عَنَّا فِي نَفْوَيْكَ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ
كَانَ لِلَّهِ أَمِينٌ غَفُورًا ۝ وَآيَ الرَّحْمَنِ جَعَلَ الْيَسْكَينَ وَالْبَنِي
السَّبِيلَ وَاللَّيْنَةَ وَرَبَّنَدِيرًا ۝ إِنَّ الْبَنِي دِينَ كَانُوا الْخَوَاتِ
الْمُتَبَاطِينَ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ۝ وَإِنَّمَا تَرْضَوْنَ عَمَلَكُمْ
إِنْ تَبَغَاءَ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ تَرْجُو مَا أَفْعَلْ لَكُمْ قَوْلًا مَيُوسِرًا ۝ وَلَا
تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ
مَلُومًا مَحْسُورًا ۝ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ
كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۝ وَلَا تَقْنَطُوا أُولَٰئِكَ خَشْيَةَ
إِيمَانٍ لَّهُمْ تَرْزُقُهُمْ وَإِنَّا كَرُّانٌ قَلِيلٌ ۝ كَانَتْ خَطَايَا كَبِيرًا ۝
وَلَا تَقْرُبُوا الرِّبَا زَوْجًا ۝ كَانَتْ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ۝ وَلَا تَقْنَطُوا

سعی آنها مقبول و مآجور خواهد بود (۱۹) و ما بهر دو فرقه از دنیا طلبان و آخرت طلبان بلطف خود حدد خواهیم داد که از لطف و عطای پروردگار توهیج کسی محروم نخواهد بود (۲۰) بنگر تا ما چگونه بعضی مردم را بر بعضی فضیلت و برتری بخشیدیم مراقب آخرت نیز بیش از درجات دنیا است و برتری خلاقی بر یکدیگر به مراتب افزون از حد تصور است (۲۱) هرگز با خدای یکتا شرک و شریک مباد و گر نه بنکوهش و خذلان ابدی مبتلا خواهی شد (۲۲) بخدای توحکم فرموده که جز او هیچکس را نپرسید و درباره پدر و مادر نیکوئی کنید و چنانکه هر دو یا یکی از آنها پیرو ساله غورده شوند زهار کلمه‌ای که در نیجده خاطر شوند مگوئید و کمترین آزار بآنها مرسانید و با ایشان با کرام و احترام سخن گوئید (۲۳) و همیشه پر وبال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی فرزندان بگستران و بگو پروردگار چنانکه پدر و مادر مرا از کودکی بمهربانی پیروند تو در حق آنها رحمت و مهربانی فرما (۲۴) خدای بآنچه در دل‌های شماست از خود شما داننا تراست اگر همانا در دل اندیشه صلاح دارید حد اهر که را بانیست پاك بدرگاه او تضرع و توبه کند البته خواهد بخشید (۲۵) حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و دهکذران بیچاره را بحق خودشان برسان و هرگز اصراف روا مدار (۲۶) که مبدزان و مصرفان برادر شعلاند و شیطانست که سخت کفران نعمت پروردگار خود کرد (۲۷) و چنانچه از ارحام و فقیران ذوی الحقوق مذکور چون فعلا نادار عینی ولی در آتیه بلطف خدا امیدواری اکنون امراض می کنی و توجه به حقوقشان نتوانی کرد باز بگفتار خوش و زبان شیرین آنها را از خود دلشاد کن (۲۸) نه هرگز دست خود محکم بسته دار و نه بسیار بازو گشاده دار که هر کدام کنی بنکوهش و حسرت خواهی نشست (۲۹) همانا خدای تو هر که را خواهد روزی وسیع دهد و هر که را خواهد تنگ روزی گرداند که او صلاح کار بندگان کاملاً آگاه و بصیر است (۳۰) هرگز فرزندان خود را از ترس فقر بقتل مرسانید که ما را از حق شما و آنها هستیم زیرا این قتل زنده بگور کردن فرزندان بسیار گناه بزرگی است (۳۱) و هرگز بعمل زنا نزدیک نشوید که کاری بسیار زشت و راهی بسیار ناپسند است (۳۲) هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده مکشید

النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قِيلَ لَهُ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوِجَهُ
 سُلْطَانًا فَلَا يَصِيرُ فِي الْقُلُوبِ أَنَّهُ كَانَ مُنْصُورًا ﴿١٠٧﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ
 الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ
 الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴿١٠٨﴾ وَأَوْفُوا بِالْكَلِّ إِذَا كَلِمْتُمْ وَزُفُوا إِلَىٰ مِثْلًا
 مِنَ السِّعْيِ ذَلِكَ جَهْدُهُمْ وَآخِسُنَا وَبِئْسَ مَا لِبَاسِكَ
 بِهِ عِلْمُهُ إِنَّ التَّمَنُّعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ
 مَسْئُولًا ﴿١٠٩﴾ وَلَا تَمْسُ فِي الْأَرْضِ مَحَالًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن
 تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ﴿١١٠﴾ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرًا
 ذَلِكُمْ يَمَّا أُوحِيَ إِلَيْكَ وَبَلَغَ مِنْ الْحِكْمِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ
 إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا ﴿١١١﴾ أَفَأَصْفُكُمْ رَبُّكُمُ
 بِالْبَنِينَ وَالْمَنَاقِبِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَّا نَافِتِكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا
 ﴿١١٢﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا
 نُفُورًا ﴿١١٣﴾ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا أُتُوا
 إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ﴿١١٤﴾ تَبَّحَاتُنَا وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا
 كَبِيرًا ﴿١١٥﴾ تَسْبِيحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ
 مِنْ شَيْءٍ إِلَّا بِسْمِ اللَّهِ يَخْشَوْنَ لَٰكِن لَا يَقْنُتُونَ لِيُحَيِّمَهُمْ أَنَّهُ كَانَ
 حَكِيمًا غَفُورًا ﴿١١٦﴾ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَجَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ

مگر آنکه بحکم حق مستحق قتل شود و کسی که خون مظلومی را بناحق
بریزد ماه و لی او حکومت و تسلط بر قاتل دادیم پس در مقام انتقام آن ولی
در قتل و خونریزی اصراف نکند که او از جانب ما مؤید و منصور خواهد بود
(۴۳) و هرگز بمال یتیم نزدیک ننویسد مگر آنکه راه خیر و طریق بهتری
۱ بفتح یتیم) منظور دارد تا آنکه بعد از بلوغ و رشد در سده و همه به خود
باید وفا کند که الهی (در قیامت) از عهد و پیمان سؤال خواهد شد (۴۴)
و هر چه را بیکل با وزن من سنجید تمام به پیمائید و همه چیز را با ترازوی
عدالت بسنجید که این کاری بهتر و عاقبتش نیکوتر است (۴۵) و هرگز بر
آنچه علم و اطمینان نداری دنبال مکن که در پیشگاه حکم خدا چشم و
گوشه و دلها همه مسئولند (۴۶) و هرگز در زمین یکبر و ناز راه مرو (و فرود
و لغوت مفروش) که به نیر و زمین را نتوانی شکافت و بکوه در سر بلندی
بخواهی رسید (۴۷) که از این قبیل کارها و اندیشه های بدهمه نیر خدا ناپسند
خواهد بود (۴۸) نیست آنچه از حکمت بوحی پروردگار بتو میرسد و هرگز
با حدای یکتا کسی را بحدائی میرسد و گر نملامت زده و مردود بدوزخ
خواهی در افتاد (۴۹) آیا خدا شمارا بفرزندان پسر برگزیده است و
خود فرشتگان را دختران خویش قرار داده ؟ این دای و گفتار شما (مشرکان)
بسیار افتراقی عظیم و گناهی بزرگ است (۵۰) و ما این قرآن را با انواع
سخنان فصیح و بلیغ نیکو بیان کردیم تا خلق متذکر شوند و از این پند
گیرند و (لیکن بدانرا) بجز نفرت و شقاوت حاصلی نیفزود (۵۱) ای
رسول ما مشرکان را (بگو اگر با خدای یکتا چنانکه شما میگوئید خدا یان
دیگری بود در این صورت آن خدایان بر خدای عرش راه می گرفتند (۴۲)
خدا از آنچه میگویند بسیار برتر و منزّه تر است (۴۳) افت آسمان و زمین
و هر چه در آنهاست همه بتائش و تقویه خدا مشغولند و موجودی نیست
جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست و لیکن شما تسبیح آنها را
فهم نمیکنید همانا بسیار بردبار و آمرزنده است (۴۴) و چون تو قرآن
را تلاوت کنی مامیان تو و آنها که (بخدا و قیامت)

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حُجَّتَابًا مِّنْهُ ۖ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِم
 أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۖ وَإِذَا ذُكِّرْتُمْ بَلَغَتْ فِي
 الْقُرْآنِ عَجْدَةً ۚ وَلَوْ أَنَّهُمْ عَلِمُوا عَلَىٰ آذَانِهِمْ نَفُورًا ۖ فَهَلْ أَغْمَرُوا
 بِسُرْمَتِهِمْ إِذْ يَسْتَمِعُونَ ۚ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ
 الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّشْهُورًا ۖ أَنْظِرْ كَيْفَ نَقَرُ ۚ
 لَكَ الْأَمْتَالُ فَظَلُّوا أَفَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ۖ وَقَالُوا أَإِذَا
 كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۖ قُلْ كُونُوا عِجَابًا
 أَوْ حَدِيدًا ۖ وَخَلْقًا مَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ ۚ فَسَيَقُولُونَ مَن
 يُعِيدُ نَافِلِ الَّذِي قَطَرَ ۚ كَذَّاءٌ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ
 وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَرِيبًا ۖ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ
 فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِ رَبِّكُمْ وَقَظُّونَ لَهَا لَيْسَ لَكُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۖ وَقُلْ لِحِبَائِكُمْ
 يَقُولُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ الشَّيْطَانَ
 كَانَ لِلْإِنسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ۖ وَتَبَارَكَ الَّذِي أَعْلَمَ بِكُمْ ۚ إِنَّ تَبَارَكَ حَكَمُهُ
 ۖ وَإِنْ يَشَاءُ يُعَذِّبْكُمْ ۖ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ۖ وَرَبُّكَ أَغْلَمُ
 عَنِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ
 وَآتَيْنَا دَاوُدَ دَبُورًا ۖ هَلْ ادَّعَىٰ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فُلَا
 يَمْلِكُونَ كَيْفَ النَّصْرَ عَنْكُمْ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا ۖ وَلِلَّهِ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ

ایمان ندارند حجابی نداریم که آنها از فهم حقایق آن دور و مستور
مانند (۴۵) و ما بردلای (تیر) آن کافران پرده ای افکنیم که قرآن را
فهم نمی کنند و گوشه ای شان هم از شنیدن سخن حق سنگین است و چون تو
در آن قرآن خدایا بوحدانیت و یگانگی یاد کنی آنان روی گردانیده و
گریزان میشوند (۴۶) ما بحیالات باطلی که وقت شنیدن گفتار تو در دل
خود میکنند از خود آنها آگاه تریم که آن مردم ستمکار پیرم گویند که
شما جز شخصی مفتون سحر و ساحری را پیشوای خود نکرده اید (۴۷)
بنگر تاجه نسبتها از جهل پتر میدهند که از گمراهی خود هیچ راه خلاصی
نمیابند (۴۸) و کافران بعد از گفتند آیا ما چون استخوان پوسیده شویم
باز روزی از نو زنده و برانگیخته خواهیم شد (۴۹) ای رسول ما بگو سنگ
باشد یا آهن (۵۰) یا خلقی سخت تر از سنگ و آهن پس اگر گویند که ما
را زنده میکنند ؟ بگو همان حدائی که هم اول بار شمارا آفرید آنگاه آنها
زرد تو سر برافکنده باز گویند پس این وعده کی خواهد بود بگوی محمد
باشد که (این حادثه بزرگ) از حوالت نزدیک باشد (۵۱) روزی را که خدا
شمارا بخواند و شما سرازخاک بیرون کرده و با حمد و ستایش او را اجابت
کنید (و با آنکه سالهای بسیار از مرگ شما گذشته تصور میکنید که جز اندک
زمانی (در گورها) درنگ نکرده اید) (۵۲) و ای محمد بپند گانها بگو که
همیشه سخن بهتر را بر زبان آرید که شیطان چه بسیار میان شما دشمنی و فساد
میانگیزد زیرا دشمنی او با دمیان واضح و آشکار است (۵۳) خدا صلاح شمارا
بهتر از شما میداند اگر بخواهد و صلاح بداند بشما لطف و مهر بانی کند
اگر بخواهد (و مساحت باشد) مجازات و عذاب فرماید و ما تو را (ای محمد)
وکیل و نگهبان پندگان قرار ندادیم (۵۴) و خدای تو با آنچه در آسمانها و
زمین است داناتر است و همانا ما بعضی از انبیارا بر بعضی دیگر برتری
داده و پداود بور را عطا کردیم (۵۵) ای رسول ما مشرکان را (بگو از این
بتها) آنها که بجز خدا مؤثر میندازند در حوایج خود بخوانید تا به بینید
که نه دفع ضرری از شما توانند کرد و نه تغییر حالی بشما توانند داد
(۵۶) آنها را که کافران

يَبْتَغُونَ إِلَى رَوْقِهِمُ الْوَسِيلَةَ أَلَمْ لَهُمْ أَقْرَبُ وَرَبُّونَ رَحْمَتَ مَوْجِبَاتِهِ
عَذَابُهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا هَوَانٌ مِنْ قُرْبِهِمُ الْإِثْمُ
مَهْلِكُهُمْ أَقْبَلَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَوْ مَعَهُ عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ
فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا هُوَ مَا مَتَعْنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ
بِهَا الْآقِلُونَ وَإِنَّمَا تُمَوِّدُ الشَّاقَّةَ مَبْعُورَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا تُرْسِلُ
بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا هَوَاؤُكُمْ لَكَ إِنَّ رَبَّكَ آخِطٌ بِالنَّاسِ
وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الْبَاقِيَ إِلَّا لِيُؤْمِنُوا بِاللَّيْلِ وَالنَّجْمِ
الْمَلْمُونَةِ فِي الْفُرَّانِ وَتَوَعَّدْنَاهُمْ فَأَبْرَزْنَاهُمْ إِلَّا طَغَيْنَا كِبِيرًا ٥
وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ
أَسْجُدْ لِمَنْ خَلَقْتُ طِينًا قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَنْتَ هَذَا الذِّكْرُ كَرِهْتَ
عَلَيَّ لَنْ أَتُوبَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَأَكْفِيَنَّكَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ٦
قَالَ ذَهَبَ مَنْ بَيْعَكَ بِمَنْ قَاتَ جَهَنَّمَ جَرَاءً وَكَرْهَاءً مَوْفُورًا
وَاسْتَفْرِزْ مِنْ أَسْفَلَ طَائِفًا مِنْهُمْ يَصُورُكَ وَاجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِجِبَالٍ
وَجِجَالٍ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِذْنَاهُمْ وَمَا يَعْنِيهِمُ
الْكُفْرَانُ إِلَّا غُرُورًا ٧ إِنَّ عِبَادِي لَكُنْ لَكَ عَلَيْهِمْ نَظَّارُونَ
وَكُنْ يَوْمَئِذٍ بِرَبِّكَ وَكَرِّرْ الَّذِي يُرْجَى لَكَ الْفُلُوكُ فِي الْبَحْرِ
لَيَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكَرٍّ وَجِيهًا هُوَ إِذَا مَسَّكَ الضُّرُّ

بخدائی میخواستند آنان خود بدرگاه خدا وسیله تقرب میجویند و هر که
 مقرب تر است بیشتر امیدوار بر رحمت و ترسان از عذاب اوست که البته از
 عذاب خدا باید سخت هراسان بود (۵۷) هیچ شهرو دپاری در روی زمین
 نیست جز آنکه پیش از ظهور قیامت اهل آن شهر را یا هلاک کرده یا به عذاب
 سخت مذهب میکنند این حکم در کتاب علم ازلی مسطور است (۵۸) ما را
 از فرستادن آیات و معجزات جز تکذیب یحییان چیزی مانع نبود و بشود
 (قوم صالح) آیت ناقدا که همه مشاهده کردند بدادیم در باره آن ظلم کردند
 و آیات راجز برای آنکه مردم (از خدا) بترسند نمیفرستیم (۵۹) ای رسول
 ما بیاد آروقتی را که بتو گفتیم خدا البته بهمه افعال و افکار مردم محیط
 است و مارو یائی که بتو داده دادیم نبود جز برای آزمایش و امتحان مردم
 و درختی که بلبن در قرآن یاد شد و ما بذکر این آیات تسلیم آنها را (از خدا)
 میترسانیم ولیکن بر آنها جز طغیان و کفر و انکار شدید چیزی نیفزاید
 (۶۰) بیاد آروقتی را که فرشتگان را امر ب سجده آدم کردم پس همه سجده
 کردند جز شیطان که گفت آیا من سرطاعت ب آدمی که از خاک آفریدی
 فرود آدم (۶۱) آنگاه با من بگو آیا این آدم خاکی را بر من فضیلت و
 برتری دادی ای خدا اگر اجل مرا تا قیامت ب تاخیر افکنی بجز قلبی
 همه اولاد آدم را مهار کرده و بدار هلاک میکنم (۶۲) خدا به شیطان گفت
 برو که هر کسی از اولاد آدم پیروی تو کرد با تو بدوزخ که پاداش کامل شمامست
 کیفر خواهد شد (۶۳) برو و با جمله لشکر سوار و پیاده ات بر آنها احاطه
 کن و در اموال و اولادهم با ایشان شریک شو و بوعدهای دروغ آنها را
 بفریب و مفروض آری و بوعده شیطان چیزی جز فرور و فریب نخواهد بود
 (۶۴) همانا ترا بر بندگان (خاص) من تسلط نیست و تنها محافظت و
 نگهداری خدا (آنها را) کافی است (۶۵) برو و در گارشمامست آنکه بدریای برای
 شما گشتیها را بحرکت میآورد تا از فضل خدا روزی طلبید که او در
 باره شما بسیار مهربانست (۶۶) و چون در دریا پشما خوف و خطری
 رسد در آن حال

فِي الْبُحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا أَنَا ۚ فَلَمَّا نَجَّيْنَاهُمْ إِلَى الْبَرِ أَعْرَضْتُمْ
 وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ۝ فَأَمِيتُمْ أَن يَخْبِفَ بِكُمُ الْجَالِبُ الْبَرُّ
 أَوْ تُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۖ وَلَا تَجِدُوا لَكَ وَكِيلًا ۝ أَمَّا يَمِيتُكُمْ
 يُعِيدُكُمْ فِيهِ نَارَةٌ أُخْرَى ۚ تَرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا مِّنَ السَّمَاءِ مَغْبِرًا
 بِمَا كَفَرْتُمْ ۖ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكَ عَلَيْكُمْ نَاصِيحَةً ۚ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ
 وَجَعَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ رُفُفًا ۖ ثُمَّ مِمَّنْ عَلَّمْنَاهُ مِمَّا عَلَّمْنَاكُمْ عَلَى الْكِبَرِ
 مِمَّنْ خَلَقْنَا نُفُوسًا ۝ هُوَ مَن تَدْعُوا كُلَّ أُنثَىٰ مِن مَّاءٍ عَذْمٍ ۖ مِّنْ أَوْفَىٰ
 كِتَابِهِ يَهْدِيهِ ۚ قَالُوا لَكَ يَفْرُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يَرْبُحُونَ ۖ قِيلَ لَا
 وَمَنْ كَانَ فِي مِثْلِهِ لَأَعْمَى ۚ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَغْوَىٰ ۚ أَصْلَ سَبِيلًا ۝ وَ
 إِن كَادُوا لَيُبْغِثُواكَ عَنِ الدِّينِ ۚ وَجِئْنَا إِلَيْكَ لِنَقُتِرَ ۖ عَلَيْكَ نَحْمُ
 وَإِنَّا لَنَخْتَدُّكَ خَلِيلًا ۝ وَلَوْ لَا أَن تَبْكُنَا لَكَ لَقَدْ كُنْتَ تَرَكُنَا
 إِلَهُهُمْ ۖ قَبْلَ قَلِيلًا ۝ وَإِنَّا لَأَذْنُوكَ خَضَعًا لِّكُمُومٍ وَخُضَعًا لِّمَا
 نَزَّلَ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْكُمْ نَاصِيحَةً ۚ وَإِن كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ
 الْأَرْضِ ۖ يَخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِنَّا لَا بَلِّسُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا ۝
 ثُمَّ مِمَّنْ قَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ دُونِ مَا تُنْزِلُ وَلَا تَجِدُ لِنَفْسِنَا حُجْلًا
 ۝ أَفَرَأَيْتَ الصَّلَاةَ لِيُذَلِّكَ الْقَبِيلَ عَلَى اللَّيْلِ وَالْقُرْآنَ الْقُرْآنَ
 قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ۝ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسُجِّدْ لَهُ ۖ وَأَقِمْ لَكَ

بجز خدا همدا فراموش نمیکند آنگاه که خدا شما را از خطر نجات داد
 باز از خدا روی میکردانید و انسان کفر کیش و ناسپاس است (۹۷) آیا پس
 از نجات دریا باز ایمنید که زمین شما را فرو برد یا بر سر تان سنگ پیارد
 آنگاه از آن بالای الهی بر خود پناه و تکیه بانی نیابید (۹۸) آیا از آن ایمنید
 که بار دیگر خدا شمارا بدریا برگرداند و تند بادی بفرستد تا همه بکفر
 کفر بدیها فرق شوید آنگاه کسی را از قهر ما داد خواه و قریاد رس نیابید
 (۹۹) و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را بر کب پرو
 بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و بر
 بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بزرگ بخشیدیم (۷۰) ای رسول
 ما پیاد آرزوی را که ما هر گروهی از مردم را با پیشواشان دعوت میکنیم
 پس هر کسی نامه عملش را بدست راست دهند آنها نامه خود را قرائت
 کنند و کمترین ستمی بآنها نخواهد شد (۷۱) هر کسی در این جهان دنیا
 نایبنا است در عالم آخرت نیز نایبنا و گمراه تر خواهد بود (۷۲) نزدیک بود
 که ترا فریب داده و از آنچه بتو وحی کردیم غافل شوی و چیز دیگر بر ما
 فرابندی تا مشرکان ترا دوست خود گیرند (۷۳) و اگر ما ترا ثابت قدم
 نمیگردانیدیم نزدیک بود که بآن مشرکان اندک تمایل و اعتسادی پیدا
 کنی (۷۴) بود در آن صورت که به بت و بت پرستان اندک توجه میکردی بتو
 جزاء ایمن عمل را میبخشانیدیم و عذاب ترا در حیوة دنیا و در آخرت منافع
 میکردانیدیم و آنگاه از قهر و خشم ما بر خود هیچ پآوری نمییافتی
 (۷۵) و نزدیک بود که کافران ترا در سر زمین خود حبس کرده و از آنجا
 بسکریا به قهر بیرون کنند در این صورت پس از آن اندک زمانی پیش زیست
 نمیکردند (۷۶) ما آئین همه پیمبرانی که پیش از تو فرستادیم نیز همین
 قرار دادیم و این طریقه ما را تغییر پذیر نخواهی یافت (۷۷) نماز را وقت
 زوال آفتاب تا اول تاریکی شب پیاد آر و نماز صبح را نیز بجای آر که
 آن بحقیقت مشهود نظر فرشتگان شب و فرشتگان روز است (۷۸) و بعضی
 از شب بیخدار و متعجب باش و نماز شب خاص تو است بجای آور -

عَنِ أَنْ يَبْعَكَ رَبُّكَ مَعًا مَعُودًا وَقُلْ رَبِّ اذْخُلْنِي مَعَ
صِدِّيقٍ وَأَخِيخِي خَرَجَ صِدِّيقٌ وَاجْتَمَعَ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا
قَصِيرًا وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوًّا
﴿١٠﴾ وَنَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مَوْسِيًّا وَنَحْنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا
بَيْنَ الظَّالِمِينَ الْإِخْرَاقَ وَإِذَا آتَيْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ غُرُورًا
وَنَاجِيَانِيَّةً وَإِذْ آمَنَ الشُّرَكَاءُ مِنْهُمْ كُلٌّ لِيُعَمَلْ عَلَى
شَاكِلَتِهِ فَمُرُّوا عَلَيْنَا مِمَّا آمَنُوا مِنْ سَبِيلِنَا وَتَسْأَلُونَكَ
عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْوَحْيِ إِلَّا كَلِيلًا
﴿١١﴾ وَلَكِنْ سَأَلْنَا أَنْ يُنْزِلَ إِلَيْنَا الْكِتَابَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لَا يُغَيَّرُ
بِدَعْلَانَا وَكَذَلِكَ أُنْزِلَ إِلَيْكَ إِنْ قَضَيْتَ أَنْ تَعْلَمَكَ
كَبِيرًا قُلْ لَنْ أَجْعَلَ عَلَيْهَا لَوًّا وَلَا حِجْنًا عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِغَائِلٍ مِمَّا
الْفُرَّانِ لَا يَأْتُونَ بِغَائِلٍ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿١٢﴾ وَ
لَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَمَّا أَكْثَرُوا الْإِنْبَاءَ
إِلَّا كُفُورًا وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ حَتَّى تُفْرِكَنَا مِنَ الْأَرْضِ نَبْغُوا
أَوْ نَكُونَ لَكِ جَنَّةً مِنْ تَهْنِئَةٍ أَوْ نَكُونَ الْأَمْثَارِ خِلَافًا
تُغَيِّرُهَا أَوْ تَنْفُطُ السَّمَاءَ كَمَا زُخْمَتْ عَلَيْهَا لَكِنَّا كُنَّا بِمَا نَعْمُ
وَالْمَلَائِكَةُ قَبِيلًا أَوْ يَكُونُ لَكَ بَيْتٌ مِنْ ذُرْوَاهِ أَوْ تَرْفَعُ

باشد که خدایت بمقام محمود (شفاعت) مبعوث گرداند (۹۹) وای رسول
ما دایم دعا کن که بارالها مرا (همیشه بهر جا روم بمکه یا مدینه یا هالم
قبر و محضر) بقدم صدق داخل و بقدم صدق خارج گردان و بمن از جانب
خود بسیرت و حجت روشنی که دایم یار و مددگار باشد عطا فرما (۱۰۰)
و (بامت) بگو که (رسول) حق آمد و باطل را نابود ساخت که باطل خود
لایق معو و نابودی (پندی) است (۱۰۱) و ما آنچه از قرآن فرستیم شفا
دل و رحمت الهی بر اهل ایمانست و (لیکن) کافران را بجز زبان چیزی نخواهد
افزود (۱۰۲) و ماهر گاه با انسان نعمتی عطا کردیم رو برگردانید و دوری
جست و مهر گاه شربلانی با و روی آورد بکلی ما یوس و نا امید شد (۱۰۳)
تو بخلق بگو که هر کس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد
و خدای شما بر آنکه راه هدایت یافته از همه کس آگاه تر است (۱۰۴)
و (ای رسول ما) ترا از حقیقت روح می پرسند جواب ده که روح فرمان
خداست (و بیواسطه) جسمانیات با امر الهی بیدنها تعلق نمیگیرد) و آنچه از
علم بهما دادند بسیار اندک است و حقیقت چیزی را بعلم جزئی خود در
نمی یابید (۱۰۵) ای پیغمبر اگر ما بخواهیم آنچه را که بوحی بر تو آورده
همه را باز میبریم و آنگاه تو بر (قهر) ماهیچ مددکاری نخواهی یافت
(۱۰۶) مگر آنکه رحمت و لطف پروردگار از تو مدد کند که فضل و رحمت
او بر تو بسیار است (۱۰۷) بگوای پیغمبر که اگر جن و انس متفق شوند
که مانند این قرآن کتابی بیاورند هرگز نتوانند هر چند همه پشتیبان
یکدیگر باشند (۱۰۸) و ما نادارین قرآن برای مردم هر گونه مثال آورده
اکثر مردم بجز ارکثر و عباد از هر چیز امتناع کردند (۱۰۹) و گفتند
ما هرگز بتو ایمان نخواهیم آورد تا آنکه از زمین برای ما (یا عاجز) چشمه
آبی بیرون آرد (۱۱۰) آنکه تو را باغی از خرما و انگور باشد که در میان
آن باغ نهرهای آب جاری گردد (۱۱۱) یا آنکه (بنابر وعده تو) آسمان
بر سر ما فرو افتد یا آنکه خدا را با فرشتگانش مقابل ما حاضر آرد (۱۱۲)
یا آنکه خانهای از زر و کاغی زرنگار دارا باشی یا آنکه بر آسمان بالا
روی و بازم هرگز

التَّمَاءَ وَلَنْ تُؤْمِنَ بِرُؤْيَاكَ حَتَّى نُتَوَّلَ عَلَيْكَ لَكَا يَا قَوْمِي قُلْ لِيُطَاعُوا
 رَبِّي مَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا ۖ وَمَا مَتَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا بِالَّذِي
 جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ لَعَلَّاهُمْ يَرْجِعُونَ ۚ قُلْ لَّوِ كُنَّا فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةً
 لَمُتْنَا فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةً ۖ وَمَتَّوْنٌ مُطَفِّئِينَ لَنُفْرَقَنَّ عَنْكُمْ
 التَّمَاءَ مَلَكَارَسُولًا ۖ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ
 إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۖ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَبُذْءًا ۖ هُوَ الْمُنْتَدِ
 وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ يَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَيَحْشُرُهُمْ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ عَلَىٰ صُجُوحِهِمْ غَمًّا ۖ وَلِكَا وَصَمَاتَانِ بِأَمْ جَهَنَّمَ وَلِكَا حَبَسَ
 فِي دَنَائِهِمْ سَعِيرًا ۖ ذَلِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَنَّا
 كَلَّمَ عِظَامًا وَدِفَافًا ۖ وَإِنَّا لَنَجْعَلُوهُنَّ خَلْقًا جَدِيدًا ۖ أُولَٰئِكَ رَوَا
 أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فَادِرٌّ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ
 يَشَاءُ ۖ وَمَنْ يُجْعَلْ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا
 ۖ قُلْ لَوْ أَنَّكُمْ تَعْلَمُونَ خَوَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِنَّا لَأَمْسَكُنَّكُمْ نَفْسَةً
 الْإِنْفَاقِ ۖ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَفُورًا ۖ وَلَقَدْ أَتَيْنَا مُوسَىٰ بِسَعِ
 آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاَسْتَلْ بِعِلْمِ رَبِّهِ ۖ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ
 إِنِّي لَا أَظُنُّكَ بِأَمُوسَىٰ مَشُورًا ۖ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُ مَا أَنتَ بِأَعْلَمَ
 إِلَّا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصِيرٌ وَإِنِّي لَا أَظُنُّكَ بِأَفْوَهِونَ

ایمان با آسمان رفتند و ناپدید شدند تا آنکه بر ما کتابی نازل گشت که آن را قرائت کنیم بگو خدا منزله است از آن که من او یا فرشتگان او را حاضر سازم آیا من فرد بشری بیشترم که از جانب خدا بر سالت آمده‌ام (۹۴) مردم را چیزی از هدایت و ایمان باز نداشت وقتی قرآن آمد جز که گفتند آیا خدا بشری را هرگز بر سالت فرستاده است (۹۵) ای پیغمبر بگو اگر فرشتگان را در زمین مسکن و قرارگاه بودی ما هم فرشته را از آسمان بر سالت بر آنها فرستادیم (۹۵) ای پیغمبر بگو خدا شاهد میان من و شما کافی است که او باحوال بندگانش آگاه و پیراسته است (۹۶) هر که را خدا راهنمایی کند آن کس به حقیقت هدایت یافته و هر که گمراه کرد دیگر جز خدا هیچ راهنما و دوست و نگهدارنده را نخواهی یافت و چون روز قیامت شود بر روی کور و گنگ و کرم محسوس خواهی کرد و بدوزخ مسکن کنند که هر که آن دوزخ آتش خاموش شود باز شدیدتر سوزان و فروزان می‌کنیم (۹۷) اینست کیفر آن کافران چون بآیات ما کافر شدند و گفتند آیا پس از آن که ما استخوانی پوسیده شویم از نو باز بر انگیزته می‌شویم (۹۸) آیا ندیدند و ندانستند که آن‌خدائی که زمین و آسمانها را آفریده قادر است که مانند اینها را باز خلق کند و بر آنها وقت روز موعودی که بی شک خواهد آمد مقرر گرداند (آری با این همه آیات و حجت قاطع باز) ستمکاران جز راه کفر و عناد نپیموندند (۹۹) ای رسول ما (باین مردم بخیل‌پست نظر) بگو که شما اگر دارای گنجهای رحمت خدا شوید باز همه از ترس فقر و خوف درویشی بخیل از اتفاق خواهید کرد که انسان (طیما) بسیار ممسک و بخیل است (۱۰۰) و ما بموسی نه آیت روشن و معجز آشکار صلا کردیم این حکایت را از بنی اسرائیل سؤال کن که موسی بر آنها آمد پس فرعون گفت ای موسی من ترا (ساحر و)

مَثْبُورًا ۖ فَآرَادَ أَنْ يَنْفِرَ فَمِنْ أَلَا رِضٍ فَأَعْرَضْنَا عَنْهُ وَمَنْ مَعَهُ
 جَمِيعًا ۖ وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِيَقْبِ إِسْرَءِيلُ اسْكُتُوا الْأَرْضُ فَإِذَا بَلَغَ
 وَعْدَ الْأَمْرِ فَجِيئْنَا بِكَ لَهْفًا ۖ وَيَأْتِيحُ آتُورُنَا وَبِأَيْحَى تَزَلُّ
 مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۖ وَوَقَرْنَا أَنْ أَفْرَغْنَا إِلَهُكَ عَلَى
 النَّاسِ عَلَى مَكَّةٍ وَتَزَلُّوا تَزَلُّوا ۖ قُلْ أَسْأَلُكُمْ أَوْلَا تَقُولُونَ
 الَّذِينَ أَوْفُوا الْوَعْدَ مِنْ قَبْلِهِ إِنْ أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ فَخُذْ لِيَ الْآذَانِ
 مُجَدًّا ۖ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا
 ۖ وَيَخْرُجُونَ لِلْآذَانِ يَسْكُونُ وَهُمْ يَخْشَعُونَ ۖ قُلْ
 اذْعَبُوا اللَّهَ أَوْ اذْعَبُوا الرِّجْلَيْنِ آيَاتُ مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَلَمَاءُ ۖ انْجَسَتْ
 وَلَا تَجْمَعُهُمْ يَصْلَوْنَكَ وَلَا تَخَافُهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا
 ۖ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي
 الْمَلِكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ وَكَثِيرٌ مِّنْ تَكْبِيرٍ ۖ ۝ ٤١

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَزَلُّ عَلَى عِبَادِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ۖ فَمَا
 لِي نَذْبَأَ سَائِدِيذًا مِنْ لَدُنْهُ وَنُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْبُدُونَ
 الصَّالِحِينَ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ۖ مَا كُنْ فِيهِ آيَاتٌ ۖ وَتَزِيدُ

سحر آموز میبنداریم (۱۰۱) موسی یغرون باستداد که تو خود کاملاً دانسته‌ای که این آیات را برای عدایت خلق جز خدای آسمان و زمین نفرستاده و من ایغرون ترا شخصی جاهل و لایق هلاک نمی‌بندارم (۱۰۲) آنکه ازاده آن کرد که موسی و قومش را از زمین مصر براندازد ما هم او و هم دستانش را تمام بدریا غرق کردیم (۱۰۳) و بعد از آن بنی اسرائیل را فرمان دادیم که در آن زمین ساکن شوید تا از آن پس که وعده آخرت فراسد همه شما را با زحمات مبعوث گردانیم (۱۰۴) و ما این آیات را بحق فرستادیم و برای اقامه حق و راستی نازل شد و نفرستادیم تو را جز برای آنکه مؤمنان را بهادرت بر حمت دهی و کافران را از عذاب الهی بترسانی (۱۰۵) و قرآنی را جزء جزء بر تو فرستادیم که تو نیز بر امت بتدریج قرائت کنی این قرآن کتابی از قتن زیلات بزرگشاست (۱۰۶) (ای رسول ما بامت) بگو که شما باین کتاب ایمان بیاورید یا نیاورید (مرا یکسانست) که البته آنها که پیش از این بمقام علم و دانش رسیدند هر گاه این آیات بر ایشان تلاوت شود همه با کمال خضوع و فروتنی سر طاعت بر حکم آن فرود آوردند (۱۰۷) و گوید پرورد گار ما پاک و منزّه است البته وعده خدای ما محققاً واقع خواهد شد (۱۰۸) و آنها با چشم گریان همسری عاقله بودیت نهاده و پیوسته بر خوف و ترسان از خدا می‌افزاید (۱۰۹) بگو ای محمد (س) که خدای (باسم) الله یا (اسم) رحمان بهر اسمی بخوانید اسماء نیکو همه مخصوص اوست زیرا اوصاف جمال و جلال حضرتش بی شمار است و تو در نماز نه صدا را بسیار بلند و نه بسیار آهسته گردان بلکه حد توسط را اختیار کن (۱۱۰) و بگو ستایش مخصوص خداست که نه هرگز فرزندی و نه شریکی در ملکش برگرفته و نه هرگز عزت و اقتدار او را نقیصه رسد که بدوست و مددکاری نیازمند شود و پیوسته ذات الهی را به بزرگترین اوصاف کمال ستایش کن (۱۱۱)

سوره کهف در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر صد و ده آیه می باشد

بنام خدای بخشنده مهربان

ستایش و سپاس مخصوص خداست که بر بنده (خاص) خود (محمد ص) این کتاب بزرگ را نازل کرد و در آن هیچ نقص و عوجی ننهاد (۱) تا باین کتاب خلق را از عذاب سخت خدا بترساند و اهل ایمان را که اعمال آنها نیکوست با جبر بسیار نیکو بشارت دهد (۲) که در آن سر منزل پر نعمت بهشتی زندگانی ابدی خواهند داشت (۳) و بترسانان از عذاب

الَّذِينَ قَالُوا اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَلَمْ يَمُنْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ كَبُرَتْ
 كَلِمَةً فَرَجُ مِنْ اَفْوَاهِهِمْ اَنْ يَقُولُوْنَ اِلٰهًا كَذِبًا ۝ قُلْعَلَّكَ
 بِالْخُبْرِ نَفْسُكَ عَلٰى اَنَّا رَمَيْنَا اِنْ لَمْ نُوْمِنْوْا بِهٰذَا الْحَدِيثِ سَفَا
 ۝ اِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلٰى الْاَرْضِ نَبَاً لِّمَن يَّشَاءُ ۝ لَمَّا تَبٰلٰوْهُمۡ اَنۡبَاَهُمْ اَخۡسَرُ
 عَمَلًا ۝ وَ اِنَّا تَجَاعِلُوْنَ مَا عَلَيْنَا صَيْدًا جَبْرًا ۝ اَنۡ مَّ حَسِبْتَ
 اَنَّ اَصْحَابَ الْكَهْفِ الرِّفِيعِ كَانُوْا مِنۡ اٰمِلِيْنَا نَجۡيًا ۝ اِذَا وَاى
 الْقُبۡبِ اِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوْا رَبَّنَا اٰتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رِزْقًا وَ
 هَبۡ لَنَا مِنْ اَمْرِنا رِشۡدًا ۝ فَخَرَجۡنَا عَلٰى اَنۡبَاۡئِهِمْ فِي الْكَهْفِ
 يَسۡتَنۡبِهُنَّ عَدُوًّا ۝ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ لَدُنۡنَا اٰتٰى الْيَحۡزِبِۙ يَمِيۙنِ اَخۡطُوۙلَا
 لِيُنۡوَاۙمِدَّا ۝ ثُمَّ نَقَضۡنَا عٰلَمَكَ نَبَاَهُمْ بِالْحَقِّ اَنَّهُمْ قُبۡبَةُ اَمۡوَالِ
 يَرۡتَمُوۙنَ وَرِزۡقَانَا مِنْ هُدٰى ۝ وَرَبَطْنَا عَلٰى قُلُوۙبِهِمۡ اِذۡ قَامُوۙا ظَالُوۙا
 رَبَّنَا رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنْ نَدۡعُوۙنَ دُوۙدَۙهٖ اِلٰهًا لَقَدۡ
 قُلۡنَا اِذَا شِطَطَا ۝ مَوْلَاۙهُ قَوْمُنَا اَتَّخَذُوۙا مِنْ دُوۙدَۙهٖ اِلٰهَةً
 لَّوۙلَا يَآتُوۙنَ عَلَيْهِمۡ بِسُلۡطٰنٍ بَيِّنٍ مِّنۡ اَعۡلَمَۙرٍ مِّنۡ اَفۡرَیۙ عَلَى اللّٰهِ
 كَذِبًا ۝ وَ اِذۡ اَعۡزَمۡنَا لِقَوۡمِهِمْ وَمَا يَعۡبُدُوۙنَ اِلَّا اللّٰهَ قَالُوۙا اِلَى
 الْكَهۡفِ يَتَشَرَّكُوۙا رَبُّكَ دِيۙنَ رَّحِمٰىهِ وَهَبۡنِىۙ لَكَرۡمِۙنَ اَمْرِۙ زُرۡقَتَا
 ۝ وَ قَرۡىَۙ السَّمۡسِۙ اِذَا طَلَعَتۡ تَرَاوۡدُ عَنْ كَهۡفِهِمۡ ذٰلِكَ اِلۡهٰبِيۙنِ ۝

آنانرا که گفتند خدا فرزندى بر اى خود برگرفته است (۴) که آنها که
 با یسئخن جاهلانۀ باطل قائلند نه خود نه پدران شان از روى علم و دانش
 سخن نمیگویند این کلمۀ کذب و افتراء بزرگ که از دشمنان خارج می شود
 جز دروغ چیزی نیست (۵) ابرسول نزدیکست که تو اگر امت بقرآن
 ایمان نیاورند جان عزیزت را از شدت حزن و تأسف بر آنان ملاحظه سازی
 (۶) ما آنچه در زمین جلوه گر است زینت و آرایش ملک زمین قرار دادیم
 تا مردم را به آن امتحان کنیم که کدام یک در طاعت خدا مصطفیان نیکوتر
 خواهد بود (۷) و ما آنچه را از یور زمین گردانیدیم باز هم را بدست ویرانی
 و فنا میدهیم (۸) ابرسول ما تو پنداری که قسه اسحاب کهف و رقیم در مقابل
 این همه آیات قدرت و عجائب حکمت های ما واقعه عجیبی است (۹) آنگاه
 که آن جوانان کهف در غار کوه پنهان شدند از درگاه خدا صلت کردند
 که بارالها تو در حق ما بلفظ خاص حرد رحمتی صافر ما و بر ما وسیله
 رشد و هدایت کامل مهیا ساز (۱۰) پس ما برگوش آنها تا چند سالی برده
 بیهوش زدیم (۱۱) پس از آن آنها را برانگیختیم تا معلوم گردانیم کدام یک
 از اندوگروه مدت درنگ در افتاد را بهتر احصا خواهند کرد (۱۲) ماقصه
 آنان را بر تو بدستی حکایت خواهیم کرد آنجا که جوانان مردانی بودند که
 بپندای خرد ایمان آوردند و ما بر مقام ایمان و هدایتشان پیفزودیم (۱۳)
 ما بر دل های آنها علاقه (محبت و تو حید و ایمان بهدا) را محکم ساختیم که
 آنها قیام کرده و گفتند خدای ما پروردگار آسمانها و زمین است و ما
 هرگز جز آن خدای یکتا هیچکی را بهدائی نمیخواهیم که اگر بخواهیم
 سخت راه خطا و ظلم پیموده ایم (۱۴) اینان قوم ما هستند که خدایانی غیر
 خدای یگانه برگرفتند در صورتیکه هیچ دلیلی روشن بر خدائی آنها ندارند
 چمنظمی بالاتر از این افتراء و دروغی است که بر خدا می بندند (۱۵) و
 آنگاه اسحاب کهف با یکدیگر گفتند که شما چون از این مشرکان و
 خدایان باطلان دوزی جستید باید بنار کوه گریخته و پنهان شوید تا
 خدا از رحمت خود شما گشایی و توبه بپذیرد و اسباب کار شما را باروزی
 حلال و آسایش مهیا سازد (۱۶) و گردش آفتاب را چنان معاوضه میکند
 که هنگام طلوع

إِذَا عَزَّيْتَ تَفَرُّهُنَّ ذَاتَ السَّمَاءِ وَهُنَّ فِي حُجُومِنَهُ ذَلِكَ مِنْ بَابِ
 اللَّهُ مِنْ يَدِهِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلُّ فَلَنْ يَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْسِدًا
 ١٧ وَقَسَبْنَهُنَّ أَيَّافًا وَهُنَّ زُفُودٌ وَقَلْبُهُنَّ ذَاتَ الْهَمِينِ وَذَاتَ
 السَّمَاءِ وَكَلْبُهُنَّ هَائِطٌ وَرَاعِبُهُنَّ يَأْوِسُهُنَّ لَوْ أَطْلَعَتْ عَلَيْهِنَّ
 لَوَلَّتْ مِنْهُنَّ فِرَارًا وَكَانَتْ مِنْهُنَّ رُجُلًا ١٨ وَكَذَلِكَ بَعَثْنَا هُنَّ
 لَيْسًا تَلَوَّ أَبْيَتَهُنَّ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُنَّ كَرَيْتُهُنَّ قَالُوا لَيْسًا هُوَ مَا أَتَوْهُنَّ
 يَوْمَ قَالُوا أَرَكُنَّ أَغْلَرْنَا لَيْتُهُنَّ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِرِجْلٍ مُرْسِيَةٍ إِلَى
 الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ
 وَلَا يُشْعِرَنَّ بَكُمْ أَحَدًا ١٩ ثُمَّ إِنْ بَظَهَرَ أَعْلَانُكُمْ رَجُوعًا وَافِيَةً
 فِي مَلِكِهِمْ وَلَنْ نَقْلُبُوهُنَّ أَبَدًا ٢٠ وَكَذَلِكَ أَفْتَرْنَا عَنْهُمْ لِيَعْلَمُوا
 أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ
 أَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِنَّ بُنْيَانًا فَإِذَا غُلِبَتْهُنَّ قَالُوا الدِّينُ عَلَيْنَا
 عَلَى أَمْرِهِمْ لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِنَّ مَسْجِدًا ٢١ سَبِّحُوا لَهُ تَلَاوتَهُ وَارْحَمُهُمْ
 كَلِمَتُهُمْ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّهِمْ كَلِمَتُهُمْ رَجَاءٌ يَأْتِيهِمْ يَتَوَلَّوْنَ
 سَبْعَةً وَثْنَانِمْ كَلِمَتُهُمْ قُلُوبُهُمْ أَغْلَرُوا بَعْدَهُمْ مَا يَعْلَمُهُنَّ إِلَّا قَلِيلٌ
 فَلَا تُمَارِ فِيهِمُ الْإِمْرَاءَ ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ٢٢
 وَلَا تَقُولَنَّ لَوْ يَفْعَلُ ذَلِكَ عَلَدًا إِلَّا الْآنَ يَشَاءُ اللَّهُ وَ

از سمت راست غار آنها بر کنار و هنگام غروب نیز از جانب چپ ایشان
 بدور میگردید و آنها کاملاً از حرارت غروب خورشید دو آسایش بودند این
 حکایت یکی از آیات الهی است هر کس را خدا و عنایتی کند او بحقیقت
 هدایت یافته و هر که را همراه گرداند هرگز برای چنین کسی هیچ یار و
 عنایتی نخواهد بود (۱۷) و آنها را پیدا پنداشتی و حال آنکه در خواب
 بودند و ما آنها را به پهلوی راست و چپ میگردانیدیم و ملک آنها دوست بر
 در آن غار گسترده داشت و اگر کسی بر حال ایشان مطلع شدی از آنها
 گریختی و از هیت و عظمت آنان بسیار هراسان گردیدی (۱۸) باز ما
 آنان را از خواب برانگیختیم تا میان خودشان صحبت و بحث از مقدار
 زمان خواب پیش آمدی یکی پرسید چند مدت در غار درنگه کردید جواب
 دادند یکروز تمام یا که برخی از روز دیگر باز گفتند خدا دانای تر است
 که چند مدت در غار بوده ایم باری شما در هم ماهان را بشهر پفرستیدفا
 مشاهده شود که کدام طعام پاکبزه تر و حلال تر است تا از آن روزی خود
 فراهم آرید و باید بادقت و ملاحظه زود بپلوی که هیچکس شمارا نشناسد
 (بروید و باز گردید) (۱۹) زیرا که حقیقتاً اگر بر شما آگاهی و نظر بپندشما
 را یا سنگسار خواهند کرد یا با این خودشان بر میگردانند و هرگز روی
 دستکاری نخواهند دید (۲۰) و باز ما مردم را بر حال اصحاب کیمیا
 آگاه ساختیم تا خلق بدانند که وعده خدا بحق بوده و ساعت قیامت البته
 بی هیچ شک خواهد آمد تا مردمی که میانشان تنازع و خلاف در امر آنها بود
 پس با این همه بعضی گفتند باید کرد آنها حصار و پناهی بسازیم خدا با احوال
 آنها آگاه تر است و آنانکه بر واقع احوال آنها ظفر و اطلاع یافتند گفتند
 البته بر ایشان مسجدی بنا کنیم (۲۱) بعضی خواهند گفت که صد آن اصحاب
 کیمیا سه نفر بود و چهارمین هم ملک آنها و برخی دیگر از روی خیال بافی
 و غیب گویی میگویند صد آنها پنج نفر بودند و ششمین ملک آنها و برخی دیگر
 گویند هفت نفر بودند و ششمین ملک آنها (ای رسول ما) بگو خدا همین
 بده آنها آگاه تر (از خلق) است که بر عدد آنها از خلق بهتر افراد قلبی که
 از طرف حق بوحی دانسته اند هیچکس آگاه نیست پس تو با اهل کتاب جد این
 موضوع مجادله کن جز آن که هر چه بظاهر و بوحی دانستی اظهار کن دیگر
 هرگز قوی از احدی در این باب مهتر (۲۲) و اعمد سول ما تو هرگز
 مگو که من ایشان را فردا خواهم کرد (۲۳)

اذْكُرْ رَبَّكَ اِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ اَنْ يَّهْدِيَنِي رَبِّي لَا تُفَرِّقْ بَيْنَ هٰذَا
 وَهٰذَا هُوَ الْوَحْيُ اِنِّي كَتَبْتُمُ ثَلَاثَ مِائَةِ سِنِينَ وَاَزِدَاوَا لِنَسْعَا
 ﴿٢٥﴾ قُلِ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا لِيَتَوَالِهَ نَحْبُكَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ اَبْصُرْ يَدِي
 اَسْمِعْ مَا لَمْ يَمْسُ مِنْ دُونِي مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يَشِيرُ لِي فِي حَكْمَةٍ اَحَدًا ﴿٢٦﴾
 وَاقُلْ مَا اَوْحِيَ اِلَيْكَ مِنْ كِتَابِيْكَ لَا مَبْدِلَ لِكَلِمَاتِيْهِ وَلَنْ يَجِدَ
 مِنْ دُونِي مُلْتَقَدًا ﴿٢٧﴾ وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ رَبَّهُمْ
 بِالْغَدُوَّةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُوْنَ وَجْهَهُ وَلَا تَقْدُحْ فِيْكَ اَعْيُنُهُمْ
 يُرِيدُوْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَلَا تَطَّعْ مَنْ اَغْنٰنَا قُلُوبُهُمْ عَنْ ذِكْرِنَا
 وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ اَمْرُهُ فُرْقَانًا ﴿٢٨﴾ وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ اَنْتُمْ شَاءَ
 قُلُوبُكُمْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ اِنَّا اَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِيْنَ نَارًا اَلْحَاطَّةَ
 يَدْخُلُوْنَ فِيْهَا وَاِنْ يَسْتَعْجِلُوْا يَغَاثُوْا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوْهَ
 يَبْسُ السَّرَابَ وَمَا اَنْتُمْ مُّرْتَقِقًا ﴿٢٩﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا
 الصّٰلِحٰتِ اِنَّا لَا نُضِيعُ اَجْرَ مَنْ اَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٣٠﴾ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ
 جَنَّٰتُ عَدْنٍ يَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ يَهْوٰوْنَ فِيْهَا مِنْ اَسَاوِدَ
 مِنْ ذَهَبٍ يَّهْبُوْنَ فِيْهَا اَبَاقُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ اِسْتَبْرَقٍ فِيْ شَجَرٍ
 فِيْهَا عَلٰى الْاَرَآئِكِ يَتِمُّ الْوَابُ وَحَسِّنْتَ مُرْتَقِقًا ﴿٣١﴾ وَاصْبِرْ
 لَهْمُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِاَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ اَغْنَابٍ حَفَّتَا

مگر آنکه بگوئی (انشاء الله) اگر خدا بخواهد و خدا را الحظای فراموش
 مکن و بگو امید است خدای من مرا بهحقایقی بهتر و علومی برتر از
 این قسه هدایت فرماید (۳۴) و آنها در کوه سبده سال نسل
 هم زیاده درنگ کردند (یهود بر علی (ع) در این آیه اعتراض کردند که
 نسل زیاده در توبه مانیت حضرت پاسخ داد که این نسل برای نیت
 که سال شما شمس و از ما قریست (۳۵) بگو خدا بزمان اقامت آنان در
 کوه داناتر است که او بهمداسر ارفیب آسمانها و زمین معیطات و جقدر
 هم بینا و شنواست ؟ و هیچکس جز او نگهدار خلق نیست (۳۶) و آنچه از
 کتاب خدا بر تو وحی شد بر خلق تلاوت کن که کلمات خدا را هیچکس
 تغییر نتواند داد و هرگز جز درگاه او پناهی نخواهد یافت (۳۷) و
 همیشه خویش را با کمال شکیبائی به محبت آنانکه صبح و شام خدا را
 میخوانند و رضای او را میطلبند و ادا دار کن و یک لحظه از آن فقیران چشم
 مپوش که بزینتهای دنیا مایل شوی و هرگز با آنانکه ما دلای آنها را
 از یاد خود غافل کرده ایم و تابع هوای نفسی خود شدند و به تبه کاری پرداختند
 متابعت مکن (یعنی با اشراف و ثروتمندان ظالم هوا پرست نبیوند)
 (۳۸) و بگودین حق همانست که از جانب پروردگار شما آمد پس هر که
 میخواند ایمان آورد و هر که میخواند کافر شود ما برای کافران ستمکار
 آتشی مهیا ساخته ایم که شعله های آن مانند غیسمای بزرگ گردد آنها
 احاطه کند و اگر (از شدت سحش) شربت آبی درخواست کنند آبی مانند
 مس گداخته سوزان بآنها دهند که رویها را بسوزد و آن آب بسیار
 بد شربتی و (آن دوزخ) بسیار بد آسایشگامی خواهد بود (۳۹) آنان
 که (بصدا) ایمان آوردند و نیکوکار شدند ما هم اجر نیکو کاران را
 ضایع نخواهیم گذاشت (۴۰) بلکه اجر عظیمی بهشتی بدهن که نه تنها
 زیر درختانی جاریست خاص آنهاست در حالی که در آن بهشت برین
 زیورهای زرین بیارایند و لباسهای سبز حریر و دیبا بپوشند و بر تختها
 (بهزت) تکیه زنند (که آن بهشت) نیکو اجری و خوش آرامگامی
 است (۴۱) (ای رسول ماحکایت) دهمرد (مؤمن و کافر) را بر این است
 مثل آرد که ما بیکدی از آنها دو باغ انگور دادیم و

يُخَلِّ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُجْرًا ۖ كَلِمَاتُ الْيَوْمَيْنِ اِنَّ اَكْلَهُمَا وَلَمْ حُلَا
 مِنْهُ نَبِئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا ثَمَرًا ۖ وَكَانَ لَهُ ثَمْرٌ فَقَالَ ابْنُهُ
 وَهُوَ يُحَاوِرُهُ اَنَا اَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَاَعْرَضْنَا عَنْهُ ۖ وَدَخَلَ جَنَّتَهُ
 وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ ۖ قَالَ مَا اَظُنُّ اَنْ يَبِيدَ هَٰذَا اَبَدًا ۖ وَمَا
 اَظُنُّ السَّاعَةَ فَاتِمَّةً ۖ وَلَمَّا رُوِيَتْ اِلَى رَبِّي لَا يَجِدَنَّ خَيْرًا
 مِنْهَا مُنْقَلَبًا ۖ قَالَ لَهُ صَاحِبُهَا وَهُوَ يُحَاوِرُهُ اَكَثَرْتَ بِالنَّارِ
 خَلَقَكَ مِنْ نَارٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفٍ ۖ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا ۖ لِيَا هُوَ
 اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشِيرُكَ رَبِّي اَحَدًا ۖ وَلَوْلَا اَنْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ
 قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ اِنْ تَرَى اَنَا اَقْلَ مِنْكَ مَالًا
 وَلَوْلَا فَصَلَّى لَبِئْسَ بُرْهَانٌ خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ ۖ وَبُرْسِلَ عَلَيْهَا
 حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتَصْبَعُ صَعِيدًا زُلْفًا ۖ وَتَصْبَعُ مَا وَمَا
 تَحُورًا ۖ فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ۖ وَاجْطَبِ ثَمْرًا فَاصْبَعْ بِقَلْبِكَ
 عَلَى نَارٍ اَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاطُوِيَةٌ عَلَى عُرْوِهَا وَيَقُولُ يَا ابْنَتِي لِمَ
 اُشِيرُكَ رَبِّي اَحَدًا ۖ وَلَوْ تَكُنْ لَهُ فِتْنَةٌ يَبْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ
 وَمَا كَانَ مُنْظِرًا ۖ هَٰذَا لَكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَكِيمُ خَيْرًا ۖ وَخَيْرُ
 عُقْبَةٍ ۖ فَاصْرُبْ لَهُمْ مِثْلَ الْجَمْعَةِ الذَّنْبَا كَمَلَهُ اَنْزَلْنَاهُ مِنَ
 السَّمَاءِ فَاجْتَلَط بِهِ ثَبَاطُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ

و بشغل خرما اطرافش را پوشانیدیم و هر سه میان آنها را کشتزار مخصوص گردانیدیم (۳۳) آن دو باغ کاملاً میوه‌های خود را بی هیچ آفت و نقصان به داد و دروسد آنها چوی آبی نیز روان ساختیم (۳۴) و این مرد را که در باغ میوه بسیار بود بر پیش در مقام گفتگو و مفاخرت برآمد و گفت من از تو به دارائی بیشتر و از حیث عدم و حشم نیز محترم و عزیزترم (۳۵) و روزی بیاض در حالیکه بنفش خورشید منگبار بود با کمال غرور داخل شد و گفت گمان ندارم هرگز این باغ و دارائی من نباشد (۳۶) و نیز گمان نمیکنم که در قیامتی پیاشود و اگر بفرسخ من بسوی خدای خود باز گردم البت در آن جهان نیز از این باغ دنیا منزلی بهتر خواهم یافت (۳۷) رفیق در مقام گفتگو و اندرز بدو گفت آبا به دارائی که نخست از خاک و به داد از غلته ترا آفرید و آنگاه مردی کامل و آراسته خلقت ساعتی کافر شدی؟ (۳۸) لیکن من که پروردگارم آن خدای یکتاست و هرگز به خدای خود احدی را شریک نخواهم ساخت (۳۹) ای رفیق تو چرا وقتی بیاض خود در آمدی گفتی که همه چیز به خواست خداست و جز قدرت خدا قوه‌ای نیست و اگر تو مرا از خود بهال و فرزندان کمتر دانی (مفروضه) (۴۰) کدامید است خدام را بهتر از باغ تو به صد و بیست و ستان تو آتش فرستد که چون صبح شود بافت یکسره نابود و با خاک صرف یکسان گردد (۴۱) یا صبحگاهی چوی آبی بر زمین فرود رود و دیگر هرگز نتوانی آب به دست آری (۴۲) یا آنکه تیره میوه‌هایش همه نابود شود تا صبحی از شدت سوز و اندوه بر آنچه در باغ خرج کردی دست بردستی زنی که پناه و اشجارش همه ویران و غمگین شد است آنگاه گوئی اینک من به خدای خود مفرک نیستم (۴۳) و ابتدا جز خدا هیچکس نباشد که آن گنه کار کافر را از قهر و غم خدایاری و حمایت تواند کرد (۴۴) تنها و لا اله الا الله که حق فرمان دهد و بهترین اجر تو اینست نیکو را هم او صلا کند (۴۵) ای رسول ما برای امت چنین دانه گانی تمام دنیا را مثل زن که با آب پادانی از آسمانی نازل کرد و به آن آب درختان و نباتات گوناگون زمین در هم پیچید و در هم فرو برد سپس صبحگاهی همه در هم شکست و خاک شود و به دست بادها زرد بر گردد و

وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ۝ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرًا أَمَلًا ۝
 ٢٤ وَبَوْمَ نَسِيَ الْإِيْمَالُ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَسَرْنَا مِنْهُمُ طَلْمًا
 نَعَادُ فِيهِمْ أَحَدًا ۝ وَغَرَضُوا عَلَى رُبِّكَ صَعْقًا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا
 خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَنَّ لَنَا مَحْجَلًا لَكُمْ مُوعِدًا ۝ وَ
 وَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفَعِينَ مِنْهَا وَهُمْ يَقُولُونَ هَاؤُنَّ بَنَاتُنَا
 مَا لِهَذِهِ الْكِتَابِ لَا يَغَادِرُ مِنْهُ ذِكْرٌ وَلَا كِتَابٌ إِلَّا آخِضْنَاهَا وَمَا كُنَّا
 مُنَاعِلِينَ ۝ وَابْطَلْنَا رُبَّكَ أَحَدًا ۝ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدْ
 لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ
 أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَمَنْ لَكَ عِدْدٌ يُهْتَبَسُ
 لَلْظَالِمِينَ بَدَلًا ۝ هَذَا أَنَّمَا خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا
 خَلْقَ أَفْضَلُ ۝ وَمَا كُنْتَ مُقْتَدِرًا عَلَى الْمُضِلِّينَ عَصْدًا ۝ وَبَوْمَ يَقُولُ
 لِكُلِّ سَكَنٍ مِنَ الدِّينِ رَعَيْتُمْ فَذَعَفُوا قُلُوبَهُمْ فَقُلْ يَسْجُدُوا لِلَّهِ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ
 مَوْبِقًا ۝ وَذَا الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَلُّوا أَهْمًا مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا
 عَنْهَا مَصْرِفًا ۝ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ
 مَثَلٍ ۝ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرُ شَيْءٍ جَدَلًا ۝ هُوَ مَا مَعَ النَّاسِ أَنَّ
 يُؤْمِنُوا إِلَّا جَاءَهُمُ الْمُدْحَى يَسْتَغْفِرُونَ أَنَّهُمْ لَا يَأْنِي لَهُمْ نَفْسَةٌ

خدا بر همه چیز در عالم اقتدار کامل دارد (۴۵) مال و فرزندان زیاده و زحمت حیات دنیاست و (لیکن) اعمال صالح که تا قیامت باقی است نزد پروردگار پس بهتر و عاقبت آن نیکوتر است (۴۶) و یاد کن ای محمد (س) روزی را که ما کوه‌ها را بر قنار آوریم و زمین را صاف و بدون پست و بلندی آشکارا به بینی همه زاده‌ها و ستم‌ها را بر آن گیزیم و یکی را فرو نگذاریم (۴۷) و غلاب را در صدفی بر خدا عرضه کنند (و با کفران گفته شود) همان گونه که اول بار شمارا آفریدیم باز پسوی ما باز آمدید و آن معادی را که به خیال باطل منکر بودید به چشم مشاهده کردید (۴۸) و در آن روز کتاب اعمال نیک و بد خلق را پیش‌نهند و اهل صیانت را آنچه در نامه عمل آنهاست ترسان و هراسان بینی در جالی که با خود گویند ای وای بر ما این چگونه کتابی است که اعمال کوچک و بزرگ ما را سر موی فرو نگذاشته جز آنکه همه را احصاء کرده است و در آن کتاب همه اعمال خود را حاضر بینند و خدا بهیچ کسی ستم نخواهد کرد (۴۹) وای رسول‌پاد آور و قوی را که پسر شنگان فرمان دادیم که بر آدم حمله بکنند و آنها را بکشد و سر بریده فرو آوردند جز شیطان که از جنس دیو بود بدین جهت از اطاعت خدا سر پیچید (آیا شما فرزندان آدم) مرا فراموش کرده و شیطان و فرزندان او را دوست خود گرفتید در صورتی که آنها شما را سخت دشمنند و ظالمان که بهای خدا شیطان را طاعت بر گزیدند بسیار بدین پادله کردند (۵۰)

من در وقت آفرینش آسمان و زمین و با خلقت خود این مردم آنها را حاضر و گواه ساخته (و کمک از کسی نخواستم) و هر گز گمراهان و احمق‌ها را نگرفتم (۵۱) و یاد آر روزی که خدا با کفران بر گوید که اکنون آنان را که شریک من گمان داشتند بهخوانید آنها بهواتند و یکی اجابت نکند پس میان همه آنها جایگاهی مهلك مقرر سازیم (۵۲) و آنگاه مردم بدکار آتش دوزخ را بهیچ معاصیه کنند تا بدانند که در آن خواهند افتاد و از آن مفری ندارند (۵۳) و ما در این قرآن هر گونه مثال و بیان (برای هدایت خلق) آورده‌ایم و (لیکن) آدمی بهتر از هر چیز باشد حق به خدا و خصوصیت بر خیزد (۵۴) و چون هدایت الهی قرآن به خلق رسیده چه منع کرد (که مردم آن هدایت را بپذیرند و) بدو گاه پروردگار خود عیب و استغفار کنند بهز آنکه (مستحق شوند) باشند

الْأَوَّلِينَ آفَاتِهِمْ الْعَذَابُ قُبُلًا ۖ وَمَا تُرِىُّ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا
 مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ الْيَهُودَ
 يَهُودَ الْحَقِّ وَاتَّخَذُوا آلِهَاتِهِ وَمَا نُؤْتُوا مِنْ دُونِ مَا نُؤْتُوا ۖ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ
 ذَكَرَ آلِهَاتِهِ تَبَدُّلًا فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَلَقِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا
 عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ
 إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِلَّا أَهْدَا ۖ وَذَكَرَ الْأَعْمُورُ نَادَى الرَّجُلَ
 لَوْ نُبَايَعُكُمْ فِي آلِهَاتِكُمْ لَكُنَّا عُتَادٌ لَكُمُ الْعَذَابُ بَلْ لَكُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا
 مِنْ دُونِنَا مَوْلًى يَخْتَصِمُ لَهُمْ أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْلِكُ مَا يَنْزِلُونَا ۖ وَجَعَلْنَا
 لَهُمْ لِكُلِّ مَوْعِدَةٍ مَوْعِدًا ۖ وَإِذَا قَالُوا مَوْسَى لَقِنَا رَبَّنَا ۖ قَالُوا نَحْنُ نَحْمِلُ
 الْبُحْرَيْنِ أَوْ أَمْسُوا خُفُفْنَا ۖ قَالُوا بَلَعْنَا جَمْعَ بَيْنِهِمَا نَسِيحًا لَوْ كُنَّا
 فَاتِحِينَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ۖ قَالُوا جَاوِزْنَا قَالُوا لَقِنَا رَبَّنَا ۖ إِنَّا عَدُّنَا
 لَعَدُوَّكُمْ إِنَّا نَمُنُّ بِمَا نَقُولُ ۖ قَالُوا أَرَأَيْتَ إِذْ أَوْبَيْنَا إِلَى
 الْعُظْمِ وَفَاتِنَا نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَتَانِي إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ
 أَذْكُرَهُ ۖ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ۖ قَالُوا ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِي ۖ فَاتَّبَعُوا
 عَلَى أَمْرِهِمْ أَقْصَا ۖ فَوَجَدَ عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا لَدُنَّا كَذِبًا ۖ قَالُوا
 مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَيْنَا ۖ مِنْ لَدُنَّا عَلَمًا ۖ قَالُوا لَهُ نُونِي هَلْ آتَيْنَاكَ
 عَلَى أَنْ تَعْلَمَ بِنَا عَلِمْتَ وَشَدَّ ۖ قَالُوا إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ

مقویت پیشینیان باینان هم برسد و یا با عجازات و عذاب خدا و بر دوش
 (۵۵) و مار سولانرا جزیرا یا شارت (نیکان) و ترسانیدن (بدان) نفرستادیم
 و کافران با سخنان بیهوده باطل میخواستند بجدل حق را پایمال کنند و آیات
 مرا آنچه برای اندریشان آمد باستنها گرفتند (۵۶) و کیست ستم کارتر
 از آن کسی که حذکر آیات خدا شود باز او امرش کرد و از اعمال زشتی
 که کرده بود ما (پس از اتمام حجت) بردلها ایشان پرده انداختیم تا دیگر
 آیات ما را فهم نکنند و گوش آنها را (از شنیدن) حق سنگین ساختیم و اگر
 بهدایشان بخوانی دیگر ابد اهدایت نخواهند یافت (۵۷) خدای تو
 دارای آمرزش و رحمت است و اگر خواهد تا خلق را بگردانان و مؤاخذه
 کند همانا در عذابشان تمجیل نماید ولیکن برای آن عذاب وقت معین
 است که از آن هرگز پناه و گریز گاهی نخواهند یافت (۵۸) و اینست
 شور و یاد رهایی که اهل آنرا چون ظلم کردند ملاک ساختیم و بر جای که
 ملاکشان موعدهی (در قیامت) مقرر گردانیدیم (۵۹) و بیاد آر وقتی را
 که موسی بر رفیق جوان مردش (یوشع که وی و خلیفه او بود) گفت من دست
 از طلب برندادم تا به مجمع البحرین برسم یا سالها عمر در طلب بگذرانم
 (۶۰) و چون موسی و رفیقش بدان مجمع البحرین رسیدند ما (غذای
 خود را فراموش کردند آن ماهی هم راه بدیا در گرفت و رفت (۶۱)
 پس آنگاه که از آن مکان بگشتند موسی به آن جوان گفت غذای چاشت
 ما را بیاور که ما در این سفر پنج بسیار دیدیم (۶۲) (یوشع) گفت
 در قطر داری آنجا که بر سنگی منزل گرفتیم بن آنجا ما را فراوش
 کردم و شیطان از یادم برد و گشت آنکه ماهی بریان را در دیا گرفت و
 رفت (۶۳) موسی (بفرست یافت و یوشع را) گفت آنجا همان مقصدی
 است که ما در طلب آنیم و از آن راهی که آمدید بدانجا برگشتند (۶۴)
 در آنجا بندهای از پندگان خاص ما را (که جوای او بودند) یافتند که
 او را رحمت و لطف خاص ظاهر کرده بودم از نزد خود و در اعلی (لذتی و
 اسرار غیب الهی) بیا موختیم (۶۵) موسی به آن شخص دانا گفت آیا اگر
 بن تبعیت و خدمت تو کنم از اعلی لذتی شود مرا خواهی آموخت (۶۶)
 آن عالم پاسخ داد که تو هرگز نمیتوانی که با من

صَبْرًا وَكَفَتْ تَصْبِيرًا عَلَى مَا لَمْ يَحْطِ بِهِ خَيْرًا ۝ قَالَ سَجِدْ لِي يَا شَيْتَانُ
 الشُّصَارِ وَلَا أَغْصِيكَ أَمْرًا ۝ قَالَ فَإِنْ أَتَيْتَنِي فَلَا تَسْتَلْنِي
 عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ۝ فَأَنطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا
 فِي السَّيِّئَةِ لَمَسَّهَا قَالَا أَخْرِقْهَا الْغُرْبَى أَهْلُهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا
 إِمْرًا ۝ قَالَ أَلَا أَقُولُ إِنَّكَ لَنْ تَسْلُطَ مَعِيَ صَبْرًا ۝ قَالَ لَا تَأْتِيَنِي
 بِعِلَاسٍ وَلَا تُزْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي غَمْرًا ۝ فَأَنطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَبَيَا
 غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا وَرَكِبَتُ بَقَرَتَيْنِ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا
 نَكْرًا ۝ قَالَ أَلَا أَقُولُ إِنَّكَ لَنْ تَسْلُطَ مَعِيَ صَبْرًا ۝ قَالَ إِنْ سَأَلْتَهُ
 عَنْ شَيْءٍ بَعْدَ هَؤُلَاءِ لَنُصَاحِبَنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا ۝
 فَأَنطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَبَا أَهْلَ قَرْيَةٍ أَتَظَعَّمَا أَهْلَهَا فَأَبْوَا أَنْ
 يَضَيَّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَا ۝ قَالَ لَوْ شِئْتَ
 لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا ۝ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ رَبِّكَ مَا يَتْلُوَنَّكَ
 بِبَيِّنَاتٍ لِمَا لَمْ تَشْطِطْ عَلَيْهِ صَبْرًا ۝ أَمَّا السَّيِّئَةُ فَكَانَتْ لَكَ كَالَّذِ
 يَتَمَلَّوْنَ فِي الْبَرِّ قَارُونَ أَنْ أُعِيبَ هَا وَكَانَ وَدَّاهُمْ مَلَكَ تَأْخُذُ
 كُلَّ سَيِّئَةٍ غَضْبًا ۝ وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِنَا
 أَنْ يَرْهَقَهُمَا ظَمْنَانَا وَكُنَّا ۝ فَأَرَادْنَا أَنْ يُبْدِيَ لَهُمَا مَنْ يَخْرُجُ
 مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا ۝ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ

صبر پیشه کنی. (۶۷) و چگونه صبر توانی کرد بر چیزیکه اصلاً از آن آگهی نیافتندی (۶۸) موسی باز گفت به خواست خدا مزا با صبر و تحمل خواهی یافت و هرگز در هیچ امر با تو مخالفت نخواهم کرد (۶۹) آن عالم باز گفت پس اگر تابع من شدی دیگر از هر چه من کنم هیچ سؤال مکن تا وقتی که از آن درازمن خود ترا آگاه سازم (۷۰) و سپس مرد و با هم بر رفتند تا وقتی که در کشتی سوار شدند آن عالم کشتی را بشکست موسی گفت ای مرد چرا کشتی را شکستی تا اهل آن را بدی یا غرق کنی بسیار کار منکر و زشتی بجای آوردی (۷۱) آن عالم بموسی گفت آیا من با تو نگفتم که تو هرگز ظرفیت و توانایی آنکه با من صبر کنی نداری (۷۲) موسی گفت بر من مگیر که شرط خود را فراموش کردم و مرا تکلیف سخت طاقت فرسا من فرما (۷۳) و باز با هم روان شدند تا به پیری برخوردند او پسر را بی گفتگو بقتل رسانید باز موسی گفت آیا نفس محترمیکه کن را نکشته بودی بگناه کشتی همانا کار بسیار منکر ناپسندی کردی (۷۴) و باز گفت آیا من با تو نگفتم که تو هرگز با آنکه با من صبر کنی توانایی نخواهی داشت. (۷۵) موسی گفت اگر بار دیگر از تو مؤاخذه و اعتراضی کردم از آن بعد با من ترک صحبت و مخالفت کن که از تقصیر من عذر موجه بر میآرد که دوستی خواهی داشت (۷۶) باز با هم روان شدند تا وارد برقریمای شدند و از اهل آن شهر طعام خواستند مردم از طعام دادن و مهمانی آنها با کردند آنها هم از آن شهر بزم و خورج رفتند تا نزدیکی دروازه آن شهر بدیواری که نزدیک پانهدام بودند رسیدند (غرض) باستحکام و تعمیر آن پرداخت (موسی) گفت روا بود که تو این زحمت را بخود دادی جای این تعمیر را میکردی که بر آن اجرشی میگرفتی تا از آن اجرت بر خود تهیه غذا میکردی (۷۷) (غرض) گفت این عذر مطافقت بین من و تو است من همین ساعت تو را بر اسرار کارهایم که بز فهم آن صبر و ظرفیت نداشتی آگاه میسازم (۷۸) ما آن کشتی را که بشکستم صاحبش خانواده فقیری بود که از آن کسب و ارتزاق میکردند خواستم چون گفتهای بی مصلحت پادشاه بنصب میگرفت این کشتی را ناقص کنی (۷۹) و اما آن غلام پدر و مادر او مؤمن بودند از آن باک داشتند که آن پسر آنها را بهیچ کفر و طغیان خود در آورد (۸۰) خواستند تا بجای او خدا قرضندی بپسند و سالتر از جهت ارحام پرستی بآن پدر و مادر دهند (۸۱) اما آن دیوار را که تعمیر کردم در این شهر بدینجهت بود که زیر آن گنجی از دود و طفل قیمتی که پدری صالح داشتند نهفته بود

فِي الدِّينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَثْرًا مَّا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّهُ
 أَنْ يُبْلَغَا أَشَدَّ مَآوِيَةٍ فَاجْرَا كَرَاهًا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ
 عَنْ أَمْرِ رَبِّي ذَلِكَ نَدْوِيلُ مَا لَمْ تَنْطَعْ عَلَيْهِ صَبْرًا وَيَسْأَلُونَكَ
 عَنْ ذِي الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿١﴾ إِنَّمَا كُنَّا لَهِ
 فِي الْأَرْضِ أَتْبَانًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا فَاتَّبَعِ سَبَبَهُ حَتَّى إِذَا
 بَلَغَ مَعْرِبَ الْأَمْسِ جَدَّ مَا تَغْرُبُ فِي عَيْنِ حَيٍّ وَوَجَدَ عِنْدَهَا
 قَوْمًا مُلْأْنَا بِأَذَى الْقُرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْ تَعَذِّبَ وَإِنَّمَا أَنْ تَنْجِدَ فِيهِمْ
 حُسْنًا قَالَ إِنَّمَا مِنْ ظِلٍّ قَتَوْفٍ نَعَذِّبُ بِهِ ثُمَّ بُرِدَ إِلَى رَبِّهِ
 فَبَعَثَ بِهِ عَذَابًا نَكْرًا ﴿٢﴾ وَإِنَّمَا مِنْ أَمْنٍ وَتَمِيلُ صَالِحًا فَلَهُ نَجْرًا
 الْحُسْنَى وَسَقُولَ لَهُ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبَهُ حَتَّى إِذَا
 بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ جَدَّ مَا تَطْلُعُ عَلَى قَوْمٍ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا
 سَبِيلًا كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿٣﴾ ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا
 ﴿٤﴾ حَتَّى إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ
 يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٥﴾ قَالُوا يَا نَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ بَأْسَ الْجَوْجِ وَمَا جَوْجٌ
 مُفِيدٌ وَنَ فِي الْأَرْضِ قَهْلٌ يُجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ لِنَاثِنَا
 وَيَتَّخِذُ سَدًّا ﴿٦﴾ قَالُوا مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ
 أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٧﴾ أَقُولُ زَبْرًا حديدًا حَتَّى إِذَا سَاوَتْ

خداخواست تا آن اطفال بعد رشد رسند تا بطف خدا خودشان گنجرا استخراج کنند و من اینکارها نه از پیش خود کردم اینست مال و باطن کار هائیکه توطاقت و ظرفیت برانجام آن نداشتی. (۸۲) و از تو ای رسول سؤال از ذوالقرنین میکنند پاسخده که من بزودی حکایت او را بشما تذکر خواهم داد. (۸۳) او را در زمین تمکن و قدرت بخشیدیم و از هر چیزی رشتنای بدست او دادیم. (۸۴) و هم از آن رشته و وسیله حق پیروی کرد. (۸۵) تا هنگامی که ذوالقرنین بمغرب رسید جائیکه خورشید را چنین می یافت که در چشمه آب تیره ای غروب میکند و آنجا قوم را یافت که ما بذوالقرنین دستور دادیم که در باره این قوم یا قهر و عذاب یا لطف و رحمت بجای آور. (۸۶) ذوالقرنین گفت اما هر کس ستم کرده او را بکفر خواهم رسانید و سپس هم که (بعد از مرگ) بسوی خدا باز گردد خدا او را به ذابی بسیار سخت کیفر خواهد کرد. (۸۷) اما هر کس بخدا ایمان آورد و نیکوترین اجرا یا بدو هم ما او را بر او سهل و آسان گیریم (و از هر جهت وسایل آسایش او فراهم سازیم). (۸۸) ذوالقرنین باز با همان وسایل و اسباب تعقیب کرد. (۸۹) تا آنکه بمشرق زمین رسید آنجا قومی را یافت که مامان آنها و آفتاب ساتری قرار ندادیم. ۹۰۰ همچنین بود و البته ما از احوال آن کاملاً باخبریم. (۹۱) باز با وسائل تعقیب میکرد. (۹۲) تا رسیدیم میان دوسد(دو کوه بین دو کشور در شمال یا جنوب انتهای خاکستر کستان) آنجا قومی را یافت که سخنی فهم نمیکردند. (۹۳) تا آن گشتند ای ذوالقرنین یا جوج و ماجوج (بشت اینکوه) فساد(و خونریزی و وحشی گری بسیار) میکنند آیا چنانکه ما حرج آنرا بعده گیریم سدی میان ما و آنها می بندی (که ما از شر آنان آسوده شویم؟) (۹۴) ذوالقرنین گفت تمکن و ثروتی که خدا بمن عطا فرموده از هزینه شما بهتر است (نیازی بکمک مادی شما ندارم) اما شما بامن بقوت بازو کمک کنید (مردود کارگر از شما وسایل و هزینه آن بامن) تاسدی محکم برای شما بسازم که بکلی مانع دستبرد آنها شود. (۹۵) و گفت قطعات آهن بیاورید آنکاه دستور داد که زمین را تا به آب بکنند و از عمق زمین تا مسوی

بَيْنَ الصَّادِقِينَ قَالَ تَهْوِ أَحَقَّ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتَوْبُ أَفْرِغَ
 عَلَيْهِ قِطْرًا ① قَالُوا اسْتَظْغَرُوا أَنْ يَظْهَرُوا وَمَا اسْتَظْغَرُوا لَهُ تَقَاتًا
 ② قَالَ مَلَأَ رَحْمَةً مِنْ رَبِّي فَأَنَا جَاءَ وَعَدُ رَبِّي جَعَلَهُ دُكَّاءً وَكَأَنَّ
 وَعَدُ رَبِّي حَقًّا ③ وَتَرَكَّا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَتُفِيعُ فِي
 الصُّورِ فَمَعَنَانُهُمْ بِخِصْمَةٍ أَوْ عَرِضًا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا
 ④ الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِهِمْ كَانُوا لَا يَشْعُرُونَ
 مَعْنَا ⑤ الْمُحِبِّ لِلَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَقْنَدُوا عِبَادِي مِنْ دُونِ
 أَوْلِيَائِهِ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ⑥ قُلْ مَلَأْتُ لَكُمْ
 بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ⑦ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحُبُورِ وَالَّذِينَ هُمْ
 يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُخْلِصُونَ مِنْ غَمٍّ ⑧ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَإِنَّا بَالِ
 قَيْنِهِمْ وَلَقَدْ أَنَا نَجِّنُهُمْ فَلَا نَقِيهِمْ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَرَدْنَا
 ⑨ ذَلِكَ جَزَاءً لِمَنْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي
 مُزُوا ⑩ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ
 الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ⑪ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ⑫ قُلْ لَوْ
 كَانَ الْبَرُّ مِدَادًا لِكِتَابَاتِ رَبِّي لَنَبِغَا الْبَرَّ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كِتَابَاتُ
 رَبِّي وَلَوْ جِئْتُمْ بِشَاءٍ مُدَدًا ⑬ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ
 أَنَّمَا إِلَهُي كَعِلَالِهِ وَاحِدٌ مَنِ كَانَ يَرْجُوا الْفِتَاءَ رَبَّهُ فَلْيَعْمَلْ

در کوه از سنگ و آهن دیواری بسازند و سپس آتش افروخته تا آهن گداخته شود آنگاه مس گداخته بر آن آهن و سنگ ریخته (۹۶) از آن پس آن قوم نه هرگز بر شکستن آن سدونه بر بالای آن شدن توانایی یافتند (۹۷) ذوالقرنین گفت که این از لطف و رحمت خدای منست و آنگاه که وعده خدا فرا رسد (که روز قیامت یا ظهور حضرت قائم است) آن سد را متلاشی و پاره پاره گرداند و البته وعده خدا محقق و راست خواهد بود (۹۸) و روز آن وعده که فرا رسد خلایق محشر چون موج مضطرب و سرگردان باشند و نفعی سود دیده شود همه خلق در صحرای قیامت جمع آیند (۹۹) و دوزخ را آشکار بکافران بنماییم (۱۰۰) آن کافرانیکه بر چشم (قلب) شان پرده (غفلت) بود از یاد من غافل بودند و هیچ توانایی بر شنیدن (آیات الهی) نداشتند (۱۰۱) آ یا کافران پندارند که بندگان (با خلوص) من غیر من کسی را دوست و یاور خود خواهند گرفت و ما برای کافران دوزخ را منزلگاه قرار دادیم (۱۰۲) (ای رسول ما) بامت بگو که می خواهم شمار ایزدان کارترین مردم آگاه سازم (۱۰۳) زبانتکارترین مردم آنها هستند که عصر شان در ادراک حیات دنیای فانی تباه کردند و بخیال باطلی پنداشتند نیکوکاری میکنند (۱۰۴) همین دنیا طلبانند که بآیات خدای خود کافر شدند و روز ملاقات خدا را انکار کردند لذا اما لشان همه تباه گفته و روز قیامت آنها را هیچ وزن و ارزش نخواهم داد (زیرا آنها کاری که در آن جهان ارزش دارد نکرده اند) (۱۰۵) ای آنان چون کافر شده و آیات تو پیغمبران مرا استهزاء کردند بآتش دوزخ کفر خواهند یافت (۱۰۶) و آنانکه بعد از ایمان آورده و نیکو کار شدند البته آنها در بهشت فردوس منزل خواهند یافت (۱۰۷) همیشه در آن بهشت بادی هستند و هرگز از آنجا نخواهند انتقال یافت (۱۰۸) (ای رسول ما) بگو که اگر دنیا برای نوشتن کلمات پروردگار من هر کیشود پیش از آنکه کلمات الهی با خبر رسد دریا خشک خواهد شد هر چند دریائی دیگر باز میماند آن کنند (۱۰۹) ای رسول بگو بامت که من مانند شما بشری هستم که بمن وحی می رسد که خدای شما خدای بیکتاست و هر کسی بقای (رحمت) او امیدوار است باید

عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ١٠

سُورَةُ الْبَقَرَةِ الْمَدِيْنَةُ الْحَرَامِ الْمَكِّيَّةُ الْاَوَّلَى الْاَمْرُ الْاَوَّلَى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كَتَبْنَا ١ ذُكِّرُوا وَرَعُوا رَبَّكَ عَبْدَهُ ذِكْرًا ٢ اِذَا دُعِيَ رَبًّا
يَذَّاءُ خَفِيًّا ٣ قَالَ رَبِّ اِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي اِشْتَعَلَ الرَّأْسُ
شَيْبًا وَاَكُنْ يَدُكَ عَلَيَّ رَبِّ فَوَقَّاهُ اِنِّي خَشِيتُ الْوَالِي
مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَاَتِي غَافِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ٤
يَرْثِي وَيَرِثُ مِنْ اِلٰهٍ يُعْقِبُ وَاَجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ٥ اِيَّاكَ زَكَّرْنَا
لَا تُشْرِكْ بِغُلَامٍ اِسْمُهُ هَبْنِي لَنْفَعَلْ لَهٗ مِنْ قَبْلِ سُبْحَا ٦ هَا اَنْ
رَبِّ اَنِّي يَكُوْنُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَاَتِي غَافِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ
مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ٧ هَا اَنْ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّئْ وَقَدْ
خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلِ وَلَمْ تَكُنْ شَيْئًا ٨ هَا اَنْ رَبَّنَا جَعَلْ لِي آيَةً قَالَ
اَيْنِكَ اَلَا تُكَلِّمُ النَّاسَ لَكَ لَبَّ اِلٰهِيًّا ٩ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ
الْحَرَابِ فَاَوْحَى اِلَيْهِمْ اَنْ سَبِّحُوا بِكُرْسِيِّ وَعَشِيًّا ١٠ اِيَّا هَبْنِي عِدَالِيًّا
يَقُوْمُ وَاَتَيْنَاهُ الْخُكْرَ صَدِيًّا ١١ وَهَنَّا نَامِنْ لَدُنَا وَرُكُوْةٌ وَكَانَ
نَفِيًّا ١٢ هَبْنَا اِيَّاكَ اِيَّاكَ وَلَمْ يَكُنْ جَنَابًا وَاعِيًّا ١٣ وَوَسَلَامٌ عَلَيْهِ
يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ١٤ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَلَكًا

سورة مريم در مکه معظمه منازل شده و معتدل بر ۹۸ آیه می باشد بنام خدای بخشنده مهربان

که بعضی (این حروف اسرار است میان خدا و رسول (ص)) (۱) در این آیات
پروردگار تو از رحمتش در بنده خاص خود گریاسخن میگوید (۲) ادکن
حکایت او را وقتی که خدای خود را پنهانی و از سمیم قلب ندا کرد (۳)
عرض کرد که پروردگار! استخوان من ست گشت و فروغ پیری بر سرم پشافت
و با وجود این من از دعائی بدر گاه کرم تو (چشم امید دارم) خود را محروم
از عسای تو مرگر نداستم (۴) اها من از این وارثان کنونی که هستند
بیمناکم و زوجه من هم نازا و عظیم است تو حجابها از لطف خاص خود فرزندی
صالح و جانشینی شایسته بمن عطا فرما (۵) که او وارث من و همه آل یعقوب باشد
و تو ای خدا او را وارثی پسندیده و صالح مقرر فرما (۶) اما گفتیم (۷) ای زکریا
همانا ما تو را بفرزندی که نامش یحیی است و از این پیش همنام و همانندش
در تقوی نیافریدیم بشارت میدیم (۷) ای زکریا عرض کرد اها مرا از کجا
پسری تواند بود در صورتی که زوجه من نازا و منم از شدت پیری خشک و
فروت شده ام (۸) خدا فرمود اینکار برای من بسیار آسانست و منم که
ترا پس از هیچ و معدوم صرف بودن نعمت وجود بخشیدم (۹) زکریا باز
عرض داشت بار اها برای من نشانه و حجتی بر این بشارت قرار ده خدا
فرمود بدین نشان که بامردم تکلم تا سه روز نکنی (و بر سخن قادر باشی)
(۱۰) پس ماهی زکریا در آن حالی که از معراب (عبادت) بر قومش بیرون
آمد و کسی کردیم که تو و امت همه صبح و شام به تسبیح و نماز قیام کنید
(۱۱) و به بعضی خطاب کردیم که تو کتاب آسمانی را بقوت نبوت فراگیر
و باو در میان سن کرد کی مقام نبوت بخشیدیم (۱۲) و او با لطف خاص ما
بدان مقام نبوت رسید و از اینرو که طریق بندگی خدا و تقوی پیش گرفت
(۱۳) او هم در حق پدر و مادر خود بسیار نیکی کرد و هرگز با حدی ستم
نکرد و معصیت خدا را مرتکب نگردید (۱۴) ملائمت حق بر او باد در روز
ولادتش و روز وفاتش و روزی که برای زندگی ابدی بر انگیخته خواهد
شد (چون بندگان در این سه روز سخت بیشتر با لطف خدا محتاجند) (۱۵)
و ای رسول ما یاد کن در کتاب خود احوال مریم

إِذَا تَنَبَّذَ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرَفِيًّا ۖ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا
 فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ۖ قَالَ إِنِّي أُعْذِرُ
 بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تُوقِنُ ۖ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ
 لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا ۖ قَالَ أَنَّى يُكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَيْسَ بِي شَيْءٌ يَسْتُرُ
 وَلَأَنكِ بَيْعَةٌ ۖ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّئُ وَلْنَجْعَلْهُ آيَةً
 لِلنَّاسِ ۖ رَفَعَهَا وَهِيَ بَارِئَةٌ ۖ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِ
 مَكَانًا مَقْصِيًّا ۖ فَلَمَّا فَتَحَ الْخَاضِرُ الْأَيْدِيَ الْقَهْلَةَ ۖ قَالَ يَا بَنِي
 إِسْرَءِيلَ قَبْلَ هَذَا أَكُنْتُ نَسِيًّا ۖ فَأَنَادِ بِهَا مِنْ تَحْتِهَا أَهْلُهَا
 فَجَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ۖ وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُؤَثِّثُ
 عَلَيْكَ رُطَبًا جَبِيًّا ۖ فَكُلِي وَاسْرُبِي وَفَرِّجِي عَنْ سَائِرِينَ مِنَ الْبَشَرِ
 أَحَدًا ۖ فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ۖ
 فَأَنذَرْتُ بِهِنَّ قَوْمَهُنَّ تَحْمِلُهُ ۖ فَالُوا بِأَسْرَرٍ ۖ لَعَنَ جُنُودُ نَسِيفٍ ۖ يَا نَذَرَ
 هُنَّ مِمَّا كَانَ أَبُو لَيْسَةَ سَوَاهُ وَمَا كَانَ أَثَمَ بَيْعَتِهَا ۖ فَاسْتَارَتْ
 إِلَيْهِ ۖ فَالُوا كَيْفَ يُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ۖ قَالَ إِنِّي عَبْدُ
 اللَّهِ ۖ إِنِّي الْكَاتِبُ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ۖ وَجَعَلَنِي بَارَكًا ۖ إِنْ مَا كُنْتُ وَ
 أَوْصَانِي بِالضَّلُوعِ ۖ وَالرَّكُوعِ ۖ مَا ذُنُوبِي ۖ وَأَبُو الْيَدِيِّ ۖ لَوْ جَعَلَنِي
 جَنَارًا لَاقِيًّا ۖ وَالسَّلَامُ عَلَى يَوْمٍ وَلَيْدَتْ وَيَوْمَ آمُونٍ وَيَوْمَ بَيْعَتِ

آفرودیکه از اهل خانه خویش کنار گرفته بمکانی بمشرق روی آورد (۱۶) و آنگاه که از همه خویشان بکنج تنهایی محتجب و پنهان گردید و باروح خود را بر او مجسم ساختیم (۱۷) مریم گفت من از تو پناه بخدای رحمان میبرم که تو پرهیزکاری کنی (۱۸) گفت من فرستاده خدای توام آمده ام تا بامر او ترا فرزندی بهشتم بسیار پاکیزه و پاکسیرت (۱۹) مریم گفت از کجا مرا پسری تواند بود در صورتیکه دست بشر بمن نرسیده و من کار با شایسته ای نکرده ام (۲۰) گفت این چنین کار البته خواهد شد و بسیار بر من آسانست و ما این پس را آیت و رحمت واسع خود برای خلق میگردانیم و قضای الهی بر این کار رفته است (۲۱) پس مریم بآن پسر بار داشت و بجائی دور خلوت گزید (۲۲) آنگاه که او را در زاییدن فراریدد زیر شاخ درخت خرمائی رفت و از شدت حزن و اندوه با خود میگفت ای کاش من از این پیش مرده بودم و از صفحه عالم بکلی نامم فراموش شده بودم (۲۳) از زیر آن درخت (فرزندش عیسی) او را ندا کرد که غمگین مباش که خدای تو از زیر قلم تو چشمه آبی جاری کرد (۲۴) ای مریم شاخ درخت را حرکت ده ما از آن برای تو رطب تازه فروریزیم (۲۵) پس (از این رطب) تناول کن (و از این چشمه) آب بیاشام و چشم خود بمیسی روشن دارم کسی از جنس بشر را که ببینی باو بگو که من برای خدا نذر روزه سکوت کرده ام و با هیچکس هرگز سخن نخواهم گفت (۲۶) آنگاه قوم مریم که بجای او آمدند که از این مکانش همراه بیرند گفتند ای مریم عجب کاری منکرو شگفت آور کردی (۲۷) ای مریم خواهر هرون تو را نه پدری نامالح بود و نه مادری بدکار (۲۸) مریم با اشاره حواله بطفل کرد آنها گفتند ما چگونه با طفل گهواره سخن گوئیم (۲۹) آن طفل گفت همانا من بنده خاص خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود (۳۰) و مرا هر کجا باشم برای جهانیان مایه برکت و رحمت گردانید و تا زنده ام بیادیت نماز و زکوة سفارش کرد (۳۱) و به نیکوئی بامادر توصیه نموده و مرا ستکار و شقی نگردانید (۳۲) و سلام حق بر من باد روزیکه بدنیا آمدم و روزیکه از جهان بروم و روزیکه برای زندگانی ابدی آخرت باز پراکنیخته شوم (۳۳) اینست قضیه عیسی بن مریم که مردم در امر خلقتش شك و ریب دارند اکنون بسخن حق و صوات حقیقت

حَتَّىٰ إِلَيْكَ عِيسَىٰ بْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ۚ هَٰكَذَا
 كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَخْطُبَ مِنْ وَرَثَتِهِ مَخَابِتُهُ إِذَا أَقْضَىٰ أَمْرًا أَوْ مَا يَقُولُ لَهُ لَنْ يَمُوتَ
 ۚ وَكَانَ اللَّهُ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۚ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۚ فَخَلَفَ
 الْأَخْرَابَ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ قَوْلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهُدٍ عَظِيمٍ ۖ السَّعِ
 يَهُمْ وَأَبْصُرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۚ
 وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ يَمْضِي الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
 ۚ ثُمَّ نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ مِنْ عَٰلِمِهَا وَلِئَنَّا بِرَجْعُونَ ۚ هَٰذَا ذِكْرُ
 الْكِتَابِ الْإِسْرَءِيلِيِّ ۚ إِنَّهُ كَانَ صِدْقًا نَبِيًّا ۚ وَذَقَالَ لِآبِيهِ بِأَسَدٍ
 لِي تَعْبُدُ مَا لَا يَمْتَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُفْقِدُ عَنْكَ شَيْئًا ۚ هَٰذَا أَبَدَانِي
 قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا رَأَيْتُكَ فَاتَّبِعْنِي أَمَّا هَٰذَا صِرَاطُ سَوَاءٍ ۚ
 يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا
 ۚ هَٰذَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمْسَكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ
 لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ۚ هَٰذَا أَرَادَ أَنْ يَنْتَهِيَ عَنْ الْحَقِّ بِلَا إِزْمِيمٍ لَقَدْ
 نَفَذَ إِلَيْنَا هَوْنًا وَأَنْفَضَ ۚ هَٰذَا هُوَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَلَسْنَاهُ
 لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ۚ هَٰذَا غَيْرُ الْكَافِرِ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ
 اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَنِّي لَا آكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شُقْبًا ۚ هَٰذَا
 غَيْرُ أَهْمٍ وَمَا يَتَّبِعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ آتَاهُ الْوَسْخُ وَالْجُنُونُ

حالت بیان گردید (۴۳) خدا هرگز فرزندی اتخاذ نکرده که وی منزله از آنست او قادر است که چون حکم نافذش بایجاد چیز، تعلق گیرد گوید موجود باشی بیدرتك آن چیز موجود میشود (۴۵) خدای یکتا پروردگار من و شما (و همه عالم) است او را پرستید که راه راست همین راه خدا پرستی است (۴۶) طوایف مردم از پیش خود اختلاف کردند و ای براین مردم کافر هنگام حضور آنروز بزرگ (قیامت) (۴۷) روز محشر که خلق بسوی ما باز آیند چقدر شنوا و بینا شوند؛ ولی امروز مردم ستمکار همه بگمراهی و ضلالت فرو رفته اند (۴۸) و ای رسول ما امت را از روز غم و حسرت بترسان که آنروز دیگر کارشان گذشته است و مردم سخت از آنروز غافلند و بآن ایمان نمی آورند (۴۹) تنها ما یم که زمین و آسمان را وارث می شویم و همه بسوی ما باز میگردند (۵۰) و ای رسول یاد کن در کتاب خود شرح حال ابراهیم را که او شخص بسیار راستگو و پیغمبری بزرگ بود (۵۱) هنگامی که با پدر خود گفت ای پدر چرا (خدا را رها کرده و) بتی جماد که چشمش گوش (وحی و هوش) ندارد و هیچ رفع حاجتی از تو نتواند کرد پرستش میکنی؟ (۵۲) ای پدر (بدانکه) مرا (از وحی خدا) علمی آموختند که ترا آن علم نیاموخته اند پس تو مرا پیروی کن تا پیراه راست هدایت کنم ای پدر هرگز شیطان را پرست که شیطان سخت با خدای رحمان مغافلت و مصیان کرد (۵۳) (آذر گفت) ای پدر از آنروز سخت میترسم که از خدای مهربان بر تو قهر و عذاب رسد و بدوزخ با شیطان یار و یاور باشی (۵۴) گفت ای ابراهیم تو مگر از خدایان روگردان و بی عقیده شدی چنانچه دست از مغافلت بتان برداری ترا سنگسار کنم و (گرنه) سالها از من بدور باش (۵۵) باز ابراهیم (با امید هدایت آذر او را دعای خیر کرده و) گفت سلامت باشی من از خدا بر تو آرزو میطلبم که خدای من بسیار در حق من مهربانست (۵۶) من از شما و بتانی که بجای خدا میپرستید دوری کرده و خدای یکتا را میخوانم و امیدوارم که چون او را بخوانم مرا از درگاه لطفش محروم نکرده اند (۵۷) چون ابراهیم از آن قوم و بتانی که بجای خدا میپرستیدند دوری گزید مامم ب لطف و رحمت خود با او اسحق و یعقوب را عطا کردیم

وَكَلَّا جَعَلْنَا نَبِيِّنَا ۖ وَوَهَبْنَا لَهُم مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُم لِيَانًا
صِدْقِي عَلَيْهِمْ ۖ وَأَذْكُر فِي الْكِتَابِ يُوسُفَ إِنَّهُ كَانَ غُلَامًا وَكَانَ
رَسُولًا نَّبِيًّا ۖ وَأَنَّا دَهْنَاهُ مِن جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَفَرَّ بَنَاهُ يُحْيَا
وَوَهَبْنَا لَهُ مِن رَّحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ۖ وَأَذْكُر فِي الْكِتَابِ
إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ۖ وَكَانَ
يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ۖ وَ
أَذْكُر فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا ۖ وَدَعَيْنَاهُ
مَكَانًا عَالِيًّا ۖ وَاللَّهُ الَّذِي نَسَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ مِنْ
ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ جَعَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ
وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا
وَبُكًّا ۖ خَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَةَ
فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا ۖ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَعَمِلُوا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ
يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يَبْظَلُونَ فِيهَا أَبَدًا ۖ يَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ
وَيَقُولُ لَهُمْ السَّلَامُ ۖ وَهُمْ فِيهَا كَاظِمُونَ ۖ وَكَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ۖ لَا يَتَمَوَّنُ فِيهَا
لَعَنُوا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ فِيهَا زُفُفٌ فِيهَا بُكْرَةٌ وَعِشْيَاءٌ ۖ أُولَٰئِكَ أَجْتَبَا
الَّتِي تُوْرِيهِمْ عِبَادًا مِّن كَانَ نَفِيًّا ۖ وَمَا نَنْتَوْرِلُ إِلَّا بِأَمْرِنَا
لَهُ مَا يَبْنِي أُنْدِيْنَا وَمَا خَلَقْنَا وَمَا يَبْنِي ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّنَا لِيَرْجِيَا

و به مشرف نبوت بخشیدیم (۴۹) و آنها را از رحمت خود بهره مند ساختیم
 و بر زبان عالمی آوازه نکونامیشان را بلند گردانیدیم (۵۰) و یاد کن در کتاب
 خود شرح حال موسی را که او بسیار بنده ای با اخلاص و رسولی بزرگو
 میبوت به پیغمبری برخلق بود (۵۱) و ما او را از وادی مقدس طور ندا کردیم
 و بمقام قریب خود برای استماع کلام خویش برگزیدیم (۵۲) و از لطف
 و مرحمتی که داشتیم برادرش هرون را نیز مقام نبوت عطا کردیم (۵۳)
 و یاد کن در کتاب خود شرح حال اسماعیل را که بسیار در وعده صادق و
 پیغمبری بزرگوار بود (۵۴) و همیشه اهل بیت خود را پادای نماز و کوفه
 امر میکرد و او نزد خدا بنده پسندیدای بود (۵۵) و یاد کن در کتاب خود
 احوال ادویس را که او شخصی بسیار راستگو و پیغمبری عظیم العان بود
 (۵۶) و ما مقام او را بلند و مرتبه اش را رفیع گردانیدیم (۵۷) ایمان همان
 رسولانی هستند که ما از میان همه اولاد آدم و اولاد آنا که با نوح در کشتی
 نجاتیم و اولاد ابراهیم و یعقوب و دیگر کسان که هدایت کرده و برگزیدیم
 آنها را با لطف و انعام خود مخصوص گردانیدیم که هرگاه آیات رحمت
 ما بر آنها تلاوت شود با گریه و غریب و غلام بر خاک نهند (۵۸) پس جانفین آن
 مردم خدا پرست قومی شدند که نماز را ضایع گذارده و شهوت نفس را
 پیروی کردند و اینها بزودی (کثیر) گمراهی خواهند یافت (۵۹) مگر
 آنکس که توبه کند و بخدا ایمان آورد و نیکو کار شود در اینصورت گناهش
 بخشیده (و بی هیچ ستم بهشت ابد داخل خواهد شد) (۶۰) آن بهشت عدنیکه
 خدای مهربان برای بنده گان صالح در قریب اینجهان وعده فرمود و البته
 وعده خدا یقین با نجام میرسد (۶۱) و در آن بهشت هرگز سخن لنوی نشنوند
 بلکه همه گفتارشان سلام و ستایش یکدیگر است و روزی آنها صبح و شام
 (بی هیچ درنج) با آنها میرسد (۶۲) این همان بهشتی است که ما بنده گان پاک
 متقی خود را با مخصوص و ارباب آن مگردانیم (۶۳) و رسولان و فرشتگان
 خدا جز با امر خدای تو هرگز از عالم بالا نازل نخواهیم شد اوست که بر
 همه جهانهای پیش رو و پشت سر ما و بر آنها هر چه است با احاطه علمی
 آگاه است و هرگز چیزی را فراموش نخواهد کرد (تا بی مقصود از جهانهای
 پیش رو و عالم آخرت باشد و از پشت سر عالم دوز و ما بین آنها کرات و موالم
 جسمانی زمین و آسمان مراد است) (۶۴)

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَا يَبْتَغِيهَا فَاغْبُذْهُ وَأَصْطَبِرْ لِعِوَادِنِهِ
مَنْ تَعْمَلْهُ تَمِيتُهُ وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِيتَ لَسَوْفَ
أُخْرَجُ حَيًّا أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُنْ
شَيْئًا ثُمَّ كُنَّا نَحْنُ رَبُّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُخْصِرَنَّهُمْ حَوْلَ
جَهَنَّمَ خِيشَمًا ثُمَّ لَنَنْزِفَنَّ عَنْهُمْ كُلَّ شَيْعَةٍ أَيَّاهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرِّمِّهِينَ
وَلَنُفَعِّنَّ أَعْمَى بِالْإِنِّ ثُمَّ أَوَّلَىٰ بِيَصِيلَتِنَا ۖ وَإِنْ مِنْكَ إِلَّا
وَارِدٌ مَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ثُمَّ نُنْفِى الدِّينَ أَتَقُولُوا
وَنَدَّ الظَّالِمِينَ فِيهَا خِيشَمًا وَإِذَا نُنْفِى عَنْهُمْ أَهَانًا بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ
الدِّينَ كَفَرُوا وَالَّذِينَ آمَنُوا اتَّخَذَ الْفَرِيقَيْنِ خَبِيرًا مَا أَجْسَنَ
لَدِيْنَا ۖ وَكَرَّ أَمْلَكُنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَبْرِينَ ثُمَّ أَحْسَنَ أَنَا نَا وَرَبَّنَا ۖ
قُلْ مَنْ كَانَ فِي الْمَصَلَا لَهِ قُلُوبُهُ دَلَّهِ الرَّعْنُ مَدَّ أَحْقَىٰ إِنَّا وَآدَا
مَا بُوْعِدُونَ إِنَّمَا الْعَذَابُ وَإِنَّمَا السَّاعَةُ فَسَبِّحُوا مَنْ هُوَ خَيْرٌ
مِّنَّا وَأَضْعَفُ جُنْدًا وَبَرِّدُوا لَنَا الدِّينَ اهْتَدُوا هَذَا هَذَا
الضَّالِّحَاتِ خَيْرٌ مِنْ دَرَكِ قُورَابَا وَخَيْرٌ مَرْدًا ۖ قَرَأْتَ الْقُرْآنَ
تَعْرِفُوا يَا أَيُّهَا قَالُوا تَنْهَىٰ مَا لَا وَوَلَدًا ۖ أَطْلَعَ الْقَبِيلَ أَتَقَدُّ
عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ۖ كَلَّا لَسَنُكَذِّبُ مَا يَقُولُ فَنَمْلِكُهُ مِنَ الْعَذَابِ
مَدَدًا وَنَزِيلُهُ مَا يَقُولُ وَبِأَنبِيَانَا قَرَدًا ۖ وَاتَّقُوا دَائِرَةَ

تنها اوست آفریننده آسمانها وزمین و هر چه بین آنهاست پس باید همان
 خدای یکتا را پرستش کنی والیه در راه بندگی او صبر و تحمل کن آیا
 دیگری را مانند او بنام خدائی لایق پرستش خواهی یافت؟ هرگز نخواهی
 یافت (۶۵) انسان گوید آیا چون من مردم باز بزودی سر از قبر بیرون
 آورده وزنده خواهد شد (۶۶) آیا آدمی متذکر آن نمیشود که اول میچ
 محض و معدوم صرف بود ما او را ایجاد کردیم (۶۷) قسم بخدای تو که
 البته آنها را که در کفر و انکارند با شیاطین در قیامت محشور میگردانیم
 آنگاه همه را احضار خواهیم کرد تا گرد آتش جهنم بزانو در آیند (۶۸)
 سپس هر که را عتور و سرکش بر فرمان خدای مهربان بیشتر کرده يك يك
 را از هر فرقه بیرون آریم (۶۹) آنگاه ما آنهایی را که سزاوار تر بآتش
 دوزخند بهتر میشناسیم (۷۰) و هیچکس از شما باقی نماند جز آنکه
 بدوزخ وارد شود و این حکم حتمی پروردگار است (۷۱) پس از ورود همه
 در دوزخ ما افرادی را که خدا ترس و با تقوی بوده اند از جهنم نجات خواهیم
 داد و مستکاران را فرو گذاشتیم تا در آن آتش بزانو در افتند (۷۲) هر گاه
 در فضیلت مؤمن بر کافر آیات واضحه ما بر مردم تلاوت شود کافران بمؤمنان
 در مقام مغایره گویند کدام يك از ما دوزخه مقاماتمان بهتر و منزلتمان
 نیکوتر خواهد بود؟ (۷۳) در صورتی که ما پیش از این کافران چه گروه
 بسیاری را که از اینها دارا تر و خوشتر بودند همه را ملائکه و نا بود گردانیدیم
 (۷۴) ای رسول ما بامت بگو که هر کسی براه کفر و ضلالت رفت خدای
 مهربان با او مهلت و طول عمر و تمکن میدهد ما آن ساعت که وعده عذاب را
 چشم خود ببیند که یا در دین عذاب قتل و اسیری چند یا ساعت قیامت و پرا
 فراسد و پیروزی خواهند دانست که از مؤمن و کافر کدام يك روزگارش
 بدتر و سیاهتر و ضعیف تر است البته کافران بد روزگار و مؤمنان خوش
 عاقبت اند (۷۵) و خدا هدایت یافتگان را هدایتشان می افزاید و اعمال
 صالحی که اجرش نعمت ابدی است نزد پروردگار تو بهتر است هم از
 جهت ثواب الهی و هم از جهت حسن عاقبت اخروی (۷۶) ای رسول دیدی
 حال آنکه آیات ما کافر شد که گفت من الیتماعال و فرزند نخواهم داشت (۷۷)
 آیا این شخص کافر جاهل بر عالم غیب آگاهی یافته یا از خدا پر خود عهدی
 گرفته است (۷۸) هرگز چنین نیست یا البته آنچه گویند خواهیم نوشت
 و سخت بر عذایش خواهیم افزود (۷۹) و آنچه در گفتار داشت ما و اوست آن
 شویم و او یکی و تنها از دنیا بجانب ما باز آید (۸۰) و مفرکان خدای
 یگانه را ترس گفت

اللَّهُ إِلَهٌ لِّكَوْنُوا لَهُمْ عَذَابٌ ۖ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُوا
 عَلَيْهِمْ ضِدًّا ۚ أَأَلْزَمْنَا الشَّاطِطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَلَّوْا
 أَذًا ۖ فَلَا تَجْعَلْ عَلَيْهِمْ إِيمَانَهُمْ عَذَابًا ۖ يَوْمَ تَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ
 إِلَى الرَّحْمَنِ وَقَدْ كَانُوا فِي الْحَرَمَيْنِ إِلَى جَهَنَّمَ وَرَدًّا ۚ لَا يَمْلِكُوا
 الْكَفَاةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ۖ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ
 وَلَدًا ۚ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا ۚ تَكَادَ السَّمَوَاتُ يَنْقَطِرْنَ مِنَهُ
 وَتَشَقُّ الْأَرْضُ ۖ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ۚ أَن دَعَا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ۚ
 ۝ وَمَا يَتَّبِعُ لِلرَّحْمَنِ آبَاقٌ ۚ أَن يَقْدِرَ وَلَدًا ۚ ۝ إِن كُلِّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ
 الْأَرْضِ إِلَّا فِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا ۚ لَقَدْ أَخْصَيْنَاهُمْ وَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا ۚ ۝
 وَكَلَّمَهُمُ الْيَهُودَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَرْدًا ۚ ۝ إِن الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ۚ ۝ وَأَتَمَّا يَتَرَفَّاهُ بِلِسَانِكَ
 لِيُبَيِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدَا ۚ وَكَرَّ أَهْلُكَا قَبْلَهُمْ
 مِنْ قَوْمٍ ۚ هَلْ يُحِشُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ ۚ وَتَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ۚ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۝ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا نَذِيرًا لِّلْعَالَمِينَ ۝ يَتْلُو
 تِلْكَ آيَاتِ الْكُرْآنِ ۚ وَالْأَنْبِيَاءُ عَلَى الْعَرْشِ

و خدايان باطل را بر ايمانت و احترام دينوي بر گرگرفتند (۸۱) چنين نيست
 بلکه بزودي از پرستش آن خدايان باطل زوي بگردانند و بهصورت آنها
 برخيزند (۸۲) آيانيدي که ماشياطين را بر سر کافران فرستاديم تا بهت
 آنها را آزار کنند (۸۳) پس تو اي رسول تمجيد در کار آنها مکن که ما حساب
 روز و ساعت (عذاب) آنان را کاملاً در نظر داريم (۸۴) باد آرزويي را که متقيان
 را پسوي خداي مهربان با اجتماع محصور گردانيم (۸۵) و بيدکاران را با نشي
 دوزخ در افکنيم (۸۶) که در آن روز هيچکس مالک شفاعت نيابد مگر
 کسي که از خداي مهربان عهد (نامه توحيد کامل) دريافته است (۸۷) و
 کافران گفتند که خداي رحمان فرزند بر گرفته (۸۸) اي کافران همانا شما
 سبئي بسيار زشت و نکر بر زبان آورديد (۸۹) نزديکست از اين گفته
 زشت آسمانها از هم فرو ريزد و زمين بشکافد و کوهها متلاشي گردد (۹۰)
 چرا که براي خداي مهربان فرزندی دموي گرديد (۹۱) در صورتيکه
 هرگز خدا را فرزند داشتن سزاوار نخواهد بود (۹۲) بلکه هيچ موجودي
 در آسمانها و زمين نيست جز آنکه خدا را بنده فرمانبردار است (۹۳) او
 بهما را همه موجودات کاملاً آگاهست (۹۴) و تمام آنها روز قيامت منفرد و
 تنها پيشگاه حضرتي حضور مييابند (۹۵) همانا آنانکه پيغمدايمان آوردند
 و نیکو کار شدند خداي رحمان آنها را (در نظر خلق و حق) محبوب
 ميگرداند (۹۶) ما حقايق اين قرآن را تنها بزيان تو سهل و آسان کرديم تا
 بآن اهل تقوي را به ابرار دهي و مماندان لجوج را بترساني (۹۷) و چه
 بسيار اقوامي را که پيش از اين معاندين هلاکساخيم آيا چشم تو با حدي
 از آنها ديگر خواهد افتاد يا کمترين صدائي از آنان تا ابد خواهي شنيد (۹۸)

سورة طه در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر

صد و سي و پنج آيه ميباشد

(بنام خداي بخشنده مهربان)

طه اي مشتاق و عادي خلق (۱) اي رسول ما قرآن را از آن براي تو نازل
 نکرديم که خوبش را برنج در افکني (۲) تنها فرض از نزول قرآن آن
 است که مردم خدا ترس را تذکر و بيدار سازي (۳) اين کتاب بزرگ
 فرستاده آن کسي است که زمين و آسمانها را آفريد (۴) آن خداي مهرباني
 که بر هر شئ عالم وجود

شَتَّى ⑤ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ
 لَكَ ⑥ وَإِنْ تَحْمِلْ كُلَّ الْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ⑦ اللَّهُ لَا إِلَهَ
 إِلَّا هُوَ ⑧ الْإِسْمَاءُ الْحُسْنَى ⑨ وَهَلْ آتَيْكَ حَدِيثُ مُوسَى ⑩ إِذْ
 رَأَاهُ اقْضَىٰ أَصْحَابُ الْأَمَكُوَالِ الْإِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا ⑪ فَانْصَبْ
 بِعَقْبِ وَأَجِدْ عَلَى الثَّارِ هَدًى ⑫ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ بِأَمْرٍ ⑬ إِنِّي
 أَنَا رَبُّكَ فَانْصَبْ ⑭ تَعْلَمُ أَنَّكَ يَا لُؤْلُؤُ الْقَدْرِ طَوًى ⑮ وَأَنَا غَرَقٌ
 فَاسْتَمِعْ يَا هُوًى ⑯ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ
 الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ⑰ إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لَعَزَّيْتُ كُلَّ
 نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى ⑱ فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوًى
 فَتَزْدَى ⑲ وَمَا إِلَٰكُ يَهْمِيكَ يَا مُوسَى ⑳ مَا لِي عَصَايَ أَتَوَكَّوْا
 عَلَيْهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ عَلَىٰ عُثْبِي ㉑ فِيهَا مَا رُبَّ آخِرٍ ㉒ قَالَ أَلْقِهَا يَا
 مُوسَى ㉓ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَبَّةٌ تَسْعَى ㉔ قَالَ خُذْهَا وَلَا تَحْضَنْ حَرِجًا
 سِيرََهَا الْأَوَّلَى ㉕ وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجُ بَشْرًا ㉖ مِنْ
 غَيْرِ سَوْءٍ آيَةٌ أُخْرَى ㉗ لِزَيْدِكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى ㉘ إِذْ هَبَّ إِلَىٰ
 فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ㉙ قَالَ رَبِّ اسْرْجْ لِي صَدْرِي ㉚ وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي ㉛
 ㉜ وَأَخْلَعْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي ㉝ وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا
 مِنْ أَهْلِي مُرْدُنَ ابْنِي ㉞ أَشَدُّ دَرِيءًا ㉟ وَآشِرُكَ فِي أَمْرِي ㊱

بملم و قدرت محیط است (۵) هر چند در آسمانها و زمین و بین آن یا زیر کره خاک موجود است همه ملک اوست (۶) اگر با تراز بلند سخن گوئی همانا خدا بر (پیدا) نهان و معنی ترین امور جهان کاملاً آگاهست (۷) بجز خدای یکتا که همه اسماء و صفات نیکو مخصوص اوست خدائی نیست (۸) وای رسول ما داستان موسی را میخوانی تا بدانی (۹) آنگاه که موسی آتشی مشاهده کرد و باهل بیت خود گفت اندکی مکث کنی که از دور آتشی بچشم دیدم باشد که یا پادشاهی از آن آتشی بر شما پیادوم یا از آن بجائی راه یابم (۱۰) چون موسی بان آتشی نزدیک شد ندانست که ای موسی (۱۱) من پروردگار توام تو نسلین از خود بدور کن که اکنون در وادی مقدس قدم نهاده (۱۲) و من تو را بر نالت خود برگزیدم در این صورت بسخن وحی گوش فراده (۱۳) منم خدای یکتا هیچ خدائی جز من نیست پس مرا (به یکتائی بهرست و نماز را مخصوصاً برای یادما پیادار) (۱۴) محققاً ساعت قیامت خواهد رسید و ما آن ساعت را پنهان داریم تا هر نفسی را پیاداش اعمالی در آن روز برسانیم (۱۵) پس زنهار مردمی که قیامت ایمان ندارند و پرروهای فتنه تو را از آن روز (هولناک) باز ندارند و غافل نکنند و گرنه هلاک خواهی شد (۱۶) وای موسی اینک بازگو آنچه بدست راست داری؟ (۱۷) موسی عرضه داشت این عصای من است که بر آن تکیه میزنم

و گویند انرا برانم و بر گدازت بر آن امیریز و حوالجی دیگر نه بر آن انجام میدهم (۱۸) خدا فرمود ای موسی این عصای یکتا (۱۹) موسی چون انرا بزمین

از دهائی مهیب شد و بهر سو میشتافت (۲۰) باز فرمود عصا برگزیر از آن مترس که ما او را بصورت اول بر میگرددانیم (۲۱) باز باو خطاب شد که دست خود بگریبان فرو بر تا دستی بی هیچ عیب و خشان بیرون آید و این معجز دیگر تو خواهد بود (۲۲) تا باز هم (ای موسی) بزرگتر آیات خود را بنما اوانه دهیم (۲۳) اینک بر سالت بجانب فرعون روانه شو که وی در کفر سخت غنیان کرده است (۲۴) وای یحیی بعد از عرضه داشت پروردگارا (اکنون که بر این کار بزرگ مأمور فرمودی پس شرح سدم صفا فرما) که از جفا و آزار مردم تشکیل نفوم (۲۵) زانرا مرا آسان گردان (۲۶) فتنه را از زبانم بگشا (۲۷) تا مردم سخنها را خوش فهم کرده (۲۸) نیز از اهل بیت من یکی را وزیر و معاون من فرما (۲۹) را درم چارون را وزیر من گردان (۳۰) باو پشت من محکم کن (۳۱) او را در امر رسالت با من شریک ساز (۳۲)

كَىٰ نَسْجَحَكَ كَثِيرًا ۖ وَتَذَكَّرُكَ كَثِيرًا ۖ إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿١٥﴾
 قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَىٰ ۖ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ
 إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمَمِكَ مَا يُوحَىٰ ۖ آتِينَ إِنْ يَأْتِيهِ فِي الْثَّابُوتِ وَهُوَ فِيهِ
 فِي الْيَمِّ فَلْيُلْهِمِهُ أَلِيمٌ بِالْشَّاحِلِ بِأَخْذِهِ عَذُولٌ وَعَدُّ لَهُ ۖ وَ
 الْقَبْثَ عَلَيْهِكَ حَبَّةً مِّمَّنْ لِيُضْغَعَ عَلَىٰ عِمْقِي ۖ إِذْ تَمَثَّلَ لَكَ خُتُوكُ
 فَنَقُولُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ ۖ فَرَجَّحْنَاكَ إِلَىٰ أُمَمِكَ كَىٰ تَقَرَّ
 عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۖ وَوَقَّعْنَا لَكَ مِنَ الْغَيْمِ وَفَتْكَ لُكُلًا
 فَلْيَلَيْتَ يَسِينٌ فِي هَٰذَا مَدِينٍ ۖ فَرَجَّحْتُ عَلَىٰ قَدِيرٍ يَا مُوسَىٰ ۖ وَ
 اضْطَجَعْتَكَ لِيَقْبِي ۖ إِذْ هَبَّ آتُكَ وَأَخُوكَ بِآبَابٍ وَلَا تَنْبَاطُ
 ذِكْرُهُ ۖ إِذْ هَمَّآ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۖ فَهَوَّلَا لَهُ قَوْلًا لَّيْسَ
 لَعَلَّاهُ يَنْتَدِرُكَرًا وَيُخَفِّي ۖ فَلَا رَيْبَآ إِنَّا لَنَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا
 أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ ۖ قَالَ لَا تَخَفَا إِنِّي مَعَكُمْ ۖ أَسْمَعُ وَأَرَىٰ ۖ فَانْبِأهُ
 فَهَوَّلَا إِنَّا رُسُلَا رَبِّكَ ۖ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَآئِيلَ وَلَا تَتَّبِعْ
 قَدْحِجْنَاكَ بِلَابِهِ مِنْ رَبِّكَ ۖ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ ۖ إِنَّا
 قَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ آتَانَ الْعَذَابِ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۖ قَالَ فَمَنْ
 رَبُّكُمْ يَا مُوسَىٰ ۖ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ
 ۖ قَالَ فَمَنْ آتَىٰ الْفُرْقَانَ الْأَوَّلَىٰ ۖ قَالَ عَلَيْهَا عِنْدَ رَبِّي كِتَابٌ لَا

تادام بستانش و سپاس تو پردازیم (۲۴) و ترا بسیار یاد کنیم (۲۴) که
 همانا پس توئی بپیر (و مهربان) باحوال ما (۲۵) پروردگار فرمود ای
 موسی آنچه خواستی همه بپتو صلا گردید (۳۸) و همانا بر تو بار دیگر نیز
 منت نهادیم (۳۷) آن هنگام که بنادرت وحی مهمی نمودیم (۳۸) وحی کردیم
 که کودک خود را در صندوقی گذار و بدیافتن امواج دریا کودک را بساحل
 رسانید تا دشمن من و او از دو یا طفل را بر گرفت و من بملطف خود از تو بر
 دلها محبت افکنم تا تربیت و پرورشت بنظر ما انجام گیرد (۳۹) آنگاه
 خواهرت در جستجوی تو بود تا ترا نزد فرعونیان یافت و گفت میخواهید
 یکی را که شیر و تربیت این طفل را تکفل کند بشما معرفی کنم و ما ترا
 بپادرت برگردانیدیم تا پدیدار تو دیده اش روشن گردد و دیگر از فرعونیان
 را کشتی ما از غم آن نیز ترانجات دادیم و دیگر بارت با بتلای سخت نیاز نمودیم
 تا آنکه حالی ای موسی بمقام (نبوت) رسیدی (۴۰) و ترا برای مقام رسالت و
 محبت خود آراستیم (۴۱) اکنون تو و برادرت باممیزات و آیاتیکه بشما داده ام
 بروید و سستی در ذکر من روا مدارید (۴۲) بروید بر سالت بسوی فرعون که
 او سخت براه کفر و طغیان شتافته است (۴۲) و با او با کمال آرامی و نرمی سخن
 گوید باشد که از این خواب غفلت و غرور بیدار و متذکر شود با از خدا بترسد
 (۴۴) موسی و هارون عرض کردند بار الهام ما ترسیم که (فرعون) با آن قدرت
 و نهوت بیدرتک بر ما ظلم و عقوبت کند یا بر کفر و سرکشی خود بیفزاید (۴۵)
 خدا فرمود هیچ نترسید گهمن باشما میمیشنوم و می بینم (۴۶) بنگ هر دو به
 جانب فرعون رفته و بگوئید که ما در رسول پروردگار تو ایم تا از این پس دست از
 ظلم و بیداد به بنی اسرائیل برداشته و کارشان باما گذاری و بیش از آن عذاب
 با آنها نکنی که ما تا ما با آیت و معجزه از جانب خدا آفریننده تو آمده ایم و
 سلام حق بر آنست که طریق هدایت را پیروی کند (۴۷) بما رسولان خدا
 چنین وحی شده که همانا عذاب سخت خدا بر آن کسی است که خدا و
 رسولانش را تکذیب کند و از حق روی بگرداند (۴۸) فرعون گفت ای
 موسی خدای شما کیست؟ (۴۹) موسی پاسخ داد که خدای ما آن کسی است
 که او همه موجودات عالم را نعمت و وجود بخشیده و سپس بر او کمالی هدایت
 کرده است (۵۰) آنگاه فرعون گفت پس ما را اقوام سلف چیست؟ (۵۱)
 موسی پاسخ داد که احوالشان بپلم ازلی خدا در کتاب لوح محفوظ

بِضُلِّ رَبِّي وَلَا يَدْعُنِي الَّذِي يَجْعَلُ لَكَ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَاتًا
 لَكَ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ
 نَبَاتٍ شَتَّى ۖ كُلُوا وَارْزُقُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
 لِلَّذِينَ أَلْهَىٰ ۖ مِنْهَا خَلْقْنَا كُرُوفَهَا نَعْبُدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ
 ثَارَةً تُغْرِى ۖ وَلَقَدْ آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ۖ
 فَلَمَّا أَهْنَيْنَا أَفْرَجْنَاهُ مِنْ أَرْضِنَا لِيُخْرِجَ بِأَمْرِنَا ۖ فَلَمَّا يُنَبِّئُكَ
 بِفُجُورِ مِثْلِهِ قُلْ جَعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا
 أَنْتَ مَكَانًا سُوًى ۖ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْتَةِ وَإِنْ يَنْخَسِرَ
 النَّاسُ ضَلُّوا ۖ فَاصْبِرْ ۖ فَيَرْجِعُونَ فَمَجَّعَ كِبْدَهُ تَوَدَّى ۖ قَالَ لَمْ يَأْمُرْ
 وَهَلْ لَكَ لَا تَقْتَرُ ۖ وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ كَذِبًا قَبِيحٌ يَكْتُمُ ۖ فَعَدَا فِي قَدْحَابِ
 مِنْ أَفْرَئِي ۖ فَتَنَّا أَوْعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا الْبُعْثَى ۖ قَالُوا
 إِنَّ هَذَا لَنَسِيرٍ إِنْ بَرَدْنَا إِنْ أَنْ يَخْرُجَا كُرُوفًا مِنْ أَرْضِنَا لِيُخْرِجَ بِأَمْرِنَا
 وَيَذْهَبَ سَبَاطُ بَقِيَّةِ الْمَثَلِ ۖ فَجَاءَهُمْ أَكْبَدُ كُرُوفًا شَوْأَصَفًا
 وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مِنَ اسْتَعْلَى ۖ قَالُوا يَا مُوسَىٰ لَمَّا أَنْ تُلْقَىٰ
 وَإِنَّا أَنْ تَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ۖ قَالُوا بَلْ الْفُؤَادُ مَا جَاءَكُمْ
 وَفِيهِمْ مَنْ يُخَالِلُ إِلَهُ مِنْ يَخْرِمِهِمْ أَنْهَا نَسَى ۖ قَالُوا خَسِرَ
 نَفْسَهُ خِيفَةً مُوسَىٰ ۖ فَلَمَّا لَا تَخِفْ إِمَّا أَنْتَ الْأَعْلَى ۖ

هرگز از حال احدی خدای مرا خطا و فراموشی نیست (۵۲) همان خدایی که زمین را آسایشگاه شما قرار داد و در آن راهها برای روابط و سفر و حوائج خلق پدید آورد و هم از آسمان آب نازل کرد تا بان آب آسمانی انواع نباتات مختلف از زمین برویانیدیم (۵۳) تا ای بندگان شما از آن نعمت ها تناول کنید و چهار پابان را هم بچرانید که همانا در این کار آیات ربوبیت برای خردمندان پدیدار است (۵۴) ما شما را هم از این خاک آفریدیم و هم باین خاک باز میگردانیم و هم بار دیگر از این خاک بیرون می آوریم (۵۵) و ما به فرعون همه آیات خود را نمودیم و او همرا تکیذ و کذب کرد و از آن رو گردانید (۵۶) فرعون در پاسخ گفت ای موسی تو آمده ای بطمع آنکه ما را از کشورمان بسحر و شعبده خود بیرون کنی؟ (۵۷) ما هم در مقابل سحر تو سحری البته خواهیم آورد پس موعدی معین کن که بی آنکه هیچک از ما خلف وعده کنیم در سر زمین مسلطی برای سحر و ساحری مهیا شویم (۵۸) موسی گفت و ده ما و شما روز زینت باشد و مردم هنگام ظهر بموعده همه بیرون آیند (۵۹) نگاه فرعون از موسی رو گردانید و بتدبیر جمع آوری سحر و ساحران پرداخت سپس (با ساحران بسیار) بموعده گاه آمد (۶۰) موسی گفت و ای پرشازنهار برخدا بسحر دروغ میندید که بنیاد شما را بر باد هلاک دهد که هر کس بخدا اقترا بست سخت زیانکار شد (۶۱) و آنها در کارشان بگفت و شنید پرداختند ولی راز خود را پنهان داشتند (۶۲) فرعونیان گفتند این دو تن دو ساحرنده که میخواهند بسحر انگیزی شما مردم را از سر زمین خود بیرون کنند و طریقه نیکو شما (که اطاعت فرعونست) از میان ببرند (۶۳) پس ای ساحران باید امروز شما با هر فکر و تدبیری توانید مهیا شده و در مقابل این دو ساحر صف آرا می کنید که امروز آنکس که غلبه و برتری یابد او فیزی و زی یافته است (۶۴) ساحران (چون مهیای کار شدند) گفتند ای موسی تو نصبت بکار خواهی پرداخت یا ما اول بساط خود بیشکنیم؟ (۶۵) موسی فرمود شما اول بساط خود در افکنید که ناگاه در اثر سحر چوبها و رسته ها شان پنداشتی در قمار بچینش و رفتار آمد (و سحری بزرگ برانگیختند) (۶۶) در آن حال موسی سخت بترسید (۶۷) ما گفتیم

وَأَلْقَى مَا فِي يَمِينِكَ تَلَقَّفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كِبَادُ سَايِرٍ
 لَا يَفْلَحُ الشَّارِحُ جِبْتُ أَنَّى قَالَ لِقَى الثَّمَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا أَسْتَثَابَرْتِ
 هَرُونَ وَمُوسَى قَالَ أَمْسُتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنِ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمْ
 الَّذِي عَلَّمَكُمُ الْيَتْرَ فَلَا قِطْعَنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافِ
 وَلَا صَلَاسِيكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَنَعْلُنَ آيُنَا أَشَدَّ عَذَابًا وَ
 أَبْقَى قَالُوا لَنْ نَقُوتَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنْ الْبَنَاتِ وَالَّذِي
 قَطَرْنَا فَا قِصْ مَا أَنْتَ فَاضِلٌ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَبْوَةَ الدُّنْيَا
 إِنَّمَا امْتَلَأْتِنَا بِالْخَيْرِ لَنَا خَطَابَانَا وَمَا أَكْرَمُنَا عَلَيْكَ مِنَ الْيَتْرِ
 وَاللَّهُ خَبِيرٌ وَأَبْقَى إِنَّهُ مَنْ بَاتَ رَبَّةً فُجِرَ مَا فَإِنْ لَمْ يَجْهَتُمْ
 لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَجْهِي وَمَنْ بَاتَ بِأَيِّهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ
 قَالُوا لَكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى الْجَنَاتُ عَذَابُ قَبْرِي مِنْ
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى وَلَقَدْ
 أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِيَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَصْرِ
 يَبْسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا يَتَّقُونَ فَأَتَيْنَهُمْ فِي رَمَلَيْنِ فَزَحْنُوا عَنْهُمْ
 فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ وَأَصْلُ فِرْعَوْنُ قَوْمُهُ وَمَا هَدَى
 يَا بَنِي إِسْرَءِيلَ قَدْ أَرْجَيْنَا كُفْرًا مِنْ عَذُوكُمْ وَوَعَدْنَا لَأَرْجِيَابِ
 الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَرَوَّعْنَا عَلَيْكَ الْمَنْ وَالْكَالُومِ كُلُّوْا مِنْ طِبَابِ

و اینک عسای خود را بیفکن تا از دها شده و یکباره بساط سحر و ساحری
اینان را فرو ببرد که کاراینان سحر و ساحری بیش نیست و ساحر هرگز
فیروزی نخواهد یافت (۶۹) ساحران سربسجده فرود آورده و گفتند ما
بخدای موسی و هرون ایمان آوردیم (۷۰) فرعون بساحران گفت شما چرا
پیش از آنکه من اجازه دهم بموسی ایمان آوردید؟ او معلومست که در
سحر معلم شما بوده باری من شما را دست و پای میبرد و بنغله خرما بدار
می آویزم تا بدانید که عذاب من و موسی کدام سخت تر و پاینده تر خواهد بود
(۷۱) ساحران بفرعون پاسخ دادند که ما تورا هرگز با وجود این معجزات
آشکار که مشاهده کردیم (بر موسی) مقدم نخواهیم داشت در حق ما هر چه
توانی بکن که هر ظلمی کنی همین حیات دوروزه دنیاست (۷۲) ما براستی
بخدای خود ایمان آوردیم تا از خطاهای مادر گذرد و گناه سحری که تو
مارا با جبار بر آن داشتی ببخشد و لطف و مغفرت خدا بهتر و پاینده تر
خواهد بود که همانا هر کسی بخدای خود طاعت و گناه کار وارد شود
جزای او جهنمی است که در آنجا نه بمیرد و نه زنده شود (۷۳) و هر کسی
بخدای خود مومن و با اعمال صالح وارد شود اجر آنها هم عالیه ترین درجات
بهشتی است (۷۴) آن بهشتیهای عدنی که ما دیدیم زیر درختانش نهرا جاریست
آنجا نعمت و حیوة ابدیست و این بهشت پاداش کسی است که خود را پاک
و پاکیزه گرداند (۷۵) و موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه از
شهر مصر بیرون بر راهی خشک از میان دریا بر آنها پدید آورده از تعقیب
و رسیدن فرعونیان ترسانگ باش و نه اندیشه دار (۷۶) و فرعون با سپاهش از
پن آنها تا خندس موج دریا چنان آنها را فرورد که از آنان اثری باقی
نگذاشت (۷۸) و فرعون پیروان (نادان) خود را علاوه بر اینکه هدایت
نکرد سخت ضلالت و بدبختی افکند (۷۹) ای بنی اسرائیل ما شما را از
شر دشمن نجات دادیم و از شما دروادی ایمن کوه طور وعده خواستیم (تا)
بمناجات موسی کلام حق را بشنوید) و برای قوت شما من وسلوی فرستادم

مَا رَفَعْنَا كُرْهُ وَلَا ظَنَعْنَا فِيهِ فَعِيلَ عَلَيْكَ غَضَبِي مَنْ يَجْلِلْ عَلَيْهِ
 غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ ۖ وَإِنِّي لَأَتَقَاتِلُنَّ نَابَ وَأَمِنْ وَيَعْلُ صَائِحَاتُهُ
 ائْتَدَىٰ ۖ وَمَا أَجْعَلُكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَىٰ ۖ قَالَ هُمْ أَوْلَاءُ
 عَلَىٰ أَثَرِي بِجَلَّتْ إِلَيْكَ رَبِّ لِرَفْعِي ۖ هَالِكٌ مَا قَدْ قَتَلْنَا قَوْمَكَ
 مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ الشَّامِرِيُّ ۖ فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبًا
 أَيْسَفًا قَالَ بِأَقْوَمٍ أَلَيْسَ لَكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدَّ لَحْنًا أَفْطَالَ عَلَيْهِمُ
 الْعَهْدُ أَمْ أَرَادْتُمْ أَنْ يَهْلَ عَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ
 مَوْعِدِي ۖ هَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا خَلَلْنَا الْأَرْضَ
 مِنْ ذُنُوبِكُمْ فَأَوْفَرْنَا مَا كَفَّكَ إِلَهِ أَلْفَىٰ الشَّامِرِيُّ ۖ هَمَزَ
 لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا آلِهَةً خَوَّارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ
 قَتَلْنَاهُ ۖ فَلَا تَزِرُ وَازُّونَ الْأَثَرِ ۖ جِئِ الْهَيْمُ قَوْلًا وَلَا بِمَلِكٍ لَهُمْ ضَرًا
 وَلَا نَفْعًا ۖ وَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ
 بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِيَ فَتُكَلِّمُوا النَّاسَ
 عَلَيْهِ عَاقِبِينَ ۖ هَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ ۖ هَالِكٌ مَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ
 إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ۖ أَتَلْبِغُنِي أَفْصَحْتُ أَمْرِي ۖ هَالِكٌ يَابْنَ أَمْرٍ
 لَا أَخَذُ بِطَبْعِي وَلَا بِرَأْسِي ۖ إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي
 إِسْرَءِيلَ وَلَمْ تَرْفُقْ قَوْلِي ۖ هَالِكٌ مَا خَطَبُكَ يَا سَامِرِيُّ ۖ

که از این دزدی حلال و پاکیزه که نصیبان کردیم تناول کنید و در آن طغیان
 و سرکشی مکنید و گرنه مستحق غضب و خشم من می شوید و هر کس مستوجب
 خشم من گردید همانا غوار و عذاب خواهد شد (۸۱) و البته هر آنکس که
 توبه کند و بحد ایمان آرد و نیکو کار گردد و درست براه هدایت و در مغفرت
 و آمرزش من بسیار است (۸۲) و ای موسی باز گو که بر قومت چرا سبقت
 گرفته و پاشتاب بوعده گاه آمدی (۸۳) موسی عرضه داشت هم اینک قوم
 از پی من هستند و من خود برای غش نمودی تو تعجیل کرده و بر آنها تقدم
 جستم (۸۴) خدا فرمود ماقوم تو را پس از تو آزمایش کردیم و سامری
 آنانرا گمراه کرد (۸۵) موسی متأسف و غضبناک بسوی قوم باز گشت و گفت
 ای مردم مگر خدای شما بشما وعده احسان نداد آیا وعده خدا طولانی
 شد؟ یا مایل شدید که مستوجب قهر و غضب خدای خود شوید؟ (۸۶) فرم
 بموسی گفتند ما بخیل و اختیار خود خلاف وعده تو نکردیم ولیکن اسباب تجمل
 و زینت بسیار که (از فرعونیان) پادشاه بود آنها را در آتش افکندیم و چنین
 سامری بر ما القاء کرد (۸۷) نگاه سامری با آن درو زبورها گوساله بساخت
 که صدائی شکفت داشت و (سامری و پیروانش) گفتند خدای شما و خدای موسی
 همین گوساله است که (موسی یا سامری) فراموش کرده است (۸۸) آیا این گوساله
 پرستان نمی نگرند که هیچ حرف و انری و هیچ خبر یا شری از این گوساله با آنها
 عاید نمیشود (۸۹) و هر و پیش از آنکه موسی باز آید گفت ای قوم بهوش باشید
 که این گوساله اسباب فتنه و امتحان شما گردید و محققا (بدانید) که
 آفریننده شما خدای مهربان است پس شما پیرو من شوید و امر مرا فرمان
 برید (۹۰) قوم در پاسخ نصایح هرون گفتند ما بپرستش گوساله تا بتبعیمان
 تا وقتی که موسی بما باز گردد (۹۱) موسی به هارون گفت مانع توجه
 بود که چون و دم گمراه شدند از پی من نیامدی؟ چرا نافرمانی امر من
 کردی؟ (۹۲) هرون گفت ای برادر مهربان (بر من قهر و عتاب مکن)
 سرور من من مگیر عذر من این بود که ترسیدم بگوئی تو میان بنی اسرائیل
 تفرقه انداختی و بسجنم و قبیله نهادی (۹۳) نگاه موسی سامری (باخشم)

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ
 فَنَبَيْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي النَّبِيَّ قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي
 الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ إِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانْظُرْ
 إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ غَاكِيًا أَتَرَى لَهُ لَئِيْقَةً
 فِي الْيَمِّ نَتْفًا ۖ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلُّ شَيْءٍ
 عِلْمًا ۚ كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ
 مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا ۚ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَمْجَلْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وِزْرًا
 ۝ خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ حِمْلًا ۝ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ
 وَنَحْنُ الْخَرِيمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرُّوا يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْنَا إِلَّا
 عَشْرَ نَاحِثِينَ أَعْلَمِي مَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ
 لَبِثْنَا إِلَّا يَوْمًا ۝ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي
 نَسْفًا مَعْدَدًا ۚ مِمَّا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا
 ۝ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ
 لِلرَّعْمِ فَلَا تُسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ۝ يَوْمَئِذٍ لَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا
 مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ۝ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
 وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ۝ وَعَسَى أَنْ يَكُونَ لَكُمْ الْيَوْمَ الْقِيَوْمَ
 وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ۝ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ

نمیدند آنرا بر گرفته و در گوساله ریخته و نفس من چنین فتنه انگیزی را
 بنظر من جلوه داد (۹۹) موسی بسامری گفت اینک از میان ما بیرون شو که
 تو در زندگانی دنیا بمرضی معذب خواهی شد که دایم گوئی کسی مرا
 نزدیک نشود و در آخرت هم وعده گاهی در دوزخ داری که تخلف نخواهد شد
 اکنون این خدایت را که با زر و زیور ساخته‌ای و بر پرستی و خدمت
 ایستادی بنگر که آنرا در آتش می‌سوزانیم و خاکسترش را بآب دریا
 میدهم (۱۰۰) تنها خدای شما آن یگانه خداست که جز او هیچ خدایی
 نیست و علمش بهمة ذرات هستی وجود محیط است (۱۰۱) و ما اعباد
 گذشتگان دیگر را نیز بر تو حکایت خواهیم کرد و از نزد خود برای یادآوری
 ذکر (یعنی قرآن را) بتو اعطا کردیم (۱۰۲) و هر کسی از آن ذکر اهراس کند
 روز قیامت بارسنگینی از گناه را بدوش خواهد داشت (۱۰۳) او در عذاب
 آن افعال زشت مخلد است و سخت بار اعمال زشتی در میاست بدوش گرفته
 است (۱۰۴) روزی که نفخ صور دمیده شود آن روز بدکاران ازرق چشم
 محسور خواهند شد (۱۰۵) و آنها از هول و هراس آن روز بایکدیگر آمده
 زیر آب گویند که ای افسوس ده روزی پیش در حیات (دنیا) درنگ نکردید
 (۱۰۶) ما بآنچه می‌گویند بهتر آگاهیم که از آن بدکاران بهتر و درست
 تر نشان بآنها از روی حسرت خواهند گفت (ای افسوس) (گوئی در دنیا با قبر)
 روزی پیش درنگ نکردید (۱۰۷) ای رسول از تو هر گاه پرسند که کوهها
 (روز قیامت) چه میشود جواب ده که خدای من کوهها را چنان از
 بنیاد بر کند که خاک شده و خاکش بر باد دهد (۱۰۸) آنگاه پست و
 بلندهای زمین را چنان هموار گرداند (۱۰۹) که در آن دیگر ابدی
 هیچ بلندی و پستی نخواهی دید (۱۱۰) و خلاق همه از پی کسی که آنها
 را برآه می‌تیم بر سره قیامت دعوت کند (یعنی اسرافیل) ناچار خواهند
 رفت و صداهای پیش‌خدا را - همان حاشع و خاموش کرده که از هیچکس جز
 ذریب و آمده است - نمی‌نورانی شنید (۱۱۱) و در آن روز شفاعت هیچ
 کس نبود بجز خدا - آن کسی که خدای رحمان پاورخت شفاعت داده
 و سخنش پسند او گردیده (۱۱۲) و خدا بپلم ازلی بر همه آنها گذشته
 خلاق آگاه است و خلق را هیچ باو احاطه و آگاهی نیست (۱۱۳) و بزرگان
 عالم همه در پیشگاه عزت آن خدای حی توانا ذلیل و خاضعند و در آن
 روز هر که بار نال و ستم بدوش دارد سخت زبون و زیانکار است (۱۱۴)

از هیچ ستم و آسیبی بیمناک نخواهد بود (۹۹۳) و ما اینگونه قرآن را با
 فصاحت عربی بر تو فرستادیم و در آن وعده‌ها و احوال قیامت را تذکر
 دادیم باشد که مردم پرهیز کار شوند یا به پستی‌ها و پادآوری شوند (۹۹۴)
 پس بلند مرتبه است و بزرگوار خدائی که بحق و راستی پادشاه ملک وجود
 است و توای رسول پیش از آنکه وحی قرآن تمام و کامل بتو رسد تمجیل
 در آن ممکن و دائم بگو پروردگار من بر علم من بیفزای (۹۹۴) و ما با آدم عهد
 بستیم و در عهد او را استوار و ثابت قدم نیافیم (۹۹۵) و هنگامی که
 فرشتگان را گفتیم بآدم سجده کنید همه سجده کردند جز شیطان که امتناع
 ورزید (۹۹۶) آنگاه گنیم ای آدم محققاً این شیطان با تو و جنت دشمن است
 مبادا شما را از بهشت بیرون آورد و از آن پس بشقاوت و بدبختی گرفتار
 شوید (۹۹۷) همانا تو در بهشت نهر گز آنجا گرسنه شوی و نه برهنه و هر یان
 مانی (۹۹۸) و نهر گز در آنجا به تشنگی و بگرما و آفتاب آزار بینی (۹۹۹)
 باز شیطان در او وسوسه کرد و گفت ای آدم آیا (میل‌داری) ترا بر درخت ابدیت
 و ملک جاودانی دلالت کنم؟ (۱۰۰۰) پس آدم و هوا (قریب خورده) از آن درخت
 تناول کردند بدین جهت دعوت آنها در نظرشان پدیدار شد و خواستند تا بساتری
 از بزرگ درختان بهشت خود را پیوشانند و آدم نافرمانی خدای خود کرد و
 گمراه شد (۱۰۰۱) سپس خدا توبه او را پذیرفت و عذابش فرمود و بمقام
 نبوتش برگزید (۱۰۰۲) آنگاه خدا بآدم و هوا و شیطان فرمود اکنون از
 عالی‌رتبه بهشت همه فرود آید که برخی از شما با برخی دیگر دشمنید
 تا چون از جانب من برای شما را عثمائی بیاید آن هنگام هر که از راه من
 پیروی کند من هرگز گمراه شود و نه شقی و بدبخت گردد (۱۰۰۳) و هر کس
 از پادمن امراض کند همانا معیشتش تنگ شود و روز قیامتش ناپینا محشور
 کنیم (۱۰۰۴) و در آن حال گوید الهی چرا مرا ناپینا محشور کردی و حال
 آنکه من پینا بودم (۱۰۰۵) خدا باو فرماید آری چون آیات ما برای هدایت
 تو آمد همه را طاعت فراموشی و غفلت نهادی امروز هم ترا فراموشی (بی‌بهره)

وَلَوْ رُفِعُوا مِنْ بَابِ رَبِّكَ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ۝ أَفَلَا يَهْتَدُونَ ۚ كَذَلِكَ أَهْلَكَ الْقَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ
بِذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۝ وَلَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ
لَكَانَ لِرِجَالِهِمَا أَجَلٌ مُتَعَدٍ ۝ فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ
رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ أَنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ
وَإِذَا ظَهَرَ النُّجُومُ لَعَلَّكَ تَرْضَى ۝ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا
مَتَّعْنَاهُ أَزْوَاجًا ثُمَّ زَكَّرَهُ ۚ أَهْجُوهَا وَالدُّنْيَا لِتُفْنِنَ فِيهَا ۚ وَرَبُّكَ
رَبُّكَ خَبِيرٌ وَأَبْقَى ۝ وَأَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا
لَا تَسْلُكْ رِزْقًا مَحْنُ زُرُوقًا وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى ۝ وَقَالُوا
لَوْلَا بَأْسُنَا بِبَنِي إِبْرَاهِيمَ مِنْ رَبِّكَ أَوْ لَوْلَا تَأْمِينُهُمْ بَيْنَهُ مَا فِي الصُّفُوفِ الْأُولَى
۝ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ
إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعُ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُنَادِيَ وَتُخْرَجَ ۝ قُلْ كُلُّ
مُتَرَفِّعٍ مُتْرَجٌّ فَاصْبِرُوا قَسْعَلُومَنْ مِنْ أَصْحَابِ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ تَمَّ مُنْقَذُ

إِقْرَبَ لِلنَّاسِ حِمْلَهُمْ وَهُمْ فِي عَفْوَةٍ مُغْرَضُونَ ﴿١٤١﴾ لَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿١٤٢﴾ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُدْعَىٰ لَهُ الْيَوْمَ إِلَٰهَ الْوَاحِدِ يُدْعَىٰ بِهِ تَدْعَىٰ عَلَيْهِمْ أَمْثَلُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُقَرَّبُونَ قُلُوبُهُمْ لَا تَعْلَمُونَ لِمَ قُتِلُوا وَلَئِنَّ لَهُمْ فِي عَذَابٍ مُتَسَاوِينَ يُرَدُّونَ فِيهِمْ أَمْثَلُ الْعَذَابِ وَإِنَّهُمْ فِي عَذَابٍ مُنْتَهَىٰ

وایمان به آیات خدا نیاورد معجزات سخت می کنیم با آنکه هنوز عذاب آخرت سخت تر و پابنده تر خواهد بود (۱۳۷) آیا این کفار قریش از مشاهده حال طواف بسیاری از گنشتگان که ما همه را هلاک کردیم و اینان در منازل و عمارات آنها می روند و پند نگرند و عداوت نیاقتند احوال گنشتگان برای خردمندان بسیار مایه عبرت و آیه عداوت است (۱۳۸) اگر نه این بود که سخن پروردگار بر این کار سبقت یافته این امت در قیامت به کفر نرسند همانا در دنیا هر آنها عذاب لزوم می یافت (۱۳۹) پس تو ای رسول بر آنچه امت جاهل می گویند صبر و تحمل پیش گیر و خدا پران پیش از طلوع خورشید و بعد از غروب آن و ساعاتی از شب تا روز روشن ستایش و تسبیح گو تا باشد که بمقام رفیع شفاعت خوشنود شوی (۱۴۰) و ای رسول ما هرگز بمعنا ناچیزی که بتو می درج لوله حیات دنیای فانی برای امتحان داده ایم چشم آردو مگشا و رزق عداوت بسیار بهتر و پابنده تر است (۱۴۱) و او اهل بیت خود را بنمازه رکن و خود نیز بر نماز و ذکر حق مصبور باش ما از تو روزی کسی را نمی طلبیم (بلکه ما پشرو دیگران) روزی می دهیم (و بدان) که عاقبت نیکو مخصوص پرهیز کاری و تقوی است (۱۴۲) و کافران گفتند چرا محمد (ص) آیت و دلیلی روشن بر ثبوت خود از جانب خدا برای ما نمی آورد آیات بیه کتب پیشین بر آنان نیامد (چرا باز ایمان نیاوردند) (۱۴۳) و اگر ما پیش از فرستادن پیغمبر کافران را همه بنزول عذاب هلاک نمیکردیم البته آنها می گفتند پروردگارا چرا بر ما رسولی فرستادی تا از او پیروی کنیم که این ذلت و خواری بر ما پیش نیاید (۱۴۴) بگو (اکنون که رسول آمد و مخالفتش کردید) مترسد و منتظر بایستد که بزوی خواهد دانست ما شما کدام برای مستقیم سعادت رفت و طریق هدایت یافته ایم و کدام برای هلاک

سوره انبیاء در مکه نازل شده و مشتمل بر یکصد و دوازده آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

روز حساب مردم بسیار نزدیک شد و مردم سخت فاقند و اعتراض می کنند (۱) این مردم هافل هیچ پند و موعظه ای از جانب پروردگارشان نباید جز آنکه آن

قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ مَدَّ إِلَا بِشْرِيكَ
 أَفَنُتَوَنِّصِرُ وَأَنْتُمْ تَبْصُرُونَ ٥ قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي
 السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٦ بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ عُقْبَى
 بَلْ فِتْنَةٌ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ قَلْبًا يَأْتِي بِآيَاتٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ ٧
 مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَهْلَكْنَاهُمْ يَوْمَهُمْ يُؤْمِنُونَ ٨ وَمَا
 أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ
 إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ٩ وَمَا جَعَلْنَا مُجْدًى إِلَّا يَأْكُلُونَ الظَّالِمُ
 وَمَا كَانَ بَأْسًا لِلدِّينِ ١٠ فَرَّصْنَا لَهُمُ الْوَعْدَ فَآتَيْنَاهُمْ وَمِنْ
 نَحْنُ ١١ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ١٢ لَقَدْ أَغْرَيْنَا الْبَنِي إِسْرَءِيلَ بِمَا فِيهِ
 ذِكْرُكَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ١٣ وَكَرَّصْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً
 وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ١٤ فَلَمَّا آخَضُوا بِأَنْسَانَا إِذَا هُمْ
 مِنْهَا بِرَكُوعٍ ١٥ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ
 سَآئِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْلَوْنَ ١٦ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ١٧
 فَمَا زَالَتْ إِلَيْكَ دَعْوُهُمْ حَتَّى جَعَلْنَا لَهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ ١٨
 وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا عَجَبًا ١٩ لَوْ أَرَدْنَا
 أَنْ نَقْدِرَ هُوَ إِلَّا تَخْدِنَاهُ مِنْ لَدُنَّا لَإِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ ٢٠ بَلْ نَقْدِرُ
 بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ قَبْضَةً فَإِذَا هُوَ خَامِدٌ وَلَكِنَّ الْكَافِرِينَ

تَصِفُونَ ۝ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَنْ عِنْدَهُ لَا
يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ۝ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ
الْيَوْمَ لَا يَفْترُونَ ۝ أَمَّا اتَّخَذَ إِلَهًا مِنْ الْأَرْضِ شَرْكًا
لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ
الْعَرْشِ عَنَّا يَصِفُونَ ۝ لَا يُنْقِلُ عَنَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ۝
اتَّخَذَ دَاوِينَ دُونَهُ إِلَهًا قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرُ مَنْ مَعِيَ
وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ۝
وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ۝ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ
عِبَادٌ مُكْرَمُونَ ۝ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهُ يَعْلَمُونَ ۝
يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ
وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ۝ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ
دُونِهِ فَمَنْ ذَلِكَ فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ۝ أَوَلَمْ
يَرَوْا أَنَّا كَسَبْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتْ رَوَاقَاتِنَا
وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ
رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا جِبَالًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ
۝ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَفًّا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ۝

(۱۸)

ملك خداست و فرشتگان و ارواح قدسی که در پیشگاه حضرتش مقربند هیچگاه از بندگی سرپیچی نکنند و از عبادت هرگز خسته و ملول نشوند (۱۹) همه بشب و روز بی آنکه هیچ سستی کنند به تسبیح و ستایش او مشغولند (۲۰) بلکه این مردم مشرک نادان خدایانی از همین زمین برگرفته و آنها را جان آفرین پندارند (۲۱) اگر در آسمان و زمین بجز خدای یکتا خدایانی وجود داشت همانا خلل و فساد در آسمان راه می یافت پس بدانند که پادشاه ملك وجود خدای یکتاست و از اوصاف و اوهام مشرکان جاهل پاك و منزّه است (۲۲) و او بر هر چه می کند بازخواست نشود ولی خلق از کردارشان بازخواست میشوند (۲۳) آیا مشرکان نادان خدای را رها کرده و خدایان باطل بی اثر را برگرفتند؟ بگو بر هاتقان چیست یا ورید این ذکر خدای یکتا سخن من و عالمان امت من است و همه انبیا و دانشمندان پیش از من اما این مشرکان جاهل بحق دانا نیستند که از آن امراض می کنند (۲۴) و ما هیچ رسولی را بر سالت نفرستادیم جز آنکه با و وحی کردیم که بجز من خدایی نیست تنها مرا بی یکتائی پرستش کنید و بس (۲۵) و (مشرکان) گفتند که خدای رحمان دارای فرزند است (حاشا) خدا پاك و منزّه از آنست بلکه (کسانی را که) مشرکان فرزند خدا پنداشتند همه بندگان مقرب خدا هستند (۲۶) که هرگز پیش از امر خدا کاری نخواستند کرد و هر چه کنند بفرمان او کنند (۲۷) و هر چه از ازل کرده و تا ابد می کنند همه را میداند و هرگز آن مقربان درگاه از احدی جز آنکی که خدا از او راضی است شفاعت نکنند و آنها داریم از خوف قهر خدا هراسانند (۲۸) و هر کس از آنها بگوید که من خدای عالم دون خدای بحق و آفریننده مطلق ما او را با آتش دوزخ کیفر خواهیم کرد که ستم کاران را البته چنین مجازات می کنیم (۲۹) آیا کافران ندیده اند که آسمانها و زمین بسته بود ما آنها را بشکافتیم و از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم چرا باز بعدا ایمان نمی آورند (۳۰) و در روی زمین کوههای استوار قرار دادیم تا خلق را از اضطرار حفظ کند و نیز راهها در کوه و جاده ها در زمین برای هدایت مردم مقرر فرمودیم (۳۱) و آسمانها را سقف محفوظ و طاقی محکم آفریدیم و این کافران غافل از مفاهیم آیات آن امراض

می کنند (۳۲)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّبْلَ وَالنَّهَارَ وَاللَّيْلَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ
 يَسْبَحُونَ ۚ وَكَوْنَا بَعَثْنَا لَبِيسَ مِنْ قَبْلِكَ الْخَلْدَ أَفَ أَنْ مِتَّ قَدْ كُنَّا
 الْخَالِدِينَ ۚ كُلُّ نَفْسٍ آتِيَةٌ إِلَىٰ أُنْتَىٰ وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّيْرِ وَالْخَبِيرِ
 فَنُفِثَ ۚ وَالْبَنَاتُ تَرْجُونَ ۚ وَكَوْنَا أَزْوَاجَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ
 يَجْعَدَ لَكُمْ إِلهًا مُرَوِّا ۚ وَهُوَ الَّذِي يَذْكُرُ الْإِيتِكَ ۚ وَهُمْ يَذْكُرُ
 الرَّحْمَنَ ۚ هُمْ كَافِرُونَ ۚ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَجٍ ۚ تَارِكًا الْإِلَهِي
 فَلَا تَسْجُدُونَ ۚ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۚ
 لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُونُونَ عَنْ وَجْهِهِمُ النَّارُ
 لَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۚ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْثَةٌ فَتَمُوتُ فَيَلَا
 يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ۚ وَلَقَدْ آتَيْنَاهُمْ نَبِيًّا رِيسًا
 مِنْ قَبْلِكَ نَحَاتِي بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۚ
 فَلَمِنْ يَكْلُوكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ
 مُعْرِضُونَ ۚ أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ
 نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ ۚ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ
 حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْفُصُهَا مِنْ
 أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ۚ فَلِأَنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ لَا يَتَمَعُّ
 الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا بُنْدَرُونَ ۚ وَلَئِنْ مَتَّعْنَاهُمْ نَفَاحًا مِنْ

و اوست خدائی که شب و روز و غورخید و ماه را بقدرت کامل بپا فرید
 که هر يك (یا مر خدا) در مدار مینی سیر می کنند (۳۳) و ما بهیچس بیش از
 تو عمر ابد ندادیم آیا با آنکه تو خواهی مرد دیگران بعد نیارنده مانده؟
 (۳۴) هر نفسی در عالم رنج و سختی مرگ را می چشد و ما شمارا بیدونیک
 مبتلا کرده تا بپایان ما (و هنگام مرگ) سوی ما باز می گردید (۳۵) و
 کافران هنگام ملاقات تو سخت تر است از آتش و آزار و کوفتند آیا این شخص
 است که بتان را که خدا یان ما هستند به امانت و بوی یاد می کند؟ محقق آنها
 بذکر خدا (و آیات او) کافر هستند (۳۶) آدمی در خلقت و طبیعت بسیار شتاب
 کار است ای مردم ما آیات خود را بزودی بشما مینمایانیم تعجیل مدارید
 (۳۷) و کافران می گویند این وعده بیانت اگر راست میگوید کی خواهد
 بود (۳۸) اگر کافران بدانند و فتنه که آتش دوزخ هر طرف از پیش روی و پشت سر
 با آنها احاطه میکند که نه خوردن و نه آتش آن تواند و نه کسی باری آنها کند (آنوقت از
 قیامت آگاهی شوند) (۳۹) بلکه و اذنه مرگ و قیامت ناگهانی فراسد و آنها
 را مهبوط و حیران کند که نه قدرت برد آن داشته و نه بر تاخیر آنها مهلتی تواند
 یافت (۴۰) و ما نامردم بر رسولان پیش از تو نیز بسیار تمسخر و استهزا کردند
 تا آنکه کفر آن استهزا (عذاب خدا گردید و) با آنها احاطه کرد (۴۱) ای
 رسول ما بخلق (بگو کیست بجز آن خدای مهربان که شمارا در شب و روز محافظت
 میکند؟ بلی این مردم از یاد خدای خود اعراض می کنند) (۴۲) آیا برای این
 عسکران غیر ما خدایانی هست که بتوانند عذاب ما را از اینان منع کنند در
 صورتی که آن خدایان نه هیچ قدرت بر دفاع خود دارند و نه آنها را از قهر ما
 قادری حمایت تواند کرد (۴۳) بلکه تنها ما هستیم که این مردم و پدران
 پیشینشان را متمتع بنعمتهای دنیا کردیم تا آنکه عمر دراز کردند آیا
 مردم نمی بینند که ما میم قادر مطلق که اراده ای کنیم زمین و آسمان را از هر
 طرف بهر مرگ و فاسد می گاهیم آیا خلق عاجز بر ما غلبه تواند کرد (۴۴) ای
 رسول ما بامت (بگو که من شمارا بوسی خدا آگاه ساخته (و از عذابش) می ترسانم
 ولی گوش گر (و جان جاهل) هنگام وعظ و اندرز سخن نمی شنود (۴۵) و
 اگر از جانب خدای برای این کافران شهادی از

عَذَابٍ رَبِّكَ لَبْعُولٌ ۖ هَآؤُنَا أَنَا كَاظِمِينَ ۝ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ
الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ فَلَا تَظْلِمُ نَفْسٌ نَفْسًا وَإِن كَانَ مِن شِقَاجِزٍ
مِّن عَرْدٍ ۖ إِنَّا نَبْتَلِيهِمْ وَكُفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى
وَهَارُونَ الْأَصْرَ فَإِن وَضِيَاءَ وَذِكْرًا لِلْعَاقِبِينَ ۝ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ
رِبَّاهُم بِالنَّجِيِّ هُم مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ۝ وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ
أَنزَلْنَاهُ أَقَا نُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن
قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ ۝ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ
الْعِمَامَةُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ۝ قَالُوا أَوَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ
۝ قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَن تُمُ وَالْآبَاءُ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ قَالُوا إِنَّمَا اتَّخَذْنَا
بِالْحَيِّ آمَنَةً مِنَ اللَّاعِبِينَ ۝ قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُم مِّنَ الشَّاهِدِينَ ۝
وَقَالَ لِلَّذِينَ ظَنُّوا أَنَّهُ مُبْعَدٌ أَن قُولُوا مَذِيرِينَ ۝ فَبَسَّ لَهُمُ
جُذَاءً ذَا الْأَكْبَرِ ۖ إِنَّهُمْ لَعَالِمُ الْآلِهَةِ رَجِعُونَ ۝ قَالُوا إِنَّمَا هَٰؤُلَاءِ
مَذَاهِبُ الْبَشَرِ ۖ إِنَّا لَنَبْتَلِيهِم ۝ قَالُوا إِنَّمَا هَٰؤُلَاءِ أَهْلُ الثَّانِي لَعَالِمُ
يَتَّبِعُونَ ۝ قَالُوا إِنَّا أَهْلُ الثَّانِي لَعَالِمُ ۝ قَالُوا إِنَّا أَهْلُ الثَّانِي لَعَالِمُ
قَالَ بَلْ فَصَلِّ لَهُمْ ۖ هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ ۝

عذاب فرارسد در آن حال خواهند گفت ای وای بر ما که مردم ستکاری
بودیم (۳۶) و مادران و همای عدل را برای روز قیامت خواهیم نهاد و قسمی
به هیچ نفسی نخواهد شد و اگر عملی بقدر دانه خردلی باشد در حساب آیدیم
و تنها علم ما از همه حساب گران کفایت خواهد کرد (۳۷) همانا ما بموسی
و برادرش هرون کتاب توریة را عطا کردیم که جدا سازنده میان حق و باطل
و روشنی بخش (دلها) و یاد آور متقیان است (۳۸) متقیان همانهایی هستند
که از خدای خود در نهان (و آشکار) میترسند و از ساعت قیامت و روز جزا
سخت هراسانند (۳۹) این قرآن کتابیست با اندرز و تذکر و برکت بسیار که
ما آنرا (برای هدایت خلق) فرستادیم آیا شما آنرا انکار خواهید کرد؟ (۴۰)
و ما پیش از این ابراهیم را کاملاً پر شد و کمال خود رسانیدیم و ما بتایستی
او بر این مقام دانا بودیم (۴۱) هنگامیکه با پدرش (یعنی عمویش) و با
قومش گفت این مجسمه های پیر و پنهانی بی اثر چیست که شما بنام خدائی
میپرستید؟ و بر آن عمری مشغول شده اید (۴۲) آنها ابراهیم را پاسخ دادند
که ما پدران خود را بر پرستش این بتان یافته ایم (۴۳) ابراهیم گفت
همانا شما عود و پدرانتان همه سخت در گمراهی بوده و هستید (۴۴) قوم
با ابراهیم گفتند آیا تو بر علیه شرک و اثبات توحید حرف حق و حجت قاطعی
داری یا سخنی بیازدیه و زلمیرانی؟ (۴۵) ابراهیم پاسخ داد که خدای
شما همان خدائست که آفریننده آسمان و زمین است و من بر این سخن
ببین گواهی میدهم (۴۶) بعد از قسم که من این بت های شما را با هر تدبیری
توانم درهم میشکتم بعد از آنکه شما از بتخانه روی گردانیدید (۴۷) و
آنوقت به بتخانه شدم و بتها را درهم شکستم بجز بت بزرگ آنها تا باو
رجوع کنند (۴۸) قوم ابراهیم گفتند کسیکه چنین کاری کرده همانا بسیار
ستکار است (۴۹) بعضی از بت پرستان گفتند که ما جوانی را ابراهیم نام را شنیده
ایم که نام بتان را پدیداد میکرد (۵۰) قوم گفتند او را حاضر سازید در حضور
جماعت تا بر این کار او گواهی دهند (۵۱) ابراهیم را آوردند و باو گفتند ای
ابراهیم تو با خدایان ما چنین کردی (۵۲) ابراهیم در مقام احتجاج گفت
بلکه این کار را بزرگ آنها کرده است شما از این بتان سوال کنید اگر

فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ قَالُوا لَوْلَا آتَاكُمْ أَنْتُمْ الظَّالِمُونَ ﴿١٧﴾ ثُمَّ نَبَّاهُ عَلَى
 دُورِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا هُمْ بِبَاطِلُونَ ﴿١٨﴾ قَالُوا أَفَتَعْبُدُونَ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ أَفِيَ الْكَذِبِ وَليًّا
 تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٩﴾ قَالُوا أَخِرُ قَوْمِهِ وَانْصُرُوا
 إِلَهُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٢٠﴾ فَلَمَّا بَايَعُوا أَنْ يُكَفِّرُوا بِرَدِّ أَسْلَامِهِمْ
 عَلَى إِبْرَاهِيمَ ﴿٢١﴾ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمْ الْأَخْسَرِينَ ﴿٢٢﴾
 وَتَجَنَّبْنَاهُ وَلَوْ طَأَّ إِلَى الْأَرْضِ لَبَقِيَ بَارِكًا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿٢٣﴾
 وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿٢٤﴾
 وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ
 الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ﴿٢٥﴾
 وَلَوْ طَأَّ أَتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَتَجَنَّبْنَاهُ مِنْ الْفُرْيَانِ الْبَقِ
 كَانَتْ تَمَسُّلُ الْحَبَاثَةِ إِيَّاهُمْ كَانُوا قَوْمٌ سَوَاءٌ فَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ وَ
 أَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾ فَوُحَا إِذْ نَادَى مِنْ
 قَبْلِ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَجَعَلْنَاهُ وَاهِدًا مِنَ الْكُرْبَى الْعَظِيمِ ﴿٢٨﴾ وَ
 نَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمٌ سَوَاءٌ
 فَأَعْرَفْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٢٩﴾ كَذَبُوا وَكُفَرُوا إِذْ يُنَادِيهِمْ فِي
 الْحَرْبِ إِذْ نَفَتْ فِيهِ نَعْمَةُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَفَرُوا لَكُنَّا مُنْذِرِينَ

باه آنکا خود فکر کرده و با هم گفتند البته شما ستمکارید که این بتان را می پرستید (نه ابراهیم که آنها را در هم شکسته است) (۹۴) پس در مقابل حجت ابراهیم همه سر بزر شدند گفتند تو میدانی که این بتان را خلق و گویائی نیست (۹۵) ابراهیم گفت آیا خدا را که هر نفعی بدست اوست رها کرده و بتهایی می پرستید که هیچ نفع و ضرری برای شما ندارند (۹۶) اف بر شما و بر آنچه بجز خدای یکتا می پرستید آیا شما عقل خود را هیچ کار نمی بندید؟ (۹۷) قوم گفتند ابراهیم را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید اگر (بر رضای خدایان) کاری خواهید کرد (۹۸) ما خطاب کردیم که ای آتش سرد و سالم برای ابراهیم باش (۹۹) باز قوم در مقام کید و کینه او بر آمدند و ما کیدشان را باطل کرده آنها را سخت ترین زیان و خسرت انداختیم و ما ابراهیم را یا لوط (از سر نمرودیان) برهانیدیم و پسر زمین (شام) که مایه برکت جهانیان قرار دادیم آنها را بفرستادیم (۱۰۰) و باو اسحق و فرزند زاده اش یعقوب را عطا کردیم و همه را صالح و شایسته (مقام نبوت) گردانیدیم (۱۰۱) و آنان را پیشوای مردم ساختیم تا خلق را با هر ما هدایت کنند و هر کار نیکو را خصوص اقامه نماز و اداء زکوة را بآنها وحی کردیم و آنها هم پیاد ما پرداختند (۱۰۲) و لوط را هم مقام علم نبوت و حکم فرمائی عطا نمودیم و او را از شهریکه اهلیش باعمال زشت می پرداختند نجات دادیم که آنها بسیار بدکار و فاسق مردمی بودند (۱۰۳) و لوط را در رحمت خود داخل کردیم زیرا از مردم بسیار صالح و نیکوکار) بشمار بود (۱۰۴) و یادکن (ای رسول) حکایت نوح را که پیش از این او را بر سالت فرستادیم و قومی راه مخالفت و عصیان پیش گرفتند و وی خدا را بیاری خود خواند ملام او و اهل پیش را از بالای سبخت (طوفان) نجات دادیم (۱۰۵) و او را بر دفع آن قومیکه آیات ما را تکذیب کردند نصرت دادیم و آن قوم بدکار کافر را یکسر بطوفان غرق کردیم (۱۰۶) و یادکن ای رسول احوال داود و سلیمان را وقتی که درباره گوسفندان بی شانیکه مزدی را تپاه کردند تفاوت نمودند (که او شیرشان صاحب ذبح بقدر ذراعتش استفاده کند) و ما بر حکم آنها گواه بودیم (۱۰۷)

قَتَمْنَا مَا سَأَلْتَنَا وَكَلَّا اتَّبْنَا حُكْمًا وَعَلِمَا وَمَضَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ
 إِبْرَاهِيمَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ۝ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ
 لَبُوسٍ لَّكَرٍ لِّتُحَيِّتَكَ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيكَ قَهْلَ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ۝ وَلَئِنَّمَا
 الرَّجْعُ غَاصِفَةٌ تَقْرِئُ بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا رَبًّا وَكَثَّا
 يَكُلُ نَسَمًا ۝ وَفِي عَالَمِينَ ۝ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ
 عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكَثَرُوا خَافِظِينَ ۝ وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ
 رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا
 لَهُ فَكَفَّنا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً
 مِنْ عِنْدِنَا وَذَكَرَى لِلْعَالِيدِينَ ۝ وَإِسْمَاعِيلَ إِذْ ذَرَسَ وَ
 ذَا الْكِهْلَ كُلِّ مِنَ الصَّابِرِينَ ۝ وَادْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ
 مِنَ الْقَائِمِينَ ۝ وَذَا التَّوْنِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا ظَنَّ أَنْ
 لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ الظَّالِمِينَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَبَجَّيْنَاهُ مِنَ
 الْعَذَابِ ۝ وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ وَذَكَرْنَا لَكَ دَاوُدَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ
 لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَضَعْنَا
 لَهُ يَهُيَّ وَأَضَلُّنَاهُ زُجْرَةً إِيَّاهُمْ كَانُوا يَارِعُونَ فِي الْخَيْرِ الْإِذْ
 وَبَدَّعُونَا نَجْمًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ ۝ وَإِلَىٰ

و ما آن (قضاوت) را بسلیمان بوحی آموختیم و بهر یک مقام حکم فرمائی و دانش
عطا کردیم و کوهها و مرغان را با ۷۹۱ (تسبیح و نفثه) داود مسخر و گردانیدیم
و ما این معجزات را از او پدید آوردیم (۷۹) و ما پداود صفت زره ساختن آموختیم
تا شمارا از زعم شمشیر و آزار یکدیگر محفوظ دارد آیا شکر (الهی را) بجا
میاورید (۸۰) و باد تند سیر صرصر را ما مسخر سلیمان گردانیدیم تا با هر او بدان
سرزمین شامات که با پرکت برای جهانیان کردیم حرکت کند و ما همه امور
عالم و مصالح بندگان دانائیم (۸۱) و نیز برخی از دیوان را ما مسخر سلیمان
کردیم که بدر یاغوا سی کنند و یا بکار دیگر در دستگاه او بپردازند و ما نگهبان
دیوان برای حفظ ملک سلیمان بودیم (۸۲) و یاد کن ای رسول حال او پوپ
را و قتی که دعا کرد که ای پروردگار مرا بیماری و رنج سخت رسیده و تو
از همه مهربانان عالم مهربان تری (۸۳) پس مدعای او را مستجاب کردیم
و درد و رنجش را بر طرف ساختیم و بلطف و رحمت خود اهل و فرزندانش
را با همه دیگر بمثل آنها باز پاو عطا کردیم تا اهل (عبادت) مذكر
لطف و احسان ما شوند (۸۴) و نیز یاد آر حال اسماعیل و ادريس و
ذوالکفل را که همه از بندگان ما بر ما بودند (۸۵) و ما آنها را بر رحمت
(خاص) خود در آوردیم زیرا آنان از نیکان عالم بشمار بودند (۸۶) و
یاد آر حال یونس را هنگامیکه از میان قوم خود غضبناک بیرون رفت و
چنین پنداشت که ما هرگز او را در مضيقه و سختی نمی افکنیم (تا
آنکه ظلمات دریا و شکم ماهی در شب تاری گرفتار شد) آنگاه در آن
ظلمت دعا فریاد کرد که اله اعظمی بجز ذات یکتای تو نیست تو از شرک
و شرک و هر عیب و آلاشی پاک و منزهی و من از ستمکارانم (۸۷) پس
ما دعای او را مستجاب کردیم و او را از گرداب غم نجات دادیم و اهل
ایمان را اینگونه نجات می دهیم (۸۸) و یاد آر حال ذکریا را هنگامیکه
عصا را ندا کرد که بارالها مرا يك تن و تنها وامگذار که تو بهترین دانات
اهل عالم هستی (۸۹) و ما هم دعای او را مستجاب کردیم و یحیی را یاد
عطا فرمودیم و جانش را (که نازا بود) شایسته مصری او و قابل ولادت
گردانیدیم زیرا آنها در کارهای غیر تمجیل میکردند در حال بیم و امید
ما را میخواندند و همه عذرگاه ما خاشع و خاشع بودند (۹۰) و یاد کن

أَخَصَّنَتْ قَرَبَهَا فَتَقَرَّبْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَا مَا وَابَتْهَا آيَةً
 لِلْعَالَمِينَ ۝ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِي
 ۝ وَتَقَطُّوا أَسْرَفَكُمْ بَيْنَهُمْ كُلَّ إِلَهِنَا رَاجِعُونَ ۝ فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ
 الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعِيدِهِ وَإِنَّا لَهُ كَافٍ
 وَحَرَامٌ عَلَى قَرْبِهِ أَنَّهُ كَانَ لَهَا أَبْهَتْ حَرَامٌ ۝ هَتَّىٰ إِذَا
 نُفِخَ فِي الصُّورِ وَمَا جُوعٌ وَمَا جُوعٌ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَذَبٍ يَبْتَاعُونَ ۝ وَوَقَفَ
 الْوَعْدُ الْحَقُّ فَذَاقُوا ذِيقَ نَارِ الْخِصَّةِ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا
 قَدْ كُفِيَ غَفْلَةً مِنْ مَنَابِلِ كُذَّابِ الْيَمِينِ ۝ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصْبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ۝ لَوْ كَانَ
 هُوَ إِلَّا هَؤُلَاءُ مَا وَرَدُوا مَا وَكَلَّ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ لَمْ يَفْعَلْ بِهَا
 وَهُمْ فِيهَا لَا يَتَمَعُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ
 عَنْهَا مُبْعَدُونَ ۝ لَا يَتَمَعُونَ فِيهَا وَلَهُمْ فِيهَا أَثْمَتٌ ثَمَرَاتُهَا
 خَالِدُونَ ۝ لَا يَحْزَنُهُمْ الْقَرْعُ الْأَكْبَرُ وَتَلَاقَتْهُمُ الْمَلَأَةُ هُنَا
 يَوْمَئِذٍ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۝ يَوْمَ تَطْوِي السَّمَاءُ كَنَافَ السَّجْوِ
 لِلْكَتَبِ كَأَنَّا أَزْوَاجٌ خَلَقْنَا نَعْبُدُ وَعَدَا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ
 ۝ وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادُنَا
 الصَّالِحُونَ ۝ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ غَائِبِينَ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا

مریم را که رحمش را پاک و پاکیزه گردانیدیم و در آن از روح خود بدیدیم
 و او را با فرزندش معجز و آیت بزرگ برای اهل عالم قرار دادیم (۹۱)
 اینک سطریش و احدودین یگانه شما آئین پاک اسلام است و من یکتا پروردگار
 و آفریننده شما هستم پس تنها مرا پرستش کنید (۹۲) و امت باز در کار دین
 بین خود تفرقه و اختلاف انداختند (و ملت واحد را تفرق ساختند) باز رجوع
 همه پسوی ما خواهد بود (۹۳) پس هر کس اعمالش نیکو و دارای ایمانست همیشه
 در راه دین ضایع نخواهد شد کما آنرا کلامینویسیم (۹۴) و اهل دیار را
 که حلال گردانیم دیگر زندگانی بر آنها حرام و هرگز بدنیا (با ایمان)
 باز نخواهند گشت (۹۵) تا روزیکه راه پاچوج و ماچوج باز شود و آنان
 از هر جانب پست و بلندى زمین شتابان در آیند (۹۶) آنگاه وعده (ثواب
 و عقاب) حق بسیار نزدیک شود و ناگهان چشم کافران از حیرت فروماند و
 فریاد کنند ای وای بر ما که این روز غافل بودیم و سخت پراستیمکاری
 شتافتیم (۹۷) البته شما و آنچه را که غیر خدا میپرستید امروز همه
 آتش افروز دوزخید و در آن آتش وارد میشوید (۹۸) اگر این بتان که
 شما میپرستید پرستی خدایان بودند بدوزخ نمیشنند در صورتیکه همه
 در آتش مخلد خواهید بود (۹۹) آنکافران را از دوزخ زقیرو ناله
 بسیار دردناکست و در آنجا هیچ سخنی (که مایه امید و نشاط شود)
 نخواهند شنید (۱۰۰) و البته مؤمنان آنانکه توفیق وعده نیکوی ما (در
 سرنوشت ازلی) بر آنها سبقت یافته از آن دوزخ بدور خواهند بود (۱۰۱)
 آنها هرگز آواز جهنم را نخواهند شنید و با آنچه مشتاق و ایل آتند) در
 بهشت تا ابد متلذذند (۱۰۲) و میچگاه فزاعا کبر و هنگامه بزرگ قیامت
 آنها را محزون نخواهد ساخت و با آنان فرشتگان (رحمت) ملاقات کنند
 (و گویند) ایست آن روز (سعادت) شما که در دنیا بهما وعده می دادند
 (۱۰۳) روزی که آسمانها را مانند طومار درهم پیچیم و بحال اول که
 آفریدیم باز برگردانیم این وعده است که البته انجام خواهیم داد (۱۰۴)
 و ما بعد از تورات در زبور داد و نوشتیم) و در کتب انبیاء سلف وعده دادیم (که
 البته پندگان نیکوکار من ملکت زمین را وارث و متصرف خواهند شد (۱۰۵)
 این قرآن برای اهل عبادت تبلیغ رسالت خواهد بود (۱۰۶) و ابرسول
 ما تورا نفرستادیم

الْاِنْمَةِ لِلْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾ قُلْ اَتَمَّاءُ بُوْحَىٰ اِلَىٰ اَتَمَّاءُ اِلَهَكَرُ اِلَهَ وَلَعَدُ
 قَهْل اَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١١﴾ فَاَنْ قَوْلُوْا قَهْل اَنْتُمْ اِلَهَكَرُ اِلَهَ سَوَاءٌ وَاَنْ
 اَذْرِيْ قَرِيْبٌ اَمْ بَعِيْدٌ مَا تَوْعَدُوْنَ ﴿١٢﴾ اِنَّهُ يَعْلَمُ اَجْمَعُهُرُ اَقْوَلُ
 وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُوْنَ ﴿١٣﴾ وَاَنْ اَذْرِيْ لَعَلَّهُ فِتْنَةً لِّكُمْ وَمَنَافِعُ اِلَى الْعَالَمِ
 ﴿١٤﴾ فَاَلَدَبِ اَحْكُمُ يَا نَحْيُ وَرَبَّنَا الرَّحْمٰنُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰى مَا نَقْصِفُوْنَ ﴿١٥﴾

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 يَا اَتَمَّاءُ النَّاسُ اَتَقْوَارِ تَكْرُرًا نَّزْلًا لِّلَّ السَّاعَةِ شَيْ عَظِيمٌ ﴿١﴾
 يَوْمَ تَرَوْهُنَّ اَتَدَّ هَلْ كُلُّ مُضِعَةٍ عَمَّا اَنْزَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتٍ
 حَمْلَ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسُ سُكَارٰی مَا هُمْ بِسُكَارٰی وَلٰكِنْ عَذَابٌ
 اللّٰهُ شَدِيدٌ ﴿٢﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَبْلُغُ كُلَّ
 شَبَطَانٍ مَّرِيْدٌ ﴿٣﴾ كَتَبَ عَلَيْهِ اَنَّهُ مَنْ قَوْلًا فَاِنَّهُ يُضِلُّهُ وَ
 يَهْدِيْهِ اِلَى عَذَابٍ لَّعِيْبٍ ﴿٤﴾ يَا اَتَمَّاءُ النَّاسُ اِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ
 اَلْبَعَثُ فَاِنَّا نَخْلُقْنَ اَكْرَمَ مِنْ خَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ
 ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ ثُمَّ نَخْلُقْهُ وَاَعْمَرُ نَخْلُقْهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَقَرِّفِي
 الْاَرْضَاءَ مَا نَشَاءُ اِلَى اَجَلٍ مُّتَقٰی ثُمَّ نَعْرِجْكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا
 اَشَدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفٰی وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ اِلَى اَذْنَلٍ الْعَمْرِ

مگر آنکه رحمت برای اهل عالم باشی (۹۰۷) ای رسول ما پامت بگو که بر من درست این وحی میرسد که خدای شما خدا نیست یکتا پس آیا شما تسلیم امر او خواهید شد؟ (۹۰۸) و چنانچه کافران از حق روگردانیدند پاتان بگو من شما را آگاه کردم و دیگر نمیدانم که آن و صد روز سخت قیامت که بشما دادند دور یا نزدیک خواهد بود؟ (۹۰۹) همانا خدا همه سخنان آشکار و اندیشه‌های پنهان شما آگاهست (۹۱۰) و خود ندانم شاید این (تاخیر عذاب) برای شما امتحانی باشد و قسمی در دنیا تا هنگام مرگ فرا رسد (۹۱۱) رسول گفت الهی تو بحق (میان ما) حکم کن و پروردگار ما همان خدای مهربانست که بر ابطال آنچه شما بر خلاف حق میگوئید از او یاری می‌طلبم که تنها از او در هر کار یاری باید خواست (۹۱۲)

سورة حج در مدینه نازل شد و مشتمل بر هفتاد و هشت آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

ای مردمان خدا ترس و پرهیز کار باشید که زلزله روز قیامت بسیار حادثه بزرگ و واقعه سختی خواهد بود (۱) چون هنگامه آن روز بزرگ را مشاهده کنید هر زن شیرده طفل خود را از حول فراموش کند و هر آیین بار رحم را بیفکند و مردم را از وحشت سن روز بیخود و مست بنگری در صورتیکه مست نیستند ولیک عذاب خدا سخت است (۲) برخی مردم از جهل و نادانی در کار خدا جدل کنند و از پی هر شیطان گمراه کننده روند (۳) (در لوح تقدیر) چنین فرض و لازم شده که هر کسی شیطان را دوست و پیروی خود سازد وی او را گمراه کند و عذاب دوزخی را بر وی شود (۴) ای مردم اگر شما در روز قیامت و قدرت خدا بر همه مردگان شک و تردید دارید (برای دفع شک بدین دلیل توجه کنید و) بدانید که ما شما را نخست از خاک آفریدیم آنگاه از آب نطفه آنگاه از خون پخته آنگاه از پاره گوشت تمام و ناقص در این افعال و تعولات قدرت خود را بر شما آشکار سازیم و از نطفه‌ها آنچه را مشیت ما تعلق گیرد در رحمها قرار دهیم تا بوقتی همین طفلی (چون گوهر) از (صف) رحم بیرون آید تا زیست کرده و بعد بلوغ و کمال برسد و برخی از شما (در این بین) بمیرد و برخی پس پیری و دوران ضعف و ناتوانی رسد

لِكَلَّا يَسْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْقَتِنَا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِيدةً فَوَازَا
أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ فَفُتِحَتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ دُورٍ مِمَّا
ذَلِكَ يَأْتِي اللَّهُ هُوَ الْحَيُّ وَأَنَّهُ يُخَيِّمُ الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ
وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ
مُنِيرٍ ۝ مَا فِي عِظَامِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ
وَدُنْيَا لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ
يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَالِمٍ لِّلْعَبِيدِ ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ
اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ
أَنكَبَتْ عَلَى رُءُوسِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ
الْمُبِينُ ۝ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَمَا لَا يَضُرُّهُمْ ۝ وَمَا لَا يَنْفَعُهُمْ ذَلِكَ
هُوَ الضَّلَالُ ۝ الْبَعِيدُ ۝ يَدْعُوا لِمَنْ صَعُرَ أَقْرَبُ مِنْ نَفْسِهِ
لَيْسَ الْمَوْتَى وَلَيْسَ الْأَعْيُرُ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا
عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ
مَا يُرِيدُ ۝ مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنَّ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
فَلْيَمْدُ دَيْسَبِ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَنْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُدْهِمُهُ
كِبْدُهُ مَا يَغِيظُ ۝ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ يَتَذَكَّرُ ۝ إِنَّ اللَّهَ

تا آنجا که پس از داشت و عوش خرفشود و هیچ نم نکند (دلیل دیگر از ادله قدرت خدا بر مصاد آنکه) زمین را بنگری وقتی خشک و بی گیاه باشد آنگاه باران بر آن فرو باریم تا سبز و خرم شود و نمو کند و از هر نوع گیاه زیبا پرویانند (۵) این (آثار قدرت) دلیل است که خدای قادر حق است و او البتة مبدء کائنات است خواهد کرد و او محققاً بر هر چیز تواناست (۶) و محققاً ساعت قیامت بی هیچ شک بیاید و خدا بیقین مردگان را از قبرها برانگیزد (۷) و برخی از مردم (چون ابو جهل و غیره) از روی جهل و کراهی وی هیچ کتاب و حجت روشن در کار خدا جدل میکنند (۸) و با تکبر و نفوت از حق امرائی کرده تا خلق را از راه خدا گمراه گردانند چنین کسیرا در دنیا ذلت و خواری باشد و در آخرت عذاب آتش سوزان خواهیم چشاند (۹) این آتش همان اعمال ذشتی است که خود از پیش فرستاده و خدا هرگز کمترین ستم در حق بندگان نخواهد کرد (۱۰) و بسنی از مردم کسی است که خدا را از زبان و ظاهر میپرستند نه بحقیقت از اینرو هرگاه بغیر و نمستی رسد اطمینان خاطر پیدا کند و اگر بشروع و قزو آتشی بر خود از دین خدا رو بگرداند چنین کس دود دنیا و آخرت زیانکار است و این زیانیش بر همه کس آشکار است (۱۱) این کار بد بخت خدا اراده کرده و چیزی را میپرستد که هیچ نفع و ضرری بحال او ندارد و این حقان همان کمرای دور از هر سادات است (۱۲) بد بخت خدا را رها کرده و چیزی را که بشود نزدیکتر از نفع است میپرستد وی بسیار بد معرودی یافته و بسیار بد دسازای اختیار کرده است (۱۳) همانا خدا آنانکه اهل ایمان و نیکو کارند داخل بهای و بهشتی کند که زیر درختانش نهرا جاریست و خدای (قادر مطلق) هر چه اراده کند خواهد کرد (۱۴) آنکس که پندارد خدا هرگز او را (یعنی رسولش را در دنیا و آخرت) یاری نخواهد کرد (وی را بگو که پس طنابی بسقف آسمان در آویز و بگردن افکن پس طناب را ببر آنگاه بنگر که آیا این جیلو کید او خشمش را از بین میرود) (و جز بزیان او) اثری در عالم دارد؟ (۱۵) و ما همچنین (مانند سایر کتب آسمانی) آیات و نشانه این قرآن بزرگرا (برای هدایت خلق) فرستاده و خدا (باین آیات)

يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِنَّ الَّذِينَ اسْتَوْا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالضَّالِّينَ
وَالضَّالَّاتِ الْجَمْعُ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ بَيْنَهُمْ نَزْأَ
الْقَيْمَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَخْذُلُ مَنْ
فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ الشُّمُوكَ الْقَمَرُ وَالْيَوْمُ وَالْجَمَالَ
الشَّجَرُ وَالذَّوَابَّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ كَثِيرٌ رَحَى عَلَيْهِ الْعَذَابُ
مَنْ يَنْهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ۝ هَذَا
نَحْمَدُكَ وَنُحْمَدُكَ فِي نِعَمِكَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا فُطِئَتْ لَهُمْ نَبَابٌ مِنْ
يَصَّبُ مِنْ قَوْقُوزِهِمْ أُنْحِمُوا ۝ يَضْهَرُهُ مَا فِي بَطُونِهِمْ وَأَجْلُو
۝ وَلَهُمْ مَقَامٌ مِنْ حَدِيدٍ ۝ كُلُّنَا آرَادُوا أَنْ يَخْرِجُوا مِنْهَا مَنْ
نَحْمَدُكَ وَنُحْمَدُكَ وَذُقُوا عَذَابًا شَدِيدًا ۝ إِنَّ اللَّهَ يَنْجِلُ
الَّذِينَ اسْتَوْا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
يَعْمَلُونَ فِيهَا مِنْ آسَاوٍ مِنْ ذَهَبٍ لَوْ لَوْ أَوْلِيَانَهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ۝
وَمُدَّ إِلَى الطَّيِّبِينَ الْقَوْلُ وَهَذَا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ ۝ إِنَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا وَبُصِدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالشَّيْءِ الْحَرَامِ الدِّمِ
جَعَلْنَاهُ لِلثَّانِينَ مَوَآءَ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَامٍ
يُظِلُّ نَارًا مِنْ عَذَابٍ إِلَيْهِمْ ۝ وَادْبُوا نَالًا لِأَبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ
أَنْ لَا تَكُنْ مِنْ رِذْيَةِ شَيْئًا وَظَهَرَ بَيْنِي لِلظَّالِمِينَ وَالْقَائِمِينَ وَ

هر که را بخواهد هدایت میکنند (۱۶) البته بین اهل ایمان و یهود و ستاره پرستان و نصاری و کبر آنانکه بخدا شرک آوردند محققا روز قیامت میان آنها خداجداائی افکند که او بر احوال همه موجودات عالم (بصیر و گواه است (۱۷) آیا (به چشم بصیرت) مشاهده نکردی که هر چه در آسمانها و در زمین است و خوشبخت و مایه و ستارگان و درختان و جنبندگان و بسیاری از آدمیان همه (با کمال شوق) بسجده خدا (رواغات او) مشغولند بسیار از مردم هم (در اثر کفر و عصیان) مستوجب عذاب حق شوند و هر که را خدا بخواد و دلایل گرداند دیگر کسی او را عزیز و گرامی نتواند کرد که البته خدای (مقتدر حکیم) بهر چه مشیت کامله اش تعلق گیرد خواهد کرد (۱۸) (این دو گروه مؤمن و کافر) که در دین خدا با هم بجدا ل بر خاصست مخالف و دشمن یکدیگرند و کافران را لباسی از آتش دوزخ بقامت برده اند و بر سر آنان آب سوزان حمیم جهنم ریزند (۱۹) تا پوست بدنشان و آنچه در درون آنهاست بآن آب سوزان گداخته شود (۲۰) و گردن و سر و اندامهای آنها بر سر آنها میاشد (۲۱) هر گاه خواهند از دوزخ بدر آیند و از هم وانده آن نجات یابند باز فرشتگان عذاب آنان را بدوزخ برگردانند و گویند باز باید عذاب آتش سوزان را بهشتید (۲۲) آنانکه ایمان بخدا آوردند و نیکو کار شدند البته خدا همه را در بهشت هائی داخل گرداند که زیر درختانش نهرها جاری است و در آنها طلا و مروارید پر دست زبهرندند و تن بجامه حریر بپاریند (۲۳) و بگفتار خوش و طریق پسندیده هدایت شوند (۲۴) و آنانکه بخدا کافر شده و مردم را از راه دین خدا منع میکنند و نیز از مسجد الحرام که ما حرمت احکامش را برای اهل آن شهر و بادیه بنفیان یکسان قرار دادیم مانع مردم می شوند و کسی که در آنجا اراده الحاد و تمسک کرده و بخلق ظلم و ستم کند همه را عذاب دردناک می چشانیم (۲۵) و یاد آور ای رسول کما ابراهیم را در آن بیت الحرام تمکین دادیم تا با من هیچ انباز و شریک نگیرد و با وحی کردیم که خانه مرا برای طواف حاجیان و نماز گذاران

الرُّكْعَ السُّجُودَ وَأَدْرَنَ فِي الثَّانِي الْحَجَّ بِأَوَّلِكَ رَجُلًا وَعَلَى كُلِّ نَابٍ
 بَانِينَ مِنْ كُلِّ قَبِيلٍ ۖ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي
 أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَاكْلُوا مِنْهَا وَ
 أَطِيعُوا أَوَّلَ النَّاسِ الْفَقِيرَ ۖ ثُمَّ لْيَضْحَكُوا قَهْقَرَةً وَلْيَكُونُوا أَذْذًا لَهُمْ ۖ
 لِيَطُوعُوا أَيْلَةَ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۖ ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ
 لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۖ وَأَجَلْتُ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا بَنَيْتُ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا
 الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ۖ حَقَّاءَ اللَّهِ تَجْمَعُ مِنْ كَيْفٍ
 بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَلَّفَ الظُّلُمُ أَوْ قَوَّى
 بِهِ الرَّجْعُ فِي مَكَانٍ سَبِيحٍ ۖ ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا
 مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ۖ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ تَحِلُّهَا إِلَى
 الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۖ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى
 مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِنَّكَ إِلَهُ أَوَّادٍ فَلَهُ اسْلُبُوا
 بَشِيرَ الْمُحْسِنِينَ ۖ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالضَّالِّينَ
 عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُعْصِي الصَّلَاةَ وَغَارَ قُنَانُهُمْ يُنْفِقُونَ ۖ وَ
 الْبُذُنَ جَعَلْنَا مَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرَ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ۖ فَادْكُرُوا اسْمَ
 اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ ۖ فَإِذَا وَجِيتُ جُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَوَّلَ الْفُلَاحِ
 وَالْمُعْتَرِ ۖ كَذَلِكَ سَخَّرْنَا مَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۖ لَنْ يَسْأَلَ اللَّهُ

دور کوه و سیود کنندگان (از لوث پتان) با گویا کیزه دار (۳۶) و مردم را با دامناک حج اعلام کن تا مردم پیاده و سواره و از هر راه دور بسوی تو جمع آیند (۳۷) تا در آنجا منافع بسیار برای خود فراهم بینند و نام خدا را بدایمی مینماید کنند که ما آنها را از حیوانات بهائم (شتر و گوسفند و غیره) روزی دادیم تا از آن تناول کرده و فقیران و بیچاره را نیز طعام دهند (۳۸) پس (باز گو) تا منافک حج و حلق و تقصیر بجای آرند (یعنی سر بشراشد و ناخن و موی پشترند تا از احرام بدر آیند و بهر نذر و عهدي که در حج کردند وفا کنند و طواف کعبه را گرد خانه عتیق (بیت الحرام) بجا آرند (۳۹) این است احکام حج و هر کس امور را که خدا حرمت نهاده اجزاک و معتره شمارد الله تعالی نزد خدا بهتر خواهد بود و چهار پایان غیر آنچه تلاوت خواه شد همه برای شما حلال گردید و از پلید حقیقی یعنی پناه اجتناب کنید و نیز از قول باطل دوری گزینید (۴۰) و خاص و خالص بی هیچ شائبه شرک خدا را پرستید که هر کس بخدا شرک آورد (در عجز و بیچارگی) بدان ماند که از آسمان در افتد و مرغان در فضا بدنش را با صفا بر بایند یا بادی تند او را بسکانی دور در افکند (۴۱) یکتا (سخن حق) و هر کس شایر دین خدا را بزرگ و معتره دارد (خوشا بر او که) این صفت دلهای با نفی است (۴۲) (این شایر و احکام الهی تا وقت معین صلاح و منفعت شماست آنگاه محل ددی و سایر مناسک حج حرم و خانه کعبه است (۴۳) و ما برای امرائی شریعت و مذهب و مقرر فرمودیم تا بذكر نام خدا پردازند که آنها را از حیوانات بهائم (یعنی گاو و گوسفند و شتر) روزی داد پس (بدانید که) خدای شما خدا یکتا همه تسلیم فرمان او باشد و ایر رسول ما تو موصضان و خاشا را بشارت ده (۴۴) آنها نیکه چون یاد خدا کنند دلهاشان هراسان شود و هر چه میبست بینند سبور باشند و نماز بپا دارند و از آنچه روزیشان کردیم (اتفاق میکنند (۴۵) و نعر شتران فریاد از شما حج مقرر داشتیم که در آن قربانی شما را خبر و صلاح است پس هنگام ذبح آن تا بر ایستاده نام خدا را یاد کنید و چون پهلوی بر زمین افتد از گوشت آن تناول نموده و به غیر وسائل هم طعام کنید خدا این بهائم را مسخر و مطیع شما ساخته تا شکر نصیحتی خدا بجای آرید (۴۶) (و بدانید که) هرگز گوشت این قربانیها نزد خدا

لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَكِنْ بَنَاهُ الْقَوِيُّ مِنْكَ كَذَلِكَ تَضَرَّعُهَا
لَكَ إِلَٰهَ الْكَرِيمِ وَاللَّهُ عَلَى مَا هَدَيْتَهُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٥٨﴾ إِنَّ اللَّهَ يَدْعُ
عَنِ الدِّينِ أَمْوَالَهُنَّ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿٢٥٩﴾ أَوَلَمْ يَلِدْ
بُعَاثُلُونَ يَا نَهْمُ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿٢٦٠﴾ الَّذِينَ
أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا
دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَدَّ مَسَاجِدُهمْ وَيَبْعُ وَصَلَاتُ
وَمَسَاجِدُهمْ كُرْفِيهَا أَسْمُ اللَّهِ كَثِيرٌ وَأَلْتَصِرَنَّهُ اللَّهُ مِنْ بَصُرُهُ
إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢٦١﴾ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا
الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَنُوا بِالمَعْرُوفِ وَهُوَ اعْنِ الْمُنْكَرَ
فِيهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٢٦٢﴾ وَإِنْ يَكْفُرْ بُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ
نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ وَقَوْمٌ مِنْهُمْ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ
مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ بِكَيْفٍ
كَانَ نَكِيرٍ ﴿٢٦٣﴾ تَكَادَى مِنْ قُرْبِهِ أَمْلَكُ مَا وَفَى ظَالِمَةٌ فِي جَانِبِ
عَلَى عَرْشِهَا وَفِي مَعْظِلَةٍ وَقَصِيرٌ مَسِيدٌ ﴿٢٦٤﴾ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ
فَتَكُونُ لَهُمْ مَلُوبٌ يَعْمَلُونَ بِهَا أَوَإِذَا نَزَلَ بِهَا مَقَاتِلُهَا
لَا تَسْقَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ﴿٢٦٥﴾ وَ
يَسْأَلُونَكَ بِالعَذَابِ إِنَّ عَذَابَ اللَّهِ وَعَدُهُ وَإِنْ يَوْمًا عِنْدَ

بدرجه قبول نمی رسد لیکن تقوای شماس که به پیشگاه قبول او خواهد رسید و این بهائم را مسخر شما ساخته تا خدا که شمار اهدایت فرمود تکبیر و تسبیح گویند و تو ای رسول نیکو کاران بشارت ده (۳۷) خدا مؤمنان را از هر مکر و شر دشمن نگاه می دارد که خدا هرگز خیانتکار نامی ندارد دوست نمیدارد (۳۸) رخت (جنگ) بی جنگجویان اسلام داده شد زیرا آنها از دشمن ستم کشیدند و خدا بر یاری آنها قادر است (۳۹) آن مؤمنانی که (بظلم کفار) بناحق از خانه اشان آواره شده (و) جز آنکه می گفتند پروردگار ما خدای یکتا است (جرمی نداشتند) و اگر خدا رخت جنگ ندهد و دفع شر بعضی از مردم را ببیمش دیگر ما ناسو و مهمل و دیر و کشتنها و مساجدی که در آن نماز و ذکر خدا بسیار میشود همه خراب و ویران میشوند و هر که خدا را یاری کند البته خدا او را یاری خواهد کرد که خدا را امتیهای اقتدار و توانا نیست (۴۰) (آن آنکه خدا را یاری میکنند) آنها می هستند که اگر در روی زمین با نان اقتدار و تمکین دیم نما بیامی دارند و ز کوه به مستحقان می دهند و امر بمعرفه و نهی از منکر میکنند و میدانند که عاقبت کارها بدست خداست (۴۱) و اگر کافران امت ترا تکذیب کردند (افسرده خاطر میباش که) پیش از اینان قوم نوح و عاد و ثمود نیز رسولان حق را تکذیب کردند (۴۲) و همچنین قوم ابراهیم و لوط (۴۳) و نیز (قوم شعیب) اصحاب مدین همه رسولان خود را تکذیب نمودند و موسی نیز تکذیب شد و ما هم کافران را (برای امتحان) مهلت دادیم پس آنها را بمقوت گرفتیم و چقدر مؤاخذه من از کافران سخت خواهد بود (۴۴) چه بسیار شهر و دیاری که ما اهلی را در آنحال که بظلم و ستم مشغول بودند بخت هلاک نشانیدم و اینک آن شهرها را بنیاد ویرانست و چه چاه و قناتهای آب که معطل بماند و چه قصرهای عالی بی صاحب گشت (۴۵) آیا این کافران در روی زمین سپر نمی روند تا دلهاشان بیش و دوش بآید (و گوششان بحقیقت شنوا گردد) که این کافران را چشم سر گرچه کور نیست لیکن چشم باطن و دیده دلها کور است (۴۶) ای رسول ما کافران بسخریه از تو نفاذ ای تمجیل در عذاب میکنند و هرگز وعده خدا (بمذاب آنان) خلف نخواهد شد و همانا یک روز

رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ۚ وَكَانَ مِنْ قَوْمِهِ أَمْلَسُ لَهَا
 وَهِيَ ظَالِمَةٌ لَمَّا أَخَذَتْهَا إِلَى الْمَصِيرِ ۚ هَلْ يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّمَا
 أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۚ قَالَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَمْ تَغَيِّرْ
 وَدُرُوقِ كَرِيمٍ ۚ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِرِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ
 الْجَحِيمِ ۚ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا آتَانَهُ
 أَلْفَى الشَّيْطَانِ فِي مَنِيئِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَهُ اللَّهُ مَا بَلَّغِيَ الشَّيْطَانُ نُصْرَتَهُمْ
 اللَّهُ الْبَاطِلُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۚ لِيُجِيبَ مَا بَلَّغِيَ الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ
 فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ
 بَعِيدٍ ۚ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَهُمْ يُؤْمِنُوا
 بِهِ فَخَيَّتْ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ
 مُسْتَقِيمٍ ۚ وَلَا تَزَالِ الْفِتْنَةُ تَكُونُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا فِي مَنِيئِهِمْ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ
 السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يُومِعُهُمْ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْمَلَائِكَةَ لَمَّا
 جَاءَتْهُمْ قَالَتْ لَهُمْ أَسْمُوا وَاعْمَلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَاتٍ أَلَيْسَ
 بِالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا قَوْمًا لَمْ يَكُنْ لَهُمْ عَنْدَ اللَّهِ
 وَالَّذِينَ هُمْ يُعَذِّبُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ عَنْدَ اللَّهِ
 وَرَقَاتٌ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُو خَيْرُ الرَّاغِبِينَ ۚ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ
 تَرْفُؤُنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَكِيمٌ ۚ ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبْ عَمَلًا

نزد خدا چون هزار سال بحساب شصت (۳۷) و پسا شهر و دیار یک باهش
 با آنکه ستکار بودند مهلت دادیم تا روزی آنها را با انتقام گرفتیم و باز
 گشت خلق پسوی من است (۳۸) ای رسول ما بگو ای مردم من برای
 شما رسول ترساننده مشفق پیش نیستم (۳۹) پس آنان که بخدا ایمان
 آوردند و نیکو کار گردیدند بر آنها آموزش حق و دوزق باللف و کرامت
 است (۴۰) و آنانکه در رد و انکار آیات ما سعی و کوشش کردند آنها
 اهل آتش دوزخند (۴۱) و ما پیش از تو هیچ رسول و پیغمبری نفرستادیم جز
 آنکه چون آیاتی برای هدایت خلق تلاوت کرد شیطان (حن و انس) در آن
 آیات الهی القاء دسیه کرد آنگاه خدا آنچه شیطان الفا کرده معجود
 نابود می سازد و آیات خود را تحکیم و استوار می گرداند و خدا دانا باحقایق
 امور و درستکار در نظام عالم است (۴۲) تا خدا بآن انا آت شیطان
 کسانی را که دلهاشان مبتلا بر مرض نفاق و شک یا کفر و قساوت است پیاز ما بدو
 همانا کافران و ستکاران عالم سخت در شقاوت و دور از نجات می باشد (۴۳)
 و تا آنکه اهل علم و معرفت بیقین بدانند که این آیات قرآن بحق از جانب
 پروردگار تو نازل گردیده که بدان ایمان آورند و دلهاشان پیش آن خاضع
 و خاشع شود و البته خدا اهل ایمان را براه راست هدایت فرماید (۴۴)
 و آنان که کافرند در اینکه نزول قرآن از جانب خداست همیشه شک دارند
 تا وقتی که ساعت مرگ فرا رسد باقیامت فرارسد با عذاب آن روز بدبر آنها فرود آید
 (۴۵) در آن روز سلطنت و حکم فرمائی تنها مخصوص خداست و او حکم میکند
 بین بندگان پس آنانکه ایمان آوردند و نیکو کردند در بهشت پر از نعمت
 خواهند بود (۴۶) پس آنانکه کافر شده و تکذیب آیات خدا کردند آنها را عذاب
 خواری و ذلت است (۴۷) و آنان که در راه رضای خدا از وطن خود هجرت گریده
 و در این راه کشته شدند یا مرگشان فرارسد البته خدا در حق روزی نیکویی (در
 بهشت) است و نسیبشان می گرداند که همانا خداوند بهترین روزی دهندگان است
 (۴۸) خدا آنها را (در بهشت) منزلی عنایت کند که بسیار بدان خوشنود
 باشند و همانا خدا باحوال خلق دانا و بر گناهان فغان و پرداد است (۴۹)
 سخن حق آنست و هر کسی بهمان قدر ظلمی که باو شده

عَوفٍ يَدْرِئُ بَنِي عَالِيهِ لَبْصَرَةً ۚ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ لِّعَبْدِهِ ۚ
 ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُوَفِّيُ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَيُوَفِّيُ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ ۚ
 إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۚ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَيُّ وَأَنَّ مَا بَدَعُوا
 مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ ۚ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ
 اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَخُصِّغَ الْأَرْضَ فَخَضِرَتْ إِنَّ اللَّهَ لَطِيمٌ
 خَبِيرٌ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَمَالِكُ السَّمَوَاتِ وَمَالِكُ الْأَرْضِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ
 أَلِيمٌ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مِمَّا فِي الْأَرْضِ الْجِبَالَ فَجَعَلَ
 فِيهَا رِجَالًا مَرْمَرَةً يَرَوْنَ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ لِأَيِّ ذِيئَةٍ
 إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ ۚ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِيزَانَكُمْ
 لَتُحْسِبُوا أَنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ۚ لِكُلِّ امْتِعْنًا أَهْلًا مَمْنُونٌ ۚ
 نَائِكَةٌ فَلَا تَنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ ۚ ادْعُ إِلَى دِينِكَ إِنَّكَ لَعَلَى
 هُدًى مُسْتَقِيمٌ ۚ وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۚ
 اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۚ فِيهَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْلِفُونَ ۚ أَلَمْ تَعْلَمْ
 أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ ۚ إِنَّ
 ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۚ وَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ
 فِي شَيْءٍ ۚ وَمَا يَشْعُرُونَ بِهِ إِلَّا عِلْوًا ۚ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ۚ وَ
 إِذَا انشَلَخْتُمْ أَسْلَاحَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۚ تَفَرَّقُوا فَرِيقًا ۚ الَّذِينَ كَفَرُوا

در مقام انتقام بر آید و یا باز بر او ظلم شود البته خدا او را یاری میکند
 و همانا خدا را از گناه خلق عفو و آمرزش بسیار است (۹۵) اینست که
 خدا شب تار را در روز روشن پنهان میکند و روز روشن را در شب تار و
 خدا پصدای عالم شنوا و بدقایق امور آن بینا است (۹۶) حقیقت اینست که
 خدای یکتا حق مطلق است و هر چه جز او خوانند باطل صرف است و علو
 مقام و بزرگی شان مخصوص ذات پاک خداست (۹۷) (ای بشر) آیا ندیدی
 که خدا از آسمان آب فرو بارید که زمین را سبز و خرم کرد که همانا خدا
 را با خلق عنایت و لطف است و بدقیق ترین امور عالم آگاهست (۹۸) آنچه
 در زمین است همه ملک خداست و تنها خداست که از همه عالم بی نیاز و
 بهمه اوصاف کمال آراسته است (۹۹) (ای بشر) ندیدی که هر چه در زمین
 است خدا مسخر شما گردانید و کشتی بفرمان او در دریا سیر میکند و
 آسمان را دستور او نگهداشته که بر زمین نیفتد که همانا خدا در پاره بندگان
 بسیار رؤوف و مهربان است (۱۰۰) اوست خدائیکه شمارا اول بار زنده کرد و
 دیگر بار بمیراند (با این آیه بزرگ باز) انسان بسیار ناسپاس و کافر کیش است
 (۱۰۱) و ما برای هر امتی پرستشگاهی مقرر کردیم تا بخدا توجه کنند پس (ای
 رسول) نباید مردم در امر کمیه و تر با نگاه و سایر دستورهای الهی) با تو بمنازعت
 بر خیزند و تو خلق را بسوی خدا دعوت کن که خود براه راست و هدایت
 کامل هستی (۱۰۲) و اگر کافران با تو جدل و خصومت کنند آنها را بازگو
 خدا با آنچه میکنید بهتر آگاهست (۱۰۳) خدا میان شما در آنچه خلاف و نزاع
 میکنید در روز قیامت حکم خواهد فرمود (۱۰۴) (ای بشر) آیا نمیدانی خدا از
 آنچه در آسمانها و زمین است آگاهست و این (جهان و همه حوادث آن) در کتاب
 علم خدا محفوظ و مسطور است و این (نگهبانی) بر خدا کاردی بسیار سهل است
 (۱۰۵) و (این مشرکان) خدا را رها کرده و چیزی غیر او را می پرستند که
 بر پرستش آن نه دلیل و برهانی دارند و نه علم و بصیرتی و هرگز متحکمانند و
 در جهان یار و یاور و یاور نخواهد بود (۱۰۶) و هر گاه بر این کافران معاند آیات
 روشن ما تلاوت شود در چهره آنها بعدی اثر مخالفت و انکار مشاهده کنی

الشُّكْرَ يَكُونُونَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلِأَنَّا نَقُولَ أَفَأَنْتُمْ
 يُشْرِكُونَ ذَلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبَشِّرِ الْمَصِيرَ
 ٧٦ يَا أَيُّهَا النَّاسُ فِرْعَوْنُ مَثَلٌ لِقَوْمِهِمْ إِنَّ الَّذِينَ يَدْعُونَ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ
 الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَفِيدُوا مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ
 ٧٧ هَاقُمُوا قُدْرَةَ اللَّهِ حَقَّ قُدْرَتِهِ إِنَّ اللَّهَ لَعَزِيزٌ غَنِيٌّ ٧٨ اللَّهُ يَصْطَلِي
 مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ٧٩ يَعْلَمُ
 مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ٨٠
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ
 اقْعُدُوا الْخَبَرَ لَعَلَّكُمْ تَتَقَلَّبُونَ ٨١ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ
 هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ
 إِبْرَاهِيمَ هُوَ يَتَّبِعُكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ
 شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ
 وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ٨٢

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ٨٣

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ١ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ٢ وَالَّذِينَ

که نزدیکست از فرط غضب بر مؤمنانیکه آن آیات را قرائت میکنند حمله‌ور شوند ای رسول ما به آنها بگو شما را پندایی بدتر از این عبرت‌دهم و آن آتش دوزخ است که قهر خدا بکافران وعده داد و آنها بسیار بد جایگاهی خواهد بود (۷۳) ای مردم مفرق کافر بدین مثل گوش فرا دارید و آن پشیمانی جماد که بدون خدا (معبود خود) میخواهند هرگز بر خلقت مکی هر چند همه اجتماع کنند قادر نیستند و اگر مکی (ناتوان) چیزی از آنها بگیرد قدرت پر باز گرفتن آن ندارند (پندارید که) طلب و مطلوب (یعنی بت و بت پرست یا عابد و معبود یا مکی و بتان) هر دو (ناچیز و) ناتوانند (۷۴) (این مشرکان) مقام خدا را نفی میکنند که خدا ذاتیست بی نیابت توانا و بی همتا (و گرنه جماد ناتوانی را خدا نمیخواندند) (۷۵) خدا از میان فرشتگان و آدمیان رسولان خود را برمیگزیند که همانا خدا سخن عالمیان شنوا و بلیاقت آنان بیناست (۷۶) او بپلم اذلی آنچه در نظر این مردم پیدا و آنچه ناپیدا است همه را میداند و باز گفت کلیه امور بسوی خداست (۷۷) ای اهل ایمان خدا را در نماز موقع رکوع و سجود بیاد آرید (باتوجهی ریاء) خالص او را پرستید و کار نیکو کنید باشد که رستگار شوید (۷۸) و برای خدا حق جهاد در راه او را (با دشمنان دین و با نفس اماره) بجای آرید (و در طلب رضای او بقدر طاقت بکوشید) او شما را بدین خود سرافراز کرده و در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج ننهاده (و این آئین اسلام) مانند آئین پدر شما ابراهیم خلیل است که خدا از این پیش شماست را در صحف او و در این قرآن مسلمان نامیده تا رسول برای شما و شما برای سایر خلق گواه (خدا پرستی) باشید پس نماز بپا دارید و زکوة بپسندان بپسندید و خدا (و کتاب او) متوسل شوید که او پادشاه و مولی و تکمیلان و حافظ و ناصر شماست و نیکو ناصر و مولای

است (۷۸)

سورة مؤمنون در مکه معظمه نازل شد و مشتمل بر ۱۱۸ آیه میباشد

(بنام خدای بخشنده مهربان)

ما اهل ایمان پیروزی و رستگاری رسیدند (۱) آنانکه در نماز خاصه و عاشق هستند (۴) و آنان که از

لغو و سخن باطل امراض و احتراس میکنند (۳) و آنان که زکوٰه مال خود را بفقر می‌دهند (۴) و آنان که فروج و اندامشان را از عمل حرام نگاه می‌دارند (۵) مگر بر جفنهاشان یا کنیزان ملکی متصرفی آنها که هیچگونه ملامتی در مباشرت این زنان بر آنها نیست (۶) و کسیکه غیر این زنان حلال را بمباشرت طبلد البته ستمکار و متعدی خواهد بود (۷) و آنان که به امانتها و عهد و پیمان خود کاملاً وفا میکنند (۸) و آنان که بر نمازهاشان محافظت دارند (۹) چنین کسان وارث مقام عالی بهشتند (۱۰) که بهشت فردوس ارث آن خوبان و منزل نگاه ابدی آن پاکانست (۱۱) و همانا آدمی را از گل خالص آفریدیم (۱۲) پس آنگاه او را نطفه گردانیده و در جای استوار (صلبرحم) قرار دادیم (۱۳) آنگاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان و سپس بر استخوانها گوشت پوشانیدیم پس از آن خلقتی دیگر افشا نمودیم آفرین بر قدرت کامل بهترین آفریننده (۱۴) باز (شما) آدمیانی که بدین ترتیب خلقت شدید همه خواهید مرد (۱۵) و آنکا روز قیامت بیشین تمام مبعوث خواهید شد (۱۶) و همانا ما فوتی شما (خاکیان) هفت آسمان (عالم پاک) را فراز یکدیگر آفریدیم و لحظه‌ای از توجه به خلق و التفات به اموال

یت آفرینش) غافل نبوده و نخواهیم بود (۱۷) شما برای شما آب طبع حکمت را پذیرد از آسمان رخت نازل در زمین ساختیم و محققاً بر ناپود ساختن آن نیز قادیم (۱۸) آنگاه ما بان آب برای شما باغها و نخلستانهای خرما و انگور ایجاد کردیم و میوه‌های گوناگون بسیاری که از آنان تناول می‌کنید آفریدیم (۱۹) و نیز درختی که از طور سینا بر آید و روغن زیت بار آرد و نان و خورشید مردم گردد (۲۰) و برای شما در مطالعه حال چهار پایان و حیوانات اهلی عبرت خواهد بود که (مانند مادر) از شیر خود به شما بیاشامد و در آنها برای شما منافع بسیاری است و از گوشت آنها (غذاهای گوناگون ما کول) تناول میکنید (۲۱) و بر آن چادر پایان و نیز بر کشتیها در سفر دریا سوار می‌شوید) اینها همه نعمتهای خداست فراموش نکنید و شکر آن بجای آرید (۲۲)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّن
 إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿١﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ
 مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ
 لَأَنْزَلَ سُلَالَةً مِّنَ السَّمَاءِ مِنَّا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿٢﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا
 رَجُلٌ بِمِثْلِهِ فَأَنْزَلْنَا وَيْحَكَ عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ نَارُ اللَّهِ مِنَ الْمُضْجِ عَلَيْهِمْ
 كَالْكَذِبِ وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَيْمَانِ أَسْمِعُ الْقُلُوبَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيُنَا
 فَأَذِ ابْتِغَاءَ أَمْرِنَا وَأَقَارِئَ النَّوْازِلِ فَاسْأَلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَيْنِ الشَّيْئَيْنِ
 وَأَمْسَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي
 الَّذِينَ ظَلَمُوا إِلَّا أَنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٣﴾ فَأَوَّاكَ إِنْ أُتِيتَ عَنْكَ
 عَلَى الظُّلُمِ فَقُلْ أَسْمِعْ لِي الَّذِي يَجْعَلُنَا مِن الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤﴾
 وَقُلْ رَبِّ أَرِنِي مِمَّا تُزِيلُ لَيْلًا مِّمَّا زَكَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٥﴾ إِنْ فِي
 ذَلِكَ لَا يَاقُوبَ وَإِنْ كُنَّا لَبِئْسَ لَئِينَ ﴿٦﴾ ثُمَّ آتَيْنَاهُم مِّنْ بَعْدِهِمْ
 قُرْنًا آخَرِينَ ﴿٧﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ
 مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنَ الْقَوْمِ
 الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فِي الْأُولَىٰ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْآخِرَةِ
 الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا هَٰؤُلَاءِ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ بَاكِلٌ مِّمَّا تَكُلُونَ مِنْهُ وَيَسْأَلُونَ
 مِمَّا تَسْأَلُونَ ﴿٩﴾ وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِّثْلَكُمْ لَأَتَذَخَّرُوا

همانا ما پیغمبر نوح را بر سالت بسوی امتش فرستادیم. نوح بقوم خود
 گفت که خدا را پرستید که جز آن ذات یکتا شما را خدائی نیست آیاشما
 مردم تاکی خدا ترس و با تقوی نمیشوید؟ (۳۳) اشراف قوم که کافر
 شدند در پاسخ نوح بهمردم چنین گفتند که این شخص جز آنکه بشریست
 مانند شما که می خواهد بر شما برتری یابد فضیلت دیگری ندارد و اگر
 خدا می خواست رسول بر بشر بفرستد همانا از جنس فرشتگان میفرستاد
 ما این سخنانی که این شخص می گوید از پدران پیشین خود هیچ نشنیده ایم
 (و دعوی او چوی سابقه نداشته نباید تصدیق کنیم) (۳۴) این شخص جز
 مردی دیوانه بشمار نیست پس باید تا مدتی با او (مداور کنید) و انتظار
 برید (تا یا از مرض جنون بهبودی یابد یا بمیرد) (۳۵) نوح عرض کرد
 عدا یا تو مرا بر اینان که تکذیب من کردند یاری فرما (۳۶) امام (برای
 حفظ او چنین) وحی کردیم که در حضور ما و بوسی و دستور ما با سخن
 کشتی پرداز تا آنکه که فرمان ما آمد و آب از تنور فوران کرد پس در
 آن کشتی با خود نرومادهای از هر چیز جفتی همراه بر واهلیت خود رام
 جز آنکس که در علم ازل ما هلاک و گذشته تمام بکشتی نشان و شفقت
 مستمکاران با ما سخن مگو (و تقاضائی مکن) که البته آنها باید همه فرق
 شوند (۳۷) پس چون تو ای نوح با همراهات در کشتی نشستیم بگو سائش
 خدایا که ما را از ظلم مستمکاران عالم نجات داد (۳۸) و باز گو پروردگارا
 مرا بمنزل مبارک فرود آور که تو بهترین کسی که بارها بمنزل خیر و سعادت
 توانی فرود آورد (۳۹) همانا در این حکایت قوم نوح و حادثه طوفان برای
 خلق آیت و عبرت است و البته ما پندگان را با یسگونی حوادث آزمایش خواهیم
 کرد (۴۰) پس از هلاک قوم نوح باز قوم دیگری ایجاد کردیم (۴۱) و بر آن
 قوم باز رسولی از خودشان فرستادیم که بخلق (بگوید) خدای یکتا را پرستش
 کنید که جز او شما را خدائی نیست آیا تاکی خدا ترس و با تقوی نمیشوید
 (۴۲) و باز آن رسول را نیز مانتند نوح اشراف ایمان قوموی که ما ممتنعشان
 در حیوة دنیا کرده بودیم و آنها نیز کافر شدند و عالم آخرت را تکذیب کردند
 بهمردم گفتند که این شخص بشری مانند شما بیش نیست که از هر چه شما
 بشر میخورید و میاشامید او هم میخورد و میاشامد (۴۳) و شما مردم
 اگر بشری مانند خود را اطاعت کنید بسیار زیانکار (و نالایق مردمی)
 خواهد بود (۴۴)

اَبْعِدْكُمْ اَنْتُمْ اِذَا نِمْتُمْ وَكُنْتُمْ زُرَّاءَ وَعِظَانَا اَنْتُمْ تُخْرِجُونَ
 فِيهَا نَفْسَاتٌ لِمَا قُوْعُدُونَ ۝ اِنْ هِيَ اِلَّا حَبَابَاتُ الدُّنْيَا
 تَمُوتُ وَتَحْيَا وَمَا تَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ۝ اِنْ هُوَ اِلَّا رَجُلٌ اِفْرَسَى عَلَى
 الشَّعْكَ بَا وَمَا تَحْنُ لَهٗ يَوْمَئِذٍ ۝ قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي مَا كَذَّبُوْنِي
 قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْفَقُنَّ اَنْدَامِيْشَ ۝ فَاَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ
 فَجَعَلْنَاهُمْ غَنَاءً ۝ فَبَعْدَ الْقَوْمِ الظَّالِمِيْنَ ۝ ثُمَّ اَنَّا نَادَيْنَا
 بِعَدِيْمٍ فَمُرِّ بِالنَّارِ ۝ مَا تَسْبِقُ مِنْ اَمْرٍ اَجَلُهَا وَمَا يَسْتَأْذِرُ
 ۝ ثُمَّ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا ۝ اَلَمْ يَأْتِ الْاَوَّلِيْنَ اَمْرًا ۝ رُسُلُنَا كَذَّبُوْهُ
 فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ اَحَادِيْثَ ۝ فَبَعْدَ الْقَوْمِ لَا
 يُؤْمِنُوْنَ ۝ ثُمَّ اَرْسَلْنَا مُوسٰى بِآخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ
 مُّبِيْنٍ ۝ اِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوْا ۝ وَكَانُوْا قَوْمًا عٰلِيْنَ
 ۝ قَالُوْا اِنَّا نُرِيْكَ اِنْسَانًا مِّثْلَ نَفْسِكَ ۝ وَتَقُوْمُهَا لَنَا عٰبِدُوْنَ ۝
 فَكَذَّبُوْهُمَا فَكَانُوْا مِنَ الْمُهْلَكِيْنَ ۝ وَلَقَدْ اَنْتَبٰنَا مُوسٰى الْكَاتِبَ
 لَعَلَّاهُمْ يَهْتَدُوْنَ ۝ وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَاَمَةً اٰيَةً ۝ وَاَوْتَيْنَاهُمَا
 اِلٰى رَبِّهِ زَكَاةً ذٰلِكَ صِرَاطُ رَبِّكَ ۝ بِآيٰتِهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبٰتِ
 وَاعْمَلُوا صٰلِحًا ۝ اِنِّيْ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ ۝ وَاِنْ مِنْكُمْ اُمَّةٌ
 وَّاحِدَةٌ وَاَنْتُمْ رٰكِبُوْنَ ۝ فَلْيَقْطَعُوْا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ

آیا (این مدعی رسالت) بشما نوید می دهد که پس از آن کمر دهید و استخوانهای شما هم پوسید و خاکشند باز زنده می شوید و از خاک سر بر می آورید (۳۵) هیئات که این وعده ها که بشما می دهد از آخرت و زندگی ابدی است باشد (۳۶) زندگانی جز این چند دوزخ حیوة دنیا بیش نیست که زنده شده و خواهیم مرد و دیگر هرگز از خاک برانگیخته نخواهیم شد (۳۷) و این شخص جز آنکه مردیست دروغ و اقترأ برخدایم بندد چیزی با او نیست و ما هرگز باو ایمان نخواهیم آورد (۳۸) آن رسول هم عرض کرد خدایا مرا بر این قوم که تکذیب من کردند یاری فرما (۳۹) خدا فرمود اندک زمانی نگذرد که قوم از تکذیب و انکار سخت پشیمان خواهند شد (۴۰) تا آنگاه که صیحه و بانگ عذاب آنها را بگیرد و ما آنان را خاک و خاشاک بیا بان مرگ ساختیم که ستمکاران را از رحمت الهی دوری باد (۴۱) پس از هلاک ایشان باز اقوام دیگر پدید آوردیم (۴۲) هیچ قومی را اجل مقدم و مؤخر نخواهد شد (۴۳) آنگاه پیغمبرانی پس در پی بر خلق فرستادیم و هر قومی که رسولی بر آنها آمد آن رسول را تکذیب و انکار کردند ما هم آنها را از پی یکدیگر همدا هلاک کردیم و داستانهای آن اقوام را عبرت دیگران ساختیم که قوم بی ایمان از رحمت خدا دور باد (۴۴) پس آنگاه موسی و برادرش هارون را فرستادیم با آیات و معجزات و حجت روشن (۴۵) پسوی فرعون و اشراف قومش آنها هم تکبر و نفوذ کردند زیرا آنان مردمی متکبر و سرکش بودند (۴۶) از این رو گفتند چرا ما پدو پسر مثل خودمان ایمان آوریم در صورتی که طایفه ایندو مرد ما را پرستش می کردند (۴۷) پس موسی و هارون را تکذیب کرده و بدین سبب همه هلاک شدند (۴۸) و حال آنکه ما بوسی کتاب توریة را فرستادیم تا باشد که آنها براه خدا هدایت شوند (۴۹) و ما پسر مریم را با مادرش بر خلق آیت و معجزه بزرگ گردانیدیم و هر دو را بر زمین بلندی که آنجا مکانی هموار و چشمه سار بود منزل دادیم (۵۰) امر رسولان ما از غذاهای پاکیزه حلال تناول کنید و بنیکوکاری و اعمال صالح بردارید که بهر چه می کنید آگاهم (۵۱) و این مردم همه يك دین و متفق الکلمه يك امت شما پیغمبران خدا باند و من یگانه خدای شاهتم پس از من پسر سید (۵۲) آنگاه مردم امر دین خود را پاره پاره کرده و در آئین فرقه فرقه شده

حُبِّ مَا لَدَيْهِمْ قُرْءُونَ ۝ قَدْ رَفَعُوا فِي عَمْرَيْنِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ۝ أَهْبَوْا
 أَنَّمَا يُدْعِيهِمْ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ ۝ نَارِغَ لَهُمْ فِي الْخَبْرَاتِ لَا يَلَا
 تَشْعُرُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشَبَةٍ لَّا يَرْثُهَا قَوْمٌ مُّسْلِمُونَ ۝ وَ
 الَّذِينَ هُمْ يَأْتُونَ رَبَّهُمْ يُوْمِنُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ عِبَادِهِمْ لَّا يُنْذِرُونَ
 وَالَّذِينَ يُوْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ ۝ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَٰيْئُونَ
 ۝ أُولَٰئِكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَبْرَاتِ وَهُمْ لَّمَّا سَاءَ بَعُوثٌ ۝ وَلَا
 تَكْلِفُنَّ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۝ وَلَدُنَا مَا نَاكِحٌ يُحِبُّ يَٰ حَقُّ وَهُمْ لَّا
 يَظْلُمُونَ ۝ بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي عَمْرٍوَيْنَ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ
 ذَٰلِكَ ۝ لَمْ لَّمَّا عَايِلُونَ ۝ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ
 إِذَا هُمْ يَجْتَرُونَ ۝ لَا تَجَارُوا الْيَوْمَ لَكُنَّا وَلَا تَضَرُّونَ ۝
 قَدْ كَانَتْ آيَاتُنَا عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ آعْظَابِكُمْ تُنْكَصُونَ ۝
 مُنْكَبِرِينَ يَذِّسَٰمِرًا تَجْرُونَ ۝ أَفَلَا يَذَّكَّرُوا الْقَوْلَ ۝ أَمْ جَاءَهُمْ
 مَا لَزَابٌ أَبَاسُهُمْ ۝ الْأَوَّلِينَ ۝ أَمْ لَّا يَتَّبِعُونَ أَرْسُلَهُمْ فَمَنْ هُمْ
 مُنْكَرُونَ ۝ أَمْ يَقُولُونَ يُدْعِيهِمْ بِجَنَّةٍ ۝ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ ۝ وَكَثُرَ لَمْ
 لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ۝ وَلَوْ أَتَبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ
 وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ ۝ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ
 مُّعْرِضُونَ ۝ أَمْ لَسَّاهُمْ تَرْجَا فَنَرَا جَ رَبِّكَ خَبِيرٌ وَمَوْجِبٌ

و هر گرومی بآنچه نزد خود پست دیدند دلفروش گشتند (۵۳) پس ابراهیم
 ما بگذار که این پیغمبران در جهل و غفلت خود بسر برند تا هنگامی معین
 (که روز قیامت باشد) (۵۴) آیا این مردم کافر می پندارند که ما آنها را
 مدد بمال و فرزندان می کنیم (۵۵) برای آنکه می خواهیم در حق ایشان
 مساعدت و تمجیل پیغمبران دنیا کنیم (نه چنین است بلکه برای
 امتحانست) آنها نمی فهمند (۵۶) همانا آن مؤمنانی که از خوف خدا ترسان
 و هراسانند (۵۷) و آنان که بآیات خدای خود ایمان می آورند (۵۸) و آنانکه
 هرگز پیرو دروغ گارشان مشرک نمی شوند (۵۹) و آنانکه آنچه وظیفه بندگی
 و ایمان است بجای آورده و باز از روزی که بعدای خود رجوع می کنند دلهاشان
 ترسان است (۶۰) چنین بندگانی تمجیل در مساعدت و غیرت می کنند و
 اینان هستند که بکارهای نیکو سبقت می جویند (۶۱) ما هیچ نفسی را پیش
 از وسیع و توانائی تکلیف نمی کنیم و نزد ما کتابیست که آن کتاب سخن
 بحق گوید و بهیچکسی هرگز ستم نخواهد شد (۶۲) بلکه دلهای کافران از
 این (لوح محفوظ) در جهل و غفلت و اعمالی که این کافران عامل آتند غیر
 اعمال آن اهل ایمان است (۶۳) (این کافران بهمین کردار بد مشغولند) ناآنکه
 که ما منتظرمان آنها را بنذاب اعمالشان بگیرییم در آن حال فریاد خدا خدای آنها
 بلند شود (۶۴) (و ما فرمائیم که) امروز فریاد میکنند که از ما شما هیچ مدد
 و یاری نخواهد شد (۶۵) که همانا آیات ما بر شما تلاوت میشد و شما و پس می
 رفتید (۶۶) در حالتی که بپذیان و افسانه های شیانه خود (از شنیدن کلام
 خدا) دوری می کردید (۶۷) آیا در سخن خدا و قرآن بزرگ فکر و اندیشه
 نمی کنند یا آنکه کتاب و رسول تنها بر ایشان آمده و پروردارشان نیامده
 (۶۸) یا آنکه اینان رسول خود را نشناخته اند که او را انکار و تکذیب
 می کنند (۶۹) یا آنکه (ارجهل) می گویند که این رسول را چون می عارض
 شده چنین نیست بلکه در کمال غفلت دین حق را بر آنها آورده و لیکن
 اکثر آنها از حق روگردان و میفرزند (۷۰) و اگر حق تابع هوای نفس
 آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست فاسد خواهد شد و
 کافران از جهل نسبت جنون بر رسول ما دادند بلکه ما اندرز قرآن بزرگ
 را بر آنها فرستادیم و آنان بناحق از آن اعراس کردند (۷۱) ای رسول ما
 آیا توان این امت خرج و مزد خواستی؟ مردی که خدا پتو دهد از هر چیز
 بهتر است که خدا بهترین دوزی دهنده

الرافقين ٥ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ جِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ٥ وَإِنَّ الَّذِينَ
 لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَالِكُونَ ٥ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَرَ
 كَفْنَا مَا لَكُمْ مِنْ ضَرٍّ لَّجُوفِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ٥ وَلَقَدْ أَخَذْنَا
 بِالْعَذَابِ مِمَّا اسْتَكْبَرُوا فِي الرِّيمِ وَمَا يَنْصَرِعُونَ ٥ هَتَّىٰ إِذَا فَتَنَّا
 عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ٥ وَهُوَ الَّذِي
 أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ٥
 ٥ وَهُوَ الَّذِي تَدْعُرُ فِي الْأَرْضِ إِلَهَهُ تُخْشَرُونَ ٥ وَهُوَ الَّذِي
 يُجَيِّدُ يُمَيْتٌ وَلَهُ الْخِيَلُ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ أَغْلَا تَغْلُونَ ٥ بَلْ
 قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ٥ قَالُوا إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُبَابًا غُصَّيْنَا
 أَتِنَا لَمَنَعُونَا ٥ لَقَدْ وَعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ
 هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ٥ قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ
 كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٥ سَبِّحُوا لِلَّهِ قُلْ أَغْلَا لَكَ كُرُونَ ٥ قُلْ مَنْ نَزَّلَ
 السَّمَوَاتِ السَّبْعَ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ٥ سَبِّحُوا لِلَّهِ قُلْ أَغْلَا
 تَقُونَ ٥ قُلْ مَنْ يَبْدِئُ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلا يُجَارُ عَلَيْهِ
 إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ٥ سَبِّحُوا لِلَّهِ قُلْ فَاقِي تَضَرُّونَ ٥ بَلْ
 أَتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ٥ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا
 كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا دَعِيَ كُلُّ إِلَهٍ مَعَ خَلْقٍ وَلَعَلَّ الْبَعْضَ

خلق است (۷۳) والبتّه تو خلق را براه راست اسلام و خدا پرستی میخوانی
 (۷۳) ولیکن آنانکه (بعد از) آخرت ایمان نمیآورند از آن راه راست
 برمی گردند (۷۴) و اگر ما با آنها مهربانی کرده و هر گونه الم ورنج و
 عذابی دارند برطرف سازیم آنها سخت تر دو طغیان و سرکشی و ضلالت
 خود می روند (۷۵) و همانا ما آنها را به عذاب سخت گرفتار کردیم و باز
 آن کافران از جهل و عناد روی بشنوع و توبه و ناله پد رگام عذای نیاوردند
 (۷۶) تا آنکه بر آنها دری از پلا و عذاب سخت گشودیم که دیگر ناگاه
 از حیرت نومید شدند (۷۷) و اوست خدائی که برای شما پندگان گوش و
 چشم و قلب آفریده عده بسیار کمی از شما شکر او بجای می آورید (۷۸)
 و اوست خدائی که شما را از خاک پدید آورد و باز (روز قیامت) رجوع و جسر
 شما بسوی او خواهد بود (۷۹) و اوست خدائی که خلق را زنده گرداند و
 بمیراند و اختلات و حرکت شب و روز بامر اوست آیا شما عقل خود کار
 نمی بندید (۸۰) این مردم کافر هم همان سخن کافران پیشین را گفتند (۸۱)
 که گفتند از کجا که چون ما مردم مردم و استخوان ما پوسیده و خاک شد
 باز مبعوث بوزنده شویم (۸۲) از این وعده ها بسیار بما و پیش از این بهدیان
 ما داده شد ولی اینها افسانه های پیشینیان است ای پندمیر ما تو
 بگو که زمین و هر کسی که در او موجود است بگوئید از کیست اگر شما
 فهم و دانش دارید (۸۳) البتّه جواب خواهند داد از خداست بگو چسرا
 متذکر قدرت خدا نمیشوید (تا بقیامت ایمان آورید) (۸۵) باز آنها بگو پروردگار
 آسمانهای متفکانه و خداوند عرش بزرگ کیست (۸۶) البتّه باز جواب دهند آن
 خداست پس بگو چرا منقّی و خدا پرست نمیشوید (۸۷) باز ای رسول بگو
 آن کیست که ملک و ملکوت همه عالم بپست اوست و او بهمه پناه دهد و
 حمایت کند و از او کسی حمایت نتواند کرد اگر میدانید باز گوئید (۸۸)
 محققاً آنها خواهند گفت که آن خداست پس بگو چرا بفریب و فسوق مفتون
 گشتید (۸۹) با آنکه حق را بایشان فرستادیم باز دروغ میگویند (۹۰)
 خدا هرگز مرزندی انتخاب نکرده و هرگز خدائی یا او شریک نبوده که
 اگر شریکی بود در این صورت هر خدائی بسوی مخلق خود روی کردی و
 تا خدا شناس شوید و حق را اطاعت کنید) تا بر روز قیامت ایمان آرید (و بعضی از خدا

عَلَى بَعْضِ بُحَّانِ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ كَالْمِائَةِ الْغَبِيَّةِ الَّتِي هَادَتْ فَمَا لَهَا
 عَمَّا يَشِيرُ كُونَ ۝ قُلْ رَبِّ إِنَّمَا نَزَرْتُ بِمَا أُوعِدُونَ ۝ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي
 فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَإِنَّا عَلَى أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ ۝ وَقُلْ
 إِذْ فَعَّ بِالْقَوْمِ أَحْسَنُ التَّيْسَةِ ۝ فَمَنْ أَغْلَى عَمَّا يَصِفُونَ ۝ وَقُلْ
 رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ۝ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ
 أَنْ يَحْضُرُونِ ۝ هَئِنِّي إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ۝
 لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمُ
 بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ وَلَئِنْ نَفَخْنَا فِي الصُّورِ فَلَا أَنْتَابَ بَيْنَهُمْ
 يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ۝ لَمَنْ نُفِطْنَا وَارِثُهُ قَائِلُكَ هُمْ
 الْمَقِيلُونَ ۝ وَمَنْ حَقَّتْ وَارِثُهُ قَائِلُكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ
 فِي حَتَمِ خَالِدُونَ ۝ فَكَلِّفْهُمْ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَمِنْ فِيهَا كَالْيَمُونِ ۝
 أَلَمْ تَكُنْ أَيْمَانِي عَلَى كَعْبِكُمْ فَمَنْ تَبَوَّاهُنَّ لَكُمْ لَوْ كُنْتُمْ
 غَالِبِينَ ۝ عَلَيْنَا يَوْمَئِذٍ حَقُّهُمْ وَأَكْفَرُوا خَالِدِينَ ۝ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا
 فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ۝ لَمَّا لَمْ نَخُشْ مِنْهَا وَلَا تَكْلُومِينَ ۝ إِنَّهَا
 كَانَ قَرِيبًا مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا
 وَأَنْتَ خَبِيرُ الرَّاجِعِينَ ۝ فَمَا تَقَدَّرُ تَوْفَهُمْ بِطَرَفٍ حَقٍّ أَلَمْ تَكُنْ تَدْعُوهُمْ
 وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضَعُونَ ۝ لَبِئْسَ بَنَاتُ الْيَوْمِ عَصَابَةٌ أَلَمْ تَكُنْ تَدْعُوهُمْ

بر بعضی دیگر علو و برتری جنتی خدا از آنچه مشرکان میگویند پاک و
مفزه است (۹۱). او دانا بهالم غیب و شهود است و ذات پاکش از شرک و
شریک برتر و والا تر است (۹۲). ای رسول ما (در دعا) بگو بارالها امید است
و عده های عذاب این کافران را بمن بنمایانی (۹۳). و بارالها مراد در میان
قوم ستمکار و امگزار (۹۴) و البته ما قادریم که وعده عذاب کافران را بشو
بنمایانیم (۹۵). ای رسول ما تو آزار و بدیهای امت را با آنچه نیکو تر است
دفع کن ما جزای گفتار آنها را بهتر میدانیم (۹۶). ای رسول ما (در دعا)
بگو بارالها من از وسوسه و فریب شیاطین (اس و جن) بسوی تو پناه میآورم (۹۷).
و هم بشو پناه میبرم بار خدایا از آنکه شیطان (اس و جن) بمجلسم حضور بهم
رسانند (۹۸). کافران در غفلتند تا آنگاه که وقت مرگ هر یک فرارسد در
آنحال آگاه و نادم شده و گویند بارالها مرا بدنیا بازگردان (۹۹). تلشاید
بتدارک گذشته عملی صالح بجای آورم و باو خطاب شود که هرگز نتواند
شد و این کلمه (ارجعونی) را از حسرت همی بگوید و (تسری نمیبخشد که
از عقب آنها عالم بر زحمت تا روزیکه برانگیخته شوند) (۱۰۰). پس
آنگاه که نطقه صور قیامت دمید دیگر نسب و خویشی در میانشان نماند و
کسی از کسی دیگر حال نپرسد (۱۰۱). پس در آن روز هر آنکه اعمالش
وزین است آنان رستگارانند (۱۰۲). و هر آنکه اعمالش شیک وزن است
آنان کسانی هستند که نفس خویش را در زیان افکنده بدو زخ مغلد
خواهند بود (۱۰۳). آتش بدو زخ صورتهای آنها را میسوزاند و در جهنم زشته منظر
خواهند زیست (۱۰۴). و بآنها خطاب شود: آیا آیات من بر شما تلاوت نشد؟
و شما از جهل تکذیب آیات ما نکردید؟ (۱۰۵). آنکافران در جواب گویند بارالها
بما (در حق) که شقاوت بر ما غلبه کرد و کار ما بگمراهی کشید (۱۰۶).
پرورد گار ما را از جهنم نجات ده اگر دیگر بار عیان تو کردیم همانا بسیار
ستمکاریم (۱۰۷). باز بآنان خطاب سخت شود ای سگان بدو زخ شوید و با
من لب ارسین مرو بندید (۱۰۸). زیرا شما ندید که چون طایفهای از پندگان
صالح من روی بمن آورده و عرض میکردند بارالها ما بپناهیمان آوردیم
تو از گناهان ما: گذر و در حق ما لطف و مهربانی فرما که تو بهترین
مهربانان هستی (۱۰۹). در آنوقت شما کافران آن پندگان خاص مرا
تسخر میکردید تا آنجا که مرا بکلی فراموش کرده بر آن خدا پرستان
خنده و استعزا مینمودید (۱۱۰). منم امروز جزای صبر بر آزار و سخریه
شما را بآن پندگان پاک خود خواهم داد و آنها امروز سادات منند

الْمُتَّقُونَ ۝ قَالَ كَذَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ۝ قَالُوا أَلَيْسَتْ
يَوْمًا أَوْ بَعْضُ يَوْمٍ فَاسْتَلِ الْكَافِرِينَ ۝ قَالَ إِنْ لَيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا
لَوْ أَتَاكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ الْحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ
إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ۝ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُرِي
الْعَرْشَ الْكَبِيرَ ۝ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ
فَاتِمَّا جَانِبَهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْعِلُ الْكَافِرِينَ ۝ وَقُلْ زَيِّتُ
اغْفِرْ لَنَا وَمِنْ آيَاتِهِ الْقُرْآنُ وَالْخُرُوقُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَآخِذُوا

بِالْحَبْلِ مِنْ رَبِّهِمْ

سُورَةُ الْأَنْزِيلِ مَا وَفَّرْنَا مَا وَأَوْفَرْنَا فِيهَا أَبَابِ مَيَّنَاتٍ
لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۝ الْأَنْزِيلُ وَالْزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا
مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْ بَعِيضُ رَأْفَةٍ فِيهِ مِنَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَكِنَّهُمَا ظِلْفَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝
الزَّانِي لَا يَنْجِيهِ إِلَّا زَانِيَةٌ أَوْ مُشْرِكَةٌ وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْجِيهَا إِلَّا
زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ
الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَا يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُنَّ مِائَتًا
وَلَا تَقْبَلُوا لَهُنَّ مَهْرًا أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ
۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

دوستگاران عالمند (۹۹۱) آنگاه خدا به کافران کیوب که می دانید شما چند سال در زمین درنگ گردید؟ (۹۹۲) آنها پاسخ دادند که تمام زیست ما در زمین یا یکروز بود یا یک جزء از روز (۱ کرما ۱۰ طا کوئیم) از فرشتگانی که حساب عمر خلق دارند باز پرس (۹۹۳) بعد فرما بد شما اگر از حال (رمدگانی) خود آگاه بودید می دانستید که مدت درنگتان در دنیا (با آنکه چند سال بود باز) بسیار اندک بود (۹۹۴) آیا چنین پنداشتند که ما شما را بعیت و بازجه آفریده ایم؟ (پس از مرگ) هرگز بما رجوع نخواهد کرد؟ (۹۹۵) زیرا خدای پادشاه بحق برتر از آن است (که از او فعل بعث و بیهوده صادر شود) که هیچ حدائی بجز همان پروردگار عرش مبارک نخواهد بود (۹۹۶) و هر کس غیر خدا کسی را به الهیت خواند حساب کار او نزد خدا است و البته کافران را (در روز کیفر) فلاح و رستگاری نیست (۹۹۷) و تو (ای رسول ما به امت دعا کن) وگو بارالها بیامرز و بخشای که تو بهترین بخشدگان عالم و جودی (۹۹۸)

سوره نور در مدینه طیبه نازل شده و مشتمل بر ۲۴ آیه می باشد

بنام خدای بخشنده مهربان

این سوره را فرستادیم و (احکامش را) فریضه بندگان کردیم و در آن آیات روشن نازل ساختیم باشد که بندگان متذکر آن حقایق شوند (۱) باید شما مؤمنان هر یک از زنان و مردان زنا کار را بعد از بازمانه مجازات و تنبیه کنید و هرگز در باره آنان در دین خدا رأفت و ترحم روا مینمایید اگر بعد از روز قیامت ایمان دارید و باید عذاب آن بدکاران را جمعی از مؤمنان مشاهده کنند (۲) مرد زنا کار جز با زن زنا کار و مشرک نکاح نمی کند و زن زنا نیم جز با مرد زانی و مشرک نکاح نخواهد کرد و اینکار بر مردان مؤمن حرام است (۳) و آنانکه بزنان با عفت مؤمنه نسبت زنا دهند آنگاه که چهار شاهد (عادل) بر دعوی خود نیاورند آنان را بهشتاد تازیانه کیفر دهید و دیگر هرگز شهادت آنها را نپذیرید که مرد می فاسق و نادرستند (۴) مگر آنهایی که بعد از آن فسق و بهتان بدگاه خدا توبه کردند و در مقام اصلاح عمل خود برآمدند در این صورت (آنها) دومی گذرد که خدا آمرزنده و

رَجِيمٌ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شَهَادَةٌ إِلَّا أَنفُسُهُمْ
 فَهُمْ مَكِيدُونَ ۝ أَرْبَعٌ شَهَادَاتٌ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ۝
 وَالْحَامِيسَةُ أَقْلَعَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝
 وَبَدْرُوا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعٌ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ
 لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ وَالْحَامِيسَةُ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ
 مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ
 قَوَّابٌ حَكِيمٌ ۝ إِنْ الَّذِينَ جَاءُوا بِآلَافٍ غُصْبَةٍ مِنْكُمْ لَا
 تَحْسِبُوهُ قَسْرًا لَكِنْ بَلْ مَوْجِبَةٌ لَكُمُ الْكُلِّ امْرِئِي مِنْهُمْ مَا أَكْتَبَ
 مِنَ الْإِسْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ وَلَوْ لَا إِذْ
 سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَبَرًا وَقَالُوا هَذَا
 إِفْكٌ مُبِينٌ ۝ لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شَهَادَةٍ فَإِذْ رَأَوْهُ
 بِالشَّهَادَةِ قَالُوا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ فُتْرٌ الْكَاذِبُونَ ۝ وَلَوْ لَا فَضْلُ
 اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَكُنْتُمْ فِيهَا أَقْسَمُ بِهِ
 عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا
 لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسِبُونَهُ هَيِّئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ۝ وَلَوْ لَا
 إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا بَخَالُكَ هَذَا
 بُعْثَانٌ عَظِيمٌ ۝ يَسْطَرُّ اللَّهُ أَنَّ تَعُودُوا إِلَى اللَّهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ

و مهربان است. و آنانی که بر آن خود نسبت زناده و جز خود بر آن شایسته گواهی نداشته اند (برای رفع حد) باید از آن زن و مرد نخست مرد چهار مرتبه شهادت و قسم بنام خدا یاد کند که البته او در این دعوی زن از راستگویی است. پس و بار پنجم قسم یاد کند که من خدا یار و پاد اگر از دروغ گویان باشم. پس (چون بر زن حد لازم آید) برای رفع عذاب خدا آن زن نیز نخست چهار مرتبه شهادت و قسم بنام خدا یاد کند که البته شوهرش دروغ می گوید. و بار پنجم قسم یاد کند که غضب خدا بر او اگر این مرد این دعوی از راستگویان باشد. و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما مؤمنان نبود و اگر نه این بود که خدای مهربان البته توبه پذیر و در ستکار است حدود و تکلیف را چنین آسان نمی گرفت و توبه رفع عذاب از شما نمی کرد. همانا آن گروه منافقان که بهتان بشما مسلمین بستند می ندارند خری بآپری شما میرسد بلکه غیر و ثواب نیز خواهید یافت و هر يك از آنها بعتاب اعمال خود خواهند رسید و آنکس از منافقان که رأس و منشاء این بهتان بزرگ گشت هم او بعدایی بسیار سخت و عذاب خواهد شد. آیا سزاوار این نبود که شما مؤمنان زن و مردتان چون از منافقان چنین بهتان و دروغوا شنیدید حسن ظنشان درباره یکدیگر بیشتر شده و گوئید این دروغی است آشکار. چرا منافقان بر دعوی خود چهار شاهد اقامه نکردند پس در حالی که شاهد نیاوردند البته نزد خدا مردمی دروغ زنند. (و اگر فضل و رحمت خدا در دنیا و عقبی شامل حال شما مؤمنان نبود و مجرد خوش در اینگونه سخنان بطل عذاب سخت میرسد. زیرا شما آن سخنان منافقان را از زبان یکدیگر تلقی کرده و حرفی بر زبان می گوئید که علم به آن ندارید و این کار آسان و کوچک می پندارید در صورتی که نزد خدا بسیار بزرگ است. چرا بعضی شنیدن این سخن (منافقان) نکنید که هرگز ما را تکلم باین روا نیست پاک خدا یا این بهتان بزرگ و تهمت محض است. خدا بشما مؤمنان موضعه و اندوز می کند که زنها دیگر گرد این سخن اگر اهل ایمانید

مُؤْمِنِينَ ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهِ ۝ إِذِ انبَأَهُ
 لِقَائِهِ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ ۖ وَفِي ذَٰلِكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۚ وَاللَّهُ بَعِيدٌ عَنَّا ۖ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلَوْلَا
 فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ زَوَّجَ رَجُلًا بِأُخْتِهَا
 ۖ الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْغُوا خَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ ۖ وَمَن يَبْتَغِ خَطَايَا
 الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَمُرُّ بِهَا مَرًّا لَفَنَاءً ۖ وَالتَّكْوِينُ ۖ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
 وَرَحْمَتُهُ مَا ذَكَّ مِنْكُمْ أَحَدٌ أَبَدًا ۖ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ ۖ
 وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ وَلَا يَأْكُلِ الْوُلُوفُ فَضْلَ مِنْكُمْ ۖ وَالسَّعْدَةُ ۖ أَنْ
 يَكُونُوا أُولَىٰ لِلْغَرِيِّ وَالْمَسَاكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ وَ
 لِيَتَّقُوا وَلِيُفَضِّلُوا الْإِيحْيُونَ ۖ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ۖ وَاللَّهُ هُوَ
 رَحِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَزْنُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ يَوْمَ تُنْفَخُ عَنْهُمْ
 أَوْدَانُهُمْ ۖ وَأَنبُذَهُمْ ۖ وَأَرْجُلُهُمْ مُخَالَتُونَ ۖ يَعْلَوْنَ ۝ يَوْمَئِذٍ
 يُوقِفُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ۝
 الْحَمْدُ لِلَّهِ لِلَّذِينَ الْحَمْدُ لِلَّذِينَ الْحَمْدُ لِلَّذِينَ وَالْقَلْبَانِ
 لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ ۖ وَاللَّكَّ مَبْرُورٌ ۖ مِمَّا يَقُولُونَ ۖ ثُمَّ
 مُنْغَرٍ ۖ وَرِزْقٍ كَرِيمٍ ۝ إِنَّمَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بَنُو نَاهِي

هرگز نگردید (۱۷) و خدا آیات خود را برای شما بیان فرمود که او به حقایق امور و سرائر خلق دانا و به مصالح پندگان و نظام عالم کامل آگاه است. (۱۸) آنانکه دوست می دارند که در میان اهل ایمان کار منگری را اشاعه و شهرت دهند آنها را در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود و خدا می داند و شما نمی دانید (۱۹) و اگر فضل و رحمت خدا و رأفت و مهربانی او شامل حال شما (مؤمنان) نبود (در عتاب گناهان تمجیل کردی و توبه نپذیرفتی) (۲۰) ای کسانی که بعد از ایمان آورده اید زنها را پیروی شیطان مکنید که هر کس قدم بگذارد از پی شیطان رفت او بکار زشت و منکرش و امیدارد و اگر فضل و رحمت خدا شامل شما نبود احدی از شما را از گناه پاک و پاکیزه نشدی لیکن خدا هر کس را می خواهد منزله پاک می گرداند که خدا شنوا و دانا (با احوال پندگان) است. ۳۱ و نباید صاحب ثروت و نعمت درباره خویشاوندان خود و در حق مسکینان و مهاجران راه خدا از بخشش و انفاق کوتاهی کنند (و بموجب نجشی ترک احسان نکنند) باید مؤمنان همیشه بلند همت بوده و با خلق عفو و صفت پیشه کنند و از بدیها در گفتند آیا دوست نمی دارید که خدا هم در حق شما مغفرت و احسان فرماید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۳۲) کسانی که بزنان با ایمان عقیقه (میرا و) ببخیرند از گاو بد تهمت بستند محققا در دنیا و آخرت ملعون (و محروم از رحمت حق) شدند و هم آنان به مذاب بخت مغنوب خواهند شد. ۳۳ بترسند از روزی که زبان و دست و پای ایشان بر اعمال (ناشایسته) آنها گواهی دهد. ۳۴ که در آن روز خدا حساب و کفایت آنها را تمام و کامل خواهد پرداخت. ۳۵ زنان بدکار و ناپاک شایسته مردانی بدین وصفند و مردان زشت کار ناپاک نیز شایسته زنان بدین وصفند بالعکس زنان پاکیزه نیکو لایق مردانی چنین و مردان پاکیزه نیکو لایق زنانی همین گونه اند و این پاکیزگان از سخنان بهمانی که ناپاکان در باره آنان گویند منزله خدا را بر ایشان آمرزش می رسد و رزق آنها نیکو است (۳۶) ای اهل ایمان هرگز بهیچ خانه

يُبَيِّنُكَ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَلَسْتُمْ عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَبِيرًا لَّكَ تَعْلَمُ
تَذَكَّرُونَ ۝ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوا مَا حَتَّى تَخْرُجُوا
لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ اذْجِبُوا قَالُوا جِئْنَاكُمْ لَكَرْهًا وَاللَّهُ يَمُنَّا
تَعْلَمُونَ عَلَيْهِمْ ۝ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ
فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْمُلُونَ ۝ قُلْ
لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَكْرَمُ
لَهُمْ إِنْ أَلَّفَ اللَّهُ تَجْبِيرًا يَصْنَعُونَ ۝ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ
أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ
مِنْهَا وَلْيَضْحَكْنَ بِلَهْفٍ مِنْ عَلَى جُوهِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا
لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ
بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَاءَهُنَّ أَوْ
نِسَاءِ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْوَاحِ
مِنَ الرِّجَالِ وَالْطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ عَلَى عَوْدَاتِ النِّسَاءِ وَلَا
يَضُرُّنَّ بِأَرْوَاحِهِمْ لِيَعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِمْ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ
جَمِيعًا يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَأَنْكِحُوا الْأَهْلَ مِنْكُمْ
وَالضَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْطَاهُمْ
اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ وَلَيْسَ تَعْفِيفُ الَّذِينَ لَا

مگر خانهای خودتان تا با صاحبش انس و (اجازه) ندادید وارد نشوید
 و چون رخصت یافته داخل شوید باهل آن خانه نخست سلام کنید (و آداب
 تعیت بجای آید) که این (ورود با اجازه و تعیت برای حسن معاشرت
 و ادب انسانیت) شما را بهتر است تا باشد که متذکر شوید (۳۷) و اگر
 بخانه‌ای کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه یافته آنکه در آید
 (تا بسرقت متهم نشوید) و چون بخانه در آمدید و گفتند بر گردید برودی
 باز گردید که این بر تنزیه و پاکی شما بهتر است و خدا بهر چه می‌کنید
 داناست (۳۸) با کسی بر شما نیست که بخانه غیر مسکونی که در آن مناعی
 دارند بی اجازه در آید و (بدانید که) خدا بهمه کار آشکار و پنهان شما
 آگاهست (۳۹) ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه نازوا
 بپوشند و فروج و اندامشان را (از کار زشت‌زبان) محفوظ دارند که این
 بر پاکیزگی (جسم و جان) شما اسلح است و البته خدا بهر چه کنید کاملاً
 آگاهست (۴۰) ای رسول زنان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه نازوا
 بپوشند) و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش
 خود جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود بر بیگانه آشکار نماند و باید
 سینه و بر و دوش خود را بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار
 نماند جز برای شوهران خود و پدران و پدران شوهر و پسران خود و
 پسران شوهر و برادران خود و پسران برادر و خواهران خود و زنان خود (یعنی
 زنان مسلمة) و کنیزان ملکی خویش و اتباع (خانواده که رغبت به
 زنان ندارند) از زن و مرد یا طفلی که هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه
 نیستند (و از غیر این اشخاص مذکور احتیاج و احترام از کنند) و آنطورهای
 بزمین نزنند که خال و زبور پنهان باهاشان معلوم شود و ای اهل ایمان
 همه بدرگاه خدا توبه کنید باشد که رستگار شوید (۴۱) البته باید مردان
 بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان خود را بشکاف یکدیگر
 در آورند (تا میان مؤمنین مرد بی‌زن و زن بی‌شوهر باقی نماند و ارفق
 می‌ترسید که) اگر مرد و زنی فقیرند خدا بخلیف خود آنان را بی‌نیاز و
 مستغنی خواهد فرمود که خدا به احوال بندگان آگاه و رحمتش وسیع
 (و نامتناهی) است (۴۲) و آنان که وسیله

يُحْيِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتُغُونَ الْكُلَامَ
مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَمَا يُؤْمِرُكُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ فِيهِمْ تَجَرُّوا وَأَقْوَمُكُمْ
مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي جَاءَ بِنُكْحَانِكُمْ وَلَا تَكْرِهُوا قِيَامًا يَكْرِهُ عَلَى الْإِطَاعَةِ
أَرَدْنَ تَخَضُّعًا لِبَنَاتِهِمْ أَعْرَضَ الْجَوْدُ الدُّنْيَا وَمَنْ يَكْرِهُهُنَّ فَإِنَّ
اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَامِهِنَّ تَغْفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا الْبَنَاتَ
آيَاتٍ مُبِينَاتٍ وَمِثْلَ مَا مِنَ الَّذِينَ خَلَقْنَا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً
لِلنَّاسِ ۝ اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كُتِبَ لَهُ
فِيهَا مِصْبَاحٌ الْأَمْصَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ
يُوقَدُ مِنْ شَجَرٍ مُبَارَكٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ
زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ
مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ۝ اللَّهُ يَكَلِّمُ مَن يَشَاءُ
فِي بُيُوتٍ أَيْدِي اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَهُدًى كَرِيمَةً أَسْمُهُ يُسْمَعُ لَهُ فِيهَا
بِالْعُدْوِ وَالْأَصْلَاحِ ۝ رِجَالٌ لَا تُلَاقِيهِمْ فِي بَيْتٍ وَلَا يَمْنَعُ عَنْ ذِكْرِ
اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَكَانُوا بِنُورٍ مُنِيرٍ ۝
الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ۝ لِيُخَيِّرَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَهُمْ يَرِيدُهُمْ
مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ يَفِيحُهُ يَحْبَبُهُ الْفُلَّانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ

نکاح نیابند. باید عفت نفس پیشه کنند تا خدا آن‌ها را بطلب خود بی‌نیاز گرداند و از بزرگان آنان که تقاضای مکاتبه کنند تقاضای آن‌ها را اگر خیر و صلاحی در ایشان مشاهده کنید بپذیرید و از مال خدا که بشما اعطا فرموده (بمنوان زکوة و صدقات در وجه مال الکاتبه) بآنها بدهید و کثیرگان خود که مایلند بهفت زنه را برای طمع مال دنیا جبراً بزنای وادار کنید که هر کس آنها را اگر اه بزنای کند خدا در حق آنها که مجبور بودند آمرزنده و مهربان است. هـ ما برای (هدایت و سعادت) شما آیاتی روشن نازل گردانیدیم و داستانی از آنان که پیش از شما در گذشته برای عبرت خلق و موعظه برای اهل تقوی فرستادیم. هـ خدا نور (وجود بهش) آسمان‌ها و زمین است داستان نورش بشکونی ماند که در آن روشن چراغی باشد و آن چراغ در میان شیعیای که تلوؤل آن گویی ستاره است در سخنان و روشن از درخت نهار گذشتن که با آن که شرقی و غربی نیست شرقی و غرب جهان بدان فروزان است و بی آنکه آتش زیت آن را برافروزد خود به خود جهانی را روشنی بخشد که پرتو آن نور حقیقت پر روی نور معرفت قرار گرفته و خدا هر که را خواهد بنور خود هدایت کند و این مثلها را خدا برای مردم (هوشمند) میزند و خدا به همه امور داناست. و هـ در خانه‌هایی (مانند ما بدو مساجد و منار) انباء و اولیاء) خدا رخصت داده و به بناچار رفت یا بدو در آن ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند. هـ با کفر دانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خدا غافل نگرداند و غایب بپاداشه و زکوة فقیران دهند و از روزی که دل و دیده ما در آن روز حیران و مقطر است ترسان و هراسانند. هـ تا خدا در مقابل بهترین اعمال ایشان جزاء و ثواب عطا فرماید و از فضل و احسان خویش بر آنها بیفزاید و خدا هر که را خواهد روزی بی‌حد و حساب بخشد. هـ و آنان که کافرانند اعمالشان در مثل بسیاری ماند در بیابان عموار بی آب که شخص تشنه آن را آب پندارد و بجانب آن شتابد چون بدانجا رسد هیچ آب نیابد و آن

لَزِيذِهِ شَبَابًا وَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ قَوِّمَةً حِسَابًا وَاللَّهُ سَرِيعُ
 الْحِسَابِ ۝ أَوْ كَلَّلَانِي فِي تَحِيٍّ يُغْشِيهِ مَوْجٌ مِنْ قَوْفِهِ مَوْجٌ مِنْ
 قَوْفِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ بَدَهُ لَوَبَّكُدْ
 بِرَبِّهَا وَمَنْ لِي بِحِيلِ اللَّهِ لَهُ نُورٌ آفَأَلَهُ مِنْ نُورٍ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ
 بَدَعَ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الظُّلُمَاتِ كُلَّ قَدْ عَلِمَ
 صَلَوَتُهُ وَتَبِيحُهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ عَمَّا يُفَعَّلُونَ ۝ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضِ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُرْسِلُ سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ
 بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيَنْزِلُ
 مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْفِيهِ
 عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَابِلُهُ يَنْقُصُ بِالْأَبْصَارِ يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ
 وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ ۝ وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ
 ذَاتٍ مِنْ مَاءٍ قَيْمٍ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنٍ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى
 رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبِينَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي
 مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ
 وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ إِلَّا
 كَاذِبُونَ ۝ وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ

کافر خدا را حاضر و ناظر اعمال خویش ببیند که بحساب کارش تمام و کامل برسد (و گنیزد گنیزش بدهد) و خدا بیک لحظه حساب تمام خلایق میکند (۳۹) یا (مثل اعمال کافران) بظلمات دنیای عمیقی مانند که امواج آن که شک و جهل و اعمال زشت است) بعضی بالای بعضی دیگر دریا را بیوشاند و آب تیزه کفر نیز فراز آب برآید تا ظلمت ها چنان فوق یکدیگر قرار گیرد که چون دست بیرون آرد هیچ نتواند دید و هر که را خدای نور نبخشید هرگز (جان) روشنی نخواهد یافت (و بکفر شک و حیرت خواهد مرد) (۴۰) ای بینندگان عالم یا ای رسول ما آیا ندیدی که هر کس در آسمانها و زمین است تا مرغی که در هوا پر گشاید همه به تسبیح و ثنای خدا مشغولند و همه آنان صلوة و تسبیح خود بدانند و خدا بهره چند کنند آگاهست (۴۱) و بدانید که ملک آسمانها و زمین همه خاص خداست و باز گشت همه خلایق بسوی اوست (۴۲) آیا ندیدی که خدا ابر را از هر طرف براند تا بهم در پیوند باز و انبوه و متراکم سازد آنگاه بنگری قطرات باران از میان ابر فروریزد و نیز از جبال آسمان نگرک فرو بارد که آن بهره که خدا خواهد اسابت کند و از هر که خواهد باز دارد (تا نگرگش زیان نرساند) و روشنی برق چنان بتابد که خواهد روشنی دیده ها را از بین ببرد (۴۳) خدا شب و روز را بر یکدیگر می گرداند تا صاحبان بصیرت در این آیت الهی بنگرند (و حکمت خدا را مشاهده کنند) (۴۴) و خدا هر حیوان را از آب آفرید که بعضی (مانند مارها) بر شکم روند و برخی (مانند انسان) بر دو پا و برخی (چون اسب و گاو و شتر) بر چهار پا حرکت کنند و خدا هر چه خواهد بیافریند که حق بقدرت کامله بر همه کار تواناست (۴۵) همانا آیات او دله بسیار روشن (برای هدایت عموم خلق) فرستادیم و خدا هر که را خواهد برادر است هدایت میکند (۴۶) و (متافقان هم مانند مومنان) میگویند که ما بخدا و رسولش ایمان آورده و اطاعت میکنیم ولیکن با اینهمه قول باز گروهی (وقت عمل) از حق روی میگردانند و اصلا آنان ایمان ندارند (۴۷) و هر گاه بسوی حکم خدا و رسول خوانده شوند تا خدا میان (دعای) آنها قضاوت کند گروهی از ایشان از حکم حق

مُعِضُونَ ۖ وَلَئِنْ بَكَى لَهُمُ الْحَقُّ بِأَوَّلِ اللَّيْلِ مِنْ دُعَائِهِمْ ۖ
 آفَى قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ إِذَا بَوَّأْتُمْ مَحَاوِرَ أَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ
 وَدَّعُولَهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۖ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ
 إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا
 وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۖ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَبِخُشْيِ اللَّهِ
 وَبِمَعْرِفَةِ قَوْلِ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَالَمُونَ ۖ وَأَقِمُوا بِاللهِ حُدُودَ مَا يَنْزِلُ
 لَكُمْ أَمْرًا تَعْلَمُونَ ۖ قُلْ لَا تَتَّبِعُوا طَاعَةَ مَعْزُومَةٍ إِنَّ أَكْثَرَ
 عَمَلِكُمْ مَا تَعْمَلُونَ ۖ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ
 قَوْلُوا فَلَئِمَّا عَلَيْهِ مَا خُلِيَ وَعَلَيْكُمْ مَا خُلِيَ وَإِنْ تُطِيعُوهُ
 تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۖ وَعَدَّ اللَّهُ
 الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ
 كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى
 لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ
 بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۖ وَ
 أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
 لَا تَتَّبِعَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصْطَبَحُوا فِي الْأَرْضِ مِمَّا وَبَّاهُمْ النَّارُ وَ
 لَيْسَ لِلصَّابِرِينَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ أَدْنَىٰ الَّذِينَ مَلَكَ

اعراض میکنند و اگر دعوی خود را بر حق میدانستند البته با کمال
 انقیاد سر به حکم خدا فرود می آوردند و آیا در دل ایشان مرض (جهل و
 نفاق) است یا شک رویی هنوز دارند یا میترسند که خدا و رسول در مقام
 قضاوت بر آنها جور و ستمی کنند بلکه آنها خود مردمی ظالم و متعدینند
 (۵۰) آن مؤمنانند که چون پسوی حکم خدا و رسولان بخواهند تا خدا
 میان آنها حکم کند (از دل و جان) خواهند گفت که حکم خدا را شنیده و
 اطاعت میکنیم و رستگاران عالم بحقیقت اینها هستند (۵۱) و هر کس فرمان
 خدا و رسول را اطاعت کند و خدا ترس و پرهیز کار باشد چنین کسان را
 فیروزی و سعادت خواهد بود (۵۲) و (ای رسول بدانکه) منافقان شدید
 ترین قسم را (بنام خدا یاد کنند که اگر تو) آنها را امر کنی البته همه
 (بجهاد دشمن) بیرون خواهند رفت با آنان بگو سوگند (دروغ) یاد میکنید که
 همیشه اطاعت دانی بی حقیقت معروف و معروفوس شایسته افتان بوده (و بترسید
 که) خدا بهر چه میکند کاملاً آگاهست (۵۳) ای رسول ما بگو که فرمان
 خدا و رسول را اطاعت کنید و اگر اطاعت نکردند بر آنها بار تکلیف خویش
 است و باز از روی شفقت که لازمه مقام نبوت است بگو که اگر خدا را
 اطاعت کنید هدایت و سعادت خواهید یافت و بر رسول جز ابلاغ رسالت
 کامل تکلیفی نخواهد بود (۵۴) و خدا بکسانی که از شما پندگان ایمان
 آورد و نیکو کاری گردید و عهد فرموده که (در ظهور اما از زمان) در زمین خلافت
 دهد چنانچه ام مالم پیغمبران سلف جانشین پیشینیان خود شدند و
 علاوه بر خلافت دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا
 کند و بهمه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که
 مرا بیگانگی بی هیچ شایبه شرک و دریا پرستی کنند و بعد از آن هر که
 کافر شود به حقیقت همان فاسقان تبه کاورد (۵۵) (ای اهل ایمان شما)
 نماز را بپا دارید و زکوة مال خود را بفقران بدهید و رسول ما را اطاعت
 کنید باشد که مورد لطف و رحمت شوید (۵۶) ای رسول هرگز میندار
 که کافران در زمین معجز و قدرتی خواهند یافت هرگز نخواهند یافت
 و جایگاهشان نیز در آخرت نوزخ است که بسیار منزلگاه دست (۵۷)
 ای کسانی که بغدا ایمان آورده اید (بدانید که) باید بشنیدگان ملکی شما و

اِيْمَانُكُمْ وَالَّذِيْنَ لَا يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثٌ مِّمَّا يَنْبَغِيْ مِنْ قَبْلِ صَلَوةِ
 الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُوْنَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَوةِ الْعِشَاءِ
 ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ مِنْ
 طَوَّافُوْنَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ
 الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٥ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ
 فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ
 لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٦ وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا
 يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ
 مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْعِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
 ٧ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الَّذِينَ
 حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَنفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ
 أَوْ بُيُوتِ إِهْمَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
 أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِيْمَانِكُمْ
 أَوْ مِمَّا مَلَكَتْ مَقَاتِلُهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا
 جَمِيعًا أَوْ أَشْنَاءًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَكَلِمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ فَيُخْبِتُوا
 مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مِثْرًا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ
 لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ ٨ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

اطفال که هنوز بوقت احتلام و زمان بلوغ نرسیده اند باید شبانه روزی سمر تبه از شما اجازه بخواهند يك بار پیش از نماز صبح دیگری پس از نماز غنقن سوم هنگام ظهر که جامها را از تن بر میگیرید که این سه وقت هنگام عورت و خلوت شاست (اکثر برهنه یا در لباس کوتاهید) و بعد از این سه بار اجازه دیگر باکی بر شما و آنها نیست که بی دستور بایندگان و اطفال خود گرد یکدیگر جمع شوید و هر ساعت در کارها بشما مراجعه کنند خدا آیاتش را بر شما چنین روشن بیان می کند که او بکار خلق دانا (و صالح امور) را است (۵۸) و آنکار که اطفال شما بعد بلوغ و احتلام رسیدند باید مانند سایر بالغان البته با اجازه وارد شوند خدا آیات خود را برای شما بدین روشنی بیان می کند که او (بصلاح بندگان) دانا و (در وضع تکلیف) محکم کار است (۵۹) و زنان سالخورده که از ولادت و ذات باز نرفته و امید ازدواج و نکاح ندارند بر آنان باکی نیست اگر اظهار تجملات و زینت خود نکنند که جامه های خود را از تن نزد نامحرمان بر گیرند و اگر باز هم عفت و تقوی پیشتر گزینند (و جامه برنگیرند) بر آنان بهتر است و خدا بسختان خلق شما و آگاهست (۶۰) بزنا بینایان و لنگان و بیماران باکی نیست (که بجهد نروند یا تن درستان با آنها معاشر و هم سفره شوند) و نیز باکی نیست که از خانه های خود و پدران خود و مادران و برادران و خواهران و عمو و عمه و خالو و خاله خویش غذا تناول کنند یا آنکه از هر خانه که کلید آن در دست شاست یا خانه رفیق خود باکی نیست که از مجموع یا هر يك از این خانه طعامی بخورند و با وجود این دستور باز هر گاه بخواهید بپا نه ای (از اینها) داخل شوید نخست بر خویش سلام کنید (یعنی چون بپا نه یا مسجدی در آئید بر مسلمانان هم دینان خودتان یا اگر کسی نباشد بر نفس خود باز سلام کنید) (که این تعیت سلام بر کتی نیکو از جانب خداست چنین خدا آیات خود را برای شما روشن بیان می کند باشد که در آنها تمقل کنید و طریق سعادت و هدایت بازجوید (۶۱) مؤمنان حقیقی آتاهای هستند که بخدا و رسولش ایمان و اعتقاد کامل دارند و

وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَبِثَ مِنْهُمْ وَاحِدًا يَسْتَأْذِنُ فَوْقَ رَأْسِهِ
 الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ الَّذِينَ يُمْنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
 فَإِنِ اسْتَأْذَنُوا فَارْجِعْ إِلَى الَّذِينَ لَمْ يَشْكُرُوا مِنْهُمْ وَ
 اسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٥٠ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ
 الرُّسُلِ يَتَذَكَّرُ أَعْيُنُكُمْ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ أَقَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ
 يَسْتَلُونَ مِنْكُمْ لَوِ اتَّابَعْتُمُ الَّذِينَ يَبْغُلُونَ عَنْ أَمْرِ
 أَنْ تَصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يَصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ٥١ أَلَا إِنَّ اللَّهَ
 فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ تَزْجُرُ
 الْإِبْرَاقُ يَتَّبِعُهُمْ بَغْيًا غُمِيلُوا وَاللَّهُ يُكَذِّبُ كُلَّ فَرِيقٍ عَلِيمٌ ٥٢

سُورَةُ الْفُرْقَانِ مَكِّيَّةٌ مِائَتَانِ وَخَمْسُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 تَبَارَكَ الَّذِي رَزَقَ الْفَرَسَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا
 ١ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ فَلْسًا وَرَكْبًا
 لَهُ شَرِيفٌ فِي السَّمَكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقْدَرَهُ تَقْدِيرًا ٢
 اتَّخَذَ دَائِمًا دُونَ ذَلِكَ لِيُظْلَمُوا مِنْهُمْ يُظْلَمُونَ وَلَا
 يَمْلِكُونَ لِأَنَّهُمْ هَضَرٌ وَلَا تَنْصَأُ وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً
 لَا تُنْصَرَفُ ٣ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُفْرَقٌ وَ

هرگاه در کاری که حضور و اجتماعشان با رسول لازم باشد حاضر آیند تا اجازه بخواهند هرگز از محضر او بیرون نمیروند وای رسولما آنان که از تو دستور میخوانند (و بی ادبیت خارج نمیشوند) اینان بهقیقت اهل ایمان بعد از رسولند پس چون از تو اجازت طلبند که بعضی مشاغل و امور خود را انجام دهند با آنان هر که را خواهی اجازه ده و بر آنها از خدا طلب مغفرت و آمرزش کن که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است (۹۲) ای مؤمنان! شما دعای رسول و خدا کردن او را مانند ندای بین یکدیگر (بدون حفظ ادب مقام رسالت) قرار میدهند خدا بجال آنان که برای سرپیچی از حکمش یکدیگر پناه برده و رخ پنهان میدارند آگاهست پس باید کسانی که امر خدا را مخالفت می کنند بترسند که مبادا بقتل بزرگ (سلط سلطان جور) یا عذاب دردناک دیگر (مانند قتل و سارت) گرفتار شوند (۹۳) آگاه باشید که آسمان ما و زمین همه ملک خداست و شما بهر حالى هستید البته خدا از آن آگاهست و روزی که بسوی او رجوع می کنید (یعنی هنگام مرگ قیامت) آن روز پجزاه هر يك وهدی که بندگان کرده اند آگاهشان می گرداند که خدا به احوال و اعمال غلابی داناست (۹۴)

سورة فرقان درمدینه نازل شده و مشتمل بر هفتاد و هفت آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

بزرگوار آن پاک خداوندیست که قرآن را بر بنده خامن خود نازل فرمود تا (به اندر زهای وی) اهل عالم را متذکر و خدا ترس گرداند (۹۱) آن خدایی که هرگز فرزندی نگرفته و شریکی در ملک عینی نداشته و همه موجودات را او خلق کرده و حکمت کامل و تدبیر ازلی خود و قدر هر چیز همین فرموده (۹۲) و مشرکان نادان خدا را که میده کل و مرجع همه امور عالم است فراموش کرده غیر او (یعنی بنها) را بخدائی برگرفتند و حال آنکه آن بتان هیچ بر نشع و ضرر آنها قادرند و نه امر موت و حیات و پشت آنها پشت آن بهاست (۹۳) و کافران گفتند این کتاب که محمد وحیش میفرماید جز آنکه بدروغ از خود فرا یافته و

آتَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ اَعْرَضُوا فَقَدْ جَاءُوا ظُلُمًا وَزُورًا ۝ وَقَالُوا
 اسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ اَكْتَبْنَا فِيهَا مِثْقَلًا بِكْرَةً وَاصِيلًا
 ۝ قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ
 كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ لِقَامَ
 وَيَسْقِي فِي الْإِنْسَانِ لَوْلَا اَنْزَلَ إِلَهُ مَلَكٌ مَيَّكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا
 ۝ اَوْ يُلْقَى إِلَهُ كَنزٌ اَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ
 الظَّالِمُونَ اِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْهُورًا ۝ اَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا
 لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَتَّطِيعُونَ سَبِيلًا ۝ تَبَارَكَ الَّذِي
 اِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 وَجَعَلَ لَكَ قُصُورًا ۝ بَلْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَعِندَ مَا لَيْنَ كَذَبَ
 بِآيَاتِنَا سَعِيرًا ۝ اِذَا رَأَوْا مِنْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ يَخِفُّ الْمَأْتِجَاتُ
 وَذُفِيرًا ۝ وَاِذَا الْغَوَامُ مِنْهَا مَسِيحًا مُقَتَّرِينَ دَعَا هُنَا لِهَذَا
 يُبْذَرُ ۝ لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَاذْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ۝
 قُلْ اِنَّ ذَلِكَ خَيْرٌ اَمَ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ ۝ كَانَتْ لَهُمْ
 جَرَاءٌ وَمَصِيرًا ۝ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ ۝ كَانَ عَلَى رَبِّكَ
 وَعْدًا مُسْتَوْلًا ۝ وَيَوْمَ يُخْرِجُهُمْ مِمَّا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
 يَقُولُ مَا تَأْمُرُوا صَلَّيْتُمْ عَلَيْكُمْ عِبَادِي هُوَ لَا اَمَ لَهُمْ ضَلُوكَ النَّجِيلِ

دیگران (از اهل کتاب) نیز به او کمک کرده اند چیز دیگری نیست والیه
 این سخن کافران ظلمی بزرگ و نسبتی ناحق است (۳) باز گفتند که این
 کتاب افسانه های پیغینان و حکایات سابقین است که محمد خود پرتکلف
 و اسماعیل صبیح شام بر او اعلاء و قرائت می کنند (۵) (ای رسول ما)
 بگو این کتاب را آن خدائی فرستاده که به علم ازلی از آسمان ها و زمین
 آگاهست و هم او الیه بسیار آرمزنده و مهربان است (۶) و باز کافران گفتند
 چرا این رسول غذا تناول می کند و در (کوچه) و بازار راه میرود و چرا
 فرشته محسوس و ظاهر بر او نازل نمی شود تا گواه صدق او باشد (۷) یا
 چرا بر این رسول گنجی فرو نیفتد یا چرا باغی ندارد که از میوه های
 تناول کند و ستمکاران باز ب مردم گفتند که شما پیروی نمی کنید مگر
 مردی را که سحر و شعبده از راهش برده است (۸) بشکر تا امت جاهل چه
 داستان و مثلها برای تو زدند و چنان کمراه شدند که دیگر هیچ راه رشد
 و هدایتی نتوانند یافت (۹) بزرگوار آن پاک خدائست که اگر خواستی
 برای تو بهتر از آنچه این کافران گفتند قراردادی و آن بهشتی که در
 درختانش نهرا جاری است و در آن بهشت قصرهای بسیار عالی خاص تو
 قرار خواهد داد (۱۰) بلکه این کافران ساعت قیامت را تکذیب کردند
 ما آتش دوزخ را بر آن که قیامت را تکذیب کرد مهیا داشته ایم (۱۱)
 چون آتش دوزخ آنان را از مکانی دور ببیند غرورش و فریاد غمناکی
 دوزخ را از دور بگوش خود میشوند (۱۲) و چون آن کافران را در زنجیر
 بسته بمکان تنگی از جهنم درافتند در آن حال همه فریاد و وادها از
 دل برکشند (۱۳) و بانها عتاب شود که امروز فریاد حسرت و ندامت شما
 یکی (دوتا) نیست بلکه بسیار از این آه و وایلاها باید از دل برکشید (۱۴)
 ای رسول ما بدانان بگو آیا این حالی که شما دارید بهتر است یا بهشت
 ادبی که بمقتیان وعده دادند که آن بهشت پاداش و منزل (جاودانی) ایشان است
 (۱۵) که در آن بهشت هر چه خواهند و آرزو کنند بر آنها حاضر است
 و آن مقام همیشگی آنهاست و عده ایست بر خدا کمؤمنان از او درخواست
 کرده اند و او اجابت فرموده (۱۶) و روزی که این مشرکان را با معبودانی
 که بجای خدا پرستیده اند بر سره قیامت محشور گردانند آنگاه بدان
 معبودان که بعد از شما پندگمان مرا از دواء بردید ؟ یا خود پراست
 شتافتند (۱۷)

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ
 وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ①
 فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَ
 مَنْ يَظْلِمِ مَسْكُودًا فَنُدُّهُ عَلَاً بَأْكَبَرًا ② وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ
 الْمُرْسَلِينَ إِلَّا أَنْهَانُمُ لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ
 ③ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا
 ④ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ
 أَوْ تَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا ⑤
 يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ هَٰؤُلَاءِ
 مَجْجُورَاتٌ ⑥ وَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ أَخْرَجَهُمْ مِنَ ظُلُمَاتٍ إِلَى
 نُورٍ وَكَانَ صِرَاطُهُمْ مُسْتَقِيمًا ⑦ وَأَخْرَجَ الْمُطَفِّفِينَ مِنْ دُونِ
 الْأُمَمِ ⑧ يَوْمَ تَشْقَى الْأُصْحَابُ بِالسَّعْيِ وَالْأَعْمَالِ ⑨ وَالْمَلَائِكَةُ
 سَاجِدَةٌ ⑩ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ⑪ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ⑫ وَالْمَلَائِكَةُ
 سَاجِدَةٌ ⑬ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ⑭ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ⑮
 وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ⑯ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ⑰ وَالْمَلَائِكَةُ
 سَاجِدَةٌ ⑱ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ⑲ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ⑳
 وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㉑ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㉒ وَالْمَلَائِكَةُ
 سَاجِدَةٌ ㉓ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㉔ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㉕
 وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㉖ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㉗ وَالْمَلَائِكَةُ
 سَاجِدَةٌ ㉘ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㉙ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㉚
 وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㉛ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㉜ وَالْمَلَائِكَةُ
 سَاجِدَةٌ ㉝ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㉞ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㉟
 وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㊱ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㊲ وَالْمَلَائِكَةُ
 سَاجِدَةٌ ㊳ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㊴ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㊵
 وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㊶ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㊷ وَالْمَلَائِكَةُ
 سَاجِدَةٌ ㊸ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㊹ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㊺
 وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㊻ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㊼ وَالْمَلَائِكَةُ
 سَاجِدَةٌ ㊽ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㊾ وَالْمَلَائِكَةُ سَاجِدَةٌ ㊿

آنها گویند یا کمتره، پروردگار اما خود هرگز جز تو کمیرا سزاوار
آنکه معبود و محبوب خود اختیار کنیم نه دانستیم ولیکن تو این کافران
و بعد از آنرا متصع بدینا و نعمتهای آن گردانیدی تا آنکه از فرط سر-
گرمی بدینای پست فانی ذکر تو و قرآن ضلیم تو که سرمایه سعادت بود
فراموش کردند و مردمی شقی و تبهروزگار بودند (۹۸) پس آنها شمارا
در آنچه راجع به خدا و قیامت گویند تکذیب کردند که نه شما توانید آن
عذابرا بر طرف گردانید و نه پاری آنها توانید کرد و هر کسی از شما
بندگان ظلم و ستم کند ما او را به عذاب بزرگ گرفتار می گردانیم (۹۹)
و ما هیچ رسولی پیش از او بخلق نفرستادیم مگر آنکه آنها هم ما تندی
غذا میپدیدند و در میان (کوچه) بازار راه میرفتند و ما بعضی از شما
بندگان را سب آزمایش بعضی دیگر میگردانیم چنانچه انبیاء را به امت
وامت را به انبیاء یا فقیر را بپنی و غنی را بفقیر امتحان میکنیم؟ که آیا
صبر در طاعت خواهند کرد؟ و پروردگار تو به احوال و اعمال همه خلق
آگاهست (۱۰۰) و آنان که امید لقای ما را نداشتند گفتند چرا فرشتگان
بر ما نازل نغذند یا چرا ما خدا را به چشم نمی بینیم؟ همانا آنان در حق
خویش راه تکبر و نفوذ پیش گرفته (بسرکشی و طغیان شد) بپشتافتند (۱۰۱)
روزی که فرشتگان را به پیوند مجرمان در آن روز بشارتی از فرشته نیافته
بلکه با آنها گویند محروم و ممنون باشید (۱۰۲) و ما توجه به اعمال فاسد
بیغلوس و حقیقت آنها کرده و همه را باطل و نابود میگردانیم (۱۰۳) (بهر
حال) اهل بهشت در آن روز مسکن و مقری بهتر و آراش و خواجگهای
نیکوتر (از این دوزخیان) خواهند داشت (۱۰۴) و بادکن روزی را که آسمان
با ابراز هم شکافته و فرشتگان با سرعت تمام با هر حق فرود آیند (۱۰۵)
پادشاهی به حق در آن روز خاص خدای رحمان است و بر کافران که معطلوم
بدوزخند روز بسیار سختی خواهد بود (۱۰۶) و روزی که مردم ظالم پست
دست حسرت را بدندان گرفته و گویند ای کاش من (دردنیا) با رسول
حق راه دوستی و طاعت پیش می گرفتم (۱۰۷) وای بر من ای کاش که فلان
(مرد کافر و رفیق غاسق) را دوست نمی گرفتم (۱۰۸) که رفقت او از
پیروی قرآن و رسول حق مرا محروم ساخت

فَجُورًا ۝ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْجَائِمِينَ ۝ وَكَفَى
 بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ
 الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً ۚ كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ
 تَرْتِيلًا ۝ وَلَا يَأْتُوكَ فِي الْحِلِّ الْأَجْنَاسُ ۚ بِالْحَقِّ وَآخُسَن
 تَفِيرًا ۝ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ عَلَىٰ وُجُوهِِهِمْ إِلَىٰ حَتْمٍ أَوْ لَقَاءِ
 شَرٍّ مِمَّا آوَوْا وَاصْلًا سَبِيلًا ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ
 جَعَلْنَا مَعَهُ آخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ۝ فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ
 الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَذْذِيرًا ۝ وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا
 الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا هُمُ لِلنَّاسِ آيَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ
 عَذَابًا أَلِيمًا ۝ وَعَادَ وَادُثْمُودَ وَاصْحَابَ الرَّسْرِ وَفِرْعَوْنَ ثَابِتًا
 ذَلِكُمْ كَثِيرًا ۝ وَكَلَّا ضَرَبْنَاهُ الْأَمْثَالَ ۖ وَكَلَّا نَذِيرًا ۝ وَلَقَدْ
 آتَيْنَا عَلَى الْقَرْيَةِ الْبَاقِيَ امْطِرْنَا مَطَرًا تَوَّاهًا يَكُونُونَ
 بَلْ كَانُوا لَا يَرْجِعُونَ نُشُورًا ۝ وَإِذَا رَأَوْكَ إِذَا يَقِينُونَكَ لَا
 هُمْ وَأَهْلُ الْأَنْدَى بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ۝ إِنْ كَادَ لَيُضِلَّنَا
 عَنْ الْهَيْدَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حَيْثُ
 يَرَوْنَ الْعَذَابَ مِنَ أَصْلٍ سَبِيلًا ۝ رَأَيْتَ مِنَ الْمُتَعَدِّ الْهَيْدَا
 هَوْنًا أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا ۝ ثُمَّ نَحْبُ أَنْ أَلْزَمَهُمُ

گمراه گردانید (آری دوسی شیطان) (انسی و جنی) برای انسان مایه غذلان و گمراهی است (۳۹) در آن روز رسول به شکوه امت در پیشگاه رب العزت عرض کند بارالها (امت من) پیرو کافران شدند (۴۰) و همچنین برای هر پیغمبری دشمنی از جنس بدکاران امتش قرار دادیم تنها خدای تو برای هدایت و نصرت و یاری تو کفایت است (۴۱) و باز کافران جاهل به اعتراض گفتند که چرا این قرآن یک جمله برای رسول نازل شد تا ما ترا بآن دل آرام کنیم (و بدین سبب) آیات خود را بر تو مرتب پرتیبی روشن فرستادیم (۴۲) و کافران بر تو هیچ مثل باطل نیاورند مگر آن که ما در مقابل برای تو سخن حق را و یا بهترین بیان پاسخ آن ها آوریم (۴۳) آنان که بدو در آتش دوزخ وارد شوند بدترین مکان شفاخته و سخت ترین راه ضلالت یافته اند (۴۴) و همانا ما بموسی کتاب توحید را عطا کردیم و برادش هارون را و زبیر او قرار دادیم (۴۵) آنگاه موسی و هارون را گفتیم که دو بجانب آن قوم که آیات ما را تکذیب کردند کنید که ما آن ها را سخت هلاک می گردانیم (۴۶) و نیز قوم نوح چون رسولان حق را تکذیب کردند ما آن ها را بطوفان هلاک سپردیم و آیت عبرت مردم ساختیم و برای ستمکاران عذاب دردناک مهیا گردانیدیم (۴۷) و نیز قوم عاد و ثمود و احساب دس و طوایف دیگر بسیاری بین اینها همه بکفر گردانیدیم هلاک کردیم (۴۸) و ما برای هر یک از این طوایف مثلاً زدم و همدرا بکلی هلاک ساختیم (۴۹) و همانا این کافران آمدند و دیدند آن یار (قوم لوط) را که بر آن بازاران عذاب و هلاکت بیارانیدیم آیا ای پتان به چشم خود دیا و خراب آن ها را ندیدند؟ دیدند (ولیکن امیدویی از قیامت ندارند (۴۰) ای رسول ما غمین مباش که این کافران هر گاه ترا به پیشت کاری ندارند جز آن که ترا بتسخیر گرفته و گویند آیا این مرد همان است که خدا بر سالت خلق فرستاده ؟ (۴۱) نزدیک بود که محمد ما را اگر بر بت پرستی خود پایدار نبودیم بکلی گمراه کند و از پرستش خدا یا نمان باز داد این مشرکان که از جهل توحید را گمراهی خواندند چون عذاب حق را مشاهده کنند بزودی خواهند دانست که گمراه تر از آن ها در عالم نیست (۴۲) ای رسول دیدی حال آن کسی که هوای نفسش را خدای خود ساخت (چگونه هلاک شد) آیا تو حافظ و نگهبان او (از هلاکت) توانستی شد (۴۳) پاینداری که اکثر این کافران

يَتَمَوْنَ أَوْ يَعْمَلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا
﴿٢٨٠﴾ أَلَمْ تَر إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ
جَعَلْنَاهُ نَارًا لِّلنَّارِ وَذُكْرًا وَقُبُورًا لِّلنَّاسِ لَعَذَابُ الْآثِمِينَ ﴿٢٨١﴾
وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِيَاسَ وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ
شُورًا ﴿٢٨٢﴾ وَهُوَ الَّذِي رَسَلَ الرِّيحَ فَتُبْرِئُ الْيَبْسَ وَتُحْمِلُ الْغَمَامَ
وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿٢٨٣﴾ لِّنُخْرِجَ بِهِ بَلَدَةً مَّيْبُتًا وَ
لِنُخْرِجَ بِهِ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا ﴿٢٨٤﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا
فِيهِ الْبَدَّ كُرًّا مَّرًّا وَتَابَى الْكُفْرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٢٨٥﴾ وَلَوْ شِئْنَا
لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ﴿٢٨٦﴾ فَلَا تَطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاءَ مِنْهُمْ بِهِ
جَمَادٌ كَبِيرٌ ﴿٢٨٧﴾ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْفُجْرَيْنِ هَذَا عَذَابٌ فَارِكٌ
وَمِمَّا لَمْ أَجَاجْ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَخِجْرًا مَّحْجُورًا ﴿٢٨٨﴾ وَهُوَ
الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا جَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ
قَدِيرًا ﴿٢٨٩﴾ وَهُوَ يُعَذِّبُ مَنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَشْعُرُهُمْ وَلَا يَشْعُرُهُمْ
وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا ﴿٢٩٠﴾ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا
وَنَذِيرًا ﴿٢٩١﴾ هَلْ مَا أَسْأَلُكَ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مِنْ شَاءِ أَن
يَخْبِتَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٢٩٢﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ
بِحَمْدِهِ وَكَفَى يُدَبِّرُهُ عِبَادُ وَخَيْرًا ﴿٢٩٣﴾ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

حرفی می‌نمودند یا فکر و تعقل دارند (حاشا) اینان در پی عقلی پس مانند
 چهار پایاوند بلکه نادان و گمراه تر (۴۴) آیانه‌یدی که لطف خدا چگونه
 سایه را با آنکه اگر خواستی ساکن کردی بر سر مالیان بکسترانید
 آنگاه آفتاب را بر آن دلیل قرار دادیم (۴۵) پس ظل آن آفتاب (منبسط)
 را بسوی خود تدریجاً قبض می‌کنیم (۴۶) و او خدا نیست که ظلمت شب را
 برای شما لباس گردانید و خواب را مایه آرامش و ثبات شما قرار داد و
 روز روشن برای جنبش و کار مقرر داشت (۴۷) و او خدا خدا نیست که پادها
 را برای بشارت پیشاپیش رحمت خود فرستاد و از آسمان آبی ظاهر و
 مطهر برای شما نازل کردیم (۴۸) تا بآن باران زمین خشک و مرده را
 زنده سازیم و آنچه آفریدیم چهارپایان و آدمیان بسیاری را سیراب گردانیدیم
 (۴۹) و ما تغییرات باد و باران را بین مردم آوردیم تا بپند گرفته و متذکر
 حق شوند لیکن اکثر مردم جز راه کفران و جحود پیش نگرفتند (۵۰)

اگر ما می‌خواستیم در بین مردم هر قریه پیشمبری می‌فرستادیم (۵۱) پس
 تو هرگز تابع کافران می‌باشی و با آنها چنانکه مخالفت قرآن و دین حق
 کنند سخت جهاد و کار زار کن (۵۲) و او خدا نیست که دو دریا را بهم
 آمیخت که این آب گوارا و شیرین و آن دیگر شور و تلخ بود و بین این دو
 آب (ذره‌ین بهم آمیختن) واسطه و حایلی قرار داد که همیشه از هم منفصل
 و جدا باشند (۵۳) و او خدا نیست که از آب (نطفه) پسر را آفرید و بین آنها خویشی
 و بستگی از دواج قرار داد و خدای تو هر چیز قادر است (۵۴) و مشرکان خدا را
 و گذارده و بجای خدا بتهائی که هیچ سود و زیان به حال این مشرکان ندادند می‌پرستند
 و کافران و پشت با هر پروردگار خود می‌کنند (۵۵) پر سول ما تو را نفرستادیم مگر
 برای آنکه خلق را بر رحمت ما بشارت دهی و از عذاب ما بترسانی (۵۶) پر سول
 ما بگو من از شما امت مزد رسالت نمی‌خواهم اجر من همین بس که هر که بخواهد
 (از پی من) راه خدای خود پیش گیرد (۵۷) تو بر خدای زنده‌ی ابدی
 که هرگز زحمرد تو کل کن و پستایش ذات او دی را تسبیح و تنزیه گو
 و هم او بگناه بندگانش آگاهست کفایت است (هر که را بخواهد می‌بخشد
 و هر که را بخواهد مواخذه می‌کند) (۵۸) آن خداست که آسمانها و زمین

وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ
 فَاسْتَلِمَ بِمِجْبَرٍ ۖ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا
 الرَّحْمَنُ أَنَّا سَجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۖ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ
 فِي السَّمَاءِ رُجُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ۖ وَهُوَ الَّذِي
 جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَن أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ
 تَكْوَرًا ۖ تَوَعَّدُوا الرَّحْمَنَ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُمْ وَمَا
 خَالِطَهُمْ أَجْمَالُهُمْ قَالُوا اسْلَامًا ۖ وَالَّذِينَ يَبْدِئُونَ لِرَبِّهِمْ
 سُجْدًا وَقِيَامًا ۖ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ
 جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ۖ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا
 ۖ وَالَّذِينَ إِذَا أَتَقَفُوا الرَّسُولَ قَالُوا لَوْ يَقْرَأُ وَإِذَا كَانَ مِنْ ذَلِكَ
 قَوْلًا مِّنَ الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْنُلُونَ
 النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ
 يَلْقَ أَثَامًا ۖ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَيَخْلَقْ فِيهِ
 لَهُمَ أَثَامًا ۖ إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا سَابِقًا فَأُولَٰئِكَ يَبْدِلُ
 اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ۖ وَمَن تَابَ
 وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ۖ وَالَّذِينَ لَا يَتُوبُوا
 الزُّورَ وَإِذَا سَأَلَ بِالسُّؤْمُرِ وَالْكُورِ مَتَا ۖ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا

و هر چه در بین آنهاست همدا در شش روز بیافرید آنگاه عرش رحمانی را با حسن کامل خلقت پیار است (از خدا شناسی حقیقت را بازجو تا با سرار الهیت و خلقت آگاه شوی) (۵۹) و چون تو باین مردم کافر گوئی بیافید و خدای رحمان را سجده کنی در جواب گویند خدای رحمان کیست آیا ما با آنچه تو امر میکنی سجده کنیم (هرگز نکنیم) و دعوت بعبادت بیجای اطاعت بر نفرشان بیافزاید (۶۰) بزرگوار آنخدائی که در آسمان پر جها مقرر داشت و در آنجراغ روشن غورشید و ماه تابان را روشن ساخت (۶۱) و اوست خدائی که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داده برای آنکس که خواهد بشب و روز متذکر (خدا) شود یا شکر او بجای آورد (۶۲)

و بندگان (خاص) خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین ده بتواضع و فروتنی روند و هر گاه مردم جاهل با آنها خطاب (و عتاب) کنند با سلامت نفس (و زبان خوش) جواب دهند (۶۳) و آنان هستند که شب را بسجده و قیام نماز برای رضای خدا روز کنند (و روز را به نیکی با خلق بشب آرند) (۶۴) و آنان هستند که دائم بدعا و تضرع گویند پروردگارا عذاب جهنم را از ما بگردان که سخت عذاب مهلك دائمی است (۶۵) که آنجا بسیار بد قرارگاه و بد منزلتگاه است (۶۶) و آنان هستند که هنگام اتفاق بمسکینان اسراف نکرده و بخل هم نوزند بلکه در احسان میانه رو و معتدل باشند (۶۷) و آنان هستند که با خدای یکتا کمیرا شریک نمی خوانند و نفس محترم را که خدا حرام کرده بقتل نمیرسانند و هرگز گرد عمل زنا نمیگردند که هر که اینمعمل کند کینرش را سواهد یافت (۶۸) و عذابش در قیامت مضاعف شود و باذلت و خوری بدوزخ مغلد گردد (۶۹) مگر آنکسانیکه از کراه توبه کنند و با ایمان بخدا عمل صالح بجای آرند پس خدا گناهان آنها را بدل بپشواب گرداند که خداوند در حق بندگان بسیار آمرزنده و مهربانست (۷۰) و هر کس توبه کند و نیکو کار شود البته توبه اناش بدرگاه خدا (و ارگاه قبول) خواهد رسید (۷۱) و آنان هستند که بناحق شهادت ندهند و هر گاه بعمل لنوی (از مردم مرزه) بگذرند بزرگوارانه آن در گذرند (۷۲) و آنان هستند که هرگاه متذکر

بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَتَهْفِزُوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعَجْبًا ۚ إِنَّهُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ
رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ذُرِّيًّا نُنَافِرُ بِهِ ۖ أَغْنِ بِهِنَّ وَاجْعَلْ لَنَا
لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ۖ ۝١٧ وَلَقَدْ يُخِرُّونَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ
فِيهَا الْيَحْيَىٰ وَنِسْلَانَا ۖ ۝١٨ خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُتَقَرَّرًا وَمَقَامًا ۖ ۝
قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُكُمْ لَوُذَّعًا وَقَدْ كَذَبْتُمْ بِقَوْلِي زُفَرًا ۖ ۝١٩

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝١ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝٢ لَقَدْ كَلَّمْنَا نوحًا بِأَمْرٍ نَجْمٍ
الْأَكْبَرُ ۖ ۝٣ إِنَّا نَشَأُ النَّبِيَّ مِنْ تَحْتِ السَّمَاءِ آيَةً
فَخَلَقْنَا عَصَاكَ مِنْ لَهَاطِضَيْنِ ۖ ۝٤ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ
الرَّحْمَنِ مُجَدِّدٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ۖ ۝٥ فَخَذْنَا مِنْهُ آلِهَتَهَا إِبْرَاهِيمَ
أَنْبِيَاءَ وَمَا كَانُوا بِشَيْءٍ مِنْهُمْ بِتَهْمُونَ ۖ ۝٦ أَوَلَوْ عِزُّوا إِلَى الْأَرْضِ كُنْهٍ
أَبْتَسْنَا فِيهِمَا مِنْ كُلِّ رَوْحٍ كَرِيمٍ ۖ ۝٧ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ
أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۖ ۝٨ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۖ ۝٩ وَأَوْدَادُ
رَبِّكَ مُوسَىٰ إِنَّ أَتْبَعُ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۖ ۝١٠ هُوَ الَّذِي يَرْفَعُ الْإِسْمَ
ۖ ۝١١ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ۖ ۝١٢ وَيَصْنِقُ صَدْرِي ۖ ۝١٣
لَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَؤُلَاءِ ۖ ۝١٤ وَلَهُمْ عَلَىٰ رَبِّكَ حَقٌّ

آیات خدای خود شوند کرو کورانه در آن آیات نتگردن تا بر مقام معرفت و ایمان نشان پیغزاید (۷۳) و آنان هستند که هنگام دعا با خدای خود گویند پروردگارا ما را از جفتمان فرزندانِی مرحمت فرما که مایه چشم روشنی ما باشند و ما را پیشوای اهل تقوی قرارده (۷۴) چنین بندگان پاداش صبرشان در راه عبادت عالی غرفه‌های جنت و قصرهای بهشتی یابند که در آن جا با تعیت و سلام یکدیگر تورا ملاقات کنند (۷۵) و در آن بهشت که بسیار نیکو منزل و مقامی است تا ابد مغلد و متمتع خواهند بود (۷۶) ابرسول ما بامت بگو که اگر دعای شما نبود خدا بشما چه توجه و اعتنائی داشت که شما کافران آیات حق را تکذیب کردید و زود بکفر آن گرفتار خواید شد (۷۷)

سوره شعرا دهمکه معقله نازل شده و مشتمل بر ۴۲ آیه میباشند

(بنام خدای بخشنده مهربان)

سبسم (۷۸) (اسرارست بین خدا و رسول) این قرآن آیات روشن کتاب خداست (که بر تو نازل گردید) (۴) ابرسول ما تو چنان در اندیشه هدایت خلقی که خواهی جان عزیزت را ازغم اینکه ایمان نمیآورند هلاک سازی (۳) اما اگر بخواهیم از آسمان مشیت آیت قهری نازل گردانیم که همه بجز گردن زبر بار ایمان فرود آرند (۳) هیچ آیت و ذکرِی از خدای رحمان بر آنها مجدد نیاند جز آنکه ار آن اعراض کردند (۵) همانا این کافران آیات خدا را تکذیب کردند و بزودی حادثه هلاک آنانکه با آیات حق استهزاء کردند با اینان خواهد رسید (۶) آیا در زمین بدیده عبرت نظر نکردند که ما چه انواع گوناگون از نباتات پرسود از آن برویانیدیم (۷) در اینکه آیت خدا آشکاراست و باز اکثر اینان بخدا ایمان نمیآورند (۸) و همانا پروردگار تو بسیار مقتدر و مهربان است (۹) یادآورندگانیکه خدا بپوسی ندا کرد که اینک برسالت ما بسوی قوم ستم کار روی آورد (۱۰) و قوم ستم کار فرعون را بگو آیا خدا ترس و پرهیزگار نمی شوی (۱۱) موسی عرض کرد ای پروردگار از آن میترسم که فرعونیان سخت مرا تکذیب کنند (۱۲) و از کثر آنها دلننگ شوم و مقد زبانم هدایت آنان باز نکرد پس هارون برادرم را نیز با من برسالت بفرست (۱۳) و بر من از این قوم قبلی گناهی است

أَنْ يَقُولُوا هَذَا مِثْلُ آبَائِنَا إِنَّمَا عَمَّكَ تَمِيمُونَ ١٥
 فَاتَّبِعُوا نِعْمُونَ قُولُوا إِنَّا نُرْسِلُ رَبَّ الْعَالَمِينَ ١٦
 بَنَىٰ سُرَّتِيلَ ١٧ قَالَ أَرَأَيْتَ خِينَا وَلِبَاسَ لِينِكَ فِينَا مِنْ عَمْرِكَ
 سِينِينَ ١٨ وَقَعَلْتَ فَعَلْتِكَ لِمَ أَفَعَلْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ١٩
 قَالَ فَعَلْنَاهَا إِذَا وَآتَا مِنْ الضَّالِّينَ ٢٠ فَفَرَّقْتَ بِكَ الْمَاءَ الْخَافِرَ
 قَوْمَهُ لِي رَبِّي حَكِيمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ٢١ وَكَذَلِكَ نَعْمَةٌ مِنَّمُنَا
 عَلَىٰ أَنْ عَبَّدْتَ بَنِي إِسْرَءِيلَ ٢٢ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ
 ٢٣ قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ
 ٢٤ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تُسْمِعُونَ ٢٥ قَالَ رَبُّكَ وَرَبُّ آبَائِكُمُ
 الْأَوَّلِينَ ٢٦ قَالَ إِنْ رَسُولُكَ إِلَّا نَذِيرٌ الَّذِي أَرْسَلَ الْبُكْرَ الْجَمُودَ ٢٧
 قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تُعْطِلُونَ ٢٨
 قَالَ لِمَنْ أَتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لِأَجْمَلَتِكَ مِنَ الْمَجْنُونِينَ ٢٩ قَالَ
 أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُبِينٍ ٣٠ قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الضَّالِّينَ ٣١
 قَالَ لَمَّا لَمَسْنَا عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ شُعْبَانٌ مُبِينٌ ٣٢ وَتَرَىٰ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ
 بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِ ٣٣ قَالَ لِلْعِلَافَةِ حَوْلَهُ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ عَلِيمٌ ٣٤
 يُرِيدُ أَنْ يُفْرِكَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ بِغَيْرِ عُقْبٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُؤْمِنِينَ ٣٥ هَلْ لَّوْا أَرْسِيَهُ
 وَأَخَاهُ وَابْنَتِي فِي الدَّانِئِ حَاشِرِينَ ٣٦ هَلْ تَوَكَّلُ عَلَىٰ غَيْرِ اللَّهِ عَالِمِينَ ٣٧

که میترسم بدان گناه قبطیان بقتل رسانند (۱۹۴) خدا بموسی فرمود هرگز مترس و با برادرت هارون بدین معجزات و آیات من بسوی آنان بروید که من همه جا با شما هستم و گفتار شما را میشنوم (۱۹۵). هر دو با اتفاق بجانب فرعون روید و بگوئید که ما دو رسول پروردگار جهانیان (۱۹۶) آمده ایم که طایفه بنی اسرائیل را با ما بقرستی (۱۹۷) فرعون موسی را گفت تونه ای کودکی که ما پروردیدیم و سالها عمرت در نزد ما گذشت؟ (۱۹۸) و آنفل زشت و قتل نفس از تو سرزد و بخدائی ما کافر بودی (۱۹۹) موسی در پاسخ فرعون گفت آری من چنین فعلی را مرتکب شدم در آن هنگام من برای نجات سبطیان از ظلم قبطیان بودی حیرت سرگردان و از گشته گان دیار شما بودم و کاری بقصد نجات مظلومی کردم بقتل و خطائی منتهی شد (۲۰۰) و آنگاه از ترس شما گریختم تا آنکه خدای من مرا علم و حکمت عطا فرمود و از پشیمان خود قرار داد (۲۰۱). و باز گو این که طایفه بنی اسرائیل را بنده خود کرده این هم نعمتی است که منت آن بر من مینوی؟ (۲۰۲) باز فرعون بموسی گفت رب العالمین کیست که تو رسول آن هستی (۲۰۳) موسی جواب داد رب العالمین خدای آسمانها و زمین است و آنچه ما بین انهاست اگر پیشین پاورد دادید (۲۰۴) فرعون عاجز از جواب بمغاله پرداخت و روی بدر باریانش کرد و گفت آیا نمی شنوید (۲۰۵) موسی گفت رب العالمین همان خدائست که شما و پدران پیشین شما را از عدم بیافریده (۲۰۶) باز فرعون (گفت ای مردم این رسولی که بسوی شما برسانت آمده سخت دیوانه است (۲۰۷) باز موسی گفت رب العالمین همان آفریننده مشرق و مغرب و روز و شب است و هر چه بین اینها است اگر شما در قدرت حق تعالی کنید (۲۰۸) باز فرعون گفت اگر غیر من خدائی را پرستی البته ترا بزدان خواهم کشید (۲۰۹) موسی باز بهلایت پاسخ داد اگر هم حجت و معجزی بر صدق دعوی خود بر تو آورم (۲۱۰) فرعون گفت آن معجزه چیست پیاز اگر راست میگوئی (۲۱۱) در آنوقت موسی عصای خود پیشکند که ناگاه ازدهائی عظیم پدیدار گشت (۲۱۲) و نیز دست از گریبان بیرون آورد که ناگاه خورشیدی تابان بچشم بینندگان آشکار گردید (۲۱۳) فرعون دو بدر باریانش کرد و گفت ای نمرد ساحری بسیار ماهر و دانا است (۲۱۴) که میخواهد بدین سحر و شیبده ها شما مردم مصر را از کشور خود آورده کند (۲۱۵) آنها بفرعون گفتند از او و برادرش مهلت خواه و از شهرها ساحران را جمع آور (۲۱۶) تا ساحران ماهر و زبردست همه نزدت حاضر شوند (۲۱۷)

فَجَمَعَ التَّحْمَةُ لِلْيَقَانِ بَعِي مَعْلُومٍ ۝ وَقِيلَ لِلثَّائِرِينَ قُلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ
 لَعَلَّكُمْ أَنْتُمْ التَّحْمَةُ ۝ إِنْ كَانُوا هُمْ الْغَالِبِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَ التَّحْمَةُ
 قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَفْئَلَنَا لَآجِرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ۝ قَالَ نَعَمْ
 وَإِنَّكُمْ إِذَا الْمَيِّتُ الْمَقْتَرِينَ ۝ قَالَ لَهُمْ مُوسَى لَقُوا مَا أَنْتُمْ فاعْلَمُونَ ۝
 قَالُوا اجْعَلْ لَنَا دَعْوَةً فَهَٰذَا هِيَ دَعْوَتُ فِرْعَوْنَ ۝ إِنَّا نَحْنُ الْغَالِبُونَ
 ۝ قَالَ لَقِيَ مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْكُفُونَ ۝ قَالَ لَقِيَ التَّحْمَةُ
 سَالِحِينَ ۝ قَالُوا أَمْثَلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ رَبِّ مُوسَى هَارُونَ ۝
 قَالَ أَمْثَلُ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنِ لَكَرَاتِهِ لَكِبْرُكَ الْذِي عَلَيْكَ الْيَقِينُ
 فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ لَا تَقْطَعْنَ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافِ
 لِأَصْلَابِكُمْ ۝ أَجْمَعِينَ ۝ قَالُوا لَاحْزَنًا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ۝
 إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا ۝ إِنَّ كَذَّابَ الْمُؤْمِنِينَ ۝
 وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي ۝ إِنَّكَ مُتَّبَعُونَ ۝ فَارْسَلْ
 فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ۝ إِنْ هَٰؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ
 ۝ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَآظِلُونَ ۝ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ ۝ فَاتَّخَذْنَاكُمْ
 مِنْ جَنَابٍ وَعَمُونَ ۝ وَكُنُوزُكُمْ مَغَامِرٌ ۝ كَذَلِكَ ۝ وَأَوْحَيْنَا
 إِلَى إِبْرَاهِيمَ ۝ فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ ۝ فَلَمَّا تَرَاءَ الْجَحْدَانِ قَالَ
 أَضْطَبُّ مُوسَى ۝ إِنَّا لَمَذْكُورُونَ ۝ قَالَ كَلَّا ۝ إِنْ مَعِيَ رَبٌّ يَسْهَلِي

این سخن را پدیدرفت و سحران را جمع آورد (۲۸) آنگاه سحران را بر حسب وعده باموسی پروژ معین حاضر ساخت: (۲۸) و مردم شهر را گفتند چه بهتر که همه در آن روز جمع باشند تا واقعه را مشاهده کنید (۲۹) باشد که ما هم اگر سحران غالب شدند از سحره فرعون پیروی کنیم (۳۰) و چون سحران حضور فرعون آمدند با وی گفتند آیا اگر بر موسی غالب آیم اجر بزرگی در مقابل این خدمت خواهیم داشت (۳۱) فرعون گفت آری البته علاوه بر اجر خدمت از مقر بان درگاه خواهیم شد (۳۲) موسی بآنها گفت اینک شما بسا سحر خود هر چه می خواهید بکار اندازید (۳۳) سحران هم چو بها و رزم و طناهای سحر خود را پیشکش کردند و بیزت فرعون قسم یاد کردند که ما غالب خواهیم شد (۳۴) در آن حال موسی عسای خود را پیشکش کرد که ناگاه (ازدهانی شد) همه وسائل سحرانگیزی سحران یکبار فرو برد (۳۵) سحران که این معجزه بدیدند پیش موسی سجده افتادند

(۳۶) و گفتند ما بخدای عالم ایمان آوردیم (۳۷) همان خدای موسی و هرون

(۳۸) فرعون سحران گفت آیا پیش از آنکه من بشما اجازه دهم بموسی ایمان آورده ایم این استاد بزرگ شماست بزودی دست و پای شما را به اختلال می قطع می کنم آنگاه همه را بدار می کنم سحران گفتند از این دار و قتل تنها هیچ زبانی نخواهد رسید چون از سرگه پسوی خدا باز می گردیم (۳۹) و از خدا امید آن داریم چون اول ما بسا و ایمان

آوردیم که بملطف خویش از گناهان ما در گذرد (۴۰) و به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه بیرون برتا شمارا تعقیب کنند (۴۱) آنگاه فرعون

رسول برای جمع آوری لشکر بشهرها فرستاد (۴۲) که همانا از طایفه بنی اسرائیل عده قلیلی باقی نیست (۴۳) و با سپاهی بیشمار و از دست

آنها غصنا کنیم (۴۴) و نیز ما لشکری همه نیرومند و مسلح به اسلحه کاملیم (۴۵) ما آنها را از باغهای مصفا یا نهرهای آب روان مصر بیرون کردیم

(۴۶) و از گنجها و ثروتها و مقامات عالیه ریاست محروم ساختیم (۴۷) و بنی اسرائیل را وارث آن شهر و دیار ثروت و مقام گردانیدیم (۴۸) صبح

گاهی که فرعونیان از موسی و بنی اسرائیل تعقیب کردند (۴۹) چون دو لشکر روبرو شدند و اصحاب موسی گفتند اینک بدست فرعونیان سخت

هلاک میشویم (۵۰) موسی گفت هرگز (مترسید) که خدا با من است و مرا بحفظ از دشمن یقین را عنایت خواهد کرد (۵۱)

فَأَوْجِبْنَا إِلَىٰ مَوْسَىٰ أَنْ ضَرْبَ يَصَاحِكَ الْبَصَرُ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْعَوْنَ
 كَالظُّورِ الْعَظِيمِ ۝ وَأَذَلْنَا فِرْعَوْنَ الْأَخْرِي ۝ وَأَجْنَبْنَا مَوْسَىٰ مِنْ
 مَعَا أَجْمَعِينَ ۝ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْأَخْرِي ۝ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً
 وَمَا كَانَ أَكْثَرُ مُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنْ رَبُّكَ لَهْوَ الْعَرِيقِ الرَّجِيمِ ۝
 وَأَمَلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ۝ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ
 ۝ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا مَقْطُوعًا لَهَا عَافِيَةٌ ۝ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَ
 إِذْ تَدْعُونَ ۝ وَيَسْتَفْتُونَكَ ۝ أَوْ يَبْصُرُونَ ۝ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا
 آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ۝ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ۝
 أَنْتُمْ وَالْآبَاءُ وَالْأَقْدَمُونَ ۝ قَالَتُمْ عَدُوٌّ لِلَّهِ الْعَالَمِينَ ۝
 وَالَّذِي خَلَقَهُ فَهُوَ يَهْدِي ۝ وَالَّذِي مَوَّطِئُنِي بَنِي ۝ وَإِذَا
 مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي ۝ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِي ۝ وَالَّذِي لَمْ
 أَنْ يَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ۝ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَاجْعَلْ
 بِالضَّالِّينَ ۝ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْأَخْرِي ۝ وَاجْعَلْ لِي
 مِنْ وَرَثَتِي فِي النَّعِيمِ ۝ وَاعْفُ عَنِّي لِأَنَّهُ كَانَ مِنَ الْفَاقِلِينَ ۝
 وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ۝ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ۝ إِلَّا
 سُنْ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝ وَأَزَلْنَا بِحُجَّةٍ لِلْبَاقِينَ ۝ وَزَيَّنَّا
 لِلْجَائِلِينَ ۝ وَقِيلَ لَهُمْ إِنَّ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ۝ مِنْ دُونِ

پس غایب موسی و حی گردیدیم که عسای خود را به دروای نزلدن چون زد و دریا شکافت و تبهر قطعه دریا مانند کوهی بزرگ بر وی هم قرار گرفت (۹۳) و دیگران (یعنی فرعونیان) را بد زیا آوردیم (۹۴) آنجا موسی و کلیه همراهایش را از دریا بیرون آورده با حل سلامت رسانیدیم (۹۵) آنگاه قوم دیگر هم مرا به دریا غرق کردیم (۹۶) همانا این هلاک فرعونیان آیت بزرگی برای عبرت و موعظه مردم بود لیکن اکثر خلق ایمان نمیآوردند (۹۷) و همانا خدای تو خدای بسیار مقتدر و مهربان است (۹۸) ای رسول حکایت ابراهیم را بر امت بیان کن (۹۹) هنگامیکه با پدر و با قومش گفت شما چه معبودی دارید میپرستید (۱۰۰) جواب دادند که ما بتهایی را میپرستیم که ما ثابت بر پرستش آن ها بوده هستیم (۱۰۱) ابراهیم گفت آیا هر گاه این بتهای جماد را بخوانید سخن شما را میشوند؟ (۱۰۲) یا بحال شما هیچ سود و زیانی ندارند داشت (۱۰۳) آنها در جواب ابراهیم گفتند ما پدران خود را بر - پرستش این بتان یافته ایم (۱۰۴) ابراهیم باز با آنها گفت ایامی دانید که این بتهایی که شما مردم اینک میپرستید (۱۰۵) و پدران شما از قدیم می پرستیدند (۱۰۶) من با پرستش همه اینها جز خدای یکتای عالم مخالف و دشمنم (۱۰۷) همان خدائی که مرا بیافرید و بطلب خود پناه راستم هدایت میفرماید (۱۰۸) همان خدائی که چون گرسنه شوم بکرم خود مرا غذا می دهد و چون تشنه شوم سیراب میگرداند (۱۰۹) همان خدائی که چون بیمار شوم مرا شفا عمت می دهد (۱۱۰) همان خدائی که مرا و پسران و پسران پسرانم را از آخرت زنده میگرداند (۱۱۱) همان خدائی که چشم امید دارم که روز جزا گناه مرا بپارزد (۱۱۲) بارالها مرا بفرمانروائی ده و پیندگان صالح خود ملحق ساز (۱۱۳) و نام بزرگان اقوام آینه نیکو و سخن دلپذیر گردان (۱۱۴) مرا از واران بهشت پرست برقرار داده (۱۱۵) و از بدم (یعنی عموم) بطلب خود در گذر و هدایت فرما که وی سخت از کمر امان است (۱۱۶) و با پروردگار را روزیکه خلق را از قبرها برانگیزی در آن دور مرا رسوا و هلاک مگردان (۱۱۷) آن روزی که مال و فرزندان هیچ بحال انسان سود نبخشد (۱۱۸) و تنها آن کس سود یابد که با دل با احساس پاک از هر گد و دیب به دورگاه خدا آید (۱۱۹) آن روز بهشت را به اهل تقوی نزدیک سازند (۱۲۰) و دوزخ را بر گمراهان پدیدار گردانند (۱۲۱) و آن روز بکافران گفته شود بتهایی که پرستش می کردید بکجا شدند (۱۲۲) آنان را که

اللَّهُ مَلِّ يَصْرُوكَ ۖ أَوْ يَنْصُرُونَ ۖ فَكَيْفَ يُؤَا فِيهَا لَهُمْ ۖ وَالْعَالَوُ
 ۖ وَجُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ۖ فَهَلْ أَوْفَوْهُمَا بِخَصْمِهِمْ ۖ تَاللَّهِ إِنَّ
 كُنَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۖ إِذْ تُوتِرُكَ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۖ وَمَا أَصْلَانَا
 إِلَّا الْخَيْرُ مُنْ ۖ تَمَّا لَنَا مِنْ شَاطِئِينَ ۖ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ۖ قُلُوَاةَ
 لَنَا كَرَّةٌ فَمَتَّوْنٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۖ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ
 أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۖ وَإِنَّ رَبَّكَ لَمَوْ أَعْرِضُ الرَّحِيمُ ۖ كَذَّبَتْ قَوْمُ
 نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ۖ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۖ إِنِّي لَكُمْ
 رَسُولٌ أَمِينٌ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۖ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
 مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ وَ
 أَطِيعُوا ۖ فَهَلْ أَوْفَوْا الْمُؤْمِنِينَ لَكَ وَاتَّبَعَكَ إِلَّا ذُرِّيَةً ۖ قَالَ وَ
 مَا عَلَيَّ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۖ إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوَ تَعْرَفُونَ
 ۖ وَمَا أَنَا بِظَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ۖ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۖ فَهَلْ أَوْفَوْا
 لَكُمْ لَرْتَكَبُوا فَنُوحٌ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ۖ قَالَ رَبِّ إِنْ قَوْمِي
 كَذَّبُونِ ۖ فَاقْطَعْ يَدَيَّ بَيْنَ يَدَيْهِمْ فَهَاجِرٌ وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
 فَاتَّبِعْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِ لَمُتَحُونِ ۖ ثُمَّ أَعْرَضْنَا عَنْهُمْ
 الْبَاقِينَ ۖ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۖ
 وَإِنَّ رَبَّكَ لَمَوْ أَعْرِضُ الرَّحِيمُ ۖ كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ ۖ إِذْ

خدارا رها کرده و بجای او بخدائی برگزیدد آیا میتوانند شما اینک یاری کرده یا از جانب شاد فاع کنند (۹۳) در آن حال کافران و معبودان باطلان هم برو در آتش دوزخ افتند (۹۴) و با تمام سپاه شیطان بجهنم در آیند (۹۵) و در دوزخ به مجادله و خصومت بایکدیگر گویند (۹۶) بخدا قسم که ما در گمراهی بسیار آشکاری بودیم (۹۷) که شما تنها را مانند خدای عالمیان پرستش میکردیم (۹۸) و ما را گمراه نکردند جز قوم تبه کار بد اندیش (۹۹) که در این روز سخت نه شفیمی داریم (۱۰۰) و نه يك دوستی که از ما حمایتی کند (۱۰۱) ای کاش که یار دیگر بدینا باز می گشتیم تا ایمان می آوردیم (۱۰۲) همانا در این آیت و عبرت است و ليك اکثر مردم باز ایمان نمی آوردند (۱۰۳) و همانا خدای تو خدای بسیار مقتدر و مهربان است (۱۰۴) قوم نوح هم کافر شده و پیغمبران خدا را تکذیب کردند (۱۰۵) هنگامی که مهربان برادرشان نوح آنها را گفت آیا هنوز خدا ترس و متقی نمی شوید (۱۰۶) من برای شما بسیار رسول امین و خیر خواهی هستم (۱۰۷) از خدا بترسید و راه اطاعت وی پیش گیرید (۱۰۸) و حق اجرای از شما برای رسالت نمی خواهم و چشم پاداش جز بخدای عالم ندارم (۱۰۹) پند بی فرس مرا بشنوید و از خدا بترسید و راه طاعت وی پیش گیرید (۱۱۰) قوم نوح از کبر و خود پرستی پاسخ دادند که ما چگونه بتوانیم آوردیم در صورتیکه پیروان معدودی مردم خار و فرومایه اند (۱۱۱) نوح گفت مرا چکار که افعال و احوال پیروانم را بدانم (۱۱۲) گر شور و معرفتی دارید بدانید که حساب کار آنها بر کسی جز خدا نخواهد بود (۱۱۳) و مرا نرسد که مؤمنان بحق را از خود برانم (۱۱۴) من جر آنکه مردم را اندر کنم و از خدا بترسانم وظیفه ندارم (۱۱۵) باز قوم نوح گفتند اگر ترك این سخنان نکوئی ترا سخت سنگبار کنیم (۱۱۶) نوح گفت پروردگارا قوم سخت مرا تکذیب کردند (۱۱۷) بارالها بین من و قوم حکم فرما و بما گشایی عطا کن و من و مؤمنانی که بامن ممراند از شر قوم نجات ده (۱۱۸) ما هم دعای نوح را اجابت کردیم و او را با همه آنانکه در آن کشتی نجات در آمدند بساحل سلامت رساندیم (۱۱۹) و باقی آن قوم سرکش همه را به دریا فرق کردیم (۱۲۰) همانا در نجات مؤمنان و هلاک کافران قوم نوح آیت عبرتی است ولیکن باز هم اکثر مردم ایمان نمی آوردند (۱۲۱) و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربان است (۱۲۲) قوم عاد نیز رسولان خدا را تکذیب کردند (۱۲۳) هنگامیکه

قَالَتْ لَهُمْ أَرْحَمُهُمْ مُوَدَّ آلَافِكُمْ ۖ قَالُوا بَلَىٰ ۖ لَكَ رَسُولٌ آمِينَ ۖ
 فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۖ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرْتُمُ
 إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۖ أَتَنْتَوْنَ بِكُلِّ رِجٍّ آيَةً تَسْبُونَ ۖ وَتَقْدِرُونَ
 مَصَافِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ۖ وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ بَحَارِينَ ۖ
 فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۖ وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ۖ
 أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ وَبَيْنَ ۖ وَجَنَابٍ وَعَبُودٍ ۖ وَإِنْ أَخَافُ عَلَيْكُمْ
 عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۖ قَالَ لَوْ لَا سَأَلْنَا عَنْكَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنْ
 الْوَاعِظِينَ ۖ إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ۖ وَمَا نَحْنُ بِعَبِيدٍ
 ۖ فَكَيْفَ بَوَّهَ قَامُكُمْ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ
 مُؤْمِنِينَ ۖ وَإِنْ رَبَّكَ لَمَوْعِظًا رَحِيمًا ۖ كَذَبْتَ مُؤَدِّ
 الْمُرْسَلِينَ ۖ قَالَتْ لَهُمْ أَرْحَمُهُمْ صَالِحٌ ۖ أَلَا تَتَّقُونَ ۖ إِنْ لَكُمْ
 رَسُولٌ آمِينَ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۖ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
 مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرْتُمُ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۖ أَتَنْتَرَكُونَ فِي مَا
 هُمْ بِمُتَّبِعِينَ ۖ فِي جَنَابٍ وَعَبُودٍ ۖ وَزُرُوعٍ وَغُلٍّ طَلَمَهَا
 مَضِيحٌ ۖ وَتَنْحُونَ مِنَ الْجِبَالِ يَهُوتًا فَارِهِينَ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ
 وَأَطِيعُوا ۖ وَلَا تَطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ۖ هَٰلَذِينَ يَفْسِدُونَ فِي
 الْأَرْضِ وَلَا يَصْلِحُونَ ۖ قَالَ لَوْ لَا أَنَا أَتَدْرِي مِنَ الْمُسْرِفِينَ ۖ مَا أَتَدْرِي

(رسول آنها) هود با مهر برادری بآنها گفت آیا هنوز متقی و خدا ترس
 نمی‌شوید؟ (۱۴۴) من برای شما بسیار پیغمبری غیر خواهم و امینم (۱۴۵)
 (پند من بشنوید) از خدا بترسید و راه اطاعت وی پیش گیرید (۱۴۶)
 و من از شما اجری برای رسالت نمی‌خواهم و چشم پاداش جز بختی عالم
 ندارم (۱۴۷) آیا بنا می‌کنید بهر سرزمین عمارت و کاخ مرتفع برای
 آنکه بیازی عالم سرگرم شوید (وازی یاد خدا غافل مانید) (۱۴۸) و مزارت
 های محکم بنا می‌کنید بامید آنکه در آن عمارت عمر اید کنید (۱۴۹)
 و چون بظلم و بیداد خلق دست گشائید کمال قساوت و خشم کار بندید
 (۱۵۰) از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید (۱۵۱) بترسید از آن خدایی
 که شما را با آنچه خود می‌داند مدد و قوت بخشید (۱۵۲) مدد بخشید بخلق
 چهار پایان و فرزندان برای شما (تا نیرومند) گردید (۱۵۳) و نیز
 مدد بخشید بشما به ایجاد باغها و چشمه‌های آب (۱۵۴) شما را من از عذاب
 روز بزرگ قیامت بر شما می‌ترسم (۱۵۵) قوم نادان پس از این مواظ
 در پاسخ هود گفتند تو اینهمه وعظ و نصیحت کنی یا هیچ نکنی بحال ما
 یکسان است (۱۵۶) این (مسئله حیوة و موت) طبیعت و خوی (جهان) همه
 پیشینیان است (۱۵۷) و ما هرگز عتایی نخواهیم داشت (۱۵۸) الفرض رسول
 حق را تکذیب کردند ما هم آنان را هلاک گردانیدیم و بیشتر آنها ایمان
 نیاوردند (۱۵۹) و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربان است (۱۶۰) قوم
 نمود نیز رسول خدای را تکذیب کردند (۱۶۱) هنگامی که پیغمبر آنها صالح
 به ایشان گفت آیا باز هم متقی و خدا ترس نمی‌شوید؟ (۱۶۲) من برای شما
 پیغمبر بسیار امین و غیر خواهم (۱۶۳) از خدا بترسید و راه اطاعت پیش
 گیرید (۱۶۴) من اجری از شما برای رسالت نمی‌خواهم و چشم پاداش جز
 بختی عالم ندارم (۱۶۵) آیا تا ابد از مرگ و دوا این ناز و نعمت دنیا خواهید
 ماند (۱۶۶) گمان دارید درایی باغهای باسفا و چشمه‌های آب گوارا
 (۱۶۷) و کشتها و خرماستان‌هایی که شکوفه‌های درختان آن لطیف است
 (۱۶۸) و خیال می‌کنید دایم در این صاداتی که در کوستان با کمال دقت
 بنا کرده‌اید به آسایش تمیث می‌کنید (۱۶۹) پس پند من بشنوید و از
 خدا بترسید و راه طاعت پیش گیرید (۱۷۰) و از رفتار رؤسای مسرف و
 ستمگری پیروی نکنید (۱۷۱) که آن مردم در زمین همه گونه فساد میکنند
 و هیچگونه به اصلاح حال خلق نمی‌پردازند (۱۷۲) قوم صالح گفتند
 یقین تو را سحر کرده‌اند (که دعوی نبوت میکنی) (۱۷۳) و (گرفته)

الْاِبْرَهِمَ وَمِثْلَ نَاقَاتِ بِلَآءٍ اِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ۝ لَمَّا لِهِيَ
 نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ۝ وَلَا تَمْتُوا بِسُوءِ
 قَبَاخُدْ كُرْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ فَصَبْرُوهَا قَآصِحٌ اَنَا وَمِثْنٌ ۝
 فَآخَذَهُمُ الْعَذَابُ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۝
 ۝ وَارِثَ رَبِّكَ لَمَّا الْوَالْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ۝ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِيْنَ ۝
 ۝ اِذْ قَالَ لَهُمْ اٰخُوهُمْ لُوطُ اَلَا تَتَّقُوْنَ ۝ اِنِّىْ لَكُمْ رَسُوْلٌ اٰمِيْنٌ ۝
 ۝ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُوْا ۝ هُوَ مَا اَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَمْوَالٍ
 اٰجِرِىْ اِلَّا عَلَى رِبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝ اَتَاْتُوْنَ الذِّكْرَ اِنْ مِنَ الْعٰلَمِيْنَ ۝
 ۝ وَتَذَرُوْنَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ اَزْوَاجِكُمْ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ
 عَادُوْنَ ۝ لَمَّا لَوْ الْكُنْزُ تَتَذَكَّرُوْنَ ۝ لَوْ لَتَكُوْنُنَّ مِنَ الْخٰرِجِيْنَ ۝
 ۝ قَالَ اِنِّىْ لَعَلَّكُمْ مِنَ الْعٰلَمِيْنَ ۝ رَبِّىْ يَتَّبِعْنِىْ وَاَهْلِىْ مِمَّا بَعَلُوْنَ ۝
 ۝ فَتَجَنَّبَا وَاصْلٰهُ اٰجَمِيْنَ ۝ اِلَّا تَجُوْزَا فِى الْعٰلَمِيْنَ ۝ فَتَذَرُ
 ۝ وَتَمُرُّنَا الْاٰخَرِيْنَ ۝ وَامْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَّطَرًا مَّسَاءً مَّطَرًا لَّتَذَكَّرُنَّ ۝
 ۝ اِنْ فِيْ ذٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۝ وَارِثَ
 ۝ رَبِّكَ لَمَّا الْوَالْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ۝ كَذَّبَتْ اَصْحٰبُ الْاَيْكَةِ الْمُرْسَلِيْنَ ۝
 ۝ اِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَبٌ اَلَا تَتَّقُوْنَ ۝ اِنِّىْ لَكُمْ رَسُوْلٌ اٰمِيْنٌ ۝
 ۝ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُوْا ۝ هُوَ مَا اَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَمْوَالٍ

مثلاً پشری پیش نستی اگر راست میگوئی (معجزی بیاور) (۱۵۴) صالح گفت این ناه
 آب نهر را روزی بنوش و روزی شما بنوشید (۱۵۵) و هرگز سوء قصدی بر ناه
 نکنید که بروز سخت عذاب گرفتار خواهید شد (۱۵۶) قوم صالح ناه را
 پی کردند و سیحگاه از کار خود بسیار پشیمان شدند (۱۵۷) آنگاه بعذاب
 موعود گرفتار شدند (و هلاک گردیدند) همانا در هلاک این قوم آیت عبرت
 برای دیگران بود (لیکن) اکثر مردم باز ایمان بخدا نیاوردند (۱۵۸)
 و هاماها خدای تو بسیار مقتدر و مهربان است (۱۵۹) قوم لوط نیز پیغمبران
 خود را تکذیب کردند (۱۶۰) هنگامی که پیغمبر مهربان آنها لوط گفت
 آیا (با آنکه شما هلاکت اهل کفر و عسیان پیشین را بچشم خود دیدید
 باز هم) خدا ترس و پرهیز کار نمی شوید (۱۶۱) من برای شما پیغمبری بسیار
 امین و خیر خواهم (۱۶۲) از خدا بترسید و راه طاعت وی پیش گیرید
 (۱۶۳) و من از شما اجری برای رسالت خود نمی خواهم و چشم پاداشی جز
 بخدای عالم ندارم (۱۶۴) آیا عمل زشت منکر را با مردان انجام می دهید
 (۱۶۵) و زنان را رها کرده همانا شما بسیار مردم متعدی نا بکاری هستید
 (۱۶۶) قوم در جواب لوط گفتند اگر از این بس دست از این نهی و منع
 بر نداری ترا از شهر بیرون خواهیم کرد (۱۶۷) لوط باز گفت من خود دشمن
 این کار زشت شما (و بیزار از آن) خواهیم بود (۱۶۸) بارالها من و اهل
 بیت را از عذاب این عمل زشت قوم نجات بخش (۱۶۹) ما هم او را با همه
 اهل پیشش نجات دادیم (۱۷۰) جز پیر زنی که در اهل عذاب باقی ماند (و
 بکیفر کفر با قوم هلاک گردید) (۱۷۱) آنگاه جز اهل بیت لوط همه را بخلاک
 هلاک نشانیدیم (۱۷۲) و آنها را بسنگباران عذاب که باران بسیار سختی
 بر سر بدکاران است هلاک ساختیم (۱۷۳) و در این هلاک قوم لوط نیز آیت
 عبرت بزرگی برای دیگران بود (لیکن) اکثر مردم باز ایمان بخدا
 نیاوردند (۱۷۴) و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربان است (۱۷۵) باز
 اسعاب ای که (یعنی امت شعیب) هم پیغمبران خود را تکذیب کردند
 (۱۷۶) هنگامی که رسواشان شعیب (در مقام نصیحت) با آنها گفت آیا شما
 خدا ترس و پرهیز کار نخواهید شد (۱۷۷) پند من بشنوید که من برای
 شما رسولی بسیار امین و خیر خواهم (۱۷۸) از خدا بترسید و راه طاعت
 وی پیش گیرید (۱۷۹) و من از شما هرگز اجر رسالت نمی خواهم

اجزى الا على ريت العالمين ﴿١﴾ اوفوا الكيل ولا تكونوا من
 الخسرين ﴿٢﴾ ورتوبوا بالنظائر المستقيم ﴿٣﴾ ولا تبصوا الناس
 اشياءهم ولا تصوا في الارض مفدين ﴿٤﴾ واتقوا الله خلقكم
 واليعة الاولين ﴿٥﴾ قالوا انما انت من الضارين ﴿٦﴾ وما انت
 الا بشر مثنا وان نظنك لمن الكاذبين ﴿٧﴾ فان سقط علينا
 كفا من السماء ان كنت من الصادقين ﴿٨﴾ قال ريت اعلو
 بما تعملون ﴿٩﴾ فكذبوه فآخذهم عذاب يوم الظلة اذ ان كان
 عذاب يوم عظيم ﴿١٠﴾ ان في ذلك لآية وما كان اكثرهم
 مؤمنين ﴿١١﴾ وان ربك لمو العزيز الرحيم ﴿١٢﴾ وانه لتنزيل
 ريت العالمين ﴿١٣﴾ نزل به الروح الامين ﴿١٤﴾ على قلبك لتكون
 من المنذرين ﴿١٥﴾ يسانع في مبين ﴿١٦﴾ وانه لفي زبر الاولين
 ﴿١٧﴾ اولئك لهم آية ان يعطيه علمو بني اسرائيل ﴿١٨﴾ ولو
 تولنا على بعض الانبياء ﴿١٩﴾ ففقر آء عليهم ما كانوا يهتدون
 ﴿٢٠﴾ كذلك سلطنا في قلوبنا الجحيميين ﴿٢١﴾ لا يؤمنون به حتى
 برؤا العذاب الاليم ﴿٢٢﴾ مبانيهم بغية وهم لا يستعرون ﴿٢٣﴾
 فيقولوا هل نحن منظر ﴿٢٤﴾ اقبعدنا يا يستعجلون ﴿٢٥﴾ افرأيت
 ان متعناهم مسنين ﴿٢٦﴾ ترجأناهم ما كانوا بوعدون ﴿٢٧﴾

و جز از خدای عالم یکس، چشم پاداش ندادم (۱۸۰) ای مردم آنچه
 میفروشید سنگ تمام بدهید و از کم فروشی (و گران فروشی که آنهم
 نوعی کم فروشی است) کناره گیرید (۱۸۱) اجناسی را با میزان
 صحیح بسنجید (۱۸۲) و آنچه به مردم می فروشید (تمام بدهید) از وزن
 و پیمان کم نگذارید و در زمین بظلم و فساد کاری برنخیزید (۱۸۳) و از
 خدائی که شما و همه طبایع پیشینیان را آفریده پترسید (۱۸۴) قوم شعیب
 پاسخ او گفتند ترا بی شک پسر و شعیبه مفتون کرده اند (۱۸۵) و
 تو جز آنکه پشری هستی مانند ما هیچگونه مزیتی بر دیگران نداری و
 ما تو را دروغ گو میپنداریم (۱۸۶) اگر راست میگوئی قلمه از آسمان را
 بر سر ما فرود آور (تا تصدیق تو کنیم) (۱۸۷) شعیب گفت خدا بهتر (بر صدق
 دعوی من) کذب قول و درشتی افعال شما آگاه است (۱۸۸) باز او را
 نکذیب کردند و عذاب سخت روز سابه بان گرفتار شدند که عذاب آن
 روز بسیار سخت بود (۱۸۹) و درین هلاک قوم شعیب نیز آیت بزرگی
 برای دیگران بود (و لیکن) اکثر مردم باز ایمان نیاوردند (۱۹۰) و
 همانا خدای تو بسیار مقنن و مهربانست (۱۹۱) و این قرآن بحقیقت
 از جانب خدا نازل شده (۱۹۲) جبرئیل (روح الامین) نازل گردانید
 (۱۹۳) و آر را بر قلب تو فرود آورده تا بحکمت و اندوזהای آن خلق
 را متذکر ساحت و از عذاب خدا پترسانی (۱۹۴) (و مردم را) بزبان
 عربی فصیح (هدایت کنی) (۱۹۵) و ذکر عظمت این قرآن در کتب
 انبیاء پیشین مسطور است (۱۹۶) آیا این خود آیت و برهان روشنی بر
 کافران نیست که علماء بنی اسرائیل از کتب انبیاء سلف بر این قرآن
 آگاهند (۱۹۷) و اگر ما این کتاب عربی را بر بعضی مردم عجم نازل
 میکردانیدیم (۱۹۸) و رسول بزبان تازی بر پارسیان قرائت می کرد
 آنان ایمان نمیآوردند باین عذر که قرآن چون بزبان ما نیست ما فهم
 آن نکرده و اعجاز آن را درک نمی کنیم اما شما قوم عرب با چه عذر
 ایمان نمیآوردید (۱۹۹) ما این قرآن را چنین در دل تبه کساران
 گذرانیدیم (۲۰۰) که تا مشاهده عذاب دردناک نکنند به این قرآن ایمان
 نمیآورند (۲۰۱) پس بناگاه وقت عذاب و ساعت قیامت که سخت از آن
 غافل بودند بآنها فرا رسد (۲۰۲) و آن کافران از شدت عقوبت گویند
 آیا بر ما مهلتی منظور میشود (۲۰۳) آیا اکنون که هنگام عذابشان
 هست (از تسخیر) انتقام ما را بتجلیل می طلبند (۲۰۴) ای رسول ما چه
 خواهی دید اگر ما چند سالی آنها را در دنیا مقنن سازیم (۲۰۵) سپس
 بمذابی که بر آنان وعده شده یکسر هلاک شوند (۲۰۶)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَحِنُونَ ﴿١﴾ وَمَا أَهْلَكَ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا
 مُنْذِرٌ رُّوِّهُ ﴿٢﴾ ذِكْرِي وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٣﴾ وَمَا تَنْزِيلُكَ إِلَّا الْبَيِّنَاتُ
 ﴿٤﴾ وَمَا يَنْبَغِي لِمَنْ وَمَا يَسْطِيعُونَ ﴿٥﴾ إِنَّمَنْ عَنِ التَّمَعُّقِ لَعَنُوا لَوْ
 ﴿٦﴾ فَلَا لَدُّعٍ مَعَ اللَّهِ إِنَّمَا أَتَرَفْتُمْ كُنَّ مِنَ الْعُتْدَةِ بَيْنَ ﴿٧﴾ وَأَنْتُمْ
 عَشِيرَتُكَ الْأَفْرَاهِينَ ﴿٨﴾ وَأَخْفَضَ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ
 الْمُؤْمِنِينَ ﴿٩﴾ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٠﴾
 وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحِيمِ ﴿١١﴾ الَّذِي بَرَّبَّكَ حِينَ تَقُومُ وَتَقْلَبُ
 فِي السَّاجِدِينَ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣﴾ هَلْ أَنْتُمْ مُرْسِلُونَ
 مَنْ تَنْزِيلِ السَّاطِطِينَ ﴿١٤﴾ تَنْزِيلٌ عَلَى كُلِّ آفَاقٍ آتِيهِمْ ﴿١٥﴾ بِالْقَوْنِ
 التَّمَعُّقِ وَكَثْرَتِهِمْ كَازِبُونَ ﴿١٦﴾ وَالْعُرَا يُبَيِّنُهُمُ الْعَاوُنُ ﴿١٧﴾
 أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَمْهِيُونَ ﴿١٨﴾ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ
 ﴿١٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَ
 انْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَعَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَعْيُنَهُمْ لِقَابِ
 الْعَذَابِ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَمْهِيُونَ ﴿٢٠﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَسَّ ذَٰلِكَ الْفُرْآنُ وَكَارِيسِينَ ﴿١﴾ مُدَّتْ بِشَيْءٍ لِّلْقَائِلِ
 ﴿٢﴾ الَّذِينَ يَقْبَهُونَ الصَّلَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ مِنْهُمْ

و بهره‌ای که از مال دنیا داشتند هیچ آنها را از عذاب نرساند (۳۰۷) و ما اهل هیچ‌داری را تا رسولی بحدایت و انعام حجت بر آنها نفرستادیم مگر آنکه بکسی نکردیم (۳۰۸) این پند و موضعه است (برای خوبان) و ما هرگز بکسی ستم نکردیم (۳۰۹) این قرآن را شیاطین نیاوردند (۳۱۰) و نه هرگز اینگونه سخنان از شیاطین شایسته است و نه قدرت بر نزول آن دارند (۳۱۱) که البته آنها از استماع وحی الهی معزولند (۳۱۲) پس تو ای رسول جز خدای یکتا احدی را مبودمخوان و گرنه از اهل عذاب خواهی شد (۳۱۳) نخست خویشان نزدیک را (از خدا) بفرسان (۳۱۴) آنگاه پر و بال مرحمت بر تمام پیروان با ایمان بتواضع بگستران (۳۱۵) و هرگاه قوم فرما ترا مخالفت کردند بآنها بگو من خود از کردار بدشما بیزارم (۳۱۶) و توکل بر آن خدای مقتدر مهربان کن (۳۱۷) آن خدا آنکه چون از شوقش بنماز برخیزی تو را مینگرد (۳۱۸) و به انتقال تو در اهل سجود (و به دوران تحولات از اصلاط شامعه به ارحام مظهر آگاه است) (۳۱۹) که او خدای شنوا و دانا بگفتار و کردار خلق است (۳۲۰) بگو به کافران که می‌خواهید من شمارا آگاه سازم که شیاطین برچه کسان نازل میشوند (۳۲۱) شیاطین بر هر شخص بسیار دروغگوی بدکاری نازل می‌شوند (۳۲۲) گوش فرامی‌دهند (تا حرف مؤمنان و فوای قدسی را دوده و بتابع خود برسانند) و اکثر دروغ می‌گویند (۳۲۳) و شاعران را مردم جاهل گمراه پیروی کنند (۳۲۴) آیا فکری که آنها خود بهره‌وادی حیرت سرگشته‌اند (۳۲۵) و آنها بسیار سخنان می‌گویند که بیک را عمل نمی‌کنند مگر آن شاعران که اهل ایمان و نیکوکار بوده و یاری‌دین خدا بسپار کردند و برای انتقام از جهی و ستمی که در حق آنها شده از خدا با الهام شریاری خواستند و البته آنان که ظلم و ستم کردند بزودی حوائج دانست که بچه کفر گاهی دودوخ انتقامی بازگشت می‌کنند (۳۲۷)

سورة نمل درمکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۹۳ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

طس این آیات بزرگ و کتاب هویدای خداست (۱) که هدایت و بشارت برای اهل ایمان است (۲) آنانکه پیاد خدا نماز بپا می‌دارند و زکوة به مسکینان می‌دهند و کاملاً بآل آخرت

يُؤْفُونَ هَكَذَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ذَاتِنَا لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ
 يَعْهَدُونَ ۝ وَلَكِنَّ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ هُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ
 الْآخِضُونَ ۝ وَآتَاكَ لَنَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ۝ إِذْ قَالَ
 مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَائِبَةً فِيهَا يُهْبِئُونَ ۝ أَتَيْتُكُمْ
 بِشِهَابٍ مُنِيرٍ لَعَلَّكُمْ تُصْطَلُونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَتْهَا نُورِي أَنْ يَبُورَكَ
 مِنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ بِأَمْرِ مُوسَى
 إِذْ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَأَلْقَى عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تُتَلَوُّ
 كَانُهَا جَانٌ وَلِي مُدِيرٌ ۝ وَأَوَّلُ يُعَاقِبُ بِأَمْرِ مُوسَى لِيُخَفِّفَ إِنْ لَاجْتِافَ
 لَدَى الْمُرْسَلُونَ ۝ وَمَنْ ظَلَمَ رَبًّا بَدَلْ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنْ
 غَفَوُ رَبِّهِمْ ۝ وَأَدْخَلَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخَرُّجَ بَيْضَاءَ مِنْ تَحْتِ يَدَيْهِ
 فِي يَتَبَعَ الْيَاثِ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ ۝ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝
 فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ أَلْبَانًا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا ضُرٌّ مَبِينٌ ۝ وَتَجَدَّاهَا
 وَاسْتَبَقْتُمَا أَنْفُسَهُمْ ظُلُمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
 الْمُفْسِدِينَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ
 لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَوَرِثَ
 سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عِلْمُنَا مَنْطِقُ الطَّيْرِ وَأَوْثِنَا
 مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۝ إِنَّ هَذَا هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ۝ وَخَيْرُ السُّلَاطِمَانِ

یقین دارند (۳) همانا آنان که ایمان به اهل آخرت نمی آورند ما اهلشان را در قشرشان جلوه دهیم بدلی مفرور (و گمراه) شوند (۴) آنها را هم (در دنیا) سخت ترین عذابت و هم در آخرت زیانکارترین خلقند (۵) وای رسول آیات قرآن عظیم از جانب خدای دانای حکیم بوحی بر تو انا میشود (۶) بیاد آر هنگامی که موسی به اهل بیئتش گفت مرا آتشی بنظر آمد می روم تا از آن بزودی خبر بیاورم یا شاید برای گرم شدن شامشله ای بر گرم بلند (۷) چون موسی بدان آتش نزدیک شد او را ندید! کردند که آنکس را که در اختیار این آتش است یا بگردش در طلب است یا این موهبت مقدس مبارک باد منزه و است که آفریننده عوالم بی حد و نهایت است (۸) ای موسی همانا منم خدای مقتدر دانای درستکار (۹) تو وعصای خود (و خودیت) بیفکن (چون عصا افکند) تا گاه موسی بر آن نکرست بجنبش و هیجان درآمد چنانکه از دهالی (مهیّب) گردید موسی از آن چنان بترسید که رو بفرار نهاد و دیگر واپس نگرزید (بدو خطاب شد) ای موسی مترس که پیغمبران در حضور من هرگز نمی ترسند (۱۰) مگر کسیکه چون ستمو کار بد کند بزودی (توبه کرده و) آن بد را بپیکوی مبدل گرداند تا خدایش ببخشد که همانا خدا بسیار آمرزنده و مهربانست (۱۱) ای موسی دست در گریبان خود کن تا چون بیرون آوری نه از مرض برس بلکه از لطف خدا سپید و روشن گردد آنگاه پانصد معجزه الهی بسوی رفون و قومش که گروهی فاسق و ناپکارند بر سالت روانه شو (۱۲) چون آیات و معجزات ما را بآنها ارائه داد گفتند که این معجزات بزرگسحری و روشن و آشکار است (۱۳) و با آنکه پیش نفس خود یقین دانستند (معجزه خداست) باز اراکبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند بنگر تا عاقبت آن مردم ستمکار فاسد بکجا انجامید (و چگونه هلاک شدند) (۱۴) و همانا ما به داود و سلیمان مقام داش عطا کردیم که (بشکرانه آن) گفتند ستایش و سپاس خدای را که ما را بر بسیاری از پندگان با ایمانش فنیست و برتری عطا فرمود (۱۵) و سلیمان که وارث ملک داود شد (و مقام سلطنت و خلافت یافت) به مردم گفت که ما را زبان مرغان آموختند و از هر گونه نعمت عطا کردند این همان فضل و بخشش آشکار است (از خدای متعال) (۱۶) و سپاهیان سلمان

جُودُهُ مِنَ الْيَمِينِ وَالْأَيْمَنِ الظُّلُمَاتِ فَنُورُ عُونٍ ١٥ حَتَّى إِذَا أَنزَلْنَا
 عَلَى وَادٍ الْقَمَلِ قَالَتْ تَمَلَّهْ يَا أَيُّهَا الْقَمَلُ اذْهَبْ وَأَسْأَلْكَ كَرَامًا لَا
 يَخْطُبُكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُودُهُ وَمَنْ لَا يَشْعُرُونَ ١٦ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا لِمَن
 قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَهَمَّتْ عَلَيَّ وَ
 عَلَى وَاِلْدَيْنِ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَذْهَبْنِي بَرَحْمَتِكَ فِي
 عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ١٧ وَتَفَقَّدَ الظَّالِمُ خَالًا مَالِي لَا آرَى
 الْهُدَى هَذَا أَمْرًا كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ١٨ لَأَعْلَيْنَا عَنْكَ يَا شَدِيدًا
 أَوْ لَا ذِمَّةَ أَوْ لَهَا يَتَنَبَّي بِالسَّاطِنِ مُبِينٍ ١٩ فَتَمَكَّ تَحْمِيصُ
 فَقَالَ أَحْطُ بِهَا لَوْ خُطِبَ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَلٍ يَبْسُاطِينَ ٢٠
 إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ
 عَظِيمٌ ٢١ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّجَرِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ
 زَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّتْهُمْ عَنْ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا
 يَهْتَدُونَ ٢٢ أَلَا يَسْجُدُونَ لِلَّهِ الَّذِي يَخْرِجُ الْحَيَاةَ مِنَ الْمَوْتِ
 وَالْأَرْضِ بَعْدَ زَيْلِهَا يَخْضُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ٢٣ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ٢٤ قَالَ سَتُنظرُ أَصْدَقْتُ أَمْ كُنتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ
 إِذْ هَبَّ بِيكَايُهُ هَذَا قَالَ لِيَا إِلَهِي أَلَيْسَ لِي قَوْلٌ عَنْهُمْ فَاظْهَرُ مَا أَتَّبِعُ
 ٢٥ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَى إِنِّي أَتِيْتُكَ بِكِابٍ كَرِيمٍ ٢٦ فَأَمِّنْ سُلَيْمَانُ

از گروه جن و انس و مرغان و سبای تحت فرمان رئیس خود در رکابش حاضر آمدند (۱۷) در آنجا که بوادی مورچگان رسید موری (پیشوای موران) چون جلال سلیمان و سپاه عظیم آنان مشاهده کرد گفت ای موران همه بخانه‌های خود اندر روید مبادا سلیمان و سپاهش ندانسته شمارا پایمال کنند (۱۸) سلیمان از گفتار مور بختید و گفت پروردگارا! مرا توفیق شکر نعمت خود که بمن و پدر من عطا فرمودی عنایت فرما و مرا بعمل صالح خالصی که تو بیستی موفق بدار و مرا بطنف و رحمت در سف بندگان (خالص) شایسته ات داخل گردان (۱۹) و سلیمان از ارمان سپاه خود جوای حال مرغان شد (همه را نیافت به عقاب) گفت همد کجا شد که به‌طور نمی‌بینمش بلکه غیبت کرده است (۱۰) (چنانچه بدون عذر غایب شده) همانا او را به‌دایی سخت معذب گردانم یا آنکه سرش از تن جدا کنم یا که برای غیبتش دلیلی روشن بیاورد (۱۱) پس از اندک مکثی گفت من بچیزی که تو از آن در جهان آگاه نشده‌ای خبر یافته‌ام و از ملک سبا بطور یقین ترا خبری مهم آورده‌ام (۱۲) همانا در آن ملک زنی را یافته‌ام که بر مردم آن کشور پادشاهی داشت و بان زن هر گونه امور دنیوی عطا شده بود و علاوه بر اینها تخت بزرگ داشت (۱۳) آن زن با تمام رعیتش یافته که خدا را از یاد برده و بجای خدا خورشید را می‌پرستیدند و شیطان اعمال زشت آنان را در نظرشان زیبا جلوه داده و آنها را بکلی از راه خدا باز داشته تا هرگز بحق هدایت نیابند (۱۴) و خدا پرا که هر پنهان را (در ظلمت عدم) برضه ظهور آورده و پنهان و آشکار خلق آگاه است پرستش نکنند (۱۵) (در صورتی که) خدای یکتا که جز او هیچ خدائی نیست پروردگار عرش با عظمت است (۱۶) سلیمان همه را گفت باید تحقیق کنم تا صدق و کذب سخنش را دریابم (۱۷) اینک نامه مرا بجای آن بان و باز شو تا بنگری پاسخ چه می‌دهند (۱۸) (چون همه نامه را از منقار روبه بلقیس افکند بشگفت آمد و مهر نامه را بگرفت و بدقت مطالعه کرد آن را بسیار مهم یافت) بلقیس (دو برجالد و بارش کرد و) گفت نامه بزرگی بمن رسیده است (۱۹) که آن نامه از جانب سلیمان و

وَأَنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ١٥ لَا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي سَلِيمِينَ
 ١٦ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا فُتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا خَلَقَ
 ثُمَّ هُوَ ١٧ قَالُوا تَحْنُ أَوْ لَوْ قُوَّةٌ وَأُولُو أُوْبَابٍ شَدِيدٌ ١٨ الْأَمْرُ
 إِلَيْكَ فَانْطَرِي مَاذَا أَأْمُرِي ١٩ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً
 أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا آيَةً ٢٠ أَهْلِهَا آيَةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ٢١
 وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِدَرْجِ الْمُرْسَلُونَ ٢٢
 فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَ بِعَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَبَرٌ بِمَا
 آتَيْتُكُمْ قَبْلَ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ٢٣ ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ
 بِخَبَرٍ لَا يَفْئِلُ لَهُمْ بَئِهَا وَلَفْجَ جَهَنَّمَ مِنْهَا آيَةٌ لَهُمْ صَاحِرُونَ ٢٤
 قَالُوا يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي نَبِيٌّ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فَاتُّبِعُوا ٢٥
 قَالِ عَصِيْبِيُّ مِنْ أَيْنَ آتَاكَ بِهَدِيَّتِكَ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ ٢٦
 إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ٢٧ قَالِ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ ٢٨
 أَنَا أَنَا قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُتَقَرَّبًا وَعِنْدَهُ
 فَالْهُدَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لَئِذَا لَبِيتُكَ ٢٩ أَشْكُرَ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا
 يَكْتُمُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ أَكْفَرًا فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ٣٠ قَالِ تَكَرَّرَ إِلَيْهَا
 عَزْمُهُمَا فَانْظُرْ أَهَئِنَّمَا لَم تَكُونِ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ٣١ فَلَمَّا
 جَاءَتْ قَبِلَ أَمْرُكَ أَتَىكَ فَتَاتَكَ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوبِنَا الْعِلْمَ

عناوش بنام خدای بخشنده مهر بان است (۳۰) (و بعد نوشته) که بر من برتری
 مجوید و تسلیم امر من شوید (۳۱) آنگاه به مشورت گفت ای رجال کفور شما
 یکا من رای دهید که من تا کون بی حضور شما بهیچکار تصمیم نگرفته‌ام
 (۳۲) رجال ملک به او اظهار داشتند که ما دارای نیروی کامل و مردان
 جنگجوی مقتدری هستیم لیکن اختیار پاشا تا صلح و تسلیم تا بهنگ
 و خلاف بفکر روشن چه دستور فرمائی (۳۳) بلقیس گفت پادشاهان چون
 بدیاری حمله آرند آن کشور را ویران سازند و عزیزترین اشخاص
 مملکت را ذلیل‌ترین افراد می‌گیرند و رسم و سیاستشان بر این کار خواهد
 بود (۳۴) حال من هدیه‌ای بر آنان بفرستم تا ببینم فرستادگان از جانب
 سلیمان پاسخ چگونه باز آرند (۳۵) چون فرستادگان بلقیس حضور
 سلیمان رسیدند گفت شما خواهید که مرا به مال دنیا مدد کنید آنچه
 خدا به من از ملک و مال بی‌شمار عطا فرموده بسیار بهتر از این مختصر
 هدیه شامت آری شما مردم دنیا خود بدین هدایا شاد شوید (۳۶) ای
 فرستاده بلقیسیان با هدایا بسوی آنان باز شو که من لشکری پیشما که
 هیچ با آن مقاومت نتواند کرد بر آنها می‌فرستم و آنها را با ذلت و خواری
 از آن ملک بیرون می‌کنم (۳۷) آنگاه سلیمان دو پضار بارگاه کرد و
 گفت کدام یک تخت بلقیس را پیش از آنکه تسلیم امر من شود خواهد
 آورد: (۳۸) هفرت جن گفت من چنان بر آورده تخت او را دوا می‌کنم که پیش از
 آنکه تراز جایگاه خود بر خیزی آنرا به حضور آورم: (۳۹) و آن کسی که پلم
 کتاب الهی‌دان بود (آصف برخیا یا خضر یا سلیمان) گفت که من پیش از آنکه
 چشم بر هم زنی تخت را بدینجا آورم پس سلیمان سریر را نزد خود مشاهده کرد
 گفت این توانائی از فضل خدای منست تا مرا بیازماید که نعمتی را شکر
 می‌گویم یا کفران می‌کنم و هر کس شکر نیست حق کند شکر بنعم حویش کرده
 همتا خدا را از شکر خلق بی‌نیاز (و بر کافر) کریم و مهر بان است (۴۰) آنگاه
 سلیمان گفت تخت بلقیس را بر او ناشناس گردانید تا بفکریم که وی سریر
 بخود را خواهد شناخت پانه (یعنی تا آزموده شود که او زنی است حقیقت
 بین و دخترش بهالم حقایق و لایق پیشوائی است یا چون دیگر زنان بنفرب
 صورت شکل و رنگ مفروز و برای ریاست نالایق است (۴۱) هنگامی که
 بلقیس آمد از او پرسیدند که عرش تو چنین است

مِنْ قَبْلِهَا وَكُفَّاهِمْ مِنْ دُونِ
 اللَّهِ إِنَّمَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ ۝ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا
 رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا فَإِذَا فِيهِ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ
 مِنْ قَوَارِيرَ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ
 إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ
 اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَأْسَكُمْ
 بَالِيتٌ قَبْلَ الْكَفَّةِ لَوْلَا تَتَذَكَّرُونَ ۝ اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ
 ۝ قَالُوا أَظْهَرَ نَائِكَ وَبَيْنَ مَعَكَ قَالَ طَائِفَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ بِالْأَنفِ
 قَوْمٌ مُقْتَنُونَ ۝ وَكَانَ فِي الْمَدْيَنَةِ زَيْنَةُ زَاهِدَةٌ يَبْغِي دُونََ فِي
 الْأَرْضِ لَا يَبْصُلُونَ ۝ قَالُوا اتَّقُوا اللَّهَ يَا زَيْنَةُ لَكِنَّتِ وَأَهْلُهُ
 زَيْنَةُ لَقَوْلَنَ لَوْلِي مَا شَهِدْنَا هَذَا هَذَا أَهْلُهُ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ۝
 وَمَكْرُؤُا مَكْرَأٍ وَمَكْرُؤُا مَكْرَأٍ وَهُمْ لَا يَتَذَكَّرُونَ ۝ فَانْظُرْ كَيْفَ
 كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَرِمِينَ ۝ أَنَا دَرَسْنَا هُمْ وَقَوْمُهُمْ أَجْعَلِينَ ۝ قِيلَ لَكَ
 يَبْنُوهُمْ خَاوِيَةً يَأْظَلُّوْنَ فِي ذَلِكَ الْأَهْلُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝
 وَأَخْبَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَافُوا يَتَّقُونَ ۝ وَلَوْ طَا إِذْ قَالَ لِقَوْمِي
 أَنَا نُونُ الْفَاجِئَةِ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ۝ إِنَّمَا نُنَاوِنُ الرِّجَالَ
 شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُجْهَلُونَ ۝ فَمَا كَانَ جَوَابَ

وی گفت گویا همین است و ما از این پیش بدین دانا و تسلیم امر خدا بودیم
 (۴۲) و بلقیس را پرستش غیر خدا از خدا پرستی باز داشته و از فرقه کافران
 (مشرک) شمار بود (۴۳) آنگاه با بلقیس را گفتند که اینک در ساحت این قصر داخل
 شوئی چون کوشک را مشاهده کرد پنداشت که لجه آید و جابه از ساق پا بر
 گرفت و گفت این قصریست از آبیگنه صاف (از آن دستگاه بهیتر آمد و)
 گفت بارالها سخت بر نفس خویش ستم کردم و اینک با (رسول تو) سلیمان تسلیم
 فرمان پروردگار عالمیان گردیدم (۴۴) و ما بقوم ثمود برادرشان صالح را به
 رسالت فرستادیم که بگوید خدای یکتا را پرستید قوم برده و فرقه شدند (و با هم)
 به محاصره و جدال پرداختند (۴۵) صالح گفت چرا پیش از نیکو کاری بید کاری
 می شتابید چرا از کردار زشت استغفار بدرگاه خدا نمی کنید تا شاید مودود
 عفو و رحمت شوید (۴۶) آن کافران چنین گفتند ما بوجود تو و پیروان تال بال بد
 میز نیم صالح گفت این فال بد شما نزد خدا معلوم است که شما خود موجب این امتحان
 و ایستاده اید (۴۷) و در شهرستان قوم صالح نه (نفر از رؤسای) قبیله بودند
 که دایم در زمین بختنه و فساد میپرداختند و هرگز قدمی صلاح حق
 بر نمی داشتند (۴۸) آن رؤسای مفسد بقوم صالح گفتند که شما هم قسم شوید
 که شبخون زبید و شبانه صبح را بقتل برسانید و آنگاه بوارت او همه
 شهادت خواهیم داد که ما به مکان او تکاب قتل هم حاضر نبودیم و البته
 ما راست می گوئیم (۴۹) و آن کافران در قتل صالح مکر و حیله بکار بردند
 و ما آنها را از جایی که هیچ نفهتند سخت بکفر مکرشان رسانیدیم
 (۵۰) بنگر که پایان مکرشان چه شد عاقبت ما آنانکه در قتل صالح
 حیله و مکر کار بستند همه را با بستگانان هلاک کردیم (۵۱) اینست
 خانه های بی صاحب ایشان که چون ظلم کردند همه ویران شد و در این
 کار برای دانا یان آیت عبرت است (۵۲) و اهل ایمانی که پرهیز کار و
 خدا ترس بودند آنها را از عذاب نجات دادیم (۵۳) و پیغمبر ما لوط
 وقتی بقوم خود گفت آیا شما با آنکه بصیرت برزشتی عمل خود دارید باز
 مرتکب چنین کار منکری میشوید (۵۴) آیا شما یا مردان شهوت رانی
 کرده و زنان را ترک می گوئید آری شما بسیار مردم جهالت پیشه هستید
 (۵۵) قوم لوط به او جوابی ندادند

قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُو آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ لَا أَهَمُّ لَنَا
 بِنَبِيِّكُمْ وَلَا أَهَمُّ لَنَا بِاللَّهِ وَلَا أَمْرًا لَهُ إِلَّا أَمْرًا تَقَدَّرْنَا هَاهُنَا لِنُغَايِرَ
 ٥٠ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا قَاسًا مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ٥١ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ خَبِيرٌ أَمَا يُبْشِرُ كُونَ
 آمَنَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
 فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا
 ٥٢ إِنْ يَشَاءُ اللَّهُ يُمْسِكْ بِلُوحِيكُمْ أَنْ تَصْعَدُوا فِي الْأَرْضِ
 قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاقِيًا وَجَعَلَ بَيْنَ
 الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٥٣ أَمْ
 يُحِبُّ الْمُنْظَرُ إِذَا دَاعَاهُ وَيَكْثِفُ السَّيْلُ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءً
 ٥٤ الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ٥٥ أَمْ يَنْتَظِرُونَ أَنْ
 يَكُونَ لَهُمْ كَلْبٌ أَوْ يَكُونَ لَهُمْ آيَاتُ السَّمَوَاتِ أَوْ يَكُونَ لَهُمْ
 آيَاتُ السَّاعَةِ أَوْ يَكُونَ لَهُمْ كُنُوزٌ غَيْرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 ٥٦ أَمْ يَنْتَظِرُونَ أَنْ يَكُونَ لَهُمْ كَلْبٌ أَوْ يَكُونَ لَهُمْ آيَاتُ
 السَّمَوَاتِ أَوْ يَكُونَ لَهُمْ آيَاتُ السَّاعَةِ أَوْ يَكُونَ لَهُمْ كُنُوزٌ
 غَيْرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ٥٧ أَمْ يَنْتَظِرُونَ أَنْ يَكُونَ لَهُمْ
 كَلْبٌ أَوْ يَكُونَ لَهُمْ آيَاتُ السَّمَوَاتِ أَوْ يَكُونَ لَهُمْ آيَاتُ
 السَّاعَةِ أَوْ يَكُونَ لَهُمْ كُنُوزٌ غَيْرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ٥٨

جز آنکه بایکدیگر گفتند که لوط را با همه اهل بیتش که از این کار تنزه و دوری می جویند از شهر خود بیرون کنید (۵۶) ما هم لوط را با همه اهل بیتش جز زن کافراو که مقدر بود میان اهل عذاب باقی ماند همرا نجات دادیم (۵۷) و بر سر آنها سنگباران هلاک بارانندیم که بسیار بد باران هلاکتی است بر آن قوم بد کار (۵۷) ای رسول بگوستایش مخصوصی خداست و سلام خاص بر بندگان برگزیده خدا آ یا خدای آفریننده جهان بهتر و پرستی را سزاوارتر است یا آنچه شریک خدا می شمارد که کعبه عاجز و ناتوان و دستموش مرگ و فنا هستند (۵۹) آ یا آن کیست (جز خدای یکتا) که آسمانها و زمین را خلق کرده و از آسمان برای شما باران می فرستد تا بآن درختان باغ و پستانهای شمارا در کمال سبزی و خرمی میرساند و باینهمه گزشتا از پیش خود قادر بر رویانیدن آن درختان نیستید آ یا با وجود خدای یکتا خدایی هست (هرگز خدایی نیست) لیکن این مشرکان بروی از خدای گردانند (۶۰) آ یا آن کیست (جز خدای یکتا) که زمین را آرامگاه شما قرار داد و در آن نهرهای آب (برای شرب خود و حیوانات و ذراعات و اشجار شما) جاری کرد و کوهها بر افراشت و میان دو دریا (بقلمه از زمین) حایل گردانید آ یا با وجود خدای قادر یکتا خدایی هست (هرگز نیست) لیکن اکثر مردم بر این حقیقت آگاه نیستند (۶۱) آ یا آن کیست که دغای بیچارگان مفضل را با جاپات می زند و رنج و غم آنان را بر طرف می سازد و شما مسلمین را جانشینان اهل زمین قرار میدهد آ یا با وجود خدای یکتا خدایی هست (هرگز نیست) لیکن اندکی مردم متذکر این حقیقتند (۶۲) آ یا آن کیست که در تار و پیکهای بر و بحر عالم (شما را هدایت می کند) و کیست که بیادها مژده باران رحمت می فرستد آ یا با وجود خدای یکتا خدایی هست (هرگز نیست) او بی برتر و بالاتر است از آنچه مشرکان جاهل (شریکوی می شمردند) آ یا آن کیست که نیست آفرینش را آغاز می کند آنگاه همه را بسوی خود) بازمی گرداند (۶۳) آ یا کیست که از (قوای) آسمان و زمین بشما روزی می دهد آ یا با وجود خدای یکتا خدایی هست (هرگز نیست) مشرکان را بگو اگر راست می گوئید که غیر خدا هم کسی در آفرینش مؤثر است بر دعوی خود پرمانی بیاورید (۶۴) ای رسول ما بگو که در همه آسمانها و زمین جز خدا کسی از علم غیب آگاه نیست و هیچ نمی دانند که چه هنگام زنده و برانگیخته خواهند شد (۶۵) بلکه (این مدعیان نادان امروز) بروز قیامت دانا شوند و تدارک عمل کنند که اینان از قیامت هم در شك و ریبند بلکه بکلی از عالم آخرت بی خبر و از معاهده آن جهان

عَمُونَ ۖ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَآتَانَا كِتَابًا وَآبَاءُنَا أَكْفَرُونَ
 ۖ لَقَدْ وُعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِن هَذَا إِلَّا آسَافُ
 الْأَوَّلِينَ ۖ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ
 ۖ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ۖ وَيَقُولُونَ
 مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۖ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدِفٌ
 لَّكُم بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ۖ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ
 وَلَئِنْ أَكْثَرْتُمْ لَيَشْكُرُنَّ ۖ وَإِنَّ رَبَّكَ لَبَعْلَمُ مَا تَكِنُّ صُدُوقُهُمْ
 وَمَا يَعْلَمُونَ ۖ وَمَا مِنْ غَافِقَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ
 مُبِينٍ ۖ وَإِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفُضُّ عَلَى نَبِيِّ سُرَاتِهَا أَكْثَرُ الَّذِي
 فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۖ وَإِنَّهُ لَهْدَى رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ۖ وَإِنَّ رَبَّكَ
 يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ۖ تَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ
 عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ۖ إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمِعُ الضَّمَمَ الدَّعَاةَ
 إِذَا أَوْأَمَدِيرِينَ ۖ وَمَا أَنْتَ بِإِذَى الْعِيِّ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِن
 تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ۖ وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْنَا
 أَعْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا
 لَا يُوقِنُونَ ۖ وَهُمْ يَخْشَوْنَ كُلَّ أُمَّةٍ فَوَجَاءَ مِنْ يَكْدِ بِلَايَاتِنَا
 قَوْمٌ يُورَعُونَ ۖ مَتَى إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكُنْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تَحْطُوا

کورند (۶۹) و کافران گفتند که آیا هرگاه ما چون مردم و یکسر خاک
 شدیم باز (در قیامت زنده شویم و) سراز خاک بیرون میآوریم (۷۰) به
 ما و پیش از این بیدران ما وعدهها داده شد (لیکن) این سخنان چیزی
 جز افسانههای پیشینیان نیست (۷۱) بگو در روی زمین سیر کنید تا
 بنگرید که عاقبت کار بدکاران بکجا کشید (و چگونه همه هلاک شدند
 (۷۲) ای رسول تو بر کفر و بدبختی این کافران اندوهناک مشو و از
 مکر آنان نیز دلتنگ مباش (که ما قادر) به انتقام آنها ایم (۷۳) و کافران
 میگویند پس این وعده (قیامت) اگر راست میگوید کی خواهد بود (۷۴)
 بگو ای پیغمبر بعضی از آن وعده که بوقوعش تعجیل دارید بدین زودی
 شاید در پی شما آید (۷۵) و همانا خدای تو در باره خلق دارای فضل و
 رحمت است ولیکن اکثر مردم شکر نعمتش بجا نیاورند (۷۶) و همانا
 خدای تو بر آنچه خلق در دلها پنهان کنند یا آشکار سازند همه آگاه
 است (۷۷) هیچ امری در آسمان و زمین پنهان نیست جز آنکه در کتاب
 (علم الهی) آشکار است (۷۸) همانا این قرآن اکثر احکامی که بنی-
 اسرائیل در آن اختلاف می کنند کاملاً بیان خواهد کرد (و حکم توری را
 آشکار می سازد) (۷۹) و هم این کتاب خدا برای اهل ایمان هدایت و رحمت
 کامل است (۸۰) ای رسول ما خدای تو میان این مردم حکم خواهد
 کرد که او خدای مقتدر و داناست (۸۱) پس تو بر خدای (دانا) توانا
 توکل کن که تو البته (رسول) برحق و حقانیت بر همه آشکار است
 (۸۲) همانا تو (با آنکه پیغمبر بحق و هادی مطلق) باز نتوانی که مردگان
 و مرده دلا (کفر) را سخنی بشنوانی و یا کفران (باطن) را که (بگمراهی)
 از گفتارت روی میگردانند بحقیقت شنوا کنی (۸۳) و تو هرگز نتوانی
 که این کوران (باطن) را از گمراهی هدایت کنی تنها آنان که بآیات ما
 ایمان میآورند تو آنها را میتوانی سخن بشنوانی و براه حق هدایت کنی
 و ایشانند که تسلیم امر خدا هستند (۸۴) و هنگامی که وعده مذهب کافران
 بوقوع پیوندد (و زمان انتقام بظهور قائم فرا رسد) چندی از زمین
 برانگیزیم که با آنان تکلم کند که مردم بآیات ما (بعد از این) از روی
 یقین نمیگردند (در اخبار امامیه چندی که در آیه مذکور است
 (دابة الارض) بر حمت حضرت امیر (ع) و ظهور حضرت قائم یا خودولی
 حسن عجل الله تعالی فرجه تسمیر شده (۸۵) و ای رسول پیاد امت آر دوزی
 را که خلق بر سر قیامت از هر قومی یکدمه را که تکذیب آیات ما میکنند
 برانگیزیم و آنها (برای سؤال) باز داشته خواهند شد (۸۶) تا آنگاه که
 همه آمدند خدا با آنها بفرماید که آیات مرا که بان احاطه علمی نیافتید
 از جهل و خودسری تکذیب کردید

يَا عَلِمًا أَمَّا ذَاكُمُ تَعْمَلُونَ ۖ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا
فَهُمْ لَا يَهْتَفِقُونَ ۝ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُوا فِيهِ
النَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ وَتَوَدَّعُوا
فِي الصُّورِ فَفَرَّعَ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ
اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ ۝ وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ
تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ۖ ضَمَعَ اللَّهُ الَّذِي تَقْنُ كُلُّ شَيْءٍ إِنَّا نَحْبِرُهُمْ بِمَا تَعْمَلُونَ
۝ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَرْعِ هُودٍ
أَيُّنُونَ ۝ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّبَةِ فَكَتَبَتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ ۚ هَلْ
تُحْزَنُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ تَعْبُدُوا رَبَّ
هَذِهِ الْبَلَدِ ۚ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَإِمْرُتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ
الْمُسْلِمِينَ ۝ وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ فَمِنْ أُمَّتِي فَلَا تَمَاجِدِي
لِنَفْسِي ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَضْلُ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ ۝ وَقُلِ الْحَمْدُ
لِلَّهِ سُبْحَانَ آبَائِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝

سورة القصص يكتفي بها من يمان بما كان آتيا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طسم ۝ ذَٰلِكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ تَتْلُوهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَنِي مُوسَى
وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ

آیات در مقابل عمل با آن آیات چه کردید از کفر و عیان همه را برخلاف کردید (اینک به کبیر خود میرسید) (۸۶) و فرمان عذاب (شدید) به کبیر (کفر) ظلم بر آنها برسد و هیچ سخن نتوانند گفت (۸۵) آیا کافران ندیدند که ما شب را تاریک برای سکون و آرامش خلق قرار دادیم و روز را روشن همانا این در وضع شب و روز آیات و نشانیهای قدرت الهی برای اهل ایمان پدیدار است (۸۶) و روزی را که سوز (اسرافیل) دمیده شود آن روز هر که در آسمانها و هر که در زمین است جز آنرا که خدا خواسته همه ترسان و هراسان باشند و همه متقاد و ذلیل به محشر در آیند (۸۷) و در آن روز کوهها را بگری و جامد و ساکن تصور کنی در صورتی که مانند ابر در حرکتند (۸۸) صنع خداست که هر چیزی را در کمال اتقان و استحکام ساخته که علم کامل او با فمال همه شما حلائیق محیط است (۸۹) کسانی که (در قیامت) نیکوکار آیند پاداش بهتر از آن یابند و هم از هول و هراس قیامت ایمن باشند (۹۰) و کسانی که بدکار و زشت کردار آیند در آن روز برو در آتش جهنم افتند آیا (جز آنکه جزاء اعمال آنهاست) (۹۱) (ای رسول بگو) من مأموم که منحصر خداى این بلد مکه معظمه را که بیت الحرامش قرار داده پرستش کنم که آن خدا مالک هر چیز عالم است و باز مأموم که از تسلیم شدگان فرمان او باشم (۹۲) و نیز مأموم که قرآن را بحکم وظیفه رسالت تلاوت کنم پس هر کس هدایت یافت بفتح خود هدایت یافته و هر کس گمراه شد بزبان اوست و بگو که جز آنکه از پیمبرانی هستم که برای ترسانیدن خلق آمدهام و وظیفه دیگر ندارم (۹۳) و بگو ستایش مخصوص خداست که بزودی آیات قدرتش را بشما ابراهه خواهد داد تا آنرا بشناسید و خدا هرگز غافل از کردار شما نیست (۹۴)

سورة قصص در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر هشتاد و هشت آیه

میباشد بنام خدای بخشنده مهربان

تسمیه (شاید از اشاره با اسماء یا نام سوره است قسم بان یاد شده) (۱) نیست آیات کتاب خدا که روشن کننده (حق است از باطل) (۲) (ای رسول) ما از حکایت موسی و فرعون بحق یرتو بیان می کنیم تا تو و اهل ایمان از دانستن آن منتفع شوند (۳) همانا فرعون در زمین (مصر)

وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِيعُ ظِلْفًا مِّنْهُمُ يُدْرِكُ أَبْنَاَهُمْ وَ
يَسْتَجِيبُ لِنَاهِمُ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ ⑤ وَزَيْدٌ أَن تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ
اسْتَضَاعُوا فِي الْأَرْضِ بَعْلَهُمْ أَمْنًا وَبَعْلَهُمُ الْوَارِثِينَ ⑥
وَيَمْكُنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ يَرَوْا فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُودَهُمَا إِنَّهُمْ
مَا كَانُوا بِحُدُورِهِ ⑦ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أِمْرِئِ مُوسَىٰ أَن أَضْغَبْهُ فَإِذَا
خِضَّ عَلَيْهِ قَالِيبُهُ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا نَأْتِيهِ بِآيَاتِهِ
الْبَاطِنِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ⑧ قَالَ لَقَدْ ظَنَنَّا لِأَن فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ
لَهُمْ عَذَابٌ وَآخِرُ نَأْيٍ أَن فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ
⑨ وَقَالَ لِيَمْرَأَتِي فِرْعَوْنُ قَرَّةٌ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ لَا تَقْلُبُوهُ عَمَى
أَن يَنْفَعَنَا أَوْ نَفْعَهُ وَلَذَّاءُ لَهُمْ لَا تَعْلَمُونَ ⑩ وَأَصْبَحَ قَوَادِرُ
مُوسَىٰ قَارِعًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَّنَا عَلَيَّ قَلْبُهَا
لَتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ⑪ وَقَالَ لِيَاخِيهِ قُصِّيبُهُ قَبْصَرْتُ بِهِ
عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَتَعْلَمُونَ ⑫ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاعِعَ مِنْ قَبْلُ
فَقَالَ هَلْ أَذْكَاءٌ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِي يَكْفُلُونَهُ لَكَرَاهٍ وَمَنْ لَهُ
نَاصِحُونَ ⑬ قَرَّةٌ ذُنَاهُ إِلَىٰ آيَةٍ كِي تَقَرَّ عَنْهَا وَلَا تَحْزَنْ وَلِلْعَلَمِ
أَن وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ⑭ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ
وَأَمْتَوَىٰ أَتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ⑮

تکبر و گردنکشی آغاز کرد و میان اهل آن سرزمین تفرقه و اختلاف افکند و طایفه را سخت ضعیف و ذلیل کرد پس ایشان را می کشت و زنان شان را زنده می گذاشت و همانا فرعون مردی بسیار مفسد و بد اندیش بوم (۴) لوما اراده کردیم که بر آن طایفه ضعیف ذلیل در آن سرزمین منت گذارد و آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم (۵) و در زمین بانها قدرت و تمکین بخشیم و بچشم فرعون و همانا لشکریان شان آنچه را که از آن اندیشه ناک و ترسان بودند بنمائیم (۶) و به مادر موسی و من کردیم که طفلی را شیر ده و چون از آسیب فرعونیان بر ای ترسان شوی بدریا ادکن و دیگر بر او هرگز مفرس و محزون مباش که ما او را پتو باز آوریم و هم از پیغمبران مرسلش گردانیم (۷) اهل بیت فرعون (آسیه) موسی را از دریا برگرفت تا در نتیجه دشمن و مایه اندوه آل فرعون شود (و به مشیت خدا فرعون دشمن خود را پیرورد) همانا و لشکریان شان بسیار نادان و محلاکار بودند (۸) از فرعون گفت این کودک را میکشید که نور دیده من و تست باشد در خدمت ما سودمند اند و یا او را بفرزندی خود برگیریم و آنها (از حال موسی) بخیر بودند (۹) اسبگاه مادر موسی دلش فارغ بود و بعدی غم و اندوه قلبش را فرا گرفت که اگر نه ما دلش را بر جای نگاه داشتیم تا ایمانش برقرار ماند نزدیک بود از دودش را آتشکار سازد (۱۰) آنگاه مادر موسی بخیر اهر گفت که از پی طلم رو (و از حالش جو یا شو خواهر) رفت و موسی را از دور دید و شناخت و آل فرعون وی را شناختند (۱۱) و مادرش بر دایه را بر او حرام کردیم و آل فرعون با محبت قلبی که باو داشتند در پی هر دایه که پستانش را طفل بگیرد برآمدند خاله موسی گفت آیا ما بایلد که من شما را بر خانواده که دایه و پرستار این طفل شوند و در کمال محبت و مهربانی تربیت کنند رهنمائی کنم (۱۲) و بدین وسیله ما موسی را به مادرش برگردانیدیم تا دیدارش بجمال موسی روشن شود و جزین و اندوهش بکلی برطرف گردد و نیز بطور یقین بداند که وعده خدا حق است لیکن اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند (۱۳) آنگاه که موسی بن عقل و رشد رسید و حد کمال یافت ما باو مقام و علم حکم نبوت عطا کردیم و چنین پاداشی به مردم نیکوکار می دهیم (۱۴) و

دَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا وَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ
 يَقْتُلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَانْتَحَاةُ الدِّينِ
 مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ
 هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ ١٥ قَالَ رَبِّ إِنِّي
 ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ١٦ قَالَ رَبِّ
 إِنَّمَا أَتَيْتُ عَلَى قَلَنْ أَكُونُ ظَهِيرًا لِلْجَبِينِ ١٧ فَاصْبِرْ فِي الْمَدِينَةِ
 خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِنَّ الَّذِي نَسْتَعِصِمُ بِهِ الْأَمِينَ نَسْتَضِرُّهُ قَالَ لَهُ
 مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُبِينٌ ١٨ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ
 عَدُوٌّ لِمَا قَالَ بِأَمْرِ مُوسَى أَنْ يَقْتُلَهُ كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْرِ
 إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ مَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ
 الْمَصْلُحِينَ ١٩ فَجَاءَ دَجَلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ بِأَمْرِ مُوسَى
 إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لَيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَمِنَ النَّاجِيينَ
 ٢٠ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ٢١
 وَلَمَّا قَوَّجَهُ يَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَمَلِيَ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ
 ٢٢ فَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أَمَةً مِنْ النَّاسِ يَسْعُونَ
 وَجَدْنِ دُونَهُمَا امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا سَعَى
 لَنَا بَشِيرٌ وَرَاحَةٌ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ٢٣ فَتَقَى الثَّمَانَةَ تَوَلَّى إِلَى

فوس (روزی) بیخبر اهل مصر بشهر درآمد آنجا دو مرد با هم بمقتل
مفقولند این يك از شیعیان وی (یعنی از بنی اسرائیل) بود و آن يك
از دشمنان بود (یعنی از فرعونیان) در آن حال آن شخص شیعه‌از
موسی دادخواهی و یاری بر علیه آن دشمن خواست موسی مشتى سخت
بر آن دشمن زد بدان خربت مرگش فرا رسید و موسی گفت این کار از
فریب و سوسه شیطان بود که دشمنى شدید شیطان و گمراه ساختن آدمیان
سختی آشکاراست (۱۵) آنگاه موسی گفت ای خدامن بر خویش ستم کردم
تو الهی از من درگذر خدام از او درگذشت که او بسیار آمرزنده و
مهربانست (۱۶) موسی باز گفت ای خدا بشکرانه این نعمت نیرو که مرا
عطا کردی منم انبیا کاران هرگز یاری نخواهم کرد (۱۷) موسی از توقف
بشهر مصر بی‌مناک شد و مراقب دشمن بود که ناگاه آنکس که روز گذشته
از او یاری جسته بود باز او را بدادخواهی خواند موسی باو گفت تو
سخت گمراهی (۱۸) و چون رفت ییاری آن سبلى مؤمن و خراست دست
بشعلی دشمن دراز کند که قطعی فریاد کرد ای موسی مرا هم می‌خواهی
مانند شخص دیروز بمقتل رسانی معلوم است که تو در زمین قصدی جز
کردن کشتی و جباری‌نداری و هیچ نخواهی که مشفق و صلح میان خلق باشی
(۱۹) و در اینحال مردی (مؤمن) از دورترین نقاط شهر مصر آمد و گفت
ای موسی رجال دیوار فرعون در کارتو شوری می‌کنند که ترا بمقتل رسانند
بزودی از شهر بیرون گیر و (بدانکه) من درباره تو بسیار مشفق و مهربانم
(۲۰) موسی از شهر مصر با حال ترس و نگرانی از دشمن بجانب شهر مدین
بیرون رفت گفت بارالها مرا از شر اینقوم مستکار نجات ده (۲۱) و چون
از مصر بیرون شد و سر بیابان رو بجانب شهر مدین آورد باخود گفت
امید است که خدام را براه مستقیم هدایت فرماید (۲۲) و چون بر سر جاده
آبی حوالی شهر مدین رسید آنجا جماعتی را دید که حشم و گوسفندان
را سیراب می‌کردند و دو زن را یافت که دور از مردان در کنای به
جمع آوری و منع اختلاط گوسفندان مشغول بودند موسی بجانب آن
دو زن رفته و گفت شما اینجا چه میکنید و کار مهمتان چیست آن‌دو زن
پاسخ دادند که منتظریم تا مردان باز گردند (گوسفندان خود را آب دهیم)
و بعد ما شیخی سالخورده و فرتوت است (۲۳) موسی (بحال آن دختران
وقت فرمود) گوسفندان را سیراب کرده و

الظلم فقال رب اني لما اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَتْهُ
اِحْدُهُمَا تَمْثِي عَلَى اسْتِجَابَةٍ قَالَتْ اِنَّ اَبِي يَدْعُوكَ لِغِيْرِكَ اَمْ
مَا سَقَيْتَ لَنَا فُلْتَا جَانَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ مَا لَاحِظٌ لِمَنْ
مِنْ الْقَوْرِ الظَّالِمِيْنَ قَالَتْ اِحْدُهُمَا يَا اَبِي نَسْأَلُكَ اِنْ خَيْرٍ مِّنْ
اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيَّ الْاَمِيْنَ قَالَتْ اِنِّيْ اُرِيْدُ اَنْ اُنْجِيْكَ اِحْدَهُ
ابْنَتِيْ مَا تَهْنِ عَلَى اَنْ تَأْخُذِيْ بِيْ فَمَا تِيْ جِيْعٌ فَاِنْ اَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ
عِنْدِكَ وَمَا اُرِيْدُ اَنْ اَشُوْكَ عَلَيْكَ سَيُّدُكِ اِنْ شَاءَ اللهُ مِنَ
الصَّالِحِيْنَ قَالَتْ ذَلِكُمْ بَيْنِيْ وَبَيْنَكَ اَتَمَّا الْاَجْلَبِيْنَ فَضَبَّتْ فَلَاحَ
عُذْرَانِ عَلَى اللهِ عَلَى مَا تَقُولُ وَكِلَهُ قَلْتَا قَضَىٰ مُوسَىٰ لَاجِلٍ
سَارِبًا فِيْهِ مِنَ الْجَانِ مِنَ الظُّوْرِ نَارًا قَالَتْ لَاحِلُهُ اَمْكُوْا اِلَيَّ
اَنْتُمْ نَارًا لَعَلِّيْ اَتِيْكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ اَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ
تَضَلُّوْنَ قَلْتَا اَتَيْنَاهُمَا نُوْرًا مِّنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْاَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ
الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ اَنْ يَّامُوْسَىٰ اِنِّيْ اَنَا اللهُ رَبُّ الْعَالَمِيْنَ وَ
اَنْ اَلْنِيْ عَصَاكَ قَلْتَا رَا مَا تَهْمَزُ كَا تَهْجَا جَانٌ وَلِيْ مُدْرِكَا وَلَ
يُعَقِّبُ يَامُوْسَىٰ اَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ اِنَّكَ مِنَ الْاٰمِيْنَ اَسْلَكَ
يَدَكَ فِيْ جَيْبِكَ تَخَرُّجُ بَهْضَاءٌ مِّنْ عَيْبَرٍ وَوَضَعُ يَدَكَ لَعَلَّكَ
مِنَ الرَّهْبِ قَدْ اِيْلَكَ بَرْمَانِيْنَ مِّنْ رَبِّكَ اِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ

(با حالی غصه) رو بسایه (درختی آورد) و گفت بارالها من بهیتری که تو نازل فرمائی محتاجم (۳۳) موسی دید که یکی از آن دو دختر با کمال (وقار و) حیا باز آمده و گفت پدرم از تو دعوت میکند تا در عوض سقایت گویندند ما بگو پاداشی دهد چون موسی نزد او رسید و سرگذشت خوز را بر او حکایت کرد (شعب) گفت اینک هیچ شترس که از شرقوم ستمکار نجات (آیدی) پافتنی (۳۵) یکی از آن دو دختر (سفورا) گفت ای پدر این مرد را بخدمت خود اجبر کن که بهتر کسی که باید بخدمت برگزید کسی است که امین و توانا باشد (۳۶) شعب گفت من اراده آن دارم که یکی این دو دخترم را بپنکاح تو در آورم براین مهر که هفت سال خدمت من کنی و اگر ده سال تمام کنی (آن دو سال) بپیل و اختیار تو و من در این کار رنج بر تو نخواهم نهاد انشاء الله مرا شخصی شایسته این خدمت نهایی یافت (۳۷) موسی (عهد را پذیرفت و خورسند شد و) گفت هر کدام از دو مدت را با انجام رسانم بر من ستمی نشده و خدا بر این قول و عهد ما وکیل است (۳۸) آنگاه که موسی عهد خدمت به پایان رسانیده و با اهل بیت خود از حضور شعبدو بیدار خویش کرد آتشی از جانب طور دید به اهل بیت خود گفت شما در اینجا مکث کنید که (از دور) آتشی بنظرم رسیده میروم تا شاید از آن بهیتری بیآورم یا برای گرم شدن شما شعله برگیرم (۳۹) چون موسی بآن آتش نزدیکند باد از جانب وادی ایمن در آن بارگاه مبارک از آن درخت (مقدس) ندائی رسید که ای موسی هوشدار که منم خدای (یکتا) پروردگار جهانیان (۴۰) و تو عسای خود (و خود پست) بیفکن چون (عسا افکند) بر آن نگر نیست دید از دهائی سیل خیز گردید و بفرار نهاد و واپس نگرید (در آن حال بدو خطاب شد) ای موسی پیش آئی و من ترس که تو ایمن خواهی بود (۴۱) و دست خود را در گریبان بر و بیرون آور تا بی هیچ نقص بر من بمرض سفید درویش (چون ماه تابان) گرد و خاک از وحشت و اضطراب بیاسائی باز دست بگریبان بر این (عسا وید ببضا) از جانب خدا بر رسالت (دو پرهان الهی است بر و بر رسالت) بسوء، فرعون و فرعونیان

إِنَّمَا كُنَّا نُواظِفُ بَيْنَهُمَا ۖ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَدْ لَكُم مِّنْ نَّفْسٍ أَنَا
 أَن يَفْشُلُوا ۖ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْضَعُ مِنِّي لِيَأْتِيَنَا قَارِئَةً مَّعِي
 وَيَدَّ يَصْدِقِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَيِّدُونَ ۖ قَالَ سَنُنَزِّلُ لَكَ
 بِلَاحِيكَ وَقَبْجُكُ لَنَكُنَّ لَكَ أُولَئِكَ لَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيِّ آيَاتِنَا أَنْتُمْ
 مَنِ اتَّبَعْتُمَا الْعَالِيُونَ ۖ فَكُنَّا نَاظِمِينَ ۖ فَهُمْ مُنْمَوْنٌ ۖ فَأَيُّ آيَاتِنَا يُنتَبِهْ قَالُوا
 مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُفْتَرِي وَمَا تَعْبَهُنَّ إِنَّا فِي آيَاتِنَا الْأُولَى ۖ
 وَقَالَ مُوسَى إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ بَيْنَهُمَا عِزِّي مِنْ أَعْيُنِ مَنْ تَكُونُ لَهُ
 عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۖ وَقَالَ فِرْعَوْنُ بِأَيُّهَا
 الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنَ اللَّهِ عَذَابٌ قَارِئٌ فَأُوذِيَ مَا مَآئِنَ الْفُلِ
 فَاجْتَمَعَ صَوْحَاءُ عَلَى أَطْلُحِ إِلَى اللَّهِ مُوسَى إِنِّي لَأَكْتُفِيكَ مِنْ
 الْكَاذِبِينَ ۖ وَكَانَتْ كَبَرًا هُوَ وَجُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ
 ظَنُّوا أَنَّهُمُ إِلَهُاتَانِ لَا يُزْجَوْنَ ۖ فَتَاخَذَ نَارَهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي
 النَّارِ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ۖ وَجَعَلْنَاهُمْ آيَةً
 يُدْعَوْنَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ ۖ وَكَانَتْ بَيْنَهُمَا
 مَلَكَةٌ الدُّنْيَا لَعْنَةُ وَقَوْمِ الْقِيَامَةِ ۖ فَهُمْ مِنَ الْمُقْبُوحِينَ ۖ وَكَانَتْ
 اتَّبَعْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَافٍ
 لِلنَّارِ ۖ هَذِي وَذِكْرُنَا لَعَلَّكُمْ تَتَذَكَّرُونَ ۖ وَكَانَتْ بَيْنَهُمَا

که قومی فاسق و ناپاک اند (۴۴) موسی گفت ای خدای من از فرعونیان یک نفر را گفته ام و میترسم که بهو نخواهی و کینه دیرینه مرا بقتل رسانند (۴۵) و با اینحال اگر از رسالت ناگزیرم بر ایدم و چون دانیز که ناحقه اش فصیح تر از من است با من یاد و شریک در کار رسالت فرما تا مرا تصدیق (و ترویج) کند که میترسم این فرعونیان سخت تکذیب رسانتم (۴۶) خدا با فرمود که ما تقاضای تو را پذیرفته و بهمدستی برادرت هارون بسیار بازویت را قوی میگردانیم و بشما در عالم قدرت و حکومت میبیم که هر گز (دشمن) بشما دست نیابد اینک با این آیات و معجزاتی که عساکر اسلما کردم بر رسالت (بسی فرعونیان) پروید کمشما و پیروان شما (بر دشمنان) غالب خواهید بود (۴۷) چون موسی با معجزات و آیات که ما حقانیتش بر همه روغن بود بر رسالت (بسی فرعونیان) آمد باز گفتند این معجزات تو جز سحری که ساختگی است چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشین ما نغنییم (۴۸) موسی گفت خدای من با احوال رسولی که از جانب خود هدایت خلق فرستاده ذاتا تر است و میداند که کدامیک عاقبت خوش در دایر حق خواهد داشت و محققا (بدانید) که مستکاران عالم هر گز فلاح و رستگاری نخواهند یافت (۴۹) و فرعون با بزرگان قوم خود چنین گفت که من هیچکس را غیر خودم خدای شا نیسم و گفت ای مامان خفتی در آتش پخته و از آن برای من قسری بلند پایه بنا کن تا من بر خدای موسی مطلع شوم هر چند او را دروغ می پندارم (۵۰) فرعون و فرعونیان بناحق در دهن از فرمان حق سرکشی و تکبر کردند و چنین پنداشتند که بسوی ما باز نخواهند گفت (۵۱) ما هم از اعمال آن متکبر ظالم و لشکر و انبیاش سخت مواخذه کردیم و همه را بهدرا غرق ساختیم ای رسول ما بنگر تا عاقبت کار متکبران یکجا کفیه (۵۲) و ما آن قوم ظالم را پیشوایان خلافت و دعوت بدو رخ قرار دادیم و روز قیامت هیچکس آنها را بر نجات از عذاب دوزخ یاری نخواهد کرد (۵۳) و در نتیجه اعمالشان آنها را در این دنیا در پی آنها لمن ابد فرستادیم و هم در آخرت آنان را از زشت کاران ساختیم (۵۴) و ما نا پس از آنکه طوایفی از امم گذشته بکفر ملوک کردیم بسوی برای بصیرت و رحمت و هدایت خلق کتاب توریة صلا کردیم باشد که مردم متذکر شوند (۵۵) و ای رسول ما توان هنگام

الْقَمَرِي إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاكِكِينَ
 وَلَئِكَ آتَيْنَاكَ فِي نَافِثَاتِ الْغُيُوبِ وَمَا كُنْتَ تَأْمُرُ بِأَمَلٍ
 مَدِينٍ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَئِكَ نَحْكُمُ بِهِمْ يُحَاسِبُونَ وَمَا كُنْتَ بِغَايِبٍ
 الْغُيُوبِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَئِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لَنِسْتَذْكُرُوا مَا آتَيْنَاهُمْ
 مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ وَلَوْ لَا أَنْ تُصِيبَهُمْ
 مُصِيبَةٌ يُمْسِكُهُمْ أَنْ يَدَّيْنَهُمْ فَيَقُولُوا رَّبَّنَا آلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا
 رَسُولًا فَنُتَّبِعِ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَلَمَّا جَاءَهُمْ الْحَقُّ
 مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا آتَيْنَا مَا آتَيْنَا مُوسَى وَلَوْ لَا يَكْفُرُوا
 بِمَا آتَيْنَا مُوسَى مِنْ قَبْلُ قَالُوا اضْحَرِّقُوا قُلُوبَكُمْ قَالُوا لَوْلَا آتَيْنَا
 كُلَّكُمْ نَارًا فَتَلْهُوْنَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ قَالُوا بَلْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا هِيَ
 أَنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَانْزِلْ عَلَيْكُمْ صُحُفًا مَكِّيَّةً فَتَتْلُوهَا بِأَمْرِ رَبِّكُمْ
 وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا لِقَاءَ رَبِّنَا إِنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَبْعَثُ بِرَحْمَتِهِ
 الرَّسُولَ فَذَكِّرْهُمْ بِأَيُّ يَوْمٍ أَلْوَنٍ وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ
 يَتَذَكَّرُونَ أَلَمْ يَكُنْ لَهُمُ الْكِتَابُ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ
 وَإِذَا بَشُلْ عَلَيْهِمْ عَلَيْهِمْ قَالُوا أَمْثَلُ إِلَهُاتِهِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ
 مِنْهُ مُنْصَرِفِينَ أُولَئِكَ يَكُونُ آيَاتِهِمْ لِقَاءَ رَبِّهِمْ يَوْمَ يَنْفَعُ
 الْبَاطِلُ السَّيِّئَةَ وَيَحْكُمُ الظُّلُمَاتِ يَوْمَ تَبْيَضُّ الْوُجُوهُ وَإِذَا يَسْمَعُوا

گما بیوسى مقام نبوت و فرمان الهى عطا کردیم بجانب فری (کوه طور) اصلا نبودى و حضور نداشتى (۴۴) ولیکن ما آنهمو قبایلى را ییافریدیم که صددراى یافتند و تو میان اهل مدین (که بهجمل و گمراهی می زیستند) نبودى تا آیات ما را بر آنان تلاوت کنی ولیکن ما (هرکس ما نند تو لایق دانیم) بر سالت میفرستیم (۴۵) و تو وقتى که ما (بیوسى) ندا کردیم بجانب کوه طور نبودى ولیکن وحى ما قصص موسى و سایر رسول را بمقتضیات لطف خدا است و تو و برای اینست که قومى را که بر آنان پیغمبر میندیش از تو نیامده از خدا بفرسانى تا باشد که متذکر شوند راه هدایت پیش گیرند (۴۶) و تا اگر یلا و عذابى بموجب کردار زشت خودشان بآنها رسید نگویند پروردگارا چرا برای هدایت ما رسولی نفرستادى تا آیات تو را پیروى کنیم و از اهل ایمان شویم (۴۷) پس هنگامى که رسول گرامى حق از جانب ما بآنها فرستاده شد (از روی لجاج) گفتند چرا این رسول ما نند موسى و معجزاتی داده نشد آیا این مردم از این پیش بیوسى هم کافر نشدند و گفتند اینها سحر و جادوگرى است که موسى و هارون ظاهر مى کنند؟ و گفتند ما بهمه اینها سخت بى ایمان و بى عقیده ایم (۴۸) اى رسول ما (با این مردم) بگو پس شما اگر راست میگوئید کسایى که از این دو کتاب آسمانى خلق را بهتر هدایت کند از جانب خدا بیاورید تا من از آن پیروى کنم (۴۹) پس هرگاه بشفاى تو جواب نتوانند داد در اینصورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کبست گمراه تر از آن کسى که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروى کند البته خدا قوم مستکار را هرگز هدایت نخواهد کرد (۵۰) و ما برای هدایت این مردم (آیات قرآنى) سخن پیوسته آوردیم تا مگر منذر شوند (۵۱) آمانکه ما بآنها پیش از این کتاب فرستادیم (یعنى موسى و عیسی و پیرو آنها) باین کتاب آسمانى قرآن البته آنان ایمان مى آوردند (۵۲) و چون آیات ما بر آنها تلاوت شود گویند ایمان آوردیم که این قرآن بحق از جانب پروردگار ما نازل شده و ما پیش از این نیز تسلیم بودیم (۵۳) ایمان را دوباره پاداش نیکو دهند زیرا سیر و ثبات ورزیدند و بدى را به نیکی دفع مى کنند و از آنچه روزى آنها کردیم (از علم و قدرت و ثروت بمستحقان) انفاق میکنند (۵۴) چون سخن لغوی (از دشمنان دین) بشنوند

اَعْرِضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا اَعْمَالُنَا وَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
 لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ جُثَاثِمْ اِنَّكُمْ لَا تُهْتَدُونَ اَنْتُمْ لَا تُهْتَدُونَ وَلَكِنَّ اللَّهَ هُتَدَى
 مِنْ بَنِي اٰدَمَ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُنْتَدِينَ وَقَالُوا اَلَا اِنَّ تَتَّبِعُ الْهُدَى مَعَكَ
 تَخْطِفُ مِنْ اَرْضِنَا اَوْ لَا تُمَكِّنُ لَهُمْ سَرَوًا يَمُونَا يَخِي اِلَهُنَا ثُمَّ اَرْسَلْنَا
 كُلَّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَكَرَّ اَمْلَاكُهَا
 مِنْ قَرَابَةٍ يَطِيرْنَ مَعَهَا قَائِلَاتُ مَا لَكُمْ لَمْ تَنْتَبِهُوا مِنْ بَعْدِهِمْ
 اِلَّا قَلِيلًا وَكَثَرَتِ الْوَارِثِينَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ
 الْفِرْعَوْنَ حَتَّى يَبْتَغَىٰ فِي رَمَاهَا رُسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ اٰبَاؤُنَا وَمَا كُنَّا لِمُلْكِ
 الْفِرْعَوْنَ اِلَّا وَاَهْلًا طَالِمُونَ وَمَا اَوْثَقْتُمْ مِنْ ثِقَةٍ فَمَتَاعُ الْحَيٰوةِ
 الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَابْقَىٰ فَلَا تَعْمَلُونَ اَمَنْ
 وَعَذَابُهُ غَدَاةٌ هُمْ لَا يُدْرِكُونَ كُنْ مُتَنَبِّهًا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا
 ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ وَيَوْمَ يَنَادِيهِمْ فَيَقُولُ اَيْنَ
 شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ قَالَ الَّذِينَ هُمْ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ
 رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ اَغْوَيْنَا اَغْوَيْنَاهُمْ كَاغْوَيْنَا تَبَرَّ اَنَّا اِلَيْكَ
 مَالِكُنَا اِنَّا نَاعْبُدُونَ وَقِيلَ اِنَّ وَا شُرَكَاءَكُمْ فَذَرُوهُمْ فَلَا
 يَخْشَوْنَ اِلَهُهُمْ وَوَدَّوا الْعَذَابَ لَوْ اَنَّهُمْ كَانُوا يَحْذَرُونَ وَيَوْمَ
 يَنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا اٰجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ فَيَقْبِضُ عَلَيْهِمُ الْاَنْبِيَاءُ

از آن اراضی کرده و گویند اعمال ما از ما و اعمال از شما بروید سلامت باشید که ما هرگز مردم هرزه گوی نادان را نمیطلبیم (۵۵) ای رسول ما چنین نیست که هر کسی را تو بخوامی هدایت توانی کرد لیکن خدا هر کس را خواهد هدایت می کند و او بحال آنان که قابل هدایتند آگاه تر است (۵۶) (برخی اهل مکه) گفتند اگر ما با تو اسلام را که طریق هدایت است پیروی کنیم ما را از سر زمین خود بیزودی برانند (پاسخ آنها بگو) آیا ما حرم مکه را بر ایشان محل آسایش و ایمنی قرار ندادیم تا باین مکان انواع نعمت و ثمرات که ما روزیشان کردیم از هر طرف بیاورند لیکن - حقیقت اینست که اکثر مردم نادانند (۵۷) وحه بسیار شده که ما اهل دیاری را که بیوسرانی و خوش گذرانی پرداختند هلاک کردیم این خانهای ویران آنهاست که بعد از آنها جز عده خیلی در آن دیار سکونت نیافت و تنهاما وارث دیار آنها بودیم (۵۸) و پروردگار تو اهل هیچ شهر و دیاری را تا در مرکز آن رسولی نفرستد که آیات ما را بر آنها تلاوت کند هرگز هلاک نکند ما هیچ دیاری را هلاک نکنیم مگر آنکه اعلش ظالم و سببدار باشند (۵۹) و آنچه از نعمتهای این عالم شما داده شده مناع زیور ببقدر ننگانی دنیاست و آنچه بنزد خداست بسیار برای شما پیش و ماقی تر است اگر فهم و عقل کار بندید (۶۰) آیا آنکس که ما با او وعده نیکوی بهشت ابدی داده ایم و به آن وعده البته خواهد رسید مانند کسی است که او را از متاع دنیای فانی بهره مند ساختیم سپس در نهایت او را برای حساب و معازات حاضر آرند (۶۱) و یادآور روزی را که خدا آن مشرکان را ندا کند و بتوضیح و ملامت بآنها خطاب کند که کجا شد آن خدایانی که پخیال باطل خود شریکان من پنداشتید (۶۲) و حال آنکه وعده عذابشان محقق و حتمی شده (پیشوایان کفر) گویند پروردگارا ما این مرد را گمراه کردیم پیش گمراهی ما بود که خلق را هم مانند خود گمراه میخواستیم و امروزان پیروان خود بسوی تو بیزاری - بجوئیم که آنها ما را نمیرستیدند (۶۳) و در آن روز بمردم بت پرست و پیروان و رؤسای گمراه گویند اینک آنان را که شریک خدا گرفتید بخوانید آنها بخوانند ولی جواب بایشان ندهند و چون عذاب را بچشم ببینند آرزو کنند که ای کاش مانند مؤمنان هدایت یافته بودند (۶۴) و روزی که خدا خلق را ندا کند که شما چگونه پیروان حق پاسخ دادید (اشاعت کردید یا مخالفت) (۶۵) پس راه هر گونه عذر و سخن آن روز بر آنها پوشیده و مسدود شده

بَوْمَيْنِ فَمَنْ لَا يَتَذَكَّرْ لَهُ فَاَتَا مِنْ تَابٍ وَامِنْ وَتَعْمَلْ صَالِحًا فَاصْلَى
اَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ وَكَذَلِكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَنَحْنُ اَرْكَانُ مَا كَانَ
لَهُمْ الْحِجْرَةُ نُبْنِئُكَ اللَّهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ وَكَذَلِكَ يَعْلَمُ
مَا تَكُنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يَعْلَنُونَ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ
الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ قُلْ
أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَنْ
إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ بِأَنبَاءِ يَضِلُّوا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ
جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ
بِأَنبَاءِ يَلْبَلُ لَتَكُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ وَمِنْ دَعَائِهِمْ جَعَلَ
لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ هُوَ يَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ
تَزْعُمُونَ هُوَ تَرْجِعُهُمْ فِي كُلِّ آتٍ شَهِيدًا أَفَلَا تَأْتُوا بَرْهَانَكُمْ
فَعْلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ هُوَ تَقَارُؤُ
كَانَ مِنْ قَوْمٍ مَوْلَى قَبْلِي عَلَيْهِمُ وَالْبَنَاءُ مِنَ الْكُفْرِ مَا أَنْ مَفَاجِئُهُ
لَتَنْوِيءَ بِأَلْعَصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ
لَا يُغْنِيكَ الْفِرَاحِينَ وَكَانَ فِيهِمَا الْإِنْسَانُ الَّذِي الْآخِرَةُ وَالْأُولَى
تَصِيبُكَ مِنَ الذَّنْبِ وَأَخْسَنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ

و هیچ از هول عذاب سؤال و جواب نکنند (۶۶) اما آنکس که (در دنیا) بدرگاه خدا توبه کرده و عمل صالح بجای آورد و امید دارد که از دستگاران باشد (۶۷) و خدای تو هر چه خواهد بیا فریست و برگزیند و دیگران را (در قلم عالم) هیچ اختیاری نیست و ذات پاک الهی منزله و برتر از آنست که باو شریک آورند (۶۸) و خدای تو با آنچه خلق در دل پنهان کنند یا آشکار سازند بهمه آگاه است (۶۹) و اوست خدای یکتا که جز او هیچ خدائی نیست هم ستایش در اول و آخر عالم مخصوص او هم حکم و سلطنت جهان با او هم رجوع اهل عالم پسوی اوست (۷۰) ای رسول ما باین مردم مشرک بگو چه تصور می کنید اگر خدا ظلمت شبدا بر شما تاقیامت پاینده و ابیدی گرداند جز خدا کیست خدائی که بتواند برای شما روشنی روز پدید آورد آیا سخن نمیشنوید (۷۱) باز بگو چه تصور می کنید اگر خدا برای شما روز را تاقیامت پاینده و ابیدی قرار دهد جز خدا کیست خدائی که برای آرامش و استراحت شما شاد را پدید گرداند آیا چشم بصیرت به حکمت (گردش روز و شب) نمی گشاید (۷۲) یکی از رحیمهای خدا آنست که شب و روز را برای شما قرار داده تا در شب آرام گرفته و در روز از فضل خدا طلب روزی کنید باشد که شکر گذار نعمتهای خدا شوید (۷۳) و روزی در آخرت خدا مشرکان را ندا کرده و بآنها خطاب کند که آن بنان و معبودان باطل که شریک من می پنداشتید کجا رفتند (۷۴) و آن روز ما از هرامتی شاهی برگرفته و گوئیم اینک برهانی (بر دعویهای باطل خود) اقامه کنید (آنگاه رسوا شده و) بدانند که حق و حقیقت با خدا (و رسولان اوست و) آنچه بدروغ و را بافتید همه نابود گردد (۷۵) همانا قادیون یکی از ثروتمندان قوم موسی بود که بر آنها طریق ظلم و طغیان پیش گرفت و ما آتش در گنج و مال باو دادم که بر دوش بردن از کلید آن گنجها صاحبان قوت را حسته کردی هنگامی قومش باو گفتند آقدر مدبر و و شادمان (به ثروت خود) میایی که خدا هرگز مردم پرغرور و نشاط را دوست نمیدارد (۷۶) و بهر چیزی که خدا بتو عطا کرده بگوش تا نواب و سعادت دار آخرت تحصیل کنی و (لیکن) بهره ات را هم از دنیا فراموش مکن و تا توانی (بخلق) نیکی کن چنانکه خدا بتو نیکویی و احسان کرده و هرگز در روی زمین قننه و

الْقَاسِي فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَاسِدِينَ ﴿١٠٠﴾ قَالَ إِنَّمَا أَوْلِيَايَ
 عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي وَلَا يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ
 الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَعَلًا وَلَا يُنْصَلِّ عَنْ ذُنُوبِهِمُ
 الْمَجْرُمُونَ ﴿١٠١﴾ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي ذَيْلِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ نَجْوَةً
 لِّلَّذِينَ يَابَسَتْ لَتَائِمُهُمُ لَمَّا آوَوْا بَارِئُونَ إِنَّهُ لَنَدُوٌّ عَظِيمٌ ﴿١٠٢﴾ وَ
 قَالَ الَّذِينَ آوَوْا إِلَيْهِمُ الْيَوْمَ وَالْكَافِرُونَ لَنَبْشُرَنَّكُمْ بِالَّذِينَ آوَوْا إِلَيْكُمْ
 ضَالِحًا وَلَا يُلْقِيهَا إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿١٠٣﴾ فَتَحَفَّتْ جَنَابُهُ وَيَدَارِيهِ الْأَرْضُ
 فَإِذَا كَانَ لَهُ مِنْ فَتَاهٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنْ
 الْمُتَنَصِّرِينَ ﴿١٠٤﴾ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ يَمْنُوا مَكَانًا بِالْأَمْرِ يَقُولُونَ وَبَكَدَ
 اللَّهُ يَبْطِطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْ لَا أَنْ تَرَى
 اللَّهُ عَلَيْنَا خَشَفَ بِنَا وَبَكَدَ لَأَبْقَعَ الْكَافِرُونَ ﴿١٠٥﴾ يَلِكُ الذَّارُ
 الْأَمْرَ يَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا
 وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٠٦﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ
 جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُخْزَىٰ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ﴿١٠٧﴾ إِنَّ الَّذِي يَمُضُ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَىٰ مَعَادٍ
 قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١٠٨﴾ وَمَا أَنتَ
 بِرَبِّهِمْ أَنْ يُبْلَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ

فساد بر میانگیز که خدا مفسدان را ایداد دوست نمیدارد (۷۷) قارون گفت من این مال و ثروت فراوان را به علم و تدبیر خود به دست آوردم آیا ندانست که خدا پیش از او چه بسیار امم و طوایفی را که از او قوت (و ثروت و) حمیتشان بیشتر بود هلاک کرد و هیچ از گناه بدکاران سؤال نخواهد شد (۷۸) آنگاه قارون (روزی) با زیور و تجمل بسیار بر قوهش درآمد مردم دنیا طلب گفتند ای کاش همان قدر که بقارون از مال دنیا دادند به ما هم صلا میشد که وی بهره بزرگ و حظ وافری را داراست (۷۹) اما صاحبان مقام علم و معرفت گفتند وای بر شما ثواب خدا بر آن کس که بخدا ایمان آورده و نیکو کار گردیده پس بهتر است ولی هیچکس جز آنکه صبر پیشه کنند بدان نخواهند رسید (۸۰) پس (از اندک زمانی) مام او را بخانه (و دارائیاش) بزمین فرو بردیم و هیچ حزب و حمیتی جز خدا نتوانست او را یاری کند و هیچ نصرت نیافت (۸۱) هیچگاه هم آنان که روز گذشته ثروت و مقام او را آرزو می کردند با خود می گفتند ای وای گوئی خداست که هر که را خواهد روزی فراوان دهد و هر کرا خواهد تنگ روزی کند و اگر نه این بود که خدا بر ما منت گذاشت ما را هم (مثل او) زمین فرو بردی ای وای که گویا کافران را هرگز فلاح و رستگاری نیست (۸۲) ما این دار (بهشت ابدی) آخرت را برای آنان که در زمین اراده علو و فساد و سرکشی ندارند مخصوص می گردانیم و حسن عاقبت خاص پرهیزکارانست (۸۳) هر که عمل نیک آورد پاداشی بهتر از آن یابد و هر کس عمل بد کند جز بهمان اعمال بد مجازات نشود (۸۴) یقین دان که آن خدائی که احکام قرآن را بر تو فرض گردانید البته ترا بجایگاه خود (مکه یا بهشت ابد باز گرداند) تو با مردم بگو که خدای من بحال آنکه محقق در هدایت و آنکه آشکار در سلالت دانانتر است (۸۵) ای رسول تو خود امید آنکه این کتاب (بزرگ قرآن) بر تو نازل شود نداشتی جز آنکه لطف و رحمت خدا ترا بر سالت برگزید پس

ظَهَرَ لِلْكَافِرِينَ ۖ هَؤُلَاءِ يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بِعَدَاوَتِكَ
إِلَهِكَ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ وَلَا تَدْعُ
مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ
وَالْبَدْءُ ۚ إِنَّهُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۝ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ ۝ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ
۝ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا
وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ۝ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ السِّيَأَاتِ أَنْ
يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۝ مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ
اللَّهُ لَآئًا وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَمَنْ جَاهَدْنَا فَمَا نَبْتَغِ بِغَايَةٍ
لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ عَلِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرًا الَّذِي
كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَوَضَعْنَا لِلنَّاسِ يُولَدَهُمْ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَا
لِنُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ
بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ
فِي الصَّالِحِينَ ۝ هُوَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي
اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةً لِلنَّاسِ كَذَّابًا لِلَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُو

هیچگاه بکافران نصرت و یاری ممکن (۸۹) پوزنهار (کافران) تورا از تبلیغ آیات خدا پس از آنکه بر تو نازل شد منع نکنند همیشه خلق را بسوی خدای یگانه دعوت کن و یک لحظه از مشرکان (و عقیده باطل آنان) مبرا (۹۰) و هرگز با خدائی یکتا که جز او هیچ خدائی نیست دیگری را بخدائی معوان (و بدان) که هر چیزی جز ذات پاک الهی مالک و نایب و است فرمان و سلطنت عالم با او و رجوع همه خلایق بسوی اوست (۹۱)

سورة عنكبوت در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۹ آیه می باشد

(بنام خدای بخشنده مهربان)

اِیْم (این حروف اشاره با اسماء یا اسرار بین خدا و رسول است) (۱) آیا مردم چنین پنداشتند که بصرف اینکه گفتند ما ایمان بخدا آورده ایم دعایشان کنند و بر این دعوی هیچ امتحان نشان نکنند (۲) و ما ایمی که پیش از ایشان بودند با متحان و آزمایش آوردیم تا خدا دروغ گویان را از راست گویان کاملاً معلوم کند (۳) آیا آنان که کار زشت و اعمال ناشایسته مرتکب میشوند پنداشتند که بر ماصیقت گیرند (و از عتاب ما خلاصی یابند) بسیارید و (جاهلانه) حکم میکنند (۴) هر کس بپناه ما امیدوار است بداند که هنگام اجل و وعده معین خدا البته فرا رسد و خدا بگفتار و کردار خلق شنوا و داناست (۵) و هر که (در راه ایمان) جهد و کوشش کرد بسود خود کند که خدا از (طاعت و عبادت) مالمیان البته بی نیاز است (۶) و آنان که بخدا ایمان آورده و نیکوکار شدند ما هم گناهانشان را محو و مستور کنیم و بهتر از آن اعمال نیکشان به آنها پاداش دهیم (۷) و ما بآدمیان سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کنند و اگر آنها کوشند تا تو بمن که خدای یگانه ام از روی جهل و نادانی شرک آوری در اینجا هرگز اطاعت امر آنها ممکن که رجوع شما بسوی من است و من شمارا پیادش هر عمل (نیک یا بد) که بجای آوردید آگاه میگردانم (۸) و آنان که بخدا ایمان آورده و کار نیکو کردند آنان را البته (به بهشت) در صف صالحان (و رتبه نیکان) آوردم (۹) بپشی مردم (از راه نفاق) میگویند ما بخدا ایمان آوردیم و چون رنج و آزادی (از دشمنان دین در راه خدا) به پیوند قتنه و عذاب خلق را باعث خدا برابر شمرند و هرگاه ظفر و نصرتی از جانب خدا (به مؤمنان) رسد

إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ۖ وَلَيَعْلَمَنَّ
 اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ۖ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا نَحْمِلُ مِنْهَا شَيْئًا
 مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّا كَذِبُونَ ۖ لَيَعْلَمَنَّ أَتَّخَذُوا آيَاتِنَا
 مَعَ أَتَّخَذُوا ۖ وَلَيَسْتَأْذِنَنَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ الَّذِينَ كَانُوا يَصْرِفُونَ ۖ وَلَقَدْ
 أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ قَالَتْ فِيهِمْ آلَافٌ سِنِينَ ۖ أَتُخْفِي عَلَيْنَا
 مَا كُنَّا نَعْلَمُ ۖ وَالظَّالِمُونَ ۖ فَاتَّخَذْنَاهُ وَآصْحَابَ الْكُفُوفَةِ
 وَجَعَلْنَاهُمْ آيَةً لِّلْعَالَمِينَ ۖ وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا
 اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۖ ثُمَّ تَوَلَّوْا
 مِنْ دُونِ اللَّهِ آوْثَانًا وَتَضَلُّوْنَ ۖ إِنَّمَا إِنَّ الَّذِينَ يُعْبُدُونَ مِنْ
 دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَاتَّقُوا اللَّهَ إِعْبَادَ اللَّهِ الرَّزْقَ وَ
 اعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۖ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۖ وَإِنْ تَكْفُرُوا أَفْضَدُ
 كَذَّبْتُمْ ۖ وَمِنْ قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۖ
 أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۖ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ
 يَسِيرٌ ۖ يَرْوِي فِي الْأَرْضِ نَظْرًا كَيْفَ يَدَّ الْخَلْقَ ۖ ثُمَّ اللَّهُ
 يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ ۖ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۖ يَعْتَدِبُ
 مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۖ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ۖ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

آن منافقان گویند ما هم با شما (و هم آئین شما) بودیم آیا خدا از هر کس بر دلهای
 خلائق دانا تر نیست (۹۰) و البته خدا هم با احوال اهل ایمان دانا است و هم از درون
 منافقان آگاه است (۹۱) و کافران با اهل ایمان گفتند شما طریقه ما را پیروی
 کنید (اگر بخواهید) یا رخطاهای شما را ما بدوش می گیریم در صورتیکه آنها
 دروغ میگویند و هرگز بار گناهان را بدوش نمیگیرند (۹۲) و آنها علاوه بر
 پارسنکین گاهان خود بقدر گناهان هر کرا گمراه کرده اند نیز بدوش
 میگیرند و از آنچه دروغ بسته اند سخت مؤاخذه میشوند (۹۳) و همانا
 ما نوح را بر سالت سوی قومش فرستادیم او هزار سال پنجاه سال کم میان
 قوم درنگ کرد و خلق را دعوت بخدا پرستی نمود و اجابت نکردند و
 چون همه ستمگر و ظالم بودند غرق طوفان هلاک شدند (۹۴) و تنها خود
 نوح را با اسباب کشتی او از غرق نجات دادیم و آن کشتی را برای
 خلق عالم آیت قرار دادیم (۹۵) و یاد آر حکایت ابراهیم را که بقوم خود
 گفت ای مردم خدا را پرستید و از او بفرسید که پرستش و ترس خدا اگر
 بفهمید از هر چیز برای شما بهتر است (۹۶) و بدانید که اینکه جز خدا
 میپرستید بتهایی بیش نیست که شما خود بدروغ ساخته اید (اینک بدانید)
 که هر چه را بجز خدا میپرستید قادر بر رزق شما نیستند پس از خدا
 روزی طلبید و از او پرستید و شکر نعمت وی بجای آوردید (بدانید) که
 پیش از شما هم بسیاری از امم (پیامبران خود را) تکذیب کردند
 باز رجوع شما بسوی او است (۹۷) ای رسول ما اگر امت ترا تکذیب کردند
 و بر رسول جز آنکه با آشکار تبلیغ رسالت کند تکلیمی نیست (۹۸) آیا
 (مردم بارها بچشم خود) ندیدند که خدا چگونه ابتدا خلقی را ایجاد
 می کند و باز باصل خود بر میگردد اند این کار بر خدا بسیار آسان است (۹۹)
 ای رسول بگو به مردم که در زمین سیر کنید و به بینید که خدا چگونه
 خلق را ایجاد کرده سپس نشاء آخرت را ایجاد خواهد کرد که خدا بر
 هر چیز تواناست (۱۰۰) هر که را (از اهل گناه) بخواهد (بدل) عذاب
 می کند و هر که را بخواهد (بخلط و رحمت) می بخشد و خلائق همه
 بسوی او باز می گردند (۴۱) و شما (مخوف نا جز)

فِي الْأَرْضِ لَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا
 نَصِيرٍ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُوا مِن
 رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ
 إِلَّا أَن قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي
 ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ
 اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي بُحُولِ الدُّنْيَا لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ
 بَعْضُكُمْ يَكْفُرُ بِبَعْضٍ لَّعَنَ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَا الْبُكْرَ الثَّانِي وَمَا لَكُم
 مِّن نَّاصِرِينَ قَامَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَوَصَّيْنَا آلَ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمُ
 الشُّبُهَةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ
 الصَّالِحِينَ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنكُم لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ
 مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ أَتُنكِرُونَ لَنَا تَوْحِيدَ الرَّجَالِ
 لَنُطْعَمَ فِي السَّبِيلِ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ النَّكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ
 قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ
 قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا
 إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ مَدْيَنَ وَالْقَوْمِ الَّذِينَ
 أَهْلًا كَانُوا ظَالِمِينَ قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا اتَّخَذَ آلُهُمُ

نه هرگز خدایا عاجز در زمین و آسمان توانید کرد و نه جز خدا ننگه بان
 و یاورید (۴۳) و آنان که بآیات خدا و شهود لقای او کافر شدند آنها
 از رحمت من ناامیدند و سخت بمذاب دوزخ گرفتار خواهند شد (۴۴)
 باز قوم جز آنکه گفته او را بکشید و در آتش بسوزانید پاسخی ندادند
 و خدا او را از آتش نجات داد و در این حکایت برای قومی که بعد از این
 آرند آیت قدرت الهی پدیدار است (۴۵) (ابراهیم باز) گفت ای مردم شما
 آنچه را از خدای یکتا بعد از این برگرفته اید بشنایید که تنها برای حفظ دوستی
 دنیای خود اتخاذ کرده اید و چون روز قیامت شود در آن روز شما (از بت
 پرستی) هر یک دیگری را کافر دانید و بیکدیگر لعن و نفرین کنید و جایگاه
 ابدی تمام شما آتش دوزخ است و هیچ یآوری پداند (۴۶) پس (نخست) لوط
 با و ایمان آورد و ابراهیم (با و) گفت که من هجرت بسوی خدای خود خواهم کرد
 (و بر حفظ من از دشمن) مقتدر و داناست (۴۷) و ما اسحق و یعقوب را با و
 عطا کردیم و در خاندانش مقام نبوت و کتاب آسمانی برقرار نمودیم و در
 دنیا هم (بمنعت فرزندان صالح و نام نیکو و سایر نعم) اجر او را دادیم و
 در آخرت نیز وی را از صف صالحان (و هم رتبه مقرر بان) قرار دهیم (۴۸) و
 یاد کن حکایت لوط را هنگامی که بقوم خود گفت آیا شما بعمل زشتی که
 هیچکس در عالم پیش از شما مرتکب نشده اقدام می کنید (۴۹) شما بشهوت
 خلوت کرده با مردان و راه (فلرت و ناشوئی) را قطع می کنید و در جماع
 خود بی هیچ عجلت بکار قبیح میپردازید قوم لوط جز آنکه (بطنه) گفتند
 اگر راست می گویی مذاب خدا را بر ما نازل کن با و ادا جوابی ندادند (۵۰)
 لوط گفت پروردگار مرا بر محو این قوم فاسد یاری کن (۵۱) و چون
 رسولان ما فرشتگان عالم قسمی با ابراهیم بشارت آوردند گفتند ما (با امر خدا)
 اهل این دیار را که قومی سخت ظالم و بدکارند هلاک می کنیم (۵۲)
 ابراهیم بر فرشتگان گفت لوط هم (که بنده صالح است) در این دیار است
 که ما باحوال آنکه در این دیار است بهتر آگاهیم

فِيهَا لَنَجَّيْنَهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أَمْرًا لَّهُ كَانَتْ مِنَ الْغَايِرِ ۖ وَلَئِنْ
 أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لَوْ تَاصَىٰ بَيْنَهُمْ قِصَافٌ بَيْنَهُمْ دَرَعًا وَقَالُوا لَا
 تَنْفَخْ وَلَا تَفْخَرْ ۖ إِنَّا مُنْجِيُونَ ۖ وَأَهْلَكَ إِلَّا أَمْرًا لَّكَ كَانَتْ مِنَ
 الْغَايِرِ ۖ إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْرَاءَ مِنَ السَّمَاءِ
 بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۖ وَلَقَدْ زَكَّاهُمْ أَهْلًا بِبَيْتِهِ لِقَوْمٍ يُعْطِلُونَ
 ۖ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجِعُوا
 الْبُيُوتَ الْأَخْرَىٰ وَلَا تَقْنُؤُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۖ فَكَذَّبُوهُ فَخُذْ
 الرِّجْعَةَ فَأَصْبَحَ فِي دَارِهِمْ جَائِعِينَ ۖ وَعَادَا وَثُمُودَ وَقَدْ بَيَّنَّ
 لَكَ مِنْ مَّسَاقِيهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ
 السَّبِيلِ وَكَانُوا مُصِيرِينَ ۖ وَفَارُودَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ
 وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ مَا كَانُوا
 سَابِقِينَ ۖ فَكَلَّا أَخَذْنَا بِنُفْسِهِ فَنَمَرَمَرْنَا مِنْ آدَمُوعَةٍ عَلَيْهِ حَاسِبٌ
 وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَ
 مِنْهُمْ مَنْ آغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
 يَظْلِمُونَ ۖ سَأَلَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَسَلُ
 الْعَنْكَبُوتِ إِذَا حَدَّثَتْ بُيُوتًا أَوْ هُنَّ الْبُيُوتُ لَبِثُ الْعَنْكَبُوتِ
 لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۖ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ

لوط را با همه اهل بیتش غیر زن وی که در میان اهل هلاکت باقی ماند
 البته همه را نجات خواهیم داد (۳۳) و چون رسولان ما نزد لوط آمدند
 لوط از آمدن آنها اندوهگین و دلشک گردید فرشتگان گفتند هیچ بیمناک
 و غمگین مباش که ما ترا با اطمینت غیر آن زن کافرت که در میان اهل هلاک
 و اماند همه را نجات دهیم (۳۴) ما بر اهل این دیار که فاسق و بدکارند
 از آسمان عذابی سخت نازل کنیم (۳۵) و همانا ما اذن دیار لوط آثار
 خرابی را وا گذاشتیم تا آبی روشن برای عبرت عاقلان باشد (۳۶) و
 شعیب را که برادر مهربانی برای قومش بود بر سالت بسوی اهل مدین
 فرستادیم و او با قوم گمت که همیشه خدا را پرستید و پرورز قیامت و ()
 سمادت آخرت) امیدوار باشد و هرگز در روی زمین فساد و تبه کاری
 نکند (که آسایش دو کتی در این نصایح است) (۳۷) قوم شعیب او را
 تکذیب کردند (و نصایح مشفقانه اش را بهیچ نسرندند) بکیفر آن شی به
 زلزله سخت گرفتار شدند و صبحگاه همه را در خانه هاشان مرگ برانو
 در آورد (۳۸) و قوم عاد و نهمود را که منازل غراب و ویرانشان را بهیچ
 می بینید آنها نیز با آنکه بیجا و هوشیار بودند چون نیتان اعمال زشتان
 را در نظرشان نیکو جلوه داد و از راه حق آنها را بازداشت همه هلاک و
 نابود گردیدند (۳۹) و قارون و هارون و هامان را هم که موسی با معجزات
 روشن بهدایت آنها آمدند (با و نگریدند) و باز در زمین (بر ضعیفان)
 تکبر و ظلم و طغیان کردند و یکسر هلاک شدند و بر قهر حق سبق نگرفته
 (و راه نجاتی نیافتند) (۴۰) هر طائفه را بکیفر گناهش مواخذه کردیم
 که بعضی را بر سرشان سنگ فرو باریدیم و برخی را بسببه عذاب آسمانی
 و برخی را بر زلزله زمین و گروهی دیگر را بغرق دریا بهلاکت رسانیدیم
 و غذا با آنان هیچ ستم نکرد لیکن آنها خود در حق خویش ستم کردند
 (۴۱) مثل حال آنان که قهر خدا را بدوستی بر گرفتند حکایت خانه ایست
 که عنکبوت بنیاد کند و اگر بعد اید ست ترین خانه خانه عنکبوت است
 (۴۲) خدا بر آنچه که پیر او بخواند (و پرستش کنید) بر آن آگاهست
 و او (بر انتقام اهل شرک و دیا)

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَعَلَّمُونَ ۝
 إِلَّا الْعَالَمِينَ ۝ تَخْلَقُ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ يَاجْتَرِ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ أَتَى مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ أَوِ الصَّلَاةَ
 إِنَّ الصَّلَاةَ تَنفَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ
 يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ۝ وَلَا تَهَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ
 أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا
 وَأَنْزَلَ الْبُكْرَ وَالْهِنَا وَالْمُكْرَ وَاحِدٌ وَفَعَلَ لَهُ مُسْلِمُونَ ۝ وَ
 كَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ
 بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُوا بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ۝
 وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ لَّا تَخْطُطُ يُمَيِّنُكَ إِذًا لِأَذْنَابِ
 الْمُظْلِمِينَ ۝ بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا
 الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُوا بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ۝ وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ
 عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ
 مُبِينٌ ۝ أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بُشًى لَكُمْ إِنْ
 فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةٌ وَذِكْرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَئِنِّي
 بَيْنَكُمْ وَشَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِينَ آمَنُوا
 بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ وَيَسْتَعِجِلُونَكَ

مقتدروداناست (۴۳) و ما اینهمه مثلها میز نیم (تا حقایق) برای سردم روشن شود
 و بجز مردم دانشمند کسی تمقل آن نخواهد کرد (۴۴) خدا آسمانها و زمین
 را بحق آفریده و در این خلقت آسمان و زمین آیت و نشانه ربوبیت کاملاً
 برای اهل ایمان پدیدار است (۴۵) آنچه را که از کتاب آسمانی قرآن
 بر تو وحی شد بر خلق تلاوت کن و نماز را (که بزرگ عبادت خدا
 است) بجای آر که همانا نماز است که اهل نماز را از هر کار زشت و
 منکر باز می‌دارد و همانا ذکر خدا بزرگتر و (پرتر از اندیشه خلق)
 است و خدا بهر هر چه کنیدی آگاهست (۴۶) و شما مسلمانان پایبند و نضاری
 و معیوس که اهل کتابند جز به نیکوترین طریق بهشت و مجادله نکنید
 مگر با ستمکاران از آنها و با اهل کتاب بگوئید که ما بکتاب آسمانی
 قرآن که بر ما نازل شده و بکتاب آسمانی شما بنیمه ایمان آورده ایم و خدای
 ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اوئیم (۴۷) و ما همچنان که
 بر سولان پیشین کتاب آسمانی فرستادیم بر تو هم ای رسول قرآن را نازل
 کردیم پس آنان که بآن کتب که برایشان فرستادیم ایمان آوردند باین
 کتاب نیز ایمان آرند و از این گروه (اهل مکّه) هم بعضی ایمان آوردند
 و بجز کافران هیچکس آیات ما را انکار نخواهد کرد (۴۸) و تو از این پیش
 نه توانی کتابی خواند و نه خطی نگاشت تا مبادا مبطلان (منکر قرآن)
 در نبوت شک و ریبی کنند (۴۹) بلکه این قرآن آیات روشن الهی است
 در لوح سینه آنان که از خدا نور علم و دانش یافتند و آیات سراج مردم ستمکار
 انکار نکنند (۵۰) کافران گفتند (اگر این پیغمبر خداست) چرا بر او آیات و
 معجزاتی از جانب خدا نازل نشد (ای رسول ما) بگو آیات نزد خدا (و ما بر
 خدا) است من که رسول جز آنکه خلق را از انتقام خدا بترسانم و وظیفه ندارم
 (۵۱) آیا اینان را این معجز کنایت نکرد که چنین کتاب بزرگ را ما بر تو فرستادیم
 و تو بر آنها تلاوت کردی که در آن برای اهل ایمان البتّه رحمت و پند
 و هدایت خواهد بود (۵۲) ای رسول ما بگو میان من و شما خدا گواهی
 کافی است که او بهر چه در آسمان و زمین است آگاهست و آنان که به
 باطل گرویدند و بعدا کافر شدند هم آنان به حقیقت زیان کاران عالمند (۵۳)

ای رسول ما

بِالْعَذَابِ لَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْضَةٌ
 وَمَنْ لَا يَشْعُرْ بِهِ تَبْخُلُونَ ۚ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ
 بِالْكَافِرِينَ ۚ يَوْمَ يَنْسُفُهُمُ الْعَذَابُ مِنْ قُودِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ
 وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ
 أَرْضِيَّ إِيسَىٰ وَأَبَايَ فَاعْبُدُونِ ۚ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ
 ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ۚ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ
 مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَرْحَمَ
 الْعَالَمِينَ ۚ وَالَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۚ وَكَانَ مِنْ
 دَابَّتِهِمْ لَا تُحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِنَّا كَرُهُوهُمُ السَّمِيعُ
 الْعَلِيمُ ۚ وَلَنُثَبِّتَنَّ لَهُمْ سُلُوكَهُمْ مِنْ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَنَخْتَرُ
 الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ۚ اللَّهُ يَبْطِئُ الزُّزْزَ
 لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيُسْقِطُ لَهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَكِلُ شَيْءًا عَلَيْهِمْ وَلَنُثَبِّتَنَّ
 لَهُمْ مَنْ تَزَلُّوا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَالْخَبَايَاهُ مِنَ الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِ
 مَوْتِهِمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۚ
 وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا هَوًى وَلُغَبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَآتَى
 الْحَيَاةِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۚ فَإِذَا زَكَّيْنَا فِي الْأَرْضِ نَقْلُكَ دَعَا اللَّهَ
 مُخْلِصِينَ لَهُ الَّذِينَ قُلْنَا نَحْنُ إِلَهُهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ۚ

منکران به تمسخر از تو تقاضای تمجیل در نزول عذاب می کنند و اگر وقت معین آن در علم ازلی قیامت نبود عذاب حق بر آنها می رسید و البته ناگهانی هم نازل میشد که غافل و بیخبر بودند (۵۳) و این کافران از تو تمجیل عذاب می طلبند در صورتی که شراره عذاب جهنم بر آنها احاطه نموده است (زیر امان کفر و اعمال زشت و طینت دوزخی و شهوت و غصب حیوانی که محیط با آنها است اگر می فهمیدند بحقیقت احاطه آتش دوزخ است) (۵۴) روزی را که عذاب خدا از بالا و زیر آنها را فرو گیرد و بگوید (امروز) بچشید کیش آنچه (در دنیا عمل) کردید (۵۵) ای پندگان با ایمان من زمین من بسیار وسیع است در این صورت هر کجا باشید مرا با خلاص پرستی کنید (۵۶) هر نفسی شهد ناگوار مرگ را خواهد چشید و پس از مرگ همه رجوع به ما خواهند کرد (۵۷) آنان که بخدا ایمان آوردند و با اعمال نیکو پرداختند البته آنها را بمقامات عالی پستی که زیر درختانش نهرها جاریست منزل دهم که در آن زندگانی ابدی کند آنجا چقدر پاداش نیکو و پینکو کاران عالم دهند (۵۸) آنان که در راه دین خدا صبر و شکیبائی پیشه کردند و بر لطف و کرم پروردگار توکل نمودند (۵۹) وجه بسیار حیوانات که خود بار روزی خود نه کشند و خدا با آنها وهم بشمار روزی رساند که او شتوا (یعنی دعای محتاجان) و دانای (یا حوال پندگان) است (۶۰) و اگر (از این کافران مشرک) سؤال کنی که آسمانها و زمین را که آفریدم و خورشید و ماه مسخر فرمان کیست بییقین جواب دهند که خدا آفریده پس چرا با این اقرار بافتراء و دروغ می شنابند (۶۱) خداست هر کس از پندگان را خواهد وسیع روزی و یا تنگ روزی می گرداند که همانا او بمصلح حال کلیه خلایق آگاه است (۶۲) و اگر سؤال کنی آن کیست که از آسمان باران نازل سازد تا زمین را با آن پس از فصل خزان و مرگ گیاهان باز زنده گرداند بییقین جواب دهند که آن خداست پس بگو ستایش مخصوص خدای یکتاست آری ولیک این حقیقت را عقل اکثر این مردم در نخواهد یافت (۶۳) این زندگانی چند روزه دنیا فسوس و بازیچه بیش نیست و زندگانی اگر مردم بدانند بحقیقت دار آخرت است (۶۴) این مردم معرک نادان چون بکشتی نشینند (و بخطر افتند) در آن حال تنها خدا را به اخلاص کامل می خوانند و چون از خطر دریا با ساحل نجات رسیدند باز بعدای یکتا مشرک می شوند

يَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلَيَمَّسُوا أَعْيُنَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤﴾ وَلَوْ رَدُّوهُنَا
 جَعَلْنَاهُنَّ امْرَأَاتِنَا وَنَحْفَقُ النَّاسَ مِنْ حَوَائِلِهِمْ أَفَيَا الْبَاطِلِ مُؤْمِنُونَ
 وَيَنْفَعُ اللَّهُ يَكْفُرُونَ ﴿١٥﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ
 كَذَّبَ بِالْحَقِّ إِذَا جَاءَهُ الْبَيِّنَاتُ فِي حُجَّتِهِمْ مَتَّوًى لِلْكَافِرِينَ ﴿١٦﴾ وَالَّذِينَ
 جَاءُوا مِنْهُمْ لِيُنذِرَهُمْ رَبُّهُمْ أَنْ يُبَلِّغُوا أَنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٧﴾

سورة الزمزم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾ عَلَى الْأَرْضِ قَوْمٌ مِنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ
 سَبْعُونَ سَنَةً يَضَعُ يَدَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ قَبْلِ وَفِي بَعْدِ وَ
 يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٢﴾ يَنْصُرُ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ
 الرَّحِيمُ ﴿٣﴾ وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ
 ﴿٤﴾ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحُجُودِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ
 ﴿٥﴾ وَلَوْ يَفْقَهُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ
 رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ﴿٦﴾ وَلَوْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ
 غَايِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُ الْأَرْضِ
 وَعَمَرُهَا أَكْثَرُ مِمَّا عَمَرُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

تا از جهل هر نعمتی که ما بآنها عطا کرده ایم کفران کنند (و بجای سپاس حق) خدایان باطل پرستند (۹۶) آیا کافران (اهل مکه) ندیدند که ما آن شهر را حرم امن و امان قرار دادیم و صورتی که از اطرافشان مردم ضعیف را بقتل و غارت می ربایند آیا (با این نعمت امنیت) باز بی باطل میگردند و بیعت حق کافر می شوند (۹۷) آیا هیچکس از آنکه بر خدا دروغ بست و رسول حق را که برای هدایت او آمد تکذیب کرد در عالم شتمکارتر هست آیا جایگاه کافران شتمکار در آتش دوزخ نیست؟ (البته هست) (۹۸) و آنان که در راه ما بجهان و مال جهد و کوشش کردند محققا آنها را پراه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است (۹۹)

سورة روم دهمکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۹۰ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

الم (اشاره با ساء یا اسراء کتاب الهی است) ۱) رومیان مغلوب (فارسیان) شدند (۲) در جنگی که بنزدیکتر زمین پیدار عرب واقع شد (حوالی شام یا اطراف جزیره) و آنها پس از مغلوب شدن قلبی بی زودی بر فارسیان باز غلبه خواهند کرد (۳) (این قلبه رومیان) در اند سالی خواهد شد و کلیه امور عالم از قبل از این همه بامر خداست و آن روز مؤمنان شاد میشوند (۴) پیاری خدا که خدا هر که را بخواهد نصرت و فیروزی می بخشد و اوست که بر هر کار عالم مقتدر و بشمار خلق جهان مهربان است (۵) این وعده خداست و خدا هرگز خلاف وعده نکند ولیکن اکثر مردم از این آگاه نیستند (۶) اکثر بامور ظاهری زندگی دنیا آگاهند و از عالم آخرت بکلی بیخبرند (۷) آیا در پیش نفوس خود تفکر نکردند که خدا آسمانها و زمین و هر چه در بین آنهاست همه را جز بحق (و برای حکمت و مصلحت) و بوقت وحد معین نیافریده است و بسیاری از مردم (چون فکر در حکمت خلقت نمی کنند) بشهود لقای خدای (در عالم غیب و وعده ثواب و عقاب بهشت و دوزخ قیامت) بکلی کافر و بی عقیده اند (۸) آیا در زمین سیر نکردند تا عاقبت کار پیشینیا نشان که از اینها بسپار توانا بودند و بیش از اینها در زمین گفتار و کاخ و عمارت بر افراشتند و رسولان خدا را بآیات و معجزات برای هدایت آنان آمدند (نپذیرفتند و بیکفر کفر هلاک شدند)

مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْظِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٠﴾ ثُمَّ كَانَ
 عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأُوا الشُّرَكَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا
 بِهَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿١١﴾ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَهُهُ يُرْجُونَ
 ﴿١٢﴾ يَوْمَ يَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٣﴾ وَلَوْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شَرِّ مَا كَفَرُوا
 شُفْعَاءُ وَكَانُوا يُشْرِكُونَ كَافِرِينَ ﴿١٤﴾ يَوْمَ يَقُومُ السَّاعَةُ يُبْثِنُونَ
 بِلَقَعَتِ الرُّوحُومُ ﴿١٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُمْسِكُ فِي رَحْمَةِ
 لَبِثُونَ ﴿١٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِغَاءِ الْأَلْبُسِ
 فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُخْتَرُونَ ﴿١٧﴾ فَسَبَّحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ
 حِينَ تُصْبِحُونَ ﴿١٨﴾ وَلَهُ الْمَجْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعِشْرَ مِائَةٍ
 قَطْرُونَ ﴿١٩﴾ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُغْنِي
 الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُفْرَجُونَ ﴿٢٠﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ
 مِنْ ذَرَايبِ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ﴿٢١﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ
 لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ
 رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ
 خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْخِلَافِ أَلَيْسَ تَعْلَمُونَ ﴿٢٣﴾ وَفِي ذَلِكَ
 لَآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ ﴿٢٤﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 وَالْبَيْعُ وَالْكُفْلُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٥﴾

و خدا دوزپاره آنها هیچ ستم نکرد بلکه آنها خود در حق خویشی ستم کردند (۹) آخر سر انجام کار آنان که بان اصال زشت و کردار پدیرداختند این شده که کافر شده و آیات خدا را تکذیب و مسخر کردند (۱۰) خداست که خلق را نخست از عدم پدید آورد و باز برگرداند و آنگاه قیامت رجوع بضررت او خواهند کرد (۱۱) و روزیکه ساعت قیامت برپا شود آن روز بدکاران شرمنده و اندوهگین شوند (۱۲) و هیچ شفیع و مددکاری بر خود از آنکس بزرگتر حق گرفته نباشد بلکه بان شریکان و خدا بان باطل کافر میشود (و از آنها بیزاری می جویند) (۱۳) و روزیکه ساعت قیامت برپا شود در آن روز خلائق فرقه فرقه شوند (۱۴) اما آن فرقه که بعد از ایمان آوردند و بنیکو کاری پرداختند در آن روز مسرور و معترجم بیایع بهشت مغفل گیرند (۱۵) و اما آن فرقه که کافر شدند و آیات ما و حیو و آخرت را تکذیب کردند آنان را در عذاب دوزخ حاضر کنند (۱۶) پس (بشکر آن روز بزرگ باشید) خدا را هنگام شام و صبحگاه در نماز مغرب و صبح تسبیح و ستایش گویند (۱۷) و پیاس اهل عالم در آسمانها و زمین مخصوص اوست و شما نیز در تاریکی شب و نیمه روز (در نماز عشاء و ظهر و عصر) ستایش او مشغول شوید (این دو آیه متشکل بر ذکر همه نمازهای پنجگانه است) (۱۸) (آن خدا ای که) زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون آورد و زمین را پس از فصل خزان و مرگ گیاهان باز زنده گرداند و همین گونه شما را هم از خاک بیرون آورد (۱۹) و یکی از آن قدرت ها همینست این است (پدر) شما آدمیان را از خاک خلق کرد سپس که (بتوالد) پسرش شدید در همه ذوی زمین منتشر گشتید (۲۰) و باز یکی از آیات لطف الهی آنست که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که بر او آرامش یافته و باز هم انس گیرید و میان شما رفت و مهر بانی برقرار فرمود و این امر نیز برای مردم با فکرت ادله علم و حکمت حق آشکار است (۲۱) و یکی از آیات قدرت الهی خلقت آسمانها و زمین است و یکی دیگر اختلاف زبان ما و رنگهای آدمیان که در این امور نیز ادله صنع و حکمت حق برای دانشمندان عالم آشکار است (۲۲) و یکی از آیات حق همین که شما در شب و روز به خواب رفته (و بیدار میشوید) و از فضل خدا طلب روزی میکنید در این امر هم ادله قدرت حق برای قومی که سخن حق بشنوند پدیدار است (۲۳)

وَمِنَ الْآيَاتِ بِرِيكِ الْبَرْقِ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءٌ
 فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَدْرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٣٥﴾
 وَمِنَ الْآيَاتِ أَنَّ قَوْمَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ يَأْتِرُهُمْ إِذَا دَعَاكَرُ
 دَعْوَةٍ مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ﴿٣٦﴾ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ
 الْأَرْضِ كُلِّ لَهْ قَانُونٌ ﴿٣٧﴾ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ
 وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣٨﴾ صَرَبَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَهْلٌ لَكُمْ فِيمَا
 مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ
 تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ
 ﴿٣٩﴾ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ يَمُوتُ مِنْ أَضَلِّ
 اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٤٠﴾ لَعَلَّكُمْ وَجَّهَكُمْ لِلَّذِينَ خَلَقُوا فِطْرَتَ
 اللَّهِ ابْتِغَاءَ لِقَافَرٍ النَّاسِ عَلَيْهِمْ لَا تَبْدِيلَ لَخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ
 الْقَدِيمُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ
 أَقْبُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٤٢﴾ مِنَ الَّذِينَ قَرَعُوا
 دِيْنَهُمْ وَكَافُوا شَيْعًا كُلٌّ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ فَرِيقُونَ ﴿٤٣﴾ وَإِذَا مَسَّ
 النَّاسُ ضُرٌّ دَعَاؤُهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا إِذَا أَقَامَهُ مِنْهُ
 رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَيْبٍ يُشْرِكُونَ ﴿٤٤﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَا اتَّخَذُوا مِنْ

و یکی از آیات الهی همان برقی است که هم شما را از ساقه عذاب می ترساند و هم بر حمت پادشاه آسمان که زمین را پس از مرگ زنده می کند امیدوار می گرداند در این امر نیز ادله قدرت ایزد برای اهل خرد آشکار است (۳۱) و یکی از آیات قدرت خدا آنکه آسمان و زمین را بر فرمان خود بر پا داشته است پس که در معشر شما را از خاک بر خواند و زنده گرداند همگی سر از قبرها بیرون می آورید (۳۲) هر کسی در آسمان و زمین است همه بنده او با کمال خضوع و غشوع مطیع فرمان اوست (۳۳) و او خداست که نخست خلایق را از عالم مغیث بیافریند و آنگاه بدان عالم مهاد باز گرداند و این اعاده بر او بسیار سهل و آسان است و آن ذات یکتا را در آسمان و زمین (مظهر و) مثالی خالی تر است و مقتدر کامل و دانا به حقایق امور تنها اوست (۳۴) هم برای هدایت شما هم از عالم خود شما مثالی زد (شما فکر کنید) آیا هیچ پادشاه غلام و کنیز آن ملکی شما را در آنچه ما روزی شما گردانیدیم بر شما مشایخ هستند تا شما و آنها در آن چیز بی هیچ مزیت مساوی باشید و شما نقد ببینی که شما از نفوس خود دارید هم از آنان دارید ما چنین متصل و روشن آیات خود را برای مردم با عقل و هوش بیان می کنیم (۳۵) آری مردم ستمکار (مشرک) هوای نفس خود را از چهل و نادانی پیروی کردند و آن را که خدا گمراه کرد که می توان هدایت کند و آن گمراهان ستمکار را (در قیامت) هیچ یار و پوری نخواهد بود (۳۶) پس تو ای رسول مستقیم روی بجا نیاید که اسلام آور و پیوسته از طریق دین خدا که ضرورت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییریری در خلقت خدا نیاید داد اینست آئین استوار حق و لیکن اکثر مردم از حقیقت آن آگاه نیستند (۳۷) (شاه اهل ایمان) بدرگاه خدا باز گردید و خدا اترس باشد و نماز بپا دارد و هر گز از فرقه مشرکان نباشد (۳۸) از آن فرقه نباشد که دین ضرورت خود را مفرقه و پراکنده ساختند و از هوای نفس و خود پرستی فرقه فرقه شدند و گروهی باو هام و عشیده و خیالات فاسد خود دلشاد بودند (۳۹) و مردم هرگاه رنج و آلی سخت بآنها رسد در آن حال خدای را به دعا میخوانند و بدرگاه او با تضرع و اخلاص روی می کنند و پس از آنکه خدا بآنها رحمت خود را چشایند آنگاه باز گروهی از آنها بخدای خود مشرک می شوند (۴۰) تا نمانی که بآنها صلا کردیم کفران کنند پاری ای کارفران نامیاس

فَتَعْمَلُوا صَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ أَمْ أَرَأَيْتُمْ لَنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَسْكُرُهُمْ
كَأَنَّا بِهَدْيٍ نَشْرِكُ ۝ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ حَمَاهُ وَفَرَّحُوا بِهَا وَإِن
فِيهِمْ سِتَّةٌ يَمَانًا قَدْ مَاتَ آبَاؤُهُمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا
أَنَّ اللَّهَ يَبْطِئُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَعْجِدُونَ أَنَّ فِي ذَلِكَ أَلَاءًا لِلَّذِينَ
يُؤْمِنُونَ ۝ فَكَانَ ذَا الطَّرْفَيْنِ حَقًّا وَالْمُسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۚ إِنَّكَ
خَبِيرٌ بِالَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَا
أَتَيْتُم مِّن رَّبٍّ لَّيْسَ بِوَفَى أَمْوَالِ النَّاسِ لِيَلْبَسُوا عِندَ اللَّهِ وَمَا أَتَيْتُم
مِّن زَكَاةٍ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْغِفُونَ ۝ اللَّهُ
الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُعْمِدُكُمْ فَيُبَيِّنُ لَكُم مَّا تَشَاءُونَ ۝ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُم
مَّن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَيْءٍ ۚ تَبَخَّاهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝
ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَرِّ عَمَّا كَسَبَ آبَاؤُهُم لِيُذِيقَهُم
بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا أَلْعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ كُلُّ سِيرٍ وَأَفَى الْأَرْضِ فَانظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ ۚ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّشْرِكِينَ ۚ فَقَارَ
وَحْمَتِكَ لِلَّذِينَ الْفَقِيمِ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ
هُوَ سَدِيدٌ بَصَدْعُونَ ۚ هُنَّ كَفَرُوا فَعَلَبَهُ كُفْرُهُ وَهُنَّ عَمِلُوا صَالِحًا
فَلَا تُفْسِدُهُمْ يَمَهُدُونَ ۚ يَوْمَ يَأْتِي الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
مِن قَضَائِهِ إِنَّهُ لَا يَجِبُ الْكَافِرِينَ ۚ وَمِنَ الْيَايَةِ أَن يُرْسِلَ

اینک تمتع برید که بزودی (به کیفر اعمال خود) آگاه می شوید. (۳۴) آیا ما
 بر این مردم رسول و کتاب تو عید فرستادیم یا دلیل و حجتی بر آنها فرستادیم که
 درباره شرک با ایشان سخن گوید (۳۵) و مردم (برایند) که هر گاه ما بطلب خود
 و حجتی با آنها چنانیم شاد شده و اگر و نه پنج بلای از کرده خودشان ببینند در آن حال
 (بجای توبه از رحمت) خدا نوب می شوند. (۳۶) آیا ندیدند که ما آنها را خدا هر که
 را خواهد روزی وسیع کند و هر که را خواهد تنگ روزی گرداند و در این امر اول
 روشنی برای اهل ایمان پدیدار است (۳۷) حقوق ارحام و خویشان و مسکینان و
 در راه ماندگان را ادا کن که سله رحمت و احسان بفقیران برای آنان که
 مشتاق لغای خدا هستند بهترین کار است و هم اینان در سنگاران عالمند (۳۸)
 و آن روی که شما بر سر رها (یاهدیه) دادید که بر اموال مردم رها عوار
 بینزاید نفس دینویست نزد خدا هرگز نیفزاید و آن زکوتی که از روی شوق و اخلاص
 بعدا بفقیران دادید ثوابش چندین برابر شود و همین زکوة دهندگان
 هستند که بسیار دارائی خود را افزون کنند (۳۹) خداست آن کسیکه
 شما را خلق کرده و روزی (در مدت عمر) بخشیده سپس بهمیراند و باز (در
 قیامت) زنده گرداند آیا آنان را که شریک خدا دانیده هیچ از اینکارها توانند
 کرد و خدا از آنچه باو شریک گیرند پاک و منزّه تر و بالاتر است (۴۰)
 فساد و پریشانی بکرده خود مردم در همه بر و بحر زمین پدید آمد تا
 ما هم کیفر بعضی اصاالشان را با آنها بجشانیم باشد که باز گردند (۴۱) ای
 رسول ما بگو به مردم که در زمین و احوال اهلیت سیر کنید تا از عاقبت
 طوایف پیش از خود که اکثرشان کافر و مشرک بودند آگاه شوید (۴۲) پس
 تو ای رسول (با پیروانت) روی بدین استوار اسلام و خدا پرستی آور پیش
 از آنکه روزی بیاید که هیچکس نتواند از امر خدا آن را برگرداند
 و در آن روز (قیامت) خلائق فرقه فرقه شوند (۴۳) هر که پراهِ کفر و عصیان
 بود زیانش بر خود لوست و هر که صالح و نیکوکار شود آن هم برای شخص
 خود (در بهشت) آسایشگاهی بخوش فراهم خواهد ساخت (۴۴) تا از قتل
 و کرم بآنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند خدا نیکو پاداش دهد و
 کافران را هیچ خورد لطف و کرم قرار ندهد (۴۵) و از جمله آیات قدرت
 الهی آن است که

الرياح مبشراي ولين يقدرون رخصيه ولين يري الفلك امر
 وليتعاون من فضيله ولعلكم تشكرون ولقد ارسلنا من
 قبلك رسلا الى قومهم بما آثم بالبينات فانقمنا من الله
 اجر ما وكان حقا علينا نصر المؤمنين الله الذي يرسل
 الرياح فتثير سحابا مبسطا في السماء كيف يشاء ويصله سحبا
 فترى الودق يخرج من خلالها فاذا اصاب به من يشاء من
 عباده اذا هم يستبشرون وان كانوا من قبل ان نزل
 عليهم من قبله ليلين فانظروا الى اثار رحمة الله كيف
 يحيي الارض بعد موتها ان ذلك لحى الموتى وهو على كل شئ
 قدير ولئن ارسلنا رجا فراقا وه مضفرا لظلموا من بعده
 يكفرون فانك لا تسمع الموتى ولا تسمع الصم الدعاء اذا
 ولوا مديري وما انت هادي للعبي عن صلاتهم ان تسمع
 الا من يؤمن بآياتنا فهم مسلمون الله الذي خلقكم من
 ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوة ثم جعل من بعد قوة مشقة
 وشبهة يخلق ما يشاء وهو العليم القدير ويوم تقوم
 الساعة نفيم الجرمون ما لبثوا غير ساعة كذلك كانوا يؤفكون
 وقال الذين اوتوا العلم والايمان لقد لبثتم في كتاب الله

خدا پادهای بشارت آور می فرستد که شما را به چیزهای از رحمت بی انتهای خود بهره مند کند و تا از فضل و کرمش (انواع نعمتها) تحمیل کنید و باشد که شکر نعمتش بجای آید (۳۹۵) و ای رسول ما پیش از تو پیغمبرانی بسوی قومشان فرستادیم و آنها معجزات و ادله روشن آوردند پس (بعضی براه کفر شتافتند) ما هم از کافران بدکاران انتقام کشیدیم و بر خود نصرت و یاری اهل ایمان را حتم گردانیدیم (۳۹۶) خدا آن کسی است که پادها را می فرستد تا ابرها را در فضا برانگیزد پس بهر گونه که مشیتش تعلق گیرد در اطراف آسمان متصل و منبسط کند و باز متفرق گرداند آن گاه پادان را بنگری که قطره قطره از درونش بیرون ریزد تا بکشتزار و صحرای هر قومی از پندگان بخواهد فروبارد و بیک لحظه آن قوم مسرور و شادمان گردند (۳۹۸) و هر چند پیش از آن که باران بر آنان بیارد (از لطف خدا) بحال یاس و نومیدی می زیستند (۳۹۹) پس دیده از کن و آثار رحمت نامنتهای الهی را مشاهده کن که چگونه زمین را پس از مرگ و دستبرد غزان باز زنده میگرداند محققا همان خداست که مردگان را پس از مرگ باز زنده می کند و او بقدرت کامله ذاتی بر هر چیز عالم تواناست (۴۰۰) و اگر باز پادی فرستیم که (کشت آنها را افسد کند) آن کشت سبز را زرد و پژمرده بنگردند به کفر و کفران نعمت حق بر میگردند (۴۰۱) پس تو ای رسول ما این مردم را نتوانی با سخن حق شنوا کنی و دعوت خود را بگوش این کافران که مخصوصا رومی گردانند برسانی (۴۰۲) و نیز تو مردمی را که کور دل و کافر هستند نتوانی از ضلالت براه هدایت آری تنها تو آنان را که با یاتما ایمان میآورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی (هدایت کنی) و سخن خدا را بگوش هوششان برسانی (۴۰۳) خدا آن کسی است که شمارا در اول از جسم ضعیف (نطفه) بیافرید آن گاه پس از ضعف و ناتوانی توانا کرد و باز از توانائی بضعف و سستی پیری برگردانید که او هر چه بخواهد خلق می کند زیرا خدا بهمه امور عالم دانا و بهر چه خواهد تواناست (۴۰۴) و روزی که ساعت قیامت برپا شود بدکاران قسم یاد کنند که (در دنیا وقیر و برزخ) ساعی بیش درنگ نکردند همین گونه از راستی و حقیقت بناداستی و دروغ پردازند (۴۰۵) و آنان که به مقام علم و ایمان رسیده اند بآن

إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ هَٰذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝
 ۞ مَبْعُوثِينَ لَأَيْتُمَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعِدَن نَّاهُمْ وَلَا لَهُمْ مُتَعَبُونَ ۝
 ۞ وَلَقَدْ خَرَّيْنَا الْغَاثِ فِي هَٰذَا الْفَر_انِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَقَدْ
 جِئْتَهُمْ بِآيَاتٍ لَّيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ۝
 ۞ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۞ قَاصِبُ
 إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَلَا يَسْتَحْضِقُكَ الَّذِينَ لَا يُوقِفُونَ ۞

سُوْرَةُ الْفَرْقَانِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ رَابِعُ وَالْاَثْنَيْنِ عَشَرَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْاِنَّكَ ابْنُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ۝ مَدَى وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِينَ ۝
 الَّذِينَ يُعْمِلُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ
 يُوقِفُونَ ۝ اُولَٰئِكَ عَلَىٰ مَدَىٰ مِنْ رَحْمَتِي ۝ اُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝
 ۞ وَمِنَ الثَّانِيَةِ يَنْشُرِي لَمْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
 بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَ مَا مُرُوا اُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝ وَلَٰذَا
 نُثَلِّي عَٰلِيَهُ اِيَّا ثَنَا وَلِي مُسْتَكْبِرًا ۝ كَانَ لَمْ يَتَمَعَّهَا كَانَ فِي اَرْبَابِهِ
 وَفَرَا قَبِيْرُهُ بِعَذَابٍ لَيْمٍ ۝ اِنَّ الَّذِينَ اسْتَوَوْا عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ۝ هَٰلَا الَّذِينَ فِيْهَا وَعَدَا اللَّهُ حَقًّا وَمَوْ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ ۝ هَٰلَا التَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَدَدٍ رَفَعْنَا وَاَلْفِي فِي الْاَرْضِ

فرقه بدکار گویند شما تا روز قیامت که هم امروز است در عالم علم خدا مهلت یافتید و لکن از جبل بر آن آگاه نبودید (۵۶) پس در این روز آنان که ستم کردند عذرشان مفید نیفتد و توبه و بازگشتشان بسوی خدا پذیرفته نشود (۵۷) بوما در این قرآن (عظیم) برای هدایت مردم هرگونه مثل زدن (و حقایق را روشن کردیم) و اگر تو بر این مردم هرگونه معجز و آیتی پیآوری باز محققا از روی عناد خواهند گفت شما مسلمین خلق را باطل (و اوهاّم) می خوانید (۵۸) این چنین خدا پر دلهای اهل جهل مهر (شقاوت) نهد (۵۹) پس تو ای رسول سحر پیشه کن که وعده خدا البته حق و حتمی است و مراقب باش که مردم بی یقین و ایمان مقام حلم و وقارت را بخت و سبکی نکشاند (۶۰)

سورة لقمان در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۳۴ آیه

میباشد بنام خدای بخشنده مهربان

الم (این حروف گفته شده که اسرار الهی است) (۱) اینست (قرآن عظیم) و آیات کتاب خدای حکیم (۲) که رحمت و هدایت است برای نیکو کاران (۳) آنان که نماز بهیامی دارند و زکوة فقیران ادای می کنند و بهالم آخرت کاملایین دارند (۴) هم آنان از لطف پروردگار خویش براه داشتند و هم آنان رستگاران عالمند (۵) و برخی از مردمان فاسد فتنه انگیز کسی است که گفتار و سخنان لغو و باطل را بهر وسیله تهیه می کند تا خلق را بجهالت از راه خدا گمراه سازد و قرآن را به تمسخر و استهزاء می گیرد این مردمان فاسد کافر به عذاب باخواری ذلت گرفتار شوند (۶) و هرگاه بر این مردم تلاوت آیات قرآن شود چنان باغ و دروخت بر پشت گرداند که گویی هیچ آن آیات قرآن الهی را نشنیده پنداری از مرد و گوش گراست (ای رسول گرامی) این کسی را بعد از دردناک بشارت ده (۷) آنان که بعد از ایمان آوردند و با اعمال نیکو پرداختند باغهای پر نعمت مخصوص آنهاست (۸) و آنها در بهشت ابد همیشه خواهند بود این وعده خدا محقق و حتمی است و خدا پر همه کار عالم مقتدر و به حقیقت هر چیز آگاه است (۹) آسمانها را بی ستونی که بعضی مشاهده کنید خلق کرده و کوههای بزرگ را در زمین

رَوَيْتُ أَنَّ نَمِيدَ بَكْرٍ وَبَتَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَوْرَثْنَا مِنْ السَّمَاءِ
 مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ رَوْحٍ كَرِيمٍ ۝ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا
 خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ يَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ وَلَقَدْ
 اتَّخَذْنَا لِقَاءَ الْيَوْمِ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ
 وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَفِيٌّ حَمِيدٌ ۝ وَإِذْ قَالَ لِقَاءُ لِبْنِهِ وَهُوَ
 يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ۝ وَصَبْنَا
 الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِذْ خَلَقَهُ أُمًّا وَهُنَّا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالٍ فِي
 عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي لَوْلَا ذِكْرُكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ۝ وَإِنْ جَاهِدَاكَ
 عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهَا
 فِي الدُّنْيَا مَغْرُورٌ فَأَتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ
 فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَا بُنَيَّ إِنَّمَا إِنْ نَكَ يَشْفَاكَ جَدُّكَ مِنْ
 تَرْدِي فَتَكُنْ فِي سَعَةِ السَّمَاءِ أَوْ فِي السَّعَةِ الْأَرْضِ يَا أَيُّهَا اللَّهُ
 إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ
 عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصِرْ عَلَى مَا أَمَّا بِكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزَمِ الْأُمُورِ ۝
 وَلَا تُصِرْ خَدَكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْسُ فِي الْأَرْضِ مَرَجًا إِنَّ اللَّهَ لَإِ
 يُّحِبُّ كُلَّ خَتَّالٍ فَخُورٍ ۝ وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ
 إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَابِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ۝ أَرَأَيْتُمْ أَنَّ اللَّهَ تَخَوَّرَ

بنهاد تا از حیرت و اضطراب برهید و در روی زمین انواع مختلف حیوانات
 را منتشر و پراکنده ساخت و هم از آسمان آب باران فرود آوردیم و بان
 آب نباتات گوناگون پرفایده پرویانیدیم (۱۰) اینهمه آفریده خداست حال
 شما بگوئید آنان که بجز خدا (معبود شما) هستند در جهان چه آفریده اند بلکه
 ستمکاران (مشرك) که آنها را شرك خدا گرفتند دانسته و آشکار در گمراهی
 هستند (۱۱) و ما به لقمان مقام علم و حکمت عطا کردیم (و فرمودیم) که خدا را
 شکر کن و هر کس شکر حق گوید بفتح خود اوست و هر که ناسپاسی و کفران
 خدا از شکر خلقی نیاز و بذات خود ستوده سفاقت (۱۲) ای رسول ما یاد کن
 وقتی را که لقمان در مقام پند و موعظه بفرزندش گفت ای پسر عزیزم هرگز
 شرك بخدا نیاز که شرك بسیار ظلم بزرگی است (۱۳) و ما بهر انسانی
 سفارش کردیم که در حق پدر و مادر نیکی کن خصوص ما در چون بار حبل
 فرزند برداشته تا مدت دو سال که خلق از خیر باز گرفته هر روز بر رنج
 و ناتوانیش بیفزوده بسیار نیکی و سپاسگذاری کن و نسبت شکر من کن که خالق
 و منعم و آنگاه شکر پدر و مادر بجای آور که باز گفت خلق بسوی
 من خواهد بود (۱۴) و اگر پدر و مادر تو را بر شرك بخدا که آن را
 بحق نمی دانی و ادا کنند در این صورت دیگر امر آنها را اطاعت مکن
 ولیک در دنیا با آنها بحسن خلق مصاحبت کن و از راه آن کسی که پدر گاه
 ما رجوع و انا بهایش بسیار است پیروی کن که پس از مرگ رجوع شما بسوی
 منست و من شما را بپاداش اصالتان آگاه خواهم ساخت (۱۵) باز لقمان
 گفت ای فرزند عزیزم بدان که خدا اصالت بد و خوب خلق را اگر چه
 بمقدار خردلی در میان سنگی در طبقات آسمانها یا زمین پنهان باشد همه
 را (در محاسبه) می آورد که خدا بر همه چیز توانا و آگاه است (۱۶) ای
 فرزند عزیزم نمازی یادار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر این کار از مردم
 نادان هر آزاری بی صبر پیش گیر که این صبر و تحمل در راه تربیت و هدایت خلق
 نشانه ای از مژم تا بت (مزد پلند هست) در امور لازم عالم است (۱۷) و هرگز
 متکبر و ناز از مردم رخ متاب و در زمین باغرور و تبختر قدم بر مدار که
 خدا هرگز مردم متکبر خود را دوست نمیدارد (۱۸) در رفتار
 میان روی اختیار کن و سخن آرام گونه با فریاد بلند که منکر و زشت ترین
 صداها صوت الاغ است (۱۹) آها شما مردم بحسن مشاهده نمی کنید
 که خدا

لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً
وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا
كِتَابٍ يُبَيِّنُ ۖ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا
وَجَدْنَا عَلَيْنَا آبَاءُنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشُّطْرَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ
التَّعِيرِ ۚ وَمَن يُضِلَّهُ رَجْمُهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ تَحَكُّشٌ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ
بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ ۖ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ۚ وَمَن كَفَرَ فَلَا يَصْرِفُهُ
كَفْرُهُ الْبَنَاءَ مَرَجِعُهُمْ فَتَنَتُهُمُ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۚ
ثُمَّ أَنَّهُمْ قَلِيلٌ لَّا تَنْصُرُهُمْ إِلَى عَذَابِ غَلِيظٍ ۚ وَلَئِن سَأَلْتَهُم
مَّن خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ
لَا يَعْلَمُونَ ۚ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ
الْحَمِيدُ ۚ وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ
مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ آخِرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
مَا خَلَقَكُمْ وَلَا يَسْكُنُهُ إِلَّا كَافَّةً أَحَدُهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۚ
الْزُّرَّانِ اللَّهُ يُوجِبُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوجِبُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ
يَسْخَرُ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا
تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۚ ذَلِكَ يَأْتِي اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن
دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُوكَ

انواع موجوداتی که در آسمان‌ها و زمین است برای شما مسخر کرده و نعمتهای ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان فرموده برخی از مردم بی‌خبر از کتاب روشن حق از روی جهل و گمراهی در دین خدا مجادله می‌کنند (۴۰) و چون باین مردم گفته‌شود (کتابی که خدا) فرستاده پیروی کنید جواب دهند ما تنها از طریق که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم (ای رسول بگو) آیا هر چند پدرتان را شیطان با تشویق دوزخ بخواند باز پیرو آنها میشوید (۴۱) و هر کس روی تسلیم و رضا بسوی خدا آورد و نکوکار باشد چنین کس به محکم‌ترین رشته الهی چنگ‌زده و بداند که پایان کارها به سوی خداست (۴۲) ای رسول ما تو از کفر هر که کافر می‌شود معذور مباش که رجوعشان بسوی ماست و ما آنان را سخت از کفر گرداران آگاه می‌سازیم که همانا خدا از اسرار دل‌های خلق هم آگاه است (۴۳) اندک زمانی آن کافران را بظنث فانی دنیا بر خوردار می‌سازیم آنگاه بفتاب سختشان بناچار گرفتار خواهیم کرد (۴۴) و اگر از این کافران سؤال کنی آن کیست که آسمانها و زمین را آفریده البته جواب دهند خداست ای رسول باز گو ستایش خدا را آری اکثر آنها بر این (حقیقت بدل) آگاه نیستند (۴۵) هر چه در آسمان و زمین است همه ملک خداست و خدا ذاتی بی‌نیاز و پسندیده است (۴۶) و اگر هر دو تخت روی زمین قلم شود و آب دریا با ضافه هفت دریای دیگر ممداد گردد باز نگارش کلمات خدا ناتمام بماند که همانا خدا را اقتدار و حکمت است (۴۷) خلقت و بعثت همه شما (در آسانی بر خدا) جز مثل یکتن واحد نیست که همانا خدا خدای بی‌نیاز (بیک لحظه باحوال خلق) است (۴۸) آیا ای رسول ندیدی که خدا شب را در روز و روز را در شب داخل کند و خورشید و ماه را مسخر ساخته که هر یک تا وقت معینی گردش کنند و نمی‌دانید که خدا (از نیک‌دین) بهر چه می‌کند آگاه است (۴۹) بدین سبب است که خدای یکتا حق مطلق و آنچه بجز او بعد از او می‌شوند همه باطل محض است و تنها خدا (که حق و وجود حقیقی است) بلند مرتبه و بزرگوار است (۵۰)

آیا نمی‌بینی که چگونه کشتی

تَجْرِي فِي الْبَرِّ بِفَضْلِ اللَّهِ لِيُكَفِّرَ عَنْ ذُنُوبِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ
 صَبَّارٍ شَكُورٍ ۝ وَإِنَّا نَحْنُ غَنِيٌّ عَنْ مَوْجِ كَافِلٍ ۝ أَدْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ
 لَهُ الدِّينَ فَلَا تَنسَوْنَهُمُ إِلَى الْبَرِّ فَيَنْهَكُوا مَقْصِدُهُ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا
 إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ۝ بَايَأْتُمُ النَّاسُ تَقْوَارُكُمْ وَاخْشَوْا بَنِي
 إِيمَانٍ وَالِدِينَ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا تُولُودُ مُوَجَّازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ
 وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ اللَّهُ
 الْغُرُورُ ۝ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ
 يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْبُ غَدًا وَمَا
 تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۝

سُورَةُ النُّورِ مَكِّيَّةٌ ثَلَاثُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ يُزِيلُ إِلَهُكُمُ الْيَا أَيُّهَا رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَمَرُوا قُلُوبَهُمْ
 أَفْزَعًا ۝ بَلْ هُوَ الْخَوُّ مِنْ رَبِّكَ لِيُنْذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ
 قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ ۝ مَا لَكُمُ مِنْ
 دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ ۝ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ۝ يَدْبُرُ الْأُمُورَ مِنَ
 السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ

بدیا بلفط واحسان خدا سیرمی کند تابشما بعضی از آيات خویش را
 بنمایاند که همانا در این کار بجای حکمتهای خدا بر هر شخص میبورد
 بلا و شکر گذار نعمت خدا پدیدار است (۳۹) و هرگاه که موحی مانند
 کوهها آنها را فرو گیرد در آن حال خدا را با عقیده پاک و اخلاص کامل میخواهند
 و چون باز بسا حل نجاتشان رسانید بعضی بر قصد (طاعت خدا) باقی مانند (و بعضی
 بکفر خستند) و آيات ما را انکار نمی کنند جز آن کسی که فداوار (و مودشکن) و
 کافر ناسپاس است (۴۰) ای مردم از خدا بترسید و بپندارید از آن آن روزی که
 نه هیچ پدری را بجای فرزندان و نه هیچ فرزندی را بجای پدر پاداش و
 کفر کنند البته وعده خدا حق و حتمی است پس زنها را زندگانی
 دنیا فریب ندهد و از عقاب خدا شیطان بفر و کرمش سخت مفروندان
 نگرداند (۴۱) همانا علم ساعت (قیامت) نزد خداست و او یاران را فرو
 بارد و او آنچه از تر و ماده دشت و زیبا که در رحمهای آستان است می داند
 و هیچکس نمی داند که چه خواهد کرد و هیچ کس نمی داند که بکدام
 سرزمین مرگش فرامی رسد پس خدا همه چیز خلاص دانا و بر کلیه اسرار
 و دقائق عالم آگاه است (۴۲)

سوره سجده در مکمل مظهر نازل شده و مشتمل بر سی آیتم میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

الحم (از اسرار یا متشابهات) یا اشاره با اسماء الهی یا نام این سوره (قرآن
 است) (۱) تنزیل این کتاب بزرگ (قرآن) بی هیچ شک (بدانند که) از جانب
 پروردگار عالم است (۲) کافران می گویند قرآن را او از پیش خود (بدون وحی
 خدا) فرا گرفته؛ بلکه آن بحق و راستی از جانب خدا فرستاده شده تا بر قومی
 که رسولی پیش از تو بسوی آنان نیامده تو رسالت کنی و از مصیبت خدا
 بترسانی باشد که راه هدایت پیش گیرند (۳) خدا آن کسی است که آسمان
 و زمین و هر چه در بین آنهاست همه را در مقدار شش روز بیافرید آنگاه
 به خلقش با عظمت پرداخت شما را غیر او هیچ یار و یاور و شفیع و مددکاری
 نیست (۴) او امر عالمها (بنظام احسن و اکمل) از آسمان تا زمین تدبیر
 می کند پس روزی که مقدارش بحساب شما پندگان هزار سال است باز

سَنَدٌ مِمَّا تُعَدُّونَ ۝ ذَٰلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ أَتَاهَا ذُكْرُ الْمَرْيُومِ
۝ الَّذِي خَسَنَ كُلُّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِنْ طِينٍ
فَرَجَعَلْنَاهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَوْفَعَ فَيْهٍ
مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكَ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا
تَشْكُرُونَ ۝ وَقَالُوا إِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَتُنَا بِحَقِيقٍ جَدِيدٍ
بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ ۝ فَلْيَتَوَقَّعْكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي فِي كُلِّ
يَكْرٍ نَزَّ إِلَى رَبِّكَ رُجُوعٌ ۝ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْخَيْرِ مَوْنَ تَاكِسُوا
رُفُوسَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا
إِنَّا مُوقِنُونَ ۝ وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًى وَلَكِنْ حَقَّ
الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْإِنْسَانِ أَجْمَعِينَ ۝
فَذُوقُوا عَذَابَنَا يَوْمَ تَكْفُرُونَ ۝ إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَنَا
الْخُلْدَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا
خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۝ تَتَجَافَىٰ
جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
يُسْتَفْعُونَ ۝ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ رَزَقْنَاهُمْ
كَأَنَّا يُعْمَلُونَ ۝ أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ
أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ الْمَآثُورِ ۝

پسوی خود بالا میبرد (۵) اینست همان خدائی که بر غیب و شهود عالم دانا
 و (بر جهان) مقتدر و مهربان است (۶) آن خدائی که هر چیز را بنیکوترین وجه
 خلقت کرد و آدمیان را نخست از خاک بیافرید (۷) آنگاه خلقت نژاد
 نوع بشر را از آب پیچید و مقرر گردانید (۸) سپس آن را نیکو بیاراست
 و از روح خود در آن دمید و شما را دارای چشم و گوش و قلب با حس و
 هوش گردانید (با اینهمه احسان) باز بسیار اندک شکر و سپاسگزاری حق می-
 کنید (۹) کافران گویند که آیا پس از آنکه ما در زمین نابود شدیم باز
 از نو زنده خواهیم شد بلی (البته زنده خواهند شد لیکن آنها بشود
 لغای خدا ایشان و بروز حساب اعمالشان از جهل) کافرانند (۱۰) (ای رسول
 ما) بآنها بگو فرشته مرگ که مأمور قبض روح شماست جان شما را خواهد
 گرفت و پس از مرگ پسوی خدای خود باز می گردید (۱۱) (ای رسول) اگر
 تو حال بد کاران را ببینی که چگونه در حضور خدای خود سر بریزند
 ذلیلند و گویند پروردگارا اینک عذاب ترا به چشم دیدیم و بگوش گرفتیم
 ما را بدینا بازگردان تا ازان پس صالح و نیکو کار شویم که اکنون به چشم
 یقین مشاهده کردیم (۱۲) و اگر ما با معیت ازلی می خواستیم هر نفسی را
 به کمال هدایتش می رسانیدیم ولیکن وعده حق و حتمی من است که دوزخ
 را البته از (کافران) حق و انس پر سازیم (۱۳) پس امروز شما ای کافران
 عذاب را بکیفر غفلت از ملاقات این روزتان بهشید که ما هم شما را
 فراموش کردیم (یعنی از نظر لطف) تا عذاب ابدی را پاداش اعمال درستی
 که کردید بهشید (۱۴) تنها کسانی که پایات ما ایمان میآوردند آنان
 هستند که چون معذکر (یاد خدا) شوند پیچیده رخ بر خاک نهند و تسبیح
 و تنزیه ستایش پروردگار کنند و بکبر و نفوت سر از فرمان حق هرگز
 نکنند (۱۵) (شبهها) پهلوی از بستر خواب حرکت دهند و با بیم و امید
 (در نماز شب) خدای خود را بخوانند و از آنچه روزی آنها کردیم
 بهمسکینان انفاق کنند (۱۶) هیچکس نمی داند که پاداش نیکوکاریش
 چه نعمت و لذتهای بی نهایت که روشنی بخش (دل و) دیده است در عالم
 غیب بر او ذخیره شده است (۱۷) آیا آنکس که بخدا ایمان آورده مانند
 کسی است که کافر بوده هرگز مؤمن و کافر یکسان نخواهند بود (۱۸)
 اما آنانکه (در دنیا) با ایمان و نیکو کار بودند

بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَآمَّا الَّذِينَ فَتَقُوا فَمَا وَهُمْ النَّارُ كُلَّهَا
 أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ
 النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تَكْفُرُونَ ۝ وَلَنَذِيقَنَّ الَّذِينَ مِنَ الْعَذَابِ لَأَذَّةً
 دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ
 بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْجَرِمِينَ مُنْفِقُونَ ۝ وَلَقَدْ
 آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى
 لِبَنِي إِسْرَءِيلَ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ آئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا
 بِآيَاتِنَا يَوْمِقُونَ ۝ إِنْ رَبَّكَ مُوَيْضِلٌ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
 فَمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كُرْهُهُمُ الْبَارِئُ قَلِيلٌ مِمَّنْ
 أَلْفَرُونِ بِمَسْأَلَتِهِمْ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ ۝
 أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُودِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا
 مِنْهُ أَشْجَارًا مِنْهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا
 الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا
 إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ۝ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ فَمِنْ أَمَامِهِمْ سُيُفُورٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّ اللَّهَ لَا يُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ

بپاداش اعمال صالح منزلگاه پرنعمت در بهشت بپایند (۱۹) ما آنان که
 سر از اطاعت حق کشیده و فاسق شدند منزلگاهشان در آتش دوزخ است و
 هر چه کوشند و خواهند که از آن آتش برون آیند باز (فرشتگان عذاب)
 بدان دوزخ برگردانند شان و گویند عذاب آتشی را که (در دنیا) تکذیب
 کردید اینک پشیمید (۲۰) و ما کافران را عذاب نزدیکتر بجشانیم غیر آن
 عذاب بزرگتر و شدیدتر (قیامت) تا مگر (از کفر و عصیان) بسوی خدا باز
 گردند (۲۱) کدامین کسی در عالم از آن کسی که بآیات خدا پند و تذکرش
 دادند و باز عراض کرد ستمکارتر است البته ما از بدکاران انتقام خواهیم
 کشید (۲۲) و همانا یحیی کتاب تورات را اعلا کردیم و تو ای رسول
 در ملاقات او هیچ شکستمدار و ما او را سبب هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم
 (۲۳) و برخی از آن بنی اسرائیل را امام و پیشوایانی که خلق را پامرما
 هدایت کنند قرار دادیم برای آنکه در راه حق صبر کردند و در آیات ما
 مقام یقین یافتند (۲۴) البته خدای تو بروز قیامت در آنچه این مردم
 اختلاف انگیزند حکم خواهد کرد (۲۵) آیا آن تلوائف و قبایلی را که ما
 پیش از این مردم کنونی هلاک کردیم و اینان اینک در دیارشان بجای آنها
 رفت و آمد میکنند هلاک آنها موجب هدایت و عبرت اینان نگردید؛ البته
 در این هلاک پیشینیان آیات پند و عبرت خلق است آیا باز هم سخن حق
 نمیشنوند؟ (۲۶) آیا ندیدند که ما آب باران را بسوی زمین خشک و بی آب
 و گیاه میبریم تا حاصلی که مردم و چهار پایانشان از آن بخورند و میرویا نهم
 (۲۷) و کافران میگویند این فتح و گشایش کی خواهد بود اگر راست
 میگوئید (۲۸) ای رسول ما بآنها بگو که روز فتح ایمان آنان که کافر بودند
 سود نبخشد و به آنها بانظار لطف و رحمت ننگرد (۲۹) پس تو (ای رسول)
 از آنها امران و دوری کن و منتظر (فتح و فیروزی باش) (که آنها هم منتظر
 ضعف و شکست تو هستند) (۳۰)

سورة احزاب در مدینه نازل شده و مشتمل بر ۷۳ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

ای پیغمبر (گرامی) همیشه خدا ترس و پرهیز کار باش و هرگز تابع رای
 کافران و منافقان مباش که همانا خدا دانا

كَانَ عَلَيْهِمْ حَكْمٌ وَأَتَّبِعْ مَا بَوَّحَى إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
 بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكُنْ بِاللهِ وَكِيلًا مَا جَعَلَ
 اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي هُدًى وَمَا جَعَلَ آزْوَاجَكُمْ اللَّائِي
 نَظَاهِرُ مِنْ مِثْلِهِمْ أَمْثَلًا لَكُمْ وَمَا جَعَلَ أَنْبِيَاءَكُمْ أَنْبَاءَكُمْ ذَلِكُمْ
 قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ هَدِي السَّبِيلَ
 ادْعُوهُمْ لِأَسْمَائِهِمْ هُوَ أَقْضَى عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ
 فَأَخْرَأَكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ
 بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا أَلَيْسَ
 أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُمْ أَمْثَلُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ
 بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ كَمَا لِلَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةِ إِلَّا أَنْ
 تَفْعَلُوا إِلَى أُولِي الْأَرْحَامِ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ بَصُورًا
 وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَ
 مُوسَى عَيْدِي مَرَّةً وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا لِيَسْئَلِ
 الضَّالِّينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا اذْكُرْ فَائِذَةً اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُودُ قَارِئُنَا عَلَيْنَا
 رِيحًا وَجُودًا لَزَّتْ رُؤُوسُهُمَا وَكَانَ اللَّهُ يَمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا إِذْ جَاءَكُمْ
 مِنْ قَوْفِكُمْ وَأَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ

وحکیم است (و تو بوحی خدا از غیر بی‌نیازی (۱)) تنها از آنچه بتو از جانب خدا وحی میشود پیروی کن و بامت بگو که خدا هر چه میکند کاملاً آگاهست (۲) در کارها بر خدا توکل کن (که تنها) خدا برای مدد و نگهداری کفایت است (۳) خدا درون یک مرد دو قلب قرار نداده و نیز زنان را که مادر بخوانند مادر شما و پسر دیگری را که فرزند بخوانند شمر شما قرار نداده این گفتار شما زبانی دبی واقعست و خدا سخن بحق میگوید و شما را بحقیقت راهنمایی میکند (۴) شما پسر خوانده‌ها را بپدران نشان نسبت دهید که این نزد خدا بعدل و راستی نزدیکتر است و اگر پدران را نشاناسید در دریغ برادران و پاران شما هستند و در کار نانشسته که بخل کنید بر شما گناهی نیست لیکن آن کار زشتی که بهیچ و با اراده قلبی نمیکند بر آن گناه مؤاخذه میشود و باز خدا بسیار آمرزنده و مهربانست (۵) پیغمبر اولی و سزاوارتر بمؤمنان است از یهود آنها و زنان پیغمبر (در اطاعت و مطوفت و حرمت نکاح بحکم) مادران مؤمنان هستند و خویفاوندان نسبی شخصی (در حکم اژد) بسنی بر بعضی دیگر در کتاب خدا مقدمند از مهاجر و انصار مگر آنکه بنیکی و احسان بر دوستان خود از مهاجر و انصار وصیتی کنند که این در کتاب حق مسطور گردیده است (۶) یاد آر آنگاه که ما از پیغمبران عهد و میثاق گرفتیم و هم از تو پیش از تو از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی مریم از همه پیمان محکم گرفتیم (که با هر مشقنی رسالت خدا را بخلق ابلاغ کنند) (۷) تا راستگویان عالم را از حقیقت و صدق ایمان نشان بار پرسند (و آنها را پاداشی تبلیغ رسالت و عمل صالح دهند) و اهل کفر را بکفر تکذیب و بدل عذاب سخت در دوزخ مهیا کنند (۸) ای اهل ایمان بیاد آرید نعمتی را که خدا بشما عطا کرد وقتی که لشکر بسیاری از کافران بر علیه شما جمع شدند پس ما بمدد و یاری شما بادی‌تند و سپاهی بسیار (از فرشتگان) که بچشم نمی‌دیدند فرستادیم و خدا خود باعمال شما آگاه بود (۹) یاد آرید وقتی را که لشکر کفار از بالا و زیر بر شما حمله‌ور شدند و چشمها حیران شد و جانها

الْقُلُوبُ الْحَاجِرُونَ يَنْظُرُونَ بِاللَّهِ الظُّنُونُ ۚ هَٰذَا لَكَ يٰٓأَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ
 ذِكْرٌ لِّوَلَدِكُمُ الْإِسْمَاعِيلَ ۚ وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي
 قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ۚ وَإِذْ قَالَتْ
 طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَرْبِ لِمَقَامِكُمْ فَارْجِعُوا إِلَىٰ تِلْكَ
 فِرْعَاقٍ مِّنْهُمْ الَّتِي يَقُولُونَ إِنَّا بِكُمْ لَكَافِرُونَ وَمَا هِيَ بِفِرْعَاقٍ
 بَرِيدُونَ إِلَّا فِرْعَاقٌ وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ آفَاطِهِمَا رُسُلًا
 أَنْ يَقُولُوا لَا تَقُومُوا هَٰذَا وَلَٰكِن لَّا يَكُونُ لَكُمْ قَوْلًا عَامِدًا
 اللَّهُ مِّنْ قَبْلِ الْاِبْتِهَادِ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ۚ
 قُلْ لَّنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرْعَاقُ إِن قَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ وَالْقَتْلِ وَإِذَا
 لَا تَمُوتُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۚ قُلْ مَن ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ اللَّهِ إِن أَرَادَ
 بِكُمْ سَاءَ أَوْ آدَا يَكْرِضْكُمْ وَلَا يَجِدُونَ لَهْمٍ مِّنْ دُونِ اللَّهِ
 وَلَبَّآ وَلَا نَنْصِرُ ۚ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّضِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ
 لِإِخْوَانِهِمْ هَلْ رَزَقُوا أَلْبَاسًا إِلَّا قَلِيلًا ۚ أَشِحَّةً
 عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَوْنَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ
 كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ
 بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَبِيرِ ۚ أُولَٰئِكَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آفَاقُ فَظَنُّوا
 أَنَّهُم لَمَّا قَامَ الْخَوَابُ

بگو رسید و بوعده خدا گمانهای مختلف کردید (مؤمنان بفتح اسلام و دیگران در گمان بد بودند) (۹۰)؛ در آنجا مؤمنان امتحان شدند (و ضعیفان در ایمان) سخت متزلزل گردیدند (۹۱)؛ و نیز در آن هنگام منافقان و آنان که در دلهایشان شک و ریب بود با یکدیگر می گفتند آن وعده (فتح و نصرتی) که خدا و رسول بما دادند غرور و فریبی بیش نبود (۹۲) و در آنوقت طایفه ای از آن کفار و منافقان دین گفتند ای پشیمان دیگر شما را در مدینه جای ماندن نیست باز گردید و در آن حال گروهی از آنها برای رفتن از پیغمبر اجازه خواسته میگفتند خانه های ما دیوار و حفاظی ندارد در صورتی که دروغ می گفتند و مقصودشان جز فرار از جبهه جنگ نبود (۹۳)؛ اگر دشمنان دین از اطراف بشهر و خانه ها شان از بی غارت هجوم آرند سپس از آنها تقاضای بازگشت بکفر و شرک کنند آنان اجابت خواهند کرد در صورتیکه اندک زمانی پیش در مدینه با آن کفر و شرک زیست نموده اند کرد و سپس همه هلاک شوند (۹۴) و آن منافقان از این پیش با عهد محکم بسته بودند که جنگ پشت نکنند و خلق بر عهد خدا مسئول خواهند بود (۹۵) ای رسول ما منافقان را بگو اگر از مرگ یا قتل فراد می کنید آن افراد هرگز بفتح شما نیست چه آنکه اندک زمانی پیش از زندگی کامیاب نخواهید شد (۹۶) ای رسول به آنها بگو اگر خدا بشما اراده پلاوشری کند یا اراده لطف و رحمتی فرماید آن کیست که شما را از اراده خدا بغیر یا شر منع تواند کرد و هرگز خلق را جز خدا هیچ یار و یابری نخواهد بود (۹۷) و حال آن مردم که مسلمین را از جنگ میترسانند و باز می دارند و پیرادران (و طایفه) خود میگویند با ما متفق باشید (نه با مؤمنان) بخوبی آگاهست (۹۸) و آنها را چنان بینی که از شدت ترس بر تو با چشمی که از بیم دوران میزند نگاه میکنند مانند کسیکه از سختی مرگ حال بی هوشی پاو دست دهد و باز وقتیکه جنگ و محاربه بر طرف شد سخت پا زبان تند و گفتار عصبان با کمال حرص و بغل مطالبه غنیمت می کند ایشان هیچ پندار ایمان نیاورده اند خدا اصالتشان را (چون همه راست) ناپدید میگرداند و این بر خدا آسان است (۹۹) و آن منافقان گمان کنند

لَزَيْنَةٍ مَبْرُورَةٍ وَإِنْ يَأْتِ الْأَخْزَابُ بِوَدُوٍّ أَوْ أَتَانَهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ
يَسْتَلُونُ عَنْ أَنْبَاءِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ۝
لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ رَبُّهُ اللَّهُ
وَالْيَوْمَ الْآخِرُ وَذَكَرَ اللَّهُ كَثِيرًا ۝ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَخْزَابَ
قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ
مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ۝ لَمَّا نَسَبْنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالًا صَدَقُوا مَا
عَاهَدُوا بِاللَّهِ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا
بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ۝ خَبَّرَ اللَّهُ الْأَضَاقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْ
مُتَنَافِسِينَ إِنْ شَاءَ أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْهِمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ عَافُوهُمُ آخِثًا
۝ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعِظِيمِهِمُ لَنَا لَوْ أَخْبَرُوا وَكَفَىٰ اللَّهُ
الْمُؤْمِنِينَ الْفِتْنَالُ وَكَانَ اللَّهُ مُبْتَغِيًّا ۝ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ
ظَاهَرُوا مِنْهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَافِيهِمْ وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ
الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا وَأَوْرَثَكُمُ أَرْضَهُمْ وَ
دِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّزَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ
الدُّنْيَا وَرَبِّتْنَاهَا فَنِعْمَ لَكُنَّ أُمَّتًا لَّكُنَّ سِرًّا حَسِيمًا ۝
وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ

که لشکرای کافران هنوز از دور مدینا ترقه و شکست نخورده است و اگر آن دشمنان بادر دیگر بر علیه اسلام لشکر کنند باز منافقان آرزویشان اینست که در میان اعراب پادیه از جنگ آسوده و برکنار باشند و از اخبار جنگی شما جو یا شوند و اگر هم در میان سپاه شما در آیند جز اندکی (آنها هم بر یا و نفاق) بجنگ پردازند (۴۰) البته شما را در اقتدای رسول خدا جمعی بر مقاومت پادشمن و چه دیگر اوصاف و افعال نیکو خیر و سعادت بسیار است برای آنکی که بشوای و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند (۴۱) و مؤمنان چون لشکر و نیروهای کفار را به چشم دیدند گفتند این همان جنگی است که خدا و رسول از پیش وعده دادند (۴۲) برخی از آن مؤمنان بزرگ مردانی هستند که بمهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند (تا بر آه خداه شهید شدند) و برخی بانظار مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند (۴۳) تا آنکه خدا آن مردان رستگویی (یا وفا) را ارسدی ایمان نشان پاداش نیکو بدهد و منافقان را به عذاب عذاب کند اگر بخواهد یا بطلعت تو بمشان بپذیرد که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است (۴۴) و خدا کافران را (در جنگ احزاب) با همان خشم و غضبی که بمؤمنان داشتند بی آنکه هیچ غیر و غنیمتی بدست آورند نا امید برگرداند و خدا خود امر حنک را از مؤمنان کفایت فرمود که خدا بسیار توانا و مقتدر است (۴۵) و آن گروه اهل کتاب که پشتیبان و کمک مشرکان بودند خدا از حصار و سنگرهاشان فرود آورد و در دلمان از شما مسلمین ترس افکند تا آنکه گروهی از آنها را بقتل رسانیدند و گروهی را اسیر گردانید (۴۶) و شما را وارد ترس زمین و دیار و اموال آنها کرد و نیز سرزمینی را که هیچ بر آن قدم (بجنگ) نهادند نصیب شما گردانید و خدا بر هر چیز بخواهد تواناست (۴۷) ای پیغمبر (گرامی) با زبان خود بگو که اگر شما رندگانی و ذیپ و زیور دنیا را طالبید بیائید تا من مهر شما را پر داخته و همدا را بخوبی و غرضندی طلاق دهم (۴۸) و اگر طالب خدا و رسول و مشتاق دار آخرت هستید

همانا خدا

[illegible]

بنیکو کاران از شما زنان (در قیامت) اجر عظیم عطا خواهد کرد (۳۹) ای
 زنان پیغمبر از شما هر که بکار نادرایی دانسته اقدام کند او را دو برابر
 دیگران عذاب کنند و این بر خدا سهل و آسان است (۴۰) و هر که از شما
 مطیع فرمان خدا و رسول باشد و بنیکو کار شود پاداشی دو بار عطا کنیم و
 برای او روزی بسیار نیکو (در بهشت) است (۴۱) ای زنان پیغمبر
 شما مانند یکی دیگر از زنان نیستید (بلکه مقامان رفیع تر است) اگر
 خدا ترس و پرهیز کار باشید پس زنها نازک و نرم و پامردان سخت و نکوید
 مهملات آنکه دلش پیمار (عرا و عوس) است بمطعم افتد (بلکه منین) و درست
 سخن گویند (۴۲) و در خانه هایمان بنشینید و آرام گیرید (و بی حاجت و
 ضرورت از منزل بیرون نروید) و مانند دورم جاهلیت پیشین آرایش و خود
 آراکی نکنید و نماز بپا دارید و زکوة مال بفقیران بدهید و از امر خدا
 و رسول اطاعت کنید خدا چنین می خواهد که رجس هر آلتش را از شما
 خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزه گرداند (آیه موافق
 اخبار موافق و مخالف راجع بشخص پیغمبر و علی و فاطمه و حسن و طهیم
 السلام است و اگر راجع بزنان پیغمبر بود بایستی ضمیر مؤنث ذکر شود
 تا پسایق جمل صدر آیه باشد) (۴۳) و از آنهمه حکمت و آیات الهی که
 در خانه های شما تلاوت می شود متذکر شوید و پند گیرید (و بدانید که)
 همانا خدا را بخلق لطف و مهربانیت و بحال همه آگاه است (۴۴) همانا
 کلیه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان
 اهل طاعت و عبادت و مردان و زنان راستگوی و مردان و زنان سابر و
 مردان و زنان خدا ترس خاشع و مردان و زنان غیر خواه مسکین نواز
 و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان با حفاظ خود را از نامایلات
 حرام و مردان و زنانی که یاد خدا بسیار کنند بر همه آنها عطا فرستد و
 پاداشی بزرگ مهیا ساخته است (۴۵) هیچ مرد و زن مؤمن را در کاری که
 خدا و رسول حکم کنند اراده و اختیاری نیست (که رای خلافی اظهار
 نمایند) و هر کس نافرمانی خدا و رسول کند

فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا ۝ وَإِذْ نَقُولُ لِلَّذِي نَعْمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
 أَنْعَمَ عَلَيْهِ أَمِيكَ عَلَيْكَ وَوَجَّعَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِيْكَ
 مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتُخْفِي النَّاسُ وَاللَّهُ أَعْلَى أَنْ تُخْسِبَهُ قُلُوبُنَا قَاطِبِي
 مِنْهَا وَطَرًا وَوَجَّعْنَا لَكَ إِلَيْنَا لَكُنْ عَلَى الْوَامِنِينَ حَرَجٌ مِّنْ أَرْوَاحِ
 أَنْعِيَّا لَمْ يَمِمْ إِذَا قَضَوْنَاهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ۝
 مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ
 خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا ۝ الَّذِينَ يَبْلُغُونَ
 رِسَالِ اللَّهِ فِي حَقِّهِمْ وَلَا يُخْفُونَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهُ وَكَفَى بِاللَّهِ
 حَسِيبًا ۝ مَا كَانَ لِمُحَمَّدٍ أَنْ يَأْتِيَ بِرِجَالٍ كَذِبٍ وَلَكِنْ رَسُولُ اللَّهِ
 وَخَاتَمُ النَّبِيِّينَ ۝ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَبِيرًا ۝ وَسَيُحْمِلُهُ نُكْرًا وَاصِيلًا ۝ هُوَ الَّذِي
 يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ
 كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَهِيمًا ۝ فَيَحْتَمِلُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامًا وَاعْدُوا لَهُمْ
 أَجْرًا كَرِيمًا ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَ
 نَذِيرًا ۝ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَبِإِذْنِهِ ۝ وَبَشِيرًا لِلْمُؤْمِنِينَ
 بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ۝ وَلَا تَطِيعُ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ
 وَدَعَا أَدِيَهُمْ وَقَوْلُكَ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

دانسته بگمراهی سخت افتاده است (۳۶) و چون تو با آنکس که خدا بش نعمت اسلام بپذید و توباش نعمت آزادی (یعنی زید بن حارثه) بنصبعت گفتی پرو زنی را نگه دار و از خدا بترس (و طلاقش مده) و آنچه در دل پنهان می داشتی خدا آشکار ساخت و تو از مخالفت و سرزنش خلق ترسیدی و از خدا ساز و آوازه کردی بود بترسی پس ما هم (بدین غرض) چون زید از آن زن کامدل گرفت (و طلاقش داد) او را بپناح تو درآودیم تا بعد از این مؤمنان در نکاح زنان پسر خوانده خود که از آنها کامیاب شدند بر خویش حرج و گناهی نهند و فرمان خدا بانجام رسید (۳۷) پیغمبر را در حکمی که خدا بر او مقرر فرموده گناهی نیست سنت الهی در میان آنانکه در گذشته هم اینست و فرمان خدا حکمی نافذ و حتمی خواهد بود (۳۸) این سنت خداست در حق آنانکه تبلیغ رسالت خدا بخلق کنند و از خدا می ترسند و از هیچکس جز خدا نمی ترسند و خدا برای حساب و مرافعت کار خلق پنهانی کفایت میکند (۳۹) محمد پدر هیچک از مردان شما نیست (پس زن زید زن فرزندش نبود و پس از طلاق او تواند گرفت) لیکن او رسول خدا و خاتم انبیاست و خدا همیشه بر همه امور عالم آگاه است (۴۰) ای کسانی که بخدا ایمان آورده اید ذکر حق و یاد خدا (بدل و زبان) بسیار کنید (۴۱) و دایم صبح و شام بتسبیح و تترتیه ذات پاکش بپردازید (۴۲) اوست خدائی که هم او وهم فرشتگانش بر شما بندگان رحمت میفرستد تا شما را از ظلمتها (ی جهل و گمراهی) بیرون آورد و بآل نور (علم و ایمان) رساند و او بر اهل ایمان بسیار رؤوف و مهربان است (۴۳) نصیحت مؤمنان و پذیرائی ایشان روزی که بقاء رحمت حق نائل شوند سلام خدا و بشارت لطف الهی خواهد بود و بر آنها پاداش با کرات و شرافت مهیا فرموده است (۴۴) ای رسول (گرامی) ما تو را به رسالت فرستادیم تا بر نیک و بد خلق گواه باشی و خوبان را بر رحمت الهی مژده دهی و بدان را از عذاب خدا بترسانی (۴۵) و باذن حق خلق را بسوی خدا دعوت کنی و چراغ فروزان عالم باشی (۴۶) مؤمنان را بشارت ده که خدا را بر آنان فضل و رحمت عظیم و ثواب بزرگ که از حد تصور بیرون است خواهد داد (۴۷) ای رسول هر گز بفرمان کافران و منافقان مباش و از جور و آزارشان در گذر و کار خود بخدا و گذار که خدا بر کمالت و کارساری امور خلق کفایت است (۴۸) ای مردان با ایمان

امُوا اِذَا تَكَلَّمْتُمْ اَلْمُؤْمِنَاتِ فَرَطَلَفْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ اَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا
 لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَةٍ تَعْتَدُوْنَ فَتَقْتُلُوهُنَّ وَسِرَّهِنَّ سِرًّا حَآ
 جِيلاً يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اِنَّا اَخْلَلْنَا لَكَ اَزْوَاجَكَ لِلْاَلَةِ اَتَيْتَ
 اُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ يَمَانًا ۖ اَللّٰهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِكَ
 وَبَنَاتِ عَمَاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ لِلْاَلَةِ مَا جَرَّ
 مَعَكَ وَامْرَأَةٌ مُّؤْمِنَةٌ اِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ اِنْ اَرَادَ النَّبِيُّ
 اَنْ يَسْتَنِكَحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنَاتِ قَدْ عَلِمْنَا مَا
 قَرَضْنَا عَلَيْهِنَّ فِي اَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُمْ لِكُلِّ اَحَدٍ
 عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَّحِيماً ۖ تَرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَ
 تُوَدِّي الْاُخْرَى مَنْ تَشَاءُ ۖ وَمِنْ اَبْنَعْتَ مِنْ عَمَلِكَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ
 ذَٰلِكَ اَدْنَى اَنْ تَقْرَأَ عَنْهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ وَرَضِبْنَ يَمَانَتَهُنَّ
 كُلُّهُنَّ ۖ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيماً حَلِيماً ۖ لَا
 يَحِلُّ لَكَ الْفِسَاءُ مِنْ بَعْدِ وَلَا اَنْ تَسْدَلَ مِنْهُنَّ مِنْ اَزْوَاجٍ وَلَوْ
 اَتَجَمَّكَ جُنُسُهُنَّ اِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللّٰهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 رَقِيبًا ۖ يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ اِلَّا اَنْ يُدْعَوْ
 لَكُمْ اِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرٍ اِنَّا هُوَ وَلٰكِنْ اِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوْا اِنَّمَا
 طَعِنْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مَسْتَأْذِيْنَ بِحَدِيثٍ اِنْ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْتَىٰ

هرگاه زنان مؤمنه را بمقد خود درآورده و پیش از آنکه با آنها نزدیکی کنید طلاقشان دادید در اینصورت از شما آنکه داشتن همه بر آنها نیست پس آنها را بچیزی بهره‌مند کنید و بنیکی رها سازید (۴۹) ای پیغمبر (گرامی) ما زنانی را که مهرشان ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی را که بنیمت خدا تو را نصیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمو و دختران عمو و دختران خالو و دختران خاله آنها که با تو از وطن خود هجرت کردند و نیز زن مؤمنه‌ای که خود را بر رسول بی‌شرط و مهر ببخشد و رسول هم ب نکاحش مایل باشد که این حکم (همه و ببخشیدن زن و حلال شدن او) مخصوص تو است دون مؤمنان که ما حکم زنان عقی و کنیزان ملکی مؤمنان را ب علم خود بیان کردیم این زنان همه را که بر تو حلال کردیم بدین سبب بوده که بر وجود (عزیز) تو در امر نکاح هیچ حرج و زحمتی نباشد و خدا را بر بندگان مغفرت و رحمت بسیار است (۵۰) تو ای رسول هر یک از زنان را خواهی نوپش را مؤخر دار و هر که را خواهی بخود بپذیر و هم آنان را (بهم) از خود راندی اگرش (بهم) خواندی باز بر تو پاکی نیست این بهتر شادمانی دل و روشنی دیده آنهاست و هرگز هیچیک باید محزون نباشند بلکه یا آنچه ایشان را عطا کردی همه بخشنود باشند و خدا بهره‌ده دل شما مردم است آگاهست خدا (بر نیک و بد خلق) دانا و (بر عفو و انتقامشان) بردبار است (۵۱) ای رسول بعد از این (زنان) دیگر نه عقد هیچ زن بر تو حلال است و نه مبدل کردن این زنان بدیگر زن هر چند از حشش بشکفت آبی و بسیار در نظرت زیبا آید مگر که کنیزی مالک شوی و خدا بر هر چیز مراقب و نگهبان است (۵۲) ای کسانی که بخدا ایمان آوردید بخواه‌های پیغمبر داخل مشوید مگر آنکه اذن دهد و بر سفره طعامش دعوت کند در آن حال هم نباید زودتر از وقت آمده و بطرف غذا چشم انتظار گشائید بلکه موقمی که دعوت شده‌اید بیایید و چون غذا تناول کردید زود از پی کار خود متفرق شوید نه آنجا برای سرگرمی و انس بسخن‌رانی پردازید که اینکار

التَّيِّبَ فَيَسْجُدْ مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ
 مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ
 وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِرُوا آذْرَاجَهُ مِنْ
 بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا ۝٢٣٠ إِنْ تَبَدُّوا فَبَدُّوا
 تَخْفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝٢٣١ لَأَجْنَحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ
 وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ
 أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَمْلَكَاتِهِنَّ أَتَمَّاهُنَّ وَأَتَمَّاهُنَّ اللَّهُ
 إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ۝٢٣٢ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ
 عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۝٢٣٣
 إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا ۝٢٣٤ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا ۝٢٣٥ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ
 قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَبَنَاتِكَ وَلِئَالِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِيهِنَّ عَلَيْهِنَّ مِنْ
 جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
 رَحِيمًا ۝٢٣٦ لَنْ أَرْبِتَ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ
 الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ يَوْمَ تَمُوتُ لَأَيُّهَا يَوْمُكَ فِيهَا
 الْفُلُكِلَا مَلْعُونِينَ أَيْمًا تُقْفَوُا الْخُدَّاءُ وَقِيلُوا تُقْبِلُوا سَنَ

پیغمبر را آزار می دهد و اویشما از شرم اظهار نمی دارد ولی خدا را از شما بر اظهار حق خجلتی نیست و هرگاه از زنان رسول متاهی میطلبید از پس پرده طلبید که حجاب برای آنکه دل های شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است و نباید هرگز رسول خدا را (در حیات) بیازارید و نه پس از وفات هیچگاه زناش را بنکاح خود در آورید که این کار نزد خدا (گناهی) بسیار بزرگ است (۵۳) (و از خدا ترسید که) هر چیزی را اگر آشکار یا پنهان کنید بر آن و بر همه امور جهان کاملاً آگاه است (۵۴) و زنان را باکی نیست که بر پدران و فرزندان و برادران و برادر و خواهرزادگان و زنان مسلمان و کنیزان ملکی بی حجاب در آیند (و از غیر اینها باید احتیاج کنند) و از خدا بترسند که خدا بر همه چیز کاملاً گواه (و آگاه است) (۵۵) خدا و فرشتگانش بر روان پاک این پیغمبر درود میفرستند شما هم ای اهل ایمان بر او صلوات و درود بفرستید و با تعلیم و اجلال بر او سلام گوئید (و تسلیم فرمان او شوید) (۵۶) آنان که خدا و رسول را بمسیان و مخالفت آزار و اذیت می کنند خدا آنها را در دنیا و آخرت لعن کرده (و از رحمت خود دور فرموده و) بر آنان عذابی با ذلت و خواری میبیا ساخته است (۵۷) و آنان که مردان و زنان با ایمان را بی تقصیر و گناه بیارارند (بترسند) که دانسته گناه و تهمت بزرگی را مرتکب شده اند (۵۸) ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را بجادر فرو پوشند که این کار برای اینکه (بعفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوس را بان) آزار نکشند بر آنان بسیار بهتر است و خدا (در حق خلق) آمرزنده و مهربان است (۵۹) البته (بعد از این) اگر منافقان و آنان که در دلهایشان مرض و ناپاکیت وهم آنها که در مدینه (بر ضد اسلام) دل اهل ایمان را مضطرب و هراسان می سازند دست نکشند ما هم تو را بر (قتل) آنها برانگیزیم (و بر حان و مال آنها) مسلط گردانیم تا از آن پس جز اندک زمانی در جوار تو زیست نتوانند کرد (۶۰) این مردم پلید بدکار را ندۀ درگاه حقتد باید هر جا یافت شوند آنان را گرفته و جداً بقتل رسانید (۶۱) این سنت خدا

اللَّهُ فِي الدِّينِ خُلَوا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ يَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۝
 يَسْأَلُ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ
 لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ۝ إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ
 سَعِيرًا ۝ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ هَؤُلَاءِ
 نَقَلَبُ وُجُوهَهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا
 الرَّسُولَ ۝ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَاكَ وَكُنَّا بِكَ مُخْلِئِينَ وَمُقْسِمِينَ
 السَّبِيلَ ۝ رَبَّنَا إِنَّمَا ضَعُفْنَا مِنْ الْعَذَابِ الْعَنَّا كَثِيرًا
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ إِذْ دَاوُودُ مَوْسَى قَبْرَهُ أَهْلُهُ
 مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
 وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
 وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ۝ إِنَّا عَرَضْنَا
 الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا
 وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ۝
 لِيَعَذَّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ
 وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا
 سُبْحَانَكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

است که در همه ادوار و ايام گذشته برقرار بوده (که منافقان و فتنه انگیزان را) رسولان حق بقتل رسانند و بدانکه سنت خدا هرگز مبدل نخواهد گشت (۳۳۱) ای رسول ما مردم از تو میپرسند که ساعت قیامت کی خواهد بود جواب ده که آن را خدا میداند و پس تو ای رسول چه میدانی (بگو به مردم حافظ) هاید آن ساعت بسیار موقش نزدیک باشد (۳۳۲) خدا کافران را لعن کرد و بر آنان آتش دوزخ مهیا گردانید (۳۳۳) آنان در آن دوزخ همیشه معذبند و بر نجات خود هیچ یار و یابوری نخواهند یافت (۳۳۴) در آن روز سورتهاشان بر آتش حمی بگردد (و از روی پشیمانی) گویند ای کاش که ما (بدنیا) خدا و رسول را اطاعت می کردیم (۳۳۵) و گویند ای خدا ما اطاعت امر بزرگان و پیشوایان (فاسد) خود را کردیم که ما را براه ضلالت کشیدند (۳۳۶) تو ای خدا عذاب آنان را سخت و مضاعف ساز و بطن و جنب شدید گرفتارشان گردان (۳۳۷) ای کسانی که بعد از ایمان آورده اید شما مانند آن مردمی نباشید که پیغمبرشان موسی را (به تمسک و تاو قتل هرون و دیگر مجوس و یهود) بپا زدند تا آنکه خدا از آن تمسک منزه ساخت و او نزد خدا پیغمبری مقرب و محترم بود (۳۳۸) ای اهل ایمان متقی و خدا ترس باشید و همیشه بحق و صواب سخن گویند (۳۳۹) تا خدا اعمال شما را بلفظ خود اصلاح فرماید و از گناهان شما درگذرد و هر که خدا و رسول را اطاعت کند البته بسمادت و فیروزی بزرگ نائل گردیده است (۳۴۰) ما بر آسمانها و زمین و کوههای عالم عرض امانت کردیم همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند تا انسان (ناتوان) بپذیرفت و انسانهم (در اداء امانت) بسیار متکابر و نادان بود (که اکثر براه جهل و صیانت شرافت) (۳۴۱) این عرض امانت برای این بود که خدا مرد دوزن منافق و مرد وزن مشرک همه را بهتر و عذاب گرفتار و از مرد و زن مؤمن (بر رحمت) درگذرد که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است (۳۴۲)

سوره سباء در مکه معظمه نازل شد و مشتمل بر ۵۹ آیه میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي
 الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۝ يَعْلَمُ مَا بَلَغَ فِي الْأَرْضِ مَا بَخَّرَ مِنْهَا
 وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَرْجُفُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ۝ قَالُوا
 الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلْ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمُ
 الْغُيُوبِ ۝ يَعْرُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ
 لَا أَصْغُرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ ۝ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۝ لِيُخَبِّرَ الَّذِينَ
 آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلِتُنْفِذَ أَمْرُكُمْ كَرِيمٌ ۝
 وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَانِنَا مُعَاجِرِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ
 أَلِيمٌ ۝ هَدَى الَّذِينَ أَوْقُوا أَلْعِلَّةَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَهُكَ مِنْ رَبِّكَ
 هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَرْشِ الْحَمِيدِ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 هَلْ نَدُوكُمْ عَلَى رَجُلٍ أَنْ يَتَذَكَّرَ أَلَمْ يَأْتِكُمْ أَلْفُ مَوْعِدٍ مِنْ قَبْلِ
 هَذَا فَمَا لَمْ تَأْتِ بِهِ سَاعَتُهُمْ قُلْ لَا يَأْتِيَنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 إِلَّا السَّاعَةُ ۝ فَذَرْنِي عَلَى اللَّهِ كَذَبًا أَمْ بِهِ جُنَّةٌ يُبَلِّغُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
 بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ الضَّلَالِ الْبَعِيدِ ۝ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَارَأَ
 أَنْبِيَاءَهُمْ وَمَا خَلَقَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَنْ تَشَاخَفَ بِهِمْ
 الْأَرْضُ أَوْ تَنْقُطَ عَلَيْهِمْ كَفَاً مِنَ السَّمَاءِ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِكُلِّ
 عَبْدٍ مُنِيبٍ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِثْقَالَ جَبَالٍ آيَاتٍ ۝ وَجَعَلْنَا
 وَالْقَطِيرَ وَآلَهُ الْحَمْدُ يَدَانِ أَعْمَلُ مَا يُعْمَلُ وَقَدَرُ فِي السَّعَةِ

ستایش و سپاس مخصوص خداست که هر آنچه در آسمانها و زمین است همه ملك اوست و در عالم آخرت نیز شکر و سپاسی مخصوص اوست و او بنظم آفرینش حکیم و بهمه امور عالم آگاهست (۶) و هر چه درون زمین رود و هر چه از زمین بدر آید و هر چه از آسمان فرود آید و هر چه بر آسمان بالا رود همه را می داند و اوست که بر بندگان مهربان و بخشاینده است (۷) و کافران منکر قیامت گفتند که هرگز ساعت قیامتی برمانی آیدای رسول به آنها بگو بخدای من قسم که الهیته می آید او بر غیب جهان آگاهست و مقدار ذره یا کمتر و بیشتر از ذره ای از موجودات عالم در همه آسمانها و زمین نیست جز آنکه در کتاب (علم ازلی حق) آشکار است (۸) آنان را که بخدا ایمان آورده و با اعمال صالح پرداختند پاداش نیکو دهد که آمرزش حق و رزق نیکوی مخصوص آنها است (۹) آنان که در محو و نابود ساختن آیات ماسمی و کوشش کردند تا مگر (رسول) ما را ناتوان کنند بر آنها عذاب سخت در دناک خواهد بود (۱۰) و آنان که اهل دانش و معرفت گردیدند یقین داشتند که قرآنی که بر تو نازل شده از جانب پروردگار تو بحق نازل گردیده است و رحمتی خلق بر او خدای بی همتای ستوده صفات است (۱۱) و کافران به تمسخر و استهزاء با مردم می گفتند که آیا میخواهید شما را بمردی رهبری کنیم که می گوید شما پس از آنکه مریدید و ذرات جستان منفردی و پراکنده گردید از نو باز زنده خواهید شد (۱۲) آیا این مرد دانسته بخدا دروغ می بندد (یعنی محمد) یا جنون بر این گفتارش و امی دارد (بگو اینها هیچ نیست بلکه قیامت زود بیاید و) آنان که بمالم آخرت ایمان نمی آورند آنجا در عذاب و اینجا در گمراهی دور از نجات گرفتارند (۱۳) آیا (کافران) به آسمان و زمین که بر آنها از پیش و پس احاطه کرده نمیتوانند و اگر ما بخواهیم آنها را بزمین فرو می بریم یا بیک قطعه از آنها بر سرشان فرود آوریم (باری بنگرند که) در آن آیت حکمت و قدرت ما بر هر بنده خداشانش با اخلاسی بخوبی پدیدار است (۱۴) و ما حظ و بهره داد و با فضل و کرم خود کاملاً افزودیم و امر کردیم که ای کوهها و ای مرغان شما نیز با تسبیح و تنمیه الهی دادیم هم آنها را بشوید و آهن سخت را بدست آوریم گردانیدیم (۱۵) و با دستور دادیم که از آهن ذره بساز و حلقه ذره باندازه و یک شکل گردان و خود با قوت

وَاَعْمَلُوا صَالِحًا اِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ وَلَسْلَفْنَا نَارَ الْجَهَنَّمَ
 فَهَرُورًا وَخَاشَتُهُمْ وَاسْتَلْنَا لَهُ عَابِنَ الْفِطْرِ مِنْ اِلَهِمْ مَنْ يَعْلَمُ
 بَيْنَ يَدَيْهِ بِاِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَرْغَبْ مِنْهُمْ عَنْ امْرِئِنَا نُنْذِرْكَ مِنْ عَذَابِ
 السَّعِيرِ ۝ تَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ خَمَاسِيلٍ وَجِفَانٍ
 كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيٍّ اَعْمَلُوا الْاَلْ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ
 مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ ۝ قُلْنَا اقْضِنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى
 مَوْتِهِ اِلَّا دَابَّةٌ اَلَا رِضًا كُلُّ مِثْقَالَةٍ قُلْنَا عَرَبْنَاهَا لِيُحْيِيَ اَنْ
 لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْقَبْرِ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ اِلَّاهِي ۝ لَقَدْ كَانَ
 لِسَبَإٍ فِي مَكْرَمِ اٰيَةِ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ
 رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهٗ بَلَدُهُ طَيِّبَةٍ وَرَبِّ غَفُورٍ ۝ فَلَمَّ عَصَوْا رَحْمَتَنَا
 عَلَيْهِمْ سَبَّلَ الْعَرِمِ وَبَدَلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِ اَكْلٍ مُخْتَلِفٍ
 وَاَثَلٍ وَشَجَرٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ ۝ ذَٰلِكَ جَزَاءُكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ وَاهْلُ
 لُجَاذِي اِلَّا الْكُفُورُ ۝ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْعَرَمِ الْبَرِّيَّةَ اَلْقَى بَارُكَا
 فِيهَا قَرْيَ ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا التَّسْرِيرَ وَافِيهَا الْبَنَاتِى وَابْنَا
 اٰمِنِينَ ۝ فَقَالُوا رَبَّنَا اَعِزِّبْنِ اَسْفَارَنَا وَظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَا
 اَحَادِيثَ وَمَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَرِّزٍ اِنْ فِي ذَٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ
 شَكُورٍ ۝ وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ اِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ اِلَّا قَرِيضًا

همه نیکوکار باشید که من کاملاً بهره‌چنه کنید آگاهم ۱۱ و بادرامسهر
 سلیمان ساختم تا (ساختن را) سیحگاه یک ماه راه برد و مصر یک ماه و چون
 مدمن مس گفته اخته (یافتن یا مبادن دیگر) را بر او جاری گردانیدیم و برخی
 از دیوان باذن پروردگار در حضورش به خدمت پر داشتند و از آنها هر
 کس را فرمان ما بپیچید عذاب آتش سوزانش می‌چشانیم ۱۲ آن دیوان بر
 او هر چه می‌خواست از کاخ و عمارت و مبادعالی و ظروف بزرگ مانند حوضها و
 نقوش و منالها و دیگهای عظیم که بر زمین کار گذاشته بودند همه را می
 ساختند اینک ای آل داود شکر و ستایش خدا بجای آرید و (هر چند) از
 پندگان من عده قلیلی شکر گذارند ۱۳ و چون ما بر سلیمان مرگ را
 مامور ساختم بر مرگ او بجز حیوان چوب‌خواری که عسای او را خورد
 کسی دیگر رهبر نگفت پس دیوان که از مرگ سلیمان آگاه شدند اگر از
 اسرار غیب آگاه بودند تا دیر زمانی در عذاب و ذلت و خواری باقی نماندند
 ۱۴ و برای اولاد سبا در وطنشان (در زمین شام) از جنوب و شمال دو (باغ و)
 بوستان آیت لطف و رحمت بود (و بآنها گفتم که) به خود پیدازرق خدای خود
 و شکر وی بجای آرید که مسکنان شهری نیکو است و خدای شما غفور (و
 مهربان) است ۱۵ باوجود این باز اعراض کردند ما هم میلی سخت بر ملاک
 ایشان فرستادیم و بجای آن دو نوع باغهای پر نعمت دو باغ دیگرشان دادیم
 که باز دزغناش تلخ و ترش و بدطعم و شور و گز و اندکی درخت سدر بود
 ۱۶ این کفر کفران آنها بود و آیا ما با مرحمتی که ببندگان داریم تا کسی
 کفران نکند مجازاتش خواهیم کرد ۱۷ و ما میان آنها و شهرهایی که
 در آنجا پر نعمت و برکت گردانیدیم باز قریه‌هایی (نزدیک بهم) قرار دادیم
 با فاصله کوتاه و سیر سفری معین و آنها را گفتیم که در این دهو شهرهای
 نزدیک بهم شبان و روزان با ایمنی کامل مسافرت کنید ۱۸ باز آنها
 گفتند بارالها سفرهای ما را دور و دراز گردان و بر خویش ستم کردند ما
 هم آنها را عبرت داستانشا کردیم و یکی متفرق و پراکنده ساختیم در این
 (عقوبت) برای مردمان پراسر و شکر آیات عبرت و حکمت آشکار است
 ۱۹ و سلطان گمان باطل خود را سخت بسدق و حقیقت در نظر مردم
 جلوه داد تا جز فرقه کمی

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ
 يُوْثِقُ بِالْآخِرَةِ ۚ إِنَّهُمْ مُؤْمِنُونَ ۚ وَإِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَظِيظٌ
 ۚ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ رَعَيْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ
 فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ مَا لَهُمْ فِيهَا مِنْ شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ
 مِنْ ظَهِيرٍ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ أَفْوَاجَهُمْ ۚ وَلَا تَمْنُنْ لِلَّذِينَ آمَنُوا ۚ قُلِ
 الْوَيْفَاءُ لِلَّذِينَ أَحْبَبُوا خَيْرٌ ۚ وَمَا أُولَئِكَ بِبَرٍّ ۚ قُلِ
 مَنْ يَرْزُقْكُمْ مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ أَتَاكُرُ
 لَعَلَىٰ هُدًى ۚ وَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ قُلِ لَا تَسْأَلُونَنَا عَنْ آجُرِنَا
 وَلَا تَسْأَلُنَا عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ قُلِ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ
 وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ۝ قُلِ أَرُونِي الَّذِينَ أَهْكُمْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا
 بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَلَامًا لِلنَّاسِ
 بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۚ وَلَئِنَّ الْآخِرَ لَأَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا
 الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ قُلِ لَكُمْ مِيعَادٌ يَوْمَ لَا تَسْأَلُونَنَا
 عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْقُدُونَهُ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ
 بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ
 مَوْفُوقُونَ عِندَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلُ يَقُولُ الَّذِينَ
 اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكَبرُوا أَلَا أَنْتُمْ لَنَا مُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ

از اهل ایمان همه او را تصدیق کردند و پیرو او شدند (۳۰) در صورتی که شیطان بر مردمان تسلطی نداشت (بلکه از حرص دنیا پیرو او شدند) و شیطان را بر این داشتیم تا با امتحان آن کسی که به اهل قیامت ایمان آورد از آن کسی که شک دارد معلوم گردانیم و خدای تو بر هر چیز نگهبان (آگاه) است (۳۱) (ای رسول ما به مشرکان) بگو آنهایی را که بجز خدا شما مؤثر پنداشتید هیچ مقدار در ذره ای در آسمانها و زمین مالک نیستند و با خدا شریک نیستی در خلقت آسمان و زمین نداشته و با او در آفرینش یاری و کمکی نکرده اند (۳۲) و شفاعت کسی هم جز آنکه خدا یاو اذن شفاعت داده سودمند نیست (پس خاصان و انبیاء را شفیع خود قرار دهید) تا چون آن خاصان از دلاهاشان اشعاراب جلال و سطوت الهی بر طرف شود گویند خدا چه (در باب شفاعت) فرمود پاسخ دهند که حق (و درستکاری و شفاعت مؤمنان نه مشرکان) که او خدای بلند مرتبه بزرگوار است (۳۳) (ای رسول مشرکان را) بگو آنکه از نعم آسمانها و زمین بشما روزی نمی دهد کیست بگو آن خداست و ما (که موحدیم) یا شما (که مشرکید) کدام در هدایت یا ضلالتیم بزرودی معلوم شما خواهد شد (۳۴) باز بگو شمارا مسؤل جرم ما و ما را مسؤل کردار (زشت) شما هرگز نخواهد کرد (۳۵) باز بگو که خدا بین همه ما جمع کند آنگاه میان ما بحق فتح و داوری خواهد فرمود که او گشاینده مشکلات و دانای اصرار است (۳۶) باز بگو (ای رسول) شما به من آنان را که بعنوان شریک بعد از استیذان نشان دهید (چه قدرتی دارند هیچ) بلکه خداست آنکه مقتدر بر جهان و با علم و حکمت (در ایجاد) است (۳۷) و ما تو را جز برای اینکه موم بشر را (برحمت خدا) بشارت دهی و (از هدایت) ترسانی نفرستادیم و لیکن اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند (۳۸) و کافران میگویند پس ای پنده قیامتی که شما می دهید اگر راست می گوئید کی خواهد بود (۳۹) در جواب آنها بگو و عده گاه شما روزیست که البته بیاید و ساعتی بتقدیم و تأخیر بر شما نخواهد یافت (۴۰) و کافران مشرک گفتند ما هرگز باین قرآن و به کتابهایی که پیش این فرستاده اند ایمان نخواهیم آورد اگر روزی که آن متمکاران را در پیشگاه خدا باز داشته اند مشاهده کنی در حالی که با یکدیگر بخصوص و گفتگو برخاسته و ضعیفان تابع به رؤسای گردنکشی خطاب کنند که اگر اغوای شما نبود ما البته بعدا ایمان می آوردیم (۴۱) و باز رؤسای متکبر با پیروان ضعیف خویش گویند

الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِلَى اللَّهِ يَنْصُفُوا أَفَنُصِّدُكَ وَالَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا
بَعْدَ ذَلِكَ نَكْرًا بَلْ كُنْتُمْ تُخْرِجُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا
إِلَى اللَّهِ اسْتَكْبَرُوا بِأَمْرِ اللَّهِ وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَإِنْ تَأْمُرُ نَحْنُ أَنْ نَكْفُرَ
بِاللَّهِ وَنَحْصَلَ لَهُ أَثَدًا وَأَسْرًا الشَّدَامَةُ كُنَّا رَأَوُا الْعَذَابَ
وَجَعَلْنَا الْأَعْلَالُ فِي غَنَاءِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَأَهْلُ الْخَيْرِ وَالْإِيمَانِ
مَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ هُمْ أَزْهَقُوا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَدِيرٍ قَالَ تَتَرَوُنَّ
إِنَّمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ۝ قَالُوا لَنْ نَكْفُرَ أَكْثَرُ أَمْوَالِ الْأَوَّلَادِ
وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ ۝ هَلْ إِنَّ رَبِّي بِبَطْطِ الرِّزْقِ لَيْسَ بِهِ وَبَطْطُ
وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ هُمْ أَزْهَقُوا أَوْلَادَهُمْ
بِالْحَقِّ تَقَرُّ بَكَرًا عِنْدَ نَاذِلِي الْأَمْنِ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا قَالُوا لَكَ
لَهُمْ جَزَاءُ الْيُسُفُفِ عَمَّا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ ۝ وَالَّذِينَ
يَسْعَوْنَ فِي الْأَنْدَامِ مَجْرِبِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُخَضَّرُونَ ۝
قُلْ إِنَّ رَبِّي بِبَطْطِ الرِّزْقِ لَيْسَ بِهِ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ
مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ خَلِيفَةٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ۝ وَهُوَ
يَحْشُرُهُمْ جِهَانًا يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهْلُوا لَهَا إِنَّا كُنَّا أَتَيْنَاكُمْ
قَالُوا ابْطَانُكَ أَنْتَ وَلَيْسَ بَيْنَ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ
الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ۝ قَالُوا لَوْ لَمْ يَكُنْ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ

آیا با آنکه از جانب خدا راه هدایت را پشمانمودند باز ما شما را از هدایت منع کردیم بلکه شما خود مردم بدکاری بودید (۳۳) باز آنانکه ضعیف تابع بودند بر رؤسای متکبر جواب دهند که مکر و فریب و زور گار ما و این آن داشت که بعدای یکتا کافر شویم و برادر شریک قرار دهیم و چون عذاب قیامت را ببینم مشاهده کنند سخت اظهار پشیمانی کنند و ما زنجیرهای خطاب مگر حق تابع و متبوع اهل کفر نهاده و گوئیم آیا این رنج و شکنجه جز کفر کردار زنت شامت (۳۴) و ما هیچ رسولی در دیاری نفرستادیم جز آنکه ثروت مندان هیش آن دیار بر سرولان گفتند ما بر سالت شما کافریم و هیچ ایمان و عقیده شما نداریم (۳۵) و باز گفتند که ما بیش از شما مال و فرزند داریم (چون نعمت دنیای ما افزون تر است) در آخرت هم هرگز رنج و عذابی نخواهیم داشت (۳۶) ای رسول ما بگو خدای من هر که را بخواهد روزی وسیع دهد و هر که را بخواهد تنگ روزی گرداند ولیکن اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند (۳۷) و هرگز اموال و اولاد شما چیزی که شما را بدرگاه ما مقرب گرداند نیست مگر آنکه با ایمان و عمل صالح کسی مقرب شود و آن پادشاه اعمال سالحان مضاعف و افزون است و در غرغره های بهشت ابداً این و آن سوده خاطرند (۳۸) و آنانکه در معوج و نابودی آیات و رسل ما می کوشند تا ما را زبون و مغلوب خود کنند آنها را البته برای عذاب و انتقام حاضر خواهند کرد (و به کفر سخت می رسانند) (۳۹) ای رسول ما بگو خدای من هر که از پندگان را خواهد وسیع روزی یا تنگ روزی میکرداند و شما هر چه در راه رضای حق اتفاق کنید شما عوض میبخشد و او بهترین روزی دهنده است (۴۰) وای محمد پادآر از روزی که خدا همه مردم را بر سر ستمحقر جمع آورد آسگاه بفرشتگان گوید آیا این گروهند که شما را معبود خود گرفتند (۴۱) فرشتگان زبان به تسبیح خدا گشوده و گویند بارالها تواز هر شرک و نشی پاک و متمیزی تو خدا و یاور مائی نه ایشان اینان جن و شیاطین را می پرستیدند و اکثرشان گرویده بآنها بودند (که بیگانهائی تو شرک آوردند) (۴۲) پس در آن روز مخلوق هیچ مالک نفع و ضرر یکدیگر نیستند

تَعْمَا وَلَا خَصْرًا أَوْ تَقُولُ **لَلَّذِينَ ظَلَمُوا** ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الْكَافِرُ كُنْتُمْ
بِهَا نَافِلِينَ **وَأِذَا نَسِلْ عَلَيْهِمُ الْأَنْثَاءُ بَيْنَ يَدَيْ قَالُوا** مَا هَذَا إِلَّا
رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَنْ مَا كَانُوا يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ وَقَالُوا **مَا هَذَا إِلَّا**
إِفْكٌ مُفْتَرٍ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا **لِلَّذِينَ آمَنُوا** كُنْتُمْ لَنَا جَائِهُمُ إِنْ هَذَا
إِلَّا صَغِيرٌ مِيقَاتٍ **وَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا**
إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ **وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا تَبْلُغُوا**
مِثْقَالَ رَمْلٍ مُنْتَبِهًا **وَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ كُتُبٍ كَانَتْ نَكِيرًا** **قُلْ إِنَّمَا**
أَعْطَاكُمْ بَوَائِدَهُ أَنْ تَقُولُوا لِلَّهِ مُشْفَىٰ وَفِرَادَىٰ لَهُ تُشْفَعُونَ
مَا يَصَاحِبُكُمْ مِنْ حَرٍّ أَوْ هَوَآءٍ لَا نَذِيرٌ **لَكُمُ يَهْدِي بِدَىٰ عَذَابٍ**
شَدِيدٍ **قُلْ مَا سَأَلَ الْكُفْرُ مِنْ أَمْرٍ فَمَوْلَاكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ**
مَوْعِلٌ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ **قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَآمُ الْغُيُوبِ**
قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِي الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ **قُلْ إِنْ صَلَّيْتُ**
فَأِنَّمَا أَصِلُ عَلَى نَفْسِي إِنْ اهْتَدَيْتُ فِيمَا أُوحِيَ إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ
سَمِيعٌ قَرِيبٌ **وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فُتِحُوا قُلُوبُهُمْ وَأُخْذُوا مِنْ مَكَانٍ**
قَرِيبٍ **وَقَالُوا** أَسْمَانِيَّةٌ **وَأَنَّىٰ لَهُمُ النَّارُ** **وَمِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ**
وَقَدْ كَفَرُوا بِهَذَا مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ
وَجِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ

وما آنان را که ظلم و ستم کردند گوئیم اینک بهشت عذاب آتشی را که تکذیب آن می کردید (۴۳) و چون توسط رسول برای کافران آیات روشن ما تلاوت شد گفتند این شخص جز آنکه مردیست که میخواهد شما را از دین پدرانمان برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد و نیز گفتند این قرآنی هم جز آنکه خود فرا یافته و بدو بخدا نسبت می دهد چیز دیگری نباشد و کافران که آیات حق بر هدایت آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحر است پیداست که چیز دیگری نیست (۴۴) در سورتی که ماهیچ کتاب و سندی که پیام موخته و تکذیب تو کنند و یا رسولی پیش از تو که بقول او بر رد تو دلیل آرند بر این مشرکان نفرستادیم (۴۵) و کفار پیش از اینان هم پیغمبران را تکذیب کردند و این کافران امت تو به سحر (ثروت و جاه) آن گذشتگان نرسیدند پس آنها که رسولان مرا تکذیب کردند چگونه به عذاب سخت من گرفتار شدند (۴۶) ای رسول ما بگو بامت که من نیک سخن شما را پند می دهم و آن سخن اینست که شما خالص برای خدا ذو نفع دو نفر با هم یایک یک تنها در امر دینتان قیام کنید در باره من عقل و فکر کار بندید تا بخوبی دریابید که صاحب شما امت (رسول خدا) اراجون نیست (صاحب عقل کامل است) و رسولی از جانب حق است و از عذاب سخت که شما را در پیش است می ترساند (۴۷) باز ای رسول بگو آنچه من از شما نزد رسالت خواستم آنهم برای شما باشد (یعنی هرگز چیزی نخواستم) (۴۸) باز ای رسول بگو خدای من حق را بر من القامی فرماید که او با سراد عوالم غیب آگاه است (۴۹) باز ای رسول بگو کتاب و رسول و یا مشیر حق آمد و دیگر باطل در اول و آخر (در دنیا و آخرت) محو و نابود است (۵۰) باز ای رسول بگو اگر من گمراه شده ام زبان من بر من است (نه بر شما) و اگر هدایت یافته ام بوسی خدای من است که خدا البته شنوا (و مقبول خلق) نزدیک است (۵۱) و اگر تو ای رسول سختی حال مجرمان را مشاهده کنی هنگامی که ترسان و هراسانند و هیچ در عذاب آنها فوت و زائل نشود و از مکان نزدیکی دستگیر شوند (۵۲) و کافران (که عذاب دوزخ را ببینند پشیمان شده و) گویند ما بحق ایمان آوردیم و یا اینهمه دوری از مقام ایمان کجا بدان مقام نائل توانند شد (۵۳) در سورتی که آنها بر رسول حق (جنون و سحر و کذب) که از مقام او بسیار دور است نسبت می دادند (۵۴) و (امروز) میان آنها و آردو- هایشان بکلی دوری و مباینت افکندند چنانکه به امثال آنها از امم گذشته که

إِنَّمَا كَانُوا إِلَهُكَ غَافِقِينَ ذَرْهُمْ وَمَنْ يَرْجُ الْآخِرَ لَا يَمَسُّهُ فِي شَيْءٍ مِنْهُمْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَكُوتِ رُسُلًا أُولَئِكَ
 أَتَّخِذُهُمْ مُتَشَفِّينَ وَفُلَانٌ وَرُبَاعٌ يُزِيدُ فِي خَلْقٍ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا يَفْقَهُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا تُمْنِيكَ لَهَا
 وَمَا تُمْنِيكَ فَلَا تُزِيلُ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ هَآؤُنْهَا
 النَّاسُ أَذْكَرٌ وَإِنَّمَعَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْتَفِكُمْ
 مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا هُوَ فَاتَى تَوْفِكُمْ وَإِنْ يَكِيدُوا
 فَتَقْدَكَ يَبْتَ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ هَآؤُنْهَا
 النَّاسُ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا فَلَا تَعْتَرِكُمْ أَلْجُورَةُ الَّذِينَ وَالْأَنْبَاءُ لَا تَعْتَرِكُمْ
 يَا أَيُّهَا الْغُرُورُ إِنَّ الظُّلُمَانَ لَكَرُّ عَدُوٍّ فَاتَّقِدُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا
 يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ
 شَدِيدٌ هَآؤُنْهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ
 كَبِيرٌ هَآؤُنْ زَيْنٌ لَهُ سَوَاءٌ عَمَلُهُ قَرَأَ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ
 يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ
 اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ هَآؤُنْهَا الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُفِيرُ
 سَحَابًا فَنُقَاةً إِلَى بِلَدٍ مَبْنِيَةٍ فَآخِذِينَ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ وَهْيِهَا

آنها هم مانند ایمان در شك و ریب بودند نیز چنین کردند (۹۴)

سوره فاطر درمکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۴۵ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

سپاهی خدایا است که آفریننده آسمانها و زمین است و فرشتگان را
رسولان پیمبران خود گردانید و دارای دو سه و چهار بال و پر (قدرت)
قرار داد هر چه نخواهد در آفرینش می افزاید که خدا بر بخت و ایجاد
هر چیز قادر است (۱) دری که اواز رحمت بروی مردم می گشاید هیچکس
نتواند بست و آنرا که او ببندد هیچکس جز او نتواند رها کند و اوست
خدای بیهمتای با حکمت و اقتدار (۲) ای مردم متذکر شوید که چه
نعمتها خدا بشما صلا فرمود آیا جز خدا آفریننده هست که از آسمان
و زمین بشما روزی دهد هرگز جز آن خدای یکتا خدائی نیست پس ای
مشرکان چگونه از درگاه حق رو بینان باطل می آورید (۳) ای رسول
ما (غیبین مباش) اگر تو را این امت نادان تکذیب کردند پیمبران
پیش از تو را نیز تکذیب کردند و باز گشت امور خلق بسوی خداست (۴)
ای مردم البته وعده (قیامت) خدا حق است پس میباید که زندگانی دنیای
(فانی) شما را فرور ساند و مبادا سر کرم عصیان شوید و شیطان فریبنده
از قهر و انتقام حق بمنو خدا فرور تان گرداند (۵) شیطان سخت
شما را دشمن دارد او حزب و سپاهی را برای اغوای شما مهیا ساخته
تا همه را (مانند خود) اهل دوزخ گرداند (۶) آنان که بخدا کافر
شدند کیفرشان عذاب سخت دوزخ است و آنان که ایمان آرند و نیکی کار
گردند پاداش مغفرت خدا و اجر بزرگ (بهشت ابد) خواهد بود (۷) آیا
کسی که کردار زشتش به چشم او زیبا جلوه گر شده تا (از خورسندی) هر بد
کرده در نظرش نیکی آمده (مانند مرد حقیقت بین است) خدا هر کار را
خواهد گمراه سازد (یعنی بگمراهی) و گذارد و هر که را خواهد هدایت
فرماید پس تو (ای رسول گرامی) نفس شریف خود را بر این مردم بنم
و حسرت نینداز که خدا بهر چه ایمان کنند کاملاً آگاهست (۸) خداست
آنکه پادها بفرستد تا ابرها را برانگیزد و آن ابر را ما بشهر و دیار
مرده برانیم و پیادانش زمین را (پس از مرگ زنان) زنده گردانیم حشر
و نفر مردگان هم (بقیامت)

كَذَلِكَ النُّورُ مَنْ كَانَ يُرِيدَ الْغُرَّةَ فَلَهُ الْغُرَّةُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ
 يَضَعُ الْكَلِمَ الطَّيِّبَ وَالْعَمَلُ الصَّالِحَ رُفْقَةً وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ
 السُّبُتَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُسَوِّرُهُ وَاللَّهُ
 خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ
 أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعْتَرِ مِنْ مُعْتَرٍ وَلَا يُنْصَحُ مِنْ
 غُورٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ وَمَا يَتَّبِعُ الْبَصَرَانِ
 هَذَا عَذَابٌ مُرْتَبِعٌ لِمَنْ أَشْرَكَ بِرَبِّهِ وَهَذَا يَمْلِكُ أَجَاحٌ وَمِنْ كُلِّ
 تَأْكُلُونَ تَحْمِلُ طَائِرَاتٌ وَتَنْفَخُ بُحُورٌ حَلِيَّةٌ تَلْبَسُوهَا وَتَرَى الْفُلُكَ
 فِيهِ مَوَازِيرٌ لِيَنْبَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ بَوَّاحُ اللَّيْلِ
 فِي التَّهَادِي وَبَوَّاحُ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَتَحْزَنُ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كُلٌّ بِحُجْرَةٍ
 لِأَجَلٍ مُسَمًّى ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ
 مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطَابٍ إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دَعْوَكُمْ وَتَوَسَّعُوا
 مَا اسْتَبْجَاؤُا الْكَرَّ وَهُوَ الْعَذَابُ يُكْفَرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ
 مِثْلُ خَبِيرٍ إِنَّهَا النَّاسُ أُمَّةٌ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ
 الْحَمِيدُ إِنْ يَشَاءُ يُدْهِمِكُمْ وَيُبَاطٍ يَخْلُقْ جَدِيدًا وَمَا ذَلِكَ عَلَى
 اللَّهِ بِعَسِيرٍ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَى
 جِلْمٍ لَا يَحْمِلُ مِنْهُ شَيْئًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ

همینگونه است (که همساله در زمین بهشم می بینید) (۹) هر که طالب
 عزت است (بداند که) تحکم تمام عزت خاص خدا (و خداپرستان) است
 کلمه نیکوی توحید (و روح پاک آسمانی) بسوی خدا بالا رود و عمل نیک
 خالص آنرا بالا برد و هر آنکه به مکر و تزویر اعمال بد کند عذاب سخت
 خواهد بود و فکر مکرشان بکلی نابود خواهد شد (۱۰) خدا شما نوع
 بشر را نخت (مردی) از خاک بیانرید و سپس از خفته خلق کرد و بعد از
 آن شما را جفت (مرد و زن) قرارداد و آنچه زنان بار گیرند و بزایند جز
 بطن و اراده او نخواهد بود و کسی عمر طولانی نکند یا از عمرش نکاهد
 جز آنکه همه در کتاب ثبت است و این پر خدا بسپار آمان است (۱۱)
 و هرگز آن دو دریا که آب این يك گوارا و شیرین و آن دگر تلخ و
 شور است یکسان نیستند با وجود این شما از هر دو گوشت تازه تناول
 کنید و زبورها (چون لؤلؤ و مرجان) اذن استخراج کرده که در پوشیده
 و زپ و زبور تن سازید و در آن کشتیا روان بینی تا از فضل خدا (کسب
 و تجارت کرده و) روزی طلبید باشد که شکر گذار (نعمتی) گردید (۱۲)
 خداست که شب را نوب (پرد) روز پنهان سازد و روز را درون پرده شب
 و غور شده و ما را مسخر کرده تا هر يك بمقدار معین و مدار معین و
 مدار خاصی می گردند او خدای آفریننده شما است که همه ملک هستی از
 اوست و بجز او معبودانی را که بخدائی میخوانید در جهان دارای پوست
 و همه خرمائی نیستند (۱۳) اگر آنها را بخوانید نشنوند و اگر بشنوند
 (مانند عیسی و وزیر و فرشتگان و فراتنه) جواب نمهند و روز قیامت بیون
 آنها را شريك خدا گرفته شما را کافر دانند و هیچکس مانند خدای دانا
 مطالب حق (بحقیقت آگاه نگرداند (۱۴) ای مردم شما همه بخدا فقیر و محتاجید
 و تنها خدا است که بی نیاز و غنی بالذات و متوده صفات (۱۵) اگر
 بخواید همه شما را پدیدار عدم فرستد و خلقی از نو برمه وجود آورد
 (۱۶) و هیچ این کار بر خدا دشوار نیست (۱۷) و هیچکس بار گناه
 دیگری را بدوش نگیرد و آنکه بارش سنگین است اگر دیگری را هر چند
 خویش (پدر و فرزند هم) باشد کمک بر سبکباری خود طلبد ابتدا باری
 از دوشش بر ندارد و تو ای رسول تنها آنان را

يَحْتَشِرُونَ وَفَأَنذَرْتُهُمْ بِالْغَيْبِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَفَرَّقُوا مَا بَيْنَهُمْ
لِنَفْسِهِمْ وَأَمَّا إِلَهُ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَلَا
الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ وَمَا يَسْتَوِي
الْأَعْيُنُ وَلَا الْأَمْوَالُ إِنَّ اللَّهَ يُنْفِخُ بِمَنِّهِ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُخْرِجٍ
مِّنْ فِي الْقُبُورِ إِنْ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا
وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ وَإِن يَكْفُرْ بِكَ فَكُفْرُكَ
كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ
وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ثُمَّ أَخَذْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا فَنَكَّبُوا أَكْثَرُ
أَنَّ اللَّهَ أَتَزَلَّ مِنَ الْمَاءِ مَاءً فَخَرَجْنَاهُ مِمَّا رَزَقْنَاهُ فَخَلِّفَ الْأَوَائِمُهَا
وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ
وَمِنَ الثَّامِنِ الذَّوَابِ وَالْأَنْهَارِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ
إِنَّمَا يَحْتَشِرُ اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَّوُّ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ إِنَّ اللَّهَ
يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا زَكَاةً وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ لِيُوقِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ
مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَحَسَبُوا أَنَّ اللَّهَ
الْكِتَابَ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ لَبِيعُادِهِ
خَبِيرٌ وَصَبِيرٌ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا

که در خلوت و پنهانی از خدای خود می ترسند و نماز بها می دارند توانی
 خدا ترس و پرهیز کار گردانی و هر کس خود را از کفر و گناه و اخلاقیات
 پاک و مغزیه ساخت سود سادتش بر خود اوست و باز گفت همه بسوی خداست
 (۹۸) و هرگز (کافر تاریک جان) کور و (مؤمن روشن روان) بینا یکسان
 نیست (۹۹) و هیچ ظلمت با نور مساوی نخواهد بود (۴۰) و هرگز آفتاب
 و سایه هم مرتبه نباشد (۴۱) و باید از ندگان علم و ایمان با مردم گان جهل و طغیان برای
 نیستند و (ای رسول بدانکه) خدا هر که را بخواهد شنوای کلام حق سازد و (اما)
 تو آنکس را که در گورستان (کفر و جهالت) فرو رفته هرگز شنوائت
 کرد (۴۲) تو جز آنکه خلق را بترسانی بکاری مأمور نیستی (۴۳) با
 تورا بحق و راستی بسوی خلق فرستادیم تا (بدان را) بترسانی و هیچ
 امئی نبوده جز آنکه در میانشان ترساننده و دهنمائی بوده است (۴۴)
 و ای رسول اگر امت ترا تکذیب کردند پیشینان هم پیشمیرانی را که یا
 آیات و معجزات و کتب و حجت روشن برای هدایتشان آمدند همه را
 تکذیب کردند (۴۵) ما هم از آن کافران مؤاخذه شدید کردیم و چقدر
 قهر و عذاب من سخت بود (۴۶) آیا ندیدی که خدا پاران را از آسمان
 فرود آورد و آن انواع میوه های گوناگون و رنگارنگ پدید آورد و در
 زمین از کوهها طرق زیاد و اصناف و رنگهای سفید و سرخ و سیاه خلقت
 فرمود (۴۷) و از اصناف مردم و اجسام جنیدگان و حیوانات برنگهای
 مختلف آفرید همین گونه (بندگان هم مختلفند و از (میان) اصناف
 بندگان تنها مردمان دانا مطیع و خدا ترسند (۴۸) آنها که کتاب
 خدا را تلاوت کرده و نماز بها می دارند و از آنچه خدا روزیشان فرموده
 پنهان و آشکار بفقیران انفاق می کنند و (از لطف خدا) امید تجارتی
 دارند که هرگز زیان و زوال نخواهد یافت (۴۹) تا خدا به آنها پاداش کامل
 عطا کند و از فضل و کرم باز بر ثوابشان بیفزاید که خدا (از عطا مؤمنان)
 بسیار بیامزد و بشکر گذاران احسان فراوان کند (۴۰) و آنچه از کتاب
 (آسمانی قرآن) بر تو بوحی فرستادیم آن حق است که کتب آسمانی
 (توریه و انجیل) که پیش از اوست حقانیتش را تصدیق می کنند (تو از
 تکذیب کافران نیندیش که خدا با اعمال بندگان کاملاً بصیر و آگاهست
 (۴۱) پس (از آن پیغمبران کف) ما آنان را که از بندگان خود برگزیدیم
 (یعنی محمد و آل او علیهم السلام) و وارث علم قرآن گردانیدیم باز هم

قَوْمًا ظَالِمًا لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ
 يُؤْتُونَ فِيهَا مِنْ سُورَةٍ مُنَى دَرَاهِمٍ لَّوْلُوا وَلِيَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ
 هُوَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ
 شَكُورٌ ۝ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَآ يَمَسُّنَا فِيهَا
 نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا الْهَوْبُ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَهُهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ
 لَا يَبْقَىٰ عَلَيْهِمْ فَمَّوَتْوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِنَا كَذَلِكَ
 نَجْزِي كُلَّ كَاذِبٍ ۝ وَهُمْ يُصْطَرَّخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ
 صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۝ وَلَا تَعْمِرْ لَهُمْ مَسَاكِدَ كَرِيمٍ مِّنْ تَحْتِهَا
 وَجَاءَتْكَ الْفِتْنَةُ فَوَقَّافًا لِلظَّالِمِينَ مِّنْ نَّصِيرٍ ۝ إِنَّ اللَّهَ
 عَلِيمُ الْغُيُوبِ ۝ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمُ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝
 هُوَ الَّذِي جَعَلَ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِمَّنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ
 وَلَا يُزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا عُتْدَةً وَلَاقِبًا وَلَا يُزِيدُ
 الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خُسَارًا ۝ أَهْلُ آيَاتِهِمْ شُرَكَاءُ الَّذِينَ
 تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ
 شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَمَنَّم عَلَىٰ بَيْتِهِ مِثْلُ بَلَاءِ
 عِدِّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ أَغْوًى وَذَاهِبٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَمْلِكُ

بعضی آنها (یعنی فرزندان یا امت او) بنفس خود ظلم کردند و بعضی
راه عدل پیمودند و برخی بهر عمل خیر (با جان و دل) بهستورحق سبقت
گیرند این رتبه است در حقیقت همان فضل بزرگ (و عطای بی منتهای
الهی) (۳۳) همان بهشتی است که در آن داخل شده بازو گورهای آن
بهشت (و بدن) زیور باشند و جامه حریر ویرند در بر کنند (۳۴) و بسیاری
آن نعمتهای بی حساب زبان به ستایش خدا گشوده و گویند حمد خدا را
که حزن و اندوه ما ببرد (و شادی بی حد عطا فرمود) همانا خدایا! بسیار
بخشنده و پاداش دهنده سیاس است (۳۵) شکر آن خدائی را که از لطف و
کرم ما را به منزل دائمی بهشت وارد کرد که در اینجا هیچ رنج و آلامی به
ما نرسد و ایضا شرف و خستگی نخواهیم یافت (۳۶) و آنان که کافر شده
عذاب ایمان آتش دوزخ است که نه بی پایان رسد تا بمیرند و نه تخفیف یابد
تا آسوده شوند اینگونه هر کافر لجوجی را کفر می گویند (۳۷) و آن کفار
در آتش دوزخ فریاد و ناله کنند که ای پروردگار ما را از این عذاب
بیرون آور تا بر خلاف گذشته با اعمال نیک بپردازیم (عذاب شود) آیا شما
را عمری مهلت ندادیم و رسولان بر شما نفرستادیم تا هر که قابل تذکر
پند شنیدن است (این روز را) متذکر شود (و در دنیا به توبه پردازد)
پس امروز عذاب دوزخ را بچشید که ستم کاران را هیچ یار و نجات دهنده
نخواهد بود (۳۷) خدا کاملاً باسرار غیب آسمانها و زمین داناست و به
افکار و اندیشه دلها هم آگاه است (۳۸) اوست خدائی که شما را در
زمین جا نشین (امم گذشته) قرارداد اینک هر کس کافر شود زبان کفر
بر خود اوست و کفر کافران نزد خدا چیزی جز عشم و غضب حق نیفزاید
و کفر کافران چیزی جز خسارت و زیان بر آنها نخواهد افزود (۳۹) ای
رسول ما مفرکان را بگو شما که خدای یگانه را دعا کردید و بپایان
خدا خواندید با من بگویند و نشان دهید که این بنان آیا چیزی در زمین
آفریده اند یا شریکی در خلقت آسمانها یا خدا داشته اند یا صحت و
کتابی بر آنها آمده که بر عقیده شرک خود پرهانی آورند بلکه ستمکاران
(مفرک) را حتی جز وعده دوزخی که بر آن یکدیگر دام میزدید چیزی
در دست نیست (۴۰) مستقاعدا

السموات والأرض أن تروا ولئن زلنا لئن أنتم كما من
أحد من بعد آية كان حلما غمورا ١٠ وأقموا يا الله جهد
أنما نديم لئن جأتم نديم لكونن آهدي من اخذ الأيم فلنا
جأتم نديم ما زادهم إلا نفورا ١١ استجبارا في الأرض و
مكر السقي ولا يهيئ المكر التي الأيا ملة مهمل يظرون
الأنسة الأولين قلن تجد لئن الله تبدل ولن تجد
لئن الله تحويلا ١٢ ولربروا في الأرض فبظروا كيف
كان عاقبة الذين من قبلهم وكافوا أشد منكم قوة وميا
كان الله ليخبره من شيء في السموات ولا في الأرض أنه كما
عليما قديرا ١٣ ولو يؤخذ الله الناس بما كتبوا ما ترك على
ظهر ما من دابة ولكن يؤخرهم إلى أجل مستقلا
جاء أجلهم فإن الله كان بعباده بصيرا ١٤

يُونُس كَذَبَ فِي كِتَابِهِ بِالْحَقِّ إِنَّهُ فِي الْعِلْمِ بِمَا يَكُونُ

بِإِذْنِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ١٥ تِلْكَ آيَاتُ الرُّسُلِ ١٦ هَلْ يَرَوْنَ سُنْجِينَ
تَنْزِيلَ الْعَذَابِ الرَّحِيمِ ١٧ لِيُذْهِبَ مَا أَنْتُمْ دَابَّاءُ فِيهِمْ غَالِغُونَ
فَعَدَّ إِلَى الْقَوْلِ ١٨ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ١٩ تِلْكَ آيَاتُ

آسمانها و زمین را از اینکه نابود شود نگاه می‌دارد و اگر رو بزوال
نهاده گذشته از او هیچکس آنها را محفوظ نتواند داشت (و بدانید که)
خدا (بر کثیر و گناه خلق) بسیار بردبار و آمرزنده است (۴۱)؛ مشرکان
عرب محکم‌ترین قسم بنام خدا یاد می‌کردند که اگر پیغمبری از جانب
خدا برای هدایت آنها بیاید از هر يك از امم یهود و نصاری (زودتر و)
بیشتر هدایت یابند و آنگاه که رسول آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و
نفرت نیفزود (۴۲)؛ بدینجهت که میخواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند
و مگر (در اعمال بد) اندیشند و مکر زشت و فکر بدکاری جز صاحبش
احدی را هلاک نخواهد کرد و آیا اینان جز آنکه بطریقه امم گذشته هلاک
شوند انتظاری دارند و طریقه خدا (در هلاک بد اندیشان) هرگز مبدل
نخواهد شد و طریقه حق (و سنت الهی) هرگز تغییر نمیپذیرد (۴۳)؛ آیا
این مردم در روی زمین سیر نمی‌کنند تا عاقبت کار ستمکاران پیش از خود را که
نبر و اقتدارشان هم بسیار پیش از ایشان (بدینجهت عبرت بودند بنگرند) هیچ موجودی
در آسمان و زمین از قدرت خدا نتواند کاست که همانا خدا (در ازل و ابد)
عالم و قادر مطلق است (۴۴)؛ و اگر خدا از کردار زشت خلق مؤاخذه کند
در پشت زمین هیچ جنبنده باقی نگذارد ولیکن کثیر خلق را بنا بر
میافکنند تا بوقت مین و چون هنگام اجل مردمی فرا رسد خدا با احوال
پندگانش کاملاً آگاه است (و مقدار مجازات و عفو هر کسی را می‌داند) (۴۵)

سورة یس درمکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۸۴ آیه میباشد

بنام‌خدا یغشند مهر بان

یس (ای سید رسولان و ای کاملترین انسان) (۱) قسم به قرآن حکمت
بیان (۲) که تو ای محمد البته از پیغمبران خدا (۳) (که از جانب
حق) براه راست فرستاده شدی (۴) (این قرآن تو کتابی است که) از
جانب خدای مقتدر مهربان نازل شده است (۵) تا قومی که پدرانشان
به کتب آسمانی پیشین وعظ و اندرز شدند تو هم خود آنها را باین قرآن
پند دهی و (از قهر حق) پترسانی که ایشان سخت عاقبتند (۶) البته
و عده عذاب ما بر اکثر آنان چون ایمان نمی‌آورند حتی و لازم گردید
(۷) ما هم (چون کافر شدند) بر گردن

فِي آغْنَانِهِمْ أَغْلَالًا لَفِيهِ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ ﴿١٠﴾ وَجَعَلْنَا
 مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا
 يُبْصِرُونَ ﴿١١﴾ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾
 إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَوِّفِ الرَّعْمَنَ بِالْقَبْصِ قَبْصِيرُهُ
 يُعْطِرُهُ وَآخِرُ كَرِيمٍ ﴿١٣﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ
 آثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ﴿١٤﴾ وَاضْرِبْ لَهُم
 مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿١٥﴾ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ
 اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَهُكُمُ الْمُرْسَلُونَ ﴿١٦﴾
 قَالُوا مَا آنَأْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَزَلَّ الرَّعْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ
 إِلَّا لَكَاكِبُونَ ﴿١٧﴾ قَالُوا أَرْبَبْنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَهُكُمُ الْمُرْسَلُونَ ﴿١٨﴾ وَمَا عَلَّمْنَا
 إِلَّا الْبَلَاغَ الْمُبِينَ ﴿١٩﴾ قَالُوا إِنَّا نَطْهَرُ أَنْبَاطَكُمُ الْفِرْيَاقَ أَلَمْ نَقْتَحِبْكُمْ
 وَلَمْ نَكُنْكُمْ مِثْلًا عَذَابٍ إِلَيْهِمْ ﴿٢٠﴾ قَالُوا اطَّأَوْزَكُمْ مَعَكُمْ أَلَنْ تَكُونُوا
 بَلَّ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ﴿٢١﴾ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى
 قَالِ يَا قَوْمِ إِنِّي بَشِيرٌ لَكُمْ بَأْسَ الْكَلْبِ وَأَعْرَافُ
 فَمُؤْمِنُونَ وَكَانَ يُدْعَى الْأَعْمَى أَنْ يَرْجِعْ وَإِلَيْهِ رُجُوعُ
 كُلِّ شَيْءٍ فَأَخَذُ مِنْ دُونِ الْهَيْكَةِ أَنْ يَذِينَ الرَّعْمَنُ يَضَعُ الْأَضْغَاثَ
 فَمُفَافِعُهُمْ شِيبَتًا وَلَا تُشْعِرُونَ ﴿٢٢﴾ إِنِّي إِذَا لَوْ ضَلَّالٍ مُبِينٍ ﴿٢٣﴾

آنها تا رنج زنجیرهای عذاب نهادیم در حالی که سر بلند کرده و چشم بر پستانند
 (۸) و از پیش روی (راه غیر را) بر آن نهادیم و در چشمه‌های هم پرده افکندیم
 که هیچ (راهی) نبینند (۹) و آنها را پترسانی یا ترسانی یکسانست هرگز
 ایمان نمی‌آورند (۱۰) تو آنان را پترسانی و اندر کتی که پیرو آیات
 قرآن شده‌اند (قهر) خدای مهربان به علوت می‌ترسد ایمان را به سخرت خدا
 و هادش با لطف و کرم او بهارت ده (۱۱) ما مردگان را باز زنده می
 گردانیم کردار گذشته و آثار وجودی آینشان همه را در نامه اعمال
 آنها ثبت خواهیم کرد و در لوح محفوظ خدا آشکاره و پنهان را آورده‌ایم
 (۱۲) ای رسول برای این مردم حال این قریه (اطلاک) را مثل زن که
 رسولان حق (پایبستی) برای هدایت آنها آمدند (۱۳) که نخست دو تن
 از رسولان را فرستادیم چون تکذیب کردند باز رسول سومی برای مدد
 و نصرت مأمور کردیم تا همه گفتند ما (از جانب خدا) بر سالتشما آمده‌ایم
 (۱۴) اهل قریه بر رسولان حق گفتند شما جز اینکه مانده ما مردم پغری
 هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان شما را بر سالت نفرستاده
 است و جز اینکه شما مردم دروغگوئی هستید هیچ در کار نیست (۱۵) رسولان
 باز گفتند شما میدانید که محققا ما فرستاد او پسوی شما هستیم (۱۶) و
 بر ما جز آنکه واضح ابلاغ رسالت کنیم هیچ تکلفی نیست (۱۷) باز
 منکران گفتند که ای داهیان رسالت ما وجود شما را بنفاد میدانیم اگر
 از این دعوی دست برندارید البته سنگسارشان خواهیم کرد و از ما به
 شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید (۱۸) رسولان گفتند ای مردم نادان
 آن فال بد که می‌گوئید اگر بنصیب و متذکر شوید (آن جهلست که)
 با خود شامت (چنین نیست) بلکه شما مردم مسرف هستید (۱۹) و در
 این گفتگو بودند مردم شتابان از دورترین نقاط شهر (اتاکیه حبیب
 نام) فرا رسید و گفت ای مردم رسولان خدا را پیروی کنید (۲۰) از ایمان
 که هیچ اجر و مزد رسالتی نمی‌خواهند و شما را هدایت می‌کنند پیروی
 کنید (۲۱) و چرا باید من خدای آفریننده خود را نه رستم در صورتی که
 باز گشتشما (و همه خلایق) پسوی اوست (۲۲) آیا من بجای آن خدای
 آفریننده خدا را نمی‌بود خود گیرم که اگر او خواهد بمن رنج و زبانی
 رسد هیچ شفاعت آن خدایان از من دفع زیان نکرده و نجات نتواند داد
 (۲۳) و این صورت پیدا است که من بسیار زیانکار خواهم بود (۲۴)

اِنِّ امْنُكُ يَرْبِكُرْ فَاَنْهَعُوْهُ ^(۱) تَحِيْلُ اَدْخُلِ الْجَنَّةَ قَالِ بِالْبَيْتِ قَوْمًا
 يَعْلَمُوْنَ ^(۲) يَمَّا غَفَرْتُ لِيْ رَبِّيْ وَجَعَلَنِي مِنَ الْمَكْرُمِيْنَ ^(۳) وَمَا اَنْزَلْنَا
 عَلٰى قَوْمِيْهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِيْنَ ^(۴) اِنْ
 كَانَتْ اِلَّا صَهَابًا وَاحِدَةً فَاِذَا هُمْ خَامِدُوْنَ ^(۵) يَا حَسْرَةً عَلٰى
 الْعِبَادِ اِنَّمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا كَاَفْوَايِهِ بَتَّ يُفْرِقُوْنَ ^(۶) اَلَا يَرَوْنَ
 كُرْ اَمَلَكُنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْفُرْقَانِ اَنَّهُمْ اِلٰهِيْهِمْ لَا يَرْجِعُوْنَ ^(۷) وَاِنْ
 كُلُّ لُجَّةٍ جَمِيعٍ لَّدُنَّا مُخْضَرُوْنَ ^(۸) وَاَيُّهَا لَهُمْ اَلْاَرْضُ الْمُبْتَاةُ
 اَحْبَبْنَا هَا وَاَتْرَجْنَا مِنْهَا حَبَاثَتَهَا يَا كَلُوْنَ ^(۹) وَجَعَلْنَا فِيْهَا
 جَنَابٍ مِنْ تَحِيْلٍ وَاعْغَايَ فَجَرْنَا فِيْهَا مِنَ الْعُيُوْنِ ^(۱۰) لِيَاكُلُوْا
 مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ اَيْدِيْكُمْ اَفَلَا تَتَفَكَّرُوْنَ ^(۱۱) سُبْحَانَ
 الَّذِيْ يَخْلُقُ الْاَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْاَرْضُ وَمِمَّنْ نَّعْمِيْهِمْ
 وَمِمَّا لَا يَعْلَمُوْنَ ^(۱۲) وَاَيُّهَا لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَاِذَا هُمْ
 مُظْلِمُوْنَ ^(۱۳) وَالشَّمْسُ تَجْرِيْ لِنُسْفِرْ لِمَا ذَلِكْ تَقْدِيْرُ الْعَزِيْزِ
 الْعَلِيْمِ ^(۱۴) وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتّٰى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيْمِ
 لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِيْ لَهَا اَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ
 وَكُلٌّ فِيْ فَلَكٍ يَسْبَحُوْنَ ^(۱۵) وَاَيُّهَا لَهُمُ اَنَّا خَلَقْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ
 الْمَشْكُوْنِ ^(۱۶) وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُوْنَ ^(۱۷) وَاِنْ نَّشَا

پس از من ای رسولان بشنوید (و گواه باشید که) پیمبرهای (فرستنده) شما
 آسمان آوردم (۳۵) و باین مرد با ایمان (حبیب نجار) که روز قیامت گفته
 شود بیا داخل بهشت شو گریه ای کاش ملت منهم از این نعمت بزرگ آگاه
 گردند (۳۶) که خدا چگونه در حق من مغفرت فرمود و مرا مورد لطف
 و کرم قرار داد (۳۷) و ما پیش از او (یعنی حبیب) بر قومش لشکری از آسمان
 نفرستادیم (بنا بر ایمانان مجبور کند) هیچ این (برملتئ) نکرده ایم (و
 نخواهیم کرد) (۳۸) نیست عقوبتشان جز يك سبحة مذاب آسمانی که
 بنا گنجه معلاک شوند (۳۹) وای بر حال این پندگان (گمراه لجاج) که هیچ رسولی
 بر ائمه هدایت آنها نیامد جز آنکه او را بتمسخر و استهزاء گرفتند (۴۰)
 آیا ندیدند چه بسیار طوایفی را پیش از اینان هلاک کردیم که دیگر
 ابتدا ایمان باز نگشتند (۴۱) و هیچکسی (از آینده و گذشته) نیست جز
 آنکه همه نزد ما حاضر شوند (۴۲) و يك برهان بر اینکه
 باز شما را در عالم دیگر زنده خواهیم کرد آنست که ما زمین
 عرصة را (بباران رحمت) زنده کرده و از آن دانه که قوت و روزی خلق
 شود می رواییم (۴۳) و در زمین باغها از داخل خرما و انگور قرار دادیم
 و در آن چشمه های آب جاری کردیم (۴۴) و مردم از میوه آن باغها تناول کنند
 و از انواع غذاهائی که بدست خود عمل می آورند نیز تغذیه نمایند آیا
 نباید شکر آن نعمتها بچای آورند (۴۵) پاک و منزّه است خدائی که همه
 ممکنات عالم را بخت آفریده چه از نباتات و چه از نفوس پسر و دیگر
 مخلوقات که شما از آن آگاه نیستید (۴۶) و برهان دیگر برای خلق و
 اثبات قدرت حق وجود شب است که ما چون (پرده) روز را از آن برگزیم
 ناگهان همه را تاریکی فرا گیرد (۴۷) و نیز خورشید (تا بان) که بر
 مقدار معین خود دایم بی هیچ اختلاف بگردش است برهان دیگر بر قدرت
 خدای دانای مقتدر است (۴۸) و نیز گردش ماه را که در منازل معین مقدر
 کردیم تا مانند شاخه خرما (زرد و لافز بمنزل اول) باز گردیده بر
 قدرت حق برهان دیگر است (۴۹) نه (از گردش منظم عالم) خورشید را
 شاید که به ماه فرآرسد و نه شب پروز سبقت گیرد و هر يك بر مدار معینی
 (در این دریای بی پایان) شناورند (۵۰) و برهان دیگر آنکه ما نازل بش
 را در کشتی پر بار سوار گردانیدیم (۵۱) و نیز بر آنها همانند کشتی چیزی
 که بر آن سوار شوند خلق کردیم (شاید اتومبیل و خط آهن و طیاره و قوسود
 باشد) (۵۲) و اگر نخواهیم

نُفِرَ مِنْهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَدُونَ ۖ ﴿٢٣﴾ إِلَّا رَجَعْنَا وَعِلْمَنَا
 إِلَى جَنِّينَ ۖ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ
 تُرْحَمُونَ ۖ ﴿٢٤﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا
 مُعْرِضِينَ ۖ ﴿٢٥﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا دُونَكُمْ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا الَّذِينَ آمَنُوا أَأَطْعِمُكَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ أَطْعَمُنَا أَنْ نَشْكُرَ
 إِلَّا فِي ضَلَالٍ بَاسٍ ۖ ﴿٢٦﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ۖ ﴿٢٧﴾ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّوْنَ
 ۖ ﴿٢٨﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ قَوْصَةً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ۖ ﴿٢٩﴾ وَنُفِخَ
 فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ۖ ﴿٣٠﴾ قَالُوا يَا
 وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ
 الْمُرْسَلُونَ ۖ ﴿٣١﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدُنَا
 مُخَضَّرُونَ ۖ ﴿٣٢﴾ فَالْيَوْمَ لَا نُظَلِّمُ نَفْسًا شَيْئًا وَلَا نُنْجِزُونَ إِلَّا مَا
 كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۖ ﴿٣٣﴾ إِنْ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ ۖ ﴿٣٤﴾
 هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرْدَائِكِ مُتَكِينُونَ ۖ ﴿٣٥﴾ لَهُمْ فِيهَا
 فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ ۖ ﴿٣٦﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ۖ ﴿٣٧﴾ وَ
 آمَنَّا زَوَالِ الْيَوْمِ آمَنَّا الْخَرْمُونَ ۖ ﴿٣٨﴾ أَلَا عَهْدُ الْبُكَرَى بَاقِي أَدَمِ
 أَنْ لَا تُسَدُّ وَالشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكَرُوعِدٌ وَمُشِينٌ ۖ ﴿٣٩﴾ وَأَيُّ الْجَنَّةِ

(به تندرستی و موی چنان هم دریا به دریا فرقی کنیم که اید) نه فریادخواهی و نه راه نجاتی یابند: ۴۳. مگر باز لطف و رحمت ما آنها را نجات دهد و تا وقت معین بهره زندگی بخشد. ۴۴. و چون مردم را (رسولان حق) گویند از گذشته و آینده (دنیا و آخرت) خویش اندیشه کنید شاید مورد لطف رحمت خدا گردید: ۴۵. و بر این مردم (غافل) هیچ از آیات الهی نیاید جز آنکه از او (بنادانی) اعراض کردند: ۴۶. و چون مؤمنان به آنها گفتند که از آنچه خدا روزی شما قرار داده چیزی برای او بفقیران اتفاق کنید کافران باطل ایمان جواب دادند آیامای کسی که اگر خدا میخواست با او هم مانند ما روزی میداد اطعام و دستگیری کنیم (هرگز نمی کنیم) شما که به ما این نصیحتی کنید پیداست که سخت در غلط و گمراهی هستید: ۴۷. و (کافران از روی تمسخر به مؤمنان) گویند پس این وعده (قیامت و بهشت و دوزخ) اگر راست میگوئید کی خواهد بود: ۴۸. این منکران قیامت انتظار نگفتند جز يك صیحه اسرافیل حق که (بمرك) همه آنها را فراگیرد در حالی که (در کار دنیا) با هم بیعت و جدل مشغول اند: ۴۹. و در آن لحظه مرك نه توانائی سفرارش دارند و نه باهلیت خود رجوع توانند کرد: ۵۰. و (چون) در صور دمیده شود پناگاه همه از قبرها بسوی خدای خود بسرعت میشتابند: ۵۱. و (از حسرت و پشیمانی) گویند ای وای بر ما که ما را از خوابگاه مرك پراکنیخت این همان وعده خدای مهربان است و رسولان (که در این روز سخت خبر دادند) همه راست گفتند: ۵۲. و جز يك صیحه (ويك لحظه پيش) نباشد که ناگاه تمام خلایق محشر به پیشگاه ما حاضر خواهند شد: ۵۳. پس در آن روز کمترین ظلمی به هیچکس نشود و جز آنکه عمل کرده اند اید جزائی نخواهند یافت: ۵۴. اهل بهشت آن روز خوش بوجه و نشاط مشغولند: ۵۵. آنان با زنان در (درختان بهشت) بر تختهای (عزت) تکیه کرده اند: ۵۶. برای آنها رده های گوناگون و هر چه بخواهند آماده است: ۵۷. بر آنان از خدای مهربان (فرشتگان رحمت) سلام و تحیت رسانند: ۵۸. و (خطاب شود) ای بندگان امروز شما از صف نیکوان جدا شوید: ۵۹. ای آدم زادگان آیا با شما عهد نه بستم که شما را دانی پرستید زیرا روشن است که اودشمن بزرگ شماست: ۶۰. و مرا پرستش کنید (امر مرا اطاعت کنید که)

هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ وَلَقَدْ أَصَلَّ مِنْكُمْ جِيلًا كَثِيرًا ۝ أَفَلَمْ
 تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ۝ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۝ صَلُّوا
 الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا
 أَيْدِيهِمْ وَتَنْمُذِرُ أَرْجُلَهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ
 عَلَى أَغْصَانِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ
 لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ۝
 وَمَنْ يَشْرِهِمْ نَجِةٌ فِي خَلْقٍ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ۝ وَمَا عَلَّمْنَاهُ
 الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ ۝ لِيُنْذِرَ
 مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ وَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ
 خَلَقْنَا لَهُمْ وَمَا يُعْمَلُ آثِمًا ۝ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يَكُونُ لَكُمْ وَمَا يُلْقِي
 أَنْفُسُهُمْ فِي أَرْجُلِكُمْ وَلَكِنْ أَنْتُمْ لَكُمْ يَوْمَئِذٍ مَآثِرٌ ۝
 فَأَقْلَِبْ لَهُمُ أَمْثَلُ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ
 لَكَ يَوْمَئِذٍ نَصِيرَةٌ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ جُنْدٌ مُنْضَرُونَ ۝ فَلَا يَخْرُجُ
 قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ
 أَنَا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ نَفْثَةٍ فَإِذَا هُمْ خَصَمٌ مُبِينٌ ۝ وَضَرَبَ لَنَا
 مَثَلًا وَلَقَدْ خَلَقْنَا قَالٍ مِنْ يَحْيَى الْعِظَامَ وَهِيَ رِيمٌ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ
 إِلَّا إِلَهُنَا مَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ۝ لَئِنْ جَعَلْنَا لَكَ

این راه مستقیم (سعادت ابدی است) (۹۹) و خلق بسیاری از شما نوع بشر را
 این دیو بگمراهی کشید آیا هنوز هم عقل و فکرت کار نمی‌بندید (تا از
 فریض بهره‌یزید) (۹۴) این همان دوزخی است که بهما (پیروان شیطان)
 وعده دادند (۹۳) امروز در آتش آن بکفر کفرتان داخل شوید (۹۴)
 امروز است که برده‌ها آن کافران مهر خموشی نهیم و دست‌هایشان با
 ما سخن گوید و پاهایشان با آنچه کرده‌اند گواهی دهد (۹۵) و اگر ما
 بنواهیم دیده‌هایشان را (بگمراهی) محو و نابینا کنیم تا چون براه سبقت
 گیرند کجا (با کوری و گمراهی) به سیرت یابند (۹۶) و اگر بنواهیم همانجا
 سورت آنها را مسخ کنیم (بشکل سگان و پوزینگان) که نه (از آسورت)
 بتوانند گذشت و نه (بسورت اول) باز گفت به (۹۷) و ما هر کس را عمر
 دراز دادیم به پیروی در خلقتش بکاستیم آیا (در این کار) تغفل نمیکنند
 (۹۸) و نه ما اورا (یعنی محمد را) شمر آموختیم و نه شاعری شایسته
 مقام اوست (بلکه) این کتاب ذکر (الهی) و قرآن روشن (خدا) است
 (۹۹) تا هر که زنده (دل) است اورا به آیتش پند دهد و بر کافران (با
 تمام حجت) وعده عذاب حتم و لازم گردد (۱۰۰) آیا کافران ندیدند که هر
 آنها بدست قدرت خود چهار پایان را خلقت کردیم تا آنها مالک شوند
 (۱۰۱) و آن حیوانات را مطیع و رام آنها ساختیم تا هم بر آن سوار شوند
 و هم از آن غذا تناول کنند (۱۰۲) و برای مردم در آن حیوانات منافع (بسیاری
 از پوست و پشم و غیره) آشامیدنیهای فراوان (از شیر و ماست و غیره)
 قرار دادیم آیا شکر این نعمتها را نباید بجای آرند (۱۰۳) و (مفرکان)
 بهیتر خدا خدایانی دیگر آغاز کردند تا مگر (از آنها) نصرت و یاری
 جویند (۱۰۴) هرگز آن عدایان کمترین نصرتی بآنها نتوانند کرد و
 خود این مفرکان مبهودانشان را سپاهی حاضر (خدمت) هستند (۱۰۵) تا
 روز قیامت از پی آنها بدو بخشوند (و ای رسول سخن این مفرکان تو را
 محزون نکند حاضر آنچه پنهان آشکار گویند همه را میدانیم) و بکفرشان
 میرسانیم (۱۰۶) آیا انسان ندید (مانند امیه خلف) که ما را از نطفه
 (جماد ناقابل چنین آراسته) خلقت کردیم که دشمن آشکار ما گردید
 (۱۰۷) و برای ما مثل (جاهلان) زد که گفت این استخوانهای پوسیده
 را باز که زنده میکنند (۱۰۸) (ای رسول ما) بگو آن عداای زنده میکند
 که اولیاد آنها را حیوة بخشید و او بر خلقت دانا (و قادر) است (۱۰۹) آن
 خدائیکه از دودخت سبز (و تر) برای انتقام شما آتش قرار داده

مِنَ الْبَحْرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ ﴿١٠﴾ وَلَيْسَ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِغَافِلٍ عَلِيمٌ ﴿١١﴾ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ
الْخَلَّافُ الْعَلِيمُ ﴿١٢﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ كُنْ
فَيَكُونُ ﴿١٣﴾ فَسُبْحَانَ الَّذِي يَسِيرُ بِلَكُونِ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُجْعَلُونَ
﴿١٤﴾ إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٥﴾ وَمِنْهَا لَنُصِيبَنَّ مَنَّا مَنَّا لَنُصِيبَنَّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿١٦﴾ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا فَالَّتِ اللَّائِي لَيَّابٍ ذُكْرًا
إِنَّ الْهَكَرَ الْوَاحِدُ ﴿١٧﴾ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ مَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ
الْمَسَارِقِ ﴿١٨﴾ إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا
مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿١٩﴾ لَا يَسْمَعُونَ إِلَىٰ لَمَلَا الْأَعْلَىٰ وَبَقَدُونَ
مِّن كُلِّ جَانِبٍ ذُحْرًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿٢٠﴾ لَا مَن يَخْفَىٰ
الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ يَنْهَابُ ثَأْنًا ﴿٢١﴾ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهَمْ أَسَدٌ خَلَقًا
أَمْ مِّنْ خَلْقِنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَّازِبٍ ﴿٢٢﴾ بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ
﴿٢٣﴾ وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿٢٤﴾ وَإِذَا أَرَادَ أَمْرٌ يَمْتَضِرُونَ ﴿٢٥﴾
وَقَالُوا لَآ إِن هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُبْهِنُ ﴿٢٦﴾ إِذَا مِثْنَا وَكُنَّا بِآبَاتٍ حَفِيظًا
﴿٢٧﴾ إِنَّا لَنَبْغِثُونَهُ ﴿٢٨﴾ وَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿٢٩﴾ هَلْ نَعْمَ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ
﴿٣٠﴾ هَلْ نَمْنَاهُ فِي رَجْعَةٍ وَاحِدَةٍ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٣١﴾ هُوَ قَالُوا يَا أَبَوَانَا بَلِّغْنَا

تا وقتی (که خواهید) برافروزد (۸۰) آیا آن خدائی که خلقت با عظمت
آسمانها و زمین را آفریده بر آفرینش (موجود ضعیفی) مانند شما قادر
نست (که چون مرید باز شما را زنده گرداند) آری البته قادراست که
او آفریننده دانا است. ۸۱. فرمان نافذ خدا (در عالم) چون اراده خلقت
چیزی را که بعضی اینکه گوید موجود باشی بلا فاصله موجود خواهند شد
(۸۲) پس منز و پاک خدائی که ملك و ملکوت هر موجود بدست قدرت او
و بازگشت شما همه خلایق بسوی اوست. ۸۳.

سورة الصفات در مکمل معجزه نازل شده و مشتمل بر ۱۸۲ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

قسم بسفندگان که (چون فوج فرشتگان یا نمازگزاران با سپاه اهل ایمان
بر فرمان حق) صف آرائی کرده اند. ۱. قسم به منع و جر کنندگان (از
عمل مصیبت کاران بارانندگان ابر و باران) ۲. قسم بتلاوت کنندگان
(همه کتب آسمانی یا ذکر قرآن) ۳. که محققا خدای شما یکست
۴. همان خدای یکتا که آفریننده مشرق و مغرب) هست (شاید مشرق
و مغربها کرات و غور شیعیهای پیشمار یا مشرق و مغربهای آفاق مختلف یا
فصول مختلف مقصود باشد) ۵. اما نزدیکترین آسمان را بزور نجوم
بیاراستیم. ۶. (بشهاب آن انجم) از تسلط شیطان سرکش گمراه محفوظ
داشته ایم. ۷. تا شیاطین هیچ از وحی و سخنان فرشتگان عالم بالا نتوانند
و از هر طرف بقر رانده شوند. ۸. انهم بقهر برانندشان و هم بمذاب دایم
قیامت گرفتار شوند. ۹. جز آنکه کسی (از شیاطین) که خواهد جز علم
بالا) بر باید هم او را تیر شهاب فروزان تمقیب کند. ۱۰. ای رسول از این
منکران قیامت بپرس که آیا خلقت آنها سخت تر است یا موجودات با عظمت
دیگر که ما خلق کرده ایم و ما هم اینان را در اول از گل سرشته یاافریدیم
۱۱. آری تو (ای رسول از انکار منکران) تعجب کردی و آما هم بپندم
برداختند. ۱۲. و هر گاه بآنها پند وارز دهند (از جهل) هیچ متذکر نمیشوند.
۱۳. چون آیت و معجزی مشاهده کنند باز هم بنسوس و مسخره پردازند
۱۴. بگویند این خود پیداست که سحری بیش نیست. ۱۵. (و یا تعجب
و انکار کنید) آیا چون ما مردیم و استخوان ما خاک شد باز زنده و
برانگیخته می شویم. ۱۶. یا پندار گذشته ما زنده میشوند. ۱۷. پر رسول
بآنها بگو آری شما (و هم پندارتان خوار و ذلیل به محضر میبوت خواهید
شد) ۱۸. تنها بیک سبیه (اسرافیل) همه زنده شده و از قبرها برخیزند
و هر سه قیامت را بشنوند. ۱۹. بگویند ای پویا بر ما

هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ۖ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۚ
 اخْشَوْا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَرْوَاهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ۚ مَنْ
 دُونِ اللَّهِ قَاهِدٌ لَهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْحَيِّمِ ۚ وَصُفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ
 ۚ مَا لَكُمْ لَا تَنْصَرُونَ ۚ بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُتَسَلِّوْنَ ۚ وَأَقْبَلْ نَصَبُهُمْ
 عَلَى بَعْضِ مَا تَأْتُونَ ۚ قَالُوا لَا تَكْذِبْ كُنْتُمْ تَأْتُونَ تَنَاغِي الْبَهِيمِ ۚ
 قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۚ وَمَا كَانُوا لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ
 بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ ۚ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَاقُونَ
 فَاعْوَبُنَا كَرَامًا كَانُوا عَاوِينَ ۚ فَأَنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ
 ۚ إِنَّا كُنَّا لِكَ تَفَعَّلُ يَا حُجْرِي ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ يَتَكَبَّرُونَ ۚ وَيَقُولُونَ أَأَنَّا لِنَارِكُوا وَإِلَهِنَا الشَّاعِي
 تَجْمُؤُونَ ۚ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَقَ الْمُرْسَلِينَ ۚ تَكْذِبُ لَذَاقُوا الْعَذَابَ
 الْآلِيمَ وَمَا فَجَرُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ
 الْمُخْلَصِينَ ۚ وَلِنَاكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ ۚ فَوَاكِهُ وَهُمْ مُكْرَمُونَ
 ۚ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۚ عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ۚ بَطَاطٍ عَلَيْهِمْ يُكَاسِ
 مِنْ مَعِينٍ ۚ بَيْضَاءُ لَذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ ۚ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ
 عَنْهَا يُنْفَوْنَ ۚ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ ۚ كَأَنَّهُمْ
 بَيْنَ مَكُونٍ ۚ فَأَقْبَلْ نَصَبُهُمْ عَلَى بَعْضِ مَا تَأْتُونَ ۚ قَالُوا قَلِيلٌ

اینست روز جزای اعمال ۴۰ اینست روز حکم (بر نیک و بد) که شما تکذیب آن کردید (۳۹) (و خطاب شود که) اینک شما کاران را حاضر کنید با منسران و آنچه محبوب ایشان بود ۴۲ و هر چه را بجز خدا می پرستیدند بیاورید و همه را براه دوزخ کشید ۴۳ و در موقف حساب نگاهشان دارید که در کارشان سخت مسئولند ۴۴ از ایشان باید پرسید که چرا شما (در راه دین) بیکدیگر نصرت نکردید ۴۵ بلکه در این روز آنها همه سخت تسلیم و ذلیلند ۴۶ و در آن هنگامه برخی از آنان با بعضی دیگر سؤال و جواب کنند ۴۷ و گویند شما بودید که از سمت راست (و چپ) برای فریب ما می آمدید (۴۸) آنها جواب دهند که شما خود بخدا ایمان نیاوردید (۴۹) و ما بر شما تسلط و (حجتی) نداشتیم بلکه شما خودتان یاقی و سرکش مردمی بودید (۵۰) پس امروز بر همه ما وعده انتقام خدا حتمی است باید البته عذاب را به چشم ۵۱ ما شما را گمراه کردیم که خود گمراه بودیم (و کافره را یکیش خود میخواند) ۵۲ و امروز در عذاب مشغول گردید (۵۳) ما چنین از بدکاران انتقام می کشیم ۵۴ آنها بودند که چون لا اله الا الله کلمه توحید برایشان گفته میشد سرکشی می کردند (۵۵) می گفتند آیا ما برای خاطر شاعر دیوانه ای دست از خدا بیاوریم (۵۶) چنین نیست که آنها پنداشتند بلکه محمد با برهان روشن حق آمد و وحیت و معجزاتی صدق پیمبران پیشین را نیز اثبات کرد (۵۷) شما (که او را تکذیب کردید امروز) عذاب سخت و دردناک خواهید چشید (۵۸) و جز بکردارشان مجازات نمیشود ۵۹ امروز همه مسئولید جز بندگان پاک با اخلاص خدا ۶۰ آنان را (در بهشت ابد) روزی جسمانی و روحانی بی حساب مین است ۶۱ و میوه های گوناگون بهشتی و هم آنها (در آن عالم جاودانی) بزرگوار و محترمند (۶۲) و در بهشت هر نعمت متنمندی ۶۳ و هر تاختهای عالی و روبروی یکدیگر نشسته اند (۶۴) خود و غلمان (جام شراب ظهور بر آنان دور میزنند) (۶۵) شرابی سبید و روشن که آشامنده لذت کامل برد (۶۶) که در آن می خمار و در دسری و نه مستی و مدھوشی است ۶۷ و در بزم حضورشان زیبا چشمان است که جز بشوهر خود به هیچکس ننگرد ۶۸ گوئی آن حوران در سفیدی (و لطافت) بیضه مکنونند (۶۹) در آنجا مؤمنان بعضی با بعضی صحبتگوی کنند (۷۰) یکی از آنها گوید (ای رفقای بهشتی)

مِنْهُمْ إِنْ كَانَ لِي قَرِينٌ يَقُولُ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُضْذِقِينَ ۖ أَفَأَنْتَ
 مِنْهُمْ وَكَأَنَّ آبَاءَ عِظَامِهِمْ كَذِبُونَ ۚ طَالَ مَلَأْتُمْ أَصْوَاحًا
 فَاطْلَعُوا فِرَافِرَهُ فِي وَاوٍ ۚ الْجَحِيمِ طَالَ تَأَلَّوْا إِنْ كُنْتُمْ لَرُودِينَ ۚ هَوَلُوا
 نِعْمَ رَبِّي لَهُ كُنُوزٌ مِّنَ الْخُسْرَىٰ ۚ أَفَأَمِنَ عِبَتَيْنِ ۚ لَا مَوْتَ لَنَا
 الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ۚ إِنَّ هَٰذَا هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۚ
 لِيُثَلَّ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكَ لَا أَمْرَ تَجِدُهُ فِي التَّوَارِثِ
 إِذَا جَعَلْنَا هَٰؤُلَاءِ لَكَ الْفَلَاحِينَ ۚ إِنَّمَا تُجْرَىٰ فِي أَصْلِ
 الْجَحِيمِ ۚ طَلَعُوا كَأَنَّهُ رُؤُوسُ السَّيَاطِينِ ۚ هَٰؤُلَاءِ لَمْ يَكُونُوا مِنْهَا
 قَتَالُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ۚ طَرَدْنَا لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا تُتَابٌ مِّنْ جِثْمٍ ۚ ثُمَّ
 إِنَّ مَرَجَهُمْ لَا إِلَى الْجَحِيمِ ۚ هَٰؤُلَاءِ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ۚ هَٰؤُلَاءِ
 عَلَىٰ أَنَارِهِمْ مُّزْعَمُونَ ۚ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ۚ هَٰؤُلَاءِ
 لَقَدْ أَرَسْنَا فِيهِمْ مُّنَادِينَ ۚ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَدَبِّرِينَ ۚ
 هَٰؤُلَاءِ عِبَادُ اللَّهِ الْخَاصِينَ ۚ وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا فَلْيَعْمَلِ الْغَابِرُونَ ۚ
 وَتَجَنَّبْهُ وَامْلِكْ مِنَ الْكُرْبَى الْعَظِيمِ ۚ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِيُونَ ۚ
 وَتَرَكَهَا عَلَيْهِمْ فِي الْآخِرِينَ ۚ سَلَامٌ عَلَى الْغَابِرِينَ ۚ إِنَّمَا
 كُنَّا لَكَ تَجَرِي الْمَحْسِنِينَ ۚ إِنَّمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۚ هَٰؤُلَاءِ أَفْرَقْنَا
 الْآخَرِينَ ۚ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَآبْرَاهِيمَ ۚ وَجَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ

مرا (دردنیا) همنشین (کافر) بود (۵۹) که او با من میگفت آیات تو (و بعد بهشت و قیامت را) باور میکنی (۵۴) آیا چون مردیم و استخوان ما خاک را شد باز (زنده شویم) و پاداش و کیفر یا بیم (۵۳) باز این گوینده بعضی بر فیتان گوید آیا میخواهید نظر کنید و آن رفیق کافر را اینک دزد و دوزخ بنگرید (۵۴) آنگاه که بنگرند او را در میان دوزخ معذب بینند (۵۵) باو بگوید قسم بخدا که نزدیك بود مرا هم چون خود هلاک گردانی (۵۶) و اگر نعمت و لطف خدای من نگهدار نبود دوزخ نزد تو حاضر بودم (۵۷) آیا دیگر مرا مرگی خواهد بود (۵۸) جز همان مرگ اول و دیگر هیچ رنج و عذاب بر ما نخواهد بود (۵۹) اینست همان سعادت و زستگاری بزرگ (۶۰) آنانکه سعی و عملی می کنند باید بر مثل این کنند (۶۱) آیا این مقام عالی بهتر است یا درخت زقوم جهنم (۶۲) که آن درخت را ما برای جان ستمکاران عالم گردانیدیم (۶۳) آن قوم بحقیقت در عی است که ازین درخت برآید (۶۴) میوه اش (در خیانت) گوئی سرهای شیاطین است (۶۵) اهل دوزخ از آن درخت آفتور میخورند که شکمها پر میسازند (۶۶) پس از خوردن زقوم دوزخ بر آنها شرابی آمیخته از حمیم سودان خواهد بود (۶۷) و باز هم رجوعشان بسوی جهنم است (۶۸) چرا که آنها و درافشان را در ضلالت و گمراهی یافتند (۶۹) و باز از پی آنها شهابان رفتند (۷۰) و قبل از اینان بیشتر پیشینیان هم سخت گمراه بودند (۷۱) و ما رسولانی برای هدایت و پند بر آنها فرستادیم (۷۲) بنگر تا ماهیت کار آن امتهای (گمراه) بچه (سختی و هلاکت) انجامید (۷۳) جز بندگان پاک با خلوص خدا (همه هلاک شدند) (۷۴) و همانا نوح ما را ندا کرد و ما او را چه نیکو اجابت کردیم (۷۵) و او را با اهل بیتش (و پیروانش) همه را از بالای بزرگ نجات دادیم (۷۶) و نژاد و اولاد او را روی زمین باقی داشتیم (۷۷) و در میان آیندگان نام نیکویش بگذاشتیم (۷۸) سلام و تحیت بر نوح (خدا پرست) باد (۷۹) ما چنین نیکوکاران را میدهم (۸۰) که او بحقیقت از بندگان با ایمان ما بود (۸۱) و جز او اهل و اسبابش که نجات دادیم همه را غرق دریای هلاک گردانیدیم (۸۲) و از پیروان نوح (در دعوت توحید و خدا پرستی) بحقیقت ابراهیم (خلیل) بود (۸۳) که آن ابراهیم از جانب خدا با قلبی پاک

سَلِيمٌ إِذْ قَالَ لِأَيُّهِ وَقَوْمِهِ مَا نَا عَبَدُونَ أَفْتَكْفُرُوا بِاللَّهِ
 دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ أَنْ تَكْفُرُوا بِاللَّهِ الْعَالَمِينَ فَتَنْظُرُونَ فِي
 الْبُحُورِ فَقَالَ إِنْ سَقِيمٌ فَقُولُوا عَنْهُ مُدِيرِينَ قَرَأَ إِلَى
 الْجَحِيمِ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ أَمْ لَكُمْ لَا تَسْطِغُونَ قَرَأَ عَلَيْهِمْ
 قَرَأَ بِالْأَعْيُنِ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَرْتَوُونَ قَالَ أَعْبَدُونَ مَا
 تَعْبُدُونَ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ قَالُوا الْبُحُورُ بَنَيْنَا مَا قَالُوا
 فِي الْجَحِيمِ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمْ الْأَسْفَلِينَ وَقَالَ إِنْ
 ذَا بَكَّ إِلَى رَبِّي سَبِّحِينَ كَرِهَ رَبُّهُ مِنَ الصَّاحِبِينَ ۝۱۰
 فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابِهِمْ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى
 فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ اقْصِلْنَا
 نَفْسًا سَجِدَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لِلَّهِ مِنْ الصَّابِرِينَ ۝۱۱ فَلَمَّا أَسْلَمُوا
 تَلَّ لِلْيَحْيَى وَوَدَّ بَنَاهُ أَنْ يَأْتِيَهُمْ فَقَدْ صَدَفَتِ الرُّؤْيَا
 لِأَنَّكَ تَجْرِي لِلْحَسَنِ ۝۱۲ هَذَا هُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ۝۱۳
 فَدِينَاهُ وَدِينُ عَظِيمٍ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۝۱۴ سَلَامٌ عَلَى
 إِبْرَاهِيمَ كَذَلِكَ تَجْرِي لِلْحَسَنِ ۝۱۵ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ
 ۝۱۶ وَبَشِّرْهُمْ بِأَسْمَى نَبِيَّائِهِ الصَّاحِبِينَ ۝۱۷ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَى
 اسْمِهِ وَمَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْحُسْنُ وَظَلَّ إِلَهُ نَبِيٍّ مُبِينٍ ۝۱۸ وَلَقَدْ

وسالم (از شرك) بدعوت خلق آمد: (۸۴) هنگامی که با پدر خود و قومش گفت
شما پرستش چه متولید (۸۵) آیا (روایت) بدو بخ خدا یانی بجای خدای
یکتا پرگزینید (۸۶) پس در اینصورت پندای جهان چه گمان میبرد و از
قهر و انتقام خدا، چگونه نمیشد: (۸۷) آنگاه (از روی تدبیر) به
ستارگان آسمان نگاهی کرد (۸۸) و با قومش گفت که من پیغام (و
نتوانم بعثت عید بتان آم) (۸۹) قوم از او دست کشیدند (و از بتخانه
پسوی صحرا شتافتند) (۹۰) ابراهیم قصد بتهای آنان کرد و گفت آيا شما
غذا نمیخورید؟ (۹۱) چرا سخن نمیگوئید؟ (۹۲) این بگفت و محکم (بابتیر)
بر بتان زد (و چون بت بزرگ همرا درم شکست) (۹۳) قوم (آگه شدند و)
انتقام پسوی او آمدند (۹۴) ابراهیم بعد از نجات از آتش بلطخه خدا گفت ای (رو
شما چیزی بعت خود بتراشید و آنرا پرستش کنید (۹۵) در صورتی که
شما و آنچه (از بتان) میسازید همه را خدا آفریده (۹۶) قوم حجت و
برهان نشنیدند و گفتند باید بر او آتشخانه ای بسازیم! او را در آتش
بسوزانید: (۹۷) نمرودیان قصد مکر و ستمش کردند ما هم آنان را پست
و نابود ساختیم و آتش را بر آذ گستان کردیم (۹۸) و ابراهیم گفت من
پسوی خدا میروم که البته هدایت من خواهد فرمود (۹۹) (آنگاه دست بده
داشت) بارالها مرا فرزند صالحی که از پندگان شایسته تو باشد جلا
فرما: (۱۰۰) پس مژده پس پرورداری باو دادیم (۱۰۱) آنگاه (که آن پسر رشدی
یافت) با او پسلی شتافت ابراهیم گفت ای فرزند عزیز من در عالم خواب چنین
دیدم که تو را قربانی کنم در این واقعه تو را چه نظریست جواب داد ای پدر هر چه
ماموری انجامده که انشاء الله مرا از پندگان با صبر و شکیبا خواهی یافت (۱۰۲)
پس چون مردو تسلیم گشتند او را برای کشتن بروی در افکند (۱۰۳)
ما در آن حال خطاب کردیم که ای ابراهیم (۱۰۴) تو ماموریت عالم رویا را
انجام دادی (کار داد از گلویش برداد) ما نیکو کاران را چنین نیکو پاداش می دهیم
(۱۰۵) این ابتلا همان امتحانی است که حقیقت حال اهل ایمان را روشن می کند
(۱۰۶) و بر او (گوسفندی فرستاده) و ذبح بزرگی فدا ساختیم (۱۰۷) و تنای او
دار آید پندگان و اگذا بدیم (۱۰۸) سلام و تحیت خدا بر ابراهیم باد (۱۰۹)
ما نیکو کاران را اینچنین پاداش نیکو میدیم (۱۱۰) آذر او از پندگان با ایمان
بود (۱۱۱) و باز مژده فرزندش اسحق را که پیغمبری از شایسته گانست باو دادیم
(۱۱۲) و بر ابراهیم و اسحق برکت و خیر بسیار عطا کردیم و از فرزندان ایشان
برخی صالح و نیکو کار و برخی دانسته بنفسی خود ستمکار شدند (۱۱۳) و ما

مَسْنَا عَلَى مَوْسَىٰ هَارُونَ ۖ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ
 وَنَصَرْنَا نوحًا فَكَانُوا مِنَ الْغَالِبِينَ ۖ وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْبَرَّ ۖ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۖ وَرَزَقْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ
 ١١٧ سَلَامٌ عَلَىٰ مَوْسَىٰ هَارُونَ ۖ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْحَسَنِينَ ۖ
 ١١٨ إِنَّمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَإِنَّ الْبَاسِلِينَ الْمُرْسَلِينَ ۖ
 ١١٩ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ الْآتِفُونَ ۖ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ
 ١٢٠ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ۖ اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ۖ فَكَذَّبُوا بِآيَاتِهِ فَآتَاهُمْ لِمَخْصُرُونَ ۖ وَلَا عِبَادَ إِلَّا اللَّهُ الْخَالصِينَ ۖ وَرَزَقْنَا
 ١٢١ عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۖ سَلَامٌ عَلَى الْبَاسِلِينَ ۖ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي
 ١٢٢ الْحَسَنِينَ ۖ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَإِنْ لَوْ طَالَتِ الْمُرْسَلَةُ
 ١٢٣ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ۖ إِلَّا تَجُوزَانِ فِي الْغَايِبِينَ ۖ ثُمَّ
 ١٢٤ دَمَرْنَا الْآخَرِينَ ۖ وَانْكُرُ لَقَرُونُ عَلَيْهِمْ مُصِيبِينَ ۖ وَيَا بَلْبَاءُ
 ١٢٥ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۖ وَإِنْ يُؤْثِرُوا عَلَى الْبَاسِلِينَ ۖ إِذَا بَقِيَ إِلَى
 ١٢٦ الْغَالِيَةِ الْمُتَمَوِّنُ ۖ قَامَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ۖ فَالْتَقَتْهُ
 ١٢٧ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ۖ عَلَوْا لَا آفَ ۖ كَانِ مِنَ الْمُسْجِقِينَ ۖ لَلْبَيْتِ فِي
 ١٢٨ بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۖ قَبَضْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ۖ وَ
 ١٢٩ آتَيْنَاهُ عَلَيْهِ ثَجْرَةً مِنْ يَقْطِينٍ ۖ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ يَمَانِهِ الْفُلَّ

بر موسی و برادرش هارون منت گذاریم (۱۱۳) و هر دو را با قوممان
از بالای بزرگ (فرعونیان) نجات دادیم (۱۱۵) و آنها را یاری دادیم تا به
حقیقت فاش شدند (۱۱۶) و آن دو پیغمبر کتاب (توریه) روشن بیان را عطا
کردیم (۱۱۷) و هر دو را برادر استعدایت کردیم (۱۱۸) بر ایمان نام نیکو
میان آیندگان باقی گذاریم (۱۱۹) سلام و تعیت خدا بر موسی و هارون باد
(۱۲۰) ما چنین نیکوکاران را پاداش می دهیم (۱۲۱) زیرا هر دو از پندگان
خاص با ایمان ما بودند (۱۲۲) و همانا الیاس یکی از رسولان بود (۱۲۳)
وقتی قومش را گفت آیا خدا ترس و پرهیز کار نمی شوید (۱۲۴) آیا بت بعل
نام را خدا میخواند و خدای بهترین آفریننده عالم را ترک می گوید (۱۲۵)
خدا آفریننده شما و پدران گذشته شما است (۱۲۶) قوم الیاس رسالت
او را تکذیب کردند بدین سبب برای انتقام و عذاب (به محشر) احضار
می نمود (۱۲۷) (و همه هلاک شوند) جز پندگان با اخلاص خدا (۱۲۸) و
بر الیاس نام نیکو در میان خلق آئینده بگذاشتیم (۱۲۹) سلام بر الیاسین
(و آل یاسین) باد (۱۳۰) ما نیکوکاران را چنین پاداش نیکو می دهیم (۱۳۱)
زیرا او از پندگان خاص با ایمان ما بود (۱۳۲) و لوط هم یکی از رسولان
خدا بود (۱۳۳) وقتی ما خواستیم قوم او را کفر کنیم او و اهل بیتش همه
را نجات دادیم (۱۳۴) جز پسر زالی که در میان قومی که هلاک شدند
باقی ماند (۱۳۵) پس دیگران که بدکار بودند همه را هلاک ساختیم (۱۳۶)
و شما مردم اینک بر دیار ویران قوم لوط می گذرید در صبح (۱۳۷) و شما
باز مثل کار نمی بینید (۱۳۸) و یونس نیز یکی از رسولان (بزرگ خدا) بود
(۱۳۹) که چون بکشتی پر جمعیتی گرفت (۱۴۰) (کشتی بخطر افتاد)
فرغ دزد بنام یونس افتاد و از غرق شوندگان گردید (۱۴۱) و ما می بینیم
اوستا و پیکام فرو برد و مردمان هم ملامتش می کردند (۱۴۲) و اگر او به
ستایش و تسبیح خدا نپرداختی (۱۴۳) تا قیامت در شکم ماهی زیست
کردی (۱۴۴) باز یونس را (پس از چندی) از پطن ماهی بصحرای خشکی
افکندیم در حالی که بیمار و ناتوان بود (۱۴۵) و در آن صحرای پر اور درخت
کدو روئانیدیم (۱۴۶) و باز او را بر قومی بالغ بر صد هزار با

بِرَبِّدُونَ ﴿١٧٨﴾ هَامُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٧٩﴾ فَاسْتَغْفِرُوا لِرَبِّكَ الْبَشَاءَ
 وَلَهُمُ الْبَنُونَ ﴿١٨٠﴾ مَخْلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ نَاهِدُونَ ﴿١٨١﴾
 إِلَّا آيَاتُهُمْ مِنْ إِنْكَارِهِمْ لِقَوْلِهِ ﴿١٨٢﴾ قَوْلَهُ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٨٣﴾
 أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿١٨٤﴾ هَذَا كَذِبٌ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٨٥﴾ أَفَلَا
 تَذَكَّرُونَ ﴿١٨٦﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ ﴿١٨٧﴾ فَاتُوا بِكُتُبِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ﴿١٨٨﴾ وَجَعَلُوا بَنَاتَهُ وَبَنِينَ أَيْحَةَ لَسَاءَ أَلْفَدَّ عَلَيْهِ
 أَيْحَةُ إِنَّهُمْ لَخَصُرُونَ ﴿١٨٩﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿١٩٠﴾ الْإِعْبَادَ
 اللَّهُ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٩١﴾ كَمَا تَكْفُرُونَ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٩٢﴾ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَانِينَ
 ﴿١٩٣﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ الْحَيِّمْ ﴿١٩٤﴾ وَمَا مِثْلَ الْإِلَهِ مَقَامٌ مَعْلُومٌ ﴿١٩٥﴾ وَإِنَّا
 لَنَحْنُ الصَّافِرُونَ ﴿١٩٦﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسْتَعِينُونَ ﴿١٩٧﴾ وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُنَّ
 ﴿١٩٨﴾ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٩﴾ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ
 فَكْفُرُوا بِهِ فَتُوفِ يَعْلَمُونَ ﴿٢٠٠﴾ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا
 الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٠١﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿٢٠٢﴾ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ
 ﴿٢٠٣﴾ فَقُولْ عَنَّا هُمْ هَٰؤُلَاءِ حِينٍ ﴿٢٠٤﴾ وَأَبْصِرْهُمْ فَتُوفِ يُبْصِرُونَ ﴿٢٠٥﴾ أَفَعَمَلُنَا
 يَسْتَجِيبُونَ ﴿٢٠٦﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِآيَاتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿٢٠٧﴾ وَرَوَّلْ
 عَنَّا هُمْ هَٰؤُلَاءِ حِينٍ ﴿٢٠٨﴾ وَأَبْصِرْهُمْ فَتُوفِ يُبْصِرُونَ ﴿٢٠٩﴾ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ
 الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢١٠﴾ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿٢١١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢١٢﴾

افزون برسالت فرستادیم ۱۴۷ و آن قوم چون ایمان آوردند ما هم بنیعت خود
تا هنگامی معین بهره مندشان گردانیدیم (۱۴۸) ای رسول تو از این مفرکان
پرس که آیا خدا را فرزندان دختر است و شمارا پرس ۱۴۹ یا آنکه چون ما
فرشتگان را خلق می کردیم آنجا حاضر بودند (و دیدند که) آنها را زن آفریدیم
(۱۵۰) بدانکه ایشان از (جهل) خود بر خدا دروغی بسته و میگویند ۱۵۱ خدا
را فرزند نمی باشد البته دروغ میگویند ۱۵۲ آیا خدا دختران را بر پسران
برگزید ۱۵۳ چرا چنین جاهلانه حکم میکنند ۱۵۴ آیا باز مذکر نمی شوید
(۱۵۵) یا آنکه برای خود دلیل و برهان روشنی دارید ۱۵۶ کتاب و
برهانتان را بیاورید اگر راست میگویند ۱۵۷ و بین خدا و جن نیست
و خویشی برقرار کردند در صورتی که آنها می دانند که برای کثیر احضار
خواهند شد ۱۵۸ خدا ذات پاکش از این اوصاف که (از جهل) باو
نسبت می دهند منزعت ۱۵۹ جز بندگان پاک با اخلاص (۱۶۰) که
شما و معبودان (۱۶۱) نتوانید آنها را مفتون و گمراه کنید
(۱۶۲) و هر آن کسی که اهل دوزخ است (کسی بکفر شما در نیاید) (۱۶۳)
و هیچک از فرشتگان نیست جز آنکه او را در بندگی حق مقامی معین است
۱۶۴ و همه (بفرمان حق) نیکو صفت آراستادیم ۱۶۵ و دایم به تسبیح و
ستایش او مشغولیم ۱۶۶ و عماران کافران میگویند ۱۶۷ که اگر نزد ما کتابی
از (رسولان) پیشین بود ۱۶۸ ما هم المته از بندگان با اخلاص خدا میبودیم
(۱۶۹) و (دروغ میگویند زیرا جز این بزرگ خدا آمد) باو کافر شدند
و بزودی کفر خود را (خواهند یافت) (۱۷۰) و عماران عهدها درباره بندگان
که برسالت فرستادیم (چنین در علم ازلی) سبقت گرفته است (۱۷۱) که
البتة آنها بر کفران فتح و فیروزی یابند (۱۷۲) و همیشه سپاه ما غالبند
(۱۷۳) پس (قوم) روی از آنها بگردان تا بوقتی معین ۱۷۴ (و عذاب)
آنها را به چشم ببین که آنها هم بزودی (فیروزی) تو را خواهند دید (۱۷۵) آیا
کافران عذاب ما را با تحجیل میطلبند (۱۷۶) چون عذاب قهرالمی بر امان
دیوارشان فرود آید صبح بسیار بدی دارند (۱۷۷) اینک روی از آنها بگردان
تا بوقتی معین (۱۷۸) و (عذاب) آنها را به چشم ببین که آنها هم (فیروزی)
تو را خواهند دید (۱۷۹) پاک و منزعت پروردگار که خدائی مقتدر و
بی همتاست و از توصیف جاهلان خلق میراست ۱۸۰ و تسبیح و تحیت المی
بر رسولان باد (۱۸۱) و ستایش مخصوص خدا است که آفریننده جهانیان

سُبْحَانَكَ يَا مَنْ فِي يَمِينِكَ مَلَكُوتُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صَلِّ وَالْفَرَّانِ ذِي الذِّكْرِ بِلِ الدِّينِ كَقَرُوا فِي عِرَّةٍ وَ
 يُفَاقِ كَرَأَ أَمْلَكًا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَ ذَاوَالْأَيْحِينَ
 مَنَاصِلَ وَيَجْمَعُوا أَنْ جَاءَتْهُمْ مُنْذِرُهُمْ قُورَالِ الْكَافِرِينَ هَذَا
 سَاعِدُكَ نَابٌ أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَتَنَبَأٌ عَظِيمٌ
 وَأَنظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَنَرْتَهُ أَنْ يَأْتِيَنَّكَ إِنَّ هَذَا
 لَتَنَبَأٌ عَظِيمٌ هَذَا فِي إِلَهِ الْأَوَّلِينَ هَذَا إِلَّا خِطَابٌ
 أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَنَا
 بَدَنُ قَوَاعِدَابِ أَمْرٌ عِنْدَهُمْ خَوَافٌ أَنْ يَحْدَرَ ذَيْكَ الْعَنْتَرِ الْوَهَابِ
 أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَا بَيْنَهُمَا قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ ۖ إِنْ لَا يُعْطُوا
 جُنْدًا مَا لَهُمْ أَلْفٌ مِنْ الْأَحْزَابِ ۖ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوْحٍ
 وَعَادُ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوَّلَادِ ۖ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ
 الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ ۖ إِنْ كُلِّ إِلَّا كَذَّبَا لِرُسُلٍ هَؤُلَاءِ
 وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صِفَةً وَاحِدَةً مَا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ ۖ وَفَالِقُ
 رَبَّنَا يَجْعَلُ لَنَا قِطْنًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ۖ أَصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَادْعُ
 عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۖ إِنَّا مَهْرَجَاتُ الْجِبَالِ مَعَهُ

سوره مبارک ص دهم که مکه معظمه نازل شد و مشتمل بر ۲۸ آیه می باشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

ص (دوزخ خدا و رسولت یا اشاره است بسمه و صانع و خالق از اسماء الهی یا یعنی و مصطفی که القاب پیغمبر است) قسم بقرآن صاحب مقام ذکر و پند آموز عالیشان (۱) (که محمد رسول حق و قرآن بزرگ و معجزات لیکن کافران در مقام فرور و سرکشی و عداوت حق هستند (۲)) باری ترسند (که پیش از اینها طوایف بسیاری را بپلاکت رسانیدیم و آن هنگام قهر و عذاب فریادها کردند و هیچ راه نجاتی بر آنها نبود (۳) و (مشرکان که) تمسب کردند که رسولی از همان نژاد عرب برای تذکر و پند آنان آمد و آن کافران گفتند او ساحری دروغگوست (۴) آیا او چندین عدایان مارا منصرف بیک خدا کرده این بسیار تمسب آور است (۵) و گروهی از سران قوم چنین رای دادند که باید طریقه خود را ادامه دهید و در پرستی خدايان خود همین بتان ثابت قدم باشید این کاریست که مراد همه است (۶) این را (که دعوی محمد است) در توحید و یگانگی خدا در آخرین ملت (هم که ملت مسیح است) نشنیده ایم (زیرا ملت عیسی نیز به سه خدا واقفانیم سه گانه معتقد است) و این (دعوی محمد) جز بافتگی و دروغ چیز دیگری نیست (۷) آیا میان همه ما (بزرگان و ب) (قرآن مخصوصا) بر او فرو آمد بنگه این کافران از وحی قرآن در شک و در پیوند بلکه هنوز عذاب (قهر حق) را نچشیده اند (۸) آیا گنجهای رحمت خدای تو که در کمال اقتدار و بخشندگی است نزد این مردم است (۹) آیا سلطنت آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست با این کافران است پس بهر سبب که میتوانند بر آسمانها بالا روند (۱۰) این غلایق سپاه از احزاب مغلوب و ناپود شدنی است (۱۱) پیش از این مشرکان هم قوم نوح و طایفه عاد و فرعونیان صاحب قدرت نیز تکذیب (پیغمبران خدا) کردند (۱۲) و طایفه ثمود و قوم لوط و اصحاب ایکه این اقوام هم احزاب و لشکرهای بسیار (بر علیه انبیاء) بودند (۱۳) و آنان بجز تکذیب انبیا فکری و عملی نداشتند بدین جهت عذاب ما بر آنها حتم و واجب گردید (۱۴) و این مردم مجزیک صیحه انتظار دارند و دیگر ابد دنیا بازنمیگردند (۱۵) و کافران (بتمسخر) گفتند ای خدا حساب نامه اعمال ما را تا تعجیل کن و پیش از روز حساب انداز (۱۶) تو بر سخنان آنها سیر کن و از پنده ما و دیاد کن (که در اجرای امر ما) بسیار نیرومند بود و دایم بدر گام توبه و انابه می کرد (۱۷) و ما کوهها را پالو مسخر کردیم

يَسْتَعِينُ بِالْعِثَّةِ وَالْأَشْرَاقِ ۝ وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ ۝
وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ ۝ وَهَلْ أَتَىكَ
تَبَوُّؤُ الْحَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْحُرَابَ ۝ إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ
قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا يَا الْحَيُّ
وَلَا تَطْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ۝ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِغَمُّ
وَيَسْعُونَ نَجْمَةً وَلِيَّ نَجْمَةٍ وَاحِدَةٍ فَقَالَ أَكَلْتُمَهَا وَعَرَضْتَنِي فِي
الْخِطَابِ ۝ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَجْمِكَ إِلَى يَعْقَابَ وَإِنَّ
كَثِيرًا مِنْ الظَّالِمِينَ لَبِغِيَ بِعَصَمِهِمْ عَلَى بَعْضِ آلِ الدِّينِ امْشُوا وَكَلِمَةُ
الصَّالِحِينَ قَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ
وَحَرَّاهُ وَأَنَابَ ۝ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزَكَاةً وَلَهُ
حُسْنَ مَآبٍ ۝ بَا دَاوُدَ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمُ
بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۝
إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
يَوْمَ الْحِسَابِ ۝ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا
ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ۝ أَمْ
يَحْسَبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ
أَمْ يَحْسَبُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ۝ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ

تا شب ورود خدا را تسبیح و ستایش کنند (۹۸) و مرغان را مسخر (نفسه خوش او) که نزد او مجتمع گردند همه پدربارش از هر جانب باز آیند (۹۹) و در ملك و شاهی او را نیرومند ساختیم و پاو قوه درك حقایق و تمیز حق از باطل عطا کردیم (۳۰) و ای رسول آیا حکایت آن دو (فرشته بصورت) خصم بشو رسیده است که از بالای غرقه عبادتگاه بر او وارد شدند (۳۹) هنگامی که داخل شدند در محراب داود سخت هراسان شد (که مبادا دشمن باشند) آنان بدو گفتند مترس ما دو تن خصم یکدیگریم که برهم ستم کرده ایم میان ما بحق حکم کن و با هیچیک جور و طرفداری مکن و ما را بر راه راست دلالت فرما (۴۱) این برادر من نود و نه رأس میش دارد است و من یک میش این را هم گفته بمن واگذار و با من بقهر و غلبه خطاب کرده (۴۳) داود گفت البته بر تو ظلم کرده که خواسته است یک میش ترا بنود و نه میش خود اضافه کند و بسیار ماضران و شریکان در حق یکدیگر ظلم و تعدی می کنند مگر آنانکه اهل ایمان و عمل صالح هستند که آنها هم بسیار کمند (پس از این قضاوت بی تأمل و سریع) داود دانست که ما او را سخت امتحان کرده ایم در آن حال از خدا عفو و آمرزش طلبید و پانواضع و فروتنی پدركاه خدا باز گشت (۴۴) خدا هم از آن گرو عفو کرد و از او در گذشت و او نزد ما بسیار مقرب و نیکو منزلت است (۴۵) ای داود ما تورا در روی زمین مقام خلافت دادیم تا میان خلق خدا بحق حکم کنی و هرگز هوای نفس را پیروی نکنی که تورا از راه خدا گمراه سازد و آنانکه از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب (و قیامت را) فراموش کرده اند بمذاب سخت معذب خواهند شد (۴۶) ما آسمان و زمین و هر چه در بین آنهاست باز بجه و باطل خلق نکرده ایم این گمان کافران است و ای پر کافران از عذاب بهشت آتش دوزخ (۴۷) آیا ما آنان را که بخدا ایمان آورده و با اعمال نیکو پرداختند مانند مردم (بی ایمان) مفسد در زمین قرار میدهم یا مردان با تقوی و خدا تران را مانند فاسقان بدکار جزا خواهیم داد (چنین نیست و آنجا بد و خوب یکسان نیستند) بلکه بدان دوزخی و خوبان بهشتی خواهند بود (۴۸) این قرآن بزرگ کتابی مبارک و عظیم الشانست که بر تو نازل کردیم

لَيْدَ بَرُّوْا يَا أَيُّدِي وَلَيْسَ تَذَكَّرُوا لَوْلَا الْإِنْبِيَاءُ وَوَقَبْنَا لَيْدَا وَدَ
 سَلَهْمَانُ نَعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿١٦﴾ إِذْ غَرَضَ عَلَيْهِ يَا لَعْنَتِي
 الصَّافِيَاتُ الْإِجْبَادُ ﴿١٧﴾ قَالُوا لِي أَجَبْتُ حُبَّ الْحَبْرِ عَنْ ذِكْرِهِ
 حَتَّى تَوَارَتْ بِالْجِبَابِ ﴿١٨﴾ رُدُّوْهُمَا عَلَى فُطُوقِ مَنَاجِي السُّوقِ وَالْأَعْيَادِ
 ﴿١٩﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَالْإِسْمَاعِيلَ عَلَى أَمْرٍ مِنْ جَدِّائِهِمْ أَوَّابٌ ﴿٢٠﴾
 قَالِ رَبِّنا غَفِرْ لِي قَبْلَ مَلِكَا لَا يَذْبَحِي لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ أَثَرٌ
 أَوْ قَاتِبٌ ﴿٢١﴾ فَغَفَرَ نَالَهُ الرَّجْعُ فَجَرِي بِأَمْرِ رَحْمَةٍ حَتَّى أَصَابَ
 وَالْقَبَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ﴿٢٢﴾ وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ
 مَذَاعِظًا وَنَافِلَاتٍ أَفَآمَيْتَ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٣﴾ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا
 لَزُلْفَى وَحَسَنَ مَأْتٍ ﴿٢٤﴾ وَادْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي
 مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٢٥﴾ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ مَذَا يُغْنِيكَ
 عَنِ الْوَسْوَاسِ الْغِيَاسِ ﴿٢٦﴾ وَوَقَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا
 وَذِكْرِي لَأَوْلَى لِلْإِنْبِيَاءِ وَخُذْ بِيَدِكَ ضَعْفًا فَاصْرِبْ بِهِ وَ
 لَا تَحْنُتْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٢٧﴾ وَ
 إِذْ كُرِيَ عَادَ نَارَ إِبْرَاهِيمَ وَانصَبَ وَيَعْقُوبَ أُولَى لَا يَذْبَحِي إِلَّا خَالًا
 ﴿٢٨﴾ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرِي لَدُنَّائِي وَإِنَّمَا عِنْدَنَا لِلنَّارِ
 الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ﴿٢٩﴾ قَاذِرُ الْإِسْفِيلِ وَالْبَسْعِ وَذَا الْكَلْبِ

تا است در آیاتش تفکر کنند و صاحبان مقام عقل متذکر حقایق آن شوند
 (۳۹) و به داود فرزندش سلیمان را عطا کردیم او بسیار نیکو بنده بود زیرا
 بسیار بدرگاه خدا (با تضرع و راری) رجوع می کرد (۴۰) (ای رسول ما)
 یاد کن وقتی را که بر او اسبهای بسیار قند و نیکو را هنگام عصر ارائه
 دادند و او پیازید اسبان از نماز عصر قافل ماند (۴۱) در آن حال گفت
 که من از علاقه و حب (اسبهای) نیکو از ذکر و نماز خدا غافل شدم تا
 آنکه آفتاب در حجاب شب رخ بنهضت (۴۲) (آنگاه با فرشتگان موکل
 آفتاب خطاب کرد که بام خدا (آفتاب را بر من باز گردانید) چون اداء نماز
 کرد) و شروع بدست کشیدن بر ساق و پال و گردن اسبان کرد (هنه را
 برای جهاد در راه خدا وقف کرد) (۴۳) و ما سلیمان را در مقام امتحان آوردیم
 و کالبدی بر تخت وی افکندیم (جسد بی جان) و باز بدرگاه خدا توبه و انابه
 کرد (۴۴) عرض کرد بارالها بخله و کرمتم از خطای من در گذر و مرا
 ملک و سلطنتی عطا فرما که پس از من احدی لایق آن نباشد که توای خدا
 تنها پخشنده و بی موشی (۴۵) ما هم باد را مسخر فرمان او کردیم تا بارش
 هر جا بخواهد بارامی روان شود (۴۶) و دیو و شیاطین را هم که بناهای
 عالی می ساختند و از دریا جواهرات گرانها می آوردند نیز مسخر امر او
 کردیم (۴۷) و دیگران از شیاطین را بدست او در غل و زنجیر کشیدیم
 (۴۸) این نعمت سلطنت و قدرت اعطای ماست اینک بی حساب بهره
 خواهی عطا کن و از هر که خواهی منع بنما (۴۹) و او نزد ما بسیار مقرب و نیکو
 منزلت است (۵۰) (ای رسول ما) یاد کن از بنده ما ایوب هنگامی که بدرگاه
 خدا عرض کرد پروردگارا شیطان مرا سخت رنج و عذاب رسانیده (تو از
 کرم نجات بخش) (۵۱) (خطاب کردیم) پای بزمین زن چشمه آبی
 پدید آمد گفتیم در این آب سرد شستو کن و از آن بیاشام (تا از هر درد
 و آلم رهایی یابی) (۵۲) و ما اهل و فرزندان که از او مردند و بقدر آنها
 هم علاوه باو عطا کردیم تا دُرّ حق او لطف و رحمتی کنیم و تا صاحبان عقل
 متذکر شوند (۵۳) و ایوب را گفتیم دستهای از جو بهای باریک حرما بدست
 گیر و بر تن خود زن که بر زدنش قسم یاد کردی) بزَن تا عهد و قسمت را
 نشکنی و ما ایوب را بند صابری یافتیم چه نیکو بندهای بود که ایم رجوع
 و توجّهش بدرگاه ما بود (۵۴) و باز ای رسول یاد کن از بندگان ما ابراهیم
 و اسحق و یعقوب که همه صاحب اقتدار و بصیرت بودند (۵۵) ما آنرا خالص
 و پاک کردیم برای تذکر سرای آخرت گردانیدیم (۵۶) و آنها نزد ما از
 برگزیده گان خوبان بودند (۵۷) و باز یاد کن از اسماعیل و یسم و ذوالفیل

وَكُلٌّ مِنَ الْأُنْحَاثِ هَذَا ذِكْرُ الْوَارِثِينَ لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنِ مَا فِي جَنَّاتٍ
عَذْنٍ مَقْلَعَةٍ لَهُمْ الْأَبْوَابُ ٥ ثُمَّ كَيْفَ فِيهَا يَدْخُلُونَ فِيهَا بِغَايَةِ
كَثِيرَةٍ وَشَرَّاهِ ٦ وَعِنْدَهُمْ فَاكِهَاتُ الْكَرْمِ ٧ وَأَرْبَابُ ٨ هَذَا مَا
وَعَدُوا نَوْمَ يَوْمِ الْحِسَابِ ٩ إِنَّ هَذَا لِرِزْقِنَا مَا لَهُ مِنَ نَفَائِدِ هَذَا
وَأَنَّ لِلظَّالِمِينَ لَشَرَّ مَا ١٠ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَيَنْسِفُ إِلَيْهَا ١١
هَذَا أَقْلَبُ وَقُوَّةُ حَيْمٍ وَنَحَاقٍ ١٢ وَأَخْرَجَ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجَ هَذَا
فَوُجٌ مُقْتَرِفَةٌ مَعَكُمْ لَا تَزْجَبُ بَإِثْمِهَا إِلَى أُولِ الْأَنْثَى ١٣ قَالُوا بَلْ
أَنْتُمْ لَامْرَجًا بَكْرًا أَنْتُمْ قَدْ نَمْتُمْوه لَنَا فَيَنْسِفُ الْقَرَارَ ١٤ قَالُوا رَبَّنَا
مَنْ قَدْ لَنَا هَذَا فِرْدَوْسُهُ عَذَابًا مُضَاعَفًا فِي النَّارِ ١٥ قَالُوا مَا لَنَا
لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ١٦ فَتَحَدَّثْنَا هُمْ بِمِثْرٍ
أَمْ رَأَيْتُ عِندَهُمُ الْأَبْصَارَ ١٧ وَكَذَلِكَ نَحْقُ نَحَاضُهُمْ أَهْلُ النَّارِ ١٨
قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَإِنِّي إِلَّا إِلَهُ الْوَاحِدِ الْقَهَّارُ ١٩
رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَا بَيْنَهُمَا الْعَرْشُ الْغَفَّارُ ٢٠
تَبَوَّعُوا عِزَّهُمْ ٢١ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ٢٢ مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ
الْأَعْلَى إِنِّي نَحْنُ خُيُومُونَ ٢٣ رُبُّنِي إِلَى الْأَعْلَى أَنَا أَنْتُمْ رُسُلُهُمْ
إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِ إِنِّي خَالِقُ بَشَرٍ مِنْ طِينٍ ٢٤ فَإِذَا
سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ٢٥ فَسَجَدَ

که همه از نیکوان بودند (۴۸) این آیات پند و پادآوری (نیکان) است
 و البته در جهان جاودانی برای اهل تقوی بسیار نیکومنز لگامی است (۴۹)
 باغهای بهشت ابد که درخایش بروی آنان باز است (۵۰) در آنجا بر تختها
 تکیه زده اند و شراب و میوه های بسیار می طلبند (۵۱) و در خدمت آنها
 حوران جوان شوهر دوست باغستاند (۵۲) این نعمت ابدی همانست که
 برای روز حساب بآنها وعده دادند (۵۳) اینست همان رزق بی انتهای
 ابدی ما (۵۴) خوبان حقیقت حال اینست و اهل کفر و طغیان را بدترین منز لگامست
 (۵۵) آنان بدوزخ درآیند که بسیار بد آرامگاه است (۵۶) اینست
 (عذابشان) و آنجا آب گرم متن حیم و غشاق را باید بجشند (۵۷) و از
 این نوع عذابهای گوناگون دیگر (۵۸) این گروهی هستند که با شما
 (رؤسای کفر و ضلالت) بدوزخ درآمدند (در این حال رؤسا گفتند) بدو
 حال اینان که در آتش فروزان شدند (۵۹) اهل دوزخ در جواب (رؤسایشان)
 گفتند بلکه بدو ابراهیم و خود شما زیرا شما پیش قدم ما بدوزخ شدید که بسیار
 آرامگاه بدی است (۶۰) باز (تابمان) بدو گاه خدا عرض کردند پروردگارا
 آنکس که برای ما این (عذاب) را پیش فرستاد تو در آتش عذابش را
 چندین برابر بیفزای (۶۱) و اهل دوزخ بایکدیگر گفتند چه شده که
 ما مردان و من را که از سفله و اشرار می شمردیم (امروز در دوزخ) نمی بینیم
 (۶۲) در صورتیکه ما آنها را (دردنیا) مسخره و استهزاء می کردیم (آیا)
 آنها اهل دوزخ نیستند) بآهستند و چشمان (ما) بر آنها نیافتد (۶۳) این
 منازعه اهل آتش دوزخ محقق و حتمی است (۶۴) (ای رسول ما) بگو بخلقی که
 من رسولی منذر (نامح) پیش نیستم و جز خدای فرد قهار خدائی نیست
 (۶۵) آفریننده آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست همان خدای مقتدر
 آمرزنده است (۶۶) بگو ای پیغمبر آن (حکایت قیامت و بهشت و دوزخ) خبر
 بزرگ عالم است (۶۷) (و درینا که) شما از شنیدن آن خبر بزرگ اعراض میکنید
 (۶۸) مرا بر فرشتگان عالم بالا که غیبت و گفتگو داشتند علمی (پیش
 از وحی خدا) نبود (۶۹) و بمن وحی نمیرسد جز اینکه من با بیان روشن
 و آشکار (خلق را از عذاب خدا) بترسانم (۷۰) (ای رسول) یاد کن
 هنگامی را که خدا بفرشتگان گفت که من بشر را از گل می آفرینم (۷۱)
 پس آنگاه که او را بخلقت کامل پیاداستم و از روح خود دو او دمیدم
 (همه با من) بر او بسجده دو افتید (۷۲) پس فرمان خدا

أَلَمْ لَا تَكُنْ مِنْ أَجْمَعُونَ ۝ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۝
 قَالِ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيدِي ۖ قُلْ اسْتَكْبَرْتُ
 أَرَكُنْتُ مِنَ الْعَالَمِينَ ۝ قَالِ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ
 مِنْ طِينٍ ۝ قَالِ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۝ وَإِنْ عَلَيْكَ لَعْنَةُ
 الْيَوْمِ الْآخِرِ ۝ قَالِ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ قَالِ فَإِنَّكَ
 مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۝ إِلَى يَوْمِ الْوَفَىٰ أَلْعَلَّكُمْ لَأَنتُمْ
 أَجْمَعِينَ ۝ لَا عِبَادَ لَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ ۝ قَالِ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ
 أَقُولُ ۝ لَا مُلْأَنَّ بِهِمْ مِنْكَ وَمِنْ تَبَعِكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ۝
 قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ۝ إِنَّ
 هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝ وَلَنَعْلَمَنَّ نَبَأَ بَعْدَ حِينٍ ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ
 بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۝ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَالِصُ
 وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ ذُرِّيَةِ أَوْلِيَآءَ مَا عَعَبُدْهُمْ إِلَّا لِيُغْنُوا
 إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِيمَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۖ قُلْ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ۝ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ

نام فرشتگان بدون استثناء سجده کردند (۷۳) مگر شیطان که (بر آدم) فرود و تکبر و وزید و از زمهره کافران گردید (۷۴) خدا بشیطان فرمود ای ابلیس ترا چه مانع شد که بسجود می کردی که بدو دست خود آفریدم سجده نکنی آیا تکبر و نخوت کردی یا از بلند رتبان بودی (۷۵) شیطان در جواب گفت من از او بهترم که مرا از آتش (نورانی سرکش) و او را از گل (تیره پست) خلقت کرده ای (۷۶) خدا فرمود (ای شیطان خود بین) از اینجا بگیاه بیرون رو که تو از کبر فرو ریخت رانده (در گاه ما) شدی (۷۷) و هر تو لعنت من تا روز قیامت حتمی و محقق است (۷۸) شیطان فریاد کرد پروردگارا پس مهلت ده که تا روز قیامت زنده مانم (۷۹) خدا فرمود آری از مهلت یافتگان قرار دادیم (۸۰) تا روز معین و وقت معلوم (۸۱) شیطان گفت (حال که مهلت یافتم) بمنز و جلال تو قسم که خلق را تمام گمراه خواهم کرد (۸۲) مگر خاصان از بندگانت که دل از غیر بریدند و (برای تو خالص شدند) دو عالم را بیکبار از دل پاک برون کردند تا جای تو باشد (۸۳) خدا پاسخ شیطان فرمود بحق سوگند و کلام من حق و حقیقت است (۸۴) که جهنم را از (جنس) تو و پیروان تمام پر خواهم کرد (۸۵) ای رسول بامت (بگو من مزد رسالت از شما نمیخواهم و من بی حجت و پرهان الهی مقام وحی و رسالت را بر خود نمی بندم (۸۶) این قرآن نیست جز اندرز و پند آمل عالم (۸۷) و هر شما مفکران صدق و حقیقت این مقال پس از هنگام مرگ (و انتقال با آخرت) بخوبی آگاه می شوید (۸۸)

سورة نعر در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۷ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

این کتاب (عظیم الشان قرآن) از جانب خدای مقتدر حکیم (بر محمد) نازل گردید (۱) ما این کتاب را بر تو بحق فرستادیم پس خدای را پرستش کن و پیغمبر را برای او خالص (بی هیچ شرک و ریا) گردان (۲) (ای پندگان) آگاه باشید که دین خالص برای خداست و اما آنانکه غیر خدا را (چون بتان و فرعونیان) بدوستی و پرستش برگرفتند (و گفتند) ما آن بتان را نمیپرستیم مگر برای اینکه ما را بدرگاه خدا نیکم مقرب گردانند و خدا البته (این عذر نپذیرد) میان آنها دو آنچه باحق خلاف کند حکم خواهد کرد (و بیکفرشان می داند) که خدا هر گز آنکس که بسیار کافر نسبت و دروغ گوشت هدایت نخواهد کرد (۳) اگر خدا میخواست

يَخْتَدُّ وَلَدًا لِأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَ اللَّهِ هُوَ الْوَاحِدُ
الْقَهَّارُ ۝ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِأَرْبَعِينَ يَوْمًا ۖ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ
وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ
مُّتَعَيَّنٍ ۖ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْغُرُفَ الْمُفْقَارَ ۝ خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَرَبَّلَ
مِنْهَا زُجْجَارًا وَنَزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ
فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ۚ ذَٰلِكُمْ
اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ تَقْوَاهُ يَفْعَلْ
لَكُمْ ذِكْرًا وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ
تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ ۖ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ زَوْجٌ وَازِرَةٌ وَزُجْرٌ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ
مَرْجِعُكُمْ فَبَشِّرْهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۖ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝
وَإِذَا مَرَأَتْهُ الْأُمَانُ فَضْرًا غَارِبَةً مُنْجِبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ
نِعْمَةً مِنْهُ لِيَأْتِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلٍ وَجَعَلَ اللَّهُ فِتْنَةً
لِلَّذِينَ آمَنُوا ۖ سَبِيلُهُ قُلْ يَمْنَعُ يَكْفُرُكَ قَلِيلًا ۖ إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ
۝ أَمْ مَنْ هُوَ فَإِنَّ اللَّهَ الْبَلِيلُ بِأَحَدًا وَقَائِمًا يَخْذُ وَالْآخِرَةَ
وَيَرْجُو رَحْمَةً رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا
يَعْلَمُونَ ۖ إِنَّمَا يَنْدَكِرُ الْوَلُؤُا الْأَلْبَابِ ۖ قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا
اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَالْأَرْضُ

فرزندی (برای خود) اختیار کند همانا هر که را از مخلوقاتش خواستی
 برمیگزیدی و آن خدای فرد قهار بی مانند پاک و منزّه است (۴) آسمانها
 و زمین را بحق و راستی ایجاد کرد و شبدا بروز و روز را بر شب بپوشانید
 و غورشید و ماه را مسخر کرده تا هر يك (برمدار خود) بوقت معین گردش
 کنند باری ای پندگان آگه باشید که او (خدای) مقتدر مطلق و آمرزنده
 (گناه خلق) است (۵) او شما نوع بشر را از یکتن (آدم) آفرید پس از آن
 جفت او (حوار) قرار داد و برای شما نوع بشر هفت قسم از چهار پایان
 ایجاد کرد و شما را در بطن رحم مادران در سه تاریکی با تحولات گوناگون
 بدین خلقت زیبا آفرید این خداست پروردگار شما که سلطان ملک وجود
 اوست و هیچ خدائی جز او (در عالم) نیست پس از درگاه او بکجا میروید
 ۶ اگر همه کافر شوید خدا از همه شما البته بی نیاز است (لیکن) کفر
 (و شر) را هم از پندگانش نمی پسندد و اگر (اطاعت و) شکرش بجای آید از
 شما آن پسند اوست و هرگز بارگاه کسی را دیگری بدوش ننهد
 گرفت و پس از این بازگفت همه سوی خداست و او شما را بهره در
 دنیا کرده اید آگاه می سازد که او از اسرار دلهای خلق بهیوی آگاه است
 (۷) و (پنجاره) انسان را هرگاه فقر و مصیبت ورنجی پیش آید در آن حال به
 دعا و توبه و انا به بدرگاه خدا رود و چون نعمت و ثروت پاو صلا کند خدائی
 را که از این پیش میخواند بکلی فراموش سازد و برای خدای (یکتا) شریك
 و همنا قرار دهد تا خلق را از راه خدا گمراه سازد با چنین کس بگو
 (ای بدبخت) کمتر بکفر و عیان لذت و آسایش جو که عاقبت از اهل
 آتش دوزخی (۸) آبا آن کسی که شب را بطاعت خدا بسجود و قیام پردازد
 و از عذاب آخرت ترسان و برحمت الهی امیدوار است (با آن کس
 که بکفر مشغولست یکسانست) (هرگز یکسان نیست) بگو ای رسول
 آنان که اهل علم و دانند با مردم جاهل نادان یکسانند (هرگز نیستند)
 منحصر خردمندان عالم من ذکر این مطلبند (۹) ای رسول ما بگو بامت ای
 پندگانی که بعد از ایمان آورده اید خدا ترس و پرهیزگار باشید که هر کس متقی
 و نیکو کار است (علاوه بر آخرت) در دنیا هم نصیب نیکویی و خوشی است و زمین

اللَّهُ وَابِعَةً إِنَّمَا يَتُوقَى الصَّارِثُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۖ قُلْ إِنَّمَا
 أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۚ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ
 أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ۚ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۚ قُلْ
 اللَّهُ أَعْبُدْ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ۚ فاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِ
 قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا
 ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ۚ لَكُمْ مِنْ قُرْبَانِكُمْ ظُلُمٌ لِمَنِ النَّارُ وَ
 مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ۚ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ ۚ يَا عِبَادِيَ فَاتَّقُونِ ۚ
 وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ
 الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ ۚ الَّذِينَ يَتَّقُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ مَا حَزَنُوا
 أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ ۚ أَمِنْ
 حَقٍّ عَلَيْهِمْ كِلَا الْعَذَابِ ۚ فَإِنْ تَشَقَّقْتَ مِنَ النَّارِ ۚ لَكِنَّ الَّذِينَ
 اتَّقَوْا ۚ لَكُمْ لَهْمُ عَرْفٍ مِنْ قَوْفِهَا عَرْفٌ مَبْنِيَّةٌ تُجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ ۚ وَعَدَ اللَّهُ لِمَنِ الْبِرُّ ۚ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيثَاقَ ۚ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ
 أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَ سُبُلًا بِمَا يَشَاءُ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ نُفْحًا
 مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ۚ فَزَيَّجْنَاهُ نُفْحًا مُتَّصِفًا ۚ فَيَجْعَلُ الْبَرْقَ سَحَابًا مَلَانًا ۚ
 ذَلِكَ لِكَيْ تَكْفُرَ بِالْأُولَىٰ ۚ لَآ أَلْبَابُ ۚ أَمِنْ شَرِّهِ ۚ اللَّهُ صَدْرُهُ لِلْإِنْسَانِ
 قَوْلٌ عَلَىٰ قَوْلٍ مِنْ دُونِهِ ۚ قَوْلٌ لِلْقَالِسِ ۚ فَلَوْ عَاثَمُوا مِنْ ذِكْرِ الْقَوْلِ

خدا بسیار پنهان و است (اگر در مکانی ایمان و تقوای مشکلی باشد بهتری دیگر روید و صبر پیشه کنید) که خدا سا پران را بعد کامل و بدون حساب پاداش خواهد داد (۱۰۱) ای رسول بگو که من خود مأمومم که خدا را پرستش کنم و دینم را برای او خالص گردانم (۹۹) و باز مأمومم که بعد اسلام مقام اولیت را دارا باشم (۱۴۱) باز بگو که من اگر خدای خود را نافرمانی کنم البته از عذاب روز بزرگ (قیامت) می ترسم (۱۴۲) باز بگو من خدای (یکتائی) را می پرستم و دینم را خالص و خالص برای او می گردانم (۱۴۱) شما هم (ای مفرکان) هر که را می خواهید جز خدا بپرستید (که از غیر خدا جز زبان نمی بینید) و بگو که زبانکاران آنان هستند که خود و اهلیت خود را در قیامت بنصران جاودان در افکنند این همان زبان است که بر همه آشکار است (۱۵۰) و بر آنها از بالا و زیر سایبان آتش دوزخ است آن آتشی که خدا از آن بندگان را می ترساند که ای بندگان از آتش قهر من بترسید (۱۶۹) و آنان که از پرستش طاغوت دوری جسته و بدرگاه خدا با توبه و انابه باز گشتند آنها را بشارت و مرده رحمت است (ای رسول) تو هم آن بندگان را با لطف و رحمت من بشارت آور (۱۷) آن بندگان که چون سخن حق بشنوند نیکوتر آنرا عمل کنند آنان هستند که خدا آنها را با لطف خاص خود هدایت فرموده و هم آنان بحقیقت خردمندان عالمند (۱۸) آیا کسی که وعده عذاب خدا بر او محقق و حتمی است تو (با پند و نصیحت) میتوانی از آن آتش قهرش برهانی (هرگز نمیتوانی) (۱۹۰) لیکن آنانکه متقی و خدا ترس شدند برای آنها (در بهشت) کاخ و عمارتها بالای یکدیگر بنا شده است که در جلو آن عمارات نهرهای آب جاری است این وعده خداست و خدا هرگز وعده خود را خلاف نخواهد کرد (۲۰۱) نمی بینی که خدا از آسمان آب باران نازل گردانید و در روی زمین نهرها روان ساخت آنگاه انواع نباتات گوناگون بدان پروانند باز (از سبزی و غرمی) بو بخزان آید و نعمت بنگری که زود شود آنگاه خدا آنها را (چوب و علف) خشک گرداند و در آن صاحبان عقل و قدرت و رحمت الهی شوند (۲۱) آیا آن کس را که خدا برای اسلام شرح صدر (و فکر روشن) عطا فرمود که وی بنور الهی روشن است (چنین کسی با مردم کافر بی نور تاریک دل یکسانست) (هرگز نیست) پس وای بر آنانکه از قنوت و شقاوت دلهاشان از یاد خدا فارغ است

اینان هستند که دانسته بظلال و گمراهیند ۴۳۱ خدا (برای هدایت امت آخر زمان) قرآن را فرستاد که بهترین حدیث است کفایت که آیاتش همه باهم مشابه است (و در آنشای خدا و خاصان خدا) مکرر میشود که از تلاوت (آیات قهر) آن خدا ترسان را لرزه براندام ۴۳۲ (بآیات رحمت) باز آرام و سکونت بخشد و دلهاشانرا بذكر خدا مشغول سازد این هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید و هر کس را خدا گمراه کند دیگر هیچ هدایت کننده ای نخواهد یافت ۴۳۳) آیا آنکس که روز قیامت برای پرهیز از سختی عذاب دوزخ ناچار و خسارش را مقابل آتش سپر میگرداند (مانند کسیست که از آن عذاب یمن و آسوده است) و آنروز بظالمان خطاب شود که اینک کیفر ستمهاییکه (در دنیا) کردید بهوشید ۴۳۴ آنانکه پیش از این امت بودند نیز پیغمبران خود را تکذیب کردند و از جایی که بی نمیدرند عذاب قهر حق بر آنها فرود آمد ۴۳۵ و خدا عذاب ذلت و خواری را در دنیا بآنها چنانید در صورتی که عذاب آخرت آنها اگر بدانند بسیار سخت تر است ۴۳۶ اما در این قرآن برای هدایت مردم هر گونه مثلهای روشن آوردیم باشد که خلق متذکر (حقایق) آن شوند ۴۳۷ این کتاب الهی قرآن عربی است که در آن هیچ ناراستی و حکم ناصواب نیست باشد که مردم پرهیز کار شوند ۴۳۸ (خدا برای کفر و ایمان) مثلی زده (بیاموزید) آیا شخصی که اربابانی میدهد دارد همه مخالف یکدیگر با آن شخصی که تسلیم امر یک نفر است حال این دو شخص یکسانست خدا را سیاس (که یکسان نیست) لیکن اکثر مردم درک این حقیقت نمیکند ۴۳۹ (ای رسول عزیز ما) شخص تو و همه خلق البته پسرک از دار دنیا خواهید رفت ۴۴۰ آنگاه روز قیامت همه در پیشگاه عدل پروردگار خویش داد خواهی میکنند ۴۴۱ پس در آنروز از آن کمیکه بر خدا دروغ بسته و وعده صدق رسولان خدا را تکذیب کرده هیچکس ستمکار تر هست آیا منزلگاه کافران آتش دوزخ نیست ۴۴۲ و آنکس از بندگان که وعده صدق بر او آمد و آنرا تصدیق کرد هم آنها با حقیقت اهل تقوی هستند ۴۴۳ و برای آن بندگان نزد خدا ازهر نعمتی که بخواهد (از روحانی و جسمانی هم) مهیاست که این پادشای نیکو کاران عالم است ۴۴۴ تا خدا (بلطف و کرم) دشت ترین گناهان را مستنوب و معفو میگرداند و بسی بهتر از این اعمال نیکشان بآنها پادشاه عطا میکند ۴۴۵) آیا خدای (مهربان) برای پنده اش کافی نیست

عَبْدًا مَوْجُودًا يَا الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ مَنْ يُضِلُّ اللَّهُ فَقَالَ
 مِنْ مَا دُونَ مَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَقَالَ مَنْ مُضِلُّ الْبَشَرِ اللَّهُ يَعْرِضُ
 ذِي النِّفَامِ ١٥ وَلَكِنْ سَأَلْتُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ
 اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ
 مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ١٦
 قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنْ عَمِلْتُمْ تَعْمَلُونَ ١٧
 مَنْ بِأَنْبَاءِ عَذَابٍ يُظْهِرُهُ وَيُخْفِيهِ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ١٨
 أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ
 وَمَنْ ضَلَّ فَلَا مُمْسِكَ لَهُ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ١٩ اللَّهُ
 يَتَوَقَّى الْأَنْفُسَ مِنْ أَمْوَالِهِمُ الْقَوْلَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ يَخْتِصُ بِهَذَا
 قُضِيَ عَلَيْهَا الْمَوْتُ وَرُسُلُ الْأَمْرِ إِلَى أَجَلٍ مُتَقَدِّمٍ إِنْ فِي ذَلِكَ
 لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ ٢٠ أَمْ تَحْذَرُونَ دُونَ اللَّهِ شُفَعَاءَ
 قُلْ أَوْ لَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْمَلُونَ ٢١ قُلْ لِلَّهِ الشُّفَاعَةُ
 جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٢٢ وَإِذَا
 ذَكَرَ اللَّهُ وَخَدَّاهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
 وَإِذَا ذَكَرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ٢٣ قُلْ لِلَّهِ

که مردم ترا از قدرت غیر خدا میترسند و هر که را خدا گمراه کند دیگر
 او را هیچ راهنمایی نخواهد بود (۳۹) و هر کس را خدا (بلفظ خود)
 هدایت کند دیگر احدی او را گمراه نتواند کرد آیا خدا مقتدر و غالب
 و منتقم (از مستکبران) نیست (البته هست) (۴۰) وای رسول اگر از این
 مشرکان بپرسی که زمین و آسمانها را که آفریده است البته جواب دهند
 خدا آفریده پس آنها بگو چه تصور میکنید آیا جز خدا همه پنهانی که
 میخوانید اگر خدا بخواد مرا رنجی رسد آن بنان میتواند آنرا
 دفع کنند یا اگر خدا بخواد مرا برحمتی رساند میتواند آن رحمت را
 از من باز دارند (هرگز نمیتواند) بگو خدا مرا کافی است که متوکلان
 عالم بر او توکل میکنند (۴۱) باز بافت بگو ای مردم شما را آنچه میسر
 است (از جهل و گمراهی) عمل کنید من هم عمل میکنم تا بزرودی (بطلان
 شما و حقانیت من) معلوم شما گردد (۴۲) و تا بداند که عذاب با ذلت و
 خواری که را رسد و آلام همیشگی (دوزخ) برای که فرود آید ای
 رسول این کتاب الهی را بحق برای هدایت خلق بر تو فرستادم اینک
 هر که هدایت یافت نفع آن و هر که بگمراهی شتافت زیان آن بر شخص
 اوست و تو (پس از تبلیغ رسالت) دیگر وکیل خلق و نگهبان امت را ز قهر
 حق نخواهی بود (۴۳) خداست که وقت مرگ ارواح خلق را میگیرد
 و آنرا که هنوز مرگش فرا نرسیده نیز در حال خواب روحش را قبض
 میکند سپس آنرا که حکم پسرگش کرده جانش را نگاه می دارد و آنرا
 که نکرده بیدارش میفرستد تا وقت معین مرگش این کار نیز از قدرت الهی
 برای مسکوران پدیدار است (۴۴) بلکه این مردم کافر مشرک خدا را
 و اگذاورده و پنهانی (بی اثر) را شفیعیان خود بر گرفتند ای رسول بآن مردم
 نادان بگو همان بنان که کمتر چیزی مالک نباشند و عقل و ادراکی
 هیچ ندارند (باز شفیعیان شما توانند شد) (۴۵) بگو شفاعت همه خلقتان
 با خداست که سلطان ملک و زمین و آسمانهاست و پس از مرگ و فنا باز گشت همه
 شما بسوی اوست (۴۶) چون نزد مردم بی ایمان باخورت حدارا بیگناهی
 یاد کنند از ذکر حق سخت ملول و دلتنگ میشوند و هر گاه ذکر غیر خدا
 کنند خرم و دلشاد می گردند (۴۷) ای رسول ما دایم بگو پروردگار را ای

فاطر السموات والأرض عالم الغيب والشهادة أنت تحكم بين
 عبادك فيما كانوا فيه يختلفون ﴿١﴾ ولو أن للذين ظلموا من في
 الأرض جميعاً مثله معه لافترسوا به من سوء العذاب في
 القيمة ﴿٢﴾ وبدا لهم من الله ما لم يكونوا يحتسبون ﴿٣﴾ وبدا لهم
 من الله ما كانوا يحسبون أنهم ما كانوا به يهتدون ﴿٤﴾ فإذا
 من الإنسان ضرّاً عاتياً إذا اتخولناه لنعته مثلاً قال إنما الله
 على كل شيء قدير ﴿٥﴾ ولكن أكثرهم لا يعلمون ﴿٦﴾ قد علمنا
 الدين من قبلهم فمأخوذ عنهم ما كانوا ينجسونه ﴿٧﴾ فأصابهم
 سيئات ما كتبوا والذين ظلموا من هؤلاء سببهم سيئات ما
 كتبوا وما هم بخبرين ﴿٨﴾ أول يعلمون أن الله يبطئ الرزق
 لمن يشاء ويقدر وإن في ذلك لآيات ليعوم يؤمنون ﴿٩﴾ قل يا
 عبادي الذين أسرفوا على أنفسهم لا تقنطوا من رحمة الله
 إن الله يغفر الذنوب جميعاً إنه هو الغفور الرحيم ﴿١٠﴾ وأنبئ
 إلى ربكم وأسئلو الله من قبل أن ياتيكم العذاب ثم لا تنصرون
 ﴿١١﴾ وأنبئوا أحسن ما أنزل إليكم من ربكم من قبل أن ياتيكم
 العذاب بغفلة وأنهم لا تشرعون ﴿١٢﴾ أن تقول نفس يا حسرتي
 على ما فرطت في جنب الله وإن كنت لمن الشاكرين ﴿١٣﴾ أو تقول

خالق زمین و آسمانها ای داناى عالم پیدا و پنهان تو خود میان بندگان
 دو آنچه خلاف و نزاع برانگیزند حکم فرما (۳۹) و اگر مردم مستکار
 ظالم هر آنچه در زمین است دوبرابر دارا باشند البته خواهند برای نجات
 خود از سختی عذاب قیامت همه را فدا کنند (مگر نجات یابند) و آن
 روز از قهر خدا عذایی که گمان نمیدهند بر آنان پدید آید (۴۰) در
 نتیجه زشتی و بدکاری پایشان ظاهر شود و عذاب قیامت که با انکار و استهزاء
 تلقی می کردند بر آنان احاطه کند (۴۱) آری آدمی ناپسای چون دنج و دردی
 رسد مارا بدعا میخواند و یاز چون نعمت و دولت باد دادیم گوید این
 نعمت دانسته (باستعناق) نصیب من گردید (چنین نیست) بلکه آن استعان
 وی است ولیکن اکثر مردم آگه نیستند (۴۲) پیشینان هم می گفتند
 (که ما دولت را بلیاقت خود یافتیم) اما (خطا گفتند که وقت مرگ و عذاب)
 مال و دولتی که اندوختند بی نیازشان نکرد (و هیچ پفریادشان نرسید)
 (۵۰) و (لیکن) کیفر زشتی و بدکاریها که (برای کسب مال) انجام دادند
 بآنها رسید و مستکبران از این مردم بزودی کیفر کردارشان را خواهند
 یافت و هر گز از قهر و قنوت خدا رهائی نمی یابند (۵۱) آیامردم نمیدانند
 که البته هر که را خواهد روزی وسیع دهد و هر که را خواهد تنگ روزی
 سازد در این (اختلاف روزی خلق) هم ادله قنوت الهی برای اهل ایمان
 پدیدار است (۵۲) بدان بندگان که (بمعیان) اسراف بر نفس خود کردند
 بگو هرگز از رحمت (نامنتهای) خدا ناامید مباشید البته خدا همه
 گناهان شما را خواهد بخشید که او عذایی بسیار آمرزنده و مهربان
 است (۵۳) و بدرگاه خدای خود بتوبه و انابه باز گردید و تسلیم امر او
 شوید پیش از آنکه عذاب قهر خدا فرا رسد و هیچ آن زمان نرسد
 و نجاتی نیاید (۵۴) و بهترین دستور کتابی که بر شما از جانب خدا نازل
 شده است پیروی کنید پیش از آنکه عذاب قهر حق به کیفر گناهان بر شما
 (ناگهان) فرود آید و شما آگاه نباشید (۵۵) آنگاه هر نفسی بخود آید و
 فریاد و احسرا برآرد و گوید ای وی بر من که جانب امر خدا را فرو
 گذاشتم و در حق خود ظلم و تفریط کردم و وعده های خدا را مسخره و
 استهزاء نمودم (۵۶) یا آنکه از قرط پشیمانی گوید

لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَىٰ لُكْتُمِينَ الْمُتَّقِينَ ۖ أَقُولَ جَاهِلِينَ تَرَىٰ لَعَنَاتِي
 لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَّكَ آيَاتِي
 فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۖ وَهَؤُلَاءِ الْعِصَمُ
 تَرَىٰ الَّذِينَ كَذَّبُوا عَلَى اللَّهِ دُجُوهًا مِنْهُمْ مُسَوِّدَةٌ ۖ أَلَيْسَ فِي هَؤُلَاءِ مَثْوًى
 لِلشُّكْرَىٰ ۖ وَفِي اللَّهِ الدِّينَ أَتَقْوَاهُمْ ۖ إِنَّمَا تَعْبُدُهُمْ أَتَمَتُّهُمْ السُّوءُ
 وَلَا تَنْفَعُكُمْ خُزُونٌ ۖ اللَّهُ خَالِكُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ
 ۖ لَهُ مُقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ الْأَرْضِ ۖ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
 أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۖ قُلْ أَقْبِرُوا اللَّهَ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا
 الْبَاطِلُونَ ۖ وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ
 أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۖ بَلَىٰ اللَّهُ مُجِدُّ
 وَكَرِيمٌ ۖ الثَّائِرُونَ ۖ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ۖ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا
 قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۖ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ ۖ سُبْحَانَ ذَا
 الْعَالِي عَمَّا يُشْرِكُونَ ۖ وَتَوَفَّىٰ فِي الصُّورِ فَصِيقًا مِنَ السَّمَاوَاتِ
 وَمَنْ فِي الْأَرْضِ ۖ أَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهُ فَرَفَعْ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ
 قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ۖ وَأَشْرَفَ عَلَى الْأَرْضِ يَنْوَرُّهَا وَوَضَعَ الْكِتَابَ
 وَحَمَّىٰ بِالْأَيْمِينِ وَالْأَمْهَادِ ۖ وَخَضَعَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ ۖ وَهُمْ لَا يَبْظُلُونَ
 ۖ وَوَقَّعَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ۖ وَسِيقَ

افسوس اگر خدا مرا بطف خاص هدایت فرمودی من نیز از اهل تقوی
 بودم (۵۷) یا آنکه چون عذاب خدا را به چشم مشاهده کند گوید اینریاد
 ش باد دیگر بدنیا باز می گشتم تا (طاعت حق پرداخته) از نیکو کاران
 میشوم (۵۸) آری (ای بدبخت) آیات کتاب من که الهیه برای هدایت تو
 آمده تو آنرا تکذیب کردی و راه تکبر و سرکشی پیش گرفتی و از زهره
 کافران بدگیش گردیدی (۵۹) و روز قیامت کسانی که برخدا دروغ بستند
 بتکبری که همه رویشان سیاه شده است (رسوای خدا و خلق گردیدند)
 آری متکبران را نه منزل در دوزخ است (۶۰) و خدا اهل تقوی را با اعمال
 صالح از عذاب نجات خواهد داد که هیچ رنج والهی به آنها نرسد و
 هرگز غم و اندوهی بر دلمان راه نیابد (۶۱) خدا آفریننده هر چیز است
 و هر هر چیز هم او نگهدار است (۶۲) و کلیهای عزائن آسمانها و زمین
 اود است و آنان که با آیات خدا کافر شدند هم آنان زیان کاران عالمند (۶۳)
 اید رسول بشرکان بگو ای مردم (سفیه) نادان مرا امر می کنید که غیر خدا
 را پرستش کنم (۶۴) (هنوز مشرکان جاهل از تو طمع شرک دارند) و حال
 آنکه بر تو و پسران پیش از تو چنین وحی شده که اگر بخدا شرک آوری
 عقلت را مهو و نابود می گرداند و سخت از زیان کاران خواهی گردید (۶۵)
 بلکه همیشه خدا را پرستش کن و از شرک گذاران باش (۶۶) و آنانکه
 غیر خدا را طلبیدند خدا را چنانکه شاید بظلمت نشناختند و اوست که
 روز قیامت زمین در قبضه قدرت او و آسمانها در پیچیده بدست سلطنت
 اوست آن ذات یکتا مغزه متعالی از شرک مشرکان است (۶۷) و صیحه
 صور اسرافیل بدعند تاجز آنکه خدا بقای او خواسته دیگر هر که در
 آسمانها و زمین است همه یکسر مدهوش مرگ شوند آنگاه صیحه دیگری
 در آن دمیده شود که ناگاه خلایق همه برخیزند و نظاره کنند (۶۸) و زمین
 (محشر) بنور پروردگار روشن گردد و نامه (اعمال خلق نزد حق) نهاده
 شود و انبیاء و شهدا (برگواهی) احضار شوند و میان خلق حکم کنند و
 بهیچکس ابدی ظلمی نخواهد شد (۶۹) و هر کس بیادش عیش تمام برسد و
 خدا از هر کس بافمال (نیکو بود) خلق آگاه تر است (۷۰) و (آنروز) آنانکه

الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ هَٰؤُلَاءِ جَاءُوا فَيَمُوتُ أَبُوَابَهُمْ
 قَالَ لَهُمْ عَنْهُمْ أَرْبَابُهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۖ بَلْ أُنِصِرُوا مِنْكُمْ بَطْلًا فَنَلُّوا يَأْيُومَهُمْ
 وَيُنَادِ رَبُّهُمْ يَغَا ۖ هَٰؤُلَاءِ جَاءُوا فَيَمُوتُ أَبُوَابَهُمْ ۖ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ
 الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ۖ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا
 فَبَلِيسَ مَوْلَى الْمُتَكِبِينَ ۖ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ
 زُمَرًا ۖ هَٰؤُلَاءِ جَاءُوا فَيَمُوتُ أَبُوَابَهُمْ ۖ قَالَ لَهُمْ عَنْهُمْ أَرْبَابُهُمْ
 عَلَيْهِمْ طَبَعٌ فَأَدْخَلُوا خَالِدِينَ ۖ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا
 وَعْدُهُ وَأَوْفَقَنَا الْأَرْضَ ۖ بَلِيسَ مَوْلَى الْمُتَكِبِينَ ۖ لَشَاءَ قِيمَ الْجَزَاءِ
 الْعَالَمِينَ ۖ وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ
 بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ۖ وَقُضِيَ يَوْمَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سورة المؤمنون مكية خمس وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۖ غَافِرٌ ذُنُوبِ قَابِلٌ
 التَّوْبِ شَدِيدُ الْعِقَابِ يُدْخِلُكَ فِي الْقَوْلِ لَوْلَا أَنَّهُ الْمَصِيرُ ۖ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ أَفَلَا تَعْلَمُونَ أَنَّ
 الْبِلَادَ كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ
 كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ الْهَضْبَةِ

بعدا کافر شدند فوج فوج بجانب دوزخ رانند و چون آنها رسند درهای جهنم برویشان بگشایند و خازنان دوزخ بآنها گویند مگر پیغمبران خدا برای هدایت شما نیامده و آیات الهی را برایتان تلاوت نکردند و شما را از ملاقات این روز سخت ترسانیدند جواب دهند بلی ولیکن (افسوس که ما بکفر و عصیان خود را مستحق عذاب حرمان کردیم) و وعده عذاب برای کافران محقق و حتمی گردید: ۷۱ آنکاه بآن کافران خطاب شود اینک از هر در دوزخ داخل شوید و در آن عذاب جاودان بمانید که متکبران را (دوزخ) بسیار بد منزلتگاهی است ۷۲ و متقیان خدا ترس را فوج فوج بسوی بهشت برند و چون بدانجا رسند همه درهای بهشت برویشان با احترام بگشایند و خازنان بهشتی بتهنیت گویند سلام بر شما باد که چه عیش (ابدی) نصیب شما گردید حالی در این بهشت ابد درآئید و جاودان منتقم باشید: ۷۳ (مؤمنان به بهشت درآیند) و گویند ستایش خدا پر اکه وعده لطف و رحمتش را بر ما محقق فرمود و ما را وارث همه سر زمین بهشت گردانید تا هر جای آن بخواهیم منزل گزینیم (بلی آنروز) پاداش نیکوکاران بسیار نیکو خواهد بود: ۷۴ و ابرسول در آنروز قرضشکان (رحمت) را مشاهده کنی که گردا گرد هرش با عظمت الهی درآمده و به تسبیح و ستایش خدا مشغولند و میان اهل بهشت و دوزخ بحق حکم شود و (همه زبان به حمد خدا گشایند و) گویند سپاس و ستایش خا مخر خدای جهانیاست (۷۵)

سوره مؤمن در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۸۵ آیه میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

هم (اسرار خدا و رسول است) ۱ نزول این کتاب آسمانی (قرآن) از جانب خدای مقتدر دانست ۲ خدائی که پخشنده گناه و پذیرنده توبه بندگان (با ایمان) و منتقم سخت (از بنده ظالم بی ایمان) است ۳ خدائی که صاحب رحمت و کرمست جز او هیچ خدائی نیست و بازگشت همه بسوی اوست ۴ و بدان ابرسول که در آیات خدا کسی بانکار و جدل جز مردم کافر برنخیزد پس تو از اینکه کافران بر شهر و دیارها مسخر و متصرفند دل نیازی (که موقع انتقام خواهد رسید) ۵ (اگر امت را تکذیب کردند) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز پیغمبران را تکذیب کردند و هرامتی همت می گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گردانند و یا

الْحَقَّ فَآخَذْنَاهُمْ مُكِيفَ كَانَ عِقَابِي ۖ وَكَذَلِكَ حَقَّقْتُ كَلِمَتِي
 رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ الَّذِينَ يَجْمَعُونَ
 الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ
 لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ
 تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ۖ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ
 عَذْيَنَ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ
 إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۖ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ فَعِيَ السِّيَّئَاتِ
 يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَدِمَتْهُ ۖ وَذَلِكَ هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ ۖ إِنَّ الَّذِينَ
 كَفَرُوا هَانُوا دُونَ لِقَاءِ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَفْئَكُمْ ۖ إِذْ تُدْعَوْنَ
 إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ۖ قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَفْنَتْنَا وَآخِيتَنَا
 أَفْنَتْنَا فَاغْفِرْ فَنَابِذُ نَوْبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ۖ ذَٰلِكُمْ
 بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ ۖ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تُؤْمِنُوا ۖ فَالْحُكْمُ
 لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ۖ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ
 رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ۖ فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ
 الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۖ وَدَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي
 الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ۖ
 يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۖ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ

جهد و گفتار باطل برهان حق را پایمال سازد و ما آنها را بکثیر کفر گرفتیم و چگونه عقوبت سخت کردیم (۶) و همین گونه وعده خدای توپر عقاب و کثیر کافران محقق و حتم است که آنها (روز قیامت) همه اهل دوزخ هستند (۷) فرشتگانی که عرش با عظمت الهی را بردوش گرفته و آنان که پیرامون هر شند به تسبیح و ستایش حق مشغولند هم خود بخدا ایمان دارند و هم برای اهل ایمان از خدا آمرزش و مغفرت میطلبند که ای پروردگاری که علم و رحمتی بی منتهاست همه عالم را فرا گرفته است تو بلطیف و کرم گناه آنان که توبه کرده و راه رضای تو را پیمودند پیشی و آنان را از عذاب دوزخ محفوظ دار (۸) پروردگار تو آنها را در بهشت عدنی که وعده فرمودی با پدران (و مادران) صالح و هم جنت فرشته نشان و اصل گردان که همانا توفی خدای با حکمت و اقتدار (۹) و هم آن مؤمنان را او از ارتکاب اعمال زشت نگاهدار که هر که را تو از زشتکاری امروز محفوظ داری در حق او رحمت و عنایت بسیار فرموده ای و آن به حقیقت زیستکاری بزرگ خواهد بود (۱۰) و آنان که بخدا کافر شدند با آنها خطاب شود که غم و قهر خدا بسیار از غم شما بر خود سخت تر است چرا که شما را با ایمان دعوت کردند و شما کافر شدید (۱۱) بعد آن حال کافران گویند پروردگارا تو ما را دو بار پیمیراندی و باز ندیده کردی تا ما بگناهان خود اعتراف کردیم آیا اینک ما را راهی هست که از این مذاب دوزخ بیرون آئیم (هیئات) (۱۲) یا آنها گویند این عذاب برای آنست که شما چون خدا بیگناهی پاد میقد به او کافر میشدید و اگر بر او شریک میکردند ایمان میآوردید پس اینک حکم شما با خدای متعال بزرگوار است (۱۳) آن خدایتکه بهما آیات (قدرت) خود را پدیدار ساخت و از آسمان بر شما روزی فرستاد و منذر این معنی نشود مگر کسانی که دایم روی در گاه خدا آوردند (۱۴) پس خدا را با غلاص (ویگناهی) پیخوانید که دین خالص (و حکم نافذ) هر چند کافران نخواهند مخصوص خدا است (۱۵) که او دارای مراتب رفیع و صاحب عرش عظیم است روح (همان فرشته جان بخش) را با مر خود بر هر که از بندگان بخواهد میفرستد تا (آن بنده مقام نبوت یابد و) خلق را از روز قیامت (وقت ملاقات ثواب و عقاب) بپرساند (۱۶) آن روزیکه همه (نیست و بود) خلق پدید آید و هیچ کس در آنجا بر خدا پنهان نباشد در آن روز سلطنت عالم با کیست

لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۝ اَلْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ اِلَیَّوْمَ
 اِنَّ اللّٰهَ سَرِیْعُ الْحِسَابِ ۝ وَاَنْذَرُكُمْ یَوْمَ الْاِزْفَةِ اِذَا الْقُلُوبُ
 لَدٰی اِلْحٰتِیْرٍ كَاظِمِیْنَ ۝ مَّا لِلظَّالِمِیْنَ مِنْ حِیْمٍ وَلَا یَصْبِحُ بِطَاعِیْنَ ۝
 یَعْلَمُ خَائِفَتَهُ الْاَعْمٰی وَیَمَّا تُخَفِی الصُّدُورُ ۝ وَاَللّٰهُ بِمَا یَعْمَلُ الْخَاسِرِیْنَ
 وَالَّذِیْنَ یَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ لَا یَبْضُقُوْنَ شَیْءًا اِنَّ اللّٰهَ مُوَالِیْعُ
 الْبَصِیْرِ ۝ وَلَا یَبِیْرُ اِلَیَّ الْاَرْضُ فَنَنْظُرُ اَکْفَ ۝ كَانَ غَاوِبَةً
 النَّبِیْنَ كَانُوا مِنْ قَبْلِیْهُمْ كَانُوا هُمْ اَشَدَّ مِنْهُم قُوَّةً وَاَثَرًا ۝ فِی
 الْاَرْضِ فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللّٰهِ مِنْ وَّائٍ ۝
 ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانَتْ تَاٰیٰتِهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّنٰتِ فَكَفَرُوا فَاَخَذَهُمُ
 اللّٰهُ اِنَّهٗ قَوِیٌّ شَدِیْدُ الْعِقَابِ ۝ وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوسٰی بِآیٰتِنَا
 وَرُسُلًا مُّبِیْنٍ ۝ اِلٰی فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَفَارُوْنَ فَقَالُوا
 سَاطِرٌ كَذٰبٌ ۝ فَهَلَّا جَاءَتْهُمْ بِالْخُبْرِ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اَقْتُلُوا
 اَنْبَیَاءَ الدِّیْنِ اَمْتُوا مَعَهُ وَاسْتَحْبُوا نِسَاتِهِمْ ۝ مَا كُنْتُمْ اِلَّا كَاْفِرِیْنَ
 اِلَیَّ فِی ضَلٰلٍ ۝ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُوْنِی اَقْتُلْ مُوسٰی لِیَسْبُغَ رَاٰیَ
 اِنِّیْ اَخَافُ اَنْ یُبَدِّلَ دِیْنَكُمْ اَوْ اَنْ یُظْهِرَ فِی الْاَرْضِ الْفَسَادَ
 ۝ وَ قَالَ مُوسٰی اِنِّیْ عِنْتُ رَبِّیْ وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا یُؤْمِنُ
 بِیَوْمِ الْحِسَابِ ۝ قَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَكْتُمُ اٰیْمَانَهُ

باخدای قاهر منتقم یکتاست ۱۷۰ آن روز هر نفسی بآنچه (از نیک و بد) کرده جزا خواهد یافت و امروز بر هیچکس ستم نخواهد شد که خدای (عادل) حساب خلق بیک لحظه می کند (۱۸) ای رسول امت را از روز قیامت بترسان که از هول و ترس آن روز جانها بگلو میرسد و از بیم آن حزن و خشم خود فرو میبرند و ستمکاران راهیج خویش که حمایت کند و یآوری کشف اعشایدیرفته شود نخواهد بود و خدا بخیا ن ت چشم خلق و اندیشه های نهانی دل های مردم آگاهست (۱۹) خدا در عالم بحق حکم می کند و غیر او آنچه را بخدائی میخوانند هیچ حکم (و اثری) در جهان نتوانند داشت خداست که (دعای خلق را) شنوا و (باحوال پندگان) بیناست (۲۰) آیا مردم در روی زمین سیر نمی کنند تا عاقبت کار پیشینیا نشان را به بینند که آنها با آنکه بسیار از اینان قوی تر و آثار و جودیشان در روی زمین بیشتر بود سرانجام بکیفر گناهشان بگرفت (و همه را هلاک ساخت) و از قهر و انتقام خدا هیچ کس نگهدارشان نبود (۲۱) این هلاکت پیشینیان بدین سبب بود که پیغمبران بآیات و ادله روشن بسوی آنها آمدند و آنان (از جهل و عناد) کافر شدند خدا هم آنان را بمقوت گرفت که خدا بسیار مقتدر و سخت کیفر است ۲۲ بسوی فرعون و قارون آنها موسی و معجزات و حجت آشکار فرستادیم ۲۳ بسوی فرعون و قارون آنها موسی را تکذیب کردند و گفتند او ساحر بسیار دروغگویی است (۲۴) و آنها نگاه که او از جانب ما بصدق و حقیقت آمد (فرعون و قومش) به مردم گفتند بروید پسران آنها آنکه بموسی ایمان آوردند بکشید و زنا نشانرازند گذارید تا ضعیف و نابود شوند و ما (آنها را قوی کردیم) آری مکترو تدبیر کافران جز در ضلالت خسرا نشان بکار نیاید (۲۵) فرعون گفت بگذارید تا من موسی را بقتل رسانم و او خدای خود را بیاری طلبیدمی ترسم که اگر وی را زنده گذارم آئین شما را تغییر دهد یا در روی زمین فتنه و فساد بر انگیزد (۲۶) موسی قصه قتل خود شنید گفت من بخدای آفریننده من و شما (و همه عالم) از شر هر کافر متکبری که بر و حساب ایمان نمی آورد پناه میبرم (و از او یاری میطلبم) (۲۷) و مرد با ایمانی از آل فرعون که ایمانش را پنهان می داشت با

أَتَسْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ
رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكْذِبْ كَذِبًا فَعَلَيْكُمْ وَإِنْ يَكْذِبْ كَذِبًا فَعَلَيْكُمْ
بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿١٦﴾
يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرٌ فِي الْأَرْضِ مَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ
اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ
إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿١٧﴾ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ
مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿١٨﴾ مِثْلَ ذَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ
بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ بِدَلِيلٍ لَكُمْ لِيُعَذِّبَ الْأَعْيَادِ ﴿١٩﴾ وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ
يَوْمَ الْثَنَاءِ ﴿٢٠﴾ لَكُمْ تُولُونَ مُدْرِبِينَ مَالَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاجِلٍ وَمَنْ
يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٢١﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ قِبَلِ الْبَيِّنَاتِ
فَقَارِئُكُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا جَاءَكُمْ بِرَبِّهِمْ إِذَا هُمْ كُفِرُوا فَمَا لَهُمْ أَنْ يُنْفَعُوا اللَّهُ
مِنْ بَعْدِهِمْ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ﴿٢٢﴾ الَّذِينَ
يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ وَيَسْتَفْسِدُونَ فِيهَا أَنْتُمْ كَذِبٌ ﴿٢٣﴾ وَمَنْ يَفْعَلْ
الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْعَمُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكِبٍ جَنَابٌ ﴿٢٤﴾ وَقَالَ
فِرْعَوْنُ يَا هَؤُلَاءِ مَا نَحْنُ بِعَالِمِينَ بِالْآيَاتِ الْآسِنَاتِ ﴿٢٥﴾ نَسِيتُ
الْتَّمَاتِ مَا تَطَّلَعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى إِنِّي أَكُذِّبُكَ كَذِبًا وَكَذَلِكَ يُزِيلُ
لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنْ السَّبِيلِ وَمَا كُنْذِرُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي

فرعونیان گفت آیا مردی را بچرم اینک می گوید پروردگار من خدا است می کشید در صورتی که بامعجزه ادله روشن از جانب خدا برای شما آمده است اگر او دروغ گوست گناه دروغش بر خود اوست (لیکن) اگر راستگو باشد از وعده های او بعضی شما برسد (همه هلاک خواهید شد) و خدا مردم ستمکار دروغ گو را هرگز هدایت نخواهد کرد (۲۸) ای قوم امرورم ملک و سلطنت در زمین (مصر) باشما هست لیکن اگر قهر و انتقام خدا بر ما برسد کیست که ما را از آن نجات تواند داد فرعون باز گفت جز آنکه رای (قتل موسی) دادم رای دیگر نمی دهم و شما را جز براه صواب دلالت نمی کنم (۲۹) باز همان شخص با ایمان بنرمونیان گفت ای قوم من بر شما می ترسم از روزی مانند روز سخت احزاب (و امم پیشین) (۳۰) مثله روز گارنا گوادر قوم نوح وعاد و ثمود و امم بعد از ایشان که همه (بکفر و عصیان هلاک شدند) و خدا هیچ اراده ظلم در حق بندگان نکند (۳۱) باز گفت ای قوم من برای شما از عذاب روز قیامت که خلق از سختی آن بفریاد آیند سخت می ترسم (۳۲) روزی که از عذاب آن هر سو بگریزید و هیچ از قهر عذاب نمانی نیاید و هر که را خدا گمراه کند دیگر برای او راهنمایی نیست (۳۳) و از این پیش یوسف (کنعان) پسوی شما (مصریان) با معجزات و ادله روشن برسانت آمده و دایم از آیاتی که بر شما آورد در شک و پندیدید تا آنکه یوسف از دنیا برفت و باز گفتید که دیگر خدا پس از یوسف هرگز زسولی نمی فرستد (بلی) خدا مردم ستمگری که در شک و پندید گمراه میگرداند (یعنی بگمراهی و خذلان خود وامی گذارد) (۳۴) تا آنکه در آیات خدا بی هیچ حجت و برهان بجدال و انکار برخیزند این کار سخت خدا (در رسول) و اهل ایمان را بخشم و غضب آورد (بلی) اینگونه خدا بر دل هر منکر ستمکاری مهر شقاوت میزند (۳۵) و فرعون بوزیرش گفت ای هامان برای من کاخی بلند پایه بنیاد کن تا شاید پدرهای آسمان راه یابم (۳۶) تا راه آسمانها یافتن بر خدای موسی آگاه شوم و من (هنوز) موسی را دروغگوی می پندارم و این چنین در نظر احقانه فرعون خود پرست عمل داشت می نمود و راه حق (و خدا پرستی) بر او مسدود می شد و مکتوبتدبیر فرعون جز بر زبان و هلاکتش

بَلَىٰ قَالُوا أَفَادْعُوا وَمَا دَعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۚ إِنَّا أَنْتَضَرُّ
 رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَرْجُونَ يَوْمَهُمُ الَّذِي
 يَوْمَهُمُ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ
 الدَّارِ ۚ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ وَأَوْثَقْنَاهُ بِشَرِّهِ الْكَافِرِ
 هَذِي ذِكْرَىٰ لِلَّذِينَ الْأَلْبَابِ ۚ فَأَمِيرَ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَ
 اسْتَغْفِرْ لِنَفْسِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعِشِيِّ وَالْأَبْكَارِ ۚ إِنَّ
 الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ يَقْعِرُونَ بِهَا لُطْفًا إِنَّ فِي صُفْرَتِهِ
 الْأَكْبَرِ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ ۚ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۚ
 تَخْلُقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَبِيرٌ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ ۚ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
 لَا يَعْلَمُونَ ۚ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمَسْكِينُ قَلِيلًا مِمَّا تَنْتَعِلُونَ ۚ إِنَّ السَّاعَةَ
 لَأَيُّبَةٌ لَرَبِّ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۚ وَقَالَ رَبُّكُمْ
 ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي
 سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ۚ اللَّهُ الَّذِي يَصَلِّ لَكُمْ اللَّيْلَ
 لَتَسْكُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَمُوتُ بِرَبِّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
 النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۚ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۚ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۚ
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَىٰ نَفْسُكَ ۚ كَذَلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا

آری آمدند پس خازنان جهنم گویند اینک هر چه میخواهید دعا (و ناله) کنید که دمای کافران جز بر زبان و سخالت نخواهد بود (۵۰) اما البته رسولان خود و اهل ایمان را هم در دنیا (بر دشمنان نشان) ظفر و نصرت می دهیم و هم روز قیامت که گواهان شهادت برخیزند (مؤمنان را) بمقامات بهشتی پاداش می دهیم (۵۱) در آن روز ستمکاران را (پشیمان و) عذرخواهی سود ندهد و بر آنها خشم و لعن و منزلگاه بد (جهنم) مهیاست (۵۲) و ما بموسی مقام هدایت عطا کردیم و بنی اسرائیل قوم او را وارث کتاب او گردانیدیم (۵۳) تا آن قوم هدایت یابند و خردمندان پند گیرند (۵۴) ای رسول ما (بر آزاد است) صبر کن که البته وعده خدا حق است و بر گناه خود از خدا آمرزش طلب کن و صبح و شام به تسبیح و ذکر ستایش پروردگار خود پرداز (۵۵) آنانکه در آیات خدا بی هیچ حجت و برهان راه انکار و جدل پیمودند جز تکبر و نفوذ چیزی در دل ندارند که باز روی دلهم آخر نخواهد رسید پس تو (از شر و فتنه آنها) پناه بدرگاه خدا بر که (خدا شنوا و بینای احوال بندگان) است (۵۶) البته خلقت زمین و آسمانها بسیار بزرگتر و مهتمتر از خلقت بشر است و لیکن اکثر مردم این معنا را درک نمیکنند (۵۷) و هرگز نابینا و شخص بینا یکسان نیست و هم آنان که بخدا ایمان آورده و نیکوکار شدند (تزو خدا) با (کافران) بد کردار مساوی در درجات آخرت نیستند (لیکن) بسیار کم مردم این حقیقت را متذکر میشوند (۵۸) البته ساعت قیامت بی هیچ شك می آید و لیکن بیشتر مردم بآن ایمان نمی آورند (۵۹) و خدای شما فرمود که مرا (با خلوص دل) بخوانید تا دمای شما را مستجاب کنم و آنانکه از دعا و عبادت من امراض و سرکشی کنند زود با ذلت و غواری در دوزخ شوند (۶۰) خداست آنکه شب تار را برای آسایش و استراحت شما قرار داده و روز را روشن گردانید که خدا در حق مردمان فضل و احسانست و لیکن اکثر مردم شکر نعمتش بجا نمی آورند (۶۱) همان خدای پروردگار شما آفریننده همه موجودات عالم است و جز او هیچ خدائی نیست پس از درگاه میخانه میبود حق چرا پار گردیده میشود (۶۲) آنانکه آیات (ورسل) الهی را انکار کردند هم اینگونه از

يَا أَيُّهَا اللَّهُ يَحْدُوثُ ۝ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ
السماء بناءً ۝ وَصَوَّرَكُمُ فَخَسَّنْ صُورَكُمْ ۝ وَرَزَقَكُمُ مِنَ الطَّيِّبَاتِ
ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمُ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۝ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝
قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي
الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ هُوَ الَّذِي
خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا
ثُمَّ لِيَسْلُقُوا أَشَدَّ لَكُمْ ثُمَّ لِيَتَكُونُوا أَسْبُوًا وَمِنْكُمْ مَنْ يَتُوفَّى مِنْ
قَبْلِ وَلِيَسْلُقُوا أَجْلًا مَسِيًّا وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ هُوَ الَّذِي يُجِي
وِيهِتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ فِي بُصُرٍ ۝ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ بِأِ
رْسَلَانَا وَإِذْ رُسُلَانَا فَتَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝ إِذَا الْأَغْلالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ
وَالسَّالِيلُ يَنْجَبُونَ ۝ فِي الْحَجِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُجْرُونَ ۝ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ
أَيُّكُمْ كَفَرٌ ۝ تَشْرِكُونَ ۝ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا اضْلُوعًا ثَلَامٌ لَمْ نَكُنْ
نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ۝ ذَلِكُمْ بِمَا
كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنَّا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ ۝ أَدْخَلُوا
أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا قَيْسٌ مَتَوًى لِمَنْ كَبُرَ ۝ فَاصْبِرْ إِنَّ

بندگی حق باز گردیده (و مفروود) معبودان باطل میشوند (۹۳) حداثت آن که زمین را آدامگاه شما قرار داد و آسمان را برافراشت و شمارا بنیکوترین صورتها بیافرید و از (بهترین) غذاهای لذیذ خوش بشما روزی داد این خدا (که چنین احسانها فرمود) پروردگار شماست ذی برتر و بزرگوار پروردگار عالمیان (۹۴) او خدای زنده ابد است (و) جز او هیچ خدائی نیست پس تنها او را بخوانید، و باخلاص بندگی کنید که ستایش و سپاس مخصوص خدای (یکتا) و آفریدگار عالمیانست (۹۵) (ای رسول ما بت پرستان را) بگو که مرا از پرستش معبودان باطلی که شما بجای خدا میپرستید البته منع کرده اند چرا که بر من از خدای خود آیات و ادله روشنی آمده است و من مأمورم که بس تسلیم امر خدای عالمیان باشم (۹۶) اوست خدائی که شما را از خاک (ناجیز) بیافرید و سپس از قطره آب طهه و آنگاه از خون بسته علقه پس شما را از رحم مادر طفلی بیرون آورد تا آنکه پس رشو کمال برسید و باز پیری سالخورده شوید و برخی از شما پیش از سن پیری وفات کنند و همه باطل خود میرسند (این چنین کردیم تا) مگر قدرت خداوند تعالی کند (۹۷) اوست خدائی که (حلالی را) زنده می کند و می میراند و چون بخلقت چیزی حکم نافذ و مشیت کاملش تعلق گیرد بمحض اینکه گویند موجود باش بی درنگ موجود میشود (۹۸) ای رسول آیا کسانیکه در آیات ما راه جدال و انکار پیمودند ندیدی عاقبت کارشان بکجا کشید (۹۹) آنان که کتاب ما را و احکامی که رسولان خود را بر ابلاغ آن فرستادیم تکذیب کردند بزودی کیفر کردارشان را خواهند یافت (۷۰) چون گردنپاشان باغل و زنجیرهای (آتشین) کشیده شود (۷۱) تا بحمیم دوزخ (و آب گرم و عفن جهنم) درافکنند سپس (در آتش) افروخته شوند (۷۲) آنگاه بآنها گویند کجا رفتند معبودان باطلی که شریک خدا می شمردید (۷۳) و از خدا روی گردانیدید آن مشرکان جواب گویند آن بتهاهمه از نظرها محو شدند بلکه (در مقام انکار برآمده که) ما از این پیش چیزی را بخدائی نپرستیدیم خدا این گونه گمراه میگرداند گمراهان را (۷۴) این قهر و عذاب شما کافران بدین سبب است که در دنیا از پی تفریح (و هوسرانی) باطل بودید و دایم بشفا و شهوت پرستی سرگرم شدید (۷۵) اینک (به کیفر کثرتان) بر درهای دوزخ درآئید که آنجا جاودان مضطرب خواهید بود (پلی) متکبران را (در آخرت) بسیار منزلگاه بدست (۷۶) ای رسول صبر کن که البته

وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا فَلَمَّا تَرَيْتَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْنَقَوْا قَبْتَكَ
 قَالُوا لَنَا بُرْجُوعُونَ ﴿٣٨﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ
 قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَوْ نَقُصُّ عَلَيْكَ لَمَا كَانَ لِرُسُلِهِ
 أَنْ يَأْتِيَ بَابَهُ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فَخِصْ بِالْحَقِّ وَ
 خَسِرَ مِنْهَا لِكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٣٩﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكَ الْأَنْعَامَ لَتَرْكَبُوا
 مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٤٠﴾ وَلَكِنْ فِيهَا مَنَافِعٌ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً
 فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٤١﴾ وَبَرِيكُمْ
 أَيُّهَا قَائِي الْأَبَابِ اللَّهُ تُنْكِرُونَ ﴿٤٢﴾ أَفَلَمْ يَسِرُوا فِي الْأَرْضِ
 فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرُ مِنْهُمْ
 وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا آغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
 ﴿٤٣﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِإِيمَانِهِمْ مِنَ الْعِلْمِ
 حَاقٍ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤٤﴾ فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا امْنَحُوا
 بِاللَّهِ وَخُدْهُ وَكَهْرُ نَائِمًا كَابِيَهُ مُشْرِكِينَ ﴿٤٥﴾ لَعَلَّكَ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ
 تَارَآوَابًا سَأَلْتُ اللَّهَ الْإِلَهَ فَدَخَلْتُ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ مِنْهَا الْأَلْبَابُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 سَمِيعٌ مُبْدِي مَنْ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾ كِتَابٌ فُضِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا

و عده خدا حق است که آنها را یا در حیات تو و ممّا بل چشم تو به بعضی از عده های خود (بعمشیر تو) عقوبت می کنیم یا چنانچه تورا قبض روح کنیم باز رجوع آنها بسوی ماست (در قیامت) به کیفر اعمالشان می رسانیم (۷۷) و ما رسولان بسیاری پیش از تو فرستادیم که احوال بعضی را بر تو حکایت کردیم و برخی را نکردیم و هیچ رسولی جز بامر خدا نشاید مجوز و آیتی برای امت بیاورد و چون فرمان خدا فرا رسد آن روز بر همه بحق حکم کنند و کافران مبطل زیانکار شوند (۷۸) خداست آنکه برای شما آدمیان چهار پاپان را آفرید تا بر بعضی سوار شوید و از برخی تغذیه کنید (۷۹) و نیز نفع بسیار دیگر از آنها بپسید و حوائج و اغراضی که بآنها دارید انجام دهید و بر آنها در خاک و بر کشتیها در آب سوار شوید (۸۰) و خدا آیات خود را بشما در جهان ارائه داد پس کدامیک از آیات الهی را انکار توانید کرد (۸۱) آیا مردم در زمین پسیر و سفر نمی روند تا عاقبت حال پیشینیان نشان که از آنها بسیار بیشتر قوی تر و مؤثر در زمین بودند مشاهده کنند و آنچه اندوختند آنها را (از مړه و هلاک) حفظ و حراست نکرد (۸۲) پس آنگاه که رسولان ما با معجزات و اودله روشن بسوی آنها آمدند آن مردم (نادان) بدانش (و عقاید باطل) خود شاد (و مغرور) شدند تا وعده عذابی که مسخر می کردند همه را فرا گرفت (۸۳) و آنگاه که شدت قهر و عقاب ما را به چشم دیدند در آنحال گفتند ما بخدای یکتا ایمان آوردیم و بهمه پنهانی که شریک خدا گرفتیم کافر شدیم (۸۴) اما ایمان نشان پس از دیدن مړه و مشاهده عذاب ما بر آنها هیچ سودی نبخشید سنت خدا چنین در میان پندگان حکم فرما بوده و آنجا کافران زیانکار شده اند (۸۵)

سورة سجده یا فصلت در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۵۴ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

هم (دوم رسالت است یا قسم بخدای حمید مجید) ۱۰۰ (که این قرآن) تنزیلی از جانب خدای بخشنده مهربانست (۴) کتابی است که آیات جامش (حقایق و احکام الهی را) بزبان فصیح عربی

لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١﴾ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ عَنْهُمْ فهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢﴾
 كَوْفَالُوا أَفَلَوْ بَنَّا فِي آلِكُم مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَ
 مِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ لِنَبْنَا عَامِلُونَ ﴿٣﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ
 مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُ الْوَاحِدُ فَاتَّبِعُوا إِلَهَ الْوَاحِدِ وَ
 اسْتَغْفِرُوا لَهُ وَقَبْلَ الْبَشَرِ كِبَىٰ ﴿٤﴾ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ
 بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾ قُلْ أَنتُمْ لَكُمْ تَكْهُرُونَ بِأَلَدِي خَلَقَ الْأَرْضَ
 فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَتَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٧﴾ وَجَعَلَ
 فِيهَا رَوَاسِي مِنْ تَحْتِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَامًا فِي رُبْعِ
 آيَاتٍ سَوَاءٌ لِلشَّانِلِينَ ﴿٨﴾ ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ
 لَهَا وَالْأَرْضِ انبساطًا وَكَرَّمًا قَالَتَا أَتَبْنَانِ طَائِفِينَ ﴿٩﴾
 فَضَبَّهُنَّ سَبْعَ مَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَ
 زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿١٠﴾
 فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ
 وَثَمُودَ ﴿١١﴾ إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تُعْبُدُوا
 إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَأَنشَأْنَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ
 كَافِرِينَ ﴿١٢﴾ فَامْتَاَعَادُ فَاتَّكَبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا لِمَ

برای دانشمندان مبین ساخته است (۴) قرآنست که نیکان را بشارت میدهد و بدان را میترساند اما اکثر مردم اعراض کرده و اندر زو نضای حق نمی شنوند (۵) و مشرکان گفتند (تو با ما چه میگوئی که) دل‌های ما از قبول دعوت سخت محجوب و گوش ما از شنیدن سخت سنگین و میان ما و تو حجاب (بسیار) است که هرگز بدین تو نمی‌گرویم تو بکار دین خود پرداز ما هم البته بکیش خویش عمل می‌کنیم (۵) ابرسول ما بامت بگو که من هم مانند شما بشری هستم جز آنکه مرا وحی میرسد که پروردگار شما خدای یکتای بی‌همتا است پس همه مستقیم براه دین او شتابید و از او آمزش طلبید و ای بحال مشرکان (۶) آنانکه زکوة بفقیران بینوا هرگز نمیدهند و بهالم آخرت (و جهان ابدی) بکلی کافرند (۷) آنان که بخدا ایمان آورده و نیکوکار شدند الهیته پاداش بی‌پایان خواهند یافت (۸) ابرسول مشرکان را بگو که شما بخدا که زمین (جهان را) در دو روز بیافرید کافر میشوید و بر او مثل و مانند قرار میدهید او خدای جهانیان است (۹) و او روی زمین کوهها برافراشت و انواع پرکات و منابع بسیار در آن قرارداد و قوت و ارزاق اهل زمین را در چهار روز (برای هر شهر و دباری) مقدر و معین فرمود و روزی طلبان را یکسان در کسب دوزی خود گردانید (۱۰) و آنگاه بخلقت آسمانها (توجه کامل فرمود که آسمانها) دودی بود او (با امر نافذ تکوینی) فرمود که ای آسمان و زمین همه بسوی خدا (و اطاعت فرمان حق) بشوق و رغبت یا بجبر و کراهت پشاید آنها عرضه داشتند ما با کمال شوق و میل بسوی تومی‌شتابیم (۱۱) آنگاه ظلم هفت آسمان را در دو روز استوار فرمود و در هر آسمانی بنظم امرش وحی فرمود و آسمان (محسوس) دنیا را بچراغهای روشننده (مهر و ما انجم) زیبویور دادیم این تقدیر خدای مقتدر دانا است (۱۲) اگر کافران از خدا اعراض کردند بآنها بگو من شما را از ساعته ای مانند ساعته هلاک عاد و ثمود ترسانیدم (و هلاک آن قوم را بکفر کفر شرح دادم) (۱۳) که بر آنها از هر جانب رسولان حق آمدند و گفتند که جز خدای یکتا را نپرستید کافران باز گفتند اگر خدا می‌خواست (که ما ایمان آوریم) فرشتگان بر سالت میفرستاد که ما به کتب و اسکام شما رسولان بشری کافر هستیم (۱۴) اما قوم عاد در زمین بناحق تکبر و سرکشی کردند و به مغروری گفتند

أَشَدُّ مِنْ قُوَّةٍ أَوْ لَرَّوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ
 قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ٥ فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا
 فِي أَيَّامٍ مَبْثُورَةٍ لَيْسَ يَنْفَعُهُمْ عَذَابُ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَنَّا
 الْآخِرِينَ وَآخِرِينَ هُمْ لَا يُبْصِرُونَ ٥ وَأَنَّا مُوَدِّعُونَ هُنَا هُمْ فَاسْتَجَبُوا
 الْعَصَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهَوْنِ يَمَا كَانُوا
 يَكْسِبُونَ ٥ وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ٥ وَتَوَدَّ يَمْشُرُ
 أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ٥ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوا مَا شَهِدَ
 عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ يَمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٥ وَ
 قَالُوا الْحُلُودُ مِنَّا لَا تَسْهَدُ نَزَّلْنَا قَالُوا أَنفَطَقْنَا اللَّهُ الَّذِي
 أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَالْأَنبَاءُ تُرْجَعُونَ ٥
 وَمَا كُنْتُمْ تَتَذَكَّرُونَ ٥ أَن يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ
 وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ ٥
 وَذَلِكَ ظَنَّكُمْ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَوْدَبَكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ
 الْخَاسِرِينَ ٥ فَإِنْ يَصْبِرُوا أَقَالُوا تَوَدَّوْا لِمَ هُمْ وَإِنْ يَسْتَعْجِلُوا
 قَالُوا هُم مِّنَ الْمُعْجِلِينَ ٥ وَقَبَضْنَا لَهُمْ قُرْآنًا فَفَرَّقْنَاهُ لَهُمْ مَا بَيْنَ
 أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أَيْمِهِمْ قَدْ خَلَتْ مِن
 قَبْلِهِم مِّنَ الْبَحْرِ وَالْأَنْهَارِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ٥ وَقَالَ الَّذِينَ

که از ما نیرومندتر در جهان کیست آیا آنها ندانستند که خدا که آنها را خلق فرموده بسیار از آنان تواناتر است و باز آیات قدرت ما را با وجود این برهان انکار کردند (۱۵) ما هم بر ملاک آن قوم عاد پادتنی در ایام نحس شوم فرستادیم تا با آنها عذاب ذلت و خذلان را در دنیا بچشانیم در صورتی که خواری عذاب آخرت بیش از دنیاست و آنها هیچکس یاری آنها نخواهد کرد (۱۶) اما قوم ثمود را نیز (رسول فرستادیم) و هدایت کردیم لیکن آنها خود کوری چهل و شالسا بر هدایت برگزیدند پس بر آنها ما عقه عذاب خواری و هلاکت بکفر کردارشان فرود آمد (۱۷) و آنانکه بعد از ایمان آوردند و خدا ترس و پرهیز کار شدند همه را تجات دادیم (۱۸) و روزی که همه دشمنان خدا را بسوی آتش دوزخ کشانند و آنها برای جمع آوری باز دارند (۱۹) تا چون همه بر دوزخ رسند آن هنگام گوش و چشمها و پوست بدنهای بر جرم و گناه آنها گواهی دهند (۲۰) و آنها با عصاه بدن گویند چگونه بر اعمال ما شهادت دادید آن اصحاب جواب گویند خدائی که همه موجودات را بنطق آورد ما را نیز گویا گردانید و او شما را نخستین بار بیافرید و باز بسوی او برمی گردید (۲۱) و شما که افعال زشت خود را پنهان می داشتید برای این نبود که گوش و چشم های شما و پوست و بدنهایتان امروز شهادت ندهند ولیکن گناه را پنهان می کردید بگماتان که اکثر افعال زشتی که پنهان می کنید از خدا هم پنهانست و بر آن آگاه نیست (۲۲) ولی همان گمان یا غل شما درباره خدا موجب هلاکت شما گردید و امروز همه از زیانکاران شدید (۲۳) ینگ اگر سیر و تحمل کنند (چگونه بتوانند که) جای در آتش دارند و اگر فریاد دمی تایی کنند فریاد درس و دادخواهی ندارند (۲۴) و ما رفیقان و یارانی (از شیاطین) بر آنها گماشتیم تا آنچه پیش روی آنهاست (از نعمت و لذتهای فانی دنیا) در قتل نشان جلوه دهند و آنچه از عقب دارند (از نعمت و لذات ابدی آخرت) فراموش و غافلان کنند و وعده عذاب الهی بر آنها حتم و لازم گردد چون امرانی از جن و انس که (فرق دنیا بودند و پاکیزه و مصلحان) در گذشتند و سخت دیون و زیانکار شدند (۲۵) و کافران پرمرد گفتند

كَفَرُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذَا الْقُرْآنَ وَالْغَوَايِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٥﴾
 فَلَنَذِقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَشْرًا الَّذِي
 كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ الثَّارُ لَهُمْ فِيهَا دُارُ الْخُلْدِ
 جَزَاءُ يَمَّا كَانُوا يَأْتِيَانِي يَجْحَدُونَ ﴿١٧﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا إِنَّا
 الَّذِينَ أَصْلَلْنَا مِنْ أَيْحُنْ وَالْأَيْحُنْ يَجْعَلُهُمُ أَقْدَامًا يَلْكُومًا
 مِنَ الْأَسْفَلِينَ ﴿١٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ أَتَى ثَمَامُوا النَّبْتَ
 عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ الْأَتْطَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَابْتَهِرُوا بِمَا يَجْعَدُ الْبَاقِي
 كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٩﴾ هَمَّزٌ أَوْ لِيَا وَكَرَّ فِي الْحَبْوَةِ الذَّنَا وَفِي الْأَخْرُ
 وَلَكِنْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكِنْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَا مِنْ
 غُفُورٍ رَحِيمٍ ﴿٢١﴾ كَوْنٌ أَحْسَنُ قَوْلًا يَمُنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا
 قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٢٢﴾ وَلَا تَتَّبِعُوا الْحَسَنَةَ وَلَا السَّيِّئَةَ
 ادْفَعُوا بِالْقِيَمَةِ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ
 وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَمَا يُلْقِيَنَّهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيَنَّهَا إِلَّا ذُو
 حِظٍّ عَظِيمٍ ﴿٢٤﴾ وَإِنَّا نَرَى غَتَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ تَرْغُ فَاَسْتَوْجِبْ بِاللَّهِ أَنَّهُ
 هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٢٥﴾ مِنَ الْبَابِ الْبَلِّ وَالْهَارِ وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ
 لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن
 كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾ هَؤُلَاءِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ

بر این قرآن (که محمد میخواند) گوش فرامید و سخنان لغو و باطل در آن القا کنید تا مگر بر او غالب شوید. (۳۶) با هم کافران را البته عذاب سخت پیمائیم و بدتر از آنچه کردند کفر کنیم (۳۷) جزای دشمنان خدا همان آتش دوزخ است که منزل ابدی آنهاست به کیفر آنکه آیات (دورسل) ما را افکار کردند. (۳۸) و کافران گویند پروردگار آن دو (گروه) از جن و انس که ما را گمراه کردند پمانشانده که آنها را زیر پای بکنیم تا پست و ذلیل ترین مردم شوند (۳۹) آنانکه گفتند محققا پروردگار ما خداست و بر این ایمان پا ندارد مانند فرشتگان (رحمت) بر آنها نازل شوند (و مزده دهند) که دیگر هیچ ترس و حزن و اندوهی از گذشته خود ندارند و شما را بهمان بهشتی که (انبیا) وعده دادند بشارت باد (۴۰) و ما در دنیا و آخرت پادان و دوستداران شمایم و برای شما در بهشت ابد هر چه مایل باشید پا آرد و وفا ما کنید همه میبایست (۴۱) این سفره احسان را خدای غفور مهربان (پاداش ثبات ایمان) برای شما گسترده است (۴۲) در جهان از آن کسی که (چون پیمبران) خلق را بسوی خدا خوانده و نیکو کار گردید و همی بجز و لا به گفت که من تسلیم خدایم کدام کسی بهتر و نیکو گفتارتر است. (۴۳) بدانکه هرگز نیکی و بدی در جهان یکسان نیست (ای رسول تو و امتت در امور شخصی) همیشه بدی خلق را بهترین عمل (که نیکو است) پاداش ده تا همانکس که گویی با تو بر سر دشمنی است دوست و غویش تو گردد (۴۴) و (لیکن) باین مقام بلند کسی نمیرسد جز آنان که (در راه دینداری) با مقام صبر و ثبات صاحب حظ بزرگ شدند (۴۵) پس هرگاه از (وسوسه) شیطان بر تو رنج و فساد و رسد بخدا پناه بر که او به دعای خلق شنوا (و باحوال همه) داناست (۴۶) و از جمله آیات قدرت الهی خلقت شب و روز و خورشید و ماه است و نباید هرگز پیش خورشید و ماه سجده برید (که مخلوقی مانند شما هستند) بلکه اگر بحتیقت خدا پرستید خدائی را که خورشید و ماه آفریده است سجده و پرستی کنید (اینجا سجده واجب است) (۴۷) و اگر کافران از پرستی بخدا تکبر و رزنده فرشتگان (و قوای بینهایت عالم بالا)

يَسْجُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَلُونَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّا
نَزَّلْنَا غَاسِقَةً فَلَمَّا أَتَتْهَا الْمَاءُ اهْتَرَتْ وَرَبَّتْ ۝
إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَالَّذِينَ
يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفُونَ عَلَيْنَا أَفَنُيْلِقِيهِ النَّارَ وَنُخَبِّرُ
أَمَّنْ يَأْتِي آيَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَلُوا مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
بَصِيرٌ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَكُنَّا جَائِذُهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ
۝ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ
حَكِيمٍ حَمِيدٍ ۝ هَآؤُلَآءِ لَكَ الْأَمْثَالُ قَدِيلٌ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ
إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا
عَجَبِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَجْجَبِيٌّ وَغَرِيبٌ قُلْ هُوَ
لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَنُورٌ ۝ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ
وَقُرْءَانُهُمْ عَمًى أُولَٰئِكَ بِنَاؤُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ۝
وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِّي بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ۝
مَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ
لِّلْعَبِيدِ ۝ إِلَهُ يَرْزُقُ الْعَالَمِينَ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ مَرَاتِبٍ مِنْ
أَكْنَانِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أَثْقَالٍ وَلَا تَضَعُ الْأَيْدِيَّ وَبَوْمَ نَبَاهِمْ

نزد خدا شب و روز بر هیچ سنگی و ملاک به تبعیح و طاعت حضرت حق مشغولند (۳۸) و از جنلة آیات قدرت الهی آنکه زمین را بتکری مطیع (و مستعد) کند چون ما بر آن آبهاران فرود آریم گیاه بر آورد و امتزاج و نفاط و عمری باید باری آن کسی که زمین را بهار از زنده کند مردگان را هم او زنده گرداند که او بر هر چیز قادر است (۳۹) آنانکه در آیات ما سخت راه کفر و عناد پیمودند هرگز از نظر ما پنهان نیستند (ای عاقلان) آیا کسی که روز قیامت به آتش دوزخ در افتد بهتر است یا آنکس که ایمن (از عذاب) است باری امروز با اختیار خود هر چه میخواهد بکنید که خدا بشمار اعمال شما کاملاً آگاه است (۴۰) همانا آنانکه با ین قرآن که برای هدایت آنها آمد کافر شدند نادانند در صورتی که این کتاب بحقیقت همان صاحب عزت (و معجز بزرگ) است (۴۱) و هرگز از پیش و پس (آینده و گذشته) این کتاب حق باطل نشود (و تاقیامت حکمتش باقی است) لایرا اوفر سئاده عبادی متکبر حکم نموده صفات است (۴۲) ای رسول ما بر تو هم وحی نمیشود جز آنچه بر رسولان پیشین گفته شد که خدا بسیار دارای آمرزش و بخششیم صاحب قهر و عتاب در دناکت (۴۳) اگر ما این قرآن را بزبان هم میفرستادیم کافران میگفتند چرا آیات این کتاب منسل و موشن (بزبان عرب) نیامد ای عجب آیا کتاب جیبی بر رسول و امت عربی نازل میشود (اکنون که بدون هذر ایمان نمی آرند) بآنها بگو این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفقت و اما آنانکه ایمان نمی آورند گوشه ایان گرانست بر آنها موجب کوری جهل و ضلالت است و آن مردم نادان از مکانی بسیار دور باین کتاب حق دعوت میشوند (۴۴) و ما به موسی کتاب (توریه) را فرستادیم در آن راه معالفت پیش گرفته و اگر کلمه رحمت (از لطف) خدا سبقت نیافته بود (که تمجیل در عذاب نکند) همانا میان آن امت حکم عذاب میرسید (و هر چند که آنها سخت در نزول آن مضایب) دو شک و ریب (۴۵) هر کسی کار نیکی کند بر نفع خود و هر که بد کند بر ضرر خویش کرده است خدا هیچ پرهیزدگان ستم نخواهد کرد (۴۶) تنها از ساعت قیامت خدا آگاهست و هیچ میوه ای از غنچه خود بیرون نیاید و هیچ آبتنی بار بر ندارد و نزاید مگر پلم اذلی او زیاد آید (ای رسول) روز محضر را (و امت را متذکر آن روز ساز)

ابن شركاني قالوا اذناك ما ميثا من شهيد^١ وصل عنهم ما كانوا
يدعون من قبل وظنوا ما لهم من محيص^٢ لا يستم الانسان من
دعاء الخبير ان مته الشرفوس قنوط^٣ ولئن اذفناه رعاة
ميا من بعد ضراء مته ليقولن هذا الى انما اظن الساعة
فائمة ولئن رجعت الى ربي ان لي عنده للحسنى فليتبryn
الذين كفروا بما عملوا ولئن يفتنهم من عذاب عليل^٤ واذا
اتبعنا على الانسان اعرض بنا بيا ربه واذا مته الشرفوس دعا
عرص^٥ قل ارايت ان كان من عند الله فر كثر زيده من اصل
من هو في شقاق بعيد^٦ سترهم ايانا في الافاق وفي انصيم
حتى يتبين لهم انه الحق اولئك يترك ربك انه على كل شئ
شهيد^٧ الا انهم في مرتبة من لقاء ربهم الا انه بكل شئ محيط

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

ثم^٨ حسن^٩ كذلك هو جلالك والى الذين من قبلك الله
العزيز الحكيم^{١٠} له ما في السموات وما في الارض هو العلم
العظيم^{١١} تكاد السموات يتفطرن من فوقهن والارض
تسبحون^{١٢} مجد ربهم ويستغفرون لمن في الارض الا ان الله

که خدا به مفرکان خطاب کند آن مپیودان باطلی که شریک من پنداشتید
 کها رفتند مفرکان گویند بارالها ما حضور تو مرخه داشتیم که (امرو
 جز تو) از برای نجات ما هیچ (دادی و) گواهی نیست (۴۷) و مپیودان
 باطلی که در دنیا عبادت می کردند همه از نظرشان محو و نابود شود و آن
 زمان بدانند که از آتش مهر خدا هیچ مفر و نجاتی بر آنها نیست (۴۸)
 آدمی حریف از خدا بدما دایم تبنای غیر می کند و فرگز خستگی و سهرانی
 ندارد و شکر آن نمیکند اگر بوی (روزی) شر و آسبی رسد (از رحمت
 الهی زد) ما بوی و نا امید نمیکرد (۴۹) و اگر ما با انسان پس از نه و ضروری که
 باو رسیده نمه و حتمی نصیب کنیم البته خواهد گفت که این نعمت برای من
 است و گمان نمی کنم که قیامتی برپا شود و بفرض آنکه پسوی خدا بر گردیم
 باز هم برای من نزد خدا بهترین نعمت خواهد بود و ما البته کافران را یکفر
 اصالتان آگاه می سازیم و غذایی بسیار سخت می چشانیم (۵۰) و ما هر
 گاه با انسان نعمتی صفا کردیم (کفران کرد و) رو بگردانید و (از شکر
 خدا) دوری جست و هر گاه شر و بلائی باو روی آورد آنگاه دایم زبان به
 دعا گشود (اظهار عجز نمود) (۵۱) ای رسول بگو چه می بیند اید اگر (قرآن)
 از جانب خدا باشد و شما با آن کافر شده باشید آیا گمراه تر از آنکه (مانند
 شما) به کفر و شقاق دور از راه سعادت گردید در جهان کسی تواند بود (۵۲)
 ما آیات قدرت و حکمت خود را در آفای جهان و نفوس بندگان کاملاً هویدا
 و روشن می گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که (خدا) قیامت و رسالتش هم
 بر حقت است آیا ای رسول (عین حقیقت که) خدا پر همه موجودات عالم پیدا
 و گواه است کنایت از برهان نمی کند (۵۳) الا ای اهل ایمان بدانید که
 کافران از لقای خدای خود دورتر و آنکارند و باز بدانند که خدا را بر
 همه موجودات عالم احاطه کاملست (۵۴)

سوره شوری در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۵۴ آیه می باشد

بسم خداوند بخشنده مهربان

هم (۱) حق (اسرار کتاب خدا است) (۲) اینگونه بوی تو و رسولان
 پیش از تو خدای مقتدر دانا وحی می کند (۳) آنچه در آسمانها و آنچه در
 زمین است همه ملک اوست و او خدای بزرگ بلند مرتبه است (۴) نزدیکی
 است که آسمانها از فراز شکافته خود و فرشتگان (رحمت) پناش خدای
 خود تسبیح گویند و برای اهل زمین (از خدا) مغفرت و آمرزش طلبند و
 (ندا کنند که) الا ای بندگان بدانید که خداست آن ذاتی که

هُوَ الْعَفْوَ الرَّحِيمُ ٥ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ إِنَّهُ
 حَظِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ٦ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ
 قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِنُبَيِّنَ لَكَ أَمْثَلَهُ فَانْصَبْ وَانْصَبْ رِيبَ فِيهِ
 قَرِيبٌ فِي ابْتِغَاءِ نَفْسٍ فِي السَّعْيِ وَلَوْ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ
 جَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يَدْخُلُ مِنْ بَيْنِ رَحْمَتِي وَالْأَقْلَابُ
 مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ٧ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَالَ اللَّهُ
 هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٨ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ
 فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَخُصِّمُوا إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
 وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ٩ فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ
 أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَشْجَارِ أَزْوَاجًا يَدْرُوكُمْ فِيهِ لَبْسٌ كَمَا فِي شَيْءٍ
 وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ١٠ لَهُ مُقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَنْسُطُ
 الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَعْقِدُ إِنَّهُ يَكْلِفُنِي عَلَيْهِمْ ١١ فَسَرَّعَ لَكَ مِنَ اللَّهِ
 مَا وَصَّيْكَ بِهِ نوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ
 وَمُوسَى عَلَيْهِمْ أَنْ أَقِمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ كِبَرٍ عَلَى
 الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَهُ اللَّهِ يَجْتُنِجُوا بِهٖ مِنْ يَدَيْهِ وَيَهْدِي
 إِلَهُهُمُ إِلَى أَعْيُنِهِمْ ١٢ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ
 نَعْبَادُكُمْ وَلَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى

بسیار در حق بندگان آمرزنده و مهربان است (۵) و آنان که غیر خدا را معبود و محبوب خویش برگرفته خدا رقیب و نگهبان اعمال آنهاست و آنها را بکفر گفرشان می‌داند (و تو وکیل کار و مسئول کردار آنان نخواهی بود) (۶) و چنین قرآن فصیح عربی را ما بتوحی کردیم تا مردم شهر مکه ام القری و هر که در اطراف اوست از عذاب خدا (بترسانیم و هم از سختی روز قیامت آگاه گردانی (۷) و اگر خدا میخواست تمام خلایق (مؤمن و کافر) را بفر یک فرقه (مؤمن) قرار می‌داد ولیکن هر که را بخواهد بر حمت خود داخل کند و ستمکاران را هیچ بار و ناسری نباشد (۸) آیا مفرکان غیر خدا را بار و دوستدار خود برگزیده و حال آنکه خدا منحصر اوست و یابد (بندگان) است و اوست که مردم گان را زنده می‌کند و هر چیز تواناست (۹) و آنچه را در او اختلاف و نزاع کردید حکم آن بعد (و احکام خدا) بر اجمع است همان خدا (ی آفریننده عالم و آدم) پروردگار من است که بر او توکل کرده و بدرگاه او به تضرع باز میگردم (۱۰) خدای آفریننده زمین و آسمانها برای شما آدمیان از جنس خود تان زنان را همچفت شما قرار داد و نیز چهار پایان را چفت (نر و ماده) آفرید تا باین (قدیر) ازدواج شما را خلقی شمار کند آن خدای یکتا را هیچ مثل و مانند نیست و او (به کردار بندگان) شنوا و بیناست (۱۱) کلید آسمانها و زمین اوست هر که را بخواهد رزق و صبح دهد و هر که را بخواهد تنگ روزی کند که او بهر چیز آگاه است (۱۲) خدا شرع و آئینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق احکامی است که نوح را هم بآن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را برپا دارند و هرگز تفرقه و اختلاف در دین می‌کنند و (بدانکه) مفرکان را که بخدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید (باری از انکار آنها میندیش) خدا هر که را بخواهد پسوی خود بر میگزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع دعا باز آید هدایت میفرماید (۱۳) و مردم در دین راه تفرقه و اختلاف پیمودند مگر پس از آنکه علم و پیرخان (از جانب حق) بر آنها آمد (لیکن دانسته) برای تمدی و ظلم بیکدیگر اختلاف کردند و اگر کلمه رحمت (از لطف خدا) سبقت نکرده بود که تا وقت معین

لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوذُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ
مِنْهُ مُرِيبٍ ۖ فَكَيْلَ ذَلِكَ فادْعُ وَاسْتَعِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ
وَقُلْ اٰمَنْتُ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنْ كِتَابِيْكُمْ اُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اَللّٰهُ
رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا اَعْمَالُنَا وَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ لَا تَجْعَلُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ
اَللّٰهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَالْبَئِضُ الْمَصِيْرُ ۗ وَالَّذِيْنَ يَخْأْجُونَ فِي اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ
مَا اسْتَجِيبَ لَهُ جُحُومُهُمْ دَاخِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَ
لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ۝۱۰ اَللّٰهُ الَّذِيْ اَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ
وَمَا يَنْذِرُكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيْبٌ ۝۱۱ يَتَجَلَّيْهَا الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ
بِهَا وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوا مُشْفِقُوْنَ مِنْهَا وَيَعْلَمُوْنَ اَنَّهَا الْحَقُّ الْاِلٰهَ
الَّذِيْنَ يُمَارِدُوْنَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيْدٍ ۝۱۲ اَللّٰهُ لَطِيْفٌ
يُعْبَادُوْهُ بِرِزْقٍ مِّنْ سَاءٍ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيْزُ ۝۱۳ مَنْ كَانَ يُرِيدُ
خُرُوجَ الْاٰخِرَةِ تَزِدْ لَهُ فِيْ خَيْرٍ ۖ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ خُرُوجَ الدُّنْيَا
تُؤْتِيْهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْاٰخِرَةِ مِنْ نَّصِيْبٍ ۝۱۴ اَمْ لَكُمْ شُرَكَاءُ اسْتَرْخَوْا
لَهُمْ مِنَ الدِّيْنِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ اللّٰهُ وَلَوْ اَكَلَتْهُ الْفُصَيْلُ لَفُضِيَتْ
بَيْنَهُمْ ۗ وَاِنَّ الظَّالِمِيْنَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝۱۵ تَحَرَّيْ الظَّالِمِيْنَ
مُشْفِقِيْنَ يَمَّا كَبُورُا وَهُوَ وَاَقْعٌ يَّيْمٌ ۖ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتٍ الْجَنّٰتِ لَهُمْ مَا يَشَآؤُنْ عِنْدَ رَبِّ

(تمجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکمی (ببلاک) میشد و آنانکه پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (ماتند یهود و نصاری) در آن کتاب آسمانی سخت در شك و ریب میماندند (و بان ایمان واقعی نیابیدند) (۱۴) بدین سبب احد رسول توحه را بدین اسلام کلمه توحید دعوت کن و چنان که ماموری پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم نباش و بامت بگو که من به کتابی که خدا فرستاد (قرآن) ایمان آورده ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست و پاداش عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست دیگر هیچ حجت و گوئی بین ما و شما باقی نیست خدا (روز جزا برای حکم حق) میان ما جمع می کند و بسوی او همه باز می گردیم (۱۵) و آنان که در دین خدا (از حسد و عناد با رسولش) جدل و احتجاج برانگیزند پس از آنکه خلق دعوت او را پذیرفتند حجت آنها نزد خدا لغو و باطل است و بر آنها قهر و غضب و عذاب سخت خواهد بود (۱۶) خداست آنکه کتاب (آسمانی) را بحق برای اجرای عدالت فرستاد و تو چقدرانی ممکنست ساعت قیامت بسیار نزدیک باشد (۱۷) آنانکه پساعت قیامت ایمان نیاورند (پشمنگر) تقاضای تمجیل در ظهور قیامت می کنند اما اهل ایمان از آن روز سخت ترسند و می دانند که آن روز بر حق است الا ای مردم بدانید آنانکه در قیامت جدال و انکار می کنند سخت در گمراهی دور از سعادتند (۱۸) خدا را پندگان لطف و محبت بسیار است هر که را بخواهد روزی می دهد و (بر هر چیز) توانای مطلق و مقتدر و غالب است (۱۹) هر کس حاصل مزرعه آخرت را بخواهد بر تنمی که کاشته می افزایم و هر که تنها حاصل کشت دنیا را بخواهد او را هم از آن نصیب می کنیم ولی در آخرت (از نعمت پندی آن) نصیبی نخواهد یافت (۲۰) آیا خدا بان باطل مفرکان بر آنها شرع و احکامی که خدا اجازه نفرموده جعل کرده اند و اگر کلمه فصل (یعنی حکم تأخیر عذاب) نبود میان آنها بهلاکت حکم میشد و ستمکاران را البته (روزی) عذاب دردناک خواهد بود (۲۱) و آن روز ظالمان را بینی که از کفر کردار خود (و از هول و سختی عذاب قیامت) سخت ترسان و هراسانند و البته به کفر خواهند رسید و آنان که بخدا ایمان آورده و نیکو کار شده در باغهای بهشتی منزل یافته و نزد خدا هر چه خواهند بر آنان مهیاست

ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ۖ ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ
 آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ
 فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْنَا لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ
 غَفُورٌ شَكُورٌ ۖ أَمْ يَقُولُونَ أَفَرَفِيَ عَلَى اللَّهِ كَيْدًا فَإِنَّ بَشَاءَ اللَّهِ
 يَخْتُمُ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُجْعِلُ الْحَقَّ يَكَلِمًا يَأْتِيهِ أَنَّهُ
 عَلِيمٌ بَيْنَ أَيْدِي الصُّدُورِ ۖ وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ
 وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ۖ وَلَسْتَ حِجَابَ لِّدِينِ
 آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَهَيِّدْهُمْ مِنْ قَضِيَّةٍ وَالْكَافِرُونَ
 لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ وَلَوْ بَظَّ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِيهِ
 الْأَرْضُ وَلَكِن يَنْزِلُ يَقْدِرُ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ يُعِيدُ عِبَادَهُ بِخَيْرٍ مُّبِينٍ
 وَهُوَ الَّذِي يَنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ
 وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ۖ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ۖ وَمَا
 أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ
 وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ۚ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا
 نَصِيرٍ ۖ وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ۖ إِنَّ بَشَاءَ لِّكُنْ
 الرِّجْ قَبْطَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ ۖ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ

این همان فضل و رحمت نامتناهی خداست (که نصیب اهل ایمان است) (۳۳) (این بهشت ابد) همانست که خدا به بندگانی که ایمان آورده و نیکو کار شدند بشارت آنرا داده است (ای رسول ما بامت) بگویند از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در جنت خود بخاوندان منظور دارید (و دوستدار آل محمد باشید که این اجر هم بر نفع امت و برای هدایت یافتن آنهاست) و هر که کار نیکو انجام دهد ما بر نیکویش بیفزاییم که خدا بسیار آمرزنده و پذیرنده شکر بندگان است (۳۴) بلکه (مردم نادان) خواهند گفت محمد بر خدا دروغ بست (که محبت اهل بیت را بر امر واجب کرد چنین نیست هرگز رسولی بر خدا دروغ نتواند بست که) اگر خدا بخواهد بر قلب تو مهر میثاق و بکلمات وحی خود سخن باطل را محو و نابود و حق را ثابت و برقرار میگرداند که خدا با سرار دلهای خلق کاملاً آگاه است (۳۵) و اوست خدایی که توبه بندگانش را میپذیرد و گناهانشان میبخشد و هر چه کنید میداند (۳۶) و دعای آنان که بعدا ایمان آورده و نیکو کار شوند مستجاب می گرداند و از فضل و کرم خود بر ثواب آنها می افزاید اما برای کافران عذابی سخت خواهد بود (۳۷) و اگر خدا روزی بندگان را وسیع و فراوان کند در روی زمین ظلم و طغیان بسیار کنند لیکن روزی خلق را باندازه ای که بخواهد نازل میگرداند که خدا باحوال بندگانش بسیر و آگاه است (۳۸) و او است خدایی که بداران را پس از نومیدی خلق میفرستد و رحمت خود را فراوان میگرداند و اوست خداوند محبوب القادح ستوده صفات (۳۹) و از جمله آیات قدرت او جلالت زمین و آسمانهاست و هم آنچه در آنها از انواع جنیدگان پراکنده است و او بر جمیع آوری (موجوداتی که در آنها و کرات بی شمار عالم) آنچه پراکنده است هر وقت بخواهد قادر است (۴۰) و آنچه از رنج و مصائب بشما میرسد همه از دست اعمال زشت خود شما است در صورتی که خدا بسیاری از اعمال پندار غفرو میکند (۴۱) و شما در زمین هیچ قدرتی ندارید و از کوچکترین قوای جهان بپوش و عاجزید و غیر خدا در عالم هیچ یار و یادری نخواهید داشت (۴۲) و یکی از آیات قدرت الهی سیر و گردش کشتیهاست که در آب دنیا مانند قشرها به حرکت می آورد (۴۳) و اگر خدا بخواهد باد را سکون و آرامش دهد تا کشتیها بر پشت آب از جنبش بایستد و در این کار برای مردم با صبر و شکر گذاردن

قدرت خدا

شَكَرُوا وَيُؤْتِيهِمْ مِمَّا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ۖ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ
 يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَخِيطٍ ۖ فَمَا أُولَئِكَ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّلَعُ
 أَجْرُهُ الَّذِينَ نَبَأُوا مَا عِنْدَ اللَّهِ خَبْرًا ۖ وَابْقَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ
 يَتَوَكَّلُونَ ۖ وَالَّذِينَ يَحْتَسِبُونَ كَأَنَّ الْأَثَرَ وَالْقَوَائِمَ إِذَا مَا
 غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ۖ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
 وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ۖ وَالَّذِينَ إِذَا
 أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ۖ وَجِزَاءُ نِسَاءٍ نِسَاءً مِثْلَهُمَا
 فَنَّ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۖ وَلَمَنِ
 انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمٍ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ۖ إِنَّمَا السَّبِيلُ
 عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۖ وَاللَّهُ
 لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۖ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ۖ
 وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا
 رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ۖ وَتَرَى لَهُمْ
 بَعْضُ نَاسٍ عَلَى خَاطِئِهِمْ مِنْ الَّذِينَ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرَفٍ خَفِيٍّ وَ
 قَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَائِسِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ
 يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِلَّا لَآئِنَ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ ۖ وَمَا كَانَ لَهُمْ
 مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُوهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ

سودار است (۴۳) یا اگر بخواهد خدا کشتیابانان را بجزمید کاری بدهد یا
 فرق میکند و حالیکه بسیار از جرم شمارا می بخشد (۴۴) و آنانکه در آیات ما
 راه جدال و انکار میبندند میبندند که بر آنها از قهر و عذاب ما هیچ مغفرت و نجاتی
 نیست (۴۵) باز (ا) مردم بدانند که چیزی که از نعمهای دنیا نصیب شما گردیده
 متاع (فانی) زندگی دنیا است و آنچه نزد خداست بسیار بهتر و باقی تر است اما
 آن مخصوص است با آنانکه بخدا ایمان آورده اند و در امورشان بر پروردگار
 توکل می کنند (۴۶) و آنان که از زشتکاری و گناهان بزرگ می پرورزند
 و چون بر کسی خشم و غضب کنند بر او می بخشد (۴۷) و آنانکه امر خدا را
 اجابت و اطاعت کردند و نماز پیاداشته و کارشان را بشورت یکدیگر انجام
 داده و از آنچه روزی آنها کردیم بفقیران انفاق می کنند (۴۸) و آنانکه چون
 ظلمی بر آنها هجوم کند از مؤمنان یاری بطلبند (۴۹) و انتقام بدهی مردم بمانند
 آن بپردازند (نه زیاده تر) و بازار کسی غم گرفته و بین خود و خصم اصلاح
 نمود اجروا بر خداست و خدا هیچ ستمکاران را دوست نمیدارد (۵۰) و هر کس
 پس از ظلمی که بر او رفته برای انتقام یاری طلبد بر او هیچ مواخفه نیست
 (۵۱) بشماراه مواخفه بر آنهاست است که مردم ظلم کنند و در زمین پناهنده
 شدت انگیزند و بر آنها عذاب دردناک است (۵۲) و هر که بر ظلم کسی سب
 کند (و بخشد این مقام حلم و بردباری است که) عزم در امور الهی (و
 تسلط بر نفس) است (۵۳) و هر که را خدا گمراه گرداند (یعنی بگمراهی
 خود گذارد) دیگر هیچ کسی جز خدا پرو یاوری نیست و ستمکاران را بنگری که
 چون عذاب (قیامت) را بچشم ببینند در آن حال گویند ای خدای راهی
 بپاز گشت دنیا برای ما هست (۵۴) و آن ظالمان را بنگری که بدو زخشان
 متوجه گردانند و آنها با ترس و ذلت از گوشه چشم بر آتش دوزخ مینگرند
 و در آن حال مؤمنان گویند آری زیانکاران آنان هستند که نفوس خود و
 اهل بیت خود را در این روز قیامت بزیان عذاب انداخته اند الا مردم بدانند
 که ستمکاران عالم به عذاب ابدی گرفتارند (۵۵) و آنها را هیچ کسی غیر خدایار
 و یاوری نباشد و هر که را خدا گمراه کند دیگر هیچ راه نجاتی بر او نخواهد
 بود (۵۶) دعوت خدای خود را اجابت کنید پیش از آنکه بیاید روزی که نه
 از قهر خدا راه نجاتی پابید و نملجاء و پناهی آن روز دارید و نه بر عذابیکه
 بکمرده خود مستحق آن شدید کسی از شما دفاع و انکاری تواند کرد (۵۷)
 (ا) رسول تو آیات قیامت را بر خلق برسان (اگر باز اعراض کردند دیگر
 ترا نگهبان آنها نفرستادیم بر توجز ابلاغ رسالت تکلیفی نیست و ما چون
 با انسان از لطف و رحمت خود بهره ای بخفیم شاد شود و اگر بکفر گردارد
 خود رنج و عذابی بر او رسد سخت

مِنْ سَبِيلٍ ۚ اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ بَوْمٌ لَا مَرَدٍّ لَهُ مِنَ
 اللَّهُ مَا لَكُمْ مِنْ مُلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ ۚ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقَدْ
 أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا أَنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا دَعَا
 الْإِنْسَانَ مِمَّا رَخَاةً فَيرَجُ بِئًا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ يَوْمَ الْقَدَمَاتِ
 أَبْهَتْهُمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَوُورٌ ۚ سُبْحَانَكَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يُهَبِّ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَّا نَأْتِي بِالنَّاسِ الْكَافِرِينَ
 أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَّا نَأْتِي بِعَمَلٍ إِنَّهُ عِلْمٌ قَدِيمٌ
 ۚ وَمَا كَانَ لِنَبِئِكَ أَنْ يَكُنَّ لَهُ اللَّهُ إِلَّا وَجْهًا أَوْ مِنْ وَرَاءَ حِجَابٍ
 أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ مُكَدِّلٍ
 أَوْ حَسْبُنَا إِلَهُكَ رَبُّكَ إِنَّكَ تَدْرِي مَا كُنْتَ تَدْعُوهُ الْكِتَابُ وَالْإِنجِيلُ
 وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا فَهَدَيْنَاهُ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَهْدِيءٌ
 إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۚ صِرَاطُ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا
 فِي الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَصِيرُ الْأُمُورُ ۚ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ ۚ وَالْكِتَابُ الْبَيِّنُ ۚ إِنَّا جَعَلْنَاهُ نُورًا فَأَنَارْنَا تِلْكَ الْأُمُورَ فَتَعْلَمُونَ
 ۚ وَإِنَّهُ فِي زَاوِيَةِ الْكِتَابِ لَدُنَّا عَلِيمٌ ۚ حَكِيمٌ ۚ أَفَتَضْرِبُ عَنْكَ

زاه کفران پوید (و پجای توبه بکلی خدا را از یاد ببرید) (۴۸) خداست تنها مالک زمین و آسمانها هر چه بخواهید میآفریند و و بهر که خواهد فرزند اناث (دختر) و بهر که خواهد فرزند ذکور (پسر) عطا می کند (۴۹) یا در یک رحم دو فرزند پسر و دختر قرار میدهد و هر که را خواهد عقیق (نازاینده) میگرداند که او (بصلاح خلق) دانا و (بهرچه خواهد) تواناست (۵۰) و از رسولان هیچ بشری را یارای آن نباشد که با خدا سخن گوید مگر بوسی (والهام) خدا یا از پس پرده غیب عالم (و حجاب ملکوت جهان) یا رسولی (از فرشتگان عالم بالا) فرستد تا بامر خدا هر چه او خواهد وحی کند البته که او خدای دانی بلند مرتبه است (۵۱) و همین گونه ما روح (و فرشته بزرگ) خود را بفرمان خویش برای وحی پتو فرستادیم و از آن پیش که وحی رسد ندانستی کتاب خدا چیست و نه فهم کردی که راه ایمان و شرع کدام است ولیکن ما آن کتاب و شرع را خود (وحی و معرفت) گردانیدیم که هر کس از بندگان خود را بخواهیم بآن نوره دایمی کنیم و اینک تو (که بنور وحی ما هدایت یافتی) خلق را هدایت خواهی کرد براه راست (۵۲) (یعنی براه خدا) همان خدائی که هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک اوست و رجوع تمام (عالم آفرینش) بسوی اوست (۵۳)

سوره زخرف در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۸ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

هم (۱) (رسول و جانشینانش) بر اسرار این حروف آگاهند (یا اشاره بدو اسم حمید و مجید خداست) قسم بقرآن روشن بیان (۲) که ما قرآن را بلسان فصیح عربی مقرر داشتیم تا شما (بندگان) در فهم آن مگر عقل و فکرت کار بندید (تا دانا شوید و سادت ابد یابید) (۳) و ما تا این کتاب نزد لوح محفوظ که اصل کتب آسمانی است بسی بلند پای و محکم اساس است (۴) یا ما از مذکور ساختن شما (بقرآن)

الذِّكْرَ فَهَآ أَن كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ۝ وَكَرَّأْرُسَلْنَا مِنْ نَّبِيِّ فِي
 الْآوَالِينَ ۝ تَوَمَّيَا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بَيِّنَاتٍ مِنْ بَيْنِ الْأَوْثَانِ ۝ قَالُوا لَكُلَّا
 أَشْدَّ مِنْهُم بِطَنًا وَمَضَىٰ مِثْلُ الْأَوَّلِينَ ۝ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ۝ الَّذِي جَعَلَ
 لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لِكُرْفِهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝
 وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً يَقْدِرُ فَأَنْشُرَ نَابِهَ بَلَدَةً مِثْلَ ذَلِكَ
 فَتُحَرِّجُونَ ۝ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمُ مِنَ الْفُلْكِ
 وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ۝ لَيْسُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتُكُمْ ذِكْرًا لِّنَعَمَةٍ
 رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي حَمَلْنَا هَٰذَا
 وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ۝ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ۝ وَجَعَلُوا لَهُ
 مِنْ عِبَادِي دُونَ ذَٰلِكَ آلَ الْإِنْسَانِ لَكُورٌ مِّبِينٌ ۝ أَمْ اتَّخَذُوا جِبَالًا
 بَنَانٍ وَأَصْفَكُمْ يَا بَنِي آدَمَ ۝ وَإِذَا بَشِيرٌ أَحَدُهُمْ بِمَا صَرَبَ لِلرَّحْمَنِ
 مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ۝ أَوْ مَنْ يَتَذَكَّرُ فِي حَاجَتِهِ وَ
 يَخْلَعُ حِجَابًا لِّخَيْرٍ ۝ وَجَعَلُوا لِلَّهِ الْأَنْكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ
 الرَّحْمَنِ إِنَّا إِنَّا أَشْهَدُ وَأَعْلَمُ ۝ تَشْكُرُ شَهَادَتُهُمْ وَيَسْتَلُونَ ۝
 وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَا هُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ
 هُمْ إِلَّا يَعْصُونَ ۝ أَمْ آتَيْنَا هُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ

چون (بانکار آن) بر خویش ستم می کنید صرف نظر کنیم (هرگز نکنیم) (۵)
 و چقدر پیمبرانی در اقوام پیشین فرستادیم (۶) و بر مردم هیچ رسولی نیامد
 جز آنکه او را به سحره (و انکار) گرفتند (۷) ما هم قویترین سرکشان را
 بمقویت عداوت کردیم و شرح حال پیشوایان (برای عبرت مردم) در گذشت (۸)
 و اگر از این کافران بپرسی که آسمانها و زمین را که آفریده البته جواب دهند
 خدای مقتدر دانا آفریده است (۹) همان خدائی که زمین را مهاد آسایش شما
 بندگان قرار داد و در آن راهها بر شما پدید آورد تا مگر هدایت یابید (۱۰)
 و آن خدائی که از باران آسمان آبی بقدر و اندازه نازل کرد و بآن صحرا و دیار
 مرده خشک را زنده گردانیدیم و همینگونه مردگان هم از قبرها بیرون میآیند
 (۱۱) و آن خدائی که همه موجودات عالم را حجت آفریده و برای سواری
 شما بندگان کفتیبا و چهار پایان را در آب و خاک مقرر فرمود تا چون
 (در سفرها) با کمال تسلط بر پشت آنها نشینید مددگر نعمت خدا شوید و
 گوئید یا کومنه خدائی که او اینها را مسخر ما گردانیده و گرنه ما هرگز قادر
 بر آن نبودیم (۱۲) و باز گشت ما البته بسوی خدای ما خواهد بود (۱۳) و
 مفرکان برای خدا ما ننش فرشته چیز را که بنده و مخلوق اوست جزء وجود او
 قرار دادند که انسان بسیار ناسای و کفرش آشکار است (۱۴) آها خدا از
 مخلوقات خود بر خویش دختران را برگزید و شما را به پسران امتیاز داد
 (۱۵) و حال آنکه بهر کدام از مفرکان دختری که بخدا نسبت دادند مزده
 دهند و برایش (از هم) سیاه میخورد و بناچار خشم فرو میبرد (۱۶) آیا کسیکه بزیب
 و زیور پرورده میخورد (مانند دختران) و او در خصومت از حفظ حقوق خود
 عاجز است چنین کسی (لایق فرزندی خدا است) (۱۷) و مفرکان فرشتگانی که
 مخلوق و پندگان خدا هستند دختر میخوانند آیا در وقت خلقت آنها حاضر
 بودند البته شهادت آنها در نامه عملشان نوشته شده و بر آن سخت مواظف
 میشوند (۱۸) و مفرکان میگویند اگر خدا میخواست ما فرشتگان (و پندگان)
 را بر ستمیم گفتار چیزی جاهلان آنها نه از روی علم و دانش است بلکه بجهل و نادانی
 باطل خویش سخن میگویند (۱۹) آیا بر آنها از این پیش کتابی فرستادیم که
 در این سخن وعیده باطل بآن کتاب است لایم میکنند

﴿١﴾ قُلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُعْتَدِينَ
 ﴿٢﴾ وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ
 مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُعْتَدِينَ
 ﴿٣﴾ قُلْ أَوْ لَوْ كُنْتُمْ بِآثَارِهِمْ مُعْتَدِينَ لَأَبْلَوْا أَبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا
 بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٤﴾ لَكَانَتْ لَنَا مِنْهُمْ قَانِظَةٌ كَيْفَ كَانَتْ
 عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٥﴾ كَوَإِذَا قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ
 بِمَا تَعْبُدُونَ ﴿٦﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿٧﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً
 بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّكُمْ تَرْجِعُونَ ﴿٨﴾ قُلْ مَتَىٰ مَوْلَايَ وَآبَاءُكُمْ مَتَىٰ
 جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُبِينٌ ﴿٩﴾ قُلْ جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا بَشَرٌ
 قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلُوا كَافِرُونَ ﴿١٠﴾ قُلْ قَالُوا لَا يُزِيلُ هَذَا الْقُرْآنُ عَنْ رِجْلِ
 مِنَ الْقُرْآنِ بَيْنَ عِظَامٍ ﴿١١﴾ أَفَرَأَيْتُمْ إِنْ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ
 دَرَجَاتٍ لِيَتَذَكَّرَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُبْحَانَ وَرَحْمَتِ رَبِّكَ خَبِيرٌ ﴿١٢﴾ مَا
 يَجْعَلُونَ ﴿١٣﴾ قُلْ لَا آتَانَ الْثَالِثُ أُمَّةً وَاحِدَةً لِيَجْعَلُنَا لِنِ
 بِكَفَرٍ أَوْ لِيُنْفِقَنَّهُمْ صَفْقًا مِنْ فَضْلِهِ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا
 يَظْهَرُونَ ﴿١٤﴾ قُلْ لِيُؤْمِنُوا بِمَا أُنْزِلَ عَلَيْهِمْ لِيَتَّقُوا ﴿١٥﴾ وَنُفِخَ
 فِي نَافِثَتِهَا وَلَئِنْ لَمْ تَنْفَخْ فِيهَا لَفُوتٌ ﴿١٦﴾ وَنُفِخَ فِيهَا
 وَلَئِنْ لَمْ تَنْفَخْ فِيهَا لَفُوتٌ ﴿١٧﴾ وَنُفِخَ فِيهَا وَلَئِنْ لَمْ تَنْفَخْ فِيهَا لَفُوتٌ

(۴۱) بلکه گفتند ما پدران و ابا و اجداد و آئینی یافتیم و البته ما هم در پی آنها
 بر هدایت هستیم (۴۲) و همچنین ماهیج رسولی پیش از تو در هیچ شهر
 و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار بر سولان گفتند که ما
 پدران خود را بر آئین و عبادتی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد
 (بگفتار شما از دین پدری خود بر نمی گردیم) (۴۳) آن رسول ما بآنان گفت
 اگر من بآئینی بهتر از دین باطل پدران شما هدایت کنم بار هم پدران را
 تقلیدی کنید آنها پاسخ دادند (بهر تقدیر) ما بآنچه شما بر سالت آورده اید
 (اگر بهترین دین است) باز کافریم (۴۴) ما هم از آن مردم پر غرور و وعناد
 انتقام کشیدیم بنگر تا عاقبت حال کافران مکذب بیکجا کشید ۲۵ ای رسول
 ما یاد آر وقتی را که ابراهیم با پدر (یعنی عموی خود) و قومش گفت ای
 بت پرستان من از معبودان شما سخت بیزارم ۳۶ و جز آن خدائی را که مرا
 آفرید و البته ما را هدایت خواهد کرد نمیپرستم (۴۷) و این خدا پرستی را
 همه ذریه خود تا قیامت کلمه باقی گردانید تا همه فرزندان شما (بهدای
 یکتا) رجوع کنند (۴۸) (و من تعجیل در عقوبت کافران نکردم) بلکه آنان
 و پدران شما را بهره مند کردیم تا آنکه دین حق و رسول مبین حقیقت اسلام بر
 آنها آمد ۴۹ و چون (رسول) حق بسوی آنها آمد گفتند این (قرآن) سحر
 است و عابیه (وحی بودن) آن ایمان نداریم ۳۰ و باز گفتند چرا این قرآن
 آن دونفر بزرگ قریه مکه و طایف (ولید و حبیب) مسعود بازل نشد ۳۱ آیا آنها
 باید فضل و رحمت خدای ترا تقسیم کنند (هرگز نباید) در صورتی که ما
 خود معاش و روزی آنها را در حیوة دنیا تقسیم کرده ایم و بعضی را بر
 بعضی برتری داده ایم تا بعضی از مردم (به ثروت) بعضی دیگر را مسخر
 خدمت کنند و رحمت خدا از آنچه جمع می کنند بهتر است ۳۲ و اگر نه
 این بود که مردم همه یکنوع و یک امتند ما آنان که کافر به خدا میشوند
 (بمال فراوان) سقف خانه هایشان از نقره خام قرار می دادیم و (چندین طبقه
 که بر سقفها) نردبام بالا روند ۳۳ و نیز بر خنجرهایشان (از یزدگی
 و وسعت) درهای بسیار و تختهای زرنگار که بر آن تکیه دهند قرار
 میدادیم (۳۴) و (عمارانشان) یزد و زبور می آراستیم و اینها همه منافع (پست
 فانی) دنیاست و آخرت ابدی نزد خدا

لِلْمُتَّقِينَ ۝ وَمَنْ يَعْشُرْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ يَقِصْلَ شَيْطَانًا مَقْبُولًا ۝ قَرْنَ
 ۝ وَإِنَّمَا لِبَصْدُونٍ نَمُومٍ فِي السَّبِيلِ وَيَحْبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ۝
 حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَنِيَّ يَنْتَهُوا عَنْكِ الْمَسَارِقِينَ ۝ فَمَنْ لَقِينِ
 ۝ وَلَنْ يَنْفَعَكَ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتَ أَنَّكَ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝
 أَفَأَنْتَ تُلْمِعُ الضُّمَّةَ أَفَ هَذِهِ الْعُتَىٰ مَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝
 فَلَمَّا نَدَّبَ مَتَنَ بَيْتِكَ فَلَمَّا نَمُومٌ مُنْتَهَوْنَ ۝ أَوْ رَبِّكَ الَّذِي عَذَابُهُ
 فَلَمَّا عَلِمُوا مُقْتَدِرُونَ ۝ فَاسْتَمِعْ يَا لَدُنَّ هِيَ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ أَنَّكَ
 عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ
 ۝ وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ
 الرَّحْمَنِ إِلَهًا يَعْبدُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ
 فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُمْ
 بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ۝ وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ
 مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَقَالُوا يَا
 أَبْنَاهُ السَّاحِرُ إِذْ عَلَّلْنَا بِكُفْرِكَ يَمَانَعُكَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ
 ۝ فَلَمَّا كَفَتْنا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكَبُونَ ۝ وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ
 فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكٌ مِثْرُ هَٰذَا ۝ وَالْأَنْهَارُ تَجْرِي
 مِنْ تَحْتِي ۝ أَفَلَا بُصِرَ ۝ ۝ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَٰذَا الَّذِي يَوْمَهُمْ وَ

مخصوص اهل تقوی است (۳۵) و هر که از یاد خدا (و قرآن) رخ بتابد شیطان را برانگیزیم تا باز و همنشین دایم وی باشد (۳۶) و آن شیاطین همیشه آن مردم از خدا غافل را از راه خدا باز دارند و پشلات افکنند و پندارند که هدایت یافته اند (۳۸) (و سرگرم دنیا شده) تا وقتی که از دنیا بپویما. باز آید آنگاه با نهایت حسرت گوید ای کاش میان من و آن شیطان فاصله بدوری مشرق و مغرب بود که او بسیار همنشین و یار بدی بر من بود (۳۸) و (ای ستم کاران) هرگز در آن دوز (پشیمانی) پشالشا سودی ندارد زیرا در دنیا ظلم کردید و امروز با شیاطین البته در عذاب دوزخ شریک هستید (۳۹) ای رسول ما آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران باطن و آتانی که دانسته بکمرای میروند هدایت توانی کرد (۴۰) پس (بدان) ما یا تو را بخواه خود برده و بعد از تو سخت از آنها انتقام می کشیم (۴۱) یا هدای که وعده با آنها دادیم پتو مینمایانیم که ما همه گونه بر عداقت آنها قادییم (۴۲) پس تو بفرآنی که تو را وحی میشود تسک کن که البته تو براه راست هستی (۴۳) قرآن برای تو (و مؤمنان) قومت شرف و نام بلند است و البته شا را باز میبرند (که با قرآن از اطاعت و عصیان چه کردند) (۴۴) ای رسول از رسولانیکه پیش از تو فرستادیم باز پرس که آیا ما جز خدای یکتای مهربان خدا یان دیگری را هم معبود مردم قرار دادیم (۴۵). و ما موسی را بآیات و معجزاتی که باو دادیم بسوی فرعون و اشراف قومش بر سالت فرستادیم او (برای تبلیغ امر خدا) با آنها گفت من رسول رب العالمینم (۴۶) چون آیات ما را بر آنها آورد ادرا مستخره کرده و براو خندیدند (۴۷) و ما هیچ معجزه و آیتی با آنها ننمودیم جز آن که از آیت دیگر بزرگتر بود (همه را تکیذ کردند) ما هم آنها را عذاب و بلا یا گرفتار کردیم تا مگر بسوی خدا باز آیند (۴۸) (و بموسی نسبت ساحری دادند) گفتند ای ساحر بزرگ تو از خدای خود چون تمهیدی با تو دارد (که دعایت مستجاب کند) بخواه تا عذاب از ما بردارد ما بدین شرط البته دعا پت می شویم (۴۹) پس آنگاه (بدعی موسی) ما عذاب را از آنها برداشتیم باز آنها نفس عهد کردند (۵۰) و فرعون در میان قومش (بر علیه موسی) آوازه بلند کرد که ای مردم آیا کشور با عظمت مصر از من نیست و چنین نهر ها از زیر قصر من جاری نیست آیا عزت و جلال مرا در عالم بچشم مشاهده نمیکنید (۵۱) آیا من (بر پاست و سلطنت بهترم) یا این چنین مرد فقیر غواری که

لَا يَكَادُ رَبِّينَ ۖ قُلُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ دَهْبٍ وَجَاءَ مَعَهُ
 الْمَلَائِكَةُ مُقَرَّنِينَ ۖ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَطَاعُوهُ إِلَّا نَجْمًا كَانُوا
 قَوْمًا فَاسِقِينَ ۖ قُلْنَا اسْقُوا أَنْتُمْ نَحْنُ إِيَّاهُمْ فَافْرَقْنَا هُمْ أَجْعَلِينَ
 ۖ فَجَعَلْنَا هُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ ۖ وَكَانَ ضَرْبًا بَنِي عَمْرِيَمَ
 مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ۖ وَقَالُوا يَا إِلَهَنَا خَبْرًا أَمْ
 هُوَ أَخْبَرَهُ لَكَ إِلَّا جَدًّا لَأَبْلُ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ۖ إِنْ هُوَ
 إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَءِيلَ وَلَوْ تَأَنَّى
 جَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَمْشُونَ ۖ وَآيَاتُهُ لَعَلَّهَا لِلشَّاعِرِ
 فَلَا تَمْتَرْنَ ۚ يَا وَابِعُونَ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۖ وَلَا يَصِدُّكُمْ
 الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۖ وَكَانَ جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ
 قَالَ فَذُكِّرْتُمْ يَا حِكِيمَ ۖ وَالْبَيِّنَاتِ لَكُمْ بُعْضُ الَّذِي تَخْلِفُونَ
 فِيهِ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۖ إِنْ اللَّهَ هُوَ رَبُّكُمْ وَرَبُّكُمْ
 فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۖ فَاخْتَلَفَ الْأَغْرَابُ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ
 قَوْلًا لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ آيَاتِهِمْ ۖ هَلْ نَنْظُرُونَ إِلَّا الْكَافَّةَ
 أَنْ نَأْتِيَهُمْ بَغْضَةً وَهُمْ لَا يُشْعُرُونَ ۖ لَا تَخْلَاةَ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ
 لِبَعْضٍ عَذَابًا إِلَّا الْمُتَّقِينَ ۖ فَلَا عِوَادَ لَخَوْفِ عَلَيْهِمْ الْيَوْمَ وَ
 لَا أَنْتُمْ تَنْفِرُونَ ۖ الَّذِينَ آمَنُوا يَا بَايِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ۖ

هیچ منطلق و بیان روشنی ندارد (۵۳) (و اگر موسی رسول خداست) چرا او را (دستگاهی نیست) و طوق زدن بر دست ندارد یا چرا فرشتگان آسمان همراهِ او نیستند (۵۴) و باین تبلیغات دروغ و باطل قومش را ذلیل و زیون داشت تا همه مطیع فرمان وی شدند که آنها مردمی فاسق و نابکار بودند (۵۵) پس آنگاه که فرعون و فرعونیان ما را به شتم آوردند ما هم از آنان انتقام کشیدیم و همه را غرق دریای هلاکت نمودیم (۵۶) و علاء آن قوم را مایه عبرت آیندگان قرار دادیم (۵۷) و چون بر عیسی فرزند مریم مثلی زده شد قوم تو ای رسول از آن پشیمان آمدند (و سخت بر آنان گران بود) (۵۸) و مشرکان با اعتراض گفتند آیا خدا یان ما بهتر ندی عیسی مریم (اگر بقول محمد) (س) غیر خدا همه معبودان در آتش بسوزند لازم آید عیسی هم بسوزد) و این سخن را باتو جز بجدل و انکار نگفتند که آنها قومی حریف جدل و خصومتند (۵۹) عیسی نبود جز بنده خاصی که ما او را بنعمت رسالت برگزیدیم و بر بنی اسرائیل مثل (و حجت) قرار دادیم (۶۰) و اگر ما بخواهیم بجای شما آدمیان فرشتگان را در زمین جانشین میگردانیم ۹۰. آن عیسی علم و نفاست است و حشرات احمد بفر قیامت و ز نه از آن ساعت شک و ریب دورا پیروی کن که راه راست (بسمادت و بهشت) است (۶۱) و مبادا یطمان شما را از راه حق بازگرداند که دشمنی او شما را آشکار است (۶۲) و چون عیسی بادل و مسجرات برای هدایت خلق گفت من آمده ام با حکمت و برهان و کتاب انجیل آسمانی (شما را هدایت کنم) و بعضی احکامی در آن اختلاف میکنند از توریه بیان سازم پس خدا ترس و پرهیز کار شرید و مرا اطاعت کنید (۶۳) همانا خدای یکتا پروردگار من و شما است تنها پرستش او کنید که (جز او معبودی نیست) این راه راست است (۶۴) باز فرق یهود و نصارا بین خود اختلاف انداختند و ای (وصد وای بر) شکاران عالم از عذاب دردناک روز قیامت (۶۵) آیا بجز ساعتی انتظار خراشد کنید تا آنکه قیامت پناگاه بر آنها فرا میرسد و آنها غافل (از خدا) و بیخبر (از روز قیامت اند) (۶۶) در آن روز دوستان همه با یکدیگر دشمن و دشمنان بجز متقیان (۶۷) الا ای پندگان صالح من امروز شما را هیچ ترس و خرق نخواهد بود (۶۸) (آن روز خطاب شود) آنان که با یات ما ایمان آوردند و تسلیم امر ما شدند (۶۹)

اَدْخُلُوا الْجَنَّةَ اَنْتُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ تُخْبَرُونَ ﴿١﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ
 مِنْ ذَهَبٍ اَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْاَنْفُسُ وَتَلَذُّ اَلْاَعْيُنُ
 وَاَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢﴾ وَلَيْكَ الْجَنَّةُ الْبَتَىٰ اُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ
 تَعْمَلُونَ ﴿٣﴾ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَاْكُلُونَ ﴿٤﴾ اِنَّ الْجُحْرَيْنِ
 فِي عَذَابٍ مُّتَسَاوٍ ۚ وَلَٰكِنْ كَانَ تَوْنًا ﴿٥﴾ لَا يَنْفَعُ عَنْتَهُمْ وَّهُمْ فِيهِ مُبْتَلَوْنَ
 ﴿٦﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٧﴾ وَنَادَىٰ اِبْرَاهِيْمُ اِلٰهَ
 لِيَقْضِيَ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ اِنَّكُمْ مَّا كُنْتُمْ لَتَقْدِرُنَا ۚ كَرِهْنَاكَ بِالْحَقِّ وَ
 لَٰكِنْ اَكْثَرُكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٨﴾ اَمْ اَبْرَءُوا اَمْرًا فَاَنَا مُبْرِمُونَ ﴿٩﴾
 اَمْ يَحْسَبُونَ اَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَاَرْسَلْنَا اِلَيْهِمْ
 يَكْتُوبُونَ ﴿١٠﴾ هَلْ اِنْ كَانَ لِلرَّحْمٰنِ وَلَدٌ فَاَنَا اَوَّلُ الْعَابِدِينَ ﴿١١﴾ نَحْنُ
 رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ رَبُّ الْعَرْشِ عَظِيْمٍ ﴿١٢﴾ قَدْ رُفِعَ
 يَحْيٰى وَابْلَعُوا حَتّٰى يَلٰوْا اَيُّوْمَهُمُ الَّذِي بُوْعِدُوا ۚ وَهُوَ
 الَّذِي فِي السَّمَاءِ اِلٰهٌ وَفِي الْاَرْضِ اِلٰهٌ وَهُوَ الْحَكِيْمُ الْعَلِيْمُ ﴿١٣﴾ وَ
 تَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ مَا يَنْتَهِنُ عِنْدَهُ
 عِلْمُ السَّاعَةِ ۚ وَالَّذِي تَرْتَجِبُونَ ﴿١٤﴾ هُوَ اِلٰهٌ اَلَّذِي يَدْعُونَ مِنْ
 دُونِهِ ۚ السَّاعَةَ اِلٰهٌ مِّنْ شَيْءٍ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٥﴾ وَلَقَدْ رَسَلْنَا
 مِنْ خَلْقِنَا لِيَقُولُوْا اِنَّ اِلٰهَ قَانِي بُرُكُوْنَ ﴿١٦﴾ وَفِيْلَهُ يَارَبِّ اِنَّ

(همه خطاب رسد) که شما با همسران مسرور و شادمان در بهشت جاوید
 وارد شوید (۷۰) بر آن مؤمنان کاسهای زرین و کوزههای (بلورین)
 مملو از انواع طعام لذیذ و شراب طهور دور زنند و در آنجا هر چه نفوس
 را بر آن میل و شهوت است و چشمها را شوق و لذت مینماید باشد و شما مؤمنان
 در آن بهشت جاودان منتظر خواهید بود (۷۱) و مؤمنان گویند این همان
 بهشتی است که از اعمال صالح خود بابت یافتید (۷۲) برای شما در
 آنجا انواع میوه فراوان است که از آن هر چه خواهید تناول کنید (۷۳)
 بدکاران هم آنجا سخت در عذاب آتش جهنم مغلند (۷۴) و هیچ از عذابشان
 کاسته نشود و امید نجات و خلاصی ندارند (۷۵) و ما بآنها ظلم و ستمی
 نکردیم لیکن آنان خود مردمی مستکار و ظالم بودند (۷۶) و آن دوزخیان
 مالک دوزخ را ندا کنند که ای مالک از خدای خود بخواه که ما را ببیراند
 تا از عذاب برهم جواب دهد شما در این عذاب همیشه خواهید بود (۷۷)
 ما راه خدا و آئین حق را برای شما مردم آوردیم ولیکن اکثران از حق
 کراهت و امراض داشتید (۷۸) بلی کافران بر کفر و عیبان تسمیم
 گرفتند ما هم بر کفر و انتقام ایشان (۷۹) آیا گمان می کنند که
 سخنان سری و پنهان که بگویند هم می گویند نمی شنویم بلی میشنوم و
 از رسولان ما فرشتگان هماندم آنرا مینویسند (۸۰) ای رسول بگو اگر
 خدا را فرزندی بود اول من او را می پرستیدم (۸۱) خدای آسمانها و
 زمین و پروردگار عرش عظیم از آنچه کافران توصیف کنند منزّه است
 (۸۲) ای رسول کافران را بگذار تا بهالم حیوانیت فرو روند و باز چه
 دنیا سرگرم باشند تا روزی را که به آنها وعده شده ببینند (و آن روز
 بکیفر رسند) (۸۳) و آن ذات یگانه خداست که در آسمان و در زمین (و
 در همه عوالم نامتناهی او) خداست و هم او بنظام کامل آفرینش حقیقت
 داناست (۸۴) بزرگوار خدایی که آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست همه
 ملک اوست و علم ساعت قیامت نزد اوست و خلق همه بسوی او باز میگردند
 (۸۵) و غیر خدای یکتا آنان را که بخدایی میخوانند قادر بر شفاعت کسی
 نیستند مگر (عزیر و میسی و فرشتگان آن) کسانی که بدانند و بر توحید حق
 گواهی دهند (۸۶) و اگر از مشرکان باز پرسی که آنها را که آفریده
 است بیقین جواب دهند خدا آفریده پس چرا از خدای حق (بسوی خداپایان
 باطل) بر میگردند (۸۷) خدایم از ساعت قیامت آگاه است و هم از گفتار و داد
 خواهی رسولش که گوید خدایا اینها پس لجوج قومی هستند

هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يَتُوبُونَ ۖ فَاصْفَعْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَتَوْفَعَلُوا ۚ

سُورَةُ الذِّكْرِ اَنْ تَكْرِي فِي سَبْعٍ وَثَلَاثِينَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نَحْمُ وَالْكِتَابَ الْمُبِينِ ۚ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ اِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ۚ فَاِذَا يَفْرَقَنَّ كُلُّ اَمْرٍ حَكَمْنَا ۚ اَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا اِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۚ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ رَبِّيَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا اِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ۚ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ الْاَبْنَاءِ ۚ الْاَقْلَامِ ۚ يَمْلِكُ فِي شَاكٍ يُلْعَوْنَ ۚ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ ۚ يَغْشَى السَّانِ مِثْلًا ۚ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۚ وَتَبَا اَكْبَفَ عَنَّا الْعَذَابُ اِنَّا مُؤْمِنُونَ ۚ اَنَّى لَمْ الذِّكْرُ ۚ وَقَدْ جَاءَنَّهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ۚ لَمْ يَقُولُوا عَنَّا ۚ وَقَالُوا مَعْلَمٌ وَجَّهُونَ ۚ اِنَّا كَاثِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا اِنَّكُمْ عَاثِدُونَ ۚ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى اِنَّا مُنْذِرُونَ ۚ وَلَعَدَّ فَتَنًا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَنَّهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ۚ اَنْ اَدُّوْا اِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ اِنِّي لَكَرُّ رَسُولٌ اَمِينٌ ۚ وَاَنْ لَا تَعْلُوا عَلَيَّ اَنْتُمْ اِيَّائِي ۚ يَسُلْطَانُ مُبِينٍ ۚ وَاِنِّي عَذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ اَنْ تَرْجُؤُنِي ۚ وَاِنْ لَنْتُؤْمِنُوْا اِلَيَّ فَاَعْرِضُوْا ۚ قَدْ غَارَتْ اَنْ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ

هیچ ایمان نیاوردند (۸۸) پاسخ دهم ای رسول اکنون که از ایمان قوم
ما بوسی روی از آنها بگردان بگو بسلامت (تا بروند در ضلالت) که بزودی
(بر کثیر کفر و عیانان) آگاه میشوند (۸۹)

سورة دخان درمکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۵۹ آیه می باشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

هم (قسم بحمید و حمید دو نام مقدس الهی) (۱) قسم بقرآن حکمت بیان
(۲) ما آن قرآن را در شب مبارک (قدر) فرستادیم تا خلق را از عذاب قیامت
آگاه کنیم و بترسانیم (۳) در آن شب هر امری با حکمت معین و ممتاز
میگردد (۴) تمییز آن امر از جانب ما که فرستنده پیغمبران الهی خواهد بود
(۵) این از لطف و رحمت پروردگار است که (بدعی بندگان) شنوایا و پاسوالمغان (۶)
همان پروردگاری که خالق آسمانها و زمین و هر آنچه میان آنهاست اوست
(اگر یقین دارید) (۷) در عالم هیچ خدائی غیر او نیست خلق را زنده میگرداند
که او خدای آفریننده شما و پدران پیشین شماست (۸) (کافرانرا) بعد از قیامت
ایمان نیست) بلکه با شك و ریب و استهزاء بیازیمه دنیا مشغولند (۹)
ای رسول منتظر باش روزی را که بر عذاب کافران آسمان دودی پدید آرد
پیدا و آشکار (این از ملائمه قیامت است) (۱۰) آن دود آسمانی که (عذابی
در دناک است مردم را احاطه کند (۱۱) و) کافران فریاد بر آرند که (و
پروردگارا این عذاب از ما بر طرف ساز ما البته ایمان می آوریم (۱۲) کجا
مذکر شده و ایمان می آرند در صورتی که رسول ما با آیات روشن بیان (از
جانب خدا) آمد (۱۳) پس باز از او امر اض کردند و گفتند او شخص
دیوانه است که (مردم) قرآن را با و آموخته اند (۱۴) تا که زمانی اندک (برای
اتحان) عذاب را از آنها بر میداریم آنها باز به کفر خود برمی گردند (۱۵)
(ای رسول) منتظر باش آن روز بزرگ را که ما آنها را بحداب سخت بگیریم که
البته ما از آنها انتقام خواهیم کشید (۱۶) و ما پیش از این امت قوم فرعون
را آزمودیم رسولی مانند موسی بزرگوار بوسی آنها فرستادیم (۱۷) او گفت
ای فرعونیان امر بندگان خدا را بمن واگذارید که من بر شما به یقین
رسول امین پروردگارم (۱۸) و زنها را بر خدا تکبیر و طغیان مجزید که من
بر شما حجت آشکار آوردم (۱۹) و من بخدای بناء مبیرم اگر عزیمت آزار و
سنگسار من کنید (۲۰) و اگر بر سالت من ایمان نمی آورید پس مرا
بحال خود واگذارید (در پی قتل و آزار من بر نیائید) (۲۱) فرعونیان دست
از ستمش برنداشتند پس دعا کرد که آید اینان مردمی

مُجْرِمُونَ ۝ فَأَسْرِ بِعِيَادِي لَيْلًا إِنَّكَ مُتَّبَعُونَ ۝ وَأَنْزِلْنَا الْبَصَرَ
 زَهْوَ الْأَنفُسِ جُنْدٌ مُفْرَقُونَ ۝ كَرَّرْنَا مِنْ جَنَابٍ وَعَبُودٍ ۝
 وَزِدْ رُوحَ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۝ وَنَعْمَ كَانُوا فِيهَا فَالِحِينَ ۝ كَذَلِكَ وَ
 أَوْرَثْنَا مَا قَوْمًا آخَرِينَ ۝ قَوْمًا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ
 مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ۝ وَلَقَدْ فَتَنَّا بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنَ الْعَذَابِ أَلَمِيٍّ ۝
 مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ غَالِيًا مِنَ الْمُتَكِبِينَ ۝ وَلَقَدْ اخْتَرْنَا لَهُمْ
 عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَأَتَيْنَاهُمْ مِنَ الْأَبَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ
 مُبِينٌ ۝ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ۝ إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ ۝
 مَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ ۝ فَأَنْوَايَا بَادِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ أَمْ
 خَشِئْتُمْ أَنْ يَقُومَ فِتْنَةٌ مِنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكَكُمْ أَنْتُمْ كَانُوا غَيْرَ
 ۝ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا عِبْدِينَ ۝ مَا
 خَلَقْنَا هَؤُلَاءِ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ إِنْ يَوْمَ الْقَضَا
 مِيقَاتُهُمْ أَجْعَلِينَ ۝ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ
 يُنصَرُونَ ۝ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ إِنْ
 شِجْرَةُ الرَّقْقِ طَعَامٌ إِلَّا يَتِيمٌ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ۝ غَلَى الْجَحِيمِ
 ۝ خَذُوهُ فَاعْلَبُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ۝ لَمْ تَصْبُوا أَهْلًا لَهُ
 مِنْ عَدَائِ الْجَحِيمِ ۝ ذُنُوبُكُمْ أَنْتُمْ أَنْتُمْ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ۝ إِنْ هَلَا

سخت مجرم و بدکارند (۳۲) خدا فرمود تو بندگان با ایمان مرا شبانه از شهر بیرون بر تا فرعونیان شما را تعقیب کنند (۳۳) آنگاه دریا را (همان گونه که بر تو شکافتم) بگذار و بگذر تا فرعون و لشکریانش تمام بدریا غرق شوند (۳۴) چه بسیار در دنیا (ظلم فرعونیان بودند) (بستانها و چشمه های آب (۳۵) و کشت و زرعها و مقام و منزلت های عالی رها کردند) و رفتند (۳۶) و ناز و نعمت و افر به که در آن غرق بودند (مرگ آمد و از همه چشم پوشیدند (۳۷) و ما آن ناز و نعمتها را از قوم گذشته اربت بقوم دیگر دادیم (۳۸) و بر مرگ آن گذشتگان هیچ چشم زمین و آسمان نگریست و بر هلاکشان مهلت ندادند (۳۹) و البته ما بنی اسرائیل را نجات از عذاب ذلت و خواری دادیم (۴۰) از شر (قتل و اسارت) فرعون که سخت متکبر و ستمکار بود آسوده ساختیم (۴۱) و آنها را در آن دور بر عالمیان بعلوم و دانش (کتاب آسمانی توری) بر گزیدیم (۴۲) و آیات و معجزاتی بر آنها بدست موسی آوردیم که در آن کاملاً آزمایش شوند (۴۳) همانا اینان (یعنی مشرکان مانند دهریان) البته خواهند گفت (۴۴) که ما جز این مرگ اول هیچ در قیامت زنده نخواهیم شد (۴۵) پس پدران ما را اگر راست میگوئید بیاورید (۴۶) آیا آنها بهترند یا قوم تبع و اقوام پیش از او که بسیار مردم بدکار مجرمی بودند ما همه آنها را هلاک کردیم (۴۷) و ما آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست بپایچه خلق نکردیم (۴۸) آنها را جز به حق و از روی حکمت و مصلحت نیاوردیم ولیکن اکثر مردم از آن آگاه نیستند (۴۹) همانا روز قیامت روز فصل و جدائی مؤمن و کافر و وعده گاه جمیع خلایق است (۵۰) و روزیست که هیچ حمایت خویش و یار و یاور کسی را از عذاب نرساند و احدی را تصرف نکند (۵۱) مگر آنکه خدا باورحم کند که او تنها بر خلقی مقدر و مهربانست (۵۲) همانا درخت ذوقم جهنم (۵۳) اقوت و غذای بدکارانست (۵۴) که آن غذا در شکمهاشان چون مس در آتش گداخته میجوشد (۵۵) انسان که آب بر روی آتش جوشانست (۵۶) عذاب قهر رسد که بدکاران را بگیرد و بمیان دوزخ در افکند (۵۷) پس از آن آب دهان بر سرش فرو ریزد (۵۸) (و با سته از وی را گویند) عذاب دوزخ را بجش که تو بسیار (نزد خود) عزیز و گرامی هستی (۵۹) این همان

مَا كُنْتُمْ بِهِ تَشْكُرُونَ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ۝ فِي جَنَّاتٍ
وَعُورٍ يَجْلِسُونَ مِنْ شُدُورٍ ۝ اسْتَبْرَقُوا فِيهَا يَلْبَسُونَ مَا كُنْتُمْ
تَلْبَسُونَ ۝ فِيهَا يَجُوزُونَ عَلَى الْأَنْهَارِ عَلَى فَوَاحٍ سَحَابٍ مِثْلِ طَرَفِ
الْمَرْحَةِ ۝ فِيهَا يُدْفَنُونَ فِيهَا الْمَوْتُ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ ۝ وَوَقَّاهُمْ عَذَابَ
الْجَحِيمِ ۝ فَضْلًا مِنْ رَبِّكَ ۝ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ فَأَمَّا بَشَرٌ
مِثْلَاكُمْ فَلَمْ يَقُمْ بِطَنٍّ ۝ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ دُخَانًا
وَأَسْفُلُهَا سُحَابٌ كَثِيرٌ ۝ وَأُتَوَّىٰ السَّجُودُ ۝ وَالْجِبَالُ مَكَّةٌ ۝ وَمِنْ ثُلُثٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ثَمَّ ۝ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝ إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَ
الْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلَّذِينَ يَتُوبُونَ ۝ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبْدُو مِنْ دَابَّاتٍ
آيَاتٍ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۝ وَأَخْيَلْنَا لَيْلَ الْهَيْدِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلْنَا
الْحَبَّ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ زَرْقٍ فَأَخْبَاهِ الْأَرْضُ بَعْدَ وَهْيِهَا وَتَضَعُ
الزَّرَايِحَ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْمَلُونَ ۝ ذَلِكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْزِلُهَا عَلَيْكَ
بِالْحَقِّ فَيُخَوِّفُ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتُهُ يُؤْمِنُونَ ۝ وَبَلِّ لِكُلِّ
أَقْلَامٍ آيَاتٍ ۝ يَتَمَعُّ آيَاتُ اللَّهِ تُنْزِلُ عَلَيْكَ نُورٌ مِثْلُ نَوَّارٍ مُسْتَكْبَرٍ ۝ كَأَن
لَمْ يَمْسَسْهَا قُوتُورٌ ۝ بَعْدَ بَلِّهِمْ ۝ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا
مُزًا ۝ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ وَآلِهِمْ وَآلِهِمْ

عذاب است که از آن در شك و انكار بودید (۵۰) همانا آن روز سخت آنان که متقی و خدا ترس بودند (در بهشت اید) مقام امن و امان یافته اند (۵۱) در باغها و کنار چشمه ها و نهرا آرمیده اند (۵۲) لباس از سندس و استبرق پیاراسته و دو برویم بر تختها تنگنه زده اند (۵۳) و همچنین با حوریان زیبا چشمشان هم جفت قرار داده ایم (۵۴) ناز هر نوع میوه که بخواهند بر آنان حاضر و از هر در و درج و رحمت ایمن و آسوده اند (۵۵) و جز آن مرگ اول و دیگر هیچ طعم مرگ را نمی چشند و خدا آنها را از عذاب دوزخ محفوظ خواهد داشت (۵۶) این بفضل و رحمت خدای تست و همین بحقیقت در جهان سعادت و فیروزی بزرگ است (۵۷) و ما این قرآن را بزبان تو آسان کردیم تا مگر خلقان متذکر حقایق آن شوند (۵۸) پس (از تلاوت این آیات و اتمام حجت) بر کافران منتظر عذاب باش چنانکه آنها هم بر تو انتظار روزگار بد را دارند (۵۹)

سورة جائیه درمکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۳۷ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

هم (قسم بنام خدای حمید و مجید که؛ ۱) انزایل این قرآن (عظیم) از جانب خدای مقتدر حکیم است (۲) همانا در خلقت آسمانها و زمین برای اهل ایمان آیات و ادله قدرت الهی پدیدار است (۳) و در خلقت خود شما آدمیان و انواع بیشمار حیوان که در روی زمین پراکنده است هم آیات و براین قدرت حق برای اهل یقین آشکار است (۴) و نیز در درفت و آمد شب و روز و آنچه خدا از آسمان برای روزی خلق از برف و باران میفرستد و زمین را پس از (خزان) مرگ دیگر بار زنده میسازد و درویش بادهای عالم در همه این موجودات برای خردمندان جهان آیات مانع پیداست (۵) این آیات قرآن کهما بر تو بحق تلاوت می کنیم همه ادله قدرت خداست پس بعد از خدا و آیات روشن او (اگر نگویند) دیگر به چه برهان ایمان می آورند (۶) وای بر مردم دروغگوی بدکار (۷) نکه آیات خدا را که بر او تلاوت میشو شنیده بر تکبر و طغیان اصرار می کنند چنانکه گوئی هیچ آن آیات را نشنیده است چنین کسی را به عذاب دردناک بشارت ده (۸) چون از آیات ما چیزی بداند آنرا بسخره می گیرد چنین مردم (کافر) را عذاب ذلت و خواری مییاست (۹) آنها را آتش دوزخ در پیش است و هیچ از آنچه آموختند

عَنْهُمْ مَا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْمُنَافِقِينَ وَلَا مَا اتَّخَذُوا آلِهَةً دُونِ اللَّهِ وَلِيَّائِهِمْ وَلَا هُمْ
 عَذَابُهُمْ ۖ هَٰذَا هُدًى لِلَّذِينَ كَفَرُوا بِالْآيَاتِ وَرَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابُ
 مِنْ دُونِ الَّذِي كَانُوا بِآيَاتِهِ يَكْفُرُونَ ۚ اللَّهُ الَّذِي تَحْتَ لَكَ الْبَصَرُ يَقْبِضُ الْعِلْمَ فِي يَمِينِهِ
 وَلْيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَا تَكْفُرُوا ۚ تَكْفُرُونَ ۖ وَتَحَرَّ لَكُمْ مَا فِي
 السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ
 يَعْقِلُونَ ۚ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ آثَامَ اللَّهِ
 الْبَاقِيَ قَوْمًا يَمَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۚ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ
 أَسَاءَ فَعَلَهَا ۖ أَتُرَى إِلَىٰ رَبِّكَ تَرْجَعُونَ ۚ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَٰئِيلَ
 الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَزَكَّيْنَاهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ وَقَضَّيْنَاهُمْ
 عَلَى الْعَالَمِينَ ۚ وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ مِمَّا اخْتَلَفُوا فِيهَا لَنُبْلِيَنَّهُمْ
 بَعْدَ مَا جَاءَتْهُمُ الْعِلْمُ نَفْعًا يَنْبَغِي لَهُمْ ۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۚ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ
 الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۚ إِنَّهُمْ لَنَبُوهُوا
 عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ
 وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ۚ هَٰذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ هُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ
 يُوقِنُونَ ۚ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَوْا السُّبُوتَ أَنَّ نَجْيَهُمْ
 كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ عَنَّا هُمْ وَمِمَّا هُمْ نَسَاءُ

آنان را نجات و رحمتی نهد و آنچه غیر خدا دوست گرفتند بکارشان نیاید و کفر آنها بزرگ عذاب قهر خداست. ۱۰ این قرآن هدایت خلق است و آنانکه بآیات خدای خود کافر شدند جزای آنها عذاب دردناک دوزخ است. ۱۱ خداست آنکه برای شما دریا را مسخر گردانید تا کشتی بامر خدا آسان در آب جاری شود و از آن (به تجارت و سفر) از فضل خدا روزی طلبد باشد که شکر نعمتش بجای آرید. ۱۲ و آنچه در زمین و آسمانها بود تمام را مسخر شما گردانید در این کار نیز برای مردم با فکرت آیات قدرت کاملاً پدیدار است. ۱۳ ای رسول ما بآنانکه ایمان آورده اند بگو شما مؤمنان از جور مردمیکه (در اثر کفر و شک) با بام الهی امیدوار نیستند در گذرید (و آنها را بجای لت خود رها کنید) که خدا عاقبت هر قومی را پاداش اعمال خود میرساند. ۱۴ هر کس کار نیک کند بنفع خود و هر که بد کند بزیان خویش کرده است آنگاه (برای پاداش نیک و بد) بسوی خدای خود باز میگردید. ۱۵ و ما بنی اسرائیل را کتاب و حکمت و نبوت عطا کردیم و از هر روزی لذت و حلال نصیب آنها گردانیدیم و آنان را بر اهل دوران خود فضیلت دادیم. ۱۶ و نیز با قوم آیات و معجزات روشن در امر دین و نظم دنیا عطا نمودیم و آنها اخلاف و نزاع بر بنیانگیختند (و بتعریف احکام تورات نپرداختند) مگردانسته برای نلیم و تعدی بی حقوق یکدیگر البته خدا بین نزاع و اختلاف آنها روز قیامت حکم خواهد کرد. ۱۷ پس (از موسی و رسولان بعدی) ما تورات را بر شریعت کامل در امر دین مقرر فرمودیم تو آن شریعت و آئین شما را کاملاً پیروی کن و هیچ پیرو هوای نفس مردم (مشرك) نادان مپاش. ۱۸ آن مردم هیچ ترا از اراده خدا بی نیاز نکنند و مستکاران عالم در ظلم و ستم دوستدار و مددکار یکدیگرند و خدا دوستدار متقیان است. ۱۹ این (قرآن) برای عموم مردم مایه بصیرت بسیار و برای اهل یقین موجب هدایت و رحمت پروردگار است. ۲۰ آيا آنان که مرتکب اعمال زشت و تبه کاری شدند گمان کردند رتبه آنها را مانند کسانی که بجای ایمان آورده و نیکوکار شدند قرار میدهم تا در مرتك و زندگانی هم یکسان باشند (هرگز چنین نیست) حکم آنها اندیشه بسیار باطل و

مَا يَحْكُمُونَ ﴿١٦﴾ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلَئِنْ لَمْ يَنْزِلْ
 نَفْسُ مَا كُتِبَ فِيهَا لَمُنْظَرُونَ ﴿١٧﴾ أَفَرَأَيْتَ مِمَّنْ أَخَذَ إِلَهُهُ هَوًى
 وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمِهِ وَنَحَّمْ عَلَى تَوْبِهِ وَقَلْبُهُ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ
 عِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ فَلَا تَدْرِكُونَ ﴿١٨﴾ وَقَالُوا مَا
 هِيَ إِلَّا حُبَابُنَا الَّذِي نُسَبِّحُ بِهَا مَوْتَ وَنَحْنُ بِمَا نُجْلِكُ إِلَّا الدَّمْرُ وَمَا
 لَمْ يَهْدِنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿١٩﴾ وَإِذَا نُفِثَ عَلَيْهِمُ الْبَابُ
 يُتِنَاتُ مَا كَانَ جَهَنَّمُ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّوْا يَا بَنَاتِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقَاتٍ
 ﴿٢٠﴾ هَلْ لَّهِ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمْسِكُكُمْ ثُمَّ يَجْعَلُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْعِيَةِ لَا رَيْبَ
 فِيهِ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢١﴾ وَهُوَ اللَّهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَ
 الْأَرْضِ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ هُوَ مَسْدُ الْبُظُلُونَ ﴿٢٢﴾ وَتَرَى كُلَّ
 أُمَّةٍ جَائِيَةٌ كُلِّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُعْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ
 تَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾ هَذَا كِتَابُنَا يُنْطَلِقُ عَلَيْكُمْ يَا حَقُّ إِنَّا كُنَّا نَسْفَحُ مَا كُنْتُمْ
 تَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ قَامَا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قَبْدًا خَلُفَهُمْ
 رِثَتُهُمْ فِي رَحْمَةٍ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿٢٥﴾ قَامَا الَّذِينَ كَفَرُوا
 أَفَلَمْ تَكُنْ أَهْلًا بِتُحْلِ عَلَيْهِمْ فَأَنْتُمْ كَبُرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُجْرِمِينَ
 ﴿٢٦﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْنَا مَا
 نَذُرُ بِمَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَبْشِرِينَ ﴿٢٧﴾

جاهلان است (۳۸) و خدا آسمانها و زمین را (ببازچه خلق نکرده بلکه) بحق آفریده است هر نفسی بی هیچ ستمی پاداش هر عملی که کرده است خواهد یافت (۳۹) (ای رسول) ما می نگری آنرا که موای نفس را خدای خود قرار داده و خدا! اورادانسته (و پس از اتمام حجت) (گمراه ساخته) و مهر (قهر) بر گوش و دل او نهاده و بر چشم وی پرده ظلمت کشیده پس او را بعد از خدادیگر چه کسی هدایت خواهد کرد آیا متذکر این منسی نمیشوید (که جز راه خدا پرستی دیگر همه گمراهی است) (۴۰) کافران گفتند که زندگی ما جز همین نشئه دنیا و مرگ و حیوة طیبیت نیست و کسی ما را نمی میراند (حشر و نشر و قیامت نمیخواهد بود) و این سخن نه از روی علم و دلیل بلکه از روی وهم و خیالی می گویند (۴۱) و چون آیات و ادله روشن ما بر آن کافران تلاوت شود (و بادل عقل معاد و قیامت بر آنها محقق گردد) دیگر حجت و عذری نداشته جز اینکه گفتند اگر راست می گوئید پدران ما را زنده کنید (۴۲) ای رسول در جواب آنها بگو خدا بمیراند و باز زنده کند پس تمام شمار اجمع گرداند برای روز قیامت که آن روز بی شک و ریب بیاید ولیکن اکثر مردم نمی دانند (۴۳) آسمانها و زمین همه ملك خداست روزی که ساعت قیامت بر پا شود آن روز اهل باطل و منکران معاد زبانکار خواهند بود (۴۴) و در آن روز هر گروهی را بنگاری که بزانو در آمده (که از وحشت قوت ایستادن بر آنها نمانده) و هر فرقه پسوی کتاب (و نامه عمل خود خوانده شود) (و ندا شود که) امروز همه بیاداش اعمال خود می رسد (۴۵) این کتاب ضبط ما بحق بر شما سخن می گوید که هر چه بد دنیا کرده اید همه را درست نگاشته ایم (و طبق آن بیاداش می رسد) (۴۶) اما آنانکه بخدا ایمان آورده و نیکو کار شدند آنها را خدا در رحمت خود داخل سازد که آن سعادت و فیروزی معلومی است (۴۷) و اما آنانکه بخدا کافر شدند (چون از شدت عذاب بنال دنیاها گوئیم) آیا بر شما آیات ما را تلاوت نکردند و شما تکبر و عیان کردید و مردمی بدکار و مجرم بودید (۴۸) و چون شما گفته شد که وعده خفا حق است و در قیامت هیچ شك و ریب نیست شما گفتید قیامت چیست نمی فهمیم پس خیالی پیش خود می کنیم و بان هیچ یقین نداریم (۴۹)

وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتٍ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ ۝
 وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسِفُكُمْ كَمَا نَسَفْنَا لُوطًا يَوْمَكَ هَذَا وَمَا وَكُنَا لِلنَّاسِ
 وَالْكَافِرِينَ نَاصِرِينَ ۝ ذَلِكُمْ يَذَّكَّرُ أَنْ تَنْكُرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَمَا وَكُنَّا بِكُمْ
 أَتَجْوَدُ الَّذِينَ يَأْتُونَ الْبُيُوتَ لَا يَخْرُجُونَ مِنْهَا وَلَا لَهُمْ يَسْئَلُونَ ۝
 عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝
 وَلَهُ الْكِبَرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

سُوْرَةُ الْاَنْعَامِ مَكِّيَّةٌ مِنْ ثَلَاثِينَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ثُمَّ نَزَّلَ الْكِتَابَ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّتَّيٍّ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 عَمَّا أَنْزَلُوا مُعْرِضُونَ ۝ قُلْ آيَاتُهُمْ مَتَدَّعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
 أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ شُكُّونَ
 يُكَيِّبُ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ آثَارُهُمْ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝
 مَنْ أَضَلُّ لِمَنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ
 الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ۝ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا
 لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ۝ وَإِذَا سُئِلُوا إِنَّمَا
 بَيِّنَاتٌ قَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا لَئِنْ لَمْ يَنْجِئْنَا هَذَا بَحْرُ مَبِيتٍ ۝

و در آن هنگام بر آنان (نتیجه) اعمال بدشان پدید آید و عذابی که به آن تسخیر میکردند به آنها احاطه کند (۳۳) و با آنها بقر و عتاب خطاب شود که امروز ما شما را از رحمت خود فراموش میکنیم (یعنی محروم میسازیم) چنانکه شما در دنیا ملاقات این روز نخست را فراموش کردید اینک منزل شما آتش دوزخ است و بر نجات خود هیچ یار و یابوری ندارید (۳۴) این عذاب شما کفر آنست که به آیات خدا (و دعوت رسول حق) تشخیر گردید و مفرور زندگانی دنیا شدید پس کافران امروز از آتش دوزخ هیچ رحمتی ندارند و هیچ عذرتی به ایشان نپذیرند (۳۵) باری ستایش و سپاس مخصوص خداست که بیکنائی آفریننده آسمانها و زمین و همه جهانهای بی نهایت است (۳۶) و مقام جلال و کبریائی در آسمانها و زمین مخصوص اوست و ادیگنا خدای مقتدر حکیم است (۳۷)

سوره احقاف در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۴۵ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

هم (قسم بخدای حمید مجید) (۱) تنزیل این قرآن (عظیم) از جانب خدای مقتدر حکیم است (۲) آسمانها و زمین و آنچه بین آنها است جز بحق (و برای حکمت و مصلحت خلق) و جز در وقت معین نیافریده ایم و آنانکه کافراندا هر چه پند و اندرزشان کنند روی میگردانند (۳) ای رسول ما (مفرکان را) بگو جر خدا همه آن پنهانی که بخدائی میخواهید بمن نشان دهید که آیا در زمین چیزی آفریده اند یا شرکتی با خدا در خلقت آسمانها دارند یا از کتب آسمانی پیشین دلیلی بر خدائی بنان دارند یا کمتر اثر و نشان پروردستی مقیده شرک یافته اید اگر راست میگوئید بر من بیاورید (۴) و کیست گمراه تر از آنکه جز خدا کسی را بپرستد که هیچ در حوائج تا قیامت او را اجابت نکند و از هر چه بخواهدش خود ببخیر باشد (۵) و چون در قیامت خلق محشور شوند آنجا معبودان باطل با مشرکان دشمن و از پرستش آنها بیزارید (۶) و هر گاه آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند کسانی که بخدا کافرند گویند که این کتاب سحر آشکار است (۷)

اَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ قُلْ اِنْ اَفْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا
 هُوَ اعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَرٍ وَبَيْنَكَرٍ وَهُوَ الْعَفُوُّ
 الرَّحِيمُ قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا اَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا
 بِكُمْ اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوْحٰى اِلَيَّ وَمَا اَنَا اِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ١٠ قُلْ
 اَرَأَيْتُمْ اِنْ كَانَ مِن عِندِ اللَّهِ وَكَفَرُوا بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ
 بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ قَامَنَ وَاسْتَكْبَرَ ثُمَّ اَنزَلْنَاهُ اِلَى الْغَوِيِّ
 الظَّالِمِينَ ١١ وَقَالَ الَّذِي كَفَرُوا لِلَّذِينَ اٰمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا
 سَبَقُونَا بِالْاَلْبُومِ وَاِذْ اٰمَنَّا بِهِ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَعْلَمُ لَوْ كُنَّا نَعْلَمُ
 ١٢ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسٰى اٰمَنَّا وَرَحْمَةً وَهٰذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ
 لِّمَا نَاغُرِبُنَا لِبَنِي اِسْرٰءِيْلَ وَالَّذِيْنَ ظَلَمُوا وِبَشْرٍ لِّلْحَسَنِيْنَ ١٣ اِنَّ الَّذِيْنَ
 قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْهَمُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
 ١٤ اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِيْنَ فِيْهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُونَ
 ١٥ وَوَضَعْنَا لِلْاِنْسَانِ يُوْلٰٓئِكَ اِخْسًا اَنَّا جَعَلْنَاهُ اُنْثٰى كَرِهًا مَّا
 وَضَعْنَاهُ كَرِهًا مَّحَلًّا وَفَصَّلَالَهُ ثَلٰثُونَ شَهْرًا حَتّٰى اِذَا بَلَغَ
 اَشَدَّهُ وَبَلَغَ اَرْبَعِيْنَ سَنَةً قَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِيْ اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ
 الَّتِيْ اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ
 وَاصْلِحْ لِّيْ ذَرْبِيْ اِنِّيْ بُذِرْتُ اِلَيْكَ وَارْتَبِطْتُ مِنَ الْمَسٰلِكِ ١٦ اُولٰٓئِكَ

یا کافران می گویند که محمد (ص) خود این آیات قرآن را یافته است
 ای رسول در جواب آنها بگو اگر این قرآن را من خود یافته باشم (خدا مرا
 عذاب می کند و شما از قهر خدا هیچ قدرت بر نجات من ندارید و او با فکاری که
 در آن فرو می ریزد دانای تر است) و گواه میان من و شما هم او کافی است اوست
 خدای آمرزنده مهربان (۸) ای رسول ما امت را بگو من از بین رسولان
 اولین پیغمبر نیستم که تازه در جهان آوازه رسالت بلند کرده باشم (تا تعجب
 و انکار کنید) و نمی دانم که بامن و شما عاقبت چه می کنند من جز آنچه حق
 می شود پیروی نمیکنم و جز آنکه با بیان روشن خلق را آگاه کنم و از خدا
 بترسانم وظیفه ای ندارم (۹) (ای رسول باز) بامن کفران قرآن بگو چه تصور میکنند
 اگر از جانب خدا باشد و شما بآن کافر شوید در سودتی که از بنی اسرائیل شاهی
 (چون عید الله سلام عالمی) بر مثل قرآن گواهی دهد و ایمان آورد و شما تکبر ورزید
 آری البته خدا مردم ستمکار را هدایت نخواهد کرد (۱۰) و کافران باطل
 ایمان گفتند اگر دین اسلام بهتر (از بت پرستی) بود مردم فقیر ذبونی در
 ایمان بآن بر ما سبق نمیبردند و چون بقرآن هدایت میشوند خواهند گفت که
 این کتاب در وقتی از گفتار پیشینیان است (۱۱) کو پیش از قرآن کتاب تورات
 بر موسی که امام و پیشوای مهربان خلق بود نازل گردید و این کتاب بمصدق
 کتب آسمانی پیشین بزبان فصیح عربی نازل شده تا ستمکاران عالم را
 (از عذاب خدا) بترساند و نیکو کاران را بشارت دهد (۱۲) آنانکه گفتند
 آفریننده ما خداست و بر این سخن پایدار و ثابت ماندند بر آنها هیچ ترس
 و بیمی و حزن و اندوهی در دنیا و عقبی نخواهد بود (۱۳) آنان اهل بهشتند
 و بیادش اعمال نیک همیشه در بهشت ابد مغلد خواهند بود (۱۴) کوما انسان را
 با حسان در حق پدر و مادر سازش کردیم (یاد کند که) مادر (نه ماه چگونگی) با
 رنج و زحمت بار حمل کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نمود و سی ماه تمام مدت
 حمل و شیر خواری بود تا وقتی که طفل بعد از شش رسید آدمی چهل ساله گشت (و غفل
 و کمال یافت) آنگاه سزد که عرش کند خدا یا مرا بر نعمتی که بمن و پدر
 و مادر من صلا فرمودی شکر بیاموز و بکار شایسته ای که رضا و خشنودی تو
 در اوست موفق دار و فرزندان مرا صالح گردان بار الهام من بدرگاه تو بده
 باز آمدم و از تسلیمان فرمان تو شدم (۱۵) این بند گانند

الَّذِينَ سَقَبَلْتَهُمْ لَخَسَنَ مَا عَمِلُوا وَتَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي
 خُطَابِ الْجَنَّةِ وَغَدَا يَصْدِقُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿١٦﴾ وَ
 الَّذِي قَالَ لَوْلَا إِلَهُي لَمَكَ آتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَيْتُ
 لِقُرُونٍ مِنْ قَبْلِي هُمَا يَسْتَفْهِتَانِ اللَّهَ وَبَلَكَ الْإِمْثَانُ وَعَدَ
 اللَّهُ حَقًّا قَبُولَ مَا هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٧﴾ وَلَئِنَّكَ الْدِّينُ
 حَقٌّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلَقْتَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
 ثُمَّ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿١٨﴾ وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ عَمَلُوا وَلِيُوفِّيَهُمْ أَتَمَامُ
 لَهُمْ لَابْظُلْمُونَ ﴿١٩﴾ وَرَبُّهُمْ يَفْرُغُ لَدَيْنَكَ فَتَرَوْا عَلَى الشَّارِ
 أَوْ هَبْنِمْ طَبِيبًا يُكَفِّرُ فِي حَيَاتِهِمُ الدُّنْيَا وَاسْمَعْنِمْ هَاهُنَا قَالُومٍ
 تَجْرُونَ عَذَابَ الْمَوْتِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ
 الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِذْ كُنَّا خَاطِئِينَ إِذْ أَنْذَرْنَا قَوْمَهُ
 بِأَلْحَقَائِهِمْ وَقَدْ خَلَقْنَا لِقَاءَ رَبِّهِمْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ
 أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنْ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٢١﴾
 قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَاكِفًا عَنْ الْهَيْبَةِ فَإِنَّا بِمَا تَعْبُدُنَا أَنْ كُنْتُمْ مِنَ
 الصَّادِقِينَ ﴿٢٢﴾ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ
 بِهِ وَلَكِنِّي أَرَىكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿٢٣﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلًا
 أُوذِيَ عَلَيْهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُطَرٌّ نَابلٌ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رُبُّكُمْ

که بنیکوترین اعمال خود مقبول در گاه ماشده و از گناهانشان می گذریم و داخل اهل بهشت می گردانیم این وعده صدقی است که بآنها در (قرآن) بشارت داده اند (۱۶) و (چقدر ناخلف است) فرزندی که پدر و مادر را گفت اف بر شما باد بمن وعده می دهید که پس از مرگ مرا زنده کرده و از قبر بیرون می آورند در صورتی که پیش از من گروه و طوایف بسیار رفته (و یکی باز نیامد) آنگاه پدر و مادر بخدا استغاثه کنند (که پروردگارا تو فرزند ما را هدایت کن) و باو گویند وای بر تو بخدا ایمان بیاار البته وعده خدا بر حق و حقیقت است باز آن نااهل فرزند گوید این سخنان جز افسانه و اوهام پیشینیان نیست (۱۷) اینان در میان طوایف بسیاری از جن و انس که از این پیش بکفر مردند کسانی هستند که وعده عذاب خدا بر آنها حتم است و اینها بحقیقت زیانکاران عالمند (۱۸) و برای تمام (مردم مؤمن و کافر) به مقتضای اعمالشان در جانی معین است و همه بپاداش اعمال خود کاملاً می رسند و هیچ ستمی بآنها نخواهد شد (۱۹) کو روزی که کافران را بر آتش دوزخ منوجه سازند (فرشتگان عذاب بآنها گویند) شما لذات و خوشبختیها را در زندگانی دنیا بشهوت دانی و عیان بردید و بدان لذات دنیوی برخوردار بودید پس امروز بمذاب ذلت و خواری محازات میشوید چون در زمین بناحق (ظلم و) تکبر کردید و راه فقر و ته کاری پیش گرفتید (۲۰) و پادار ای رسول حال هود پینمبر قوم عاد را که چون دوسر زمین احقاف امتش را وعظ و اندرز کرد و (از فخر خدا) بترسانید و پیش از هود و بعد از او هم بسیار پیمبر بر انداز خلق آمد باری هود قومش را گفت هرگز جز خدا کسی را نپرسید که من بر شما از عذاب روز بزرگ قیامت می ترسم (۲۱) قوم هود در پاسخ گفتند آیا تو آمده ای ما را از پرستی بتان که خدایان ما هستند منع کنی پس تو زود وعده عذابی که بها بر بت پرستی مبدی بیاار اگر راست می گویی (۲۲) هود در جواب گفت من آگه نیستم که وعده عذاب کی خواهد بود علمش نزد خداست و من آنچه را که بر آن رسالت داشتم شما ابلاغ کردم ولیکن شما را بسیار مردم نادانی می بینم (۲۳) پس چون آن عذاب را بشکل ابری دیدند که بر روی خانه هاشان روی آورد (شادمان شدند) و گفتند این ابری است که بر ما باران می بارد (هود گفت چنین نیست) بلکه اثر عذاب است که به تعجیل درخواستید این باد سختی است که در آن شما را

فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ١٤ تَذَكَّرْ كُلُّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا بَرَىٰ إِلَّا
 مَا كُنتُمْ كَذَلِكَ تَجْزِي الْقَوْمَ الْحَرِمِينَ ١٥ وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ
 فِيهَا أَنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً
 فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ
 كَانُوا يَجْعَدُونَ يَا أَيُّهَا اللَّهُ دَخَلْ بِهِنَّ مَا كَانُوا يَدْعُونَ ١٦
 وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا هَوْلَكُمُ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَفْنَا الْأَيَّامَ لَعَلَّهُمْ
 يَرْجِعُونَ ١٧ فَلَوْلَا نَصْرُكَ يَا إِلَٰهَ الْدِّينِ إِنَّا لَنَدُوُّنَ اللَّهَ قُرْبَانًا
 إِلَٰهًا بَلْ صَلَّوْا عَنْهُمْ وَذَلِكَ أَفْكَهُمْ وَمَا كَانُوا بِغَفُورِينَ ١٨
 وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْيَمِينِ يَسْمَعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوا
 قَالُوا أَفَتَصْنَعُوا فَلَمَّا قُضِيَ تِلْكَ إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ١٩ قَالُوا يَا قَوْمُنَا
 إِنَّا نَسْمَعُ كَمَا بَا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ
 فَهَذَا إِلَىٰ الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ٢٠ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ
 آمِنُوا بِهِ يُغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَتُجْرِكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ٢١ وَمَنْ لَا
 يُجِيبِ لِلَّهِ فَلْيَنْسَ تَجْزِي فِي الْأَرْضِ لَنْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أُولَٰئِكَ
 أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ٢٢ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضَ لَمْ يَتَّخِذْ خَلْقَهُنَّ بَيَادِرَ عَلَىٰ أَنْ يَجْعَلَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ
 عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢٣ وَكَوَيْتُمْ نَعْرُضَ الدِّينِ كَفَرُوا عَلَىٰ الْمَنَارِ الْبَرِّ

عذاب دردناك است (۳۴) این بادبست که هر چیزی را بامر خدا نابود و هلاك میسازد پس شی شیص کردند که (همه قوم عاد هلاك باد شدند و) جز خانه های (ویرانه) آنها اثری از آنان باقی نماند بلی ما بدینگونه قوم بدکار را مجازات می کنیم (۳۵) او به قوم عاد تمکین و قوتی دادیم که شما امت را چنان نیروی بدنی ندادیم و با آنکه بر آنها گوش و چشم و قلب مدرك قرار دادیم هیچ این قوای مدد که آنها را از عذاب نرسانید به منجبت که آیات خدا را انکار می کردند و آنچه را که استنیز کردند با آنها فرا رسید (همه هلاك شدند) (۳۶) و ما چه بسیار اهل شهر و دیار را که در اطراف شما بودند (بکیفر گرفت) همه را هلاك کردیم و آیت عرت برای مردم گردانیدیم تا مگر (از کفر و گناه) بدرگاه خدا بازگردند (۳۷) پس چرا جز خدا معبودانی که به آنها تقرب می جستند آنها را یاری نکردند بلکه از نظرشان محو و نابود شدند و خدای آن بها سخنان بی حقیقت دروغی بود که خود می یافتند (۳۸) ای رسول ما یاد آر وقتی را که ما تنی چند از حنیان را مترجه تو گردانیدیم تا استماع آیات قرآن کنند چون نزد رسول رسیدند با هم گفتند گوش فرا دهید (تا آیات خدا بشنوید) چون قرائت تمام شد ایمان آوردند و بسوی قومشان برای تبلیغ و هدایت باز گردیدند (۳۹) او گفتند اچایفه ما گروه حنیان (آیات کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده بود در حالی که کتب آسمانی توریة و انجیل را که در مقابل او بود برآستی تدبیر میکرد و خلق را بسوی حق و طریق راست هدایت می فرمود) (۴۰) اچایفه ما شما هم (مانند ما) دعوت خدا را اجابت کنید و باو ایمان آرد تا خدا ارگناهان شما درگذرد و شما را از عذاب دردناك (قیامت) نگاه دارد (۴۱) و هر که ادای حق را اجابت نکند در زمین مقر و پناهی از قهر خدا نخواهد یافت و جز او هیچ یار و یاورى نخواهد داشت و چنین کسان (که براء حق نیایند) دانسته در ضلالت و گمراهی هستند (۴۲) آیا کافران ندیدند که خدائی که آسمانها و زمین را آفرید و هیچ فرو نماند البته هم او قادر بر آنست که مردگان را باز زنده کند (و نیکوید خلق را پاداش دهد) که البته او بر هر چیز قادر است (۴۳) و روزی که کافران را بر آتش فوزخ عرضه کنند (و چون آتش را بچشم به بینند با آنها گویند)

هَذَا بِأَيِّ حَقٍّ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ رَتَبْنَا غَالَ قَدُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
 ﴿١٥﴾ فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ
 لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَوْ يَلْبِسُونَ إِلَّا سَاعَةً مِّنْ
 نَّهَارٍ بَلَاغٌ قَهْلٍ هُنَالِكَ الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١٦﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ أَصْلَ أَعْمَالِهِمْ ﴿١٧﴾
 الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ
 هُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ كَفَرَتْ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ﴿١٨﴾ ذَلِكَ
 بَيِّنَاتٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا وَاتَّبِعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ
 مِن رَّبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ﴿١٩﴾ قُلْ إِذَا لَقِيتُمُ
 الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبُ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا الْخَنَاقَةُ مِّنْهُمُ فَشَدُّوا الرُّقَابَ
 فَإِنَّمَا مَتَابَعْدُ وَإِنَّمَا فِدَاءٌ حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَ
 لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَا تَضَرَّوهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ الَّذِينَ
 قَبِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ سَبِّحْهُمْ وَبُصِّلْ بَالَهُمْ
 وَبَدِّخْهُمْ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ ﴿٢٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا
 اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُخْرِجْ أَعْدَاءَكُمْ ﴿٢١﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَاقْتُلُوا

آیا این وعده دوزخ حقیقت نبود گویند بلی پروردگارا حق بود (افسوس که ما ایمان نیاوردیم) خدا گوید پس امروز به کیفر کفرتان سختی عذاب دوزخ را بجشید (۳۴) ای رسول ما بگویم مانند پیغمبران اولوالعزم (ذریع تبلیغ مین خدا و تجمل از امت) سیور باش و بر امت عذاب تمجیل میکن تا روزی که آنچه وعده داده شده به چشم ببینند آنروز پندارند که (دردنبا) به جز ساعتی از روز درنگ نداشتند این قرآن تبلیغ رسالت (و انعام جتنی) است بر تمام خلق تا مردم ارشورت و مصیبت (براه طاعت و عبادت باز آیند) پس آیا (بقیامت) (جز مردم شهوت پرست) فاسق هیچکس هلاک نخواهد شد (۳۵)

سورة محمد در مدینه نازل شده و مشتمل بر ۴۸ آیه میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

آنانکه بخدا کافر شدند و راه دین خدا را بر خلق بستند اعمال آنها تباه و باطل خواهد شد (۱) و آنان که بخدا گرویدند و نیکو کار شدند و بقرآنی که بر محمد نازل شده که البته بر حق و از جانب خدا بود ایمان آوردند خدا ارگانه ایشان در گذشت و امر (دنیا و دین) شان را اصلاح فرمود (۲) این کافران پیرو (عقاید) باطل گردیدند و اهل ایمان پیرو قرآن حق که از جانب خداشان نازل گردید شدند اینگونه خدا تمثال حال مردم را بیان می کند (۳) شما مؤمنان چون با کافران روبرو شوید باید آنها را گردن زند تا آنکه از خونریزی بسیار دشمن را از پا در آورید پس از آن اسیران جنگ را محکم ببند کشید تا بعداً او را آزاد گردانید یا فدا گیرید تا (در نتیجه) جنگ سختیهای خود را فرو گذارد این حکم فعلی است و اگر خدا مستحسنت خود از کافران انتقام می کشید (و همدا بیزحمت جنگ شما) هلاک می کرد ولیکن (این جنگ کفر و ایمان) برای امتحان خلق بیک دیگر است و آنانکه در راه خدا کشته شدند خدا هرگز رنج و اعمالشان را ضایع نکردند (۴) و آنها را البته براه سعادت عدایت کند و امورشان را اصلاح فرماید (۵) و در بهشتی که قبلاً بمنزل و مقام ایشان همدا نشاناسا کرده و زد کند ای اهل ایمان شما اگر خدا را یاری کنید خدا هم شما را (همجا) یاری کند و (در جنگها فاتح سازد و بر حوادل) ثابت قدم گرداند و آنانکه بخدا کافر شدند

فِي أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ۖ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنزِلَ اللَّهُ فَاحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ
 أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ
 وَفَرَّ اللَّهُ عَنْهُمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهُمْ ۖ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُم كَرِهُوا مَا أُنزِلَ اللَّهُ
 فَاحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ۖ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنزِلَ اللَّهُ فَاحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ
 وَتَعْمَلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 يَتَّقُونَ وَيُكَاوِنُونَ كَمَا نَاكُلُ الْأَنْهَارُ مِنَ النَّارِ وَسُيِّرُوا لَهُمْ ۖ وَكَانَ مِنْ
 قُرْبِهِمْ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قُرْبَيْكَ الْبَاقِي أَخْرَجَكَ أَهْلُ كَلَامِهِمْ
 فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ أَقْبَنَ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ دِينِهِ كَمَنْ زَيْنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ
 وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۖ كَمَثَلُ الْجَنَّةِ الْبَاقِي وَعِدَّ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ
 مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَذْوٍ
 لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ
 الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً
 حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ۖ كَمَنْ مِنْهُمْ مَنْ يَسْمَعُ الْبَلَاءَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ
 عِندِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُدْعُوا إِلَى الْعِلْمِ مَاذَا قَالَ أَتَقْنَأُ ذَٰلِكَ الَّذِينَ
 طَعِبَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۖ وَالَّذِينَ هُمْ يُدْعَوْنَ
 هُمْ يَسْتَعْصِمُونَ ۖ فَهُمْ يُنْظَرُونَ ۖ وَلَا تَأْتِيهِمْ
 بَغْتَةً فَتَبْغَتْ ۖ أَشْرَاطُهَا قَاتِلَةٌ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذُكِرْتُمْ ۖ

تا بود و هلاک شوند و خدا اعمالشان را ضایع و باطل سازد (۸) این بدان سبب است که آنها از قرآنی که خدا نازل فرمود کراهت و اعراض داشتند پس خدا اعمالشان را مسمو و نابود فرمود (۹) آیا در زمین بسیر و سفر نمی‌روید تا ببینم خود عاقبت حال پیشینیان را مشاهده کنید (۱۰) که چگونه آنان را خدا هلاک کرد این کافران هم مانند آنان هلاک میشوند (۱۱) معصیان خدا یار و مولای مؤمنان است و کافران هیچ مولا و یاری ندارند (۱۲) البته خدا آنان را لکه ایمان آورده و نیکو کفو شوند در بهشتی که ز پرده عتابش نهرا جاریست داخل گرداند و آنانکه براه کفر شتافتند بنمناز و شهوت دانی و شکم پرستی مانند حیوانات پرداختند عاقبت منزل آنها آتش دوزخ خواهد بود (۱۳) چه شهرهای بسیاری که از شهر مکه وطن تو که از آن کفار خارجت کردند محکم بنیان تر بود ما اهلش را هلاک کردیم و بر نجاتشان هیچ یاری نداشتند (۱۴) آیا آنکس که از خدای خود حاجت و برهانی (مانند قرآن) در دست دارد مانند کسان نیست که (از جهل و نادانی) عمل زشتان در تزلزل و بیجا جلو کرده و پیرو هوای نفسانی خود شدند (۱۵) داستان بهشتی که بستیان در دنیا وعده دادند اینست که در آن باغ بهشت نهراهایی از آب ذلال گوار است و نهراهای شیرین آنکه هر گز طعمش تغییر کند و نهراهای شراب (ناب) که نوشند گوار است بعد کمال لذت بخشد و نهراهای فصل صافی و تمام انواع میوهها بر آنان میبارد (فوق همه) منفرت (و لطف) پروردگار آیا حال آنکه دوا این بهشت ابد است مانند کسی است که در آتش مغلل است و آب جوشنده جهنم نوشند تا اندرون شان را پاره پاره گردانند (۱۶) و پستی از مردم (منافق) بگفتار و کاملاً گوش می‌دهند تا وقتی که از حضورت خارج شوند با اهل علم اصحاب بتسمی و اهانت میگویند رسول باز از سر نو چه گفت (و معنی کلامش چه بوده ما که از گفتارش چیزی نمی‌فهمیم) اینان هستند که خدا بر دلهاشان مهر قهر نهاده و پیرو هوای نفس خود گردیدند (۱۷) و آنان که (بگفتار) هدایت یافتند (لطف) خدا بر هدایت و ایمانشان پیفزود و پاداش فتوای آنها عطا فرمود (۱۸) کافران که ایمان نمی‌آورد پس باز اعتظاری دارند جز آنکه ساعت قیامت فرا رسد که شروط و علامت قیامت بسیاری پدید آمد و پس از آنکه قیامت بیاید در آن حال ندگر و ندانان چه فایده بخشد (که ایمان پیش از مرگ بکار آید) (۱۹)

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُنْقَلَبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ ۖ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا
لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذِكْرُهَا فِيهَا الْقِتَالُ
رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ فَتَظُنُّ الْمَغْشَىٰ عَلَيْهِ
مِنَ الْوَيْلِ كَأَنَّهُمْ ۖ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ
الْأَمْرَ فُلُوصَدَقُوا اللَّهُ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ۖ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ
تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفِيدُوا فِي الْأَرْضِ تَقْطَعُوا أَرْحَامَكُمْ ۖ أُولَٰئِكَ
الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَاصْتَمَتْهُمْ وَأَعْوَىٰ أَبْصَارُهُمْ ۖ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ
الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ قَضَالٌ ۖ إِنْ الَّذِينَ ارْتَدَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ
مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَشَيْطَانٌ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ
ۖ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ
فِي بَعْضِ الْأُمُورِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَسْرَارَهُمْ ۖ فَكَفَّتْ إِذَا تَوَقَّعْتَهُمُ
الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ۖ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا
مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ ۖ فَاجْتَبَطُوا عَمَلَهُمْ ۖ وَآمَحَسَبَا
الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ ۖ وَلَوْ أَنَّهُ
لَا رِبَا لَكُمْ فَاتَّعَرَفْتُمْ بِسِيَمَاهُمْ وَلَتَعَرَفْتَهُمْ فِي سَحْنِ الْقَوْلِ ۖ وَاللَّهُ
يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ۖ وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ تَعْلَمَ الْجَاهِدِينَ مِنْكُمْ ۖ

بازم بدانکه هیچ خدائی جز خدای یکتا نیست و تو بر گناه خود و برای مردان و زنان با ایمان آمزش طلب و (بدان که) خدا منازل انتقال شما به عالم آخرت و مسکن همیشه گی شما را می داند (۳۹) و مؤمنان میگویند چه شده که سوره (در حکم جهاد کفار) نازل نشد در صورتی که چون سوره محکم و سریع آمد و در آن ذکر جنگ باشد حال آنان را که دلهایشان مریض (نفاق) است بنگرفی مانند کسی که از ترس حال بیپوشی بر او دست می دهد در تو نگام میکنند (آری مرگ و هلاک) بر آنها ساز و اوار تر است (۴۰) راه سعادت طاعت خدا و گفتار نیکو است و پس از آنکه امر (دین) با کار جنگ) بزم و لزوم پیوست اگر (منافقین) کلام خدا را تصدیق کنند بر آنها (دو کار دین و دنیا) بهتر خواهد بود (۴۱) شما منافقان اگر از فرمان خدا و اطاعت قرآن روی بگردانید یا در زمین فساد و قطع رحم کنید بازم امید (نجات) دارید (۴۲) همین منافقانند که خدا آنها را لعن کرده و گوش و چشمان را کر و کور گردانید (تا بجهل و شقاوت بپیرند) (۴۳) آیا منافقان در آیات قرآن تفکر نمیکنند یا بر دلهایشان خود قفلها (ی جهل و نفاق) زده اند (۴۴) آنانکه پس از بیان شدن راه هدایت بر آنها باز بدین پشت کرده و مرتد شدند شیطان کفر را در نظرشان جلوه گس ساخت و با مال و آرزوهای دواز فریشان داد (۴۵) این برگشتن از دین برای آن بوده که (آن منافقان) که بدشمن قرآن (پنهانی) گفتند ما البته با شما بر مخالفت محمد تا بتوان موافقتی کنیم و خدا بر اسرار نهانشان آگاهست (۴۶) پس با چه حال سختی رو برو شوند هنگامی که فرشتگان (عذاب) جانیشان بگیرند و بر روی و پشت آنها (تازیانه تهر) زنند (۴۷) بدین سبب که از پی راهی که موجب عشم خداست رفتند و راه رضا و خوشنودی او نپیمودند خدا هم اعمالشان را محو و باطل گردانید (۴۸) آیا آنانکه در دل مرض (نفاق پنهان) دارند پندارند که خدا کیفت درونی آنها را بر اهل ایمان آشکار نمیسازد (۴۹) ای رسول اگر ما میخواستیم حقیقت را بوحی بر تو آشکار می ساختیم تا ببایان آنها از سبمای ظاهرشان پی برده و در طی سخن کاملاً بیفکاسی و خدا بنهم کارهای شما پندگان آگاهست (۵۰) و البته ما شما را در مقام امتحان می آوریم تا آنکه در راه خدا مجاهده و نوشی دارد

الضَّالِّينَ وَنَبَلُوا أَخْبَارَكُمْ ۖ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ
سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرُّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ
يُضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَجُطَ أَعْمَالُهُمْ ۖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا
اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرُّسُولَ وَلَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ ۖ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ تَابُوا وَهُمْ كَافِرَاتٌ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ
لَهُمْ ۚ فَلَا يَهْنَأُ وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ
وَلَنْ يَزِيدَكُمْ أَعْمَالَكُمْ ۖ إِنَّمَا الْحُجُوهُ الَّذِينَ عَابُوا وَلَهُوَ إِنْ
تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْزِرَكُمْ أَجُورَكُمْ وَلَا يَسْتَلِكُمْ أُنُوفُ الَّذِينَ
يَسْتَلِكُوا مَا فَهَمُومٌ يُفْضَلُوا وَيُخْرِجُ أَضْغَانَكُمْ ۖ مَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ
تَدْعُونَ لِلْغَيْفِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنَّكُمْ مَنْ يَفْعَلُ وَمَنْ يَقُولُ مَا
يَفْعَلُ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَفِيُّ وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَسْلُوا
لَسَيَبْدِلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ ۖ

سورة الفتح مد وهي تسع وعشرون آيات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا قَاتَعْنَاكَ فَمَا يُبْدِيكَ ① لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ
وَمَا تَأَخَّرَ وَبِئْسَ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ②
وَيُصْرِكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا ③ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ التَّوْرَةَ فِي قُلُوبِ

(بر رنج آن صبری کند مقامش معلوم سازیم و اخبار و اظهارات شما را هم بیازماییم) (۳۹) آنان که بعدها کافر شدند و راه خدا را بر روی خلق بستند و با رسول او پس از آنکه راه هدایت بر آنها روشن شد باز مخالفت کردند (بدانند که) بعدها ضرری ننمیرسانند زبان و مخالفت بر خود آنها است و اعمال آنها را خدا البته محو و نابود می گرداند (۴۳) اهل ايمان خدا را اطاعت کنید و رسول او را اطاعت کنید و اعمال خود را ضایع و باطل نگردانید (۴۳) آنان که بعدها کافر شدند و از حسد و عناد راه خدا را بر روی خلق بستند و بحال کفر مردند دیگر اید خدا آنها را نخواهد بخشید (۴۴) پس شما اهل ايمان در کار دین سستی روا معدادید و (از ترس جنگ کافران را دعوت به صلح میکنید که شما بر کفار غالب و بلند مقام تر خواهید بود و خدا با شماست و از اعمال شما هیچ نسی کاهد (۴۵) و بدانید که) زندگانی دنیا جز بازیچه و موسرانی نیست و اگر بعدها ايمان آردید و پرهیز کار شوید پاداش اعمال شما را (در بهشت اید) خواهد داد و از اموال شما چیزی (زود هدایت) نمیخواهد (۴۶) و اگر از مال شما خدا چیزی با سر ایدم بخواد باز بخل میبوزید و گینه و خبیث درونی شما را آشکار میسازد (۴۷) آری شما همان مردمید که برای اتفاق در راه (تبلیغ دین) خدا دعوت میشدید (تا خدا با شما صف مشافعی و عوض دهد) باز بعضی از شما بخل میبوزند و هر که در اتفاق بخل کند بر ضرر خود اوست (که از اجر و ثواب) خدا خود را محروم کرده (و گر نه) خدا از خلق فنی و بی نیاز است و شما فقیر و نیازمندید و اگر شما روی (از دین حق) بگردانید خدا قومی غیر شما که مانند شما بخیل نیستند بجای شما پدید آرد (از رسول اکرم) سؤال کردند مراد از آن قوم کیستند حضرت دست بر شانه سلمان فارسی زد و فرمود قوم این مرد که اگر علم در دنیا باشد رجال فارس بر آن دست یابند (۴۸)

سورة فتح در مدينه نازل شده و مشتمل بر ۲۹ آیه میباشد

بنام خداي بخشنده مهربان

(ای رسول ما مقدماتی که ما تو را بفتح آشکاری در عالم غیر و زمین گردانیم) که نه پس شهر مکه بلکه شهرهای عالم را فتح کنی (۱) تا از گناه گذشته و آیدند تو در گذریم (در اخبار از مصوم علیه السلام رسیده که پیغمبر را گناهی نیست و مراد کنان است و شیعیه بیان اوست) و منت خود را بر تو بعد کمال رسانیم و تو را برای مستقیم (شرع اسلام بوحی خود) هدایت کنیم (۲) و خدا ترا بنصرتی با عزت و کرامت یاری خواهد فرود (۳) اوست خدائی که سکینه و قادر دلهاى

الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ
 الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَكَفِّرَ
 عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ۝ وَبَعَثَ
 فِي الْأُمِّيِّينَ وَالْمَنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ الْمَشْرُوكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الْفَاطِنِينَ
 بِاللَّهِ ظَنَ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ
 وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَمَا تُكْتَسِبُونَ ۝ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ
 الْأَرْضِ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا
 مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۝ لِلْمُؤْمِنِينَ يَا اللَّهُ وَرَسُولِهِ وَتَعَزَّ رُؤُوسُ الْمُؤْمِنِينَ
 وَنَسَبُوهُمْ بِكُرَّةٍ وَأَصِيلًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ
 اللَّهَ بِاللَّهِ فَوَن أَبْدِيهِمْ مَن تَكُ فَإِنَّمَا يَتُكُّ عَلَى نَفْسِهِ
 وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝
 سَبَقُولَكَ الْخَافُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلَانَا
 فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِآلِئِنَّهُمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ
 بِكَرَمِ اللَّهِ فَهَنًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ
 اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْفَعِيَ الرَّسُولَ
 الْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ

مؤمنان آورد تا بر یقین و ایمان نماند و بفرزاید و گامقتر از آن که بودند گرداند و سپاه (قوای) زمین و آسمانها لشکر خداست و خدا به حکمت (نظام آفرینش) داناست (ج) (این فتح یا فزودن ایمان) برای آن بود که خدا میخواست مردان و زنان مؤمن را تا ابد در بهشت عالمی که زیر درختانش نهرها جاری است داخل گرداند و گناها نماند را تمام ببخشد و این به حقیقت نزد خدا فیروزی بزرگ است (ج) و نیز خدا خواست تا همه منافقان و مشرکان را (از مرد و زن به کیفر شرک و نفاق) عذاب کند که آنها بعد از گمان بودند در صورتی که (وعدۀ خدا سفاک است) روزگار به و هلاکت بر خود آنها بود و خدا بر آنان غم و لطمه کرد و چنانکه بسیار به منزلگاهی است بر ایشان مهیا ساخت (ج) و (بدانید که) سپاه (قوای) زمین و آسمانها لشکر خداست و خدا بسیار مقدر و پندیر نظام عالم داناست (ج) ما شخص تورا به عالم فرستادیم که شاهد نیک و بد است باشی و خلق را بطاعت و رحمت حق بشارت دهی و از قهر و عذاب او بترسانی (ج) تا تو خود با سالکان امت به خدا ایمان آورده و دین او را یاری کنی و به تنظیم جلالت صبح و شام تسبیح او گوئی (ج) ای رسول مؤمنانی که (در حدیث) با تو بیعت کردند به حقیقت با خدا بیعت کردند دست خداست بالای دست آنها پس از آن هر که نقض بیعت کند بر زیان و هلاک خویش به حقیقت اقدام کرده و هر که پیوسته که با خداست وفا کند فیروزی خدا باو پاداش بزرگ عطا خواهد فرمود (ج) اعراب پادیه که از حضورت در جنگها و در سفر فتح مکه تعلق میوردند برای مزد و ثمن خواهی گفت که ما را محافظت اعلییت و اموالمان از آمدن در رکابت باز داشت اینک از خدا برگناه ما آرزوی طلب این مردم منافق چیزی که هیچ بدل عقیده ندارند بزمان میآورند به آنها بگو اگر خدا اراده کند که ضرر یا نفعی بشما رساند آن چیست که خلاف آن کاری نتواند کرد بلکه خدا بهر چه می کنید آگاهست (ج) بلکه شما پنداشتید که رسول و مؤمنان باو بسوی وطن و اعلییت خود دیگر هرگز برنگردانند گشت این (خیال در دلهای شما) (بخدا) جلوه کرد و بسیار

ظَنُّ النَّوَى وَكَثُرُ قَوْمًا بَوْرًا ① وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا
 آخِذُونَ بِاللَّكَافِينَ سَجِيرًا ② وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِفَضْلِ
 لَيْلٍ نِشَاءً وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ③ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ④ سَبَّحُوا
 الْحَمْدَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَايِرِ لِنَا خُذُوا هَازِلًا وَنَاصِبًا
 يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ
 مِنْ قَبْلُ فَسَبِّحُوا لَهُ بَلْ تُتَّخَذُوا تَنَاوُلًا ⑤ أَلَا يُفْقَهُونَ إِلَّا
 قَلِيلًا ⑥ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْآخِرَةِ ابْتِغَاءٌ إِلَى قَوْمٍ أُولِي نَاسٍ
 شَدِيدٍ تُقَالُونَ لَهُمْ أَوْ يَكْبِتُونَ ⑦ فَإِنْ طُغِيَوا يُؤَذِّبُ اللَّهُ أَجْرًا
 حَسَنًا وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ⑧
 لَنْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرْضِيحِ
 وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 وَمَنْ يَتَوَلَّ يَعْذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ⑨ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ
 يُبَايَعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرِ فَعَلِمُوا مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ
 وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ⑩ وَمَغَايِرَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا
 حَكِيمًا ⑪ وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَايِرَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَ وَفَعَلَ لَكُمْ مِيزِينَ
 كَهَيْئَةِ آيَةِ الْنَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ
 صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ⑫ وَآخَرَى لَتَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ

کمان بدو اندیشه باطلی گردید و مردمی درخورد قهر و هلاکت پرورید (۹۳) و هر که بخدا و رسول و ایمان نیاورد ما هم بر آن کافران مذاب آتش دوزخ را مهیا ساختیم (۹۴) و ملک آسمانها و زمین همه خاص خداست او (از گناه کاران) هر که را بخواهد میبخشد و هر که را بخواهد عذاب میکند و خدا در حق بند گان بسیار آمرزنده و مهربان است (۹۵) کسانی که (در حدیبیه) تخلف کردند و همراهی باشما ننمودند باز چون برای (فتح خیبر و) گرفتن غنائم با آنها حرکت کنید بزرودی خواهند گفت بگذارید تا ما هم باشما بیعت کنیم غرضشان اینست سخن خدا را (که فرموده غنائم خیبر را تنها حاضران حدیبیه خواهند گرفت) تغییر دهند ای رسول در جواب آنها بگو شما بعقبت هرگز ما را پیروی نمی کنید خدا از این پیش در باره شما چنین خبر داده باز (آن مردم) خواهند گفت (چنین نیست) بلکه شما با ما حسد میورزید بلکه ایشان جز عده قلیلی همه (بی ایمان) و جامل و نادانند (۹۶) ای رسول با اعرابی که (از جنگ) تخلف کردند بگو بزرودی برای جنگ با قومی شجاع و نیرومند دعوت می شود که جنگ و مبارزه کنید تا وقتی که تسلیم شوند در این دعوت اگر اطاعت کردید خدا بشما اجر نیکو خواهد داد و اگر نافرمانی کنید چنانکه ازین پیش مخالفت کردید خدا شما را بمذابی دردناک معذب خواهد کرد (۹۷) بر ای شیعی ناپینا و مریض و لشک در تخلف از جنگ حرج و گناهی نیست و هر که خدا و رسول او را فرمان برد او را بیافغهای بهشتی داخل کند که زیر درختانش نهرها جاریست و هر که مخالفت کند بمذابی دردناک معذب میشود (۹۸) خدا از مؤمنان که زیر درخت (حدیبیه) باتو بیعت کردند بحقیقت عشتود گشت و از وفا و خلوص قایی آنها آگاه بود که وفار اطمینان کامل برایشان نازا فرمود و بقیعی نزدیک (که فتح خیبر بود) پاداش داد (۹۸) و بقیعیهای فراوان (که از خیبر بان) خواهند گرفت موفق داشت و خدا مقتدر و داناست (۹۹) خدا بشما وعده گرفتن غنیمتهای بسیار داده که این يك غنیمت خیبر) را برای شما تعجیل در انجام آن فرمود و دست شرمردم (کافر) را از سر شما کوتاه کرد تا آیت و دلیل اهل ایمان باشد و خدا شما را پراه راست هدایت فرماید (۴۰) و خدا بشما باز وعده غنیمتهای دیگری فرموده که هنوز بر آن قادر نیستند علم خدا محیط بر آنست

يَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ۝ وَلَوْ أَتَاكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا
لَوَلَا أَلَا دَارُورٌ لَا يُجِيدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ سَنُتِلَا اللَّهُ
الْبَقِيَّةَ قَدْ خَلَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ نُجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۝ وَهُوَ
الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِطَرْفِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ
أَنْ أَظْهَرَكُمُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ۝ لَمْ يَكُنْ الَّذِينَ
كَفَرُوا وَاصْذُكِرُوا عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهُدَى مَعَكُمُ أَنْ
يَبْلُغَ حِمْلَهُ وَلَوْلَا رِجَالُ الْمُؤْمِنُونَ وَالْيَأَى الْمُؤْمِنَاتُ لَمْ تَعْمَلُوا
أَنْ تَطَّوُّهُمْ فَضْطَبَّكُمُ مِنْهُمْ مَعْرَةً يُغَيِّرُ عَلَيَّ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي
رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَوَزَّيْنَا لَعَدَّ بَنَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا
أَلِيمًا ۝ وَجَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ
فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ
كَلِمَةَ الْقَوْلَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلُهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمًا ۝ لَقَدْ صَدَّقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الْرُّؤُوبَا بِأَلْحَقٍ لَنْدَخُلَنَّ الْجَنَّةَ
الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا
تَخَافُونَ فَعَلِمَا لَهُ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ۝
هُوَ الَّذِي رَسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ
كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ۝ تَحْمِلُ رُسُلُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَثْقَالًا

که خدا بر هر چیز (دانا و) تواناست (۴۱) و اگر کافران بر شما مسلمین
 بجنگ برخیزند از قتال شما پشت گردانیده و فرار کنند و دیگر هیچ
 ناصر و یآوری برای خود نیابند (۴۲) سنت الهی بر این بوده (که حق بر
 باطل غالب شود) و ابدا در این سنت خدا تغییری نخواهی یافت (۴۳) و
 او خدا نیست که دست شر کفار را از سر شما و دست شما را هم بر زمین
 مکه پس از فیروزیتان از سر آنها کوتاه کرد و خدا بهره‌مندی نکند آگاهست
 (۴۴) همانان بودند که بخدا کافر شدند و راه مسجد الحرام را بر شما
 بستند و هدی شما را از رسیدن بمنع خود (مکه) منع کردند و اگر مردان
 مؤمن و زنان مؤمنه که شما اکنون نمی‌شناسید (در مکه) وجود نداشت
 که اگر حمله کنید آنها را ندانسته با مال هلاک می‌سازید پس دیه و
 فراموشی خون آن مؤمنان بکردن شما میماند تا خدا هر که را بخواهد در
 رحمت خود داخل گرداند (و بنور اسلام هدایت کند) اگر شما عناصر کفر
 و ایمان از یکدیگر جدا می‌گشتید همانا آنان که کافرند به عذاب دردناک
 مذهب می‌ساختیم (۴۵) چون کافران در دلها ناموس و حمیت آسمی حمیت
 جاهلیت پروردند (که نگذاشتند در عهدنامه صلح حدیبیه کلمه بسم الله
 رسول الله بنویسند) که خدا وقار و اطمینان خاطر بر رسول خود و بر
 مؤمنان نازل کرد و آنان را با کلمه (اخلاص و مقام) تقوی ملازم کرد
 که آنها سزاوارتر (از دیگران) بر این مقام بودند و اهلیت آن داشتند
 و خدا بهمه امور عالم داناست (۴۶) البته خدا صدق و حقیقت خواب
 رسولش را آشکار و محقق ساخت که در عالم رؤیا دید شما مؤمنان البته
 به مسجد الحرام بادل ایمن وارد شوید (بعد از انجام وظایف حج) سرها
 بنراشید و اعمال تقصیر احرام بی‌ترس و هراس بجای آرید و خدا آنچه را
 شما ندانستید میدانست و قبل از آن (که فتح مکه کنید) فتح نزدیک
 (حدیبیه و خیبر) را مقرر داشت (۴۷) و خدا نیست که رسول خود (محمد)
 را با قرآن و دین حق بمال فرستاد تا او را بر همه ادیان دنیا غالب گرداند
 و بر حقیقت این سخن گواهی خدا کافیست (۴۸) محمد فرستاده خداست.

و یاران (همراهانش)

عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمًا يُبْهِنُهُمْ رَبُّهُمْ رُدًّا مُجْذِبًا يَبْنَونَ فَضْلًا مِنْ اللَّهِ وَ
 رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ الْجُوْدِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ
 وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى
 عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُخَيِّطَ لَهُمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ
 آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ١٩

سُورَةُ الْحَجَرَاتِ ثَمَانِي وَخَمْسُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْضُوا بَآئِنَ بَدِي اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَقْضُوا
 اللَّهُ إِنَّا اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ١ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ
 فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن
 تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ٢ إِنَّا الَّذِينَ يَعْصُونَ أَصْوَابَهُمْ
 عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ
 مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ٣ إِنَّا الَّذِينَ يَنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ
 أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ٤ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ
 خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ
 فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِمَجْهَالِكُمْ فَتَضْحَكُوا عَلَيْهِمْ
 فَصَلُّوا نَادِيًا ٦ وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ

بر کافران بسیار دل سخت و پیکه دیگر بسیار مشفق و مهربانند آنان را در حال رکوع و سجود نماز بسیار بنکری که فضل و رحمت خدا و خشنودی او را بدعا میطلبند بر رخسارشان از اثر سجده نشانها (ی نورانیت) پدیدار است این وصف حال آنها در کتاب توریة و انجیل است که مثل حالشان بدانهای ماند که چون نخست سر از خاک برآرد شاخهای نازک و ضعیف باشد پس از آن قوت یابد تا آنکه سلب و قوی گردد و بر ساق خود راست و محکم بایستد که دهقانان در تماشای آن حیران مانند همچنین اصحاب محمد از ضعف بقوت رسند تا کافران عالم را از قدرت خود بچشم آرند خدا وعده فرموده که هر کس از آنها ثابت ایمان و نیکوکار شوند گناهایش بخشد و اجر عظیم عطا کند (۳۹) (دو آیه است در قرآن که مشتمل بر تمام حروف حجاب است یکی همین آیه دیگر آیه ۱۵۳ سورة آل عمران) مداومت آنها خواص بسیار دارد

سورة حجرات در مدینه نازل شده و مشتمل بر ۱۸ آیه می باشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای کسانی که بخدا ایمان آورده اید (هیچگاه) بر خدا و رسول تقدم مجوئید و از خدا بترسید (نافرمانی نکنید) که خدا بگفتار شما شنوا و دانا است (۱) ای اهل ایمان فوق صوت پیغمبر صدق بپندم کنید (به یا محمد و یا احمد) که اعمال نیکان محو و باطل شود و شما فهم نکنید (۲) آنان که نزد رسول خدا بسدای آرام و آهسته سخن گویند آنها هستند که در حقیقت خدا دلایشان را برای مقام رفیع تقوی آزموده و آمرزش و اجر عظیم نصیب فرموده است (۳) بحقیقت مردمیکه تورا از پشت حجره ات بسدای بلند میخوانند اکثر مردم بی عقل و شهوری هستند (۴) اگر آنها صبر می کردند تا وقتی که تو بر ایشان بخارج شوی بسیار بر آنها بهتر و ثوابش بیشتر بود (باز هم توبه کنند) خدا غفور و مهربان است (۵) ای مؤمنان (عالم) هرگاه فاسقی خبری بر ای شما آورد (تصدیق نکنید و تا تحقیق کنید مبادا بسخن چینی فاسقی از نادانی بقومی رنجی رسانید و سخت پشیمان گردید (۶) و بدانید رسول خدا در میان شما هست (شما) او را برای جاهلان خود و مدارید که اگر در بسیاری

مِنَ الْأَمْرِ لَعْنَتُهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ جَبَّارٌ عَلِيمٌ ۖ وَرَبَّنَا
 قُلُوبُكُمَا وَكَرِهَتْهُمَا ۖ الْكُفْرُ وَالْفُسُوقُ وَالْعِصْيَانُ ۚ أُولَٰئِكَ
 هُمُ الرَّاشِدُونَ ۖ فَخُذْ لِمَنِ اللَّهُ وَلِعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حَكِيمٌ ۝
 وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ
 إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيَّ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ
 فَاتَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْضُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝
 ٤٠٢ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ
 لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ ٤٠٣ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَخْرُجُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَنَى
 أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا يَنْسَاءُ مِنْ نِسَاءٍ عَلَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا
 مِنْهُنَّ وَلَا تِلْكَ أَلْفُكُمْ وَلَا تَنْبَازُوا بِالْأَلْفَاءِ بِيَسْ أَلَسْتُمْ
 الْفُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَزَبْتُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِدْوٌ
 وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا ۚ يَخِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ
 يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ ۝
 ٤٠٤ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا
 وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ
 جَبِيرٌ ۝ ٤٠٥ قَالِ لِلْأَعْرَابِ امْتَنَافِلٌ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا

از آموزرانی شمارا پیروی کند خود بر نیج و زحمت می افتد ولیکن خدا (بلطف خود) مقام ایمان را محبوب شما گردانید و در دلهاتان نیکو بیاراست و کفر و فسق و ممصیت را زشت و منفور در نظراتان ساخت (تا در دو عالم سعادتمند شوید) و اینان بحقیقت اهل سواب و هدایتند (۷) این مقام بر آنان بفضل خدا و نعمت الهی حاصل گردید و خدا (باحوال بندگان) دانا و صلاح نظام عالم آگاهست (۸) او اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم بقتال و دشمنی برخیزند البته شما مؤمنان بین آنها صلح برقرار دارید و اگر يك قوم بردیگری ظلم کرد با آن طایفه ظالم قتال کنید تا بفرومان خدا باز آید (و ترك ظلم کند) پس هرگاه بحکم حق برگشت با حفظ عدالت میان آنها را صلح دهید و همیشه عدالت کنید که خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست می دارد (۹) بحقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران (ایمانی) خود صلح دهید و خدا ترس و پرهیزگار باشد باشد که مورد لطف و رحمت الهی گردید (۱۰) ای اهل ایمان و مؤمنان هرگز نباید قومی قوم دیگر را مسخره و استهزا کنند شاید آن قوم که مسخره می کنید بهترین مؤمنین باشند و نیز بین زنان با ایمان قومی دیگری را مسخریه نکنند که با آن قوم بهترین آن زنانند و هرگز عیب جوئی (از هم دینان) خود نکنید و بنام و لقبهای زشت یکدیگر را مخوانید که پس از ایمان بخدا نام فسق (بر مؤمن نهند) بسیار زشت است و هر که از فسق و گناه بدرگاه خدا توبه نکند بسیار ظالم و ستمکار است (۱۱) ای اهل ایمان از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها ممصیت است و نیز هرگز از حال درونی هم تجسس نکنید و غیبت یکدیگر روا مدارید آیا شما دوست می دارید گوشت برادر مرده خود را خورید البته کراهت و نفرت از آن دارید (پس بدانید که مثل غیبت مؤمن بحقیقت همین است) و از خدا بترسید (و توبه کنید که) خدا بسیار توبه پذیر و مهربانست (۱۲) ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شمیهای بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید (و بواسطه نسب یکدیگر فخر نکنید که نسب ما یا افتخار نیست بلکه) یز و گوار (و با افتخار) ترین شما نزد خدا با تقواترین مردمند و خدا از حال شما کاملاً آگاهست (۱۳) (ای رسول) اعراب بنی اسد و غیره که بر تومنت گذارده و گفتند ما (بی جنگ و نزاع) ایمان آوردیم با آنها بگو که (ایمانتان) بقلب وارد نشده بحقیقت هنوز ایمان نیاورده اید لیکن بگوئید ما اسلام آوردیم

وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا
يَلْبَسْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ١٣ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ
الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ
وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ١٤ قُلْ أَتَعْلَمُونَ
اللَّهُ بَدِيعَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ مَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ ١٥ هُمُ الَّذِينَ أَنْزَلْنَا الْقُرْآنَ عَلَى عَبْدِنَا لِنُبَيِّنَ
بِهِ لِلنَّاسِ الْهُدَى وَالتَّوْحِيدَ ١٦ إِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ عَمَّا تَعْمَلُونَ ١٧

سُورَةُ الْكَافِرَاتِ مَكِّيَّةٌ مِنْ ثَمَانِ وَأَرْبَعِينَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ١ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ
الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ٢ إِذَا مَشِينَا وَكُنَّا بِأَذْيَالِكُمْ رَجُوعٌ
بَعِيدٌ ٣ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَصِيطٌ
بَلْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَذَّبَتْ أَبْجَالُكُمْ ٤ أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى
السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ٥
وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ
شَيْءٍ مَبْجُوعٍ ٦ وَذَكَرْنَا لِكُلِّ عِبْدٍ مُبْدِيٍّ ٧ وَزَوَّجْنَا مِنَ السَّمَاءِ

و اگر خدا و رسول و پیر اطاعت ۲ از (اجر) اعمال شما هیچ نخواست
 کاست و از گناه گذشته شما می گذرد نه خدا بسیار آمرزنده و مهربانست
 (۱۴) منبصر مؤمنان (واقعی) آن کسانی که بعد از رسول او ایمان
 آوردند و بعد از هیچگاه شک و ریبی بدل راه ندادند و در راه خدا پمال و
 جانشان جهاد کردند اینان بحقیقت راستگو هستند (۱۵) ای رسول! بامردم
 ریائی بگو که شما میخواهید خدا را بدین خود آگاه سازید و حال آنکه
 خدا آنچه در آسمانها و زمین است همه را می داند و بکلیه امور عالم آگاهست
 (۱۶) آنها بر تو به مسلمان شدن منت می گذارند بگو شما باسلام خود
 بر من منت منهدید بلکه اگر راست می گوئید خدا بر شما منت دارد که شما
 را بسوی ایمان هدایت فرموده است (۱۷) خدا اسرار غیب زمین و آسمانها
 را می داند و آنچه شما پندگان می کنید (از نیک و بد خالص یا ریا)
 آگاهست (۱۸)

سورة ق در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۴۵ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

ق (قسم بقدرت) (۱) و قسم بقرآن بامجد و عظمت (۲) (که مکران
 ایمان نیاوردند) بلکه از آمدن رسولی که آنها را اندرز دهد بگفت آمده
 و کنار نادان گفتند این (دعوت رسالت و خبر از قیامت) بسیار چیز
 عجیبی است (۳) آیا ما پس از آنکه مردم و یکدمه خاک شدیم (باز زنده
 می شویم) این باز گشت بسیار بعید است (۴) تعجب نکنند که (ما با آنچه
 زمین از آنها بکاهد کاملاً آگاهیم و کتاب لوح محفوظ نزد ما است)
 بلکه کافران چون رسول آمد (بجای ایمان) حق را تکذیب کردند و
 در کار بزرگ (رسالت و قرآن با عظمت) مضطرب و سرگردان ماندند (۶)
 آیا مکران حق آنسان را فراز خود نمیگردند که ما چگونه بنای محکم
 اساس نهاده ایم و آن را بر یود ستارگان رخشان آراسته ایم و هیچ شکافی و خللی
 در آن راه ندارد (۷) و زمین را نمیگردند که آنرا بگستریم و در آن کوههای
 استوار بیفکنیم و هر نوع گیاه با حسن و طراوت از آن برویانیم (۸) این دلایل
 قدرت در آسمان و زمین موجب بصیرت و تذکر برای هر بنده است که بتوبه
 از گناه و عظمت و بزرگواری خدا آرد (۹) و ما از آسمان

مَا نُنَبِّئُكَ أَنَّ هَذِهِ نَارُ الْحَبَشَةِ وَالْقُلُوبُ بِأَيْسَابِ
 لَهَا طَلْعُ نَصِيدٍ ۝ يَرْزُقُكَ اللَّهُ عِبَادًا وَآجِبِينَ بِلَدٍّ مَبْنِيًّا كَذَلِكَ
 الْحَرْبُ ۝ كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرِّيمِ وَثَمُودُ ۝ وَ
 عَادُ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ ۝ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ
 كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدُ ۝ أَفَعَيْنَا يَا خَلْقَ الْآدَمِ بَلْ مُمْ فِي بُنْيَانٍ
 مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَتَعْلَمُ مَا تُوَسُّوهُ ۝
 نَفْسَهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ۝ إِذْ يَتَلَفَّى الثَّالِثِينَ
 عَنَ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ۝ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدُنْهُ
 رَقِيبٌ عُنِيدٌ ۝ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ
 مِنْهُ تُعِيدُ ۝ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعْدِ ۝ وَجَاءَتْ كُلُّ
 نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ۝ لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا
 فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ ۝ وَقَالَ قَرِينُهُ
 هَذَا مَا لَدَىٰ عَيْنِي ۝ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ كُلُّ كَفَّارٍ عُنِيدٍ ۝ مُتَّاعٍ
 لِلْغَيْرِ مُعْتَدٍ مَرِيدٍ ۝ إِلَهِ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۝ أَلَيْسَ فِي
 الْعَذَابِ لَاقٍ ۝ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ
 فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدُنِّي وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمُ
 بِالْوَعْدِ ۝ مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدُنِّي وَمَا أَنَا بِظَالِمٍ لِلْعَبِيدِ ۝

آب (باران) بابر کترا نازل کردیم و یاغهای میوه و خرمنها از کشت حبوبات
 پروانیدیم (۹۰) و نیز نخلهای بلند خرما که میوه آن منظم رویهم چیده شده
 است برانگیختیم (۹۱) اینها وارزق بندگان قرار دادیم و بیادان زمین مرده را
 زنده ساختیم (تا خلق بدانند که) همچنین پس از مرگ سر از خاک بیرون میکنند
 (۹۲) (ای رسول همین میباش که) پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رس و قوم
 ثمود (پنجمی خود را تکذیب کردند) (۹۳) و قوم عاد و فرعون و قوم لوط (۹۴)
 و اصحاب ایکه و قوم تبع پادشاهین همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده
 عذاب حق بر آنان حتم و واجب گردید (۹۵) آیدار اول بار که آفرینش را از
 نیستی صرف بهیستی آوردیم هیچ درماندیم پس در خلقت معاد دیگر (بار هم
 عاجز نیستیم) بلکه این منکران در شک و ریب از خلقت نو (و نشئت معاد)
 اند (۹۶) و ما انسان را خلق کرده ایم و از وساوس و اندیشه های نفس او
 کاملاً آگاهیم که از رک گردن او باو نزدیکتریم (۹۷) چون دو ملک
 (رقیب و عتید) از طرف راست و چپ بر اقیبت او بنشسته اند (۹۸) سخنی
 (از غیر و شر) بر زبان نیاورده جز آنکه همان دم رقیب و عتید بر آن آماده اند
 (۹۹) (و بهوش آید که) هنگام بیهوشی و سخنی مرگ بحق و حقیقت فرارسید
 آری همان مرگی بود که از او دوری می جستید (۴۰) و آنگاه که در صور
 بدمند (و ملایک ندا کنند که) اینست روز وعده گاه خلق (۴۱) و هر نفسی را
 فرشته ای برای حساب بمحشر کشاند و فرشته ای بر نیک و بدش گواهی دهد
 (۴۲) و تو (ای نادان) از این روز سخت در غفلت بودی تا آنکه ما پرده
 از انارت بر انداختیم و چشم بصیرت بینا تر گردید (۴۳) و قرین وی بدو
 گوید این همان (اعمالی) است که نزد من محفوظ است (۴۴) (خطاب
 رسد) امروز هر کافر معاند را در دوزخ افکنید (۴۵) همان کافری که از
 هر کار غیر مانعی گشت و بحق خلق ستمی کرد (در کار قیامت) بلك و
 ریب بود (۴۶) همان کافر مشرک که با خدای یکتا خدای دیگری چهل کرده
 او را امروز در عذاب سخت جهنم در افکنید (۴۷) آنکه قرین او (شیطان)
 گوید بارالها من او را بطغیان و عصیان نکشیدم بلکه او خود در ضلالت
 افتاد (۴۸) آنکه خدا بمتاب گوید در حضور من خصومت نکنید که من
 وعده عذاب شما را پیش فرستادم (۴۹) دیگر وعده عذاب من مبطل نخواهد
 شد و هیچ در کیش ستمی به بندگان نخواهم کرد (۵۰)

يَوْمَ نَقُولُ لِيَحْمِلْهُمْ هَلْ امْتَدَّاهُ وَنَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ۝ وَأَنذَرْتَهُ
 أَن يَأْتِيَنَّاهُ وَنَعْبُدُ الْغَيْبِ ۝ هَذَا مَا نُوْعِدُونَ لِكُلِّ أَصْحَابٍ
 مِّنْ حِزْبٍ لَّيْسَ لَهُ بِالْغَيْبِ جَاءٌ يَقْلِبُهُ نِيدٍ ۝ إِذْ خَلَوْا مَا بَلَغَ
 ذَلِكَ يَوْمَ الْخُلُودِ ۝ لَّهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ۝ وَكَرَّ
 أَهْلُكَ أَفَلَمْ يَكُنْ مِنْ قَوْمٍ لَّمْ يَآسُدْ مِنْهُمْ بَطْشٌ فَنَقَبُوا فِي الْقِبْلَةِ
 هَلْ مِنْ مَّجِيسٍ ۝ إِن فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِّمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى
 السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ۝ وَأَقْدَمْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مَا بَيْنَهُمَا
 فِي يَوْمٍ ثَلَاثٍ ۝ مَا مَتَّانٍ لِّقَوْمٍ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ
 بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ۝ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ
 وَأَدْبَارَ النُّجُومِ ۝ وَاسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِي الْمُنَادُ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ ۝ يَوْمَ
 يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ۝ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ۝ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَيِّتَ
 وَآلَيْنَا الْمَصِيرَ ۝ يَوْمَ نَشْفُقُ الْأَرْضَ عَنْهُمْ سِرَاعًا ۝ ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْهِمْ
 إِسْرًا ۝ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَارٍ فَذِكْرٌ بِالْفَرَانِ
 مِّنْ يَّخَافُ ۝ سُبْحَ الذَّارِبَاتِ تَكْبِيرٌ ۝ هِيَ سِتْرُونَ أَبَدًا ۝ وَعِيدٌ ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالذَّارِبَاتِ ذُرَّانٍ ۝ قَالَا يَلَايَ ۝ وَقَرَأَ ۝ قَالَا جَارِيَانِ ۝ يُسْرَأُ
 ۝ قَالَا لَقَمَيْتَاهُ ۝ أَمْرًا ۝ إِنَّمَا نُوْعِدُونَ لَصَادِقٍ ۝ وَإِنَّ الَّذِينَ

روزی که جهنم را گوئیم آیا امروز ملو از وجود کافران شدی و او گوید
آیا دوزخیان بیش از اینهم هستند؟ (۳۹) و آنروز بهشت را برای اهل تقوی
نزدیک آرند تا هیچ دور از آن نباشند (۴۰) این بهشت همانست که وعده شد
بر همه بندگان که بدرگاه خدا پناه برده و نفس را از حرام نگه داشتند
(۴۱) آنکه که از خدای مهربان در باطن ترسید و با قلب عاشق و نالان
بدرگاه او باز آمد (۴۲) (باینگونه بندگان خطاب شود که) در آن بهشت
با تعیت و سلام حق در آیند که این روز دخول ابدی در بهشت جاودانی
است (۴۳) بر آن بندگان در آنجا هر چه بخواهند مهیاست و باز افزون تر
از آن (نعمت های بهشتی) نزد ما خواهد بود (۴۴) و چقدر طوایفی را پس
از اینان ما عذاب کردیم که با قهر و قوت تر از اینان بودند و در هر دیار
راه جستند آیا با همه نیرو مدیشان هیچ راه نجاتی یافتند (۴۵) در این
عذاب پیشینیان پند و تذکر است آنرا که قلب هوشیاری باشد یا گوش دل
بکلام حق فرا دهد و به عاقبتش توجه کامل کند (۴۶) و ما زمین و آسمانها
و آنچه بین آنهاست همه را در شش روز آفریدیم و هیچ رنج و خستگی
بما نرسید (۴۷) پس تو ای رسول (بر تکذیب منکران) صبر کن و صبر و
ستایش خدا تسبیح گو پیش از طلوع خورشید (بنماز صبح) و پیش از غروب
آن (بنماز ظهر و عصر) (۴۸) و باز برخی از شیطان (بنماز مغرب و عشاء)
و هم در عقب سجده ها به تسبیح خدا پرداز (۴۹) و بندای روزی که منادی
خلق (اسرافیل) از مکان نزدیک ندا کند گوش فرا دار (۵۰) روزی که خلق
آن صیحه را بحق بشنوند آنروز هنگام خروج از قبرهاست (۵۱) البته
ما خلق را زنده ساخته و می میرانیم و باز گشته همه پسوی ماست (۵۲) روزی
که سرعت زمین از احاطه بر آنها بشکافد و این جمع آوری خلق (در محشر)
بر ما سهل و آسان باشد (۵۳) ما بگفتار مردم مفرض نادان داننا تر هستیم و
تو بر آن مردم جبار مسلط نیستی (تو رسول حق) پس آن کس را که از
وعده عذاب قیامت ترسانست او را بآیات قرآن متذکر قیامت ساز و بنو.

سوره الفاتحه آیات دهم که مقرر شده و مشتمل بر ۲۹۰ آیه میباشد

بنام خدای بهشتی مهربان

قسم بنفش به دهای عالم که نیکو بهر اکنتر (۱) قسم بابرما که بار سنگین
باران را با مرحق بدوش گیر (۲) قسم بکشتیا که آسان بروی آب روان شوند
(۳) قسم بر ششگان که کار جهانیان را (باذن خدا) قسم کنند (۴) قسم به
اینان که آنچه شمارا (رسولان حق) وعده دادند محقق و حقیقت است (۵) البته بن

لَوَاقِعُ هَوَ الْتَمَاءُ ذَاتِ الْجَبَالِ ۝ اَلَا تَكُنْ لِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ ۝ لَوْ فَاكُنْ
 عَنْهُ مَنْ اُولَئِكَ ۝ فَاِذَا الْخُرَاصُونَ ۝ اَلَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرُوَةٍ سَاهُونَ
 يَسْتَلُونَ اَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ ۝ يَوْمُ هُمْ عَلَى النَّارِ يَفْتَنُونَ ۝ وَذُوقُوا
 فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ۝ اِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ
 وَعُيُونٍ ۝ يَأْخُذِينَ مَا اَنْهَاهُمْ عَنْهُمْ اَتَاهُمْ ۝ كَانُوا اَقْبَلَ ذَلِكَ مُخْشِعِينَ
 ۝ كَانُوا اَقْبَلَ مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ۝ وَبِالْاَسْمَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ
 ۝ وَفِي اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ۝ وَفِي الْاَرْضِ اَيَّاتٌ
 لِّلْمُوقِنِينَ ۝ وَفِي اَنْفُسِكُمْ اَفْلا تَبْصُرُونَ ۝ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ
 وَمَا نُوْعِدُونَ ۝ تَقَرَّبَ السَّمَاءُ وَالْاَرْضُ فَاتَتْهُنَّ فَسَمَّى مَا
 اَنْتُمْ لِنَظِّقُونَ ۝ كُلَّ اَنْتَبَكْ حَدِيثٌ ضَبِيفٌ اِزْهِيمِ الْمَكْرَمِينَ
 ۝ اِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا ۝ قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ۝
 فَارْتَأَى اِلَى اَصْلِهِمْ فَنَجَّاهُ بِعِلْمِهِ ۝ فَخَرَّبَهُ اِلَيْهِمْ ۝ قَالَ اَلَا تَاْكُلُونَ
 قَاوَجَسَ مِنْهُمْ خِفَةً ۝ قَالُوا لَا تَفْتَنُ ۝ وَبَشِّرُوهُ بِغَلَامٍ عَلَيْهِ ۝
 قَا قَبْلَكَ اَمْرًا ۝ اِنَّهُ فِي عَرَّةٍ فَصَّكَتْ وَهَمَّهَا ۝ قَالَتْ عَجْزٌ عَقِيمٌ ۝
 قَالُوا اَكْذَلِكَ ۝ قَالَ رَبُّكَ اِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝ هَالِكٌ فَلْتَظْلَمَكُمْ
 اَهْلًا الْمُرْسَلُونَ ۝ هَالُوا اَنَا اُرْسِلْنَا اِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ۝ لِيُرْسِلَ
 عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ ۝ هُوَ مَسَّةٌ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ۝

(یعنی جزای اعمال روزی) واقع خواهد گردید ۶ قسم به آسمان (۴۰۸) رسالت) که در آن راههای بسیار است ۷ که شامردم نادان در اختلاف فصول باز ما ندید (و رسول حق را شاعر و ساحر ش خواندید) ۸: از این قرآن هر ش شایسته فهم آن نبوده هم آخر روگردان خواهند شد ۹: گفته باد و تا بود آنکه دروغ بنده (و قرآن را سحر و فسانه بر خواند) ۱۰: تا آنکه در ضلالت و غفلت زیستند (۱۱) و (از روی انکار) باز می پرسند که پس این روز جزا کی خواهد بود (۱۲) تا آنها (بگو) آن روز خواهد بود که آنان آفاتش دوزخ پیاپی اند (۱۳) و خطاب قهر کنند که اینک به پیشید این همان عذایست که خود بتمیجیل میخوانستید (۱۴) آن روز متقیان همه در بهشت و بر لب چشمه های آب غنوده اند (۱۵) همان نعمتها که خدا با آنها عطا کند فرا گیرند چرا که در دنیا مردم نیکو کار بودند (۱۶) و از شب اندکی را خواب می کردند ۱۷: و سحرگاهان از درگاه خدا طلب آمرزش و مغفرت می کنند ۱۸ و در اموالشان بر فقیر سائل و محروم حق منظور دارند (۱۹) در روی زمین بر اهل بقیین ادله قدرت الهی پدیدار است (۲۰) و هم در نفوس خود شا مردم آیا در خود بیستم به عزت نمی نگرید (۲۱) و دوزی شا با همه وسعه ها که بشما دادند در آسمان (بامر خدا مقدر) است (۲۲) پس بخدای آسمان و زمین قسم که این (وسعه دوزی مقدر) همانند تکلی می که بایکدیگر می کنید حق و حقیقت است (۲۳) رسول ما آیا حکایت مهمانان گرامی ابراهیم و فرشتگان بتو رسیده است (۲۴) هنگامی که آنها پراو وارد شدند و سلام گفتند و اوجواب سلام گفت و فرمود که شما مردمی ناشناس می باشید ۲۵ آنگاه نزد اهل بیت خود رفت و کباب گوساله فربهی نزد میهمانان آورد ۲۶: غذا را نزد آنها گذارد نگر د نه) ابرا همین گفت شما خدا تینا و ل نمی کنید ۲۷ آنگاه سخت از آنها بیرون اندیشه کرد آن فرشتگان که ابراهیم را هراسان یافتند بدو گفتند هیچ مترس و اورا به پرسی دانا (یعنی اسحق) بشارت دادند (۲۸) و آن حال زن ابراهیم (ساره) با فریاد شادمانی روی بآنها آورد و (از شوق) سبلی بسورت زد و گفت من زنی پیرو نازا هستم (۲۹) فرشتگان گفتند خدای تو چنین فرموده که او بمصالح خلق آگاه و بحال بندگان دانا است (۳۰) ابراهیم گفت ای رسولان حق باز گوئید که شما برای چه کار ماورید (۳۱) آنان گفتند ما بر (هلاک) قوم بد کاری فرستاده شده ایم (یعنی قوم لوط) ۳۲ تا بر سر آنها و دیارشان از گل سنگ باران کنیم (۳۳) که آن سنگها نزد پروردگار معین و نشاندار برای ستمکارانست (۳۴)

فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۖ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَشَرٍ
 مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۖ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ
 ۝ وَفِي مِصْرَ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۖ فَقَتَلَى
 بِرُكْنَيْهِ وَقَالَ إِنِّي مُتَجَبِّبُكُمْ فِي أَيَّامٍ مِّنْ قَبْلِكُمْ أَن تَقْبَلُوا
 فِي الْيَمِّ ۖ وَهُوَ مُلِيمٌ ۖ وَفِي غَاوٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيلَ
 ۖ مَا تَذَكَّرُونَ ۖ ثُمَّ آتَيْنَاهُ الْبَصَلَ ۖ كَالَّذِينَ هُمْ ۖ وَفِي مِصْرَ
 إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّقُوا آلَ فِرْعَوْنَ ۖ فَمَا اسْتَعَاوُا مِنْ قِبَالِهِمْ ۖ وَمَا كَانُوا
 مُتَنَبِّهِينَ ۖ وَقَوْمٌ نُّوحٍ مِنْ قَبْلُ ۖ إِنَّا هُمْ ۖ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۖ
 وَالتَّمَائِةُ بَنَاتُهَا يُأَيَّدُ ۖ وَإِنَّا لَمُوسَى ۖ وَالْأَرْضُ قَرِشًا مَّا
 فَتَحْنَاهُمْ ۖ وَالْمَاءُ يَدْرُونَ ۖ وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ
 تَذَكَّرُونَ ۖ فَخَرُّوا إِلَى اللَّهِ ۖ لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۖ وَلَا
 تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۖ لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۖ كَذَلِكَ مَا
 آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجُنٌّ ۖ
 آتُوا صَوَابَهُ ۖ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَآغُوتٌ ۖ فَقَوْلْ عَنْهُمْ مَا أَنَا بَمَلُوءٍ
 وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ
 إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۖ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُبْعَثُوا

و از اهل ایمان هر که بود از آن دیار خارج کردیم. ۴۵ و (لیکن) در همه آن دیار جز يك خانه لوط دیگر مسلم خدا پرست نیافتیم. ۴۶ و در آن دیار برای آنانکه از عذاب الیم (قهر خدا) میترسند آیت عبرتی و اب- گذاردیم. ۴۷ و نیز در رسالت موسی آیت عبرت است که با معجزه حجت روشن بسوی فرونیانش فرستادیم (۴۸) و فرعون بدور ملک و قدرت سر از طاعت حق کشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است. ۴۹ ما هم او را با همه سپاهش بقتل گرفتیم و بدریا انداختیم که در خود هر نکوهش و ملامت بود. ۴۰ و نیز در قوم عاد که بر هلاکشان تدبیر از خزان فرستادیم عبرت خلق است. ۴۱ که آن باد هلاک بپیزی نمیگذشت جز آنکه او را مانند استخوان پوسیده می گردانید (۴۲) و هم در قوم ثمود بر خلق عبرت است که بآنان گفته شد اینک گرم تمیث و تمتع حیوانی باشید تا هنگام معین (که وعده انتقام حق فرا می رسد) ۴۳ آنها هم از فرمان خدای خود سر کشیدند پس آنها را ساعقه آتشی در گرفت و هلاکت خویش (را) به چشم مشاهده کردند. ۴۴ در حالیکه نه هیچ توانایی برخاستن و گریختن داشتند و نه هیچ یار و مددکاری یافتند. ۴۵ و پیش از این قوم هم قوم نوح مردمی فاسق و ناپاکار بودند. ۴۶ و کاخ آسمان (رفیع) را با قدرت خود برافراشتیم و ما فهمیم که بر هر کار عالم مقتدریم. ۴۷ و زمین را بگستریدیم و چه نیکو مهدی بگستریدیم. ۴۸ و از هر چیزی دو نوع (نر و ماده) بیافریدیم تا مگر متذکر حکمت خدا شوید. ۴۹ باری ای پندگان خدا بدرگاه خدا گریزید که من از جانب او با بیانی روشن شما را میترسانم. ۵۰ و هرگز با خدای یکتا خدائی نپرستید که من از قهر او با بیان روشن شما را می ترسانم. ۵۱ همینان (که ترا ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر ارم پیشین نیامد جز آنکه (او را تکذیب کرده و) گفتند اوساخر یا دیوانه است. ۵۲ آیا بر این تکذیب مردم اصرار بیکدیگر سفاقر کرده اند (یا نه) بلکه این مردم گروهی سرکش و نافرمانند. ۵۳ توهم ای رسول ما از این مردم کافر روی بگردان که دیگر هیچ در خود نکوهش و ملامت نیستی. ۵۴ و استرا تذکر و پند می ده که پند و تذکر (اگر کافران رافع نهد) مؤمنان را سودمند افتد. ۵۵ و ما خلق جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا (بیکناهی) پرستش کنند. ۵۶ و ما از خلقتشان رزق و طعام (و هیکونه سودی) بر خود نخواستیم. ۵۷

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۝ كَوْنَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوبًا
مِثْلَ ذُوبِ أَخْيَارِهِمْ فَلَا يَسْتَحْمِلُونَ ۝ كَوْنَنَّ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
تَوْبِهِمْ إِلَهُ ۝ سُبْحَانَ الطَّوَرِ وَكَذَلِكَ قَوْلُكَ وَارْتَعُونَ آيَاتِهِ ۝ مُعَذِّدُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالطَّوَرِ ۝ وَكَيَا يَسْطُورُ ۝ فِي رَقِي مَنُورُ ۝ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ۝
وَالْتَقِيفِ الْمَرْفُوعِ ۝ وَالْبَصْرِ الْمَجْمُورِ ۝ إِنَّ عَذَابَ ذِيكَ لَوَاقِعٌ ۝
مَا لَمْ يَمُنْ دَافِعٌ ۝ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَمُورًا ۝ وَلَيْسَ الْإِبْجَالُ سَبْرًا
۝ قَوْلُ بَوْمُسِدِّ الْمَلَائِكَةِ بَيْنَ ۝ الَّذِينَ هُمْ فِي حَوْضٍ يَلْعَبُونَ ۝ يَوْمَ
يَدْعُونَ إِلَى تَارِيحِهِمْ دَعَا ۝ مَلَكُ الشَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ يَهْتَكُونَ
۝ أَفَظْهَرُ مَدَامَ أَنْتُمْ لَا تَبْصُرُونَ ۝ إِصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا ۝ الْأَوَّلَا
تَصْبِرُوا سَوَاءً عَلَيْكُمْ ۝ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّ الْمُتَقِيَّ
فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ۝ فَأَكْبَرُ عَمَّا أَتَتْهُمْ نَعِيمٌ ۝ وَوَقَبَتْهُمْ رَهْمٌ ۝ عَذَابٌ
الْجَحِيمِ ۝ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ مَتَكِينِينَ عَلَى
سُرُرٍ مُتَصِفُونَ ۝ وَزَوْجِنَا هُمْ يَحْدِي عَيْنَ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ
ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ ۝ وَمَا أَلَفْنَا هُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ
شَيْءٍ ۝ كُلُّ امْرِئٍ عَمَّا كَسَبَ رَهِيْنٌ ۝ وَأَمَّا مَنْ دَنَا هُمْ بِفَالِكِهِمْ ۝ فِي
نَحِيمٍ مَيَّاتٍ هُمُونَ ۝ بَلَّغْنَا وَحُورٍ فِيهَا كَأْسًا لَا لَعْنُ فِيهَا وَلَا يَمُوتُ

همانا روزی بخشنده خلق تنها خداست که صاحب قوت و اقتدار ابدیست: ۵۸
پس این ستمکاران را هم گناهی (و کیفری) مانند اسحاب (و امثال) شان (از امام
پیشین) خواهد بود باری عجله نکند: ۵۹) آنگاه (که زمان کیفر فرا رسید)
وای بر آنان که کافر شدند از آن روز سختی که رسولان بآنها وعده میدهند: ۶۰)

سوره طور در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۹ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

قسم بطور سینا: ۱) قسم به کتاب مسطور قرآن: ۲) در حقیقه گفته فرمان
(که خدا بر رسولش محمد مصطفی فرستاد: ۳) قسم به بیت المعمور که خدایه
ذکر و طواف بندگان و یا به تسبیح فرشتگانش معمور گردانید: ۴) قسم بطاق
بلند (آسمان): ۵) قسم بدیای آتش فروزان: ۶) قسم باین امور که البته
عذاب خدا (بر کافران) واقع خواهد شد: ۷) و هیچکس دافع آن نخواهد بود
۸) روزی که آسمان سخت جنبش کند: ۹) و کوهها تند بگردش آید: ۱۰)
در آن روز سخت ولی بر آنان که وعده حق را تکذیب کردند
۱۱) آنگاه بیاز پیچه دنیا فرو شدند: ۱۲) آن روز
آنها را سخت با آتش در افکند: ۱۳) و به آنها خطاب کنند که این همان آتشی است
که تکذیب آن کردند: ۱۴) آیا این آتش دوزخ هم بنظر تان سحر است یا آنکه
هنوز چشم بصیرت باز نمیکند: ۱۵) باری بدوزخ در شوید که میر و بی صبری
بحالتان بکسانست و بس آنچه (در دنیا) گردید امروز همان را جزا یا پید: ۱۶)
مبتقیانم امروز در باغهای بهشت پر نعمتند: ۱۷) آنان بنمشی که خدا نصیبشان
فرموده دلشاند و خدا از عذاب دوزخ محفوظشان داشته است: ۱۸) و خطاب شود
که (از هر نعمت خواهید) بخورید و بیاشامید شما را گوارا باد پادشاه اعمال
نیکی که (در دنیا) انجام دادید: ۱۹) در حالی که نزدیگم بر تخت (عزت) تکیه
زده اند و ماحورالین را هم جفت آنان گردانیده ایم: ۲۰) آنان که بخدا ایمان
آوردند و فرزندان شان هم در ایمان پیروان شان شدند ما آن فرزندان را با آنها
برسانیم و از پادشاه عمل فرزندان هیچ نگاهیم که هر نفسی در گرو عملیست
که بر خود انداخته است: ۲۱) و بر آن بهشتیان از هر نوع میوه و گوشت
(های لذیذ) که مایل باشند فراوان بیفزایم: ۲۲) آنها در بهشت جام
(شراب گوارا) را چنان سریع از دست هم بگیرند که (گوئی) مفازعه
می کنند در صورتی که آنجا کارلف و باطل نزاع و خلاف و بزه کاری هیچ
نیست: ۲۳)

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠﴾ وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ
بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿١١﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ﴿١٢﴾

سُورَةُ النَّجْمِ مَكِّيَّةٌ فِي ثَلَاثِينَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ﴿١﴾ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ﴿٢﴾ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ
الْهَوَىٰ ﴿٣﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴿٤﴾ فَلَمَّكَ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ﴿٥﴾ ذُو مِرَّةٍ
فَأَنزَلُوكَ مِنَ الْأَعْلَىٰ ﴿٦﴾ تَوَلَّى دَوَائِقَ كَدِّ الْعَبَىٰ ﴿٧﴾ فَمَا كَانَ قَابِ
قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ﴿٨﴾ فَمَا وَحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ﴿٩﴾ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ
مَا رَأَىٰ ﴿١٠﴾ أَفْقَادُونَ هُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ﴿١١﴾ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ﴿١٢﴾
عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ﴿١٣﴾ عِندَ مَا جَعَلَهُ الْمَآوَىٰ ﴿١٤﴾ إِذْ يَخْلَىٰ السَّيِّدُ
مَا يَشْفَىٰ ﴿١٥﴾ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ﴿١٦﴾ لَقَدْ رَأَىٰ مِنَ الْإِبَارِ رَبِّيهِ
الْكَبْرَىٰ ﴿١٧﴾ أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ﴿١٨﴾ وَمَنْوَةَ الثَّالِثَةَ الْخُبْرَىٰ ﴿١٩﴾
أَلَمْ تَذْكُرْ وَلَهُ الْأُنْثَىٰ ﴿٢٠﴾ تِلْكَ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ صَبْرِي ﴿٢١﴾ إِنْ يَمِ
إِلَّا أَنْمَاءٌ غَنَقَتْهُمْ هَآ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ
سُلْطَانٍ ﴿٢٢﴾ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا هُوَ إِلَّا فَهْمٌ ﴿٢٣﴾ لَقَدْ جَاءَكُمْ
مِنْ رَبِّكُمُ الْهُدَىٰ ﴿٢٤﴾ أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمْنَىٰ ﴿٢٥﴾ فَبِئْسَ الْآخِرَةُ لِلَّذِينَ
كَذَّبُوا ﴿٢٦﴾ مِنْ مَلَائِكَةٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُفْقِنُ عَنْهُمْ سُحُبًا ﴿٢٧﴾

اکثرشان نمیدانند (۴۷) باری ابرسل بر حکم خدا صبر کن که تو منظور نظر مائی و چون بر خیزی (بنماز یا هر کاری) بتنایش خدای خود تسبیح گو ۴۸. و از شیانگاه هم پاره ای به تسبیح خدا پرداز و هنگام فرو رفتن ستارگانهم (بنماز صبح) تسبیح خدا گو

سورة نجم در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۶۲ آیه می باشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

ستاره (نرای نبوت) چون از عالم قدس رو آید (۱) که صاحب شما (محمد مصطفی) هیچگاه در ضلالت و گمراهی نبوده است (۲) و هرگز بهوای نفس سخن نمیگوید (۳) سخن او هیچ غیر وحی خدا نیست (۴) او را جبرئیل همان فرشته بسیار توانا علم آموخته است (۵) همان ملک مقتدری که بخلقت کامل (بر رسول) جلوه کرد (۶) و آن رسول در افاق اعلی کمال بود (۷) آنگاه نزدیک آمد و بر او (بوحی حق) نازل گردید (۸) بدان نزدیکی که با او بقدر دو کمان یا نزدیکتر از آن شد (۹) پس خدا به بنده خود وحی فرمود آنچه را که هیچکس درک آن نتواند کرد (۱۰) آنچه (در غیب عالم) دید دلش هم حقیقت یافت و کذب و خیال نه پنداشت (۱۱) آیا کافران بر آنچه رسول (در شب معراج به چشم) مشاهده کرد انکار می کنند (۱۲) و یکبار دیگر هم او را (یعنی جبرئیل را) رسول مشاهده کرد (۱۳) در نزد (مقام) سدة المنتهی (۱۴) بهشتی که ممکن متفیانست در همان جایگاه (سدره) است (۱۵) چون سدره می پوشاند آنچه را که احدی از آن آگاه نیست (۱۶) چشم (محمد) از حقایق انعام آنچه را باید پنهان کرد بی هیچ کم و بیش مشاهده کرد (۱۷) آنجا از بزرگتر آیات حیرت انگیز پروردگار را بحقیقت دید (۱۸) ای مشرکان آیا دو بت بزرگالات و غی خود را دیدید (بی اثر است) (۱۹) و منات سومین بت دیگر تان را دانستید جمادی بی نفع و ضرر است (۲۰) آیا شما را فرزند پسر خدا را دختر است (۲۱) اگر چنین بودی یازهم تقویمی نادرست بودی (۲۲) ای مشرکان این بتها جر نامهایی که شما و پدرانتان بر آنها نهاده اید چیز دیگری نیست و خدا هیچ دلیلی بر معبودیت آنها نازل نفرموده و مشرکان چیزی غیر گمان باطل و هوای نفس فاسد خود را در بت پرستی پیروی نمی کنند و از جانب خدا ایشان هدایت (بر ستادن رسول حق) بر آنها آمد (۲۳) آیا برای آدمی هر چه آرزو کند حاصل میشود (هرگز نمیشود) (۲۴) در سورتیکه دنیا و آخرت همه مالک خداست (۲۵) و بسیار ملک در آسمانها هست که شفاعتش سودمند نیست

بَعْدَ أَنْ يَأْتِيَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَرَضَى ١٥ إِنَّ الدِّينَ لَا يُوْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُوهُنَّ أَسْمَاءً مَثَلَهُ الْفَاطِنَةُ الْأَثْنَى وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ
إِنْ يَنْبَغُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنْ الْحَقِّ شَيْئًا ١٦
فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَا يُرِيدُ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ١٧ لَكَ
مِثْلَهُمْ مِنْ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ
أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى ١٨ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ
الدِّينَ أَصْلًا وَلِيَمْحَكَوْا وَيُفَرِّقَ الدِّينَ أَخْسَأُ يَمْحَسُنِي ١٩
الدِّينَ يَجْتَلِبُونَ كِبَارَ الْأَثَمِ وَالْفَوَاحِشِ إِلَّا اللَّهُمَّ إِنَّ رَبَّكَ
وَاسِعُ الْخَفِيرِ هُوَ أَعْلَمُ بِكَ إِذَا نَسَاكَ مِنْ الْأَرْضِ وَإِذَا أَنْتُمْ
أَجْتَهَتْ فِي بَطُونِ أَمْهَاتِكُمْ فَلَا تُرْكُوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ أَنْفَى
أَفْرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى ٢٠ أَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى ٢١ أَعِنْدَهُ عِلْمُ
الْغَيْبِ فَهُوَ بِرَى ٢٢ أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى ٢٣ وَإِذْ رَأَيْنَا الَّذِي
وَقَى ٢٤ لَا يَزِيدُ وَازِدَةً وَزِدَ أَخْرَى ٢٥ وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا
مَاسِي ٢٦ وَأَنْ سَعْبَهُ سَوْفَ يُرَى ٢٧ لَمْ يُخْرِجْهُ الْجَزَاءُ الْآخِرَى ٢٨
وَأَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ٢٩ وَأَنَّهُ هُوَ أَصْحَاكَ وَأَبْكَى ٣٠ وَأَنَّهُ هُوَ
أَمَاتَ وَأَحْيَى ٣١ وَأَنَّهُ خَلَقَ الرِّجَالَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ٣٢ وَهُوَ مُلْكُهُ
إِذَا نَمَتِي ٣٣ وَأَنْ عَلَيْهِ الشَّعَاءُ الْآخِرَى ٣٤ وَأَنَّهُ هُوَ أَعْنَى ٣٥

جز با مر خدا، بر آنکس که خدا بخواهد و از او عفتود باشد ۳۹. آمان
 که با آخرت ایمان ندادند فرشتگان را نام دختران (خدا) نهادند ۴۰.
 و حال آنکه هیچ علم بان نداشتند و جز دری گمان و پندار نمیزوند و
 ظن و گمان هم در فهم حق حقیقت هیچ سودی ندارد ۴۱. توم ای رسول
 از هر کسی که از یاد ما روگردانید و جز زندگانی دنیا را نخواست بکلی
 امراض کن ۴۲. منتهای علم و فهم این مردم تا همین خداست خدا جل
 آنکه از راه حق گمراه شد و آنکه هدایت یافت کاملاً آگاهست ۴۳.
 و آنچه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست که بد کاران را به کفر
 پرمساند و نیکو کاران را پاداش نیکو تر عطا می کند ۴۴. آنان که از گناهان بزرگ
 و افعال زشت دوری کنند مگر آنچه لمی (یعنی گناه صغیره یا تغیر و وسوسه ای
 بطنیه طبیعت و عادت) از آنها سرزند که مغفرت پروردگار بسیار وسیع است و خدا
 به حال شما بندگان آگاه تر است زیرا او شما را از خاک زمین آفریده و شما را
 که در رحم مادرها جبین بودید پدید آورد و خود ستائی میکنید او که آفریننده
 است به حال هر که متقی است (از شما) دانایتر است ۴۵. ای رسول
 دیدی آن کسی را که (از جنك احد) روی بگردانید ۴۶. و انك صدقه ای
 داد و سپس بکلی قطع کرد (مفسرین گفتند که عثمان شتری با باز به
 عهد الله داد که در محشر باز گناه عثمان را بدوش گیرد) ۴۷. آیا
 علم غیب نزد اوست و او (با احوال آن جهان) بیناست (که گاه عثمان را
 بدوشی پذیرفت) ۴۸. یا که آگاه نشد با آنچه راجع (به مجازات) در
 توریة مدرس عمر است ۴۹. و هم در صحف ابراعیم خلیل و فادار ۵۰. که
 هیچکس باز گناه دیگری را بدوش نخواهد گرفت ۵۱. و (نمودانید)
 اینکه برای آدمی جز آنچه بسمی (و عمل) خود انجام داده (ثواب و جزائی
 نخواهد بود) ۵۲. و البته انسان پاداش سمی و عمل خود را بر زودی خواهد
 دید ۵۳. پس (در آخرت) پاداش کاملتری خواهد رسید ۵۴. و کار
 خلق عالم بسوی خدا منتهی میشود ۵۵. و هم او بندگان را شاد و خندان
 سازد و غمین و غریان گرداند ۵۶. و هم او خلق را بمیراند و باز زنده
 فرماید ۵۷. و او خلق را برای انس با هم جفت تر و ماده آفرینده است
 ۵۸. از نطفه ای آفرینده که از مردان برسم زنان می پزد ۵۹. و هم
 از ایجاد نطفه آخرت خواهد کرد ۶۰. و هم او بندگان را بی نیاز کند
 و سرمایه (هر شئادت) بخشد ۶۱.

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ السَّمْعِيِّ ۚ وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادَ الْأُولَىٰ هُوَ مُؤَدِّ
 قُلُوبِ الْآخِرَىٰ ۚ وَهُوَ مَن نُّوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّمَا كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطَىٰ ۚ
 الْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ ۚ فَغَشَّيَهَا مَا غَشَّيَ ۚ هِيَ آيَةُ رَبِّكَ تَتْلَا
 ۝ هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذِيرِ ۚ الْأُولَىٰ ۚ أَزِفَتِ الْأَرْضُ ۚ كَبَسَ لَهَا
 دُونَ اللَّهِ كَاشِفَهُ ۚ أَفَمِنَ هَذَا الْحَدِيثِ فَعْبُونَ ۚ وَتَضَعُ
 وَلَا تَبْكُونَ ۚ وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ ۚ فَاغْبُذُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا

سُورَةُ الْفَجْرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ مِنْ سُورَاتِ الْبَقَرَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ السَّاعَةُ ۚ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ۚ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا
 بِقَوْلِ السَّاحِرِ مُتَمَرِّدِينَ ۚ كَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۚ وَكُلُّ أُمِّيرٍ
 مُّتَفَرِّقٌ ۚ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ۚ حُكْمٌ
 بِالْعِلَّةِ ۚ فَاتَّبَعِ النَّذِيرُ ۚ فَتَقُولُ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نَّكَرٍ
 ۚ خَشَعُوا أَبْصَارَهُمْ ۚ فَيَرْجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ ۚ كَانَتْهُمْ سَرَالًا مُّنِيرَةً
 مُّطِيعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَاسِرٌ ۚ كَذَّبَتْ
 قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ ۚ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا ۚ وَقَالُوا لَوِ اتَّبَحُونَ ۚ وَازْدُجِرَ ۚ فَدَعَا
 رَبَّنَا ۚ أَنْتَ مَغْلُوبٌ ۚ فَانصُرْنَا ۚ فَأَنصَرْنَا ۚ فَأَنصَرْنَا ۚ فَأَنصَرْنَا ۚ فَأَنصَرْنَا ۚ
 وَخَجَرْنَا ۚ الْأَرْضُ ۚ بُونًا ۚ فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَىٰ أُمِّرٍ ۚ فَدُفِدَ ۚ وَجَلْنَا ۚ

و هم او آفریننده ستاره شمر است ۴۹ و هم او قوم عاد را در اول هلاک
 (۵۰) و قوم ثمود را و هیچ باقی نگذاشت ۵۱ و ایشان از اینان قوم نوح
 را که ظالم و سرکش تر بودند هلاک گردانید ۵۲ و او قوم لوط را بکفر
 (بدکاری) شهرهایشان و از گون ساخت ۵۳ تا آنکه بر آنها عذابی
 بسیار سخت احاطه کرد (۵۴) پس (ای بشر) بگدام از نعمتهای پروردگار
 جدال و انکار خواهی کرد (۵۵) این رسول هم مانند رسولان پیشین
 ترساننده خلق (از قهر خدا) است (۵۶) روز قیامت بسیار نزدیک شده
 است (۵۷) هیچکس غیر خدا آنروز را آشکارا نتواند ساخت (۵۸) آیا
 از این سخن (کافران) تمجیحی کنند ۵۹ و (بشوس و مسخره) بر آن
 می خندند و (بروزگار سخت خود) نمیشمارند (۶۰) ای بشر نادان شما سخت
 غافلید از این خواب غفلت بر خیزید (۶۱) بعد از این سجده و عبادت
 خدا پردازید (۶۲)

سورة قمر درمکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۵۵ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

آن ساعت (قیامت) (یا قیام رسول حق) نزدیک آمد و ماه آسمان شکافته
 شد (این آیه را جمع بشق القمر است که کفار از رسول اکرم درخواست کردند)
 (۶۱) و اگر کافران بزرگ آیت و معجزی به بینند باز اعراض کرده و گویند
 که این سحری کامل است (۶۲) و آنها (رسول حق را) تکذیب کرده و پیرو هوای
 نفس باطل شدند و هر امری را عاقبت مفری خواهد بود (۶۳) و در آیات قرآن
 اخبار کثیر پیشینان که مایه عبرت و انذار از مصیبت است کاملاً بر مردم رسید
 (۶۴) آن حکمت بالغه خداست اگر از آن پند نگیرند از این پس اندرزدند سودی نخوا
 بخشید (۵) پس ای رسول روی از کافران بگردان تا روزی که ندا کنند ای
 خلق را بمالمی حیرت آور و قیامتی هول انگیز دعوت کند (۶) که از هول آن
 کافران بهواری چشم بز هم نهند سر از قبرها بر آورده مانند ملخ بهر سه محشر منتشر
 شوند (۷) در آن حال منادی محشر را بسرعت اجابت کنند و کافران با هم گویند
 این روز همان روز سخت است (که ما انکار می کردیم) (۸) پیش از اینان هم
 قوم نوح بنده ما نوح را تکذیب کردند و گفتند مردی دیوانه است و جز
 وستم بسیار از آنها کشید (۹) تا آنکه پدر گاه خدا دعا کرد که بار الها من
 سخت مغلوب قوم شده ام تو مرا یاری فرما (۱۰) با هم درهای آسمان گشودیم
 سیلابی از آن فرو ریختیم (۱۱) و در زمین چشمه جاری ساختیم تا آب آسمان و
 زمین با هم مخلوفانی که مقدر حتمی بود اجتماع یافت (۱۲) و نوح را در

عَلَى ذَاتِ الْأَوَاجِ وَذُكُورٍ فَجُورٍ بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَن كَانَ لُكُوفٍ ۖ
 لَقَدْ تَرَكْنَا مَا فِيهَا قَهْلًا مِّن مَّدَكٍ ۖ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرٍ
 وَلَقَدْ بَشَّرْنَا الْقُرْآنَ الَّذِي كَرِهَ قَهْلًا مِّن مَّدَكٍ ۖ كَذَّبَتْ عَادُ فَكَيْفَ
 كَانَ عَذَابِي وَنُذُرٍ ۖ إِنَّمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ
 نَّحِسٍ مُّتَمِيزَةٍ ۖ تَبْرِجُ النَّاسَ كَالْقَالِمِ ۖ أَفْجَاءُ تُخِلُّ مُتَعَفِّرٍ ۖ فَكَيْفَ كَانَ
 عَذَابِي وَنُذُرٍ ۖ وَلَقَدْ بَشَّرْنَا الْقُرْآنَ الَّذِي كَرِهَ قَهْلًا مِّن مَّدَكٍ ۖ
 كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ۖ فَقَالُوا أَبَسْأَمِثًا وَاحِدًا تَبْلُغُهُ إِنَّا أَنَا
 أَكْبَرُ مِنْهُ ۖ وَشُعِيرٌ ۖ أَلَيْسَ الَّذِي كُرِّهُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ
 أَشِرٌ ۖ سَبَّحُوا ثَغْدًا مِّنَ الْكَذَّابِ الْأَشِرِّ ۖ إِنَّا نُرْسِلُ الْغَاسِقَ
 فِي سَبِيلِهِمْ فَاذِئْبَنَّهُمْ وَاصْطَبِرْ ۖ وَيَتَمَنَّوْنَ أَنَّ الْمَاءَ قَيْمًا يُبْتَغَىٰ
 كُلَّ شَرْبٍ ۖ فَخَضَرُوا ۖ فَتَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ ۖ فَكَيْفَ كَانَ
 عَذَابِي وَنُذُرٍ ۖ إِنَّمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيِّمَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَيْمِ
 الْمُخَضَّبِ ۖ وَلَقَدْ بَشَّرْنَا الْقُرْآنَ الَّذِي كَرِهَ قَهْلًا مِّن مَّدَكٍ ۖ كَذَّبَتْ
 قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ۖ إِنَّمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّمَا إِنَّا
 بِصُورَةٍ مِّنْ عِندِنَا كَذَّابٌ ۖ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرٍ ۖ وَلَقَدْ أَنذَرْتُهُمْ
 بَطْشَتَنَا فَمَارَوا بِالنُّذُرِ ۖ وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطُلَّهَا
 فَأَعْيَتَهَا ۖ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرٍ ۖ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ بَكْرَةٌ ۖ فَكَيْفَ

کشتی محکم اساس بر می‌شدند (۱۵) که آن کشتی با نظر (و حفظ و عنايت) ما
 روان گردد تا کافران بآن طوفان بلا مجازات شوند (۱۶) و آن کشتی را
 محفوظ داشتیم تا آیت عبرت خلق شود آیا کیست که از آن پند گیرد (۱۷)
 پس ای بندگان عالم بنگرید سختی تنبیه و عذاب ما چگونه بود (۱۸) و
 ما قرآن را برای وعظ و اندرز بهم آسان کردیم آیا کیست که از آن پند
 گیرد (۱۹) قوم عاد نیز پیغمبرشان هود را تکذیب کردند پس باز بنگرید
 عذاب و تنبیه ما چگونه سخت بود (۲۰) ما بر هلاک آنها تند بادی در
 روز پایدار نحسی فرستادیم (۲۱) که آن باد مردم را از جا بر می‌کند
 چنانکه ساق درخت خرما از ریشه افکند (۲۲) پس باز بنگرید عذاب
 و تنبیه ما چگونه سخت بود (۲۳) و فرمان قرآن را برای وعظ و اندرز
 بر فهم آسان کردیم آیا کیست که از آن پند گیرد (۲۴) قوم ثمود هم آیات
 و رسول خدا تکذیب کردند (۲۵) و گفتند آیا سزد که ما يك بشری از
 جنس خودمان را پیروی کنیم در اینصورت بگمراهی و ضلالت سخت در
 افتادیم (۲۶) ای عجب آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید
 (چنین نیست) بلکه او مرد دروغگوی بی باکی است (۲۷) این منکران
 بزودی فردی قیامت کاملاً مملویشان شود که دروغگوی بی باکیست
 (۲۸) ما برای امتحان آنها ناقة صالح را (پدر حواست آنها از سنگ)
 بیرون فرستادیم (و صالح را گفتیم) مراقب حالشان باش و بر آزارشان
 صبر پیغمبر گیر (۲۹) و بآنها خبر ده که آب چشمه بین شما و ناقة تقسیم
 شده که يك روز سهم ناقة و روزی برای شماست (۳۰) آن قوم (شقی)
 صاحب (ورغی) خود را خواندند تا مجهز شد و ناقة را پی کرد (۳۱)
 پس باز بنگرید عذاب و تنبیه ما چگونه سخت بود (۳۲) ما بر هلاک آنها
 يك سیحه (عذاب آسمانی) فرستادیم و همه مانند گیاه خشک شدند (۳۳)
 و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کیست که از آن
 پند گیرد (۳۴) قوم لوط نیز کتاب و رسول حق را تکذیب کردند (۳۵)
 ما هم جز خانواده لوط همه آنان را بپسگاران هلاک ناپود کردیم (۳۶)
 نعمت اهل بیت لوط هم بنمت و لطف ما بود پلی ما چنین شکر گزاران را
 پادش می‌دهیم (۳۷) لوط آن قوم را از قهر و مؤاخذة ما ترسانید باز آنها در
 آیات ما شك و انکار کردند (۳۸) و قوم از او مهاجر شد ترسانید باز آنها در
 آیات ما شك و انکار کردند (۳۹) و قوم از او مهاجر شد (که فرشتگانی
 ذیبا بودند بر سوء قصد) طلبیدند ما هم چشم آنها را بینور و نابینا کردیم
 و گفتیم که اینك عذاب قبر و انقام ما را ببینید (۴۰) و شبی بمسبحگاه
 رسید که (مرگ آمد و) بمذاب (دوزخ) دادیم گرفتار شدند (۴۱)

قَدْ وَقَعْنَا فِي نَذْرٍ ۝ وَقَدْ يَسَّرْنَا الْفُرَانَ لِلَّذِينَ كَرِهُوا
 مِنْ مَذَكٍ ۝ وَقَدْ جَاءَ الْفِرْعَوْنَ التَّنْذِيرُ ۝ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَذَّابًا
 فَآخَذْنَا مِنْهُمْ أَخَذَ عَزِيزٌ مُقْتَدِرٌ ۝ أَكْثَارُكُمْ خَبِيرٌ مِنْ أُولَئِكَ ۝ أَمْ
 لَكُمْ رَأْيَانِي فِي الزُّبُرِ ۝ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرُونَ ۝ سَاءَ هُزْمُ
 الْجَمْعِ ۝ وَيَقُولُونَ الذُّبُرُ بِلَالِ السَّاعَةِ مُوَعِدٌ ۝ وَالسَّاعَةُ أَزْهَى
 وَأَسْرَى ۝ إِنَّ الْجَرِيمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ۝ يَوْمَ يُخْرَجُونَ فِي
 النَّارِ عَلَى أَوْجِهِمْ ۝ ذُوقُوا أَسْرَاقَ ۝ إِنَّا كُنَّا خَلْقَانِي ۝
 ۝ وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ ۝ كَلْبَجٌ بِالْبَصَرِ ۝ وَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاءَ
 فَهَلْ مِنْ مَذَكٍ ۝ وَكُنَّا قَتَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ۝ وَكُلُّ صَغِيرٍ كَبِيرٌ مُتَكَبِّرٌ
 ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَفِي رَوْحٍ ۝ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مِلأِ مُقْتَدِرٍ

سورة الزمر ج ١٠ آية ١٠٠

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنِ ۝ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ۝ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ۝
 الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ۝ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ۝ وَاللَّهُ
 رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ۝ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ۝ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ
 بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ۝ وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ۝ فِيهَا
 فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ۝ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ ۝

و گنیم اینک عذاب قهر و انتقام مارا (بجرم بدکاری بچشید) (۴۹) و ما
قرآن را برای وعظ و اندرز بفهم آسان کردیم آیا کیست که از آن پند گیرد
(۴۰) و بر ارشاد فرمویان هم رسول و آیات الهی آمد (۴۱) آنها (از کفر
و غرور) همه آیات ما را تکذیب کردند ما هم بقهر و اقتدار خود از آنها
سخت مواخذه کردیم (۴۲) آیا کفار شما (مکیان) بهتر و (قویتر) از آن امم
گذشته اند یا شمارا بر ائمه و امانی در کتب (آسمانی) از عذاب خدا هست
(۴۳) آیا آنکه میگویند چون ما با هم مجتمعیم (البته) منصوریم (۴۴) (و نمی
دانند که) بزودی آن جماعت (در بدر) شکست خورده و بیچنگ پست کنند (۴۵)
بلکه ساعت قیامت وعده گاه آنهاست و آن روز بسیار سخت تر و ناگوارتر از
روز بدر است (۴۶) البته بدکاران عالم (در دنیا) بگمراهی (و در آخرت)
در آتش دوزخند (۴۷) روزی آنها را بهرود آتش دوزخ کشند (و گویند) اینک
الم جهنم را بچشید (۴۸) ما هر چه آفریدیم پاندازه آفریدیم (۴۹) و فرمان مادر
عالم یکست در سرعت بمانند چشم بهم زدنی انجام یابد (۵۰) و ما بسیار از
پیغمبران امثال شما کافران را هلاک کردیم آیا کیست که از آن پند و عبرت گیرد
(۵۱) و هر عملی گردد در کتب نامه عملشان ثبت شد (۵۲) و هر امر کوچک و بزرگ
آنجا نگاشته است (۵۳) محققا اهل تقوی در باغها و کنار نهرا (ی بهشت) ابد
منزل گزینند (۵۴) در منزلگاه صدق و حقیقت نزد خداوند عزت و سلطنت
جاودانی معتمد (۵۵)

سوره رحمن در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۷۷ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

خدای مهربان (۱) (بر سواش محمد ص) قرآن آموخت (۲) و آسانها را خلق
کرد (۳) و باو تعلیم نطق و بیان فرمود (۴) و خورشید ما به حکم نافذ و جاذبه شود
بحساب معین و سرعت و بطور مخصوص بگردند (۵)
و گیاه و درختان هم بسجده او سر بجا اطاعت نهاده اند (۶) آسمان را او
کاشی رفیع گردانید و میزان (عدل و نظم) را در عالم وضع فرمود (۷) و حکم
کرد که ای پند گاه هر گز در میزان عدل (و احکامش) من تبدیلی و نا فرمانی
نکنید (۸) و هر چیز را به ترازوی عدل و انصاف بسنجید و هیچ در میزان کم
فروشی و نادستی نکنید (۹) و زمین را (با هزاران منفعت) برای (زندگانی)
خلق مقرر فرمود (۱۰) که در آن میوه های گوناگون و فصل خرمای یا پوشش
است (۱۱) و حیوانات (معنوع) که دارای برک و گل

الرَّحْمَنُ هَيَّا يَ الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَرَ بَانَ ١٧ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ
 صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ١٨ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ ١٩ هَيَّا يَ الْآءَ
 رَبِّكَ أَنْكَرَ بَانَ ٢٠ رَبُّ الشَّرِّقَيْنِ وَرَبُّ الْغَرْبَيْنِ ٢١ هَيَّا يَ الْآءَ
 رَبِّكَ أَنْكَرَ بَانَ ٢٢ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ٢٣ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ٢٤
 هَيَّا يَ الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَرَ بَانَ ٢٥ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ٢٦ هَيَّا
 الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَرَ بَانَ ٢٧ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ٢٨
 هَيَّا يَ الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَرَ بَانَ ٢٩ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ٣٠ وَيَبْقَى وَجْهُ
 رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ٣١ هَيَّا يَ الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَرَ بَانَ ٣٢
 يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ تَرَانٍ ٣٣ هَيَّا يَ
 الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَرَ بَانَ ٣٤ تَسْتَغْرِغُ لَكَ أَبْنَاءُ الثَّقَلَانِ ٣٥ هَيَّا يَ الْآءَ
 رَبِّكَ أَنْكَرَ بَانَ ٣٦ مَعْشَرَ الْحَيْنِ وَالْآلِينَ ٣٧ إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُتُوا
 مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُتُوا ٣٨ إِنْ تَنْفُتُوا
 هَيَّا يَ الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَرَ بَانَ ٣٩ أَرْسَلْنَا عَلَيْكَ الْأَمْطَارَ ٤٠
 فَلَا تَنْفَعِرَانِ ٤١ هَيَّا يَ الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَرَ بَانَ ٤٢ قَدْ أَفْلَحَ
 الْإِنْسَانُ ٤٣ فَكَانَتْ وَرْدَةٌ كَالِدِهَائِنِ ٤٤ هَيَّا يَ الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَرَ بَانَ ٤٥
 قَبُوسٌ لَا يَسْتَلُ عَنْ دَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ ٤٦ هَيَّا يَ الْآءَ
 رَبِّكَ أَنْكَرَ بَانَ ٤٧ يَسْعَوْنَ فِي الْخُرُوفِ يَسْجَامُ قَبُوسٌ بِالْقَوَاصِ ٤٨

دریا حین است (برادر ذی خلق برویاند) ۱۲: الای جن و انس کدامین
 نعمتهای خدا پتان را انکار می کنند ۱۳: انسان را خدا از صلوات خشک
 گلی مانند گل کوزه گران (بدین زیبایی) آفرید (۱۴) و جنیان را از
 دخننده شعله آتش خلق کرد ۱۵: الای جن و انس کدامین نعمتهای
 خدا پتان را انکار می کنند (۱۶) آن خدائی که آفریننده و مشرق و مغرب است
 (۱۷) الای جن و انس کدامین نعمتهای خدا پتان را انکار می کنند (۱۸)
 اوست که دو دریای (علم و حلم علی (ع) و فاطمه (س) یا دریای آب شور
 و گوارا) را بهم در آمیخت (۱۹) و میان آن دو دریا (ای رسول) (بر ذبح)
 و فاصله ایست که تجاوز بسود یکدیگر نمی کنند (۲۰) الای جن و انس
 کدامین نعمتهای خدا پتان را انکار می کنند (۲۱) از آن دو دریا (دو
 گوهر حسن و حسین پدید آورد و یا) لؤلؤ و مرجان بیرون آورد (۲۲)
 الای جن و انس کدامین نعمتهای خدا پتان را انکار می کنند (۲۳) او
 است کشتیهای بزرگ مانند کوه که پدید در گردشند (۲۴) الای جن و
 انس کدامین نعمتهای خدا پتان را انکار می کنند (۲۵) هر که روی
 زمین است دستغوش مرگ و فناست (۲۶) و زنده ابدی ذات خدای منم
 با جلال و عظمت است ۲۷: الای جن و انس کدامین نعمتهای خدا پتان
 را انکار می کنند ۲۸: هر که در آسمانها و زمین است همه از او حوائج
 خود را می طلبند ۲۹: الای جن و انس کدامین نعمتهای خدا پتان
 را انکار می کنند (۳۰) ای گروه انس و جن، بزودی بحساب کار شما
 خواهیم پرداخت ۳۱: الای جن و انس کدامین نعمتهای خدا پتان
 را انکار می کنند (۳۲) ای گروه جن و انس اگر می توانید در اعراض زمین
 و آسمانها بر شوید (این خیال محالی است) هرگز خارج از ملک و سلطنت خدا
 نتوانید شد ۳۳: الای جن و انس کدامین نعمتهای خدا پتان را انکار
 می کنند (۳۴) خدا بر سر شما شراره های آتش و من گداخته فرود آورد
 تا هیچ نصرت و نجاتی نیابید (شاید هم مراد آتشها و گلوله و بمبهای
 هوایی باشد) (۳۵) الای جن و انس کدامین نعمتهای خدا پتان را انکار
 می کنند (۳۶) آنگاه که آسمان شکافته شود تا چون گل سرخ کون و چون
 روغن (روان) گردد (آن روز از گناه پییمان شوید) (۳۷) الای جن و انس کدامین
 نعمتهای خدا پتان را انکار می کنند (۳۸) در آن روز هیچ از گناه انس و جن باز
 نبرسد ۳۹: الای جن و انس کدامین نعمتهای خدا پتان را انکار می کنند (۴۰)
 بدکاران پسیما پشان ساخته شوند (که سیه روی و ازرق چشمنه) پس موی
 پشان آنها با

وَالْأَفْدَامُ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَدَ بَانَ ۖ هَلْ هِيَ جَعْتُمْ إِلَى بَكَدَ
 يَا الْمُجْرِمُونَ ۖ يَطْلُوفُونَ بَدْنَهَا وَبَيْنَ هَمِيمٍ إِنْ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ
 رَبِّكَ أَنْكَدَ بَانَ ۖ كَوَلِّينَ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ رَبِّكَ
 أَنْكَدَ بَانَ ۖ كَوَلِّينَا أَفْتَانٍ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَدَ بَانَ ۖ فِيهِمَا
 جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَدَ بَانَ ۖ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ
 ثَمَرٍ فَاكِهَةٍ ۖ وَوَجَّانُ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَدَ بَانَ ۖ تَتَجَافَىٰ عَلَيْهِمَا مِنْ أَعْلَى
 الْعَرْشِ بِطَانَتُهُمَا مِنْ اسْتَرْفَىٰ ۖ وَجَنَّاتٍ مَجْنُونِينَ دَانٍ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ
 رَبِّكَ أَنْكَدَ بَانَ ۖ فِيهِمَا مِنْ ثَمَرٍ فَأَصْرَافُ الطَّرْفِ لَا يَبْطِئُ عَنْهُنَّ النَّاسُ قَبْلَهُمْ
 وَلَا جَانُ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَدَ بَانَ ۖ كَأَمْ هُنَّ الْبَاقُونَ وَ
 الْمَرْجَانُ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَدَ بَانَ ۖ كُلُّ جَزَاءٍ الْأَخْسَانِ
 إِلَّا الْأَخْسَانُ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَدَ بَانَ ۖ تَوْرِينَ دُونَهُمَا
 جَنَّاتٍ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَدَ بَانَ ۖ هَذَا مَا مَنَانُ ۖ هَيَّآئِي
 الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَدَ بَانَ ۖ فِيهِمَا عَيْنَانِ فَضَاحَتَانِ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ رَبِّكَ
 أَنْكَدَ بَانَ ۖ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَتَخْلُ وَرُثَانُ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ رَبِّكَ
 أَنْكَدَ بَانَ ۖ فِيهِمَا خَيْرَاتُ حَسَانُ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَدَ بَانَ ۖ
 حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْبِحَارِ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَدَ بَانَ ۖ تَطْبِئُ عَنْهُنَّ النَّاسُ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانُ ۖ هَيَّآئِي الْآءَ رَبِّكَ أَنْكَدَ بَانَ ۖ

با حیات بگورند (و در آتش دوزخ افکند) ۱۴۹۱ ای جن و انس کدامین
 نعمتهای خدایان را انکار می کنید ۴۳۰ آن روز گفته شود (این همان دوزخ است
 که بدکاران تکذیب آن می کردند) ۴۳۱ اینک کافران میان آن جهنم و در
 حنیم سوزان آن میگردند ۱۴۹۲ ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایان را
 انکار می کنید ۴۳۲ هر که از مقام بهشت و کبر پائی خدا بترسد او را دو باغ
 بهشت خواهد بود (بهشتی در دنیا و بهشتی در آخرت) ۴۳۳ ای جن و
 انس کدامین نعمتهای خدایان را انکار می کنید ۴۳۴ در آن دو بهشت
 انواع گوناگون میوهها و نعمتهاست ۱۴۹۳ ای جن و انس کدامین نعمتهای
 خدایان را انکار می کنید ۴۳۵ در آن دو بهشت دو چشمه آب روانست
 ۱۴۹۴ ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایان را انکار می کنید ۴۳۶
 در حالتی که بهشتیان بر بسترهایی که حریر و استبرق آستر آنهاست تکیه
 زده اند و میوه درختانش در همان تکیه گاه در دسترس آنهاست ۴۳۷ ای
 جن و انس کدامین نعمتهای خدایان را انکار می کنید ۴۳۸ در آن
 بهشتها زنان زیبای با حیایست و دست هیچ کس پیش از آنها بدان زنان
 نرسیده است ۱۴۹۵ ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایان را انکار
 می کنید ۴۳۹ آن زنان حوری گوئی یا قوت و مرحانه ۱۴۹۶ ای جن و انس
 کدامین نعمتهای خدایان را انکار می کنید ۴۴۰ آیا پادشای نیکوئی
 و احسان جز آنکه نیکوئی و احسان است ۱۴۹۷ ای جن و انس کدامین
 نعمتهای خدایان را انکار می کنید ۴۴۱ درون آن دو بهشت (خدا
 ترسان را) دو بهشت دیگر است ۱۴۹۸ ای جن و انس کدامین نعمتهای
 خدایان را انکار می کنید ۴۴۲ که دوختن آن دو بهشت در منتهای سبزی
 و غری است ۱۴۹۹ ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایان را انکار
 می کنید ۴۵۰ در آن دو بهشت دیگر هم دو چشمه آب (کواری) می جوشد ۴۵۱
 ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایان را انکار می کنید ۴۵۲ در
 آن دو بهشت نیز هر گونه میوه (غوش) و غرما و نادر بسیار است ۱۴۹۹
 ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایان را انکار می کنید ۴۵۳ در آن
 بهشتان نیکو زنان با حسن و جمال بسیارند ۱۴۹۷ ای جن و انس کدامین
 نعمتهای خدایان را انکار می کنید ۴۵۴ حورانی که در سراپرده های خود
 (مسئورند) ۱۴۹۸ ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایان را انکار می کنید
 (۴۵۵) که پیش از شوهران دست هیچکس بدان زنان نرسیده است ۱۴۹۶
 ای جن و انس کدامین نعمتهای خدایان را انکار می کنید ۴۵۲

مُنْكَبٍ عَلَى رَفْرَفٍ خَضِرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ
رَبِّكَ كُمَا تَكْفُرَانِ ﴿٥٧﴾ لَبَّازِكُ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ الْإِكْرَامِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿٥٨﴾ لَنَسَّ لَوْ فَعِلَهَا كَاذِبَةٌ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ﴿٥٩﴾
إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ﴿٦٠﴾ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا ﴿٦١﴾ وَكَانَتْ
مُتَابًا مُنْبَثًا ﴿٦٢﴾ وَكُنُفٌ أَرْوَا جَانًا لَّامَةً ﴿٦٣﴾ فَأَصْحَابُ الْمِهْمَةِ ﴿٦٤﴾ مَا
أَصْحَابُ الْمِهْمَةِ ﴿٦٥﴾ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿٦٦﴾ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿٦٧﴾
وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿٦٨﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٦٩﴾ فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ﴿٧٠﴾
ثَلَاثُ مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ ﴿٧٢﴾ عَلَى سُرُرٍ مَوْضُوعَةٍ ﴿٧٣﴾
مُتَمَكِّينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ ﴿٧٤﴾ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ ﴿٧٥﴾
يَا كُوَايَ أَبَارِقُ وَكَأَيْسٌ مِنْ مَعِينٍ ﴿٧٦﴾ لَا يَصْدَعُونَ عَنْهَا قُمْ
لَا يَزْفُونَ ﴿٧٧﴾ وَفَاكِهَةٌ مِمَّا يَنْخَرُونَ ﴿٧٨﴾ وَلَحْمٌ طَيْرٍ مِمَّا يَنْهَوُونَ ﴿٧٩﴾
وَحُورٌ عِينٌ ﴿٨٠﴾ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكُونِ ﴿٨١﴾ جِوَارٍ يُمَارَى كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٨٢﴾
لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ﴿٨٣﴾ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا مَّا يَلْمُزُهَا
وَأَصْحَابُ الْإِيمَانِ مَا أَصْحَابُ الْإِيمَانِ ﴿٨٤﴾ فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ ﴿٨٥﴾ وَ
طَلْحٍ مَّنْضُودٍ ﴿٨٦﴾ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ ﴿٨٧﴾ وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ ﴿٨٨﴾ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ﴿٨٩﴾

در حالتی که (بهشتیان ماحورالمین) بر در فرسبز و بساط زیبا تکیه زده اند (۷۶) ای جن و انس کدامین نعمت‌های خداپادشاه را انکار می‌کنید ۷۷
بزرگوار و مبارک نام پروردگار تست که خداوند جلال و عزت و احسان و
کرامت است ۷۸

سوره واقعه در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۹۶ آیه می‌باشد

بنام خدای بخشنده مهربان

هنگامی که آن واقعه بزرگ قیامت واقع گردید: ۱ که در قوش هیچ کذب (و جای شک و ریب) نیست (۲) آن روز قومی را بدوزخ خواند و دلیل کند و طایفه‌ای را به جنت سربلند و رفیع گرداند (۳) نگاه که زمین سخت و حرکت و لرزه در آید (۴) و کوه‌های سخت متلاشی شود: ۵ و مانند ذرات گرد در هوا پراکنده گردد: ۶ و شما خلایق بر سه دسته مختلف شوید (۷) گروهی را ستان اصحاب یمین باشند که چقدر عالمان نیکوست (۸) و گروهی را راستان اصحاب شومی و شقاوتند که چقدر روزگاران سخت است (۹) و طایفه سوم آنان که در ایمان بر همه پیشی گرفتند ۱۰
آنان به حقیقت مهربان در گاهند (۱۱) آنان در بهشت پر نعمت جاودانی منتهمند (۱۲) آنها جمعی بسیار از اُمم پیشینان هستند: ۱۳ و عده قلیلی از متأخران ۱۴ آنان در بهشت بر سر پیرهای زربفت مرصع تکیه زنند (۱۵) همه (شادان) با یاران و دوستان روبروی یکدیگر بر آن سریرها می‌نشینند (۱۶) و پسرانی (زیبا) که حسن و جوانیشان ابدی است گرد آنها بخدمت می‌گردند ۱۷ با کوزه‌ها و مشربها و جامهای پراز شراب ناب ۱۸ که هرگز (هر چه نوشند) در دسری یابند و نه مستی عقل و روح خمار کنند (۱۹) و میوه خوش برگزینند (۲۰) و گوشت مرغان هر غذا که مایل باشند (۲۱) و زنان سیه چشم زیبا ۲۲ که در بها و لطافت چون در و لوژ مکنونند بر آنها مهیاست (۲۳) این نعمت‌های الهی پادشاه اعمال آن بهشتیانست ۲۴ نه آنجا هیچ حرقی لغو و بی‌بوده شوند و نه یکدیگر گناهی برینند: ۲۵ هیچ جز سلام و تحیت و احترام هم نگویند و نشنوند (۲۶) (اما راستان) و اصحاب یمین چه خوش روزگارند ۲۷ در سایه درختان سدر پر میوه بی‌خار ۲۸ و درختان پر برگ سایه‌دار ۲۹ در سایه بلند درختان ۳۰ و در طرف نهر آبهای زلال ۳۱ و میوه‌های بسیار: ۳۲

لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ۖ وَفَرِيقٌ مَّرْغُوعَةٌ ۖ وَنَا أَنَا نَاصِرٌ
 إِنِّ شَاءَ ۖ جَعَلْنَا مِنْ آبَكَ وَإِسْرَءِيلَ أَوْثَارًا ۖ لِلْأَصْحَابِ الْيَمِينِ ۖ
 ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ۖ وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ ۖ وَالْأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَآ
 أَصْحَابُ الشِّمَالِ ۖ فِي سَعِيرٍ ۖ وَجِيهٍ ۖ وَظِلٍّ مِنْ يَحْتُمٍ ۖ إِلَّا بَارِدٌ وَلَا
 كَرِيمٌ ۖ فَهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ۖ وَكَانُوا يُصْعِقُونَ عَلَى
 الْحُثِّ الْعَظِيمِ ۖ وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِنَّا لَمِثْلُ آبَائِنَا وَإِسْرَءِيلَ ۖ وَكَانُوا
 يُعْتَبِرُونَ ۖ وَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ۖ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَ
 الْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتٍ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ۖ ذُو الْأُنْجَالِ
 لَصَالُوا لَ الْمَلَكِ يَوْمَ ۖ لَا يَكُونُ مِنْ شَجَرٍ مِنْ رَقِيمٍ ۖ هُمُ الْيُونُ
 مِنْهَا الْبَطُونُ ۖ هُمُ الْيُونُ عُلْبِدُ مِنَ الْحَمِيمِ ۖ هُمُ الْيُونُ شَرِبَ
 الْحَمِيمِ ۖ هَذَا زُلْزَلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ۖ هُمْ خَلْقُنَا كَرَفَلُوا لَا تَضَدُّونَ
 ۖ فَتَرَأَيْنَهُمْ مَتَمَنُّونَ ۖ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَنَا أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ۖ هُمْ
 قَدْ زَانَبْتَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمُسْبِقِينَ ۖ هَلْ أَنْ تَبْدِلَ
 مِثْلَ الْكَرِّ ۖ وَتُنْشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ۖ هَلْ قَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ
 الْأُولَىٰ ۖ قُلُوا لَا تَذْكُرُونَهَا ۖ فَتَرَأَيْنَهُمْ مَتَحَرِّقُونَ ۖ أَنْتُمْ تَزِدُّوهُمُ
 مِمَّنْ زَارِعُونَ ۖ هَلْ أَنْتُمْ تَحْكُمُونَ ۖ هَلْ أَنْتُمْ تَحْكُمُونَ ۖ هَلْ أَنْتُمْ تَحْكُمُونَ
 هَلْ أَنْتُمْ تَحْكُمُونَ ۖ هَلْ أَنْتُمْ تَحْكُمُونَ ۖ هَلْ أَنْتُمْ تَحْكُمُونَ ۖ هَلْ أَنْتُمْ تَحْكُمُونَ

که هیچوقت منقطع نشود و هیچکس بهشتیان را از آن میوهها منع نکند (۳۳) و فرشهای پر بها (یا فراش و زنان زیبا) (۳۴) که آنها را ما (در کمال حسن و زیبایی) بیافریده ایم (۳۵) و همیشه آن زنان را با کره گردانیده ایم (۳۶) و شوهر دوست جوان همسالان هم (۳۷) این نعمتهای بهشتی مخصوص اصحاب یمین است (۳۸) که جمعی از پیشینیان (۳۹) و جمعی از امت رسول آخر زمان هستند (۴۰) و اصحاب شقاوت (که نامه هملشان بدست چپ است) (۴۱) آنها در عذاب باد سموم و آب گرم باشند (۴۲) و سایه‌ای از دود آتش دوزخ (۴۳) که نهر گز سرد شود و نه خوش نسیم گردد (۴۴) این عذاب آنها را بدین سبب است که از این پیش (در دنیا) پناز و نعمت پرداختند (و از خدا غافل شدند) (۴۵) و بر کناه بزرگ (شرک و عناد) لجاجت و اسرار داشتند (۴۶) و میگویند آیا ما چون مردم و استخوان ما خاک شد باز هم مازنده می‌شویم (۴۷) یا پندران گذشته ما زنده خواهند شد (۴۸) ای رسول بگو البته تمام خلق اولین و آخرین زنده میشوند (۴۹) و همه در وعده گاه روز معین محشر جمع میگردند (۵۰) آنگاه شما ای گمراهان منکر قیامت (۵۱) از درخت زقوم تلخ دوزخ البته خواهید خورد (۵۲) یا آنکه شکم را از آن پر میسازید (۵۳) آنگاه همه از آب گرم جهنم میاشامید (۵۴) بدانسان از عطش آن آب را مینوشید که شران تشنه آب میاشامند (۵۵) این طعام و شراب کافران در روز جزاست (۵۶) یا شما را (بدین خلقت زیبا) بیافریدیم پس چرا آفریننده را تصدیق نمیکنید (۵۷) آیا ندیدید که نخست شما نطفه‌ای بودید (۵۸) یا شما خود آن نطفه (بی جانرا) بصورت فرزند انسان آفریدید یا ما آفریدیم (۵۹) ما مرگ را بر همه خلق (با اختلاف سن) مقدر ساختیم و هیچکس بر قدرت ماسبق نتواند برد (۶۰) اگر بخواهیم هم شما را فانی کرده و خلقی دیگر مثل شما بیافرینیم و شمارا بصورتی (در جهانی دیگر) که اکنون از آن بیخبرید برمی‌انگیزیم (۶۱) و شما از نشانه اول خود آگاه شدید پس چرا متذکر عالم آخرت نمی‌شوید (۶۲) آیا ندیدید تخی را که در زمین کشتید (۶۳) یا شما (از خاک) آن بقمع را رویانیدید یا ما رویانیدیم (۶۴) اگر ما بخواهیم کشت و زرع شما را خشک و تباه می‌سازیم تا با حسرت و ندامت بسختان بیهوده پردازند (۶۵) و گوئید ما سخت در زبان و غرامت افتادیم (۶۶) آنکه از روزی خود بکلی محروم گردیدیم (۶۷) یا آبی را که شما (هر روز) مینوشید متوجه اید (۶۸)

١٠ أَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ ١١ لَوْلَا إِسْرَافُكُمْ أَنتُمْ
 ١٢ أَصْحَابُ الْقُلُوبِ ١٣ أَفَرَأَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّوْا أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ غَمَاقًا ١٤ فَيَكُونُ
 ١٥ لَكُمْ عُقُوبٌ ١٦ فَلَا آمْنٌ وَلَا أُفٍّ وَلَا رِجْوَاجٌ ١٧ فَيَكُونُ لَكُمْ
 ١٨ عُقُوبٌ ١٩ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٢٠ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٢١ فَيَكُونُ
 ٢٢ لَكُمْ عُقُوبٌ ٢٣ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٢٤ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٢٥
 ٢٦ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٢٧ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٢٨ فَيَكُونُ لَكُمْ
 ٢٩ عُقُوبٌ ٣٠ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٣١ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٣٢
 ٣٣ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٣٤ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٣٥ فَيَكُونُ
 ٣٦ لَكُمْ عُقُوبٌ ٣٧ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٣٨ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٣٩
 ٤٠ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٤١ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٤٢ فَيَكُونُ
 ٤٣ لَكُمْ عُقُوبٌ ٤٤ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٤٥ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٤٦
 ٤٧ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٤٨ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٤٩ فَيَكُونُ
 ٥٠ لَكُمْ عُقُوبٌ ٥١ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٥٢ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٥٣
 ٥٤ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٥٥ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٥٦ فَيَكُونُ
 ٥٧ لَكُمْ عُقُوبٌ ٥٨ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٥٩ فَيَكُونُ لَكُمْ عُقُوبٌ ٦٠

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

که آیا شما آن آب را ازا بر فرود یغثید یا ما نازل ساختیم (محققا ما نازل کردیم) (۹۹) (بسم) اگر میخواستیم آن آب را بجای آنکه خوش و گوارا کرده ایم شور و تلخ) میگردد اندیم آیا شکر گذاری (این نعمت بزرگ) نمی کنید (۷۰) آیا آتشی که (برای حوائج خود) روشن می کنید مینگرید (۷۱) آیا شما درختان را آفریدید یا ما آفریدیم (۷۲) ما آن آتش را خلق (کردیم) ما یابند (و عبرت) مسافران کوه و بیابان (عالم) گردانیدیم (که برای ما یسج خود) بکار میبرند: ۷۳. پس ابرسول نام بزرگ خدای خود را تسبیح گو: ۷۴. سوگند بموقع نزول ستارگان (یا آیات کریمه قرآن) (۷۵) و این قسم اگر بدانید بسیار سوگند بزرگی است (۷۶) که این قرآن بسیار کتابی بزرگوار و سودمند و گرامیست: (۷۷) در لوح محفوظ: ۷۸. کمیز دست پاکان و فهم خاصان بدان نرسد: ۷۹ (این کتاب بزرگ) تنزیلی از پروردگار عالم است (۸۰) ای کافران آیا با این سخن باز انکار و نفاق میورزید (۸۱) (و بجای استفاده از قرآن تنها) بهره خود را تکذیب آن قرار می دهید: ۸۲. پس چگونه خواهد بود هنگامی که جانان به گلو رسد (۸۳) و شما وقت مرگ بر بالین آن مرده حاضرید و بنگرید (۸۴) و ما باد از شما نزدیکتریم لیکن شما معرفت و بصیرت ندارید (۸۵) اگر کار بدست شما و طبیعت است و شما را آفریننده ای نیست (۸۶) پس روح را دوباره ببین مرده بازگردانید اگر راست میگوید: (۸۷) بدانند آن که نصیر را اگر از مقربان درگاه خداست: ۸۸. آنجا در آسایش و نعمت بهشت ابدی است (۸۹) و اگر از اسباب یمینست: (۹۰) و پرا بشارت دهید که ترا (از هر رنج و آلم) ایمنی و سلامتست: ۹۱. و اما اگر از منکران و گمراهانست (۹۲) نصیبی حمیم جهنم است: (۹۳) و جایگاهش آتش دوزخ است (۹۴) این (وعد و وعید) البته یقین و حق و حقیقت است: (۹۵) ابرسول تو نام بزرگ خدای خود را تسبیح گو: (و پیوسته بیاد خدا باش) (۹۶)

سورة حدید در مکمل مظنه نازل شده و مشتمل بر ۲۹ آیه میباشد :

بنام خدای یغثنده مهربان

هر چه در زمین و آسمانهاست همه به تسبیح و ستایش یکتای خدای که مقتدر و حکیم است مشغولند (۱) آن خدایی که آسمانها و زمین همه ملک

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِحُسْنِ عِلْمٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الَّذِي
 وَالْآخِرِ وَالظَّاهِرِ وَالْبَاطِنِ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ هُوَ الَّذِي
 خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ
 يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَنْصُصُ
 فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَهْمًا كُنْتُمْ وَاللَّهُ يَمَّا تَعْلُونَ بَصِيرٌ لَهُ مُلْكُ
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ بُرُوجُ النَّهَارِ وَاللَّيْلِ فِي النَّهَارِ
 وَبُورُجُ اللَّيْلِ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ آمِنُوا بِاللَّهِ
 وَرَسُولِهِ وَأَنْقِصُوا مَا جَعَلَكُمْ مُسْتَفْضِينَ فِيهِ قَالَتِ الَّذِينَ آمَنُوا
 مِنْكُمْ وَأَنْقِصُوا لَهُمْ أَجْرَ كَيْبَرٍ وَمَا لَكُمُ لَا تَأْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ
 يَدْعُوكُمُ لِلْإِيمَانِ أَنْ تُكْمِلُوا دِينَكُمْ قَالَتِ الَّذِينَ آمَنُوا
 هُوَ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ
 إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤُوفٌ رَحِيمٌ وَمَا لَكُمُ لَا تَنْفَعُوا فِي
 سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ
 أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلٌ أُولَئِكَ أَكْثَرُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا
 مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَمَّا تَعْلُونَ
 جَبْرِ مَنْ ذَا الَّذِي يُفْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فُضِّلَ عَلَيْهِ لَهُ وَلَهُ
 أَجْرٌ كَرِيمٌ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ

اوست او خلق را زنده می گرداند و باز می میراند و اوست که (در عالم) بر همه چیز تواناست (۴) اول و آخر هستی و پیدایش و پنهان وجود همه اوست و او همه امور عالم داناست (۵) اوست خدائی که آسمانها و زمین را درش روز بیا فرید آنگاه بتدبیر عرش (و نظام جمعی عالم) پرداخت و او هر چه در زمین فرو رود و هر چه برآید و آنچه از آسمان نازل شود و آنچه بالا رود همه را می داند و هر کجا باشد او با شصت و بهره چه کنید بخوبی آگاهست (۶) آسمانها و زمین همه ملک اوست و رجوع تمام امور عالم بسوی اوست (۷) شب را در (پرده زرین) روز نهان کند و روز را در غیمه سیاه شب پنهان سازد و با سرار دلهای خلق هم او آگاهست (۸) (الای پندگان) بعدها و رسول او ایمان آرید و از آنچه شما را در آن وارث گشتگان گردانید (براه خدا) انفاق کنید (که از شما بدیگران میرسد) پس بر آنانکه از شما ایمان آورده و انفاق کردند پادش بزرگ (بهشت ابد) خواهد بود (۹) و برای چه شما بعدها و رسول او ایمان نیاورید در صورتی که رسول حق شما را (آیات و معجزات) براه ایمان بهرورد کارتان دموست میکند و خدا (هم در عظمت و عقل) از شما پیمان ایمان گرفته است اگر (قابلیت) ایمان دارید (۱۰) اوست خدائی که بر بنده خود آیات قرآن روشن بیان را نازل کرد تا شما پندگان را از ظلمات (جهل و عسیان) بیرون آرد و بنور (علم و ایمان) رهبری کند و خدا بسیار در حق شما متفق و مهربان است (۱۱) و برای چه در راه خدا انفاق نکنید در صورتی که (شما فانی شوید و) وارث تمام (اهل) آسمانها و زمین خداست و آن مسلمانانی که پیش از فتح مکه در راه دین انفاق و جهاد کردند آنها اجر و مقامشان بسیار عظیم تر از کسانیست که بعد از فتح انفاق و جهاد کردند و خدا بهره چه کنید آگاهست (۱۲) آن کیست که بعدها قرض نیکو دهد (یعنی قرض الحسنه و احسان بخیران کند) تا خدا بر او چندین برابر گرداند و پاداشی با لطف و کرامت (نامتناهی) او را عطا فرماید (۱۳) ای رسول ما یاد آر روزی را مردان و زنان مؤمن ششمه نور (ایمان) شان

اَيْنَهُمْ وَيَا نِعْمَ بَشِيرِكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتُ تجري من تحيها الانهارُ
 خالدين فيها ذلك هو الفوز العظيم ﴿١٠﴾ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ
 الْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُوا نَاقَتَيْنِ مِن نُّورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا
 وَارْتَدُّوا فَالْتَمَسُوا نَوْرًا فَمَضَىٰ بِهِنَّ يَوْمَئِذٍ رَبُّهُنَّ اِلَىٰ بَابٍ بَاطِنُ فِيهِ
 الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهَا مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١١﴾ هُنَا دُخَانٌ اَزْكَىٰ مَعَكُمْ
 فَالْوَابِلُ اِلَيْكُمْ فَتَنْتُمْ اَنْفُسَكُمْ وَتُبْضُنَّمْ وَارْتَدُّنَّمْ وَغُرَّتْكُمْ
 الْاَمَانِي حَتَّىٰ جَاءَ اَمْرُ اللَّهِ وَعَزَّ كَرِيْمُ اللَّهِ الْعَزِيزُ ﴿١٢﴾ قَالَ يَوْمَ لَا يَخْلُفُ
 مِنْكُمْ قُدْبَةٌ وَلَا يَمُنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مَا وَلَكُمْ الشَّارِكُ مِنْ شَيْءٍ وَلَكُمُ
 عَذَابُ عَالِي الْاَسْبَابِ ﴿١٣﴾ لِلَّذِينَ آمَنُوا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَ
 مَا تَزَلُّنَ الْحُجُجُ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ اَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ ظَلَلُ
 عَلَيْهِمُ الْاُمْدُ فَكَفَّ قُلُوبُهُمْ وَكَثُرَ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿١٤﴾ اَعْلَمُوا اَنَّ
 اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ
 ﴿١٥﴾ اِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا اَعْطَا
 لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١٦﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ اُولَٰئِكَ لَهُمُ
 الصَّدَقَاتُ وَاللَّهُ عِنْدَ رُسُلِهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَتُورُهُمْ وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا اُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْحَرِّ اَلْمُتَمَرِّ ﴿١٧﴾ اَعْلَمُوا اَنَّ
 الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُؤٌ وَبَنَاتٌ وَلَكَؤُوفٌ

پیشرو و مستدرست آنها بشتابد و مؤده دهد که امروز شما را به بهشتی که نهرها زیر درختانش جاریست پشاور باد که در آن بهشت جاودان خواهید بود و این همان سعادت و فیروزی بزرگ شماست (۱۴) و بار آن روز مردان و زنان منافق باهل ایمان گویند مشتاید و بما فرصتی میدهد تا ما هم از نور شما و روشنائی برگیریم در پاسخ به آنها گویند واپس گردید و در آنجا نوری مانند ما طلبید در این گفتگو باشند که بین آن دورخیان با اهل بهشت حساری حایل گردد و بر آن حصار دری باشد که باطن و درون آن در (بهشت) رحمت است و از جانب ظاهر عذاب (جهنم) خواهد بود (۱۵) باز منافقان ندا کنند که آخر ما هم با شما بودیم آنها جواب دهند بلی راست می گوئید لیکن شما (بنفای با خدا) خود را چنین بختنه و هلاکت افکندید و در دنیا انتظار (هلاکت مؤمنان) داشتید و در کار دین شک ورید بودید و آرزوهای دنیا فریبتان داد تا وقتی که امر خدا فرا رسید و شیطان فریبنده شما را تادم کرد از خدا خال و مفرور گردانید (۱۶) پس امروز بر اینها توبه کنید و افسوسان و کافران بگذرید و عرض نفرموده همه منز (کامتان) آتش دوزخ و آن آتش شما را سزاوارتی و بسیار به بد منزلی باز میگردد (۱۷) آیا توبت آن نرسید که گردیدگان (ظاهری از باطن بگروند تا) دلها همان بیاد خدا عاشق گردد و به آنچه از حق نازل شد بدل توجه کنند و مانند کسانی که پیش از این بر ایمان کتاب آسمانی توریة آئید (یعنی یهود و نصاری) نباشند که دوره طولانی (زمان قشر) بر آنها گذشته و دلها همان ذنک قضاوت گرفت و بسیار فاسق و ناپاکار شدند (۱۸) بدانید که زمین را خدا پس از مرگ زنده میگرداند ما آیات و ادله قدرت خود را برای شما بیان کردیم تا مگر فکر و عقل بکار بندید (۱۹) همانا مردان و زنانی که در راه خدا بقتلیران سده و احسان کنند و خدا قرض نیکو دهند (یعنی به مستحاجان قرض الحسنه دهند) خدا احسان آنها را چندین برابر سازد و پاداش بالطف و کرامت نیز عطا کند (۲۰) و آنانکه بخدا و رسولان ایمان آوردند آنها بحقیقت راستگو و با عالمند و بر ایمان نزد خدا اجر شهیدان است پاداش اصال و نور ایمانسان را (در بهشت) میبایند و آنان که بخدا کافر شده و آیات الهی را تکذیب کردند آنها اهل آتش دوزخند (۲۱) بدانید که زندگانی دنیا بحقیقت بازیچه ایست طفلانه و لوبو و عیاشی و آرایش (زنانه) و تفاخر و خودستایی

مَوَالٍ وَلَا دُولٍ سَلَبَ الْجَبَّارُ مَا رَزَقَهُ
 رَبِّهِ مُضْمَرًا أَوْ يَكُونُ حُطَامًا فِي الْأَخِرَةِ عَذَابٌ مُدَبَّرٌ
 مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَسَاحٌ الْفَر
 يَقُولُ إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكَ وَجَنَّةٍ يُعْرَضُهَا كَعْرَضٍ لِّتَمَاءَ وَ
 لَأَرْضٍ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ
 مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ١٠ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي
 لَأَرْضٍ وَلَا فِي نَفْسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ
 عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ١١ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ
 اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ١٢ الَّذِينَ يَخْلَوْنَ وَبَا مُرْدُنَ النَّاسِ
 خَلٌّ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ١٣ لَقَدْ أَرْسَلْنَا
 لَنَايَا الْبَيْتَانِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ
 الْقِسْطَ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ
 عَلَّمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ يَا غَافِبٌ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ١٤
 لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ
 لِيُذَكِّرَ أَكْثَرَهُمْ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ١٥ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِمْ
 سُلَيْمًا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَانْبَاءَهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي

با یکدیگر و حرم افروندن مال و فرزندان این حقیقت کاردنیاست و در مثل
مانند بارانست که بموقع بیارد و گیاهی در پی آن از زمین برآید که
برزگر با کفار دنیا پرست را بشکفت آرد و سپس شکری که زرد و خشک و
ویران و در عالم آخرت (دنیا طلبان را) عذاب سخت و جهنم (مؤمنان را) آمرزش
و خوشنودی حق نصیب است و باری بدانید که دنیا جز متاع فریب و فرود
چیزی نیست (۳۰) (الا ای بندگان) بسوی آمرزش پرورد گارتان بشتابید
و براه بهشتی که مرضش بقدر پهنای آسمان و زمین است آن بهشت (بدین
وسعت) برای اهل ایمان بخدا و پیغمبرانش مهیا گردیده این فضل خداست که
بهر کس خواهد عطا می کند و فضل و کرم خدا بسیار عظیم است (۳۱) هر رنج
و مصیبتی که در زمین (از قسلی و آفت و فقر و ستم) یا از نفس خویش شمارد
همه در کتاب (لوح محفوظ) پیش از آنکه در دنیا ایجاد کنیم ثبت است و خلق
آن بر خدا آسانست (۳۲) (این را بدانید) تا هرگز آنچه از دست شما رود
دلفنگ نشوید و آنچه شما رسد دلشاد نگردید و خدا دوستدار هیچ متکبر
خودستائی نیست (۳۳) همان متکبران که خودشان در احسان بفقیران
بخل میورزند و مردم را هم بتخل و منع احسان و امداد دارند و هر که روی از
طاعت حق بگرداند (زبان به خود رسانیده که) خدا بکلی (از طاعت خالق)
بی نیاز و بذات خویش ستوده صفات است (۳۴) همانا ما پیغمبران خود را
با ادله و معجزات (بخلق) فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل
کردیم تا مردم بر راستی و عدالت گرانید و آه (و بولد و دیگر فلزات) را
که در آن هم سختی و کادزار و هم منافع بسیار بر مردم است نیز برای حفظ
عدالت آفریدیم تا معلوم شود که خدا و رسلش را با ایمان ملی که یاری
خواهد کرد که خدا بسیار قوی و مقتدر (و ازیاری خلق بی نیاز) است (۳۵)
و البته ما نوح و ابراهیم و یحیی و عیسی را فرستادیم و فرزندان شان نبوت و کباب
آسمانی قرار دادیم پس آها برخی براه حق هدایت یافتند و بسیاری
بنسب و بدکاری شتافتند (۳۶) و از پی نوح و ابراهیم باز رسولان دیگر
و سپس عیسی مریم را فرستادیم و باو کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم
و در دل پیروان (حقیقی) او رافت و میربانی نهادیم و (لیکن) رهبانیت
(و ترک دنیا) را از پیش

كُنْتُمْ مَا عَلِمْتُمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْا حَقَّ رِغَابِهِمْ
فَاتَّبَعُوا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ آجِرُهُمْ وَكَيْفَ مِنْهُمْ فَاسْتَقُوه ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرُسُلِهِ يُؤْثِرْ لَهُم مِّنْ رَّحْمَتِهِ وَ
يَجْعَلَ لَهُمْ خُرَافَاتٍ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ إِنَّمَا
يَعْلَمُ أَهْلَ الْكِتَابِ لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ
الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

سورة الحجّاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ
اللَّهُ يَسْمَعُ خَوَائِدَ أَنْ اللَّهَ يَسْمَعُ بِصِيرِ ۝ الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنكُم
مِّنْ نِّسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ
وَأَنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مَنَّكَ مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ
رَّحِيمٌ ۝ الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَصَحَّفُ رِغْوَهُ
مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَبَاشَأَ أَذِكْرُهُمْ فَعُطِفُوا بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
۝ مَن لَّمْ يَجِدْ فَخِصَامُ شَهْرَيْنِ مُّتَبَعَيْنِ مِن قَبْلِ أَنْ يَبَاشَأَ أَمْرًا
لَّمْ يَسْطَعْ فَاظْعَامَ بَيْنَيْنِ مَكِينًا ذَلِكَ لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَلِيَاك حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ

خود بدعت انگیز میخندد ما بر آنها جز آنکه رضا و عشق خودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنانکه باید و شاید همه مراعات آن را نکرده اند ما بآنان که ایمان آوردند پاداشی و اجرشان را اعطا کرده ایم و (لیکن) از آنها بسیاری بر آفتق و تبه کاری شتافتند (۴۷) ای کسانی که بحق گرویدید اینک خدا ترس و متقی شوید و به رسولش محمد مصطفی (ص) نیز ایمان آرید تا خدا شمار از رحمتش دو بهره نسب گرداند (یکی بر ایمان رسولان پیشین و یکی بدین رسول) و نووری از پر توایمان بر آن شمار اعطا کند که بد آن نور راه (بهت آید) پیمائید و از گناه شما نیز درگذرد که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست (۴۸) تا اهل کتاب بدانند که آنها هیچ از رحمت و فضل خدا دستی ندارند و هر فعل و نیتی بدست خدا است که او بپر که خواهد می بخشد و خدا دارای فضل و رحمت بی پایان است. (۴۹)

سورة مجادله در مدینه نازل شده و مشتمل بر ۲۲ آیه میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

(ای رسول ما) خدا سخن آن زن را که درباره شوهرش با تو به مجادله بر برخاسته و شکوة او بخدا میبرد محققا شنید و گفتگوهای شمارا نیز میشنود که خدا (بسخنان بندگان) البته شنوا و (باحوالشان) بیناست (۱) آنانکه بازنان خود اظهار کنند (یعنی گویند تو بر من چون پشت مادری) آنها مادق حقیقی شوهران (بمجرد این گفته) نخواهند شد بلکه مادر ایشان جز آنکه آنها را زائیده نیست و این مردم (بهادت زمان جاهلیت) سخنی ناپسند و باطل می گویند و خدا را عفو و بخشش بسیار است (۲) و آنان که از زنان خود اظهار کنند (و آنها را بمنوالة مادر و معارف دیگر گفتند) آنگاه از گفته خود برگشتند (و عزم جماع آنها کردند) پیش از تماس و مجامعت باید برده ای آزاد کنند باین عمل پسند و موعظه میشود (تا دیگر باین کار حرام اقدام نکنید) و خدا پشام کردار شما آگاهست (۳) و هر که برده نیابد (یعنی توانایی برده آزاد کردن ندارد) باز باید پیش از جماع دو ماه بر در پی دوزه بگیرد و باز اگر نتواند باید شصت مسکین را طعام دهد این (حکم) کفاره برای آنست که شما بخدا و رسول ایمان (کامل) آرید و این احکام حدود الهی است و کافران را (که بخدا و احکامش نمی گروند) عذاب دردناک (دوزخ) مهیاست (۴) آنان که با خدا و رسول سخت مخالفت می کنند

اللَّهُ وَرَسُولُهُ كَيْنُوا أَمْ كَانِيتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتِ
 بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿١٠﴾ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَمَا يَتَّبِعُهُمْ
 بِنَاءُ عَمَلُوهُمْ أَحْصِيهِ اللَّهُ وَنُورُهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١١﴾ أَلَمْ
 تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى
 ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَافِعُهُمْ وَلَا يَشْعُرُونَ إِلَّا هُوَ سَادُّهُمْ وَلَا أَدْنَى
 مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ إِنْ كَانُوا فَرَّادًا فَرْتَضَاهُمْ بِمَا
 عَمِلُوا يَوْمَ الْفَتْحِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٢﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَهَوُا
 عَنِ الْبَغْيِ ثُمَّ يَعْزُودُونَ لِمَا نَهَوْا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ يَا لَآؤُرَدِ
 الْعُذْرَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاؤُكَ عِبَادُكُمْ بِحِكْمَةٍ
 بَيْنَهُمُ الْقَوْلُ فَرَفَضْتَهُمْ لَوْلَا يَعْنِي بَنَاءُ اللَّهِ بِمَا يَقُولُ فَهُمْ
 جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَيُخْسِرُوا الْمَصِيرَ ﴿١٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَوْا
 فَلَا تَنَاجُوا بِالْآثِمِ وَالْعُذْرَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجُوا
 بِالْبِرِّ وَالْقَوِيَّةِ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٤﴾ إِنَّمَا الْبَغْيُ
 مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا
 بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفْتَحُوا فِي الْجَالِيسِ فَافْتَحُوا بِفَضْلِ اللَّهِ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ
 انْصُرُوا فَإِنَّه بَرَفَعَهُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا

آنها هم مانند کافران پیش برو در (آتش عذاب) افتند و ما (برای اتمام حجت مردم) آیات روشن بیان نازل کردیم و کافران را عذاب ذلت و غواری مهیاست (یعنی بیاد آید روزیکه خدا) جمیع خلایق را (برای حساب) بر - انگیزد تا آنها را بپنجه اعمالشان که اتمام را بشمارد ضبط فرموده و آنها فراموش کرده اند آگاه سازد و خدا بر همه موجودات عالم گواهیست (۹) آیا ندیدید (وندانستی) که آنچه در آسمانها و زمین است خدا بر آن آگاه است هیچ رازی سه کسی باهم نگویند جز آنکه خدا چهارم آنها و نه پنج کسی جز آنکه او ششم آنها و نه کمتر از آن و نه بیشتر جز آنکه خدا هر - کجا باشد با آنهاست (که خدا را احاطه بر جزئیات عالم است) پس روز قیامت همه را بپنجه اعمالشان آگاه خواهد ساخت که خدا بکلیه امور عالم داناست. ۱۰. ای رسول ما آیا آنان (یعنی یهود و منافقان) را که از نجوی و راز گشتن باهم ممنوع شدند ندیدید که اعتنا به نهی خدا نکردند و باز هم با یکدیگر بر بزهکاری و دشمنی و مخالفت رسول راز گفتن از سر گرفتند و هر گاه حضور تو آیند از مکر و خدمت ترا سلام و تحیتی گویند که خدا نفروده است و پیش خود میگویند (اگر این شخص رسول خداست) چرا خدا ما را بر این سلام (تمسخر آمیزی) که باو می کنیم ما را عذاب نمیکند عذاب دوزخ آنها را کفایت است که در آنجا که بسیار بد منزلت لگامی است پیوسته مذهب خواهند شد (۱۱) ای کسانی که ایمان آورده اید شما هر گاه باهم سخنی بر از گوئید هرگز بر بزه کاری و دشمنی و مخالفت رسول نگوئید بلکه بر نیکی و تقوی راز بمان آری و از خدا که بسوی او محشور خواهید شد بترسید و پرهیز کار شوید (۱۲) همیشه نجوی و راز گفتن از (نفوس شریره) شیطان (و عمل منافقان) است که می خواهند مؤمنان را دلتنگ و پریشان خاطر کنند و رسول تیکه بچیزان آنها نمیزد و نه بزرگواران آنها را که امر خدا باند و مؤمنان باید همیشه بر خدا توکل کنند. (۱۳) ای اهل ایمان هر گاه شما را گفتند که در مجالس خود جای را بر یکدیگر فراق دارید امر خدا را بشنوید (و برای نشستن مکان بالاتر و نزدیک تر پدید می آید تنازع و تراحم مکنید) یا خدا بر توسعه (مکان و منزلت) شفافتر آید و هر گاه گفتند که از جای خود (برای توسعه مجلس یا کار خیر دیگری) بر خیزید نیز حکم خدا را اطاعت کنید که خدا مقام اهل ایمان و دانشمندان عالم را

الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا
 نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدُوا بَيْنَ يَدَيْ جُوبَكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ
 لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ أَشَقَقْتُمْ أَنْ
 تُقَدُّوا بَيْنَ يَدَيْ جُوبَكُمْ صَدَقَاتٌ فَإِذَا لَمْ تَفْعَلُوا وَابْتَغِ اللَّهَ
 عَلَيْكُمْ فَأَقْبِعُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 مِنْهُمْ مَيْكْرُهُمْ وَلَا يَمْنُهُمْ وَيَخْلِفُونَ عَلَى الْكَيْبِ هُمْ يَعْمَلُونَ ۝ أَعَدَّ
 اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ اخْتَدُوا بُيُوتَكُمْ
 جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝ لَنْ تَغْنِي عَنْهُمْ
 أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ
 فِيهَا خَالِدُونَ ۝ يَوْمَ نَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُخْلِفُونَ لَهُمْ كُلًّا يَخْلِفُونَ
 لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَى شَيْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَافِرُونَ ۝ اسْتَعِذْ
 عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَإِنَّهُمْ ذَكَرُ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا
 إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَائِرُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادِّثُونَ اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ ۝ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي
 إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
 يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ

(در دو جهان) رفیع میگرداند و خدا بهرچه (از نیک بود) کنید آگاهست (۱۹۱) ای اهل ایمان هرگاه بخواهید که با رسول سخن سری گوئید (یا سوالی کنید) پیش از اینکه باید (میلنی) صدقه دهید که این صدقه برای شما بهتر و پاکیزه تر است (که شمارا از سوال بی جا برکنار و از بغل و لغات شما را پاکیزه گرداند) و اگر از فقر چیزی برای صدقه نیابید در این صورت خدا البته آمرزنده و مهربانست (و شمارا میبخشد) (۱۹۲) آیا از اینکه پیش از از گفتن با رسول صدقه دهید (از فقر) ترسیدید پس حال که (اداء صدقه) نکردید باز هم خدا شما را بخشد اینک نماز بپا دارید و زکوة بدهید و خدا و رسول را اطاعت کنید و خدا بهرچه کنید آگاهست (۱۹۳) (ای رسول ما) آیا آن (صافق) مردم را ندیدی که با (یهود) قومی که خدا بر آنها غضب کرده است دوستی کردند آنها بحقیقت نه از شما مسلمین و نه از فرقه یهود و بدروغ قسم یاد میکنند (که ما اهل ایمانیم) در صورتیکه خود میدانید که دروغ میگویند (۱۹۴) خدا بر آنها عذابی سخت مهیا کرده زیرا بسیار زشت کردند (۱۹۵) آن مردم منافق سوگند و قسمهای خود را برای حفظ خود سپر قرار دادند و خاق را از راه خدا باز داشتند بر آنها کیفر عذاب ذلت و خواری خواهد بود (۱۹۶) و هرگز مال و فرزندان نشان آنان را از عذاب قهر خدا ابداً نرهاند آنها اهل دوزخند و در آن همیشه معذبند (۱۹۷) روزی را که خدا همه آنها را برانگیزد و چنانکه برای شما قسم یاد کردند برای خدا هم بدروغ سوگند میخورند و میبندارند که اثری بر آنها خواهد داشت الا ای اهل ایمان بدانید که آنها بسیار مردم منافق دروغگوئی هستند (۱۹۸) شیطان بر (دل) آنها سخت احاطه کرده که فکر و ذکر خدا را بکلی از یادشان برد آنان حزب شیطانند الا ای اهل ایمان بدانید که حزب شیطان بحقیقت زبانکاران عالمند (۱۹۹) آنانکه با خدا و رسول عناد و مخالفت میکنند آنها در میان خلق خوار و ذلیلترین مردمند (۲۰۰) خدا نگاشته و حتم گردانیده که البته من و رسولانم (پر دشمنان) غالب شویم که خدا بی حد قوی و مقتدر است (۲۰۱) (ای رسول) هرگز مردمی که ایمان بخدا و روز قیامت آورده اند چنین نخواهی یافت که دوستی با دشمنان خدا و رسول کنند و هر چند آن دشمنان پدران یا فرزندان

إِخْوَانِهِمْ أَوْ عَشِيرَتِهِمْ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَتَدَّبَّرُوا
 مِنْهُ وَيَذْكُرُهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ
 عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
 ﴿١٠٠﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٠١﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ هُوَ الَّذِي
 أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا
 ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوْا أَنَّهم مَأْنِعُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ
 اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَدْ فِي قُلُوبِهِمُ الرَّعْبُ يُخْرِجُونَ يَوْمَهُمُ
 بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ هَلْ وَلَوْ لَا أَنْ
 كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ
 هَٰذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ
 شَدِيدُ الْعِقَابِ مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْسَةٍ أَوْ نَرَكْتُمْ هَٰذَا فَاقْتُمُوا عَلَى
 أَصُولِهِ فَأَبَٰذَنَ اللَّهُ وَلِيُخْرِجَ الْفَاسِقِينَ هُوَ مَا آفَأَ اللَّهُ عَلَى
 رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خِبَلٍ وَلَا رِكَابٍ لَكِنَّ اللَّهَ
 يَسْلُطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هَٰذَا الَّذِي آفَأَ اللَّهُ
 عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلْيَبْشِرُوا لَلرَّسُولِ وَلِيَذِلَّ الْفَرُجُ وَالْبَاقِي

برادران و خویشان آنها باشند این مردم باید دارند که خدا سر دایانشان
نور ایمان نگاشته و بروح قدس الهی آنها را مؤید و منصور گردانیده و
در قیامت به بهشتی داخل کند که نبرهای (مصفا) زیر دوختانش جاری
است و جاودان در آنجا متمتعند و این (بهشت نهم و بالاتر از آن بهشت رضوان
است که) خدا از آنها غنود و آنها هم از خدا غنودند اینان بحقیقت حزب
خدا هستند الا ای اهل ایمان بدانید که حزب خدا رستگاران عالمند (۴۳)
سورة حشر در مدینه طحیه نازل شده و مشتمل بر ۲۴ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

هر چه در زمین و آسمانهاست همه به تسبیح و ستایش یکتا خدای عالم که
مقتدر و حکیم است مشغولند (۱) اوست خدائیکه (برای نصرت اسلام)
کافران اهل کابرا (یعنی یهود بنی نضیر) برای اولین بار همگی را
از دیارشان بیرون کرد و هرگز شما مسلمین گمان نمیگردید که آنها
(بامر رسول حق) از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود
را از (قهر و استقامت) خدا نگهبان خود می پنداشتند تا آنکه عذاب خدا از
آنها که گمان نمیبردند بدانها فرارسید و در دلشان (از سیاه اسلام)
ترس افتند تا بدست خود و بدست مؤمنان خانهایشان را ویران کردند
ای هوشیاران عالم از این حادثه پند و عبرت بگیرید (۲) و اگر خدا بر
آنها حکم جلاء و گنایم نکرد (سخت تر از آن) آنها را در دنیا (بقتل و اسارت
مغذب میکرد و بهر حال عذاب آتش دوزخ در آخرت بر آنها خواهد بود
(۳) این جلاء وطن) برای این بود که آنان با خدا و رسول سخت دشمنی
و مخالفت کردند و هر که با خدا دشمنی آغازد (بترسد که) عذاب خدا
بر او سخت است (۴) آنچه از دوختان خرما را (که بنی نضیر) بریدند
و آنچه را بر پا گذاشتند همه بامر خدا (و صلاح اسلام) و برای خواری و
سرکوبی (چه زدن فاسق ناپاکار بود) (۵) آنچه را که خدا از مال آنها
(یعنی بنی نضیر) برسم غنیمت باز داد متعلق بر رسول است که شما سپاهیان
اسلام بر آن هیچ اسبواستری نتاختید (و از رگاو و نکشیدید) و اینکه
رسولانش را بر غری که خواهد مسلط میکردند و خدا بر هر چیز تواناست
(۶) و آنچه که خدا از اموال کافران دیار بر رسول خود غنیمت داد آن
متعلق بخدا و رسول و (ائمه) و حویشاوندان رسول است و یتیمان و

وَالسَّائِكِينَ وَالَّذِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَكُونُ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ وَالْمَسْكِينِ
 مَا أَنْبَاكُمْ رَسُولُ مُحَمَّدٍ وَمَا أَخْبَرَكُمْ عَنْهُ فَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ وَاقْعُوا اللَّهَ إِنَّ
 اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ
 أَمْوَالِهِمْ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِنْ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَتَنْصَرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ۝ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ
 قَبْلِهِمْ يَمْحُونَ مِنْ مَاجِرِ اللَّهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا
 أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ
 شَخْصًا نَفْسَهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُوا
 رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي
 قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
 نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ
 أُخْرِجْتُمْ لَخُرُوجِنَ مَعَكُمْ وَلَا نَطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ
 لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَهْدِي الْغَايَةَ لَهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ
 مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُوهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُؤْتُوا الْأَدْبَانَ
 فَمَا لَبِصْرُونَ ۝ أَلَا تَتَذَكَّرُونَ فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ إِنَّ
 يَأْتِيهِمْ يَوْمَ لَا يَنْفَعُهُمْ ۝ لَا يَنْفَعُهُمْ شَيْءٌ مِنْ أَلْفِ قُرَّةٍ مَخْضُوعَةٍ
 دُونِ وَادٍ جَدِيدٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ

فقیران و راه گزندان (ایمان) این حکم برای آنست که غنائم دولت توانگران را بپذیرد و شما آنچه رسول حق و ستور دهد بپذیرید و هر چه نهی کند و اگذارید و از خدا بترسید که عتاب خدا بسیار سخت است (۷) بمقام بلند (یا غنائم) خاص فقیران مهاجرین است که آنها را از وطن و اموالشان بیدار غربت رانند در صورتیکه در طلب فضل و خشنودی خدا می کوشند و خدا و رسول را یاری میکنند ایمان بحقیقت راستگویان عالمند (۸) و جماعت انصار که پیش از (هجرت) مهاجرین (دوم که بر رسول ایمان آوردند و) مدینه را خانه ایمان گردانیدند و مهاجرین را که بسوی آنها آمدند دوست میدارند (و از غنائم بنی نصیر که بآنها داده شد) در دل خود هیچ حاجتی (و حسد و بغلی) نسبت بآنها نمی یابند و هر چند چیزی نیاد میدهند باشند باز مهاجران آن را بر خویش در آن چیز مقدم میدارند (و جانشان از بغل و حسد دنیا پاک است) و کسانی که خود را از خویش بغل و حرص دنیا نگاهدازند آنان بحقیقت رستگاران عالمند (۹) و آنان که پس از مهاجر و انصار آمدند (یعنی تا بعین و سایر مؤمنین تا روز قیامت) دایم در دعا بدرگاه خدا عرض می کنند پروردگارا بر ما و برادران دینی مان که در ایمان پیش از ما شتافتند ببخش و در دل ما هیچ کینه و حسد مؤمنان قرار مده پروردگارا تویی که (در حق بندگان) بسیار دگوف و مهر بانی (۱۰) ای رسول آنان که (بظاهر مسلمان شده و با خدا) نفاق ورزیدند نه بینی که با برادرانشان (یعنی با دشمنان اسلام) و همان (یهود) اهل کتاب که کافر شدند (در پیوسته و) گویند اگر شما از دیارتان اخراج شدید البته ما هم به همراهی شما خارج خواهیم شد و در راه حمایت شما از احدی ابدأ الحامت نخواهیم کرد و اگر مسلمین باشند جنگ کردند البته شما را مدد میکنیم و خدا گواهی دهد که محقق دروغ میگویند (۱۱) اگر آنها (یعنی یهود از مدینه) اخراج شد به مرکز منافقان بآنها خا نیغونند و اگر (مسلمانان) جنگ گزبان آیند هرگز یاریشان نمیکنند و اگر هم یاریشان کنند البته جنگ پشت کرده و دیگر نصرت نخواهند یافت (۱۲) این مردم منافق بسیار در دلشان از شما بیشتر ترس دارند تا از خدا زیرا آنها مردمی هستند که هیچ فیهوشوری ندارند (تا خدا شناس و خدا ترس باشند) (۱۳) (یهودان از جنین) بر جنگ با شما جمع نمی شوند مگر در قریه محکم حسار یا پس دیوار دشمنی و کارزار بین خودشان سخت است شما آنها را جمع و متفق می پندارید در صورتیکه دلهاشان سخت متفرق است زیرا آشوم دارای

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ۝ كَسَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَسْرًا وَاتُوا
 وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ كَسَلِ الشَّيْطَانُ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ
 اكْفُرْ فَلَا كُفْرًا قَالَ إِنِّي بِرَبِّي مُنْكَرٌ ۝ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ۝
 فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ۝
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍّ ۝ اتَّقُوا
 اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا لِلَّذِينَ تَبَوَّءُوا
 أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ لَا يَتَّبِعُ أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ
 الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ الْفَائِزُونَ ۝ لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى
 جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ هَارِيًا مُنْصَدِرًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَذَلِكَ لِأَمَثَالِ
 قَصِيرٍ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُونِ ۝ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ
 الْغَيْبِ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ تَعَالَى
 الْعَرْشُ ۝ الْمُؤْمِنُ الْمُؤْمِنَةُ الْعَزِيزُ ۝ الْجَبَّارُ ۝ الْمُتَكَبِّرُ ۝ يُبْحَثُ اللَّهُ
 عَمَّا تَسْمُرُونَ ۝ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ
 الْحُسْنَى ۝ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۝ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

سُورَةُ الزُّمَرِ ٢٢١

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا وَعْدَ دُونِي وَعْدَ ذِكْرٍ أُولِيَاءِ

دارای فهم و عقل نیستند (۹۳) مثل حال آیینان هم مانند همان قوم کافر پیشین است (منی) یهود قینقاع با کثرت با پدری که در دنیا بدین زودی یکفر کرد ارشان رسیدند و در قیامت هم عذاب دردناک بر آنها مهیاست (۹۵) (این منافقان) در مثل مانند شیطانند که انسان را گفت بخدا کافر شو پس از آنکه آدمی با طاعت او کافر شد آنکاه بدو گوید من از تو بیزارم که من از عذاب پروردگار عالمیان سخت می ترسم (۹۶) پس عاقبت شیطان و آدمی که با او کافر شد اینست که هر دو در آتش دوزخ مخلدند و آن دوزخ کیفر ستمکاران عالم است (۹۷) الا ای اهل ایمان خدا ترس شوید و هر نفسی بنگر تا چه صلی برای فردای (قیامت) خود پیش میفرستد و از خدا بترسید که او همه کردارتان بخوبی آگاه است (۹۸) و شما مؤمنان مانند آنان نباشید که بکلی خدا را فراموش کردند و خدا هم (حظ روحانی و ابدی) نفوس آنها را از یادشان برد آنان با حقیقت پدکاران عالمند (۹۹) هرگز اهل جهنم و اهل بهشت با هم یکسان نیستند اهل بهشت با حقیقت سعادتمند هستند (۱۰۰) و (ای رسول) اگر ما این قرآن (عظیم الشان را) بر کوه نازل میکردیم مشاهده میکردی که کوه از ترس خدا خاشع و ذلیل و متلاشی میگشت و این امثال را (در قرآن) برای مردم بیان میکنیم باشد که اهل عقل و فکرت شوند (۱۰۱) اوست خدای یکتا و غیر او خدائی نیست که دانای نهان و آشکار عالم است و پخته و مهربان (در حق بندگان) (۱۰۲) اوست خدای یکتائی که غیر او خدائی نیست سلطان مقتدر عالم و پاک از هر نفس و آرایش و منزّه از هر منیب ناشایست و ایمنی بخش (دلهای هراسان) نگهبان جهان و جهانیان غالب و قاهر بر همه خلقان با جبروت و عظمت و بزرگواری و برتری (از حد فکرت) زهی منزّه و پاک خدای از هر چه بر او شریک ندارند (۱۰۳) اوست خدای آفریننده عالم امکان و پدید آورنده جهان و بیان نگارنده صورت خلقان ادرا نامهای نیکوتر بسیار است و آنچه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش (او سابق) جمال و جلالت مشغولند و اوست یکتا خدای مقتدر حکیم (۱۰۴)

سورة ممتحنه در مذمت طایفه نازل شده و مشتمل بر ۱۳ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

ای کسانی که بخدا ایمان آوردید هرگز نباید کافران را که دشمن من و شما پند یاران

هُمُ الْهَادُونَ بِالْمُؤَدَّةِ وَقَدْ هَمُّوا جَانِبًا مِنْ حَيْثُ يَخْرُجُونَ
 رَسُولًا وَإِنَّا كَرِهْنَا أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ دِينَكُمُ إِن كُنْتُمْ تُخْرِجُهُمْ جِهَادًا فِي
 سَبِيلِ الْإِسْلَامِ مِنْهُمْ إِنَّا نُتِرْفِنَ الْهَادِينَ بِالْمُؤَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا
 خَفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ
 نَ يُشْفِقُونَ بِيَكُونُوا الْكِرَاءُ أَعْدَاءُ وَيَبْطُلُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمْ
 لِنُؤُودٍ وَوَدُّوا أَنْ تُكْفِرُوا ۚ لَنْ تُشْفَعُوا أَرْحَامَكُمْ وَلَا أُولَادُكُمْ
 وَمَا الْيَتِيمَ يَقْضِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَالِمُ الْمُفْعِلِينَ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ
 سُنَّةٌ حَسَنَةٌ فِي آبَائِهِمُ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا الْقَوْمُ مِنْهُمْ إِنَّا بَرَاءُونَ
 لَكُمْ وَمَا نَقْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَثُرْنَا بِيَكُونُوا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ
 عَدَاوَةٌ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَعَدَّةُ الْإِقُولِ ابْنَ
 لَيْبٍ لَا تَسْتَغْفِرَ لَكَ وَمَا أَمْلَكَ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا
 مَلِكُ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْ
 لَنَا لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 قَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ
 الْآخِرَ وَمَنْ يَقُولُ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفِيُّ الْحَمِيدُ عَمَّا لِي اللَّهِ أَنْ
 يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ

خود برگرفته و طرح دوستی با آنها افکنید در سودتی که آنان بکتانین که
 بر شما آمد یعنی قرآن حق سخت کافر شدند و رسول خدا و شما مؤمنان
 را بجرم ایمان بخدا از وطن خود آواره کردند پس نباید اگر شما برای
 جهاد و در راه من و طلب رضا و عشقنودی من بیرون آمده اید پنهانی با آنها
 دوستی کنید و من با سرار نهان و اعمال آشکار شما (از هر کسی) دانایم
 و هر که از شما چنین کند سخت بر او ضلالت شافته است (۱) هر گاه آنها
 بر شما تسلط یابند باز همان دشمن دیرپند هر چه بتوانند بدست و زبان
 بر عداوت شما میکوشند و چه قدر دوست می دارند که شما باز کافر شوید (۲)
 هرگز روز قیامت غویشان و فرزندان شما هیچ سودی برایتان ندارند که
 در آن روز میان شما بکلی جدائی می افکنند و خدا بهره چه (از نیک و بد
 کنید آگاهست ۳ برای شما مؤمنان بسیار پسنیدیده و نیکوست که به)
 ابراهیم و اسحاقش اقتدا کنید که آنها بقوم مشرک خود (صریح) گفتند ما
 از شما و بت های شما که بجای خدا میپرستید بکلی بیزاریم ما مخالف
 و منکر شمائیم و همیشه میان ما و شما کینه و دشمنی خواهد بود تا وقتی که
 تنها بخدای یگانه ایمان آید الا آنکه ابراهیم بپدر (یعنی صوی) خود گفت
 (اگر ایمان آری) من برای تو از خدا آمرزش میطلبم و (هر گاه ایمان نیاوری)
 دیگر من بر نجات تو از قهر و غضب خدا هیچ کاری نتوانم کرد (آنگاه رو
 پدر گاه خدا کرد که) با دالها مادر عالم بر تو توکل کردم و از همه رو بپدر گاه تو
 آوردیم (و می دانیم که) باز گشت تمام خلق بسوی تست (۴) پروردگار امارا
 مایه فتنه و امتحان کافران مگردان (و از شر و مکر آنها حفظ کن) و (بلطف
 و کرم خود) پروردگار امارا بیمارز که تنها توئی که بر هر کاد بسیار مقتدری
 (و بصلاح خلق) و کاملاً آگاهی (۵) البته برای شما مؤمنان هر که بخدا و
 ثواب عالم آخرت امیدوار است اقتدا به ابراهیم و یارانش نیکوست و هر که
 روی از خدا بگرداند (بداند که) خدا (از طاعت حق) کاملاً بی نیاز و بذات
 خود ستوده است (۶) امید است که عداوتی میان شما و دشمنان برقرار
 گرداند و خدا بر هر کار قادر و (بر خلق) آمرزنده و مهربان است خدا
 شما را از دوستی آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و

لَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ
يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ① إِنَّمَا يَنْهِيكُمْ اللَّهُ عَنِ الدِّينِ قَاتِلُكُمْ فِي الدِّينِ
وَأَخْرَجُوا مِنْ دَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ أَخْرَاجِكُمْ أَنْ تَقُولُوا وَمَنْ
يَكْفُرْ بِتَوَلَّيْنَاهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ② يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا
جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مِنْهَا جَرَّابٌ فَأَتَمِّمُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ
فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٌ فَلَا يَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا مِنْ حِلٍّ
لَهُنَّ وَلَا لَهُنَّ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَأَقْوَمُهُنَّ مَا اتَّقَوْا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ
وَأَسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَسْتُمْ لَهَا بِسُئْلَاءٍ وَأَمَّا أَنْفَقُوا ذَلِكَ حُكْمُ اللَّهِ بِكُمْ
بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ③ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ
فَمَا قَبْلُكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ④ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ
الَّذِينَ آمَنُوا بِكُمْ مُؤْمِنُونَ ⑤ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ
فَبَايَعْنِكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُبْشِرَنَّ بِكَ اللَّهُ شَيْئًا وَلَا يَسِرَّنَّ وَلَا يَنْبَغُ
وَلَا يَنْتَلِنَ وَلَا يَدْمُنَ وَلَا يَأْتِيَنَّ يَنْهَانِ يَفْرَسْنَ بَيْنَ يَدَيْهِنَّ
وَأَرْجُلَهُنَّ وَلَا يَصْنَعْنَ فِي مَعْرَفٍ قَبَائِلَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْنَ اللَّهَ
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ⑥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ
عَلَيْهِمْ قَدْ يَتَوَلَّوْا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبْشِرُ الْكَافِرُ مِنَ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ⑦

شما را از دیارتان بیرون ننمودند نهی نمی‌کند تا بیزاری از آنها جوید بلکه با آنها بمداخلت و انصاف رفتار کنید که خدا مردم با عمل و دادار بسیار دوست می‌دارد (۸) و تنها شما را از دوستی کسانی نهی نمی‌کند که در دین با شما قتال کرده و از وطنان بیرون کردند و بر بیرون کردن شما همست شدند تا آنها را دوست نگیرید و کسانی از شما که با آنان دوستی و یاری کنند با شما بجهت ظالم و ستم کارند (۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید زنانی که بعنوان اسلام و ایمان (از دیار خود) هجرت کرده و بسوی شما آمده‌اند خدا با ایمانخان دانائی است شما از آنها تحقیق کرده و امنشان کنید اگر با ایمانخان شناختید آنها را دیگر بشوهران کافرشان بر مگردانید که هرگز این زنان مؤمن بر آن کفار و آن شوهران کافر بر این زنان حلال نیستند ولی مهر و نفقه‌ای که شوهران معاصر آن زنان کرده‌اند با آنها بپردازید و با کسی نیست که شما بر آنان نکاح کنید در صورتی که اجر و مهرشان را بدهید و هرگز متوسل بحفاظت کامران نشوید و شما (اگر زانتان از اسلام به کفر بازگشتند) از کفار مهر و نفقه مطالبه کنید آنها هم مهر و نفقه طلبند این حکم خداست میان شما بندگان و خدا بحقایق امور دانا و به مصالح خلق آگاهست (۱۰) و اگر از زنان شما کسانی بسوی کافران ~~بمقتضای شریعت~~ ^{بمقتضای شریعت} مقام انتقام بر آید و بقدر همان مهر و نفقه‌ای که خرج کرده‌اید بمردانی که ناشان رفته‌اند بدهید و احوال خدائی که با ایمان آورده‌اید بتسریع و پرهیز کار شوید (۱۱) الا ای پیغمبر چون زنان مؤمن آیند که با تو بر ایمان بیعت کنند که دیگر هرگز شرک بخدا نیاورند و سرقت و زنا کاری نکنند و اولاد خود را بقتل نرسانند و بر کسی اقتراف و بیعتان میان دست و پای خود نبندند و با تو در هیچ امر معروفی (که با آنها کنی) مخالفت نکنند بدین شرایط با آنها بیعت کن و بر آنان از خدا آمرزش و مغفرت طلب که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۲) الا ای اهل ایمان هرگز قومی را که خدا بر آنان غضب کرده یار و دوست دار خود مگیرید که آنها از عالم آخرت بکلی مایوسند چنان که کافران از اهل قبور نومیدند (۱۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾
 أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ
 أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُفْعَلُونَ فِي
 سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ يُنْبِئَانِ مَرْصُوصٌ ﴿٣﴾ وَإِذْ قَالَ رَسُولُ قَوْمِ
 يَأْقُوتَ لِتُؤْذِنَنِي فَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا
 أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٤﴾ وَإِذْ قَالَ
 عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَءِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا
 لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ
 أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا يَهُودُ مِثْلُ
 مَنْ أَفْرَأَى عَلَى شَيْءٍ لَكِذِّبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا
 يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥﴾ هَرِيدُونَ لِخُلُوفِ أَوْرَاسِهِمْ يَا قَوْمِ
 اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٦﴾ هَلْوَ الدِّهْنُ رَسَلُ رَسُولِهِ
 بِالْهَيْدِ وَيَدِينُ الْحَقُّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٧﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ
 تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ

سورة صف در مدینه طیبه نازل شده و مشتمل بر ۲۳ آیه میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

هر چه در زمین و آسمانهاست همه به تسبیح و ستایش خدای که مقتدر و حکیم است مشغولند (۱) الای کسانی که (بزرگان) ایمان آورده اند چرا چیزی بزبان میگوئید که در مقام عمل خلاف آن می کنید (۲) (بترسید) از این عمل که سختی بگوئید و خلاف آن کنید که بسیار سخت خدا را بخشم و غضب می آورد (۳) خدا آن مؤمنرا که در صف جهاد کافران مانند سد آهنین همدست و پایدارند بسیار دوست میدارد (۴) ای رسول ما یادآور وقتی را که موسی بقوم خود گفت برای چه مرا رنج و آزار میدهید و تهمت سحر و کذب و عیبهای دیگر بمن می بندید (در صورتیکه بر شما معلوم است که من رسول خدا پسوی شما هستم باز چون از حق روی گردانیدند خدا هم (دلهای بی نور) شانرا از (سعادت و) اقبال بحق بگردانید و خدا هرگز مردم نابکار فاسق را هدایت نخواهد کرد (۵) و باز یادآور هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت من همانا رسول خدا پسوی شما هستم و بحقیقت کتاب توریة که مقابل من است تصدیق میکنم و نیز شما را مژده میدهم که بعد ازمین رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید چون آن رسول با آیات و معجزات پسوی خلق آمد گفتند این (معجزات و قرآن او) سحری آشکار است (۶) آیا از آنکس که براه اسلام و سعادتش میخوانند و او (از قرط شقاوت) هماندم بر خدا افترا و دروغ می بندد در جهان کسی ستمکارتر هست (هرگز نیست) و خدا هم هیچ قوم ستمکار را هدایت نخواهد کرد (۷) کافران میخواهند تا نور خدا را بگفتار باطل و ظلم و مسخره خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندرند (برغم گمار) تمام و کامل کنند (و محفوظ) خواهد داشت (۸) اوست خدائی که رسوائی (معدمه مصطفی ص) را به هدایت خلق و (ابلاغ) دین حق فرستاد تا او را هر چند کافران خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گردانند (۹) ای اهل ایمان آیا شمارا بپنجارتی سودمند که شمارا از عذاب دردناک (آخرت) نجات بخشد دلالت کنم (۱۰) آن تجارت اینست

وَأَنفِكَ ذَٰلِكَ خَبْرُ الْكَرِّ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٠٠﴾ يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
 وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَا كُنْ طَبِيبَةً فِي
 كِتَابٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠١﴾ وَأُخْرَىٰ يُجِوُّهَا أَنْصَارُ مِنَ اللَّهِ
 وَقَعْدٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَصَادَ
 اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ
 قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَصَادُ اللَّهِ قَامَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ
 كَذَّبَتْ طَائِفَةٌ فَأَتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عُدُوِّهِمْ فَأَجَبُوا طَائِفَةً

سُورَةُ الْكَافِرَاتِ مَكِّيَّةٌ ٢٢ آيَةً فِي مَدَنِيَّةٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَ اللَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِلَّهِ الْقُدْرَةُ الْعَظِيمَةُ
 الْحَكِيمُ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ
 آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِسَابَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ
 فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٢﴾ وَالْآخَرِينَ مِنْهُمْ لَنَا أَلْفَوْا بَيْنَهُمْ وَهُوَ الْعَمَلُ الْحَكِيمُ
 ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٣﴾
 مَثَلُ الَّذِينَ خِلُوا أَنَّهُم كَثُرُوا وَلَٰكِنْ خَلَّوْا كَمَثَلِ الْجَارِ إِذَا تَحَلَّىٰ
 سُرْسُلًا مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا لِلَّهِ لَا هُدًى لِقَوْمِهِ
 الظَّالِمِينَ ﴿٤﴾ كُلُّ مَا أَتَىٰ الْبَشَرَ مِنْ خَلْقٍ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

که بعدها اورسول و ایمان آرید و بمال و جان و در راه خدا جهاد کنید این کار (از هر تجارت) اگر دانا باشید برای شما بهتر است (۹۱) تا خدا گنامان شما ببخشد و در بهشتی که دهر درختانش نهرهای آب گوارا (جاریست داخل گرداند و در بهشت های عدن جاودانی منزلهای نیکو صلا فرماید این همان رستگاری بزرگ بندگان است (۹۲) و باز تجارتی دیگر که آن را هم دوست دارند نصرت و یاری خدا و فتح نزدیک (سپاه اسلام) و بهاء و رحمت باهل ایمان است (۹۳) ای اهل ایمان شما هم یاران خدا باشید چنان که عیسی مریم به حواریین گفت که مرا برای خدا یاری کنید آنها گفتند ما یاران خداقیم باز طایفه ای از بنی اسرائیل با و ایمان آوردند و طایفه ای کافر شدند ما هم آنانکه ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنان ظفر بایزند (۹۴)

سورة جمعه در مدینه مطهره نازل شد و مشتمل بر ۱۹ آیه میباشد

بنام عنای بخشندة مهربان

هر چه در زمین و آسمان است همه به تسبیح و ستایش خدا که پادشاه منزه و پاکستند و اناست مشغولند (۱) اوست خدائی که جهان مرب امی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن هم نمیدانستند) پیغمبری بزرگوار از میان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا تلاوت کند و آنها را از لوب جهل و اخلاق زشت پاک سازد و شریعت کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد با آنکه پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی بودند (۲) و نیز قوی دیگری را (که بر روایت از پیغمبر (ص) مراد محمد) چون بر رب (در اسلام) ملحق شوند هدایت فرماید که او خدای مقتدر و همه کارش بحکمت و مصلحت است (۳) این رسالت و نزول قرآن فضل و کرامت خداست که آن لطفا در حق هر که بخواهد می کند و خدا را بر (خلق) فضل و رحمت نامتها است (۴) و صف حال آنان که تحصیل (علم) توریة کرده و خلاف آن عمل نمودند در مثل چماقاری مانند که پارکتابها بر پشت کنند و از آن هیچ نشهید و بهره نبرد آری قومی که مثل حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند پس از مردم مشکربدی هستند و خدا هرگز مستکاران را سادت و رهبری نخواهد کرد (۵) ای رسول ما! جهودان را بگو ای جماعت پیوه اگر پندارید که شما بجهت دوستداران خدااید

لِلَّذِينَ دُونَ النَّاسِ فَمَتَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ وَلَا
يَعْتَوْنَهُ أَبَدًا إِمَّا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝ قُلْ
إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقٍكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ
غَالِِِ النَّبِيِّ الشَّهَادَةِ وَقَبْلَ نَبِّكُمْ كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ ۝ بِآيَاتِ اللَّهِ الَّتِي
أَسْمَوُا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمٍ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ
وَذُوا الْبَيْعِ ذَلِكُمْ خُبْرُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ فَإِذَا قُضِيَ الصَّلَاةُ
فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ ابْتَغُوا مِنَ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَإِذَا دَاوَا جَارَةً أَوْ هَمَّوا أَنْفُسَهُمْ أَلَّيْهَا وَرُكُوعًا
فَأَمَّا قُلُوبُهُمْ فَأَعْبَدُوا اللَّهَ خَيْرًا مِنَ اللَّهِ وَرُكُوعًا ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ أَنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَذِبُونَ ۝ وَإِنَّمَا
آيَاتُهُمْ جُنَّةٌ فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْلَمُونَ
۝ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ أَسْوَاقٌ كَثُرُوا فُطِّعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ
۝ وَإِذَا رَأَوْهُمْ تَبَيَّنَ أَعْيُنُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ
كَأَنَّهُمْ خَشْبٌ مُسَدَّدٌ يَمْسُونَ كُلَّ صَبَّاحٍ عَلَيْهِمْ مِنَ الْعَذَابِ

نه مردم دیگر پس تمنای مرگ کنند اگر راست می گویند که علامت دوستان خدا آرزوی مرگ و شوق لقای خداست (۹) و حال آنکه در آن کردار بدی که بدست خود (برای آخرت خویش) پیش فرستاده اند ابد آرزوی مرگ نمی کنند (بلکه از آن ترسان و هراسانند) و خدا از کردارستکاران آگاه است (۷) ابرسول ما (باجهودان) بگو عاقبت مرگی که از آن میگریزید شما را البته ملاقات خواهد کرد و پس (از مرگ) بسوی خدائی که داناتی پیدا و پنهانست باز میگردید و او شما را بآنچه از (نیک و بد) کرده اید آگاه میسازد (۸) ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه شما را برای نماز روز جمعه بخواهند فی الحال بذکر خدا بشتابید و کسب و تجارت رها کنید که این (نماز جمعه ازهر تجارت) اگر بدانید برای شما بهتر خواهد بود (۹) پس آنگاه که نماز پایان یافت باز دبی کسب و کار خود دوی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا دوزی طلبید و یاد خدا بسیار کنید تا مگر دستکار و سعادتمند گردید (۱۰) و این مردم چون تجارتی با لاهو و لب و باز بجهای پدیدینند بدان بشتابند و تورا در نماز تنها گذارند ابرسول بگو بخلفی که آنچه نزد خداست بسیار برای شما از لاهو و لب و تجارت های دنیا بهتر است و خدا بهترین روزی دهنده خلایق است

سورة منافقون در مدینه نازل شده و مشتمل بر ۱۱ آیه میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما چون منافقان (دبا کار) نزد تو آمده گفتند که ما پیشین و حقیقت گواهی می دهیم که تو رسول خدائی (قریب مغمور) خدا می داند که تو رسول اوئی و خداهم گواهی می دهد که منافقان سخن (به مکر و خدعه) دروغ می گویند (۱) قسمهای (دروغ) خود را سهرجان خویش قرار داده اند تا بدین وسیله راه خدا را (بر روی خلق) ببندند که آنچه می کنند بسیار بد می کنند (۲) برای آنکه آنها (بزیان) ایمان آورده و سپس (بدل) کافر شده خدا هم هر بر دل ایشان نهاد تا هیچ درک نکنند (۳) ابرسول تو چون (از یرون) کالبد جسمانی آن منافقان را مشاهده کنی (پاراستگی ظاهر) تو را به شکست آرند و اگر سخن گویند (بس خوش گفتار و چرب زبانند) بسخنانشان گوش فرا خواهی داد (ولی از درون) گوئی که چویی خشک بردی و ارنده مرسدائی بشنوند بر زبان خویش پندارند ابرسول (بدان که) دشمنان

فَاخَذَ رُفُوفُهَا ثَمَرَهُمْ اللَّهُ اتَى بِؤُكُوفَهُمْ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرُوا
لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوْ ذَارُوا نِسَاءَهُمْ وَبَنَاتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ
هَؤُلَاءِ عَلَيْهِمْ أَنْ تَسْتَغْفِرَ لَهُمْ أَمْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ
اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَالِيَ
مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ عِزُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ يَقُولُونَ لَنْ نَجْنَأَ إِلَى الْمَدِينَةِ
وَلَنُخْرِجَنَّكَ أَوَّاعًا مِنَ الْإِدْلِ وَإِنَّ لَإِلَهَ الْعِزَّةِ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ
لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ هَآؤُنَّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلَهِكُمْ
أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ
سُوءُ الْخَاسِرِينَ هَآؤُنْفِقُوا إِنَّمَا زُفْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ
الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقْتُ وَأَكُنْ مِنَ
الصَّالِحِينَ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

سُورَةُ النِّسَاءِ مَكِّيَّةٌ مِنْ ثَمَانِي عَشْرَةِ آيَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِلَّهِ الْمُلْكُ وَلَهُ الْخَزَائِرُ وَهُوَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ
عَلِيمٌ بَصِيرٌ هَلْ يَخْلَقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ

(دین و ایمان) بحقیقت اینان هستند از ایمان بر حذر باش خدا پشان بکشد
 چقدر (بمکر و دروغ پرداخته و) از حق باز میگردند (۴) و هرگاه بآنها
 گویند بیایید تا رسول خدا برای شما از حق آموزش طلبید سرپیچند و
 بنگری که با تکبر و نفوذ روی می گردانند (۵) این رسول تواز خدا بر
 آنان آموزش بخوامی یا نغواهی بهالشان یکسانست خدا هرگز آنها
 را نپسندد که همانا قوم ناپاک را فاسق را خدا هر وقت (پراست سعادت)
 هدایت نخواهد کرد (۶) اینها همان مردم بدخواهند که میگویند بر اصحاب
 رسول انفاق مال مکنیم تا از گردش پراکنده شوند در صورتیکه خدا را
 کنجهای زمین و آسمانها است لکن منافقان در آن نمیکنند (۷) اینها
 (پنهانی) میگویند اگر بمدینه مراجعت کردیم البته باید (یهودان) اربابان
 عزت و ثروت مسلمانان ذلیل (فقیه) را از شهر بیرون کنند و حال آنکه
 عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمانست ولیکن منافقان از این معنی
 آ که نیستند (۸) ای اهل ایمان مبدا هرگز مال و فرزندان شما را
 از یاد خدا غافل سازد و کسانی که بامور دنیا از یاد خدا غافل شوند آنها
 بحقیقت زیانکاران عالمند (۹) مواز آنچه روزی شما کردیم در راه خدا
 انفاق کنید پیش از آنکه مرگ بر یکی از شما فرارسد در آنحال (بحسرت)
 بگویند پروردگار! اجل مرا اندکی تأخیر انداز تا صدقه و احسان بسیار
 کنم و از نکوکاران شوم (۱۰) و خدا هرگز اجل هیچکس را از وقتش که
 فرا رسد مؤخر نمیکند و خدا بهره چه کنید آگاهست (۱۱)

سوره تغابن در مدینه طیبه نازل شده و مشتمل بر ۱۸ آیه می باشد

بنام خدای بخشنده مهربان

هر چه در زمین و آسمانهاست همه (بزبان تکوین و منقلب فطرت) به تسبیح
 و ستایش خدا مشغولند که ملک هستی و ستایش عالم برای اوست که او بر
 (ایجاد) هر چیز تواناست (۱) اوست خدائی که (شما آدمیان) را (بدین
 خلقت نیکو) آفرید (تا آفریننده را شناخته و کافر نشوید) باز شما پندگان
 فرقای کافر و بعضی مؤمن (خداشناس) هستید و خدا بهره چه کنید کاملاً
 آگاهست (۲) خدا زمین و آسمانها را بحق آفرید

فَاحْسَنَ صُورَكُمْ وَاللَّهُ الْمَصِيرُ ۝ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۝ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ أَلَمْ يَكُنْ
نَبِيُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذُوقُوا بِالْأَمْرِ هُمُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
۝ ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَعَالُوا الْبَشْرَ
يُحَدِّثُونَ فَكُفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَعْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝
وَعَمَّا لِلَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ لَنَا بُعِثُوا قُلُوبًا وَرَبِّي لَتُبْعَثَنَ لَوْ لَبِثُوا
بِنَاءِ عَالَمٍ ۝ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝ فَايْمُوا يَا اللَّهُ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ
الَّذِي نَزَّلْنَا وَاللَّهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ يَوْمَ يَجْعَلُ لِكُلِّ أُمَمٍ
يَوْمَ التَّغَابُنِ ۝ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ
وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ
أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَلَيْسَ الْمَصِيرُ ۝ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ
إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَجْعَلْ لَهُ اللَّهُ مِثْلَ كُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا
الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ قَلْبُ كُلِّ
الْمُؤْمِنِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ آزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا فَتَعَفَّوْا وَقَصِّمُوا وَتَغَفَّرُوا فَإِنَّ

شما آدمیان را بزیباترین صورت برنگاشت و باز گشت همه خلایق بسوی اوست. (۴) و آنچه را که در آسمانها و زمین است و آنچه را که شما پنهان و آشکار کنید همه را می‌داند و خدا با سرار دلهای خلق آگاهست (۴) آیا حکایت پیشینیان که بخدا کافر شدند بشما نرسید که (هم در دنیا) به کفر گردان شده رسیدند (و هم در آخرت) عذاب دردناک بر آنان مهیا است (۵) این عذاب برای آن بود که رسولان آنها با ادله و معجزات بسوی شان آمدند و آنها گفتند آیا بشری (مانند ما) رهبری ما تواند کرد و به انبیا کافر شده و روی از آنها گردانیدند و خدا (از کفر و ایمان) خلق بر نیاز که او غنی بالذات و ستوده بجمع صفات (۶) کافران گمان کردند که هرگز (پس از مرگ) برانگیخته نمی‌شوند ای رسول ما بآنها بگو بخواهی من سوگند که البته برانگیخته می‌شود و سپس بنتیجه اعمال خود آگاه می‌گردید و این بر خدا بسیار آسانست (۷) پس بخدا ایمان آرید و رسول او ندوی که (در آیات قرآن) فرستاده‌ایم بگروید و (بترسید که) خدا بهر چه کنید آگاهست (۸) یاد آرید روزی را که خدا همه شما را بحره محشر (برای حساب) جمع میگرداند و آن روز روز غین و پیشمانی (بدکاران) است و هر که بخدا ایمان آورد و نیکو کار شود خدا گناهی بی‌شود و در باغهای بهشتی که زیر درختانش نهرها جاریست داخل گرداند که در آن بهشت جاودان منتقم باشند و این حقیقت رستگاری (بزرگ) خواهد بود (۹) و آنان که کافر شده و آیات ما را تکذیب کردند آنها اهل آتش دوزخ و در آن جاودان مخلدند و آنجا بسیار بد منزلگاهی است (۱۰) هیچ رنج و مصیبتی (و فقر و درد و قمی بشما) نرسد مگر بفرمان خدا و هر که بخدا ایمان آورد خدا دلش را هدایت کند و خدا بر همه امور عالم آگاهست (۱۱) و همیشه فرمان خدا و امر رسول حق را اطاعت کنید که اگر روی از او بگردانید بر رسول ما جز تبلیغ رسالت با بیان روشن تکلیفی نخواهد بود (۱۲) انخدای یکتا است که جز او خدائی نیست و تنها بر خدا در جمیع امور اهل ایمان توکل کنند (۱۳) الا ای اهل ایمان (بدانید که) زنان و فرزندان شما هم برخی دشمن شما هستند از آنان حذر کنید (و دل از محبتشان برکنید) و اگر از (عقاب آنها پس از توبه) آنان غم و آزرش و چشم پوشی کنید

اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا آتَاكُمْ طَعْنُمْ وَأَسْمَعُوا وَأَطِيعُوا ۝ وَأَنِفِقُوا خَيْرًا لِّأَنفُسِكُمْ ۝ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ إِن تَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَرْبِّهْ لَكُمْ ۝ وَاللَّهُ شَكُورٌ عَلِيمٌ ۝ عَالِمُ الْغَيْبِ إِنَّهَا دَرُةُ الْعَرْشِ الْحَكِيمِ ۝

سُورَةُ الْأَنْعَامِ مَكِّيَّةٌ فِي ثَلَاثِينَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَعْتُمْ مِنَ الْمَسَاجِدِ فَطَلِّقُوا مِنْ لَيْعَتَيْهِنَّ وَأَخْصِلُوا الْيَدَ ۝ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَحْزَنُوا مِنْ يَوْمَيْنِ وَلَا تَجْهَرُنَا ۝ أَلَا أَنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ عِلْمِي بُيُوتٌ ۝ وَإِلَٰكُ خُدُودِ اللَّهِ وَمَنْ تَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ۝ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرِفٍ وَإِن تَارِقُوهُنَّ بِمَعْرِفٍ وَأَشْهَدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقْبِلُوا إِلَيْهِنَّ ۝ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۝ وَبَرِّزْهُمْ مِنْ جَنَّتٍ لَا يَخْتَبِعُ مِنْهُنَّ بَنُو كُلِّ آلٍ ۝ قَهُوَ حَسْبُهُ ۝ إِنَّ اللَّهَ بِالْعَمِيرِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ۝ وَاللَّاتِي تَسْنَنُ مِنَ الْحَيْضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدْنَهُنَّ مِمَّا لَفَيْنَهُنَّ

حدا هم (ذوقی شما) بسیار آمرزنده و مهربانست (۱۴) به حقیقت اموال و فرزندان شما اسباب فتنه و امتحان شما هستند (بآنها دل نزنید) و (بدانید که) نزد خدا اجر عظیم خواهد بود (۱۵) پس تا بتوانید خدا ترس و پرهیز کار باشید و سخن حق بشنوید و اطاعت کنید و از مال خود برای (ذخیره آخرت) عویش بنفیران انفاق کنید و کسانی که از عویش لثامت و بخل نفسی خود محفوظ مانده آنها رستگاران عالمند (۱۶) و اگر بخدا (یعنی به) بندگان محتاج خدا) قرض نیکو (قرض الحسنه یا صدقه) دهید خدا برای شما چندین برابر گرداند و هم از گناه شما درگذرد و خدا بر شکر و احسان خلق نیکو پاداشی دهنده بر گناهشان برده بار است (۱۷) او دانای عوالم غیب و شهود و سلطان مقتدر ملک وجود و آگاه از صلاح نظام آفرینی است (۱۸)

سورة طلاق دومدینطاییه نازل شده و مشتمل بر ۱۴ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

الا ای یمفیبر گرامی (استدراجی) هرگاه زنان را طلاق دهید بوقت عده آنها طلاق دهید و زمان عده را بشمارید و از خدا که آفریننده شصت پترسید و آن زنان را (تا در عده اند) از خانه بیرون نکنید مگر آنکه کار زشتی آشکار مرتکب شوند این (احکام) حدود (شرع) خداست و هر کس از حدود الهی تجاوز کند بخوبی ستم کرده است توندانی شاید خدا پس از (طلاق) کاری از نو پدید آورد (۱) (یعنی میل رجوع یکدیگر کنید) آنگاه که مدت عده را پایان رسانند باز یا بنیکویی نگاهشان دارید یا به غوغ و فتناری رهشان کنید و نیز (بر طلاق آنها) دومدین مسلمان عادل گواه گیرید و برای خدا اقامه گواهی کنید بدین وعظ الهی آنکس که بخدا و روز قیامت ایمان آورد منتظر و پرهیزمند خواهد شد و هر کس خدا ترس شود خدا راه بیرون شدن (از گناهان و بلا و حوادث سخت عالم را) بر او میکشاید (۲) و از جایی که گمان نبرد باو روزی عطا کند و هر که (در هر امر) بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد که خدا امرش (بر همه عالم) نافذ و روانست و بر هر چیز قدر و اندازه ای مقرر داشته است (۳) و از زنان شما آنان که از حیض (و فرزند بظاهر) نومیدند اگر باز شک (در تحقق سن یا انحصار) داوید عده (طلاق) آنان سه

أَنَّهُمُ الَّذِينَ لَمْ يُخْضِرُوا أَوْلَادَ الْأَخْمَالِ أَجْلَهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ
 حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ۚ فَذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ
 أَنْزَلَهُ إِلَيْنَا ۚ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفِرْ عَنَّا سِتًّا بِآيَةٍ وَكُفْرًا لَهُ أَجْرًا
 أَنْ يَكُونُ مِنْ جَنْبِ سَكَتِهِمْ مِنْ وَجْدِكَ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِغِيظِ
 عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَادٍ حَمِلْنَ فَانْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ
 أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْتَضِعْنَ مِنْ أُوْرِهِنَّ وَأَمْرٌ بِالْإِنْفَاقِ يُعْرَفُ وَإِنْ
 تَعَاسَرَ فَرَضُوعُ لَهُ أُخْرَى ۚ فَلْيَنْفِقُوا ذَوِ سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ
 قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيَنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَلْكَفُ اللَّهُ تَفَا ۚ وَلَا
 مَا آتَاهُمَا يَجْعَلِ اللَّهُ بَعْدَ غَيْرِ يُسْرًا ۚ هَكَذَا مِنْ قَوْلِهِ عَنِ
 أَمْرِ يَمَّا وَرُسُلِهِ فَمَا سَبْنَا مَا حَبَا بَأْسُ دِيدًا وَعَدْنَا مَا عَادَا
 نَكْرًا ۚ هَذَا قَوْلُ بَالِ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خَيْرًا ۚ أَعَدَّ
 اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا
 قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْنَا ذِكْرًا ۚ هُوَ سَوْلًا يَنْتَلُوا عَلَيْكُمْ ۚ أَيَايَ اللَّهِ مُبْتَلَا
 لِيُفْرِجَ الَّذِينَ اسْتَوَوْا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظَّالِمِينَ إِلَى التَّوَرِ
 مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيَعْلَمُ أَنَّهَا مِنْ جَنَابِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۚ قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ۚ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ
 سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ

ما هست و نیز زنانیکه حیض ندیده (لیکن در سن حیض) باشند آنها هم سه‌ماه عده نگذارند و زنان حامله مدت عده‌شان تا وقت زائیدنست و هر که متقی و خدا ترس باشد خدا (مشکلات) کار او را (در دو عالم) آسان می‌گرداند (۴۳) این (احکام) فرمان خداست که برای شما نازل کرد. و هر که از خدا بترسد خدا گناهانش ببوشد و او را پاداش بزرگ ببیشت (۴۴) عطا کند (۴۵) (زمانی که طلاق رجعی دهید تا در عده‌اند) باز آنها را در همان منزل خویش که میسر شمامت بنشانید و بپایان (در نقد و سکنی) آزار و زبان نرسانید تا در مضيقه و رنج در افکنید (که بناچار از حق خود بگذرند) و بزنان مطلقه اگر حامله باشند تا وقت وضع حمل نفقه دهید. آنگاه اگر فرزند شما را شیر دهند اجرشان با قرارداد متعارف بین خود بپردازد و اگر باهم سخت‌گیری کنید (مادر سرقتان کند) تا دیگری را برای شیر دادن طلبید (۴۶) تا مرد دارا بوسست و فراوانی نفقه زن شپرد و آنکه نادر و تنگ میبشت هم آنچه خدا باو داده اتفاق کند که خدا هیچکس را جز آنچه توانائی داده تکلیف نمی‌کند و خدا بزودی پند هر سختی آسانی قرار دهد (۴۷) و چه بسیار مردم‌داری را که از خدا و رسولانش سرپیچیدند و گرفتار شدند ما هم آنان را بحساب سخت مؤاخذه کردیم و عذاب بسیار شدید معذب ساختیم (۴۸) تا بکیفر کردار خود رسیدند و عاقبت کارشان زیانکاری (و حسرت) گردید (۴۹) و خدا بر آنان عذاب سخت (جهنم) مهیا ساخت پس شما ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید (و راه طاعت پیش گیرید) که خدا برای (هدایت) شما قرآن نازل کرد (۵۰) و رسول بزرگوارید که برای شما آیات روشن بیان خدا را تلاوت کند و فرستاد تا آنکه بعدا ایمان آورده و نیکو کار شدند از غلظت (جهل) بسوی معرفت و ایمان باز آرد و (بدانند) هر کس بخدا ایمان آرد و نیکو کار شود در باغهای بهشتی در آید که نه‌رها زبرد خدایش جاریست و همیشه در آن بهشت ابد معتم است که خدا در آنجا رزق بسیار نیکو پراو مهیا ساخته است (۵۱) خدا آن کسی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آن آسمانها از (هفت طبقه) زمین خلق فرمود و امر نافذ خود را در بین هفت آسمان و زمین نازل کند تا بدانید که

خدا بر هر چیز توانا و احاطه علمی بر همه امور آگاهست (۱۲)

سوره تحریم در مدینه طیبه نازل شده و مشتمل بر ۱۳ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

ای پیغمبر گرامی برای چه آنرا که خدا بر تو حلال فرمود تو بر خود حرام کردی تا زنان را از خود خشنود سازی در صورتی که خدا آمرزنده و مهربان است و (بر هیچکس خصوص بر تو رسول گرامیش سخت نخواهد گرفت) (۱) خدا حکم کرد برای شما که سوگندهای خود را (بکفاره) بکشاید و مولای شما پندکان است و هم او بهر چیز عالم دانا و بحکمت امور خلق آگاهست (۲) وقتی پیغمبر با بعضی زنان خود (یعنی با خنسه) سخنی (راجع به مادر به باد است) بویگر و عمر) برآز گفت (و با سپرد) آن زن چون خیانت کرد و دیگری (یعنی عایشه) را بر سر پیغمبر آگه ساخت خدا بر سولش خیر داد و او بر آن زن برخی را اظهار کرد (و بر وی آورد) و برخی را از کرم پرده داری نمود و اظهار نکرد آن زن گفت رسول را که واقف ساخت رسول گفت مرا خدای دانای آگاه (همه اسرار عالم) خیر داد (۳) اینک اگر هر دوزن بد گاه خدا توبه کنند رواست که البته دلای شما (خلاف رضای پیغمبر) میل کرده است و اگر با هم بر آزار او اتفاق کنید باز (هرگز بر او غلبه نکنید که) خدا یار و نگهدار اوست و جبرئیل امین و مردان صالح با ایمان و فرشتگان حق یار و مدد کار اویند (۴) امید هست که اگر پیغمبر شما را طلاق داد خدا زنانی بهتر از شما بجایتان با او همسر کند که همه با مقام تسلیم و ایمان و خضوع و اطاعت اهل توبه و عبادت و بسیار (طریق معرفت) باشند چه بکر چه غیر بکر (۵) ای کسانی که بخدا ایمان آورده اید (در اطاعت حق بکشوید و) خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید چنان آتشی که مردم (دل سخت کافر) و سنگ خارا آتش افروز اوست و بر آن دوزخ فرشتگانی بسیار دل سخت مامورند که هرگز نافرمانی خدا را نخواهند کرد و آنچه بآنها حکم شود (فرما) انجام دهند (۶) ای کافران امروز (قیامت توبه و) عذرخواهی نکنید (که پذیرفته نیست) تنها آنچه (در دنیا) کرده اید بآن مجازات میشوید (۷) الا ای مؤمنان بد گاه خدا توبه نسوح (با) اخلاص و دوام) کنید باشد که شما گناهاتان مستور و محو گرداند و

يَكْفُر عَنْكَ رَيْبًا يَكْرَهُ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
 وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ ٥ هَآ أَهَآ النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ
 عَلَيْهِمْ قَوْمًا فِيهِمْ جَهَنَّمُ وَيَسَّرَ الْمَصِيرَ ٦ وَصَرَّيَا اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا
 امْرَأَتُ نُوحَ وَامْرَأَتُ لُوطَ كَانَتَا تَتَكَلَّمَانِ عِندَ بَنِي عِبَادِ نَاصِلَاتٍ
 تَخَافَتُمَا الْقَوْمَ تَخِيفًا عِنَّمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ
 الدَّاخِلِينَ ٧ وَصَرَّيَا اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ إِذْ
 قَالَ رَبِّ ابْنِي لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ
 وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ٨ وَمَرْيَمُ ابْنَتْ إِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَدَ
 قَرْحُهَا فَفَضَّلْنَاهَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا وَصَدَّقَ بِكَلِمَاتِهَا وَكُنِيَ
 كَانَتْ مِنْ نَسْلِ الْمَلَائِكَةِ نَكَبَتْ مِنْ تَلَاثَةِ أَنْبَاءٍ ٩ الْفَائِزِينَ ١٠

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي يَبْدِئُ الْمَلَائِكَةَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ١١ اللَّهُ خَلَقَ
 الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ
 الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُوتٍ
 فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ

شما را در باغهای بهشتی که زیر درختانش نهرها جاریست داخل کند در آن روزی که خدا پیغمبر خود و گرویدگان باو را ذلیل ناسازد (بلکه عزیز و سرفراز ابد گرداند) در آن روز نور (ایمان و عبادت) آنها در پیش رو و سمت راست ایشان میروید (وراء بهشتیان مینماید) و در آن حال (بهوق و نشاط) گویند پروردگار اتو نور ما را بعد کمال رسان و ما را (بملف و کرم خود) ببخش که تنها تو بر هر چیز توانائی (۸) الا ای رسول گرامی اینک با کفار و منافقان بهجهاد کارزار پرداز و بر آنها (تا ایمان نیاورده اند) سخت گیر (و بدان (که) ماوای آنها دوزخ است که بسیار بد منزلت کلمی است (۹) خدا برای کافران زن نوح وزن لوط را مثال آورد که تحت فرمان دو پنده صالح ما بودند و بآنها (نفاق و) خیانت کردند و آن دو شخص (با وجود مقام نبوت) نتوانستند آنها را از قبر خدا برهاند و حکم شد آن دو زن را با دوزخیان پآتش در افکنید (۱۰) و باز خدا برای مؤمنان (آسمیه) زن فرعون را مثل آورد هنگامی که (از شوهرش ییزاری جست) عرض کرد بابا! (من از قصر فرعون و از دنیوی گذشتم) و تو خانه ای برای من در بهشت بنا کن و مرا از شر فرعون کافر و کردارش و از قوم شمشکار نجات بخش (۱۱) و یاراحل مریم دخت عمران را که رحمتی را پاکیزه داشتیم آنگاه در آن روح قدسی خویش بدمیدیم که آن مریم کلمات پروردگار خود و کتب آسمانی او را با کمال ایمان تصدیق کرد و از پندگان خدا به شمار بود (۱۲)

سورة ملك در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۴۰ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

بزرگوار خدا ایکه سلطنت ملک هستی بدست قدرت اوست و (در همه عالم) بر همه چیز و عدا توانائست (۱) خدا نیکه مرگ و زندگانی را آفرید که شما پندگان را بپایزمايد تا کدام نیکو کار تر (و خلوص افعال بیشتر) است و او مقتدر و آمرزنده (گناه پندگان) است. (۲) آن خدایی که صفت آسمان بلند را بطبقاتی منظم بپا فرید و هیچ در نظم خلقت خدای رحمان بی نظمی و نشان نخواهی یافت بارها دیده مثل در نظام مستحکم آفرینش پنکر تا هیچ هستی و خلل در آن توانی یافت (۳) باز دو باره به چشم بصیرت دقت کن تا دیده غرد زبون و خسته (نشی نیافته) بسوی تو باز گ...

إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ١٥ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا
 بِمُصَابِيعٍ وَجَعَلْنَا مَارِجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ
 السَّعِيرِ ١٦ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَيُسْطَرَّوْنَ فِيهَا
 أَعْنَافُهَا سَاجِدُونَ ١٧ هَئِذَا هِيَ تَقُورُ ١٨ كَذَلِكَ نَمُزُّ مِنْ أَتَظُنُّ
 كَلِمَاتِ الْفَقْرِ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ١٩ قَالُوا بَلَى قَدْ
 جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي
 ضَلَالٍ كَبِيرٍ ٢٠ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ٢١
 فَاعْرِضْ قُرْآنَكَ عَلَيْهِمْ حَقًّا لَا تَتْلُوهُ إِلَّا الَّذِينَ يَنْتَوْنَهُ وَهُمْ
 بِالْغَيْبِ لَمْ يَخْبَرُوهُمْ غَفِيرٌ ٢٢ وَأَجْزُكِبِيرٌ ٢٣ وَأَيُّكُمْ أَقُولُ لَكُمْ أَوْ أَجْزُكِبِيرٌ ٢٤
 إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذُنُوبِ الصُّدُورِ ٢٥ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ
 الْخَبِيرُ ٢٦ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ لَوْ لَا فَا مَشُوا فِي مَنَاكِبِهَا
 وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَأَلْبَسَ السُّورَةَ ٢٧ أَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ
 يَخِفُّ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ٢٨ أَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ
 أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا أَتَسْتَعْلُونَ ٢٩ كَيْفَ نَذِيرٌ ٣٠ وَلَقَدْ كَذَّبَ
 الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ٣١ وَلَوْ رَوُّوا إِلَى الظُّلُمِ قَوْمُهُمْ
 صَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ ٣٢ مَا يَمْسُكُهُمْ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ
 ٣٣ مَنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرُّكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ

(وَبَعَثْنَا قُلُومَ إِلَهِي بَيْنَا شَدَّةً) (۴) و ما آسمان دنیا را بچراغهای (نعم)
 رخشان زیب و زیور دادیم و به تیر شهاب از ستارگان شیاطین را رانندیم و
 عذاب آتش فروزان بر آنها مهیا ساختیم (۵) و بر آنان که بخدای سود
 کافر شدند عذاب جهنم که بسیار بدمنز لکاهیست مهیاست (۶) که چون
 بان جهنم در افتند فریاد منگری چون شهیق خران از آن آتش چون
 دیک جورشان میشوند (۷) و دوزخ از خشم کافران نزدیک است شکافه
 و قلعه قطعه شود هر فوجی را که با آتش در افکنند خازنان جهنم با آنها
 گویند آیا پهنمیری برای (راهنمایی) شما نیامد (۸) آنها در جواب گویند
 آری رسول حق آمد ولی ما تکذیب او کردیم و (از جهل و شقاوت)
 گفتیم که خدا چیزی نفرستاده و جز اینکه شما رسولان (بدعی و دروغ
 وحی) سخت بکمرای و ضلالتید هیچ نیست (۹) و آنگاه گویند که اگر
 ما (در دنیا) سخن انبیاء شنیده یا بدستور عقل رفتار می کردیم امروز از
 دوزخیان نبودیم (۱۰) آنجا بگناه خود معترف شوند (که سودی ندارد
 و خطاب قهر رسد) که اهل آتش را (از رحمت حق) دوری باد (۱۱) همانا
 آنانکه از خدای خو در پنهان میترسند آنها را آمرزش و پاداش بزرگ
 (بهشت ابد) خواهد بود (۱۲) و شما سخن پنهان گویند با آشکار (در علم
 حق یکسانست) خدا با سرار دلها هم البته آگاهست (۱۳) آیا آن خدایی
 که خلق را آفریده عالم (با سرار آنها) نیست و حال آنکه او باطن (و
 ظاهر همه) امور عالم آگاهست (۱۴) او آن خدائست که زمین را برای
 شما نرم و هموار گردانید پس شما در پست و بلندیهای آن حرکت کنید و
 روزی او خوردید و (شکرش گویند) که بازگشت خلق بسوی اوست (۱۵)
 آیا از قهر خدائی که در آسمان مقتدر و حکم فرماست ایمنید که شما را
 بر زمین فرو برد و در حالی که زمین (چون دریا) بهوج و اضطراب در افتد
 (۱۶) آیا از قهر خدای مقتدیری که در زمین و در آسمان حکم فرماست ایمنید
 که تندبادی بفرستد و بر سر شما سنگ ببارد تا بدانید که وعده عذاب بمن چگونه
 است (۱۷) و امسی که پیش از اینها (رسولان ما را) تکذیب کردند چگونه
 سخت آنها را اهلاك کردیم (۱۸) آیا مرغ هوا را نمینگرند که بالای سرشان
 پر کشوده و گاه بی حرکت و گاه با حرکت بال پرواز می کنند کسی جز
 خدای مهربان آنها را در فضا نگاه نمی دارد که او با احوال همه موجودات
 کاملاً آگاهست (۱۹) آیا آنکه سپاه و مددکار شما باشد و (همه گونه شما
 را یاری کند) جز خدای مهربان کیست

إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُوبٍ ۚ مَنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكَ إِنْ
 أَسْكَنَ رِزْقَهُ بَلْ لَجَوْنَا فِي عُنْوٍ وَنَعُودٍ ۚ أَفَنْ يَمْشِيَ مَيْكًا عَلَى هَيْمٍ
 أَمْ هَدَىٰ مَنْ يَمْشِيَ يَوْتًا عَلَىٰ حِرَاطٍ مُّنتَهَمٍ ۚ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ
 وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ
 قُلْ هُوَ الَّذِي رَزَقُنَا فِي الْأَرْضِ الْإِلَهَ نَحْمَدُهُ ۚ هُوَ يَقُولُ لَكُمْ
 هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۚ قُلْ إِنَّمَا أَعْلِمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا
 أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۚ قُلْنَا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّدُكُمْ وَجْهَ الَّذِي كَفَرْنَا
 وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ ۚ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِي
 اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۚ قُلْ هُوَ
 الرَّحْمَنُ امْتَنَابِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا قَاتِلُوا فَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ
 مُّبِينٍ ۚ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْحَبَ مَا وَكُرْتُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِهِمَا مَعَهُ
 سُلْطَانٌ مُّقْتَدِرٌ ۚ قُلْ إِنِّي نَذِيرٌ لِلْعَالَمِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ۚ لَمَّا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ تَحْمَدُ ۚ وَإِنْ
 لَكَ لَا يَرْغَبُ عَنْ مَحْمَدٍ ۚ لَكَ أَنْتَ لَعَلَّ خَلْقٍ عَظِيمٍ ۚ فَتَسْبِرُونَ
 يُبْصِرُونَ ۚ يَا أَيُّهَا الْمَفْتُونُ ۚ إِنَّ رَبَّنَا هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ
 عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُنْتَدِينَ ۚ فَلَا تَطِعِ الْمَلَائِكَةَ بَيْنَ

پس کافران بعد از آنها را غرور و فریبی بیش نیست (۴۰) آیا آن کیست که اگر خدا از شما دزدی خود باز گیرد او دزدی شما تواند داد بلکه (بهرای نفس) در طلبیان و عسبان لجاج و رزیده و از حق اعراس می کنند

آیا آنکس که سرنگون پرو در افتاده یا آنکه پراه راست ایمانست کدام بهتر هدایت یافته اند (۴۱) ای رسول ما بگو اوست خدائی که شما را از نیستی بهستی آورد و گوش شما عطا کرد و حال آنکه بسیار کم از او شکر گذاری میکنید (۴۲) ای رسول بازگو اوست خدائی که شما را در زمین برانگیخت و (پس از مرگ) باز بسوی او محضور میشود (۴۳) و کافران (بنمسخ) گویند این وعده (قیامت) کی خواهد بود اگر شما راست میگویند (۴۴) بگو علم آن تنها نزد خداست و من تنها وظیفه ام این است که شما را (از عذاب حق) بترسانم (۴۵) که چون کافران آن عذاب سخت را نزدیک خود ببینند رنجش را آنها زشت و سیاه شود و با آنها گویند این همان عذاب است که از خدا درخواست می کردید (۴۶) ای رسول با کافران بگو چه درجه می کنید اگر خدا من و مؤمنانی که با منند همه را هلاک کند یا لطف و رحمت فرماید فرمان او راست اما آنانکه بعد از کافرانند که از عذاب دردناک (دوزخ) نجاتشان خواهد داد (۴۷) ای رسول کافران را بگو او خدای مهربانست که (ما مسلمانان) باو ایمان آورده و بر او توکل کریم و بزودی شما را معلوم شود کیست که آشکارا بفالات و کمرامی است (۴۸) ای رسول ما باز بگو (بکافران) بدیده نامل بنگرند که اگر آب که مایه زندگانی شماست صیخکاهی همه بزمین فرو رود (جز خدا) کیست که باز آب کو ابرایشان پدید آرد (۴۹)

سورة قلم در مکه معقله نازل شده و مشتمل بر ۵۲ آیه میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

ن (قسم بنون که نام نور و اس حق یا لوح نور خداست) و قسم بقلم و آنچه خواهد نگاشت (۱) که تو بظرف و رحمت پروردگار عقل کامل و نعمت نبوت یافتی و هرگز دیوانه نیستی (۲) و البته تو را در مقابل خدمت رسالت حق پاداشی نامحدود است (۳) و در حقیقت تو بر نیکی خلقی فطریم آراستهای (۴) و بزودی تو و مخالفان مشاهده میکنید (۵) که از شما کدام یک مفتون و دیوانه اند (۶) البته خدا دانایتر است که از راه خداه گمراه کیست و بهتر میداند که هدایت یافتگان کیانند (و هر کس را بیاداش خود می رساند) (۷) پس تو (وامنت ای رسول) هرگز از مردم کافری که آیات خدا را تکذیب می کنند پیروی میکنی (۸)

قَدْ وَاتَيْنَا مِنْ قَبْدِهِمْ ١٩ وَلَوْ لَا نَفْخُ كُلِّ جَلَّافٍ مَهِينٍ ٢٠ مَآزٍ
 مَشَاءٍ وَيَتِيمٍ ٢١ مَتَاعٍ لِلْغَيْبِ مُعَذِّبٍ ٢٢ عَمَلٍ بَعْدَ ذَلِكَ رِيبٍ ٢٣ اَنْ
 كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ٢٤ اِذَا نَسِلَ عَلَيْهِ اِبْنَانَا قَالَ اَسَاطِيرُ
 الْاَوَّلِينَ ٢٥ تَسِيْمُهُ عَلَى الْحُرُطُومِ ٢٦ اِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا
 اصْحَابَ الْجَنَّةِ اِذَا قَفَوْا الْبَصِرُ مِنْهَا مُصِيبِينَ ٢٧ وَلَا يَسْتَنْوُونَ
 قَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٍ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ٢٨ فَاصْبِرْ كَاصْبِرِ
 فَنَسْنَا ذَا مُصِيبِينَ ٢٩ اِنْ اَعْدُوا عَلَيَّ حَرْبًا اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
 فَانْطَلِقُوا وَهُمْ يَخْافُونَ ٣٠ اَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكُورُ
 وَغَدَا عَلَيَّ حَرْبٌ فَاَدِرِّينَ ٣١ قُلْنَا اَرَاَوْهَا قَالُوا اِنَّا لَصَّالُونَ
 ٣٢ بَلْ لَحْنٌ مَخْرُومُونَ ٣٣ قَالَ اَوْسَطُهُمْ اَلْاَقْلُ لَكُمْ لَوْ لَا تَسْمَعُونَ
 ٣٤ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا اِنَّا كَاظِمِينَ ٣٥ فَاقْبَلْ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ
 يَبْتَلاَ مَوْنَهُ ٣٦ قَالُوا يَا وَيْلَنَا اِنَّا كَاظِمُونَ ٣٧ عَمِي بَنَانٌ يُبْذَلُ
 خَبْرُ امْنِهَا اِنَّا اِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ ٣٨ كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ
 الْاٰخِرُ وَاَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ٣٩ اِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ
 الْيَعِيمِ ٤٠ فَجَعَلَ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ٤١ مَالِكًا كَيْفَ تُفْكُونَ
 اَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ٤٢ اِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخْتَرُونَ ٤٣
 اَمْ لَكُمْ اٰيَاتٌ عَلَيْنَا بِالْاٰيَةِ اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ

کافران بسیار مایلند که تو با آنها مداعنه و مدارا کنی تا آنها هم بنفای با تو مدارا کنند (۹) و تو هرگز اطاعت مکن احدی از منافقان دون را که دایم (بدوغ) سوگند میخورند (۱۰) و دایم میجوئی و سخن چینی می کنند (۱۱) و خلق را هر چه بتوانند از خیر و سعادت (و ایمان) باز میدارند و بظلم و بدکاری می کوشند (۱۲) با اینهمه (عیب باز) متکبرند و دشمن با آنکه حرامزاده و بی اصل و نسبند (۱۳) (پیر و چنین مردمی) برای اینکه مال و فرزندان بسیار دارند (نیاپندش) (۱۴) در صورتی که چون آیات ما را بر او تلاوت کنند گوید این سخنان با سانه و پشه نیاست (۱۵) بزودی بر بینش داغ (شمشیر) نهم (۱۶) ما کافران را نیز بقطع و سختی مبتلا کنیم چنانکه اهل آن بستان را که (شی) قسم خوردند که سه بگاه میوه اش بچینند (تا فقیران آگاه نشوند) (۱۷) بویحی استثناء نکردند (۱۸) بدین سبب (همان شب) هنوز بخواب بودند که از جانب خدا آتش عذابی نازل شد (۱۹) و با مدارا دان نخلهای آن بستان چون خاکستری سیاه گردید (۲۰) سه بگاه یکدیگر را صدا کردند (۲۱) که برخیزید تا اگر میوه بستان را خواهید چید به نخلستان برویم (۲۲) آنها سوی بستان روان شده و آهسته سخن میگفتند (۲۳) که امروز مواظب باشید فقیری وارد نشود (۲۴) و صبحدم باشوق و عزم و توانائی بی باغ رفتند (۲۵) چون باغ را بان حال دیدند (از فرط غم) با خود گفتند مایقین راه رسیده ایم (۲۶) یا بلکه باغ همانست و ما (بقره خدا) از میوه اش محروم شده ایم (۲۷) بهترین و عاقلترین بستان با آنها گفت من بشما نگفتم چرا شکر نعمت و تسبیح خدا بجای آوردید (و بنفیران احسان نکنید) (۲۸) آنان همه گفتند خدای ما منزّه است آری ما خود در حق خویش ستم کردیم (۲۹) و روی یکدیگر کرده بملامت و نکوهش هم پرداختند (۳۰) و با توبه و انابه گفتند ایوای بر ما که سخت سرکش و گمراه بودیم (۳۱) امید داریم که پروردگار ما بجای آن بستان بهتری از لطف بما عطا کند که از این پس ما همیشه بخدای خود مشتاقیم (۳۲) اینگونه است عذاب (دنیا) و البته عذاب آخرت بسیار سخت تر است اگر مردم بدانند (۳۳) برای متقیان نزد پروردگارشان باغهای بهشت پر نعمت خواهد بود (۳۴) آیاما هرگز اهل اسلام را با کافران بدکار یکسان قرار میدیم (۳۵) چگونه شما این حکم (ظالمانه) می کنید (۳۶) یا آنکه شما را کتابی است (آسمانی) در او این حکم میخوانید (۳۷) و در آن کتاب هر آنچه بهوای نفس بخواهید نگاشته اند (۳۸) یا شما را بر ما عهد و سوگند دائمی تاروز قیامت است که چنین حکمی یقیناً بر ترفع خود نمیکنید (۳۹)

سَلَّمْنَاهُمْ آيَاتِهِمْ بِذَلِكَ رَعِيْمٌ ۝ اَمْ لَمْ يَشْرِكُوا اِيَّاكَ اَمْ لَمْ يُؤْمَرُوا
 بِاَنْ يَدْعُوْا اِلَى التَّجْوِيْدِ ۝ يَوْمَ يَكْفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعُوْنَ اِلَى التَّجْوِيْدِ
 فَلَا يَسْتَجِيبُوْنَ خَاطِئَةً اَبْصَارُهُمْ تَرْفَعُهُمْ ذٰلِكَ وَقَدْ كَانَ مُؤْمَرًا
 بِاَنْ يَدْعُوْنَ اِلَى التَّجْوِيْدِ وَهُمْ سَالِمُوْنَ ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهُمْ
 اَلْحَدِيْثَ سَتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝ وَاُمْلِيْ لَهُمْ اَنَّ
 كَيْدِيْ سَيَسِيْرٌ ۝ اَمْ تَسْأَلُهُمْ اٰخِرَ اٰفَاقِهِمْ مِنْ مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُوْنَ ۝ اَمْ
 عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ لَا يَخْبُرُوْنَ ۝ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ
 كَصَاحِبِ الْاُخْرَى اِذْ نَادَى هُوَ مُكْظُوْمٌ ۝ قُلْ لَا اَنْ تَذَارَكَ نِعْمَةٌ
 مِنْ رَبِّيْ اَلَيْسَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مِنْ مُّوْمِنٍ ۝ فَاَجْبِبْهُ وَرَبِّهٖ فَعَلَهُ مِنْ
 الصَّاحِحِيْنَ ۝ هَا اِنَّكَ اَنْتَ الَّذِيْنَ كَفَرْتَ وَالَّذِيْنَ لَقِوْكَ بِاَبْصَارِهِمْ لَا
 يَمْنَعُوْنَ الذِّكْرَ وَيَقُولُوْنَ اِنَّهُ لَمَجْنُوْنٌ ۝ وَمَا هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِيْنَ ۝

سُوْرَةُ الْحَاقَّةِ مَكِّيَّةٌ فِي ثَلَاثِيْنَ اَيَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلْحَاقَّةُ ۝ هَا اَلْحَاقَّةُ ۝ هَا اَنْتَ اَذْرَبْتَ مَا اَلْحَاقَّةُ ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ
 عَادًا بِالنَّارِغَةِ ۝ فَاهْلَاكُوْا بِاِلْطَافِ غَيْبَةِ ۝ هَا اَمَّا عَادُ
 فَاهْلَاكُوْا بِرِيْحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ۝ فَخَرَّمَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ اَنْبَالٍ وَ
 ثَمَانِيَةَ اَيَّامٍ خُسُوفًا فَرَا الْقَوْمُ فِيْهَا صَرْعَى كَانَهُمْ اَنْجَارٌ يُخْلَلُ

از آنان بهر س تا کدام در گرو این پیمانند (۴۵) یا آنها گواهان برده‌ای خود دارند اگر راست میگویند آن گواهان را حاضر کنند (۴۶) (یاد کنند) روز سختی را که دامن بیمان زند و بسجده خدا خوانده شوند و نتوانند (۴۷) پشیمانان ذلیل و ترسان و حسرت آنها را فرا گرفته و از این پیش (بدنیا) با تن سالم بطاعت خدا آنها را خوانند (اجابت نکردند) (۴۸) ای رسول جو کیفر مکذبان و منکران قرآن را بدن واگذار که ما آنها را از آنجا که نفهمند بهذاب سخت در افکنیم (۴۹) و آنها را مهلت ده که البته کید من قوی و قهر من بسیار سخت است (۵۰) آیاتو از کافران است مزد رسالت خواهی که بار فرامشی بر آنها گرانست (۵۱) یا آنکه از عالم غیب آگاهند تا از آنجا چیزی بر نویسند (۵۲) باز ای رسول تو (برای انکار و آذاریان) برای حکم خدای خود صبر کن و مانند پونس که از خشم در عذاب است تمجیل کرد میباش که (پشیمان شد و در ظلمت بطن ماهی) بحال غم اندوه خدا را (بر نجات خود) خواند (۵۳) که اگر لطف و رحمت پروردگارش در نیافتی یا نکوهش بکیفر ترک اولی (از پشیمانان دریا) بصحرای بی آب و گیاه در افتادی (۵۴) باز خدایتی برگردد و از صالحانش گردانید (۵۵) (ای رسول) نزدیک بود که کافران پشیمان بد چشم زخم زند که چون آیات قرآن بشنوند (و از شدت حسد) گویند که این شخص عجب دیوانه است (۵۶) و حال آنکه این کتاب الهی جز شرافت (و پند و حکمت) برای مالیمان هیچ نیست (۵۷)

سورة الاحقاف در مکمل معجمه نقل شده و مشتمل بر ۵۴ آیه می باشد

بنام خدای بخشنده مهربان

قیامت آن روز حق و حقیقت است که حقوق خلق و حقایق امور در آن بظاهر رسد (۱) دانی چه روز هولناک سختی است (۲) چگونه سختی و عظمت آن روز را درک توانی کرد (۳) قوم عاد و ثمود آن قیامت موعود را تکذیب کردند (۴) اما قوم ثمود بکیفر و طغیان هلاک شدند (۵) اما قوم عاد نیز پیاد تند و سرکش بهلاکت رسیدند (۶) که آن پادشاه را خدا هفت شب و روز پیردپی بر آنها مسلط کرد که دیدی آن مردم گوی ساقه نخل خشکی بودند و

خَاوِيًا ۖ فَمَهْلُ تَرَى لَمْ يَمِنْ بِأَقْبَلِهِ لَوْ جَاءَ فَيَرْعُونَ وَمَنْ قَبْلَهُ
 الْمَوْثِقَاتُ بِالْخَاطِطِ ۖ فَخَصَّوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخَذَ
 رَاسِبَةً ۖ إِنَّ لَكُمْ طَعَامًا ۖ حَمَلْنَا كُرْسِيَّ الْجَارِ رَبِّكَ لِجَعَلَهَا
 لَكَ تَذْكِرَةً وَتَعِبَهَا أَذُنٌ وَاعْبَهُ ۖ فَإِذَا تَفَعَّى الصُّورُ تَفَعَّى
 وَاحِدَةً ۖ وَخَلَّتِ الْأَرْضُ أَلْجَالُ فَذَكَرْتُ وَاحِدَةً ۖ قَبُولُ
 وَقَعِيَ الْوَاقِعَةُ ۖ وَانْثَقَبَتِ السَّمَاءُ ۖ فِيهِ يَوْمٌ رَاسِبَةً ۖ وَ
 الْمَلِكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَبَحِيلُ عَرْشِ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ
 ۖ يَوْمَئِذٍ تَعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ۖ فَأَمَّا مَنْ أَوْفَى
 كِتَابَهُ بَيِّنَةٍ ۖ قَبُولُ هَآؤُمْ أَفْرُوا كِتَابَهُ ۖ إِنْ طَلَبْتُكَ إِنْ
 مُلَانِ حَسَابِهِ ۖ فَمَهْلُ عَيْشَةٍ رَاسِبَةً ۖ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۖ
 ۖ قُطُوفُهَا دَانِبَةٌ ۖ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْهَا أَسْلَفَكُمْ فِي الْأَيَّامِ
 الْخَالِيَةِ ۖ وَأَمَّا مَنْ أَوْفَى كِتَابَهُ لِيَمَالِهِ ۖ قَبُولُ بِالْبَيْتِ أَوْفَى
 كِتَابِهِ ۖ وَلَآ أَرْدِمَا حَسَابَهُ ۖ بِالْبَيْتِ مَا كَانَتْ الْفَاضِلَةُ ۖ
 مَا أَغْنَى عَنِّي مَالِي ۖ هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِي ۖ خُذْهُ وَقُلْهُ ۖ
 تَرَى فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكْ
 إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ۖ وَلَا يَحْضُرُ عَلَى طَعَامِ الْبَاسِكِينَ
 فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ مِنْهُمْ نَاجِيٌ ۖ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينَ ۖ لَا

بهاگ درافتادند (۷) آیا هیچ‌بینی که پروزگار از آنان اثری باقی باشد
 (۸) و فرعون واقوام پیش از او وقوم زشتکار لوط بکفر و خطاکاری بر
 خاستند (۹) و با رسول پروردگارشان مخالفت کردند خدا هم آنان را
 بعدایی سخت گرفتار ساخت (۱۰) (شما مردم فرزندان توحید که) ما
 چون طوفان دریا (بر غرق عالمیان) طغیان کرد شما را بکشتی نشاندم
 (۱۱) تا (غرق کنار و نجات مؤمنان را) مایه پند و عبرت شما مردم قرار
 دهیم ولیکن گوش شنوای هوشمندان این پند و تذکر را نتواند شنید (۱۲)
 باز بیاد آورچون در سور (اسرافیل) یکبار پدمند (۱۳) و زمین و کوهها
 را برگیرند و یکمرتبه همه را خرد و متلاشی سازند (۱۴) آنگاه روز
 موعود آن واقعه بزرگ قیامت واقع گردد (۱۵) و بنای مستحکم آسمان
 آن روز سست شود و سخت دردم شکافد (۱۶) و فرشتگان بر اطراف آسمان
 (منتظر فرمان حق) باشند و عرش پروردگارت را در آن روز هشت ملك
 برگیرند (۱۷) آن روز که در پیشگاه حساب شما را حاضر کنند هیچ
 کار از اسرار معنی شما هم پنهان نخواهد ماند (۱۸) اما کسی که نامه
 اعمال او را بدست راستش دهند (باهر محشر) گوید بیایند نامه مرا
 بخوانید (۱۹) من ملاقات این روز حساب را اعتقاد داشتم (۲۰) اینچنین
 کسی در عیش و ذندگانی خوش خواهد بود (۲۱) در بهشت مالیرتبه
 (ابدی) (۲۲) و بهشتی که میوه‌های آن همیشه در دسترس اوست (۲۳)
 از طعام و شرابهای لذیذ و گوارای بهشتی هر چه خواهید تناول کنید شما
 را گوارا باد که این پادشاه اعمال ایام گذشته دنیاست که بر امروز خویش
 فرستادید (۲۴) و اما آنکس که کتاب عملش بدست چپ دهند گویدای کاش
 نامه مرا بمن نمیدادند (۲۵) و من هرگز از حساب اعمال آگاه نمیشدم
 (۲۶) یا ای کاش مرا از چنگ این غصه و عذاب نجات میداد (۲۷)
 وای که مال و ثروت من امروز بفریاد من نرسید (۲۸) و همه قدرت
 و حشمت معو و نابود گردید (۲۹) (و خطاب قهر رسد که) او را بگیرید و در
 غل و زنجیر کشید (۳۰) تا بازش بهوزح درافکنید (۳۱) آنگاه بزنجیری
 که طولش هفتاد ذراع است (بآتش) درکشید (۳۲) که او بعدای بزرگ
 ایمان نیاورده (۳۳) و هرگز مسکینی را بر سفره طعام خود بر قنط نخوانده
 است (۳۴) بدین سبب امروز هیچ خویش و دوستداری که بفریادش رسد
 در اینجا ندارد (۳۵) و طعامی غیر از فسلین (چرک و پلیدی دوزخیان)
 نسپیش نیست (۳۶) که

بِأَكْلِهِ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ۖ فَلَا أُقِيمُ مَا نُبْصِرُونَ ۖ وَمَا لَا يُبْصِرُونَ
 إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۖ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ
 ۖ وَلَا يَقُولُ كَافِرٍ قَلِيلًا مَا تَدَّكُرُونَ ۖ تُنْزِلُ مِنْ رَّبِّكَ
 الْعَالَمِينَ ۖ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ ۖ لَأَخَذْنَا مِنْهُ
 بِالْيَمِينِ ۖ ثُمَّ لَقَطْنَا مِنْهُ الْوَلِينَ ۖ فَإِنْ كُنَّا مِنْ أَهْلٍ عَنْهُ
 حَاجِرِينَ ۖ وَإِنَّهُ لَشَدِيدُ الْكَرَمِ لِلْمُتَّقِينَ ۖ وَإِنَّا لَتَعْلَمُونَ أَنَّ مِنْكُمْ
 مُكَذِّبِينَ ۖ وَإِنَّهُ لَحَسْبُ الْكَافِرِينَ ۖ وَإِنَّهُ لَتَحْقُ الْبَغَايِرَ ۖ
 فَتَبَّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

بِسْمِ الْمَآثِرِ نَكِي ۖ فِي رَجْعٍ وَارْتِعُونَ إِنَّمَا

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ مُقْتَرِفٍ ۖ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ۖ مِنَ اللَّهِ
 ذُو الْمَعَارِجِ تَصْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَهُ فِي يَوْمٍ كَانَ
 بِمِقْدَارِهِ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ۖ فَخَاصِمَةٌ صَبْرًا جَمِيلًا ۖ وَإِنَّمَا يَرُودُ
 بِعِبْدِهِ قَوْمًا بِفَرِيحَةٍ ۖ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْهَمَلِ ۖ وَتَكُونُ
 الْجِبَالُ كَالْعُفُوفِ ۖ وَلَا يَسْأَلُ حِيمٌ حِيمًا ۖ يَبْصُرُونَ مَا هُمْ بِوَدَّ
 أَنْجِرُوا لَوْ يَقْدَرُونَ مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بِبَنِيهِ ۖ وَصَاحِبِيهِ ۖ
 أَخِيهِ ۖ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ۖ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ

کسی آن طعام را جزا مل دوزخ نمی خورد (۳۷) قسم بآنچه از آثار حق می بیند (۳۸) و آنچه نمی بیند (۳۹) که قرآن بحقیقت (وحی خدا) و کلام رسول بزرگوار است (۴۰) نه سخن شامی است (گرچه) اندکی مردم (هوشیار) بآن ایمان می آورند (۴۱) و نه حرف کاهن غیب گو (گرچه) اندک مردم منذر حقایق آن میشوند (۴۲) این قرآن تنزیل خدای عالمی است (۴۳) و اگر محمد دروغ بیا سخنانی میست (۴۴) محققا اودا (بقهر و انتقام) میگردیم (۴۵) و رک و تپشش را قطع میگردیم (۴۶) و شما هیچیک بردفاع از او قادر نبودید (۴۷) و این قرآن بحقیقت پند و تذکر برهیز کاران عالم است (۴۸) و البته ما می دانیم که شما برخی تکذیب آن می کنید (۴۹) و تکذیبش عاقبت مایه ندامت کافران است (۵۰) و این حق و حقیقت محض است (۵۱) پس تو ای رسول گرامی نام خدای بزرگوار خود را پستایی یاد کن (۵۲)

سوره معارج در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۳۳ آیه میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

سائلی از عذاب قیامت که وقوعش ختمی است از رسول پرسید که آن عذاب چه مردمی راست (۱) بدانند که بر کافرانست و هیچکس از آنان دفع نتواند کرد (۲) که آن عذاب از قهر خدای مالک آسمانهاست (و کسی یارای دفاع آن ندارد) (۳) فرشتگان بسوی (عرش) خدا بالا روند در روزی که مدتش پنجاه هزار سال خواهد بود (۴) پس تو ای رسول بی هیچ جزع و تشویش سیر نیکو پیش گیر (۵) که این مردم غافل کافر آن روز بسیار دگر (از امکان) ببینند (۶) و ما نزدیک (بوقوع) می بینیم (۷) روزی که آسمان بدان عظمت (از هول و دشت) چون فلز گداخته شود (۸) و کوههای بدان صلابت (از ترس و هیبت) مانند پشم زده متلاشی گردد (۹) و همه پیکر هیچ کس از خویش خود جویا ننهد (۱۰) چون حقیقت حالشان به آنها بنمایند آن روز کافر بد کار آرزو کند که کاش توانستی فرزندانش را فدای خود سازد و از عذاب برهد (۱۱) و هم زن و برادرش (۱۲) و هم خویشان و قبیله اش که همیشه حمایتش کردند (۱۳) و هر که روی زمین است همه را فدای خویش گرداند تا مگر خود از آن عذاب

نُنَبِّئُكَ أَنَّهَا الطُّلُوعُ ۝ تَرَاةَ الشُّوْقَى ۝ كَذَّبُوا عَنْ أَذْرَوْ قَوْلًا
وَجَمَعَ قَاوَعِي ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ۝ ذَا مَتَدٍ الشَّرِّ
جَزُوعًا ۝ ذَا نَمَاتٍ ۝ الْخَبَرُ مَوْعًا ۝ إِلَّا الْمُصَلِّينَ ۝ الَّذِينَ هُمْ عَلَى
صَلَاتِهِمْ دَامُونَ ۝ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ ۝ لِّلسَّائِلِ
وَالْخَرُومِ ۝ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بَيُّوتِ الدِّينِ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ
عَذَابِ رَبِّهِمْ خَشِفُونَ ۝ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ۝ وَالَّذِينَ
هُمْ لِفَرْحِهِمْ حَافِظُونَ ۝ وَلَا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ
قَاتِمٌ غَيْرُ مَلُومِينَ ۝ هَٰؤُلَاءِ ابْتَغَىٰ وَدَّاءَ ذَلِكَ قَاوِلُكَ هُمْ الْعَادُونَ
۝ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَائِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ بِمَا دَارُوا
قَامُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۝ وَلِلَّهِ فِي
جَنَابِ مُكْرِمُونَ ۝ قَبَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مَهْطِعِينَ ۝ عَنِ الْيَمِينِ
عَنِ الشِّمَالِ غَرِيبٌ ۝ أَتَطَّلِعُ عَلَىٰ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يَدْخُلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ۝
كَلَّا ۝ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ مَّيْمَنٍ يَعْلَمُونَ ۝ كَلَّا ۝ أَفَرَأَيْتَ الشَّارِقَ ۝ وَالْمَغَانِبَ
إِنَّا قَادِرُونَ ۝ عَلَىٰ أَنْ نَبْدِلَ خَبْرَ أَمْنِهِمْ وَمَا نَحْنُ بِمُسْبِقِينَ ۝
قَدْ زُرُّهُمْ يَهُوضُوا وَبَلَعُوا حَتَّىٰ يَلَاقُوا بَوْمَهُمُ الَّذِي هُمْ يُوعَدُونَ ۝
يَوْمَ يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَحْذَابِ بِسْرَاعٍ كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ ۝
خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذُلَّةٌ ۝ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ۝

نصاحت یابد (۹۳) هرگز (بقدا) نجات نیابد که آتش دوزخ بر او شعله ور است (۹۵) تا سر و صورت و اندامش پاک بسوزد (۹۶) دوزخ آنان را میخوانند که از خدا روگردانیده و با حق مخالفت کردند (۹۷) و مال دنیا را جمع کرده و همه را ذخیره نمودند (۹۸) که انسان مغلولی طبعا سخت حریص و بی صبر است (۹۹) چون شر و زبانی پاو رسد سخت جزع و بیقراری کند (۴۰) و چون مال و دولتی پاو رو کند (بخل) ورزد و منع (احسان) نماید (۴۱) مگر نازگذاران حقیقی (۴۲) آنانکه دایم در نماز و طاعت الهی مشغول گردانند (۴۳) و آنانکه در مال و دارایی خود حتی مبین و معلوم گردانند (۴۴) تا بنفیران سائل و فقیران آبرومند محروم رسانند (۴۵) و آنانکه روز قیامت و جزا را تصدیق کنند (۴۶) و آنانکه از قهر و عذاب خدای خویش ترسند (۴۷) که از عذاب خدا هیچکسی ایمن نتواند بود (۴۸) و آنانکه اندام خود را از شهوترانی نگاه میدارند (۴۹) مگر بر زبان حلال و کتیزان ملکی خویش که از اعمال شهوت هیچ ملامت ندارند (۵۰) هر که غیر از این کند بحقیقت متعدي و ستمکار است (۵۱) و آنانکه اما نصوحه پیمان نشان را رعایت کنند (۵۲) و آنانکه برای شهادت بحق قیام کنند (۵۳) و آنانکه نماز خود را محافظت کنند (۵۴) آنان که جامع این اوصافند در باغهای با عزت و احترام منتهمند (۵۵) ای رسول چه شده است کافران را که (پاتسفر) بجای می شتابند (۵۶) و از راسته و جی باز پراکنده میشوند (۵۷) آیا طمع دارند که در بهشت با ناز و نفست داخل شوند (۵۸) هرگز این نشود که آنها را از چه (نطفه پستی) آفریده ایم (۵۹) چنین نیست سوگند بخدای مشرق و مغربهای (بینهایت) عالم که ما قادریم (۶۰) بکجای آنها خلفی بهتر از آنها بیافرینیم و هرگز کسی بقدرت بر ما سبقت نخواهد کرد (۶۱) پس تو ای رسول آنها را بکفر و سلالت خود بگفاز که بهاز چه دنیا دل بازند تا بروزی که همه عذاب آبیاست در بر و شوند (۶۲) آن روزی که سرعت سر از قبرها بر آورده و بسوی بنها و تنجه پرستش غیر خدا میفتابند (۶۳) برحالی که چشمهاشان (از نور و حقیقت قیامت) پهلوانی فرود افتاده و ذلت کفر و عصیان بر آنها احاطه کرده این همان روزیست که (رسولان حق) پآنها وعده دادند (۶۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَبْلُغَ
عَذَابَ آيَةٍ ۖ قَالَ بِأَقَوْمٍ إِنَّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۚ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ
وَأَنْتَهُوَ وَأَطِيعُوا ۖ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَتُخَرَّكُمُ إِلَىٰ أَجَلٍ
مُسَمًّى ۚ إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۚ قَالَ رَبِّ
إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَبَّاءُ وَنَهَارًا ۚ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا
ۚ وَإِنِّي كُنَّا دَعْوَتَهُمْ لِنُغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَ
اسْتَمْسُوا بِآيَاتِهِمْ وَأَصْرَوْا وَاسْتَكْبَرُوا وَاسْتَكْبَرُوا ۚ ثُمَّ إِنِّي
دَعْوَتَهُمْ جَهَارًا ثُمَّ إِنِّي أَغْلَيْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ۚ
فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ۚ يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ
مِدْرَارًا ۚ وَنُمِידُكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْ لَكُمْ جُنَاتٍ وَ
يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ۚ هَٰمَ الْكَرُ لَا تُزْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ۚ وَقَدْ خَلَقَكُمْ
أَطْوَارًا ۚ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ۚ وَ
جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا ۚ وَاللَّهُ أَنْتَبِرُكُمِنْ
الْأَرْضِ ثَبَاتًا ۚ لَوْ يَعْبُدُكُمْ فِيهَا وَتَجْرُجُكَ الْأَرْضُ اجْجًا ۚ وَاللَّهُ جَعَلَ
لَكُمْ الْأَرْضَ بِطَانًا ۚ لَيْسَ لَكُمْ مِنْهَا سَبِيلٌ خَائِفًا ۚ قَالَ نُوحٌ

سورة نوح درمکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۸ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

ما نوح را بسوی قومش بر سالت فرستادیم (و امر کردیم) که قوم را باندوز و پند بترسان پیش از آنکه بر آنان عذاب دردناک فرا رسد (۱) نوح با امر حق آمد و گفت ای قوم من برای شما رسولی (مهربان) هستم که شما را با بیانی روشن از عذاب قهر خدا می ترسانم (۲) (و از خیر خواه می گویم) که خدای را بپکتنای بپرستید (۳) و پرهیز کار باشید و مرا پیروی کنید تا خدا با لطف و کرم از گناهان شما درگذرد و اجلتان را تا وقت معین به تأخیر افکند که اجل الهی چون و قتش فرا رسد اگر بدانید در هیچ تأخیر نیفتد (۴) (قوم نوح نگر و بدند) پس نوح گفت بارالها من آنچه قوم را شب و روز دعوت کردم (۵) دعوت و نصیحت من جز بر فرار و اعراض آنها نفوذ (۶) و هر چه آنان را بمغفرت و آمرزش تو خواندم انگشت بر گوش نهادند و جامه بر خسار افکندند و مر کفر اصرار و اجاج و وزیدند و سخت راه تکبر و نخوت پیمودند (۷) باز هم آنها را بصدای بلند دعوت کردم (۸) و آنگاه آنها را آشکار و علنی خواندم و در خلوت و پنهانی خواندم (بویج وجه اثری نکرد) (۹) باز گفتم ای مردم بدرگاه خدای خود (توبه کنید و) آمرزش طلبید که او بسیار خدای آمرزنده است (۱۰) تا باران آسمان ز ابر شما فراوان نازل کند (۱۱) و شما را بمال بسیار و پسران متعدد دهد فرماید و باغبای خرم و نه رهای جاری بشما عطا کند (۱۲) چرا شما ۱۰ دم خدای را بمنامت و وقار یاد نمی کنید (۱۳) و حال آنکه او شما را از ظنهای باطل خلقت و اطوار گوناگون بیافرید (تا نشانهای حکمت با غلظتش در خود مشاهده کنید) (۱۴) آیا ندیدید که خدا چگونگی هفت آسمان را ببلقانی (محکم) خلق کرد (۱۵) و در آن سماوات ماه شب و فروغی تابان و خورشید و روز را چراغی فروزان ساخت (۱۶) و خدا شما را مانند نباتات (مختلف) از زمین برویانید (۱۷) آنگاه بار دیگر (پس از مرگ) بزمین بارگرداند و دیگر بار هم شما را از خاک (روز حساب) برانگیزد (۱۸) و زمین را برای شما چون بساط بگسترانید (۱۹) تا در زمین راههای مختلف (برای تحصیل معاش و معاد) بپیمایید (۲۰) نوح گفت

رَبِّ اِيْمَانِهِمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ اِلْخَاصَارُ
 ① وَمَكْرُهَاً مَكْرًا كِبَارًا ② وَقَالُوا لَا تَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَتَكَ ③ وَلَا تَنْزِلْ
 وَذَا وَلَا سَوَاعَا وَلَا يَمُوتُ وَيَبْقَى وَتَنْسَى ④ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا
 وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ اِلْاَضْلَالًا ⑤ مِمَّا خَطَبْنَا بِهِمْ اَعْرِضُوا فَاَدْخَلُوا
 نَارًا فَاذْهَبُوا مِنْ دُونِ اٰلِهَةٍ اَنْصَارًا ⑥ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي
 عَلٰى الْاَرْضِ مِنَ الْكَافِرِيْنَ دَهَارًا ⑦ اِنَّكَ اِنْ تَذَرْنِيْهُمْ يَفْسُدُوْا عِبَادَتَكَ
 وَلَا يَلِدُوْا اِلَّا فَاٰسِرًا كَاْفًا ⑧ رَبِّ اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ فِيْ
 بَيْتِيْ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِيْنَ اِلْاِتْسَارًا
 ⑨ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ⑩ وَفِيْ اَنْعَامِهِمْ فَاٰيَاتٌ لِّمَنْ اَعْيَنَ ⑪

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
 قُلْ اُوْحِيَ اِلَيَّ اَنَّهُ اَسْمَعَ نَفْسٍ مِّنْ اِيْحٰنٍ فَقَالُوْا اِنَّا نَسْمَعُ غَيْرَ مَا
 نَحْنٰ بِعَبْدٍ اِيْدَبٰى اِلَى الرُّشْدِ فَاَمْنًا بِهٖ وَلَنْ نُّشْرِكَ رَبَّنَا بِاَحَدٍ ① وَ
 اَنَّهُ تَعَالٰى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ② وَاَنَّهُ كَانَ
 يَاقُوْلُ سَفِيْهُنَا عَلٰى اللّٰهِ شَطَطًا ③ وَاِنَّا ظَنَنَّا اَنْ لَّنْ نَقُوْلَ الْاِنْسُ
 وَاِيْحٰنٍ عَلٰى اللّٰهِ كَذِبًا ④ وَاَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْاِنْسِ يَعُوْذُوْنَ
 بِرِجَالٍ مِّنْ اِيْحٰنٍ فَرَادَوْهُمُ رَهَقًا ⑤ وَاَنَّهُمْ ظَنُّوْا كَا ظَنْنٰمْ اَنْ لَّنْ
 يَبِيْعَ اللّٰهُ اَحَدًا ⑥ وَاِنَّا لَنَسْنَا السَّمَاءَ فَوْجَدًا مَّا مَالِكٌ مِّنْهَا

پرورد گارا (با اینهمه تبلیغ رسالت و اتمام حجت باز) این قوم مرا مخالفت کردند و پیرو کسی شدند که او خود مال و فرزندش هم جز بر زیانش نیفزود (۴۹) و بر شد من بزرگترین مکر و حیلۀ بکار بردند (۴۴) و خلاصه قوم نوح گفتند هر گز خدایان خود را رها نکنید و بخصوص دست از پرستش (این پنج بت) و دو سواع و یثوت و یموق و نسر هر گز بر ندارند (۴۳) و آنها بسیاری از خلق را گمراه کردند (نوح در حق مشرکان نفرین کرد که خدایا) توست مکاران را هیچ جز بر ضلالت و عذابشان میفزای (۴۴) و آن قوم از کثرت کفر و گناه عاقبت بدی را غرق شدند و با آتش دوزخ در افتادند و جز خدا بر خود هیچ یار و یابوری نیافتند (۴۵) و نوح عریض کرد پرورد گارا تو هم این کافران را هلاک کن و از آنها داری بروی زمین یکی باقی نگذارد (۴۶) اگر از آنها هر که را باقی گذاری بندگان پاک با ایمان ترا گمراه میکنند و فرزندی هم جز بدکار و کافر از آنان بظهور نمیرسد (۴۸) و بار الها مرا و پدر و مادر من و هر که با ایمان بخانه من داخل شود همه مرزبان و زنان با ایمان عالم را ببخش و پیامر و ستم کاران جز بر هلاک و عذابشان میفزای (۴۸)

سورة جن در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۸ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

ای رسول ما بگو مرا وحی رسیده که گروهی از جنیان آیات قرآن را (هنگام قرائت من) استماع کرده اند و پس از شنیدن گفته اند که ما از قرآن آیات عجیبی میشنویم (۱) اینقرآن خلق را براه خیر و صلاح هدایت می کند بدین سبب ما بان ایمان آورده و دیگر هر گز بخدای خود مشرک نخواهیم شد (۲) و همانا بسیار مرتبه است شأن و اقتدار پروردگار ما (و منزه از زن و فرزند) و م جفت و فرزندی هر گز نگرفته است (۳) و البته سفیان و بی خردان ما بخدا دروغ بستند (که باو فرزندی مسیح و هریز و فرشتگان را نسبت دادند) (۴) و ما چنین می پنداشتیم که هر گز هیچ قومی از جن و انس بر خدای متعال دروغ و افتراء نخواهد گفت (۵) و همانا مردانی که از نوع بشر بمردانی از گروه جن پناه میبردند بر فرور و جهالتشان سخت می افزودند (۶) و آنها هم مانند شما آدمیان گروهی کافر شده و گمان کردند که خدا احدی را بقیامت زنده نخواهد کرد (۷) و جنیان گفتند ما (از این پیش) با شما بر می شدیم (تا اسرار وحی را استراق کنیم) لیکن یافتیم که آنجا فرشته نگهبان با قدرت و تیر شهاب

شديد أو شريكاً وأنا كما أنفعد منها مفاعيد لك سمع فمن يستمع
 الآن يحذله فيها بأرصادي وأنا لا نذر رجلاً شريراً يدينني في
 الأرض أم أراد بيهم نعمهم وقد أماننا الضاحون ومنا
 دون ذلك كما طرأ لي فداً وأنا ظننا أن لن نغير الله في
 الأرض لن نغيره مرةً وأنا لما سمعنا الهدى أمنا به فمن يؤمن
 بربه فلا يخاف بئساً ولا رفقاً وأنا مينا المليون ومنا
 الغايطون فمن أسلم فأولئك تحروا رشداً وأنا الغايطون
 فكانوا لجهنم حطباً وأن لو استقاموا على الطريق لأسنبناهم
 ماءً غداً لينفثهم فيه ومن يعرض عن ذكر ربه يسلكه عذاباً
 صعداً وأن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحداً وأنا لما
 قام عبد الله يدعوه كادوا يكونون عليه لبداً قل إنما آذوا
 ربي ولا أشرك به أحد قل إني لأأمركم لكم صراً ولا خفياً
 قل إني لن أخفي عن الله أحداً ولن أبدين دونه ملةً ولا بلاً
 من الله ورسالة لا يؤمن يعص الله ورسوله توجه له فارجعتم
 خالدين فيها أبداً حتى إذا أراهم أوعدون قتيلون من
 أضعف ناصراً وأقل عدداً قل إن أذرتني قريب ما وعدون
 أن يجعل الله ربي مداً عالم الغيب فلا يظهر على غيبه أحداً إلا

آتشبار فراوان و بسیار است (۸) و ما (پیش از شنیدن قرآن) در کمین شنیدیم
سخنان آسمانی و اسرار وحی مینشستیم اما اینک هر که از اسرار وحی
الهی سخنی بخواهد شنید تیر شهاب (و آتش قهر) در کمین گاه اوست
(۹) و ما هنوز نمیدانیم که آیا عاقبت مردم زمین (با این مذاهب) شرف و فساد
برخود خواسته اند یا که خدای آنها که بر آنان (قرآن فرستاده) و شر و خیر
و صلاح آنها را منظور دارد (۹۰) و همانا برخی از ما صالح و نیکو کار هستیم
و برخی برخلاف آن عقیده و اعمال ما هم بسیار متفرق و مختلف است (۹۱)
و ما چنین دانسته ایم که هر گز بر قدرت خدا و از محیط اقتدارش قرار
ننوائیم کرد (۹۲) و ما چون به آیات قرآن گوش فرا دادیم برخی هدایت
یافته و ایمان آوردیم هر که بخدای خود ایمان آورد دیگر از نقصان خیر
و ثواب وار احاطه رنج و عذاب برخوردار هیچ نترسد (۹۳) و از ما چنینان هم
بعضی مسلمان و برخی کافر و ستمکارند و آنانکه اسلام آورده اند راستی
برای رشد و ثواب شتافتند (۹۴) و اما ستمکاران ما هیزم بر آتش جهنم
گردیدند (۹۵) و اگر که بر طریقه اسلام و ایمان پایدار بودند البته
با آنها آب عیم فراوان و رزق وسیع نصیب میکردانیم (۹۶) تا بان نعمت
آنها را امتحان و آزمایش کنیم و هر که از یاد خدای خود اعراض کند
خدا به عذابی بسیار سخت معذب گرداند (۹۷) و مساجد مخصوص خداست
پس نباید با عدا احدی غیر او را پرستش کنند (۹۸) و چون بنده خاص (محمد)
برای آنکه خدا را بخواهد قیام کرد طایفه چنینان گرد اوازدهام کردند
که نزدیک بود بر سرهم فرو ریزند (۹۹) ای رسول بخلی بگو من خدای
خود را بیگانگی می پرستم و هر گز احدی را با او شریک نمیگردانم (۱۰۰)
و باز بگو من مالک و قادر بر خیر و شر شما نیستم (۱۰۱) باز ای رسول بگو
ابدا کسی مرا از قهر خدا دریغ نتواند گرفت و بپیر او هیچ گریز گاهی
هر گز نخواهم یافت (۱۰۲) تنها ما من و پنهان من ابلاغ احکام خدا و رسانیدن
پیغام الهی است و هر که نافرمانی خدا و رسول او کند البته کیفر او آتش
دوزخ است که در او تا ابد مغلط است (۱۰۳) تا روزیکه عذاب و عود خود را بچشم
به بینند آن زمان خواهند دانست که (تو و آنها) کدامتان یارانش ضعیف و
ناتوان تر و سپاهش کمتر است (۱۰۴) ای رسول بگو من خود ندانم که عذاب
موعود شما و قش نزدیکست یا خدا تا آنروز مدت بسیاری قرار داده
است (۱۰۵) او دانای غیب عالم است و هیچ کس بر عالم غیب او آگاه نیست

آنکس که از رسولان خود برگزیده است که بر معاضقت او (فرشتگان را) از پیش رو و پشت سر میفرسد (تا اسرار وحی را شیاطین بسرقت گوش نریابند) (۴۷). تا بدانکه آن رسولان پیغامهای پروردگار خود را بطریق کاملاً رسانیدند و خدا بآنچه برد رسولانست احاطه کامل دارد و بشماره هر چیز در عالم بخوبی آگاهست (۴۸)

سورة مزمّل در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۴۰ آیه میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

الا ای رسولیکه در جامه (فکرت و خموشی) خفته ای! (۱) مان شبدا بنماز و طاعت خدا برخیز مگر کمی (۲). که نصف باشد یا چیزی کمتر از نصف (۳) یا چیزی بر نصف بیفزای و تلاوت آیات قرآن با توجه کامل مشغول باش (۴) ما بوحی خود کلام بسیار سنگین (قرآن را) بر تو القا میکنیم (۵) البته نماز شب بهترین شاهد اخلاص (و سنای) قلب و دعوی صفت ایمانست (۶) تو را روز روشن (در طلب روزی) وقت کافی و فرصت وسیع است (۷) و دایم در شب و روز نام خدا را یاد کن و بکلی از غیر او ملایقه ببر و باو بپراز (۸) همان خدای مشرق و مغرب عالم که جز او هیچ خدایی نیست او را بر خود وکیل و نگهبان اختیار کن (۹) و بر طعن و پایه گوئی کافران و مکذبان سب و شکایا باش و بطرزی نیکو از آن دوری گزین (۱۰) و کار آن کافران مفرور نعمت و مال را بمن واکذار و اندک زمانی بآنها مهلت ده (تا وقت انتقام رسد) (۱۱) که البته نزد ما غل و زنجیر عذاب و آتش دوزخ برای کیفر کافران مهیاست (۱۲) و طعامی که از فرط خشم و کلوگیر آنها میشود و عذاب دردناک در دوزخ بر آنها آماده است (۱۳) آن روزی که زمین و کوهها بلرزد و آید و تل ریگی شود و چون موج روان گردد (۱۴) ما بشما (امت آخر زمان) رسولی فرستادیم که شاهد اعمال شماست چنانکه بر فرعون هم رسول فرستادیم (۱۵) تا فرعون را فرمانی آن رسول کرد ما هم او را بشهر و انتقام سخت بگرفتیم (۱۶) پس اگر امروز بخدا کافر شوی باز چگونه از عذاب حق نجات یابید در روزیکه کردک از هول و سستی آن پیر شود (۱۷) و آسان شکافته شود و دمه (ثواب و عذاب) الهی بوقوع انجامد (۱۸) این قرآن برای تذکر و یاد آوری فرستاده شد تا هر که بخواهد راهی بسوی خدا پیش گیرد (۱۹) خدا به حال تو آگاهست که تو

و جمعی هم از آنان که با تو اند غالب نزدیک دوثلث یا نصف یا (لا اقل) ثلث شب را همیشه بطاعت و نماز میبردازی و خدا گردش روز و شب را مقدر می کند خدا میداند که شما هرگز تمام ساعات شب را (بعبادت) ضبط نخواهید کرد لذا از شما در گذشت تا هر چه از شب را آسانست بتلاوت قرآن پردازید خدا بر احوال شما آگاهست که برخی مریض و ناتوانید و برخی مسافر برای کسب و تجارت از کرم خدا روزی مطالبید و برخی در راه خدا به جنگ و جهاد مشغولید پس در هر حال آنچه میسر و آسان باشد بقرائت قرآن پردازید و نماز بپادارید و زکوة مالتان بفقران بدهید و بخدا قرض نیکو دهید و هر عمل نیک که برای آخرت خود پیش فرستید پاداش آنرا نزد خدا بیابید و آن اجر و ثواب آخرت بسی بهتر و بزرگتر است و دایم پدما از خدا آموزش طلبید که خدا بسیار آموزد و مهربان است (۴۰)

سوره مدثر در مکمل معظمه نازل شده و مشتمل بر ۵۹ آیه می باشد

بنام خدای بخشنده مهربان

الا ای رسولی که خود را بلباس در پیچیده ای: (۱) برخیز و باندوز و پند خلق را بخدا ترس گردان: (۲) و خدای را ببزرگی و کبریائی یاد کن (۳) و لباس (جان و تن را) از هر عیب و آلاشی پاک و پاکیزه دار (۴) و از ناپاکی بکلی دوری گیر (۵) و بر هر که احسان کنی ابداً منت نگذار (۶) او برای خدا صبر و شکیبائی پیش گیر (۷) تا آنگاه که صور اسرافیل را بدمند (۸) آن روز بسیار روز سختی است (۹) کافران را هیچگونه در آن راحتی و آسایش نیست (۱۰) ای رسول بمن واکذار کار و نظام آن کس را که من او را تنها آفریدم (مراد و کید مغیره است) (۱۱) و با و مال و ثروت فراوان بذل کردم (۱۲) و پسران بسیار حاضر بخدمت نصیب گردانیدم (۱۳) و اقتدار و مکنّت و عزت دادم (۱۴) و (با) کفران این نعمتها) باز هم از من طمع افزونی آن داد (۱۵) هرگز بر نعمتش غور نایم که او با آیات (و رسول) ما دشمنی و عناد و دزدید (۱۶) بزدی او را با تش دوزخ در افکنیم (۱۷) اوست که فکر و اندیشه بدی کرد (۱۸) و چقدر خدایش بکشد اندیشه غلطی کرد (۱۹) باز هم خدایش بکشد که چه فکر خطائی نمود (۲۰) پس (از من مکر و تدبیر پر دشمنی رسول) باز اندیشه کرد (۲۱) و تورش کرد و چهره درهم کشید (۲۲) تا نگاه روی از اسلام و قرآن گردانید و تکبر و نفوت آغاز کرد (۲۳) و گفت این پنج سحر و بیان سحرانگیزی هیچ نیست (۲۴) این آیات

قَوْلَ الْبَشَرِ ۖ عَلَيْهِ سَقَرُهُ مَا أَذْرَبَكَ مَا سَقَرُوا لَا يَسْقُرُونَ ۖ لَا تَذَرُ لَوْ أَعَادَ الْبَشَرُ عَلَيْهَا زِعَةً عُشْرَ مَا جَعَلْنَا آخِثًا
 الثَّارَ إِلَّا مَلَائِكَةً ۖ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّةَ تَهُمِ إِلَّا قِسْفَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا
 لِيَسْتَبِينَ الَّذِينَ أَتَوْا الْكِتَابَ وَزَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا
 يَرْتَابَ الَّذِينَ أَتَوْا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ
 مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ۚ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ
 مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۚ وَمَا يَعْلَمُ جُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا
 هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ ۚ كُلَّا وَالْقُرْآنُ الْفَلِيلُ ۚ إِذَا دُجِرَ وَالصَّغِيرُ إِذَا
 انْفَرَقَ ۚ إِنَّمَا الْأَعْدَى الْكَبِيرُ ۚ تَذِيرٌ لِلْبَشَرِ ۚ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَّقَدَّ
 أَوْ يَتَأَخَّرَ ۚ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَجِيَةٌ ۚ ۞ إِلَّا أَصْحَابَ الْإِيمَانِ ۚ
 فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْغَيْرِ ۚ يَمِينٌ ۚ مَا سَأَلَكَ عَنْهُمْ فِي تَقْوَاهِ ۚ كَلَّا
 لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُسْلِمِينَ ۚ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُشْكِينَ ۚ وَكَانُوا خَافُونَ
 الْحَافِينَ ۚ وَكَانُوا يَكْذِبُ يَوْمَ الَّذِينَ ۚ ۞ هَتَّى أَتَيْنَا الْبَغِيْنَ ۚ
 فَمَا تَتَّبِعُهُمْ تَفَاعَةً الْكَافِيْنَ ۚ ۞ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذِكْرِ مُعْرِضِينَ ۚ
 كَانَتْهُمْ غُرُوسًا نَمِيرًا ۚ ۞ قَرْنًا مِنْ قُرُونٍ ۚ ۞ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ
 أَنْ يَكُونَ مِثْلَ الْأَوَّلِ ۚ ۞ كَلَّا بَلْ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْآخِرُونَ إِلَّا لَأَن
 يَكُونَ تَذَكُّرًا ۚ ۞ فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ ۚ وَمَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنْ

گفتار بشری پیش نیست (۳۵) ما این منکر و مکذب قرآن را بکفر کفر با تش
دوزخ درافکنیم (۳۶) و تو چگونه توانی یافت که سختی عذاب دوزخ تا
چه حد است (۳۷) شراره آن دوزخ از دوزخیان هیچ باقی نگذارد و همه را
بسوزاند و محو گرداند (۳۸) و آن آتش بر آدمیان رونماید (۳۹) بر آن
آتش نوزده تن موکلند (۴۰) و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان عذاب قرار
ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار نوزده بگردانیدیم و تا آنکه
اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تئوری و انجیل) البته
بوحی خداست (و ایمان آرند) و آن بریقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر
در دل اهل کتاب و مؤمنان باسلام هیچ شك و ریبی نماند و تا آنان که
دلاهاشان مریض است و کافران نیز بشفهه نگویند خدا از این مثل چه
منظور داشت بلی چنین قرارداد تا هر که را خواهد بشلالت بگذارد و هر
کدام را خواهد هدایت نماید و هیچکس از عده بیحد لشکرهای پروردگار غیر
او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد
بود (۴۱) چنین نیست قسم بماه (تابان) (۴۲) قسم بشب تا چون باز گردد (۴۳)
و قسم بصبح نبوت چون جهان را روشن سازد (۴۴) که این قرآن یکی از بزرگترین
آیت (خدا) است (۴۵) پند و اندرز آدمیانست (۴۶) از شما آدمیان هر که
بخواهد پیش افتد یا بازماند (۴۷) هر نفسی در گرو عملی است که انجام داده
است (۴۸) هر اهل یمین (۴۹) آنان در باغهای بهشت متعینند (۵۰) وای بر
احوال دوزخیان گنه کار (۵۱) گویند که شما را چه عمل بعباد دوزخ درافکنند
(۵۲) آنان جواب دهند که ما از نماز گذاران نبودیم (۵۳) و مسکینی را طعام
ندادیم (۵۴) ما با اهل باطل بیطالت پرداختیم (۵۵) ما روز جزا را تکذیب
کردیم (۵۶) آنکه بمرک یقین بقیامت یافتیم (۵۷) پس در آن روز شفاعت
شفیعان در حق آنان هیچ پذیرفته نشود (۵۸) اینک چرا از یاد آن روز
سخت خود اعراض می کنند (۵۹) گوئی خزان گریزانی هستند (۶۰) که از
شیر درنده میگریزد (۶۱) بلکه هر یک از آنها میخوانند که برایشان مانده و
وحی آسمانی باز آید (۶۲) هرگز این نخواهد شد چنین نیست که پنداشتنند
بلکه از عذاب آخرت نمی ترسند (۶۳) چنین نیست که آنها پنداشتنند قرآن
محققا همه پند و اندرز است (۶۴) هر که خواهد معذرت حق شود (۶۵)
نمی خواهند جز آنکه

يَسَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى أَهْلُ التَّقْوَى

يَسَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى أَهْلُ التَّقْوَى

يَسَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى أَهْلُ التَّقْوَى

لَا أَقِيمُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ❶ وَلَا أَقِيمُ بِالْقُرْآنِ لِلْوَامِدِ ❷ أَجَبَ
الْإِنْسَانُ أَنْ يَجْعَ عِظَامَهُ ❸ بَلْ قَادِرٌ عَلَى أَنْ تُؤْتَى بِنَانَهُ
❹ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ❺ يَسْئَلُ أَتَى يَوْمَ الْقِيَمَةِ
❻ قَادِرٌ عَلَى الْبَصْرِ وَخَفَا الْقَمَرُ ❷ وَجَعِ الْقَمَرُ الْقَمَرُ ❸
يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ إِنَّ الْقَمَرُ ❹ كَلَّا لَا وَزَرَ ❺ إِلَى رَبِّكَ
يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ❻ هَبَّتْ وَالْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ عَانِقًا ❷ وَخَرَّ ❸
الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بِصِيرَةٍ ❹ قَوْلُوا لَقَدْ عَازِيَةٌ ❺ لَا فَخْرَ لَكَ
بِذِي بَنَانِكَ لِيُجْلِيَ ❻ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ❷ إِذَا دُفِعَ عَنْهُ
فَأَتَيْعَ قُرْآنَهُ ❸ وَإِنْ عَلَيْنَا بَيَانُهُ ❹ كَلَّا بَلْ يُجْهَوْنَ الْعِلْجَةَ ❺ وَ
تَذَرُونَ الْأَيْمَةَ ❻ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ ❷ إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ❸
وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَايِسَةٌ ❹ تَطْنُ أَنْ يَفْعَلَ بِهَا فَاغِرَةٌ ❺ كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ
النِّسَاءُ ❻ وَفِيلٌ مِّنْ رَّاوِي ❷ وَقُلْنَ أَنَا الْفِرَاقُ ❸ وَالنَّفْسُ السَّاقِ
بِالنَّاسِ ❹ إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ❺ قَلَامُ صَدَقٍ وَلَا صُلَى
❻ وَلَكِنْ كَذَبَ وَتَوَلَّى ❸ فَرَّ ذَهَبَ إِلَى أُمْلِهِ يَمُطُّ ❹ أَوَّلَى لَكَ

خدا بخواد (یعنی بدون معیت الهی کسی بهشت و سعادتمند نخواهد شد) از او
رواست تقوی و ترس و محشوق امیدواری که او اهل آمرزش و مغفرت است (۵۶)

سورة قیامت در مکمل معظمه نازل شد و مشتمل بر ۴۰ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهر بان

چنین نیست قسم بر روز (بزرگ) قیامت (۱) و قسم بنش بر حسرت و ملامت (۲) آیا
آدمی پندارد که ما دیگر ایها استغوانهای (پوسیده) او را باز جمع
نمی کنیم (۳) بلی ما قادیم که سر انگشتان او را هم دوست گردانیم (۴)
بلکه انسان میخواد آنچه از وعده بهشت و دوزخ خدا فرموده همه را
تکذیب کند و هر چه در پیش است همه را بنجور و هوای نفس گذراند (۵)
میپرسد کی روز قیامت (و حساب) خواهد بود (۶) (بگو) روزی که
چشمهای خلفان از وحشت و هول غیره بماند (۷) و ماء تاریک شود (۸)
و میان خورشید و ماء جمع گردد (۹) و در آن روز انسان گوید کجاءم و
پناه می خواهد بود (۱۰) هرگز مفری نیست (۱۱) آنروز جز درگاه خدا
آرامگاهی هیچ نیست (۱۲) آنروز آدمی بهر نیک و بدی که در مقام و
مؤخر مر کرده از نتیجه همه آگاه خواهد شد (۱۳) بلکه انسان خود
بر نیک و بد خویش آگاهست (۱۴) و هر چند عذر بر خود پیشکند (۱۵) با
شتاب و عجله زبان بقرائت قرآن بگشای (۱۶) که ما خود قرآن را مجموع
و محفوظ داشته و بر تو فرا خوانیم (۱۷) و آنگاه که بر خواندیم تو بهر
قرآن باشی (۱۸) پس از آن بر ماست که حقایق آن را بر تو بیان کنیم
(۱۹) بلکه تمام دنیای نقد عاجل را دوست دارند (۲۰) و بکلی نگار آخرت
و نشانه قیامت را وا گذارند (۲۱) آنروز رخسار طایفه از شادی بر
افروخته و نورانیست (۲۲) و بیچم قلب جمال حق را مشاهده می کنند
(۲۳) و رخسار گروهی دیگر میبوس و نمکین است (۲۴) که میدانند حادثه
تاگواری پیشی است که پشت آنها را میشکند (۲۵) چنین نیست که منکران
قیامت پنداشتند باشی تا جانشان بگورسد (۲۶) و گویند کیست که چاره
درد این بیمار تواند کرد (۲۷) و بیمار خود یقین مفارقت از دنیا کند (۲۸)
و اسقاهای با هم در پیچند (۲۹) در آنروز خلق را پسوی خدا خواهند کشید (۳۰)
(آنروز وای بر او جهل که) حق را تصدیق نکرد و نماز و طاعتش بجا نیاورد
(۳۱) بلکه خدا را تکذیب کرد و از حکمش رو برگردانید (۳۲) و آنگاه با تکبر
و نفیوت پسوی اهل خویش روی آورد (۳۳) (بان) او جهل بد بهشت خطاب شده)

قَالَ ۖ ذَاوُلِكَ قَاوُلِي ۖ اَيَحْسَبُ الْاِنْسَانُ اَنْ يُّتْرَكَ ۚ
 ۝ اَلَيْسَ لَكَ نَظْفَةٌ مِّنْ بَنِيْ اٰدَمَ ۚ وَكَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ۖ فَجَعَلَ
 مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْاُنْثَىٰ ۗ اَلَيْسَ ذٰلِكَ بِاٰدَارٍ عَلٰى اَنْ يُّخْبِيَ الْمَوْتُ
 ۝ اَلَيْسَ الَّذِيْ فَرَدَّكَ فِىْ حَنْدٍ يَّسُوْنُ اَبَدًا ۚ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هَلْ اَتٰى عَلَى الْاِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّا ذَكَرُوْهُ ۚ
 اِنَّا خَلَقْنَاهُ الْاِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ اَمْسَاجٍ نَّبْتَلِيْهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِیْعًا
 بَصِيْرًا ۚ اِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيْلَ اِمَّا يَشْكُرْ اَوْ اِمَّا يَكُوْرُ ۚ اِنَّا اَعْتَدْنَا
 لِلْكَافِرِيْنَ سَلَیْلًا وَّاَغْلَالًا وَّاسْعِيْرًا ۚ اِنَّ الْاَبْرَارَ لَشَرُّوْنَ مِنْ
 كَاۡفِرٍ كَانَ مِرْاٰجَهَا كَاۡفُوْرًا ۚ عَمَّا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللّٰهِ فَتَجْرِ مِنْهَا
 فَتَجْمِرُ ۚ يُوْفُوْنَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُوْنَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيْرًا
 وَيُطْعَمُوْنَ الطَّعَامَ عَلٰى اُخْبِهِ مُسْكِنًا وَّيُدِّيْمَا وَّاسِيْرًا ۚ اِنَّمَا نُطْعِمُكَ
 لِوَجْهِ اللّٰهِ لَا تُزِيْدُ مِنْكَ جَزَاءً وَلَا تَنْكُوْرُ ۚ اِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا
 يَوْمًا عَلَمًا اَوْ نَطْرًا ۚ فَوَقَّهْمُ اللّٰهُ فَتَرَدَّدَ الْبُؤْسُ وَلَقَبْنَاهُمْ نَقْصِرَةً
 وَنُسْرًا ۚ وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوْا اَجَةً وَحَرِيْرًا ۚ نَشْكِبْنَ فِيْهَا عَاۡ
 اِلَآءًا لِّكَ لَا يَرَوْنَ فِيْهَا ثَمَرًا وَلَا زَهْرًا ۚ وَدَاۡيِبَةً عَلَيْهِمْ
 ظِلَالُهَا وَذٰلِكَ فَطُوْرُهَا تَذٰلِيلًا ۚ وَيَطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَاتِهِ مِنْ

وای (برزندگی) و صدوای بر (مرگ) تو: ۴۴. پس وای بر پرخ و صدوای بر روز محشر تو: ۴۵. آیا آدمی پندارد که او را مهمل از تکلیف ثواب و عتاب گذارند: ۴۶. آیا در اول قطره آب منی نبود: ۴۷. و پس از نطفه خون بسته و آنگاه (باین صورت زیبا) آفریده و آراسته گردید: ۴۸. پس آنگاه از دوسف فروماده پدید آورد: ۴۹. آیا چنین خدای با قدرت و حکمت باز تواند پس از مرگش زنده گرداند: ۵۰.

سورة دهر دیدم دینه طیبه نازل شده و مشتمل بر ۳۹ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

آیا بر انسان روزگارانی نگذشت که چیزی لایق ذکر هیچ نبود: ۱. ما او را از آب نطفه مختلط خلق کردیم و دارای قوای چشم و گوش گردانیدیم: ۲. ما بحقیقت راه (حق و باطل) را با انسان نمودیم حالی خواهد داد ایت پذیرد و شکر این نعمت گوید و خواهد آن نعمت را کفران کند: ۳. ما برای کفر کافران غل و زنجیرها و آتش سوزان مهیا ساخته ایم: ۴. و نیکو کاران عالم (که در این آیه حضرت علی و فاطمه و حسین و شعیب و اجماع خاص و عامه مقصودند) در بهشت از شرابی نوشند که طبعش (در لطف و در نشو و نبوی) کافور است: ۵. از سر چشمه گوارائی آن بندگان خاص خدا مینوشند که با اختیارشان هر کجا خواهند جاری میشود: ۶. که آن بندگان نیکو به هد و نذر خود وفا می کنند و از قهر خدا در روزیکه شر و سختیش همه اهل محشر را فرا گیرد می ترسند: ۷. و هم بر دوستی (خدا) بنفیر و اسیر و طفل یتیم طعام می دهند: ۸. و (گویند) ما فقط برای رضای خدا شما طعام میدهم و از شما هیچ پاداش و سپاسی نمی طلبیم: ۹. ما از قهر (پروردگار خود پرویزیکه از رنج و سختی آن رخسار خلق دوم و غمگین است می ترسیم: ۱۰. خدا هم از شروقتنه آن روز آنان را محفوظ داشت و به آنها روی خندان و دلشادان عطا نمود: ۱۱. و پاداش آن صبر کامل (بر ایثار) شان باغ بهشت و لباس حریر بهشتی لطف فرمود: ۱۲. که در آن بهشت بر تختها تکیه زنند و آنجا نه آفتابی (سوزان) بینند و نه سرمای زمهریر (بلکه در هوای خوش و بافی دلکش تفرج کنند: ۱۳. و سایه درختان بهشتی بر سر آنها دمیوه هایش در دسترس و با اختیار آنهاست: ۱۴. و ساقیان زیبای حور و غلمان) با جامهای سیب و

فَضَّةٌ وَأَكْوَابٌ كَانَتْ قَوَارِيرًا ۝ قَوَارِيرٌ مِنْ فِضَّةٍ قَدَرُ مَا
تَقْدِيرٌ ۝ وَتَبَقُّونَ فِيهَا كَأَسَاكَانٍ مِنَ الْجَمَارِ تُفْخِشَلْنَ ۝ هَبْنَاهُنَّ فِيهَا
نُفْيًا سَلِيلًا ۝ وَبَطُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلِدَانٌ تَخْلَدُونَ ۝ إِذَا زُلْزِلَتْ
حَسْبُهُمْ لَوْلُؤٌ أَمْثُورٌ ۝ وَإِذَا رَأَيْتُمْ رِجَالًا نَعِيمًا وَمُلُكًا كَبِيرًا
۝ فَالْيَهُنَّ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوفٌ أُسَاوِرُ مِنْ
فِضَّةٍ وَسِقَمَاهُمْ رَهْمٌ شَرَابٌ طَهُورٌ ۝ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً
وَكَانَ سَعْيُكُمْ مُشْكُورًا ۝ فَاتَّخَذْنَا عَلَيْكَ الْفُرَانَ تَرْيِيلًا
فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَطِعْ مِنْهُمْ إِنَّمَا أَوْكُرُوا بِكَ لِتَذْكُرَ اسْمَ
رَبِّكَ بَكْرَةً وَأَصِيلًا ۝ وَمِنَ اللَّيْلِ فَانْجُدْ لَهُ وَسِيحَهُ لَيْلًا
طَوِيلًا ۝ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيُجْيئونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا
ثَقِيلًا ۝ مَن مَّنْ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَلْنَا
أَمْنًا لَّهُمْ تَبْدِيلًا ۝ إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ
سَبِيلًا ۝ وَمَا تَنَازَعْنَا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ ۝ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
حَكِيمًا ۝ يَدْخُلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْمَزَلَاتِ عُرْفًا ۝ فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا ۝ وَالنَّائِثَاتِ نَيْثًا ۝

کوزه‌های بلورین بر آنها دور زدند (۹۵) که آن بلورین کوزه‌ها (برنك) نقره‌خام و پادشاه از نو تناسب (اهلش) مقدر کرده‌اند (۹۶) و آنها شرابی که طبعش (چون) ذنجبیل گرم و عطر آگین است با آنها بنوشانند (۹۷) در آنجا چشمه‌ایست که سلسبیلش نامند (۹۸) و دور آن بهشتیان پسرانی زیبا که تا ابد نوجوانند و خوش‌سیمای به خدمت می‌گردند که در آنها چه بنگری گمان‌بری که لؤلؤ منشورند ۹۹ و چون آنها بگیا نیکو را مشاهده کنی عالمی پر نعمت و کثوری بی نهایت بزرگ خواهی یافت (۱۰۰) بر بالای بهشتیان لطیف دیای سبز و حریر مطهر است و بر دست‌پاشان دستینه نقره‌خام و خدا پادشاه شرابی پاک و گوارا بنوشاند ۱۰۱ این بهشت بدین نعمت و عظمت به حقیقت پادشاهی اعمال شامست و سیمتان (درزاه طاعت حق) مشکور و مقبول است ۱۰۲ ای رسول محققا ما این قرآن عظیم‌الشان را بر تو فرستادیم (۱۰۳) بشکرانه آن بر اطاعت حکم پروردگار مبرور و شکپا باش و هیچ از مردم بد کار کفر کیش اطاعت مکن ۱۰۴ و نام خدا را صبح و شام (بظلمت) یاد کن ۱۰۵ و شیرا بر خیز (در نماز) سجده خدا پرداز و شام دراز را به تسبیح و ستایش او صبح گردان ۱۰۶ این مردم کافر غافل همه دنیای تقدما جلا را دوست می‌دارند و آن روز (قیامت) سخت سنگین را بکلی از یاد می‌برند ۱۰۷ ما اینان را آفریدیم و محکم بنیان ساختیم و هر که بغواهی همه را فانی ساخته و مانند شان قوم دیگر خلق می‌کنیم (۱۰۸) این آیات پند و تذکر است تا هر که بخواهد راهی بسوی خدای خود پیش گیرد (۱۰۹) و آنها (یعنی اولیاء حق) چیزی جز آنچه خدا بخواهد نمی‌خواهند البته خدا باحوال خلق دانا و صلاح‌فندگان آگاهست (۱۱۰) خدا هر که را بخواهد در رحمت خود داخل گرداند و بر ای ستم‌گزاران عالم عذاب دردناک مهیا ساخته است (۱۱۱)

سوره هر سلات در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۲۴ آیه می‌باشد

بنام خدای بخشنده مهربان

قسم پرولانی که از پریم (بر خیر و سعادت خلق) فرستاده شدند (۱) قسم بفرشتگانی که بسرعت تندباد بانجام حکم حق می‌شایند (۲) قسم با آنکه (و حق و شرع الهی را در جهان) نیکو نشر می‌دهند (۳)

فَأَلْقَيْنَا فِي قُرْعَتِهِ الْعُقَيْبَ ذِكْرًا لِقَبَائِلِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَآوْنَدُوا إِنَّمَا
 نُوْعِدُونَ لَوَاقِعٌ ۚ فَأَذَّا النُّجُومَ طِبْطِيبًا ۚ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرْجَتْ ۚ
 وَإِذَا الْجِبَالُ سُفَّتْ ۚ وَإِذَا الرَّسُلُ أَقْبَتُ ۚ لَا يَخْلَى يَوْمَ الْاِخْلَافِ
 يَوْمَ الْفَصْلِ ۚ وَمَا أَذْرَبَكُمْ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۚ وَقِيلَ يَوْمَئِذٍ
 لِلْمُكَذِّبِينَ ۚ أَمْ خُلَايَا الْأَوَّلِينَ ۚ لَمْ يَلْبِسْهُمْ إِلَّا الْخِزْيَ ۚ كَذَلِكَ
 فَضَّلْنَا الْبَاجِرِينَ ۚ وَقِيلَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۚ لَمْ تَخْلَفْكُمُ مِنَ
 مَنَاءِ مِهْمِينَ ۚ تَجَعَلْنَا فِي قُرَارِ مَكِينٍ ۚ إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ ۚ فَجَعَلْنَا
 فِيهِمُ الْقَارِئُونَ ۚ وَقِيلَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۚ لَمْ تَجْعَلِ الْأَرْضَ
 لَكُمْ نَافَا ۚ أَحْبَاءَ وَأَمْوَالًا ۚ وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَاخِثَاتٍ وَ
 أَنْشَقْنَا كُرْمًا فَرَّانًا ۚ وَقِيلَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۚ اذْطَلِقُوا إِلَى
 مَا كُنْتُمْ بِهِ تَكْدِبُونَ ۚ اذْطَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ لَا
 ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ الْهَبِّ ۚ إِنَّمَا تَرَوْنَ بِأَشْرَارِكُمُ الْقَصِيرَ ۚ كَانَتْ
 جِبَالٌ صَفَرًا ۚ وَقِيلَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۚ هَذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُونَ
 ۚ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْنِدُونَ ۚ وَقِيلَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۚ
 هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۚ جَعَلْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ ۚ إِنْ كُنْتُمْ لَكُمْ كِبْدٌ
 فَكِيدُونِ ۚ وَقِيلَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۚ إِنْ الْمُنْفِقِينَ فِي ظِلَالٍ
 وَغُيُوبٍ ۚ وَقُولُوا لَهُمْ مَبِإٌ نَّهْنُونَ ۚ كَلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ عَيْنِنَا بَسًا

۴۳ و قسم یا ناکه ذکر (خدا و کتاب الهی) را با نیما و حی میکنند از آنجا و حجت نیکان و بیم و تهدید بدان شود. ۴۴. قسم بهمه اینان که آنچه بشما وعده دادند البته واقع خواهد شد. ۴۵. چو وقت و قتی که ستارگان همه بی نور و معی شوند از آسمان را بشکافند. ۴۶. و کوهها پراکنده شوند (۱۰) و برسلان وقت گواهی بر امتان را اعلام کنند (۱۱) برای چو وقت (وعده حق) معین شد (۱۲) برای روز قیامت همان روزیکه بین حق و باطل و سعید و شقی جدائی افتد. ۱۳ و تو چگونه توانی ظلمت و سختی آن روز جدائی را تصور کنی (۱۴) وای آن روز بحال منکران (خدا و قیامت) و مکذبان (کتاب و رسالت) (۱۵) آیا ما پیشینیان را (بکیفر کنز) هلاک نکردیم (۱۶) از پی آنان هم قومی دیگر را نیز هلاک میکنیم (۱۷) ما بدکاران عالم را همین گونه هلاک میسازیم (۱۸) وای آنروز بحال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۱۹) آیا ما شما آدمیان را از آب نطفه ببقدر بدین زیبایی نیافریدیم (۲۰) و آن نطفه را بقرارگاه رحم منتقل ساختیم (۲۱) تا مدتی معین معلوم (۲۲) و ما قندیر مدت رحم کردیم که نیکو مقتدر حکیمی هستیم (۲۳) وای آنروز بحال آنانکه آیات خدا را تکذیب کردند (۲۴) آیا ما زمین را جامع حوائج و کرم امر بشر قرار ندادیم (۲۵) تا زندگان روی زمین توش کنند و مردگان درونش پنهان شوند (۲۶) و در زمین کوههای بلند برافراشتیم و از ابر و باران بشما آب زلال گوارا نوبشانیدیم (۲۷) وای آنروز بحال آنانکه آیات خدا را تکذیب کردند (۲۸) خطاب رسد ای منکران شما امروز بسوی آندوزخی که تکذیب کردید بروید (۲۹) بروید زیر سایه دودهای آتش دوزخ که از سه جانب (شما را احاطه کنند) (۳۰) آنجا نه سایه خواهد بود و نه از شر آتش هیچ نجاتی دارند (۳۱) آن آتش هر ضرای بیفکند شعله اش مانند صری است (۳۲) گوئی آن شراره بشتان زد موی مانند است (۳۳) وای آنروز بحال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۳۴) این روزیست که کافران سختی نتوانند گفت (۳۵) و با آنها رخصت قدر خواهی نیز نخواهند داد (۳۶) وای آن روز بحال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۳۷) این روز فصل است که شمارا با همه درگذشتگان پیشین بر صدمه حشر جمع گردانیم (۳۸) پس اگر فکر و حیلی بر نجات خود توانید خیل کنید (۳۹) وای آنروز بحال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۴۰) آنروز سخت پشنگان با تقوی و پرهیز در سایه درختان بهشت و طرف نهرهای جاری منتهمند (۴۱) و از هر نوع موهما و مال باشند فراوان فراهم است (۴۲) به آنها خطاب ملفف شود که از هر طعام و شراب بخواهید بخورید و بیاشامید که شمارا گوارا باد پاداش اعمال نیکي

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ إِنَّا كَذَّبْنَا نَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۖ وَقِيلَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
 ۝ كُلُوا وَامْتَخُوا لِقَلِيلٍ إِنَّا كُمْ نَجْرُ مُونَ ۖ وَقِيلَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
 ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا تَرْكَعُونَ ۖ وَالْمُكَذِّبِينَ
 ۝ فَيَأْتِي حَدِيثٌ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ۝

وَالنَّبِيُّ يَكْفُرُ فِي رَبْعِ الْإِنشَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ۚ عَنِ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ ۚ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ۚ
 ۝ كَلَّا سَبْعُ مِائَاتٍ ۖ ثُمَّ كَلَّا سَبْعُ مِائَاتٍ ۖ أَلَمْ نجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا
 ۖ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ۖ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ۖ وَجَعَلْنَا قَوْمَكَ سِبْطًا
 ۖ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ۖ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ۖ وَبَنَيْنَا
 ۖ فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ۖ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ۖ وَأَنزَلْنَا مِنَ
 ۖ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۖ لِيُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ۖ وَجَنَّاتٍ لِّغَاءٍ
 ۖ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ۖ يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ
 ۖ أَفْوَاجًا ۖ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ ۖ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ۖ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ
 ۖ سَرَابًا ۖ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ۖ لِلظَّالِمِينَ مَأْبَأٌ ۖ لَا يُعِينُ
 ۖ فِيهَا أَصْحَابُهَا ۖ لَا يَدْعُونُ فِيهَا لِإِسْرَابٍ ۖ وَلَا لَشَرَابٍ ۖ وَلَا أُخْبِتَا
 ۖ عَنْهَا ۖ جَرَاءٌ وَفَاقًا ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا الْأَبْرَجُونَ ۖ فَحَابًا ۖ وَكَذَّبُوا

که در دنیا بجا آوردید (۴۳) ما البته نیکوکاران عالم را چنین پاداش میدهم (۴۴) وای آنروز بحال آنانکه آیات خدا را تکذیب کردند (۴۵) ای کاش شاهم بخورید و تمتع برید بمرگ کوتاه دنیا که شما بسیار مردم بدکاری هستید (۴۶) وای آنروز بحال آنانکه آیات خدا را تکذیب کردند (۴۷) و هرگاه به آنها گفته شد که نماز و طاعت خدا را بجای آرید اطاعت نکردند (۴۸) وای آنروز بحال آنانکه آیات خدا را تکذیب کردند (۴۹) شما پس از آیات خدا (که آنها را تکذیب کردید) باز بکدامین حدیث ایمان می آورید (۵۰)

سورة نباء در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۴۰ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

مردم از چه خبر مهمی پرسش و گفتگو می کنند (۱) از غیر بزرگ قیامت (۲) که در آن باهم بجدل و اختلاف کلمه برخاستند (چون پیغمبر بزول قرآن سخن از خدا و قیامت آغاز فرمود مؤمن و کافر بمجادله پرداختند این آیه نازل شد (۳) چنین نیست که منکران پنداشته اند بزودی خواهند دانست (۴) و البته بزودی آگاه میشوند (۵) آیا ما زمین را مهد آسایش خلق نکردانیدیم (۶) و کوهها را شاد و نگهبان آن نساختیم (۷) و شما را جفت (زن و مرد) آفریدیم (۸) و خواهرها را برای شما ما به قوام حیات و استراحت قرار دادیم (۹) و پرده سیاه شب را سائر (احوال خلق) گردانیدیم (۱۰) و روز روشن را برای تحصیل معاش آنان مقرر داشتیم (۱۱) و بر فراز آنها هفت آسمان محکم بنا کردیم (۱۲) و چراغی (چون خورشید) رخشان بر افروختیم (۱۳) و از فشار و تراکم ابرها باران فرو ریختیم (۱۴) تا بدان آب دانه و گیاه رویانیدیم (۱۵) و باغهای پر درخت پدید آوردیم (۱۶) همانا روز فصل (روز قیامت) وعده گاه خلق است (۱۷) آن روزی که در صور بدمند و فوج فوج بهمحشر درآیند (۱۸) و درهای آسمان ابواب مختلف گشوده شود (۱۹) و کوهها بماتند سراب گردد (۲۰) همانا دوزخ در انتظار بدکاران است (۲۱) آن دوزخ جایگاه مردم سرکش و شتمکار است (۲۲) که در آن قرنهای عذاب کشند (۲۳) هرگز در آنجا قطره آب سرد و شراب ظهور نیافتند (۲۴) مگر آبی پلید و سوزان که حمیم و فاسق جهنم است بآنها دهند (۲۵) که پاکیزه اصمال آنها موافق است (۲۶) زیرا آنها بسبب حقیقت امید روز حساب نداشتند (۲۷) و آیات ما را از فرط نادانی و

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُّ فِتْنَةٍ آخِضْنَا بِهَا ۖ وَالَّذِينَ قُوا أَفْلَحَ نَزِيدُكُمْ
 إِلَّا عَذَابًا ۚ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ۖ هَدَانًا وَاعْتَابًا ۚ وَكَوْاعِبَ
 أَثَرَابًا ۚ وَكَأْسًا دِهَانًا ۚ لَا يَتَمَعُونَ فِيهَا لُغُؤًا وَلَا كِتَابًا ۚ
 جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عِطَاءً جَسَابًا ۚ تَوَيَّتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَا
 بَيْنَهُمَا مِنَ الرِّحْمَنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ۚ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ
 الْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرِّحْمَنُ وَقَالَ
 صَوَابًا ۚ ذَلِكَ الْيَوْمُ الْخَاسِعُ ۚ مَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَنَابًا ۚ
 إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ كَرْدًا ۚ عَذَابًا قَرِيبًا ۚ يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ
 يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ۚ

سورة النازعات مكية مكي واربعة ايات

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالنَّازِعَاتِ غَرْاقًا ۚ وَالنَّاطِقَاتِ نَسْطًا ۚ هُوَ الشَّيْطَانِ
 سَبْحًا ۚ فَالْشَّيْطَانِ سَبْقًا ۚ هَالِدًا يَرَىٰ أَمْرًا ۚ يَوْمَ تَرْجُفُ
 الرَّاجِفَةُ ۚ تَتَّبِعُنَّهَا الرَّاكِبَةُ ۚ فَتَقْلُبُ ۚ يَوْمَ تَوَسَّدُ الْوَاجِفَةُ ۚ
 أَبْصَارُهُمْ تَخِيفَةً ۚ يَقُولُونَ ۚ إِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ۚ
 ۚ وَإِذَا كُنَّا عِظَامًا تَخِرَّةً ۚ فَالْوَالِئِكَ إِذَا كُنَّا خَايِرَةً ۚ هَاهُنَا
 فِي زَجْرَةٍ وَاحِدَةٍ ۚ فَتَأْتَاهُمْ يَالُثَامَةً ۚ هَلْ لَكَ حَدِيثٌ

جهالت سخت تکذیب کردند. ۳۸. و حال آنکه حساب هر چیز را ما در کتابی باحساء و شماره رقم کرده ایم. ۳۹. پس بپسید که هرگز بر شما چیزی جز رنج و عذاب دوزخ نیفزائیم. (۴۰) متقیان را در آن جهان مقام گشایش و هر گونه آسایش است. ۴۱. باغها و تاکستانهاست. ۴۲. و دختران که همه در خوبی و جوانی مانند یکدیگرند. ۴۳. و جامهای پر از شراب ظهور. ۴۴. هرگز سخن بیبوده و دروغ نغشوند. ۴۵. این مژدی بطلاء و حساب پروردگار تست. ۴۶. خدا ای که آسمانها و زمین و همه مخلوقاتیکه در بین آسمان و زمین است بیافریده خدائی مهربانست که در عین مهربانی کسی از قهر و سطوتش با او بگفتگو لب نتواند گشود. ۴۷. روزی که آن فرشته بزرگ روح القدس با همه فرشتگان صف زده و بنظم برخیزند و هیچکس سخن نگوید جز آن کسی که خدای مهربان بانی اذن دهد و او بسواب گوید. ۴۸. چنین روز حتمی و محقق خواهد بود پس هر که میخواهد نزد خدای خود (در آن روز) مقام و منزلتی یابد. ۴۹. ما شما را از روز عذاب که نزدیکست ترسانده و آگاه ساختیم روزی که هر کس که هر چه (از نیک و بد کرده در) پیش روی خود حاضر بیند و کافر در آن روز آرزو کند که ای کاش خاک بود (تا چنین باتش کفر نمی سوخت). ۵۰.

سورة النازعات در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۴۶ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

قسم بفرشتگانی که جان کافران را بسختی بگیرند. ۱. و قسم بفرشتگانی که جان اهل ایمان با آسایش و نشاط ببرند. ۲. قسم بفرشتگانی که با کمال (فرمان حقا انجام دهند). ۳. قسم بفرشتگانی که در قلم عالم (از هم پیشی جسته) بر هم سبقت گیرند. ۴. قسم بفرشتگانی که بفرمان حق بتدبیر نظام خلق می کوشند (که قیامتی و حشری خواهد آمد). ۵. بروزی که (نفخة صورالهی) جهانرا پلرزاند. ۶. و نفخة صور دیگر از پی آن درآید. ۷. در آن روز سخت دلها هراسان شود. ۸. مردم از ترس چشمها بریز افکنند. ۹. (مردم قافل دنیا) گویند آیا ما پس از مرگ باز زندگانی دیگر خواهیم یافت. ۱۰. چگونه چون مردیم و استغوثان ما پوسیده زنده خواهیم شد. ۱۱. و گویند (در این صورت که دیگر بار زنده شویم پس زیانکار خواهیم بود. ۱۲. انجریك صدای مهیب نغشوند. ۱۳) و بدان سدا ناگاه همه از خاک برشوند و بسحرائ قیامت رهسپار گردند. ۱۴. آیا خبر موسی

مُوسَى إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۖ إِذْ هَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
 إِنَّهُ طَغَىٰ ۖ فَقَالَ مَهْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَتَّكِبَ ۖ وَأَمَّا بِكَ إِلَىٰ
 رَبِّكَ فَقُتِلَ ۖ فَاذْكُرِ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ ۖ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ۖ ثُمَّ
 أَذْبَحْ بِنُحْيٍ مُّشْرَفًا ۖ فَقَالَ إِنَّا نُرِيكَ الْآلَةَ الْأَعْلَىٰ ۖ فَلَمَّا خُذَ
 اللَّهُ تَكَاالْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ۖ إِنَّ فِي لِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَىٰ
 ۚ أَنْتُمْ أَشَدُّ حُلُوفًا أَمَّا السَّمَاءُ بَيْنَهُمَا ۖ رَفَعَ سَمُكَهَا فَتَسْتَوِيهَا ۖ
 وَأَغْطَسَ لِبَاسَهَا وَأَخْرَجَ ضُجُجَهَا ۖ وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ جُنُهَا ۖ
 ۚ أَخْرَجَ مِنْهَا مَائِيهَا وَمَرْجِيهَا ۖ وَالْجِبَالُ أَرْسَبَهَا ۖ مَنَاعَا الْكِبْرَىٰ
 وَلِأَنْعَامِكُمْ ۖ كَذَآجَاءُ لِّلْظِلْمَةِ الْكُبْرَىٰ ۖ يَوْمَ يَنْدُرُ الْأَنْبِيَا
 مَا سَمِعُوا ۖ وَرَبُّ الْإِحْمِ لَمْ يَرَىٰ قَامَا مِنْ طَغَىٰ ۖ وَاتْرَ الْهُوَالِدَا
 ۖ قَانَ الْإِحْمِ إِلَى الْمَاوَىٰ ۖ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنُحِيَ الْفُسْرَ
 عَنِ الْهُوَىٰ ۖ قَانَ الْبِحْتَةِ إِلَى الْمَاوَىٰ ۖ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ
 أَيَّانَ تُسْرِبُهُمَا ۖ قِيمَ أَنْتُمْ يَوْمَ دُرَيْهَا ۖ إِلَى رَبِّكَ مَشْتَبَهُمَا ۖ إِنَّمَا
 أَنْتُمْ مَعْدُومُونَ ۖ يَحْشَرُهُمَا ۖ كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْهَا لَمْ يَلْسُوا إِلَّا حَشِيَّةَ وَجْهِهَا
 ۖ قِيَاسُ كِبَرٍ وَحِي ۖ نَاسَانِ ۖ وَارْبَعُونَ أَيْتَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 عِيسَى وَتَوَلَّى ۖ أَنْ جَاءَهُ الْأَحْشَىٰ ۖ وَمَا يُذْرِيكَ لَعَلَّكَ

عمران بنورسیده (۹۵) آنگاه که خدا او را در وادی مقدس طوی ندا کرد (۹۶) که (برای هدایت و اتمام حجت) بسوی فرعون برو که اوسخت پناه طغیان رفته است (۹۷) پس (با مهربانی) بگو میل داری که (از پلیدی شرک پاکیزه شوی (۹۸) و ترا پناه خدایت هدایت کنیم تا بدرگاه عظمت و قدرت او خاشع و فروتن شوی. ۹۹: پس (موسی) آیت و معجزه بزرگ بر او نمود (۴۰) فرعون تکذیب و نافرمانی کرد (۴۱) از آن پس که معجزات موسی دید باز روی از حق بگردانید و بجهد و کوشش برخاست (۴۲) پس با رجال بزرگ دوبار خود انجمن کرد (۴۳) (از فرور و تکبر گفت) منم خدای بزرگ شما (۴۴) بخدا هم در این فرور و سرکشی او را بقتاب دنیا و آخرت گرفتار کرد (۴۵) تا بهلاکت او اهل معرفت عبرت گیرند (۴۶) آها بنای شما آدمیان استوار تر است یا بنای آسمان بلند (۴۷) که سقنی پس بلند ستون و استوار ساخت (۴۸) و شامش را تیره ساخت و روزش را روشن گردانید (۴۹) و زمین را پس از آن بگسترانید (۳۰) و در آن آب و گیاه پدید آورد (۳۱) و کوهها را عباد آن ساخت (۳۲) (تا از آن آب و گیاه) قوت شما و چهارپایان را بیاورد (۳۳) پس چون آن واقعه بزرگ پدید آمد (۳۴) روزیست که آدمی هر چه کرده بیاد آورد (۳۵) و دوزخ برای پیندگان آشکار شود (۳۶) پس هر کس از حکم خدا سرکش و طغایی شد (۳۷) و زندگی دنیا را برگزید (۳۸) دوزخ جایگاه اوست (۳۹) و هر کس از حضور در پیشگاه عز و ربوبیت بترسید و از هوای نفس دوری جست (۴۰) همانا بهشت منزلگاه اوست (۴۱) (ای رسول ما) از تو سوال کنند که قیامت کی برپا شود (۴۲) تو را چکار است دیگر که از آن بیاد آوری (چون بسیار یاد آور شدی و از تونه پذیرفتند) (۴۳) کار آن ساعت بخدا منتهی شود (۴۴) تو را جز این نباشد که اهل ایمان را هر کس از یاد آن روز هراسان میشود به احوال آن روز آگاه سازی (۴۵) چون آن روز بر مردم پدیدار شود گوئی همه مرد نیاشی تا صبح یا روزی تا شام پیش نبوده است

سورة عیسی در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۳ آیه میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

(چرا) عیسی و ترش و دگفت (۹۱) چون آن مرد نابینا حدودش آمد (۴)

و توجه میدانی ممکنست او مردی

بِرَّكَى ۖ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرُ ۚ إِنَّمَا مَنِ اسْتَغْنَىٰ فَإِنَّمَا
 لَهُ تَصَدَّقَ ۖ وَمَا عَلَيْكَ الْإِبْرَءُ ۚ وَإِنَّمَا مَنِ جَاءَكَ يُسَبِّحُ
 وَهُوَ بِشَيْءٍ فَإِنَّمَا عَنْهُ تَلْفَافٌ ۚ كَلَّا إِنَّمَا تَذَكَّرُ ۚ فَمَنْ شَاءَ
 ذَكَرْ ۚ فِي ضَخِيفٍ مَّكَرَ مَكْرُهُ ۚ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۚ بِأَيْدِي نَفَرٍ
 كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۚ قِيلَ لِلْإِنْسَانِ مَا أَكْفَرَهُ ۚ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ
 مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ۚ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسِّرُهُ ۚ ثُمَّ أَمَانَةً
 فَافْتَرَّهُ ۚ ثُمَّ إِذَا نَسَاءَ أَنْشَرَهُ ۚ كَلَّا لَمَّا يُفْضِ مَا أَمَرَهُ ۚ فَلْيَنْظُرِ
 الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ ۚ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ۚ ثُمَّ شَقَقْنَا
 الْأَرْضَ شَقًّا ۚ فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ۚ وَعَبَبْنَا وَقَضْبًا ۚ وَزَيْنُونًا
 نَخْلًا ۚ وَحَدَّاقًا غُلًّا ۚ وَفَالِكَةً وَأَبْكَ شَاَعًا لَّكْرًا ۚ وَلَا تَنْسَاكَ
 فَإِذَا جَاءْنَا الضَّحَاةُ ۚ يَوْمَ يَبْعَثُ الرَّبُّ مِنْ آجِلِهِ ۚ تَوَاتَيْدَهُ وَأَبْيَهُ
 وَصَاحِبِيهِ وَبَنِيهِ ۚ لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ۚ
 وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ۚ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ۚ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ
 عَلَيْهَا غَمَرَةٌ ۚ تَرْمَقُهَا قَفَرَةٌ ۚ أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ ۚ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ۖ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ۖ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ

پارسا و پاکیزه صفات باشد (۳) یا بیاد خدا آید و ذکر حق او را سودمند
 افتد (۴) اما آنکه دارا است (۵) چرا تو ایرمول پاو توجه کنی (۶)
 در صورتی که اگر او از کفرش بایمان و پارسائی نبردازد بر تو تکلیفی
 نیست (۷) اما آن کسی که پسوی تو می شتابد (۸) و او مرد خدا ترس و با
 تقوائی است (۹) تو از توجه پاو خودداری می کنی (۱۰) این روانست
 که آیات حق برای پند و تذکر است (۱۱) تا هر که بخواهد پند گیرد
 (۱۲) آیات الهی در صفحات مکرّم نگاشته است (۱۳) که آن صفحات بنی
 بلند مرتبه و پاک و منزه است (۱۴) (سپرده) بدست سفیران حق (۱۵) که
 ملائکه مقرب عالمیّته با حسن و کرامتند (۱۶) ای کشته باد اسیان
 (بی ایمان) چرا تا این حد کفر و عناد می ورزد (۱۷) از چه چیز خلق
 شده است (۱۸) از آب نطفه خدا بدین (صورت) خلقش فرمود (۱۹) سپهر راه
 (کمال) را بر او سهل و آسان گردانید (۲۰) آنگاه (بوقت معین) او را بپیرانند
 و بپاک سپرد (۲۱) و سپس هر وقت خواهد یا زور از قبر برانگیزد (۲۲) چنین
 نیست بفر کافر آنچه خدا امر کرد بپایان آورد (۲۳) آدمی بقوت و غذای
 خود به چشم خرد بشکرد (۲۴) که ما آب باران را فرو ریختیم (۲۵) آنگاه
 خاک زمین بشکافتیم (۲۶) و حبوبات برای غذا بر رویا نهیدیم (۲۷) و باغ انگور
 و نباتاتی که می بدروند باز بروید (۲۸) و درخت زیتون و نخل غرما
 (۲۹) و باغها و جنگلهای پر از درختان کهن (۳۰) و انواع میوه های
 (خوش) و علفها و مرتمها (۳۱) تا شما آدمیان و حیوانات شما از آن بهره مند
 شوید (۳۲) آنگاه که آن صدای بلند (و ندای خلق) بگوش همه خلق برسد
 (۳۳) آن روز که هر کسی از برادرش میگریزد (۳۴) و از مادر و پدرش (۳۵)
 و زن و فرزندی هم میگریزد (۳۶) و آن روز هر کسی چنان گرفتاریان و
 کار خود است که بهیچکس نتواند پرداخت (۳۷) آن روز طایفه ای
 رخصتشان فروزان است (۳۸) و خندان و شادمانند (۳۹) و رخصت و غمناک و غمناک
 گردانود است (۴۰) و بر رویان خاک نشستند (۴۱) آنها کافران و بدکاران
 عالمند (۴۲)

سوره تکوید در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۳ آیه میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

(ای رسول ما یاد آر) هنگامی که آفتاب تابان تاریک شود (۱) و ستارگان
 آسمان تیره شوند (و فرو ریزند) (۲) و کوهها بر فراز آیند (۳)

وَإِذَا الْعِشَاءُ تُغْطِيكَ ۖ وَإِذَا الْوُجُوهٌ خُشِرَتْ ۖ وَإِذَا الْبُحَارُ
 تُبْجِرَتْ ۖ وَإِذَا الثُّغُورُ دُجِبَتْ ۖ وَإِذَا الْمَوُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ
 ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۖ وَإِذَا الصُّفُوفُ نُشِرَتْ ۖ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ۖ وَ
 إِذَا الْجِبَاهُ سُعِرَتْ ۖ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُنْزِلَتْ ۖ عَلَيْهِمْ نَفْسٌ مَّا أَخْذَتْ
 ۖ فَلَا أُفٍّ لَهُمْ بِأَخَذَتْهُ الْجَوَارِ الْكَثِيرَ ۖ وَاللَّيْلُ إِذَا عَسَسَ ۖ وَالصُّبْحُ
 إِذَا انْفَسَ ۖ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۖ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ
 مَكِينٍ ۖ مُطَاعٌ ثَوَّابٍ ۖ وَمَا سَاجِدٌ بِمُجْبُونٍ ۖ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ
 الْمُبِينِ ۖ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۖ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ
 رَجِيمٍ ۖ فَأَبْنِ تَذَهَّبُونَ ۖ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۖ لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ
 أَنْ يَسْمِعَهُ ۖ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۖ

سُورَةُ الْأَنْعَامِ مَكِّيَّةٌ فِي ثَمَانٍ وَعِشْرِينَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ۖ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ۖ وَإِذَا الْبُحَارُ
 تُبْجِرَتْ ۖ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ۖ عَلَيْهِمْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ۖ
 يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَمِلْتَ لِذِي الْكَرْبِيِّ الَّذِي خَلَقَكَ
 فَتَوَلَّى فَعَدَدَكَ ۖ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَجَّلَكَ ۖ كَلَّا بَلْ
 أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ كَايِمٌ ۖ وَإِنَّ عَلَيْكَ لِحَافِظِينَ ۖ كِرَامًا كَانِيعِينَ ۖ

و شتران عمار بکلی رها کنند و بدور افکنند ۴. و هنگامی که وحوش
بمرصه قیامت محصور شوند ۵. و هنگامیکه دریاها شله‌ور گردند
و هنگامی که نفوس خلق همه با همجنس خود در پیوندند ۶. و هنگامیکه
از دختران زنده پنگور شده باز پرسند ۸. که آن بیگناهان راشا بچه
جرم و گناه کشفید ۹. و هنگامی که نامه‌ی اصالح خلق گشوده شود ۱۰. و
هنگامی که آسمان را از جای برگرداند ۱۱. و هنگامی که آتش دوزخ را
سخت بیفزوند ۱۲. و هنگامیکه بهشت را باهلش نزدیک سازند ۱۳.
در آن هنگام هر نفسی آنجا هر آنچه بر خود حاضر کرده همه را بداند
۱۴. چنین نیست قسم یاد میکنم ستارگان باز گردنده ۱۵. که برگردش
آیند و در مکان خود ریخ پنهان کنند ۱۶. قسم بپش تار هنگامی که روی
(جهان را) تار یک گرداند ۱۷. و قسم بصیحروشن و قتیکه دم زند ۱۸. که
همانا قرآن کلام رسول بزرگوار حق است ۱۹. که فرشته با قوت و قدرت
و نزد خدای مقتدر عرش با جاه و منزلت است ۲۰. و فرمانده فرشتگان و
امین وحی خداست ۲۱. رسول عرشها هرگز دیوانه نیست ۲۲. و او
امین وحی جبرئیل را در افق اعلای مشرق درست مشاهده کرد ۲۳.
و این رسول شا بروحی از عالم غیب بطل نمی‌ورزد ۲۴. و ثران او
هرگز کلام شیطان نبردود نیست ۲۵. پس شکاکلام حق دارا کردیم کجا پیرو
قرآن عظیم جز پند و نصیحت اهل عالم هیچ نیست ۲۷. تا هر که از شما
پندگان بخواهد راه راست پیش گیرد ۲۸. و شما کافران راه حق را
نمی‌خواهید مگر خدای آفریننده عالم بخواهد ۲۹.

سوره انفطار در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۱۹ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

(ای رسول ما یاد کن روز قیامت را) هنگامیکه آسمان شکافته شود (۱)
و هنگامیکه ستارگان آسمان فرو ریزند (۲) و هنگامیکه آب دریاها
یوان گردد (۳) و هنگامی که خلائق از قبرها برانگیخته شوند (۴) آن
هنگام است که هر شخصی بهر چه مقدم و مؤخر انجام داده همه را بداند
(۵) ای انسان چه باعث شد که بپندای کریم بزرگوار خود مغرور گشتی
(۶) آن خدائی که تورا از عدم بوجود آورد بصورتی تمام و کامل بیاراست
و باقتدال برگزید (۷) و حال آنکه بهر صورتی که خواستی خلق توانستی
کرد (۸) چنین نیست بلکه شما روز جزا را تکذیب می‌کنید (۹) البته
نکبها نها بر مراقبت احوال و اعمال شما مأمورند (۱۰) که آنها نویسنده گان
اعمال شما و فرشته مقرب خداوند (۱۱)

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ۚ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۚ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ۚ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ۚ وَمَا لَهُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ۚ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ۚ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ۚ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا ۚ وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

سورة المطففين مكية ١٢ آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ ۚ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ لَا يَسْتَوْفُونَ ۚ وَإِذَا كَالُوا لَهُمْ أَوْ دَرَسُوا لَهُمْ خَسِرُونَ ۚ أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ۚ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۚ كَلَّا ۚ إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي جَحِيمٍ ۚ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَجْعَلُونَ ۚ كِتَابُ مَرْفُوعٍ ۚ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۚ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ يَوْمَ الدِّينِ ۚ وَمَا يَكْتُمُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ۚ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۚ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۚ كَلَّا ۚ إِنَّمَا عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخْبَرٌ ۚ ثُمَّ لَأَنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ۚ ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْتُمُونَ ۚ كَلَّا ۚ إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ۚ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ۚ كِتَابٌ مَرْفُوعٌ ۚ يَتْلُوهُ الْمُرْسَلُونَ ۚ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۚ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۚ

شما هر چه کنید همه را میدانم (۱۴) نیکوکاران عالم در بهشت پر نمند
 (۱۴) و بدکاران در آتش دوزخ معذبند (۱۴) روز جزا بآن دوزخ در
 افتند (۱۵) و هیچ از آن آتش دور نتواند بود (۱۶) و تو چگونه برو جزا
 (ای بشر امروز) آگاه توانی شط (۱۷) باز هم ظلمت آن دوزخ جزا را چگونه
 توانی دانست (۱۸) آن روز هیچ کس برای کسی قادر بر هیچ کار نیست و
 تنها حکم و فرمان در آن روز با خداست (۱۹)

سوره معقین در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۳۹ آیه می باشد

بنام خدای بخشنده مهربان

وای بحال کم فروشان (۱) آنان که چون بکیل چیزی از مردم بستانند تمام
 بستانند (۲) و چون چیزی بدهند در کیل و وزن بمردم کم دهند (۳)
 آیا آنها نمیدانند (روزی برای مجازات) برانگیخته میشوند (۴) که آن
 بسیار روز بزرگ است (۵) روزیست که مردم در حضور پروردگار عالم
 می ایستند (۶) چنین نیست البته روز قیامت بدکاران با نامه عمل سیاهشان
 در عذاب سنجند (۷) و چگونه بحقیقت سجن آگاه توانی شد (۸) کتابیست
 (که بقلم حق) نوشته شده (۹) وای بحال منکران (فرآن) (۱۰) آنان که
 روز جزا را تکذیب میکنند (۱۱) در صورتیکه آن روز را کسی تکذیب نمیکند
 مگر ظالمان و بدکاران عالم (۱۲) که بر آنها چون آیات مالتاوت شود گویند
 این سخنان افسانه پوینیان است (۱۳) چنین نیست بلکه ظلمت ظلم و بدکاری
 هاشان بردل های آنها غلبه کرده است (۱۴) چنین نیست که می پندارند بلکه
 آنها از معرفت پروردگارشان محجوب و محرومند (۱۵) سپس (روزی)
 آنها را با آتش دوزخ درافتند (۱۶) و با آنان گویند از همان دوزخی است که
 تکذیب آن می کردید (۱۷) چنین نیست که شما کافران پنداشتید (امروز)
 نیکوکاران عالم با نامه اعمالشان در بهشت علین روند (۱۸) و چگونه بحقیقت
 علین آگاه توانی شد (۱۹) کتابیست نوشته شده (۲۰) و مقرران درگاه حق
 مشاهده آن مقام نالاشوند (۲۱) محققا نیکوکاران در بهشت ابد مقیمند
 (۲۲) آنها بر تخت های عزت (تکیده زنده و) نعمت های خدا را بنگرند (۲۳)

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ۚ يُسْقُونَ مِنْ رَاحِيٍّ مُخْمَرًا حَلَالًا ۚ
 مِنْكَ ۚ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ۚ وَمِمَّا جَاءُ مِنْ نَبِيِّنَا
 عَمَّنَا يُشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ۚ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنْ الَّذِينَ
 آمَنُوا يَضْحَكُونَ ۚ وَإِذَا مَرَّ بِهِمْ فَتُحَامَتُونَ ۚ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَى
 أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ۚ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُونَ ۚ
 وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ خَاضِعِينَ ۚ قَالُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْ الْكُفَّارِ
 ضَعُفُونَ ۚ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۚ هَلْ ثَبَرَتِ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
 ﴿سورة الأنشاق مكية في خمس وعشرين آية﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ۚ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُفَّتْ ۚ وَإِذَا الْأَرْضُ
 مُدَّتْ ۚ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ۚ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُفَّتْ ۚ يَا أَيُّهَا
 الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدًّا قَلِيلًا ۖ فَمِمَّا مَنَ أُوتِيَ
 كِتَابَهُ يَهْبِئُ ۚ قُوفٌ بِحَاسِبٍ جَابِئٍ ۚ وَبَنَقِلُ إِلَىٰ
 أَهْلِهِ مَسْرُورٌ ۚ وَمِمَّا مَنَ أُوتِيَ كِتَابُهُ وَرَأَىٰ ظَهْرَهُ ۚ قُوفٌ
 يَدْعُو ثُبُورًا ۚ وَيَصْلِي سَعِيرًا ۚ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۚ
 إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ۚ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ۚ فَلَا أُفِيهِ
 بِالشَّقِيِّ ۚ وَاللَّهِلَّ وَمَا وَسَّوْ ۚ وَالْقَسِيرَ إِذَا انْتَقَىٰ ۚ لَمْ يَكُنْ

و در رخسارشان نشاط و شادمانی نیم بهشتی پدیدار است ۴۴ و (ساقیان حور و فلان) به آنها شراب ناب سر بهر پنبو خاندند ۴۵ که بیشک مهر کرده اند و عاقلان بر این نعمت و شادمانی ابدی باید بشوق و رغبت بکوشند ۴۶ تر کبب طبع آن شراب ناب از عالم بالاست ۴۷ سرچشمه ای که مهربان خدا از آن بنوشند ۴۸ همانا (اگر امروز) بدکاران بر اهل ایمان میخندند (و مسخره میکنند) ۴۹ و چون بآنها بگذرد بچشم طعن و استهزاء بنگرند ۵۰ و چون از حضور محفل مؤمنان آن بدکار مردم بسوی کسان خود باز گردند بسخن مزاح و فکاهی با هم تفریح میکنند ۵۱ و چون مؤمنان را ببینند گویند اینان به حقیقت مردم گمراه هستند ۵۲ در صورتیکه ما آن بندگان را موکل کار و بکامان اعمال مؤمنان نگردانیدیم ۵۳ پس امروز اهل ایمان بکفار میخندند ۵۴ و بر تختهای عزت تکیه زده ۵۵ آیا پاداشی که (در آخرت) به کافران میدهند جز نتیجه افعال زشتی است که در دنیا کردند (۵۶)

سوره انشقاق در مکه معظمه نازل شد و مشتمل بر ۲۵ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

(ای رسول بیاد آر) هنگامی که آسمان شکافته شود ۱ و فرمان حق گوش فرا دارد و البته آسمان مخلوق خداست سزد که فرمان او پذیرد ۲ و هنگامی که زمین وسیع و منبسط شود و پستی و بلندبهای آن هموار گردد ۳ و هر چه در درون دل پنهان داشته همه را بکلی بیرون افکند ۴ و فرمان خدا گوش فرا دهد و البته که زمین مخلوق حقست سزد که فرمان او پذیرد ۵ ای انسان البته با هر رنج و مشقت در راه طاعت و عبادت حق بکوشی عاقبت حضور پروردگار خود میروی (و بمرگ) نائل بملاقات او میشوی ۶ پس هر کس را در آن روز نامه اعمال بدست زاست دهند (۷) آنکس بسیار حسابش آسان کنند و او بسوی کسان و خویشان سر و زو شادمان خواهد رفت ۸ و اما آنکس که مامور اعمالش از پشت سر دهند (۹) او برب هلاک خود آه و فریاد حسرت بسیار کند ۱۰ و بآتش سوزان دوزخ در افتد ۱۱ که او میان کسانیش بسیار (مفرود) و مشرور بود ۱۲ و گمان کرد که ابدی (بسوی خدا) باز نخواهد گشت ۱۳ بلی خدا باحوال و اعمال او کاملاً آگاهست ۱۴ چنین نیست (که خدا از فعل مخلوقش آگاه نباشد) قسم بشفق و روشنی اول غروب (هنگام نماز مغرب) ۱۵ قسم بشب (تار) و آنچه در او گرد آمده ۱۶ و قسم بماه (تابان) هنگامی که تمام فروزان شود ۱۷ قسم باین امور

طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ۝ قَالَاهُمْ لَا بُؤْمِيُونَ ۝ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ۝ كَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِكَذِبُونَ ۝ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ۝
فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ
غَيْرُ الْمُنْجَرِ ۝ سُبْحَانَ الرَّوحِ الْمَكِينِ ۝ هِيَ ثِنْدَانٌ شَجُورَانِ ۝ ثَمُونٌ ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ۝ وَالْأَرْضِ الْمَوْعُودِ ۝ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ۝
فِيلِ أَصْحَابِ الْأُخْدُودِ ۝ الثَّانِي ذَاتِ الْوُقُودِ ۝ ذُكِّرُوا عَلَيْهِمُ الْقُودُ
وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ۝ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا
أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤَنِّفَاتِ
فَمَا يَتَّبِعُوا أَقْلَاهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
ذَلِكَ الْقَوْصُ الْكَبِيرُ ۝ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ۝ إِنَّهُ هُوَ
يُبْدِي وَيُخْفِي ۝ وَهُوَ الْغَفُورُ الْودُودُ ۝ وَهُوَ الْعَرْشُ الْمَجِيدُ ۝
فَقَالَ يَا بَرِيدُ ۝ هَلْ أَتَيْتَ حَدِيثَ الْجَوْدِ ۝ فَمَرْغُورٌ وَغَمُورٌ ۝
بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ۝ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ۝ بَلِ هُوَ
خَمْرَانٌ مَجِيدٌ ۝ هِيَ لَوْجٌ مُخَفًوَةٌ ۝

که شما احوال گوناگون و حوادث رنگارنگ (از نخستین خلقت تا مرگ و
برخ و ورود بهشت و دوزخ خواهید یافت (که همه بامر خداست) (۱۹)
پی کافران از چه رو بعدا ایمان نمی آورند (۲۰) و چرا چون بر آنان
آیات قرآن تلاوت شد سجده حق نمیکنند (۲۱) بلکه آن مردم کافر
(قرآن) خدا را تکذیب می کنند (۲۲) و خدا به آنچه در دل پنهان می
دارند دانایتر است (۲۳) ای رسول! آنها را به عذاب دردناک (دوزخ) بشارت
ده (۲۴) مگر آنانکه ایمان آرند و نیکوکار شوند که آنها را اجری
بی منت و ثوابی بی نهایت خواهد بود (۲۵)

سورة بروج در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۲ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

قسم به آسمان که دارای کاخهای با عظمت است (۱) و قسم بروز موجود (۲)
و قسم بشاهد عالم پیمبر خاتم و بشهود او قیامت (و امت) (۳) قسم
باینان که اصحاب اخدود همه گفته و ثابت بود شدند (۴) همان مردم ظالمی
که آتش سختی بجان خلق بر افروختند (۵) که (بیرحمانه) بر کنار
آن خندقهای آتش بنشستند (۶) و سوختن مؤمنانی که به آتش افکندند
مشاهده میکردند (۷) و با آن مؤمنان که سوختند هیچ عداوتی نداشتند
(و جریمی نداشتند) جز آنکه آنان بعد از مقتدر ستوده صفات ایمان
آورده بودند (۸) آن خدایی که مالک زمین و آسمانهاست و بر هر چه در
عالم است (علم ازل) گواهیست (۹) آنان که (چون اصحاب اخدود)
مردان و زنان با ایمان را به آتش فتنه و عذاب سوختند بر آنها عذاب
جهنم و آتش سوزان دوزخ مهیاست (۱۰) آنانکه بعدا ایمان آورده و
نیکوکار شدند بر آنها البته در بهشت باغهاست که دیر درختانش نهرها
جاریست این بهشت ابد بحقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است (۱۱)
مواخذه و انتقام خدا بسیار سخت است (۱۲) او بحقیقت نعمت خلق را
آفریند و باز بر سر قیامت برگرداند (۱۳) و هم او بسیار آمرزنده و
مهربانست و خداوند مرشاقدر و عزت است (۱۴) و هر چه بخواهد آنرا
در کمال و قدرت و اختیار انجام دهد (۱۵) ای رسول! یا احوال لشکرهای (شاهان
گفته) بر تو حکایت شده است (۱۶) و اسنان فرعون و قوم ثمود (۱۷) بلی آنان
که کافرانند و تکذیب (قرآن) که بزرگترین کتاب آسمانی است میپردازند (۱۸)
و خدا بر همه احوال و افعالشان محیط است (۱۹) بلکه این کتاب قرآن
بزرگوار الهی است (۲۰) که در لوح محفوظ حق (و صفحه علم ازل) (۲۱)

نگاشته است (۲۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءَ وَالْطَّارِقَ ① وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ② لَنَجْمُ النَّاقِظِ
 ③ مِن كُلِّ نَفْسٍ لَنَا عَلَيْهَا حَافِظٌ ④ فَلَنَنْظُرَ الْإِنْسَانُ مِنْ مِمَّ خُلِقَ ⑤
 خَلِيقٌ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ ⑥ يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ التَّرَائِبِ ⑦ إِنَّهُ عَلَى
 رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ⑧ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ⑨ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ⑩
 وَالسَّمَاءَ ذَاتِ الرَّجْعِ ⑪ وَالْأَرْضَ ذَاتِ الصَّدْعِ ⑫ إِنَّهُ لَقَوْلٌ
 فَصْلٌ ⑬ هُوَ مَا هُوَ لَمْ يَزَلْ ⑭ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ⑮ وَكَانَ يُكِيدُ
 قَوْمُ الْكَافِرِينَ ⑯ أَهْمِلْهُمْ وَوَيْدًا ⑰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ① الَّذِي خَلَقَ قَتَوِي ② وَالَّذِي قَدَّرَ قَدَرِي ③
 وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ④ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ⑤ سُبِّحْ لَكَ فَلَا تُنْفَى
 إِلَّا مَا نَشَاءُ اللَّهُ ⑥ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْدَ وَمَا لِيُخْفَى ⑦ وَتُبَيِّنْ لَكَ لِلْبَشَرِ ⑧
 فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعِيَ لِدِكْرِي ⑨ سِدَّةٌ كَرَمٌ يَخْفَى ⑩ وَيُبَيِّنُهَا الْإِنْفَى ⑪
 الَّذِي يَضِلُّ النَّارَ وَالْكَرْبَى ⑫ لَمْ يَلَمْ يَمُوتْ فِيهَا وَلَا يَهْفَى ⑬ قَدْ
 أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ⑭ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ⑮ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَبْوَةَ اللَّهُ يَأْتِي

سورة طارق در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۱۷ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

قسم بآسمان و قسم بطارق آن (۱) و چگونه توانی طارق آسمان را بدانی (۲) طارق همان ستاره درخشان است که نورش فرو رود (۳) قسم باینان که هر شخصی را البته مراقب و نگهبانیت (۴) انسان مفرور در بدو خلقت خود بشکرت که ازجه آفریده شده است (۵) از آب نطفه جهنده ای خلقت گردیده (۶) که از میان صلب پدر و سینه مادر بیرون آمده است (۷) (خدائی که او را آفرید) البته پر زنده کردتش دوباره پس از مرگ قادر است (۸) روزی که اسرار باطن شخص آشکار شود (۹) و آن قوتی در خویش و یاوری مریجات خود نیابد (۱۰) قسم بآسمان فرزنده پاران (۱۱) و قسم بزمین گیاه روینده (۱۲) که قرآن بحقیقت کلام جدا کننده حق از باطل است (۱۳) و هرگز سخن هزل بییده نیست (۱۴) و دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکرر میکنند (۱۵) و ما هم در مقابل مکرشان مکر خواهیم کرد (۱۶) پس تو ای رسول آند کی کافران را مهلت ده (۱۷)

سورة اعلی در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۱۹ آیه میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما بنام خود که برتر از همه موجوداتست به تسبیح و ستایش مشغول باش (۱) آن خدائی که عالم را خلق کرد و همه را بعد کمال خود رسانید (۲) آن خدائی که هر چیز را قدر و اندازه ای داده برای کمالش عداوت نمود (۳) آن خدائی که گیاه را سبز و خرم از زمین پرویانید (۴) و آنگاه خشک و سیاه گردانید (۵) و ما آیات قرآن را بر تو (مکرر) قرائت میکنیم تا هیچ فراموش نکنی (۶) مگر آنچه خدا خواهد که او پامور آشکار و پنهان عالم آگاهست (۷) و ما ترا بر طریقه آسان موفق میداریم (۸) پس آیات الهی خلق را اگر سودمند افتد متذکر ساز (۹) البته هر که خدا ترس باشد باین تذکر پندمی گیرد (۱۰) و آنکه شقی تر نفس است از آن پند و موعظه الهی دوری گزیند (۱۱) آنکس بآتش بسیار سخت دوزخ در افتد (۱۲) در آن دوزخ نه پمیرد نه نهد نه بر خوردار از زندگانی باشد (۱۳) حقا که فلاح و رستگاری یافت آن کسی که تزکیه نفس کرد (۱۴) و بدگر نام خدا بنماز پرداخت (۱۵) (اما مردم از جبل بسوی عسجدات نروند) بلکه زندگانی دنیا را بگزینند و میزدارند (۱۶)

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى إِنَّ هَذَا لَآلِى الصُّحُفِ الْأُولَى خُفِّفَ عَنْهُمْ وَمُوتُوا
 سُورَةُ الْحَاقَّةِ مَكِّيَّةٌ وَفِيهَا ثَلَاثُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ۝ وَجُودُهُ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَالِيَةٌ تَأْتِي
 تَضَلَّى نَارًا خَالِيسَةً ۝ تَنَقَّى مِنْ غَيْنٍ أَيْبَةً ۝ لَبَسَ لَهُمْ طَعَامُ الْأُولَى
 مِنْ ضَرِيحٍ ۝ لَا يَسْمُونَ وَلَا يُنَبِّئُونَ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ جُوعٌ ۝ وَجُودُهُ يَوْمَئِذٍ نَاعَةٌ ۝
 لَسْعُهَا رَاضِيَةٌ ۝ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ لَا تَمْنَعُ فِيهَا الْأَغْبِيَّةُ ۝
 فِيهَا عَنْ جَارِبَةٍ ۝ فِيهَا سُرٌّ مَرْفُوعَةٌ ۝ وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ ۝
 وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ۝ وَزَوَافٍ مَبْنُوءَةٌ ۝ أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى
 الْأَيْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ۝ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۝ وَإِلَى الْجِبَالِ
 كَيْفَ نُصِبَتْ ۝ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ۝ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ
 مُذَكِّرٌ ۝ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصْطَفٍ ۝ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ۝ فَيُعَذِّبُهُ
 اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ۝ إِنَّ إِلَهُنَا أَيْمَانُهُ ۝ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُ
 سُورَةُ الْحَجَرِ مَكِّيَّةٌ وَفِيهَا ثَلَاثُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَالْحَجَرِ ۝ وَلِلْجِبَالِ عَشِيرٌ ۝ وَالشَّفْعِ وَالْوَزْنِ ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا تَجَسَّى ۝
 هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حُجْرٍ ۝ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۝

در صورتیکه منزل آخرت پی بهتر و پاینده تر است (۱۷) این گفتار بحقیقت در کتب رسولان پیشین ذکر شده (۱۸) بخصوص در صحیفه ابراهیم و توبه موسی مفصل بیان گردیده است. (۱۹)

سوره نوحیه در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۹ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

ای رسول ما آیا خبر هولناک قیامت و پلید عالم گیر محشر بر تو حکایت شده است (۱) که آنروز رخسار گروهی ترسناک و ذلیل باشد (۲) همه کارشان رنج و مشقت است (۳) پیوسته در آتش فروزان دوزخ می افتند (۴) از چشمه آب گرم جهنم آب نوشند (۵) و طعامی غیر ضریح دوزخ بر آنها نیست (۶) که بآن طعام نه فربه شوند و نه سیر گردند (۷) جمعی دیگر به نعمتهای بهشت رخسارشان شادمان و خندانست (۸) و از سستی و کوشش خود غنودند (۹) که در بهشت بلند مرتبت مقام مالی یافته اند (۱۰) و در آنجا هیچ سخن زشت پیوده نغزوند (۱۱) در آن بهشت چشمه های آب جاریست (۱۲) هم آنجا تختهای عالی و کرسیهای بلند پایه نهاده اند (۱۳) و قدوحای بزرگ گذاشته (۱۴) و مستند و بالشیای می تپداشته (۱۵) و فرشها گسترده اند (۱۶) آیدار خلقت شتر نمی گردند که چگونه خلق شده است (۱۷) در خلقت کاخ آسمان بلند فکر نمی کنند که چگونه با استحکام نظم گردش رایشه و انوار نگو آفریده اند (۱۸) و کوهها را نمی بینند که چگونه بر افراشته اند (۱۹) و زمین تپل نمی کنند چگونه گسترده اند (۲۰) ای رسول تو خلق را (بحکمتهای الهی) متذکر ساز که وظیفه پیغمبری تو غیر از این نیست (۲۱) تو مصلط و توانا بر آنها نیستی (۲۲) جز آنکه هر کس روی از حق بگرداند و کافر شود (۲۳) او را خدا بمذابی بزرگ مضطرب کند (۲۴) که البته باز گفت آنها بسوی ماست (۲۵) آنگاه (و جزای اعمال نیک و بد) شان پرمای خواهد بود. (۲۶)

سوره فجر در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۳۰ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

قسم بصبحگاه هنگامیکه خدا جهان را بنور غورشید روشن میسازد (۱) و قسم بدشب اول و صبح که خلق بزرگ خدا میشوند قسم بحق جنت و بهشت و قسم بهب هنگامیکه بروز روشن مبدل شود (۲) آیدار این امور که قسم بآنها یاد شد نزد اهل خرد لیاقت سوگند نیست (۳) ای رسول ندیدی که خدای تو با عباد چه کرد (۴)

اَرَمَ ذَابَ الْعَالِيَةُ الْاَلَى لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي اَلْبِلَادِ ١٠ وَتَمُودَ الَّذِي
 جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ١١ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْاَوْنَادِ ١٢ الَّذِي طَغَا فِي
 الْاِيْلَادِ ١٣ فَكَثُرَ وَاِيهَا الْفَسَادُ ١٤ قَصَبَ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ
 ١٥ إِنَّ رَبَّكَ لَبِاِلْمُرْصَاتِ ١٦ فَاَمَّا الْاِنْسَانُ اِذَا مَا ابْنَلَهُ رَبُّهُ
 فَآكْرَمَهُ وَلَقَدْ قَبَّلَ فِيْهِ فَمَقُولَ رَبِّيْ اَكْرَمَ ١٧ وَآمَنَّا اِذَا مَا ابْنَلَهُ فَقَدَّرْ
 عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَمَقُولَ رَبِّيْ اَمَانٌ ١٨ كَلَّا لَبِاِلْاَنْكِرِمْوْنَ الْهَيْئَةِ ١٩
 وَالْاَنْفَاسِمْوْنَ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِيْنَ ٢٠ وَتَاْكُلُوْنَ الشَّرَآءَ اَكْلًا لَّامًا
 وَيُخَيَّمُوْنَ اَلْمَالَ خُبَا جَاءًا ٢١ كَلَّا اِذَا دُكَّتِ الْاَرْضُ دُكًّا دَكًّا ٢٢
 وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ٢٣ وَجِئَ بِهَوْمٍ سِدِّ بِهَمَّتْ يَوْمَئِذٍ
 بَنَدُ كَرِّ الْاِنْسَانِ وَاَنَّى لَهُ الذِّكْرُ ٢٤ يَقُولُ يَا اَلْبَتَّى قَدَّرْتُ
 لِحَبَابِ ٢٥ يَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَنَّا اَبَهُ اَحَدٌ ٢٦ وَلَا يُوَفِّيْهِمْ وَاثَاقَهُ
 اَحَدٌ ٢٧ يَا اَلْبَتَّى الْقَسْرِ الْمَطْلُوعَةِ ٢٨ وَرُجِعِ اِلَى رَبِّكَ رَا ضِبَّةً
 مَرْضِيَّةً ٢٩ فَادْخُلْ فِيْ عِبَادِيْ ٣٠ وَادْخُلْ اِيْتِيْ ٣١

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
 لَا اُقِيْمُ هِدَا الْبَلَدِ ١٠ وَانْتَ حِلُّ هِدَا الْبَلَدِ ١١ وَوَالِدِ مَا
 وَلَدَ ١٢ لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِيْ كَبَدٍ ١٣ يَحْسَبُ اَنْ لَّنْ يَغْدِرَ

نیز باهل شهر ارم که صاحب قدرت و عظمت بودند چگونه کفر داد (۷)
 در سودنی که مانند آن شهر در استمکام و بزرگی موتمن در بلاد عالم نبود
 (۸) و نیز بقوم نمود که ستورا شکافته و کاخها بر خود از سنگ میساختند
 چه کفر سخت داد (۹) و نیز فرعون را که صاحب قدرت و سپاه بسیار
 بودند چگونه پندهای هلاک غرق نمود (۱۰) برای اینکه در روی زمین
 ظلم و طغیان کردند (۱۱) و بسیار فساد برانگیختند (۱۲) تا آنکه خدای
 تو بر آنها عذاب پیچیدی فرستاد (۱۳) ای رسول خدای تو البته در کمین
 گاه ستمکارانست (۱۴) اما انسان چون خدا را بر پنج وعصی مبتلا سازد سپس
 بکرم خود او را نعمتی برای آزمایش و امتحان بخشد در آن حال (مفرو و نعمت
 شود) گوید خدا مرا عزیز و گرامی داشت (۱۵) و چون او را باز برای آزمودن
 تنگ روزی و فقیر کرد گوید خدا مرا خوار گردانید (۱۶) چنین نیست
 چون هرگز یتیم نوازی نکنند (۱۷) و فقیر را بر سفره طعام خود بپول و
 رغبت نتشاند (۱۸) و مال او را بنیام میخورند (۱۹) و سخت فریفته
 و مایل بهال دنیا میباشد (۲۰) چنین نیست (که دنیا طلبان پندارند روزی
 که از دزللهی در پی آن زمین بکلی خرد و متلاشی شود (۲۱) و آن هنگام امر
 خدا و فرشتگان سف در سف بر سر محشر آیند (۲۲) و آن روز جهنم را پدید
 بیاورند و همان روز آدمی متذکر کار خود گردد و آن تذکر چه سود بهال
 او بخشد (۲۳) و با حسرت گوید ای کاش درد دنیا برای زندگانی ابدی امروزم
 کار خیری انجام میدادم (۲۴) و آن روز بمانند عذاب انسان کافر هیچکس
 عذاب نکشد (۲۵) و آن گونه جزا انسان کسی بپند (هلاک) گرفتار نشود (۲۶)
 ای نفس قدسی مطمئن دل آرام (بیاد خدا) (۲۷) امروز به حضور پروردگار تو
 باز آی که تو خشنود (بنعمتهای ابدی او) و او را رضی از تو است (۲۸) باز آی
 و در صف بندگان خاص من در آی (۲۹) و در بهشت من داخل شو (۳۰)

سوره بلد در مکمل معقلمه نازل شده و مشتمل بر ۴۰ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

سو گویند باین بلد (مکه معظمه و مسجد کعبه محترم) یاد نکنم (۱) و حال آنکه
 تو (ای رسول) در این بلد منزل داری (۲) (قسم بان) و قسم بپدر و فرزندان
 (بزرگوار انسان آدمی) و فرزندان (خدا پرست) و (۳) که ما نوع انسان را
 بحقیقت در رنج و مشقت آفریدیم آیا انسان پندارد که میچ کسی بر او

عَلَيْهِمْ أَهْلًا يَقُولُ أَهْلًا كَمَا لَا بُدَّ ۖ أَيَحْسَبُ أَنْ لَوْ
 أَهْلَكَ إِلَّا لَجَعَلَ لَهُ عَنَابِينَ ۖ وَلِيَا نَا وَشَقَاتِينَ ۖ وَهَدَنَا
 الْقُدْرَةَ ۖ فَلَا أَفْهَمَ الْعَقَبَةَ ۖ وَمَا أَذْرِيكَ مَا الْعَقَبَةُ ۖ
 فَكَيْ رَقَبًا ۖ أَوْ إِبْطَارًا فِي يَوْمٍ مَسْغَبٍ ۖ يَتَّبِعَانِ مَا مَقَرُّهُ
 أَوْ مِسْكِينًا ذَا مِرْبَةٍ ۖ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ
 وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَةِ ۖ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۖ وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا يَا بَايَا نَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۖ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ ۖ

سورة النمل مكية في خمس عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْقَمِينَ وَصَحْبَهُمَا ۖ وَالْقَمَرَ إِذَا تَلَمَّهَمَا ۖ وَالتَّهَارِ إِذَا جَلَّهَمَا ۖ
 وَاللَّيْلِ إِذَا بَغَّهَمَا ۖ وَالنَّهَارَ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ وَالْأَرْضَ مَا طَجَّهَا ۖ
 وَتَغَيَّرَ مَا سَوَّاهَا ۖ فَاطَّهَّرَهَا فَجُورَهَا وَتَقَوَّاهَا ۖ قَدْ أَفْلَحَ
 مَنْ زَكَّاهَا ۖ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۖ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ۖ
 إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ۖ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۖ
 فَكَذَّبُوهُ فَفَقَرُوا ۖ مَا أَقْدَمَهُمْ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ يَزِيدُهُمْ فِتْنَاهَا ۖ

ولا يخاف سورة النمل مكية في إحدى عشرة آية غصية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توانایی ندارد (ذهی غرور و جهالت) (۵) و میگوید من مال بسیاری تلف کردم
آیا ما باو دو چشم عطا نکردیم (۷) و زبان و دلوپ (برای سخن) باو ندادیم
(۹) و راه خبر و شر را باو ننمودیم (۱۰) باز هم بقیه تکلیف تن در نداد
(۱۱) و چگونه توان دانست که آن بقیه چیست (۱۲) آن بنده (در راه
خدا) آزاد گردنست (۱۳) و طعام دادن در روز قحطی و گرمی است
(۱۴) یا به یتمم خوبش آوردن خود (احسان کردن) (۱۵) یا بفقر مفسر
خاک نشین (۱۶) و آنگاه هم از آنان باشد که بخدا ایمان آورده و یکدیگر
را با محبت صبر و مهربانی با خلق سفارش میکنند (۱۷) که آنها اهل یمن
و ساداتند (۱۸) و آنانکه بآیات ما کافر شدند آنها اهل شومی و شقاوتند
(۱۹) بر آن کافران آتشی سرپوشیده و احاطه خواهد کرد (۲۰)

سوره شمس در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۲ آیه میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم به آفتاب و تابش هنگام رفتش (۱) قسم بماه که پیرو آفتاب تا بان
شاید از آفتاب جدا نمیشود و پیروی هم منظور است
است (۲) و قسم بر روز هنگامیکه جهان را روشن سازد (۳) و شب و قیامت
عالم را در پرده سیاهی کشد (۴) و قسم به آسمان بلند و آنکه این کاخ
رفیع را بنا کرد (۵) و زمین و آنکه آنرا بگسرد (۶) و قسم بنفس و
آنکه او را نیکو بیافرید (۷) و باو شر و غیر او را الهام کرد (۸) که هر
کس نفس ناطقه خود را از گناه و بدکاری پاک و منزله ساد و پیرین دستگار
خواهد بود (۹) و هر که او را بکفر و گناه پلید گرداند البته زیانکار
خواهد گشت (۱۰) طایفه نمود از غرور و سرکشی پیغمبر خود صالح را
تکذیب کردند (۱۱) هنگامیکه شقی تریشان بر انگیخته شد (۱۲) و
رسول خدا صالح بآنها گفت این ناله آیت خداست از خدا بفرسید و آنرا
سیراب گردانید (۱۳) آن قوم رسول را تکذیب و ناله او را پی کردند خدا
هم آنان را بکفر گناهان عظام ساخت و شهرشان را با خاک یکسان نمود
(۱۴) و هیچ پاک از آنها نداشت (۱۵)

سوره الفیل در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۹ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ۚ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ۚ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ
وَالْأُنثَىٰ ۚ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ۚ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ۚ وَصَدَّقَ
بِالْحُسْنَىٰ ۚ فَسَنبَئُهُ لِلنُّبَىٰ ۚ وَأَمَّا مَنْ يَجَلْ ۖ وَاسْتَفْتَىٰ ۚ وَكَذَّبَ
بِالْحُسْنَىٰ ۚ فَسَنبَئُهُ لِلْعُسَىٰ ۚ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ ۚ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ۚ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ۚ
فَأَنْذَرْنَاكَ نَارًا تَلْقَىٰ ۚ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ۚ الَّذِي كَذَّبَ
وَتَوَلَّىٰ ۚ وَسُجِّنَ لَهُ الْأَمْشَىٰ ۚ الَّذِي يُوَفَّىٰ مَالَهُ يُتْرَكَنِي ۚ وَمَا
لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ ۚ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ وَلَوْ فَتَرَ

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۚ فِي خَمْسَةِ عَشَرَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالضُّحَىٰ ۚ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ۚ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ۚ
لَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ۚ وَلَوْ أَنْ يُعْطِيَكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ۚ
أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ۚ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ۚ وَوَجَدَكَ
عَانِلًا فَأَغْنَىٰ ۚ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۚ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۚ
وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۚ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَلَمْ تَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۚ وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ ۚ الَّذِي

قسم یسب تار هنگامی که جهان را در پرده سیاه ببوشاند و قسم پرورده نکامی که عالم را بظهور خود روشن سازد (۳) و قسم بمخلوقات عالم که خداها را جفت نر و ماده بیافرید (۴) قسم باین آیات الهی که سعی و کوشش همه مردم بسیار مختلف است (۵) اما هر کس صلا و احسان کرد و خدا ترس و پرهیز کار شد (۶) و بنیکوئی تصدیق کرد (۷) ما هم البته کار او را سهل و آسان میگردانیم (۸) اما هر کس بغل و زرد و از جهل و غرور خود را از لطف خدا بی نیاز دانست (۹) و نیکوئی را تکذیب کرد (۱۰) هر بزدلی کار او را دشوار می کنیم (۱۱) و گاه عذاب و هلاکت دلالت بر وی را هیچ نجات نتواند داد (۱۲) و البته بر ماست که خلق را هدایت کنیم (۱۳) و ملک دنیا و آخرت از ماست (۱۴) من شمارا از آتش شعله و درد و زخم ترسانیدم و آگاه ساختم (۱۵) هیچکس در آن آتش در نیفتد مگر شقی ترین خلق (۱۶) همانکس که (آیات خدا را) تکذیب کرد و روی از آن بگرداند (۱۷) و اهل تقوی از آن آتش دوری جستند (۱۸) و آن اهل خود را بفقران اسلام بوجه زکوة اعلا کردند (۱۹) و حال آنکه هیچ کس بر وی خفی نعمتی نداشت (۲۰) او (احسان نکرد) جز در طلب رضای خدای خود که بهر دو بالاتر موجود است (۲۱) و البته در بهشت آخرت پان نعمتهای پندی بخشود خواهد گردید (۲۲)

سوره الضحی در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۱۱ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

قسم پرور روشن یا هنگام ظهر آن (۱) و قسم یسب یا هنگام آرامش آن (۲) که خدای تو هیچگاه ترا ترك نگفته و بر تو خشم ننموده است (۳) و البته عالم آخرت برای تو بسی بهتر از نشاء دنیا است (۴) و پروردگار تو بزدی بتو چندان (مقام شفاعت) عطا کند که تو را جی شوی (۵) آیا خدا تو را یتیمی نیافت که در پناه خود جای داد (۶) و تو را در میان منکره ره گم کرده (و حیران) یافت ره نمائی کرد (۷) و باز تو را فقیر (الی الله) یافت (بدولت نبوت) توانگر گرد (۸) پس تو هم یتیم را هرگز میازاد (۹) و فقیر سائل را هیچ از درد بزرگس مران (۱۰) و اما نعمت پروردگارت را بازگو (۱۱)

سوره انشراح در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۸ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

ای رسول گرامی آیا ما تو را شرح صدر عطا نکردیم (۱) و بارستگن گناه را (پنی گناه است یا گنای ۳۳۳) شرکان بر او می پنداشتند از تو دور داشتیم در صورتیکه

أَنْتَضَّ ظَهْرَهُ ۖ وَدَعَانَا لَكَ ذِكْرًا ۖ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۖ
 مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۖ فَإِذَا فُزْتُمْ فَانصَبْ ۖ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْجِعْ ۝
 ﴿٢٧٠﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَالنَّيِّينَ وَالرَّهْبَانِ ۖ وَطُورِ سِينِينَ ۖ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ۖ
 لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۖ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۖ
 إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۖ
 ﴿٢٧١﴾ لَمَّا يَكُنْ لَكَ بَعْدُ يَا دِينَ ۖ أَلْقِ اللَّهُ بِأَحْكُمِ الْحَاكِمِينَ ۖ
 ﴿٢٧٢﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 إِفْرَأْ بِأَنِّمَ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۖ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۖ ﴿٢٧٣﴾ قُرْ
 وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۖ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۖ عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۖ
 كَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لَبَطِخٌ ۖ أَنْ دَاوَاهُ اسْتَعْنَىٰ ۖ رَانَ إِلَىٰ رَبِّكَ
 الرُّجُوعُ ۖ أَرَأَيْتَ الَّذِي تَعْبُدُ ۖ إِذَا أَصَابَ ۖ أَرَأَيْتَ إِنْ كُنَا
 عَلَىٰ الْهُدَىٰ ۖ أَوْ آمَرْنَا بِالْغَوَىٰ ۖ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۖ أَلَمْ
 يَعْلَمِ بِأَنَّ اللَّهَ بَرُّهُ ۖ كَلَّا لَئِنْ رَأَيْتَهُ لَنَنْفَعَا بِالشَّامِصَةِ
 نَاصِبَةٍ ۖ كَافٍ بِدُعَا طَيْفَةٍ ۖ قَلْبٌ دُعَا مَادِيَةٍ ۖ سَدُّ دُعَا

مفسرین گفته اند مراد گناه است یا گناهی که در گناه

آن بار سنگین بود پشت ترا گران دارد ۳ و نام نکوی ترا در عالم بلند کردیم ۴ پس بامر سختی البته آسانی هست ۵ و با هر آسانی البته سختی هست ۶ پس تو چون از نماز طاعت پرداختنی برای دعا هست مصروف دار ۷ و بسوی خدای خود همیشه مشتاق باش ۸

سورة التین درمکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۸ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

قسم به تین وزیتون ۱ و قسم بطورسینا ۲ و قسم باین شهر امن و امان (مکه معظمه) ۳ که ما انسان را در (مقام احسن تعویم بیافریدیم ۴) پس باسفل سافلین برگردانیدیم ۵ مگر آنان که بعد از ایمان آورده و نیکو کار شدند که پائنها پاداش دائمی عطا کردیم ۶ پس ای انسان مشرک ناسپاس چه تورا بر آن داشت که دین حق را تکذیب کنی ۷ آیا خدا مقتدرتر و عادلتر حکم فرمایان عالم نیست (البته هست) ۸

سورة العلق درمکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۱۹ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

ای رسول گرامی قرآن را بنام پروردگارت که خدای آفریننده عالم است بر خلق قزائم کن ۱ آن خدائی که آدمی را از خون بسته بیافرید ۲ بخوان قرآن را و پروردگار تو کریمترین کریمان عالم است ۳ آن خدائی که بشر را علم نوشتن بقلم آموخت ۴ و بآدم آنچه را که نمیدانست بالهام خود تعلیم داد ۵ باز چرا انسان از کفر و طغیان باز نمیایستد و سرکش و مغرور میشود ۶ چون که بفنا و دارائی میرسد ۷ بترسد که محققا بسوی پروردگار باز خواهد گشت ۸ ای رسول ما دهی آن کسی را که منع و (تمنیه) نمیکرد ۹ آن بنده خدای را که بنماز مشغول شد ۱۰ آیا چه می بینی اگر آن (رسول) براه راست باشد ۱۱ و خلق را بتقوی و پرهیز کاری امر کند ۱۲ آیا شما مردم بر این کسی که حق را تکذیب میکند و از (رسول) او رو میگرداند چه رای میدهید ۱۳ آیا او ندانست که خدا (اعمال دشمنان را) می بیند ۱۴ اگر او از کفر و ظلم و تکذیب پیش دست نکشد البته خدامی پشیمانیش بقر و انتقام بگیرد ۱۵ آن پشیمانی ددوغ زن عطا پشه را ۱۶ نگاه او هر که را خواهد بخواند ۱۷ و ما هم فرشتگان قهر و عذاب که زبانیه دوزخ اند بر گرفته او

الرَّبَّانِيَّةَ أَكْثَرًا لَا تُطْعَمُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۝ ١٩١ ۝

سورة القدر مكية من خمس ايات

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۝
لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَبْرٌ مِنْ أَلْفِ سَنَةٍ مَنْزَلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا
يَأْذِنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ امْرٍ ۝ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ۝

سورة القدر مكية من خمس ايات

بسم الله الرحمن الرحيم

لَتَرْكَبُنَّ الدِّينَ كَهْرًا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الشُّرَكِيِّينَ مُتَّفَقِينَ حَتَّى
تَأْتِيَهُمُ الْبَيْتَةُ ۝ رَسُولٌ مِنْ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ۝ فِيهَا
كُتِبَ الْقِيَمَةُ ۝ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوقُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا
جَاءَتْهُمْ الْبَيْتَةُ ۝ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ
الَّذِينَ خُفِيَاءَ وَيُحْمِلُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ
الْقِيَمَةِ ۝ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الشُّرَكِيِّينَ فِي نَادِ
جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۝ أُولَٰئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ۝ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۝ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ۝ هُوَ أَوْ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِ
جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۝ وَرُفُوعٌ

میخواهیم (۱۸) ایرسول گرامی چنین نیست که ابو جهل پنداشته تو هبی از او اطاعت مکن و بنماز و سجده خدا پرداز و بحق نزدیک شو (۱۹)

سوره قدر در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر پنج آیه می باشد

بنام خدای بخشنده مهربان

ما این قرآن عظیم الشان را در شب قدر نازل کردیم (۱) و چه تو را به معظمت این شب قدر آگاه تواند کرد (۲) شب قدر (بمقام و مرتبه از هزارامه بهتر و بالاتر است (۳) در این شب فرشتگان و روح (یعنی جبرئیل) باذن خدا (بر امام عصر) از هر فرمان (و دستور الهی و سر نوشت خلق) نازل گرداند (۴) این شب رحمت و سلامت و تهنیت است تا بحکاه (۵)

سوره بینه در مدینه طیبه نازل شده و مشتمل بر ۸ آیه می باشد

بنام خدای بخشنده مهربان

کافران اهل کتاب و مشرکان متفق نبودند تا آنکه برهان (و حجت حق) (۱) آنها آمد رسول از جانب خدا فرستاده شد تا کتب آسمانی پاک و منزه را بر آنها تلاوت کند (۲) که در آن کتاب نامه های حقیقت و راستی مسطور است (۳) و اهل کتاب در حق این رسول راه تفرقه و خلاف نه پیموندند مگر پس از آنکه آنها را حجت کامل بر حقانیت رسول آمد (۴) و امر نشدند مگر براینکه خدا را باخلاص کامل در دین حق اسلام پرستش کنند و از غیر دین حق روی بگردانند و نماز بپا دارند و زکوة فقیران بدهند اینست دین درست (۵) محققا آنانکه از اهل کتاب کافر شدند آنها با مشرکان همه در در آتش دوزخند و در آن همیشه معذبند و آنها بحقیقت بدترین خلقند (۶) و آنابکه بخدای یکتا ایمان آوردند و نیکو کار شدند آنها بحقیقت بهترین اهل عالمند (۷) پاداش آنها نزد خدا باغهای بهشت و دست که نه رها زیر درختانش جاریست و در آن بهشت ابد جاودان منتعمند و خدا از آنها خشنود

اللَّهُ عَنْهُمْ وَرِضْوَانَهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ

سورة التذرية مكية ثمانون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالًا ۝ وَانفَجَّتْ الْأَرْضُ أْفْجَالًا ۝
وَأُخْرِجْنَا لِرِضْوَانِهَا ۝ وَأَخْرَجْنَا لِرِضْوَانِهَا ۝
وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ تُخْبِتُ أَخْبَارَهَا ۝
إِنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ يَصُدُّ السُّمُومُ ۝
وَأُخْرِجْنَا لِرِضْوَانِهَا ۝ وَأَخْرَجْنَا لِرِضْوَانِهَا ۝
وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ تُخْبِتُ أَخْبَارَهَا ۝
إِنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ يَصُدُّ السُّمُومُ ۝

سورة التذرية مكية ثمانون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ۝ فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا ۝
وَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ۝ فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا ۝
وَالْحَسْبُ لَهَا ۝ وَالْحَسْبُ لَهَا ۝ وَالْحَسْبُ لَهَا ۝
وَالْحَسْبُ لَهَا ۝ وَالْحَسْبُ لَهَا ۝ وَالْحَسْبُ لَهَا ۝
وَالْحَسْبُ لَهَا ۝ وَالْحَسْبُ لَهَا ۝ وَالْحَسْبُ لَهَا ۝
وَالْحَسْبُ لَهَا ۝ وَالْحَسْبُ لَهَا ۝ وَالْحَسْبُ لَهَا ۝
وَالْحَسْبُ لَهَا ۝ وَالْحَسْبُ لَهَا ۝ وَالْحَسْبُ لَهَا ۝

سورة التذرية مكية ثمانون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْفَارِغَةُ هَا الْفَارِغَةُ ۝ وَمَا أَذْرَبَكُمْ مَا الْفَارِغَةُ ۝

و آنها هم از خدا راضی هستند و این بهشت مخصوص کسی است که از خدا

ترسید (۸)

سوره زلزال دهمین مکیه نازل شده و مشتمل بر ۸ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

هنگامی که زمین سخت‌ترین زلزله خود بلرزد در آید (۱) و بارهای سنگین اسرار درون خویش همه را از دل خاک بیرون افکند (۲) در آن روز معشر آدمی گویند زمین را چه پیش آید (۳) آن هنگام زمین مردم را به حوادث (بزرگ) خویش آگاه میسازد (۴) که خدا باو چنین الهام کند (۵) در آن روز (قیامت) مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند (تا نتیجه اعمال خود را) به بینند (۶) و هر کس بقدر ذره‌ای کار نیک کرده (پاداش) آن را خواهد دید (۷) و هر کس بقدر ذره‌ای کار زشتی مرتکب شده آنها را بکفرش خواهد رسید (۸)

سوره عادیات دهمین مکیه نازل شده و مشتمل بر ۱۱ آیه می‌باشد

بنام خدای بخشنده مهربان

قسم باسانی که نفسان بشماره افزاد (۱) و در تاختن از سم ستوران بر سنگ آتش افروختند (۲) و صبحگاهان کافران را برت گرفتند (۳) و گرد و غبار از دهان برانگیختند (۴) و سپاه دشمن را همه در میان گرفتند که (۵) انسان نسبت به پروردگارش کافر نعمت و ناسپاس است (۶) و (خدا و یا) خود او بر این ناسپاسی البته گواهی خواهد داد (۷) و هم او بر حجب مال دنیا سخت قریفته و بغیال است (۸) آیا آدمی نمیداند که روزی از قبرها برانگیخته میشود (۹) و آنچه در دلها پنهان است همه را پدیدار میسازد (۱۰) محققا آن روز پروردگار از کردارشان کاملاً آگاه است (۱۱)

سوره قارعه دهمین مکیه نازل شده و مشتمل بر ۱۱ آیه می‌باشد

بنام خدای بخشنده مهربان و آما و اوام دنیوی

قارعه چیست (۱) همان روز وحشت و اضطراب که دلای خلاقی را از ترس درهم کوبد (۲) چگونه حالت آن روز هولناک را تصور توانی (۳) که (۴) در آن روز همه این صواح

يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْتُوتِ ۖ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ
الْمَنْفُوشِ ۚ فَأَمَّا مَنْ نَقَلَ مَوَازِينَهُ ۖ فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ وَرَاضَةٍ ۚ
۝ وَأَمَّا مَنْ خَفَقَ مَوَازِينَهُ فَأَمَتْهُ هَٰوِيَةٌ ۖ وَمَا أَدْرَاكَ
هَٰوِيَةٌ ۝ سُبْحَانَكَ رَبِّيَ عَمَّا يَشْكُرُونَ ۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَلْفًا نَدِيمًا ۚ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْمُهَكَّدُ الْتَكَثُرُ ۚ حَتَّى زُرُّوا الْمَقَابِرَ ۚ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۚ
زُرُّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۚ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْبَهِيمِ ۚ لَتَرَوُنَّ
الْجَحِيمَ ۚ لَتَرَوُنَّ مَعَاقِبَ الْبَهِيمِ ۚ لَو لَسْتُمْ تَعْلَمُونَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ۚ
سُورَةُ الْعَصْرِ مَكِّيَّةٌ مِنْ ثَلَاثِ آيَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْعَصْرِ ۚ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ ۖ لَآ إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آَمَنُوا وَ
عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۚ وَتَوَّصُوا بِأَخِي ۚ وَتَوَّصُوا بِالْقَنَةِ ۚ
سُورَةُ الْإِنشِرَافِ مَكِّيَّةٌ مِنْ ثَلَاثِ آيَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَبَلَّ لِكُلِّ فَرْجٍ وَلَمَّا ۚ أَلَدَى جَمْعٍ مَالًا وَعَدَدٌ ۚ وَهَبْتَ أَنْ
مَالَهُ أَخْلَدَ ۚ كَلَّا لَئِن بَدَدْتَ فِي خَطْمَةٍ ۚ هُوَ مَا أَدْرَاكَ
مَا الْخَطْمَةُ ۚ هَٰذَا اللَّهُ الْوَقْدُ ۚ لَنِي تَطْلِعُ عَلَى الْآفَنَةِ ۚ

سخت مردم مانند ملخ هر سوری را پراکنده شوند (۴) و کوهها از هیبت آن همچون زده متلاشی گردد (۵) پس آن دوز عمل هر کس را در میزان حق و زنی باشد (۶) در بهشت با سایش و زندگانی خوش خواهد بود (۷) و عمن هر کس (بیتدرو) سبک وزن است (۸) جایگاهی در قمر هاویه جهنم است (۹) و چگونه سختی هاویه را تصور توانی کرد (۱۰) هاویه همان آتش سخت سوزنده و گداخته است

سورة نکاتر در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۸ آیه میباشد

بنام خداوند بخشنده مهربان

(بهوش آید که) شما مردم را بسیاری اموال و فرزند و شیریه سخت غافل داشته است (۱) تا آنجا که بگور و ملاقات اهل قبور رفتید (۲) آن چنین است که بزودی خواهید دانست (۳) باز هم حقا خواهید دانست (۴) حقا اگر بطور بین میدانستید (۵) البته دوزخ را مشاهده خواهید کرد (۶) و سپس چشم بفرج می بینید (۷) آنکه از نعمتهاش را در آنجا باز می پرسید (۸)

سورة عصر در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۳ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

قسم بصر (نورانی رسول یا دوران ظهور ولی عصر) (۱) که انسان همه در عهدت و زیانست (۲) مگر آنکه بخدا ایمان آورده و نیکو کار شدند و پدرستی و راستی و پایداری در دین یکدیگر را سفارش کردند (۳)

سورة همزه در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۲۹ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

وای بر هر عیبجوی هرزه زبان (۱) همانکسی که مالی جمع کرد و دایم بحساب شماره اش سرگرم است (۲) ندارد که مال و دارایی دنیا عمر ایش خواهد بخشید (۳) چنین نیست بلکه حقا به آتش دوزخ سوزان در افتد (۴) آتشی که چگونه تصور سختی آن توانی کرد (۵) آن آتش را (خشم) خدا برافروخته (۶) شراره آن بر دل های کافران شعله و راست (۷)

إِنَّمَا عَلَيْهِمْ مُّؤَصَّدَةٌ ۖ فِي عَذَابٍ مُّددَةٍ ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ قَاسَىٰ رَبُّكَ يَاصْحَابَ الْبَيْتِ ۖ أَلَمْ يَجْعَلْ كَبْدَهُمْ
فِي قَضِيلٍ ۖ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۖ تَرْمِيهِمْ حِجَارَةً
مِّنْ يَّجِيلٍ ۖ فَيُجْلِي ۖ فَيُجْلِي ۖ فَجَعَلَهُمْ كُصِفًا مَّا كُولٍ ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يُلَافٍ فَرِيقٍ ۖ يُلَافِيهِمْ رِجَالُ الْإِنسَاءِ وَالصَّيْفُ قَلْبَيْتُهُ
رَبِّ هَذَا الْبَيْتِ ۖ الَّذِينَ أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْتُمُ بِالْإِيمَانِ ۖ فَذَكَرَ الَّذِي بَدَعَ إِلَيْهِمُ
وَلَا يَخْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمُسْكِينِ ۖ تَوَلَّىٰ الصُّلَاحِينَ ۖ الَّذِينَ يَنْهَاهُمْ
عَنِ صَلَواتِهِمْ سَامُونَ ۖ الَّذِينَ يَرَوْنَ عَذَابَ اللَّهِ هُمُ الْمُعْرِضُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آتشی که بر آنها از هرسو سخت احاطه کرده (۸) و مانند ستونهای بلند
ربانه کشیده است (۹)

سوره قیل در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۵ آیه می باشد

بنام خدای بخشنده مهربان

ای رسول ما آیا ندیدی که خدای تو با اصحاب قیل چه کرد (۱) آیا کید
و تبه بیری که برای خرابی کعبه اندیشیدند تپاه نکرد (۲) و یی هلاک آنها
مرغان ابابیل را فرستاد (۳) تا آن سپاه را بسنگهای سجیل سنگ باران
کردند (۴) و تفتشان چون علفی زیر دندان حیوان خرد گردانید (۵)

سوره قریش در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۴ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

برای آنکه قریش با هم انس و الفت گیرند (۱) الفتی که در سفرهای
زمستان ثابت و برقرار بماند (۲) پس باید یگانه خدای کعبه را پرستند
(۳) که بآنها هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطر ایشان را ایمن
ساخت (۴)

سوره ماعون در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۷ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

(ای رسول) آیا دیدی آنکس را که روز جزا را انکار می کرد (۱) این همان
شخص (بیرحم) است که بجم را از در خود (بهر) میراند (۲) و کسی را
بر اطعام فقیر ترغیب نمیکند (۳) پس وای بر آن نمازگذاران (۴) که
دل از یاد خدا غافل دارند (۵) گمانان که (اگر طاعتی کنند) بر او و خود ندانی
کنند (۶) و زکوة و احسان را از فقیران منع کنند (۷)

سوره کوثر در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۳ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

إِنَّا اعْتَبَيْنَاكَ الْكَافِرُونَ ۝ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۝ إِنَّ شَأْنِيكَ

مَوْ ۝ سُبْحَانَكَ مَكَتَدِي فِي خَيْرِ الْأَيَّامِ ۝ الْأَنْبِيَاءُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۝ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۝ وَكُنتُمْ لَا تَعْبُدُونَ

عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ۝ وَكُنتُمْ لَا تَعْبُدُونَ

عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۝ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ۝

سُبْحَانَكَ مَكَتَدِي فِي خَيْرِ الْأَيَّامِ ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ۝ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ

اللَّهِ أَفْوَاجًا ۝ فَتَحْنَبْ مُحَمَّدٌ رَّبِّكَ وَأَتَّعِظُهُ إِنَّهُ كَانَ قَوَّامًا ۝

سُبْحَانَكَ مَكَتَدِي فِي خَيْرِ الْأَيَّامِ ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي هَبْ ۝ تَبَّتْ ۝ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ۝

سَبَّحْتَ نَارًا إِذَا دَانَ هَبْ ۝ وَأَمْرَ آتَاهُ مَعَالَهُ الْأَحْطَابُ ۝ فِي

جِدِّ مَا حَبَلُ ۝ سُبْحَانَكَ مَكَتَدِي فِي خَيْرِ الْأَيَّامِ ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ

ای رسول (ماتورا عطاى بسیار بخشیدیم) بنو نام نیکو و کثرت فرزند و نهر کوثر و مقام شفاعت از لطف خود عطا کردیم (۱) پس توهم (بشکرانه آن نم) برای خدا بنماز و (طاعت) و قربانی (و مناسک حج) بپردازد (۲) که محققا دشمن بدگوی تو (عاص این وائل) مطلق النسل است (۳) سوره کافرون در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۶ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

(ا بر سولما) بگو که ای کافران مشرك (۱) من آن (پان) را که شما (بخدای) میپرستید هرگز نمیپرستم (۲) و شما هم آن خدای یکتائی که من پرستش میکنم پرستش نمیکنید (۳) نه من خدایان باطل شمارا عبادت میکنم (۴) و نه شما یکتا خدای معبود مرا عبادت خواهید کرد (۵) پس اینک دین شما برای شما باشد و دین من برای من (۶)

سوره نصر در مدینه منطویه نازل شده و مشتمل بر ۳ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

چون هنگام فتح و فیروزی خدا فرا رسد (۱) بود آن روز مردم را بنگری که فوج فوج بدین خدا داخل میشوند (۲) و آنوقت خدای خود را حمد و ستایش کن و پاک و منزّه دان و از او مغفرت و آمرزش طلب که او خدای بسیار توبه پذیر است (۳)

سوره لهدر مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۵ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

ا بولپ نابود شود و دوستش (که سنگ بر سول میافکند) قطع گردید (۱) مال و ثروتی که اندوخته هیچ بکارش نیامد و از حلاکتش نرهانید (۲) و بود باشد که بدو زخم در آغوش شعله ور افتد (۳) و همسرش هیزم آتش افروز دوزخ باشد (۴) در حالی که طغای ازلیف خرما بگردن دارد (۵)

سوره اخلاص در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۳ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

(ا بر سول یا یحیی) بگو و خدای یکتا است (۱) خدایانیکه از همه پیتا از همه عالم پاد نیازمند است (۲) نه کسی فرزند او و نه او فرزند کسی است (۳) و نه

بَكْرًا لَهُ ۝ سُبْحَانَ الْقَلْبِ مَدَى مَجْزِي الْمَلِكِ ۝ كَوْنُ الْعَلَمِ

بِإِلهِهِ ۝ اللَّهُمَّ اَنْجِزْ اَمْرَهُمْ

قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْعَالَمِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ مَا سَقَى اِذَا

وَقَبَّ وَمِنْ شَرِّ الْغَافِثِ فِي الْعَقَلِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَدْرَأُ لِحَدِّ

لَقَدْ اَتَيْنَاكَ بِبَيِّنَاتٍ مِنْ رَبِّكَ اِنْ كُنْتَ مِنَ الْعَالَمِ

بِإِلهِهِ ۝ اللَّهُمَّ اَنْجِزْ اَمْرَهُمْ

قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ

الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنْ

بَيْنِ يَدَيْهِمْ وَمِنْ خَلْفَهُمْ يَنْصُرُ النَّاسَ مِنْ حَيْثُ يَشَاءُ ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ اَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اَلَمًا يَوْمَ تَمُوتُ ۝

اَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اَلَمًا يَوْمَ تَمُوتُ ۝ اَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اَلَمًا يَوْمَ تَمُوتُ ۝

اَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اَلَمًا يَوْمَ تَمُوتُ ۝ اَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اَلَمًا يَوْمَ تَمُوتُ ۝

اَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اَلَمًا يَوْمَ تَمُوتُ ۝ اَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اَلَمًا يَوْمَ تَمُوتُ ۝

اَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اَلَمًا يَوْمَ تَمُوتُ ۝ اَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اَلَمًا يَوْمَ تَمُوتُ ۝

اَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اَلَمًا يَوْمَ تَمُوتُ ۝ اَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اَلَمًا يَوْمَ تَمُوتُ ۝

اَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اَلَمًا يَوْمَ تَمُوتُ ۝ اَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اَلَمًا يَوْمَ تَمُوتُ ۝

هیچکی مثل وعتای اوست (۴)

سوره فلق در مکه معظمه نازل شده و مشتمل بر ۵ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

(ایرسولما) بگو من پناه میجویم به خدای فروزنده صبح روشن (۱) از شر مخلوقات (۲)، و از شر شیطان هنگامی که در آید (۳) و از شر زنان افسونگر چون بهادو در کره ها بدمند (۴) و از شر حسود بدخواه چون آتش رشك و حسد پرا فروزد

سوره الناس در مدینه طیبه نازل شده و مشتمل بر ۴ آیه میباشد

بنام خدای بخشنده مهربان

(ایرسول ما) بگو من پناه میجویم به پروردگار آدمیان (۱) پادشاه آدمیان (۲) اله یکتا مبدود آدمیان (۳) از شر و وسوسه شیطان (۴) آن شیطان که وسوسه و اندیشه بد افکند در دل مردمان (۵) چه آن شیطان از جنس جن باشد و یا از نوع انبان (۶)

چون آدمی در اول مرحله زندگی طفلی ناتوانست و بمری (و رب) محتاج و در اواسط جوانی با شهوت و غضب است و سلطان (و ملک) که آن قوا را پندل نگه دارد نیازمند و در پایان هم قوه عقل و عقوبت شود پس اله عالم را نیکوتر شناخت شاید اذین دو خدا بشرا متذکر ناخسته که از اشرار عالم نخست به (رب) خود پناه برد و سپس به (ملک) و در آخر به (اله) خویش پناهنده شود تا زنده بماند همیشه ایمن با عدو و ااعلم

(پایان منتخب التفسیر مهدی الهی قمی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ رَبَّنَا بِأَرْسَالِكَ أَتَيْتَنَا الصَّبْحَ الْعَلِيمَ * وَبِحَبْلِكَ الْكَفَّ
 أَنْتَ الْوَلَدُ الرَّحِيمُ * وَأَمْدًا إِلَى الْآخِرِ وَالْأُولَى طَبَقَ شَيْءٌ بِكَ نَحْمُ
 الْفُزَانَ الْعَظِيمَ * وَأَضْفَ حَتَّى أَبَا كَرِيمٍ * وَاعْفُ رُبَّنَا ذُنُوبَنَا بِصَلَاتِكَ جَبْرًا
 وَكَرَمًا بِالْكَفِّ الْكَرِيمِ * وَأَرْثَمِ الرَّاحِمِينَ * اللَّهُمَّ بَلِّغْ وَأَوْحِلْ قُلُوبَ
 مَا قَرَأْنَا بِكَ الْقَبُولِ * وَشَا إِلَيْهِ رُوحَنَا وَتَفَعَّلْنَا بِكَ عَمَلًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالْمَدِينَةَ بِأَمْرِكَ وَوَسَّلِكَ وَأُولَيْكَ * وَ
 عَلَمَاتِكَ وَصَلَّى عَلَيْكَ وَأَهْلَ طَاعَتِكَ لَجْعَبِينَ * اللَّهُمَّ اضْرِبْ الْإِسْلَامَ
 وَالْمُسْلِمِينَ * وَاضْرِبْ مَنْ ضَرَبَ الدِّينَ * وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَ السُّلْبَ *
 وَاضْرِبْ جُيُوشَ السُّلْبِ * وَعَسَاكِرَ الْمُؤْمِنِينَ * وَكُنْ بِالْقَهْمَةِ وَالْكَفَّةِ
 وَالْمَانَةِ عَلَيْنَا وَعَلَى أَهْلِ طَاعَتِكَ وَالْمُسَافِرِينَ وَالْمُعْتَمِرِينَ
 وَالْمُخَافِينَ وَالْمُنَافِينَ فِي بَرِّكَ وَبَحْرِكَ مِنْ أُمَّةٍ نَحْمَدُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ وَجَمْعِينَ * وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

